

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رهبر هفتا

مجموعه بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)
در باره‌ی مکتب و شخصیت حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف)
رهبر کبیر انقلاب اسلامی

مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی



دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)



مؤسسه پژوهشی فرهنگی
دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی‌ فاضل‌ای رشتی

سرا بهر فرهنگ

مجموعه بیانات حضرت آیت‌الله العظمی‌ خامنه‌ای (مد ظه‌له‌ العالی)
درباره‌ی مکتب و شخصیت حضرت امام خمینی (قدس سره) (تقریباً)
دوره کبیر انقلاب اسلامی

۱۳۹۵

به کوشش: مهدی مطهری
ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی
(وابسته به مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی)
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نسخه الکترونیکی

هرگونه بهره‌برداری بصورت چاپ و تکثیر ممنوع می‌باشد.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۵۱-۸۷-۱

۱۳۹۵

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان دانشگاه جنوبی، کوچه‌ی عطارد، شماره ۷

تلفن: ۶۶۹۷۷۲۶۸ - ۶۶۴۱۰۶۴۹ - تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۸۳۹۷۵ - ۰۹۱۹۵۵۹۳۷۳۲

پست الکترونیکی Info@Khamenei-Book.ir - سامانه‌ی پیام کوتاه ۱۰۰۰۲۰۱۲۰ - <http://Khamenei-Book.ir>

فهرست کلی مطالب

د.	مقدمه
۹۹۱.....	فصل اول: شخصیت امام
۱۰۰۱.....	فصل دوم: خط امام
۱۰۱۵.....	فصل سوم: امام و انقلاب اسلامی
۱۰۲۶.....	فصل چهارم: انحرافات و دشمنیهای با امام و خط امام
۱۰۳۲.....	فصل پنجم: خدمات، برکات و آثار وجودی
۱۰۳۹.....	فصل ششم: دروس و وصایا
۱۰۴۴.....	فصل هفتم: علت و تفسیر برخی مواضع و بیانات
۱۰۴۷.....	فصل هشتم: روابط متقابل امام با دیگران
۱۰۵۱.....	فصل نهم: امام و حوزه
۱۰۵۴.....	فصل دهم: خاطرات و نکات تاریخی مربوط به اثر حضور امام
۱۰۵۵.....	فصل یازدهم: رحلت امام و ابعاد مختلف مراسم سالگرد

مقدمه

سال ۱۳۶۸ ... ۱۳ خرداد... و ناگهان قلب رهبر مستضعفان جهان از حرکت می‌ایستد. ناگزیر سر به عقب باز می‌گردد تا ببیند نقش او در جهان و عالم اسلام و ایران چه بوده است و اگر او نمی‌بود یا اگر به میدان نمی‌آمد چه می‌شد؟

جانشین خلف او راه او را راه انقلاب می‌داند. پس سؤال بعدی این است که راه او چه مشخصات و ویژگی‌هایی داشته است؟

برای یافتن پاسخ این دو سؤال، سؤالاتی دیگر را نیز باید پاسخ گفت:

چه عواملی در شکل‌گیری شخصیت او مؤثر بوده است؟ رمز پیروزی او چه بود؟ چه زمینه‌هایی و چه پیشینه‌هایی در رسیدن او به اهدافش نقش داشت؟ و اصلاً چه اهدافی را دنبال می‌کرد؟ و سؤالاتی از این دست؟

برای پاسخ‌گویی به این سؤالات، مطالبی که در پی می‌آید مفید خواهد بود:

وضعیت جهان پیش از شروع حرکت امام خمینی(ره)

از بعد معنوی اوضاع جهان نابسامان بود. «سیاست قدرت و نظام سلطه‌ی جهانی این بود که دین و معنویت را بکلی از زندگی مردم حذف کند و جامعه‌ی بشری را یک جامعه‌ی بی‌دین و بی‌ایمان و بی‌اعتقاد به ارزشهای الهی تربیت نماید.»^۱

سیاست یا باید از دست شرق املاش را می‌نوشت و یا از سرمشق غرب. برخی «خیال می‌کردند که یا باید به شرق متکی بود و یا به غرب، یا باید نان این قدرت را خورد و

۱ (۱۴/۰۳/۱۳۶۹) در مراسم اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)

ح / ره، رهرو، رهبر

ستایشش کرد و یا آن قدرت را! فکر نمی‌کردند که یک ملت بتواند هم به شرق و هم به غرب «نه» بگوید و بایستد و بماند و خود را روز به روز ریشه‌دارتر کند.^۱ دو قطب بودند. این «دو قطب و دو قدرت، سررشته‌ی مسائل دنیا را در دست داشتند. یکی قدرت غرب به سرپرستی آمریکا و یکی هم قدرت شرق و نظام کمونیستی و بلوک سوسیالیستی دنیا به رهبری شوروی سابق بود، که دنیا را بین خود تقسیم می‌کردند.»^۲

وضعیت دنیای اسلام پیش از شروع حرکت امام خمینی(ره)

پیش از انقلاب «مسلمانان - اعم از جوامع، دولتها و شخصیت‌های مسلمان - در هر جای دنیا که بودند، احساس انفعال می‌کردند و برای خود و پیامشان ارزشی قائل نبودند. یک عدّه متفکرین دلسوز مسلمان، از اسلام دفاع می‌کردند؛ اما دفاع آن‌ها نه از روی قدرت و عزت که از روی دلسوزی و دل‌سوختگی بود. زیرا اسلام در غربت به سر می‌برد.

در آفریقا، در آسیا و در خاورمیانه، چقدر کشورهای اسلامی وجود دارد که در آن‌ها نظامیایی رفت و نظامهای دیگری آمد؛ اما همه جا مسلمانان در انزوا و عزلت بودند.»^۳

اسلام غریب بود. به طوری «که جوان مسلمان هیچ از مسلمان بودن خودش، احساس افتخار نمی‌کرد، حتی ننگشان هم می‌کرد؛ ننگشان می‌کرد بسم الله بگویند، ننگشان می‌کرد جلو چشم دیگران نماز بخوانند؛ یک روزی این طوری بود. افتخار به تبعیت و پیروی و دنباله‌روی از یا غرب یا شرق آن روز - تفکرات مارکسیستی - افتخار به این چیزها بود.»^۴

وضعیت ایران پیش از انقلاب اسلامی

از بعد سیاسی کشور ما هم از سلطه‌ی مستبدان رنج دید و هم از مستکبران مستعمر. «از قرنهای سلطه‌ی مستبدان بر این کشور بگذریم که کشور ما جز در برهه‌هایی بسیار اندک و ناچیز در طول تاریخ، دائماً مبتلا به تسلط مستبدان و حکام خودخواه و خونخوار بود. همچنین از آنچه در دوران طولانی استبداد بر ملت ما گذشت و دائماً ملت ایران به وسیله‌ی

۱ (۱۳۶۸/۰۴/۲۳) خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

۲ (۱۳۷۳/۰۳/۱۷) در دیدار با مردم «یاسوج» در «میدان معلم» این شهر

۳ (۱۳۷۳/۱۱/۱۴) در خطبه‌های نماز جمعه‌ی سوم رمضان ۱۴۱۵

۴ (۱۳۸۵/۰۷/۰۴) در دیدار قاریان شرکت‌کننده در بیست و سومین مسابقات بین‌المللی قرآن

مقدمه / ط

مستبدان خودکامه تحقیر شد، فعلاً حرفی نمی‌زنیم؛ اما در مدت دویست سال تا هنگام ظهور و اوج نهضت اسلامی، ملت ایران توسط تحمیل‌های ظالمانه‌ی دشمنان مسلط خارجی، دائماً تحقیر شد و زیر فشار قرار گرفت.

از روزی که پای خارجیها به عنوان قدرتهای مسلط آن روز عالم، به این کشور باز شد، دخالت سیاستهای خارجی در کشور ما شروع گردید. اول انگلیسی‌ها آمدند، بعد به رقابت با آنها، روسهای تزاری دخالت کردند. سالهای متمادی در کشور ما، بین این دو بر سر اعمال نفوذ بیشتر رقابت بود تا اینکه با روی کار آمدن سلسله‌ی منحوس پهلوی، حاکمیت انگلیسی‌ها به طور کامل در ایران تحکیم شد و بعد هم با گذشت دو سه دهه، آمریکاییها وارد میدان شدند و قدرت شیطنانی و اهریمنی و عیارانه و دزدانه و خباث‌آمیز خودشان را سالها بر کشور و ملت ما ادامه دادند.

در طول این دویست سال، ملت ایران از خود رأیی نداشت. بر ثروت خویش مسلط نبود و از پیشرفت علم و صنعت در دنیا بی‌بهره بود و امید درستی هم به آینده نداشت. اگر در گذشته- قبل از دوران استعمار و دخالت خارجیها در کشور ما- حکام ایرانی و داخلی بر مردم جفا و ستم می‌کردند و زور می‌گفتند، در طول دوران ورود قدرتهای استعماری به ایران، هم سلطه‌ی مستبدان بود، هم اعدامهای بی‌محاکمه رواج داشت، هم زورگویی‌های بی‌حد و حصر و فشارهای فراوان و اختناقهای بی‌اندازه بر ملت ما روا داشته می‌شد و هم مستبدان به وسیله‌ی قدرتهای بیگانه حمایت می‌شدند و قدرت آن‌ها مضاعف می‌گردید و ثروت کشور ما هم به وسیله‌ی هر دو- هم حکام داخلی مستبد و هم خارجیهای زورگو- به باد غارت می‌رفت.

بر ملت ایران در طول قریب دو قرن چه گذشت؟ وقتی کتابهای مستشرقانی را می‌خوانیم که در این مدت به ایران آمدند تا از خوان گسترده‌یی که به وسیله‌ی حکام به یغما می‌رفت، استفاده کنند، هر انسان غیوری در وجود خود احساس تنگ‌دلی و فشار می‌کند و خجالت می‌کشد که این‌گونه بیگانه‌ها را بر زندگی و مال و جان و سرنوشت سیاسی مردم مسلط کردند و این‌طور ملتی بزرگ و با استعداد و نیرومند- مثل ملت ایران- را به زنجیر کشیدند و زیر فشار قرار دادند.

درست است که استعمار به صورت صریح و آشکار به کشور ما وارد نشد و مثل هند و الجزائر حکومت تشکیل نداد، اما حکامی که استعمار به وسیله‌ی آن‌ها در ایران اعمال نفوذ

ی / ره، رهرو، رهبر

می‌کرد، مثل عوامل و ایادی خود آن‌ها برای استعمار عمل می‌کردند. از درون، ملت را خوردند و نابود کردند و عقده‌های این دو بیست سال - بخصوص در چند سال اخیر که فرهنگ اسلامی و استعداد و آرزوهای سیاسی مردم از سوی استعمارگران و قدرتهای دخالت‌گر، بکلی به باد استهزا گرفته شده بود - در مردم ما انباشته گردید.^۱

ایران می‌رفت که به‌کلی غربی شود. «با ملت ما هم قبل از سلطنت خاندان منفور پهلوی این کار را شروع کرده بودند؛ ولی در جریان سلطنت آن رژیم منحوس، این روند را شدت بخشیدند. استعمار و استکبار در دوران سلطنت این خانواده‌ی مزدور و دست‌نشانده، در اشاعه‌ی فرهنگ غربی در جامعه زیاد کوشیدند و متأسفانه موفق هم شدند.^۲»

این تلاش ما را به خودباختگی کشانده بود. شعارهای ناامیدکننده در بین نخبگان و عوام موج می‌زد. «مثل اینکه ایرانی «نمی‌تواند»، ایرانی غرضه‌ی حضور در میدانهای علم و فرهنگ را ندارد؛ و نگاه منفی نسبت به همه‌ی گذشته‌ی فرهنگی و موارث ارزشمند تاریخی و علمی ما؛ این‌ها چیزهایی بود که در این کشور اتفاق افتاد.^۳»

حکام کشور توان حفظ تمامیت ارضی کشور را هم نداشتند. «همیشه ایران تجزیه شد و همیشه از ایران گنجدند. هیچ‌کدام از سلاطین پهلوی و قاجار، این افتخار را ندارند که بتوانند بگویند ما مرزهای ایران را حفظ کرده‌ایم. قاجارها که وضعشان معلوم است. پهلوی‌ها هم، شهرهای مرکزی ایران را سالها زیر چکمه‌ی سربازان خارجی انداختند و زن و مرد و ناموس این کشور را به دست آن‌ها دادند.^۴»

پشتوانه‌ی حرکت امام(ره)

در چنین شرایطی بود که حضرت امام خمینی(ره) پرچم نهضت اسلامی را برافراشت. اما چگونه شد که مردم به یاری او شتافتند و با جان و مال خود به مصاف مبارزه با رژیم خونخوار و تا دندان مسلح طاغوت آمدند؟

۱ (۱۳۶۸ / ۱۱ / ۰۴) در دیدار با جمعی از علما، مسئولان و مردم شهرهای لاهیجان و رباط کریم و جمعی از مسئولان و مدیران سازمان مسکن سراسر کشور

۲ (۱۳۶۸ / ۰۹ / ۱۵) در دیدار با اقبشار مختلف مردم و جمعی از پزشکان، پرستاران و کارکنان مراکز آموزش عالی و درمانی کشور

۳ (۱۳۸۵ / ۰۶ / ۲۵) در دیدار نخبگان جوان

۴ (۱۳۷۵ / ۰۲ / ۱۳) در دیدار مدیران و مسئولان مطبوعات کشور

الف) آبروی هزارساله‌ی روحانیت

خود حضرت امام هم به این نکته اذعان داشتند. زمانی که به ایشان گفته شد: «این پیروزی شما در انقلاب، محصول هزار سال آبروی روحانیت شیعه است- و آلا چرا باید وقتی یک مرجع به میدان آمد، مردم این‌طور به دنبالش بیایند و جانشان را فدا کنند، که در نهضت امام بزرگوار ما کردند. هزار سال آبروی شیعه متراکم شد تا به اینجا رسید که یک مرجعی مثل امام بزرگوار ما که جرئت داشت، شجاعت داشت، قابلیت داشت، روح فداکاری و آگاهی به زمان داشت، پا بگذارد وسط میدان، و مردم هم به دنبالش بیایند- حالا بعضی از این هم‌لباس‌های ما مثل موریانه‌ای که در یک بنایی بیفتد، دارند این آبروی هزارساله را ذره ذره می‌خورند و از بین می‌برند؛ ایشان هم این معنا را تصدیق کردند.»^۱

ب) شخصیت جامع‌الاطراف امام(ره)

البته شخصیت جامع‌الاطراف ایشان نیز نقش به‌سزایی در جذب دل‌های مردم داشت. شخصیت امام راحل از اجزای متعددی تشکیل شده بود:

«بسیار خردمند و عاقل و متواضع و هوشیار و زیرک و بیدار و قاطع و رؤوف و خویش‌ن‌دار و متقی بود. نمی‌شد حقیقتی را در چشم او واژگونه جلوه داد. دارای اراده‌ای پولادین بود و هیچ مانعی نمی‌توانست او را از حرکت بازدارد. انسانی بسیار دل‌رحم و رقیق بود؛ چه در هنگام مناجات با خدا که از خود بی‌خود می‌شد، و چه در هنگام برخورد با نقطه‌هایی از زندگی انسانها که به‌طور طبیعی دلها را به عطوفت و رأفت وادار می‌کند. انگیزه‌های نفسانی، جاذبه‌های مادی، هواها و هوسها، نمی‌توانست به قله‌ی رفیع وجود باتقوای او دست‌اندازی کند. او امیر هواها و خواهش‌های خود بود؛ ولی خواهش‌ها بر او حکومت نمی‌کردند. صبور و بردبار بود و سخت‌ترین حوادث در اقیانوس عظیم وجود او، تلاطم ایجاد نمی‌کرد.»^۲

«خصوصیت امام بزرگوار ما رعایت تقوا بود... این شخصیت دارای ابعاد گوناگون، هیچ اصرار و عجله‌ای نداشت که آن زیباییها و درخشندگی‌های وجود خود را به رخ کسی بکشد. هر وقت هر جا تکلیف شرعی او را وادار به حرکتی کرد، بُعدی از ابعاد او آشکار شد... او مظهر

۱ (۱۷/۰۸/۱۳۸۵) در دیدار با روحانیون

۲ (۱۸/۰۳/۱۳۶۸) در مراسم بیعت نماینده‌ی امام در ارتش، وزیر دفاع، فرماندهان و پرسنل منتخب نیروهای سه‌گانه و وزارت دفاع

ل / ره، رهرو، رهبر

نوآوری علمی و تبخّر در فقه و اصول بود... این مرد، معلّم اخلاق هم بوده است و کسانی در درس اخلاق او شرکت می‌کردند و او به تقویت فضایل اخلاقی در جوانان همّت می‌گماشته است... [ویژگی دیگر او] هوشیاری و تیزفهمی و توجّه به نکاتی که غالباً به آن توجّه نمی‌کردند، از یک طرف، و غیرت دینی از طرف دیگر بود... امام بزرگوار حتّی در میدان مبارزه هم نخواست جلو بیفتد... امام مقصودش این بود که تکلیف انجام بگیرد؛ آن فریضه‌ای را که بر دوش خود احساس می‌کرد، انجام دهد؛ جلو افتادن مطرح نبود. [بُعد دیگر ایشان] بُعد قدرت رهبری، شجاعت سیاسی، آشنایی با ریزه‌کاریهای کارهای دشمن، هوشیاری نسبت به هدفهای دشمنان [بود]. ... مردی که در راه آرمان‌های بزرگ و در راه تکلیف شرعی، هیچ مشکلی نمی‌توانست مانع راه او بشود... او در موضع یک طراح فکری و به قول معروف مذاکرات سیاسی، یک تئوریسین قرار می‌گیرد که طرح یک حکومت را، طرح یک نظام را، طرح یک بنا و دستگاه جدید را می‌ریزد؛ آن هم طرحی که هیچ‌گونه سابقه‌ی موجود و محسوسی در مقابل چشم ندارد. بنای اسلامی، با توجّه به نیازهای دنیای جدید و مسائلی که در دنیا مطرح است؛ ترکیب این مسائل، می‌شود طراح‌ی یک نظام.

... این مرد با اینکه در ایران نبود، اما از راه دور، مدت چهارده سال قضایای مبارزات اسلامی و نهضت اسلامی در ایران را به معنای واقعی کلمه رهبری کرد... اما نهضت امام متّکی به تشکیلات حزبی نبود... مخاطب او، متن مردم بودند.

... این مصیبتها و این سختیها و این شدت‌هایی که در دوران انقلاب بر این مرد بزرگ وارد آمد و او مثل کوه استواری آنها را تحمل کرد، ریشه‌اش در همین عظمت روحی است که در مقابل مرگ عزیزی این چنین [فرزندشان سید مصطفی]، چنین برخوردی پیدا می‌کند. ... آن عظمت، آن شجاعت، آن شرح صدر، آن استقامت کم‌نظیر، آن قدرت رهبری الهی و پیامبرگونه.

... آنچه که در دوره‌ی بعد از تشکیل نظام اسلامی، از ابعاد وجودی امام مشاهده شد، به نظر من به مراتب مهم‌تر و عظیم‌تر بود از آنچه که قبلاً دیده شده بود. در این دوران، امام این شخصیت برجسته و ممتاز در دو بُعد و دو چهره مشاهده می‌شود: در دوران حکومت، یک چهره، چهره‌ی رهبر و زمامدار است؛ یک چهره، چهره‌ی یک زاهد و عارف. ترکیب این دو باهم، از آن کارهایی است که جز در پیامبران، جز در مثل داود و سلیمان، جز در پیامبری مثل

پیامبر خاتم(صلی الله علیه وآله وسلم) انسان نمی تواند دیگر پیدا کند.

... در چهره‌ی یک حاکم و زمامدار و رهبر، امام بزرگوار مردی هوشیار، باشهامت، باتدبیر، با ابتکار و دریادل بود. امواج سهمگین در مقابل او چیز کم‌اهمیتی محسوب می‌شدند. هیچ حادثه‌ی سنگینی نبود که بتواند او را شکست دهد و او را به خضوع در مقابل آن حادثه وادار کند. در همه‌ی حوادث تلخ و سختی که در زمان ده‌ساله‌ی رهبری آن بزرگوار پیش آمد که خیلی زیاد هم بود امام از همه‌ی آن‌ها بزرگتر بود. هیچ‌کدام از این حوادث آن جنگ، آن حمله‌ی امریکا، آن توطئه‌های کودتا، آن ترورهای عجیب و غریب، آن محاصره‌ی اقتصادی، آن کارهای عظیم و عجیب و غریبی که دشمنان با شکل‌های مختلف می‌کردند نمی‌توانست این مرد بزرگ را دچار احساس ضعف و شکست کند او از همه‌ی این حوادث، قوی‌تر و بزرگتر بود. او معتقد به مردم بود؛ حقیقتاً به آراء مردم اعتقاد داشت. او به نظر و به رأی مردم اعتقاد داشت... به مردم از صمیم قلب علاقه داشت؛ به مردم عشق می‌ورزید و آن‌ها را دوست می‌داشت.

اغلب آن صفاتی که در زمامداران مختلف عالم، مایه‌ی امتیاز آن‌ها می‌شد، تا آنجایی که من بررسی کردم و به ذهنم رسیده است ما در امام مجتمع می‌دیدیم. او، هم عاقل بود، هم دوراندیش بود، هم محتاط بود، هم دشمن‌شناس بود، هم به دوست اعتماد می‌کرد و هم ضربه‌ای را که به دشمن وارد می‌کرد، قاطع وارد می‌کرد. همه‌ی صفات و خصوصیات که برای یک انسان لازم است تا بتواند در چنین جایگاه حساس و خطیری انجام وظیفه کند و خدا و وجدان خود را راضی نماید، در این مرد جمع بود.

... اما همین انسان، در چهره‌ی زندگی شخصی و خصوصی خود، یک انسان زاهد و عارف و منقطع از دنیاست. البته منظور، دنیای بد است؛ همان چیزی که خود او می‌گفت دنیای بد، آن چیزی است که در درون شماست. این ظواهر طبیعت زمین و درخت و آسمان و اختراعات و امثال این‌ها دنیای بد نیست. این‌ها نعمتهای خداست؛ باید این‌ها را آباد کرد. دنیای بد، آن خودخواهی، آن افزون‌طلبی و آن احساس تعلقی است که در درون انسان است. امام از این دنیای بد به کلی منقطع بود.

او برای خودش هیچ چیز نمی‌خواست. برای تنها پسرش که عزیزترین انسانها برای امام، مرحوم حاج احمد آقا بود و ما بارها این را از امام شنیده بودیم که می‌فرمود اعزّ اشخاص در

نظر من ایشان است در ده سال آن حکومت و آن زمامداری و رهبری بزرگ، یک خانه نخرید. ... او اهل خلوت، اهل عبادت، اهل گریه‌ی نیمه‌شب، اهل دعا، تضرع، ارتباط با خدا، شعر و معنویت و عرفان و ذوق و حال بود. آن مردی که چهره‌ی باصلابتش دشمنان ملت ایران را می‌ترساند و به خود می‌لرزاند آن سداً مستحکم و کوه استوار وقتی که مسائل عاطفی و انسانی پیش می‌آید، یک انسان لطیف، یک انسان کامل و یک انسان مهربان بود...

یک وقت در یکی از سفرهای من، خانمی خودش را به من رساند و گفت از قول من به امام بگویید که پسر من در جنگ اسیر شده بود و اخیراً خبر کشته شدن او را برایم آورده‌اند. من پسر کشته شده، اما برایم اهمیت ندارد؛ برای من سلامت شما اهمیت دارد. آن خانم این جمله را در اوج هیجان و احساس به من گفت. من خدمت امام آمدم و داخل رفتم. ایشان سر پا ایستاده بود و من همین مطلب را برایش نقل کردم؛ دیدم این کوه استوار و وقار و استقامت، مثل درخت تناوری که ناگهان بر اثر توفانی خم شود، در خود فرورفت. مثل کسی که دلش بشکند؛ روح و جان و جسم او تحت تأثیر این حرف مادر شهید قرار گرفت و چشمانش پُر از اشک شد!

... همه‌ی این‌ها را امام از عمل به دین، از پایبندی به دین، از تقوا و از مطیع امر خدا بودن داشت. خود او هم بارها این مضمون را در گونه‌گونه‌ی کلمات خود بر زبان می‌آورد و بیان می‌کرد: هرچه هست، از خداست. او همه چیز را از خدا می‌دانست؛ هضم در اراده‌ی خدا بود؛ حل در حکم الهی بود؛ انقلاب را خدا پیروز کرد؛ خرمشهر را خدا آزاد کرد؛ دل‌های مردم را خدا جمع کرد. او همه چیز را از منظر الهی می‌دید و عامل به احکام بود؛ خدای متعال هم درهای رحمت را به روی او باز کرد.^۱

او مصداق این فرمایش امیر المؤمنین علیه السلام بود که: «لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصْرِ وَالصَّبْرِ»؛ بصیرت - آگاهی - و صبر؛ یعنی استقامت، پافشاری، خسته نشدن.^۲

ج) اعتماد به مردم:

او مردم را شناخته بود و به آنها اعتماد داشت:

«به نظر ما یکی از بزرگترین هنرهای امام راحل ما این بود که این نیروی مردم را شناخت و

۱ (۱۴/۰۳/۱۳۷۸) خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

۲ (۲۴/۰۹/۱۳۸۷) در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت

آن را کشف کرد و از آن بهره گرفت؛ و به مردم اعتماد کرد. وضع ایران قبل از پیروزی انقلاب، وضع خوبی نبود؛ مردم در حال بی تکلیفی، دشمنان مسلط، اینجا پایگاه اسرائیل و استراحتگاه سران رژیم صهیونیستی، که می آمدند می بردند، می خوردند و استفاده‌ی سیاسی و مالی می کردند. آن روزی که بعضی از کشورهای عرب تصمیم گرفتند که از نفت علیه اسرائیل استفاده کنند، شاه ایران دل صهیونیستها را گرم کرد و گفت من به شما نفت می دهم. وضع ایران در آن روز این گونه بود و کسی امیدی نداشت؛ اما امام راحل (قدس الله نفسه الزکیة) وقتی همت گماشت و بر این مبارزه عزم کرد، هیچ نیرویی جز نیروی مردم نداشت. او به این نیرو معرفت پیدا کرد؛ به این نیرو تکیه کرد و خدای متعال هم که همه چیز دست اوست - که «و ما رمیت اذ رمیت ولكن الله رمی» - دلها را منقلب کرد. وقتی دلها متوجه به این حقیقت شد، نیروها به میدان آمدند و قدرت رژیم طاغوتی و وابسته شاه متزلزل شد و نظام اسلامی در این کشور سر بلند کرد. ما در حساس ترین نقطه‌ی دنیای اسلام و بر سر چهارراه قرار داریم و بیشترین نقطه اعتماد امریکا و استکبار در این منطقه، بر رژیم سلطنتی شاه بود.^۱»

رمز پیروزی ملت و نظام امام(ره)

از پشتوانه‌های نهضت او که بگذریم باید سراغ عوامل موفقیت او برویم. «عواملی که در این یازده سال، ملت ایران و جمهوری اسلامی را موفق کرد، چند چیز بوده است. پایبندی به اسلام، رهبری بی نظیر امام راحل عظیم بزرگوارمان (رضوان الله تعالی علیه)، مجاهدت و فداکاری شما مردم، ناآشنایی دشمن با رموز اعتقادات اسلامی، از جمله‌ی این عوامل است. این ناآشنایی دشمن هنوز هم هست، این ایمان بحمد الله هنوز هم وجود دارد، این فداکاری هنوز هم مشاهده می شود. با وحدت کلمه، این راه را ادامه بدهید؛ دنیا در انتظار شماست.^۲»

و این گونه بود که «ملت ایران با وحدت کلمه و با تمسک به اسلام و رهبری شجاعانه و حکیمانه‌ی مردی الهی و دین شناسی بزرگ و مؤمن و صالح، نظام جمهوری اسلامی را بر سر کار آورد.^۳»

۱ (۳۰/۰۵/۱۳۸۵) در دیدار شرکت کنندگان در همایش کنفرانس وحدت اسلامی

۲ (۱۰/۰۱/۱۳۶۹) خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

۳ (۲۱/۱۱/۱۳۷۷) پیام به ملت ایران به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب اسلامی

اهداف نهضت امام(ره)

او به دنبال یک هدف عمده بود و آن هم «تشکیل حیات طیبه‌ی اسلامی بود.^۱» و برای تحقق این حیات طیبه، آرمانهایی را تصویر کرد. «این انقلاب بیش از ادعا، آرمانهایی داشت. انقلاب نیامده بود که برای مردم ایران پاسخگویی کند. انقلاب، انقلاب خود مردم بود. مردم برای تحقق آرمانهایی انقلاب کردند. این آرمانها عبارت بود از ساختن یک ایران آباد و آزاد، داشتن مردم آگاه و برخوردار از عدالت اجتماعی، نجات از وابستگی و عقب‌ماندگی علمی و استبداد و قه‌ری که آن روز بر این مملکت حکمفرما بود.^۲» با پیروزی انقلاب و حرکت روبه‌جلوی آن، امام خمینی(ره) به دستاوردهای بزرگی دست یافت. از آن جمله:

«اولین کار بزرگ او، احیای اسلام بود. دویست سال است که دستگاه‌های استعماری سعی کردند تا اسلام به دست فراموشی سپرده شود... امام ما اسلام را دوباره زنده کرد و به ذهن و عمل انسانها و صحنه‌ی سیاسی جهان برگرداند.

... دومین کار بزرگ او، اعاده‌ی روح عزت به مسلمین بود... سومین کار بزرگ او این بود که به مسلمانها احساس درک امت اسلامی داد. قبل از این، مسلمانها در هرجای دنیا که بودند، چیزی به نام امت اسلامی برایشان مطرح نبود و یا اصلاً جدی تلقی نمی‌شد. امروز همه‌ی مسلمانها در اقصای آسیا تا قلب آفریقا و تمام خاورمیانه و در اروپا و امریکا، احساس می‌کنند که جزو یک جامعه‌ی جهانی بزرگ به نام امت اسلامی هستند. امام احساس شعور نسبت به امت اسلامی را ایجاد کرد، که بزرگترین حربه برای دفاع از جوامع اسلامی در مقابل استکبار است.

چهارمین کار بزرگ او، ازاله‌ی یکی از مرتجع‌ترین و پلیدترین و وابسته‌ترین رژیمهای منطقه و جهان بود.

... کار پنجم او، ایجاد حکومتی بر مبنای اسلام بود؛ چیزی که به ذهن مسلمانها و غیر مسلمانها خطور نمی‌کرد، و خواب خوشی بود که مسلمانهای ساده‌لوح هم هرگز آن را با خود تصور نمی‌کردند و نمی‌دیدند. امام(ره) در حد یک معجزه، به این خیال افسانه‌آمیز لباس

۱ (۱۲/۱۱/۱۳۶۸) در دیدار با گروههای مختلف مردم و میهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم دهه‌ی فجر و کنفرانس اندیشه‌ی اسلامی

۲ (۲۲/۱۲/۱۳۷۹) در جلسه‌ی پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر

واقعیت پوشاند.

کار ششم او، ایجاد نهضت اسلامی در عالم بود. قبل از انقلاب اسلامی، در بسیاری از کشورها و از جمله کشورهای اسلامی، گروهها و جوانها و ناراضیها و آزادی طلبها، با ایدئولوژیهای چپ وارد میدان می شدند؛ اما بعد از انقلاب اسلامی، پایه و مبنای حرکتها و نهضتهای آزادی بخش، اسلام شد.

... هفتمین کار بزرگ او، نگرشی جدید در فقه شیعه بود. فقاهت ما پایه های بسیار مستحکمی داشته و دارد. فقاهت شیعه، یکی از محکم ترین فقاهتها و متکی به قواعد و اصول و مبنای بسیار مستحکمی است. امام عزیزمان این فقه مستحکم را در گستره یی وسیع و با نگرشی جهانی و حکومتی مورد توجه قرار داد و ابعادی از فقه را برای ما روشن کرد که قبل از آن روشن نبود.

کار هشتم او، ابطال باورهای غلط در باب اخلاق فردی حکام بود. در دنیا پذیرفته شده است که کسانی که در رأس اجتماعات قرار می گیرند، اخلاق فردی خاصی داشته باشند! تکبر ورزیدن، برخوردار بودن از زندگی راحت و مسرفانه، تجمل گرایی، خودرأیی و خودخواهی و امثال اینها، چیزهایی است که مردم دنیا قبول کردند که کسانی که در رأس حکومتها قرار می گیرند، این اخلاق را داشته باشند... امام ما این باور غلط را عوض کرد و نشان داد که رهبر محبوب و معشوق یک ملت و دیگر مسلمانان عالم، می تواند زندگی زاهدانه ای داشته باشد و به جای کاخهای مجلل، در یک حسینیه از دیدارکنندگان پذیرایی کند و با لباس و زبان و اخلاق انبیا با مردم برخورد کند.

... کار نهم او، احیای روحیه ی غرور و خودباوری در ملت ایران بود.

... و بالاخره دهمین کار بزرگ او، اثبات این نکته بود که «نه شرقی و نه غربی»، یک اصل عملی و ممکن است.^۱

علت دشمنی با امام

به همین خاطر بود که به دشمنی با امام برخاستند و «هنوز محور اصلی تبلیغات خشم آلود دشمنان انقلاب و کشور ما، دشمنی با امام بزرگوار ماست. آنها مهم ترین هدف خود را- حتی بعد از بیست و پنج سال از تشکیل نظام اسلامی- این قرار داده اند که با هزاران ساعت

۱ (۲۳/۰۴/۱۳۶۸) خطبه های نماز جمعه ی تهران

برنامه‌ریزی و برنامه‌سازی در ماه برای صدها رادیو و تلویزیونی که در اطراف عالم از سوی محافل صهیونیستی و استکباری به راه افتاده است، شخصیت پُر جاذبه و چهره‌ی درخشان امام بزرگوار را زیر سؤال ببرند. باید تصدیق کنیم که دشمنان نظام اسلامی برای مقابله و مبارزه‌ی با نظام جمهوری اسلامی و حرکت ملت ایران، جز این چاره‌ی هم ندارند؛ زیرا عامل مهم تسلیم‌ناپذیری و ایستادگی ملت ایران در راه پُر افتخار خود، فلسفه‌ی سیاسی و مکتب سیاسی امام است، که ملت ما از بن دندان به آن اعتقاد دارند. دشمنان انقلاب چاره‌ی ندارند جز اینکه با فلسفه‌ی امام، با مکتب امام و با شخصیت امام - که همچنان زنده و پایدار است - دشمنی کنند تا بتوانند این ملت را به خیال خود به عقب‌نشینی و تسلیم در مقابل خودشان وادار کنند. امام بزرگوار با مکتب سیاسی خود بود که توانست طلسم دیرپای استبداد را در این کشور بشکند. امام بزرگوار با مکتب سیاسی خود بود که توانست دست غارتگران را از این کشور کوتاه کند؛ غارتگرانی که با همدستی با دیکتاتورها، ایران را به خانه‌ی امن خود تبدیل کرده بودند؛ کسانی که امیدوار بودند بتوانند ایران را به صورت یک کشور تولیدکننده‌ی مواد اولیه و انبار تمام‌نشدنی نفت برای خود نگه دارند. من می‌خواهم روی مکتب سیاسی امام تکیه کنم.^۱

اما این مکتب سیاسی امام چیست؟

مکتب سیاسی امام از خطوطی تشکیل شده است که برای آنکه به بیراهه نرویم باید آنها را بدانیم:

«یکی از این خطوط این است که در مکتب سیاسی امام، معنویت با سیاست در هم تنیده است. در مکتب سیاسی امام، معنویت از سیاست جدا نیست؛ سیاست و عرفان، سیاست و اخلاق.

چون انگیزه‌ی او این بود، لذا نمی‌ترسید؛ شک نمی‌کرد؛ مأیوس نمی‌شد؛ مغرور نمی‌شد؛ متزلزل و خسته هم نمی‌شد.

... شاخص دوم، اعتقاد راسخ و صادقانه به نقش مردم است؛ هم کرامت انسان، هم تعیین‌کننده بودن اراده‌ی انسان. در مکتب سیاسی امام، هویت انسانی، هم ارزشمند و دارای کرامت است، هم قدرتمند و کارساز است. نتیجه‌ی ارزشمندی و کرامت داشتن این است که

۱ (۱۴/۰۳/۱۳۸۳) در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)

مقدمه / ق

در اداره‌ی سرنوشت بشر و یک جامعه، آراء مردم باید نقش اساسی ایفا کند. لذا مردم‌سالاری در مکتب سیاسی امام بزرگوار ما- که از متن اسلام گرفته شده است- مردم‌سالاری حقیقی است؛ مثل مردم‌سالاری امریکایی و امثال آن، شعار و فریب و اغواگری ذهنهای مردم نیست. ... شاخص سوم از شاخصهای مکتب سیاسی امام، نگاه بین‌المللی و جهانی این مکتب است. مخاطب امام در سخن و ایده‌ی سیاسی خود، بشریت است؛ نه فقط ملت ایران. ... شاخص مهم دیگر مکتب سیاسی امام بزرگوار ما پاسداری از ارزشهاست، که مظهر آن را امام بزرگوار در تبیین مسأله‌ی ولایت فقیه روشن کردند. از اول انقلاب اسلامی و پیروزی انقلاب و تشکیل نظام اسلامی، بسیاری سعی کرده‌اند مسأله‌ی ولایت فقیه را نادرست، بد و برخلاف واقع معرفی کنند؛ برداشتهای خلاف واقع و دروغ و خواسته‌ها و توقعات غیر منطبق با متن نظام سیاسی اسلام و فکر سیاسی امام بزرگوار. ... آخرین نکته‌ی که به‌عنوان شاخصه‌ی مکتب سیاسی امام عرض می‌کنم، مسأله‌ی عدالت اجتماعی است.^۱»

خط امام(ره)

امام خمینی(ره) زنده است. چون راه او زنده است. خط او زنده است. خط او در اموری خلاصه می‌شود که با آنها به مقصد رسید و راه را گم نکرد. خط امام «مشخصه‌ی حرکت نظام جمهوری اسلامی در ده سال حیات با برکت امام بوده است... خط امام، یعنی آن مسلک و سلوک حکومتی امام امت. یعنی چیزی که تفسیرکننده‌ی نظام جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی، می‌تواند با جهتگیریهای مختلفی تحقق یابد. آنچه که این جهتگیریهای را به صواب نزدیک می‌کند و مورد قبول و اعتقاد امام (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) بوده است. اول، ایستادگی در برابر تحمیل و نفوذ قدرتهای خارجی و نداشتن سرسازش با این قدرتها. ... دوم اهتمام به تعبد و عمل فردی و ایستادگی در برابر سلطه‌ی شیطان نفس و وسوسه‌های نفسانی.

... سوم، اهمیت دادن به توانایی ملتها و «اصل» دانستن آنها بود.
... چهارم، اصرار بر وحدت مسلمین و مبارزه با تفرقه‌افکنی استکبار.
... پنجم، اصرار بر ایجاد روابط سالم دوستانه با دولتها؛ مگر استثناهایی که هرکدام استدلالی قوی پشت سرش بود.
... ششم، اصرار بر شکستن حصار تحجر و التقاط در فهم و عمل اسلامی و التزام به اسلام ناب.

... هفتم، نقش محوری دادن به نجات محرومین و تأمین عدالت اجتماعی.
... هشتم، توجه ویژه به مبارزه با رژیم اشغالگر قدس و رژیم غاصب صهیونیستی بود.
... نهم، حفظ وحدت ملی و ایجاد یکپارچگی در میان ملت ایران و اصرار بر مقابله و مبارزه با هر شعار تفرقه افکنانه.

... دهم، حفظ مردمی بودن حکومت و ایجاد رابطه با مردم و حفظ ارتباط با آنها.
... یازدهم، اصرار بر سازندگی کشور و تحویل یک نمونه‌ی عملی از کشور و جامعه‌ی اسلامی به جهان، که در ماههای آخر عمر با برکت امام، جایگاه مهمی داشت. بر این اصرار داشتند که کشور باید از لحاظ اقتصادی، از لحاظ کارهای زیر بنایی و از لحاظ موارد در آمد، بازسازی شود و برای مردم، نمونه‌ای عینی و عملی از سازندگی اسلامی ارائه گردد.^۱
امام امت به همه‌ی اقشار روشنائی بخشید و همگان را رشد داد. زن، دانشجو، جوان، نظامی، حوزوی و ...

«اسلام و انقلاب و امام آمد و در این کشور، زن را در مرکز فعالیتهای سیاسی قرار دادند و پرچم انقلاب را به دست زنان سپرد؛ در حالی که زن در همان حال توانست حجاب و وقار و متانت اسلامی و عفاف و دین و تقوای خود را حفظ کند. کسی حقی از این بزرگتر بر گردن زن ایرانی و مسلمان ندارد.»^۲

از آنجا که «در راه ایجاد چنین کشور و جامعه و ملتی، علاجی جز این نیست که دانشجو و طلبه، حوزه و دانشگاه، روحانی و روشن فکر تحصیل کرده، در کنار هم، دوش به دوش هم و

۱ (۱۳۷۱/۰۳/۱۴) در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام (ره)

۲ (۱۳۶۸/۱۰/۲۶) در دیدار با جمع کثیری از زنان شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، کرمان، قم، قزوین، یزد، کرج و استانهای چهارمحال و بختیاری و مازندران

مقدمه / ش

باهم، به سمت یک هدف حرکت کنند؛ بدون این نمی‌شود. او متدین است، و این آگاه به مسائل جهان و مسائل روز. امام(ره) تا حدود زیادی در این راه موفق شدند. امروز دانشجویان ما در جهت اسلامی حرکت می‌کنند، مجموعه‌های اسلامی در دانشگاهها دارای ارزشند و غالب دانشجویان ما، جوانان انقلاب و فرزندان انقلابند.^۱

«انقلاب هم به دانشگاه خدمات بزرگی کرد. به نظر من بزرگترین خدمت انقلاب به دانشگاه دو چیز بود: یکی اینکه احساس هویت مستقل ملی را به دانشگاه داد و دانشگاه را از رو به بیگانه داشتن و مجذوب و مبهوت بیگانه بودن و منفعل در مقابل بیگانه بودن نجات داد. قبل از انقلاب این گونه بود. دوم اینکه دانشگاه را با مردم آشتی داد.»^۲

«این فرماندهی بزرگ، بیشتر از هرکسی به گردن ارتش حق دارد. البته کشورهایی در دنیا وجود دارند که ارتش آنها برای مردم محبوبند، اما چنین چیزی در گذشته‌ی ایران سابقه نداشته است. امام ارتش را محبوب مردم کرد، و الآن شما ارتشها مورد محبت مردم هستید و مردم از صمیم دل شما را دوست دارند. او تا لحظه‌ی آخر از ارتش دفاع کرد.»^۳

اما شاید مهم‌تر از همه این بود که «آن قیام عظیم مردمی و آن حرکت بی‌نظیر در عالم یعنی انقلاب اسلامی ما به رهبری امام و با پشتیبانی قاطبه‌ی ملت و با میدان‌داری جوانان به پیروزی رسید. این یک فتح بود؛ هم فتح میدان مبارزه با استکبار بود، و هم بالاتر از آن، فتح سرزمین دل جوانان بود؛ که این را اسلام و انقلاب و امام کرده بودند، و این فتح الفتوح بود. بزرگترین کار امام، ساختن جوانان بود.»^۴

وصیتنامه

هر شخصیت بزرگی در وصیتنامه خود آنچه را می‌نویسد که مهم‌تر از همه و لازم‌تر می‌داند. باید به وصیتنامه‌ی امام(ره) مراجعه کرد.

«فرمایشات امام، هنوز در فضا طنین‌افکن است. وصیت‌نامه‌ی امام، میثاق همیشگی امام با

۱ (۱۳۶۹/۰۹/۲۸) در دیدار با جمع کثیری از طلاب حوزه‌های علمیه و دانشجویان دانشگاهها، به مناسبت روز وحدت حوزه و دانشگاه

۲ (۱۳۷۹/۱۲/۰۹) پرسش و پاسخ در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر

۳ (۱۳۶۸/۰۳/۱۸) در مراسم بیعت نماینده‌ی امام در ارتش، وزیر دفاع، فرماندهان و پرسنل منتخب نیروهای سه‌گانه و وزارت دفاع

۴ (۱۳۷۰/۰۸/۱۵) در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان‌ماه (روز ملی مبارزه با استکبار)

ت / ره، رهرو، رهبر

امت است. همه باید این کلمات را درست بفهمیم و بر آن تدبّر کنیم، تا راه امام را اشتباه نکنیم. کسانی که دم از امام می‌زنند، اما حاضر نیستند فکر امام و راه امام را بپذیرند و به آن تن بدهند، اشتباه می‌کنند.^۱»

باید بدانیم که «تجلیل از امام بزرگوار ما فقط به‌عنوان یک قدردانی و تجلیل از گذشته نیست، بلکه به معنای اصرار و پافشاری بر آن خطّ و راهی است که امام بزرگوار با انقلاب خود، با قیام خود، با سیره‌ی خود، با درسهای خود، با وصیت‌نامه‌ی خود، برای ملت ایران و همه‌ی مسلمانان عالم باقی گذاشت.^۲»

«آن کسی که امام و راه امام و وصیت‌نامه‌ی امام را قبول دارد، او «خودی» است؛ آن کسی که استقلال ایران برایش دارای اهمیت است و به آن پایبند است، «خودی» است؛ آن کسی که عزت این ملت و پیشرفت علمی این ملت را دنبال می‌کند، او «خودی» است.^۳»

«مبانی انقلاب را باید مرور کرد؛ فراموش نکنید... وصیت‌نامه‌ی امام، جمع‌بندی‌شده‌ی فرمایشات امام (رضوان الله تعالی علیه) مبانی انقلاب ماست، اصول انقلاب ماست.^۴»

«دست امام، انگشت اشاره‌ی امام در همه‌ی پیچ‌وخمهای زندگی ما را راهنمایی می‌کند و یکی از قوی‌ترین و بهترین موارث معنوی امام، همین وصیت‌نامه‌ی اوست. جا دارد در برهه‌های مختلف، مردم، مسئولان گوناگون، جوانها این وصیت‌نامه را بازخوانی کنند؛ در این تدبّر کنند.^۵»

اگر بخواهیم وصیت‌نامه‌ی او را خلاصه کنیم در موارد زیر خلاصه می‌گردد:
«نکته‌ی اول این است که... این انقلاب یک انقلاب الهی است و پایه‌ی اصلی آن مردمند؛ یعنی این انقلاب متعلق به مردم است. معنای این حرف این است که هیچ‌کس - هیچ قشری، هیچ فردی، هیچ طبقه‌ای - نمی‌تواند و نباید ادعای مالکیت این انقلاب را بکند؛ خود را مالک بدانند، دیگران را مستأجر این انقلاب بدانند.

... نکته‌ی بعدی این است که امام در وصیت‌نامه اعلام می‌کند که این انقلاب گسترش

۱ (۱۴/۰۳/۱۳۷۷) در اجتماع باشکوه عزاداران مراسم نهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)

۲ (۱۲/۰۳/۱۳۷۸) در دیدار با میهمانان داخلی و خارجی دهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)

۳ (۱۴/۰۳/۱۳۸۵) در مراسم هفدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)

۴ (۰۳/۰۴/۱۳۸۸) در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی

۵ (۱۴/۰۳/۱۳۸۷) در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)

مقدمه / ث

خواهد یافت؛ دست استعمارگران را از جهان اسلام کوتاه خواهد کرد. این پیشگویی امام بزرگوار است. امروز به صحنه که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم این اتفاق افتاده است.

... نکته‌ی سوم که در وصیت‌نامه‌ی امام بارز است و در بیانات امام در طول این ده سال حیات پربرکتش منتشر و گسترده است و برای ملت و جوانان ما اهمیت دارد، این است که انقلاب اسلامی کمک به پیشرفت ملت است؛ انقلاب اسلامی کمک به خلاقیت و نوآوری ملت است؛ درست نقطه‌ی مقابل آنچه که سالهای متمادی دشمنان اسلام تبلیغ می‌کردند.

... نکته‌ی دیگری در وصیت‌نامه‌ی امام (رضوان‌الله‌علیه) وجود دارد که بسیار مهم است و آن توجه به جنگ سرد و عملیات روانی دشمن است. دشمن آن‌وقتی که در میدان، در صحنه‌ی عمل نتواند کاری از پیش ببرد، دست به جنگ روانی می‌زند؛ برای مأیوس کردن، برای ناامید کردن، برای خالی کردن دل ملتها. با جنگ روانی و با تهدید سعی می‌کنند ملتهای مقابلشان میدان را خالی کنند.

... یک نکته‌ی دیگر در وصیت‌نامه‌ی امام بزرگوار هشدار به جوانهاست در مقابل توطئه‌هایی که هدف و آماج آن فقط جوانها هستند. جوان یک کشور اگر بخواند مثل موتور پیش‌برنده‌ای آن ملت را پیش ببرد، احتیاج دارد به اینکه سرحال، بانشاط، تندرست، قوی و دل‌بسته‌ی به کار و پیشرفت باشد. برای اینکه این روحیه را در جوان ایرانی از بین ببرند، تلاش می‌کنند با توطئه‌های گوناگون؛ با ترویج فساد، با ترویج فحشاء، با ترویج مواد مخدر، با باندهای هدایت‌شده، جوان ایرانی را منصرف کنند. جوان ایرانی باید بهوش باشد.

... یک نکته‌ی اساسی دیگر در وصیت‌نامه و در بیانات امام، مسئله‌ی مواجهه‌ی با زورگویان عالم است.

... یاد امام، یادآور عزت ملت ایران و بیداری ملت ایران است؛ یادآور اسوه شدن و قدوه شدن ملت ایران برای همه‌ی امت اسلامی و ملتهای مستضعف است. یاد امام نیروبخش است؛ امیدبخش است. این یاد را باید زنده نگه داشت و راه امام و خط امام و انگشت اشاره‌ی امام و نشانه‌هایی را که امام برای پیمودن این راه قرار داده است، باید قدر دانست؛ از همه بیشتر جوانها و مسئولین کشور باید به مسئله‌ی توصیه‌های امام و وصیت‌نامه‌ی امام به چشم یک دستورالعمل نگاه کنند.^۱

۱ (۱۴/۰۳/۱۳۸۷) در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)

تحریف شخصیت امام:

امام را باید حقیقتاً شناخت و باید ترسید از آن زمان که امام عظیم الشان تحریف شود. ممکن است این سؤال پیش آید که «آیا شخصیت‌ها هم قابل تحریفند؟ معمولاً عنوان تحریف را و اصطلاح تحریف را درباره‌ی تحریف متون به کار می‌بریم؛ آیا شخصیت‌ها را هم میشود تحریف کرد؟ بله. تحریف شخصیت‌ها به این است که ارکان اصلی شخصیت آن انسان بزرگ، یا مجهول بماند، یا غلط معنا شود، یا به صورت انحرافی و سطحی معنا شود؛ همه‌ی اینها برمیگردد به تحریف شخصیت. شخصیتی که الگو است، امام و پیشوا است، رفتار او، گفتار او برای نسل‌های بعد از خود او راهنما و رهنمود است، اگر تحریف شود زیان بزرگی به وجود خواهد آمد. امام را نباید به عنوان صرفاً یک شخصیت محترم تاریخی مورد توجه قرار داد؛ بعضی این جور می‌خواهند: امام یک شخصیت محترمی است در تاریخ این کشور که روزگاری بود، فعال بود، مفید بود، بعد هم از میان جمعیت رفت و روزگار او تمام شد؛ احترامش میکنیم، نامش را با تجلیل می‌آوریم، صرفاً همین؛ بعضی می‌خواهند امام را این جور بشناسند و بشناسانند و این جور تلقی کنند؛ این غلط است.

... امام مظهر عینی حرکت عظیمی است که ملت ایران آغاز کرد و تاریخ خود را متحوّل کرد؛ امام بنیان‌گذار یک مکتب فکری و سیاسی و اجتماعی است. ملت ایران این مکتب را، این راه را، این نقشه را پذیرفت و در آن مشغول حرکت شد؛ ادامه‌ی این راه بستگی دارد به اینکه این نقشه‌ی راه، درست شناخته بشود؛ بدون اینکه امام را درست بشناسیم - به معنای شناخت اصول امام - این نقشه‌ی راه، شناخته نخواهد شد.^۱

و اینجاست که باید از این ترسید که راه امام گم شود. «اگر ملت ایران بخواهد به آن هدفها برسد، بخواهد این راه را ادامه بدهد، باید راه امام بزرگوار را درست بشناسد، اصول او را درست بشناسد، نگذارد شخصیت امام را تحریف کنند، که تحریف شخصیت امام، تحریف راه امام و منحرف کردن مسیر صراط مستقیم ملت ایران است. اگر راه امام را گم کنیم یا فراموش کنیم یا خدای نکرده عمداً به کنار بگذاریم، ملت ایران سیلی خواهد خورد.^۲»

و باید دانست که «آن راهی که میتواند مانع از این تحریف بشود، بازخوانی اصول امام

۱ (۱۳۹۴/۰۳/۱۴) در مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی(ره)

است.^۱ «البته نمیگویم به هر مطلب فرعی توجه کنید؛ زندگی امام مثل زندگی همه‌ی انسانهای دیگر فرازونشیب‌هایی دارد؛ حوادثی در آن اتفاق افتاده است و هر حادثه‌ای اقتضائی داشته است؛ مطالب اصولی را عرض میکنیم، آن چیزهایی که قابل انکار نیست، جزو بینات امام است، در طول سالهای متمادی، چه قبل از تشکیل حکومت اسلامی، چه در دوران تشکیل حکومت اسلامی، چه در دوران جنگ تحمیلی هشت‌ساله، چه قبل از آن و چه بعد از آن، این اصول را امام در بیانات خود تکرار کرده است؛ این اصول را گزینشی هم نبایستی انتخاب کرد.»^۲

این اصول باید از کلمات امام استخراج شوند اما با یک بررسی به برخی از آن می‌توان دست یافت:

«اولین مطلبی که در [مکتب] امام وجود دارد، اثبات اسلام ناب محمدی و نفی اسلام آمریکایی است. ... اسلام آمریکایی در زمان ما و در زمان امام و در همه‌ی زمانها - تا آنجایی که ما می‌شناسیم، ممکن است در آینده هم همین‌جور باشد - دو شاخه بیشتر ندارد: یکی اسلام سکولار، یکی اسلام متحجر.»

... دوم: یکی از اصول امام اتکال به کمک الهی، اعتماد به صدق وعده‌ی الهی، و نقطه‌ی مقابل، بی‌اعتمادی به قدرتهای مستکبر و زورگوی جهانی است.

... سوم؛ اعتقاد به اراده‌ی مردم و نیروی مردم، و مخالفت با تمرکزهای دولتی [هم در زمینه‌های اقتصادی و هم نظامی و هم سازندگی و هم تبلیغات و هم انتخابات]

... نکته‌ی چهارم در بُعد مسائل داخلی کشور؛ امام طرفدار جدی حمایت از محرومان و مستضعفان بود؛ امام نابرابری اقتصادی را با شدت و حدت رد میکرد؛ اشرافیگری را با تلخی رد میکرد؛ به معنای واقعی کلمه امام طرفدار عدالت اجتماعی بود.

... نکته‌ی پنجم در بُعد خارجی [است]. امام صریحاً در جبهه‌ی مخالف قلدران بین‌المللی و مستکبران قرار داشت، هیچ ملاحظه‌ای نمیکرد... طرفدار جدی مظلومان جهان بود.

... یکی دیگر از نقاط اصلی و خطوط اصلی تفکر امام، مسئله‌ی استقلال کشور، ردّ سلطه‌پذیری [است].

ض / ره، رهرو، رهبر

... یکی دیگر از خطوط اصلی تفکر امام و راه امام و خط امام ... وحدت ملی است و توجه به توطئه‌های تفرقه‌افکن؛ چه تفرقه‌ی بر اساس مذهب، شیعه و سنی؛ چه تفرقه‌ی بر اساس قومیتها.۱»

آنچه آمد اجمالی از مسائلی است که باید درباره‌ی امام امت (قدس سره) دانست اما نزدیک‌تر شدن به امام بزرگوارمان، نیازمند شرح و توضیح بیشتری است. بر این اساس بود که «انتشارات انقلاب اسلامی» تصمیم به نشر اثری گرفت که با بهره‌گیری از فرمایشات رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به نحو جامع و کامل به بررسی ابعاد مختلف شخصیت حضرت امام و لوازم شخصیتی ایشان پردازد. اثر حاضر ثمره‌ی تلاشهای وافر محقق ارجمند جناب حجت الاسلام مهدی مطهری و همکاران ایشان است. امید که با سرلوحه قرار دادن این فرمایشات، راه امام و خط امام تا ظهور حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه) بماند و ببالد.

و من الله التوفیق

نقش سخنان امام خمینی (ره) در تشکیل دولت انقلاب

رهبر بزرگ انقلاب که کلمه به کلمه‌ی سخنانش به تک‌تک ملت، روح و آگاهی و درس میداد به اتکای خداوند متعال که همه‌ی قدرتها در ید قدرت اوست و با اعتماد به همین اراده‌ی عظیم و خدشه‌ناپذیر مردم دولت انقلاب را تشکیل داد.

دستاوردهای اتخاذ سیاست امام خمینی (ره) مبنی بر «پیروزی خون بر شمشیر»

مردم، جوانان و پیران، زنان و مردان تنها کسانی بودند که رژیم پهلوی را که بنظر، قوی و کاملاً مسلح میرسید، و از پشتیبانی بزرگترین قدرتها برخوردار بود شکستند، و نظام جمهوری اسلامی را بر سر کار آوردند. سلاح آنان ایمانشان، اراده‌ی نیرومندشان و خونشان بود، و خون بر شمشیر پیروز شد. سیاست پیروزی خون بر شمشیر همان سیاست مقاومت مظلومانه است. رهبر ما پیش از پیروزی انقلاب آن را اعلام کرد، و اولین معجزه‌ی آن پیروزی بر رژیم سرتاپا مسلح شاه بود، که کاملاً حمایت امریکا و غرب را نیز با خود داشت؛ و پس از آن نیز پیروزیهایی داشت که برخی حتی از غلبه بر رژیم شاه نیز بزرگتر بوده‌اند.

عزیزترین اشخاص نزد حضرت امام

برای ما و همه‌ی ملت، شما یادگار عزیز امام(ره) هستید. میزان محبت و علاقه‌ی امام به جنابعالی را میدانیم و از زبان خود ایشان مکرر شنیدیم که میگفتند شما را عزیزترین اشخاص میدانند. ما هم بخاطر شخص خودتان و بخاطر احترام به روح بزرگ رهبر عزیز و عظیم‌مان، شما را بسیار عزیز و گرامی میداریم و یادگار عزیز و یگانه‌ی حضرت امام(رضوان الله تعالی علیه) به حساب می‌آوریم و از خداوند برای شما صبر آرزو میکنیم.

تأثیر عظمت شخصیت امام در هویت بخشی به مسلمانان جهان

حقیقت این است که در طول ده سال گذشته، یاد چنین مصیبتی دل ما را به لرزه می‌انداخت و باور نمیکردیم که بتوانیم مصیبت این حادثه را تحمل کنیم. همه‌ی ما یتیم شدیم. مسلمانهای کشورهای دیگر هم احساس یتیمی میکنند. امام عزیز، با عظمت شخصیت خودش، توانسته بود به اینها هویت و امید بدهد و چشم‌انداز روشنی را در مقابل آنها ترسیم کند.

نقش استثنایی حضرت امام در حوادث عظیم عصر حاضر

زمان ما، زمان بروز حوادث بزرگ، هم در سطح جهان و هم در ایران بود. انقلاب و جمهوری اسلامی، دو پدیده‌ی فوق‌العاده بزرگ عصر حاضرند. حاکمیت ارزشهای اخلاقی و معنوی در نظام ما به معجزه شبیه است؛ زیرا در همه‌ی دنیا تلاش میشود که این ارزشها را منزوی کنند و یا به فراموشی بسپارند.

حادثه‌ی باعظمت دیگر، استحاله‌ی بزرگ ملت ایران نسبت به وضعیت گذشته است. ملتی که ضعیف و تسلیم و ستم‌پذیر بود، به ملتی مقاوم و شجاع و متعرض متحول شد و امید را در دل ملت‌های دیگر ایجاد کرد.

بالتر از همه‌ی این عظمتها و عظیمها، امام عزیزمان بود که توانست همه‌ی اینها را به وجود آورد. درست است که انقلاب ما مردمی است و سیل خروشان آنهاست که میتواند

ره، رهرو، رهبر / ۳

این همه راه هموار و کار بهنجار را از ناهمواریها و ناهنجاریها به وجود آورد، اما تبدیل خود این ملت به چنین حالتی، جز با دست توانای یک انسان معنوی و الهی و متصل به منبع قدرت پروردگار، امکانپذیر نبود. یقیناً خصوصیات امام، استثنایی و ممتاز و بی‌نظیر است و هرچه در ابعاد شخصیت ایشان تأمل کنیم، این استثنا و امتیاز را بهتر و بیشتر می‌یابیم. حال که این داغ بزرگ، دل‌های ما را گداخته است و غم سنگینی قلب‌های ما را می‌فشارد، خلأ وجود او را بیشتر احساس می‌کنیم.

انتخاب و تحقق اهداف بزرگ؛ نشانه عظمت شخصیت امام

شخصیت امام تا حد بسیار زیادی به اهمیت و عظمت آرمان‌های او مربوط می‌شد. او با همّت بلندی که داشت، هدف‌های بسیار عظیمی را انتخاب می‌کرد. تصور این هدف‌ها، برای آدم‌های معمولی دشوار بود و می‌پنداشتند آن هدف‌های والا، دست نیافتنی هستند؛ لیکن همّت بلند و ایمان و توکل و خستگی‌ناپذیری و استعداد‌های فراوان و توانایی‌های اعجاب‌انگیزی که در وجود این مرد بزرگ نهفته بود، به کار می‌افتاد و در سمت هدف‌های مورد نظرش پیش میرفت و ناگهان همه میدیدند که آن هدف‌ها محقق شده‌اند.

عمل به تکلیف؛ رمز رسیدن امام به قلّه‌ها

نقطه‌ی اساسی کار او، این بود که در اراده‌ی الهی و تکلیف شرعی محو می‌شد. هیچ چیز برایش غیر از انجام تکلیف، مطرح نبود. واقعاً او مصداق ایمان و عمل صالح بود. ایمانش به استحکام کوه‌ها میمانست و عمل صالحش با خستگی‌ناپذیری باورنکردنی توأم بود. آن‌چنان در تداوم عمل صبور و کوشا بود که انسان را دچار حیرت می‌کرد. به همین خاطر، هدف‌های بزرگ قابل وصول شد و دست یافتن به قلّه‌ها امکانپذیر گردید.

ضرورت حرکت به سمت همه‌ی اهداف ترسیمی امام خمینی(ره)

آن چیزی که از امام برای ما قابل تقلید است، هدف‌های او و حرکت به سمت آن

هدفهاست. هیچ‌کدام از هدفها و آرمانهایی که امام معین کردند، صرفنظرکردنی نیست. آن بزرگوار برای ملت ایران و انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، بهترین و والاترین و اصلترین هدفها را انتخاب کردند و به زبان آوردند و آنها را در دهها اثر از ادبیات مخصوص خود ثبت کرده و حرکت به سمت آنها را نشان دادند.

آرمانهای بزرگ امام راحل

آرمانهای بزرگی که امام(ره) بیان میکردند، عبارت بود از: مبارزه با استکبار جهانی، حفظ اعتدال قاطع در خط «نه شرقی و نه غربی»، اصرار فراوان بر استقلال حقیقی و همه‌جانبه‌ی ملت - خودکفایی به معنای کامل - پافشاری فراوان و تمام‌نشدنی بر حفظ اصول دینی و شرع و فقه اسلامی، ایجاد وحدت و همبستگی، توجه به ملتهای مسلمان و مظلوم دنیا، عزت بخشیدن به اسلام و ملتهای اسلامی و مرعوب نشدن در مقابل قدرتهای جهانی، ایجاد قسط و عدل در جامعه‌ی اسلامی، حمایت بیدریغ و همیشگی از مستضعفان و محرومان و قشرهای پایین جامعه و لزوم پرداختن به آنها. همه‌ی ما شاهد بودیم که امام در این خطوط، مصرانه و بدون تعلل، حرکتش را ادامه داد. ما باید راه و اعمال صالح و حرکت مداوم او را دنبال کنیم.

جزای حسنی؛ بهترین پاداش حضرت امام

فردای آن شبی که امام عزیز(ره) به جوار رحمت الهی پیوسته بودند، سحرگاه در حالت التهاب و حیرت، تفرألی به قرآن زدم؛ این آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی کهف آمد: «وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَىٰ وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا»^۱. دیدم واقعاً مصداق کامل این آیه، همین بزرگوار است. ایمان و عمل صالح و جزای حسنی، بهترین پاداش برای اوست.

۱ سوره‌ی کهف، آیه‌ی ۸۸. و اما هر که ایمان آورد و کار شایسته کند، پاداشی [هرچه] نیکوتر خواهد داشت، و به فرمان خود، او را به کاری آسان و آخواهیم داشت.

تعریف مسئول و مسئولیت در نگاه امام

بارها از ایشان شنیده‌اید که همه مسئول هستند و مسئولیت در یک جا متمرکز نیست. آحاد ملت و مدیران کشور و کسانی که ارشاد و هدایت جامعه را بر عهده دارند، بخصوص کسانی که سررشته‌ی فکر و ذهن مردم در دستشان است، مسئولیتهای مضاعف دارند و همه‌ی ما تقریباً مصداق این واقعیت هستیم.

عناصر مؤثر در ادامه‌ی راه امام (ره)

امیدواریم إن شاء الله بتوانیم به وظایف خود عمل کنیم و با همکاری و همدلی و وحدت کلمه- به معنای واقعی آن- راه آن بزرگوار را ادامه دهیم.

در مراسم بیعت گروه کثیری از فرماندهان و اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت سپاه، ۱۳۶۸/۳/۱۷

تأثیر شناخت امام خمینی (ره) در شناخت عظمت معصومین (ع)

شخصیت عظیم رهبر کبیر و امام عزیز ما، حقاً و انصافاً پس از پیامبران خدا و اولیای معصومین، با هیچ شخصیت دیگری قابل مقایسه نبود. او ودیعه‌ی خدا در دست ما، حجّت خدا بر ما، و نشانه‌ی عظمت الهی بود. وقتی انسان او را میدید، عظمت بزرگان دین را باور میکرد. ما نمیتوانیم عظمت پیامبر (صلی الله علیه وآله)، امیرالمؤمنین (علیه السلام)، سیدالشهداء (علیه السلام)، امام صادق (علیه السلام) و بقیه‌ی اولیاء را حتی درست تصور کنیم؛ ذهن ما کوچکتر از آن است که بتواند عظمت شخصیت آن بزرگمردان را در خود بگنجانند و تصور کند؛ اما وقتی انسان میدید شخصیتی با عظمت امام عزیزمان و با آن همه ابعاد گوناگون: ایمان قوی، عقل کامل، دارای حکمت، هوشمندی، صبر و حلم و متانت، صدق و صفا، زهد و بی‌اعتنایی به زخارف دنیا، تقوا و ورع و خداترسی و عبودیت مخلصانه برای خدا، دست‌نیافتنی است، و مشاهده میکرد که همین شخصیت عظیم، چگونه در برابر آن خورشیدهای فروزان آسمان ولایت، اظهار کوچکی و تواضع و خاکساری میکند و خودش را در مقابل آنها ذره‌ای به حساب می‌آورد، آن وقت انسان میفهمید که پیامبران و اولیای معصومین (علیهم السلام) چقدر بزرگ بودند.

لحظات سخت دنیای بدون «خمینی»

به هر حال، این ده سال گذشت و ما دیگر این عزیز را در کنار خود نداریم. خدا میداند که در طول این ده سال، فکر چنین روزی، همیشه دل ما را لرزاند. نمیدانستیم دنیای بدون «خمینی» چگونه قابل تحمل است. به همین خاطر، چندین بار به ایشان عرض کردم: دعای بزرگ من در پیشگاه خدا این است که من قبل از شما بمیرم. در همان روز تلخ که حال امام مساعد نبود، من جمعی از اعضای شورای بازنگری قانون اساسی را دعوت کردم و به آنها گفتم که حال امام خوب نیست؛ کار بازنگری را قدری تسریع کنیم و مزدهی اتمام آن را به ایشان در بیمارستان بدهیم، تا دل امام شاد شود. واقعاً از تصور آن چیزی که ممکن بود پیش آید، قلب من میلرزید؛ صدایم شکست و نتوانستم حرفم را تمام کنم. شاید چند ساعت بعد از آن بود که اطلاع پیدا کردیم این ودیعه‌ی الهی و این گوهر ارزنده را از دست داده‌ایم.

میراث امام خمینی؛ «جمهوری اسلامی» و ارزشهای مبنایی آن

همه‌ی پیامبران و اولیاء رفتند؛ چاره‌ای هم جز این نیست. حالا که مقدر بود ما زنده بمانیم، باید طاقت برخورد با این حادثه‌ی بسیار تلخ را هم در خودمان ایجاد کنیم. خداوند به پیامبرش فرمود: «إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ»^۱. گزیری از اینگونه حوادث تلخ نیست؛ اما خرسندیم که میراث او در دست ماست و آن، «جمهوری اسلامی» توأم با ارزشهایی است که او در این جمهوری به وجود آورد؛ یا بهتر است بگوییم با ارزشهایی که او جمهوری اسلامی را با آنها ساخت. ما مس بودیم، او ما را طلا کرد. او کیمیا بود، او اکسیر بود. ما زندگی معمولی‌ای داشتیم، او خمودگیها را تبدیل به تحرک و تپش کرد و انسان ساخت.

«فتح الفتوح» واقعی از دیدگاه امام عزیز(ره)

در پیامی به مناسبت یکی از فتوحات ارزنده‌ی شما در جبهه فرمودند: فتح الفتوح، عبارت از ساختن اینگونه انسانها و جوانهاست. در حقیقت، فاتح این فتح الفتوح، خود او

۱ سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۳۰. قطعاً تو خواهی مُرد، و آنان [نیز] خواهند مُرد.

ره، رهرو، رهبر / ۷

بود. او بود که این انسانها را ساخت. او بود که این فضا را مهیا کرد. او بود که مسیر را به وجود آورد. او بود که ارزشهای اسلامی را بعد از انزوا و خمول، دوباره احیا کرد. میراث او، همین ارزشها و همین جمهوری اسلامی است. هرکدام از ما در هر مسئولیتی که هستیم، عشق و محبت و فرمان را به آن عزیز، باید در حفظ و تداوم ارزشها و نظام جمهوری اسلامی مجسم کنیم.^۲

پایبندی بر نگاه امام به سپاه

ما سپاه را با همان چشمی نگاه میکنیم که امام عزیزمان نگاه میکرد: بعنوان بازوی قدرتمند نظام و بعنوان گام استوار در مقابله با دشمنان انقلاب اسلامی.

در مراسم بیعت فرماندهان و اعضای کمیته‌های انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸/۰۳/۱۸

دلهره‌ای ده ساله از تصور فقدان امام عزیز

سخت‌ترین کار این است که درباره‌ی فقدان امام عزیز و جان ملت سخن بگوییم. حقیقتاً همه‌ی ما یتیم شدیم. ده سال پیش که ایشان دچار عارضه‌ی قلبی شدند، با جمعی از دوستان - که امروز بسیاری از آنها جزو شهدا هستند و در جوار رحمت الهی آرمیده‌اند - خود را در آن هوای سرد و برفی به قم رساندیم و آن وجود عزیز را که حیات انقلاب مرهون او بود، به تهران آوردیم و در بیمارستان قلب بستری کردیم. چه روزهای سختی گذشت و چه دلهره‌ها و نگرانیهای غیرقابل توصیفی را پشت سر گذاشتیم.

از آن روزها تا پایان حیات ایشان، دائماً نگران این حادثه‌ی تلخ بودیم و بارها به پروردگار متعال عرض میکردیم که دعای شوق‌انگیز امت مؤمن و مخلص ما به درگاه تو، سلامت و بقای این قلب تپنده است؛ با بزرگواری خود، دعای امت ما را مستجاب کن. هر وقت تصور فقدان این موجود عظیم و عزیز را میکردیم، واقعاً دنیا برای همه‌ی ما

۱ گوشه‌گیری.

۲ مضمون این مطلب در «گفت و شنود در دیدار جمعی از جوانان به مناسبت هفته‌ی جوان، ۱۳۷۷/۲/۷» نیز تکرار شده است.

بی‌معنی و تاریک جلوه میکرد. امروز ما در مقابل چنین مصیبت بزرگ و سختی قرار داریم، که حقیقتاً حادثه‌ای جانکاه و باورنکردنی است و با هیچ مصیبت دیگری قابل مقایسه نیست.



شباهت رهبری و رحلت امام با ایام حاکمیت رسول خدا(ص)

حقیقتاً این فصل ده ساله‌ی تاریخ انقلاب ما، عجیب و تکرارنشده‌ی است. نمیدانم چگونه این فصل را گذرانیم و چگونه لحظات آن را با وجودمان لمس کردیم. این ایام، درست ده سال و چند ماه - به اندازه‌ی مدت رهبری رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله) در مدینه - طول کشید. حوادث چقدر شبیه به هم اتفاق می‌افتند. وقتی رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله) از مکه به مدینه تشریف آوردند، مردم یثرب که تازه مسلمان شده بودند، به استقبال پیامبر رفتند. آنها در نقطه‌ای ایستادند، گردن‌ها را کشیدند و چشم‌ها را تیز کردند، تا ببینند محبوبشان کی وارد شهر میشود. در ایران هم شبیه این حادثه اتفاق افتاد. آن روز تاریخی که امام(ره) وارد کشور شدند و سوار بر اتومبیل در خیابانها حرکت کردند، زن و مرد موانع را درمی‌نوردیدند و خودشان را به اتومبیل حامل امام میرساندند، تا چهره‌ی رهبر عزیزشان را ببینند.

روز رحلت پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) در مدینه غوغا بود. شبیه آن حادثه، امروز در کشور ما تکرار شده است. شاید بتوان گفت که اخلاص و علاقه و وفاداری عموم مردم ما نسبت به مردم زمان پیامبر، خیلی بیشتر است. با توجه به شرایط آن زمان و روزگار ما، مردم ایران اخلاص و علاقه‌ی بیشتری از خود نشان دادند، و در حالی که معنویت و ارزشهای اخلاقی در دنیای معاصر افول کرده بود و به ماده و جسم بهای بیشتر داده میشد، امام عزیز معنویت را زنده کردند.



مردی از جنس انبیاء؛ نه رهبران سیاسی

شخصیت امام(ره) با هیچ‌کدام از رهبرهای دنیا قابل مقایسه نیست؛ او را فقط با پیامبران و اولیاء و معصومان(علیهم‌السلام) میتوان مقایسه کرد. او شاگرد و دنباله‌رو آنها بود و

ره، رهرو، رهبر / ۹

به همین خاطر نمیتوان با رهبرهای سیاسی دنیا مقایسه‌اش کرد. ما رهبرهای سیاسی دنیا را میشناسیم و تاریخ مبارزه‌ی آنها و ملتها را با دقت مطالعه کرده‌ایم؛ واقعاً حیف است که به آنها رهبر بگوییم و امام را هم با همین عنوان یاد کنیم. اگر به آنها رهبر بگوییم، باید عنوان دیگری برای امام(ره) انتخاب کنیم. او اصلاً از جنس و خمیره‌ی انبیاء بود. توصیف و ترسیم چهره‌ی آن عزیز خدا و عزیز بندگان صالح او، واقعاً خیلی مشکل است.

وظیفه‌ی ما در قبال لحظه‌لحظه‌ی آن ده سال استثنایی

داغ بزرگی بر قلب ملت، و حادثه‌ی عظیمی در تاریخ کشور ایجاد شده است. ما باید لحظه‌لحظه‌ی آن ده سال را مورد مذاقه قرار دهیم و از کلمه‌کلمه‌ی سخنان امام(ره)، درس بگیریم. آن فصلی که در تاریخ ملت ما گذشت، استثنایی بود و دیگر به این آسانی و زودی تکرار نخواهد شد. ما در مقابل این واقعیت قرار گرفته‌ایم و باید بدان واقف باشیم.

احساس مشترک مسلمانان پس از پیامبر اسلام(ص) و پس از امام خمینی(ره) در ادامه‌ی راه

بعد از رحلت رسول گرامی(صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز مسلمانان در هر سطحی که بودند چه در سطح امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) یا فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله‌علیها)، و چه در سطح مسلمانان معمولی آن روز، که طبعاً احساسات و برداشتهای مشابه یکدیگر هم نداشتند- احساس کردند که باید راه آن بزرگوار را ادامه دهند؛ همچنان که امروز شما ملت ایران احساس میکنید که باید راه امام(ره) را ادامه دهید.

راهکار عملی برای اثبات عشق و محبت حقیقی به امام

اگر ما امام را دوست داریم- که واقعاً همینگونه است و هیچ‌کس نمیتواند تردید کند که ملت ایران در عشق و محبت به امام، صادق نیست- باید راه و درس او را زنده نگه داریم و هدفهایش را، هدفهای حقیقی و اصلی انقلاب به حساب آوریم و به سمت آنها حرکت کنیم و هدف دیگری از خودمان درست نکنیم. هدفهای امام(ره) مشخص و روشن

است و احتیاج به کار زیاد ندارد.

حال که خدای متعال اینطور مقرر کرد که بنده‌ی صالحش در نیمه‌ی این راه بار را به دیگران بسپارد و به ملکوت اعلیٰ پیوندد و در جوار او آرام بگیرد، ما نخواهیم گذاشت این بار روی زمین بماند. باید همه‌ی آحاد ملت - کوچک و بزرگ - مسئولان در سطوح مختلف و هرکس که کاری در دستش است، این نکته را حدیث نفس خود کند و پیمان ببندد که راه امام را ادامه دهد و به سمت هدفهای او حرکت کند. در این صورت، عشق و محبت و ارادت و شاگردی ما نسبت به او صادق خواهد بود؛ و آلا اگر در فراق او گریه کنیم و بر سر و سینه‌ی خود بزنییم، ولی راه او را از سمت دیگر ادامه دهیم، محبت و احترام و وفاداری ما صادقانه نخواهد بود. وفاداری این است که عیناً در همان خط و هدف او حرکت کنیم و به بیراهه نرویم.



نقش شخصیت الهی امام در پیروزی انقلاب؛ علاوه بر خصوصیات ممتاز بشری

برادران عزیز! درست است که شما مورد توجه امام(ره) و سرباز او بودید و هستید و آن عزیز از شما راضی بود، ولی باید به این نکته توجه کنید که راهی را که امام(ره) دنبال میکرد و کار سنگینی که او انجام میداد، فقط با عقل و درایت و قوت بدنی و نیروی سیاسی پیش نمیرفت؛ او از خلوص و صفای باطنی و رابطه‌ی با خدا نیز برخوردار بود، تا توانست این موفقیتها را بدست آورد. هر چند خصوصیات بشری امام، در مرتبه‌ای بالاتر از افراد معمولی بود، ولی کسی خیال نکند که این انقلاب، صرفاً با حکمت و قوت عقلانی و خصوصیات معمولی و بشری امام به پیروزی رسید و ادامه یافت.



امام؛ مجمع ویژگیهای ممتاز بشری

ویژگیهای بشری او، کمتر در افراد عادی پیدا میشود. اگر یکی از آن خصوصیات در فردی مشاهده شود، او انسان بزرگی بشمار میرود؛ چه رسد به آنکه همه‌ی ویژگیهای ممتاز را یکجا در خود جمع کرده باشد. امام(ره) انسانی بسیار عاقل، دوراندیش، حکیم، آدم‌شناس، تیزبین، حلیم، متین و آینده‌نگر بود؛ که هر کدام از این صفات، کافی بود که

شخصی را در مرتبه‌ای والا جای دهد و احترام همگان را جلب کند. متانت و بردباری و حلم امام بگونه‌ای بود که اگر صد نفر در مجلسی سخنانی می‌گفتند که او آنها را قبول نداشت، تا لازم نمیدانست، حرفی نمیزد و سکوت میکرد؛ در صورتی که اگر در حضور آدمهای معمولی کلمه‌ای گفته شود که برخلاف عقیده‌ی آنها باشد، توفانی در روحشان به وجود می‌آید که سریعاً پاسخ بدهند.

بردباری و سعه‌ی صدرِ حضرت امام

همه‌ی شما دیدید که در پایان وصیتنامه‌ی ایشان، به مواردی اشاره شده بود که امام قبلاً نسبت به طرح آنها سکوت کرده بودند. در زمان بنی‌صدر که من خدمت امام(ره) رسیده بودم، ایشان می‌گفتند: حرفهایی که او از قول من می‌گوید، همه‌اش خلاف واقع است و حقیقت ندارد. بنابراین، هر حرفی که زده میشد، فوراً او را نمی‌آشفت و تحریک نمیکرد و درصدد پاسخ سریع بر نمی‌آمد. این متانت، بردباری، حلم، تسلط بر نفس و سعه‌ی صدر، در هرکس که باشد، از او یک انسان بزرگ خواهد ساخت.

آثار وجود عوامل معنوی در امام راحل(ره)

درعین حال اگر امام(ره) آن عوامل اصلی معنویت، ارتباط با خدا، کار برای رضای او، تقوا و انجام تکلیف را نمیداشت، نه انقلاب به پیروزی میرسید، نه شما مردم اینگونه عاشقش میشدید، نه میتوانست این توفان را در دنیا به وجود آورد، و نه قادر بود در مقابل تهدید و ارباب دشمن، مثل کوه بایستد.

بارها ایشان میفرمود که ما کار را برای رسیدن به «نتیجه» نمیکنیم؛ بلکه مأمور به انجام «تکلیف» هستیم. اگر فرض کنیم بعد از برگشتن امام(ره) از پاریس، آنچه که تاکنون پیش آمد، اتفاق نمی‌افتاد، بلکه برعکس، مردم را میکشند، اطرافیان امام را اعدام میکردند و خود امام را نیز مثل گذشته تبعید میکردند، در آن صورت باز هم امام(ره) احساس شکست نمیکرد و اعتقاد داشت که پیروز شده است. آن کس که برای انجام تکلیف کار میکند، پیروزی به این نیست که به مقصود خود دست پیدا کند؛ بلکه زمانی احساس پیروزی میکند که موفق شود به تکلیفش عمل کند.

به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل که گر مراد نجویم به قدر وسع بکوشم در حادثه‌ی مدرسه‌ی فیضیه و سپس در قضیه‌ی پانزده خرداد، عده‌ای میگفتند فایده‌ای ندارد، بیخود معطلید؛ آنها چند برابر شماینده! بعد هم که در سال ۴۳ امام(ره) را تبعید کردند، باز این طرز فکر در بعضی از این افراد راسخ شد و گفتند امام بی‌جهت زحمت میکشند و تلاش میکنند؛ ایشان به جایی نمیرسند! در حقیقت اگر کسی بخواهد با عقل و منطق معمولی محاسبه کند، همین نتیجه را بگیرد؛ ولی آن چیزی که امام را وادار میکرد که علی‌رغم همه‌ی این حرفها، امیدش را از دست ندهد و به حرکت خود ادامه دهد، انجام تکلیف الهی بود. او معتقد بود که این انقلاب را یک دست غیبی هدایت و پشتیبانی میکند و ما نباید به دنبال نتیجه‌ی کار خود باشیم.

اذعان امام به هدایت و یاری غیبی خداوند در پیشبرد انقلاب

در همین خصوص خاطره‌ای در ذهنم مانده است که نقل میکنم: چند روز قبل از پایان سال ۶۵ که خدمت امام بودیم، چون یکی از روزهای فروردین ۶۶ با ولادت یکی از ائمه(علیهم‌السلام) مصادف میشد، من و آقای هاشمی رفسنجانی و حاج احمد آقا اصرار کردیم که ایشان در حسینیه‌ی جماران با مردم دیداری داشته باشند. امام استنکاف کردند و قاطع گفتند: حالش را ندارم. من در ایام نوروز به مشهد رفته بودم و آقای هاشمی هم از جبهه دیدار داشتند. در همان روزها، ناگهان قلب امام مشکلی پیدا میکند و چون حاج احمد آقا- که حق بزرگی بر گردن همه‌ی ملت دارد و امام را در این چند سال حفظ کرد- همه‌ی وسایل را برای بهبود امام(ره) مهیا کرده بود، فوراً به وضعیت جسمی ایشان رسیدگی شد و خطر برطرف گردید.

وقتی در بیمارستان بر بالین ایشان حاضر شدم، عرض کردم: چقدر خوب شد که آن شب اصرار ما را برای ملاقات با مردم نپذیرفتید؛ و آلا اگر خبر این ملاقات اعلام میشد، مردم به زیارت شما می‌آمدند و آن وقت شما با این حال نمیتوانستید مردم را ملاقات کنید و انعکاس آن در دنیا خوب نبود. این کار شما، خواست خداوند و کمک الهی بود و در آن زمان تصمیم بجایی گرفتید. ایشان در پاسخ من گفتند: آن طور که من فهمیدم، مثل اینکه از اول انقلاب تا حالا، یک دست غیبی در همه‌ی کارها دارد ما را هدایت و

ره، رهرو، رهبر / ۱۳

پشتیبانی میکند. واقعاً همینطور است؛ و آناً محاسبات معمول سیاسی، اقتصادی و محاسباتی که براساس آن، دنیا دارد اداره میشود، این نتایج را بدست نمیدهد.

عبد صالح؛ بهترین تعبیر برای معرّفی امام(ره)

آن چیزی که امام را بر هدایت و اداره و رهبری ملت ایران و انقلاب عظیمش قادر میکرد، عبارت بود از ارتباط با خدا و اتصال و توجه و توکل به او. او واقعا «عبد صالح» خدا بود. من هیچ تعبیری را بهتر از این برای امام(ره) پیدا نمیکنم.

رقت قلب امام در برابر معنویت و فداکاری مردم

معنویت مردم و خانواده‌ی شهدا و اخلاص رزمندگان در جبهه‌ها، امام را به هیجان می‌آورد. من چند بار گریه‌ی امام را - نه فقط به هنگام روضه و ذکر مصیبت - دیده بودم. هر دفعه که راجع به فداکاریهای مردم با امام صحبت میکردیم، ایشان به هیجان می‌آمدند و متأثر میشدند. مثلاً موقعی که در محل نماز جمعه‌ی تهران، قلکهای اهدایی بچه‌ها به جبهه را شکسته بودند و کوهی از پول درست شده بود، امام(ره) در بیمارستان با مشاهده‌ی این صحنه از تلویزیون متأثر شدند و به من که در خدمتشان بودم، گفتند: دیدی این بچه‌ها چه کردند؟ در آن لحظه مشاهده کردم که چشمهایشان پُر از اشک شده است و گریه میکنند.

بار دیگر موقعی گریه‌ی امام را دیدم که سخن مادر شهیدی را برای ایشان بازگو کردم: در شهری سخنرانی داشتم. بعد از پایان سخنرانی، همین که خواستم سوار ماشین شوم، دیدم خانمی پشت سر پاسدارها خطاب به من حرف میزند. گفتم راه را باز کنید، تا بینم این خانم چکار دارد. جلو آمد و گفت: از قول من به امام بگویید بچه‌ام اسیر دست دشمن بود و اخیراً مطلع شدم که او را شهید کرده‌اند. به امام بگویید فدای سرتان، شما زنده باشید؛ من حاضرم بچه‌های دیگرم نیز در راه شما شهید شوند. من به تهران آمدم، خدمت امام رسیدم، ولی فراموش کردم این پیغام را به ایشان بگویم. بعد که بیرون آمدم، سفارش آن مادر شهید به ذهنم آمد. برگشتم و مجدداً خدمت امام رسیدم و آنچه

را که آن خانم گفته بود، برای ایشان نقل کردم. بلافاصله دیدم آنچنان چهره‌ی امام در هم رفت و آنچنان اشک از چشم ایشان فروریخت، که قلب من را سخت فشرد.

اسباب لازم برای حرکت در خط امام

برادران عزیز! عامل اخلاص امام(ره) و رابطه‌ی او با خدا و نیز اخلاص مردم، تاکنون ما را به اینجا رسانده است؛ بعد از این هم باید همینگونه باشد. اگر هدفها و راه ما، هدفها و راه امام است، وسایل ما هم باید وسایل امام باشد. وسیله‌ی امام(ره)، کمک گرفتن از خدا بود. بیایید از خدا کمک بگیریم. این کار، با زبان تنها میسر نیست؛ بلکه با خلوص و اخلاص عملی و ترک گناه و تقویت رابطه‌ی بین خود و خدا که در قلب انسان جای میگیرد، عملی است. این، درس همیشگی امام برای ماست.

وصیت امام بر حفظ دل‌های پاک جوانی

شما جوانها، باصفا و بی‌آلایش و دارای دل‌های پاک و روح‌های صاف هستید. کار شما از ما راحت‌تر است و این راه را آسانتر از ما می‌پیمایید. شما نسل و نهال انقلاب هستید و نهادتان نیز انقلابی است. شما می‌توانید بندگان صالح و مؤمن و متعبّد و ذاکر و پرهیزکار باشید. توصیه می‌کنم این خصوصیات را حفظ کنید. وصیت امام هم بر این نکات تأکید داشت.

درسی همیشگی برای پیروان امام(ره)

ایشان تا آخرین لحظات حیاتشان، ذکر و نماز و دعا را از دست ندادند. حاج احمد آقا فرزند عزیز حضرت امام می‌گفتند: پیش از ظهر روز آخر حیات امام(ره)، ایشان روی تخت دائماً نماز می‌خواندند. مدتی گذشت، بعد پرسیدند: ظهر شده است؟ گفتم: بلی. آن وقت خواندن نماز ظهر و عصر با نوافلش را شروع کردند. بعد از اتمام نماز، مشغول ذکر گفتن شدند و تا لحظاتی که در حالت اغما به سر می‌بردند، مرتب پشت سر هم می‌گفتند:

ره، رهرو، رهبر / ۱۵

«سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر، سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر».

این کار برای ما درس است. ما که رهبرمان را دوست داریم، باید به کارها و روحیات او توجه کنیم و از آن درس بگیریم.

■

وظیفه‌ی مسئولین پس از خلأ وجود حضرت امام (ره)

استقامت و استحکامتان را حفظ کنید. دشمنها خیال میکردند که در خلأ وجود حضرت امام (ره) خواهند توانست شیطنت و شرارت کنند. الحمدلله حضور مردم، آنها را مأیوس کرد. نباید صرفاً به حضور مردم در شهرها که به مناسبت ایام عزاداری امام انجام میشود، اکتفا کرد. عامه‌ی مردم حضورشان همین است؛ ولی حضور شما در مراکز خدمت‌تان است. باید قوی و محکم، با سوداگران مرگ و بدخواهان و توطئه‌گران، در محدوده‌ی مسئولیت و قلمرو فعالیت کمیته‌ی انقلاب اسلامی، برخورد کنید. باید نشان دهید که امت امام و فرزندان، این نکته را از او یاد گرفته‌اند که همیشه خدا را شاهد و ناظر اعمال خود بدانند، و اگر امامشان در قید حیات نیست، خدای امامشان با آنهاست. مسئولیتها و مأموریتها را خیلی قوی و محکم و با قاطعیت کامل و با حضور وسیع و همه‌جانبه انجام دهید و دشمن را مأیوس کنید.

پیام به ملت شریف ایران، در تجلیل از امام امت و تأکید بر وحدت
و حفظ آمادگی مردم در صحنه، ۱۳۶۸/۰۳/۱۸

شخصیت بی‌نظیر و چهره‌ی استثنایی دوران معاصر

اکنون پس از رحلت رهبر فقید و عزیزمان، حضرت امام خمینی (ره)، همه‌ی ما گنجینه‌ای بس گرانبها از نمونه‌های رهبری بی‌نظیر آن بزرگمرد تاریخ و آن چهره‌ی استثنایی دوران معاصر، در اختیار داریم.

امام خمینی، شخصیتی آنچنان بزرگ بود که در میان بزرگان و رهبران جهان و تاریخ، به جز انبیاء و اولیای معصومین (علیهم‌السلام)، به دشواری میتوان کسی را با این ابعاد و این خصوصیات تصور کرد.

■

جامع فضایل انسانی و الگوی یک رهبر اسلامی

آن بزرگوار، قوت ایمان را با عمل صالح، و اراده‌ی پولادین را با همت بلند، و شجاعت اخلاقی را با حزم و حکمت، و صراحت لهجه و بیان را با صدق و متانت، و صفای معنوی و روحانی را با هوشمندی و کیاست، و تقوا و ورع را با سرعت و قاطعیت، و ابهت و صلابت رهبری را با رقت و عطوفت و خلاصه بسی خصال نفیس و کمیاب را که مجموعه‌ی آن در قرن‌ها و قرن‌ها بندرت ممکن است در انسان بزرگی جمع شود، همه و همه را با هم داشت. الحق شخصیت آن عزیز یگانه، شخصیتی دست‌نیافتنی، و جایگاه والای انسانی او، جایگاهی دور از تصور و اساطیرگونه بود.

او، رهبر و پدر و معلّم و مراد و محبوب ملت ایران و امید روشن همه‌ی مستضعفان جهان و بخصوص مسلمانان بود. او، عبد صالح و بنده‌ی خاضع خدا و نیایشگر گریان نیمه‌شبها و روح بزرگ زمان ما بود. او، الگوی کامل یک مسلمان و نمونه‌ی بارز یک رهبر اسلامی بود.



دستاوردهای باورنکردنی امام خمینی؛ در جایگاه رهبری نظام

او، به اسلام عزت بخشید و پرچم قرآن را در جهان به اهتزاز درآورد. و او، ملت ایران را از اسارت بیگانگان نجات داد و به آنان غرور و شخصیت و خودباوری بخشید. و او، صلاهی استقلال و آزادگی را در سراسر جهان سر داد و امید را در دل‌های ملل تحت ستم جهان زنده کرد. و او، در عصری که همه‌ی دست‌های قدرتمند سیاسی برای منزوی کردن دین و معنویت و ارزش‌های اخلاقی تلاش میکردند، نظامی بر اساس دین و معنویت و ارزش‌های اخلاقی پدید آورد و دولت و سیاستی اسلامی بنیان نهاد. و او، جمهوری اسلامی را ده سال در میان توفان‌های سهمگین و حوادث سرنوشت‌ساز، قدرتمندانه اداره و حراست و هدایت کرد و به نقطه‌ای مطمئن رسانید. ده سال رهبری او برای مردم و مدیران ما، یادگاری فراموش‌نشده و ذخیره‌ای بس گرانبهاست.

رهبری نظام جمهوری اسلامی، اکنون با این ذخیره‌ی ارجمند و تمام‌نشده، و نیز با آن تصویر والا و دست‌نیافتنی از شخصیت رهبر کبیرمان روبه‌روست.



توصیف شخصیت عظیم امام و وظیفه‌ی ما

نه اینجانب که طلبه‌ای کوچک، با کاستیها و قصورهای فراوان است، و نه هیچ فرد دیگری در جمهوری اسلامی قادر نیست که به قله‌ی آن شخصیت ممتاز و استثنایی دست یابد و خود را با پدر و معمار انقلاب اسلامی و سازنده و پردازنده‌ی جمهوری اسلامی مقایسه کند. او، آن نخستین بود که دومین نداشت، و فاصله‌ی میان او و امثال اینجانب، فاصله‌ی ژرف و ناپیمودنی است؛ لیکن اکنون این فرصت بزرگ و استثنایی برای امثال اینجانب وجود دارد که از آن ذخیره‌ی بسیار گرانبها، همچون ودیعه‌ای الهی و الهامی معنوی، بهره‌مند گردیم.

پیوستگی درسهای گوناگون امام بر معدودی از یاران

اینجانب که خود را شاگردی متواضع و فرزند مطیع و مریدی دلباخته‌ی آن روح‌الله میدانم، این توفیق را داشته‌ام که در تمام مدت ده سال و چند ماه پس از ورود رهبر کبیر به ایران، تا لحظه‌ی عروج آن روح ملکوتی، از آن سرچشمه‌ی فیاض سیراب شده و لحظه‌لحظه‌ی جریان مبارک آن هدایت الهی را با همه‌ی وجود خود لمس کنم. سخن و اشارت او، اندیشه و نصیحت او، دستور و توصیه‌ی او، و بالاخره عمل و رفتار او، عطیه‌های گوناگونی بود که سخاوتمندانه از آن قله‌ی مصفاً میجوشید و معدودی از یاران او را که در دامنه بودند، پیوسته بهره‌مند میکرد.

درس او، تنها آن نبود که در حوزه‌ی علمیه از او فراگرفتیم، یا در دوران شانزده ساله‌ی مبارزه از دور و نزدیک، به جان نوشیدیم؛ بزرگترین و ماندگارترین درس او، آنها بود که در این ده سال، همچون آیات حکمت به جان و دل خریدیم و در لوح ضمیر ثبت کردیم. به کمک و اراده‌ی الهی، هیچ حادثه و هیچ انگیزه‌ای نخواهد توانست آن را که بخشی از وجود ماست، از ما جدا کند، و اینجانب در مسئولیت خطیر و جدید خود، ملتزم و متعهدم که موبه‌مو، آن درسهای الهی را به کار بندم.

اکنون که تکلیف خطیر و بار سنگین این امانت الهی، به وسیله‌ی خبرگان و برگزیدگان ملت، به اینجانب محول شده است، لازم میدانم در این روزهای حساس و فراموش‌نشدنی، توجه همه‌ی آحاد ملت عزیز و مسئولان کشور را به نکاتی جلب کنم:

وجوب حفظ ارزنده‌ترین میراث رهبر کبیر انقلاب

۱) دشمنان زخم‌خورده و کمین‌کرده‌ی انقلاب، سالها انتظار چنین روزهایی را کشیده‌اند و اکنون همچون خفاشانی که غروب خورشید را انتظار می‌برند، درصدد تحرکات خبیث و پلید خود می‌باشند. اگرچه توفان احساسات مقدّس ملت، که این روزها همچون آتشفشانی فضای کشور را گداخته، به بدخواهان و فتنه‌انگیزان داخلی و نیز به دشمنان کینه‌ورز خارجی، مجال هیچگونه شرارت نخواهد داد و هر حرکتی بر علیه نظام مقدّس جمهوری اسلامی را، که ارزنده‌ترین میراث رهبر کبیر و فقید ماست، به آتش خواهد کشید، ولی حفظ آمادگی و هشیاری و حضور در صحنه و حساس بودن در برابر تحرکات مشکوک، امروز از جمله‌ی فرایض عمومی است.

رمز پیروزی، بقا و تداوم انقلاب در وصیت امام

۲) همانطور که رهبر کبیر و عزیز ما بارها تکرار می‌کردند و در وصیتنامه‌ی سیاسی، الهی خود نیز بر آن تأکید ورزیده‌اند، وحدت کلمه و وحدت صفوف ملت ما که رمز پیروزی انقلاب بود، رمز بقا و سلامت و تداوم آن نیز هست.

هشدارهای مکرر امام در خنثی‌سازی یکی از توطئه‌های دشمن

۳) از اوایل پیروزی انقلاب، یکی از توطئه‌های دشمنان که سعی میشد به وسیله‌ی عناصر خائن، در داخل کشور به مرحله‌ی اجرا درآید، به رکود کشیدن کارهای کشور و تعطیل حرکت و تولید و آفرینش و نوآوری علمی و عملی بود. خوشبختانه با هشدارهای مکرر حضرت امام(ره) و هشیاری و آگاهی مردم، همواره این توطئه‌ی خباثت‌آمیز که به زیان هدفهای انقلاب و بر ضد آسایش و رفاه عموم است، خنثی می‌گردیده است.

تسلیت فقدان پدری مهربان و رهبری بزرگ به اقشار مختلف ملت فداکار ایران

۶) اینجانب بطور ویژه به فرزندان شاهد و خانواده‌های معظم شهدا و اسرا و جانبازان

ره، رهرو، رهبر / ۱۹

و نیز به خود دلیرمردان اسیر، که هنوز رنج اسارت را تحمل میکنند و نیز به جانبازان عزیز که مورد عطف و ویژه‌ی رهبر کبیرمان بودند، صمیمانه تسلیت عرض کرده و صبر و بردباری آنان را بخاطر فقدان پدر مهربان و رئوف و عالیقدرشان، از خداوند شکور و منان مسئلت مینمایم. همچنین به همه‌ی ملت بزرگ و رشید و وفادارمان که حقیقتاً با ابراز وفاداری شورانگیز خود در این چند روز، انقلاب و اسلام را سرافراز، و روح بزرگ رهبرمان را شاد کردند، با همه‌ی وجود تسلیت میگویم و به آنان عرض میکنم که شما ملت بزرگ، با این صفا و وفا و فداکاری، حَقّاً شایسته‌ی الطاف الهی هستید و امیدوارم مشمول برکات دائمی پروردگار و شاهد پیروزی نهایی و وصول به هدفهای متعالی رهبر فقید عزیزمان باشید.

تقدیر از زحمات فرزند امام نسبت به امام

(۷) وظیفه‌ی خود میدانم، احترام و قدردانی عمیق خود را نسبت به بیت معظم و خاندان جلیل رهبر کبیر و فقیدها، بویژه یادگار عزیز و محبوب ایشان - جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سید احمد خمینی - ابراز دارم. همه‌ی کسانی که به امام عزیزمان عشق و ارادت داشته‌اند، باید بدانند که سلامت و نشاط امام عزیز در طول سالهای متمادی، مدیون زحمات و تلاشهای فداکارانه‌ی فرزند گرامی ایشان است و اگر فعالیت دلسوزانه و هوشمندانه و مدیریت همراه با ابتکار ایشان در اداره‌ی محیط کار و زندگی حضرت امام نمیبود، شاید ما از مدتها پیش از نعمت وجود و حضور رهبر کبیرمان محروم میشدیم. اینجانب ضمن تشکر و قدردانی فراوان از ایشان و عرض مجدد تسلیت به مناسبت این مصیبت عظیم و این غم جانکاه، از خدای متعال توفیقات روزافزون ایشان را مسئلت میکنم.

قدردانی از معالجین و مراقبین امام خمینی (ره)

همچنین وظیفه‌ی خود میدانم از برادران فداکار تیم پزشکی و پزشکان معالج و مراقب حضرت امام (ره)، چه آنان که در طول سالیان گذشته به‌طور مستمر و با تلاش اعجاب‌انگیز به مراقبت و درمان معظم‌له اشتغال داشتند، و چه آنان که در عمل جراحی

اخیر به صورت شبانه‌روزی و فارغ از استراحت و نیازهای شخصی، به درمان معظّم‌له پرداختند و همه‌ی دستیاران و کمک‌کارانشان، صمیمانه تشکر کنم.

یکی از درخشانترین یادگارهای عظمت امام و ائمت

در پایان لازم میدانم بر این نکته تأکید کنم که خلوص و وفاداری و عشق و ایمانی که شما ملت عزیز در این امتحان بزرگ الهی از خود نشان دادید، یکی از درخشانترین و ماندگارترین یادگارهای عظمت شما و رهبر کبیرتان خواهد بود. بحق باید گفت که امامی آنچنان را، امتی اینچنین شایسته است.

در مراسم بیعت نماینده‌ی امام در ارتش، وزیر دفاع، فرماندهان و پرسنل منتخب نیروهای سه‌گانه و وزارت دفاع، ۱۳۶۸/۰۳/۱۸

تفاوت تعظیم و تکریم امام با سایر شخصیت‌های مورد اکرام و اعظام

حقیقتاً برای انسان بزرگ و شخصیت بی‌نظیری مثل امام عزیز و بزرگوارمان، جا دارد که برگزیده‌ترین انسانها و هوشمندترین ذهنها و صافترین و پاکترین دلها و جانها، از احساس تعظیم و تکریم سرشار شوند. فرق است میان شخصیتی که بخاطر مقام و سیمت ظاهریش مورد احترام و تجلیل واقع میشود، و کسی که شخصیت و عظمت و عمق وجود و آراستگیهای گوناگون او، هر انسان بزرگ و قوی و هوشمندی را به تعظیم و تجلیل و ستایش و تکریم وادار میکند. امام عزیز ما، از این نوع انسانها بود.

تبیین برخی از خصلتهای انسانی و والای امام خمینی

امام(ره)، خصلتهای گوناگونی داشت: بسیار خردمند و عاقل و متواضع و هوشیار و زیرک و بیدار و قاطع و رثوف و خویشندار و متقی بود. نمیشد حقیقتی را در چشم او واژگونه جلوه داد. دارای اراده‌ای پولادین بود و هیچ مانعی نمیتوانست او را از حرکت بازدارد. انسانی بسیار دلرحم و رقیق بود؛ چه در هنگام مناجات با خدا که از خود بیخود میشد، و چه در هنگام برخورد با نقطه‌هایی از زندگی انسانها که بطور طبیعی دلها را به عطف و رأفت وادار میکند. انگیزه‌های نفسانی، جاذبه‌های مادی، هوی‌ها و هوسها،

نمی‌توانست به قله‌ی رفیع وجود باتقوای او دست‌اندازی کند. او امیر هوی‌ها و خواهش‌های خود بود؛ ولی خواهش‌ها بر او حکومت نمی‌کردند. صبور و بردبار بود و سخت‌ترین حوادث در اقیانوس عظیم وجود او، تلاطم ایجاد نمی‌کرد. کشور ما در دوران سختیهای خود، از هر دو بلوک تحت فشار بود. هشت سال جنگ تحمیلی، مصداق بارز اینگونه فشارهاست. در چنین شرایط سخت و دشواری، ما که مسئولیت اداره‌ی کشور را بر عهده داشتیم، به او پناه می‌بردیم. آن بزرگوار مثل اقیانوسی عمیق و آرام بود و هیچ تلاطمی در او تأثیر نداشت. با نگاه به او، به آرامش می‌رسیدیم و مشکلات بزرگ را کوچک می‌یافتیم. هر کدام از این خصوصیات مهم، به تنهایی کافی بود که از دارنده‌ی آن، یک انسان بزرگ بسازد. امام عزیز ما تمام این خصلتهای ارزنده را یکجا در خود داشت.

من قادر نیستم خصلتهای انسانی و والای این مرد بزرگ را که مثل خورشید در تاریخ ایران درخشید، توصیف کنم. سالهای متمادی خدمت امام بودم. از سال ۳۷ با ایشان آشنا شدم و به درس او می‌رفتم. در دوره‌های مختلف زندگی و در بحرانهایی که پیش می‌آمد، رفتار حساب‌شده‌ی آن مرد را دیده بودم. این انسان استثنایی، اصلاً از نوع مردم زمان ما نبود. واقعاً نمیتوانم خصلتها و خصوصیات این مرد بزرگ را توصیف کنم.

اعتراف دشمنان به شخصیت والای امام

حالا که خورشید فروزان وجود او به افول گراییده و دیگر در این دنیای ظلمانی نیست، کسانی که تا دیروز به چشم انکار و عناد نگاهش می‌کردند، اکنون به ذکر فضایل و مناقب او زبان باز کرده‌اند! حرفهایی که در این چند روز توسط خبرگزاریها و شخصیت‌های سیاسی جهان زده شد، واقعاً عبرت‌انگیز است. اینها تا یک هفته پیش حاضر نبودند درباره‌ی امام این حرفها را بزنند؛ اما امروز این حقایق را میگویند و اعتراف میکنند!

استثنایی‌ترین مسئله‌ی بعد از انقلاب

من دوران بعد از پیروزی انقلاب تاکنون را بخاطر حضور امام(ره) در این ده سال، یک

دوران استثنایی میدانم. انقلاب و مردم و هدفها و دشمنیهایی که با ما میشد، نیز استثنایی است؛ ولی از همه استثنایی‌تر، امام(ره) است که متأسفانه امروز از وجود او محروم هستیم. او نعمت بسیار بزرگی بود و افسوس که از دست ما رفت؛ آن هم در حالی که دنیای اسلام هنوز به رهبریه‌ها و هدایتها و شخصیتی که او در انسانهای مظلوم و مستضعف و ملت‌های تحقیرشده‌ی دنیا میدمید، احتیاج داشتند.

یتیم شدن همه‌ی نهضت‌های اسلامی دنیا

امروز جمعی از رهبران نهضت‌های بزرگ و معروف اسلامی دنیا برای ابراز همدردی خود، با من ملاقات داشتند. ای‌کاش حرف‌های آنها عیناً ضبط شده بود و به گوش مردم ما میرسید، تا میدیدند که چگونه امواج ساطع‌شده از آن کانون جوشان و خروشان و آن مرکز بی‌ظنیر نور و حرارت، به مسلمانان و انسانهای مظلوم و مستضعف و تحقیرشده‌ی دنیا جان و روح و قدرت داده است و توانسته‌اند در برابر سیل تهاجم‌ها و دشمنی‌ها ایستادگی کنند. همین چهره‌های معروف نهضت‌های اسلامی لبنان، فلسطین، افغانستان و کشورهای دیگر که اسم آنها را شنیده‌اید، به من میگفتند: ما یتیم شدیم. حقیقتاً هم همه‌ی ما یتیم شده‌ایم و ثقل عظیمی را از دست داده‌ایم.

تأثیر جهان‌بینی و آرمانها در شکل‌گیری شخصیت امام

شخصیت هر انسانی، غیر از عوامل و عناصری که وجود خارجی و ظاهری او را تشکیل میدهد- مثل جسم و ذهن و روحيات و خصلتها و خلقیات- مقومات دیگری نیز دارد که گاهی نسبت به آن عناصر و عوامل، جنبه‌ی زیربنایی دارد؛ مانند افکار و جهان‌بینی و دیدگاهها. همه‌ی جهان‌بینی‌ها نمیتوانند انسانی مثل امام(ره) تربیت کنند. آن کسی که به خدا، قیامت، حضور در برابر پروردگار، زندگی پس از مرگ، شهادت و توکل معتقد است، در دنیا بگونه‌ای عمل میکند، و کسی که فاقد این جهان‌بینی است، طور دیگر رفتار میکند. پس، جهان‌بینی هر انسانی، در تشکیل شخصیت او تأثیر اساسی دارد. یکی از این مقومات، تعیین محدوده‌ی هدفهاست. عمل و شعاع حرکت و کشش

ادامه‌ی راه، بسته به نوع هدف و محدوده‌ی آن، متفاوت است. هدفهای بزرگ، به‌خودی‌خود، حرکتها و شخصیت‌های بزرگ را تولید میکنند. هدفها و آرمانها و افکار و تأملات انسان درباره‌ی زندگی و جامعه و آینده و وظایف بشر، عناصر سازنده‌ی شخصیت انسان است.

آرمانهای امام؛ تنها راه تربیت انسانهایی با جهان‌بینی و عمل برتر

اگرچه امام(ره) عوامل و عناصر و مقوماتی که وجود ظاهری او را به وجود می‌آورد و تشکیل میداد، با خود برد، اما افکار، آرمانها، جهان‌بینی، هدفها، توصیه‌ها، راهها و ابزارها را در اختیار ما گذاشت. هم‌اکنون بخش عظیمی از شخصیت امام در اختیار ماست. آرمانهای اعلام شده به وسیله‌ی او، برترین و بالاترین آرمانهاست. ما باید اینها را دنبال کنیم. ملتی که اینطور بر سر و سینه میزنند و اشک میریزند و دل در سینه‌هاشان تاب ماندن ندارد و هر کدام اگر میتوانند، همه‌ی دنیا را میدادند، تا امام را یک لحظه‌ی دیگر به حیات برگردانند، اینها دنبال افکار امام(ره) هستند و او را بخاطر فکر و ایده و آرمان و راه و مجاهدت و مقاومتش دوست میدارند. ما باید آرمانهای این مردم و شما رزمندگان را نگه داریم.

آن افسر جوانی که صاحب زن و دو بچه است و پدر و مادر آرزومندی دارد که دوست میداشتند بچه‌ی آنها لباس افسری بپوشد و به او نگاه کنند و لذت ببرند، همچنین وسیله‌ی آسایش و رفاه او در حد معقولی فراهم بوده است، به جبهه‌ی جنگ میرود و فرمانده گردان میشود؛ گذشت شب و روز و هفته و ماه را نمیشناسد و به گرد و غبار و گرسنگی و تشنگی و جیره‌ی جنگی فکر نمیکند و همه‌ی اینها را با آغوش باز میپذیرد. صد بار گلوله‌ی توپ جلوی پایش، پشت سرش، پشت چادرش و پشت سنگرش منفجر میشود، ولی از حضور در جبهه پشیمان نمیشود و حتی به زندگی راحت در تهران یا شهرستان هم متمایل نمیگردد. بعد هم در یک عملیات که احساس میکند نیروهای او احتیاج به تقویت روحی دارند، بلند میشود و تفنگش را برمیدارد و راه می‌افتد و در کنار نیروهایش، علیه دشمن میجنگد و همانجا هم به شهادت میرسد.

اگر این شخص، آن جهان‌بینی و آرمان را نداشته باشد، این کار را نمیکند. پدر و مادر

او، به جای اینکه گریه کنند و اشک بریزند و پیش من و یا دیگران بروند و گله و شکوه کنند و نوازش بطلبند، مقاوم می‌ایستند و سینه‌ی خود را سپر میکنند و در شهادت پسر رشید و جوان و امید زندگیشان، شیرینی پخش میکنند؛ بعد هم میگویند اگر پسرهای دیگری هم داشته باشند، به جبهه میفرستند!

فقط با آرمانهای امام (رضوان الله تعالی علیه) است که چنین افرادی با اینگونه جهان بینی و عمل پیدا میشوند و بدون آن اصلاً امکان ندارد.

علت گزینش و ادامه‌ی آرمانهای امام (ره)

امروز آرمانها و آرزوهای امام، از هر چیز دیگر زنده‌تر است؛ دنیا هم از آنها میترسد. خبرگزاریهای جهان و محافل تحلیلیگر سیاسی، ایران را زیر ذره بین گذاشته‌اند و لحظه به لحظه تحلیلی را منتشر میکنند. آنها به دروغ میگویند رهبر جدید چنین و چنان خواهد کرد؛ بعد که دیدند آنگونه نشد و راه و هدف ما، راه و هدف امام است و توصیه‌های او را به کار میندیم و همواره او را معلم خود میدانیم، لحن گفتارشان عوض شد! آنها از شخص امام، بخاطر آن آرمانها میترسند. ما همان راهی را که آن بزرگوار رفت، ادامه خواهیم داد؛ زیرا برتر و والاتر و شیرینتر و مقدّستر و شایسته‌تر از آرمانهای او سراغ نداریم.

تنها «فرمانده کل قوا»ی عارف، حکیم و الهی؛ پس از پیامبران

برادران ارتشی و سپاهی و بسیجی و نیروی انتظامی، با بقیه‌ی ملت ایران از یک نظر تفاوت دارند، و به تعبیر بهتر، از یک امتیاز برخوردارند. امتیازشان این است که امام (ره) با اینکه رهبر همه بود، ولی مستقیماً فرمانده آنها بود. من بارها به ارتشها گفته‌ام که غیر از دوران پیامبران، فرمانده کل قوای عارف و حکیم و عاشق و الهی در دنیا سراغ نداریم.

حق فراوان حضرت امام بر گردن ارتش

برادران عزیز، ارتشیان و نیروهای مسلح! شما باید در راه هدفهای الهی، معنویت و

پاکتر و بی‌آلایشتر و مصمّمتر از مردم عادی باشید؛ چون تحت فرماندهی انسان والایی قرار دارید. این فرماندهی بزرگ، بیشتر از هر کسی به گردن ارتش حق دارد. البته کشورهای در دنیا وجود دارند که ارتش آنها برای مردم محبوبند، اما چنین چیزی در گذشته‌ی ایران سابقه نداشته است. امام ارتش را محبوب مردم کرد، و الآن شما ارتشیها مورد محبت مردم هستید و مردم از صمیم دل شما را دوست دارند. او تا لحظه‌ی آخر از ارتش دفاع کرد. بعد از آتش‌بس تا همین اواخر، بارها بر سر قضایای مختلف و طرحهای گوناگون که از سطوح متوسط پیشنهاد میشد و گاهی هم جنجال‌برانگیز بود و اگر اجرا میشد، هویت ارتش را به خطر می‌انداخت، ایستادگی کرد و با یک سخن و حرکت قاطع، همه را نفی کرد.

نحوه‌ی قدرشناسی از زحمات امام خمینی(ره)

سعی کنیم تا آنجا که ممکن است، با استفاده از عناصر معنوی و بهره‌گیری از افکار و رهنمودهای او، شخصیت این بزرگمرد کم‌نظیر تاریخ را ارج نهیم و از زحماتش قدرشناسی کنیم. خوشبختانه او در زمان ما حضور داشت؛ توانستیم او را ببینیم و سخنش را بشنویم. حرکات و وجنات و نگاه پرمعنا و چهره‌ی نورانیش را- که در تاریخ، نقل‌مانند او را شنیده بودیم- در این زمان به چشم خود دیدیم و لمس کردیم.

علت اشاره‌ی امام به خودکفایی ارتش در وصیتنامه

اینکه امام(ره) در وصیتنامه‌ی سیاسی، الهی خویش به خودکفایی ارتش اشاره کرده بودند و مرقوم فرموده بودند: «امروز چیزهایی را با قیمت ارزاتر می‌سازند»، در واقع همان گزارشی بود که در آن سال به ایشان دادم و گفتم در زمان طاغوت وقتی میخواستند قطعه‌ای از تجهیزات ارتش را تعمیر کنند، با هواپیما آن را به کشور سازنده میبردند و پس از تعمیر، به کشور برمیگرداندند؛ ولی امروز همین قطعات داخل ایران ساخته و تعمیر میشود. این گزارش، امام(ره) را تحت‌تأثیر قرار داد و ایشان این موضوع را در وصیتنامه‌ی سیاسی، الهی خود آوردند. گزارشی که من به امام دادم، براساس شایعات و

گفته‌ها نبود؛ بلکه از روی اطلاع و براساس واقعیات ارتش بود که در جریان عمل، به آن رسیده بودم.

امام خمینی(ره)؛ باطل‌کننده‌ی تبلیغات غربی علیه دین

برعکس آنچه که سالهای سال تبلیغات غربی و استکباری وانمود میکرد که دین مایه‌ی تخدیر و انزوا و دنیاگریزی افراد جامعه است، امام(ره) که متدین واقعی بود، با دنیا و سیاست و حوادث و سازندگی، برخورد برجسته و متفاوتی داشت و بطلان ادعای آنها را ثابت کرد.

در مراسم بیعت جمع کثیری از عشایر عرب خوزستان و مردم نجف‌آباد، ۱۳۶۸/۰۳/۱۹

عمق اعتقاد و شور ایمان مردم امروز در نظر امام(ره)

در هنگام رحلت رسول اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله) تمام شهر مدینه یکپارچه ضجه و عزاداری شد و احساسات پُرشور مردم مسلمان به حدی بود که در تاریخ بعنوان یک روز نمونه باقی ماند؛ اما وقتی احساسات و هیجان ملت بزرگ ایران را در هنگام دریافت خبر رحلت امام عزیز و بزرگوارمان مشاهده میکنیم، بار دیگر به این حقیقت ایمان می‌آوریم که مردم بااخلاص ما و مسلمانان امروز جهان، از لحاظ عمق ایمان و شور و احساسات، حتی از دوره‌ی رسول گرامی اسلام(صلی‌الله‌علیه‌وآله) و مردم آن زمان جلوترند.

این واقعیت را در جلوه‌های متعدد فداکاری مردم، از اول پیروزی انقلاب تا امروز مشاهده میکنیم. امام عزیزمان نیز این مطلب را تصدیق میکردند و میگفتند: عمق اعتقاد و شور ایمان مردم در سطح عموم، حتی از دوران صدر اسلام هم بالاتر است.

در آن وقت، مردم به چشم خودشان پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) و امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) را میدیدند؛ ولی امروز مردم ما، پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) و امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) و ائمه‌ی هدی(علیهم‌السلام) را فقط در تاریخ دیده‌اند؛ درعین‌حال، ایمان و شور و احساسات و فداکاری و صدق نیت و آمادگی آنها برای مواجهه با حوادث بزرگ، از مردم آن روزگار کمتر نیست و در مواردی حتی بیشتر است. اگر از برجستگان و بزرگانی که در صدر

ره، رهرو، رهبر / ۲۷

اسلام بوده‌اند و تا همیشه‌ی تاریخ مثل خورشید خواهند درخشید، بگذریم، در مقایسه با سطح عامه‌ی مردم، ملت ما حقاً و انصافاً از مردم آن زمان جلوترند.

ایام بُروز اعتقاد، شور و وفاداری مردم به امام و انقلاب

در ایام رحلت امام عزیزمان، یکبار دیگر این معنا نشان داده شد. احساسات پُرشور مردم و ابراز عشق و وفاداری آنها به امام و انقلاب، حقیقتاً نظام اسلامی را در دنیا روسفید کرد و مایه‌ی مباحثات امام عزیزمان شد. این بیداری و خیزش نیز از برکات همان بزرگمرد و درس آن معلم چیره‌دست است.

نقش امت در تداوم راه امام

نقش دو عامل امام و امت، در انقلاب ما بسیار مهم بوده است. شما مردم تأثیر فوق‌العاده‌ای در شکست توطئه‌های دشمن و روسفیدی انقلاب داشتید، و در حال حاضر که در فقدان آن عزیز تازه سفر کرده میسوزیم، باید راه او را با همان اقتدار و قوت اراده ادامه دهیم، و عزاداری و ابراز احساسات مردم ما در این چند روز نشان داد که راه آن بزرگوار ادامه می‌یابد.

اطمینان به رضایت امام از امت خود

جلوه‌های برکات الهی، در اراده و روشن‌بینی مردم ما پدیدار شده است و امام (رضوان‌الله تعالی‌علیه) با رضایت از ملت ایران به لقاءالله شتافت. او بدون شک از شما مردم راضی و خشنود است و مطمئنم که در پیشگاه پروردگار عالم، از امت خود و مردمی که به ندای او پاسخ دادند، اظهار رضایت خواهد کرد و برای آنها دعا میکند. حقیقتاً امام، شما مردم را خوب میشناخت و در مقابل مسائلتان فوق‌العاده حساس بود و نسبت به حل آنها اهتمام داشت.

ضرورت ادامه دادن خط امام، با توکل به خدا و تکیه بر مردم

باید رهنمودهای امام(ره) را که در همه‌ی زمینه‌ها بیان شده است و هم‌اکنون در اختیار ماست، مورد بهره‌برداری قرار دهیم و یقیناً کمک الهی هم با ما خواهد بود. امیدواریم بتوانیم راه و خط و جهتگیری امام(ره) را، با همان قدرت و با اتکال به نیرو و مدد الهی و با تکیه بر حمایت‌های مردمی ادامه دهیم و إنشاءالله به همان هدفها نائل شویم.



در مراسم بیعت وزیر کشور به همراه معاونان، مشاوران و استانداران سراسر کشور، ۱۳۶۸/۰۳/۱۹

ضایعه‌ای بسیار سنگین و غیرقابل باور

حقیقتاً خیلی سخت است که ما وضعیت جدید را در ذهنمان تصویر کنیم و آن را جا بیندازیم. تا آنجا که من با احساس و عقلم و با مشاهده‌ی جلوه‌های گوناگون وجود این مرد درک کرده‌ام، ارزیابی این ضایعه‌ی بسیار بزرگ و سنگین و خطرناک و حقاً و انصافاً میسور نیست و اصلاً قابل مقایسه با آنچه که در کشورهای دیگر رخ میدهد، نمیباشد.^۱



هم رهبر سیاسی و هم پشتوانه معنوی

امام(ره) فقط یک رهبر سیاسی و یک مقام در سلسله مراتب تشکیلاتی کشور نبود؛ او پشتوانه‌ی معنوی و روحی و مایه‌ی امید ما بود؛ وزنه‌ی بزرگ و قلّه‌ی عظیمی بود که دائم میجوشید و هرکس را بقدر ظرفیتش سیراب و بهره‌مند میکرد.



عناصر لازم برای جبران خلأ عظیم فقدان امام

من به نوبه‌ی خود، این مصیبت بزرگ را به همه‌ی برادران عزیز تسلیت عرض میکنم و امیدوارم با توکل به خدا و استعانت از او، و نیز با تدبیر و عقل و حکمت و صفا و

۱ مضمون این مطلب در «مراسم بیعت گروهی از رزمندگان سپاه پاسداران و روحانیون شهرهای خمین، دامغان و گناباد، ۱۳۶۸/۰۴/۰۳» و «در مراسم بیعت اصناف مشهد و تعاونیهای شهری خراسان، مسئولان بنیاد پانزده خرداد و نهضت سوادآموزی و وزارت نیرو، ۱۳۶۸/۰۴/۰۸» و «در مراسم بیعت حجت‌الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی، رئیس و کلیه‌ی نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۸/۰۳/۲۴» نیز تکرار شده است.

همکاری حقیقی و واقعی با یکدیگر، این کمبود بزرگ و خلأ عظیم پُر شود.

ماهیت پیش‌بینی‌های جبهه‌ی استکبار در روز رحلتِ امام

من حادثه‌ی جانگداز رحلت امام عظیم‌الشأن را بسیار بزرگ میدانم. اینکه شما دیدید خبرگزاری‌های خارجی و تحلیلگرهای سیاسی، در روز اول فقدان امام پیش‌بینی کردند که همه چیز تمام شد، ناشی از یک کار تبلیغاتی محض نبود؛ بلکه آنها براساس معیارهای خود محاسبه کرده بودند و این نتیجه را گرفته بودند.

وحدت؛ عنصری ضروری برای جبران خلأ عظیم

در دورانی که ما وزنه‌ی عظیم حضرت امام(ره) را نداریم، حقیقتاً بیش از همه چیز بایستی به یکپارچگی و وحدت مردم بیندیشیم؛ و الا انقلاب تهدید خواهد شد.

امید به تداوم انقلاب براساس رهنمودهای امام

من وقتی به وضع کلی کشور نگاه میکنم و خبرها و اظهاراتی که از خارج میرسد، میبینم و مشاهده میکنم، نگرانی‌ای از آینده ندارم. احساس میکنم که امروز ملت ایران بحمدالله آن رشد را دارد که بتواند حرکتی را که آغاز کرده است، براساس رهنمودهای امام عزیز(ره) آن را تداوم بخشد.

ضرورت استفاده‌ی صحیح از برکت وجودی امام

بزرگان همیشه همینگونه‌اند. مردان بزرگ و انسانهای والا، همه چیزشان در خدمت انقلاب و اهداف آن قرار میگیرد. حرکت و سکوت و سخن و مبارزات و دیگر خصوصیات امام(ره)، در خدمت اهداف انقلاب بود. فقدان او که ضایعه‌ای غیرقابل مقایسه با هر ضایعه‌ی دیگر است، با تفضلات الهی، انقلاب و ملت را به پیش میبرد. برکت

بزرگی نصیب نظام ما شده است؛ «وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ»^۱، «وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا»^۲.

سلام بر ولادت و مرگ و حیات دوباره‌اش. واقعاً همه‌ی خصوصیات او، مشمول و منشأ سلام و برکت الهی است. این واقعیتی است که وجود دارد و اگر نتوانیم از این واقعیت استفاده کنیم، ضعف خود را نشان داده‌ایم و باید جوابش را بدهیم.

دعا و توسل؛ از علل موفقیت امام خمینی(ره)

بدون دعا و توجه و توسل به پروردگار نمیشود راه را پیش برد و من اعتقاد دارم که یکی از علل موفقیت امام(ره)، همین تضرع و توجه به پروردگار متعال بود.

در مراسم بیعت جهادگران جهاد سازندگی سراسر کشور، ۱۳۶۸/۰۳/۲۰

آینده‌نگری امام در تشکیل جهاد سازندگی

جهاد سازندگی از جمله دستگاہهایی است که بیش از همه، ما را به یاد امام عزیزمان می‌اندازد. چقدر ایشان به این مجموعه‌ی جوان و انقلابی و بااخلاص و کارآمد اهمیت میدادند، و چقدر لذت میبردند وقتی میشنیدند جهاد سازندگی موفقیت‌هایی را در جبهه‌ی جنگ و مناطق دورافتاده‌ی روستایی بدست آورده است. آن دل بزرگ، از دیدن این همه تلاش، پُر از امید و شادی میشد. تیزبینی و روشن‌نگری و تشخیص آن عزیز، درست و بجا بود و میدانست این مجموعه که از عناصر مؤمن و انقلابی و جوان و فعال و کارآمد و باسواد تشکیل یافته است، تا چه اندازه میتواند برای کشور مفید باشد.

تلاش مضاعف؛ راه تعظیم و شادی روح امام خمینی(ره)

شما که عاشق امام بودید و هستید، شما که رگ جانتان به امام وصل بود، شما که ارتباط با او را هویت اصلی جهاد به حساب می‌آوردید، باید برای تعظیم روح و شادی

۱ سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۳۱. و هر جا که باشم مرا با برکت ساخته.

۲ سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۱۵. و درود بر او روزی که زاده شد و روزی که میمیرد و روزی که زنده برانگیخته میشود.

آن پرواز کرده به ملکوت اعلی، که بی شک ناظر و نگران کارهای ماست، از امروز تلاشتان را مضاعف کنید.



مصیبت عظیم فقدان خورشید وجودی امام و دنیای تاریک پس از او

مصیبت، خیلی عظیم، و فقدان و ثلمه، غیرقابل تحمل است. امواج حیاتی و دائمی که از شخصیت او متصاعد میشد، مثل خورشید به ذرات جان میداد. حیات او برای ما بسیار تعیین کننده و سرنوشت ساز بود. اینگونه نیست که با انتخاب یک فرد دیگر به جای این عزیز که جایگاهی در نظام ما داشت، کار تمام شود. امام(ره) آسمانی بود، و بنده و امثال بنده، خاکی هستیم. فاصله‌ی میان این دو، ناپیمودنی است.

ما در این ده سال، بخصوص سه، چهار سال اخیر که بیماری قلبی ایشان نگران کننده بود، خیلی دلهره داشتیم. دنیای خالی از وجود امام، تاریک است. بدون او، در خلأ زندگی میکنیم و جسم ما بی روح است. از تحقق چنین روزی، همیشه به خدا پناه میبردم. وقتی مردم دعا میکردند که تا انقلاب مهدی(عجل الله تعالی فرجه) او را نگه دارد، با خودم میگفتم: پروردگارا! آیا میشود این دعا مستجاب شود، تا هیچ احساس خلئی نکنیم؟



وظیفه‌ی مضاعف ما در فقدان چشم بینای انقلاب

من امروز احساس میکنم که چون ضایعه بزرگ، و حادثه سنگین، و خسارت بالاتر از حد تصور است، باید تلاش خود را مضاعف کنیم. وقتی خدا چشم را از انسانی گرفت، حواس سامعه و شامه و ذائقه و لامسه و تمام استعدادهای او به کمکش می آیند. البته گوش و دیگر حواس انسان، کار چشم را نمیکند؛ اما مقداری از ضایعه را میکاهند. در این مواقع، دیگر حواس هنری را نشان میدهند که در بودن چشم، آن هنر و حساسیت را نداشتند و یا امکان بروز آن را پیدا نمیکردند.

ما امروز در فقدان امام و چشم بینای انقلاب، باید اینگونه عمل کنیم. اگر این نعمت را با خود نداریم، بیایید سامعه و شامه و ذائقه و لامسه و همه‌ی احساسهای مکمون و مکنون خود را بیش از گذشته به کار اندازیم. امروز باید بیشتر کار کنیم، بیشتر فکر کنیم

و همبستگی بهتری داشته باشیم، تا بتوانیم وظایفمان را انجام دهیم. انقلاب به سرچشمه‌های فیاض و جوشان استعداد‌های بشری نیاز دارد؛ باید برای تأمین این نیاز بکوشیم و این، عمل به وصیت بزرگمردی است که جای خالی او را با هم‌هی وجودمان لمس می‌کنیم.

اصلی‌ترین عنصر موفقیت و جاودانگی امام(ره)

البته یک نکته وجود دارد که در زندگی امام هم اصلی‌ترین نکته بود و آن، توجه به خدا و کمک خواستن از اوست. خصوصیتی که امام(ره) داشتند، هر کدامش کافی بود یک انسان معمولی را، انسانی بزرگ معرفی کند. اراده و قاطعیت و علم و شجاعت و صدق و صراحت و تقوا و ورع، ویژگی‌های بارز امام بودند. اگر هر کدام از اینها به تنهایی در یک انسان معمولی دمیده شود، او را تبدیل به یک آدم بزرگ می‌کند.

نکته‌ی اصلی این است که اگر در مجموعه‌ی ذی‌قیمتی که شخصیت معنوی امام(ره) را تشکیل داده بود، عنصر عبودیت و اخلاص وجود نمی‌داشت، او به این موفقیتها نمی‌رسید. بنابراین، کارهای انجام شده، خیلی عظیمتر از آن است که شخصیتی با هم‌هی آن خصوصیات - منهای ارتباط با خدا - بتواند آن کارها را انجام دهد.

امام که توانست این حرکت عظیم را در دنیا به وجود آورد، بخاطر آن بود که با خدا ارتباط داشت و در این راه ملاحظه‌ی هیچ چیزی را نمی‌کرد. امروز که او در میان ما نیست، سیل اعتراضها و تعریفها سرازیر شده است و هم‌هی دنیا به اقدام عظیم او که اقیانوس انسانها را به حرکت درآورد، معترفند. این کار بزرگ، تنها در سایه‌ی قاطعیت و اراده و هوش و شجاعت و تیزی و آینده‌نگری به وجود نیامد؛ این خصلتها قادر نبودند این توفان عظیم را پیش آورند؛ عنصر اصلی، ارتباط با خدا و کمک خواستن از او بود که نام امام(ره) و کار او را در تاریخ جاودانه کرد. اگر ما خصلتهای دیگر امام را نداریم، ولی میتوانیم خصلت اخیر را داشته باشیم.

حیات و ممات این مرد بزرگ برای خدا بود؛ «وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا»^۱. قیامتش، تبعیدش، آمدنش، زندگی پُربرکتش و از دنیا رفتنش، برای خدا بود.

۱ سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۱۵. و درود بر او، روزی که زاده شد و روزی که میمیرد و روزی که زنده برانگیخته میشود.

تلاش مصمم رهبری در جهت استقرار کامل آرزو و راه امام

اینجانب، با استمداد از تفضلات و توفیقات الهی و با توسل به ذیل عنایات حضرت ولی‌عصر (ارواحنا فداه و عجل‌الله تعالی فرجه)، تصمیم قاطع دارم که در جهت تحقق اهداف مقدس اسلامی و استقرار کامل حاکمیت شرع مبین که آرزو و راه و وصیت رهبر فقید و عزیزمان می‌باشد، تمامی تلاش ممکن را به کار برده و همه‌ی نیروها را در آن راه بسیج نمایم.

اخلاص؛ علت اصلی سازنده‌ی شخصیت امام، در عصر حاکمیت مادی

رهبر کبیر عزیز و امام فقید بزرگوار ما، چهره‌ی درخشانی در عالم بود و حقیقتاً مثل او را نه در این زمان و نه در زمانهای گذشته نداشتیم و در میان چهره‌های معروف عالم - بعد از انبیاء و اولیاء (علیهم‌السلام) - شخصیتی با این عظمت و خصوصیات مثبت و جامع‌الابعد و جامع‌الاطراف سراغ نداریم. من عقیده‌ی قاطع دارم که اگر این بزرگوار همه‌ی آن خصوصیات مثبت چون: علم و قاطعیت و هوش و شجاعت و اراده را دارا بود، ولی اخلاص و ارتباط با خدا و تنزه از شرک - به معنای تجنب از اهوای خود و دیگران - را نداشت، به این توفیقات دست نمی‌یافت. این توفیقات بزرگ در زمانی به وجود آمد که تمام نشانه‌ها حکایت از انزوای دین و کهنه شدن و فرسوده شدن آن و رو آمدن تفکرات و اخلاق و شیوه‌های مادی و حاکمیت هوسهای شیطانی و بشری در دنیا داشت.

کار پیامبرگونه امام؛ ایجاد یک رنسانس معنوی جهانی

کار عظیمی که او انجام داد، این بود که در چنین دنیایی که اقیانوسی از لجن را در خود جای داده بود و افراد خجالت میکشیدند نام دین و ارزشهای الهی را بر زبان آورند او توانست ارزشهای الهی را مطرح و بزرگ کند و پرچمش را در جهان به اهتزاز درآورد. کاری که او انجام داد، جز با کار انبیاء قابل مقایسه نیست؛ حتی با هیچ‌یک از

نسخه الکترونیکی

هرگونه بهره‌برداری بصورت چاپ و تکثیر ممنوع می‌باشد. ره، رهرو، رهبر ۳۴ /

حرکاتی که مصلحان بزرگ کرده‌اند، قابل مقایسه نیست. قرن حاضر، قرن ظهور مصلحان بزرگ است. از نیمه‌های قرن گذشته تاکنون، چقدر مصلحان بزرگ و انقلابیون و سیاستمداران پیدا شدند و حرکات عظیمی در دنیا و یا در بخشی از آن به راه انداختند؛ درعین حال حرکت هیچ‌کدام از آنها قابل مقایسه با این تحرک عظیم و رنسانس معنوی جهانی که به وجود آمد، نیست.

نقش رهبری امام در اهتزاز پرچم معنویت در سراسر جهان

در پارلمانهای کشورهایایی که دهها سال است رسماً در آنجا دین جرم محسوب می‌شود و ترویج آن ممنوع است و بعنوان یک پدیده‌ی قدیمی و زیادی و منسوخ و از مُد افتاده و مضر تلقی می‌شود، اسم خدا بر زبانها آمد و نطقها با «بسم الله الرحمن الرحیم» شروع شد. در دنیای مادی، پرچم معنویت و اسلام بلند شده است و این موفقیت، چیز کوچکی نیست. همه‌ی این توفیقات، بدست قوی آن رهبر عظیم ایجاد شد. البته حرکت را ملت ایران کرد؛ اما ملت ایران را جز آن دست قوی و آن شخصیت عظیم - با همه‌ی خصال و صفات ویژه و استثنایی - کسی نمیتوانست به حرکت درآورد.

مهمترین و تعیین‌کننده‌ترین راز موفقیت امام و وظیفه‌ی ما

به اعتقاد من، مهمترین و تعیین‌کننده‌ترین راز موفقیت او، همان اخلاص و توجه و اتصال به خدا بود. ایشان توانست معنای «ایّاك نستعین» را در عمل خود مجسم کند و به منبع لایزال قدرت الهی متصل شود. وقتی یک انسان کوچک و ضعیف و ظرف محدودی، خودش را به اقیانوس بی‌پایانی وصل میکند، دیگر هیچ عاملی وجود ندارد که بتواند بر او فائق آید. اگر هر انسانی همین کار را بکند، همانگونه خواهد شد. البته انسانها به آسانی نمیتوانند این کار را بکنند؛ ولی ایشان توانست و کرد. ما باید بقدر وسع خودمان تلاش کنیم. بزرگان در قلّه‌ها ایستادند، ما نیز از دامنه‌ها حرکت کنیم و به آن سمت پیش برویم؛ هر چند به آن قلّه‌ها هم دست پیدا نکنیم؛ ولی به هر حال حرکت و رفتن، فریضه و وظیفه‌ی همه‌ی ماست.

ادامه‌ی خط امام در حمایت از شورای نگهبان

من هم همواره وظیفه‌ی خود میدانم که از شما حمایت کنم؛ همچنان که امام عزیزمان همیشه از شورای نگهبان حمایت میکرد. ایشان شورای نگهبان را بسیار بزرگ میدانستند و بارها در وصایا و بیاناتشان، بر اهمیت آن تأکید میکردند. من هم إن شاء الله همان خط و راه را خواهم رفت.

در مراسم بیعت هزاران تن از طلاب، فضلا و اساتید حوزه‌ی علمیه‌ی قم و روحانیون بیست کشور جهان،
۱۳۶۸/۰۳/۲۲

اصلیترین صاحبان عزای امام(ره)

حقیقتاً تسلیت این حادثه‌ی بزرگ را بیش از همه باید به شما فضلا و طلاب جوان و فرزندان محبوب حضرت امام(ره) گفت. من این مصیبت جانسوز را به همه‌ی حوزه‌های علمیه و فضلا و علما و طلاب جوان و مدرّسان و بزرگان علم تسلیت عرض میکنم. بین شما و امام(ره) محبت متقابل وجود داشت. شما محبت خود را به امام ابراز کردید؛ امام هم به شما خیلی محبت داشت. هرگز نشد که ایشان راجع به حوزه‌ها و طلاب و فضلا و مدرّسان صحبتی بکنند و یا در حضورشان صحبتی بشود، مگر آنکه نشانه‌های توجه و اهتمام و محبت پدرانه و دلسوزانه و آگاهانه در ایشان مشاهده میشد.

امام و دمیدن روح حیات بخش «حرکت برای اقامه دین» در حوزه‌های علمیه

در اول انقلاب، نسل جوان همسن امروز شما خیلی نقش داشت. در آن سالهای پُرماجرا، طلاب جوان و سبکبال و کمر بسته و عاشق صادق، مانند زنبورهای عسل بودند که قرآن به آن اشاره میکند: «وَأَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ»^۱. آنها در گلزار مصفای حوزه‌های علمیه، بر فراز معطرترین گلها و باطراوت‌ترین شاخه‌ها و جاندارترین ساقه‌ها و ریشه‌ها مینشستند و عسل شیرین «فیه شفاءٌ لِلنَّاسِ»^۲ علوم اسلامی را میمکیدند و آن را به انسانهای مستعد و مشتاق در اطراف و

۱ سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۶۸. و پروردگار تو به زنبور عسل وحی [الهام غریزی] کرد که از پاره‌ای کوهها و از برخی درختان و از آنچه داربست [و چفته‌سازی] میکنند، خانه‌هایی برای خود درست کن.

۲ سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۶۹. در آن، برای مردم درمانی است.

اکتاف این کشور و در میان روستاها و شهرها و راههای دور و جنوب و شمال و حتی به خارج از کشور میرساندند. و چنین شد که گردونه‌ی انقلاب به حرکت درآمد و این برکات بر آن بار شد. این نبود، مگر بخاطر آن محور و قلب و مرکز و مغز فعال حوزه‌ها؛ یعنی همان روح مقدّسی که امروز ما برای او عزاداریم.

خدا میداند که چقدر برکات بر وجود او مترتب بود. قبل از قیام رهبرمان، حوزه‌های علمیه جان و روح و طراوت نداشتند. در این مراکز، درس و بحث و علم و تحقیقات اصولی و مطالعات و تأملات به چشم میخورد- که البته سعی اسلاف بزرگوار ما مشکور است؛ چون همه‌ی این علوم و معارف، از دست آنها به ما رسیده است- اما آن چیزی که محور بود، یعنی حرکت جهتدار به سمت حاکمیت و اقامه‌ی دین، وجود نداشت؛ همان دینی که ما برای او درس میخوانیم، بخاطر او تلاش میکنیم و برای او عمامه بر سرمان میگذاریم و مردم هم بخاطر پایبندی به آن، از ما حمایت میکنند. امام عزیز ما، حقیقتاً به کالبد حوزه‌های علمیه‌ی مقدّسه، روح و جان داد و حیاتی دوباره بخشید.

قاعده‌ی نظام جمهوری اسلامی در نظر امام خمینی(ره)

عزیزان! طلبان جوان! فضلاء! توجه کنید که حوزه‌ی علمیه- همانطور که امام(ره) مکرّر فرمودند- قاعده‌ی نظام جمهوری اسلامی است و همه چیز روی این قاعده بنا شده و دوام خواهد یافت. این قاعده باید محکم باشد.

سه عنصر مورد نیاز استحکام حوزه‌ی علمیه با تعالیمی از حضرت امام(ره)

استحکام این قاعده، با تضمین سه عنصر اصلی امکانپذیر است، و هر کدام از آنها نباشد و یا کم باشد، این قاعده متزلزل خواهد شد، و اگر قاعده متزلزل شد، طبیعتاً همه‌ی آنچه که بر او سوار است، تکان خواهد خورد.

ما بحث آینده‌ی بلندمدت نظام اسلامی را میکنیم. شما در ذهنتان چهل سال بعد را تصویر کنید و ببینید که جمهوری اسلامی در آن سالها چگونه بر تمام دنیای ظلمانی

مادی آن روز پرتو خواهد افکند؛ «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِأُذُنٍ رَّيِّهَا».

دل مؤمن، به کمتر از این پیشرفت قانع نیست؛ «مَنْ سَاوَى يَوْمَهُ فَهُوَ مَغْبُونٌ»^۱. امسالمان با سال گذشته نمیتواند مثل هم باشد؛ باید جلوتر رفته باشیم. پس شما چهل سال دیگر را در نظر بگیرید و ببینید جمهوری اسلامی چه هویت درخشانی ایجاد کرده و چه خیمه‌ی عظیمی بر فراز فکر و ذهن بنی‌آدم در سرتاسر جهان زده است. قاعده‌ای که ما از آن صحبت میکنیم، قاعده‌ی بنای محکم و استواری است و سه عنصر قطعی در وجود و ذات خودش لازم دارد، که البته هریک از آن سه عنصر بر اموری متوقف است و بر او نیز اموری مترتب میباشد:

عنصر اول: فقه ممتاز مد نظر امام

اولین عنصر، فقه است. فقاقت را به همان معنای پیچیده و ممتازی که امام(ره) برای ما معنا میکردند و بخصوص در بیانات دو، سه سال اخیرشان بر آن تأکید داشتند، معنا میکنیم؛ یعنی ترکیبی از متد علمی و دقیق فقاقتی و به تعبیر امام(ره): فقه جواهری. فقه صاحب جواهر، به معنای دقت و اتقان کامل در قواعد فقهی و استنتاج منظم فروع از همان قواعدی است که در فقه و اصول مشخص شده است. این فقاقت، دو رکن دارد، که رکن اول آن، اصول معتدل و قوی و آگاه به همه‌ی جوانب استنباط است، و رکن دوم، تطوّر فقه میباشد و همان چیزی است که امام در معنای اجتهاد و مجتهد و فقیه میفرمودند و تأکید داشتند که مجتهد و فقیه باید با دید باز بتواند استفهامها و سؤالهای زمانه را بشناسد. سؤال، نصف جواب است. تا شما سؤال زمان را ندانید، ممکن نیست بتوانید در فقه برای آن جوابی پیدا کنید. بنابراین، فهم سؤال و ترتیب جواب مناسب برای آن، مهم است.

۱ سوره‌ی ابراهیم، آیات ۲۴ و ۲۵. آیا ندیدی خدا چگونه مثل زده: سخنی پاک که مانند درختی پاک است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است؟ میوه‌اش را هر دم به اذن پروردگارش میدهد.
۲ مضمون: بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۷۳.

عنصر دوم: تهذیب و اخلاق

عنصر دوم، تهذیب و اخلاق است. روزی به اتفاق جمعی از فضیلابی بزرگ در خدمت امام(ره) بودیم. در آن محفل، از حوزه‌ی قم صحبت شد. یکی از بزرگان اساتید و علمای اعلام قم که مورد احترام و قبول همه‌ی ما هستند، در آن جلسه به امام عرض کردند که شما نسبت به قم، توجه و عنایت داشته باشید. آن روز امام(ره) فرمودند که این چیزها لازم نیست؛ شما اگر فقط به ابقای دو عنصر در حوزه‌ی قم توجه کنید، همه چیز حل خواهد شد: اول، فقاقت است - که گمان میکنم تعبیر ایشان این بود که مواظب باشید شعله‌ی فقاقت فرونشینند - و دوم، اخلاق و تهذیب است. ما اگر مهذب باشیم، خواهیم توانست هستی خود را در خدمت اسلام و نظام اسلامی قرار دهیم؛ ولی اگر مهذب نباشیم، آنچه که داریم، در خدمت قرار نخواهد گرفت و چه بسا که در جهت عکس هم قرار گیرد.

تاریخچه‌ی حوزه‌های علمیه و سرگذشت شگفت‌انگیز علمای بزرگ و اسلاف درخشان ما، حامل تجربه‌های بسیار زیادی در این زمینه است که تهذیب چقدر اثر میگذارد. نزدیکترین تجربه‌ای که ما در اختیار داریم، وجود همین شخصیت عظیمی است که امروز دنیا را به خود متوجه کرده است.

امام(ره) مدرسی منزوی در قم بودند. درسشان در مسجد سلماسی که داخل یک کوچه - نه در مرکز حوزه - قرار گرفته بود، ارائه میشد. خانه‌ی ایشان هم در انتهای همان کوچه واقع شده بود؛ یعنی برای رفت و آمد به مسجد محل درس که روزی دوبار انجام میگرفت، حتی احتیاج به دیدن خیابان نداشتند و طبیعتاً همیشه مسیر خانه به مسجد و مسجد به خانه را طی میکردند. ایشان علی‌الظاهر منزوی بودند؛ ولی در حقیقت مدرسی بزرگ و قطبی جذاب برای طلباب و فضیلابی جوان و سرشار از خصلتها و صفات خوب بشمار می‌آمدند.

ثمره‌ی اخلاص و معنویت امام(ره)

اعتقاد من این است که اخلاص و صفای باطن و رابطه‌ی معنوی و پیوند مستحکم بین قلب او و خدای مقلب‌القلوب، موجب شد که این مرد بتواند از انزوای ظاهری خود خارج شود و دست نیرومندی برای دگرگون کردن بنیاد ارزشهای مادی در سطح جهان

شود.

براستی بنیان ارزشهای مادی در دنیا لرزیده است. رهبر کمونیست کشوری دوردست با قدرت مادی بالا و دارای پیشرفتهای زیاد میگوید: خواهش میکنم کتابی درباره‌ی اسلام بدهید تا مطالعه کنم (!) قبل از پیروزی انقلاب، شما نمیتوانستید به زور دست جوانی که باد مارکسیسم به دماغش خورده بود، یک جلد کتاب اسلامی بدهید و بگویید این کتاب را مطالعه کن! ما با زحمت زیاد و هزار کلام شیرین، تعدادی جوان را گرد هم جمع میکردیم، تا چند کلمه از مبانی اسلام را به صورت شفاهی و یا کتبی به گوش و دل آنها برسانیم؛ ولی باز هم نمیرسید. در آن روزها همه‌ی ما - حوزه‌های علمیه، علما و مدرّسان و فضلا - بودیم، ولی عملاً به نتیجه‌ی دلخواه نمیرسیدیم. سرانجام به برکت قیام امام(ره)، ملت ایران و دنیا تکان خوردند و دگرگونی عظیمی در افکار و اندیشه‌های مردم و جوانها به وجود آمد.

از برکات عمیق قیام امام(ره)

امروز نماینده‌ی مجلس یک کشور مادی که هفتاد سال بر مبنای ماتریالیسم دیالکتیک اداره شده است، به من میگوید: به برکت امام شما، در پارلمان کشورم سخنرانیها با «بسم الله الرحمن الرحیم» شروع میشود. شخصیت‌های معروف فکری دنیا نیز نسبت به آنچه که در مشیت این مرد بزرگ بود و بر دنیا عرضه میکرد، احساس عطش میکنند. بنابراین، با حرکت آن رهبر عزیز، بنیاد ارزشها و قراردادهای و مسلمات مادی تکان خورد و دگرگون شد.

مسئله این نیست که ما چند شرابخانه را در مملکتمان بستیم و نگذاشتیم فلان منکر انجام بگیرد؛ اینها ظواهر کار و پدیدارهای قضیه است؛ عمق کار خیلی از اینها بیشتر است. به برکت قیام این مرد، دنیا و ایران تکان خورد. هرچند ما نقش ملت ایران را در انقلاب، نقش اول و درجه‌ی یک میدانیم، اما چه کسی این ملت را اینگونه هدایت کرد؟ چه کسی این همه سرچشمه را در آنها به جوشش درآورد و این همه استعداد را زنده کرد؟ آیا غیر از آن روح بزرگ و آن انسان عظیم، کس دیگری بود؟

علت عظمت امام خمینی

عظمت کار او، به ارتباطش با خدا و تهذیب نفس او برمیگردد. امام(ره) یک انسان مهذب بود. دشمنان داخلی و خارجی او نیز این ویژگی را قبول داشتند و اعتراف میکردند که او آدم مؤمنی است. آن گروگان امریکایی که چهارصد و چهل و چهار روز در ایران اسیر بوده و طبیعتاً همه‌ی آن ماجراها را از چشم امام میدیده است، مصاحبه میکند و میگوید: من از کسانی نیستم که از فوت امام خوشحال شوم. او ارزشهای اخلاقی مخصوص خودش را داشت و هیچ‌کس در حد او نبود.

عنصر سوم استحکام حوزه: آگاهی سیاسی

عنصر سوم، آگاهی سیاسی است. آگاهی سیاسی به‌مثابه‌ی چشمی است که اگر نداشته باشیم، آن دو عنصر دیگر در حرکت به ما کمک نخواهند کرد. باید سه عنصر اصلی قاعده را حفظ کرد. البته حوزه‌ی علمیه باید یکپارچه باشد و از برخی تشنجات که در گوشه و کنار وجود دارد، بری و برکنار بماند. حوزه‌ی علمیه، جایگاه قداست و پاکی است.

در مراسم بیعت جمع کثیری از دانشجویان و دانشگاهیان، ۱۳۶۸/۰۳/۲۳

ضرورت آغاز حرکتی جدید پس از رحلت حضرت امام

در این روزهای بسیار مهم و حساس حیات سیاسی کشور که دل‌های همه‌ی ملت ما، مخصوصاً شما جوانان و دانشجویان و اندیشمندان را غم سنگینی از فقدان امام عزیزمان فراگرفته و فضای ایران در سایه‌ی همدلی مردم و مصیبت بزرگ مشترکی که همه‌ی قلبها را فشرده و تمام چشمها را اشکبار کرده، بحمدالله به صفا و صمیمیت آغشته است، چه بهتر که در این فضای معنوی و محیط صمیمی، از اصلیتین و ضروریتین مسائل کشور سخن به میان آید و مؤثرترین قشرهای کشور، آینده‌ی انقلاب و کشور و خط صحیح و مستقیم نظام و آرمانهای روشن و منور را با خود مرور کنند و نسبت به آنها تصمیم قاطع بگیرند و حرکت جدیدی که مرهون برکات امام عزیزمان است، آغاز شود.



هدایت‌های امام؛ رهنمود همیشگی امت اسلامی

حقیقت آن است که این مرد بزرگ و شخصیت عظیم تاریخی، نشان داد که با حیات و وجود و تحرک و ابتکار و راهنمایی‌های خود که از روح بزرگ و دل روشنش برمی‌آمد، و همچنین با مرگ پُر حادثه و عروج ملکوتی خویش، به انقلاب و اسلام و مسلمین خدمت کرد. شخصیت این بزرگوار، حامل هدایت‌هایی است که برای سال‌های متمادی امت اسلامی، درس و رهنمود و راهگشا خواهد بود.



جایگاه تراز اول مسئله‌ی دانشگاه‌ها در نظر امام

ما میتوانیم به صورت قاطع ادعا کنیم که در نظر رهبر کبیر فقید ما، مسئله‌ی دانشگاه‌ها، جزو مسائل تراز اول برای انقلاب و کشور بوده است. یک وقتی در دیدار جمعی از مسئولان فرهنگی کشور ایشان فرمودند: مسئله‌ی جنگ، یک امر موقت است؛ در صورتی که مسئله‌ی مهم و ماندگار و اساسی ما، دانشگاه‌هاست. این، یک واقعیت است. دانشگاه که قوام اصلی آن به استاد و دانشجوست، حقیقتاً پایه‌ای برای آینده‌ی کشور محسوب میشود.



ویژگی‌های دانشگاه مورد نظر امام

بارها در مجامع دانشجویی گفته‌ام که در این نظام مردمی، دانشجویان که طبقه‌ی پیشرو و پیشاهنگ و زبده و بانشاط پیکره‌ی اجتماع هستند، باید در سازندگی آینده و ترسیم حرکت عمومی جامعه، بیش از جاهای دیگر نقش و اثر داشته باشند. این تأثیر، با دو عاملی که باید در کنار هم باشند، تحقق پیدا میکند:

عامل اول، درس و علم و تحصیل است،



عامل دوم، جهت فکری و سیاسی و انقلابی دانشگاه است؛ آن چیزی که به علم هم جان و روح و جهت خواهد داد. در بیانات حضرت امام(ره) و وصیتنامه‌ی ایشان، به این نکته‌ی اساسی بسیار توجه شده است. دانشگاه لایبالی و بیگانه از ارزشهای دینی و بی‌تفاوت و خونسرد نسبت به مفاهیم و جهتگیریهای انقلابی، دانشگاهی که در او نبض

انقلاب نزنند، دانشگاهی که اعضایش - چه دانشجو و چه استاد- نسبت به حرکت انقلابی ملت ایران و برای پیشاهنگی و پیشقراولی، احساس تکلیف نکند و نقش درجه‌ی یک را در کار انقلاب نداشته باشد، دانشگاهی نیست که امیدبخش و تضمین‌کننده‌ی آینده و مورد نظر امام(ره) باشد.

احساس مصیبت فقدان امام بین مردم کشورهای بیگانه

مردم یک کشور بیگانه که نه زبان ما را میدانند و نه حتی با الفبای فرهنگ ما آشنا هستند، در فقدان امام عزیز ما به سرشان میزنند و اشک میریزند و پرچم جمهوری اسلامی را جلوی راهپیمایشان حرکت میدهند و به آن افتخار میکنند. آنها در این مصیبت بزرگ، احساس میکنند پدر مهربانی را از دست داده‌اند.

تداوم خصومت دشمن علی‌رغم تودهنی سخت مردم به آنها در ایام رحلت

اگرچه امروز دشمنهای جهانی جمهوری اسلامی تودهنی سختی به وسیله‌ی شما مردم خوردند و انتظارشان از روز و لحظه‌ی درگذشت رهبر کبیر انقلاب برآورده نشد، اما مطمئناً هنوز دست از خصومت و خیانت و توطئه و کید و مکر علیه انقلاب و نظام مظلوم جمهوری اسلامی برنداشته‌اند.

روش پُر کردن جای خالی امام

ما برای ایستادگی روی اصولمان و حرکت در خط همان اصول و به سمت آرمانهای اعلام‌شده‌ی همیشگی، هیچ چیز کم نداریم. دشمنان خیال نکنند که چون ملت ایران، امام و رهبر کبیرشان را از دست دادند، قدرت مقاومتشان را هم از دست داده‌اند؛ اصلاً اینطور نیست. مردم، امروز مقاومتر از گذشته هستند. همه‌ی ما احساس میکنیم که چون عنصر عظیم نیرومندِ مقتدرِ عزیزی را از دست داده‌ایم، باید جای خالی او را با احساسات و فکر و تلاش و همبستگی و کارمان پُر کنیم. ملت ایران نشان داد که باید تحلیلگرهای سیاسی دستگاههای استکبار، در تحلیلهای خود تجدیدنظر کنند. آنهایی که نسبت به

مسائل ایران و آینده‌ی آن و دوران بعد از امام(ره) اظهارنظر کردند، باید بافته‌های خودشان را برگرداند و حرفهای خود را پس بگیرند.

هنر بزرگ امام در حذف دیوارها و مرزهای اجتماعی

عزیزان دانشجو و جوانهای خوب و باصفا و سالم! تا آنجا که در توان و قدرت شماست، در محیط دانشگاه یکپارچگی خود را حفظ بکنید و نگذارید نامهای گوناگون، به معنای جهتگیریهای گوناگون تلقی شود و نیروهایی که باید به سمت دشمن بایستند و موضع بگیرند، روبه‌روی هم قرار گیرند؛ مواظب این خطر باشید. مطلقاً نباید اسمها و عنوانها، دیوار به وجود آورند و مرز ایجاد کنند. طرح عناوینی مثل دانشجوی این وزارت و دانشجوی آن وزارت، دانشجوی این دانشگاه و دانشجوی آن دانشگاه، دانشجوی دانشگاه دولتی و دانشجوی دانشگاه غیردولتی، انجمن اسلامی اینجا و انجمن اسلامی آنجا، خطرآفرین است.

هنر بزرگ امام ما این بود که این دیوارها را از میانه‌ی اجتماعات مردم برداشت؛ دیوارهایی که فضای عظیم و وسیع و باز را به حفره‌ها و خانه‌ها و کلبه‌های کوچک تبدیل کرده بودند. او یک فضای وسیع ساخت و دلها را با هم آشنا کرد و این نیروی عظیم را به وجود آورد. روح «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا»^۱ در سخن و عمل او تجلی یافته بود؛ لذا اگر علی‌رغم اختلاف بعضی از سلیقه‌ها و دیدگاهها، بیاییم و همین خط یکپارچگی و وحدت را ادامه دهیم، در حقیقت روح امام عزیز را احترام کرده‌ایم.

در مراسم بیعت حجت‌الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی، رئیس
و کلیه‌ی نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۲۴/۰۳/۱۳۶۸

درسِ امام در برخورد با سختیها و حوادث تلخ و سنگین

این حادثه، نه فقط برای ما که مسئولان این نظام هستیم، و نه فقط برای ملت ایران حادثه است، بلکه ضایعه‌ای برای اسلام و مسلمین و تاریخ اسلام است. ما از خود این معلم بزرگ و از تعالیم اسلامی آموخته‌ایم که با اتکال به پروردگار و با تکیه به عنایات

۱ سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۰۳. و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید.

الهی، باید سختیها و مصیبتها و حوادث تلخ و سنگین را به نحوی جبران کرد. این حادثه، باری بر دوش همه‌ی ماست. باید آنقدر ارتباطاتمان را قوی کنیم و آنقدر تلاشمان را مضاعف، و اخلاص و ارتباط با خدا را در خودمان تقویت نماییم، تا بتوانیم مقداری از این خلأ را پُر کنیم.

تکلیف و راه که عوض نشده است. اهداف که همان اهداف است. ما حرکتی را با قدرت و صلابت و با ایمان کافی به هدفهای این راه و حرکت آغاز کردیم و مثل کاروانی راه افتادیم و هنوز در اثنای راه هستیم. این ضایعه بر ما وارد شده، ولی ماندن و توقف کردن و تردید کردن، گناه و جرم است. چون راه را باید ادامه دهیم، بنابراین باید ببینیم با چه عواملی خواهیم توانست این ضایعه را جبران کنیم. روی این نکته باید فکر کنیم.



نقش تعیین کننده و تکلیف سنگین مجلس در تداوم راه امام

مطمئناً مجلس شورای اسلامی، آن رکن رکنی است که موضعگیری و تصمیم و حرکت صحیح و جهتدار و مدبرانه‌ی او، نقش عمده‌ای در تداوم راه انقلاب و امام خواهد داشت. هر کسی و هر دستگاهی، در این تکلیف بزرگ و عمومی نقش دارد؛ ولی نقش شما تعیین کننده‌تر است، و لذا تکلیف شما هم سنگینتر است.



سه نقطه‌ی امید نافرجام دشمن نسبت به مسائل پس از رحلت

دشمن بشدت روی جزئیات وقایع کشور ما حساس است. اینها به روزهایی امید بسته بودند که خلأ وجود امام در جمهوری اسلامی آشکار شود! به شروع اختلافات میان مسئولان و آن چیزی که آنها آن را جنگ قدرت (!) مینامند، امید بسته بودند! دلخوش بودند که جمهوری اسلامی، دچار آشفتگی سیاسی شدیدی شود و مسئولان - حتی اگر مسئله‌ی رهبری را هم حل کرده باشند - نتوانند اوضاع کشور را جمع و جور کنند و کار را ادامه دهند! امید بسته بودند که مردم در صحنه حضور پیدا نکنند و فقدان امام به معنای خاموش شدن شعله‌ی انقلاب تلقی شود! امروز شما حیرت و تعجب آنها را از واقعیات

باشکوهی که در کشور ما در حال اتفاق است، میبینید. هر روز با یک واقعه، رشد سیاسی مردم و عمق ایمان انقلابی آنها و رشد سیاسی مسئولان و دست‌اندرکاران - که موجب ناامیدی و حیرت دشمنان است - تأیید میشود.

من با مطالعه‌ی اخبار و تحلیلهایی که این روزها مرتباً محافل خبری و سیاسی - بخصوص محافل غربی - منتشر میکنند، احساس میکنم که غریبها در ذهن خود، سه نقطه‌ی امید را تصور کرده‌اند و فکر میکنند از این طریق میتوانند سه حادثه‌ی مطلوب برای خودشان، و سه واقعه‌ی زیانبار برای جمهوری اسلامی به وجود آورند:

اولین نقطه‌ی امید دشمن؛ اختلافات و جنگ قدرت!

اولین نقطه‌ی امید آنها، ایجاد تنازعها و اختلافهاست. آنها فکر میکردند پس از ارتحال امام(ره)، جنگ قدرت(!) به وجود خواهد آمد؛ حتی در روزهای اول، خیلی ناشیانه پیش‌بینی میکردند که برخوردهای نظامی خواهد شد و حوادث خونین پدید خواهد آمد! در آن لحظات اول، دنیا اینگونه تلقی میکرد و غریبها هم در گذشته بارها این پیش‌بینی غلط را کرده بودند؛ ولی بعد که دیدند این پیش‌بینی، از واقعیت خیلی دور است، گفتند کشمکش بر سر قدرت پیش خواهد آمد و تا مدتها مسئله‌ی رهبری نظام به جایی نخواهد رسید! هنگامی که این پیشگویی هم به نتیجه نرسید، مرتب تکرار میکردند که انتخاب مجلس خبرگان، یک کار سطحی و یک پدیده‌ی زودگذر است و به صورت بالقوه جنگ قدرت در پشت پرده وجود دارد و باید منتظر باشیم تا چند روز آینده، این کشمکش و نزاع خودش را نشان دهد!

روزها گذشت. شخصیتها و افرادی که موضعگیری و اظهاراتشان تعیین‌کننده است - مانند نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای هیأت دولت، علمای بزرگ، مراجع، گروههای مردمی و نهادهای انقلابی - همه یکپارچگی و تمرکز خودشان را نشان دادند و پیش‌بینی آنها هم عملی نشد؛ ولی باز تحلیلهای و تفسیرها سراغ نقاطی می‌رود که به آنها نوید وجود زمینه‌ی اختلافی را بدهد.

من با مطالعه‌ی خبرها و اظهارها و گزارشها و تحلیلهای سیاسی، به این نتیجه میرسم که اینها نمیخواهند به این زودی از مسئله‌ی ایجاد اختلاف و کشمکش میان مسئولان

جمهوری اسلامی و گروههای مردمی و گرایشهای سیاسی ناامید شوند؛ سعی میکنند به هر قیمتی - حتی با القائات - این مسئله را برای خودشان تأمین کنند. بنابراین، وحدت کلمه‌ای که امروز وجود دارد، برای آنها بسیار سنگین است؛ زیرا ایجاد اختلاف و دودستگی و تنازع و درگیری، برای آنها یک هدف است. بدون تردید در این چند سال، با القائات خبری و تحلیلی که در روح و مغز افراد بسیاری هم در دنیا اثر میکند، درصد تأمین اهداف خود بوده‌اند و خوشبختانه در جمهوری اسلامی این القائات هیچ تأثیری نداشته است.

دومین نقطه‌ی امید دشمن؛ آشفتگی سیاسی کشور

دومین نقطه‌ی امید آنها، مسئله‌ی آشفتگی سیاسی در سطح کشور و القای این نکته که حرکت و حضور مردم در صحنه، بی‌بنیاد است! آنها بشدت سعی میکنند این حضور و حرکت را یک پدیده‌ی زودگذر، یک موج و یک هیجان وانمود کنند که به پایان خواهد رسید.

سومین نقطه‌ی امید دشمن؛ مشکلات اقتصادی مردم

به دنبال این موضوع، سومین نقطه‌ی امید آنها مشخص میشود و آن، واقعیت‌های دشوار اقتصادی و مشکلات مردم است، که آنها سعی میکنند این نکته را به اثبات رسانند که بالاخره مشکلات اقتصادی گریبان دستگاه را خواهد گرفت و نظام جمهوری اسلامی را به بن‌بست خواهد رساند و مردم را دچار سردی و خمودی خواهد کرد!

وظیفه‌ی دلسوزان خط امام؛ کور کردن نقاط امید دشمن

ما که نسبت به آرمانهای انقلاب و خط امام و اهداف اعلام‌شده‌ای که مردم فداکار روی آنها پیمان خون بستند، همدل هستیم و اتفاق نظر داریم، باید تلاش کنیم این سه نقطه‌ی امید دشمن به هیچ قیمت تحقق پیدا نکند. کسانی که با قلب آرام و مطمئن و پُر از سکینه - همان سکینه‌ای که بر قلب مقدس امامان نازل شده بود - نسبت به اصول و اهداف و راه انقلاب و آرزوهای امام احساس دلسوزی میکنند، بایستی نقاط امید دشمن

را کور کنند.

این عقیده‌ی همیشگی من بوده است که مسئولان جمهوری اسلامی، خوشبختانه هیچگونه اختلافی در زمینه‌های اصولی با هم ندارند. ممکن است در برخی مواقع، اختلاف سلیقه‌هایی وجود داشته باشد، ولی امروز بحمدالله آنها هم به هیچ وجه خودشان را نشان نمیدهند. همانطور که مسئولان در این خط حرکت میکنند، شما که نمایندگان مردم هستید، باید این چشمه‌ی فیاض جوشان و بابرکت را روی آحاد مردم سرازیر کنید و صفای انقلاب و امام را در آنها حفظ نمایید.



توصیه‌ی همیشگی امام به مسئولین

توصیه‌ی امام عزیزمان همیشه این بود که کاری کنید کارها برای مردم آسان شود و مشکلات مردم حل گردد.



عدم تأثیر مشکلات در ایمان مردم به خط امام

البته مشکلات اداری و اقتصادی وجود دارد، ولی اینها تأثیری در حرکت انقلابی مردم ندارد. همانطور که مشاهده کردید، مردم با اینکه مشکلات ناشی از جنگ و کمبودها را لمس میکردند، در عین حال ایمان و عشقشان را به امام و انقلاب و خط روشن آن حفظ کردند. ما نباید بگذاریم که مردم زیاد سختی بکشند.



آخرین کار بزرگ امام در زمان حیات

مسئله‌ی بازنگری قانون اساسی که اینقدر امام(ره) روی آن تکیه کردند و آخرین کار بزرگی بود که ایشان در زمان حیاتشان انجام دادند، گره‌های بزرگی را باز کرد.



ضرورت حفظ وحدت؛ مهمترین رهنمود امام پس از انقلاب

من گمان نمیکنم در طول ده سال گذشته که امام عزیزمان(ره) این همه بیانات حکمت‌آمیز ایراد کردند، چیزی را به اندازه‌ی «وحدت» مورد تأکید قرار داده باشند. یکی

از دو یا سه موضوعی که ایشان بیشترین تأکید را میکردند، همین مسئله‌ی وحدت دلها و وحدت زبانها و وحدت راهها و همدستی و همگامی و همدلی بوده است. ما این مقوله را بمنظور حفظ حرمت امام(ره) و تعظیم به روح او پاس بداریم و بعنوان یک هدف قطعی تلقی کنیم و با هر قیمتی درصدد تأمین آن باشیم. مجلس شورای اسلامی میتواند مظهر بسیار خوبی برای این تکریم باشد.

لزوم برنامه‌ریزی برای ادامه‌ی «خط امام»؛ علی‌رغم فقدان «شخص امام»

ما میتوانیم فرهنگ ناب و خالص اسلامی را بر جامعه‌ی خود حاکم کنیم. ما میتوانیم همان خطی را که امام ترسیم کرده‌اند، کاملاً و دقیقاً طی کنیم. البته اگر آن دست نیرومند با ما بود، کارها آسانتر میشد؛ اما چاره چیست که «أَفَإِنْ مِتَّ فَهُمُ الْخَالِدُونَ»! وقتی پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله)، امیرالمؤمنین(علیه‌السلام)، انبیاء و اولیاء(علیهم‌السلام) از دار دنیا میروند، باید انتظار اینگونه حوادث ناگوار را داشت. این، واقعیت تلخی است که باید آن را بپذیریم و با توجه به این واقعیت، برنامه‌ریزی کنیم. آیا میشود گفت که ما ملت انقلابی و خوب و قوی هستیم؛ به شرطی که امام(ره) با همان قدرت جلوی ما حرکت کند، و اگر امام نباشد، ما هم نیستیم؟! این کار که شدنی نیست.

ضرورت تلاش برای پرکردن خلأ وجودی امام

ما باید بگوییم ملتی انقلابی و قوی و قاطع هستیم و از برکات وجود امام حداکثر استفاده را میکنیم، و آن روزی هم که خداوند با اراده و تقدیر خودش، این نعمت بزرگ را از میان ما برداشت و این وزنه را از ما گرفت، سعی میکنیم با همه‌ی امکاناتمان و با اشک چشممان و با نفس گرممان و با ذره‌ذره‌ی وجودمان، این راه را ادامه دهیم و خلأ وجودش را پُر کنیم؛ *إِنْ شَاءَ اللَّهُ خَدَايَ مَتَعَالِ هُمْ كَمَكْ خَوَاهِدْ كَرْدْ؛ «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»^۱*، «مَنْ كَانَ لِلَّهِ كَانَ اللَّهُ لَهُ»^۲.

۱ سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۳۴. آیا اگر تو از دنیا بروی آنان جاویدانند؟

۲ سوره‌ی طلاق، آیه‌ی ۳. و هرکس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است.

۳ المصباح الشریعه (ترجمه‌ی عبدالرزاق گیلانی)، ص ۱۷۸. هرکس از برای خدا باشد، خدا برای اوست.

علت اصلی تفضلات الهی به امام

امام بخاطر رابطه‌اش با خدا بود که مورد تفضلات الهی قرار میگرفت. بیایید ما هم با همان توکل و اخلاص و تلاش و تصمیم، راه او را ادامه دهیم.

پاسخ به تلگرام تسلیت آیت‌الله منتظری، ۶۸/۲/۲۵

نخستین وظیفه‌ی همگانی نسبت به حرکت عظیم امام

پس از سلام و تحیت، از پیام تسلیت به مناسبت ضایعه‌ی عظیم جهان اسلام، ارتحال پیشوای آزادگان و امید مستضعفان حضرت امام خمینی (قدس سرّه‌العزیز) و همچنین از دعای خیر و اظهارات محبت‌آمیز نسبت به اینجانب و تأیید اقدام مجلس محترم خبرگان^۱، متشکرم.

اکنون که امت بزرگ اسلامی و بخصوص ملت فداکار ایران، با مصیبتی بدین عظمت مواجه شده است، نخستین وظیفه‌ی ما و همه‌ی اقشار و آحاد مردم آن است که با توکل به خدا و تقویت روح اخلاص و همبستگی و همدلی و همزبانی، حرکت عظیمی را که امام بزرگوار و فقید ما آغاز کرده و مجاهدت و تلاش بی‌نظیری را برای تداوم آن مبذول داشته بودند، ادامه دهیم و مطمئن باشیم که نصرت الهی شامل حال مؤمنان و نیکوکاران خواهد شد.

در مراسم بیعت وزیر آموزش و پرورش، معلمان و جمعی از دانش‌آموزان استان تهران، ۱۳۶۸/۰۳/۲۶

استفاده از تلخترین مصیبت تاریخ انقلاب، در راه تعالی و تکامل جامعه

بدون شک حادثه‌ی تلخ و ضایعه‌ی سنگین فقدان رهبر کبیر و امام بزرگوار ما، تلخترین و مصیبت‌بارترین حادثه‌ای است که در طول تاریخ انقلاب اسلامی برای ملت ایران پیش آمده، و از جمله حوادث نادری است که همه‌ی مسلمانان جهان را تحت‌تأثیر قرار داده است.

۱ مضمون این مطلب در «پاسخ به تلگرام تسلیت حضرت آیت‌الله مشکینی، ۱۳۶۸/۰۳/۲۵» و «پاسخ به تلگرام تسلیت حضرت آیت‌الله العظمی حاج میرزا هاشم آملی ۶۸/۳/۲۹» و «پاسخ به تلگرام تسلیت حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی ۶۸/۳/۳۰» نیز تکرار شده است.

از طرفی، این مصیبت و ضایعه، برای مردم ما و همه‌ی اقشار این ملت بزرگ و قهرمان و مقاوم، ابتلای الهی هم است. کسانی از این امتحان سربلند بیرون می‌آیند که با حسن انتخاب خود، از حوادث مصیبت‌بار و تلخ، پله‌ای در راه تعالی و تکامل خویش بسازند. اگرچه این مصیبت، سخت و تلخ است، اما کسانی که با این مصیبت روبه‌رو میشوند، چنانچه بتوانند با تصمیم و انتخاب و حرکت درست، کار صحیح و صواب انجام دهند، همین حادثه‌ی تلخ و مصیبت‌بار، وسیله‌ی تعالی و تکامل آنها خواهد شد. اما به‌عکس، اگر با امتحان و ابتلای الهی برخورد بد بشود و جامعه با عدم بصیرت و ضعف اراده و سردرگمی و عدم استفاده از فرصتهای الهی و رو آوردن به ضعفها و نقصهای بشری با حادثه مواجه شود، مصیبت وارده، آنها را نخواهد ساخت و پیش نخواهد برد؛ بلکه مصیبت مضاعفی را به بار خواهد آورد.



استفاده‌ی پیامبرگونه‌ی امام از حوادث در جهت تکامل ملت

رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از حادثه‌ای مثل جنگ احد و شکستی که برای مسلمین پیش آمد، در جهت تکامل مسلمانها استفاده کرد. همین امام و پیشوای بزرگمان نیز در طول ده سال گذشته، از حوادثی که برای همه‌ی ما بسیار تلخ و سنگین و مصیبت‌بار بود، بعنوان عاملی در جهت تقویت و پیشرفت ملت استفاده کرد. آن رهبر عزیز، قبل از پیروزی انقلاب، از وقایعی مثل حادثه‌ی مدرسه‌ی فیضیه یا قیام پانزده خرداد- با آن همه فشار و سنگینی که برای مردم داشت- بعنوان یک ابزار و وسیله در جهت اهداف انقلابی خود و ملت ایران استفاده کرد و مردم را پیش برد.



پیروزی ملت ایران در آزمایش بزرگ رحلت امام عزیز

همه‌ی آزمایشها و امتحانها، دو طرف دارد: یا آن شخص و ملتی که دچار آزمایش است، در امتحان موفق و پیروز میشود، و یا شکست می‌خورد. رحلت امام عزیزمان، برای ما یک امتحان است و بحمدالله تا این زمان، ملت ما کاری کردند که در امتحان پیش‌آمده، موفق و سربلند شدند. در حالی که استکبار جهانی در حد اعلی تصمیم گرفته

ره، رهرو، رهبر / ۵۱

بود از این حادثه برای تضعیف اسلام و مسلمین و نظام جمهوری اسلامی استفاده کند، ملت بزرگ و بارشد و هدایت شده و مورد تفضل پروردگار، در همین شرایط توانست تثبیت نظام جمهوری اسلامی را برای اسلام و مسلمین به ارمغان آورد.

امروز تحلیلگران سیاسی در سرتاسر عالم، اعتراف میکنند که ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی، از لحاظ قدرت و قوت و ثبات، نسبت به سالهای پیش، اگر جلوتر و قویتر نباشد، عقبتر و ضعیفتر نیست. علت این اعتراف، رشد و آگاهی و اراده و تصمیم آگاهانه‌ی ملت ایران در اثبات قوام جمهوری اسلامی است. با این حرکت و حضور مردم در مراسم عزاداری و اظهار وفاداری به امام عزیز و نظام جمهوری اسلامی، و با این وحدت و همدلی و هماهنگی و صفا که در این ایام بین تمام اقشار دیده شد، و با این شجاعتی که در برخورد با حادثه‌ی فقدان امام راحل از همه‌ی مردم مشاهده گردید، دشمن جرأت نکرد در مقابل قاطعیت و اراده‌ی ملی و اسلامی ملت ایران، دست از پا خطا کند.



از محکّمات و ضروریات انقلاب و خطّ امام

شما معلّمان و مربیان و نسل جوان هستید که فردا را میسازید و استکبار جهانی را مایوس میکنید و نقطه‌ی امید روشن را- که امام و انقلاب اسلامی آن را به وجود آوردند- در دل مستضعفان عالم زنده نگه میدارید. امام عزیزمان همیشه بر این مطلب اساسی تأکید میکردند و ما اعتقاد داریم که این موضوع، جزو محکّمات و ضروریات انقلاب و خطّ امام است.

در مراسم بیعت گروهی از مردم شهرهای آمل، نیشابور، مهدی‌شهر، سعادت‌شهر
و عده‌ای از خانواده‌های شهدای بهار همدان، ۲۶ / ۰۳ / ۱۳۶۸

ادامه یافتن دست هدایت امام و قدرت غیبی الهی، بعد از رحلت امام

ما مشاهده میکنیم که روح ایمان و توکلی که در امام بزرگوار ما بود و در طول حیات ده ساله‌ی مبارک ایشان پس از انقلاب، مردم ما را هدایت میکرد، امروز هم دارد مردم و مسئولان را به سمت هدفهای الهی هدایت میکند. همانطور که خود امام بزرگوار(ره) به

مناسبتی فرمودند که از اول انقلاب گویی یک دست و یا قدرتی دارد این مردم و این انقلاب را هدایت میکند، امروز هم ما احساس میکنیم که حقیقتاً دست قدرت غیبی الهی است که به مردم اراده و نیرو و روحیه و نشاط حضور در صحنه میدهد و آنها را نسبت به هدفهای انقلاب دلگرم میکند.

تنها راه نجات و جلب رضای الهی در وصیت امام

توجه کنید که راه نجات، راه صلاح، راه پیروزی بر دشمنان خبیث و مکار، راه جلب رضای الهی و توفیق در رسیدن به هدفهای مقدّس اسلام و انقلاب، عبارت است از همان توصیه‌ای که امام عزیزمان همیشه آحاد ملت ایران را به آن فرامیخواندند؛ یعنی حفظ ارتباط با خدا، توکل به او، نترسیدن از دشمنان خدا و با همه‌ی وجود حمایت و حراست از جمهوری اسلامی. این، راه ملت ایران است.

ضرورت حفاظت همگانی از ارزنده‌ترین میراث امام عزیز

باید با همه‌ی وجود، تمام آحاد ملت و مسئولان، از جمهوری اسلامی - که ارزنده‌ترین میراث امام عزیز ماست - حراست و حمایت کنند و در مقابل دشمنان باشند. بدانند که خدا با آنهاست و دشمن با همه‌ی کید و مکر که دارد، ضعیف است. بدانند که راه سعادت ملت ایران، همین راهی است که با هدایت امام و رهبرمان آن را شناختیم و در آن قدم گذاشتیم و پیش رفتیم.

در مراسم بیعت گروه کثیری از اقشار مختلف مردم چالوس و نوشهر و استان هرمزگان، ۱۳۶۸/۰۳/۲۷

علت علاقه‌ی امام خمینی(ره) به مردم

انگیزه و ایمان و روح صمیمیتی که در شما وجود دارد، بسیار درخور تقدیر و سپاسگزاری است. با همین ایمانها و روحیه‌ها و انگیزه‌ها بود که انقلاب ما بحمدالله به پیروزی رسید و در مقابله با مشکلات توانست بایستد. همین حقیقت زیبا در ملت ما بود که امام بزرگوار فقیدمان را اینطور نسبت به مردم علاقه‌مند کرد. واقعاً امام ما (رضوان الله

ره، رهرو، رهبر / ۵۳

تعالیه) با همه‌ی وجود به مردم کشور عشق میورزید و این بخاطر همین ایمان و فداکاری و اخلاص بود.

وظیفه مردم در سربازی انقلاب و تلاش در جهت اهداف و راه امام

راه ملت ایران، همان راهی است که امام بزرگوارمان پا در آن راه گذاشت و مشکلات را تحمّل کرد و در آن راه پیش رفت. هدفها، همان هدفهاست؛ دشمنها هم همان دشمنها هستند؛ و نیت و همت و اراده هم همان نیت و همت و اراده است. ما راه خود را بر اساس راه امام(ره) ادامه خواهیم داد. وظیفه‌ی مردم این است که همچنان مثل سابق، همیشه خودشان را سرباز انقلاب و اسلام بدانند و در این راه از هیچ چیز دریغ نکنند.

هر جا که هستید و در هر شهری که زندگی میکنید و جزو هر قشری که محسوب میشوید و هر شغلی که دارید و با هر سلیقه‌ای که کار میکنید، باید بدانید که راه ما یکی است و باید با ایمان و تلاش آن را ادامه دهید.

در مراسم بیعت فرماندهان، نمایندگان ولیّ فقیه و مسئولان عقیدتی، سیاسی ژاندارمری و شهربانی، و رئیس و پرسنل سازمان پلیس قضایی کشور، ۲۸ / ۰۳ / ۱۳۶۸

جایگاه خدمتگزاران نزد امام خمینی(ره)

خداوند به برکات روح پُرفتح امام عزیزمان و با دعای خیر آن قلب رئوف و مهربان، که همیشه به شما اظهار علاقه میکرد و در دل پُر از رأفت و رحمتش، محبت خدمتگزاران خانه داشت و إن شاء الله امروز هم دعای آن بزرگوار شامل حال ما و شماست، به همه‌ی برادران عزیز و خدمتگزار و زحمتکش خیر عنایت فرماید و شما را مشمول عنایات و رحمت خود قرار دهد.

بزرگترین وظیفه‌ی ما در عصر جدید امام

امام کبیر ما عصر جدیدی را آغاز کرد، و امروز که دلها و جانها مان لبالب از حسرت فقدان آن عزیز بی‌همتای امت اسلامی است، بزرگترین وظیفه‌ی ما این است که

مشخصات عصری را که امام(ره) آغاز کردند و ملت را در فضای آن قرار دادند و به جهان اعلام فرمودند، بدانیم و این مشخصه‌ها را حفظ کنیم. عزاداری واقعی وقتی است که ما به این فریضه عمل کنیم.

مشخصه‌های عصر جدید امام

عصری که امام بزرگ و عظیم‌الشان ما آغاز کردند، مشخصه‌هایی دارد که عمده‌ی آنها عبارت است از: ایجاد روح عزت و استقلال و استغناء و اعتمادبه‌نفس برای ملتی که در طول سالیان متمادی سعی شده بود این روحیات از او گرفته شود و دیگران بر سرنوشت او تسلط پیدا کنند.

اینجا همان مملکتی است که رئیس‌جمهور امریکا، کمک چند ده میلیونی خود به دولت ایران را متوقف به تعیین فردی که وابسته به امریکاست، کرده بود. اینجا همان مملکتی است که امریکا- قدرت زورگو و گردن‌کلفت جهانی- رئیس آن را رعیت خود میدانست و با او مثل یک رعیت رفتار میکرد. اینجا همان مملکتی است که آراء و افکار و ایمان و دلبستگیها و خواست مردم، هیچ تأثیری در تعیین سرنوشت اقتصادی و سیاسی آنها نداشته است.

ضرورت حفظ میراث بزرگ امام(ره)

دست قدرتمند معمار انقلاب و پدر جمهوری اسلامی، این کشور و ملت را، به کشور و ملتی تبدیل کرد که در طول این ده سال، بزرگترین و سنگینترین تحقیرها را نسبت به همان قدرتهای گردن‌کلفت و قلدر دنیا روا داشت و تاکنون هیچ ملتی مثل ملت ما، رژیم مستکبر و زورگوی امریکا را اینگونه تحقیر نکرده است. همه‌ی دنیا هم به این موضوع اعتراف کرده‌اند. اینجا همان کشور و سرزمین است؛ اما نسبت به گذشته، صد و هشتاد درجه تفاوت کرده است. باید این اقتدار و عزت را که میراث امام(ره) است، حفظ کرد. اگر امام را دوست داریم و اگر جای خالی او برای ما تلخ است، باید راه او را ادامه دهیم. مشخصه‌ی دیگر عصری که امام موجد آن بودند، عبارت است از گرایش و احترام به ارزشهای انسانی و عدالت و حریت و آرای مردم. همان شخصیت باعظمت که امروز

مردم دنیا و دشمنان او نیز به عظمتش اعتراف میکنند، میگفت: اگر به من خدمتگزار بگویند، بهتر است از اینکه به من رهبر بگویند. راست میگفت و تعارف و تظاهر نمیکرد. او تا آن اندازه برای مردم احترام قائل بود که خود را خدمتگزار آنها بداند. ما مثل این نمونه را در دنیا و تاریخ سراغ نداریم.

مظهر اعلای احترام واقعی به انسان در سایه‌ی اسلام

چقدر وقیح است که امریکا و انگلیس و دولتهایی مانند آنها، ادعای طرفداری از حقوق بشر و احترام به آزادی انسان را میکنند! پیداست که دروغ میگویند. اگر احترام واقعی به انسان ملاک است، تحقق آن جز در سایه‌ی اسلام امکانپذیر نیست. شکل کامل و مظهر اعلای این احترام و ارزش، زندگی و برخورد همین بزرگمردی بود که دست قدرتمند او، همه‌ی دنیا را متوجه اسلام و انقلاب و ایران کرده است.

ضرورت برآوردن خواسته‌های امام در سازمانهای مختلف

من به شما برادران و خواهرانی که از سه سازمان ژاندارمری و شهربانی و پلیس قضایی در اینجا جمع شده‌اید، میگویم که شما میتوانید در این زمینه‌ها، برآورنده‌ی خواسته‌های امام باشید. پلیس - چه شهربانی و چه ژاندارمری - باید پناهگاه مردم باشد. وقتی مردم پلیس را میبینند، باید احساس محبت و آرامش کنند.

میزان قدرت عطیه‌های الهی امام خمینی (ره)

همه‌ی ما باید در خلأ شخصیتی عظیم مثل رهبر کبیر و فقیدمان، تلاش مضاعف کنیم. تمام دستگاههای کشور و همه‌ی آحاد مردم به این نکته واقف باشند که جمهوری اسلامی و ملت ایران، با ارمغانهای ارزشمند و عطیه‌های الهی که امام به آنها داده، قادر است بر تمام دشمنیها و خصومتها در سطح جهان فائق آید.

۱. حمایت از حقوق بشر و احترام به آزادی انسانها.

در مراسم بیعت وزیر و کارکنان وزارت اطلاعات و گروهی از پرسنل واحد حفاظت اطلاعات
نیروهای نظامی و انتظامی، ۳۰ / ۰۳ / ۱۳۶۸

افتخار از جلب رضایت امام خمینی(ره)

از افتخارات دستگاه اطلاعاتی کشور و پرسنل آن، این است که امام بزرگوار(ره) از آنها راضی بود و تلاش مخلصانه‌ی شما را که از روی ایمان انجام میگیرد، ارج میگذارد. این برای شما مایه‌ی افتخار است که توانستید رضایت آن مرد الهی و ملکوتی و حکیم و بزرگ و هوشمند را جلب کنید.

ضرورت حفظ موضع قاطع امام در برابر قدرتهای زورگوی عالم

جمهوری اسلامی ایران قصد باج دادن به قدرتهای بزرگ را ندارد و ثابت هم کرده است که به هیچ قدرتی باج نخواهد داد و مرعوب هیچ قدرتی نخواهد شد. بنابراین، هیچگاه برای جلب محبت یا همکاری قدرتهای زورگوی عالم، از مواضع بحق خودمان تنزل نخواهیم کرد. ما این اراده را در طول ده سال گذشته نشان داده‌ایم، و امام فقید عزیز بزرگ ما که مظهر تبلور نظام جمهوری اسلامی و مظهر صلابت و مقاومت در مقابل زورگوییها بود، قاطعانه در برابر باج‌خواهیهای دشمن می‌ایستاد و مرعوب آنها نمیشد.

ما باید قدر موضع قاطع امام را بدانیم. بدون شک این موضع، موضع شخصی او نبود؛ بلکه موضع نظام جمهوری اسلامی را منعکس میکرد، که مظهر و معلّم و معمار و خط‌دهنده‌اش امام(ره) بود. موضع ما هم بدون هیچ کم و زیاد، همین است.

علت اهتمام امام عزیز به نیروهای اطلاعاتی

باید بر کار خود قوی بود و اقتدار داشت. یکی از اساسیترین کارها در این خصوص، کار اطلاعات است. علت اهتمام امام عزیز به شما، همین موضوع بود که کار اطلاعات را مهم میدانستند و اخلاص را در شما مشاهده میکردند.

اثبات رشد و هوشیاری ملت ایران در ایام پس از رحلت امام

از عوامل رشد یک ملت این است که از حادثه‌ای که ممکن است به نظر دشمن یک عامل ضعف به حساب آید، از همان حادثه بعنوان عامل قوت استفاده کند. از سالهای پیش، تحلیل همه‌ی دشمنان ما این بود که با رحلت امام بزرگوار- که رکن اساسی و سنگینترین وزنه‌ی انقلاب و عمود حقیقی خیمه‌ی نظام به حساب می‌آمدند- انقلاب نابود میشود و وحدت ملت مخدوش میگردد و جمهوری اسلامی دچار ضعف و یا انحلال خواهد شد!

حقیقتاً اگر کسی با ابزارهای مادی و با چشم ظاهری تحلیل میکرد، همین نتیجه‌ی قهری و طبیعی را بدست می‌آورد. در این تحلیل، فقدان امام(ره) عامل تمام شدن همه چیز به حساب می‌آمد. ملت ما در این امتحان بزرگ، عکس این مطلب را ثابت کرد و از آن حادثه‌ای که عامل ویرانی به حساب می‌آمد، در جهت ثبات و وحدت و پیشرفت استفاده کرد. بنابراین، با هوشیاری و ایمان مخلصانه‌ی ملت، فقدان امام(ره) به عامل قوت در نظام جمهوری اسلامی تبدیل شد. امروز رشد و بینش مردم ما، حتی از مسلمانان صدر اسلام و زمان پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز بیشتر است؛ زیرا آنها نتوانستند بعد از رحلت آن بزرگوار، وحدت و تحرک و ایمان خود را حفظ کنند؛ اما ملت ما توانست این کار را بکند.



سربلندی مردم آذربایجان در امتحان فقدان امام، همچون امتحانهای گذشته

در اینجا لازم است که به موضعگیری شما مردم غیور آذربایجان تصریح کنم. البته آنچه شما در طی این چند روز بعد از رحلت حضرت امام(ره) انجام دادید که باعث ناامیدی دشمن شد، برای من غیرمنتظره نبود. هرکس آذربایجان را بشناسد، این شور و حماسه را انتظار دارد. آذربایجان در طول ده سال پس از انقلاب، سخت‌ترین امتحانها را با بهترین وجه گذرانده است. هیچ استان و منطقه‌ای از مناطق کشور، با امتحانهای دشواری که آذربایجان با آن مواجه بود و به این خوبی از عهده‌ی آن برآمد، مواجه نشد.

از نهضت مشروطیت تا امروز، آذربایجان همیشه در صفوف مقدم خط اسلام و تبعیت از رهبری اسلامی و مقابله با دشمنان قرار داشته است. همین نقاط قوت، دشمن را مأیوس میکند.

تا امام بزرگوار- آن مظهر وحدت و سرچشمه‌ی جوشان الفت و محبت- در میان آحاد مردم بود، دشمن نتوانست کاری انجام دهد. تمام دل‌بستگی استکبار این بود که در فقدان امام، وارد صحنه شود. امروز بحمدالله ملت ما در یک انسجام اعجاب‌انگیزی قرار دارد. ما باید در برابر این نعمت بزرگ الهی، به دستور خدا عمل کنیم.

حفظ امیدواری مسلمانان دنیا به انقلاب؛ با ادامه خط امام

برادران و خواهران! انقلاب بزرگ اسلامی ما، تمام مسلمانان دنیا را امیدوار کرده است. اگر مسلمانان در شرق و غرب عالم و در آسیا و اروپا و آفریقا، برای ارتحال امام(ره) عزادار میشوند و مثل ملت ایران عزاداری میکنند، به دلیل امیدی است که حرکت ملت ایران به رهبری امام در دل‌های آنها به وجود آورده است. آنها امام بزرگوار ما را مظهر آرزوها و امیدهای خودشان به حساب می‌آوردند؛ لذا در غم آن عزیز، آنگونه عزاداری میکردند. انقلاب ما در دل‌های مسلمانها امید به وجود آورده است. ما باید این امیدواری را حفظ کنیم. در صورتی این امید حفظ خواهد شد که در همان خط و راهی که امام عزیز، ملت و مسئولان را به سمت اهداف انقلاب حرکت دادند، ادامه‌ی مسیر بدهیم و از هیچ چیز نترسیم.

امید به تحقق هرچه بیشتر آرزوهای بزرگ امام توسط مردم

سلام من را به همه‌ی برادران و خواهران آذربایجان شرقی و غربی برسانید. ما قدر صمیمیتهای شما را خیلی خوب میدانیم. شما مردم آزموده‌ای هستید که از امتحانهای مختلف سربلند و روسفید بیرون آمده‌اید. امیدوارم که إن شاءالله در آینده بتوانید آرزوهای بزرگ اسلامی امام عزیز و فقید را، بهتر و قویتر جامه‌ی عمل و تحقق ببوشانید.

در مراسم بیعت امام جمعه و اقشار مختلف مردم قزوین، خواهران حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، راهپیمایان ورامین، جمعی از رزمندگان نوشهر و دانشجویان سازمان جوانان امامیه‌ی پاکستان، ۱۳۶۸/۰۳/۳۱

اولین لازمه ادامه راه امام؛ شناخت عناصر حرکت امام

وقتی که اعلام میکنیم راه اماممان را قاطعانه دنبال خواهیم کرد، اولین تکلیف این است که ببینیم عناصر اصلی حرکت امام(ره) چه بود. حرکتی که امام امت از حدود بیست سال پیش شروع کردند، منجر به تأسیس نظام و حکومتی شد که اسلام را مبنای زندگی قرار داد و با توفیق الهی کار را به جایی رساندند که اسلام و مسلمین در دنیا عزیز شدند. این راه، راهی طولانی و دشوار بود. پیمودن این مسیر، شرایطی داشت، و چون امام بزرگ ما حائز آن شرایط بود، توانست این راه را طی کند.

صبر و استقامت و تکیه بر خدا؛ دو شرط اصلی ادامه‌ی راه امام

ما که میخواهیم آن راه را دنبال کنیم و بر این نیت هم صادقیم، باید ببینیم که آیا آن شرایط را در خودمان ایجاد کرده‌ایم یا خیر؛ این مهم است. یقیناً امام با همان روحیه و روشی حرکت میکرد که پیامبران الهی حرکت میکردند. راه و هدف او هم براساس راه و هدف پیامبران بود. آنها در پیمودن راه دشوار خود، عواملی را ملاحظه میکردند. «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^۱. اول، صبر و استقامت؛ و دوم، استعانت به خدا و تکیه به او. این دو عامل حتماً لازم است و اگر نباشد، راه طی نخواهد شد.

اگر امام(ره) این دو عامل را در نظر نمیداشت، نمیتوانست راه را طی کند. او بر مشکلات و سختیها و کمبودها و فشارها و طعنه‌ها و شایعه‌پراکنیها و شماتتهای دشمن، صبر و استقامت کرد. نمیتوان انتظار داشت که دشمن توطئه و دشمنی نکند؛ او دشمن است و توطئه و دشمنی خواهد کرد. این ما هستیم که باید در مقابل مشکلات و توطئه‌هایی که دشمن سر راه ما میگذارد، صبر و استقامت کنیم و نسبت به ادامه‌ی راه،

۱ سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۲۸. موسی به قوم خود گفت: «از خدا باری جویید و پایداری ورزید، که زمین از آن خداست آن را به هرکس از بندگانش که بخواهد میدهد و فرجام [نیک] برای پرهیزگاران است.»

خسته و کسل و ملول نشویم. از طرف دیگر، باید از خدا استعانت بجوییم و با او رابطه داشته باشیم و راه او را درست بدانیم و جز حول و قوه‌ی الهی، به نیروی دیگری اعتقاد نداشته باشیم.

نمایش روحیه‌ی امت در امتحان بزرگ فقدان امام(ره)

مردم ما بحمدالله در برابر مشکلات، صبر و استقامت خود را نشان دادند و در همه‌ی مراحل مبارزه، استعانت از خدا و تکیه به لطف و تفضل الهی را ثابت کردند و در امتحان بزرگی هم که خدا برای ملت ما بنحاطر فقدان رهبر عظیم و عزیزمان پیش آورد، باز مردم نشان دادند که حَقّاً و انصافاً صبور و آگاه و بااستقامت و به خدا متوکل و متکی هستند. این روحیه را باید حفظ کنیم.

سیره‌ی حضرت امام در مواجهه با امت اسلامی

امام عظیم‌الشان ما، امت اسلامی را یکجا میدید. اگر شما ببینید مردم پاکستان و مسلمانهای آفریقا و آسیا و حتی اروپا، نسبت به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی اینقدر احساس وابستگی میکنند و امام را پدر و رهبر خود میدانند، بدان خاطر است که امام(ره) منطقه‌ای و در محدوده‌ی مرزها فکر نمیکرد. برای او، اسلام و امت اسلامی - در هر جا که باشد و در هر گوشه‌ای از دنیا که زندگی کند - مطرح بود؛ برای ما نیز همینطور است. ما امت اسلامی را با همان کلیت که در سرتاسر جهان حضور دارند، معتبر و محترم میشماریم و معتقد به استحکام روابط برادری بین مسلمانان هستیم.

مصالح مسلمین، مصالح مشترک است؛ اگرچه حکومت‌های فاسد و دست‌نشانده‌های استعمار، از این مصالح بترسند و بخاطر نقشه‌های استکبار جهانی، با آن مخالفت کنند. مسلمین باید به هم کمک کنند و در شادی یکدیگر شاد، و در غم یکدیگر غمگین باشند. این پیام انقلاب ماست و حرکت امام(ره) بر همین مبنا بود؛ ما هم إن شاء الله با کمک خداوند، بر همین مبنا حرکت خواهیم کرد.

یأس دشمنان و امیدواری دوستان؛ نتیجه‌ی ابراز احساسات نسبت به امام فقید

حرکتها و ابراز احساسات ملت ایران نسبت به امام فقید و عزیز و نسبت به ثبات و انسجام جمهوری اسلامی، دل دوستان ما و مسلمانان باوجدان و معتقد را در سرتاسر عالم شاد میکند؛ حتی غیرمسلمانها و مستضعفان بسیاری از کشورها نیز از این همه انسجام و تحرک و اراده و ثبات و ایستادگی خوشحالند و احساس امید میکنند و متقابلاً دشمنان ما خشمگین و مأیوس میشوند.

این حرکتها و وفاداریها و این انسجام و وحدت باید همیشه باقی بماند؛ مردم در صحنه حضور داشته باشند و از انقلاب و اسلام و نظام الهی خود دفاع کنند. این کار علاوه بر امیدواری دل‌های مؤمن در سرتاسر عالم، فرشتگان خدا را هم خوشحال و شیاطین را مأیوس خواهد کرد.



یکی از آرزوهای امام (ره)

یقیناً روح پُرفتح امام عزیز از شما راضی است. او آرزو داشت که همیشه ملت مسلمان ایران، قدرت و اراده و ایستادگی و ثبات خود را در مقابل دشمن حفظ کند و هیچ‌وقت احساس ضعف نکند و شکسته و مأیوس نشود.

محبت طرفینی بین امام (ره) و خدمتگزاران نظام

وقتی به چهره‌ی نورانی شما برادران سپاهی و جبهه‌رفته مینگریم، احساس میکنم که دل امام برای شما میتپد و همواره نسبت به شما احساس محبت و عطوفت پدران‌ه می‌کرد. این محبتها طرفینی است. بی‌شک روح آن بزرگوار هم متوجه شما و نیز علمای عزیز و محترم و خدمتگزار همیشگی انقلاب و اسلام که در این مجلس حضور دارند، است.



دو وظیفه‌ی سنگین ملت ایران نسبت به وصیت و راه امام(ره)

در کنار صبر و وفا و استقامت شما، و با کسب کمکها و امدادهای الهی، همه‌ی ما- هر جا هستیم و در هر شهر و منطقه‌ای که زندگی میکنیم و به هر قشر و گروه اجتماعی‌ای که وابسته هستیم- دو وظیفه‌ی سنگین را بر عهده داریم که باید آنها را به بهترین وجه انجام دهیم.

وظیفه‌ی اول این است که صلابت و ابهت و عزت انقلاب را حفظ کنیم و راه امام را با قاطعیت ادامه دهیم و تسلیم باج‌خواهیهای دشمنان اسلام و انقلاب نشویم. شرق و غرب عالم این انقلاب را شناخته‌اند و زورگوهای دنیا هم توقعشان را از جمهوری اسلامی کم کرده‌اند. ملتها و دولتهای ضعیف، با ضعف خود بزرگترین ضربه را به خودشان میزنند. چنین ملتها و دولتهایی، از طرف قدرتهای بزرگ مورد ترحم قرار نمیگیرند.

قدرتهای استکباری باید بدانند که انقلاب ما مانند صخره است و نمیتوان به او ضربه زد و چیزی از او کاست. ما باید این اقتدار و ابهت را حفظ کنیم. امید ملتهای مسلمان به انقلاب و جمهوری اسلامی، بخاطر همین صلابت است. اینکه در رحلت امام شما، ملتهای تحقیرشده‌ی اقاصا نقاط جهان، با تمام فشاری که روی آنها وجود دارد، اینگونه عزاداری میکنند و بر سر و سینه‌ی خود میکوبند، بخاطر این است که عزت و عظمت خودشان را در چهره‌ی آن مرد الهی میدیدند؛ لذا او را دوست داشتند و به او علاقه‌مند شده بودند و به او عشق میورزیدند و آن عزیز را مظهر موجودیت و هویت و عزت خودشان به حساب می‌آوردند. این افتخار برای جمهوری اسلامی باید محفوظ بماند.

وظیفه‌ی دوم، توجه به سازندگی و آبادانی کشور است. اگر ما نتوانیم کشور خود را بسازیم، ملتهای مسلمان از ما مأیوس میشوند و دشمنان نیز نسبت به ما جری خواهند شد. بدگوها خواهند گفت اینها نتوانستند کشورشان را بسازند و آباد کنند. ما وظیفه داریم برای آبادانی کشور تلاش کنیم و سازندگی را در همه‌ی ابعاد طبیعت و شهرها و روستاها و اقتصاد و صنعت و کشاورزی و اشتغال و... محقق سازیم. همچنین وظیفه داریم فقر و محرومیت را در کشور از بین ببریم و به زندگی این قشر بیشتر رسیدگی کنیم. این، وظیفه‌ی ما و وصیت امام(ره) است.



معرفی میراث امام و ضرورت حفظ آن

ما باید میراث امام را حفظ کنیم. او که اهل درهم و دینار نبود؛ «لَمْ يُورَثُوا دِينَاراً وَ لَا دِرْهَمًا»^۱. او مانند پیامبران، از خود درهم و دیناری باقی نگذاشت. زخارف مادی دنیا کوچکتر از آن بود که به آن روح ملکوتی و بلند راه پیدا کند. در حقیقت میراث او، جمهوری اسلامی و جوانهای ساخته‌شده‌ی دست اوست، که به برکت انقلاب باید آنها را حفظ کرد.

اگر بخواهیم این دو وظیفه‌ی بزرگ را به نحو مطلوب انجام دهیم، باید همواره یک راز را که رمز پیروزی و توفیق در سازندگی و توفیق در حفظ انقلاب و جمهوری اسلامی بود، مورد توجه قرار دهیم و آن، «وحدت کلمه» است. باید بهانه‌ها را دور ریخت. باید این فضای صمیمیت و مهربانی را که امروز به برکت توجهات روح پُرفروش امام(ره) در کشور به وجود آمده است، حفظ کرد.

وحدت؛ وصیت دائمی و مؤکد امام بزرگوار

افرادی که حساس هستند و حرکات و حروف و اشاره و تصریح آنها در مردم اثر میگذارد، باید مواظب باشند که کار آنها به ایجاد اختلاف و تفرقه دامن نزند. کسانی که قلم در دستشان و تریبون در اختیارشان است، و کسانی که در میان مردم از وجهه‌ای برخوردارند، باید خیلی مراقبت کنند. باید وحدت کلمه را حفظ کرد؛ این وصیت دائمی امام بود. شاید در طول ده سال بعد از انقلاب، کمتر مسئله‌ای به اندازه‌ی «وحدت» مورد تأکید آن بزرگوار بود.

در مراسم بیعت گروه کثیری از ائمه‌ی جمعه و روحانیون استان مازندران و اصفهان و علما و طلاب کشورهای اسلامی مقیم ایران، ۱۳۶۸/۰۴/۰۴

امام، وارث انبیاء؛ روحانیان، وارثان امام

حقیقتاً سرسلامتی این حادثه‌ی مصیبت‌بار را باید به جامعه‌ی روحانیت داد؛ زیرا آنها وارثان معنوی امام(ره) هستند؛ همچنانکه علمای امت، وارثان انبیای الهی(علیهم‌السلام)

۱ اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲. دینار و درهمی از خود به جای نگذاشتند.

میباشند و امام بزرگوار و فقید ما، خود وارث سلسله‌ی انبیاء(علیهم‌السلام) در علوم و اهداف و راهشان بود.

علت اصلی دشمنی استکبار با امام و انقلاب

از آنجا که انقلاب اسلامی ایران بر پایه‌ی شریعت اسلام ناب محمدی(صلی‌الله‌علیه‌وآله) استوار شده است، نمیتواند به مرز و ملیت و قومیت خاصی محدود باشد. مسئله این نیست که ملت ایران یا مسئولان این کشور بخواهند با روشهای معمول دنیا، انقلاب را به جایی و برای کسی صادر کنند؛ بلکه موضوع این است که وقتی تفکر و درک اسلامی و الهی و بینش نوین برای جمعی از مسلمین مطرح میشود، بطور طبیعی همه‌ی فضای عالم اسلام بنا بر ظرفیت و موقعیت خود، از آن بینش و درک استفاده خواهند کرد.

چه کسی از ایران به اقصا نقاط کشورهای اروپایی و آفریقایی و آسیایی رفته بود و از فضایل امام امت(ره) برای آنها سخن گفته بود که این حرکت عظیم در دنیا، به طرفداری از او در زمان حیات بابرکتش، و به عزاداری آن عزیز پس از رحلتش، برخاست. علی‌رغم میل استکبار، دنیای اسلام و امت اسلامی یکپارچه است. وقتی از اسلام و اصول انقلاب و اهداف انقلاب اسلامی سخن می‌گوییم، مخاطب ما همه‌ی مسلمانان عالم هستند؛ و آن هنگام که از مبارزه و مقابله با استکبار جهانی و قلدرها و غارتگرهای جهان حرف می‌زنیم، مخاطب ما تمام مستضعفان عالمند. این، طبیعت پیام ماست؛ استکبار جهانی هم این مطلب را میداند. دشمنی او با ما و امام(ره) و انقلاب اسلامی نیز بخاطر همین نکته است.

نفرت امام از آخوندهای وابسته به ستمگران

در جوامعی که نابودی روحانیت ممکن نبود، سعی میکردند این قشر را به قدرتها و دربارهای فاسد و حکومت‌های جائر وابسته کنند. آخوندهای وابسته‌ی درباری که این همه در بیانات امام عزیز از آنها به بدی و نفرت یاد میشد، به اسلام و مسلمین خیلی خیانت کردند. امام سجاد(علیه‌السلام) به یکی از اشخاص نام‌آور زمان خود فرمود: «میبینم گردن

ره، رهرو، رهبر / ۶۵

خودت را برای ستمگران محور آسیاب قرار دادی، تا آنها مظالمشان را بر گرد محور گردن تو بگردانند و با تکیه به تو، به مردم ظلم کنند».

ارتباط بین آبروی روحانیت، آبروی اسلام و آبروی امام

تکلیف ما جامعه‌ی روحانیت- که بنده هم طلبه‌ای در این مجموعه‌ی عظیم روحانی هستیم- این است که هرچه توان داریم، بر استحکام معنوی جامعه‌ی علمی روحانیت بیفزاییم. علمای محترم در این زمینه، عملاً و فکراً و مشیاً و زیئاً وارد شوند؛ زیرا آبروی روحانیت، آبروی اسلام و انقلاب- بخصوص آبروی امام- است.

امام(ره) از روحانیت خیلی تجلیل و حمایت کردند. هر حرکتی که روحانیت انجام دهد و برای اسلام و مسلمین مثمر و بابرکت و درخشان و مفید باشد، برای امام نیز آبرو و ذخیره است. برعکس، هر حرکتی که از جامعه‌ی روحانیت و افراد معمم سرزند که خدای نکرده باعث ایجاد تردید در ذهن مردم یا ابهام در عقاید و افکار آنها و یا موجبات بدبینی مردم نسبت به روحانیت را فراهم آورد، مایه‌ی سرشکستگی اسلام و انقلاب- و بخصوص امام عزیزمان- خواهد بود، که باید با آن مقابله شود.

توصیه‌ی امام به روحانیت؛ ترویج اخلاق و معنویت با زبان و عمل

هنوز هم باید جامعه‌ی روحانیت، بیشترین و سنگینترین بارها را بر دوش خود احساس کند و پیشقراول و پیشتاز قشرهای گوناگون مردم باشد، و همچنان که امام(ره) همواره توصیه می‌کردند، دین و اخلاق و معنویت را، با عمل و زبان خود در جامعه پراکند و همه‌ی دلها را متوجه معنویت و دین و اخلاق کند.

در مراسم بیعت امام جمعه و نماینده‌ی ولی فقیه و قشرهای مختلف مردم سمنان،
ائمه‌ی جمعه و قشرهای مختلف مردم کرج، شیروان، قوچان،
کازرون و جمعی از بسیجیان نیشابور، ۱۳۶۸/۰۴/۰۴

نگاه پیامبرگونه و دلدادگی امام به مردم

حضور مردم در صحنه‌های انقلاب و ایمان آنها به خداوند، دشمنان نظام را مأیوس

می‌کند. دست غیب الهی و قدرت لایزال او، دلها را به طرف اسلام و انقلاب و رهبر معظم و بی‌نظیر آن و نظام جمهوری اسلامی جذب کرد. امام فقید عزیز ما، قدر این توجه عمومی را میدانست. کمتر کسی را دیده‌ایم که بقدر امام، نسبت به مردم از عمق دل احساس محبت و اعتماد کند. او به شجاعت و ایمان و وفا و حضور مردم باور داشت، و مردم هم حقاً و انصافاً پاداش آن اعتماد مطلق را به رهبر و امام بزرگوارشان دادند.

امتحان عجیبی برای امام(ره) و شما مردم به وجود آمد. آن بزرگوار به مردم با همان چشمی نگاه میکرد که پیامبران نگاه کرده بودند. پیامبران دنبال آدمهای برجسته و ممتاز نبودند؛ بلکه در پی انسانهای مؤمن و توده‌ی مردم میگشتند؛ «خَفَضُوا أَجْنِحَتَهُمُ لِلْمُؤْمِنِينَ»^۱. امام دنبال خواص نمیگشت، به توده‌ی مردم دل میداد، با آنها حرف میزد و با آنها رابطه داشت؛ همانطور که امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) به مالک اشتر سفارش میکرد.

دل دادن به توده و متن مردم و همان کسانی که سنگینترین بارهای دفاع از انقلاب و کشور بر دوش آنهاست، از ویژگیهای امام(ره) بود. مردم هم به آن بزرگوار پاسخ مناسب میدادند و به همین خاطر توانستند این انقلاب را از راههای صعب‌العبور و خطرناک عبور دهند و بگذرانند.

تأثیر پیوند مستحکم مردم با امام و راه امام در کسب موفقیت‌های بزرگ

اگر به عقب برگردیم و راههای خطرناکی را که طی کرده‌ایم، نگاه کنیم، وحشت میکنیم. گاهی انسان در میان پیچ‌وخمهای یک جاده‌ی کوهستانی و صعب‌العبور، با احتیاط و دقت قدم برمیدارد؛ بعد که به قلّه‌ی کوه رسید، پشت سر خود را نگاه میکند و با تعجب میبیند که از چه جاهای خطرناکی عبور کرده است. ده سال گذشته‌ی ما این وضعیت را دارد. جنگ، محاصره‌ی اقتصادی، همدستی قدرتهای بزرگ علیه جمهوری اسلامی، تباری نیروهای نظامی اروپا و امریکا و ارتجاع علیه ما، توطئه‌های داخلی، نفوذیهای دشمن، طراحی کودتا، نفوذ لیبرالها و ملی‌گراها و بی‌اعتقادان به اسلام و مردم،

۱ النهج البلاغه، للصبحی صالح، ص ۲۹۰. در برابر مؤمنان فروتنی کردند.

ره، رهرو، رهبر / ۶۷

مسیرهای صعب‌العبوری بوده‌اند که ما آنها را با سلامت پشت سر گذاشته‌ایم. کسب این موفقیت، در درجه‌ی اول، بخاطر لطف و فضل و دست قدرت و حمایت پروردگار، و در درجه‌ی بعد، پیوند مستحکم شما مردم با امام و رهبر بزرگ خود بوده است. لذا وقتی جای خالی آن شخصیت عظیم، همه‌ی دنیا را متوجه ما کرد و دوستانمان نگران و دشمنانمان خوشحال شدند، در این لحظه‌ی حساس، حضور مردمی ملت ایران و پیوندشان با آرمانهای امام(ره) انقلاب را بیمه کرد. داشتن روحیه‌ی ایمان و حساسیت و وفا نسبت به اصول انقلاب و اسلام و امام، موهبت بسیار بزرگی است که خداوند آن را بر شما مبارک کند و برایتان نگه دارد و این ایمان و احساسات را، پشتوانه‌ی محکمی برای انقلاب قرار دهد.

در مراسم بیعت هزاران نفر از نمایندگان کارگران سراسر کشور، ۱۳۶۸/۰۴/۰۵

رابطه‌ی عمیق امام با قشر کارگر

دیدار برادران و خواهران عزیز کارگر و مشاهده‌ی احساسات پُرشور و ایمان آگاهانه‌ی شما، هرکسی را به یاد محبت و رابطه‌ی قلبی و عمیق امام عزیزمان با قشر کارگر زحمتکش - که ستون اصلی تولید در کشور هستند - می‌اندازد.

معجزه‌ای که امام نشان داد

در حال حاضر که من به پشت سر نگاه میکنم و عملکرد این ده سال را میبینم، حقیقتاً حیرت میکنم که ما از چه راههایی عبور کرده‌ایم و با چه دره‌ها و پرتگاههای سختی مواجه بوده‌ایم. خدایا! لحظه‌به‌لحظه بر آن روح پاک، نور و رحمت ببار. چه معجزه‌ای نشان داد، و چقدر دست او قوی و دلش پُرظرفیت بود.

شناخت متقابل امام و مردم از یکدیگر

در سخت‌ترین مراحل، به مردم اطمینان فراوان داشت. در یکی از پیامهای خود به مردم فرمود: من شما را خوب میشناسم، شما هم من را خوب شناختید. واقعاً اینگونه

بود. امام این مردم را خوب شناخته بود و به صفا و وفا و غیرت و شجاعت و صداقتشان واقف بود؛ مردم هم حقاً و انصافاً امامشان را خوب شناخته بودند و پاسخ مناسب به او میدادند.



تحلیل غلط دشمن از وضعیت مردم در ایام بدون امام خمینی(ره)

یقیناً تحلیلگرهای دنیا برای سال دهم و یازدهم انقلاب اسلامی، چنین وضعی را - آن هم با فقدان امام(ره) - پیش‌بینی نمی‌کردند؛ بلکه برعکس، استراتژیستهای سیاسی امریکا و اروپا، برای امروز ما وضعیت سیاهی را ترسیم می‌کردند. آنها فکر نمی‌کردند در چنین روزی، تا این اندازه با هم متحد باشیم و با قضایای پیش‌آمده، برخوردی قوی کنیم. تصور نمی‌کردند که این ملت بتواند خودش را با سرعت بازیابی کند و تصمیم لازم را بگیرد و راهش را ادامه دهد. پس، وضعیت ما از آنچه که در محاسبات دشمنان و حتی دوستانمان بود، خیلی بهتر است.

در مراسم بیعت جمع کثیری از مردم استان همدان و شهرهای ساری و ساوه، ۱۳۶۸ / ۰۴ / ۰۵

عمل به تکلیف الهی؛ نقطه‌ی عطف موفقیت امام

همه‌ی ما باید به یک نقطه و یک مرکز متوجه باشیم و آن، تکلیف الهی است. آنچه ما را در طول این ده سال و چند ماه، به این قدرت و استحکام و صلابت در مقابل دشمنان جهانی رساند و از اختناق و ضعف و تفرق و ذکت گذشته بیرون آورد و به عزت اسلام منتهی کرد، توجه به خدا و اتکال به او بود. وقتی مردم به برکت راهنمایی‌های آن رهبر بزرگ، از گرایش و سرسپردگیهای مادی بیرون آمدند و به سمت خدا حرکت کردند و راه او را بر راه زندگی راحت ترجیح دادند، توانستند انقلاب را به پیروزی برسانند. عامل موفقیت رهبر عظیم‌الشان ما - آن امام استثنایی و بی‌نظیر - این بود؛ که توانست اقیانوس عظیمی را اینطور به حرکت درآورد و میلیون‌ها انسان را خدایی کند و راه اسلام را، راه زندگی قرار دهد و اسلامی را که همه‌ی قدرتهای دنیا علیه او بسیج شده بودند، عزیز کند و معنویت و ارزشهای منزوی شده‌ی معنوی را دوباره احیا نماید. او چون مرد خدا بود و برای خود کار نمی‌کرد، خدا نیز بنده‌ی صالحش را هدایت کرد و به دل و ذهن او صفا و روشنی‌ای بخشید، تا راه را پیدا کند. به او جرأت و

ره، رهرو، رهبر / ۶۹

شهامت داد، تا در مقابل دنیایی از دشمن بایستد؛ و با دل او انس گرفت، تا از روگردانی انسانها در روزگار غربت، وحشت نکند.
یک روزی امام ما مثل نوح و ابراهیم، در غربت و تنهایی و اقلیت بود؛ اما از تنهایی و تهدید نترسید و خدا را از همه‌ی خلاق بزرگتر شمرد.

هموارشدن راه دشوار آینده؛ به برکت رهبری پیامبرگونه امام

اگر به گذشته نگاه کنید و ایمان و فداکاری و عشق و خلوص مردم را در نظر بگیرید و خصومت و تهدید دشمنان ما را که به جایی نرسید و عملی نشد، مرور کنید، خواهید دید که چگونه به برکت رهبری آن مرد خدایی و انسان پیامبرگونه- نه پیامبر، بلکه شاگرد پیامبر و حرکت‌کننده به روش آنان؛ بهانه‌طلبها و وسوسه‌گرها به دنبال بهانه‌جویی نباشند!- راه دشوار آینده هموار شده است.

علت حرکت به سمت هدفهای تعیین شده از سوی امام

همه‌ی قشرها باید به سمت هدفهای تعیین شده از سوی امام(ره) حرکت کنند؛ زیرا خصومت ما با دشمنانی که کینه‌توزی آنها با اسلام و جمهوری اسلامی و ملت‌های مستضعف ثابت شده، عیناً همان خصومت گذشته است. روشها و وسایل، همان روشها و وسایلی است که در گذشته آنها را آزموده‌ایم. آن آزمایشها برای ملت ما و همه‌ی کسانی که وضعیت ما را میدیدند، خوشحال‌کننده و آموزنده بود. ما باید به سمت آینده‌ی روشن حرکت کنیم.

در مراسم بیعت جمع کثیری از بسیجیان نمونه، ۱۳۶۸/۰۴/۰۶

ارتباط عاطفی بین امام و بسیجیان

این حرف درستی است که بسیج بیست میلیونی پُرشور و بااخلاص کشور، پدر مهربانی را از دست داد. حقیقتاً رابطه‌ی بین شما و آن قلب منور و پُرعطوفت، رابطه‌ی پدر و فرزند بود. شاید هیچ‌وقت اتفاق نمی‌افتاد که در حضور آن بزرگوار، از بسیج و

فداکاریهای جوانان مؤمن و بااخلاص میدانهای جنگ و صحنه‌های انقلاب صحبت شود، ولی آن بزرگوار از این حرکت پُرشور مردمی، با رقت و عطوفت یاد نکنند. گاهی افرادی در شمار بسیجیان عظیم و انبوه خدمت امام(ره) میرسیدند و آن پدر عزیز، پاسخ محبت‌آمیز و پدرانه به آنها میدادند. حال ما آن وجود عظیم‌الشان را در کنار خود نداریم، و این یک واقعیت تلخ است.

انتظار اصلی امام از فرزندان خویش

ما که معتقدیم روح مؤمنین، آزاد و بینا و مسلط بر امور دنیای مادی است، شاید بشود با اطمینان گفت که هم‌اکنون روح مقدّس امام، ناظر بر احوال جامعه‌ی ما و متوجه فرزندان خود است. این ملت فرزندان او بودند. براستی، آن بزرگوار از ما و فرزندانش چه توقعی دارد؟ نکته‌ی اصلی اینجا است. عزاداری لازم است؛ اصلاً دست خود ما نیست. مگر میتوانیم بر این مصیبت نگریم و احساسات جوشان خودمان را نسبت به آن عزیز یگانه، سرپوش بگذاریم؟ اینها به جای خود محفوظ است؛ اما اصل قضیه، تداوم راه و اجرای وصیت اوست. اگر امروز او زنده بود، از ما چه میخواست؟ این مهم است که خواسته‌ی او را جامعه‌ی عمل ببوشانیم.

بدنه و زبده‌ی ملت، همان «بسیج» است. شما در هر سن و از هر قشری - نوجوان سیزده ساله، تا پیرمرد نود ساله - و در هر نقطه‌ای از کشور که زندگی میکنید، دائم با خودتان حدیث نفس کنید و از خودتان بپرسید که امام عزیز و محبوب از من چه میخواهد و آیا آنچه را که او از من توقع دارد، انجام میدهم یا نه؟ این خط مستقیم، ما را هدایت خواهد کرد، تا هدفها و آرمانهای امام عظیم‌الشان را محقق کنیم.

انتظاری که امام از بسیج داشت، آمادگی و حضور دائمی بود؛ زیرا بسیج، پشتوانه‌ی اصلی انقلاب است.

جایگاه حفظ نظام اسلامی در نظر امام

حفظ موجودیت انقلاب، کار اول ماست که در استمرار نظام جمهوری اسلامی تجسم یافته است. به همین خاطر، امام(ره) مکرر میفرمودند: حفظ نظام اسلامی، واجبترین فریضه است.^۱

در مراسم بیعت خانواده‌های شهدای هفتم تیر، اعضای شورای عالی قضایی، قضات و مسئولان دادگستری و جمعی از مردم لرستان، ۱۳۶۸/۰۴/۰۷

نظر امام در مورد دستگاه قضایی

دستگاه قضایی ما در حقیقت دستگاه جدیدی است؛ زیرا حاکمیت قوانین و مقررات اسلامی، مسائل جدیدی را برای این دستگاه پیش آورده است و همانطور که چندین بار از زبان امام عزیزمان هم شنیده شد، برادرانی که در قوه‌ی قضائیه مشغولند، زحمات و تلاشهای فراوانی را کشیده‌اند؛ اما باید در نظام اسلامی، نسبت به رشد و اعتلای روزافزون دستگاه قضایی، همت گماشته شود و در هیچ حدی قانع نبود.

عزت جهانی؛ نتیجه مقاومت و وفاداری مردم نسبت به امام

روحیه‌ی ایستادگی و مقاومت در شما مردم و وفاداری نسبت به امام عزیز و بزرگوارمان - که مظهر ایستادگی و مقاومت انقلابی ملت ما بود- و عزتی که از طریق همین ایستادگیها و مقاومتها در دنیا و در چشم ملتها به وجود آمده، موارد نادری است که برای یک ملت به آسانی پیش نمی‌آید.

اصلیترین راه رسیدن به آینده‌ای روشن

آینده‌ی بسیار روشنی پیش روی ماست، که به سمت آن در حرکتیم؛ آینده‌ای که ملت ایران خواهد توانست به برکت اسلام و نظام اسلامی، هم عدالت اجتماعی و رفاه مادی داشته باشد، و هم به استقلال کامل دست یابد. از روز اول پیروزی انقلاب، ما به سمت

۱ مضمون این مطلب در «پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)، ۱۰/۰۳/۱۳۶۹» نیز تکرار شده است.

این آینده حرکت کرده‌ایم و به اعتقاد من، قسمت‌های سخت‌ترش را پشت سر گذاشته‌ایم. نمی‌گویم بدون تحمل زحمت میشود به آن آینده رسید؛ اما می‌گویم با حفظ وحدت و ایمان و انگیزه و ادامه‌ی حرکت، میتوان به آن دست یافت. عمده این است که ما یاد و راه و هدف‌های امام(ره) را همیشه در خاطر داشته باشیم و آنها را حفظ کنیم.

در مراسم بیعت اصناف مشهد و تعاونی‌های شهری خراسان، مسئولان بنیاد پانزده خرداد و نهضت سوادآموزی و تعدادی از کارکنان و مسئولان وزارت نیرو و سازمان‌های تابعه، ۱۳۶۸ / ۰۴ / ۰۸

افتخار به قرار گرفتن یکی از گوهرهای الهی، بین مردم ایران

باید نیروی ملت منسجم شود و با ایمان حرکت کند و به خدا تکیه دهد و از سختیها ترسد و پا عقب نکشد، تا هیچگاه دشمن به خود اجازه‌ی نفوذ ندهد. در گذشته افرادی بودند که سطحی فکر میکردند و ظاهرین بودند. هر چند نمیشود به آنها اتهام غرض‌ورزی زد، ولی نمیتوانستند باور کنند که توان مقابله با دشمن در ملت وجود دارد. اما آن کسی که راز حرکت تاریخ و سنت‌های الهی را میدانست، ایستادگی میکرد و انسجام میبخشید و اراده را تقویت میکرد.

در کنار همه‌ی اینها، رهبری پیشاهنگ و قوی لازم بود که بحمدالله ملت ما از آن بی‌نصیب نبود. اقبال با مردم ایران بود که خدای متعال گوهر یک‌دانه و ذخیره‌ی خودش را به آنها عنایت فرمود. معمولاً خدای متعال گوهرهای ناب خود را برای روزهای حساس تاریخ بشر ذخیره میکند، و ما این افتخار را داشتیم که خداوند یکی از گوهرهای گرانبهای خود را در میان ما قرار داده بود. خیلیها امام(ره) را میدیدند، اما نمیشناختند و او را به انسانهای معمولی تشبیه میکردند؛ اما جوهر درخشان و فروزان او به کمک پروردگار و در سایه‌ی عبودیت خدا آشکار شد.

تواضع منحصر به فرد امام بزرگ

او برای خودش عنوان و بهره‌ای قائل نبود. آن دستی که توانسته بود تمام سیاست‌های دنیا را با قدرت خویش تغییر دهد و جابه‌جا کند، آن زبان گویایی که کلامش مثل بمب در دنیا منفجر میشد و اثر می‌گذاشت، آن اراده‌ی نیرومندی که کوه‌های بزرگ در مقابلش

کوچک بودند، هر وقت از مردم صحبت میشد، خودش را کوچکتر می‌انگاشت و در مقابل احساسات و ایمان و شجاعت و عظمت و فداکاری مردم سر تعظیم فرود می‌آورد و خاضعانه میگفت: مردم از ما بهترند. انسانهای بزرگ همینگونه‌اند. آنها چیزهایی را میبینند که دیگران نمیتوانند و یا نمیخواهند رؤیت کنند.

گاهی در مقابل کارهایی که به نظر مردم معمولی می‌آید، آن روح بزرگ و آن کوه ستبر تکان میخورد و میلرزید. هنگام جنگ، بچه‌های مدرسه در نماز جمعه‌ی تهران قلکهای خود را شکسته بودند و پولهایش را برای جنگ هدیه کرده بودند. فردای آن روز که خدمت امام(ره) رسیده بودم، ایشان را در حالی که چشمهای خداینش از اشک پُر شده بود، دیدم؛ به من فرمودند: کار این بچه‌ها را دیدی؟ بقدری این کار به نظرش عظیم آمده بود که او را متأثر ساخته بود.

او خوب میفهمید و درست تشخیص میداد. او از همه‌ی انسانهایی که ما تاکنون دیده‌ایم و وصف آنها را شنیده‌ایم - غیر از انبیاء و اولیاء و ائمه(علیهم‌السلام) - یک سروگردن بالاتر بود. افراد بزرگی که ما در تاریخ گذشته و معاصر زندگی آنها را مطالعه کرده‌ایم، هیچ کدامشان به لحاظ عظمت، اصلاً قابل مقایسه با شخصیت عظیم او نبودند؛ اما همین امام در مقابل مردم میگفت: من در برابر شما احساس حقارت میکنم.

نگرانی امام از منجر شدن اختلاف سلیقه‌ها به جناح‌بندی و تفرقه

توطئه و ترفند دیگر دشمن این است که القا کند بین مسئولان و یا مردم، جناح‌بندی حاد خصمانه وجود دارد! مردم نباید این تبلیغات را جدی تلقی کنند. البته از لحاظ سیاسی، اختلاف سلیقه وجود دارد، که طبیعی است و وجود آن خطری را ایجاد نمیکند. بارها امام(ره) میفرمودند: من از این بحثها نگران نمیشوم؛ نگرانی ما زمانی است که اینها را عمده کنیم. نباید تصور کنیم که بخاطر این مباحثات، آحاد ملت از هم جدا میشوند. اگر مسئولان و یا مردم، اختلاف سیاسی و سلیقه‌های مختلف داشته باشند، باز هم دوش‌به‌دوش و دست‌در‌دست یکدیگر، برای کشور و نظام کار میکنند.

خط امام؛ راه ادای تکلیفی سنگین و همگانی

باید همه در خط اسلام و انقلاب و دنبال هدفهای اسلامی باشیم و با همان شعارها و آرمانهایی که امام عزیزمان ما را پیش برد و در مقابل دشمنان ایستادگی کرد، راه گذشته را ادامه دهیم.

خبثت و خصومت دشمنهای ما که تغییر نکرده و ماهیت آنها که عوض نشده است؛ بنابراین باید با اتکال به خدا و پافشاری بر همان اصول، در صف واحد حرکت کنیم. افراد را طرد نکنید، به دیگران تهمت نزنید و به کسی اهانت نکنید. همه با یکدیگر برادرند و در خط امام(ره) هستند و تصمیم متخبان مردم را با همه‌ی وجود تأیید میکنند. ما تکلیف سنگینی بر دوش داریم و بایستی این راه را با قوت و قدرت ادامه بدهیم.

در مراسم بیعت نمایندگان عشایر سراسر کشور، ۱۳۶۸/۰۴/۰۹

عشایر در نظر امام؛ ذخایر انقلاب

امام عزیز که حقیقتاً قلب او در مواردی ملهم به الهامات غیبی الهی بود و گویی کلماتش متکی به وحی است، در یک جمله فرمود: عشایر ذخایر انقلابند. ذخیره، یعنی سرمایه‌ای که انقلاب در اختیار دارد، تا در وقت احتیاج آن را خرج کند. یکایک عشایر باید با همین روحیه و احساس، زندگی و کار کنند.

در مراسم بیعت اقشار مختلف مردم محلات، دلجان و نراق، دزفول، لارستان، بندرلنگه، لامرد فارس، فلاورجان، قهدریجان، کلیشاد و اصناف شهری، به همراه ائمه‌ی جمعه، روحانیون و نمایندگان آنان در مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۸/۰۴/۱۰

تخیّر دشمنان و امیدواری دوستان از موضع ملت ایران در ایام رحلت امام(ره)

بعد از وفات رهبر عظیم‌الشأن انقلاب(اعلی الله مقامه)، که استکبار جهانی و دشمنان کوچک و بزرگ ما مترصد بودند تا شاید بتوانند سوءاستفاده‌ای بکنند، موضع ملت ایران همه‌ی دشمنان را متحیر کرد و امید را به دل دوستان ما- که نگران وضعیت کشور بودند- برگرداند. ضربه‌ی شدید ناشی از فقدان امام بزرگوار برای ملت‌های مسلمان در سرتاسر دنیا، ضربه‌ای کاری بود و حقیقتاً آنها را دچار قلق و اضطراب کرد. بخشی از

این نگرانی بخاطر آن بود که امام(ره) را از دست داده بودند، و بخشی دیگر به این دلیل بود که نسبت به سرنوشت انقلاب و جمهوری اسلامی نگرانی داشتند. در این میان، موضع ملت ایران، امید را به دل‌های مسلمانها در سرتاسر عالم برگرداند. امروز همه‌ی آنها فهمیده‌اند که انقلاب در این کشور کاملاً ریشه دوانده است و نمیتوان آن را تهدید کرد. ایمان شما مردم، این واقعیت را اثبات کرده است.

اگر در گذشته، آگاهی و ایمان و وفاداری شما نسبت به امام و انقلاب توانست مانع تحقق پیش‌بینیهای دشمنان شود و آنها را ناامید کند، در آینده نیز باید اینگونه باشد. دشمن در تمام روزهایی که از وقوع این حادثه‌ی مصیبت‌بار گذشته، دائماً مشغول مطالعه روی حوادث ایران بوده است. با تحلیلهایی که این روزها از رسانه‌های بیگانه منتشر میشود، میتوان فهمید که دشمن هیچ امیدی برای خود مشاهده نمیکند. البته برای اینکه طرفداران و مزدورانشان مأیوس نشوند، امیدهای واهی و مبهمی را به آنها میدهند و میگویند حرارت و شور و هیجان و وفاداری مردم پایدار نیست و مدت زیادی طول نخواهد کشید که اختلاف و دودستگی به وجود خواهد آمد! اینگونه اظهارات دشمن هم برای ما مفید است؛ زیرا ما بخوبی احساس میکنیم که آنها به چه چیزهایی امید بسته‌اند.

امام(ره) تسهیلگر سخت‌ترین مسیرها

بارها گفته‌ام که آینده را بسیار خوب و روشن و امیدبخش و بهتر از گذشته مشاهده میکنم. خدای متعال به پیامبر خود فرمود: «وَلِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى»؛ یعنی وضعیت آینده‌ی تو بهتر از گذشته خواهد بود. زحماتی که امام عزیزمان با پشتیبانی ملت در طول ده سال گذشته کشیدند، بذری بود که پاشیده شد و إن شاء الله در آینده ثمر خواهد داد. مسیرهای سختی که دست نیرومند امام(ره) عبور از آنها را ممکن میساخت، دیگر تکرارشدنی نیست؛ لذا آینده‌ی ما بسیار خوب و روشن و امیدبخش خواهد بود.

علت اصلی موفقیت‌های امام و ملت

روحیه‌ی عبودیت الهی و تسلیم در مقابل پروردگار و کار برای رضای او را - که راز اصلی موفقیت‌های ملت و امام ما بود - پاس بداریم.

در مراسم بیعت ائمه‌ی جمعه، روحانیون، مسئولان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اقشار مختلف مردم و خانواده‌های معظم شهدای استانهای یزد و کهگیلویه و بویراحمد، ۱۱ / ۰۴ / ۱۳۶۸

پیش‌بینی‌های امام نسبت به راه مبارزه

امام عزیز ما، آن قلب منور و نورانی و آن زبان گویای حقایق، از اول گفته بود که در این راه، سختی و ترور و فشار و دشمنی و تبلیغات وجود دارد. ما دیدیم که هرچه اتفاق افتاد، صحت پیش‌بینی آن حکیم الهی و منورالقلب را نشان داد. پس راه، راه درستی بود؛ زیرا ایمان مردم لحظه‌به‌لحظه عمیقتر میشد.

اثبات‌کننده‌ی قدرت نظام اسلامی

دائماً در طول ده سال گذشته تبلیغات میکردند که جمهوری اسلامی متزلزل و رو به زوال است؛ اما در حقیقت، عمل آنها نشان داد که نظام ما کلمه و شجره‌ی طیبه‌ای است که «أصلها ثابتٌ وفرعها في السماء تُؤتي أكلها كل حين بإذن ربها». امام بزرگوار با آن قلب نورانی و ذهن روشن، مکرراً این قدرت را به دنیا اثبات کرد و یکبار دیگر در هنگام ارتحال ملکوتی آن زاده‌ی پیامبران و دنباله‌رو انبیای الهی، اصالت و استحکام آن روشن و واضح شد.

خداوند به همه‌ی شما توفیق و خیر عنایت کند، ما را در راه خودش ثابت‌قدم بدارد و قدردان هدایتها و ارشادهایی که امام عزیزمان - آن سلاله‌ی پیامبران و بقیه‌ی اولیای الهی - در میان ما گذاشته است، قرار دهد و توفیق حرکت به سمت آن هدفها را عنایت فرماید.

۱ سوره‌ی ابراهیم، آیات ۲۴ و ۲۵. ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است - میوه‌اش را هر دم به اذن پروردگارش میدهد.

تأثیر امام در پیشبرد حیات طیبه‌ی اسلامی

زندگی و حیات طیبه‌ی اسلامی، یعنی سعادت دنیا و عقبی و رفاه مادی و تعالی معنوی. انقلاب ما این حرکت را در کشور به وجود آورد و دست قدرتمند الهی رهبر و امام بزرگوار آن را به پیش برد، و از این جهت امروز بحمدالله در دنیا ملتی نمونه هستیم.

نحوه‌ی ممانعت از به هدر رفتن زحمات طولانی امام خمینی(ره)

انقلاب ما دارای دو بُعد بود: بُعد داخلی و بُعد خارجی.

ما که امروز برای امام(ره) عزادار هستیم، باید این دو بُعد را با کمال جدیت مورد توجه و نظر قرار دهیم؛ و آلا اگر خدای ناخواسته راه و وصیت امام فراموش بشود - که ان شاء الله هرگز فراموش نخواهد شد - نتایج زحمات طولانی آن بزرگوار از بین خواهد رفت.

وصیت امام در مورد پیوند با مسلمانان جهان

مسلمانان کشورهای اسلامی و نیز مسلمانانی که در کشورهای غیراسلامی در اقلیت هستند، باید بدانند که ملت ما پیوند الهی و اسلامی خود با ملت‌های مسلمان دیگر را هرگز فراموش نخواهد کرد و به آن اهمیت خواهد داد. این، وصیت امام بزرگوار(ره) است.

ضرورت تلاش حداکثری و همگانی برای عبور از پیچ بسیار مهم تاریخی

برای ملت ایران و انقلاب و آینده‌ی کشور و در جهت حفظ انتظام و انسجام ملت، زمان مهمی سپری میشود. ما در طول ده سال گذشته، نسبت به این برهه‌ی حساس - که یقین داشتیم روزی حادثه‌ی فقد امام(ره) پیش خواهد آمد - نگرانی بسیار داشتیم و حالا ناگهان میبینیم که در همان فصل از زمان هستیم. با توجه به این امر، احساس میکنیم که همه باید در این فصل بسیار مهم و حساس و خطیر و تعیین‌کننده، حداکثر ابتکار و

تلاش و اخلاصی را که از آنها برمی‌آید، ارائه کنند، تا بتوانیم ان شاء الله انقلاب را از این پیچ بسیار مهم و نقطه‌ی عطف بسیار خطیر، به سلامت عبور دهیم.

بیانی متواضعانه در محضر امام(ره)

یک وقتی خدمت امام(ره) این نکته را عرض کردم که گاهی نام من در ردیف بعضی از آقایان آورده میشود، در حالی که در ردیف آنها نیستم و من یک آدم کوچک و بسیار معمولی هستم. نه اینکه بخواهم تعارف کنم؛ الآن هم همان اعتقاد را دارم.

توجه امام به تأثیر تربیون نماز جمعه

در حال حاضر، دستگاه حقی بر مبنای امامت و ولایت حق به وجود آمده است و کسانی که امروز متصدی امر امامت جمعه‌اند، حقیقتاً انسانهای مؤمن و متقی و صادق و معنوی و روحانی و بی‌طمع هستند و قصد اقتدار و قدرتمندی ندارند و این منصب را مقام و موقعیت دنیایی نمیدانند. تأثیر و نقش این تربیون در چنین شرایطی، فوق‌العاده و تراز اول خواهد بود و قوام معنوی و حصار ایمانی جامعه را حفظ خواهد کرد. اگر ما این تربیون را نمیداشتیم، معلوم نبود وضع انقلاب و روحیه‌ی مردم چگونه بود. این، یکی از برکات انقلاب بود و امام(ره) به این نکته توجه داشتند.

موافقت امام با تشکیل سمینار ائمه‌ی جمعه بعنوان حصار ایمانی کشور

اوایلی که به امامت جمعه‌ی تهران منصوب شده بودم، تشکیل این سمینار را خدمت حضرت امام(ره) پیشنهاد کردم. به ایشان گفتم: ما در سرتاسر کشور، تعدادی علمای محترم داریم که امام جمعه هستند- البته در آن وقت تعدادشان به اندازه‌ی الآن نبود- و در حقیقت یک شبکه‌ی سراسری برای اداره‌ی معنوی جامعه و حفظ ایمان و حصار ایمانی کشور تشکیل میدهند. اگر شما موافقت کنید، ما این شبکه را به هم وصل کنیم و بعداً بین این مجموعه و ائمه‌ی جمعه‌ی جهان اسلام، کنگره‌هایی تشکیل دهیم. ایشان از این پیشنهاد خیلی خرسند شدند و استقبال کردند. پس از جلب موافقت

ره، رهرو، رهبر / ۷۹

امام(ره) به قم آمدیم و آن سمینار اول را که در کتابخانه‌ی مدرسه‌ی فیضیه برگزار شد، تشکیل دادیم و نتیجتاً این کار پایه‌گذاری شد و بحمدالله تا امروز هم ادامه دارد.

انطباق فرمایشات رهبری با فرمایشات مؤکد امام(ره)

آنچه که من مطرح میکنم، به معنای این نیست که حرف تازه‌ای میزنم و شما آن را نمیدانید؛ خیر، حرفهایی است که همه میدانند و بارها هم گفته شده است؛ بعضی از آنها مخصوصاً مورد تأکید امام بزرگوار و عزیزمان بود که مکرراً بیان میکردند و ایشان عمده یا همه‌ی آنها را فرموده‌اند، که لازم نیست دیگر من تکرار کنم.

برخورد هوشمندانه‌ی مسئولان کشور، پس از رحلت امام

پس از رحلت امام(ره)، مسئولان خوب و ارزشمند کشور در سطوح بالا، خوشبختانه با قضایا هوشمندانه و قوی برخورد کردند. همه‌ی افراد و مراکزی که دشمن فکر میکرد بتواند روی آنها سرمایه‌گذاری کند، در مقابله با توطئه‌ی دشمن، قوی و صادقانه و مخلصانه برخورد کردند. از بیت شریف حضرت امام و بازماندگان ایشان و فرزند ارجمند و عزیزشان، تا مسئولان کشور و شخصیت‌های روحانی و چهره‌های تراز اول جامعه‌ی ما، خیلی خوب و قوی و قاطع و هوشمندانه و مخلصانه و مؤمنانه با قضایا برخورد کردند و حقیقتاً دشمن را دچار حیرت کردند.

خاطره‌ای تلخ از بیماری امام

بهار سال ۱۳۶۵ را - روزی که امام(ره) در بستر بیماری بودند - فراموش نمیکنم. ایشان دچار ناراحتی قلبی شده بودند و تقریباً ده، پانزده روزی در بستر بیماری بودند. در آن زمان من در تهران نبودم. آقای حاج احمد آقا - آقازاده‌ی محترم ایشان (حفظه‌الله و سلمه و آئیده) - به من تلفن کردند و گفتند سریعاً به آنجا بیایید؛ فهمیدم که برای امام(ره) مسئله‌ای رخ داده است. آنجا حرکت کردم و پس از چند ساعت طی مسیر، خود را به تهران رساندم. اولین نفر از مسئولان کشور بودم که شاید حدود ده ساعت پس از بروز حادثه، بالای سر ایشان

حاضر شدم. در آن وقت برادر عزیزمان جناب آقای هاشمی در جبهه بودند و هیچ‌کس دیگر هم از این قضیه مطلع نبود.

روزهای نگران‌کننده و سختی را گذرانیدیم. خدمت امام(ره) رفتم و هنگامی که نزدیک تخت ایشان رسیدم، منقلب شدم و نتوانستم خودم را نگه دارم و گریه کردم. ایشان تلافی فرمودند و با محبت نگاه کردند. بعد چند جمله گفتند که چون کوتاه بود، به ذهنم سپردم؛ بیرون آمدم و آنها را نوشتم. برادر عزیزمان آقای صانعی هم در اتاق بودند. از ایشان کمک گرفتم، تا عین جملات امام(ره) را بازنویسی کنم.

خلاصه‌ی وصیتنامه‌ی امام حکیم

در آن لحظه‌ای که امام(ره) ناراحتی قلبی پیدا کرده بودند، ما بشدت نگران بودیم. وقتی که من رسیدم، ایشان انتظار و آمادگی برای بروز احتمالی حادثه را داشتند. بنابراین، مهمترین حرفی که در ذهن ایشان بود، قاعدتاً میباید در آن لحظه‌ی حساس به ما میگفتند. ایشان گفتند: «قوی باشید، احساس ضعف نکنید، به خدا متکی باشید، «أَشِدَّاءَ عَلَى الْكُفَّارِ رَحَمَاءَ بَيْنَهُمْ»^۱ باشید، و اگر با هم بودید، هیچ‌کس نمیتواند به شما آسیبی برساند.» به نظر من، وصیت سی صفحه‌ای امام(ره) میتواند در همین چند جمله خلاصه شود.

او واقعاً حکیم بود و مصداق کامل «صِرْوَةٌ الْإِنْسَانِ عَالِمًا عَقْلِيًّا مُضَاهِيًّا لِلْعَالَمِ الْعِجَنِيِّ»^۲ محسوب میشد. انسان احساس میکرد که تمام حقایق عالم در وجود او منعکس بود. او چیزهایی را بوضوح و روشنی و با همان نورانیت نفسانی و نگاه رحمانی و حکمت خودش - نه با استدلال و تمهید مقدمات معمولی - میدید و میفهمید که دیگران عصازنان خودشان را به آن نقطه میرساندند.

این مرد حکیم الهی مجرب دلسوزی که چندین سال این جامعه را اداره کرده بود، مهمترین مسئله را همین چند کلمه میدانست، که یکی از آنها «رحماء بینهم» است. من وصیت حقیقی امام(ره) را تحقق همین نکات میدانم. باید بر سلايق پا گذاشت؛ آنجا که

۱ سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۲۹. بر کافران، سختگیر [و] با همدیگر مهربانند.

۲ شرح منظومه، ج ۲، ص ۵۰ و ج ۵، ص ۲۹۱.

ره، رهرو، رهبر / ۸۱

موجب جدا شدن از دیگران است؛ چه رسد به اهواء و هوسها و انگیزه‌های مادی که حالش معلوم است.

در مراسم بیعت اقشار مختلف مردم کُرد از استانهای کُردستان، آذربایجان غربی و کرمانشاه، ۱۳/۰۴/۱۳۶۸

حَلّ مسئله‌ی مهم قومیتها و فرقه‌ها به برکت امام و انقلاب

خیلی از مسائل وجود دارد که هنوز در دنیا حل نشده است؛ اما جمهوری اسلامی به برکت انقلاب و روحیه‌ی انقلابی مردم و قوت و شخصیت و معنویت و ایمان امام بزرگوار و قائد عظیم‌الشأن، آنها را حل کرده است. یکی از آن مسائل، مسئله‌ی قومیتها و فرقه‌های اسلامی است که به برکت اسلام و انقلاب و امام در ایران حل شده است.

شادی امام از گزارشی وحدتِ مسلمین

من از اول انقلاب تاکنون، نسبت به حالت صمیمیتی که همیشه فکر میشد باید بین برادران باشد، حساس و علاقه‌مند بودم. این هم از توجیهاات و ارشادهای آن حکیم بزرگ و آن روح معنوی و الهی (أعلى الله مقامه وأعلى الله كلمته) بود.

در سفری که به کردستان و آذربایجان غربی کرده بودم و با مردم سنندج و مهاباد و عزیزان کُرد و روحانیون و روشنفکرهای آن مناطق دیدار داشتم، آنها نسبت به امام و انقلاب اظهار اخلاص میکردند، که حقیقتاً تودهنی محکمی به دشمنان و مدعیان و تفرقه‌افکنان بود. وقتی به تهران برگشتم، خدمت امام رسیدم و شرح آن دیدارها را برای ایشان گفتم. دیدم دل منور آن مرد روحانی شاد شد و آثار آن در چهره‌ی پاک و مطهر او آشکار گردید.

نظر امام نسبت به همراهی مردم با انقلاب

نظر امام (ره) از اول همین بود که مردم با انقلاب و اسلام همراهند؛ چون مسلمان و مؤمنند. آن کسی که با انقلاب و جمهوری اسلامی موافق نیست، ضد اسلام است؛ والّا

جمهوری‌ای که بر مبنای اسلام تشکیل شده است، چرا باید مورد مخالفت کسی قرار بگیرد که معتقد به اسلام است؟! کسانی که با انقلاب اسلامی مخالفت میکنند، با اسلام بدند.

در مراسم بیعت اقشار مختلف مردم استان کرمانشاه و شهرهای رشت، اراک، سربند، فردوس، طبس، خوانسار، بیدخت، گناباد و جویبار، ۱۴/۰۴/۱۳۶۸

عامل اصلی اتصالِ قلوب مردم به امام و انقلاب

دست نیرومندی که دل‌های شما مردم را به انقلاب و امام و جمهوری اسلامی با استحکام متصل کرد، و نیروی عظیمی که ملت ایران را مثل اقیانوسی موج در تمام مراحل انقلاب- از جمله بعد از رحلت امام امت(ره)- در مقابل چشم جهانیان قرار داد، عبارت از ایمان و اعتقاد شما به خدا و اسلام است؛ این عامل اصلی را نباید دستکم گرفت.



نقش ایمان به اسلام در نفوذ امام در دل‌ها و تحوّل عظیم دنیا

اگر ایمان مردم به اسلام نبود، انقلاب به پیروزی نمی‌رسید. اگر امام عزیزمان در دل‌های یکایک مردم- چه در داخل کشور و چه در اقطار عالم- نفوذ عمیق داشت و اشاره و سخن و رفتار او برای مردم مسلمان داخل و خارج از کشور درس بود، بخاطر این بود که مردم به خدا و اسلام ایمان داشتند.

در تحوّل عظیمی که در دنیا اتفاق افتاده، نقش ایمان به اسلام، نقش درجه‌ی یک است. چون ما برای اسلام کار میکنیم، خدای متعال هم نصرتش را بر ما نازل میکند. چون ملت ایران به خدا و اسلام و قرآن مؤمنند، ملت‌های دیگر عالم نسبت به مردم ما احساس احترام میکنند. چون قلب آن رهبر عزیز، منور به نور ایمان صادقانه و مخلصانه و روشن‌بینانه بود، اینگونه در میان مردم جا باز کرد و بر ذهن و روح آنها تأثیر عمیق گذاشت و خدا به او قدرت و قوتی بخشید، تا بتواند بزرگترین کارهای این روزگار را انجام دهد.

نظر امام در مورد اصناف و بازاریان

شما برادران اصناف و بازاریان نیز از اولین روزهای شروع نهضت، پشت سر امام عزیزمان ایستادید و اولین پاسخهای اجابت را به دعوت او و کسانی که در جهت انقلاب حرکت میکردند، دادید و در طول سالیان دراز مبارزه، حداکثر کمک و حمایت را نسبت به انقلاب و مقام معظم امام بزرگوارمان داشتید. شما اصناف مؤمن و متعهد و بااخلاص، همیشه مورد توجه ایشان بودید. در این مورد، بارها از زبان امام(ره) گفتار صریح و روشنی شنیدیم.

وظیفه‌ی اصناف مطیع امام در مقابل ناآرامیها

در کنار این افراد، کسانی هم هستند که فضای امن و امان محیط کسب را برای مردم به هم میزنند. من بارها در ملاقات با کسبه و اصناف و انجمنهای اسلامی اصناف و بازاریها، روی این نکته تکیه کرده‌ام و الآن هم میخواهم آن را تکرار کنم: شما که متعهد و متدین و انقلابی و مرید و مخلص امام(ره) هستید و اسلام برایتان یک باور حقیقی است و دلتان برای آن میسوزد، باید کوشش کنید و نگذارید که محیط کار صنفی، با روشهای غلط و سودجویانه‌ی عده‌ای معدود، بدنام و خراب شود.

تأثیر وفاداری ملت نسبت به امام و انقلاب در جایگاه جهانی جمهوری اسلامی

امروز بحمدالله در سطح عالم، نظام جمهوری اسلامی بعنوان یک نظام مستحکم و تثبیت شده و کاملاً جاافتاده معرفی شده و دشمن را دچار حیرت کرده است. این، به برکت ایمان قوی مردم و مخصوصاً وفاداری عموم قشرهای ملت نسبت به امام و انقلاب است.

تلاش برای جبران خلأ وجود امام عزیز

ما باید بتوانیم خلأ وجود مبارک و مقدس امام عزیز - آن شخصیت عظیم و کفهی

سنگین - را با پیوند مستحکمتر میان خود و خدا، و با اخلاص و همبستگی و تلاش و حضور بیشتر و قویتر پُر کنیم و به فضل پروردگار راه او را ادامه دهیم.

حیات و مماتِ با برکت حضرت امام

من از روی اعتقاد کامل تکرار میکنم که آینده‌ی روشنی برای ملت ما در پیش است، که انشاءالله نشانگر گشایش و استحکام و قدرت و رفاه بیشتر و عدالت کاملتر خواهد بود. همه‌ی اینها از برکات انفاس مقدّس آن عزیز بزرگوار است که حیات و مماتش مایه‌ی برکات الهی بود.

راه پیاده کردن اهداف الهی مدّ نظر امام

باید پیوند خود را با مراکز معنوی و الهی و غیبی هرچه بیشتر مستحکم کنیم، تا بتوانیم با کمک پروردگار اهداف الهی و اسلامی را به صورتی که خواست امام بود، در جامعه پیاده کنیم.

پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۴/۰۴/۱۳۶۸

زندگی الهی و متواضعانه امام در چند جمله

بارالها! بر بنده‌ی صالح متواضعت امام خمینی، که رضای تو را بر رضای دیگران برگزید و در راه اعلای کلمه‌ی تو و احیای دین تو، رنجهای گران بر جان خرید و مجاهدت در راه ملت ابراهیمی و سنت محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را به نهایت رساند و در این راه لحظه‌ای از حرکت و تلاش بازنايستاد، با نام و یاد تو زیست و با امید و عشق تو به ملکوت اعلی پیوست، سلام و رحمت و رضوان فرست، و کلمه‌ی او را رفعت بخش، و راه او را رونق بخش، و میراث یگانه‌ی او را در پناه خود حفظ کن، و آرزوها و هدفهای او را محقق ساز، و ما را از اخلاف نیک او قرار ده.

اخلاص و صفا؛ دو خصوصیت مهم در کلام امام خمینی(ره)

پروردگارا! سوز سخن حق را در این کلام بگنجان و آن را به گوش و دل مؤمنان و همه‌ی حق‌طلبان جهان برسان. همان اخلاص و صفا را که در سخن عبد صالح تو و امام و قائد ما موج میزد، بدان بیامیز و آن را به قبول حسن، مقبول فرما.

■

ضرورت پاسخ به ندای توحید و وحدت امام

اکنون که ملت ایران همزمان با سالگرد فاجعه‌ی خونین مکه، به مصیبت بزرگ فقدان قائد اکبر و منادی وحدت مسلمین و برافرازنده‌ی پرچم اسلام و قرآن، بنده‌ی صالح خدا و ناصح دلسوز امت و فرزند خلف پیغمبر - خمینی کبیر - مبتلا شده است، جا دارد که حجاج بیت‌الله از هر کشور و ملت، طنین ندای توحید و وحدت را که همه‌ساله از آن حنجره‌ی ابراهیمی برمی‌آمد و فضای خانه‌ی خدا و سپس فضای جهان اسلام را پُر میکرد و بتهای قدرت و مکتب را به لرزه درمی‌آورد، به گوش جان بشنوند و به دعوت او که حرف دل میلیونها مسلمان تحقیرشده و ستم‌زده به وسیله‌ی حکام وابسته و مستکبر بود، پاسخ گویند.

■

زندگی جاودانه‌ی ندهای ملکوتی امام در قلوب مسلمین جهان

آری، اگرچه یوسف عزیز امت اسلام اکنون در میان ما نیست و جای او که همه‌ساله در وجود یکایک حاجیان دل‌باخته و سر از پا نشناخته‌ی ایرانی تجلی میکرد، خالی است، ولی هم‌اکنون نیز او را در هر دل ذاکر و عارف و در هر جان پُرشور و در هر زبان حقگو و در وجود هر مسلمان غیور و دلسوخته و در هر جا که در آن، سخن از عزت اسلام و وحدت مسلمین و براءت از مشرکین و نفرت از «انداد الله» و اصنام جاهلیت هست، میتوان یافت. او زنده است، تا اسلام ناب محمدی زنده است؛ و او زنده است، تا پرچم عظمت اسلام و وحدت مسلمین و نفرت از ظالمین برافراشته است.

جایگاه ظلم‌ستیزی در نظر امام خمینی(ره)

هنوز ندای ملکوتی او که میگفت: «حاشا که خلوص عشق موحدین، جز به ظهور

کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود»، در فضای مکه طنین افکن است، و درس فراموش نشدنی او که میگفت: «کدام خانه‌ای سزاوارتر از کعبه و خانه‌ی امن و طهارتِ ناس که در آن به هرچه تجاوز و ستم و استعمار و بردگی و یا دون‌صفتی و نامردمی است، عملاً و قولاً پشت شود؟»، در کتیبه‌ی ذهن انسانهای بیدار منقش است.

هشدار امام نسبت به قبول ذلت در برابر کفر و شرک؛ حتی یکه و تنها

هنوز این سؤال هشداردهنده‌ی او که: «آیا باید در خانه‌ها نشست و با تحلیلهای غلط و اهانت به مقام و منزلت انسانها و القای روحیه‌ی ناتوانی و عجز در مسلمانان، عملاً شیطان و شیطان‌زادگان را تحمل کرد؟»، وجدان مسلمانان غیور را برمی‌انگیزد و پاسخی از سر وارتستگی و اخلاص میطلبد. و هنوز این سخن پیامبرگون او، دل و جان مشتاقان را تسخیر میکند که میگفت: «هیئات که امت محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله)، سیراب‌شدگان کوثر عاشورا و منتظران وراثت صالحان، به مرگ ذلتبار و به اسارت غرب و شرق تن در دهند؛ و هیئات که خمینی در برابر تجاوز دیوسیرتان و مشرکان و کافران به حریم قرآن کریم و عترت رسول خدا و امت محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله) و پیروان ابراهیم حنیف، ساکت و آرام بماند و نظاره‌گر صحنه‌های ذلت و حقارت مسلمانان باشد. قدرتها و ابرقدرتها و نوکران آنان مطمئن باشند که اگر خمینی یکه و تنها هم بماند، به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت‌پرستی است، ادامه میدهد».

تحقق خواست امام مبنی بر ظلم‌ستیزی مظلومین

و خدا را شکر خمینی بزرگ تنها نماند و چنان‌که او میگفت و میخواست: «بسیجیان جهان، این پابره‌های مغضوب دیکتاتورها، خواب راحت را از دیدگان جهانخواران و سرسپردگان‌شان سلب کردند».

هنوز این نوای شیرین و امیدبخش، دل مؤمنان را از فروغ حیات روشن میکند و خون امید و نشاط در پیکر امت اسلامی میدمد که: «مسلمانان جهان و محرومان سراسر گیتی، از این برزخ بی‌انتهایی که انقلاب اسلامی برای همه‌ی جهانخواران آفریده است، احساس غرور و آزادی کنند و آوای آزادی و آزادگی را در حیات و سرنوشت خویش سر دهند و بر زخمهای خود مرهم گذارند، که دوران بن‌بست و ناامیدی و تنفس در

منطقه‌ی کفر به سر آمده است و گلستان ملت‌ها رخ نموده است و امید که همه‌ی مسلمانان، شکوفه‌های آزادی و نسیم عطر بهاری و طراوت گلهای محبت و عشق و چشمه‌سار زلال جوشش اراده‌ی خویش را نظاره کنند...».

آری، امام خمینی زنده است، تا امید زنده است؛ و تا حرکت و نشاط هست، و تا جهاد و مبارزه هست... امام خمینی و امت فداکارش، از مکه و میقات هم غایب نیستند. سیلاب اندیشه‌ی جهاد و شهادت و مقاومت و براءت از مشرکین و محبت به مؤمنین که از قلّه‌ی بلند اندیشه‌ی او جاری است، همه‌ی دل‌ها و جانهای مستعد را فرامیگیرد و به او حضوری معنوی میبخشد.

نسخه الکترونیکی

هرگونه بهره‌برداری بصورت چاپ و تکثیر ممنوع می‌باشد.

پایداری همیشگی در مبارزه با ظلم

آری، چنانکه او خود میگفت: «ما در مکه باشیم یا نباشیم، دل و روحمان با ابراهیم در مکه است. دروازه‌های مدینه‌الرسول را به روی ما ببندند یا بگشایند، رشته‌ی محبتمان با پیامبر، هرگز پاره و سست نمیشود. به سوی کعبه نماز می‌گذاریم و به سوی کعبه می‌میریم و خدای را سپاس می‌گذاریم که در میثاقمان با خدای کعبه، پایدار مانده‌ایم و منتظر هم نمایانده‌ایم که حاکمان بی‌شخصیت بعضی کشورهای اسلامی و غیراسلامی، از حرکت ما پشتیبانی کنند. ما مظلومین همیشه‌ی تاریخ محرومان و پابرنگانیم و غیر از خدا کسی را نداریم و اگر هزار بار قطعه‌قطعه شویم، دست از مبارزه با ظالم برنمی‌داریم...».

اسلام مدّ نظر امام خمینی (ره) در مقابل اسلام امریکایی

اینجاست که سخن امام فقید ما، آن داعی الی‌الله و فانی فی‌الله آشکار میشود که اسلام را به اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و اسلام امریکایی تقسیم می‌کرد. اسلام ناب محمدی، اسلام عدل و قسط است؛ اسلام عزت و اسلام حمایت از ضعفا و پابرنگان و محرومان است؛ اسلام دفاع از حقوق مظلومان و مستضعفان است؛ اسلام جهاد با دشمنان و سازش‌ناپذیری با زورگویان و فتنه‌گران است؛ اسلام اخلاق و فضیلت و معنویت است.

اسلام امریکایی، چیزی به نام اسلام است که در خدمت منافع قدرتهای استکباری و

توجیه‌کننده‌ی اعمال آنهاست؛ بهانه‌ای برای انزوای اهل دین و نپرداختن آنان به امور مسلمین و سرنوشت ملت‌های مسلمان است؛ وسیله‌ای برای جدا کردن بخش عظیمی از احکام اجتماعی و سیاسی اسلام از مجموعه‌ی دین و منحصر کردن دین به مسجد است (و مسجد نه بعنوان پایگاهی برای رتق و فتق امور مسلمین - چنانکه در صدر اسلام بوده است - بلکه بعنوان گوشه‌ای برای جدا شدن از زندگی و جدا کردن دنیا و آخرت).

اسلام امریکایی، اسلام انسان‌های بی‌درد و بی‌سوزی است که جز به خود و به رفاه حیوانی خود نمی‌اندیشند؛ خدا و دین را همچون سرمایه‌ی تجار، وسیله‌ای برای زراندوزی یا قدرت‌طلبی میدانند و همه‌ی آیات و روایاتی را که برخلاف میل و منفعتشان باشد، بی‌محابا به زاویه‌ی فراموشی می‌افکنند و یا وقیحانه تأویل میکنند. اسلام امریکایی، اسلام سلاطین و رؤسای است که منافع ملت‌های محروم و مظلوم خود را در آستانه‌ی آله‌ی امریکایی و اروپایی قربان میکنند و در مقابل، به حمایت آنان برای ادامه‌ی حکومت و قدرت‌نگین خود چشم میدوزند؛ اسلام سرمایه‌دارانی است که برای تأمین سود خود، پا بر همه‌ی فضیلتها و ارزشها میکوبند.

آری، این اسلام امریکایی است که مردم را به دوری از سیاست و فهم و بحث و عمل سیاسی میخواند؛ ولی اسلام ناب محمدی، سیاست را بخشی از دین و غیرقابل جدایی از آن میداند و همه‌ی مسلمین را به درک و عمل سیاسی دعوت میکند؛ و این چیزی است که ملت‌های مسلمان باید همواره از امام فقید خود و زبان گویای اسلام به یاد داشته باشند.



تأثیر فتوای امام در انسجام مسلمین علیه توهین‌کنندگان به اسلام

این نیز یکی از الطاف الهی است که هر اقدام آنان برای توهین یا ضربه زدن به اسلام، خود به عاملی برای شدت یافتن خشم مسلمانان و راسخ شدن اراده‌ی آنان در دفاع از اسلام تبدیل میشود. نمونه‌ی بارز، ماجرای نوشتن کتاب شیطانی نویسنده‌ی مرتد و مهدورالدم انگلیسی است که دولت‌های استکباری با این کار میخواستند اسلام را تضعیف کنند، و خدای متعال برعکس خواسته‌ی آنان، این کار را موجب آبروریزی آنان قرار داد و با صدور فتوای امام امت بر مهدورالدم بودن نویسنده‌اش، آهنگ مسلمین رساتر و

انسجام آنان بیشتر شد و همه‌ی تلاشهای دشمن در مبارزه با اسلام- إن شاء الله- به همین‌گونه نتیجه‌ای منتهی خواهد شد که: «إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانُ ضَعِيفًا»^۱.

بقاء حکم امام نسبت به نویسنده‌ی مرتدّ آیات شیطانی

البته وظیفه‌ی عمومی همگان در برابر اهانت به مقدّسات اسلامی، روشن و واضح است و حکم امام فقید به واجب‌القتل بودن نویسنده‌ی مرتد و پلید آیات شیطانی، تکلیف همه را نسبت به موارد مشابه روشن می‌سازد. حکم امام امت درباره‌ی آن نویسنده‌ی نگوینخت به قوت خود باقی است و او باید همچنان در انتظار اجرای آن تا لحظه‌ی مقدر بماند.^۲

تداوم موضعگیری مسلمانان در برابر استکبار، در پاسخ به ندای امام امت

مسلمانان از اجتماعات بزرگ، مخصوصاً اجتماع عظیم حج، باید برای اعلام مخالفت و نفرت خود از توطئه‌های فرهنگی استکبار علیه اسلام و ایستادگی قاطع خود در برابر آن، حداکثر استفاده را بکنند، و مطمئنم همانگونه که مسلمانان غیور در پاسخ به ندای امام امت (أعلى الله كلمته) تاکنون قاطعانه موضعگیری کرده‌اند، از این پس نیز به همانگونه عمل خواهند کرد.

جایگاه مسئله‌ی فلسطین نزد امام

امام راحل عظیم، از نخستین روزهای شروع مبارزه در ایران، مسئله‌ی فلسطین را در صدر مطالب خود قرار داد و در طول مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، آن را تعقیب کرد و پس از ارتحال ملکوتیش نیز با زبان وصیتنامه‌ی سیاسی، الهی‌اش با ما و همه‌ی مسلمانان عالم، درباره‌ی آن حرف زد. این واجب، تخلف‌ناپذیر است. شما حاجیان نیز دارای همین وظیفه‌اید، و اگر همه به وظیفه عمل کنیم، زخم عمیق پیکر اسلام بهبود خواهد یافت- إن شاء الله- و خدا با ماست.

۱ سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۷۶. کید و نیرنگ شیطان ضعیف است.
۲ مضمون این مطلب در تاریخ «خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۶۸/۱۱/۲۰» نیز تکرار شده است.

حضرت امام؛ مجمع خصال والای اسلامی

نزدیک به چهل روز است که امت اسلام در سوگ امام و مراد و مقتدای خود در التهاب و سوز و خروش است. نزدیک چهل روز است که امام خمینی، آن بنده مطیع خدا، آن دشمن آشتی ناپذیر مستکبران، آن طرفدار و خدمتگزار مستضعفان و محرومان و مظلومان، آن برافرازندهی پرچم اسلام ناب محمدی و افشاگر اسلام امریکایی، آن فریادرس مسلمانان جهان، آن مجمع خصال والای اسلامی و آن مسلمان کامل، در میان ما نیست. او به ملکوت اعلی پیوست و ملت انقلابی ایران و دیگر فرزندان در سراسر جهان را داغدار و ماتم زده کرد؛ اما طنین صدای او که ندای حق و عدل بود، در دل‌های امتش و در فضای جهان هست و خواهد بود. او نمرده است و نخواهد مرد. برای او که راهرو راه پیامبران بود- همچون خود پیامبران- مرگ جسم به معنای مرگ شخصیت نیست.



موطن زندگی جاودانه‌ی امام خمینی (ره)

او در بانگ تکبیر مبارزان مسلمان، در اراده‌ی قهرآمیز ملت‌های زیر ستم، در ایمان آگاهانه‌ی نسل جوان معاصر در دنیای اسلام، در امید روشن مستضعفان و مظلومان، در سوز و حال معنوی مناجاتیان، در حیات دوباره‌ی معنویت و ارزش‌های اخلاقی در جهان، و در همه‌ی جلوه‌های زیبایی که حرکت انقلابی و تاریخ‌ساز او در دوران معاصر به وجود آورد، و بالاخره در دل یکایک عاشقان و مریدانش زنده است.



عوامل یأس دشمن از برنامه‌ریزی نسبت به حوادث پس از رحلت

دشمنان زخم‌خورده‌ی انقلاب، انتظار روز فقدان او را میکشیدند، تا در غیبت آن دیده‌بان بیدار و نگاهبان نیرومند، به مولود و میراث و تلاش او- یعنی جمهوری اسلامی در ایران و نهضت بیداری مسلمین در جهان- دستبرد زنند و چشم‌زخم وارد آورند؛ اما بیداری انقلابی و ایمان آگاهانه و وفای عاشقانه‌ی ملت بزرگ ایران که در تشییع جنازه‌ی بی‌نظیر و عزاداری تاریخی آن بزرگوار و حوادث پس از آن بروز کرد، و نیز پیوند و

رابطه‌ی عمیقی که مسلمانان جهان در آسیا و اروپا و آفریقا نسبت به ملت ایران و امام فقید نشان دادند، دشمنان را مأیوس، و تحلیلها و پیش‌بینیهای آنان را افسانه و پندار ساخت.

قبولی ملت ایران در امتحانی تکان‌دهنده

من وظیفه دارم احترام و سپاس عمیق خود را به ملت عظیم‌الشان ایران ابراز دارم و به آنان خاضعانه عرض کنم که شما با امتحان بزرگ و تکان‌دهنده‌ای مواجه شدید و روسفید و آبرومند از آن بیرون آمدید؛ سلام و رحمت خدا بر شما باد. شما در حیات بابرکت امام، بهترین و صدیقترین یاران برای او بودید و مایه‌ی سربلندی آن فرزند پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) شدید و پس از پرواز ملکوتی او نیز، باشکوهترین وفاداری را نسبت به او و وصیت او نشان دادید؛ خدای بزرگ از شما راضی باد. و نیز وظیفه دارم از همه‌ی برادران و خواهران مسلمان در سراسر جهان سپاسگزاری کنم، که دل ملت ایران را تسلماً دادند و دشمن را مرعوب کردند و وحدت شکوهمند اسلامی را به نمایش گذاردند؛ روح مطهر رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از همه‌ی آنان راضی باد.

علت مخالفت برخی سران کشورهای اسلامی با امام

متأسفانه در دنیای اسلامی، کسانی از سران سردمداران و جیره‌خواران و عالم‌نمایان و قلم‌فروشان نیز بودند که قدر امام را که دُرّة‌التاج عزتی بر تارک امت اسلامی بود، نشناختند و با او جفا کردند و برای دلخوشی امریکا و اسرائیل و دیگر دشمنان اسلام، با او درافتادند و برای خاموشی نور وجود او، خفاشگون تلاش کردند؛ «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُنِيرُ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ». لعنت خدا و نفرت مسلمین و حسرت ابدی بر آنان که با خلف صدق پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آن کردند که ابوجهل و ابولهب و

۱ سوره‌ی صف، آیه‌ی ۸. می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خدا- گرچه کافران را ناخوش افتد- نور خود را کامل خواهد گردانید.

فرعون و قارون و بلعم باعورا و همه‌ی ائمه‌ی نار با پیامبران و صدیقان و ائمه‌ی نور کرده بودند؛ «وَأَتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ».

تبیین برخی مؤلفه‌های راه امام(ره)

ما با خدا پیمان بسته‌ایم راه امام خمینی(اعلی‌الله قدره) را که راه اسلام و قرآن و راه عزت مسلمین است، دنبال کنیم. سیاست «نه شرقی و نه غربی»، حمایت از مستضعفان و مظلومان، دفاع از وحدت و حرکت امت بزرگ اسلامی و فائق آمدن بر عوامل اختلاف و دوگانگی مسلمین در سطح جهان، و مجاهدت برای ایجاد مدینه‌ی فاضله‌ی اسلامی، و تکیه بر جانبداری از قشرهای محروم و کوخ‌نشین، و به کار گرفتن همه‌ی عوامل و امکانات برای بازسازی کشور در سطح داخلی کشور، خطوط اصلی برنامه‌های ماست.

در مراسم بیعت روحانیون، مسئولان و مردم استان زنجان و اقشار مختلف مردم شهرهای نهبوند، کاشمر، بجنورد، اسفراین، طرهبه و چناران، اقلید، بم، ملایر و دهبید فارس، ۱۳۶۸/۰۴/۱۵

تدبر در درسهای امام؛ بزرگترین وظیفه‌ی ملت ایران

امروز بزرگترین وظیفه‌ی ما ملت ایران که مریدان قدیم و اولین یاران امام خمینی(ره) بودیم، این است که درسهای آن امام بزرگوار را مرور کنیم. شخصیت عظیم رهبر کبیر انقلاب و جوهر درخشانی که همه‌ی دنیا را تحت تأثیر قرار داد، در درسها و بیانات و رهنمودهای او آشکار شده است. البته همه‌ی ما با شناخت کامل آن شخصیت عظیم خیلی فاصله داریم و بدون مبالغه و اغراق باید گفت که هنوز ابعاد بسیاری از شخصیت آن روح ملکوتی و انسان بزرگ و والا برای ما شناخته‌شده نیست.

ما از نزدیک قضایا را میدیدیم و همه‌ی کسانی که از چنین فاصله‌ای در کنار وقایع قرار میگیرند، به آسانی قدرت جمع‌بندی ندارند. جمع‌بندی آن شخصیت و تحلیل ابعاد گوناگون آن انسان بزرگ و والا، قدری تدبّر و تأمل لازم دارد، که به این زودیاها برای ما که در عصر امام و نزدیک به او بودیم، میسر نخواهد شد؛ ولی بیانات آن بزرگوار برای ما

۱ سوره‌ی قصص، آیه‌ی ۴۲. و در این دنیا لعنتی بدرقه [نام] آنان کردیم و روز قیامت [نیز] ایشان از [جمله] زشت‌رویانند.

درس است، و درس چیزی است که در دسترس و اختیار ماست. تدبر در درسهای آن بزرگوار، خواهد توانست ما را با ابعاد شخصیت آن راحل عظیم الشان آشنا کند و راه را بر ما بنمایاند. این درسها را نمیشود در چند جمله خلاصه کرد. در هر بخشی از زمان و در هر حادثه‌ای از حوادث، یکی از آن درسها میتواند بعنوان رهنمود راهگشای ما باشد.

وحدت و انسجام ملی؛ درس بزرگ امام برای شرایط کنونی

با توجه به شرایطی که امروز در جهان برای کشور ما و موقعیت عظیم ملت ایران در اذهان عالم به وجود آمده است، درس بزرگ امام عزیزمان عبارت است از قدردانی از وحدت و انسجامی که به اراده‌ی الهی برای ما پیش آمد. امروز دل‌های ملت ایران از غالب اوقات دوران ده ساله‌ی انقلاب به هم نزدیکتر است؛ این هم از برکات روح ملکوتی امام بزرگوارمان بود.

دو درس کلیدی از امام؛ وحدت کلمه و حضور در صحنه

همه باید در این برهه‌ی زمانی، دو درس را از امام به یاد داشته باشیم: اول، وحدت کلمه و حفظ انسجام و محبت به یکدیگر و دور ریختن عوامل تفرقه و اختلاف؛ دوم، حضور عمومی در صحنه؛ همچنان که امروز بحمدالله همه‌ی ملت ایران در صحنه حاضرند.

امیدواریم خداوند فضل و لطف و رحمت خود را شامل همه‌ی شما برادران و خواهران کند و به ملت ایران توفیق دهد که راه امام عزیز را تداوم بخشند.

در مراسم بیعت گروه کثیری از خواهران شهرهای مختلف کشور، ۱۳۶۸/۰۴/۱۵

انتظار امام از بانوان در حفظ انقلاب

شما که میدانید دشمنان ما درصددند به انقلاب ضربه بزنند و اطلاع دارید که وحدت به وجود آمده در کشور ما چقدر باارزش است و حضور مردم ما در صحنه‌های انقلاب

تا چه اندازه اهمیت دارد، باید این حضور را حفظ کنید و مردها و فرزندان و شوهران و برادرانتان را به حضور قوی در همه‌ی صحنه‌ها و حفظ وحدت و پشتیبانی از آرمانهای عزیز انقلاب- که امام بزرگوارمان تأمین آنها را از ما انتظار داشتند- وادار کنید.

در مراسم بیعت معاون وزیر اطلاعات، نماینده‌ی فرماندهی کل قوا در سازمان حفاظت اطلاعات ارتش به همراه رئیس این سازمان، و جمعی از مدیران کل و کارشناسان وزارت اطلاعات و سازمان حفاظت اطلاعات ارتش، ۱۳۶۸ / ۰۴ / ۱۸

اهمیت ویژه به مسائل اطلاعات؛ نشانه‌ی بلوغ فکری و حکمت الهی امام

امام عزیز(ره) علی‌رغم آنکه سابقه‌ی ذهنی با مسائل اطلاعات نداشتند، اما چقدر نسبت به این مسئله اهتمام داشتند. آنقدر ایشان برای وزارت اطلاعات و مسئولان آن اهمیت قائل میشدند و حرف آنها را ملاک میدانستند که من نمونه‌ی آن را برای هیچ دستگاہی ندیدم. این، بلوغ فکری آن بزرگمرد را نشان میداد که همه چیز را با دید حکمت الهی نگاه میکرد.



سربازان گمنام؛ تعبیر امام از عناصر اطلاعاتی

ایشان خیلی سنجیده فرمودند: برادران مشغول در جبهه‌ی اطلاعات، سربازان گمنامند. حقیقتاً همینگونه است. شما در جبهه‌ای درگیر هستید که به هیچ‌وجه خطر و توطئه و زحمت و مجاهدت‌ش از جبهه‌ی نظامی کمتر نیست. شما از افتخارات و هیجانات ظاهری و تعریف و تمجیدهایی که معمولاً در کار نظامی وجود دارد، چشم پوشیدید و در این سنگر زحمت میکشید.

تقدیر از کارشناسان اطلاعاتی کشور در امر شناسایی و انهدام شبکه‌ی جاسوسی امریکا در ایران، ۱۳۶۸ / ۰۴ / ۱۸

رضایت امام از کارشناسان اطلاعاتی

این افتخار شما را بس که امام بزرگوارمان (قدس‌الله‌نفسه‌الزکیه) از تلاشهای خالصانه و صادقانه‌ی شما اظهار رضایت فرمودند و سینه‌هایتان را به مدال سربازی گمنام حضرت صاحب(أرواحنا فداء) مزین داشتند.

در مراسم بیعت جمع کثیری از اقشار مختلف مردم چهارم و بخشهای تابعه، کاشان، فریمان، سرخس، احمدآباد، نکا، بوشهر، بندر دیلم و خواهران بندر گناوه، ۱۳۶۸/۰۴/۱۸

استفاده‌ی حداکثری مردم از سالهای رهبری امام

نباید شک کرد که ده سال رهبری عینی و قدرتمندانه‌ی امام بزرگوار و عظیم ما، برای ملت ایران فرصت مغتنمی بود. تا آنجا که ما به یاد داریم، بعد از انبیاء و ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام)، ملت ما هیچ شخصیت و رهبری را با این عظمت و قدرت و توفیقات هرگز به خود ندیده است. انصافاً ملت ما از این فرصت حداکثر استفاده را کرد. شما مردم باوفا و مؤمن و فداکار، در اطاعت و پیروی از این امام بزرگ و بزرگوار، هیچ کم نگذاشتید.

نتیجه‌ی عکس‌انتظار دشمن از حادثه‌ی رحلت امام

ملت ما، ملتی زنده و لایق و بارشده است. این ملت باعث شد تا حادثه‌ی رحلت امام و رهبرش که حادثه‌ی تلخ و جانسوزی بود و همه‌ی دنیا منتظر بودند تا این حادثه موجب ضعف ملت و تشکیلات و نظام شود، موجب قوت نظام گردد. ملت ما با تجمع خود و ابراز وفاداری و سرسپردگی مخلصانه نسبت به روحانیت دلسوز و علاقه‌مند، لیاقت خود را به اثبات رساند. امریکا و اذتاب او هرچه تلاش کنند، نخواهند توانست این ملت را از رسیدن به قله‌ای که امام عزیزش همه را به آن سمت هدایت میکرد، بازدارند. اگر تمام گردن‌کلفتها و قلدرهای دنیا هم دست در دست یکدیگر دهند، نمیتوانند ما را از حرکت به سمت جامعه‌ی اسلامی مرفه و عادل و آباد بازدارند.

در مراسم بیعت جمع کثیری از اقشار مختلف مردم شهرهای قم، رفسنجان و کهنوج، ۱۳۶۸/۰۴/۱۹

معرفی خالق محبت مردم به امام و علت آن

محبت شما به امام (ره) را که خودش به وجود نیاورده بود؛ بلکه آن را خدا ایجاد کرده بود. اتحاد و همبستگی و محبت و خلوص و ایستادگی و وحدت کلمه‌ی شما و حضور قاطعی که نشان میدهد، کار کسی جز خداوند نیست. هیچ‌کس نمیتواند بگوید من این

کار را کردم. پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) هم نمیتوانست چنین کارهایی را بکند. خدای متعال به پیامبرش فرمود: «لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ»؛ تو اگر همه‌ی دنیا را هم خرج میکردی، نمیتوانستی اینطور دلها را به هم کلاف و آنها را با هم متحد و متصل کنی؛ «وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ»^۱؛ این، کار خداست. در دوران اوج نهضت هم کار خدا بود؛ در دوران ده‌ساله‌ی درخشان حیات مبارک امام عزیزمان هم کار خدا بود؛ امروز هم کار خداست و خدا با این ملت است. اگر شما مردم اخلاص و ایثار نداشتید و فداکاری نشان نداده بودید، خدا اینگونه از شما حمایت نمیکرد. این، هنر ایمان و عمل صالح است. هر جا ایمان و عمل صالح باشد، لطف خدا وجود دارد؛ «من كان لله كان الله له»^۲. اینها که دروغ نیست؛ واقعیات عالم هستی است.

دلایل رضایت امام از مردم

جنگ را خوب اداره کردید و خوب به پایان بردید. از امامتان خوب پشتیبانی کردید، به حرف او گوش دادید و دل او را شاد کردید. امام(ره) از این ملت راضی از دنیا رفت و به جوار الهی پیوست؛ این برای یک ملت خیلی مهم است. مشکلات را در دوران ده‌ساله‌ی حساس و مهم اول انقلاب خوب تحمل کردید. رشد و آگاهی و معرفت نشان دادید و بعد از ارتحال ملکوتی آن بزرگوار، خوب وفاداری نشان دادید؛ الآن هم با مشت‌های پولادین خود، خوب به دهان دشمن میزنید.

در مراسم بیعت فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸/۰۴/۱۹

رحلت امام؛ سنگین و باورناپذیر

من هم به همه‌ی برادران عزیز صمیمانه تسلیت عرض میکنم. در دیدارهایی که با شما برادران در طول سالهای گذشته - چه قبل از شروع جنگ و چه در دوران جنگ -

۱ سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۶۳. و میان دل‌هایشان الفت انداخت، که اگر آنچه در روی زمین است همه را خرج میکردی نمیتوانستی میان دل‌هایشان الفت برقرار کنی.

۲ سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۶۳. ولی خدا بود که میان آنان الفت انداخت.

۳ المصباح الشریعة (ترجمه‌ی عبدالرزاق گیلانی)، ص ۱۷۸. هرکس برای خدا باشد، خدا برای اوست.

داشتم، همیشه افتخارم این بود که از طرف امام(ره) و به نمایندگی او با شما حرف میزنم، و هیچگاه فکر نمیکردم که روزی امام نباشد و باز من با شما بعنوان همکار و مسئول بخوایم صحبت کنم. به هر حال، مصیبت سنگین و بزرگی برای عالم اسلام بود و خلأ عظیمی ایجاد شد.



پیش قدمترین افراد در جبران خلأ امام

و اگر کسانی میباید تلاش کنند تا این خلأ را به نحوی جبران و پُر کنند، آنهایی هستند که به امام ارادت بیشتری داشتند و نزدیکی بیشتر و رابطه‌ی مستحکمتری بین خودشان و امام احساس میکردند، و شکی نیست که شما برادران عزیز سپاهی، از جمله‌ی پیش قدمترین و برترین افراد در این زمینه هستید.

تکلیف امروز شما در مقایسه با گذشته و نسبت به دیگران، بیشتر است. خوب است که بر غمهای خود چیره شویم و از احساسمان نسبت به امام عزیز نردبانی درست کنیم، تا به قلّه‌ی آرمانهایی که او به ما نشان داده بود و همیشه ما را در پیمودن راه به سمت آن آرمانها تشجیع کرده بود، برسیم.



لزوم همّت در جهت تعلیمات امام؛ به دور از ترس و تردید

او به ما تعلیم داده بود که میتوانیم هر کاری را انجام دهیم، و از اینکه بترسیم و تردید کنیم، ما را برحذر داشته بود. سعی کنیم إن شاء الله همتها و دلها را یکی کنیم، راه را بیماییم و به مقصد اعلاایی که آن بزرگوار به ما نشان داده و ما را به سمت آن هدایت کرده بود، برسیم.



خدمت امام در احیاء و هدایت ملت

ما حقیقتاً مرده بودیم؛ امام(ره) ما را زنده کرد. ما گمراه بودیم؛ او ما را هدایت کرد. ما از وظایف بزرگ انسان و مسلمان غافل بودیم؛ او ما را بیدار کرد و راه را به ما نشان داد و دست ما را گرفت و ما را تشجیع نمود و خودش هم جلوتر از همه حرکت کرد. خدا

را شکر میکنیم که با همه‌ی وجودمان سخن او را باور کردیم و پشت سر او حرکت کردیم و متوقف نشدیم و در نیمه‌ی راه او را رها نکردیم.

در مراسم بیعت مدرّسان، فضلا و طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد، به همراه نماینده‌ی ولیّ فقیه در خراسان و تولیت آستان قدس رضوی، ۲۰ / ۰۴ / ۱۳۶۸

پایه‌ی اصلی تفکر حکومت اسلامی نزد امام

ما مبارزه‌ی خود را برای اسلام و خدا شروع کردیم و قصد قدرت‌طلبی و قبضه کردن حکومت را هم نداشتیم. چندین بار از امام عزیزمان (أعلی الله کلمته) پرسیده بودم که شما از چه زمانی به فکر ایجاد حکومت اسلامی افتادید، و آیا قبل از آن چنین تصمیمی داشتید؟ (این پرسش بخاطر آن بود که در سال ۱۳۴۷، درسهای «ولایت فقیه» ایشان در نجف شروع شده بود و ۴۸ نوار از آن درسهای نیز به ایران آمده بود). ایشان گفتند: درست یادم نیست که از چه تاریخی مسئله‌ی حکومت برایمان مطرح شد؛ اما از اول به فکر بودیم ببینیم چه چیزی تکلیف ماست، به همان عمل کنیم؛ و آنچه که پیش آمد، به خواست خداوند متعال بود.

امام عزیز(ره)، با ایمان و جهاد و اخلاص و عمل صالح خود، سنگ بنای حکومت اسلامی را در ایران گذاشت و خدای متعال هم نصرت خود را بر او نازل کرد. پروردگار عالم اصدق القائلین است که فرمود: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»، «من كان لله كان الله له»^۲، «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»^۳. این آیات و روایات، بیان حقیقت و واقعیت است.

معنای تعبیر امام از فقه جواهری

حوزه‌های علمیه باید بر سه مبنا تحرک خودشان را افزایش دهند و سازماندهی و نوآوری کنند:

۱ سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۶۹. و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راههای خود را بر آنان مینماییم.

۲ المصباح الشریعة (ترجمه‌ی عبدالرزاق گیلانی)، ص ۱۷۸. هرکس برای خدا باشد، خدا برای اوست.

۳ سوره‌ی حج، آیه‌ی ۴۰. و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری میکند، یاری میدهد.

مبنای اول، فقه سنتی و جواهری است، که تعبیر امام بزرگوارمان بود. صاحب جواهر، مظهر یک فقیه مقید به مقررات فقاہت و قواعد اصولی و فقهی است. او یک ملای اصولی مقید و دقیق و منظم بود که از موازین رایج فقهی بین اصولیین، هیچ تخطی نکرد و در بررسی هر مسئله، شهرت و اجماع و ظواهر ادله و اصول و هرچه را که جزو ابزارهای معمولی کار فقاہت شمرده میشود، در اختیار گرفت و آنها را با همان دقت یک فقیه اصولی به کار میبست. بنابراین، فقه جواهری، یعنی همان فقه سنتی رایج با متد فقاہت. این روش و متد، همان کیفیت رسیدگی یک مسئله در فقه است.^۱

در مراسم بیعت روحانیون، مسئولان و مردم استان خوزستان، و روحانیون، مسئولان و اقشار مختلف مردم گلپایگان، دشتستان، شبستر و خامنه، ۱۳۶۸ / ۰۴ / ۲۱

وفادارترین امت تاریخ نسبت به امام خود

حقاً در طول تاریخ اسلام، ملت ایران وفادارترین و باصفاترین امتی است که نسبت به امام و پیشوای خود، اینگونه وفاداری کرده است. بنابراین، جا دارد که در این مصیبت، ملت بزرگ ایران از همه ملت‌های دیگر و مسلمانان عالم، رنج بیشتری برد، و نیز جا دارد که مسلمین و مستضعفان عالم، به این ملت تسلیت بگویند.

عامل پیروزی و تداوم انقلاب در کلام امام

جمله‌ای در وصیتنامه‌ی امام عزیزمان هست که هرگز نباید آن را فراموش کنیم. ایشان فرمودند: آن عاملی که انقلاب را به پیروزی رساند، همان عامل، انقلاب را تداوم خواهد داد. یعنی اتکال به خدا و ایمان مردم به اسلام و تصمیم قاطع بر انجام وظیفه‌ی الهی و اسلامی و وحدت کلمه، رمز پیروزی و تداوم انقلاب است. این، یک درس همیشگی برای همه‌ی ماست.

۱ مبنای دوم تحرک حوزه‌ها؛ تزکیه اخلاقی و مبنای سوم؛ آگاهی‌های سیاسی.

وحدت و عزت ملت؛ از برکات حیات و ممات امام

امروز شاهدیم که بر کشور ما، وحدت و صمیمیت و صفای همگانی حاکم است. این، حادثه‌ای بسیار عظیم و از برکات روح مطهر امام بزرگوار ماست. اخلاص آن مرد بزرگ الهی، بعد از رحلت او هم در فضای این جامعه اثر گذاشت و دلها را به هم انس داد و پیوندها را محکم کرد. اتحاد کلمه و همراهی شما مردم باهم و پیوند محکمی که بین شما و مسئولان ابراز شد، همه‌ی دنیا آن را دیدند و باعث یأس دشمنان گردید. با ورود امام به صحنه‌ی داخلی کشور در سال ۵۷، انقلاب طراوت دیگری یافت و برگ و باری پیدا کرد و ثمربخش شد. لطف خدا بر امام بود که در وجودش این برکات را قرار داد. روح مطهر او در هنگام وفات و عروج ملکوتیش نیز مشمول برکات و لطف الهی شد و موجب گردید تا انقلاب در ایام رحلت آن بزرگوار هم مثل روزهای اول پیروزی، برگ و بار تازه‌تر پیدا کند و از هیمنه و هیبت برخوردار بشود و دشمنان را مأیوس کند.

ما امروز به برکت امام(ره) میتوانیم از موضع قدرت و قوت با دنیا حرف بزنیم. هیچ‌کس در دنیا نباید تصور کند که جمهوری اسلامی اندکی در خود احساس ضعف میکند.



رمز همه‌ی پیروزیها در کلام امام

این جمله را که امام بزرگوارمان بارها و بارها روی آن تأکید میکردند، به یاد داشته باشید که: رمز همه‌ی پیروزیها، وحدت کلمه و حضور در صحنه است. اگر وحدت کلمه و حضور مردم در صحنه نباشد، ملت ایران نخواهد توانست گامی به جلو بگذارد؛ ولی اگر همه‌ی مردم این رمز را شناختند و حفظ کردند، البته خداوند به آنها کمک خواهد کرد. این وعده‌ی الهی است که: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»، «مَنْ كَانَ لِلَّهِ كَانَ اللَّهُ لَهُ»^۲. اینها وعده‌ی حق و صدق و قطعی الهی است.



۱ سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۶۹. و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راههای خود را بر آنان مینماییم.
۲ المصباح الشریعة (ترجمه‌ی عبدالرزاق گیلانی)، ص ۱۷۸. هرکس برای خدا باشد، خدا برای اوست.

ره، رهرو، رهبر / ۱۰۱

دیروز نعمت وجود امام؛ امروز نعمت کلمات ایشان

بحمدالله خدا با ملت ایران است و وجود بزرگوار آن رهبر عالیقدر و انسان والا و بی نظیر، واقعاً بزرگترین نعمتها برای ما بوده است. امروز هم کلمات و نصایح او که برای ما باقی مانده، بزرگترین نعمت برای ماست؛ چون کلمات خدا و انبیاست و باید قدرشان را بدانیم و إن شاء الله به آنها عمل کنیم.

در مراسم بیعت روحانیون، مسئولان و اقشار مختلف مردم استانهای فارس و هرمزگان و شهرهای قزوین، تاکستان، ابهر، شاهین شهر، ساری، کیاسر، فریدون کنار، بهشهر، و فرماندهان منطقه‌ی یکم دریایی و سپاه پنجم عاشورای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸/۰۴/۲۱

رضایت امام؛ بالاترین افتخار برای ملت ایران

بارها امام عزیزمان - آن دل حکیم و روح آگاه - درباره‌ی ملت ایران و وفا و اخلاص و صمیمیت شما مردم سخن گفته بود و شهادتهای روشن و قاطعی را بیان فرموده بود. شاید برای امتی، از این بالاتر فخری نباشد که امام و پیشوایی مانند امام بزرگوار ما، از او اظهار رضایت و خشنودی کند و زبان به ستایش و مدح او بگشاید.

آثار ابراز ارادت ملت ایران به امام

شما که در این هوای گرم، راههای طولانی را با پای پیاده طی کردید، عشق و صفای خودتان را نسبت به انقلاب و امام به نهایت رساندید و زبان دشمنان را کوتاه و دل دوستان را محکم کردید و امید را در دل ملت‌های مسلمان سراسر عالم شکوفا نمودید. حقیقتاً آنچه ملت بزرگ ایران در این چهل روز از خود نشان داد، بعنوان یک درس همیشگی، در تاریخ ثبت خواهد شد. من لازم میدانم صمیمانه‌ترین و مخلصانه‌ترین تشکر خود را از شما برادران و عزیزان ابراز کنم. در میان شما، خانواده‌های عزیز شهیدان و جانبازان و اسرا و مفقودان و نیز رزمندگان و مدافعان حریم مرزهای جمهوری اسلامی و علمای اعلام و ائمه‌ی جمعه و روحانیون محترم و سایر قشرهای مختلف هستند. این مجموعه که به عشق امام(ره) و انقلاب، از نقاط مختلف کشور با پای پیاده تشریف

آوردند، و دیگر کسانی که با همین روحیه این راهها را طی کردند، بی‌شک مورد لطف الهی و رضای ولی‌عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و مایه‌ی آبروی اسلام و انقلابند.

هزینه‌های قرار گرفتن پشت سر علمدار اسلام ناب محمدی

روزی که ما پشت سر امام عزیز و علمدار اسلام ناب، شعارهای اسلام واقعی را مطرح می‌کردیم، میدانستیم که دشمنها و قدرتها و ابرقدرتها در مقابل ما صف‌آرایی میکنند. در صدر اسلام هم همینگونه بود. آن روزی که یهودیها و منافقان و کفار و مشرکان، اطراف مدینه‌ی پیامبر را محاصره کردند و جنگ احزاب و خندق را به وجود آوردند، مؤمنین واقعی گفتند: «هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ»؛ این، چیز تازه‌ای نیست. خدا و رسولش به ما گفته بودند که بدها و شریرها و فاسدها علیه شما همدست خواهند شد. بنابراین، آنها چون صدق وعده‌ی الهی را دیدند، ایمانشان قویتر شد.

علت محبوبیت امام در داخل و خارج

هر جا که اسلام واقعی آشکار شد، اگرچه قدرتهای خبیث و پلید در مقابل آن صف‌آرایی کردند، اما انسانهای پاک و دلهای مطهر و روحهای صاف و فطرت‌های پاک و نالوده، با همه‌ی توان و وجود از آن حمایت کردند. چرا ده میلیون انسان عزادار در ایام رحلت امام (ره) گرد پیکر مطهر آن بزرگوار جمع شدند و آنگونه بر سر و سینه‌ی خود میزدند؟ چرا صدها میلیون مسلمان در سرتاسر عالم، بخاطر درگذشت یک انسان، اینطور عزادار و داغدار شدند؟ محبوبیت امام ما بخاطر چه بود؟ جواب، یک کلمه است: بخاطر اسلام. خود آن بزرگوار این نکته را به ما یاد داد و خود او به ما فهماند و تأکید کرد که بخاطر اسلام، خدا دلها را متوجه انقلاب و رهبر و ملت ایران کرد.

حرکت در خط امام؛ ضامن آسیب‌ناپذیری انقلاب

انقلاب اسلامی تا وقتی که در خط صحیح اسلام ناب - یعنی خط امام - با دقت

ره، رهرو، رهبر / ۱۰۳

حرکت میکند و شما مردم دین و اسلام را بر هر چیز دیگر ترجیح میدهید و روحیه‌ی دفاع از اسلام و ارزشهای اسلامی را زنده نگه میدارید و شعارهای کوبنده و برخاسته از متن اسلام را مورد توجه قرار میدهید، نه امریکا و نه شرق و غرب و نه ارتجاع و نه هیچ قدرت دیگر، قادر نخواهند بود که شما و کشور و نظام جمهوری اسلامی را از حرکت به سمت هدفهای خود بازدارند.

وحدت کلمه؛ اکسیر اعظم امام برای پیروزی ملت ایران

همه‌ی ملت ایران، این درس پرمغز و کوتاه را از امام عزیزمان به یاد داشته باشند و وحدت کلمه بر محور اسلام را فراموش نکنند؛ «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا». به ریسمان الهی جنگ زنید و بر محور اسلام متحد شوید. این اتحاد، علاج همه‌ی دردها و کوبنده‌ی تمام دشمنان است. اکسیر اعظم برای پیروزی ملت ایران، همین یک نکته است: اتحاد کلمه براساس اسلام.

البته اسلام را به چندگونه معنا نکنند. اسلام مورد نظر ما، همان اسلامی است که امام عزیز در طول زندگیش از آن دم زد و در ده سال درخشان آخر عمرش، با تمام وجود خود برای آن سرمایه‌گذاری کرد؛ اسلامی که او به ما آموخت و در راه آن حرکت کرد. همه باید بر گرد محور اسلام و خط امام، متحد و همدل و مهربان باشند و با یکدیگر همکاری کنند، تا هیچ مشکلی بر سر راه ما باقی نماند.

اینها کارهای مهمی است. این کارهای مهم، فقط بدست مسئولان انجام نمیگیرد. مسئولان با همکاری ملت و با اعتصام به حبل الله و اتحاد و اتفاق بر محور اسلام و خط امام، کارها را پیش خواهند برد.

در مراسم بیعت میهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم چهلمین روز ارتحال رهبر کبیر انقلاب اسلامی، و جمعی از اقشار مختلف مردم مشهد و گروهی از عشایر استان خوزستان، ۱۳۶۸/۰۴/۲۲

وحدت و دشمن‌ستیزی؛ از مسائل اساسی نهضت اسلامی امام

یکی از مسائل اساسی در انقلاب اسلامی ایران و حرکت عظیمی که امام امت به

۱ سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۰۳. و همگی به ریسمان خدا جنگ زنید.

وجود آوردند، توجه به امت بزرگ اسلامی و پیوند عمیق و مستحکم میان مسلمانان عالم - علی‌رغم وجود فاصله‌های جغرافیایی و تفاوت‌های نژادی و زبانی - است. شاید در دنیای اسلام، یکی از چند مسئله‌ی معدود و درجه‌ی اول که اهتمام همه‌ی مسلمین عالم را طلب میکند، همین مسئله باشد.

از اولین روزی که نهضت اسلامی در ایران به رهبری امام عظیم‌الشأن و بزرگوار ما آغاز شد، یکی از اصلیت‌ترین مواد داعیه‌های این نهضت، عبارت از وحدت مسلمین در سرتاسر عالم و کوتاه کردن دست قدرتهای ستمگر و متجاوز از سر مسلمانان بود. این پیام، همچنان پیام انقلاب ماست.

تأثیرات انقلاب امام در روحیه‌ی مسلمین

امروز، روزی است که دنیای اسلام بیدار شده است و مسلمانان در سرتاسر عالم، احساس عزت و سربلندی میکنند. آن روز که مسلمانان در هر نقطه‌ی عالم، از ابراز مسلمانی خود خجالت میکشیدند، گذشت. امروز مسلمانان به مسلمانی خود افتخار میکنند، و این بخاطر قدرت و عظمت انقلابی است که با دست توانای رهبر بزرگ و امام عظیم‌الشأن ما و با فداکاری و ایثار اعجاب‌انگیز ملت بزرگ ایران در این نقطه‌ی حساس عالم به وقوع پیوست و دنیا را مبهوت کرد.

ایستادگی ملت در برابر دشمن با استفاده از درسهای امام

برادران مسلمان ما در سراسر عالم بدانند که ملت ایران با اتکال به خدا و با ذخیره‌ی ارزشمندی که از رهبرها و هدایتها و درسهای ماندگار امام عظیم‌الشأن و فقید خود در اختیار دارد و با تجربه‌ی ذی‌قیمتی که در طول ده سال و نیم بعد از پیروزی انقلاب بدست آورده است، امروز از همه‌ی دوران بعد از پیروزی انقلاب، بانشاطتر و آماده‌تر و مجرب‌تر و در مقابل دستگاههای استکبار و سلطه‌ی جهانی، باجرات‌تر است.

ره، رهرو، رهبر / ۱۰۵

آینده‌ای روشن با ادامه‌ی راه امام خمینی(ره)

به نظر ما آینده‌ی بسیار روشن و امیدبخشی در پیش است. راهی را که امام(ره) شروع کرد و ما را با آن آشنا نمود، إن شاء الله تا تحقق هدفهای نهایی، آن راه را ادامه خواهیم داد.

پیام به ملت شریف ایران، در پایان چهلمین روز ارتحال حضرت امام خمینی(ره)، ۱۳۶۸/۰۴/۲۳

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۱

ترسیم چهره‌ی مصیبت بار امت اسلامی در ایام اربعین امام(ره)

اکنون چهل روز از مصیبت بزرگ جهان اسلام میگذرد. چهل روز است که امام ما - روح خدا و نفس مزکی - احرام پوشیده، به میقات رفته و در بحر وحدانیت حق، مأوی گرفته و بزم ملکوتیان را به حضور خود آراسته است.

چهل روز است که آن پدر مهربان و معلم دلسوز و قافله‌سالار آگاه، فرزندان و مریدان و رهروان را تنها گذاشته و چون جان شیرین، بیکر امت اسلامی را ترک گفته است. امت اسلامی در همه جای جهان، چهل روز است که سرود غم میسراید و از این فقدان بزرگ مینالد.

ملت ایران، همچون صاحب‌عزای داغداری که سوز مصیبت هرچند تا مغز استخوان او اثر میکند، اما او را از وظایف بزرگش غافل نمیسازد. در این چهل روز، سوخت و گریست و ناله زد؛ اما گردن افراشته و چهره‌ی امیدوار و دست و بازوی توانا و اراده‌ی پولادین خود را نیز نشان داد و دوست و دشمن را به تحسین وادار ساخت. این ملت باوفا و سرشار از صدق و صفا، با همه‌ی وجود از امام خود تجلیل کرد، و

۱ سوره‌ی مجادله، آیه‌ی ۲۲. در دل اینهاست که [خدا] ایمان را نوشته و آنها را با روحی از جانب خود تأیید کرده است، و آنان را به بهشتهایی که از زیر [درختان] آن جویهایی روان است درمی‌آورد همیشه در آنجا ماندگارند خدا از ایشان خشنود و آنها از او خشنودند اینانند حزب خدا. آری، حزب خداست که رستگارانند.

با همه‌ی توان به عزاداری او کمر بست، و با هزاران بیان در فراق او شیکوه سر کرد. اما با این همه، هنوز هیچ بیانی نتوانسته عظمت امام و عظمت حادثه‌ی فقدان او را بازگوید، و هنوز هیچ زبان گویایی نتوانسته مرثیه‌ی او را بسراید.

حضرت بقیة الله (أرواحنا فداء)؛ تنها ملجأ تسلابخش در مصیبت حضرت امام

پیش از این، در هر مصیبتی ما به او پناه میبردیم، و او وزن و مقدار آن را در بیان خود به ما میفهماند، و هم او ما را تسلأ میداد: شهادت مطهری، درگذشت طالقانی، شهادت شهدای محراب، فاجعه‌ی هفتم تیر و هشتم شهریور، و پیش از آنها، پانزده خرداد و هفده شهریور و دیگر مصائب...؛ اما امروز کجاست آن میزان عظیم، که وزن و مقدار این مصیبت را بسنجد، و کیست آن دریادلی که جویبارهای خروشان و آشفته‌ی ما را در سینه‌ی پُرعمق خود، به سکینه و اطمینان نائل سازد؟ مگر به حضرت بقیة الله (أرواحنا فداء) ملتجی شویم و به او تسلیت گوئیم و از او تسلأ جوییم.

تبیین قرآنی شخصیت والای امام راحل (ره)

برای تبیین شخصیت امامان - آن انسان والا و آن مسلمان وارسته - بهتر از آن نیست که به قرآن پناه بریم و او را در لابه‌لای آیه‌های هدایتگر آن، که به توصیف بندگان صالح خدا پرداخته است، بازجوئیم:

مصدق آیات جهاد و هجرت فی سبیل الله

او با جهاد و هجرت که مؤمنان را در حیطه‌ی ولایت الهی قرار میدهد، مصداق: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۱ شد. او با استقبال از خطر و جان‌برکف گرفتن در راه خدا، در زمره‌ی کسانی درآمد که ستایش الهی: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ»^۲ در وصف آنان سروده شده است. او با قیام تاریخی در

۱ سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۷۲.

۲ سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۰۷.

ره، رهرو، رهبر / ۱۰۷

راه خدا و تلاش بی نظیرش برای اقامه‌ی قسط و عدل و نجات مستضعفان از ظلم و تبعیض، پاسخی افتخارانگیز به ندای: «كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ»^۱ و «كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ»^۲ داد. او خشم و برائت نسبت به مشرکین و کفار عنود، و عطوفت و مودت نسبت به مسلمانان سراسر جهان را مصداق کاملی از: «أَشِدُّوا عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»^۳ ساخت. او با مناجات و تهجد و تضرع مخلصانه، در سلک: «عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَاماً مَّحْمُوداً»^۴ درآمد. او امر به معروف و ناهی از منکر و مجاهد فی سبیل الله بود. او با قطع هر پیوندی که با پیوند محبت حق و فنای در حق ناسازگار بود، مصداق: «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۵ گردید.

مصداق آیات مخلصین و متقین و صالحین

او با عمری که روزها و ساعتها و لحظه‌هایش با مراقبه و محاسبه سپری میشد، صدها آیه‌ی قرآن را که در توصیف مخلصین و متقین و صالحین است، مجسم و عینی ساخت. او قرآن را نه فقط در محیط زندگی جامعه و با تشکیل جامعه‌ی اسلامی، بلکه در نفس خود و زندگی خود تحقق بخشید.

ید بیضای موسوی، فرقان مصطفوی

او، آن روح الله بود که با عصا و ید بیضای موسوی و بیان و فرقان مصطفوی، به نجات مظلومان کمر بست؛ تخت فرعونهای زمان را لرزاند و دل مستضعفان را به نور امید روشن ساخت. او به انسانها کرامت، و به مؤمنان عزت، و به مسلمانان قوت و شوکت، و به دنیای مادی و بی‌روح معنویت، و به جهان اسلام حرکت، و به مبارزان و مجاهدان فی سبیل الله شهامت و شهادت داد.

او بتها را شکست و باورهای شرک‌آلود را زدود. او به همه فهماند که انسان کامل شدن، علی‌وار زیستن و تا نزدیکی مرزهای عصمت پیش رفتن، افسانه نیست. او به ملتها

۱ سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۸.

۲ سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۳۵.

۳ سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۲۹.

۴ سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۷۹.

۵ سوره‌ی مجادله، آیه‌ی ۲۲. خدا از ایشان خشنود و آنها از او خشنودند اینانند حزب خدا. آری، حزب خداست که رستگارانند.

نیز فهماند که قوی شدن و بند اسارت گسستن و پنجه در پنجه‌ی سلطه‌گران انداختن، ممکن است. لمعات قرب حق را صاحبان بصیرت در چهره‌ی منور او دیدند و طعم برّ الهی را که در حیات و ممات بر او میبارید، همه چشیدند. دعای او مستجاب شد که میگفت: «الهي لَمْ يَزَلْ بِرُكِّ عَلَيَّ أَيَّامَ حَيَاتِي، فَلَا تَقْطَعُ بِرُكِّ عَنِّي فِي مَمَاتِي»^۱.

با رحلت خود، انقلابی دیگر برپا کرد. ... ده میلیون دل بیقرار را بر جنازه‌ی خود گرد آورد و صدها میلیون را در سراسر جهان در غم خود عزادار کرد. همانطور که در زندگیش تختهای فرعون را لرزانده بود، با مرگ خود نیز خواب و خیال باطل را از چشم دشمنان ربود.

بذریاش شجره‌ی طیبه

از این پس دنیا شاهد شکوفایی روزافزون خمینی کبیر خواهد بود. نهالی که او نشاند و بذری که او پاشیده، همان کلمه‌ی طیبه‌ای است که: «أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْثَرَهَا كُلِّ حِينٍ بِأَذْنِ رَبِّهَا»^۲.

باری، خمینی عزیز ما را کیست که شناسد؟ و کیست که به شایستگی بشناسد؟ الفاظ من را تحمل آن نیست که آن حقیقت فاخر و آن گوهر نفیس را در خود بگنجاند، و قلم قاصر اینجانب ناتوانتر از آن است که سودای ترسیم آن چهره‌ی ملکوتی را بیرواند. بهتر آنکه عنان قلم درکشم و یکبار دیگر این مصیبت بزرگ و جانکاه و این غم فراموش‌نشدنی را به حضرت بقیةالله (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و بیت معظم ایشان، مخصوصاً به یادگار عزیز و یگانه و نور چشم اعزّ ایشان - جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سیداحمد آقا - و به خانواده‌های شهدا و اسرا و جانبازان و مفقودین و به عموم ملت ایران و به امت بزرگ اسلامی تسلیت عرض کنم و تذکراً اموری را به عرض ملت عزیز برسانم:

برسانم:



۱ فرازی از مناجات شعبانیه.

۲ سوره‌ی ابراهیم، آیات ۲۴ و ۲۵. ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است. میوه‌اش را هر دم به اذن پروردگارش میدهد.

تمجید از وفاداری ملت نسبت به امام

۱) قلم و بیان اینجانب قاصر از آن است که از عموم ملت بخاطر عزاداری مخلصانه و فداکارانه‌شان در طول چهل روز عزای عمومی، تشکر کنم. شما ملت بزرگ ایران، درس وفاداری جاودانه‌ای را در تاریخ به ثبت رساندید و اوج اخلاص و صفایی را که از امت قدردانی نسبت به امام و مصلح و منجی بزرگی انتظار میرود، نشان دادید. شما به دوستان جمهوری اسلامی امید بخشیدید و در کام دشمنان، شرنگ یأس و تلخکامی ریختید. شما پایه‌های حکومت اسلامی را مستحکم ساختید و دل بدخواهان را لرزاندید. شما ملائکه‌الله را به ستایش ایمان و اخلاص خود واداشتید و جان پلید شیاطین را آماج شهاب اراده‌ی قهرآمیز خود قرار دادید. رحمت الهی و رضای ولی‌الله الأعظم (أرواحنا فداء) و دعای ملکوتی امام عزیزمان شامل حال شما باد.

■

کار و تلاش در راستای اهداف امام علی‌رغم تسلان‌پذیری غم امام

۲) پایان یافتن عزای رسمی، به معنای پایان یافتن درد و داغ ملت ایران در این سوگ بزرگ نیست. یاد جاودانه‌ی امام کبیر ما، هم با خاطره‌های شیرین حیات بابرکت او، و هم با غم فقدان تسلان‌پذیر او، همواره همراه خواهد بود. با این همه، من با تشکر مجدد و با تبریک عید سعید قربان که خاطره‌ی غم‌انگیز محرومیت از حج را بار دیگر زنده می‌سازد و فریاد ملت ما در برائت از کفار مستکبر و عمال مرتجع آنان را رساتر می‌سازد، از عموم ملت ایران می‌خواهم که رخت عزا از تن برکنده و جامه‌ی کار و تلاش و جد و جهد به تن کنند و با توان و نیروی جدیدی که تجسم لطف خدا بر امام ما در ممات اوست، به سمت هدفهای او پیش روند. حرکت به سمت هدفهای امام و انقلاب و تأمین عمران و آبادی و عدالت اجتماعی و حفظ مواضع انقلابی و ساختن کشوری نمونه، کار و تلاش و جد و جهد می‌طلبد.

امام ما بر مصیبت‌ها فائق می‌آمد و در همه حال و حتی در سنین کهولت، از کار و تلاش دست نمیکشید. غلبه بر مشکلات و شکست دادن توطئه‌ی دشمنان، تنها با حرکت دسته‌جمعی مردم و همکاری آنان با مسئولان کشور و حضور قوی و پُرنشاط آنان در صحنه، میسر خواهد شد. شما ملت عزیز، این همه را در طول ده سال و نیم پس از

پیروزی انقلاب تأمین کرده‌اید و از این پس بیش از گذشته باید تأمین کنید. دست خدا با شما و دعای ولیّ عصر (ارواحنا فداه) بدرقه‌ی راهتان باد.

تأثیر رحلت امام بر وحدت عمومی ملت

۳) مصیبت فقدان امام عزیزمان دلها را گداخت و بسی غشها و ناخالصیها را سوزاند؛ جانها را به هم نزدیک، و یخهای کدورت و حصارهای دوگانگی را ذوب کرد و وحدت کلمه‌ای بی‌نظیر به وجود آورد. وظیفه‌ی یکایک آحاد ملت، مخصوصاً گویندگان و نویسندگان، بالاخص کسانی که از تربیونهای عمومی استفاده میکنند، آن است که ضمن تجلیل از این وحدت عمومی، همگان را به پاسداری از آن تشویق کنند.

خطّ امام؛ حبل‌الله

وحدت عمومی، به معنای گرد آمدن صاحبان سلیقه‌ها و روشهای گوناگون بر گرد محور اسلام، خطّ امام و ولایت فقیه است. این، همان اعتصام به «حبل‌الله» است که عموم مسلمین بدان مکلف گشته‌اند؛ و این، آن اسم اعظمی است که همه‌ی گرهها را باز، و همه‌ی موانع را برطرف، و همه‌ی شیاطین را مغلوب میکند.

لزوم اعراض از خائنین به امام و اسلام

اعمال و گفتار تفرقه‌انگیز و دلسردکننده از هر کسی صادر شود، خیانت به امام و اسلام است. از حضرات نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، ائمه‌ی محترم جمعه، گویندگان مذهبی و رسانه‌های عمومی تقاضا میکنم همگان را به این وظیفه‌ی انقلابی توجه دهند؛ و البته ضمانت اصلی برای این کار، آحاد مردم حزب‌الله‌اند که با مشاهده‌ی تخلف از این وظیفه‌ی الهی، موظف به نهی از منکر و اعراض از متخلفین میباشند.

گسترده‌ی مطلوب اجتهاد ترسیمی امام

طلّاب علوم دینی در کنار تحصیل و فراگیری فن اجتهاد و فقاہت- در همان گسترده‌ی وسیعی که امام عالیقدرمان برای اجتهاد ترسیم میکرد- با تهذیب نفس و قدرت فهم سیاسی، در همه‌ی صحنه‌هایی که انقلاب نیاز به آنها دارد، حضور یافته، با زبان و عمل، وظایف خود را انجام دهند.

توجه امام به نقش حساس بانوان در مسائل انقلاب

بانوان در پیروزی و تداوم انقلاب و در مقابله با حوادث بزرگ دوران ده‌ساله، یکی از بارزترین و درخشانترین نقشها را داشته‌اند. امام فقید بزرگوار ما، با توجه به این نقش حساس بود که در ستایش زنان جمهوری اسلامی، بارها لب به سخن گشوده و یادگارهای ارزنده‌ای از قضاوت خود در این مورد برای نسلهای آینده به جای نهاده است.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۶۸/۰۴/۲۳

تصویر چهل روز مصیبت فقدان حضرت امام

چهل روز از فقدان عظیم و مصیبت‌بار امام بزرگوارمان میگذرد و این اولین جمعه‌ای است که من در فقدان آن عزیز به نماز جمعه می‌آیم و با شما امت وفادار و یاران مخلص او روبه‌رو میشوم. باور کردن این حقیقت تلخ، بسیار سخت است. در طول سالهای گذشته، تصور دنیای بی‌روح و فضای افسرده و زندگی غم‌انگیزی که در آن، امام و رهبر و مراد و معلّم و مرشد و پدر و امید ما حضور نداشته باشد، برایمان بسیار دشوار بود.

پروردگارا! ما در این مصیبت به تو پناه میبریم، از تو تسلّم میجوییم، از تو کمک میخواهیم و به تو شکوه میکنیم. ای بقیّة‌اللّه، ای حجت‌بن‌الحسن العسکری! تسلیت این مصیبت بزرگ را به تو عرض میکنیم.

تحمل مصیبت فقدان امام و استفاده از آن در راستای اهداف امام

از خود آن معلم بزرگ و پدر مهربان آموخته‌ایم که مصیبت‌ها را - هرچند بزرگ باشند - باید تحمل کرد. یاران و مؤمنان، مصیبت رحلت پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و شهادت علی بن ابی طالب (علیه‌السلام) و دیگر مصیبت‌های بزرگ را تحمل کردند و از مصیبت، وسیله‌ی عروج و پلکانی به سمت هدف‌های والا و بلند ساختند. ما هم ای امام بزرگ و ای خمینی عزیز! از خدای تو کمک می‌گیریم و درس‌های تو را، درس زندگی خود قرار می‌دهیم، تا شاید از این مصیبت، پلکانی به سمت هدف‌های والا و عزیزی که یک‌عمر در راه آن مجاهدت کردی، بسازیم.

ناتوانی تحلیلگران جهانی در شناخت صحیح شخصیت امام

امروز مایلیم در خطبه‌ی اول راجع به امامان صحبت کنم. درباره‌ی او خیلی حرف زده شد؛ اما به اعتقاد من هنوز زود است که تحلیلگرهای جهانی بتوانند امام بزرگوار را بدرستی بشناسند؛ شخصیت عظیمی که در طول تاریخ بعد از انبیاء و اولیاء، امثال او بسیار بندرت ظهور میکنند. آنها کارهای بزرگ انجام می‌دهند و مثل برق میدرخشند و فضا را منور میکنند و می‌روند.

برخی کارهای بزرگ متناسب با بزرگی امام

امام بزرگوار ما کارهای بزرگ متناسب با بزرگی خود انجام داد و من امروز بعضی از آنها را به یاد شما می‌آورم. یقیناً اگر تحلیلگرها و متفکران کارهای بزرگ امام امت را فهرست کنند، چند برابر آن چیزی خواهد شد که من امروز آنها را برمی‌شمارم.

اولین کار امام: احیای اسلام

اولین کار بزرگ او، احیای اسلام بود. دویست سال است که دستگاه‌های استعماری سعی کردند تا اسلام بدست فراموشی سپرده شود. یکی از نخست‌وزیرهای انگلیس در جمع سیاستمداران استعماری دنیا اعلام کرده بود که ما باید اسلام را در کشورهای اسلامی منزوی کنیم! قبل و بعد از آن نیز پول‌های گزافی خرج شد تا اسلام در درجه‌ی

ره، رهرو، رهبر / ۱۱۳

اول از صحنه‌ی زندگی، و در درجه‌ی دوم از ذهن و عمل فردی انسانها خارج شود؛ چون میدانستند این دین، بزرگترین مانع در راه چپاول قدرتهای بزرگ و استکباری است. امام ما اسلام را دوباره زنده کرد و به ذهن و عمل انسانها و صحنه‌ی سیاسی جهان برگرداند.

دومین کار امام: اعاده‌ی روح عزت به مسلمین

دومین کار بزرگ او، اعاده‌ی روح عزت به مسلمین بود. اینگونه نبود که اسلام صرفاً در بحثها و تحلیلهای دانشگاهها و صحن جامعه و زندگی مردم مطرح شود؛ بلکه بر اثر نهضت امام ما، مسلمانها در همه جای عالم احساس عزت کردند.

یک نفر مسلمان از کشوری بزرگ که مسلمین در آن در اقلیت قرار دارند، به من میگفت: قبل از انقلاب اسلامی، مسلمان بودن خود را هرگز اظهار نمیکردیم. طبق فرهنگ آن کشور، همه اسم محلی داشتند، و هر چند خانواده‌های مسلمان روی بچه‌های خود اسم اسلامی میگذاشتند، اما جرأت نمیکردند آن اسم را اظهار کنند و از بیان آن خجالت میکشیدند! اما بعد از انقلاب شما، مردم ما با افتخار اسم اسلامی خود را میگویند، و اگر از آنها پرسند که شما چه کسی هستید، اول آن اسم اسلامی را با افتخار بر زبان می‌آورند.

بنابراین، با کار بزرگی که امام(ره) انجام داد، مسلمانها در همه جای دنیا احساس عزت میکنند و به مسلمانی و اسلام خود میبالند.

سومین کار امام: القای احساس درک امت اسلام، به مسلمین

سومین کار بزرگ او این بود که به مسلمانها احساس درک امت اسلامی داد. قبل از این، مسلمانها در هر جای دنیا که بودند، چیزی به نام امت اسلامی برایشان مطرح نبود و یا اصلاً جدی تلقی نمیشد. امروز همه‌ی مسلمانها در اقصای آسیا تا قلب آفریقا و تمام خاورمیانه و در اروپا و امریکا، احساس میکنند که جزو یک جامعه‌ی جهانی بزرگ به نام امت اسلامی هستند. امام احساس شعور نسبت به امت اسلامی را ایجاد کرد، که

بزرگترین حربه برای دفاع از جوامع اسلامی در مقابل استکبار است.

چهارمین کار امام: ازاله‌ی یکی از پلیدترین رژیم‌های جهان

چهارمین کار بزرگ او، ازاله‌ی یکی از مرتجعترین و پلیدترین و وابسته‌ترین رژیم‌های منطقه و جهان بود. ازاله‌ی حکومت پادشاهی در ایران، یکی از بزرگترین کارهایی بود که کسی می‌توانست آن را تصور کند. ایران مهم‌ترین دژ استعمار در منطقه‌ی خلیج فارس و خاورمیانه بود. این دژ، بدست امام ما در هم فرو ریخته شد.

پنجمین کار امام: ایجاد حکومتی بر مبنای اسلام

کار پنجم او، ایجاد حکومتی بر مبنای اسلام بود؛ چیزی که به ذهن مسلمانها و غیرمسلمانها خطور نمی‌کرد، و خواب خوشی بود که مسلمانهای ساده‌لوح هم هرگز آن را با خود تصور نمی‌کردند و نمیدیدند. امام(ره) در حد یک معجزه، به این خیال افسانه‌آمیز لباس واقعیت پوشاند.

ششمین کار امام: ایجاد نهضت اسلامی در عالم

کار ششم او، ایجاد نهضت اسلامی در عالم بود. قبل از انقلاب اسلامی، در بسیاری از کشورها و از جمله کشورهای اسلامی، گروهها و جوانها و ناراضیها و آزادی طلبها، با ایدئولوژیهای چپ وارد میدان میشدند؛ اما بعد از انقلاب اسلامی، پایه و مبنای حرکتها و نهضت‌های آزادیبخش، اسلام شد. امروز در هر نقطه‌ای از دنیای وسیع اسلام که جمعیت یا گروهی به انگیزه‌ی آزادیخواهی و ضدیت با استکبار حرکت میکنند، مبنای قاعده‌ی کار و امید و رکنشان، تفکر اسلامی است.

هفتمین کار امام: نگرشی جدید در فقه شیعه

هفتمین کار بزرگ او، نگرشی جدید در فقه شیعه بود. فقاهاست ما پایه‌های بسیار مستحکمی داشته و دارد. فقاهاست شیعه، یکی از محکمترین فقاهاستها و متکی به قواعد و

ره، رهرو، رهبر / ۱۱۵

اصول و مبانی بسیار مستحکمی است. امام عزیزمان این فقه مستحکم را در گستره‌ای وسیع و با نگرشی جهانی و حکومتی مورد توجه قرار داد و ابعادی از فقه را برای ما روشن کرد که قبل از آن روشن نبود.

هشتمین کار امام: ابطال باورهای غلط در باب اخلاق فردی حکام

کار هشتم او، ابطال باورهای غلط در باب اخلاق فردی حکام بود. در دنیا پذیرفته شده است که کسانی که در رأس اجتماعات قرار میگیرند، اخلاق فردی خاصی داشته باشند! تکبر ورزیدن، برخوردار بودن از زندگی راحت و مسرفانه، تجملگرایی، خودرایی و خودخواهی و امثال اینها، چیزهایی است که مردم دنیا قبول کردند که کسانی که در رأس حکومتها قرار میگیرند، این اخلاق را داشته باشند. حتی در کشورهای انقلابی، انقلابیونی که تا دیروز زیر چادرها زندگی میکردند و در دخمه‌ها مخفی میشدند، بمجرد اینکه به حکومت میرسند، وضع زندگیشان عوض میشود و اخلاق حکومتیشان تغییر میکند و همان وضعیتی را به خود میگیرند که بقیه‌ی سلاطین و رؤسای عالم داشتند! ما از نزدیک چنین چیزی را دیده‌ایم؛ برای مردم هم مایه‌ی تعجب نیست.

امام ما این باور غلط را عوض کرد و نشان داد که رهبر محبوب و معشوق یک ملت و دیگر مسلمانان عالم، میتواند زندگی زاهدانه‌ای داشته باشد و به جای کاخهای مجلل، در یک حسینیه از دیدارکنندگان پذیرایی کند و با لباس و زبان و اخلاق انبیاء با مردم برخورد کند.

کار نهم امام: احیای روحیه‌ی غرور و خودباوری ملت ایران

کار نهم او، احیای روحیه‌ی غرور و خودباوری در ملت ایران بود. برادران عزیز! حکومتهای استبدادی و فردی، سالهای متمادی ملت ما را بصورت ملتی ضعیف و مستضعف و توسری خور درآورده بودند؛ ملتی که از استعداد جوشان و خصلتهای جمعی فوق‌العاده ممتاز برخوردار است و در طول تاریخ بعد از اسلام، این همه افتخارات علمی و سیاسی دارد.

قدرتهای خارجی - مدتی انگلیسیها و مدتی هم روسها و دیگر دولتهای اروپایی، و

پس از آن امریکاییها- ملت ما را تحقیر کرده بودند. ملت ما هم باور کرده بود که قابلیت و لیاقت کارهای بزرگ را ندارد، سازندگی از او بر نمی آید، ابتکار از او ساخته نیست و دیگران باید بر او آقایی کنند و به او زور بگویند! بنابراین، روح غرور و افتخار ملی را در ملت ما کشته بودند؛ ولی امام عزیز ما، روح غرور و افتخار ملی را در ملت ایران بیدار و زنده کردند.

در همان حال که ملت ما از احساسات و نخوتهای بیجای ناسیونالیستی- که استکبار عامل آن، و رژیم منحوس پهلوی مروجش بود- مبرا هستند، اما احساس عزت و قدرت میکنند. امروز ملت ما از دست به دست هم دادن و توطئه‌ی مشترک شرق و غرب و ارتجاع نمیترسند و احساس ضعف هم نمیکند. جوانهای ما احساس میکنند که خودشان میتوانند کشورشان را بسازند. مردم ما احساس میکنند که قدرت و توان آن را دارند که در مقابل تحمیلها و زورگوییهای شرق و غرب بایستند. این روح عزت و خودباوری و غرور ملی و افتخارات حقیقی و اصیل را امام(ره) در ملت ما زنده کرد.

دهمین کار امام: اثبات امکان عمل به اصل «نه شرقی، نه غربی»

و بالاخره دهمین کار بزرگ او، اثبات این نکته بود که «نه شرقی و نه غربی»، یک اصل عملی و ممکن است. دیگران خیال میکردند که یا باید به شرق متکی بود و یا به غرب، یا باید نان این قدرت را خورد و ستایشش کرد و یا آن قدرت را! فکر نمیکردند که یک ملت بتواند هم به شرق و هم به غرب «نه» بگوید و بایستد و بماند و خود را روزبه‌روز ریشه‌دارتر کند؛ اما امام(ره) این نکته را ثابت کرد.

من ده محور از کارهای بزرگ امام(ره) را برشمردم؛ اما اگر بنشینیم فکر کنیم، کارهای بزرگ را در پرونده‌ی منور این مرد الهی چندین برابر خواهیم یافت. در اینجا دو نکته را یادآوری میکنم:

معرفی مخالفان روسیاه و ناچیز حضرت امام

نکته‌ی اول: کسانی که با امام درافتادند، خودشان را روسیاه کردند. بدبخت آن کسانی هستند که بخاطر شاد کردن دل صهیونیستها و خوشحال کردن امریکا و پُر کردن کیسه‌ی

ره، رهرو، رهبر / ۱۱۷

خود از پولهای نفت ارتجاع، حقیقت را پوشانند و با امام ما درافتادند. روسیاه آن کسانی هستند که میتوانستند زیر بالهای مهربان این پدر و استاد و معلم قرار بگیرند و از او منتفع شوند؛ ولی به بخت خودشان لگد زدند و به آغوش دشمنان او پناه بردند و الآن در اروپا و امریکا و امریکای لاتین و عراق و بعضی کشورهای دیگر سرگردانند.

این بیچاره‌ها و روسیاهها هنگامی که داخل کشور بودند، قطره‌ای در مقابل اقیانوس محسوب میشدند؛ اما نمیفهمیدند که چقدر ناچیز و کوچکند. مراسم ارتحال آن بزرگوار به همه فهماند که امام(ره) چه کسی بود و ملت کجاست و چه میگوید و چگونه می‌اندیشد و چه می‌خواهد و همچنین مخالفان چه کسانی هستند و کجایند. خدا کند برای خودشان هم دیگر این اشتباه باقی نمانده باشد که خیال کنند چیزی و کسی هستند.

آینده متعلق به کیست؟

آنها حقیقتاً به خودشان جفا کردند که در مقابل امام(ره) ایستادند. آینده و افتخار متعلق به کسانی است که پشت سر امام حرکت کردند؛ یعنی قشر عظیم متن ملت و همه‌ی آحاد مردم. شما مردم نشان دادید که یاران و وفاداران و مخلصان امام هستید و بر این یاری و وفاداری و اخلاص پایدارید.

علت توفیقات امام؛ بالاتر از خصوصیات فردی ایشان

نکته‌ی دوم این است که امام خصوصیات ممتاز فردی خیلی داشت؛ اما توفیقات او بالاتر از آن بود که به خصوصیات فردی یک انسان - هرچه هم بالا - متکی باشد. شجاعت و آگاهی و عقل و تدبیر و دوراندیشی امام بسیار ممتاز بود - در اینها هیچ شکی نیست - اما توفیقاتی که آن بزرگوار بدست آورد، خیلی بالاتر از این است که به شجاعت و عقل و تدبیر و آینده‌نگری زیاد یک انسان متکی باشد.

اخلاص و توکل؛ دو منشأ توفیقات خاص امام

آن توفیقات از جای دیگر نشأت می‌گرفت، که در درجه‌ی اول از اخلاص او ناشی میشد؛ «مخلصین له الدین». مخلص خدا بود و کار را فقط برای او - و لا غیر - انجام میداد.

لذا اگر همه‌ی دنیا هم در مقابل او قرار می‌گرفتند و از او چیزی می‌خواستند که مورد رضای خدا نبود، انجام نمیداد.

در درجه‌ی دوم، توکل و حسن‌ظن به خدا داشت. هیچ کاری در نظر او خارج از قدرت الهی نبود. کارهای بزرگ، حرکت‌های عظیم، کندن کوه‌های راسخ و جبال راسیات برای او میسور بود؛ چون عقیده داشت که به خدا متکی است و خدا او را کمک میکند؛ و چون به خدا توکل داشت، لذا با حسن‌ظن مینگریست.

روزی که او نهضت را شروع کرد، کسانی که فکر کنند میشود نهضتی برپا کرد، خیلی کم بودند. آن روزی که او شعار اسقاط رژیم سلطنت را داد، کسانی که فکر کنند میشود رژیم سلطنت در ایران ساقط شود، بسیار معدود بودند. آن روزی که سیاست «نه شرقی و نه غربی» را اعلام کرد، کسانی که فکر میکردند میشود بدون اتکای به شرق و غرب حکومتی داشت و آن را نگه داشت و اداره کرد، بسیار نادر بودند. آن روزی که گفت: «امریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند»، کسانی که باورشان باشد که امریکا نسبت به امام و امتش هیچ غلطی نمیتواند بکند، خیلی کم بودند.

پیروزی در نظر امام

او تمام این کارهای بزرگ را بخاطر توکل به خدا انجام داد و میدانست که میتواند انجام دهد. البته برای او، انجام شدن کار هدف نبود. او میگفت: من وظیفه‌ام را انجام میدهم. پیروزی او به این بود که بتواند وظیفه‌اش را انجام دهد. در نظر امام(ره)، پیروزی این نبود که انسان بتواند آن کاری را که میخواهد، انجام بدهد؛ در نظر او، پیروزی این بود که انسان برطبق تکلیف خود عمل کند. با این روحیه و احساس و انگیزه، او کار را پیش برد و ادامه داد.



دشمن‌شناسی و دوست‌شناسی حضرت امام(ره)

امام دو خصوصیت دیگر هم داشت، که این هم جز با نورانیت الهی ممکن نبود، و آن عبارت بود از: دشمن‌شناسی و دوست‌شناسی. در شناخت دشمنها و دوستها اشتباه نکرد. از اول دشمنها را شناخت و آنها را اعلام کرد و تا آخر هم در مقابلشان ایستاد، و نیز از

ره، رهرو، رهبر / ۱۱۹

اول دوستها را شناخت و آنها را اعلام کرد و تا آخر هم از دوستی آنها منتفع شد. او همیشه بر مردم و ملتها تکیه میکرد.

در سفری که میخواستم به خارج از کشور بروم، خدمت امام بزرگوارمان رفتم. در آن زمان جریانی وجود داشت، که به ایشان گفتم در دنیا نسبت به این جریان علیه ما خیلی حرف است. (البته میخواستم به ایشان گزارش بدهم؛ و الا من هم هیچ رعب و خوفی از آن جنجالهای جهانی نداشتم و بعداً هم وارد آن ماجرا شدم). ایشان تمام خبرهای دنیا را همیشه به صورت نزدیک و نقد در اختیار داشتند و غالباً خبرهای جهانی را زودتر از دیگران بدست می‌آوردند. امام(ره) در پاسخ من با لبخند رضایتی گفتند: بلی، اطلاع دارم؛ اما همه‌ی ملتها با ما هستند. واقعاً همینطور بود که ایشان میفرمودند. در همان سفر، آنچنان حضور ملتها در کنار ما آشکار شد که همه را مبهوت کرد. بنابراین، او هم دوستانش را میشناخت، و هم دشمنانش را. از دوستانش منتفع میشد و به آنها اعتماد و تکیه میکرد. بزرگترین دوستانش شما ملت وفادار بودید، و امام چه خوب شما را شناخته بود.

■

هدف اصلی از تکرار حقایق در مورد امام

ما باید با تکرار این حقیقتها، یک هدف را دنبال کنیم و آن، درس گرفتن است و لاغیر؛ و الا صرف ستایش کردن فایده‌ای ندارد؛ بلکه گاهی هم مضر است؛ زیرا وقتی که خیال کنیم او کارها را انجام داده است، تصور میکنیم که دیگر کاری به عهده‌ی ما نیست. گر نماز آن بود کان مظلوم کرد/ دیگران را زین عمل محروم کرد

■

تقوا؛ اصلیتترین ویژگی حاکم بر زندگی امام

ما آن بزرگوار و انسان والا و مقتدا و قائد را ستایش میکنیم، تا خودمان را به او نزدیک سازیم و راهش را ادامه دهیم. تقوای خدا بر همه‌ی امور زندگی او حاکم بود؛ ما نیز باید تقوای خدا را ملاک همه‌ی امورمان بشماریم. اصل قضیه تقواست. تقوا، یعنی مراقب باشیم برخلاف اراده‌ی الهی حرکتی از ما سر نزنند.

خطبه‌ی دوم:

■

تشکر از وفاداری ملت ایران و همدردی دیگر مسلمانان در ایام رحلت

در این خطبه مایلم در گفتار کوتاهی، نگاهی به آینده بیندازیم. اولاً، از خبرنگاران منتخب مردم بخاطر حسن‌ظنی که به این بنده‌ی حقیر ابراز داشتند و مسئولیت بزرگ و سنگینی را بر دوش من نهادند، تشکر میکنم. ثانیاً، از آحاد ملت بزرگ ایران و گروه‌های پُرشور و وفادار که در طول این مدت بعنوان بیعت و اعلام وفاداری، با پیام و حضور و پیاده‌روی و تهیه‌ی طومار و غیره، تأیید و حمایت خودشان را اعلام داشتند، صمیمانه و با همه‌ی وجود تشکر میکنم و بخاطر وفاداری بی‌نظیرشان نسبت به امام و مقتدای بزرگ امت در طول چهل روز عزای عمومی، سپاسگزارم.

آنچه شما ملت ایران از خود نشان دادید، یقیناً درس بزرگی خواهد بود که در طول تاریخ به ثبت خواهد رسید. از برادران عزیز کشورهای دیگر و مسلمانان سراسر عالم که در این عزای بزرگ با ملت ایران هم‌نوایی کردند و همدردی نشان دادند و یاد امام و قائد بزرگ ما را گرامی داشتند، صمیمانه تشکر میکنم. به میهمانان عزیز جمهوری اسلامی نیز که جمع کثیری از آنها در نماز حضور دارند، خیر مقدم می‌گوییم و از حضورشان در جمهوری اسلامی و احترامشان به امام بزرگوارمان متشکرم.

ابطال برنامه‌های دشمن در مورد رحلت حضرت امام

برادران و خواهران عزیز و ملت بزرگ ایران! حضور و اجتماع و وحدت کلمه‌ی شما در این مرحله‌ی بسیار حساس، بزرگترین پیروزی را به جمهوری اسلامی داد. بارها تکرار کرده‌ایم که دشمنان ما به این مرحله - فقدان امام(ره) - چشم امید دوخته بودند. بحمدالله با حرکت قاطع شما، طلسم دشمن شکسته شد و خواب و خیال باطل از چشمش رخت بریست.

ضرورت توجه به دشمنان، در تداوم راه امام

ملت ایران در این مرحله، بهترین حرکت و موضعگیری را انجام داد؛ اما باید به همه‌ی برادران و خواهران عزیز در سراسر کشور بگوییم که ما برای سازندگی کشور و

ره، رهرو، رهبر / ۱۲۱

تداوم راه امام عزیزمان و تحقق آمال و آرزوها و آرمانها و اهداف این انقلاب الهی و بزرگ، راهی طولانی در پیش داریم. یقیناً دشمنهای کینه‌ورز و توطئه‌گر و خدعه‌گر حاضر نیستند از دشمنی خود با اسلام و جمهوری اسلامی دست بردارند.

راه مورد نظر ما در برنامه‌های داخلی و خارجی

ما در اداره‌ی داخلی کشور و در ارتباطات خارجی، از اصول انقلابی و اسلامی پیروی خواهیم کرد و دقیقاً همان راهی را که امام(ره) میپیمود، طی خواهیم کرد. با حضور شما مردم در صحنه، هر ناممکنی ممکن، و هر مشکلی آسان خواهد شد.

امام؛ مظهر تقوا

برادران و خواهران عزیز! تقوا پیشه کنید. امام ما مظهر تقوا و پرهیزگاری و پارسایی بود.

در مراسم بیعت روحانیون، مسئولان و اقشار مختلف مردم استان اصفهان، ۱۳۶۸/۰۴/۲۵

امام؛ الگویی برای ارزشهای الهی قدرت‌آفرین

ایمان و اخلاص و عمل مخلصانه، عامل قدرت و ثبات ما بود. الگو برای این ارزشها، همین بزرگواری است که امروز با ارتحال خود دنیا را به لرزه درآورده است. آن عزیز که قطعاً جزو اولیاءالله بود، مثل پیامبران و اولیاء که به صورت طبیعی فقدان آنها دنیا را تکان میدهد، با ارتحال خودش دنیا را تکان داد.

ایمان او به خدا و راه و هدفهایش در حد اعلی بود، و اخلاص بی‌شائبه‌ای را در خود نگه داشته بود، و فداکاری و آمادگی به کار را هم در طول سالهای متمادی - حتی قبل از آنکه نهضت در سال ۴۱ شروع بشود - نشان داده بود.

چگونگی پاسخ ملت ایران به امام

ملت ایران هم انصافاً امت خوبی برای این امام بودند؛ او نیز چنین امتی را میخواست. ملت ایران با اقتدا به امام خود و با پاسخ مؤمنانه و مخلصانه‌ای که به او داد، نزد پروردگار و ملائکه‌الله و ارواح معصومین (علیهم‌السلام) و تاریخ سربلند است.

راه آینده‌ی ملت و نحوه‌ی طی کردن آن

بعد از این، راه همین است که تاکنون ترسیم شده است. با ایمان و عمل صالح و اخلاص میشود این راه را طی کرد و پیش رفت. ما هنوز وسط راهیم. دست نیرومند امام(ره) راه را باز کرد و موانع عمده را برطرف ساخت و برای آینده‌ی ما دستورالعملهای زیادی به جا گذاشت.

تأکید امام بر حمایت مردم از مسئولین

میبایست نظام و کشور را که متعلق به خودشان است، به معنای حقیقی کلمه از خودشان بدانند و از آن دفاع کنند، و از مسئولان کشور و کسانی که بار سنگین اجرا را بر دوش دارند، حمایت کنند؛ همچنان که امام(ره) در طول این مدت به مردم توصیه میکردند که مسئولان را کمک و حمایت و همراهی کنند. بارها این بیانات از زبان مبارک ایشان صادر و شنیده شد؛ بعد از این هم باید همینگونه باشد.

در مراسم بیعت گروه کثیری از جانبازان و نیروهای جهادی احداث ساختمان مرقد مطهر رهبر کبیر انقلاب اسلامی، به همراه وزیر راه و ترابری، مسئولان بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، و مسئول حرم مطهر حضرت امام خمینی(ره)، ۲۸ / ۰۴ / ۱۳۶۸

جهادگران و بسیجیان؛ صاحب عزای حقیقی در فقدان امام

لازم میدانم که این مصیبت عظیم و فراموش‌نشدنی و جبران‌ناپذیر را به شما عزیزان و نیروهای مخلص و وفادار به امام بزرگوار و انقلاب، تسلیت عرض کنم. هرکس که در مجموعه‌ی ملت بزرگ ما، برای انقلاب و اسلام و امام فداکاری و اخلاص بیشتری به خرج داده است و میدهد، در مصیبت امام(ره) صاحب‌عزاتر است. با

ره، رهرو، رهبر / ۱۲۳

این حساب، شما جانبازان و جهادگران و سپاهیان عزیز و نیروهای بسیجی دستگاہهای مختلف، حقیقتاً صاحب‌عزا هستید. امام به معنای حقیقی کلمه متعلق به شما بود.

مزار امام؛ قبله‌ی دل‌های همه

ثانیاً میبایست از زحمات تحسین‌برانگیز و تلاش نمونه و سرمشقی که در ساختن و پرداختن و آماده کردن قبله‌ی دل‌های همه‌ی ما- یعنی مزار منور امام عزیزمان- به خرج دادید، با همه‌ی وجود تشکر کنم. البته زبان از تشکر نسبت به اخلاصها و زحمات همه‌ی افرادی که مثل شما مخلصانه و دلسوزانه کار میکنند، قاصر است؛ اما به هر حال وظیفه دارم تشکر قلبی خودم را به شما ابراز کنم.

زحمت کشیدید، تلاش کردید، ساعات مستمر و طولانی‌ای را بدون استراحت و بدون اندیشیدن به چیزی غیر از کار و زحمت صرف کردید؛ اما آنچه محصول مبارک این تلاشها شد، باید مایه‌ی روشنی چشم شما باشد و هست. حرکت و تلاشی که برای احترام به امام و تعظیم و تکریم نسبت به مقام والای آن بزرگمرد انجام میگیرد، همان صدقه‌ی جاریه‌ای است که تا دنیا هست و اسلام باقی است، اثر و نتیجه‌ی آن هرگز کهنه و مندرس نخواهد شد.

ناممکن بودن توصیف حقیقی شخصیت امام

درباره‌ی شخصیت حضرت امام(ره) واقعاً نمیشود حرف زد. وقتی بخواهیم راجع به ابعاد شخصیت این عزیز دوران و یادگار پیامبران حرف بزنیم، میدانیم که ناقص خواهد ماند. زمان زیادی لازم است تا زبانهای گویا بتوانند عظمت این شخصیت را حیطه‌بندی کنند؛ لذا من نمیخواهم در آن باره واقعاً صحبت کنم؛ زیرا ما کوچکتر از آن هستیم که بتوانیم در این زمینه به بررسی ابعاد شخصیت آن بزرگوار پردازیم.

ریشه‌ی شجره‌ی طیبه و احیاگر ارزشهای اسلامی

اما این نکته را میخواهم بگویم که اگر نظام جمهوری اسلامی و این انقلاب بزرگ و

جهانی را، و رستاخیز عظیمی که در دنیا به وجود آمده، و رستاخیز عظیمتری که در درون انسانها پدید آمده، و این تحوُّلی که مسها را طلا کرده است، کلمه‌ی طَیِّبه و شجره‌ی طَیِّبه بدانیم - که هست - ریشه‌ی این شجره‌ی طَیِّبه، همین شخصیت عظیمی است که همه چیز از او روید. او بود که این درخت مبارک را رویاند. او همه چیز بود، و اگر نبود، ما هیچ چیز نداشتیم.

در گذشته، همین ایران و ملت و موقعیت جغرافیایی و همین فقه و قرآن و نهج‌البلاغه بود؛ اما در واقع چیزی نداشتیم و روزبه‌روز عقبتر میرفتیم و بیشتر بر سرمان میخورد و شخصیت ما هضم میشد. بعد که او پدید آمد و قدم در صحنه گذاشت، مثل وجودی که ماهیات را هستی و تحقّق میبخشد، و مثل خورشیدی که میتابد و اشیا را آشکار میکند، و مانند روحی که به کالبدی دمیده میشود و اجزای آن را زنده میسازد، ما را زنده و نمایان کرد و به حرکت درآورد؛ آن وقت ارزش جغرافیایی و تاریخی و فرهنگ گذشته و قرآن و نهج‌البلاغه و ملت ما احیا شد و به کارمان آمد.



ضرورت حفظ ریشه‌ی نظام علی‌رغم جدایی جسم امام از ما

او کلید بود. او ریشه‌ی این درخت محسوب میشد. این ریشه باید محفوظ بماند. اگر این نظام از ریشه‌ی خود - یعنی از امام عزیز(ره) - جدا شود، مثل درختی است که «اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ»؛ یعنی از روی زمین آن را اَره کرده باشند و بین تنه و ریشه‌ی آن فاصله انداخته باشند. ممکن است چهار روزی هم نمود و هیکلی داشته باشد، اما سرنوشتش معلوم است: دیگر رابطه‌ی حیاتی و تغذیه‌ای بین این دو نیست.

ما نباید بگذاریم نظام اسلامی از ریشه‌ی خودش - یعنی امام(ره) - جدا شود. ممکن است بگویید امام از ما جدا شد و در عالم ملکوت به سر میبرد و ما با او مرتبط نیستیم. ولی باید بگوییم شخصیت امام(ره) مثل شخصیت پیامبران، فقط به وجود خارجی او نبود. آن روزی که حضرت موسی(علیه‌السلام) از مردم خودش گرفته شد، آیا بنی‌اسرائیل و امت موسی(علیه‌السلام) بکلی از منبع خودشان جدا شدند؟ خیر، ارتباط و اتصال در شخصیت‌های

ره، رهرو، رهبر / ۱۲۵

معنوی و روحی که به وجود خارجی آنها وابسته نیست. آن روزی که رسول اسلام، حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله) رحلت فرمود، آیا امت اسلام بی پیامبر شد؟ ما که در قرن‌ها و نسل‌های بعد آمدیم، آیا دیگر پیامبر نداشتیم؟ چرا، ما هم پیامبر داشتیم؛ در حالی که جسم او نزد ما نبود و در عالم ملکوت و بالاتر از آن به سر میبرد.

هویت شخصیت‌های معنوی، به جسم و حضور دنیویشان نیست؛ بلکه به فکر و راه و رهنمود و سرانگشت اشاره‌شان - که همواره باقی است - وابسته است. پیامبر و اولیاء و همین امام بزرگوار ما با انگشتشان به یک طرف اشاره می‌کردند و راه را نشان میدادند. البته خودشان هم جلوتر از همه حرکت می‌کردند؛ نه اینکه بایستند و بگویند شما بروید. در حال حاضر، این انگشت اشاره همچنان موجود است. اینها تعیین‌کننده‌ی هویت امام و منبع و ریشه‌ی حیاتی یک جامعه است که دائماً میشود از آن تغذیه کرد؛ زیرا دیگر وابسته به جسم او نیست.

اگر ما بخواهیم این فکر را نگه داریم، اما شخصیت امام و یاد و خاطره‌ی او مورد اهتمام نباشد، مطمئناً دچار اشتباه خواهیم شد. لذا میبینید که به ما گفته‌اند هر سال برای امام حسین (علیه السلام) گریه کنید. گریه کردن، به معنای زنده بودن یک مصیبت است؛ گویی همین دیروز اتفاق افتاده است. انسانی هزار و چند صد سال قبل به شهادت رسیده است، چرا باید امروز برای او گریه کرد؟ گریه‌ی ما بخاطر این است که اگر یاد او با همه‌ی ابعادش در ذهن و زندگی و بساط هستی ما زنده نماند، بتدریج فکر و سرانگشت اشاره‌ی او کمرنگ خواهد شد؛ چه ما بخواهیم و چه نخواهیم.

معنای واقعی همت در ساخت گنبد و مرقد امام

اگر ساخت گنبد و بقعه و مرقد و صحن و سرای امام (ره) مورد اهتمام شما قرار بگیرد و برای آن نیرو و پول و عمر و ابتکار خرج کنید، به معنای کار برای یک شخص نیست؛ بلکه به معنای فعالیت برای هویت فکری امام است. این کار در بقای آن فکر تأثیر دارد. عمل شما، صدقه‌ی جاریه و به معنای زنده نگه داشتن یاد امام (ره) است.

علت ارزش احداث مرقد امام

إن شاء الله این مزار و بقعه‌ی مبارک، مرکز برکات و نورانیت و گسترش تفکرات و الهامات الهی و حال و روح عرفانی و توجه مردم عاشق و اهل بصیرت و محبت خواهد بود و هر کسی از شعبه‌ی خودش از این مکان استفاده خواهد کرد. بنابراین، کاری که کردید، با ارزش است.

پیام تشکر و تجلیل از آحاد مردم، به‌خاطر شرکت گسترده در انتخابات ریاست جمهوری و همه‌پرسی قانون اساسی، ۱۳۶۸/۰۵/۰۸

حق شناسی مردم از امام؛ با شرکت چشمگیر در انتخابات

«الْيَوْمَ يَنْسَى الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ»^۱

ملت رشید و عزیز ایران!

خدای را سپاسگزارم که یکبار دیگر در امتحانی بزرگ و الهی، سربلند و پیروز و موفق گشتید و با حضور گسترده و چشمگیر خود در صحنه‌ی همه‌پرسی و انتخابات، ضمن ادای وظیفه‌ی حق‌شناسی خود نسبت به امام عظیم‌الشأن فقید (أعلى الله مقامه) و میثاق مجدّد با آرمانهای والای انقلاب اسلامی، اصلاحات قانون اساسی را تصویب کردید و رئیس‌جمهور خود را برگزیدید.

بیان محتوای یکی از آخرین یادگارهای امام

قانون اساسی جدید که یکی از آخرین یادگارهای امام عزیزمان است، میثاق امت با انقلابی است که بیش از ده سال آماج توطئه‌های همه‌ی دشمنان عنود و لجاج و نادان و بزرگ و کوچک بوده و مسیر خونبار خود را با استقامت و سرفرازی پیموده و با خط برجسته و نورانی در تاریخ ثبت گردانیده است.

۱ سوره‌ی مائده‌ی، آیه‌ی ۳. امروز کسانی که کافر شده‌اند، از [کارشکنی در] دین شما نومید گردیده‌اند. پس، از ایشان مترسید و از من بترسید.

در دیدار با اعضای جامعه‌ی روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز تهران، علما و ائمه‌ی جماعت و جامعه‌ی وعاظ تهران و اعضای شورای هماهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، در آستانه‌ی ماه محرم، ۱۳۶۸/۰۵/۱۱

امام مروّجان قرآن

اولاً، بر خود لازم میدانم مصیبت بزرگ فقدان امام مروّجان قرآن و پیشوای مدافعان اسلام را که حقیقتاً ضایعه و ثلمه‌ای غیرقابل جبران است، به جمع معظّم علمای دین و شاگردان مروّج مکتب قرآن، تسلیت عرض کنم.

استفاده امام از ماجرای عاشورا در عرصه عمل

شاید بسیاری در آن روزها بودند که با توجه به اینکه در ماجرای ذکر عاشورا و روایت فداکاری اباعبدالله (علیه الصّلاة والسلام) چیزهایی وارد شده بود و احیاناً به شکلهای تحریف‌آمیزی بیان میشد، این حرف برایشان مطلوب و شیرین بود و این گرایش رشد میکرد؛ لیکن در صحنه‌ی عمل، ما به وضوح دیدیم که تا وقتی این مسئله از طرف امام بزرگوارمان، بصورت رسمی و علنی و در چارچوب قضایای عاشورا مطرح نشد، هیچ کار جدی و واقعی انجام نگرفت.

دو فصل گره‌خوردگی مسئله‌ی نهضت با عاشورا توسط امام خمینی(ره)

فصل اول گره‌خوردگی انقلاب با نهضت عاشورا

در دو فصل، امام(ره) مسئله‌ی نهضت را به مسئله‌ی عاشورا گره زدند: یکی در فصل اول نهضت- یعنی روزهای محرم سال ۴۲- که تریبون بیان مسائل نهضت، حسینیه‌ها و مجالس روضه‌خوانی و هیئات سینه‌زنی و روضه‌ی روضه‌خوانها و ذکر مصیبت گویندگان مذهبی شد و دیگری، فصل آخر نهضت- یعنی محرم سال ۵۷- بود که امام(ره) اعلام فرمودند: «ماه محرم گرامی و بزرگ داشته بشود و مردم مجالس برپا کنند». ایشان، عنوان این ماه را ماه پیروزی خون بر شمشیر قرار دادند و مجدداً همان توفان عظیم عمومی و مردمی به وجود آمد؛ یعنی ماجرای نهضت که روح و جهت حسینی داشت، با ماجرای ذکر مصیبت حسینی و یاد امام حسین(علیه‌السلام) گره خورد.

اگر در جامعه‌ی ما، عشق به امام حسین (علیه‌السلام) و یاد او و ذکر مصائب و حوادث عاشورا معمول و رایج نبود، معلوم نبود که نهضت با این فاصله‌ی زمانی و با این کیفیتی که پیروز شد، به پیروزی میرسید. این، عامل فوق‌العاده مؤثری در پیروزی نهضت بود و امام بزرگوار ما، در راه همان هدفی که حسین بن علی (علیه‌السلام) قیام کرده بودند، از این عامل حداکثر استفاده را کردند.

امام (ره) با ظرافت، آن تصور غلط روشنفکر مآبانه‌ی قبل از پیروزی انقلاب را که در برهه‌ای از زمان رایج بود، از بین بردند. ایشان، جهتگیری سیاسی مترقی انقلابی را با جهتگیری عاطفی در قضیه‌ی عاشورا پیوند و گره زدند و روضه‌خوانی و ذکر مصیبت را احیا کردند و فهماندند که این، یک کار زاید و تجملاتی و قدیمی و منسوخ در جامعه‌ی ما نیست؛ بلکه لازم است و یاد امام حسین و ذکر مصیبت و بیان فضایل آن بزرگوار - چه بصورت روضه‌خوانی و چه به شکل مراسم عزاداری گوناگون - باید به شکل رایج و معمول و گریه‌آور و عاطفه‌برانگیز و تکان‌دهنده‌ی دلها، در بین مردم ما باشد و از آنچه که هست، قویتر هم بشود. ایشان، بارها بر این مطلب تأکید میکردند و عملاً هم خودشان وارد میشدند.



شاید بتوان گفت که امسال در مجالس و محافل ماه محرم، آقایان حتی از سالهای قبل، وظایف بیشتری دارند. ما امسال، مصیبت امام بزرگوارمان را هم که هنوز داغ آن تازه است، داریم. نباید دستگاه تبلیغی اسلامی کشور بگذارد که یاد امام (ره) - حتی اندکی - کهنه بشود؛ که البته کهنه هم نخواهد شد. امام، با شخصیت و عظمت خود و با خصوصیاتش که در او بود و بعد از معصومین (علیهم‌السلام) در هیچ کس جز او ندیده‌ایم و نشنیده‌ایم، پایه‌ی اصلی و ریشه‌ی این شجره‌ی طیبه است. این ریشه، باید همیشه محکم و زنده و تازه بماند. یاد امام را با ابعاد حقیقی شخصیت و بیان افکار و بخشهایی از وصیتنامه و محکمت و مسلمات فرمایشها و جهتگیریهای او، زنده کنیم و زنده بداریم.



شکست دشمن در برنامه‌ریزی‌ها برای ایام رحلت

انتظار و توقع و طمع دشمن در دوران بعد از امام، چیز کوچکی نیست. قضیه، خیلی جدی بود. آنها، سالها منتظر این ساعت بودند. ما- بیننا و بین‌الله- برای این ساعت هیچ برنامه‌ریزی‌ای نکرده بودیم؛ اما تمام دشمنان ما- هرکس به نحوی- برای آن ساعتها و آن روزها، برنامه‌ریزی کرده بودند و خودشان را آماده ساخته بودند. «إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا وَأَكِيدُ كَيْدًا»؛ اما خدای متعال به برکت وحدت کلمه‌ی مردم، کید و مکر الهی خودش را نشان داد. البته، خود آن وحدت کلمه هم کار خدا بود: «وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ».^۲ کار هیچ‌کس نبود، فقط کار او بود.

فصل دوم گره‌خوردگی انقلاب با نهضت عاشورا

در مورد فصل بعدی هم، فقط یک جمله‌ی کوتاه مطرح کنم: من دو، سه سال پیش، به مناسبتی خدمت حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) رسیدم تا پیشنهادی را در میان بگذارم. به ایشان عرض کردم که به اعتقاد من، پیروزی این نظام، فقط به آبروی روحانیت زمان ما انجام نگرفت؛ بلکه آن سرمایه‌ای که ما خرج کردیم تا این انقلاب- که واقعاً معجزه بود- به پیروزی برسد، عبارت از آبروی ذخیره و نقد روحانیت شیعه، از زمان شیخ کلینی و شیخ طوسی تا زمان ما بود. امام هم در آن روزی که این مطلب را عرض کردم، مطلب را تلقی به قبول کردند، معلوم بود که نظر شریف خود ایشان هم همین می‌باشد و این واقعیتی است.

ما اگر آن ریشه‌ی تاریخی را نداشتیم، مردم آن محبت و اعتماد را به ما نداشتند و به اشاره‌ی روحانیت حرکت نمی‌کردند؛ بطوری که بیایند و جان و فرزندانشان را در راهی قربانی کنند. مگر آسان است؟ آن پشتوانه و ذخیره وجود داشت و حالا هم در نظام جمهوری اسلامی تبلور پیدا کرده است. این نظام، نظام اسلامی است و من و شما هم که معمم هستیم، مظاهر اسلامیم.

۱ سوره‌ی طارق، آیه‌ی ۱۵.

۲ سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۶۳.

توصیه‌های امام در حفظ زئ طلبگی

در این زمینه، امام بزرگوارمان خیلی توصیه‌های آموزنده کردند. باید حفظ زئ روحانیت و همان رابطه‌های قدیمی و معمولی با مردم و همان اعمال و حرکاتی که انتزاع تقوا و ورع و ایمان و پایبندی شدید به دین از آن میشد و اجتناب از هر چیزی که این اصل را مخدوش بکند، مورد تأکید و توجه قرار بگیرد. البته این خطاب، به جمع حاضر نیست؛ متعلق به همی ما روحانیون در سراسر کشور و هر جا که هستیم، میباشد.

در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی، ۱۲/۰۵/۱۳۶۸

حسینیه‌ی جماران؛ مبدأ، مدرسه و پناهگاه انقلاب اسلامی

حسینیه‌ی جماران، نقطه‌ای است که همواره سازنده‌ی تاریخ انقلاب ما در طول ده سال اخیر بوده است. در این نقطه و در زیر همین جایگاه مقدس و متبرک بوده که ما توانسته‌ایم در طول این ده سال، تجربه‌های دشوار را از سر بگذرانیم و مقاطع حساس را در زندگی انقلابی خود شروع کنیم و درسهای سازنده را از امام و معلم و مرادمان بگیریم. خلاصه اینکه ملت ایران، در این نقطه حرکتها را آغاز کرده، در مشکلات به این نقطه پناه آورده و از این نقطه، مقاطع حساس را آغاز کرده است.

آغاز مقطعی مهم با الهام از درسهای امام

ما امروز با فقدان رهبر و امام عزیز و معظم و بی‌نظیرمان، بی‌شک دچار کمبود و خلأ مهمی هستیم؛ لیکن با یاد صلابت و قاطعیت و معنویت و روحانیت آن بزرگوار و با الهام از درسهای فراموش‌نشده‌ی ایشان، امروز مقطع و دوران دیگری را آغاز میکنیم.

عدم امکان وقوع «دوران جدید»؛ به معنای انصراف از خط امام

دوران جدید، اگر به معنای انصراف از خطوط ترسیم‌شده‌ی قطعی به وسیله‌ی امام عزیزمان باشد- که همان خطوط انقلاب و اسلام است و چیزی از آن فراتر نیست- هرگز در انقلاب ما پیش نخواهد آمد. تا وقتی که دل‌های بیدار و مردم مسئول و مسئولان

ره، رهرو، رهبر / ۱۳۱

مؤمن و اسلام‌شناس و امام‌شناس، در این کشور هستند، امریکا و دیگر دشمنان و مستکبران عالم و بدخواهان و منافقان، باید آرزوی چنین روزی را به گور ببرند.

ویژگیها و اهداف خط ترسیمی امام(ره) برای انقلاب اسلامی

خطی که امام برای انقلاب ترسیم کردند و ده سال است که ملت ایران بر اساس آن حرکت میکند، خط عظمت اسلام و مسلمین و دفاع از محرومان و مستضعفان در سراسر عالم است. خط و راهی است که ملت ایران را در دنیا، به صورت یک ملت زنده و سرفراز و مستقلترین و زنده‌ترین و فعالترین ملت‌های دنیا درآورده و ما را از حالت ملت عقب‌افتاده‌ی وابسته‌ی مرده، خارج ساخته است. خطی است که ایمان و محبت و عشق مردم به اسلام را برانگیخته و آنها را در این راه، به فداکاریهای اعجاب‌انگیز و بی‌نظیر واداشته است. این خط، زندگی و همه‌ی هستی و هویت ملی و انقلابی ماست و به فضل پروردگار این خط، با قاطعیت و قدرت و امید و با همان روحیه‌ای که امام در طول دوران نهضت و انقلاب، عملاً به ما تعلیم دادند، به پیش خواهد رفت. ما برای تحکیم راه امام و انقلاب و فداکاری و تلاش و کوشش شبانه‌روزی، آماده‌ایم. جانها و خونهای ما، فدای این راه و خط است. سعادت ما در این است که زندگی خود را در این راه بگذرانیم. در این، هیچ تردیدی نیست.

وضعیت سخت خانوادگی بزرگ ملت ایران بدون پشتیبانی امام

ما امروز، فصل جدیدی را- که برای ملت ایران و مسئولان قابل توجه است- آغاز میکنیم. ما آن خانوادگی بزرگ و فعالی هستیم که امید و اتکا و قوت قلبش، به پدر این خانواده بود. با بودنش، همه‌ی تکیه‌ها- بعد از خدا- به او بود. هر مشکلی برای کشور و مسئولان پیش می‌آمد، سرانگشت هنرمند و کارآمد او بود که گره را باز میکرد. در جنگ و سیاست خارجی و مسائل داخلی و مسائل اقتصادی و اجتماعی، ملت و دولت و مسئولان، حقیقتاً پشتشان به امام بزرگوارمان گرم بود. این، واقعیتی است که ما ده سال اینطور حرکت و سیر کردیم و این کشور را اداره نمودیم.

در دوران مسئولیت ممتدی که از روزهای اول انقلاب داشتیم، بارها به یاد این جمله‌ی امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) می‌افتادم که می‌فرماید: «إِذَا اشْتَدَّ بِنَا الْحَرَاقُ الْتَجَيْنَا بِرَسُولِ اللَّهِ»^۱. امیرالمؤمنین می‌فرمایند: وقتی در جنگها کار بر ما سخت میشد و احساس میکردیم که در مقابل حادثه ضعیفیم، به رسول خدا پناه می‌بردیم. وقتی این جمله‌ی امیرالمؤمنین (صلوات الله علیه) به یادم می‌آمد، میدیدم بر وضع ما نیز صادق است.

گره‌گشایی امام با ایمان و توکل بی‌نظیر خود

مکرر اتفاق افتاد که سر قضایای مختلف، با برادران مسئول مینشستیم و فکرهایمان را تبادل میکردیم و مشکل را در مجموعه‌ای می‌گذاشتیم و خدمت امام (ره) می‌بردیم و او بود که با نظر صائب و اراده‌ی قوی و ایمان و توکل بی‌نظیر خود، مشکل را حل میکرد. خدا شاهد است که در مدت عمر خود، کسی را در این حد از توکل و حسن‌ظن به خدا ندیده و نشنیده‌ام. او، مشکل را حل و گره را باز میکرد. امروز، این پدر خانواده و آن متکای محکم و کسی که خاطرمان آسوده بود که در مشکلات، به او مراجعه خواهیم کرد، در میان ما نیست.

تلاش و همکاری مسئولانه، برای جبران خلأ امام خمینی (ره)

در چنین شرایطی، باید مثل همه‌ی خانواده‌هایی که پدر و بزرگ خود را از دست میدهند، عمل کنیم. در چنان وضعیتی، هرکدام از افراد خانواده، به نوبه‌ی خود احساس مسئولیت تازه‌ای میکنند و گاهی یک جوان پانزده ساله که تا دیروز مشغول بازی یا درس خواندن بود و احساس مسئولیتی نمیکرد، امروز در خانه، چهره‌ی یک مرد را به خود می‌گیرد و احساس میکند که بایستی او هم به سهم خود، نقشی داشته باشد و مقداری از این خلأ را پر کند.

برادران عزیز! این، خصوصیت دوران جدید ما مسئولان و ملت است. باید با تلاش و همکاری مسئولانه و محبت و پیوند مستحکم و حضور دائمی مردم در صحنه و دلسوزی

۱ مضمون: شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۱۳، ص ۲۷۹.

ره، رهرو، رهبر / ۱۳۳

کامل علمای اعلام و بزرگان اسلام و قشرهای مختلف کشور و با وحدت کلمه و حفظ حاکمیت نظام جمهوری اسلام و مرکزیت این نظام و تجمع حول این محور و تسلیم در مقابل جهتگیریهایی که برخاسته از همان رهنمودها و اصولی که برطبق مصالح کشور است، این خلأ را پر کنیم.



عبرتگیری از تاریخ رحلت حضرت رسول (ص) در تداوم خط امام

شکی نیست که فقدان امام بزرگوارمان را به هیچ وجه به معنای پایان یافتن راه یا تکلیف یا امید، به حساب نمی آوریم. پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) از دنیا رفت و تازه فتوحات عظیمه‌ی مسلمین شروع شد. او، با ایجاد بنا و قاعده‌ی یک نظام عظیم جهانی، توانست جامعه‌ای اسلامی بسازد که قرن‌ها پس از رحلتش، به صورت مقام و قدرت اول سیاسی و اقتصادی و نظامی و اجتماعی، در دنیا خود را نشان داد.

اگر فساد سردمداران در دوره‌های بعد نبود که به نام اسلام، سالها بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه وآله)، در میان مردم حکومت کردند، یقیناً اثر حرکت رسول خدا، تا قرنهای متمادی دیگر و شاید تا این روزها ادامه میداشت؛ منتها فساد سردمداران، راه را قطع کرد. ما میتوانیم بعد از رحلت امام (ره)، راه او را ادامه دهیم. همچنان که رسول خدا، ده سال و چند ماه در میان امت خود بود، امام عزیز ما هم که شاگرد و پیرو راه انبیاء و اولیاء بود، حدود ده سال و چند ماه در میان ما بود.

اگر ما همان اصول و خطوط و همان قاعده و مبنا را به معنای حقیقی کلمه و بصورت جدی و با همان اراده و امید در دست بگیریم، این راه را ادامه خواهیم داد. امیدها و تلاشها پایان نیافته است. با همت و تلاش همه‌جانبه‌ی شما ملت و با محبت و صمیمیتی که روح مطهر و مبارک آن عزیز فقید، بر سرتاسر این ملت پاشید و آنها را با عطر محبت و ابزارهای کارآمد مطهر و معطر کرد، ما میتوانیم راه را خیلی خوب و سریع ادامه بدهیم.

امیدواریم آن روز دور نباشد که ببینیم بسیاری از آرمانهای امام بزرگوارمان، در جامعه‌ی اسلامی و انقلابی ما تحقق پیدا کرده است.

عمل امت به وصیت امام در نخستین امتحان

اینک، پس از گذشت دو دوره‌ی کامل ریاست جمهوری که بحمدالله با وجود آن همه دشواریها و توطئه‌های دشمنان، به خیر و صلاح و عزت و عظمت اسلام و مسلمین سپری شده است، ملت رشید و مقاوم و باوفا، به وصیت امام فقید الشان خود عمل کرد و در نخستین امتحان و در همان حال که دشمنان قسم خورده‌ی اسلام، نیرنگها پرداخته و امیدها بدان بسته بودند، جهانیان را به حیرت و اعجاب واداشت و با حضور وسیع و سیل‌آسای خود، بنیان آمال بدخواهانه‌ی دشمن را برکنند و با شناخت و آگاهی و آزادی کامل و کم‌نظیر، در انتخاباتی که نقش تبلیغات مرسوم در آن به کمترین حد ممکن رسید، به پای صندوقهای رأی رفت و به پیمان خود با خدا بر نفی پرستش شیطان، و به عهد خود با رسول خدا در پاسداری از ثقلین، و به تعهد خود در برابر امام و انقلاب در وحدت کلمه و کلمه‌ی توحید و استقامت تا استقرار قسط عمل کرد.

پیام تشکر از حجت‌الاسلام و المسلمین حاج سیداحمد خمینی به مناسبت برگزاری مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری، ۱۳۴۸ / ۰۵ / ۱۲

تقدیر از حاج سیداحمد خمینی (ره) بعنوان یادگار و یاور امام

جناب حجت‌الاسلام و المسلمین آقای حاج سیداحمد خمینی (دامت تأییداته) مراسم تنفیذ ریاست جمهوری امروز در حسینیه‌ی مطهر جماران که از شکوه معنویت و جلوه‌ی صفا و صمیمیتی ویژه برخوردار بود، اینجانب را موظف میسازد که از جنابعالی بعنوان یادگار یگانه و عزیز امام فقید و یار و یاور صمیمی و همیشگی آن بزرگوار صمیمانه تشکر کنم.

بیت شریف و کریم آن رهبر و پیر مراد ملت ایران، اکنون نیز مانند همیشه مرکز و ملجأ دلها و عشقها و امیدهاست و همواره چنین خواهد بود إن شاء الله.

اینجانب، جلوه‌های حضور معنوی امام و مقتدای فقیدمان را امروز به وضوح احساس می‌کردم. این توفیق بزرگ، مرهون تلاش خالصانه جنابعالی است که شمع آن شبستان محبتید. بار دیگر از شما و دیگر عزیزان آن بیت معظم سپاسگزاری می‌کنم.

کار برای تکلیف نه نتیجه؛ درس قولی و فعلی حضرت امام خمینی(ره)

این درس را هم سعی کردم که از امام عزیز بزرگوار فقیدمان به یاد داشته باشم که باید مقصود ما انجام تکلیف باشد؛ حالا چه آن اقدامی که ما میکنیم، به نتایج مرسوم و مفروض خود در عرف معمول برسد و چه نرسد.

ما برای نتایج کار نمیکنیم؛ اگرچه به آن نتایج علاقه داریم و میخواهیم جمهوری اسلامی، قدرتمند و ثروتمند باشد و آسیب دشمنان جهانی به ما نرسد و از لحاظ مادی و معنوی، ملت ما برجسته و برخوردار باشد. اما حقیقت این است که اینگونه نیست که اگر ما با تلاش خود و طبق وظیفه و حجت، به این مقاصد نرسیم، احساس شکست بکنیم. این نکته را امام(ره) در طول ده سال گذشته، قولاً و عملاً به همه‌ی ما تفهیم کردند.

نمونه‌ای از آمادگی برای انجام تکلیف؛ خاطره‌ی استقبال امام

نسبت به آینده، بایستی خودمان را برای خدمت در هر جا و به هرگونه آماده کنیم؛ بدون اینکه قبلاً در جایی، خدمت خود را نشان و مشخص کرده باشیم. از اول انقلاب، خودم اینگونه بودم و بنایم بر این بود. هنگامی که قرار بود امام(ره) تشریف بیاورند و ما در دانشگاه تهران تحصن داشتیم، جمعی از رفقای نزدیکی که با هم کار میکردیم و همه‌شان در طول مدت انقلاب، نام و نشانهایی پیدا کردند و بعضی از آنها هم به شهادت رسیدند- مثل شهید بهشتی، شهید مطهری، شهید باهنر، برادر عزیزمان آقای هاشمی، مرحوم ربانی شیرازی، مرحوم ربانی املشی- با هم مینشستیم و در مورد قضایای گوناگون مشورت میکردیم. گفتیم که امام دو، سه روز دیگر یا مثلاً فردا وارد تهران میشوند و ما آمادگی لازم را نداریم. بیاییم سازماندهی کنیم که وقتی ایشان آمدند و مراجعات زیاد شد و کارها از همه طرف به اینجا ارجاع گردید، معطل نمانیم. صحبت دولت هم در میان نبود.

ما عضو شورای انقلاب بودیم و بعضی هم در آن وقت، این موضوع را نمیدانستند و حتی بعضی از رفقا- مثل مرحوم ربانی شیرازی یا مرحوم ربانی املشی- نمیدانستند که ما

چند نفر، عضو شورای انقلاب هم هستیم. ما با هم کار میکردیم و صحبت دولت هم در میان نبود؛ صحبت همان بیت امام بود که وقتی ایشان وارد میشوند، مسئولیتهایی پیش خواهد آمد. گفتیم بنشینیم برای این موضوع، یک سازماندهی بکنیم. ساعتی را در عصر یک روز معین کردیم و رفتیم در اطاقی نشستیم. صحبت از تقسیم مسئولیتهای شد و در آنجا گفتم که مسئولیت من این باشد که چای بدهم! همه تعجب کردند. یعنی چه؟ چای؟ گفتم: بله، من چای درست کردن را خوب بلدم. با گفتن این پیشنهاد، جلسه حالی پیدا کرد. میشود آدم بگوید که مثلاً قسمت دفتر مراجعات، به عهده‌ی من باشد. تنافس و تعارض که نیست. ما میخواهیم این مجموعه را با همدیگر اداره کنیم؛ هر جایش هم که قرار گرفتیم، اگر توانستیم کار آنجا را انجام بدهیم، خوب است.

ضرورت عمل به دستورات امام به عنوان تکلیف

قبل از رحلت حضرت امام که دوران ریاست جمهوری در حال اتمام بود، دست و پایم را جمع میکردم. مکرر مراجعه میکردند و بعضی از مشاغل را پیشنهاد مینمودند. آدمهای بی‌مسئولیت، این مشاغل را پیش خودشان به قد و قواره‌ی من بریده و دوخته بودند! ولی من گفتم که اگر یک وقت امام به من واجب کنند و بگویند شما فلان کار را انجام دهید؛ چون دستور امام تکلیف است و بروبرگرد ندارد، آن را انجام میدهم. اما اگر چنانچه تکلیف نباشد- و من از امام خواهش خواهم کرد که تکلیفی به من نکنند تا به کارهای فرهنگی بپردازم- دنبال کارهای فرهنگی میروم.

در مراسم تودیع هیأت دولت، ۱۸ / ۰۵ / ۱۳۶۸

تجدیدناپذیری برکات حضور امام

[ایامی که] محنت جنگ بر او^۱ تحمیل شده بود و در کنار این محنت، جوشش فداکاریها و ایثارها و جلوه‌های زیبای حضور انقلابی ملت در صحنه‌های گوناگون، به چشم میخورد و روی همه‌ی اینها، به خیمه‌ی منور حضور امام و نظر فراگیر آن بزرگوار و اراده‌ی همه جا حاضر او- که واقعاً مثل کوه پشت سر ما بود- دلخوش و دلگرم

بودیم.

هم زحمت میکشیدیم، هم محنت عمومی را درک میکردیم، هم از احساسات و تلاشها و فداکاریهای مردم به هیجان می‌آمدیم و هم در یک فضای آمیخته به معنویت و عرفان و حماسه و اراده و عزمی که از وجود و حضور امام ناشی میشد، زندگی میکردیم. این، واقعاً چیزی است که دیگر قابل تکرار و تجدید نیست.

پیشفرض لازم برای ترسیم اهداف آینده

هر جا که باشیم، بایستی تصمیم را بر این قرار بدهیم که با هماهنگی کامل و با یاد امام، به سمت هدفها حرکت کنیم. حالا که امام را نداریم، اما یاد ایشان برای ما زنده و مشخص است. باید بینیم که امام چه فکر میکردند و چگونه حرکت مینمودند، تا ان شاء الله آینده را به این شکل ترسیم کنیم.

در دیدار با فرزندان ممتاز شهدا، مسئولان امور فرهنگی بنیاد شهید و گروهی از دانشجویان امامیه پاکستان، ۱۳۶۸/۰۵/۲۵

احیای انگیزه‌ی فداکاری؛ خدمت بزرگ انقلاب و امام به ملت و اسلام

در گذشته، متأسفانه در کشور ما و بسیاری از کشورهای اسلامی دیگر، رسم سرمایه‌گذاری برای دین و تحمل مشکلات برای خدا، منسوخ و یا بسیار کم شده بود؛ چه رسد به کشته شدن در راه خدا. یکی از بزرگترین خدمات انقلاب و امام به ملت و اسلام، احیای انگیزه‌ی فداکاری در راه خدا - چه در ایران و چه در سایر کشورهای اسلامی - بود. امروز، نفوس طیبه‌ی بسیاری، حاضر به تلاش و تحمل زحمت و قبول دردسر و بذل جان برای خدا هستند و مظهر بزرگ آن، همین شهدای عزیز ما هستند که شما بازماندگان و یادگارهای عزیز آنها هستید.

منشأ عظمت امام مجاهد

امام بزرگواری که نام و یاد او، دل قدرتهای طاغوتی را آب میکرد و کاخهای آنان را تکان میداد، عظمت خود را از اسلام گرفت. عظمت او، بخاطر این بود که خود را خادم اسلام و مسلمین میدانست و مجاهدت او و ملتش، به اسلام عظمت بخشید.

در دیدار با وزیر، معاونان و مدیران کل وزارت امور خارجه و سفرا و
رؤسای نمایندگیهای سیاسی خارج از کشور، ۳۱ / ۰۵ / ۱۳۶۸

خط مورد رضایت امام در دستگاه سیاسی

میداننداری سیاسی و موضعگیریهای وزارت خارجه در طول این چند سال، راه صحیح دیپلماسی انقلابی و اسلامی را ترسیم کرده است. به همین دلیل، همواره مورد تأیید امام و مسئولان هم قرار میگرفت. یعنی اگر ما برای جامعهی انقلابی و اسلامی، به دیپلماسی انقلابی و اسلامی قائل هستیم، باید در درجهی اول جهتگیری اسلامی حفظ شود و گستاخی و شجاعت در مقابل تهدیدهای دشمنان و قدرتهای بزرگ و نیز حاکمیت عقل و منطق بر تصمیم گیریها و حرکات، مورد توجه قرار بگیرد. این، خط درست دیپلماسی است.

علت رضایت امام از دستگاه دیپلماسی وقت

وقتی توانستیم خط روشن مواضع انقلابی و اسلامی را دقیقاً حفظ کنیم و مرعوب قدرتها نشویم و با کسی رودربایستی نداشته باشیم و فریب نخوریم، در حقیقت به ممشای انقلابی و اسلامی توجه کرده ایم. خوشبختانه، در طول این هشت سال، این خط به مرور رو به سمت تکامل بوده و محفوظ مانده است. لذا امام بزرگوارمان (رضوان الله تعالی علیه) - آن شخصیت حکیم والای دوراندیش نافذالبصیرة^۱ - با رضایت از وزارت خارجه و خط کلی دیپلماسی، از ما جدا شدند و دنیا را ترک کردند. ما بارها احساس رضایت ایشان را شنیده بودیم.

تاریخ انقضای عدم مذاکره با امریکا در نظر امام

البته، امریکا از مصادیق و مواردی است که ما ارتباط با او را قبول نداریم و رد میکنیم. سؤال میشود تا کی؟ پاسخ این پرسش را، هم امام (ره) و هم همه ی کسانی که در این باره صحبت کرده اند، گفته اند: تا وقتی که سیاستهای مبنی بر زور و ظلم و فشار و

۱ هوشمند و ژرفنگر.

ره، رهرو، رهبر / ۱۳۹

خصومت با جمهوری اسلامی و حمایت از دشمنان جمهوری اسلامی و پشتیبانی بی‌قید و شرط از دولت صهیونیستی خاتمه پیدا کند. امام فرمودند: «تا وقتی که آدم بشود». یعنی این روشهای غلط را اصلاح بکند. البته، حقیقتاً ما در جبین آن کشتی، نور رستگاری هم نمیبینیم و هياهوى رابطه و مذاکره هم، حرف مفتی است و هیچ‌کس هم نگفته است.

در دیدار با جمعی از مبارزان شیعه‌ی لبنان، گروهی از خانواده‌های معظم شهدا
و اقشار مختلف مردم تهران، ۱۳۶۸/۰۶/۰۱

نعمت رهبری امام خمینی در تغییر وضعیت ملت مجاهد ایران

امروز، کشور متعلق به مردم و در دست آنهاست. مردم، رئیس‌جمهور را انتخاب میکنند و نمایندگان قانونگذار را از قشرهای غالباً مستضعف و متوسط برمیگزینند. خود این ملت، توانستند با قدرت و مقاومت و مبارزه و مجاهدت و توکل به خدا و جمع شدن پشت سر یک انسان بزرگ و یک رهبر بی‌نظیر، خودشان را از آن وضعیت، به این وضعیت برسانند. این، نعمت خدا و خواست و اراده‌ی او بود.

تعجب نگاههای جهانی از عدم وقوع انتظاراتشان بعد از خلأ وجود امام

امروز، دنیا در مقابل ملت ما، با حال تعجب به اوضاع داخلی نگاه میکند. آنها انتظار داشتند که بعد از خلئی که از رحلت رهبر عظیم‌الشأن و امام فقید ما به وجود می‌آید، همه‌ی اوضاع مردم دگرگون بشود و همه چیز به هم بریزد و جنگ داخلی به وجود آید! آنها، این انتظارات و امیدها را تبلیغ هم میکردند و در رسانه‌ها و اظهاراتشان، منعکس میساختند. بحمدالله، علی‌رغم خواست آنها، همه چیز برخلاف نظرشان پیش آمد.

علت حمایت‌های مکرر امام و مردم از دولت

شما ملاحظه کردید که امام بزرگوارمان، بارها و بارها با تعبیرات گوناگون، از دولت تعریف میکردند و آن را تقویت و حمایت مینمودند. این، بخاطر آن بود که دولت، بدون حمایت مردم قادر نیست به وظایف خود عمل کند. بنابراین، باید حمایت مردم پشت سر

هر دولتی که از آرای مردمی و از رأی نمایندگان و حمایت مجلس برخوردار است، باشد. مردم باید از این دولت حمایت بکنند.

توصیه‌ی مکرر امام به مجلس برای رسیدن به کمال کارایی

البته، امام(ره) مکرراً توصیه می‌فرمودند که در مجلس، از تنازعات اجتناب بشود. من هم این توصیه را می‌کنم. مجلس باید آزاد باشد و هر کسی نظر و رأی خود را در آن ابراز کند؛ اما اظهار رأی، غیر از خصومت و تنازع و درگیری است. بحمدالله، امروز این توجه تا حدود زیادی در مجلس تأمین شده است. روحیه‌ی تنازع و خصومت را از بین ببرید و آن را به روحیه‌ی محبت تبدیل کنید. اگر چنانچه محبت باشد، کارایی به حد کمال خواهد رسید و اگر محبت نباشد و تنافر باشد، کارایی شما به حد کمال نخواهد رسید.

مردمی که اینقدر اخلاص و وفاداری و صفا نشان دادند و نسبت به امام بزرگوارشان، اینطور عاشقانه وفاداری و عزاداری کردند و با آن که داغدار و غمگین بودند، در انتخابات ریاست جمهوری و همه‌پرسی قانون اساسی، با آن حجم عظیم شرکت کردند و رئیس‌جمهوری را انتخاب و قانون اساسی را تصویب نمودند تا کار مملکت راه بیفتد و خلئی در کشور به وجود نیاید، این مردم وفادار و فداکار، شایسته‌ی آن هستند که کارهایشان انجام بگیرد. نباید طوری بشود که در مجلس شورای اسلامی، بخاطر اختلاف سلیقه و خدای نکرده نظرهای شخصی، به یک وزیر یا دو وزیر و یا بیشتر، رأی داده نشود و در نتیجه وزارتخانه‌ای بدون وزیر بماند. یک روز هم جایز نیست که وزارتخانه‌ای بدون وزیر بماند.

نگاه خاص جهان به مجلس دوره‌ی بعد از رحلت امام

دنیا می‌خواهد ببیند که اینها، دوره‌ی شروع کار بعد از رحلت امام را چگونه خواهند گذراند. ما نباید به دست دشمن بهانه بدهیم و زبانش را به روی خودمان باز کنیم و دل‌های امیدوار مردم را ناامید سازیم.

تعبیر ویژه‌ی حضرت امام از صدا و سیما

لازم است یادآوری کنم که این دستگاه حساس و پراهمیت که امام کبیرمان آن را دانشگاهی فراتر از پهنای تمامی کشور و ملت میدانستند، وظیفه‌ی ایجاد رشد فکری و فرهنگی و سیاسی و تبیین اسلام و مقابله با توطئه‌های تبلیغاتی را بر عهده دارد.

در دیدار با حجت‌الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور و هیأت وزیران، به همراه حجت‌الاسلام و المسلمین حاج سیداحمد خمینی، به مناسبت آغاز فعالیت کابینه، ۱۳۶۸/۰۶/۰۸

این همانی راه شهدا با راه امام (ره)

لازم است که در چنین روز و مناسبتی، یاد شهدای عزیز این روزها را گرامی بداریم. شهیدان عزیزمان مرحوم آقای رجایی و مرحوم آقای باهنر، حقیقتاً دو نمونه‌ی برجسته از یاران انقلاب و امام بودند. همچنین از مرحوم شهید عراقی یاد کنیم که سالگرد شهادتشان در همین روزهاست. ایشان نیز جزو فداییان امام (ره) بودند. إن شاء الله خداوند این عزیزان انقلاب را با اولیای خودش محشور کند و به ما هم توفیق حرکت با همه‌ی وجود در راه شهدای گرانقدرمان - که راه خدا و قرآن و امام است - بدهد.

حرکت در راستای رفاه مادی مردم؛ از آرمانهای اسلام و امام

مطمئنناً حرکت به سمت گشودن گره‌های مردم و باز کردن راه به سمت یک زندگی مرفه و سالم و خوب، که مردم از فراوانی و ارزانی و دیگر امکانات استفاده کنند، یک وظیفه‌ی اسلامی است که بر دوش همه - بخصوص بر دوش شما که مسئولان و مدیران کشور هستید - است. این کار، عملی است و قطعاً جزو آرمانهای اسلامی و امام عزیزمان می‌باشد.

علت ناراحتی امام از کج‌اندیشی‌ها و صداهای غیرمسئولانه

مسئولیت دیگر مردم، توجه به مشکلات کار است. در طول جنگ دیدیم که گاه صدای غیرمسئولانه‌ای از حنجره‌ای برمیخاست و مردم و امام بزرگوار را مغموم و افسرده میساخت و البته، افسردگی و هم‌ و غم امام و مردم، بخاطر ارزش این صداها نبود؛ بلکه بخاطر کج‌اندیشی تعدادی بود که مشکلات و حقایق این نظام را بعنوان یک تهدید جهانی درک نمی‌کردند.

در دیدار با اقشار مختلف مردم استان چهارمحال و بختیاری و جمعی از خواهران بسیجی شهرهای اصفهان، یزد، فومن و گروهی از طلاب پاکستانی، ۱۳۶۸ / ۰۶ / ۰۸

تکیه‌ی امام بر قدرت ایمان ملت ایران؛ در حوادث مهم

این حادثه^۱، یک روی دیگر هم داشت. آن روی دیگر، عبارت از قوت و قدرت ایمان ملت ما بود که عظمت حادثه، تحت‌الشعاع قوت آنها قرار گرفت. این، چیز بسیار بااهمیتی بود و امام بزرگوار ما (قدس‌الله نفسه و رضوان‌الله تعالی‌علیه) - آن مردی که با زبان پیامبران حرف میزد و از قلب پیامبران الهام می‌گرفت و حقایق را با چشم آنها میدید - روی این نکته تکیه کرد.



استفاده‌ی مناسب ملت از رحلت امام در اثبات قوت و حیات

اگر شما ملت، بعد از رحلت جانگداز و مصیبت‌بار امام (ره) - که حادثه‌ی خیلی عظیمی بود - قوی نبودید، زانوان شما میلرزید و از ادامه‌ی راه باز میماندید؛ ولی دیدید که زانوان شما نلرزید. این، نشانه‌ی زنده بودن ملت ماست که از حادثه‌ی رحلت امام - که همه‌ی دنیا تصور می‌کردند مردم را ضعیف خواهد کرد - برای قویتر شدن استفاده کرد. این، حیات یک ملت را نشان میدهد. یک ملت زنده، یعنی همین. یعنی از چیزی که همه‌ی دنیا خیال میکنند وسیله‌ی ضعف اوست، وسیله‌ی قوت خود را میسازد. بعد از رحلت امام، قضاوت دنیا در مورد شما مردم، ستایش‌آمیزتر شد و فهمیدند که این ملت، ملت قوی‌ای است. قوت شما بخاطر ایمان و اتحادتان است؛ چون به خدا مؤمنید و اتحاد کلمه دارید.

۱ شهادت شهیدان رجایی و باهنر.

قانون راه میانبر برای حاکم شرع، از نظر امام و رهبری

باید ابهام قوانین مبهم و تناقض قوانین متناقض برطرف بشود. باید ضدّ اسلامها، اسلامی بشود. یعنی اگر ما میخواهیم برگردیم و امام به قوانین و اصلاح آنها را انجام بدهیم، از این بُعد نگاه نکنیم، نه اینکه حالا ما قانون کم داریم، بیاییم قانون بگذاریم. نه، الحمدلله قانون فراوان است.

حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) مطلبی را در نظر داشتند که من هم در آن وقت عیناً همان نظر ایشان را قبول داشتم و الآن هم قبول دارم و آن این است که در مواردی، چون وضع ما وضع بدی است و از آن خط منطقی و درست خیلی عقبیم و تا بخواهیم خودمان را به آن خط - که خط قانونی است - برسانیم، احتیاج به راه میانبر داریم و اگر بخواهیم از راه میانبر حرکت نکنیم، ممکن است تا آنجا میرسیم، کار از کار گذشته باشد.

این، در اختیار همه نمیشد و اینطور نیست که هر کس و هر قاضی و هر دادستان و هر مسئولی در گوشه‌ای بخواهد چیزی را برخلاف قانون بگوید و مطرح کند که این قانون، قانون دست و پاگیری است و ما جلویش را میندیم. نه، اینطور نیست. این اختیارات، موارد کاملاً محدودی دارد که خود آن، یک قانون است و «من له الخيار» در جامعه‌ی اسلامی وجود دارد که با اجازه و رأی و اذن او، میشود راههای میانبری را برای رسیدن به آن حداقل مشی کرد که از آنجا انسان شروع کند و بر اساس قانون حرکت نماید و برود. این، فقط مستثناست و لاغیر.

در دیدار با اقشار مختلف مردم آباء، شال و تاکستان، هرسین و صحنه، بوین‌زهر، سلماس،

کنگان، چالوس، گرمسار، بیدگل و آران کاشان، ۱۳۶۸/۰۶/۲۲

صحنه‌هایی از پشتیبانی مردم از امام علی‌رغم مخالفت برخی خواص با ایشان

شما ملت عزیز، جوانان و میانسالان و پیرمردان و زنان و حتی نوجوانان به میدان جنگ رفتید، پشتیبانی کردید، پول دادید، دعا کردید، شعار دادید، تظاهرات سیاسی به نفع رزمندگان راه انداختید، از رهبر بزرگوار و عالیقدر حمایت کردید و کاری کردید که نه فقط دشمن مجبور شد عقب بنشیند و از تجاوز دست بردارد، بلکه به دشمن هم درس

سختی داده شد تا همه دنیا بفهمند که ایران اسلامی، لقمه‌ای نیست که بشود آن را به راحتی فرو داد و درباره‌ی او طبق میل جباران عالم عمل کرد.

در همان موقع که مردم این مسئله را خوب میفهمیدند، تعدادی علیه جنگ و دفاع و عزیمت به جبهه اعتراض میکردند و فریاد میکشیدند و شبنامه پخش میکردند! رادیوهای خارجی نیز حرف اینها را بزرگ میکردند و در دنیا پخش مینمودند تا شاید ملت ما آنها را بشنود و عزمش سست گردد. به یمن بیداری ملت، نتوانستند این کار را بکنند.

مثال دیگر در این خصوص، مسئله‌ی سیاست خارجی جمهوری اسلامی و موضع محکم و ضد استکباری نظام و مسئولان سیاست خارجی در مقابل زورگوییهای امریکاست. مردم، شعار «مرگ بر امریکا» را هرگز از زبان نینداخته‌اند؛ ولی در طول این چند سال، یک عده به اصطلاح عقلا و مصلحت‌اندیشها، همیشه مصلحت‌اندیشانه و به اصطلاح عاقلانه، مردم و مسئولان نظام و رهبر عظیم‌الشأن فقیدمان را نصیحت میکردند که شما چرا بیخود با امریکا- که در دنیا قدرتی است- رزم‌آوری و مبارزه میکنید؟! چرا خود را با غول وحشتناکی به جنگ می‌اندازید؟! این هم از همان جاهایی است که مردم ماهیت آن را فهمیده‌اند؛ اما بعضی از خواص نفهمیدند! آنها خیال میکردند که جمهوری اسلامی بدون هیچ علت و دلیلی، اقدام به ایجاد دشمنی با غول پر قدرتی در سطح جهان کرده است؛ در حالی که قضیه این نبود.

پابره‌نه‌ها؛ سربازان وفادار واقعی انقلاب از نظر امام

قشرهای ضعیف، شهرهای دورافتاده، مردم روستایی، عشایر، قشرهای متوسط شهری، اینها در طول این چند سال، سربازان وفادار واقعی انقلاب بودند که امام به «پابره‌نه‌ها» تعبیر میکردند؛ کسانی که از رفاه و زندگی عالی برخوردار نیستند و اکثریت مردم ما را تشکیل میدهند. باید جهتگیری برنامه‌ها، در خدمت اینها باشد که من احساس میکنم و میبینم که همینطور است.

پیام به مجمع بزرگ فرماندهان سپاه و بسیج، ۲۶ / ۰۶ / ۱۳۶۸

از برکات و ثمرات ارزشمند نفس روح‌اللهی

خدا را شکر که نفس روح‌اللهی آن عبد صالح و آن یادگار پیامبران و اولیاء(سلام‌الله‌علیهم)، نقشی معجز نشان و پایدار در کتیبه‌ی تاریخ نشانده؛ یعنی انسانهای والا و نفوس

ره، رهرو، رهبر / ۱۴۵

طیبه‌ای با تربیت پیامبرگون خود پدید آورد که در ظلمات جاهلیت و مادی‌تی که طاغوت‌های زمان و امپراتوران زر و زور در جهان پدید آورده و بر آدمیان تحمیل کرده‌اند، چون ستارگان فروزان بدرخشند و پرتو فضیلت و معنویت را در پیرامون خود بپراکنند و عروج روحی و معنوی و ارزش‌های حقیقی را به جهان بنمایند.

خدا را شکر که زحمت و تلاش آن وارث پیامبران و راهرو راه آنان را برکت بخشید و پاداش او و امتش را با پیروزی عظیمی که قرن‌ها آرزوی همه‌ی مصلحان و ژرف‌اندیشان اسلامی بود، ارزانی داشت و این پیروزی را با فتوحات درخشانی در عرصه‌های گوناگون و از همه بالاتر، در عرصه‌ی تربیت و تزکیه‌ی نفوس جوانانی که پایه‌های استوار و پاسداران بیدار انقلاب و نظام اسلامیند، ضمانت نمود و فتح‌الفتوحی را که کلید همه‌ی پیروزیهاست، نصیب او ساخت.

شما جوانان و جوانمردانی که سابقه‌ی مجاهدت در جنگی هشت ساله را به‌مثابه‌ی بزرگترین افتخار دوران انقلاب برای خود کسب کرده‌اید، از جمله‌ی ارزشمندترین دستاوردهای امام فقید بزرگوارمان در تلاش چندین ساله و پُرمراتش میباشید.

ضرورت حفظ سرمایه‌ی محبت امام به جوانان مجاهد و مخلص

امام بزرگوار، به شما جوانان مجاهد و مخلص، محبتی پدرانانه داشت و قلب منور او از شما راضی بود. این محبت و رضایت، سرمایه‌ی ارجمندی است که باید گرامی داشته شده و حفظ شود. بی‌شک، محبت و رضایت روح مطهر آن سلاله‌ی نبوت و امامت نیز همان برکاتی را خواهد داشت که رضایت و محبت او در دوران زندگی پُربرکتش میداشت.

خط امام در سیاست بین‌الملل

ما- همانطور که امام راحل عظیم فرمود- در سیاست خود برای رسیدن به صلح، در چهارچوب قطعنامه‌ی شورای امنیت جدی هستیم و هرگز پیشقدم در تضعیف آن نخواهیم بود؛ ولی حفظ آمادگیهای گوناگون، مخصوصاً آمادگی روحی برای دفاعی

جانانه از اسلام و انقلاب، بالاترین فریضه‌ای است که امروز متوجه شما و همه‌ی نیروهای مسلح است. سپاه و بسیج و ارتش، باید این آمادگی را در حد اعلی حفظ کنند و نگذارند اندک فتوری در عزم و اراده‌ی مردانه‌ی آنان پدید آید.

در دیدار با اقشار مختلف مردم نائین و ابرده خراسان و جمعی از خانواده‌های شهدای تهران،
گرگان و چهاردنگه، اعضای جمعیت هلال احمر، مسئولان واحدهای فرهنگی
بنیاد شهید و خواهران دانشجوی دانشگاه اصفهان، ۱۳۶۸ / ۰۶ / ۲۹

ناآگاهی‌های ساده‌دلان؛ دلیل برآشفتن و افشاگری‌های امام

درسی که اربعین به ما می‌دهد، این است که باید یاد حقیقت و خاطره‌ی شهادت را در مقابل توفان تبلیغات دشمن زنده نگه داشت. شما ببینید از اول انقلاب تا امروز، تبلیغات علیه انقلاب و امام و اسلام و این ملت، چقدر پر حجم بوده است. چه تبلیغات و توفانی که علیه جنگ به راه نیفتاد جنگی که دفاع و حراست از اسلام و میهن و حیثیت و شرف مردم بود. ببینید دشمنان علیه شهدای عزیزی که جانشان - یعنی بزرگترین سرمایه‌شان - را برداشتند و رفتند در راه خدا نثار نمودند، چه کردند و مستقیم و غیرمستقیم، با رادیوها و روزنامه‌ها و مجله‌ها و کتابهایی که منتشر می‌کردند، در ذهن آدم‌های ساده‌لوح در همه جای دنیا، چه تلقینی توانستند بکنند.

حتی افراد معدودی از آدم‌های ساده‌دل و جاهل و نیز انسانهای موجّه و غیرموجّه‌ی در کشور خودمان هم، در آن فضای ملتهب جنگ، گاهی حرفهایی می‌زدند که ناشی از ندانستن و عدم احاطه به حقایق بود. همین چیزها بود که امام عزیز را برمی‌آشفتن و ادار میکرد که با آن فریاد ملکوتی، حقایق را با صراحت بیان کند.

ولی نعمتهای حقیقی از نظر امام

امیدواریم که خداوند به همه‌ی شما برادران و خواهران، مخصوصاً کسانی که خدمتگزار خانواده‌های عزیز شهدا و اسرا و جانبازان و مفقودان هستند، توفیق بدهد. همانطور که امام و رهبر عظیم‌الشأن فقیدمان بارها میفرمودند، اینها ولی نعمتهای حقیقی ملتند و کسانی هستند که قدرت و صلابت امروز ملت و دولت ایران در دنیا، به برکت فداکاری و ایثار آنهاست.

سلام بر لرزاننده‌ی ارکان سلطه‌ی مستکبران

صلوات و سلام خدا بر شاهد شهیدان و امام مجاهدان و اسوه و مقتدای صالحان و رفعت‌بخش کلمه‌ی پیامبران - حضرت امام خمینی (قدس سره و اعلی الله کلمته) - که آتش خشم مستضعفان را بر هیمة فسق و فساد و کفر و الحاد و ظلم و استکبار جهانی افکند و ارکان سلطه‌ی مستکبران را متزلزل ساخت.

تأثیر رهبری ولی الهی در دفاع از مهین اسلامی

ملت رشید ایران به دفع تجاوز برخاست و با دفاع مقدس از کیان اسلام و مهین اسلامی، سیلی محکمی بر دشمن نواخت و با سلاح و صلاح و در سایه‌ی رهبری ولی خدا، آنچنان حماسه‌ی استقامت و رشادت مظلومانه و سرسختانه‌ای سرود که در تاریخ، به مثابه‌ی درس بزرگی باقی خواهد ماند و صراط مستقیم مبارزان و آزادیخواهان را ترسیم خواهد کرد.

نتایج ابتکار امام در پذیرش قطعنامه

قبول قطعنامه‌ی ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی و رهبر عظیم‌الشان فقید آن، توطئه‌ی وسیع دشمن را بار دیگر با هدایت الهی به خود او برگرداند و دشمن را که تحت شعار صلح‌طلبی، به هر جنایتی دست میزد، خلع شعار کرد. شاید مشیت الهی بر این بود که با قبول قطعنامه، حقانیت جمهوری اسلامی بیش از پیش در جهان آشکار شود و ملت ایران به هدفهای اساسی خود در سطح بین‌المللی نزدیکتر گردد.

با این ابتکار جمهوری اسلامی، دشمن در دوراهی شکست قرار گرفت: اگر اجرا شود، ایران اسلامی به خواسته‌های خود رسیده است و اگر اجرا نشود، داعیه‌ی همیشگی جمهوری اسلامی مبنی بر لزوم قطع ریشه‌ی تجاوز و رابطه‌ی میان تجاوز عراق و حاکمیت سلطه در جهان و اینکه رژیم عراق در ادعای صلح‌طلبی صداقت نداشته است، به اثبات میرسد و بی‌اعتمادی به قرارهای ساخته‌ی قدرتها که جمهوری اسلامی همواره

مدعی آن بوده است، در میان ملت‌ها رایج خواهد شد و آنها را بر تکیه‌ی فقط به نیروی خویش، تشویق خواهد کرد.

فرمان امام به حفظ آثار جنگ

همانگونه که امام عزیز فرمودند، حفظ آثار جنگ در بعضی از شهرها و مناطق جنگی، در شمار وظایف مهم کنونی است. این کار و بازسازی یادگارهای دوران مقاومت پیروز و تشکیل موزه‌ی جنگ، باید در برنامه‌های دولت و سازمانهای نظامی قرار گیرد.

در مراسم اعطای نشان فتح به فرماندهان سپاه و ارتش در عملیات ظفرمندان‌ی بیت‌المقدس، ۱۳۶۸/۰۷/۰۵

اصرار و تأکید امام بر ماندگاری توأمان سپاه و ارتش

ما باید ارتش و سپاه را بعنوان دو سازمان و دو بازوی مسلح و دو تشکیلاتی که امام تا آخرین روزها اصرار داشتند این دو سازمان بمانند و قوی بشوند، نگه داریم و تقویت کنیم

اینکه گفته بشود ما میخواهیم به نفع ارتش، سپاه را ضعیف کنیم یا به نفع سپاه، ارتش را ضعیف سازیم، بطور قاطع وجود نخواهد داشت و ندارد. البته، در گذشته هم تا آنجا که من از سیاستها و تدابیر حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) و کاری که براساس تدابیر ایشان از سوی مسئولان و جانشین محترمشان انجام میگرفت، باخبرم؛ چنین چیزی وجود نداشته است.

این تعبیر دو بازو، عیناً همان تعبیری است که امام (رضوان الله تعالی علیه) به خود من گفتند. راجع به همین مسئله‌ی سپاه و ارتش صحبت بود که ایشان دو بازوی مبارکشان را بلند کردند و گفتند: «هر دو، دو بازوی جمهوری اسلامی هستند و باید باشند». حقیقتش هم همین است. من هم بدون اینکه در این نظر شکی داشته باشم، از اول اعتقادم همین بوده است که این دو سازمان وجود دارند و هر دو لازم و مکمل یکدیگرند. تدبیر این است که هر دو سازمان، با این دید به مسائل خود و سازمانشان و مسائل سازمان دیگر نگاه کنند؛ نه اینکه با دید حدسی، ارزیابی نمایند.

ره، رهرو، رهبر / ۱۴۹

هر دوی اینها- همانطور که امام(ره) فرمودند و من هرچه فکر میکنم، بهتر از این تعبیر پیدا نمیکنم- دو بازو هستند و هیچ آدم عاقلی، یکی از دو بازوی خودش را قطع و یا ضعیف نخواهد کرد.^۱

در دیدار با جمعی از بسیجیان و روحانیون تهران، مدرسان و طلاب اهل سنت استان خراسان، اqtشار مختلف مردم اردستان و مسئولان و کارکنان گمرک کشور و گروهی را اعضای حزب الله لبنان، ۱۳۶۸/۰۷/۰۵

علت فشارهای وارده از سوی امریکا در کلام امام

همانطور که دیدید، در این ده سال بخاطر اسلام به ما همه چیز گفتند: کهنه پرست، مرتجع، بی تمدن، فئاتیک!^۲ در سفری که من به پاکستان میرفتم، امام امت (رضوان الله علیه) فرمودند که شما به علمای پاکستان بگویید: فشارهای وارده بر ما از سوی امریکا و ارتجاع و شرق و غرب، نه بخاطر ایرانی بودن ماست؛ بلکه بخاطر اسلام است. آن روزی که دنیا احساس کند- العیاذ بالله- ما نسبت به اسلام جدی نیستیم، آن روزی که دنیای مستکبر احساس کند ما حاضریم روی اسلام معامله کنیم و بی تفاوت شده ایم، این فشارها تمام خواهد شد. من، عین بیان حضرت امام را به علمای پاکستان- که جمع کثیری از علمای مسلمین بودند و از همه ی اقطار پاکستان آمده بودند- گفتم.

در دیدار با جمعی از مسئولان و کارکنان نهادها و سازمانهای خدماتی و حمایت کننده از مستضعفان و محرومان، ۱۳۶۸/۰۷/۱۲

دم عیسوی امام و نهضت عظیم ملت؛ مانع خلط حق و باطل

البته، نهضت عظیم روحانیت و ملت به رهبری امام عظیم الشان بزرگوار ما، شعارهایی را مطرح کرد که نگذاشت حق و باطل با یکدیگر ممزوج بشود. وقتی مردم در طول

۱ مضمون این مطلب در «مراسم ششمین دوره ی فرماندهی و ستاد دانشگاه امام حسین(ع)، ۱۳۶۸/۰۸/۲۹» و «در دیدار با گروه کثیری از معلمان و مسئولان امور فرهنگی کشور و جمعی از کارگران، به مناسبت روز معلم و روز جهانی کارگر، ۱۳۶۹/۰۲/۱۲» و «در مراسم بیعت گروه کثیری از فرماندهان و اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت سپاه، ۱۳۶۸/۳/۱۷» و «در مراسم بیعت فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸/۰۴/۱۹» و «پیام به مجمع بزرگ فرماندهان سپاه و بسیج، ۱۳۶۸/۰۶/۲۶» و «حکم انتصاب علی شمخانی به سمت فرماندهی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸/۰۸/۰۸» و «پیام به چهارمین مجمع بزرگ فرماندهان و مسئولان دفاتر نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰/۰۶/۲۵» نیز تکرار شده است.

پانزده سال، بتدریج حق را شناختند و آن را از باطل جدا کردند، مسئله فیصله پیدا کرد. انقلاب پیروز شد و بعد از انقلاب هم، امام (رضوان الله تعالی علیه و اعلی الله کلمته و مقامه) با آن دم عیسوی نگذاشتند حق با باطل ممزوج بشود.

اثبات عشق مردم به امام و معرفی عاشقترین عشاق

نظامی که آحاد مردم، خودشان دست به دست هم میدهند و آن را به وجود می آورند و بعد با همه‌ی وجود، به ایجادکننده‌ی آن نظام عشق میورزند نظام حقی است. اگر این ابراز عشق مردم را در زمان حضرت امام (رضوان الله علیه) می‌گفتیم، در آن وقت یاوه‌گویی بود که بگویند: نخیر، اینطور نیست، مردم به امام عشق نمیورزند!! لیکن رحلت این بزرگوار و آن حوادث عظیم، واقعیتها را نشان داد. ده سال و چند ماه، امام در میان ما مردم زندگی کرد و در تمام این لحظات، آحاد مردم به آن مرد بزرگ عشق ورزیدند و هرچه گفت، آن را دین خودشان دانستند و فریضه‌ی الهی فرض کردند.

چنین نظامی، حق است و مردم او را میخواهند؛ چون برای مردم است، نه بر مردم و چون آنها را به راه حق و هدایت میکشاند؛ در حالی که شما میدانید در این ده سال، سخت‌ترین حوادث بر این ملت وارد آمد. در همین ده سال، جنگ هشت ساله‌ای بر مردم وارد آمد و تحمیل شد. چقدر مردم شهید دادند، چقدر جوانان معلول و از سلامتی محروم شدند، چقدر بر اثر فشار و محاصره‌ی اقتصادی دشمنان جهانی، از لحاظ وضع معیشت بر ضعف و مردم سخت گذشت. درعین حال، عاشقترین عشاق امام و انقلاب، همان ضعف بودند. چرا؟ چون میدانستند که راه درست است و فشارها هم ناشی از درستی راه میباشد.

ملاک حق و باطل در نظر امام (ره)

یک وقت در جریانی، امام بزرگوار (رضوان الله تعالی علیه) میفرمودند که وقتی دشمن از انسان تعریف کند و دشمنی نکند، انسان در خودش شک میکند. وقتی بدگویی میکند و فشار می‌آورد، انسان خوشحال میشود و اطمینان پیدا میکند که راه درست است. اینکه دشمن فشار می‌آورد و الآن هم با کمال شدت فشار می‌آورد، بخاطر درستی راه است. این

ره، رهرو، رهبر / ۱۵۱

حکومت - که راهش درست است و برای مصلحت مردم و در خدمت آنهاست - حکومت حق است. ملاک حق و باطل، در اینجا معلوم میشود.



وظیفه‌ی مردم در حمایت و پشتیبانی از دولت و مسئولان نظام

امام در تمام مدت ده ساله، اصرار داشتند که مردم باید از دولت و مسئولان دولتی و قوه‌ی مجریه و قوه‌ی قضائیه حمایت کنند. این، به معنای آن نبود که قوه‌ی قضائیه یا قوه‌ی مجریه یا مسئولان دولتی آن روز، هیچ خطا و یا اشتباهی نداشتند. خیر، هیچ انسانی خالی از خطا نیست. این، به معنای آن بود که وقتی خط و راه درست است و حکومت در جهت صحیح حرکت میکند، دشمن فشار می‌آورد و بنابراین، آحاد مردم به حمایت و پشتیبانی از کسانی که این کاروان عظیم را پیش می‌برند و هدایت و پشتیبانی میکنند، موظفند.



تبعیت از امام در اعلان وجوب حمایت از دولت

امروز هم، همانگونه است. من، به تبعیت از امام بزرگوارمان (رضوان الله تعالی علیه) اعلام میکنم که امروز حمایت و کمک به مسئولان کشور، یک واجب و فریضه‌ی شرعی است. همه‌ی مسئولان کشور - کسانی که این بار سنگین را بر دوش گرفتند - شایسته‌ی این هستند که مردم از آنها حمایت کنند. واجب است که از رئیس‌جمهور و دولت و قوه‌ی قضائیه حمایت شود. حمایت کنید تا تقویت شوند و بتوانند توقعاتی را که از آنها میرود، برآورده کنند.



دو سازمان مورد تأیید همیشگی امام راحل

هم سازمان بهزیستی که یکی از سنگینترین و سختترین کارها را بر دوش دارد و هم کمیته‌ی امداد امام که یکی از مبارکترین نهادهای انقلاب بعد از پیروزی انقلاب بوده است و حَقّاً و انصافاً آثار بسیار خوبی را بی‌سروصدا داشته و بحمدالله همیشه هم مورد تأیید امام بزرگوار و فقیده‌مان (رضوان الله تعالی علیه) بوده است. باید باز هم إن شاء الله آن خدمات را دنبال کنند.

حکم انتصاب آیت‌الله محمد محمدی گیلانی، آیت‌الله احمد جنتی و حجت‌الاسلام و المسلمین عباس محفوظی
به سمت نمایندگان ولی فقیه در دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۶۸/۰۷/۱۵

توصیه‌های مکرر امام در اهمیت دانشگاه

اهمیت دانشگاه و نقش دانشگاهیان در نظام جمهوری اسلامی و برای آینده‌ی آن، از جمله اموری است که مدیران کشور و مخصوصاً متصدیان امور فرهنگی، نباید لحظه‌ای نسبت به آن غفلت ورزند. امام فقیه و عظیم‌الشان ما، در دهها سند مکتوب و توصیه‌ی شفاهی مضبوط، این مهم را گوشزد و نسبت به آن تأکید فرموده‌اند.

در دیدار با جمع کثیری از اقشار مختلف مردم شهرهای شاهرود، خلخال، بیرجند، قیدار، خمسه، تیران و چالوس، روحانیون و معاونان دفاتر عقیدتی، سیاسی نیروی زمینی ارتش و جمعی از شیعیان استان سرحد پاکستان، ۱۳۶۸/۰۷/۱۹

نصیحت به تهمت‌زنان به امام و انقلاب

یکی از پیامهای عمده‌ی انقلاب ما، وحدت مسلمین است. ما در همه جای دنیای اسلام، این حرف را می‌زنیم و به کسانی که در کشورهای مختلف، همه‌ی هم‌تشان را برای مقابله با انقلاب اسلامی و وارد آوردن تهمت و بستن دروغ به آن یا به رهبر فقیه عظیم‌الشان انقلاب یا نقد آرای ملت مسلمانی که در اینجا با همه‌ی وجودشان، در راه خدا و اسلام مخلصانه مبارزه می‌کنند، گذاشتند؛ نصیحت می‌کنیم.

در دیدار با میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، روحانیون و مسئولان و ائمه‌ی جمعه و برادران اهل تسنن و تشیع استانهای کردستان و کرمانشاه و جمعی از اقشار مختلف مردم قزوین، مبارکه، سرخه و خواف، ۱۳۶۸/۰۷/۲۴

امام(ره)؛ در خط مقدم مبارزه با تهاجم فرهنگی

شما در همین اواخر ملاحظه کردید که وقتی استکبار جهانی به برکت انقلاب اسلامی، با رشد معنوی اسلام مواجه شد و در جبهه‌ی نظامی و سیاسی نتوانستند انقلاب و جمهوری اسلامی را - که امروز مظهر و نمودار اسلام عملی است - بکوبند و شکست بدهند و خواستند به تهاجم فرهنگی دست بزنند، مزدور خودشان را وادار کردند تا به شخصیت رسول اکرم و نبی معظم اهانت بکند و شیطان‌صفتی، به دستور شیاطین زر و

ره، رهرو، رهبر / ۱۵۳

زور عالم، آن کتاب شیطانی را بنویسد که البته با پاسخ و عکس‌العمل قاطع مسلمین عالم و در مقدم آنان، امام بزرگوار و رهبر عظیم‌الشأن و فقید ما مواجه شدند که به هدر بودن خون آن شیطان صفت و اعدام او حکم کردند.

سخنرانی در دیدار با جمعی از علمای ائمه‌ی جمعه و جماعات، مسئولان دستگاه‌های اداری و نهادهای انقلابی و تشکیلات قضایی، جمع کثیری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و فرماندهان نیروی مسلح، به مناسبت میلاد باسعادت حضرت رسول اکرم(ص) و ولادت امام جعفر صادق(ع)، ۲۶/۰۷/۱۳۶۸

روحیات شخصی امام؛ منشأ بخش مهمی از پیروزیهای ما

مکرراً در طول این چند سال فکر میکردم و به ذهنم میرسید که بخش مهمی از پیروزیهای ما، ناشی از روحیات شخص امام(ره) است. یعنی آن بزرگوار، علاوه بر اینکه حقاً و انصافاً یک ذات ممتاز و تربیت شده و ریاضت کشیده و روی خود کار کرده بود- همه‌ی کسانی که از قدیم ایشان را میشناختند، این نکته را تصدیق میکنند- اما احساس میکردیم که در همین دوران انقلاب هم، ایشان در درون خود متوقف نبودند و مثل اولیای خدا و وجود مقدس پیامبر و ائمه- که دائماً در حال پیشرفت و تحول و تکامل بودند- سیر پیشرفت و تکامل را طی میکردند.

لحظه‌ی بعثت رسول اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله)، مثل لحظه‌ی رحلتشان نبود. در این بیست و سه سال، ایشان خیلی پیشرفته‌ها و ترقیات داشتند که برای ما افراد عادی، دهشت‌انگیز است. مؤمن اینگونه است و لحظه‌به‌لحظه در حال پیشرفت میباشد. امام(ره) نیز عیناً همینطور بودند و ما آن را- مخصوصاً در مواقع خاص- احساس میکردیم. مثلاً در ماه رمضان، ایشان معمولاً هیچ ملاقاتی نداشتند و بیشتر به خودشان میپرداختند. بعد از ماه رمضان که انسان با ایشان ملاقات میکرد، محسوس بود که نورانیتر و معنویتر شده‌اند.^۱ یقیناً بسیاری از موفقیت‌های انقلاب و این ملت، ناشی از همان کانون جوشان منور بود.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۲۸/۰۷/۱۳۶۸

تأثیر روح و نفس گرم امام در ناکامی برنامه‌های دشمن

این، سرّ بزرگی است که استکبار جهانی سعی دارد یا به نحوی ملت ایران را شکست

۱ مضمون این مطلب در «دیدار با اقشار مختلف مردم (روز یازدهم ماه مبارک رمضان)، ۱۸/۰۱/۱۳۶۹» و «در دیدار با اعضای کادر مرکزی جنبش انقلابی حزب‌الله لبنان، ۱۲/۱۲/۱۳۷۰» نیز تکرار شده است.

نسخه الکترونیکی

۱۵۴ / ره، رهرو، رهبر هرگونه بهره‌برداری بصورت چاپ و تکثیر ممنوع می‌باشد.
بدهد تا به ملت‌های دیگر بفهماند که ملت مقاومتی مثل ایران هم شکست خورد و این تجربه تلخ را برای ملت‌ها به وجود آورد و یا اینکه ملت ایران را به سازش بکشاند تا باز به ملت‌های عالم بگوید که ملت مقاوم پرشور پرحماسه‌ای مثل ملت ایران هم، آخرش مجبور شد تا با ما کنار و کوتاه بیاید.

بحمدالله تا امروز چنین چیزی اتفاق نیفتاده، بعد از این هم اتفاق نخواهد افتاد. تا ما هستیم، تا این ملت هست، تا روح و نفس گرم امام فقید عزیزمان در خاطره‌های ما و در این فضای انقلابی زنده است، چنین چیزی پیش نمی‌آید.

محبت امام در قلوب مردم؛ علی‌رغم تبلیغات منفی دشمن

ملت ما واقعیات را لمس میکنند و میبینند که واقعیتهای، درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که دشمن میخواهد به مردم تفهیم کند و بباوراند. مردم میبینند که مسئولان، در دل مردم جا دارند و به آنها محبت میورزند. در زمان حیات حضرت امام(ره) هم، تبلیغات بر این نقطه متمرکز بود که بگویند مردم از امام جدا شدند! البته، مردم ما به باطن و قلب خود که مراجعه میکردند، میدیدند که پُر از محبت امام است.

علت تأکید امام بر حمایت مردم از مسئولین؛ علی‌رغم آگاهی از ضعفها

این حس اعتمادی که مردم نسبت به مسئولان دارند، چیز بسیار باارزشی است. تبلیغات دشمن سعی میکند این حس اعتماد را از مردم بگیرد؛ در حالی که این حس اعتماد، در طول دوران بعد از انقلاب و حتی پیش از پیروزی آن، برای ملت و انقلاب ما کارساز بود. با همین روح اعتماد بود که مردم حرکت کردند، تجاوز دشمن را دفع نمودند و مملکت را نجات دادند.

این اعتماد، کشور را نجات داده است. این اعتماد، در طول دوران حیات بابرکت امام عزیزمان، به مسئولان شجاعت و جرأت کار داده است. در دوران امام بزرگوار، شما میدیدید که ایشان چقدر بر حمایت مردم از مسئولان تکیه میکردند. اینطور نبود که امام ضعفهایی را که در دستگاهها وجود دارد، ندانند و نبینند. امام(ره) ضعفها را شاید از

ره، رهرو، رهبر / ۱۵۵

بسیاری افراد هم دقیقتر و بهتر مشاهده میکردند. ضعفهایی که در دستگاههای دولتی و قوهی قضائیه و بخشهای مختلف دستگاه وسیع اداری کشور بود، بر امام پوشیده نبود؛ اما با وجود این، تأکید امام این بود که مردم باید با مسئولان همکاری کنند و پشت سر مدیران کشور قرار بگیرند، تا آن مدیران بتوانند این ضعفها را برطرف کنند. امروز هم همانگونه است.

برکاتِ استفاده‌ی دائمی از هدایت امام

به برکت هدایت امام و رهبر عظیم‌الشانمان، از گذرگاههای بسیار خطرناکی گذشتیم. با قوت و قدرت، راه را ادامه میدهیم و کشور را میسازیم و قدرتمان را از لحاظ اقتصادی و نظامی و سیاسی و توانایی عظیم فرهنگی اضافه میکنیم و روزبه‌روز در جامعه پیشرفت خواهیم کرد.

پیام به سمینار بررسی شخصیت زن از دیدگاه امام خمینی(ره)، ۱۳۶۸/۰۸/۰۳

لوازم بزرگداشت نقش زن در انقلاب؛ از منظر امام خمینی(ره)

معلم بزرگ انقلاب حضرت امام خمینی(ره) نقش زن را در انقلاب - چه در پیدایش و چه در استمرار آن- و نیز جایگاه او را در تکامل جامعه‌ی اسلامی و بلوغ اسلامی و انقلابی آن، بسی بزرگ میداشت و حق هم همین است و این مستلزم آن است که زن ایرانی و زن مسلمان، به مجاهدت خود برای رها شدن از دامهای پرداخته و در راه نهاده‌ی فرهنگ تباه‌گر غرب، با اراده‌ای راسخ ادامه دهد و به هیچ رو تسلیم اغوای آنان که زن را ابزاری برای پیشبرد سیاستهای ویرانگر و اسارت‌بار خواسته‌اند، نشود. ظرافتی هوشمندانه لازم است که میان تشخص و منزلت علمی و فرهنگی و اجتماعی و هنری و سیاسی زن، با تنزل و انحطاط او تا سطح وسیله و ابزاری برای مقاصد سیاسی و شخصی فرق گذاشته شود و این یک، با آنچه مطلوب و محبوب هر انسان آزاده و آگاه است، مشتبّه نگردد.

شما در چنین سمینارها و اجتماعاتی، باید روشهای درست برای ادامه‌ی خط امام و انقلاب در باب زن را تدوین کنید و تداوم این راه را تضمین نمایید.

در دیدار با ائمه‌ی جمعه، علما، مسئولان و اقشار مختلف مردم نیشابور، قصرشیرین، سرپل ذهاب، گیلان غرب، نفت‌شهر، سومار، رشت، خدابنده و قیدار و جمعی از روشندان و گروهی از زائران پاکستانی، ۱۳۶۸/۰۸/۰۳

تأثیرات محبت عاشقانه‌ی مردم به امام

شما ملتی هستید که بر اثر تجربه‌ی بزرگ انقلابتان و بخصوص بر اثر آزمایش عظیمی که در جنگ از خود نشان دادید و محبت عاشقانه‌ای که نسبت به امام بزرگوارتان - در حیات و مماتش - ابراز کردید و شجاعتی که در مقابل قدرتها از خود نشان دادید، در چشم ملت‌های دیگر، یک ملت بزرگ و قهرمان به حساب می‌آید و حق هم همین است. آیا این توجه و علاقه‌ی جهانی، به درد ملت ایران می‌خورد یا نه؟ بله، خیلی هم به درد می‌خورد. پشتیبانی ملتها از شما، دست دشمنان و قدرتها را در فشار به ملت ایران بسته و محدود کرده است. یعنی هرگونه فشاری از سوی دشمن و هر مظلومیتی از طرف ملت ما، ملت‌های دیگر را به حقانیت پیام ملت ایران بیشتر معتقد خواهد کرد و این، برای استکبار خطرناک است.

در کدام کشور سراغ دارید که رئیس یک کشور از خیابانی عبور کند و مردم بریزند و ماشین او را بوسند و نسبت به او اظهار علاقه و احترام کنند؟ در شهرهای مختلف کشور انقلابی ما، این مناظر مشاهده شده است و میشود. این علاقه‌ی ملت به مسئولان، بخصوص آن پیوند عاشقانه‌ای که ملت ایران با امام بزرگوار(ره) داشتند، از آن چیزهای نمونه‌ای است که ملت‌های دنیا را به این ملت جذب میکند.

در مراسم معارفه دریادار علی شمخانی، فرمانده نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸/۰۸/۰۹

قدمی مؤثر در راستای تحقق خواسته‌های امام، مبنی بر ارتباط سپاه و ارتش

خدا را سپاسگزاریم که این توفیق را به ما عنایت کرد تا یک قدم مؤثر و بزرگ در جهت ایجاد پیوستگی و ارتباط هرچه بیشتر بین دو سازمان بزرگ رزمی جمهوری اسلامی ایران برقرار کنیم و یکی از برادران برجسته و سرداران نام‌آور در صحنه‌ی جهاد مقدس را، از سازمان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به سازمان ارتش جمهوری اسلامی ایران منتقل کنیم و رابطه‌ای را که ملت ایران و - پیشاپیش همه - امام فقید عزیز

ره، رهرو، رهبر / ۱۵۷

بزرگوارمان (رضوان‌الله تعالی‌علیه) میخواستند میان این دو سازمان برقرار شود، در برترین شکل آن ایجاد کنیم. البته، چنین کاری بی سابقه نیست؛ اگرچه بسیار کم سابقه است.

در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه
(روز ملی مبارزه با استکبار)، ۱۳۶۸/۰۸/۱۰

خط امام؛ خط دانشجویان تسخیرکننده‌ی لانه‌ی جاسوسی

حادثه‌ی سوم، در همین روز اتفاق افتاد. اینجا دیگر مسئله برعکس شد. یعنی جوانان ما و دانشجویان مسلمان پیرو خط امام - همان اسمی که خودشان آن را انتخاب کرده بودند و گویا بود و جهت را روشن میکرد - به سفارت امریکا حمله کردند و آن حادثه‌ی عجیب تاریخی اتفاق افتاد.^۱

در دیدار با شعرا، فیلمسازان، آهنگسازان، عکاسان و هنرمندان رشته‌های تجسمی
حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸/۰۸/۲۱

ضرورت هدفگذاری هنر بر مبنای حفظ خط امام و انقلاب

من میگویم حالا که در دورانی زندگی میکنیم که آن آلودگیها و گرفتاریها کم شده و یا در معیارهای موجود زندگی ساقط شده است و در معیارهای دوران بعد از انقلاب، این حرفها بیش از گذشته عیب است، نباید چیزهای دیگری را به حجت و مجوز هنرمند بودن، جایگزین همان گرفتاریها بکنیم. به اعتقاد من، غرض این است که آن خط اصیل اسلامی و ناب و قرآنی که همان خط انقلاب اصیل و خط امام ماست، حفظ شود.

آشکار شدن هویت هنری امام بعد از رحلت ایشان

هویت هنری امام، بعد از رحلتشان برای همه آشکار شد. شاید خیلیها اصلاً نمیدانستند که امام اهل شعر یا شاعر است؛ آن هم شعر با این مایه از لطافت عرفانی و آن سوخته‌حالی مخصوص یک انسان عارف دل‌باخته. این بزرگوار، با آن روح عرفانی، همان کسی است که صدایش قویترین صداها علیه استکبار جهانی بود. یعنی لطافت

۱ مضمون این مطلب در «خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۶/۱۰/۲۶» نیز تکرار شده است.

روحی با قوت اراده‌ی آنچنانی همراه میشود و بزرگترین کارهای روزگار ما را انجام میدهد.

در مراسم ششمین دوره‌ی فرماندهی و ستاد دانشگاه امام حسین(ع)، ۱۳۶۸/۰۸/۲۹

مأموریت‌های عمده‌ی سپاه با توجه به فرمایشات امام

به نظر من، سه مأموریت عمده برای سپاه وجود دارد که اینها را باید توجه کنند:

مأموریت اول سپاه؛ دفاع مسلحانه از انقلاب

اول، دفاع مسلحانه از انقلاب و نظام اسلامی است که این، مأموریت محوری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.

مأموریت دوم سپاه؛ سازماندهی ارتش بیست میلیونی

دوم، سازماندهی و آموزش ارتش بیست میلیونی است. این ارتش که اول بار، امام عزیزمان در اولین ماههای انقلاب بر زبان مبارکشان جاری کردند و از آن یاد نمودند، باید وجود خارجی پیدا کند. سخنان امام بزرگوار و فقید عزیز ما، نباید مثل امواجی در فضا گم بشود و بتدریج محو گردد. به عکس، این سخنان باید روزبه‌روز، به عمل نزدیکتر شود. نباید روزبه‌روز کمرنگ بشود؛ بلکه باید پُررنگتر بشود و تجسم و تبلور پیدا کند. ما حقیقتاً باید یک ارتش مردمی متشکل از بیست میلیون جمعیت در این کشور داشته باشیم که امروز هنوز نداریم. البته، آحاد مردمی زیادی به جبهه‌ی جنگ شتافتند و مبارزه و جانفشانی کردند و بعضی از بسیجیان به مقام فرماندهیهای والا در سپاه پاسداران نائل شدند و خود یک فرمانده بزرگند و امروز هم در سپاه هستند؛ اما به همان چیزی که امام(ره) فرمودند، احتیاج داریم: ارتشی متشکل از بیست میلیون جمعیت؛ ارتشی که وقتی صلا و ندا داده شد، به فاصله‌ی چند ساعت، در مراکز و یگانهای خود مستقر بشوند؛ ارتشی که فرمانده و یگان خود را بشناسند، حتی نقطه‌ی استقرار خود را بشناسند و بدانند ساز و برگشان کجاست و در اختیار بگیرند و آموزش‌های لازم را داشته باشند. ما بایستی چنین ارتشی را داشته باشیم. چه نهادی این ارتش را درست خواهد کرد؟ سپاه

ره، رهرو، رهبر / ۱۵۹

پاسداران انقلاب اسلامی. این، حداقل نیمی از مأموریت سپاه را تشکیل خواهد داد. این، کاری است که باید سپاه بکند و متناسب با سپاه است و لاغیر.

مأموریت سوم سپاه: تشکیل هسته‌های مردمی حزب‌الله در سراسر جهان

مأموریت سوم، همان چیزی است که امروز سپاه پاسداران در قالب سپاه قدس یا نیروی قدس، از آن یاد میکند و امام بزرگوارمان تشکیل هسته‌های مردمی حزب‌الله در سراسر جهان را یکی از آرزوهای خود و یکی از دستورهای کار آینده‌ی انقلاب اسلامی در سطح جهان قرار دادند. بی‌شک، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در این مورد مأموریتی خواهد داشت.

تلاش برای تحقق خواسته‌های امام نسبت به سپاه

ما برآنیم که ان‌شاءالله مدرنترین و بهترین تشکیلات و تجهیزات را تا حدی که امکانات کشور اجازه بدهد، برای نیروهای مسلح - هرکدام به تناسب نیازشان - از جمله برای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فراهم بکنیم. باید فراهم بشود، اینها لازم است. اگر ما اینها را داشتیم، ان‌شاءالله سپاه را به صورت قوی و مقتدر - همانطوری که امام عزیزمان میخواستند - خواهیم داشت.

معنای صحیح کلام امام مبنی بر «عدم دخالت نیروهای مسلح در دسته‌بندیهای سیاسی»

یکبار دیگر، نکته‌ای را که بارها از زبان امام بزرگوارمان صادر شده بود، برای شما بازگو میکنم و آن این است که نیروهای مسلح، نباید در دسته‌بندیهای سیاسی دخالت کنند. معنای این حرف، آن نیست که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سیاست نفهمد. نه، سیاست به وسیله‌ی همه‌ی آحاد ملت - حتی نیروهای نظامی - باید فهمیده بشود. آنچه لازم است، قدرت تحلیل سیاسی است. آنچه ممنوع است، ورود در دسته‌بندیها و کارهای سیاسی است. اینها را از هم تفکیک کنید.

همه‌ی شما، به درک صحیح نظامی و سیاسی و فهم سیاستهای رایج دنیا احتیاج دارید. بدون آن، انگیزه‌ی دفاع در انسان سست خواهد شد. اما همه‌ی شما هم به پرهیز

۱۶۰ / ره، رهرو، رهبر

از دسته‌بندیها و فعالیتها و دعوای و جنگالهای سیاسی - که تباه‌کننده‌ی نیروهای مسلح است و امام عزیزمان بارها آن را تکرار کردند - احتیاج مبرم دارید.^۱

در دیدار با ائمه‌ی جمعه، روحانیون، مسئولان و اقشار مختلف مردم شهرهای کبودرآهنگ و بهار همدان، هشت‌پر طولش، سبزوار و مرند، اعضای ستاد نماز جمعه‌ی تهران، فرهنگیان و دانش‌آموزان گلپایگان و دست‌اندرکاران احداث حسینیه‌ی امام خمینی (ره)، ۱۳۶۸/۰۹/۰۱

تبیین تعبیر امام از اسلام امریکایی

چطور ممکن است که کسی هم مسلمان باشد و هم مطیع و منقاد امریکا؟! هم مسلمان باشد و هم اهل فساد و انحطاط و عیش و طرب و انواع و اقسام گرفتاریهای اخلاقی؟! هم مسلمان باشد و هم به مردم ظلم کند و در رأس قدرت ظالمانه‌ای قرار داشته باشد و به میل دشمنان اسلام بر مسلمانها فشار وارد کند. پس، همان تعبیر «اسلام امریکایی» - که امام فقید و بزرگوارمان مکرر بیان میکردند - تعبیر درستی برای اسلام آنچنان افراد و مدعیانی است.

پیام به گردهمایی سراسری فرماندهان بسیج، به مناسبت سالروز انتشار پیام رهبر فقید انقلاب برای تشکیل بسیج مستضعفان و گرامیداشت هفته‌ی بسیج، ۱۳۶۸/۰۹/۰۲

لیک عاشقانه‌ی مردم به ندای امام خمینی (ره) در تشکیل بسیج

سالگرد تشکیل بسیج مستضعفان، یادآور خاطره‌ی پُرشکوه مجاهداتی است که در دوران هشت ساله‌ی جنگ تحمیلی، زیباترین تابلوهای ایثار و فداکاری همراه با نجابت و فروتنی و توأم با شجاعت و رشادت را ترسیم کرده است.

خاطره‌ی صدها هزار جوانمرد روستایی و شهری، کاسب و کارگر، دانشجو و طلبه، پزشک و پرستار، مهندس و هنرمند، اداری و بازاری، پیر و جوان که عاشقانه به نداهای مکرر امامشان و محبوبشان و سلسله‌جنبان عشق مقدّسشان - حضرت امام خمینی (اعلی‌الله کلمته) - پاسخ گفتند و رو به خدا و پشت به دنیا کردند؛ برخی فوز شهادت یافتند و بعضی

۱ مضمون این مطلب در «دیدار با اعضای کادر مرکزی جنبش انقلابی حزب‌الله لبنان، ۱۳۷۰/۱۲/۱۲» نیز تکرار شده است.

ره، رهرو، رهبر / ۱۶۱

با اسارت و جراحت و نقص عضو آزمایش شدند و برخی جسم و جان مبارک خود را که سرشار از فیض و نور شده بود، سالم و کامل به خانه برگرداندند، تا همچون ذخیره‌ای برای دفاع در روز احتیاج، و در خدمت اسلام و انقلاب و میهن و ملت، از آن نگهداری کنند؛ «فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»^۱.

خلاصه‌ای از خداجوییها و ظلم‌ستیزیهای رهبر بسیجی ایران اسلامی

هفته‌ی بسیج، همچنین سرشار از یاد و نام آن بزرگمرد جهاننداری است که ندای دعوتش همچون صلاهی ربوبی در روز الست، فطرتها را مخاطب میساخت و از اعماق جان بلی‌گویان جواب میگرفت؛ خود عاشق بود و عاشقانه سخن میگفت؛ بنده‌ی سلم خدا بود و دلها را سلم خود میساخت؛ دردمندانه میخروشید و دردهای مهلکی را که افیون مخدر شیطانها از یاد آدمیان برده و از درمان محروم ساخته بود، علاج‌جویانه به احساس آنان برمیگردانید و به درمان نزدیک میساخت...؛ یاد و نام امام خمینی بزرگ که خداوند فتح‌الفتوح تصرف دل‌هشیاران این ملت و خیل عظیمی از مسلمانان و مستضعفان جهان را نصیب او ساخته بود و او با این سلاح الهی، قلعه‌های تصرف‌ناپذیر استکبار را یکی پس از دیگری گشود و رأس استکبار- یعنی امریکای جهانخوار- را مرعوب ساخت و تخت امپراتوریهای بی‌منزاع را متزلزل ساخت؛ مسلمانان جهان را بیدار کرد و هسته‌های مقاومت اسلامی را با دم گرم و صدای امیدبخش خود متشکل ساخت؛ جمهوری اسلامی را پدید آورد و از لابه‌لای هزاران مانع و مزاحم و معارض، به سلامت به اوج اعتبار و قدرت رسانید و خطرناکترین دشمنان آن- یعنی سردمداران نظامهای غربی- را بارها دچار ناکامی ساخت و متولیان نظامهای شرقی را از موضعی استوار و مسلط، به بطلان اندیشه‌های مذهب‌ستیز و انسان‌گریزشان هشدار داد، و هنوز یک سال از نامه‌ی پیامبرگون و تاریخی او به رأس هرم قدرت دنیای شرق نگذشته، اکنون جهان شاهد فروپاشی نظامهای مارکسیست در سراسر جهان است.

آری، رهبر کبیر انقلاب اسلامی که خود را بسیجی می‌شمرد و بدان افتخار میکرد،

۱ سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۲۳. برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند و [هرگز عقیده‌ی خود را] تبدیل نکردند.

جهانی را در مقابله با استکبار و قدرتهای ستمگر عالم بسیج کرد و خواب راحت را از چشم زورگویان زدود و نور امید را که کلید همه‌ی پیروزیها و پیشرویهاست، در دل ملتها تابانید. بی‌شک همه‌ی دستگاههای استکبار نیز به آسانی نخواهند توانست بذری را که او پاشیده، جمع کنند و بنایی را که او پی‌افکنده، ویران سازند؛ اگرچه بشدت و قساوتی عنادآمیز، با نتایج و ثمرات جهاد بزرگ او در مبارزه و معارضه‌اند.

خاموش کردن نور امید در دل ملت از اهداف همیشگی دشمنان

شرط پیروزی، اتکال و اعتماد به خدا، هوشیار و جدی و آماده بودن، حفظ وحدت، و فریب تبلیغات دشمن را نخوردن است. امروز یکی از تلاشهای دشمنان صرف آن میشود که نور امید را در دل ملت ما خاموش کنند و آنان را به اوضاع کشور و به دست‌اندرکاران و مجریان امور بدبین سازند. فاصله‌ای که دشمنان ملت مایلند میان ملت و دولت به وجود آید، همان چیزی است که اگر خدای نخواستہ موفق شوند، دست آنان و ایادی حقیر و ریاکار و خبیث آنان در داخل را برای ضربه زدن به کشور و انقلاب باز خواهد کرد. این، هدف همیشگی دشمن بوده و هست؛ و لذا اصرار همیشگی امام فقید و عظیم آن بود که پیوند میان ملت و مجریان امور مستحکمتر شود.

راه امام در عرصه‌ی دفاع از ملت‌های مظلوم

ما همچنان و همیشه مدافع ملت‌های مظلوم و زیر یوغ استکبار هستیم و خواهیم بود. ما همواره در کنار ملت مسلمان و مبارز و رشید فلسطین، بر ضد صهیونیسم جنایتکار هستیم و خواهیم بود، و به برادران فلسطینی خود توصیه میکنیم که راه خدا- یعنی مبارزه با دشمن غاصب و حامیانش- را با توکل و اعتماد به خدا و تا نابودی دولت صهیونیست غاصب ادامه دهند. ملت بزرگ و بسیجیان مؤمن و فداکار ما، دفاع از فلسطین را فریضه‌ای دینی می‌شمارند و در راه خدا هیچ هدفی را دست‌نیافتنی نمیدانند. ما همواره از حق ملت مظلوم افغانستان در برابر آنان که با او به زور یا تزویر عمل کرده‌اند، دفاع خواهیم کرد و معتقدیم ملت افغان که با نثار خون هزاران شهید توانسته نیروهای

ره، رهرو، رهبر / ۱۶۳

بیگانه را از خانه‌ی خود بیرون براند، در سایه‌ی توکل به خدا و قطع امید از قدرتهای مداخله‌گر و کسانی که به آنان خدمت میکنند، خواهد توانست نظام اسلامی مستقل از شرق و غرب و مبتنی بر خواست و اراده‌ی ملت را در کشور خود مستقر نماید. ما خود را همواره نسبت به ملت مقاوم و مظلوم لبنان که دستخوش توطئه‌ی مشترک صهیونی، مارونی، امریکایی است، دارای تکلیف دانسته‌ایم و خواهیم دانست. این، راه ما و وصیت امام عظیم‌الشأن ما و دستور اسلام ماست و بدان همواره وفادار خواهیم ماند.

در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضایی حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۳۶۸/۰۹/۰۷

ضرورت پیشبرد فعالیت‌های حوزوی در چارچوب پیام امام

خداوند، نور و رحمت و فضل خودش را بر روان پاک امام عظیم‌الشأن ما- آن انسان استثنائی دوران معاصر- فروبارد که در آخرین قدمهای زندگی سرشار از برکت خود، چنین برکتی را به وجود آوردند. «مَنْ سَنَّ سُنَّةَ حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَأَجْرُ مَنْ عَمَلَ بِهَا!». هر کاری بکنید، دنباله‌ی آن سنت حسنه‌ای است که ایشان با پیام پُرطنین و پُرمحتوا و سرشار از روح و تپش خود، بنیانگذاری کردند. این را دنبال کنید و سعی نمایید در همان چارچوبی که امام در آن پیام آوردند، کار را محتوا بدهید و پیش ببرید؛ یعنی نگذارید اندکی توقف در کار به وجود آید.

لزوم استخراج اهداف حوزه از پیام امام و برنامه‌ریزی برای تحقق آنها

اگر تشکیلاتی به وجود آمد، اما هدف روشنی نداشت، یا هدف داشت و لیکن برنامه‌ریزی برای رفتن به سمت آن هدف انجام نگرفت و تشکیلات بیکار ماند، به‌خودی‌خود، تشکیلات از هم خواهد پاشید و اگر هم بماند، صورت بیجانی خواهد بود. خاصیت تشکل انسانی این است. هدف را محدد کنید و مشخص نمایید که میخواهید چه کار کنید. هدف را از پیام امام(ره) بگیرید. امام در این پیام، پیشنهاد و طرح خاصی را ارائه نفرمودند؛ اما اول تا آخر پیام، سرشار از جهت‌ها و اعلام لازم و تابلوهای سر راه است که انسان را هدایت میکند. باید هدف این پیام مبارک- که من دیدم آقایان

روی آن کار خوبی کردند و نکات پیام را استخراج نمودند و روی آن تأمل و دقت کردند- روشن بشود و حیطة بندی گردد. باید مشخص بشود که میخواهیم در حوزه چکار بکنیم. بعد بر اساس آن هدف، برنامه ریزی کنید و بر پایه ی آن برنامه ریزی، هر دستگاهی مشغول کار خودش بشود.

اگر بتوانید کاری بکنید که هر طلبه ی احساس مسئولیت داری در قم، صبح که بلند میشود، همچنان که به فکر برنامه ی درس و بحث روزانه اش است، بداند که برای آن هدف چکار باید بکند. این، شکل ایده آل کار است و حد اعلی میباشد. لیکن اگر این کار هم نشود، همین اندازه معلوم باشد که شما میخواهید ده سال دیگر چه اتفاقی در قم بیفتد و حوزه در ده سال دیگر چه فرق و تفاوتی با امروز داشته باشد. این، تعقیب همان هدف است. این را مشخص کنید و بر اساس آن هدف، برنامه ریزی نمایید.

نقش و جایگاه مراجع در پیام امام به حوزه

سؤالی پیش می آید و آن این است که رابطه ی این مجموعه با هدفهای عمومی حوزه، چه رابطه ای است؟ آیا حوزه ی علمیه باید بدست طلب و با اراده و فکر آنها متحوّل و متغیر بشود یا شکل دیگری وجود دارد؟ طبیعی است که در حوزه، مراجع معظم حضور دارند که آنها طلبه ها و فضلا و مدرّسان سابق و مراجع امروزند. یعنی راهی را که شما امروز طی میکنید، آنها مثلاً چهل یا پنجاه سال پیش، با سلامت طی کرده اند و امروز مرجع تقلید شده اند. پس، نقش آنها در آینده ی حوزه، نقش بسیار بارزی است؛ کما اینکه در همین پیام هم، امام(ره) به نقش مراجع در آینده تصریح میکنند.

تفکر امام در تعیین جهت حرکت عمومی حوزه

امام(ره) در پیام خود، به جامعه ی مدرّسین اشاره کردند و خطاب به طلباب فرمودند که شما جذب جامعه ی مدرّسین بشوید. مسئله، جذب شدن است. جذب شدن به چه معناست؟ همه میتوانند این نکته را بفهمند. امام در پیام خود، جهت را مشخص کردند. در آن وقتها، حرف و فکری در حوزه رایج بود و به آن دامن هم زده میشد که جامعه ی مدرّسین را از همه ی امور حوزه و انقلاب، بکلی مسلوب الاعتبار و الاختیار بکنند. امام با

ره، رهرو، رهبر / ۱۶۵

پیام خود خواستند با این فکر معارضه کنند و صریحاً نیز مبارزه کردند. توصیه‌ی امام به فضلا و مدرّسان این بود که به نظر طلبان جوان انقلابی مؤمن توجه شود و با آنها گرم بگیرند و به همان طلبان انقلابی هم گفتند که شما جذب جامعه‌ی مدرّسین بشوید. پس نمیشود ما یک حرکت طلبگی و حوزه‌ای عمومی داشته باشیم؛ در حالی که این طرف از آن طرف جدا باشد. این دو طرف، یک جریان هستند که باید با هم باشند و همچنان که در اساسنامه‌ی شما آمده است، مجموعه‌ی طلبان، مجموعه‌ی مدرّسان را در رتبه و رده‌ای بالاتر از خودشان مشاهده کنند.

شورای مدیریت هم همینطور است. البته، شورای مدیریت و جامعه‌ی مدرّسین، هر دو عناوینند. اگرچه اشخاص محترم و بزرگوار فراوانی در این مجموعه‌ها هستند که ما باید به حضور چنین عناصری در مجموعه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی خود افتخار کنیم؛ اما آنچه که مورد نظر امام بزرگوار و عزیزمان بود، عنوان شورای مدیریت و جامعه‌ی مدرّسین است.



حضرت امام(ره)؛ ریشه‌ی اصلی برکات نازل بر کشور

حوزه‌های علمیه - مخصوصاً حوزه‌ی علمیه‌ی قم - در تصویر مطلوب و ایده‌آلی، یک کارگاه ایدئولوژی و مرکز ایدئولوگهاست. البته - همانطور که مطرح کردم - تاکنون حوزه این نقش را مستقیماً به عهده نگرفته است. اگرچه برکات نازل بر این کشور، از شخص شخیص امام بزرگوارمان - که ریشه‌ی همه چیز و مایه‌ی اصلی همه‌ی این برکات بود - ناشی میشد و دیگران همه متخرجان حوزه‌اند؛ اما این غیرمستقیم است. حوزه باید مستقیماً در این مسائل دخالت کند.

در دیدار با اقشار مختلف مردم و جمعی از پزشکان، پرستاران و کارکنان
مراکز آموزش عالی و درمانی کشور، ۱۳۶۸ / ۰۹ / ۱۵

تلاش برای تحقق فرمایشات امام مبنی بر حاکمیت اسلام

نظام اسلامی، نظامی است که قصد اجرای تمام احکام و موازین اسلامی را بصورت کامل دارد. این نظام، مایه‌ی سعادت انسان و سربلندی ملت و کشور و مایه‌ی آبادی روی

زمین و کشور و منطقه‌ی زیست و مایه‌ی شادی محیط زندگی و نیز استحکام خانواده و اصلاح روابط اجتماعی میان مردم و خلاصه مایه‌ی خوشبختی زندگی مادی و معنوی انسانهاست.

شما موظف هستید با این برنامه‌ها آشنا شوید و باید در حدی که برایتان میسر است، در پیاده کردن این برنامه‌ها مؤثر باشید. در درجه‌ی اول، مسئولیت متوجه افراد عالم و آگاه و دانا و علمای دین است و سپس همه‌ی کسانی که آگاهی و معرفتی دارند و میتوانند مردم را آگاه و روشن کنند. رفتار شما بیش از گفتارتان بایستی مردم را در این خط صحیح پیش ببرد و این همان شعار جمهوری اسلامی و حاکمیت اسلام و پیاده شدن آن است که امام بزرگوارمان در بیانات متعدد و از اول پیروزی انقلاب تا آخرین روزهای زندگی پُربرکتش، به ما میفرمود.

در دیدار با هیأت نظارت، بازرسان و ناظران شورای نگهبان و هیأت اجرایی انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس و خانواده‌های شهدا، اسراء، مفقودان و جانبازان استانهای فارس و همدان، ۱۳۶۸/۰۹/۲۲

علت تأکید امام بر حضور مردم در صحنه‌های سیاسی

بیشتر مردمی که در کشورهای پیشرفته هستند، درک و تحلیل از مسائل سیاسی ندارند و دولتها با تعصبهای گروهی و حزبی و احياناً قومگرایی و ناسیونالیستی، آنها را به این طرف و آن طرف میکشانند و در میدانهای سیاست، از آنها استفاده میکنند و اصولاً توده و عامه‌ی مردم، تحلیل سیاسی ندارند.

اما در اسلام اینگونه نیست. همین حالا در جامعه‌ی اسلامی ما، مردم تحلیل سیاسی دارند. همین قشرهای محروم کشور، همین عشایر سلحشور غیور، همین عزیزانی که در استان فارس در چادرها یا کوره‌دهها و راههای دور زندگی میکنند - که جمعی از آنها هم در این محفل حضور دارند - تحلیل سیاسی دارند. در سایر مناطق کشور هم که من در میان قشرهای مردم رفتم و با آنها صحبت و نشست و برخاست کردم و در مناطق و خانه‌ها و چادرهای خود، زیارتشان کردم، تحلیل سیاسی دارند و سیاست را میفهمند و نسبت به مسائل کشور، دارای عقیده و انگیزه و مقصود هستند و میفهمند که ما امروز در دنیا با چه کسی طرفیم و توطئه‌ی استکبار جهانی و امریکا یعنی چه. میفهمند که چرا

ره، رهرو، رهبر / ۱۶۷

دشمن جنگ را بر ما تحمیل کرده بود و متوجهند که دنیای استکباری و قدرتهای مسلح عالم، در جنگی که بر ما تحمیل شد، چرا دائماً از دشمن ما حمایت میکردند و هنوز هم بسیاری از آنها میکنند. این، تحلیل سیاسی و یک بُعد زندگی انسان مسلمان است. لذا در طول مدت ده سال و چند ماهی که امام فقید بزرگوارمان (رضوان الله تعالی علیه) در میان ما بودند و رهبری امت ما و مسلمانان عالم را بر عهده داشتند، در بیانات ایشان میبینید که بر حضور مردم در صحنه‌های سیاسی تأکید میکردند.

حجت شدن انقلاب برای مردم دنیا توسط امام

امام بزرگوارمان در این برهه از زمان، این انقلاب را برای همه‌ی مردم دنیا حجت قرار داد تا بدانند که ملت‌ها میتوانند کار کنند و ببینند که اراده‌ی ابرقدرتها در سرنوشت کشورها و ملت‌ها تعیین‌کننده نیست. امروز، ملت‌ها میبینند که مردم ایران، با اتکال و اعتماد به خدا توانست حرف خود را به کرسی بنشانند. ما به برکت انقلابمان و به برکت اسلامی که این انقلاب را به وجود آورد و به برکت تبعیت از امام و رهبر عظیم‌الشأن فقیدمان، توانستیم راهی را برویم که برای مردم دنیا ناشناخته بود.

در دیدار با جمع کثیری از دانشجویان و طلاب حوزه‌های علمیه، ۲۹/۰۹/۱۳۶۸

وحدت حوزه و دانشگاه؛ تعبیری از قلب حکیم امام

مسئله‌ی این روزها، حول و حوش دانشگاه و حوزه‌ی علمیه و وحدت دور میزند. این سه واژه و مفهوم، در انقلاب بسیار مهم است. عنوان وحدت حوزه و دانشگاه - که امام بزرگوارمان این تعبیر و مفهوم را از قلب حکیم عارف و ملهم از ارشادات الهی صادر کردند - بر سه پایه‌ی اساسی متکی است و این سه پایه - یعنی حوزه و دانشگاه و وحدت - جزو مسائل اصلی این انقلاب و کشور است.

ترس دشمن از گسترش یاد و عشق امام

یک جوان مسلمان فلسطینی میگفت: امروز در زندانهای سرزمین اشغالی، زندانیها به

عشق امام و به یاد رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی، شعر میخوانند. یاد انقلاب و امام و یاد مجاهدتهای ملت ایران، در اعماق همان سلولها هم هست. دشمن از همین میترسد.

در دیدار با روحانیون، مسئولان و گروهی از اقشار مختلف مردم شهرهای دامغان، رفسنجان، بندرگز، شهریار و زاهدان، مسئولان و کارکنان هواپیمایی جمهوری اسلامی، مسئولان و کارکنان سازمان حفاظت اطلاعات ارتش و مسئولان و مربیان نهضت سوادآموزی، ۱۳۶۸/۱۰/۰۶

برخی از اصول انقلاب اسلامی و مورد تأکید امام

ما در انقلابمان، از اول چند اصل را فهمیدیم. اسلام به ما این اصول را تعلیم داد و امام حکیم عظیم فقیه بزرگوارمان، بارها این اصول را به زبانهای مختلف تکرار کرد. یکی از این اصول این بود که هر نظامی که بر پایه‌ی مردم بنیانگذاری نشده باشد، ماندنی نیست. مردم هستند که میتوانند نظامی را به وجود آورند و وقتی به وجود آوردند، حفظ کنند؛ ولو تمام قدرتها با آنها مخالفت کنند. اگر نظامی بر دوش مردم و بر پایه‌ی اعتقادات و احساسات و خواست و اراده‌ی آنها نبود، این بنا ماندنی نیست. این، یکی از اصول ما بود و دائماً این مطلب تکرار شد.

اصل دیگر این بود که تحمیل یک فکر و عقیده و نظم اجتماعی بر مردم، کار موفقی نیست. مخصوصاً آن وقتی که این فکر و عقیده، با دین و عقیده‌ی دینی مردم منافات و مخالفت داشته باشد. این، جزو اصول فکری و اسلامی ماست. آنچه که بالاخره باقی میماند، اعتقاد قلبی و دینی مردم است.

راه امام در مخالفت با تضعیف دستگاههای مسئول کشور

من به تبعیت از امام بزرگوارمان، با تضعیف دستگاههایی که کارهای حساسی را بر دوش دارند- از جمله دستگاه امور خارجه‌ی ما و کسانی که در جبهه‌ی مقدم برخورد با سیاستهای خارجی قرار دارند- بشدت مخالفم. این، چه عادت زشتی است که بعضی نقاط مثبت را اصلاً نمیبینند و تا یک نقطه‌ی منفی مشاهده میکنند، از هر طرف صدای سیاسی و مطبوعاتی و... بلند میکنند!

در دیدار با مسئولان بنیاد شهید، خانواده‌های معظم شهدا و مفقودان و اسرا و جانبازان شهرهای رودبار، منجیل، ساوه، اراک، محمودآباد آمل و فریدن و خانواده‌های معظم شهدای وزارت اطلاعات، ۱۳/۱۰/۱۳۶۸

نمونه‌ای دیگر از برکات اسلام و رهبری امام

امروز بحمدالله و به توفیق الهی، بانشاط‌ترین و سرزنده‌ترین و قویترین و شجاعترین ملت‌های دنیا، شما ملت ایران هستید و این را ملت‌های بزرگ دنیا قبول دارند و فهمیده و پذیرفته‌اند. این را برای خودتان حفظ کنید. شهدای شما امروز در صدر لوحه‌ی افتخار در میان ملت‌هایی هستند که انقلاب ایران را میشناسند و کم‌وبیش آگاهی دارند. امروز، جانبازان شما نمونه‌های بزرگ افتخار و شجاعت و فداکاری و یادگارهای دوران حماسه‌اند. امروز، خانواده‌های عزیز و عظیم‌الشأن شهدای شما کسانی هستند که همه‌ی منصفان عالم - کسانی که قضایای ایران و انقلاب ایران را میشناسند - آنها را باعظمت و بزرگواری و صبور و نیرومند به حساب می‌آورند. این را باید شما حفظ کنید. این، به برکت اسلام و رهبری امام عظیم‌الشأن و به برکت وحدت کلمه‌ی شماست. اینها را برای خودتان نگه دارید. شیطانها باید از نفوذ در افکار ملت ایران مأیوس شوند.

پیام به نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مردم ایران درباره‌ی حفظ وحدت و یکپارچگی، حمایت از دولت، جایگاه مجلس شورای اسلامی و دفاع از اصل ولایت فقیه، ۱۸/۱۰/۱۳۶۸

معرفی برخی الزامات و بایسته‌های مدنظر امام خمینی و علل آنها

این‌جانب، ضمن تشکر از همه‌ی افراد و گروه‌های مزبور که در گرامیداشت وحدت و در تقویت پیوند میان دولت و ملت اعلام موضع کردند، به‌ویژه از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی که با هم‌آوازی اکثریتی قاطع، عدم اختلاف در مسائل اساسی را عملاً نشان دادند،

تذکراتی را به همه‌ی برادران و خواهران و عموم ملت ایران عرض میکنم:

علت تأکید امام بر وحدت همه جانبه

(۱) یکپارچگی اقشار مختلف مردم و اعتماد و محبت میان ملت و دولت، یکی از مهمترین علل موفقیت و قدرت ملت ایران در برابر خصومتها و توطئه‌های دشمنان در دوران ده ساله بوده و لذا امام فقید و عزیزمان (رضوان‌الله تعالی علیه) بیش از هر چیز بر آن تأکید

کرده و اصرار ورزیده است. اکنون که دشمنان از تحمیل جنگ و فشارهای اقتصادی و محاصره‌ی تبلیغاتی برای به زانو درآوردن ملت ایران طرفی نبسته‌اند، مهمترین تلاشهای خود را در ایجاد تفرقه در صفوف شما ملت عزیز و مسئولان محترم متمرکز ساخته و با توجه به فقدان خسارتبار امام بزرگوارمان، به توفیق خود در این حرکت شیطانی چشم امید دوخته‌اند. بر همه‌ی کسانی که دلشان برای اسلام و استقلال و سربلندی کشور میتپد، فرض و لازم است که امروز بیش از هر روز، از وحدت صفوف ملت پاسداری کنند و اختلافات سلیقه‌ای و سیاسی و شخصی را به تنازع و تفرقه نکشانند. مخصوصاً نمایندگان محترم ملت در مجلس شورای اسلامی، باید به دقت مراقب باشند که مبادا خدای نخواستہ اظهارات آنان، دلسردی و یأس را از تریبون عمومی مجلس، در سطح جامعه پراکنده سازد؛ بلکه قولاً و عملاً مظهر یکپارچگی ملت باشند.

حمایت امام از دولت و توصیه‌ی این کار به دیگران

۲) همه میدانند که امام فقید و عزیزمان، حمایت از دولت را وظیفه‌ی همیشگی خود و دیگران میدانستند و در طول ده سال اخیر، در کنار تذکرات و ارشادات پدرانہ، همواره از دولتهایی که پی‌درپی در رأس کار بوده‌اند، بیدریغ و سخاوتمندانه حمایت میکردند. این، بدان معنی نبود که دولتهای گذشته هرگز در عمل و سیاست و تدبیر دچار اشتباه نمیشدند؛ بلکه از آن رو بود که تحمل بار سنگین اداره‌ی کشور، آن هم در شرایط دشوار جهانی و با وجود دشمنان سوگندخورده‌ی کوچک و بزرگ، جز با حمایت صمیمانه‌ی عموم ملت و در رأس همه، رهبر و مقتدای آنان، به‌هیچ‌وجه امکان‌پذیر نبود. امام عزیز با حمایت دولت، در حقیقت بخشی از سهم سنگین خود در اداره‌ی کشور را ایفا میکردند. ■

مجلس در تعبیر امام حکیم

۳) مجلس شورای اسلامی، نقطه‌ی امید نظام و مظهر اقتدار و اختیار ملت است. جایگاه مقدسی است که همیشه و در همه‌ی احوال، میتواند و میباید رأی و اراده‌ی ملت مسلمان و انقلابی را به کرسی بنشانند و مصلحت مردم را در شکل مقررات لازم‌الاتباع در بافت و رفتار نظام و حکومت، تضمین کند. خانه‌ی مردم و ملجأ دولت مردمی و مظهر

ره، رهرو، رهبر / ۱۷۱

ارزشهای اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه وآله) و به تعبیر امام حکیم و فقیدهان، عصاره‌ی فضایل ملت است.



اصل ولایت فقیه؛ یادگار ارزنده امام راحل

۴) اصل ولایت فقیه و پیوستن همه‌ی راههای اصلی نظام به مرکز ولایت، نقطه‌ی درخشان نظام اسلامی، و تحقق آن، یادگار ارزنده و فراموش‌نشدنی حضرت امام خمینی (ره) است. مردم ما در طول یازده سال اخیر، وفاداری و اخلاص کامل خود را نسبت به این اصل، در همه‌ی میدانها نشان داده‌اند و امام عظیم‌الشأن ما، خود بزرگترین مدافع و سرسخت‌ترین پشتیبان این اصل و پذیرای جدی همه‌ی آثار و لوازم آن بود. این اصل، همان ذخیره‌ی پایان‌ناپذیری است که باید مشکلات نظام جمهوری اسلامی را در حساسترین لحظات و خطرناکترین گرده‌های مسیر پُرخطر جمهوری اسلامی حل کند و گره‌های ناگشودنی را بگشاید. دفاع غیورانه‌ی امام عزیز از مسئله‌ی ولایت و رهبری - که بی‌گمان تصدی رهبری به وسیله‌ی خود آن بزرگوار، کمترین تأثیری در آن نداشت - ناشی از درک و ایمان عمیق به همین حقیقت بود و امروز اینجانب به پیروی از آن بزرگوار، با همه‌ی وجود و توان از این اصل و لوازم آن دفاع خواهم کرد و به کمک الهی، به تکلیف خود در همه‌ی موارد عمل خواهم کرد. خدشه در التزام به ولایت فقیه و تبعیت از رهبری، خدشه در کلیه‌ی نظام اسلامی است و اینجانب این را از هیچ‌کس و هیچ دسته و گروهی تحمل نخواهم کرد. البته امروز بحمدالله و توفیقه، کلیه‌ی آحاد و گروه‌های خط امام، ملتزم به ولایت فقیه و تبعیت از رهبری میباشند و امید است که زمینه برای رمی افراد و گروهها به عدم التزام به آن، هرگز فراهم نگردد.

در دیدار با جمع کثیری از اقشار مختلف مردم قم، به مناسبت فرارسیدن ۱۹ دی‌ماه
(سالروز قیام مردم قم)، ۱۳۶۸/۱۰/۱۹

علمدار مبارزه‌ی اسلامی؛ محصول حوزه‌ی علمیه‌ی قم

قم، یک ذخیره‌ی الهی برای اسلام بود. تقریباً هفتاد سال قبل، حوزه‌ی علمیه‌ی قم به دست مردی بزرگ و برگزیده‌ای از برگزیدگان خدا - مرحوم آیت‌الله العظمی حائری - کار گذاشته شد و این حوزه بعنوان یک مرکز، برای همه‌ی طالبان به وجود آمد. تقریباً

۱۷۲ / ره، رهرو، رهبر

چهل سال بعد از این تاریخ بود که نهضت اسلامی از قم زبانه کشید و یکی از شاگردان مکتب آن مرد بزرگ - یعنی همان بزرگمرد استثنایی تاریخ ما و رهبر و مقتدا و امام فقیدمان، حضرت امام خمینی (قدس الله نفسه الزکیة و اعلی الله کلمته) - پرچم مبارزه‌ی اسلامی را در قم برافراشت.

تحقق حیات طیبه‌ی اسلامی؛ هدف ملت ایران از حرکت و فداکاری در راه امام

یک نکته در باب وظایف عمومی ملت باید مورد توجه قرار بگیرد و آن این است که هدف ما ملت مسلمان ایران که پشت سر امام بزرگوارمان حرکت و انقلاب کردیم و مردم جان و خون دادند و متحمل رنجها و مصایب شدند، چه بود؟ هدف از همه‌ی این جریانات عظیم که به هدایت الهی، از روز اول تا امروز پیش رفته است، عبارت بود از اینکه در این کشور و در این خانه‌ی اسلام، حیات طیبه‌ی اسلامی تحقق پیدا کند.^۱

تأثیر شجاعت امام در پیروزیهای ملت

مهم این است که ملت ایران، روح و نشاط انقلابی را در خود حفظ کند. شما باید شجاعت تان را حفظ کنید. این ملت و انقلاب و کشور، در درجه‌ی اول با شجاعت آن رهبر بزرگ - که شجاعتی شبیه پیامبران و اولیای بزرگ خدا در او بود - و سپس با شجاعت یکایک آحاد این مردم توانست تا اینجا بیاید. قدرت و شجاعت، نرسیدن از غیر خدا و حفظ نشاط انقلابی خواهد توانست به توفیق و اعانت الهی، ما را به تمام هدفهایمان برساند.

در دیدار با جمع کثیری از زنان شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، کرمان، قم، قزوین، یزد، کرج و استانهای چهارمحال و بختیاری و مازندران، ۱۳۶۸/۱۰/۲۶

امام؛ احیاگر ارزشها و شخصیت زن

همه‌ی ما، بخصوص زنهای این جامعه، باید حقگزار و قدردان رسالت و پیام آن رهبر و پیشوای فقید عظیم الشانی - یعنی امام بزرگوار(ره) - باشیم که با قیام و حرکت خود و با

۱ مضمون این مطلب در «دیدار با گروههای مختلف مردم و میهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم دهه‌ی فجر و کنفرانس اندیشه‌ی اسلامی، ۱۳۶۸/۱۱/۱۲» نیز تکرار شده است.

ره، رهرو، رهبر / ۱۷۳

مطرح کردن ارزشها و عظمت‌های اسلامی و درخشندگی‌های شخصیت‌های صدر اسلام - از جمله فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) - ما و بیش از همه زنهای ما را زنده کرد.

اسلام و انقلاب و امام آمد و در این کشور، زن را در مرکز فعالیت‌های سیاسی قرار دادند و پرچم انقلاب را بدست زنان سپرد؛ در حالی که زن در همان حال توانست حجاب و وقار و متانت اسلامی و عفاف و دین و تقوای خود را حفظ کند. کسی حقی از این بزرگتر بر گردن زن ایرانی و مسلمان ندارد.

به برکت انقلاب، زن ایرانی در راه بسیار خوبی افتاد. امروز، زن ایرانی میتواند در میدان علم وارد بشود و مدارج علمی را طی کند؛ در حالی که دین و عفاف و تقوا و وقار و متانت و شخصیت و حرمت زن مسلمان را هم حفظ کرده باشد. الآن در بین همین جمع شما، چقدر دانشجویان و اساتید و دانشمندان زن وجود دارند؟ همچنین زن میتواند در میدان علوم و آگاهی‌های دینی وارد بشود؛ بدون اینکه هیچ مانعی بر سر راهش باشد. الآن در بین همین جمع شما، عده‌ی کثیری از طلبات و دانشجویان و مدرّسان و اساتید علوم دینی هستند که در میدان فقه اسلامی و بینش دینی تحصیل میکنند. امام بزرگوارمان هم به این مسئله بسیار اهمیت میدادند و به همین خاطر دستور دادند که این مؤسسه‌ی قم تأسیس شود.

در دیدار با جمع کثیری از ذاکران و مداحان اهل بیت(ع) در خجسته سالروز ولادت صدیقه‌ی کبری حضرت زهرا(س)، ۱۳۶۸/۱۰/۲۸

حساسیت فوق‌العاده‌ی امام نسبت به مدح ائمه(ع) و پیوند با ایشان

امام عزیزمان - آن انسان بزرگ زمان ما - نسبت به مدح ائمه(علیهم‌السلام) حساسیت فوق‌العاده‌ای داشت. ما شرح حال آدم‌های بزرگ را در کتابها خوانده‌ایم و بعضاً هم از نزدیک دیده‌ایم؛ اما این انسان، انسان دیگری بود و با همه‌ی انسانهای بزرگی که ما شناخته‌ایم، فاصله‌ی زیادی داشت و حدش به همان حدود اولیاءالله میخورد. آن سبک انسان بود؛ نه مثل این انسانهای بزرگی که در دنیای امروز و گذشته وجود داشتند و بعنوان انسانهای بزرگ شناخته میشدند. رهبر بزرگ ما، با آنها تفاوت زیادی داشت.

۱۷۴ / ره، رهرو، رهبر

انصافاً شخصیت عظیمی بود. ایشان، در ارتباط با خواندن و مدح و زندگی ائمه (علیهم‌السلام) و پیوند عاطفی و محبت و تقویت این رشته، حساسیت فوق‌العاده‌ای داشت. کسی در این حد از مقام، اینقدر به این مسئله اهتمام بورزد، نشان‌دهنده‌ی عظمت این مسئله است.

در دیدار با وزیر و مسئولان وزارت کشور و استانداران، ۱۳۶۸/۱۱/۰۱

فرمایش امام مبنی بر کمک الهی پشت سرانقلاب

یک وقت درباره‌ی قضیه‌ای، خدمت امام (ره) مطلبی را عرض کردم- حالا تفصیل آن قضیه طولانی است- به ایشان عرض کردم که این تصمیمی که شما گرفته‌اید، واقعاً یک لطف الهی و کار خدا بود که شما به این فکر بیفتید. بعد از آن، حادثه‌ای اتفاق افتاده بود که اگر ایشان آن تصمیم را نمیگرفتند، برای ما خیلی مشکلات و دردسر درست میکرد. ایشان در پاسخ به من، مطلبی را فرمودند که در دفترم یادداشت کردم. ایشان گفتند: از اول انقلاب تاکنون، گویا در همه‌ی قضایا، دستی پشت سر این انقلاب، آن را یاری داده است. امام (ره) اینگونه قضاوت میکردند. نوع کمک الهی مختلف است. یک وقت است که آدم میگوید خدا پشت سر ماست و به ما کمک میکند؛ اما اینگونه و با این صراحت، ذهن بالای این مرد حکیم و هوشمند، همه‌ی دقایق ارتباطات را میدید. اینگونه نبود که امام (ره) چیزی را حمل بر تصادف بکند و بگوید حالا اینطوری پیش آمد. نه، آدم دقیق و ظریفی بود که همه‌ی جزئیات این ارتباطات و مسائل را میدید و بالاتر از اینکه مشاهده کند، پیش‌بینی میکرد.

در دیدار با جمعی از علما، مسئولان و مردم شهرهای لاهیجان و رباط کریم
و جمعی از مسئولان و مدیران سازمان مسکن سراسر کشور، ۱۳۶۸/۱۱/۰۴

ضرورت توجه به راه امام علی (ع) رغم فقدان امام

اگرچه ما امسال در حالی یادبود ورود امام بزرگوارمان به کشور و ایجاد تحول عظیم انقلاب بدست آن بزرگمرد را گرامی میداریم که او در میان ما نیست و این فقدان برای همه‌ی ما غمی جانگداز و سنگین است، اما اگر امام نیست، خدای او و راه و رهنمودها و انگشت اشاره‌ی نورانی او که همیشه ما را به راه راست هدایت میکرد، هست. مهم این است که ما کار بزرگ امام را بشناسیم و قدر بدانیم.



بزرگمرد برگزیده‌ی خدا برای نجات بشریت

ملت ما برای اینکه حرکتی انجام بدهند، آماده بودند. رهبر بزرگ و تفکر صحیحی لازم بود که آنها را هدایت بکند. این تفکر صحیح، همان تفکر اسلامی بود که در اعماق جان مردم، ریشه‌ی ایمانی و اعتقادی داشت و آن رهبر و انسان بزرگ هم، همان بزرگمردی بود که خدا او را برای نجات این ملت، بلکه نجات همه‌ی مستضعفان- به‌خصوص مسلمانها در زمان و قرن ما- برگزید و این انقلاب عظیم انجام گرفت.

از برکات امام برحق و وارث واقعی پیامبران

ما امروز، یک ملت زنده هستیم و به همین دلیل است که در طول این یازده سال، در کشور ما بقدری کار و تلاش و خدمت مفید انجام گرفته است که در دوران آن حکومت‌های جائر، امکان نداشت چنین کارهایی در چند برابر این زمان انجام بگیرد؛ چون خود مردم در صحنه‌اند و ثروتشان در دست امنای خودشان است و مسئولان کشور به سرنوشت ملت علاقه‌مندند و از میان خود مردمند و بر رفتار مدیران کشور، ایمان و تعهدات اسلامی حاکم است. قبل از این انقلاب، اینها کجا بود؟ همه‌ی اینها به برکت اسلام و انقلاب و آن انسان بزرگ و آن امام به‌حق و حقیقتاً وارث پیامبران و شخصیت برجسته‌ی دوران ماست. عظمت و شخصیت امام و قیام ملت نیز به برکت اسلام بود.

بزرگداشت دهه‌ی فجر؛ خنثی‌سازی نقشه‌ی مخدوش‌سازی سیمای منور امام

من، می‌خواهم به ملت عزیزمان بگویم که دهه‌ی فجر و بیست‌ودوم بهمن را قدر بدانید. این خاطره، بزرگترین خاطره‌ی ملت ما بعد از ورود اسلام به سرزمین و مرزهای ماست. البته، دشمنان اسلام و انقلاب، با یاد دوران پیروزی انقلاب دشمنند؛ اما علی‌رغم میل آنها، خاطره‌ی انقلاب را بزرگ بشمارید. در طول این ده سال، همیشه دشمنان ما خواسته‌اند به این انقلاب خدشه وارد کنند و سیمای منور امام را مخدوش نمایند. شما با گرامیداشت دهه‌ی فجر، تمایل دشمن را خنثی کنید.

امام خمینی(ره)؛ ترسیم‌گر راه آزادی و کمال

ملت ما به هر کیفیتی که زندگی بکند و به هر پیشرفتی که نائل بشود، در همه‌ی جریانهای زندگی، دشمن از بدگویی نسبت به انقلاب و کشور و نظام اسلامی، باز نخواهد نشست. کاری که دشمن میتواند بکند، تبلیغ علیه اسلام و انقلاب است. علی‌رغم این عمل دشمن، شما دستاورد بزرگ انقلابتان را قدر بدانید و اسلام و نظام اسلامی و انقلابی و راهی را که امام در مقابل ملت ما ترسیم کردند، حفظ کنید. امام، راه آزاد زیستن، کامل شدن، ساختن زندگی به شکلی که مورد رضای خدا و دستور اسلام است، سازندگی حقیقی زندگی و عدم سازش با قدرتهای ضداسلامی را به ما نشان داد. اینها، برای ما درسهای بیست و دوم بهمن است.

در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، در آستانه‌ی یازدهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۶۸/۱۱/۰۹

قیام‌الله، محور دید حکیمانه‌ی امام در طول زندگی

و اما آن نکاتی که به ذهنم رسید مطرح کنم، از این قرار است:

اول، مضمون آیه‌ای است که تلاوت کردم و خوب میفهمیم که این آیه، مدنظر امام فقید عزیزمان در طول زندگی‌اش بود: «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ». سالها پیش، نوشته‌ی ایشان در دفتر یادبود مرحوم وزیری را در یزد زیارت کردم. آن مرحوم، من را به منزلش برد و با تفصیلاتی، این نوشته را که در صندوقچه‌ای گذاشته بود و تقریباً در گوشه‌ای از خانه‌اش مخفی کرده بود، آورد و باز کرد و نوشته‌ی امام را که در سالهای دهه‌ی بیست نوشته بودند «قیام‌الله»، به من نشان داد. اصلاً محور حرف در نوشته‌ی ایشان، قیام‌الله بود. آن ذهن جوال وسیع و دید حکیمانه‌ی ایشان، این قیام‌الله را در آن دوران - که تازه از اختناق رضاخانی بیرون آمده بودند - بر کارهایی که به نظر شریفشان میشد انجام بدهند و باید افراد انجام میدادند و احساس مسئولیت میکردند، منطبق ساخت.

یکی دو صفحه نوشته بودند. آن نوشته، حاکی از یک حرکت ارتجالی نبود و معلوم

۱ سوره‌ی سبأ، آیه‌ی ۴۶. بگو: «من فقط به شما یک اندرز میدهم که: برای خدا به پا خیزید.

ره، رهرو، رهبر / ۱۷۷

میشود در ذهن شریف ایشان و در تمام مراحل زندگی، «أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ نَفْسِكُمْ» سابقه داشته است. بحمدالله دیگر برای همه‌ی ما و ملت ایران، در کلیات زندگی امامان چیز پوشیده‌ای باقی نماند. همه دیدند که حرکت و گفتن و سکوتش برای خداست و هر کاری که انجام میداد، با قصد قیام‌الله بود. تنها همین یک چیز هم بود که موجب شد بدست آن بزرگوار- که قطعاً مرتبه‌ی تالی پیامبران و ائمه(علیهم‌السلام) بود- یک معجزه اتفاق بیفتد. این چیزی که اتفاق افتاده و تحول عظیم جهانی که به دنبال انقلاب اسلامی پدید آمده، واقعاً یک معجزه است. این معجزه، بدست امام(ره) اتفاق افتاد و امام هم با تکیه به «أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ» توانست این کار را بکند.

شواهدی برای ارزیابی کار امام

در ارزیابی کاری که بدست امام و با تکیه به قیام‌الله اتفاق افتاده و بهتر این است که من وارد بحث نشوم؛ چون حقیقتاً آنقدر قضیه عظیم و حرف زیاد است که مشکل بتوان حق سخن را ادا کرد. من همینقدر به شما برادران که کتاب و تاریخ خوانده‌اید، بگویم که سالهای متمادی است روال حرکت عالم به سمت دوری از معنویت و دین است. چند قرن است که دنیا اینگونه حرکت میکند و البته این دلایلی دارد و چیز ناشناخته و مجهول‌العله‌ای هم نیست. در دو‌یست سال اخیر- یعنی قرن نوزدهم و بیستم که اصطلاحاً قرن روشنفکری و انسانگرایی و اوج پیشرفتهای صنعتی و علمی است- حرکت با سرعت به سمت بی‌دینی و جدا شدن از معنویت بوده است. مقداری از این سیر طبیعی است؛ زیرا لازمی آن چیزهایی که پیش آمد، همین بود. یک مقدار هم حرکت ارادی و از روی برنامه‌ریزی بوده است.

تمام دستگاههای قدرتمند عالم به این نتیجه رسیده‌اند که باید دین را از صفحه‌ی عالم بردایند. نه اینکه بکلی اسم دین را از بین ببرند؛ بلکه معنای دین حقیقی و خالص را- اگرچه به ظواهرش هم احتفاظ بشود- از بین ببرند. ایمان واقعی دینی باید از بین میرفت و چقدر پول صرف شد و چقدر آدمها از روی عقیده- و نه خیانتگونه- حذف ایمان دینی را برای بشریت لازم دانستند. آنها کتاب نوشتند، کار هنری کردند، تبلیغات کردند، زور به خرج دادند، پول خرج کردند تا معنویت را در دنیا- از جمله در جهان

اسلام- از بین ببرند.

آن وقت در چنین دنیایی که این همه تلاش ضدّ معنوی صورت گرفته است، در یک نقطه‌ی حساس، حکومت و نظامی بر اساس معنویت و اسلام به وجود می‌آید. این، همه‌ی معجزه نیست؛ بلکه آغاز معجزه و به وجود آمدن این حکومت و استقرار ده ساله‌ی آن است که ما در این مدت لحظه‌به‌لحظه پیش رفتیم. اگر کسی تصور کند که ما در این ده سال، یک لحظه متوقف بوده‌ایم، اشتباه کرده است. در این ده سال، ما لحظه‌به‌لحظه پیشروی و حرکت تکاملی داشته‌ایم. استقرار و حرکت تکاملی این نظام دینی در طول این ده سال، تمام این زمامها و بندها و بستهایی که از طرق مختلف نظام جهانی را حفظ کرده بود، باز کرده و تمام این اوضاع را به هم ریخته است.

آثار معجزه‌ی انقلابِ امام خمینی

بدانید که اگر انقلاب اسلامی پیروز نشده بود و ایران جمهوری اسلامی نمیشد، نظامهای کمونیستی به این زودی متلاشی نمیشدند. البته درست است که یک روز مارکسیسم و نظامهای مارکسیستی شکست می‌خورند، اما آن روز حالا نبود. آن روز، ممکن بود سی یا چهل و یا شصت سال دیگر باشد. تحول عظیمی که در دنیا به وجود آمد، ناشی از اسلام و انقلاب اسلامی و رو آمدن معنویت بود. این، ادعا نیست؛ این تحلیل است و من به آن اعتقاد دارم.

تمام مسائلی که در دنیای اروپای شرقی و کلاً بلوک شرق به وجود آمد، ریشه‌اش به معجزه‌ی انقلاب اسلامی برمیگردد. شروع این تحرک در لهستان بود و هنوز چند ماهی از پیروزی انقلاب ما نگذشته بود که در آنجا اتحادیه‌ی همبستگی، فعالیتهای خود را به شکل زیرزمینی و مخفی آغاز کرد. دعوای آنها با دولت لهستان بخاطر این بود که میخواستند مراسم مذهبی خود را انجام بدهند، ولی دولت کمونیست نمیگذاشت. آن وقت در شورای انقلاب، با دوستان همین قضیه را مطرح کردیم و گفتیم عجیب است که در یک کشور کمونیستی و در یک نظام محکم ضدّ دینی، چنین خواسته‌ای مطرح شود. واقعاً چه کسی خیال میکرد که درون اینها اینقدر خالی است؟ کشورهای که حاکمیت قدرت فکری و تشکیلات حزبی، قویترین حاکمیتها بر نظام آنهاست، ناگهان از درونشان چنین حرکتهایی پدید می‌آید.

ره، رهرو، رهبر / ۱۷۹

در کشور لهستان، شاید مثلاً سی و اندی سال نظام بی‌دینی حاکم بوده؛ ولی در کشورهای دیگر، پنجاه یا شصت و یا هفتاد سال علیه دین حرف زده شده بود و موزه‌ی آتئیسم درست کرده بودند و تمام چیزهایی که نشانه‌ی ضدیت با خدا داشت و به معنای نفی خدا بود، یکجا جمع کرده بودند تا جلوی چشم مردم باشد و مردم آنها را نگاه کنند!! در کشور لهستان، ناگهان یک حرکت کارگری به نام اتحادیه‌ی همبستگی به وجود می‌آید و شعارش این است که می‌خواهیم به کلیسا برویم؛ چرا دولت نمی‌گذارد؟! اتحادیه‌ی همبستگی در لهستان، چند سال برای این منظور مبارزه کرد.

حالا همین رشته را شما بگیرید و ببینید که این خشت از کجای خَرند بیرون آمده بود. ما مشه‌دیها، از این کار به «خشت از خَرند بیرون آمدن» تعبیر میکنیم. میدانید مجموعه‌ی خشتی که محکم کنار هم چیده‌اند، خیلی سفت است. گاهی ممکن است استحکام آن بتواند بنایی را روی خودش نگه دارد، اما این استحکام تا جایی است که این خشتها همینطور ردیف هم ایستاده باشند. اگر شما یکی، دو عدد را که از این خَرند بکنید و بیرون بیاورید، دیگر چیزی باقی نمی‌ماند و استحکامش از بین میرود. قضیه این است. من می‌گویم آنچه که امروز ما در دنیا می‌بینیم (به هم ریختن نظم بلوک‌بندی دنیا) این، معجزه‌ی انقلاب اسلامی و امام(ره) و معجزه‌ی «ان تقوموا لله» است.

مبارزه‌ی امام با تفکر غلط جدایی مردم از مکتب

ارزشهایی که ما در انقلاب برای آنها می‌خواهیم تلاش کنیم و کارمان برای آنهاست، دو مبنا و پایه دارد: مکتب و مردم. مکتب بدون مردم متصور نیست؛ چون مکتب ما مکتبی نیست که از مردم جدا بشود. اصلاً این یک فریب است که ما بیاییم اسلام را از نفع و خیل مردم جدا کنیم و بگوییم مردم و سرنوشت آنها را رها کنید و به دین و خدا و اسلام بچسبید! این، همان اسلام تحریف شده است. این، همان چیزی است که امام(ره) از اول شروع مبارزه با آن جنگید. بسیاری از آدمهای خوب و عالم، حرف امام را در این راه فهمیدند و البته بعضی از متحجران و نادانها هم تا آخر نفهمیدند و هنوز هم بعضی این حقیقت را نمی‌فهمند. تفکر اسلامی، از خیل مردم و برای مردم بودن جدا نیست. هر چیزی که شما دیدید به نظرتان اسلامی است، اما از صلاح مردم مجرد است، بدانید در

شناخت و فهم اینکه آن اسلام است، اشتباه میکنید یا در فهم خود آن شیء محققاً اشتباهی وجود دارد. پس، پایه‌ی ارزشهای اسلامی و انقلاب ما، بر دو پایه‌ی مکتبی و مردمی است.

معرفی یکی دیگر از شخصیت‌های خارجی ارادتمند امام

یکی از رهبران مسلمان پخته‌ی واردی که من در طول مدت کارهای سیاسی دیدم، «سکوتوره» بود. او آدم بسیار وارد و پخته و مطلعی بود. در چند سفری که به تهران آمده بود و ملاقاتهای متعددی که با او داشتم، خیلی شیفته‌ی انقلاب بود. او گرچه ضعیف بود و نتوانسته بود راه خودش را برود و «گینه کوناگری» را آنطور که ایده‌اش بود و دوست میداشت، درست کند و بسازد و گرچه استکبار کت‌بند و از طرق مختلف محاصره‌اش کرده بود، ولی انسان موفق و سالمی بود و درست میفهمید. او این انقلاب را خیلی دوست میداشت و حقیقتاً از ته دل به امام ارادت داشت.

در ملاقاتهایی که با او داشتم، حرفهایی از او شنیدم که خیلی درست بود. البته ما از خیلها حرف شنیدیم، ولی این با آنها متفاوت بود. اینگونه تصور نشود که او برای خوش آمد ما حرفی گفته و ما هم باورمان آمده است. نه، من در این ده ساله با افراد زیادی نشستیم و برخاستیم و حرف زدیم و شنیدیم. بعضیها حرف میزنند، ولی از زبانشان تجاوز نمیکند؛ اما بعضیها اینطور نیستند. این حقیقت قابل تشخیص است. بنابراین، او راست میگفت.

تأثیر خوبی امام(ره) بر اطراف و اطرافیان

شخص امام(ره) انسان خوبی بود. خوبی او توانست تمام قلمرو حضور او را خوب و متأللی بکند. وقتی کسی خوب است، حول و حوش او هم تحت تأثیر قرار میگیرد و خانه و دوستان و کشور و دنیای خودش را خوب میکند. امام(ره) مثل چراغی بود که همه جا را منور میکرد؛ چون خودش منور بود. حتی دشمنان امام، شخص او را از لحاظ زهد و پارسایی و بی‌طمعی و بی‌اعتنایی به دنیا و راستگو بودن در ادعاها، قبول داشتند.

دست‌نیافتنی بودن شخصیت امام

شاید درست باشد که ما خطاب امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) به عثمان بن حنیف را - که یک وقت هم امام (ره) به آن اشاره کردند - به خودمان بگوییم. «أَلَا وَإِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَيَّ ذَلِكَ»: شما نمیتوانید آنگونه خوب باشید، ما هم نمیتوانیم آنطور خوب باشیم. بعد میفرماید: «وَلَكِنْ أَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ»^۱. ورع داشته باشید، از لغزشگاهها بپرهیزید و تلاش و اجتهاد کنید. این اجتهاد، با کمک خدا همراه خواهد شد.

در دیدار با گروههای مختلف مردم و میهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم دهه‌ی فجر
و کنفرانس اندیشه‌ی اسلامی، ۱۳۶۸/۱۱/۱۲

برجسته‌تر شدن خاطره‌ی امام در دهه‌ی فجر

اگرچه زندگی و وجود ما از یاد امام راحل عظیم و رهبر الهی و فراموش‌نشدنی سرشار است، اما در چنین ایامی که خاطره‌ی حیات مجدد ملت ایران و تجدید حیات طیبه‌ی اسلامی، با همت و اراده‌ی نیرومند آن شخصیت عظیم و بزرگ توأم می‌باشد، یاد آن بزرگوار زنده‌تر و برجسته‌تر از همیشه است.

لزوم تداوم راه امام در نظام جمهوری اسلامی

مسلمانهای مؤمن و معتقد باید بدانند که امروز، روز اسلام و روز نقش و دور اصلی این دین است. اسلام پیشرفت خواهد کرد و إن شاء الله در صحنه‌ی ذهن بشر و بر واقعیتهای زندگی حاکم خواهد شد. ما در نظام جمهوری اسلامی، به تبعیت از امام فقید بزرگوارمان - آن شخصیت نمونه‌ی امروز عالم و کسی که از نوع اولیای خدا و جزو سلسله‌ی برگزیدگان الهی بود - راه پای فشردن بر مواضع اسلام و مقابله با طواغیت را با قدرت و قاطعیت تعقیب خواهیم کرد و معتقدیم که آینده در اختیار اسلام و متعلق به این دین است.

۱ النهج البلاغة، نامه امام علی (علیه السلام) به عثمان حنیف.

حکم انتصاب حجت‌الاسلام و المسلمین رجبعلی حیدرزاده به سمت
نماینده‌گی ولیّ فقیه در جهاد سازندگی، ۱۳۶۸ / ۱۱ / ۱۸

علت عنایت حضرت امام به جهادسازندگی

نهاد مقدّس جهاد سازندگی، یکی از حسنات انقلاب و از برکات جاودانه‌ی آن است و به همین جهت فعالیت‌های آن، مورد عنایت رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) قرار داشت.

پیام در تجلیل از شهدا، جانبازان، اسرا و مفقودان، در هشتمین روز از دهه‌ی مبارکه‌ی فجر، ۱۳۶۸ / ۱۱ / ۱۹

فرازمانی بودن تأثیر انقلاب امام و شهیدان

آری، امام عزیز و بزرگ ما، اکنون در میان ما نیست؛ همانطور که شهدا در میان ما نیستند. اما هم او و هم آنان، در ذهن و دل ما، در راه زندگی ما و در صراط مستقیم انقلاب ما، حاضر و زنده و فعال است. اثر وجود آن بزرگمرد و یاران شهیدش، تنها به دوران زندگیشان متعلق نبود؛ همچنان که فقط به ایران اختصاص نداشت. امروز، به برکت وجود و عمر مبارک او و آنان، اسلام روزبه‌روز درخشانتر میشود و ابر غلیظ تحریفها و جهالتها و فتنه‌ها، ناپایدارتر و ضعیفتر میگردد.

انقلابی که امام پدید آورد و شهیدان با خون خود آن را رنگ و بوی گل‌سرخ بخشیدند، اکنون در سراسر جهان، در بیداری ملت‌های مظلوم و در تجدید حیات جوامع مسلمان و در استحکام روزافزون مبانی معنویت و در فروپاشی مادیگری صریح و نفاق‌آلود و خلاصه در سرافرازی حق و سرافکندگی باطل، خود را مینمایاند. پرچم عروج انسان به بام معنویت که امروز در گوشه و کنار دنیا برافراشته میشود، در حقیقت پرچم امام ما و شهیدان اوست. آنها زنده‌اند و روزبه‌روز زنده‌تر خواهند شد.

در دیدار با فرمانده و جمع کثیری از پرسنل نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸ / ۱۱ / ۱۹

اولین اعلام فرماندهی امام در ارتش انقلاب

سال ۵۷، آن روزی که نیروی هوایی سد پولادینی را شکست و برای اولین بار فرماندهی امام را در ارتش انقلاب اعلام کرد و بعد از آن، در سال‌های دیگری که این خاطره را گرمی داشت، من هر سال مثل امروز را با شما بوده‌ام.

انتخاب حضرت امام به رهبری به خاطر عشق مردم به امام و اطاعت از ایشان

در انتخاب دستگاه اجرایی و رئیس قوه‌ی مجریه، مردم خودشان دخالت میکنند. حتی در انتخاب رهبر- باینکه رهبری یک منصب الهی است و تابع ملاکهای الهی و معنوی و واقعی است- باز مردم نقش دارند؛ کماینکه مشاهده کردید مجلس خبرگان که نمایندگان مردمند، مینشینند کسی را معین و انتخاب میکنند. اگر همان کسی که مجلس خبرگان انتخاب کرد، مورد قبول مردم نباشد، باز رهبری او جا نخواهد افتاد. پس، آحاد و عامه‌ی مردم، علاوه بر اینکه بصورت غیرمستقیم- از طریق مجلس خبرگان- رهبر را معین میکنند، مستقیماً هم نسبت به شخص رهبر نظر و تصمیم دارند و نظر و تصمیم و خواست و اراده‌ی آنهاست که در حقیقت یک رهبر را رهبر میکند و به او امکان تصرف و قدرت امر و نهی و قبض و بسط میدهد. البته، نحوه‌ی انتخاب امام(ره) به این شکلی که مطرح کردم، نبود. در حقیقت، عشق مردم به امام(رضوان الله تعالی علیه) و اطاعت و تبعیت از ایشان، بیش از انتخاب آنها بود.



درس مهم امام خمینی در تمسک به اسلام

مهم این است که تمسک به اسلام را حفظ کنیم و از دشمنان خدا و اسلام واهمه نکنیم و نترسیم. این درس را از امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام) و از شاگرد و فرزند شایسته‌ی او- امام عزیزمان- گرفته‌ایم و آنها این خط را برای ما ترسیم کردند و إن شاء الله پیش خواهیم رفت.

اهمیت ادای تکلیف در کلمات امام

در کلمات امام بزرگوارمان- که مرد حکیمی بود و صرفاً یک روحانی متخصص در امر فقه و اصول و حکمت و فلسفه نبود و شخصاً و روحاً یک انسان بزرگان‌اندیش و بلنداندیشی بود- ادای تکلیف خیلی مهم شمرده میشد.



مقایسه‌ی حضرت امام(ره) با سایر آدمهای بزرگ

ما آدمهای بزرگ زیاد دیده‌ایم و شرح حال بعضی از آنان را در کتابها خوانده‌ایم و با انواع و اقسام شخصیت‌های روحانی و علمای دینی و اساتید، زیاد برخورد کرده‌ایم؛ ولی امام(ره) یک انسان نمونه و فوق‌العاده بود و از نوع سایر کسانی که در همان کسوت و با آن هدفها بودند، نبود. انصافاً او انسان والایی بود.

در دیدار با جمع کثیری از پاسداران، در سالروز میلاد امام حسین(ع) و روز پاسدار، ۱۳۶۸/۱۲/۱۰

تأثیر تضرع و مناجات در توفیقات امام(ره)

اعتقاد این است که اگر امام بزرگوار بی‌نظیر ما- که واقعاً در میان مردم این زمان، نظیری برای ایشان نمیشناسیم و بعد از ائمه‌ی هدی و اولیاءالله(علیهم‌السلام) نظیر ایشان را بسیار کم سراغ داریم- با این مفاهیم مأنوس نبود و با مناجات و دعا سروکار نداشت و اهل تضرع و استغفار و استغاثه و گریه و توسل نبود، بسیار بعید بود که خدای متعال این همه توفیق را به ایشان ارزانی بدارد. موفقیت‌های این بزرگوار، به میزان زیادی مرهون همین ارتباط با خدا و باز بودن راه دل او با درگاه الهی و استغاثه و مناجات و دعا بود. انسان، پیشرفت لحظه‌به‌لحظه‌ی این مرد معنوی و الهی را در طی سالهای اخیر احساس میکرد. هر ماه رخصتی که بر این بزرگوار میگذشت، انسان میدید که نورانیتر شده خدای متعال او را هدایت میکرده است.

ارتباط و انس فردی با خدا؛ راه امام برای کسب هدایت الهی

امروز در سطح کشور، توصیه‌ی ما به عموم مردم- بخصوص کسانی که عشق و علاقه‌ی بیشتری به این انقلاب و محصول آن دارند- همین است و علاج و ضرورت قطعی را در این میدانیم که بایستی آحاد مردم، ارتباطات و انس فردی و صحبت و مناجات با خدا را در خود تقویت کنند. این، راه امام است و هدایت الهی به دنبال این ارتباط و تماس با خدا میسر میشود؛ همچنان که در این ده سال هم همینطور بوده است و شما جوانهای بااخلاص و پاکدل، این روحیه را در جبهه‌های گوناگون از خودتان نشان دادید و نتایجش را هم دیدید و همچنان که درس امام ما نیز این بود.

انس امام با دعای کمیل و مناجات شعبانیه

یکبار از ایشان سؤال کردم که در میان دعا‌های معروف، به کدامیک از آنها بیشتر انس یا اعتقاد دارید؟ ایشان بعد از تأملی فرمودند: «دعای کمیل و مناجات شعبانیه». وقتی که شما به این دو دعا مراجعه میکنید، با اینکه دعا‌های دیگر هم - مثل ابوحزمه‌ی ثمالی و یا دعای امام حسین در روز عرفه و دعا‌های فراوان دیگر - برقراری رابطه با خداست؛ اما در این دو دعا و مناجات، حالت استغفار و انابه و استغاثه و تضرع به پروردگار را به شکل عاشقانه‌ی آن مشاهده میکنید. دعای کمیل هم مناجاتی با خدای متعال است و رابطه‌ی محبت و عشق میان بنده و معبود را ترسیم میکند و این همان چیزی بود که امام بزرگوار ما، روح و دل خود را از آن روشن و منور میداشت.^۱

بحمدالله راه ما، راه روشن و اسلامی است که امام(ره) به ما معرفی کرد. راه ما، راه آن اسلامی است که دشمنان خدا از آن میترسند و مستضعفان و مظلومان از آن خوشحال و امیدوار میشوند؛ نه چیزی که اسمش اسلام است و از اول تا آخر، در خدمت دشمنان اسلام میباشد. ما این را بعنوان اسلام قبول نداریم. این، همان اسلام امریکایی است؛ تعبیر درستی که بارها امام فقید حکیم‌مان، آن را تکرار میکردند.

راه ما این است؛ راه اسلامی که امام(ره) ترسیم کرد و ده سال درباره‌ی آن - غیر از آنچه که در دوران مبارزات و قبل از آن گفته بود - صحبت کرد. در این ده سال، به مناسبت‌های گوناگون و در جریان زندگی و در برخورد با حوادث، اسلام را برای ما روشن کرد.

پیام به ملت شریف ایران، به مناسبت حلول سال نو، ۱۳۶۹ / ۰۱ / ۰۱

نعمت وجود امام و تأثیر او در احیای حاکمیت الله

ما مردم ایران، این فرصت را پیدا کردیم و خدای متعال این نعمت بزرگ را به ما داد

۱ مضمون این مطلب در «دیدار گروه کثیری از پاسداران به مناسبت سالروز میلاد امام حسین(ع) و روز پاسدار، ۱۳۸۱/۷/۱۷» و «در دیدار وزیر، مدیران و کارکنان وزارت اطلاعات، ۱۳۸۳/۷/۱۳» و «خطبه‌های نماز جمعه تهران در روز هجدهم رمضان ۱۴۲۹، ۱۳۸۷/۶/۳۰» نیز تکرار شده است.

که زندگی خویش را تحول بدهیم و خودمان را از اسارت طاغوت و حاکمیت شیطان، به حاکمیت الله و مدیریت دین خدا متحول کنیم. خدای متعال، بنده‌ای از صالحان و برگزیدگان و بهترینها را در میان ما مأمور کرد و برانگیخت، تا با قدرت الهی و با عزم و اراده‌ی رحمانی، ما را به سمت وادی دین هدایت کند، نیروهای ما را به کار بگیرد، ملت ما را بیدار نماید، دشمن را به ما بشناساند و دلهایمان را با هم مهربان کند. ما به مدد الهی و به رهبری آن مرد صالح و بزرگ و برگزیده، این راه را طی کردیم و بحمدالله توانستیم اسلام را در حد میسور و معقول و در این فاصله‌ی زمانی، در جامعه‌ی خودمان حاکمیت ببخشیم. این، نعمت بزرگی است.

رحلت حضرت امام؛ امتحان سخت الهی برای ملت ایران

ما امسال عید نوروز را در حالی برگزار میکنیم که خدای متعال با فقدان بزرگ رهبر عظیم‌الشأنمان، امتحان سختی از ما کرد و دوران سختی را بر ما گذراند. آن فقدان، محنت بزرگی بود. امیدواریم که خدای متعال، روح آن بزرگمرد را با ارواح مقدّسه‌ی انبیاء و اولیاء محشور کند و او را از ما راضی نماید و ما را در راه او، مستمر و مستدام بدارد.

در دیدار با مسئولان کشوری و لشکری در نخستین روز از سال نو
و در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان، ۱۳۶۹/۰۱/۰۱

امام خمینی؛ ایجادکننده‌ی نوروز بیست و دوم بهمن

نوروز، یعنی روزی که شما با عمل خودتان، با حادثه‌ای که اتفاق می‌افتد، آن را نو میکنید. روز بیست و دوم بهمن که ملت ایران، حادثه‌ی عظیمی را به کمک خدا تحقق بخشید، روز نویی (نوروز) است. آن روزی که امام امت، قاطعاً به دهان مستکبرِ قلدرِ گردن‌کلفت دنیا یعنی امریکا مشت کوبید، آن روز، روز نو و راه نویی (نوروز) بود؛ حادثه‌ی نویی بود که اتفاق می‌افتاد و افتاد. ما باید نوروز را، نو روز کنیم. نوروز به حسب طبیعت، نوروز است؛ جنبه‌ی انسانی قضیه هم بدست ماست که آن را نوروز کنیم.

نتیجه ارتباط با خدا؛ کم خطا بودن و نورانیت امام(ره)

چند روز دیگر، ماه مبارک رمضان شروع خواهد شد که بهار نوسازی و خودسازی انسان و بهار انس با خداست. مگر میشود از این جنبه‌ی کار، غافل ماند؟ همه‌ی خطاها و اشتباهات، ناشی از نپرداختن به این جنبه‌ی کار است. آن که خطایش کمتر بود، آن که دلش به نور معرفت و هدایت خدا منور بود، آن که اشاره‌اش برای این ملت و برای ما و برای عشاق اسلام در عالم، راهگشا و راهنما بود- یعنی امام راحل عظیم ما- به این جهت اینطور بود که رابطه‌ی او با خدا، تأمین شده بود.

توصیه‌ی مکرر امام در راستای عروج معنوی

از آن طرف هم، همینطور است. آن لحظه‌ای که ما به خواهش نفسمان گوش میدهم و عملی که انسان را از خدای متعال دور میکند العیاذ باللّه انجام میدهم، در آن لحظه، پا را از آن جاده به این جاده‌ای که ما را به طرف پایین میبرد، گذاشته‌ایم. در آن لحظه‌ای که ما تصمیم میگیریم برخلاف اهوای نفسانی خود حرکت کنیم و با این خودخواهی و غرور و تبعیت از شیطان نفس مخالفت کنیم که امام بزرگوار ما، دائماً در طول این ده سال و اندی، ما را از آن برحذر میداشتند و در همه‌ی قضایا، به همه‌ی ما و به همه‌ی ملت ایران، از جمله به ما مسئولان میگفتند: مواظب باشید، اسیر آن نشوید همان لحظه، از این مسافت قریب که «أَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ»^۱، پا را در آن جاده گذاشته‌ایم و به سمت بالا میرویم.

تأثیر رهبری امام در تشجیع مردم دنیا علیه استکبار

این ملت، به دنیا شجاعت داد. رفتار این ملت بود که همراه با قاطعیت و هدایت قوی آن امام ملکوتی و رهبر بی نظیر، راه را باز کرد؛ ملتها را تشجیع نمود؛ استکبار را کوچک کرد؛ به او احساس حقارت داد و معلوم شد که انسانها و ملتها، دارای قدرتند.

۱ فرازی از دعای ابوحمزه‌ی ثمالی.

این درس را هم امام(ره) به ما آموختند که عمل و اقدام، برای نتیجه نیست. نتیجه، در آن نیت خالصی است که شما در حین اقدام دارید. نتیجه با خداست؛ ما باید تکلیفمان را انجام بدهیم. خوشبختانه، این انجام تکلیف در طول این یازده سال، همراه با نتایج بوده است.

در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حضرت رضا(ع)، ۱۳۶۹/۰۱/۰۲

اشتیاق امام به زیارت امام رضا(ع)

من مناسب میدانم که در جمع شما مردم مشهد و زوار مشتاق و بااخلاص این بارگاه مقدس عرض بکنم که امام فقید عظیم‌مان، مانند همه‌ی آحاد محب اهل بیت در دنیای اسلام، این اشتیاق را داشتند که در زمهری زوار امام هشتم(علیه الصلاة والسلام) قرار بگیرند. امیدوارم که خداوند، آن امام عظیم و مجاهد بزرگ دنیای اسلام و رهبر بی‌نظیر را با ائمه‌ی هدی و انوار مقدسه‌ی اهل بیت(علیهم‌السلام) محشور بفرماید و روزبه‌روز بر درجات آن بزرگوار بیفزاید.

تأثیر رحلت امام بر تقویت آبروی امام و انقلاب اسلامی

قدرت ملت ایران، دشمنان را وادار کرد که از حرفهایشان عدول کنند. آن را به امری که زمانش معلوم نیست، موکول نمایند. گفتند بعد از رحلت امام، جمهوری اسلامی شکست خواهد خورد. امام بزرگوار ما رحلت کردند و به جوار رحمت الهی رفتند؛ اما همچنان که هر ثانیه و هر آنی از آنات عمر آن وجود مقدس در دوران انقلاب، مایه‌ی تقویت انقلاب بود، بر اثر آن معنویت عظیم و آن محبوبیت بزرگ، ارتحال آن بزرگوار هم اسلام و انقلاب را بیشتر تقویت کرد. آن اخلاص و محبتی که مردم به امام راحلشان نشان دادند، آن تشییع جنازه، آن پیروی از وصیت، آن احترام به رهنمود و خط امام، آبروی انقلاب و ملت ایران را در دنیا چند برابر کرد؛ همچنان که آبروی امام بزرگ را هم در دنیا مضاعف نمود. بحمدالله روزبه‌روز انقلاب راسختر، جمهوری اسلامی مستحکمتر، و ملت ایران مقاومتر شده‌اند و باز هم خواهند شد.

اسلام مورد دعوت امام (ره)

اسلامی که رسول اکرم و اولیای الهی برای آن جان دادند و حسین بن علی (علیه السلام) خون خود و عزیزانش را در راه آن نثار کرد، اسلامی که امام بزرگوار ما عمرش را در دعوت به آن گذراند، اسلام ضعفا و طبقات پابرهنه، اسلامی که به پایین دستهای جامعه، قدرت و عزت و آقایی میدهد و آنها را از ذلت و مسکنت خارج میکند، اسلامی که زورگویان و قلدران و قدرتمندان ظالم را از سریر قدرت به زیر میکشد- که در دنیا میبینید و دیدید که محمد رضا و خاندان منحوس پهلوی را به زیر کشید- آن اسلام مورد نظر ماست.

در جمع فضلا و طلاب و روحانیون مشهد، ۱۳۶۹/۰۱/۰۴

امام؛ اسوه‌ای در همه‌ی ابعاد

امام فقید عظیم الشان (رضوان الله تعالی علیه) که حقاً از همه جهت اسوه بودند- این کلمه‌ی «همه جهت» را من با توجه عرض میکنم- واقعاً از هر بعدی انسان نگاه میکند، میبیند جا دارد که انسانها و طلاب علم و رواد^۱ طریق هدایت مردم، به ایشان اقتدا کنند.

اولین نصیحت امام به طلاب

آن بزرگوار در قم، اولین روزی که برای درس روی منبر نشستند، من در درسشان حاضر بودم. ایشان قبلاً روی زمین مینشستند و درس میگفتند و بعد از چندی که جمعیت زیاد شد و طلاب میخواستند چهره‌ی ایشان را زیارت کنند و صدایشان را درست بشنوند، اصرار کردند که روی منبر بنشینند. گمان میکنم ایشان بعد از رحلت مرحوم آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله علیه) این را قبول کردند. تا آن بزرگوار حیات داشتند، ایشان منبر نشستند. این بزرگوار، آن روز را تماماً به نصیحت گذراندند. اولین مطلبی که بعد از «بسم الله» فرمودند، این بود که مرحوم آقای نائینی (رحمة الله علیه)، روز اولی که برای درس روی منبر نشست، گریه کرد و گفت: این همان منبری است که شیخ انصاری (ره) روی آن نشسته، حالا من باید روی آن بنشینم. ایشان از همینجا، شروع به نصیحت کردن طلاب کردند که بفهمید چه کاری میکنید و چقدر این مسئولیت سنگین

است. البته جزئیات فرمایشهای آن روز، الآن در ذهنم نیست. ایشان در آن روز که این صحبتها را میکردند، در حد یک مدرّس بزرگ و یک فقیه عالی‌مقام مهیای مرجعیت بودند. احساس مسئولیت، اینقدر مهم است. از آنجا بگیرید، تا معمّان و روحانیونی که در طبقات پایتتر هستند، تا برسد به یک مرثیه‌خوان و یک روضه‌خوان معمولی، که او هم در آن کاری که بر عهده گرفته، باید احساس مسئولیت بکند. اگرچه رتبه‌ی وجودی شغل در مورد چنین کسی، به مراتب ضعیفتر از رتبه‌ی وجودی شغل در مورد یک مدرس عالی‌مقام است، لیکن این فرد هم باید احساس مسئولیت بکند.

رفتار استکبار در برابر آخوندِ خوب الهی

با امام بزرگوار(ره) که یک لحظه در راه خدا درنگ نکرد؛ یک ذره از نیروهای خودش را در پیمودن این راه، بی‌استفاده نگذاشت؛ با تمام وجود و در تمام آنات زندگی، به سمت آن هدف عالی و مقدّس رفت و خدا هم او را کمک کرد، بد بودند. با فلان آخوندِ ضدانقلابِ مرتجعِ نوکرسفت، خوب هم بودند.

بهترین مرجع برای اخلاق و عمق تفکر انقلابی

امروز مردم چه چیزی را بیشتر احتیاج دارند؟ آن را پیدا کنید. امروز مردم به اخلاق و عمق تفکر انقلابی احتیاج دارند. این انقلابی که به وجود آمد، بر پایه‌ی چه مبانی‌ای استوار است؟ این را مردم احتیاج دارند. باید روی این، فکر کنید. بهترین مرجع هم، کلمات و فرمایشهای امام(رضوان الله تعالی علیه) و بعضی از نوشته‌ها و گفته‌های قیمی است که در طول این یازده سال، بحمدالله ما بزرگانی داشته‌ایم که آنها بیان کرده‌اند.

خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۹/۱/۱۰

رهبری امام؛ از عوامل اصلی موفقیتها

عواملی که در این یازده سال، ملت ایران و جمهوری اسلامی را موفق کرد، چند چیز بوده است. پایبندی به اسلام، رهبری بی‌نظیر امام راحل عظیم بزرگوارمان(رضوان الله تعالی علیه)،

ره، رهرو، رهبر / ۱۹۱

مجاهدت و فداکاری شما مردم، ناآشنایی دشمن با رموز اعتقادات اسلامی، از جمله‌ی این عوامل است.

پیام به مناسبت روز جهانی قدس، ۱۳۶۹ / ۰۱ / ۲۴

اعلان موضع امام و امت در قبال مسائل فلسطین در روز قدس

اکنون، جمعه‌ی آخر ماه مبارک رمضان که از سوی امام راحل عظیم ما(رضوان الله علیه) روز قدس نامیده شده، در پیش روی ماست.

اینجانب امیدوارم ملت بزرگ ما در این روز قدس نیز مانند همیشه با حضور یکپارچه‌ی خود در خیابانها و راهپیمایی تا محل نمازهای جمعه، فریاد رسا و غریو رعدگون خود را به گوش جهانیان برساند و تکرار کند که امت امام خمینی عظیم، همواره در کنار فلسطین و خصم دشمنان آن خواهد بود.^۱

در دیدار با اعضای ستاد برگزاری کنفرانس جهانی اهل بیت(ع)، ۱۳۶۹ / ۰۱ / ۲۶

انگیزه‌ی اصلی از تکرار شعار استراتژیک وحدت توسط امام

این فکر^۲ را دوستان متعددی در طول زمان با من مطرح کردند؛ بخصوص بعضی از آنان روی این قضیه خیلی هم تأکید میکردند. از مدتها پیش این معنا در ذهنم آمده بود و قصد داشتم که آن وقتها خدمت امام هم مطرح کنم و میدانستم که ایشان هم اینطور کارها را میپسندند.

۱ مضمون این مطلب در «پیام به مناسبت روز قدس، ۱۳۷۹/۹/۲۹» و «در خطبه‌های نماز جمعه‌ی ۲۱ رمضان، ۸۰/۹/۱۶» و «در دیدار شرکت‌کنندگان در افتتاحیه‌ی همایش غزه، ۱۳۸۸/۱۲/۸» و «خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۸۹/۰۶/۱۹» و «در دیدار جمعی از آزادگان، ۱۳۹۱/۵/۲۵» و «خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۹۱/۵/۲۹» و «خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۰/۰۱/۱۶» و «در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۷۵/۱۰/۲۸» و «در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۷۸/۱۰/۱۰» و «خطبه‌های نماز جمعه تهران در روز هجدهم رمضان ۱۴۲۹، ۱۳۸۷/۶/۳۰» و «خطبه‌های نماز عید سعید فطر، اول شوال ۱۴۲۹، ۱۳۸۷/۷/۱۰» و «خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۸/۶/۲۰» و «خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۹۱/۵/۲۹» نیز تکرار شده است.

۲ کنفرانس جهانی اهل بیت(ع).

هدف از این کار آن است که با شعار وحدت مسلمین، که شعار درست و ضروری‌ای هم است و من از قدیم این اعتقاد و تفکر را داشتم و دارم و آن را یک مسئله‌ی استراتژیک میدانم یک مسئله‌ی تاکتیکی و مصلحتی هم نیست که حالا بگوییم مصلحت ما ایجاب میکند که با مسلمین غیرشیعه ارتباطات داشته باشیم مسلمانان، بتدریج این اختلافات مذهبی و طایفه‌ای را کم کنند و از بین ببرند؛ چون در خدمت دشمنان است. ما با این انگیزه‌ی صحیح، مسئله‌ی وحدت مسلمین را در جمهوری اسلامی، یک مسئله‌ی اساسی قرار داده‌ایم. امام بارها فرمودند، ارگانهای مختلف جمهوری اسلامی نیز بر این اساس برنامه‌ریزی و طراحی و تلاش کردند و ماها هم سخنرانی کردیم.

در دیدار با شعرای سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹ / ۰۱ / ۳۱

وظیفه شعرا در تعمیق نکات برجسته‌ی زندگی امام در ذهنیت جامعه

من عرض میکنم که آن کسانی که تعهد شعر دارند، واقعاً بایستی به تعهد خود عمل کنند. توصیف امام در این شعرهایی که گفته شد، خیلی خوب بود؛ اما آن نکات برجسته‌ی زندگی امام مثل تزکیه‌ی آن بزرگوار باید روشن بشود و اینقدر تکرار گردد که بصورت حرف آخر، عمیقاً در ذهنیت جامعه رسوخ کند.

خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۶۹ / ۰۲ / ۰۷

توجه به معنای واقعی ابتکار امام در موضوع روز قدس

آن کسانی که در داخل سرزمینهای اشغالی، مظلومانه مبارزه میکنند و رنج میبرند و کتکش را میخورند که تنها امید برای آزادی فلسطین و محو دولت غاصب نیز همان مبارزان داخلی هستند باید احساس کنند و بدانند که در سرتاسر دنیای اسلام، ملتها به یاد آنها هستند و از آنها پشتیبانی میکنند. اگر بخواهیم در آن مبارزان مظلومی که در خانه‌ی خودشان غریب هستند، این احساس پیدا بشود، باید همینگونه تظاهرات مردمی در دنیای اسلام به وجود بیاید. این ابتکار روز قدس از سوی امام بزرگ و رهبر عظیم‌القدر (ما رضوان‌الله‌تعالی‌علیه)، با توجه به همین معنا بود؛ و الا معلوم است مردمی که در خیابانهای تهران راه میروند، از اینجا به وسیله‌ی اسلحه با اسرائیل نمی‌جنگند.

ره، رهرو، رهبر / ۱۹۳

در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، به مناسبت عید سعید فطر، ۱۳۶۹/۰۲/۰۷

مشاهده‌ی رشحه‌ای از عبادات معصومین در امام خمینی (ره)

حقیقتاً بندگان شایسته‌ی خدا- مثل امام بزرگوار ما (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه)- قدر ماه رمضان و قدر آن ساعات و ایام را میدانستند و از آن، کمال استفاده را میبردند. ما ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) را که زیارت نکرده‌ایم؛ اما انسان میتواند رشحه‌ای از رشحات همان عبادات و توجه‌ها را در وجود مقدّس امام عظیم‌الشأن بزرگوار راحلمان مشاهده کند.

علت اعتقاد امام به شکست‌ناپذیری ملت

امروز، شما در دنیا میبینید که بتدریج در مناطقی از عالم، همین تجربه‌ی ایران^۱ تکرار میشود و برای همین است که امام بزرگوار ما، بطور قاطع میگفت که دشمن قادر نیست این ملت را تا وقتی ایستاده و متحد است، شکست بدهد و فرمودند: «امریکا در مقابل ملت ایران، هیچ غلطی نمیتواند بکند». ما هم همان حرف را تکرار میکنیم. این، اعتقاد ملت ایران و مسئولان و دست‌اندرکاران نظام جمهوری اسلامی است.

در دیدار با گروه کثیری از معلّمان و مسئولان امور فرهنگی کشور و جمعی از کارگران، به مناسبت روز معلّم و روز جهانی کارگر، ۱۳۶۹/۰۲/۱۲

ثمره‌ی عشق صادقانه‌ی کارگران به امام راحل

ما در طول این یازده سال، یک روز مسئله‌ی کارگری به معنایی که دشمن میخواست نداشتیم. این، بخاطر ایمان و عشق کارگران به اسلام و انقلاب و بخاطر ارادت صادقانه‌شان به امام عظیم‌الشأن بود که کارگران و دیگر قشرها، واقعاً از اعماق جان، به آن مرد ملکوتی و الهی، عشق میورزیدند و نمیخواستند خاطر او آزرده بشود. این عشق و ایمان، موجب شد که این حرکت انجام بگیرد.

تجربه‌ی مکرر جمله‌ی معروف امام در مورد پابرهنگان

کار دوم، حضور در صحنه‌ی جنگ بود. سخت‌ترین دفاع را کارگران چه کارگران شهری، چه کارگران روستایی کردند. در این بسیج عظیم مردم برای جبهه‌ها، اغلب همین طبقات پایین و محرومان جامعه و از جمله، طبقات کارگر که اکثریت عظیمی را تشکیل میدادند، بودند. یعنی غیر از نبرد اقتصادی، به نبرد نظامی هم میپرداختند. این، خیلی ارزش دارد؛ این را حفظ کنید. جمله‌ای را مکرر حضرت امام(ره) میفرمودند که در این یازده سال، آن جمله مکرر تجربه شد. امام، این مضمون را همواره تکرار میکردند که این انقلاب و این نظام، مدیون پابرهنگان است و نیرویی که آن را حفظ خواهد کرد، همین پابرهنگان و طبقات محروم جامعه هستند.

تبیین جمله‌ی تاریخی امام: امریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند

دلیل واضح دیگر بر اینکه امریکا، آنطوری که ادعا میکند، قدرت ندارد و هیبت او هبیتی که آدمهای ضعیف را میترساند خیلی بیش از قدرت واقعی است، این است که خیلی جاها میخواهند اعمال قدرت و زور کنند، اما قادر نیستند. به چه دلیل؟ به دلیل اینکه آنجایی که میتوانند، کردند و آن، پاناماست. اگر امریکا میتواند آن کاری را که در پاناما کرد، در کشورهای انقلابی دیگر، در همان کوبایی که آنقدر از آن ناراحت و شکار است، بکند، انجام میداد؛ پس نمیتواند. اگر میتواند این کار را در کشورهای دیگری که در آن منطقه و یا در مناطق دیگر هستند و با سیاست امریکا مخالفند، انجام بدهد، انجام میداد؛ به دلیل اینکه در پاناما انجام داد.

اینها که به فکر مسائل انسانی نیستند. دولت امریکا که به فکر قوانین بین‌المللی نیست. اینها که به حقوق ملتها احترام نمیگذارند. یک وقت بتوانند، وارد کشوری میشوند و بدون اعتنا به حقوق آن ملت، حکومت و دولتش را از بین ببرند. آن فرد را هم برداشتند بردند و در کشور خودشان، زندانی کردند. هر جا بتوانند، همین کار را میکنند. آنجایی که نمیکند، نمیتوانند. این، واقعیت قدرتشان است.

نمونه‌ی واضحش، خود کشور انقلابی ماست. خواستند حمله‌ی نظامی کنند، ولی نتوانستند. قضیه‌ی طبس یادتان است؟ پس آمدند، اما نتوانستند. اگر نتوانستند، ده بار دیگر هم می‌آمدند؛ نتوانستند که نیامدند، قدرتش را نداشتند، میدانستند که شکست

ره، رهرو، رهبر / ۱۹۵

میخورند. آن وقتی که خیال میکردند میتوانند، ملاحظه نکردند که این، خلاف حقوق ملت ایران و برخلاف قراردادها و عرف بین‌المللی است که انسان از آن طرف دنیا، به این طرف بیاید و هلیکوپتر و هواپیما وارد مرزهای کشوری بکند. آن نادان اسبق، خیال میکرد که میتواند؛ به همین خاطر آمد، بعد دید نمیتواند و شکست خورد. اگر میتوانست، باز هم می‌آمد؛ ولی نتوانست. شکی نیست که در این یازده سال، امریکا اگر میتوانست نظام جمهوری اسلامی را از بین ببرد، میبرد؛ ولی نتوانست. این، معنای آن حرفی است که امام فرمودند و همان تعبیر امام درست است که: «امریکا، هیچ غلطی نمیتواند بکند».

اجازه‌ی امام مبنی بر ارتباط با دولتهای اروپایی

حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه)، اجازه فرموده بودند که با دولتهای اروپایی، ارتباط برقرار باشد و وزارت خارجه‌ی ما فعالیت فراوانی هم داشت.

در دیدار با اعضای ستاد برگزاری مراسم اولین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۳۶۹/۰۳/۰۱

غم بی‌تسلّایی فقدان حضرت امام

سالگرد و یادبود امام، چیز عجیبی است. آدم نمیداند سالگرد امام را چگونه هضم کند. با اینکه یک سال از قضایا میگذرد، واقعاً برای من همچنان یک چیز غیرقابل هضم و یک واقعیت غیرقابل قبول به حساب می‌آید. فقدان امام، حقاً غم بی‌تسلّایی است که هیچ تسلّایی در مقابل این غم نیست. وقتی فرزند انسان شهید بشود، با اینکه اینطور مسائل، با مصیبت امام قابل مقایسه نیست، ولی انسان تسلّایی دارد. ما حقیقتاً در مقابل از دست دادن امام، هیچ چیزی که برای انسان تسلّایی باشد و بگوییم لااقل این را در مقابل این حادثه داریم، نداریم. البته شوکت و عظمت اسلام در قضایای رحلت ایشان، چیز بزرگ و دستاوردی بود؛ اما آن دستاورد در زمان حیات ایشان، هر روز برای اسلام و مسلمین واقعاً وجود داشت.

تفضّلات الهی؛ تنها توجیه ابعاد عجیب شخصیت امام

آن مرد، نفس که میکشید، دنیایی را گرم میکرد و جهت میداد. واقعاً امام(ره) انسان عجیبی بود. اصلاً پیدایش و وجود این انسان با آن ابعاد، هیچ قابل تحلیل نیست؛ جز اینکه بگوییم تفضل الهی بود. خدای متعال، برای اینکه چرخشی در تاریخ و در حرکت قافله‌ی عظیم بشری به وجود بیاورد، دستی باید از غیب ظاهر میشد؛ این دست را ظاهر کرد. اگر کسی در ابعاد شخصیت و وجود امام(ره) درست دقت کند، حقیقتاً جز این، هیچ توجیهی ندارد.

■

گرداننده‌ی اصلی کارهای مربوط به سالگرد امام

برگزاری سالگرد، بایستی از ابعاد ممکن- آنهایی که ممکن نیست، هیچ- نمایشگری از شخصیت و عظمت امام باشد و ظاهراً همینطور هم خواهد بود. تلاش شما، انجام وظیفه‌ای است که میکنید، باید هم بکنید؛ هرچه هم بکنید، واقعاً کم است؛ اما اعتقاد این است که خدای متعال، خودش سالگرد را اداره میکند و اداره خواهد کرد. این کارهای مربوط به امام، دست خود خداست. با ذهن بشر، اصلاً نمیشود آنها را محاسبه کرد. من که در تمام دوران زندگی ایشان و بعد هم در این حوادث بعد از فوتشان، اینطور فهمیدم. قطعاً شما با این تدارکات عظیمی که فراهم کردید که من میبینم همه‌ی ارگانهای کشور هستند؛ از آقای میرزاده و ریاست جمهوری گرفته، تا همه‌ی دستگاههای گوناگون کشور، در اینجا حضور دارند خیلی کمتر از آن چیزی است که تحقق خواهد یافت. یعنی هشتصد هزار و هفتصد هزار و امثال اینها، اصلاً مقیاسهای امام نیست. واقعاً خدا خودش اداره خواهد کرد و إن شاء الله به شما هم کمک خواهد نمود. شما در اداره‌ی این تشکیلات کمک میکنید إن شاء الله خداوند به شما اجر بدهد.

■

ضرورت حفظ هویت، فکر و راه امام در جامعه

من این نکته را یکبار دیگر عرض بکنم که باید کوشش بشود جامع‌الاطرافی این مراسم، إن شاء الله لمحّه و برق و تصویری از امام باشد؛ چون امام واقعاً ابعاد خیلی

ره، رهرو، رهبر / ۱۹۷

گوناگونی داشت و جامع‌الاطراف و جامع‌الجهات بود. در این یک سال هم، ما واقعاً همیشه امام را در بین خودمان داشتیم. من در طول این یک سال، یک روز را سراغ ندارم که امام در جامعه‌ی ما، حاضر نبوده باشد. من امیدوارم که صدها سال در کشور ما، همینطور باشد. سعی همه‌ی ما باید این باشد، حالا که جسم امام نیست - «أَعْيَانُهُمْ مَفْقُودَةٌ»^۱ - اما هویت و فکر و راه و حرف دل امام که با صد زبان، آن را گفته و فقط با فریاد سیاسی آن را نگفته است؛ بلکه در آن، فریاد سیاسی و شعر عرفانی و لبخند و اخم و گریه برای یک حادثه‌ی کوچک هست، در جامعه بماند.

رقت قلب و صلابت امام؛ هر کدام به جای خود

مادر اسیری - نمیدانم در تبریز بود، یا در جای دیگر - به من گفت که بچه‌ام اسیر بود، امروز خبر آمد که شهید شده است. شما برو به امام بگو که فدای سرتان، من ناراحت نیستم. این زن، وضع خیلی عجیبی داشت. دیدم جمعیت را میشکافد و می‌آید. نمیگذاشتند بیاید؛ من گفتم بگذارید بیاید، ببینم چه میگوید. آمد این حرف را زد. از این حرف، من خیلی تحت‌تأثیر قرار گرفتم. وقتی که خدمت امام آمدم، یادم هم رفت اول بگویم؛ بعد که بیرون آمدم، یادم آمد. به یکی از آقایانی که در آنجا بود، گفتم به امام عرض بکنید، یک جمله ماند. ایشان، پشت در حیات اندرونی آمدند، من هم به آنجا رفتم. وقتی حرف آن زن را گفتم، امام آنچنان چهره‌ای نشان دادند و آنچنان رقتی پیدا کردند و گریه‌شان گرفت که من از گفتنش پشیمان شدم. این، واقعاً خیلی عجیب است. ما این همه شهید دادیم، مگر شوخی است؟ هفتاد و دو تن از یلان انقلاب قربانی شدند، ولی او مثل کوه ایستاد و اصلاً انگارانه‌انگار که اتفاقی افتاده است؛ حالا در مقابل اینکه یک اسیر را کشتند، چهره‌اش گریان میشود. اینها چیست؟ من نمیفهمم. آدم اصلاً نمیتواند این شخصیت و این هویت را توصیف کند.

نگاه صحیح و غلط در تشخیص هویت حضرت امام(ره)

حرف دل امام، آن چیزی بود که با همین صد زبان بیان شده؛ با این یک زبان بیان نشده است. غلط است اگر کسی خیال کند که میتوان در رؤیت سیاسی امام، هویت و حرف و مرام امام را دید؛ خیلی عمیقتر از این حرفهاست. یکی دیگر هم برود به شعر عرفانی امام بچسبد و خیال کند که آنجا امام را میشود پیدا کرد. نخیر، مجموعه‌ی اینها امام است.

اگر هر کدام از ما بخواهیم در هر کار و نوشته و گفته و سخنرانی‌ای و از جمله در این مراسم و در آینده‌ی نظام کوشش کنیم، باید بتوانیم مجموعه را کامل کنیم؛ چون هر کدام از ما در این مجموعه، یک قطره و یک جزء به حساب می‌آییم. مجموعه‌ی ما، شکل هندسی پیچیده‌ای با هزاران خط موازی و عمود بر هم و متمایل با هم را تشکیل میدهد. هر کدام از ما، یکی از این خطوطیم. من یک خطم، شما یک خطید، دیگران یک خطند. مجموع ما باید بتواند آن شکل هندسی را بطور کامل حفظ کند؛ عمده این است. در تمام این جهات، باید آن کمال و تمام امام و آن حالت جمعی او، مورد توجه قرار بگیرد.

در دیدار با خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان شهرهای خوی، بندرگناوه و استانهای مازندران و آذربایجان غربی، گروههایی از دانشجویان، جمعی از مهاجران جنگ تحمیلی، کشاورزان و مسئولان هیأت‌های هفت‌نفره‌ی واگذاری زمین، ۱۳۶۹/۰۳/۰۲

از خصوصیات مهم آن رهبر استثنایی

این روزها از چند جهت، روزهای مهمی است. یکی از علامتهای بیداری یک ملت این است که لحظه‌ها را بشناسد و بفهمد که حالا چه موقعی است و اهمیت این لحظه چقدر است. ما در دوران طاغوت، لحظه‌هایی را پی‌درپی می‌گذرانیدیم؛ بدون اینکه بفهمیم چه شد، چه اتفاق افتاد، چه بر سر ما آمد و چه وظیفه‌ای به ما متوجه شد. شاید خیلی زمان گذشت و ما اینطور بودیم. یکی از برکات این نهضت و از خصوصیات آن رهبر استثنایی بی‌نظیر، همین بود. او لحظه‌ها را به حساب آورد و سرانگشت ذهن ما را حساس کرد. سرانگشتهای حساس، کوچکترین ذره‌ای که با آنها تماس پیدا کند، آن را حس میکنند. برخلاف آن، سرانگشتی که بی‌حس و کَرخ شده باشد، هیچ‌چیز را حس نمیکند. ما آنطوری بودیم و امام ما را حساس کرد، تا بفهمیم که در زمانه چه میگردد.



ابعاد مختلف اهمیت ایام سالگرد امام

سالگرد امام نزدیک است. این، یکی از موجبات اهمیت این روزهاست و من قاصر و عاجزم از اینکه در باب اهمیت این سالگرد، از ابعاد مختلف حرف بزنم. برای همان روزها میگذاریم که بخصوص درباره‌ی این مسئله صحبت بشود. همچنین این روزها، بخاطر توجه استفهام‌آمیز بسیار دقیق دنیا نسبت به ما، حساس است. نه اینکه این حساسیت، همین روزها به وجود آمده باشد؛ خیر، بعد از رحلت امام، این توجه و استفهام بوده و قطع نشده است و ما دائم زیر دوربین قوی جستجوگر و استفهامگر دستگاههای مختلف و جهات گوناگون بوده‌ایم.

از یک طرف، قدرتهای عالم گرگها نگاه میکردند ببینند، آیا این، شکاری خواهد شد؟ آیا میشود باز امیدی به این ملت و این کشور بست؟ از یک طرف هم مظلومان عالم به ما توجه داشتند. مظلومان هم که عرض میکنیم، فقط ملتها را نمیگوییم؛ بلکه گاهی بعضی از دولتهای عالم هم نگاه میکنند که ما چه میکنیم و چه موضعی میگیریم. خودشان جرأت نمیکند؛ اما از جرأت دیگری لذت میبرند.



علت شیفتگی دوست و دشمن نسبت به امام

دولتهایی هستند که شیفته‌ی شجاعتند. شیفتگی آنها نسبت به امام، به همین جهت بود. شما خیال نکنید کسانی که در سطح جهان شیفته‌ی امام بودند، همه دوستان ایشان بودند. نه، حتی دشمنان او هم شیفته‌اش بودند. دشمنان که میگوییم، نه دشمنان عاطفی؛ بلکه حتی خیلی از دشمنان خطی و سیاسی و دشمنان در صحنه‌ی زورآزمایی جهانی هم، شیفته‌ی آن شجاعت و قدرت و عظمت بودند.



انطباق عظمت امام بر عظمت ملت

عظمت امام، همان عظمت شما ملت است. عظمت شما، به میزان زیادی در امام منعکس میشد؛ همچنان که عظمت امام، موجب شجاعت و عظمت ملت میشد. اینها روی هم اثر میگذاشتند. پس، این توجه چشمهای جستجوگر در سطح عالم روی ما بود و روزبه‌روز بیشتر شده و حالا هم به دلایل گوناگون، این توجه روی ما زیاد است و

۲۰۰ / ره، رهرو، رهبر

شاید بشود گفت که بیش از همیشه است.

تعبیر امام از اسلام ناب و اسلام امریکایی

همین که ملت ایران توانسته‌اند پرچم اسلام زندگی و زندگی ساز و اسلام مبارز، نه اسلام تسلیم در مقابل دشمنان خدا، نه اسلام طاغوت و نه اسلام امریکایی همانطوری که امام عزیزمان تعبیر کردند بلکه اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را بلند کنند، در دست محکم نگه دارند و متزلزل نشوند. نفس همین، برای ملت‌های مسلمان دنیا امیدبخش است.

منشأ همه‌ی موفقیت‌های انقلاب

امام (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه)، برای ما آیت تقوا بود. هرچه موفقیت در کار این انقلاب بود، در درجه‌ی اول، ناشی از تقوای قلبی آن رهبر و پیشوا و مجسمه‌ی تقوا بود.

در مراسم اعطای نشان فتح به تعدادی از فرماندهان عملیات فتح‌المبین و بیت‌المقدس،
به مناسبت آزادی خرمشهر، ۱۳۶۹ / ۰۳ / ۰۳

ایستادگی همیشگی امام و امت در مقابل مستکبران

ما در هیچ مسئله‌ای از مسائل جهانی، در طول هشت سال جنگ، بخاطر جلب نظر و رضای امریکا و شوروی، کوتاه نیامدیم. همه هم از همه طرف به ما تفهیم میکردند که راه مهربان شدن و ملایم شدن امریکا و شوروی با شما، این است که از مواضع باصلابت و سرسخت خودتان کوتاه بیایید و عقب‌نشینی کنید! اما رهبری عظیم‌الشان ملت ایران و این ملت بزرگوار و شجاع، یک‌قدم عقب‌نشینی نکرد.

توجه خاص امام به نیروهای مسلح

امیدوارم خدای متعال، به همه‌ی شما توفیق بدهد و روح مطهر امام بزرگوارمان که همواره توجه خاصی به نیروهای مسلح داشتند از شما راضی باشد.

جای گرفتن امام در اعماق دل مسلمین عالم

امروز در سرتاسر جهان، مذاهب مختلف و پیروان فرق گوناگون اسلامی، به نام جمهوری اسلامی شعار میدهند. امام بزرگوار ما(قدس‌الله‌نفسه‌الزکیه) در اعماق دل توده‌های مسلمان در شرق و غرب عالم جا داشت و آنها بدون توجه به اینکه اهل کدام مذهب و کدام فرقه‌ی اسلامی هستند، او را دوست میداشتند و به او عشق میورزیدند. همین قضیه موجب شد که دشمنان اسلام تلاش کنند، شاید بتوانند ایران اسلامی را از بقیه‌ی مسلمین جدا کنند.



تصمیم ما در نظام پدید آمده توسط امام

ما در ایران اسلامی و در نظام مقدّسی که بر پایه‌ی دین و بدست فرزند پیامبر و سلاله‌ی عترت، امام امت(رضوان‌الله‌علیه) پدید آمد، بنا داریم که با همه‌ی توان و با همه‌ی نیروی ملّی و ذاتی و ایمانی مردم خودمان، به سمت اقتدار واقعی و حقیقی اسلام پیش برویم و مطمئنیم که خداوند به ما کمک خواهد کرد.

تأکید مکرر امام بر اهمیت نماز جمعه در حراست از انقلاب

آن مطلب مهم و غیرجدید، عبارت از اهمیت حیاتی نماز جمعه در حراست از این انقلاب و تأثیرش در اداره و پیشرفت امور جاری کشور است. این مطلب را بارها همه‌ی ما در نماز جمعه گفته‌ایم و امام(رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) قولاً و عملاً، بارها و مکرراً آن را بیان فرمودند. اما گفتن یک مطلب و به زبان آوردن آن، بلکه در ذهن به آن قانع شدن، یک مطلب است؛ آن را بصورت یک باور در ذهن و دل و قلب و - به تبع آنها- در عمل وارد کردن، مطلب دیگری است.



استثنایی بودن امام برای انقلاب از زبان خارجیها

آن جاهایی که پیروزی پیش نمی‌آید، به دلیل این است که مردم نمی‌آیند. مردم باید بیایند. آمدن گروهی از مردم، فایده‌ای ندارد؛ باید آحاد مردم راه بیفتند؛ همانی که شما در ایران دیدید. آنهایی که متخلف شدند، گروه و نبذی از مردم بودند. نمی‌شود گفت گروهی از مردم آمدند؛ نه، متن مردم آمدند. سایر کشورها هم از ایران یاد گرفتند.

سال ۶۴ یا ۶۵ که از این حرفها هیچ خبری در دنیا نبود، به یکی از این سیاستمدارهای آفریقا، همین مطلب را گفتم. شخص خیلی عاقل و واردی به نام «موگابه» در آفریقا هست که از سیاستمداران خیلی پخته است و با ایران و انقلاب هم روابطش خیلی خوب است. خودش و کشورش زیمبابوه، همیشه با انقلاب ما همراه بوده‌اند. شخص او و افرادش، آدمهای خیلی عاقلی هستند و با دیگر کشورها تا آنجا که ما دیده‌ایم خیلی فرق دارند. من با او صحبت می‌کردم و همین مطلب را گفتم. آنوقت، ما راجع به کشور آفریقای جنوبی صحبت می‌کردیم. مطرح کردم که تجربه‌ی ما یک تجربه‌ی استثنایی است و به اعتقاد من، آفریقای جنوبی هم جز این راهی ندارد که مردم به خیابانها بریزند و نترسند و فضا را بر گروه حاکم تنگ کنند، تا بر آنها فشار قهری وارد بیاید. یعنی وقتی که همه‌ی محکوم‌علیه‌م، در مقابل عده‌ی کم حکام آمدند و برخلاف میل آنها قرار گرفتند؛ یعنی نه به اداره‌شان رفتند، نه در دکانشان رفتند، نه به محل کار و کارگاهشان رفتند و به خیابانها آمدند، آن حاکم، دیگر هیچ کاری نمیتواند بکند؛ یا باید فرار کند و برود، یا خودکشی کند، یا تسلیم بشود و یا توبه نماید.

البته بحث ما، مثل این بحثهای عادی سیاسی که هرچه این طرف می‌گویید، آنطرف هم بگوید بله درست است و باز حرف خودش را بزند، نبود. ما در یک مذاکره‌ی دوستانه‌ی دوفره‌ی غیردیپلماتیک صحبت می‌کردیم. او کاملاً تصدیق کرد و گفت: من این حرف را صددرصد قبول دارم و تجربه‌ی انقلاب شما، تجربه‌ی موفق است؛ منتها آفریقای جنوبی نمیتواند اینطوری عمل کند. علتش این است که شما مذهب و ایمان به دین داشتید، یک رهبر مذهبی هم پیدا شد که با شجاعت و قدرت، از این عامل ایمان مردم استفاده کرد و انقلاب را به پیروزی رساند؛ ولی در آفریقای جنوبی، جای این عامل خالی است؛ که حرف بسیار درستی هم بود. گفت: در آنجا، مردم اعتقاد آنچنانی ندارند و

ره، رهرو، رهبر / ۲۰۳

عامل ایمان در وجودشان نیست و رهبری هم مثل رهبر شما پیدا نمیکنند. میخواهم عرض بکنم که این استثنایی بودن وضعیت، برای زبده‌ترین آدمهای دنیا قابل فهم است. متفکران و نویسندگان و شعرا و سیاسیون برجسته را هم که در دنیا ببینید راجع به انقلاب و امام، اینطور با همه‌ی وجود شعر گفتند، حرف زدند، مقاله نوشتند، تمجید کردند، تحسین کردند، به همین خاطر است. اگر این حرفهایی که خارجیهای حسابی، راجع به امام و انقلاب گفتند، جمع بشود، چندین جلد کتاب میشود؛ منتها رسانه‌ها این رادیوی بی.بی.سی و رادیوی امریکا در دست صهیونیستها و یک عده از دشمنان سرسخت و صددرصد ماست و معلوم است که آنها این چیزها را منتشر نمیکنند، مگر بقدر ضرورت و اینکه یک وقت مجبور بشوند منتشر کنند.

آنچه که در دنیا نسبت به انقلاب وجود دارد، ستایش فوق‌العاده است. این، بخاطر همین است. انگیزه‌ی آنها، این بود. گاهی ماها تعجب میکردیم که یک شاعر درجه‌ی یک عرب شمال آفریقا که خودش هم یک شخصیت سیاسی است چطور آمده یک قصیده درباره‌ی امام، یا در مدح تهران گفته است. این، چه ذوق و هنر و انگیزه‌ای است که یک انسان حسابی و یک آدم دارای معرفت و علم و مکانت و وزانت را وادار میکند اینطور شعر بگوید؟ همه‌ی اینها، ناشی از خصوصیات انقلاب ماست.

تأکید مکرر امام بر گزارش‌دهی کارها به مردم

جمهوری اسلامی، انقلاب و نظام و کارش مردمی است و مردم از ریزترین کارها مطلع میشوند؛ مگر آن چیزهایی که گفتنش مفسده‌ای بار بیاورد. در دوران جنگ چیزهایی بود که گفتنش مفسده داشت؛ لیکن در غیر این امور، هر چیزی که اتفاق بیفتد، اول بایستی مردم در جریان قرار داده بشوند. در زمان امام (رضوان‌الله تعالی علیه) همینطور بود. هر وقت بنا بود کاری انجام بگیرد، با ایشان مشورت میشد. از مطالبی که ایشان مکرراً میفرمودند، این بود که کاری که میکنید، طوری باشد که بتوانید به مردم بگویید؛ یعنی قابل طرح برای مردم باشد.

نماز جمعه؛ از بزرگترین کارهای امام (ره)

یکی از بزرگترین کارهای امام بزرگوارمان (رضوان الله تعالی علیه)، همین ایجاد و تأسیس نمازهای جمعه بود. نماز جمعه را ایشان به این ملت دادند. سالهای متمادی بود که ما از نماز جمعه محروم بودیم، یا آن را نداشتیم. در جاهایی هم که خیلی بندرت پیدا میشد، آن تأثیری را که نماز جمعه میتواند در حکومت اسلامی داشته باشد، قهراً نداشت.

توصیه‌ی امام به نحوه‌ی برخورد با اختلافات سیاسی

اصل انقلاب و اسلام و حمایت از دولت و جهتگیریهای اصولی، بایستی مشترک باشد. همه باید روی این، نظر بدهند. در بقیه‌ی امور هم هرکس که سلیقه و نظری دارد، نظر خودش را داشته باشد؛ ولی نباید موجب اختلاف بشود. همانطور که امام (ره) مکرر میفرمودند، مثل اختلافات طلبگی باید عمل کرد. یعنی دو نفر طلبه و هم‌مباحثه، سر مسئله‌ای جنجال و بحث دارند؛ ولی در حقیقت با هم دوستند و مشکلی با یکدیگر ندارند. دو نفر رفیق، از دوران طلبگی تا دوران اجتهادشان، سر مسئله‌ای بحث میکنند. این، در فلان مسئله‌ی اصولی، عقیده‌ای پیدا میکند؛ او هم عقیده‌ی دیگری پیدا میکند. فرض کنید در بحث ترتب، با هم مباحثه میکنند. این آقا، نظر «آخوند» را قبول کرده؛ آن یکی، نظر فلان شخص را قبول میکند. بزرگ هم که میشوند، هر دو نفر نظراتشان را دارند و با یکدیگر رفیق هم هستند. اختلاف‌نظرهای سیاسی، باید همینطور باشد.

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۶۹/۰۳/۱۰

دو روز استثنایی متعلق به امام

«لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ* وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بَقِيْعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَفَّاهُ حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ»^۱.

۱ سوره‌ی نور، آیات ۳۸ و ۳۹. تا خدا بهتر از آنچه انجام میدادند، به ایشان جزا دهد و از فضل خود بر آنان بیفزاید، و خدا [ست که] هر که را بخواهد بی حساب روزی میدهد. و کسانی که کفر ورزیدند، کارهایشان چون سرابی در زمین هموار است که تشنه، آن را آبی میندازد، تا چون بدان رسد آن را چیزی نیابد و خدا را نزد خویش یابد و حسابش را تمام به او دهد و خدا زودشمار است.

ره، رهرو، رهبر / ۲۰۵

در تاریخ پُرماجرای انقلاب، هیچ روزی مانند دوازدهم بهمن نبود که در آن، مردی از دودمان پیامبران و بر شیوهی آنان، با دستی پُرمعجزه و دلی به عمق و وسعت دریا، در میان مردمی شایسته و چشم‌به‌راه، چون آیهی رحمت فرود آمد و آنان را بر بال فرشتگان قدرت حق نشانید و تا عرش عزت و عظمت برکشید. و هیچ روزی چون چهاردهم خرداد نبود که در آن، توفان مصیبت و عزا، بر این مردم تازیانه‌ی غم و اندوه فرود آورد. ایران یکدل شد و آن دل در حسرتی گدازنده سوخت، و یک چشم شد و آن چشم در مصیبتی عظیم گریست.



توصیف و تصویرزمینی چهارده خرداد

در آن روز، خورشیدی غروب کرد که با طلوع آن، هزار چشمه‌ی نور در زندگی ملت ایران جوشیده بود؛ روحی عروج کرد که با نَفَس روح‌اللهی‌اش، پیکر ملت را جان بخشیده بود؛ حنجره‌ای خاموش شد که نَفَس گرمش، سردی و افسردگی از جهان اسلام زدوده بود؛ لبانی بسته شد که آیات الهی عزت و کرامت را بر مسلمین فروخوانده و افسون یأس و ذلت را در روح آنان باطل ساخته بود.

آن روز، روز عزای بزرگ عالم اسلام شد. سوزش آن غم، به ملت ایران منحصر نماند. در سراسر جهان، هر جا دل روشن و جان بیداری بود، مصیبت‌زده شد. هر جا مسلمانی آگاه از انقلاب و مسائل آن بود، خود را صاحب‌عزا شمرد. پس، در روی زمین جایی نماند که در آن، دل‌هایی از این حادثه‌ی عظیم، از اندوه لبریز نشود و انسان‌هایی از این فقدان بی‌جبران، به عزا ننشینند.

و اما ایران، یکسر عزاخانه‌ای شد که در هر شهر و روستایش، شیون حسرتبار از یکایک خانه‌ها سرریز شد و کوی و میدان و خیابان را پُر کرد. هیچ‌کس نتوانست این جرعه‌ی درد را خاموش فروربرد؛ از دلاوران میدانهای نبرد، تا مادران و پدرانی که غم شهادت جوانانشان نتوانسته بود گره عجز و اندوه بر جبینشان بیفکند، تا بزرگمردان عرصه‌ی علم و عرفان و سیاست و تا یکایک آحاد این ملت عظیم‌القدر، همه و همه در این مصیبت عظمی زارزار گریستند، یا صدا به فغان بلند کردند، یا بی‌صبرانه بر سر و سینه زدند.

مصیبت فقدان امام، همان به بزرگی امام بود و جز خدا و اولیایش کیست که حد و مرز این عظمت را بشناسد؟ آنجا که دل‌های بزرگ بیتاب میشوند، آنجا که انسان‌های بزرگ دست و پا گم میکنند، آنجا که صحنه، از بیقراری میلیون‌ها و میلیون‌ها انسان پُر است، کدام زبان و قلم انسانی است که بتواند نمایشگر و صحنه‌پرداز گردد؟ من که خود قطره‌ی بیتابی در اقیانوس متلاطم آن روز و آن روزها بوده‌ام، چگونه خواهم توانست آن را شرح کنم؟! ■

توصیف و تصویر ملکوتی چهارده خرداد

و اما روی دیگر صحنه، یعنی فضای ملکوت جهان در آن روز، تنها برای اصحاب بصیرت و معرفت مشهود بوده است. شاید چشم‌های نافذی که حجاب ملک را می‌گشایند و مرغ نگاه را تا ملکوت پرواز میدهند، شگفتیهای بیشتر و صحنه‌های تماشایی‌تری را آن روز در آن عاشورای خمینی دیده باشند: عروج نفس مطمئنه‌ای را به قرارگاه لطف و رحمت خدا، صعود کلمه‌ی طیبه‌ای و نفس راضیه و مرضیه‌ای را به سوی حق، رجوع جویباری را به دریا و وصال عاشقی را به معشوق، استقبال خیل عظیم شهدا را از آن روح مطهر و خیرمقدم ارواح طیبه‌ی اولیاء را به آن میهمان تازه‌وارد، فوز و فلاح جان مزگابی را که بر بال ملائک رحمت نشسته و شمیم حسنات بشمارش، شام فرشتگان و خزنه‌ی بهشت نعیم حق را معطر ساخته، عمل صالحی را که ردایی از نور گشته و بر پیکر ملکوتی آن روح مجرد پوشانیده شده و باران غفران و فضل خداوندی گشته و بر سراپای آن عبد صالح فروریخته و دارالسلام ابدی شده و آن مشتاق رضوان حق را در خود جای داده است. ■

و سرانجام سوگواری امام زمان

افسوس که برای ما خاکیان، از آن آیینه‌بندان جشن ملکوتی، بارقه‌ی تسلایی نمیدرخشید و جز اشک دیدگان، نمی بر آتش هجران آن قبله‌ی دل‌ها افشانده نمیشد. شور عزا در غم پدر مهربان، معلم دلسوز و مرشد حکیم و دیده‌بان همیشه بیدار و طیب درد و

ره، رهرو، رهبر / ۲۰۷

درمان‌شناس و سرورش رحمت خدا بر امت و یادگار انبیاء و اولیاء در زمین، اهل زمین را می‌گذاخت و غمی بی‌تسللاً بر آنان فرومیریخت. زمان، یگانه‌ی خود را از دست داد و زمین، گوهری یکدانه را در خود گرفت. پرچمدار بزرگ اسلام، پس از عمری مبارک که در راه اعتلای اسلام سپری شده بود، دنیا را وداع کرد و قطب عالم امکان و ولی‌الله الأعظم (أرواحنا فداه) در مصیبت خلیفه‌ی خود سوگوار شد.

اکنون، یک سال از آن روزهای ملامال درد و رنج می‌گذرد. سالی که در آن، یاد و حضور امام، لحظه‌ای ملت ما را ترک نگفته و زنده و برجسته و درخشان در ذهن و زندگی آنان و دیگر مسلمانان و مستضعفان در سراسر جهان برجا مانده است.

اهمیت حرکت جمهوری اسلامی در خط امام، نزد مسلمین جهان

آنچه پس از حیات پربرکت امام و در این یک سال، برای ما و همه‌ی دلسوزان امت اسلام بیشترین اهمیت را داشته، میراث عظیم و تاریخی و بی‌نظیر او - جمهوری اسلامی و سلامت و توان و شتاب و جهتگیری صحیح آن در راه و خط امام - بوده است. این، همان چیزی است که در دوران زندگی آن بزرگوار نیز مسئله‌ی اول برای ملت ایران و دوستان آن در سراسر جهان، بلکه برای هر مسلمانی به حساب می‌آمده که به مجد و عظمت اسلام دل بسته بوده است. و حق نیز همین است.

پاسداری از نظام و جهتگیری صحیح آن؛ دو مسئله‌ی مورد اهتمام حضرت امام خمینی (ره)

جمهوری اسلامی که با پیدایش خود، راه نوینی در مقابله با زورگویان تراز اول عالم باز کرد و به ملت‌های مستضعف مخصوصاً مسلمانان امیدی تازه بخشیده و در مدت ده سال و اندی رهبری امام راحل عظیم، بارها قلدران زمان را عملاً تحقیر کرده و دروغ شکست‌ناپذیری آنان را باطل ساخته است، باید هم بیشترین اهتمام امت اسلام و ملت ستم‌کشیده‌ی ما را به خود جلب کند؛ همچنان که آن پیشوای صالحان نیز همیشه بیشترین همت خود را به همین دو مسئله می‌گماشت: پاسداری از جمهوری اسلامی و مراقبت از جهتگیری راست و درست آن.

امیدها و نقشه‌های دشمنان در رحلت امام عزیز

با رحلت امام خمینی (ره)، طیف وسیع دشمنان اسلام که در صفوف مقدم معارضا با جمهوری اسلامی بودند، این امید را پنهان نکردند که جمهوری اسلامی در غیاب پدیدآورنده و پروراننده خود، نیروی دفاع و رشد را از دست بدهد و چون کودک بی‌صاحبی، احساس ضعف و درماندگی کند، یا بکلی از پای درآید و یا بناچار به زیر دامان این و آن پناه گیرد! در محاسبات تنگ‌نظرانه‌ی دشمنان که همه بی‌استثنا اسیر محاسبات صددرد صد مادی و از فهم روابط معنوی و برکات ایمان و تقوا بی‌نصیبند، نمی‌گنجید که معجزه‌ی الهی در طلیعه‌ی قرن پانزدهم هجری یعنی حکومت صلاح و دین و حیات دوباره‌ی ارزشهای اسلامی آن قله‌ی مرتفعی باشد که دست آلوده‌ی بندگان هوی و هوس به آن نرسد و دیپلماسی زر و زور از به دام افکندن آن عاجز بماند!

اراده‌ی الهی در حل مشکلات طبیعی حاصل از رحلت امام

اما اراده‌ی الهی این بود، و همان شد که اراده‌ی الهی بود. نظام اسلامی، رشد و کارایی خود را در این مصیبت و ابتلای عظیم الهی نشان داد و ملت عالیقدر و مسئولان دلسوز و اهل حل و عقد، به پاداش صبر بر این مصیبت عظمی، استحقاق درود و رحمت حق را یافتند و به کمک خداوند و توجهات حضرت ولی‌الله اعظم (أرواحنا فداه) توانستند با گشودن گره‌هایی که بطور طبیعی در صورت ارتحال امام پدید می‌آمد، از امتحانی بزرگ سربلند بیرون آیند. نظام اسلامی که قلب تپنده‌ی خود را از دست داده بود، به برکت ایمان و توکلش و به برکت درسهای جاودانی که مردمش از آن استاد و مرشد خود آموخته بودند، نه فقط از حرکت و حیات و نشاط بازماند، بلکه با نشان دادن کارآزمودگی و حکمت و سرعت عمل، اعتبار خود را مضاعف ساخت.

نمایش قهرمانانه‌ی مردم در سنگینترین آزمون انقلاب

ابراز وفاداری ملت در آن عزاداری بی‌نظیر که در مقیاس جهان و تاریخ فوق‌العاده بود، حل مسئله‌ی رهبری، اعلام حضور عاشقانه‌ی همه‌جایی و همگانی مردم در دفاع از

ره، رهرو، رهبر / ۲۰۹

راه امام و از میراث معنوی امام در برابر رهزنان کمین گرفته و رستاخیز شگفت‌انگیز و به‌یادماندنی چهل روزه‌ی ایران و آنگاه تصویب ملی اصلاحات قانون اساسی و شرکت در انتخاب رئیس‌جمهور گزیده و تشکیل دولت و جریان یافتن همه‌ی امور کشور در عین تازگی و جاودانگی داغ رحلت امام و یاد ماندگار او، همه و همه اعتباری افزون‌تر از پیش به ایران و ایرانی و انقلاب و نظام اسلامی بخشید.

درست در آن هنگام که از حادثه‌ی ارتحال امام، نفس دنیا در سینه‌اش حبس شده و خواب از چشم دوست و دشمن در سطح جهان گرفته شده بود، ایران اسلامی نمایشی قهرمانانه داد و با عنایات خداوندی، سنگین‌ترین آزمون خود را به سرافرازی طی کرد و کشتی انقلاب از گردابی خطیر، با آرامش و اطمینان عبور کرد. و این خود آیت دیگری از شمول الطاف الهی بر ملتی شد که قدم در راه خدا نهاده و به نصرت او قیام کرده است. دوستان، یعنی توده‌های مسلمان و مستضعفان بسیاری از مناطق عالم، جانی و امیدی دوباره گرفتند و به پایه‌های نظام سلطه‌ی جهانی، ضربه‌ای دوباره پس از ضربه‌ی آغاز پیروزی انقلاب وارد آمد. یعنی حادثه‌ای که میپنداشتند انقلاب را درهم خواهد پیچید، به انقلاب اوج و حیات بخشید و امام ما آن برافروزنده‌ی مشعل انقلاب با رحلت خود، یکبار دیگر شعله‌ی انقلاب را برافروخته کرد. «فرحمه الله حیاً ومیتاً والسلام علیه یوم ولد و یوم قاد الأئمة و یوم ارتحل و یوم یبعث حیاً».



تمسک امام و امت به اسلام، در مقدمات، پیدایش و استمرار نظام

در همه‌ی این حوادث، و با نگاهی وسیع‌تر در سرگذشت یازده ساله‌ی نظام اسلامی و اساساً در پیدایش این نظام و مقدمات آن و مبارزاتی که به آن منتهی شد، صحنه‌پرداز اصلی و عامل حقیقی، همانا اسلام و عقیده و ایمان و تربیت اسلامی است. هم ملت ایران که با قیام شجاعانه‌اش در برابر نظام سلطه‌ی جهانی و بر ضد ابرقدرتهای شرق و غرب، کاری عظیم و بی‌سابقه انجام داد؛ هم رهبر و قائد عظیم‌الشأن این انقلاب که مثل کوه در برابر همه‌ی بادهای مخالف ایستاد و هجوم توفانها را شکست، اما خود کمترین تکانی نخورد؛ هم نظام نوین اسلامی که توانست کشور را بدون اندک تکیه‌ای به بیگانگان اداره کند و جنگی را که محل تلاقی نیروهای شرق و غرب بر ضد او بود و

نزدیک به سه چهارم سالیان پس از پیروزی را فراگرفت، بدون گرایش به هیچ طرف و فقط با تکیه بر خود، شرافتمندانه و با عزت و پیروزی به پایان برد، همه و همه توان خود را از اسلام گرفته‌اند و اسلام جوهر اصلی این حوادث شگفت‌آور و مایه‌ی حقیقی قدرت و صلابت و عزتی است که ایران و ایرانی و ملت و رهبر و انقلاب و نظام ما، در تاریخ معاصر از خود بروز داده‌اند.

شیوه‌ی امام در ایجاد نهضت اسلامی ایران

نهضت اسلامی در ایران به رهبری منجی بزرگ دوران، حضرت امام خمینی (رضوان‌الله‌علیه)، به پیروی از شیوه‌ی نبی اعظم و رسول خاتم و قله‌ی آفرینش عالم و آدم، حضرت محمد مصطفی (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، در قالب یک انقلاب تمام‌عیار ظاهر شد و این طبیعت انقلاب است که اگر بر پایه‌ی درست و منطقی استوار باشد، همچون آتشفشان، زلزله در تمام ارکان محیط پدید می‌آورد و همه چیز و همه جا و همه کس را از گرمی و اشتعال خود متأثر می‌سازد.

امام ما برای حیات دوباره‌ی اسلام، درست همان راهی را پیمود که رسول معظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) پیموده بود؛ یعنی راه انقلاب را. در انقلاب، اصل بر حرکت است؛ حرکتی هدفدار، سنجیده، پیوسته، خستگی ناپذیر و سرشار از ایمان و اخلاص. در انقلاب، به گفتن و نوشتن و تبیین اکتفا نمی‌شود؛ بلکه پیمودن و سنگ‌ریزه سنگ‌ریزه پیش رفتن و خود را به هدف رساندن، اصل و محور قرار می‌گیرد. گفتن و نوشتن هم در خدمت همین حرکت درمی‌آید و تا رسیدن به هدف - یعنی حاکمیت بخشیدن به دین خدا و متلاشی ساختن قدرت شیطانی طاغوت - ادامه می‌یابد: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۱.

۱ سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۳۳. او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.

خصوصیات انقلاب اسلامی امام؛ منطبق بر انقلاب صدر اسلام

در انقلاب اسلامی ایران، چند خصوصیت مهم وجود داشت که همه منطبق بر حرکت اسلامی صدر اول بود:

نخست، هدفگیری سیاسی؛ یعنی اراده‌ی قاطع بر حاکمیت دین خدا و اینکه قدرت از دست شیطانهای ظالم و فاسد گرفته شود و حاکمیت و قدرت سیاسی جامعه بر اساس ارزشهای اسلامی شکل گیرد.

دوم آنکه برای تحقق این هدف، از توده‌های مؤمن و آگاه و دردمند و فداکار- و نه از احزاب و گروهها و سازمانهای سیاسی- نیروی انسانی لازم گرفته شد و رهبر حکیم، نصرت را پس از توکل به خدا، از نیروی لایزال مردم جستجو کرد و در سایه‌ی مجاهدت پانزده ساله، جنود رحمان را از بندگان خدا به وجود آورد و در راه خدا به حرکت درآورد: «هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ»!

سوم آنکه خطوط اصلی جامعه‌ی مطلوب، یعنی استقرار شریعت اسلامی که متضمن عدل اجتماعی و استقلال سیاسی و استغنا‌ی اقتصادی و رشد علمی و اخلاقی است، در منظر همگان قرار گرفت و شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» که به معنای تبدیل واقعی و همه‌جانبه‌ی بنیانهای زندگی جاهلی به بنیانهای اسلامی است، مطرح گردید.

چهارم آنکه رهبر حکیم و فقیه که عبد صالح و الگوی مسلمانی بود، خود پیشاهنگ این حرکت در ایمان و عمل شد و این ایمان، جان او را چنان لبریز کرده بود که توانست دل‌های بی‌ایمان و ظرفهای تهی را از فیضان ایمان خود در صحنه‌ی عمل، لبریز و سیراب کند و فروغ ایمان و امید او، دیوارهای قطور یأس و بی‌ایمانی را بشکافد و فضای مبارزه و عمل را پُر کند: «أَمَّنَ الرَّسُولَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ»!

پنجم آنکه صدق و صفا و هوشیاری رهبر، هرگونه کجروی و سازش و معامله با دشمن را و خلاصه هر آن چیزی را که موجب انحراف از هدف شود، ناممکن ساخت و صراط مستقیم انقلاب به سمت هدفها، استوار و بی‌اعوجاج باقی ماند.



۱ سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۶۲. همو بود که تو را با یاری خود و مؤمنان نیرومند گردانید.

۲ سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۸۵. پیامبر [خدا] بدانچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده ایمان آورده است.

پیروزی و تداوم انقلاب امام؛ با تأیید و هدایت الهی

این، آن چیزی بود که در ایران اتفاق افتاد و رهبری که با تقوا و صدق عمل، توانسته بود تأیید و هدایت الهی را جلب کند، حرکت خود را شروع کرد و در ظرف پانزده سال مجاهدت و تلاش مستمر، توانست توده های عظیم مردم را بتدریج در خدمت هدف - که همان حکومت اسلامی، تشکیل نظام اسلامی و اجرای احکام اسلامی بود - به حرکت درآورد و حکومت طاغوتی و فاسد و وابسته ی حاکم بر ایران را که از سوی قدرتهای استکباری و غارتگر ثروتهای کشور ما حمایت هم میشد، ساقط کرد و در ظرف یازده سال پس از پیروزی، با مجموعه ی پیچیده و بی نظیری از توطئه و خصومت و خیانت و تهاجم و تحریم و حمله ی نظامی و غوغای تبلیغاتی و غیره دست و پنجه نرم کرد و از این مصاف تاریخی، مظفر و منصور بیرون آمد و اکنون نظام جمهوری اسلامی که محصول تلاش عظیم امام و امت است، در اوج اقتداری که ناشی از مقاومت و سرسختی در برابر زورگویان و استغناء از غارتگران است، چشم دوست و دشمن را به خود جلب و دلهای مستضعفان و زجردیدگان همه ی مناطق عالم را مجذوب کرده است.

آری، راز بزرگ در اعتلای امروزین اسلام و بیداری عمومی مسلمین، این بود که در کانون این حرکت یعنی ایران اسلامی مولود مبارک انقلاب بار دیگر از شجره ی طیبه ی اسلام به وجود آمد و محصول آن یعنی جمهوری اسلامی با بنیه ی مستحکمی که از ایمان اسلامی رهبر و ملت یافته بود، در راه و جهت درست پایدار ماند و وسوسه ی شیطانها و تیغ خشم و کین آنان بر او کارگر نشد و با مظلومیتی قدرتمندانه و سرافراز، چهره ی منور خود را در برابر چشم جهانیان قرار داد و با وجود و بقا و استقامت و صلابت خود، مبلغ اسلام شد.

ارائه ی اسلام ناب توسط امام در مدرسه ی انقلاب

طبیعت اسلام ناب، طبیعتی پرجاذبه است و دلهایی را که آلوده ی غرض ورزی و کینه توزی نباشد، به خود جلب میکند و این همان است که انقلاب ما و امام ما، دوباره در جهان مطرح کردند و بر دلها و چشمهای نیازمند و جستجوگر عرضه داشتند. در مدرسه ی انقلاب که امام ما بنیان گذارد، بساط اسلام سفیانی و مروانی، اسلام مراسم و

ره، رهرو، رهبر / ۲۱۳

مناسک میان‌تهی، اسلام در خدمت زر و زور و خلاصه اسلام آلت دست قدرتها و آفت جان ملتها برچیده شده و اسلام قرآنی و محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، اسلام عقیده و جهاد، اسلام خصم ظالم و عون مظلوم، اسلام ستیزنده با فرعونها و قارونها و خلاصه، اسلام کوبنده‌ی جباران و برپاکنده‌ی حکومت مستضعفان، سر بر کشیده است.

کلمات امام؛ منبع اصول اساسی انقلاب اسلامی

ملت ایران بخوبی دانسته است که نقطه‌ی قوت و پایداری او، درست همان است که دشمن همه‌ی نیروی خود را در مقابله با آن مصروف میکند؛ یعنی توکل به خدا و تمسک به اصول اساسی انقلاب که همه از مبانی اسلام سرچشمه گرفته و در کلمات رهبر کبیر انقلاب (رضوان‌الله‌علیه) بر آن تأکید شده است. خشم و غیظ عنادآمیزی که در به کار بردن واژه‌ی «بنیادگرایی» در اظهارات خصمانه‌ی رسانه‌های دشمن، از اول انقلاب تا امروز محسوس است، ناشی از درماندگی و سراسیمگی آنان در برابر پایبندی رهبر و ملت و نظام ما به اصول اساسی انقلاب است.

وصیت امام؛ حراست از اصول انقلاب و ضدیت با استکبار

ملت ایران باید بدانند که حفظ انقلاب و برپا نگاه داشتن پرچم عزت و شرف و ادامه‌ی راه پرافتخاری که مجاهدات این ملت شریف در برابر ملتهای جهان، مخصوصاً مسلمانان گشود و بعنوان تنها راه غلبه بر فشار و ظلم قلدران شناخته شد، و تنها باطل‌السحر توطئه‌های دشمنان بر علیه انقلاب و جمهوری اسلامی، همانا حراست از اصول بنیانی انقلاب و پاسداری از ارزشهای انقلاب است. این، آن نقطه‌ی روشنی است که شعار ضدیت با سلطه‌ی جهانی استکبار را عالمگیر ساخته و ارکان نظام سلطه‌ی جهانی را متزلزل کرده است و همین است که از این پس نیز ملت ایران را بر همه‌ی توطئه‌های دشمنان فائق خواهد ساخت. و این همان وصیت جاودانی است که امام راحل عظیم‌القدر (اعلی‌الله‌کلمته) در بیانیها و اخیراً در وصیتنامه‌ی خود، همه‌ی ما را بدان توصیه فرموده است.

معرفی اساسیترین اصول و معارف انقلاب برگرفته از راه و درس امام

اینجانب لازم میدانم اساسیترین معارف انقلاب را که همه در شمار بینات مکتب انقلاب و برخاسته از اصول و احکام اسلام است، یکبار دیگر به برادران و خواهران خود تذکر داده، همه‌ی ملت انقلابی و شجاعان را به توجه و اهتمام روزافزون نسبت به آنها دعوت کنم:

اصل اول؛ زنده نگهداشتن راه امام

(۱) پیش از هر چیز، زنده داشتن یاد و راه و درس جاودانه‌ی امام خمینی (علی‌الله‌کلمته) است، که مشعل راه و ترسیم‌کننده‌ی خط اساسی حرکت و تعیین‌کننده‌ی شاخصهای اصلی و حیاتی این جاده‌ی مبارک و فرجام تابناک آن است. حیات و شخصیت خمینی کبیر، تجسم اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و تبلور انقلاب اسلامی بوده و او خود و سخنش و انگشت اشاره‌اش، خضر راه این حرکت الهی و روشنگر نقاط مبهم و برطرف‌کننده‌ی همه‌ی تردیدها بوده و همچنان خواهد بود. ملت ایران و از همه بیشتر مسئولان کشور، باید این درس بزرگ را هرگز از یاد نبرند.

اصل دوم؛ حرکت در جهت حاکمیت اسلام

(۲) این نهضت مردمی و انقلاب بی‌نظیری که در منتهای مبارزات پانزده ساله‌ی آن پدید آمد و حماسه‌ی عظیمی که در عمر یازده ساله‌ی این نظام به ظهور رسید و شهادت نفوس طیبه و تحمل آن همه دشواریها و شکنجه‌ها و مصیبتها از سوی ملت مؤمن و مبارز ما، همه و همه بخاطر اسلام بود. این ملت بزرگ و امام بزرگوارش، سعادت را در پیروی حقیقی از اسلام دانستند و حاکمیت اسلام را وسیله‌ی نجات از سلطه‌ی شیطانها و طاغوتها و ستمگران دیدند و رضای خدا را در پیگیری از حاکمیت اسلام جستجو کردند. ملت‌های مسلمان و مخلصان دلسوز در سراسر جهان اسلام نیز بخاطر اسلام بوده و هست که این انقلاب و این نظام را متعلق به خود دانسته و از آن حمایت و دفاع کردند و میکنند. از اینرو، جمهوری اسلامی بزرگترین وظیفه‌اش آن است که اسلام را در زندگی مردم تحقق بخشد و جامعه را بصورت یک جامعه‌ی نمونه‌ی اسلامی درآورد.

راه تکمیل حرکت امام در تشکیل جامعه اسلامی

برای عملی شدن این هدف - که گامهای اساسی و بلند آن، از آغاز پیروزی بوسیله‌ی همه‌ی دست‌اندرکاران و با اشراف و اهتمام شدید امام (رضوان‌الله علیه) برداشته شده - باید قوای سه‌گانه‌ی کشور هماهنگ و پیگیر عمل کنند و حوزه‌های علمیه و مراکز فرهنگی و پژوهشی اسلامی، به تلاش وسیع دست زنند و سرچشمه‌ی پایان‌ناپذیر تفقه و اجتهاد آگاهانه و بصیر را در خدمت عمق و گسترش معارف اسلامی به کار گیرند و دستگاه فکری و عملی نظام جمهوری اسلامی، با هم و در کنار هم، جامعه را در راه اسلامی شدن روزافزون و به سمت هدفهای اسلامی پیش ببرند.

تمامی آحاد ملت مسلمان، در حفظ و حراست از احکام نورانی آن و سعی در گسترش و تعمیق آن در جامعه، دارای وظیفه‌ای بزرگند. امر به معروف و نهی از منکر که یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن برپا داشتن همه‌ی فرایض اسلامی است، باید در جامعه‌ی ما احیا شود و هر فردی از آحاد مردم، خود را در گسترش نیکی و صلاح و برچیده شدن زشتی و گمراهی و فساد، مسئول احساس کند.

ما هنوز تا یک جامعه‌ی کاملاً اسلامی که نیکبختی دنیا و آخرت مردم را بطور کامل تأمین کند و تباهی و کجروی و ظلم و انحطاط را ریشه‌کن سازد، فاصله‌ی زیادی داریم. این فاصله، باید با همت مردم و تلاش مسئولان طی شود و پیمودن آن، با همگانی شدن امر به معروف و نهی از منکر آسان گردد. مساجد بعنوان پایگاههای معنویت و تزکیه و هدایت، روزبه‌روز گرمتر و پُرونق‌تر شود و نشان ایمان و عمل و اخلاق اسلامی، در گوشه و کنار جامعه، از جمله در مراکز دولتی و ادارات و دانشگاهها، همه را به پیروی از تعالیم نورانی قرآن تشویق نماید. کتاب خدا در میان مردم حضور واقعی بیابد و آموختن و تدبّر و تعمق در آن، برای همه بخصوص جوانان و نوجوانان، امری رایج و دایر گردد. در این مورد، مسئولیت علما و آگاهان و نویسندگان و گویندگان و رسانه‌های عمومی، بسی مهم و خطیر است.

اصل سوم؛ عدالت اجتماعی

۳) فوریت‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی است. قیام پیامبران خدا و نزول کتاب و میزان الهی، برای همین بود که مردم از فشار ظلم

و تبعیض و تحمیل نجات یافته، در سایه‌ی قسط و عدل زندگی کنند و در پرتو آن نظام عادلانه، به کمالات انسانی نائل آیند. دعوت به نظام اسلامی، منهای اعتقادی راسخ و عملی پیگیر در راه عدالت اجتماعی، دعوتی ناقص، بلکه غلط و دروغ است و هر نظامی هرچند با آرایش اسلامی، اگر تأمین قسط و عدل و نجات ضعفا، و محرومین، در سرلوحه‌ی برنامه‌های آن نباشد، غیراسلامی و منافقانه است. و از همینجاست که ادعای سلاطین و حکامی که با وجود داعیه‌ی مسلمانی و شعار پیروی از قرآن، راه دیگر جباران را پیموده و فاصله‌ی فقیر و غنی را بیشتر کرده و خود در صف اغنیا قرار گرفته و از درد فقرا و پابرهنگان غافل مانده‌اند، چه در تاریخ و چه در زمان حاضر، همواره از سوی هوشمندان آشنا به معارف قرآن و اسلام، مردود دانسته شده است.

در نظام اسلامی باید همه‌ی افراد جامعه، در برابر قانون و در استفاده از امکانات خداداد میهن اسلامی، یکسان و در بهره‌مندی از مواهب حیات، متعادل باشند. هیچ صاحب قدرتی قادر به زورگویی نباشد و هیچ‌کس نتواند برخلاف قانون، میل و اراده‌ی خود را به دیگران تحمیل کند. طبقات محروم و پابرهنگان جامعه، مورد عنایت خاص حکومت باشند و رفع محرومیت و دفاع از آنان در برابر قدرتمندان، وظیفه‌ی بزرگ دولت و دستگاه قضائی محسوب شود. هیچ‌کس بخاطر تمکن مالی، قدرت آن را نیابد که در امور سیاسی کشور و در مدیریت جامعه دخالت و نفوذ کند و هیچ تدبیر و حرکتی در جامعه، به افزایش شکاف میان فقرا و اغنیا نینجامد. پابرهنگان، حکومت اسلامی را پشتیبان و حامی خود حس کنند و برنامه‌های آن را در جهت رفاه و رفع محرومیت خود بیابند.

امام بزرگوار ما، این را یکی از اساسیترین مسائل جمهوری اسلامی دانسته و قویترین بیانات را در اینباره ایراد نموده‌اند و این، خصوصیت غیرقابل تفکیک جمهوری اسلامی است. هیچ حائلی نباید بتواند مسئولین نظام و مدیران بخشهای مختلف آن را از این هدف اساسی غافل کند. پابرهنگان و کوخ‌نشینان و اکثریت مردم ما که بر اثر سیاستهای خائنه و خانه‌برانداز رژیم ستمشاهی، در فقر و محرومیت بسر میبرند، همواره صادقترین و بااخلاصترین یاوران این انقلاب و این نظام بوده‌اند و هستند و نظام اسلامی باید رفع محرومیت از آنان را در صدر برنامه‌های سازنده‌ی خود قرار دهد.

اصل چهارم؛ وحدت کلمه

۴) وحدت کلمه، رمز پیروزی ملت ایران در مراحل مختلف بوده و امروزه نیز مهمترین وسیله‌ی ملت ما برای مقابله با تحریکها و توطئه‌هاست. باتوجه به سرگذشت دوران ده ساله و تأمل در حوادث آن، که حاکی از آسیب‌ناپذیری جمهوری اسلامی در برابر انواع توطئه‌های دشمنان داخلی و خارجی است، اهمیت وحدت و یکپارچگی ملت و مسئولان بیشتر آشکار میشود.

ملت ایران و مدیران و گردانندگان کشور، باید بر گرد اصول اساسی نظام جمهوری اسلامی مجتمع گشته و همه‌ی توان و نیروی خود را برای تحقق و حراست از آن متمرکز کنند و هیچ خواسته و شعار و هیچ انگیزه‌ی فردی و گروهی و قومی و فرقه‌ای نتواند فرد و یا جمعی را از تلاش برای آن اصول و رسیدن به هدفهای نظام جمهوری اسلامی بازدارد.

همه‌ی ملت رشید ایران، مخصوصاً آنان که سخن و عملشان در معرض قضاوت و توجه دیگران است، باید صفوف خود را متحد و مرصوص ساخته، با وحدت و همکاری و با گامهای استوار، به سوی اهداف عالی‌ی اسلام، قدرتمندانه حرکت کنند و دشمنان کمین‌گرفته را که مترصد فرصتند، مأیوس سازند.

رسانه‌های خبری بیگانه که مظهر تمایلات و سیاستها و نیات خصمانه و اغراض خبیث سردمداران سیاستهای جهانی‌اند، بر روی هر کلمه و هر اشاره‌ای که از آن، بوی اختلاف و دودستگی استشمام شود و یا بتوان چنین وانمود کرد، شدیداً حساسیت نشان داده و با بزرگ کردن نکته‌های ریز و مطرح ساختن استنباطهای دروغین از گفته‌ها و نوشته‌ها در ایران، بطور دائم در تلاشند که شاید بتوانند تصویری مشوش و آلوده به اختلافات و زدو خورد داخلی از ایران اسلامی - که بحمدالله برخوردار از وحدت و یکپارچگی کم‌نظیری است - به مردم ایران و جهان ارائه دهند و زمینه‌ی دودستگی و نفاق را با این وسوسه‌ها به وجود آورند. اینها همه نشانه‌ی آن است که امروزه دشمن از همه‌ی راهها برای تضعیف جمهوری اسلامی عاجز مانده و بدخواهانه در کمین اختلافات داخلی و شکست وحدت عمومی نشسته است.

ملت رشید ایران و مسئولان و متصدیان امور کشور و نمایندگان محترم مجلس،

گویندگان و نویسندگان، باید مانند همیشه به این طمع خام دشمن پاسخ مناسب را بدهند و وحدتی را که صنع الهی و رحمت شامله‌ی حق بر ملت ایران است، با همه‌ی وجود پاسداری کنند.

نسخه الکترونیکی

هرگونه بهره‌برداری بصورت چاپ و تکثیر ممنوع می‌باشد.

اصل پنجم؛ حفظ عزت و کرامت بین‌المللی

۵) حفظ عزت و کرامت انقلابی جمهوری اسلامی و ملت ایران در مناسبات بین‌المللی، یکی دیگر از نقاط اصلی است. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تحولی ژرف در ارتباطات بین‌المللی از دو نظر به وجود آورد:

اول اینکه هیمنه‌ی دو ابرقدرت آن روز دنیا را در رابطه‌شان با دولتهای ضعیف جهان، شکستی سخت داد و ابهتی را که به‌مرور در چشم ملتها و دولتها بدست آورده بودند، بشدت تضعیف کرد.

دوم آنکه به ملتها دلگرمی و شجاعت بخشید و جرأت و گستاخی در مقابله با دولتهای دست‌نشانده را به آنان تزریق کرد. گرچه این تأثیرات عمیق، بتدریج در جهان ظاهر شد و امروز پس از یازده سال، چهره‌ی سیاسی عالم را دگرگون کرده است، اما همه‌ی چشمهای تیزبین، از همان آغاز تشخیص دادند که با پیروزی این انقلاب عظیم، عصر جدیدی در مناسبات عالم پدید آمده است. این عصر را باید «عصر امام خمینی» نامید و ویژگی آن، عبارت است از بیداری و جرأت و اعتماد به نفس ملتها در برابر زورگویی ابرقدرتها و شکستن بتهای قدرت ظالمانه و بالندگی نهال قدرت واقعی انسانها و سر برآوردن ارزشهای معنوی و الهی.

تحقق پیشگوییهای امام در مناسبات بین‌المللی

امروز که با دفن مارکسیسم و تلاشی بلوک شرق و قیامهای مردمی بر ضد حکومتهای استبدادی کمونیست، پیش‌بینیهای امام بزرگوار تحقق یافت و یکی از دو ابرقدرت از صحنه‌ی سیاست عالم حذف و به قدرت درجه‌ی دوم تبدیل گردیده و ابرقدرت دیگر هم از سویی با اوجگیری مقاومت‌های مردمی در بسیاری از نقاط عالم، از جنوب و شمال آفریقا و فلسطین اشغالی تا اقصا نقاط شرق آسیا و از سوی دیگر، با گسترش روزافزون فساد و بی‌ایمانی و بی‌بندوباری، خلأ معنویت و تفکر مکتبی در داخل جامعه‌ی امریکایی

و گسسته شدن رشته‌ی «مبارزه با کمونیسم» که همواره سردمداران امریکا میخواستند با آن، خلأ یک عقیده‌ی وحدتبخش را در میان ملت خود پُر کنند و نیز از سوی دیگر، برهم ریختن محاسباتی که بر روابط اروپا و امریکا حاکم بود، موجب نفوذ دولت امریکا حتی بر کشورهای اروپایی میشد، شدت احساس خطر میکنند و موقعیت خود را در جهان متزلزل میبینند.

برای حفظ این روندِ روبه اشتعال و تقویت روحیه‌ی ملت‌های اصیل و مظلوم، جمهوری اسلامی موظف است کوچکترین تغییری در چهره‌ی باصلابت و موضع باعزت خود در مناسبات بین‌المللی ایجاد نکند؛ با قلدران، از موضع قدرت و با دولت‌های ضعیف، از موضع حمایت و با ملت‌های بپاخاسته، از موضع رعایت و هدایت سخن بگوید و عمل کند؛ دولت امریکا را به مثابه رأس فتنه و استکبار و رمز غداری و شیطنت و بخاطر ستمش به کشورهای ضعیف و حمایتش از صهیونیسم غاصب و دشمنش با بیداری و آزادی ملتها و خصومت عمیق و جنایت‌بارش با ملت ایران، محکوم و منفور و مطرود دانسته، هیچ فرصتی را برای افشای چهره‌ی تزویرآلود و رسوا کردن آن مدعیان آزادی و غیره و بیان این حقایق از دست ندهد.

مسئله‌ی فلسطین، مسئله‌ی اول بین‌الملل اسلامی است. امروز که مبارزات ملت فلسطین در زیر پرچم اسلام، خواب از چشم دولت غاصب صهیونیست و حامیانش ربوده است، بزرگترین وظیفه‌ی ملت و دولت ما و همه‌ی ملتها و دولت‌های مسلمان، حمایت از این مبارزات است. غده‌ی سرطانی اسرائیل را تنها از طریق همین مبارزات میتوان ریشه‌کن ساخت و جهان اسلام را از خطرات مهلک آن نجات داد. سکوت و سازش خیانت‌آلود بسیاری از دولت‌های عربی و حتی تظاهر بعضی از آنان به بی‌تفاوتی و عدم حساسیت نسبت به سرنوشت فلسطین، کار را به جایی رسانده است که دولت غاصب صهیونیست، پس از سالها کتمان و حتی انکار، اکنون دوباره داعیه‌ی اسرائیل بزرگ را علناً بر زبان می‌آورد و با بی‌شرمی و وقاحت، نیت پلید غصب سرزمین‌های جدیدی از میهن اسلامی را تکرار میکند.



اصل ششم: تکیه بر اراده مردم

۶) تکیه بر مردم و حاکمیت اراده و خواست و تشخیص آنان، رکن مهم دیگری است که روزه‌روز باید تحکیم و تقویت شود. مردم آزاده‌ی ما، با اراده‌ی قاطع خود که از ایمان عمیق آنان به اسلام ناشی می‌شود، مبارزات را تا پیروزی ادامه داده و جمهوری اسلامی را به وجود آورده و با فداکاری و ایثاری بی‌نظیر، از آن حراست نموده‌اند و از این پس هم در همه حال، نظام اسلامی متکی به مردم و متعلق به مردم و در اختیار مردم خواهد بود. مجلس شورای اسلامی که در آزادی و استقلال رأی در جهان بی‌نظیر است، مظهر اراده‌ی مردم و رئیس جمهور، وکیل و برگزیده‌ی مردم و مدیران کشور، آحادی از مردمند و مردم‌دارای حق رأی و بیان و تصمیم‌گیر کلیه‌ی امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعیند. و این، یکی از برکات بزرگ اسلام و طرح منحصر به فردی است که نظام‌های شرق و غرب، از ارائه‌ی آن ناتوان بوده‌اند و در هیچ‌یک از سیستم‌های حکومتی عالم، نمیتوان نظیر آن را یافت.

علاوه بر نظام‌های ورشکسته و متلاشی‌شده‌ی کمونیستی که در آن، حزب منحصر به فرد کمونیست، به جای مردم تصمیم‌گیر و علاوه بر نظام‌های ارتجاعی مستبدانه که در آن، سلطنت‌های موروثی و ریاست‌های ناشی از کودتای نظامی، با آن زندگی‌های قارونی و دیکتاتوریه‌های فرعون‌ی، وبال جان و زندگی مردم محسوب می‌شوند، در کشورهایی هم که اسماً دارای نظام دموکراسیند و حکومتها علی‌الظاهر با رأی و انتخاب مردم بر سر کار می‌آیند، باطن کار چیز دیگری است و زمام همه‌ی کار، در دست کمپانیها و سرمایه‌داران استثمارگر است و این قدرت پول و سرمایه است که با در دست داشتن رسانه‌ها و قدرت تبلیغات، امر را بر خود مردم هم مشتبه میکند.

مقایسه زندگی امام با قشر متوسط مردم

در همه جای عالم، فاصله‌ی میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌ی شاه و گداست و حتی حکومت‌هایی هم که داعیه‌ی توده‌ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه‌ی شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشأنش تا پایان عمر در زی‌طلبگی زندگی کرد و مسئولان کشور بدون استثنا، دامان خود را از طرز زندگی‌های رایج مسئولان در سایر کشورها پاکیزه نگه داشتند و مانند

قشرهای متوسط مردم خود زندگی کرده‌اند.

اصل هفتم؛ پیوند و همکاری مردم و مسئولان

۷) همکاری دولت و ملت و پیوند عاطفی و عقیدتی مردم با مسئولان کشور، یکی از مظاهر اساسی حکومت مردمی است و تاکنون گرهگشای مسائل بسیار مهمی بوده است و باید همیشه با همان قوت و استحکام باقی بماند. امام بزرگوار ما (رضوان‌الله علیه) در دوره‌های مختلف و نسبت به دولتهای هم‌دوره ده ساله، همواره مردم را توصیه به همکاری و کمک نموده‌اند و امروز که دولت جمهوری اسلامی، با مدیریت یکی از چهره‌های شاخص انقلاب و یکی از شاگردان و یاران دیرین امام امت، با مجموعه‌ای از کارهای بزرگ برای پیشرفت کشور و رشد و توسعه ملی و دفاع از ارزشهای انقلاب در سطح جهان روبه‌رو است، این پیوند و صمیمیت، از همیشه باید مستحکمتر باشد و بحمدالله همینطور نیز هست.

اصل هشتم؛ سازندگی و آبادسازی کشور

۸) سازندگی کشور و آبادسازی این سرزمین پُربرکت و مستعد و جبران عقب‌ماندگیهای تأسیساتی که در دوران حکومت طواغیت، بر این ملت با استعداد تحمیل شده است، یکی از هدفهای اصلی جمهوری اسلامی است.

اصل نهم؛ گسترش علم و آگاهی عمومی

۹) گسترش دانش و تحقیق و رشد علمی و شکوفایی استعدادهای انسانی و گسترش آگاهی و معرفت عمومی، یکی دیگر از نقاط اساسی انقلاب است. جامعه‌ی مطلوب اسلام، جامعه‌ای است که در آن، گنجینه‌های فکر و ذهن انسانها- که گرانبهاترین ثروت ملی هر جامعه‌ای است- استخراج و به کار گرفته شود؛ بیسوادی ریشه‌کن گردد؛ مدارس، دربرگیرنده‌ی همه‌ی کودکان و نونهالان؛ دانشگاهها و حوزه‌های علمیه، پُررونق؛ مراکز تحقیق، فعال و پیشرو؛ کتاب، همه‌جا و نزد همه‌کس رایج؛ مطبوعات، پُرمنغز و

آگاهی‌بخش؛ دانشمندان و اساتید، بانشاط و پُرانگیزه؛ مبتکران و نوآوران و نویسندگان و هنرمندان، دلگرم و فیض‌بخش باشند.

زندگی افتخارانگیز در نظامی بر پایه معرفت و رهبری امام

زندگی در نظامی که بر پایه‌ی معرفت و فرهنگ و ارزشهای الهی بنیان نهاده شده، برای همه افتخارانگیز است؛ نظامی که در رأس آن امام خمینی است؛ آن عظیم‌القدری که حتی دشمنانش او را بزرگ و خارق‌العاده می‌شمارند و به عظمتش کینه می‌ورزند. هیچ‌کس اعتلای معنوی او و زهد و پارسایی او و دانش و معرفت او و صفای روح بزرگ او را انکار نمی‌کند. هیچ‌کس در او، کمترین شائبه‌ای از ضعف و تسلیم در برابر دشمنان ملت نمی‌شناسد و قله‌ای برتر از او در عظمت روحی، گمان نمی‌برد.

اصل دهم؛ محوریت روحانیت

۱۰) روحانیت، عنصر اصلی در مبارزات پانزده ساله‌ی منتهی به پیروزی انقلاب و سپس در تشکیل نظام مقدّس اسلامی و برافراشتن پرچم اسلام در جهان و در مقاومت پُرشور ملت ایران در برابر تهاجمهای گوناگون دشمنان و پیش از اینها و در طول قرنهای متمادی، عامل اصلی حفظ معارف اسلامی و ایمان عمیق و صادقانه‌ی ملت ایران به مکتب حیاتبخش اسلام و رشد تفکرات دینی در همه جا بوده است.

ملت عزیز ما میدانند که انگیزه‌ی دشمن از این حملات همه‌جانبه به علمای دین، جز این نیست که بوضوح میدانند روحانیت نقش تعیین‌کننده و بی‌بدیلی داشته و دارند و آنان حمله به روحانیت را با هدف تضعیف و محو انقلاب انجام می‌دهند.

امروزه قلمهای مزدور و دستهای فروخته شده به دشمن، در کار آنند که این پشتوانه‌ی معنوی انقلاب را در چشم مردم تضعیف کنند. دشمن انقلاب، جامعه‌ی روحانیت را در صورتی تحمل میکند که روحانیون از دخالت در امور سیاست و حضور در صحنه‌های انقلاب کنار بکشند و مانند جمعی از روحانیون بیخبر و متحجّر گذشته و حال، به کنج مدارس و مساجد اکتفا کنند و کشور و زندگی مردم را به آنان بسپارند و از

جمله‌ی پدیده‌های پُر معنی آن است که در تمام مدت مبارزات و نیز سالهای پس از پیروزی، علمای متحجر و بیخبر از حوادث کشور و دور از جریانهای سیاسی، هیچگاه در معرض تهاجم دشمنان قرار نگرفتند؛ بلکه حتی گاه مورد ستایش و تمجید نیز واقع شدند و حملات جسمی و تبلیغی و حتی تهمت ارتجاع و واپسگرایی از سوی روشنفکر نمایان عامل بیگانه، تنها متوجه علما و روحانیونی شد که از لحاظ اندیشه‌ی سیاسی و نوآوریهای عرصه‌ی علم و عمل، درخشیده و بعنوان قشری پیشرو و مترقی و آگاه، شناخته شده‌اند.

آشکار شدن حقایق مورد تأکید امام درباره روحانیت

موضعگیریهای دشمنان، بدرستی همان حقیقتی را برای مردم آگاه و جامعه‌ی روحانیت متعهد و انقلابی آشکار میسازد که امام حکیم و روشن بین ما بارها آن را بیان کرده‌اند. یعنی اولاً اینکه قدرشناسی از روحانیون بزرگوار و تبعیت از آنان، وظیفه‌ای دینی و ملی و انقلابی است که هیچگونه غفلت از آن جایز نیست. ثانیاً اینکه تحجر و واپسگرایی در میان روحانیون و یا خدای نخواستہ توجه به منافع شخصی و دنیاطلبی و روی آوردن به زیورهای مادی و سوءاستفاده از مکانت اجتماعی، خطرش برای روحانیت، کمتر از حملات دشمن نیست؛ بلکه به مراتب از آن بیشتر است. و ثالثاً وضعیت دوران انقلاب و توجه روزافزون به اسلام در خارج از مرزهای کشور اسلامی، ایجاب میکند که علمای دین، با بینشی کاملاً نو و با استفاده از ذخیره‌ی بی‌پایان معارف دین و با اسلوب فقاہت سنتی و اجتهاد زنده و پویا، راه جامعه‌ی اسلامی را هموار نمایند و حوزه‌های علمیه با تحولی اساسی، خود را با نیازهای امروز جهان تطبیق دهند و نوآوری را جهت و سمت برنامه‌های خود قرار دهند و البته با اعمال دقت لازم و برجسته کردن اصول و مبانی فقاہت، راه را بر التقاط و کجروی ببندند. رابعاً آنزوا و دوری از فعالیت سیاسی را- که خواست دشمنان و خلاف وظیفه‌ی اسلامی است- به هیچ وجه در زندگی خود و حوزه‌های علمیه راه ندهند و همواره مخصوصاً در مواقع خطر، پیشاپیش صفوف مردم، به تلاشی مخلصانه و خستگی‌ناپذیر مشغول باشند و علم را با عمل و تفقه را با جهاد و معرفت را با تبلیغ قوی و عملی همراه سازند و هر سه سنگر مدرسه، مسجد و جبهه را پُر کنند.

اصل یازدهم: بزرگداشت وفاداران فداکار انقلاب

(۱۱) در این مقال، لازم است بزرگداشت وفاداران فداکار نیز بعنوان یکی از نقاط عمده‌ی معارف انقلاب ذکر شود.

اصل دوازدهم: الگو و اصل بودن خط امام در ادامه راه انقلاب

(۱۲) ختام سخن آن است که دوران ده ساله‌ی حیات مبارک امام خمینی (رضوان‌الله تعالی علیه)، الگو و نمونه‌ی حیات جامعه‌ی انقلابی ماست و خطوط اصلی انقلاب، همان است که امام ترسیم فرموده است. دشمنان خام‌طمع و کوردل که گمان کردند با فقدان امام خمینی، دوران جدید با مشخصاتی متمایز از دوران امام خمینی (ره) آغاز شده است، سخت در اشتباهند. امام خمینی، یک حقیقت همیشه زنده است. نام او پرچم این انقلاب، و راه او راه این انقلاب، و اهداف او اهداف این انقلاب است. امت امام و شاگردان او که از سرچشمه‌ی فیاض آن موجود ملکوتی سیراب شده و عزت و کرامت اسلامی و انسانی خود را در آن جسته‌اند، اکنون شاهد آنند که ملت‌های دیگر، حتی ملت‌های غیرمسلمان، نسخه‌ی تعالیم انقلابی آن قائد عظیم را مایه‌ی نجات خود دانسته و آزادی و عزت خویش را در آن یافته‌اند. امروز به برکت نهضت آن یگانه‌ی دوران، مسلمانان در همه جا بیدار شده‌اند و کاخ امپراتوری‌های سلطه‌ی ظالمانه، رو به ویرانی نهاده است. ملتها ارزش قیام ملی را دریافته و غلبه‌ی خون بر شمشیر را تجربه می‌کنند و همه در همه جا، چشم به ملت مقاوم و نستوه ایران دوخته‌اند.

اعلانی عمومی مبنی بر تداوم همیشگی دوران امام خمینی

بدیهی است که برای امریکا و دیگر سردمداران استکبار، چیزی مهمتر از این نیست که ملت ایران از راه ده ساله‌ی خود برگردد، یا در آن تردید کند؛ زیرا در این صورت، نقطه‌ی درخشان امید ملتها کور خواهد شد و غلبه‌ی خون بر شمشیر، مورد تردید قرار خواهد گرفت. ما صریحاً به همه‌ی ملت‌های جهان اعلام می‌کنیم که تفکر «خاتمه یافتن دوران امام خمینی» که دشمن با صد زبان سعی در القای آن دارد، خدعه و نیرنگی استکباری بیش نیست و علی‌رغم امریکا و همکارانش، امام خمینی در میان ملت خود و

ره، رهرو، رهبر / ۲۲۵

جامعه‌ی خود حاضر است و دوران امام خمینی ادامه دارد و خواهد داشت. راه او راه ما، هدف او هدف ما، و رهنمود او مشعل فروزنده‌ی ماست.

همه‌ی ملت و مخصوصاً جوانان عزیز و نوجوانان، خود را سربازان امام محبوبشان بدانند و با اتکال به خدا و استمداد از حضرت ولی‌الله‌الاعظم (ارواحنافداه) با قوت و قدرت به سمت هدفهای عالی امامشان حرکت کنند و بدانند که پیروزی نهایی از آن ماست. «كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي»!

در دیدار با مردم عزادار رفسنجان، در سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۳/۰۳/۱۳۶۹

نتایج معنویت امام و اتصال او به خدا و دوری وی از هوای نفس

شما برادران مخلص و بامعرفت، با این احساسات پاک و انگیزه‌ی الهی، برای اظهار ارادت به آن مرد دارای معنویت، این همه راه را از رفسنجان آمده‌اید. اگر معنویت امام نبود، این کشور تکان نمی‌خورد، این حرکت به وجود نمی‌آمد، انقلاب هم نمیشد، این حصار پولادین در مقابل قدرتها و ابرقدرتها هم به وجود نمی‌آمد، در رحلت او هم اینطور توفان برپا نمیشد. چه شد که با درگذشت یک نفر، میلیونها نفر منقلب شدند، میلیونها دل شکست، میلیونها چشم گریه کرد، میلیونها انسان در همه جای دنیا عزادار شدند؟ علت این بود که آن بنده‌ی صالح، در زندگی به خدا متصل شد، بنده‌ی خدا بود، او را اطاعت کرد و خود را از هواهای نفسانی دور نگه داشت. خدا هم او را بالا برد و تالی تلو انبیاء و اولیاء کرد و در نفس و بیان او، آن اثر را داد که دنیا را با زبان بیان و ارشاد و عمل خود تکان داد و هنوز که هنوز است، دنیا در پرتو رهنمودهای امام حرکت میکند و ان شاء الله بعد از این هم همین خواهد بود.

در مراسم اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۴/۰۳/۱۳۶۹

امام خمینی (ره)؛ اسلام انقلابی مجتسم

امام بزرگوار ما، مجسمه‌ای از ارزشهای انقلاب ما بود. از یکی از همسران پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) خواستند که آن بزرگوار را توصیف کند. در جواب گفت: «كَانَ خُلُقُهُ

۱ سوره‌ی مجادله، آیه‌ی ۲۱. خدا مقرر کرده است که: «حتماً من و فرستادگانم چیره خواهیم گردید.

الْقُرْآن! یعنی قرآن مجسم بود. ما امروز درباره‌ی امام بزرگوارمان باید عرض کنیم که او اسلام انقلابی مجسم، اسلام ناب مجسم در زندگی و اخلاق و احساسات و تصمیم‌گیریها و نیز فانی برای خدا بود. خدای متعال هم به او پاداش داد. کاری که بدست این بزرگوار در این دوران انجام گرفت، کاری بی‌نظیر بود. بعد از کار پیامبران اولوالعزم، کسی چنین حرکت عظیمی انجام نداده بود.

تأثیرات متفاوت انقلاب امام خمینی(ره) بر ملت‌های ضعیف و قوی جهان

یک نکته را در باب انقلابمان و در باب تأثیر عمل این عبد صالح خدا، به ملت ایران و به ملت‌های مسلمان عالم و به همه‌ی کسانی که در سطح جهان، نامی از انقلاب ما و از امام خمینی بزرگ ما شنیده‌اند، بگویم. این، مبنا و قاعده‌ی حرکت ماست. بر اساس همین بینش، ما زندگی و مبارزه و حرکت میکنیم. آن جمله این است که با انقلاب اسلامی در ایران و با تشکیل نظام اسلامی در این نقطه‌ی از عالم و با مبارزات طولانی‌ای که ملت ما پشت سر رهبر عظیم‌الشأنش، برای حفاظت از انقلاب و اسلام انجام داد، عصر جدیدی با خصوصیات متمایز با دوران قبل، در عالم به وجود آمد. قدرتهای مادی دنیا، چه بخواهند و چه نخواهند؛ امریکا چه بخواهد و چه نخواهد، این دوران در دنیا آغاز شده و پیش هم رفته است و تأثیرات این عصر جدید، روی ملت‌ها و دولت‌های ضعیف و نیز روی دولت‌های قوی و ابرقدرتها محسوس است.

تأثیر فراگیر دوران جدید « امام خمینی » بر تاریخ بشریت

وقتی عصر جدیدی در تاریخ بشر آغاز میشود، هیچ کس نمیتواند خود را از تأثیرات آن عصر برکنار بدارد. دوران گذشته‌ی تاریخ بشر هم همینطور بوده است. هیچ کس ممکن نیست خودش را از تأثیرات دورانی که با پایه‌های محکم الهی و انسانی در جهان شروع شده، دور بدارد. ما میخواهیم این را اعلام بکنیم. اگرچه بسیاری از ملت‌ها و دولت‌های سطح زمین، تحت تأثیر این عصر جدید قرار گرفتند، حتی نقشه‌ی سیاسی دنیا

ره، رهرو، رهبر / ۲۲۷

عوض شده است، اما توقع نداریم که تحلیلگران و قضاوت‌کنندگان قدرتمند و سیاسی عالم اقرار کنند که این عصر آغاز شده است. آنها اعتراف نمیکنند که دوران جدیدی آغاز شده است؛ اما تحت تأثیر این دوران قرار گرفته‌اند و آن را احساس میکنند. این عصر و این دوران جدید را باید «دوران امام خمینی» نامید.

تأثیرات و خصوصیات تفکیک‌ناپذیر دوران امام خمینی (ره)

چند خصوصیت در این دوران هست که از آن تفکیک‌ناپذیر است:

خصوصیت اول دوران امام خمینی

یکی از این خصوصیتها، گسترش اعتقاد و باورهای مذهبی است. بعد از آنکه سیاست قدرت و نظام سلطه‌ی جهانی این بود که دین و معنویت را بکلی از زندگی مردم حذف کند و جامعه‌ی بشری را یک جامعه‌ی بی‌دین و بی‌ایمان و بی‌اعتقاد به ارزشهای الهی تربیت نماید، این دوران جدید، درست بعکس آن سیاستها عمل کرده است. نه فقط در ایران یا در کشورهای اسلامی، مردم به باورهای دینی برگشتند، بلکه در سطح جهان و در میان جوامعی که دهها سال ضد مذهب زندگی کرده بودند، اعتقاد مذهبی و گرایش معنوی رشد کرده است.

البته آینده‌ی این حرکت، به این ترتیب خواهد بود که هرچا معنویتی عمیقتر و خالصتر و سالمتر و منطبقتر با فطرت بشر باشد، جاذبه‌ی بیشتری برای ملتها خواهد داشت. آن روزی که دین و معنویت، ضداً ارزش به حساب می‌آید و مورد استهزاء قرار داده می‌شود، گذشت. امروز، بی‌دینی و بی‌ایمانی و تهی بودن از اعتقاد معنوی، یک ضداً ارزش است. در بسیاری از نقاط عالم، این کار انجام گرفته و در بسیاری دیگر هم انجام خواهد گرفت. این، یکی از ویژگیهای عصر جدیدی است که این مرد بزرگ، پرچم آن را در دنیا برافراشت و درحالی که کسی باور نمی‌کرد، داعیه‌ی آن را سر داد و دلها را به آن متوجه کرد.

معنا بخشیدن و اصالت دادن به توده‌های مردم

خصوصیت دیگر این عصر جدید، معنا بخشیدن به ارزش انسانها و حضور مؤثر توده‌های میلیونی مردم است. در دوران جدیدی که بوسیله‌ی امام ما آغاز شده است و دایره‌ی آن محدود به ایران هم نیست، توده‌های مردم، اصل و تعیین‌کننده و تصمیم‌گیرنده‌اند و آنها هستند که جریانها را هدایت میکنند. در گذشته، ما انقلابهای زیادی را سراغ داریم که با احساسات مردم به پیش رفته است؛ اما امروز وضع فرق میکند. امروز، در دنیایی که دهها سال بعد از جنگ دوم بین‌المللی، قدرتهای مسلط بر عالم، همه‌ی مردم دنیا را عادت داده بودند که تسلیم خواسته‌های آنها باشند و در مقابل اراده‌ی قدرتهای جهانی حرفی نزنند و اراده‌ای از خودشان بروز ندهند، ناگهان شما میبینید که در کشورهای اروپای شرقی، توده‌های میلیونی مردم، با همان سبکی حرکت میکنند و به میدان می‌آیند که ملت مسلمان ما، در مقابله و معارضه‌ی با رژیم ستمشاهی وارد میدان شدند. به تعبیر دیگر، مشخصه‌ی انسانی این دوران و عصر جدید، عبارت از پیروزی خون بر شمشیر است؛ یعنی در این دوران جدید- همچنانکه در ایران اتفاق افتاد- آحاد مردم بدون تجهیزات و سلاح، فقط با جسم و جان خودشان به میدان آمدند و فضا را بر حکومت غاصب و ظالم تنگ کردند. این روش، امروز در دنیا روش شناخته‌شده‌ای است. قدرت حضور توده‌های مردم، ولو بدون سلاح، امروز در دنیا معلوم شده است.

قدرتها باید بدانند که بعد از این، در هیچ جای دنیا، علی‌رغم خواست توده‌های میلیونی مردم، نمیشود حکومت را ادامه داد. هرچه این موج در دنیا گسترش پیدا بکند، کار بر سلطه‌های غیرقانونی و ظالمانه و غیربشری، سخت‌تر خواهد شد. این، آن حرکتی بود که امام بزرگوار ما، به برکت آگاهی و ایمان این ملت، در کشور ایران انجام داد و الگویی برای دنیا شد. لذا شما میبینید که بعد از سالها، داخل سرزمینهای اشغالی، ملت مظلوم فلسطین قیام میکنند و علی‌رغم شدت و سطوت دولت غاصب و ظالم صهیونیستی، کار را پیش میبرند.

اصل آزادی از سلطه و نفوذ قدرتهای بزرگ

از جمله خصوصیات دیگر عصر جدیدی که امام بزرگوار و انقلاب ما در سطح جهان

به وجود آوردند، عبارت از اصل آزادی از سلطه و تصرف و نفوذ قدرتهای بزرگ است؛ یعنی همان چیزی که در انقلاب ما، بعنوان اصل «نه شرقی و نه غربی» شناخته شد. تقریباً در همه‌ی انقلابهای بزرگی که در قرن بیستم در دنیا اتفاق افتاد، وقتی ملتها یا گروههای مبارز، کار خودشان را آغاز میکردند و مبارزه را علیه یک سلطه و یک قدرت، مختصری پیش میبردند، خودشان را به یک قدرت دیگر وصل میکردند. اینکه یک ملت، با اتکای به خود و با توکل به خدا، در مقابله با یک قدرت ظالم، به هیچ کس و هیچ قدرت اعتماد و اتکا نکند، راهی بود که ملت ایران به رهبری امام بزرگوار آغاز کردند و امروز در دنیا، این راه بتدریج رهروان زیادی پیدا میکند.

اولین ملت وارد شونده به دوران امام خمینی

این دوران جدید که امام ما آن را با قیام و ایستادگی و اتکال به خدا و تکریم و تعظیم نسبت به ارزشهای معنوی و با اعتمادش به آحاد مردم آغاز کرد، ان شاء الله ملتها را از شر سلطه‌های جهانی نجات خواهد داد و دوران زوال قدرتهای بزرگ مادی جهانی را نزدیک خواهد کرد. این، از برکات آن بزرگوار است. ملت ما، پشت سر رهبر با عظمت و استثنایی خود، اولین ملتی بود که قدم در این دوران جدید گذاشت و پایه‌های آن را مستحکم کرد و با مقاومت خود، برای ملت‌های دنیا، شاهی بر صدق این ادعاها شد.

وظیفه‌ی امروز پیروان و شاگردان مکتب امام

و اما امروز وظیفه‌ی ما پیروان این بزرگوار و آحاد مردم که شاگردان این استاد بزرگ و عالی مقام بوده‌اند، چیست؟ ما باید بدانیم که امروز چشم دنیا به ملت ایران است؛ همچنان که سال گذشته در مثل امروزی، تمام چشمها و دل‌های حساس عالم، متوجه تهران بود. وقتی خبر در دنیا پخش شد، حقیقتاً دوستان و دشمنان، در حال بهت و حیرت و انتظار قرار گرفتند؛ دوستان با یک انگیزه و دشمنان با انگیزه‌ی دیگر. ما نباید تصور کنیم که با گذشت یک سال، اهمیت و حساسیت و سنگینی وظیفه‌ی ما کم شده است. نه، هرچه میگذرد، سنگینی بار مسئولیت بر دوش آن کسانی که خود را پیروان این بزرگوار و هدایت‌شدگان به‌وسیله‌ی او میدانند، سنگینتر میشود.

دنیا امروز متوجه ملت ایران است. ما ملت ایران باید بتوانیم در پرتو تعالیم اسلام، با تمسک به اسلام و قرآن و در جهت رهنمودهای امام بزرگوار راحلمان، بسمت هدفهای متعالی این انقلاب، حرکتمان را با شتاب هرچه بیشتر ادامه بدهیم. یک لحظه توقف جایز نیست. ما باید بدانیم دشمنان زخم خورده- آنهایی که امیدوار بودند اسلام از دنیا محو بشود و علی‌رغم خواست آنان، اسلام روزبه‌روز در دنیا عالمگیرتر شده است- همچنان در کمینند تا ما یک لحظه غفلت کنیم. لذا غفلت برای ما حرام است. ملت ایران، با قدرت و استقامت و توکل به خدا و اتحاد کامل و شرکت در سازندگی عمومی کشور و با آگاهی و هوشیاری خود، باید دشمنان- یعنی امریکا و ارتجاع و زخم‌خوردگان- را از دست‌اندازی به این انقلاب و به کشور عزیزمان مأیوس کند. استکبار جهانی از ملت ایران میترسد؛ مثل همه‌ی بدکاران و راهزنانی که از انسانهای شجاع و آگاه میترسند. اگر میبینید که دولت سعودی و حکام حجاز، راه‌خانه‌ی خدا را روی این ملت میبندند و حق این ملت را از حج غصب میکنند، بخاطر آن است که امریکا از این ملت میترسد. نباید ساده‌لوحان گمان کنند که شعار «مرگ بر امریکا» در مراسم حج، مگر چیست؛ این شعار و فریادی که از حنجره‌ها خارج میشود، مگر بر پایه‌های سلطه‌ی غاصبانه‌ی امریکا و اسرائیل چه اثری میگذارد. اگر تأثیر شکننده‌ی این شعارها نبود، اگر تأثیر تعیین‌کننده‌ی فریاد بحق ملت ما علیه سلطه‌های جهانی نبود، با ملت ما اینقدر دشمنی نمیشد.

عمل به خصوصیات دوران امام خمینی؛ غیرقابل تحمل برای عوامل استکبار

فریضه‌ی حج، خانه‌ی خدا، قبر مقدّس پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، چیزهایی است که قلب ملت ما مشتاق آن است و حق ملت ماست. خانه‌ی خدا متعلق به بندگان خداست. «سَوَاءٌ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ!»؛ نسبت به خانه‌ی خدا، مردمانی که در مکه ساکن هستند، هیچ فرقی با مسلمانانی که از اقطار عالم به آنجا میروند، ندارند. خانه‌ی خدا، ملجأ بندگان خداست؛ چرا مانع ملت ما میشوند؟ این، بخاطر شعار «مرگ بر امریکا» و «مرگ بر اسرائیل» است. این، یعنی همین تأثیر حضور مردم و پیروزی خون بر شمشیر. این حرکت امریکا و

ره، رهرو، رهبر / ۲۳۱

حکام سعودی که متأسفانه موبه‌مو سیاستهای امریکا را اجرا میکنند و نفع آنها را در نظر میگیرند و نه وظیفه‌ی اسلامی و نفع ملت مسلمان را بخاطر این است که شعار «مرگ بر امریکا» و «مرگ بر اسرائیل» و شعار وحدت مسلمین که یکی از خصوصیات همین دوران جدیدی است که امام(ره) آغاز کردند برای استکبار و سلطه‌های جهانی شکننده است و برایشان قابل تحمل نیست.

سربلندی ملت ایران در امتحانات دوران حیات امام و ایام بعد از رحلت

ملت شجاع و بزرگ ایران! شما در دوران حیات امام بزرگوار و عالیقدرتان، امتحان خوبی دادید. شما کسانی بودید که توانستید پشت سر امام و پایه‌پای ایشان حرکت کنید و به جلو بروید. شما خسته نشدید. سختیهایی که دشمنان بر شما ملت ایران تحمیل کردند و قصدشان این بود که شما را خسته کنند، نتوانست شما را خسته کند. از اول پیروزی انقلاب، سیاست قطعی امریکا و هم‌پیمانانش این بود و هنوز هم هست که کاری کنند، تا شاید بتوانند ملت ایران را خسته کنند؛ اما شما از محاصره‌ی اقتصادی و جنگ تحمیلی و دشنامهایی که از دهان یاوه‌گوی سخنگویان استکبار جهانی بیرون می‌آمد، خسته نشدید و نشان دادید که آگاه و مؤمن و صادق و ملت شایسته‌اید. خدای متعال که شما ملت ایران را برای اولین پایگاه اشتعال انوار معنویت و اسلام در دوران سلطه‌ی مادیگری انتخاب کرد، بخاطر همین خصوصیاتتان بود.

بعد از رحلت امام هم، شما ملت بزرگ و رشید و آگاه، امتحان بسیار خوبی دادید. در سطح عالم، چشمها از شجاعت و آگاهی شما مبهوت ماند. همه یا اکثر دشمنان ما در دنیا منتظر بودند که با رحلت امام، انقلاب از هم بپاشد؛ جمهوری اسلامی دچار اختلاف داخلی بشود و حمایت مردم را از دست بدهد؛ ولی شما نگذاشتید و به دهن این دشمنان یاوه‌گو زدید. مرحبا بر شما! روح امام از شما راضی است؛ گوارایتان باد! شما نشان دادید که از بسیاری مدعیان در طول تاریخ، ایمانتان قویتر و قدمتان راسختر است. من به شما عرض میکنم، خدای متعال پاداشتان را داد، این صبر شما را مثمر کرد و نگذاشت بی نتیجه بماند. «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ»!

۱ سوره بقره، آیه ۱۵۷. بر ایشان درودها و رحمتی از پروردگارشان [باد].

نتیجه‌ی پایداری و استقامت شما بعد از رحلت حضرت امام، این شده است که تحلیلهای دنیا عوض گردید. آنها که منتظر نشسته بودند تا جمهوری اسلامی از بین برود، فهمیدند که فایده‌ای ندارد. آنهایی که خیال میکردند میشود ملت ایران را ترساند یا خسته کرد، فهمیدند فایده‌ای ندارد. لذا امروز ما شاهد آن هستیم که غیر از رأس فتنه و فساد یعنی رژیم جبار امریکا و کسانی که بصورت شدیدی وابسته و متصل و هم‌جهت با او هستند و با ملت ایران دشمنی بسیار عمیقی دارند و به‌هیچ‌وجه انقلاب با آنها کنار نمی‌آید و آنها هم با انقلاب کنار نمی‌آیند، بقیه‌ی کسانی که در دنیا شاهد و ناظر وضع ملت ما بودند، در مقابل این ملت سر تعظیم فرود آوردند و به طرفش دست دوستی دراز کردند. ملت ایران نشان دادند که با قدرت و استقامت میتوان احترام ملتها، بلکه دولتها را در سطح جهان جلب کرد. دشمنان ما، از اعمال فشار روی ملتیمان مأیوس شدند. این، دستاورد بسیار بزرگی است.

این وحدت و یکپارچگی را که شما مردم، در جنگ و اول انقلاب و در حمایت از امام به هنگام حیات و ممات ایشان و در تمام قضایا در طول این یازده سال نشان دادید، قویترین حربه‌ی شما و مایه‌ی مأیوس کردن دشمنان شماست.

معنای واقعی علاقه به امام

همه‌ی آحاد مردم وظیفه دارند، تا حدی که میتوانند و برای آنها وظیفه معین میشود، در کار سازندگی کشور شرکت کنند. علاقه‌ی به امام، یعنی این. همه باید از دولت حمایت کنند و پشت سر دولت، خرابیهای جنگ و ویرانیهای ناشی از دوران سلطه‌ی طاغوت را ترمیم کنند.

راه برگزیده‌ی ملت ایران

ما باید به امید خدا و با توکل به او، این راه را ادامه بدهیم. ما از دشمن اسلام و انقلاب نمیترسیم. ما در راه خدا، إن شاء الله احساس خستگی و ضعف نمیکنیم. ابهت قدرتهای پوشالی مادی، نخواهد توانست ما را در این راه و به سمت این هدف، متزلزل

ره، رهرو، رهبر / ۲۳۳

کند. ما آن روزی را در مقابل چشم داریم که اسلام توانسته باشد به همه‌ی مسلمانان عالم عزت بدهد، به آنها زندگی شرافتمندانه عطا کند و شرّ غده‌ی سرطانی اسرائیل را از پیکر اسلامی و میهن اسلامی بکند. ما چشم به روزی داریم که امت مسلمان، یکپارچه و متحد، از همه‌ی کشورهای اسلامی، پرچم اسلام را بدست گیرند و اسلام ناب محمدی(صلی‌الله‌علیه‌وآله) را در مقابل چشمهای مردم جهان عرضه کنند و شوق و محبت انسانها در همه جای عالم را به سمت آن جلب نمایند. هدف ما اینهاست. راه ما همان راهی است که امام بزرگوارمان ترسیم کردند. همسفر ملت ایران در این راه طولانی، دلهای مشتاق ملت‌های مسلمان دیگر است. در این راه باید اتحادمان را حفظ کنیم و یک آن، هدفهای متعالی را از چشم دور نداریم.

در دیدار با جمع کثیری از علما، روحانیون، مسئولان و اقشار مختلف مردم استان خراسان، در سالروز ولادت امام رضا(ع)، ۱۳۶۹/۰۳/۱۵

حرکت ناباورانه‌ی ملت ایران پشت سر بزرگترین عطیه‌ی الهی

در جنگ بین‌الملل، اسم ایران را «چهارراه خاورمیانه» گذاشته بودند؛ چون در برهه‌ای طولانی از زمان، تنها راه ارتباطی بین شرق آسیا و اروپا بود. مزیت دیگر این کشور آن است که در کنار خلیج فارس، لب دریای عمان و در حساسترین مناطق قرار دارد. در بحبوحه‌ی تلاشهای استعمار امریکا و غیرامریکا و در اوج پیروزی استکبار، ناگهان در یک نقطه‌ی بسیار حساس، یک انقلاب عظیم همراه با رهبری فوق‌العاده و بی‌نظیر، در میان احساسات و عواطف و آگاهیها و نیروهای مخلصانه و صادقانه‌ی یک ملت قهرمان که اسلام بکلی آنها را منقلب کرده و ترس را از وجودشان ریخته سربرمی‌کشد. تمام نقشه‌هایشان به هم ریخت. اول باور نکردند و نتوانستند بفهمند چه شد. شما مشه‌دیها، خودتان میتوانید دقیقاً مشخص کنید که اوج و سرفرازی انقلاب و تغییر درونی مردم مشه‌د و یا مردم خراسان، از چه لحظه و زمانی بود؟ هیچ‌کس نمیتواند معین کند. ناگهان نظر لطف «آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند»، عنایت الهی، توجهات غیبی، فیوضات ولیّ امر و بقیة‌الله الاعظم(ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) ملت را منقلب کرد. انقلاب پشت سر آن

رهبری که بزرگترین عطیه‌ی الهی برای مسلمین بود، با سرعت به حرکت درآمد و هر قدمی که این ملت پیش رفت، بقدر ده قدم رشد کرد.

امام خمینی(ره) و پاشیدن بذر قیام مسلمین جهان در برابر استکبار

ابرقدرتها، چکار می‌خواهند بکنند؟ اینکه امریکا و همدستانش هرازگاهی یکبار، با یک تهدید حقیقتاً مضحک و خنده‌آور سعی میکنند که این کوه استوار یعنی ملت ایران را از میدان خارج کنند، چرا اثر نمی‌کنند؟ برای خاطر اینکه هر تهدیدی نسبت به جمهوری اسلامی و مسئولان آن، برای استکبار دیگر فایده‌ای نخواهد داشت. چطور میتوانند روحیه‌ی مسلمانان را که با انقلاب ما به آنها برگشته، دوباره از آنها بگیرند؟ صد و پنجاه سال دیگر کار لازم دارند. مسلمانان انگلیس، چه موقع به خودشان قدرت و جرأت میدادند که هزارهزار به خیابانها بیایند و سخن حق خودشان را با صدای بلند بیان کنند؟ یک دختر بچه‌ی مسلمان، چه موقع جرأت میکرد که در قلب دنیای کفر و فساد، داعیه‌ی مسلمانی و حجاب مسلمانی داشته باشد؟

اینها روحیه است که شما و انقلاب شما و امام شما و این جنگ پُربرتک شما، به همه‌ی مسلمانان عالم داد. مقاومت و قیام و روحیه‌ی پولادین و سخن حق و مشت گره‌کرده‌ی شما، مسلمانان دنیا را زنده کرد. استکبار نمیتواند این را علاج کند. ما ضربه و شکست را بر امریکا و استکبار وارد کردیم. امام(ره) این بذر را پاشید. چکار میتوانند بکنند؟ برای همین است که استکبار، در مقابل ملت ایران، دستپاچه است.

عکس‌العمل کوبنده‌ی امام در مقابل توطئه‌ی پیچیده‌ی استکبار در ماجرای سلمان رشدی

آن روزی که استکبار، ماجرای سلمان رشدی را علم کرد، برای همین بود که شاید بتواند از راه آن موجود حقیر سیه‌روز و سیه‌رو و کتاب شیطانی او، به روحیه‌ی مسلمانان- لااقل در بخشی از دنیا- لطمه بزند. با دشنام و بدگویی در این کتاب، شاید بتواند قدری مسلمانان را تضعیف کنند. همین عمل، وبال جان‌شان شد. عکس‌العمل امام در مقابل این توطئه، آنچنان قاطع و کوبنده بود که همه‌ی آنها را غافلگیر کرد. آنان

خواستند با نشر و بزرگ کردن آن کتاب، روحیه‌ی مسلمانان را تضعیف کنند. عکس‌العمل و ضربه‌ی متقابل امام، آنقدر قوی بود که بکلی ورق را دگرگون کرد. حکم اعدام سلمان رشدی که با اقبال و تصدیق و شوق وافر ملت‌های اسلامی در همه‌جا مواجه شد، کار را دگرگون کرد. حالا روحیه‌ی آنها بود که تضعیف میشد. حالا طرفداران آنها باید در طول این مدت از خودشان دفاع میکردند. لذا از آن روز تا حالا، سردمداران غرب و استکبار، در مقابله‌هایی که با جمهوری اسلامی کردند، از اولین کلماتشان این است که بیاید این قضیه‌ی سلمان رشدی را یک‌طور حلش کنید! هر جا یکی از این مهره‌های زنجیره‌ی استکبار جهانی، کسی را پیدا کرد که فهمید ممکن است حرف او را به گوش مسئولان جمهوری اسلامی برساند، اولین حرفی که زد- یا جزو اولین حرفها- این بود که کاری بکنید این قضیه حل بشود!



ضرورت تداوم راه امام در مقابله با توطئه‌ی تضعیف روحیه‌ی مسلمین

حالا وظیفه‌ی ما چیست؟ دل‌های غیور و مؤمن و سرشار از اخلاص، به این نکته توجه کنند. شما نباید بگذارید این روحیه‌ی قوی‌ای که مسلمانان عالم، بخاطر انقلاب شما بدست آورده‌اند، حتی سرسوزنی تضعیف بشود. این، بزرگترین وظیفه‌ی ملت ایران است. امام ما به کمک شما مردم، توطئه‌ی تضعیف روحیه‌ی مسلمین عالم را که گفتیم صدوپنجاه سال یا بیشتر برایش کار کرده بودند شکست داد و روحیه‌ی مسلمین عالم را بالا برد. من و شما که امروز در ادامه‌ی آن راه حرکت میکنیم، باید مواظب باشیم، کاری نکنیم که آن روحیه‌ای که با انقلاب ما بالا رفته بود، خدای نکرده با عمل و اشتباه ما تنزل کند و ساقط بشود.



تبلیغات سوء دشمن مبنی بر اتمام دوران امام خمینی

دشمن تبلیغ میکند که با رفتن امام، دوران امام تمام شد! دشمن غلط میکنند. ما هم گفتیم، اعلامیه دادیم، حرف زدیم، همه‌ی مردم هم اثبات کردند که نخیر، دوران امام، با رفتن جسمانی و ظاهری ایشان تمام نشد و نخواهد شد. این ثابت شد؛ اما این دشمن

است که میگوید. مبدا یک عده دوست نادان در داخل کشور، بعنوان دلسوزی، به عقل ناقص خودشان چیزی را در گوشه‌ای نشان کنند که خیال نمایند این با خط امام و انقلاب نمیسازد و شیون سر بدهند که دوران امام تمام شد. اگر چنین سخنی و لو با اشاره از زبان کسی صادر بشود، دشمن شاد خواهد شد؛ مواظب باشید.

تأکید امام بر پشتیبانی و حمایت از دولتها

مسئولان ادارات، کارکنان دولت، کشاورزان، کارکنان، کارگران، کسانی که برای انجام کارهای مربوط به سازندگی و خدمات عمرانی کشور، قدرت و تمکن مالی دارند، هرکسی هر کار میتواند بکند، پشت سر دولت، با رعایت مرکزیت این دولت، به سازندگی کشور کمک کند. دیدید امام نسبت به دولتها، چقدر مراقبت و دلسوزی و پشتیبانی و حمایت میکردند؟

مواظبت بر علاقه‌های امام و پرهیز از موارد رنجش امام

این حرکت و تلاش و قدرت و استقامت و یکپارچگی و پابندی به اصول انقلاب، روح مقدس امام را شاد میکند. از همان چیزهایی که آن روز ایشان در زندگی دنیوی رنج میبردند، امروز هم قاعدتاً روح مطهر ایشان از آن چیزها آزرده میشود؛ ببینید ایشان از چه چیزهایی رنج میبردند. امام طرفدار وحدت و طرفدار فقرا و ضعفا و عدالت اجتماعی و مقابله و مبارزه با گردن کلفت‌های استکبار جهانی و وابستگانشان بود، طرفدار فعالیت روزافزون و با کیفیت هرچه بیشتر روحانیت و علمای متعهد و آگاه و وظیفه‌شناس و عالم و فاضل بود، طرفدار جوانان بااخلاص و پرشور بود، طرفدار مسئولان علاقه‌مند بود. امروز هم همان حرفهاست. امروز هم همان خط، همان حدود و مرزها، همان هدفها و همان راههاست. مواظب باشید که این راه، درست پیموده بشود.

حضرت امام؛ گشاینده‌ی راه سعادت امت اسلامی

ان شاء الله بتوانیم راه سعادت امت اسلامی را که امام بزرگوارمان آن را گشود و با قوت و قاطعیت طی کرد و در زندگی و ممات خود، به رهروان آن راه، هدایت و کمک الهی را ارزانی داشت، ببیماییم.



نکاتی برجسته از سیره‌ی امام خمینی(ره)

آنچه در سیره‌ی امام بزرگوار ما برجسته است، یکی، دو مورد نیست. حقیقتاً این انسان والا و برجسته، ابعادی از زندگی خود را در معرض آموزش و تعلیم امت اسلامی قرار داد؛ ولی دو، سه نکته‌ی اساسی در زندگی آن بزرگوار وجود دارد که هرگز نباید از دید ما مؤمنین به رسالت امروزی اسلام، پوشیده بماند.

اخلاص و کار برای خدا

اولین مسئله این است که آن بزرگوار، همه‌ی کارهای خود را برای خدا انجام میداد و شاید فتح دل‌های آحاد امت اسلامی در سراسر عالم - با اختلاف سلاقی و مسلکها و تربیتها و مؤثرات - که بدون هیچ تفاوتی، در مقابل عظمت و راه و پیام او، طوع و تسلیم بودند و همراهی نشان دادند، ناشی از اخلاص آن بزرگوار بود. او برای خدا حرف میزد، برای خدا اقدام میکرد، برای خدا قهر میکرد، برای خدا حمایت میکرد و حاضر بود نپسندیدن آحاد مردمی را برای خدا تحمل کند و تنها بماند و حرکت نماید.

اخلاص او، نقطه‌ی اساسی حیاتش بود. راه آن بزرگوار هم، فقط با اخلاص طی شدنی است. توده‌های مردم، بحمدالله این اخلاص را دارند و نشان داده‌اند. بزرگان و پیشروان و رهبران و علما و اندیشمندان و روشنفکران هم، هر جا که این اخلاص را به کار بگیرند و با اخلاص عمل کنند و برای خدا حرف بزنند و کار کنند، توفیق حتمی است. توفیق، به معنای تأثیر سخن در دلهاست. یعنی سخنی که صادقانه و برای خدا باشد، تأثیر خود را در دل‌های مستعد میگذارد و خدا این تأثیر را به او میدهد. آن بزرگوار، اینگونه بود.

به همین خاطر است که دشمنان، از اشاره و یک کلمه‌ی سخن او، واهمه میکردند و دوستان دلگرم میشدند. در حوادث دشوار، سخن امام توانست دل‌های افسرده را - نه فقط در محدوده‌ی ایران، بلکه در سرتاسر آفاق اسلامی - گرمی ببخشد و حرکت را تضمین کند. به هیچ وجه نباید این خصوصیت را دستکم بگیریم؛ مخصوصاً ما و کسانی که برای خود، مسئولیت و وظیفه‌ی خطیری قائل هستیم.

نکته برجسته دوم در سیره‌ی امام راحل(ره)

نکته‌ی دیگر این است که او نظر وسیعی به دنیای اسلام داشت و به دنبال همین دیدگاه وسیع، اعتقاد راسخ او به لزوم اتحاد مسلمین بود. این، آن نکته‌ی اساسی است. مسئله این نیست که مذاهب یا فرق اسلامی و طوایف گوناگون سیاسی و اعتقادی و مسلکی و غیره، چه تعداد جمعیت یا چقدر قدرت سیاسی و اجتماعی دارند یا ندارند؛ مسئله این است که اگر ما برای مشکلات جهان اسلام، به دنبال چاره‌ای هستیم، یا به تعبیر درست‌تر، اگر ما برای سربلندی و عظمت و عزت اسلام و قرآن مجاهده میکنیم، این با اختلاف و درگیری بین مسلمین سازگار نیست. امام(ره)، از قبل از پیروزی انقلاب، این هدف را دنبال میکردند و به آن توصیه مینمودند. بعد از پیروزی انقلاب هم، به طریق اولی این کار را کردند.



ما معتقدیم که اسلام، وحدت مسلمین و اتحاد نیروهای مؤمن به خدا و موحد را یکی از فرایض قرار داده است. ما معتقدیم که یکی از بزرگترین اهداف حج خانه‌ی خدا این است که مسلمانان را به هم نزدیک کند. اینکه خدا فرموده است: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ»^۱ و همه‌ی مردم مسلمان عالم را در روزهای معین و در عرصه‌های محدودی مانند عرفات و مشعر و منا و مسجدالحرام جمع میکند؛ چرا اینها اینقدر از آشنایی مسلمین با هم میترسند؟! مسئله این است که وحدت اسلامی و وحدت بینش و نظر و سخن مسلمین، برای استکبار و در رأس آن، امریکای غدار و ابزارهای او در دستگاه حاکمیت سلطه در عالم، خطرناک

۱ سوره‌ی حج، آیه‌ی ۲۷. و در میان مردم برای [ادای] حج بانگ برآور تا [زائران] پیاده و [سوار] بر هر شتر لاغری - که از هر راه دوری می‌آیند - به سوی تو روی آورند.

ره، رهرو، رهبر / ۲۳۹

است. این، حقیقتی است که امام بزرگوار ما بارها آن را بیان کرد. جمعی از برادران مسلمان، از نقاط مختلف عالم، در اینجا جمع هستید. این دو نکته را از امام خمینی(ره) به یاد داشته باشید: اول، اخلاص که مایه و روح همه چیز است و دوم، هدف بزرگ و وحدت اسلامی.

راه امام، راهی هموار و پیمودنی

البته امام بزرگوار ما این بذر را پاشیده و امریکا چه بخواهد و چه نخواهد، نهال اسلام و انقلاب اسلامی در حال رشد است. مرتجعان و وابستگان به امریکا، چه بخواهند و چه نخواهند، این حرکت رو به ادامه و استمرار است. از ناحیه دشمنان، ضربه‌ای به این حرکت وارد نخواهد شد؛ مگر اینکه خدای ناکرده خود مؤمنین، با سوء عمل و عدم پایبندی به وظایف، به خودشان ضربه بزنند؛ و آلا راه، یک راه هموار و پیمودنی و هدف، بسیار روشن است و دشمن نخواهد توانست این راه را قطع کند. خداوند إن شاء الله همه‌ی رهروان این راه را کمک و تأیید کند و شهدای عزیز این راه را با اولیای خودش محشور بفرماید و روح مقدس امام بزرگوار ما را با ارواح طیبه‌ی پیامبران و ائمه‌ی هدی(علیهم‌السلام) محشور بفرماید

پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۶۹/۰۴/۰۷

ضرورت همه‌گیر شدن شعار «محو غده سرطانی اسرائیل» در حج

شعار محو غده‌ی سرطانی اسرائیل که از سوی امام عظیم‌الشأن و قائد کبیر اسلام، امام خمینی(رضوان‌الله‌علیه) مطرح شد، علی‌رغم میل سازشکاران سیاست‌باز، باید با قوت و شدت مطرح شود و به صدای عمومی مسلمین در حج تبدیل گردد.

در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر، ۱۳۶۹/۰۴/۲۰

علت اهتمام امام به مسئله‌ی ولایت فقیه

اینکه علمای اسلام و ملت انقلابی ما و دلسوزان جامعه، اینقدر روی مسئله‌ی ولایت فقیه عادل تکیه میکنند و امام بزرگوار ما(رضوان‌الله‌تعالی‌علیه)، آن را آنقدر مهم می‌شمردند،

بخاطر همین بود که اگر این مسئله‌ی معنوی را از جامعه‌ی اسلامیمان سلب بکنیم - همچنان‌که آن کسانی که دلسپرده به روشهای غربی بودند و ارزشهای غربی برای آنها اصل بود، در باب حکومت در جامعه‌ی اسلامی، میخواستند در سالهای اول، به همان شیوه‌های غربی عمل بکنند - و اگر ما این اشتباه را میکردیم و بکنیم که در مسئله‌ی حکومت و مدیریت جامعه، ملاک و معیار اسلامی را فراموش بکنیم و به سمت همان فرمهای رایج دنیایی برویم، معنای جامعه‌ی اسلامی ما از بین خواهد رفت. این نقطه، تعیین‌کننده است.



اختلاف و تضعیف مسئولان نظام؛ حرکتی برخلاف خواست اسلام و امام

امروز، هر حرکتی که نمایش دودستگی و اختلاف عمیق و توأم با تضاد باشد و هر حرکتی که مسئولان نظام و مجریان کشور و مدیران زحمتکش و دلسوز و خدمتگزار را تضعیف بکند، حرکتی برخلاف مصالح این ملت و بر ضد خواسته‌های اسلام و امام بزرگوارمان است.

در دیدار با اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۶۹/۰۴/۲۵

معنای مسئولیتهای بالای نظام از منظر امام

همانطور که امام راحل (رضوان الله تعالی علیه) در یکی از پیامهایشان - شاید به همین مجلس و یا مجلس شورای اسلامی - فرموده بودند، این مسئولیتهای سطح بالا در نظام جمهوری اسلامی، به معنای کار بیشتر، اشتغال بیشتر، دغدغه‌ی بیشتر و لزوم تلاش بیشتر است، و نه چیز دیگر. اگر نیت خالص و هدف صحیح، با توجه به آنچه که وضع و اقتضای زمان میطلبد، باشد، من و شما آقایان و دیگر مسئولان، ان شاء الله سربلند و روسفید خواهیم بود. و اگر خدای نکرده، در این خللی باشد، مشکلات زیادی به وجود خواهد آمد.



تأثیر رهبری امام در انقلاب ایران بر تحولات بین‌المللی

اولاً این حرکت، ناشی از حرکت عظیم ملت ایران و رهبری بی‌نظیر استثنایی پُر جاذبه‌ی امام راحل (رضوان‌الله تعالی علیه و قدس‌الله نفسه الشریف) است. قطعاً اگر آن رهبر و این ملت و آن حرکت و آن اخلاص نمی‌بودند، این وضعیت در عالم پیش نمی‌آمد. علی‌الظاهر هیچ عامل دیگری وجود ندارد که در دنیایی که همه‌ی دستگاهها و قدرتهای استکباری، روی معنویت و اسلام فشار وارد می‌آوردند، ناگهان در همه جای عالم، اینطور اسلام سر بلند کند و قدرت و اقتدار اسلامی خودش را نشان بدهد.

در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹/۰۵/۰۱

ضرورت الهام از خط امام در دستگاههای دولتی

به برادران عزیز خوشامد عرض میکنم و امیدوارم که این سمینار، با الهام از خط انقلابی ترسیم‌شده به وسیله‌ی امام راحل بزرگوارمان (رضوان‌الله تعالی علیه) و با مددگیری از روح شهدای بزرگوار این انقلاب و با تکیه به ایمان و خلوصی که همواره در شما سراغ داشتیم و داریم و بحمدالله وزارت خارجه و دستگاههای آن، از روح اخلاص و ارادت به مبانی اسلامی برخوردار بوده، در کار خود موفق باشد و با اتکای به این روحیه، عملکرد و حرکات و تلاش شما همواره مبارک باشد و خدای متعال و خاطر خطیر حضرت بقیةالله (أرواحنا فداه) را راضی و خشنود کند.

تبلیغات منفی مستکبران علیه خط امام و همراهیهای ساده‌لوحانه

یکی از مقاصد و اهداف استکبار جهانی در مقابله با جمهوری اسلامی و حکومت انقلابی قرآنی ما، عبارت از این است که در سطح ملت‌های عالم، بخصوص ملت‌های مسلمان، وانمود کند که ایران اسلامی، از شعارهای خودش دست کشیده است!

استکبار جهانی و جناح دشمن ما در دنیا، از این قضیه منتفع است. دلیلش هم خیلی واضح است. دلیلش این است که اگر معلوم شد اینجا- که پایگاه و مادر حرکت‌های مردمی

بر اساس اسلام در سراسر دنیا بوده- دچار تجدیدنظر در منش و روش انقلابی خود شده، آن حرکتها به خودی خود خشک خواهد شد و از بین خواهد رفت. لذا اینها این موضوع را تبلیغ میکنند. آنچه را که به اصطلاح آنها و در تعبیراتشان «تندروی» نام دارد، بصورت جریانی منعزل و جدا از روال کلی جامعه در جمهوری اسلامی معرفی میکنند و سعیشان این است آن جریانی را که آنها میخواهند بگویند بازمانده‌ی دوران امام است، یک جریان کوچک و محدود وانمود کنند.

اینها ترفندهای عجیبی است و تعجب این است که در جمهوری اسلامی هم، بعضی باورشان می‌آید. وقتی که رادیوهای استکباری، در اظهاراتشان میگویند و اسم می‌آورند که میراث و راه امام در ایران، روی دوش چند نفر قرار دارد و دستگاه و روش کلی از این جدا شده است، خود آن چند نفر- اگر چند نفر فرضی نباشند و واقعی در جمهوری اسلامی داشته باشند- باورشان می‌آید و خیال میکنند که اینطوری است. این، خیلی ساده‌لوحی است.



جایگاه مؤلفه‌های گوناگون خط امام در جامعه‌ی امروز ما

آنچه که امروز متن جامعه‌ی ماست، همان خط و راه امام است. آنچه که ما آن را به صلاح دین و دنیای خودمان میدانیم، همان چیزی است که با انگشت اشاره‌ی امام در مقابل ما باز شده و قدم در آن گذاشتیم و یازده سال با قدرت در آن حرکت کردیم و باز هم تا جان در بدن داریم، آن راه را ادامه خواهیم داد. از هیچ‌یک از آرمانهایی که به وسیله‌ی امام (رضوان‌الله تعالی علیه) ترسیم شده، چشم‌پوشی نخواهیم کرد؛ چه در زمینه‌ی مسائل داخلی، چه در زمینه‌ی عدالت اجتماعی، چه در زمینه‌ی ترجیح پابرهنگان در نظام اسلامی و در کشور ما و نیز ترجیح منافع و خواستها و انگیزه‌ها و احساسات آنها بر مرفهان- و به تعبیر امام، مرفهان بی‌درد- چه در زمینه‌ی حمایت مردم از مسئولان و آن را فریضه دانستن، چه در زمینه‌ی تکیه‌ی مردم بر نیروهای خودشان و حرکت به سمت جوشاندن سرچشمه‌های استعداد در درون کشور و خودکفایی، چه در زمینه‌ی مسائل خارجی، یعنی مقابله با استکبار، خط جدایی از ابرقدرتها و قدرتهای دخالت‌کننده؛ آن چیزی که با عنوان افتخارآمیز «نه شرقی، نه غربی»- در آن روزی که دنیا واقعاً بلوک‌بندی

ره، رهرو، رهبر / ۲۴۳

شرق و غرب داشت- معرفی میشد، مبارزه‌ی با قدرتهای ظالم و ستمگر عالم، مقابله و معارضه‌ی حتمی با هر نشانه‌ای از سلطه‌گری که در دنیا مشهود باشد- در هر جای دنیا فرقی نمیکند، از نظر ما تسلط چنگالهای نظام سلطه نسبت به هر ملت و هر کشوری و در هر جایی مردود است- و نیز در زمینه‌ی بزرگ و اصلی شمردن مسئله‌ی فلسطین و بقیه‌ی خطوط روشنی که امام ترسیم کردند.

پس، خط جمهوری اسلامی این است. غیر از این، ما راهی نداریم. غیر از این، ما راه نجاتی نمیشناسیم. غیر از این، هیچ تکلیف شرعی‌ای بر دوش خودمان احساس نمیکنیم. تکلیف شرعی ما این است.

تبلیغات منفی استکبار علیه جایگاه خط امام در ایران

استکبار و تبلیغات و رادیوها و مغزهای فعالش، در درست کردن شکلها و جمله‌های تبلیغاتی تلاش میکنند، تا عکس این را در دنیا معرفی کنند. میگویند دو جریان وجود دارد: یک جریان اصلی وسیع معتقد به تجدیدنظر در مفاهیم زمان حضرت امام، و یک جریان کوچک بیخودی در گوشه‌ای و متکی به مثلاً چند نفر که به اصول حضرت امام اعتقاد دارد!! چنین چیزی وجود ندارد.

چهره‌ی مطلوب سفرای ایرانی

آقایان سفرا! توجه داشته باشید، در کشورهایی که تشریف دارید، چهره‌ی شما، چهره‌ای انقلابی و یادآور امام با همان خصوصیات که دنیا از امام میشناسد باشد.

در دیدار با مسئولان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹/۰۵/۰۷

تبیین فرمایش امام در مورد دانشگاه بودن صدا و سیما

صدا و سیما را دانشگاهی برای تدریس اصول اسلام انقلابی بدانید. برداشت ما از صدا و سیما این است. امام که فرمودند «دانشگاه»، در دانشگاه چیزی تدریس میشود؛ در این دانشگاه چه چیزی میخواهد تدریس بشود؟ آنچه که در این دانشگاه تدریس میشود،

عبارت از پیامها، پایه‌ها، مفاهیم و درسهای اسلام ناب و اسلام انقلابی و اسلام واقعی است. این، آن چیزی است که در صدا و سیما ایده‌آل است.

تقید امام به دفاع از دولتهای وقت

طرفداری سیاسی از دولتی که امروز بر سر کار است، یک گرایش اصولی است. باید این در تمام برنامه‌های شما محسوس باشد؛ از خبرنگاران گرفته، تا برنامه‌های اقتصادی و سیاسی. ملاحظه کنید، در طول این ده سالی که حیات با برکت امام ادامه داشت، هر دولتی سر کار بود، امام مقید به دفاع از آن بودند. با اینکه شما میدانید، دولتهایی سر کار بودند که بعضی از آنها وقتی کنار رفتند، مغضوب امام و امت بودند؛ اما تا وقتی که سر کار بودند، امام از آنها حمایت میکرد. حمایتهایی که ایشان از بعضی از رؤسای جمهور و نخست‌وزیران در اوایل انقلاب کردند، هنوز یادمان است. چرا؟ چون دولتی سر کار بود که مسئول بود.

بیانی تمثیلی در علت حمایت امام از دولت

بد نیست من این را به شما بگویم که گاهی بعضیها ایراد میگیرند، و آن وقت هم به حضرت امام (رضوان‌الله‌علیه) ایراد می‌گرفتند که چرا شما اینقدر با مراقبت و دقت و وسواس، از دولت پشتیبانی میکنید. من واقعاً از این حرف تعجب میکنم. من گاهی برای بعضی از نزدیکان و دوستان مثال زده‌ام و گفته‌ام که اتومبیلی است که تمام داروندار من فرزندان، عزیزان، ثروت و موجودیم در آن است و راننده‌ی ماهری هم پیدا کرده‌ام که از راه بسیار خطرناکی این اتومبیل را میبرد. من همه چیزم به این اتومبیل بسته است. اگر یک‌وقت چیزی هم ببینم که به نظرم ناخوشایند بیاید، کلمه‌ای که یک‌ذره حواس آن راننده را پرت کند و او را مشغول نماید و نتواند این راه پُر پیچ‌وخم و خطرناک را به سلامت طی کند و با عافیت به سرمنزل برساند، من مطلقاً آن کلمه را نخواهم گفت، تا خدشه‌ای به این اتومبیل وارد نشود. حالا شما می‌گویید که مثلاً چرا ما یک‌دفعه از این طرف، وزنه‌ای را محکم به این ماشین نمی‌کوبیم و نمی‌گوییم که آقای راننده! این چه نوع رانندگی است؟ یا

ره، رهرو، رهبر / ۲۴۵

چرا در فلان نقطه آنطور شد؟ یعنی بدست خودمان، همه چیز نظام را در خطر بیندازیم؟! این خیانت است. آن کسی که از پشت گردنه، یک‌دفعه جلوی اتومبیل میبرد و یک فریاد بیخود میکشد، دارد خیانت میکند؛ خیال میکند که خدمت میکند. حالا در این وضع حساس بعد از انقلاب، وقتش نیست.

در دیدار با مسئولان بنیاد شهید، جمعی از اساتید و دانشجویان دانشگاهها و اقشار مختلف مردم،
۱۳۶۹/۰۵/۲۴

مصدق فرمایش امام مبنی بر دنیاخواهی سیری ناپذیر

صدام که ادعا میکند میخواهد از ملت خود یا ملت‌های عرب دفاع کند، حرفش چرند و دروغ و مسخره است؛ از قدرت خودش دفاع میکند. او کسی است که اگر هزاران نفر، بلکه صدها هزار نفر از ملت خودش در مقابلش بایستند و لازم بدانند آنها را از بین ببرد، یک ثانیه تأمل نمیکند و آنها را از بین میبرد! او برای خود و قدرت و اطماع خویش و برای نفس سیری ناپذیر بشری کار میکند؛ همانی که امام به مخاطب خودش فرمودند، اگر همه‌ی دنیا را هم به شما بدهند، باز کم‌تان است؛ حکومت این کشور که هیچ فعالیت او، برای جیفه‌ی دنیا، برای قدرت و برای دو روز بیشتر بر اریکه‌ی قدرت سوار بودن است. خاک بر سر انسان غافل که فلسفه‌ی وجود خودش را نفهمد و سعادت خود را تشخیص ندهد.



تأثیر عظمت امام بر عزت و عظمت ملت ایران

در یک نظام درست، حکومت مثل سکویی برای مردم است که روی آن سکو پا میگذارند، تا اعتلا پیدا کنند. یک حکومت خوب و شجاع، یک دولت دلسوز، مایه‌ی عزت مردم خودش است. ملت ایران بخاطر عظمت امام بزرگوارمان، در دنیا عظمت پیدا کرد. مسئولان و رهبران و دولت خوب، این است. اما دولت بد، آن دولتی است که بر دوش مردم خود سوار میشود، به سر آنها میزند، باری بر گردن آنهاست و وزر و وبالی برای آنها میباشد. متأسفانه وقتی اسلام در کشوری زنده نبود و حاکمیت نداشت، آنطور میشود. اینها برای ما عبرت است.



نَفَسِ مَلَكُوتِي و عَزتِ بَخشِ بَرای مَلتِ اِيران

ملت ایران، قدر اسلام و انقلاب و رهنمودهای امام عزیز و راحلشان را بدانند. اسلام و انقلاب، ما ملت ایران را زنده کرد. نفس گرم ملکوتی آن بزرگمرد، که مثل زمزمه‌ی فرشتگان، بر گوش جان ملت ایران فروخوانده شد، ما را عزیز کرد.

توصیه‌ی دائم امام به گروهها و جناحها

امام(ره) دائم به گروهها و جناحها میفرمودند که اینطور با هم درنیفتید، اینطور در مجلس با هم سروکله نزنید و اینگونه علیه یکدیگر حرف نزنید.

در دیدار با گروه کثیری از آزادگان، به همراه حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی
رئیس‌جمهور، ۱۳۶۹/۰۵/۲۹

رابطه‌ی عاطفی عمیق بین امام و اسرا

این چند روزه، حقیقتاً یکی از شیرینترین ایام دوران بعد از انقلاب برای ملت ما بود. تنها چیزی که در این ایام عید و شادی، دلها را آزرده میکرد و میکند و من در این چند روز، غالباً در همین فکر بودم، این است که بسیاری از شماها آرزو داشتید که بعد از برگشتن، امام را زیارت کنید. همه‌ی رزمندگان ما، این آرزو را داشتند. بسیاری از شهدای ما در وصیتنامه‌هایشان، به این آرزو و عشق بزرگ اشاره کرده‌اند.

ما میدانیم که شما در طول دوران اسارت در زندانها، در اردوگاههای دشوار و در زیر آن فشارها، یکی از چیزهایی که دلهایتان را زنده و پرامید نگاه میداشت، یاد آن چهره و روحیه‌ی پُرصلابت امام عزیزمان بود. آن بزرگوار هم خیلی به یاد اسرا بودند. حال پدری را که فرزندانش با این شکل از او دور شده باشند، راحت میشود فهمید. خود آن بزرگوار، در نامه‌ای که برای یکی از اسرا نوشته بودند، این حالت را تشریح کردند. نشان دادند که واقعاً داغدار فقدان این عزیزان هستند. حقیقتاً این روزها، جای امام خالی است. البته روح بزرگوار پُرفتح آن جلیل‌القدر، به ما متوجه است. شادی و موفقیت‌های ملت ما و پیروزیهای اسلام و مسلمین، روح امام را مانند ارواح طیبه‌ی همه‌ی اولیاء، شادمان و مسرور میکند.

ره، رهرو، رهبر / ۲۴۷

ناتوانی دشمنان در ایجاد شکاف بین امت با امام و مسئولین

دشمنان اسلام، خیلی سعی کردند که بین ملت ما شکاف بیندازند، ولی نتوانستند؛ خیلی سعی کردند مردم را از اسلام دور کنند، ولی نتوانستند. تبلیغات و پولها و سیاستهای دشمنان، خیلی سعی و تلاش کرد، تا شاید ملت را از آرزوها و آرمانها و هدفهای دور کند؛ ولی نتوانست. ملت، پشت سر امام و مسئولان دلسوز، در این ده ساله ایستادند و موفق شدند.



ضرورت حضور در صحنه و تداوم راه امام توسط ملت

اگرچه امام امروز در میان ما نیستند، اما رهنمودها و راه و خط و پرتو اشاره و شاگردان امام هستند و این ملت- مریدان و فرزندان امام- در صحنه اند. این صحنه را حفظ کنید.

در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیأت وزیران، در آستانه‌ی هفته‌ی دولت، ۱۳۶۹/۰۶/۰۱

تشکر امام از فعالیتهای ریاست جمهوری وقت

یکی از چیزهایی که ما همیشه بعنوان فضایل برجسته‌ی جناب آقای هاشمی در ذهن داشتیم و مشاهده میکردیم، حضور فداکارانه و مدبرانه‌ی ایشان در صحنه‌های جنگ تحمیلی بود و حقیقتاً زبان قاصر است از اینکه آن زحمات و آن فداکاریها را سپاسگزاری کند. من آن شبهای دشوار، آن لحظات پُر هم‌وغم و پُر مسئولیتی را که ایشان در مقابل چشم همه‌ی ما گذراندند که همیشه مورد تشکر امام بزرگوارمان (رضوان‌الله تعالی علیه) هم بود فراموش نمیکنم.

در دیدار با گروه کثیری از آزادگان، ۱۳۶۹ / ۰۶ / ۰۱

جای خالی امام در بازگشت اُسرا

من همینطور که به این چهره‌های نورانی نگاه میکنم، مکرر فکر میکنم که جای امام چقدر خالی است. اگر آن باغبان چیره‌دست و آن پدر مهربان بود، چه لذتی میبرد که ببیند نهالهای برومند و فرزندان دلاورش، بعد از سالهای متمادی اسارت در دست

دشمنان، چگونه بالنده و سربلند و عازم و پُرشور برگشته‌اند و دست تطاول روزگار نتوانسته است کمترین تأثیر منفی را بر روحیه و روحها و جانهای منور آنها بگذارد.^۱

نتایج ایستادگی ملت ایران پشت سر امام خمینی

یک روز تقریباً تمام قدرتهای دنیا و تحقیقاً همه‌ی قدرتهای بزرگ، در مقابل این ملت مظلوم دست‌به‌دست هم دادند؛ اما این ملت با امید و توکل به خدا، پشت سر آن انسان استثنایی زمان ما، آن سلاله‌ی پیامبران، آن یادگار حقیقی پیامبر و علی و حسین بن علی (علیهم‌السلام) ایستاد. امروز اگر دشمنان جمهوری اسلامی هم به زبان نیاورند، در دلشان به ارزش والای امام و ملت پشت سر امام معترفند.

در دیدار با گروه کثیری از آزادگان، ۱۳۶۹/۰۶/۰۴

تلخی رحلت امام و توصیف وضعیت وی در ملکوت اعلی

در این ایامی که ملت ایران، به پاداش صبر و مقاومت و مجاهدت خود، روزهای شیرین تاریخ خویش را جشن میگیرد، هر روزی که بر ما میگذرد، بیشتر احساس میکنیم که حقیقتاً جای امام عزیزمان خالی است. حوادث و قضایا، چهره‌ی ملکوتی آن بزرگوار را بیشتر درخشنده میکند. آن مرد عظیمی که مثل پیامبران و منادیان آسمان، بشریت را مخاطب میکرد، حقایقی را بیان مینمود که ذهن اغلب مردم، از فهم آن حوادث ناتوان بود. حقایقی را میگفت که پس از گذشت سالها، ملتها و مردم دنیا و انسانهای معمولی، قادر بودند آن حقایق را بفهمند و ببینند.

یقیناً شما عزیزان هم بعد از دوران طولانی اسارت، جای خالی امام را بخوبی حس میکنید. شما خوب حس میکنید که پدر بزرگوار این امت، آن طبیب دردآشنا، اگر میبود، چقدر امروز برای ملت ما و برای آن بزرگوار شیرین بود.

البته این نکته را هم باید همه توجه کنیم که امام راحل ما، در ملکوت اعلی با فرشتگان و اولیاء و ارواح طیبه محشور است و بر حوادث عالم مسلط، و به حال من و

۱ مضمون این مطلب در «دیدار با گروه کثیری از آزادگان، ۱۳۶۹/۰۶/۰۴» و «در دیدار با گروه کثیری از آزادگان، ۱۳۶۹/۰۶/۰۵» و «در دیدار با گروه کثیری از آزادگان، ۱۳۶۹/۰۹/۰۳» نیز تکرار شده است.

شما بصیر است و راه و درس آن بزرگوار و خط انقلاب هم پیش روی ماست.

رضایت امام از مردم

امام ما از میان این مردم رفت، در حالی که از این مردم راضی بود. ما که نزدیک بودیم، ما که میشنیدیم، میدانیم که امام از این مردم راضی بود و راضی رفت. بیانات عمومی امام هم، از این مطلب پر است. این مردم توانستند پایه پای امام، حرکت کنند. امام استثنایی، امت استثنایی.

در دیدار با گروه کنیری از آزادگان، ۱۳۶۹/۰۶/۰۵

آثار هدایت امام بزرگوار و تمسک به راه ایشان

ما حالا نسبت به قبل، به فضل پروردگار قویتریم. امروز در دنیا، هیچ تحلیلگر مادی و دشمن و دوست و چپ و راست و غیره نیست که ملت ایران را قدرتمند، و نظام جمهوری اسلامی را نظامی مستحکم و ریشه دار و باثبات نداند؛ همه اعتراف دارند. این، بر اثر هدایت امام بزرگوارمان است. او راهی را مشخص کرد که این ملت بزرگ، امروز در همان راه، با سکینه و اطمینان و استحکام قلب حرکت میکند و ذره‌ای از آن راه عدول نکرده است. مسئولان، جزو بهترینها؛ ملت، بهترین ملت‌هاست و در این راه، با قدرت پیش میروند.

ضرورت الگوگیری از چند خصلت ناب حضرت امام (ره)

تلاش را دنبال کنید. هیچ کس نگوید وظیفه‌ام را انجام داده‌ام، پس کار من تمام شد. در اسلام، اینطوری نیست. آن امام بزرگوار ما بود که نزدیک به نود سال، عمر خود را با تلاش گذراند و در آخرین روزهای زندگیش هم، کار و تلاش میکرد و هیچ وقت خودش را از ملت و از خدا و از دنیا، طلبکار ندانست و همیشه خودش را بدهکار میدانست؛ با اینکه هیچ کس در دنیا نیست که نقش آن دست قدرتمند را در پیشبرد این انقلاب نداند.

در دیدار با فرزندان ممتاز شاهد، جانبازان شهرهای مشهد و تهران و استان کردستان،
جمعی از دانش‌آموزان مدارس تهران و مدرّسان مراکز تربیت‌معلم،
و گروهی از ورزشکاران و مسئولان سازمان تربیت بدنی کشور، ۱۳۶۹/۰۶/۲۱

جایگاه امام و امت ایرانی اسلامی نزد ملل ستمدیده‌ی جهان

اسلام به ملت‌های طرفدار خود، این توان را میبخشد که بتوانند بشر را هدایت کنند. ملت ما به برکت اسلام بود که توانست پرچمی را بلند کند، تا ملت‌های مظلوم دنیا به آن پرچم، به چشم پرچم نجات نگاه کنند. از تبلیغات بلندگوها و بوق‌های تبلیغاتی استکباری و صهیونیستی که همیشه همه‌ی حقایق را وارونه جلوه می‌دهند بگذرید، خواهید دید که جمهوری اسلامی، انقلاب اسلامی، چهره‌ی امام و شخصیت ملت ما، در میان ملت‌های عالم مایه‌ی امید بوده و به آنها نشاط و حرکت داده است. این، به برکت اسلام بود.

علی‌رغم همه‌ی تبلیغات آنها، امروز اگر شما به آنجاهایی بروید که ملت‌ها زیر ستمند؛ آنجاهایی که ملت‌ها و دولت‌ها در مسائل زندگی خودشان در رابطه‌ی با قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها، دچار مشکل هستند کشورهای جهان سوم، کشورهای اسلامی و غیراسلامی خواهید دید که ملت‌ها نسبت به ایران و جمهوری اسلامی و امام بزرگوار این امت و مبارزات و مجاهدات شما، دارای دل خوشبین و علاقه‌مند و روح صمیمی هستند.

در دیدار با گروه کثیری از آزادگان، مسئولان بنیاد مستضعفان و جانبازان، معاونان پرورشی و مسئولان امور تربیتی وزارت آموزش و پرورش و جمعی از کارمندان شبکه‌ی بانکی کشور، ۱۳۶۹/۰۶/۰۷

آثار وجودی جسم و روح امام؛ الهام‌بخش ملت‌ها و وجدان‌های بیدار

خدا را شکر میکنیم که امروز دولت، رئیس‌جمهور، مسئولان، نمایندگان مجلس، کارگزاران قوه‌ی قضائیه و نیروهای مسلح ما، انسان‌های پاک و سالم و صالحی هستند. اینها یاران و مریدان و رهروان راه امامند. آن امامی که چهره‌ی باصلابتش، به یکایک انسانهایی که در بند بودند، امید بخشید؛ حتی حالا هم که مدتهاست جسم او در میان ما نیست، اما روح و یاد او الهام‌بخش است و هنوز در گوشه و کنار کشورهای اسلامی، وجدان‌های بیدار و آگاه، به یاد امام به هیجان می‌آیند، شعرا شعر می‌گویند، ملت‌ها شعار میدهند، روشنفکران مینویسند و می‌گویند و پشت سر امام این ملت حرکت میکنند.

نصرت الهی در محبوبیت امام و اطاعت مردم از ایشان

امام بزرگوار این ملت - آن نسخه‌ی انبیاء (نمی‌گویم نسخه‌ی کامل؛ امام شاگرد آنها بود و خودش میگفت من خاک پای اولیاء و انبیاء هستم. اگر آدم بخواهد قدری چهره و روش و اخلاق و نفوذ کلمه‌ی پیامبران را بفهمد، باید به زندگی امام نگاه کند) - یک اشاره میکرد، این ملت «مِنْ كُلِّ فِجٍّ عَمِيقٍ»^۱ بیرون میریختند و سپاهها و جمعیتها تشکیل میدادند. ارتشی یک‌طور، سپاهی یک‌طور، بسیجی یک‌طور، نیروهای انتظامی یک‌طور، کسانی که تفنگ بدست نگرفته بودند، طور دیگر بیرون میریختند و به جبهه‌ها میرفتند. اینها، نصرت الهی است؛ «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»^۲.

بیشترین توصیه‌ی امام در دوران حیات

اگر ما وحدت کلمه نداشتیم، هیچ یک از این پیروزیها را بدست نمی‌آوردیم. امام بزرگوار راحل ما، بیشترین توصیه‌ی دوران ده، یازده سال زندگی مبارک خودش را درباره‌ی وحدت کلمه‌ی بین قشرهای امت کرد. ما امروز این وحدت کلمه را داریم؛ باید آن را حفظ کنیم.

در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
و رؤسای دفاتر نمایندگی ولی فقیه در این نهاد، ۱۳۶۹/۰۶/۲۹

امام؛ حکیمی به معنای واقعی و قرآنی

من تصور میکنم، آن چشمی که میتواند آن فعل و انفعالات را ببیند، اسمش در اصطلاح اسلامی و قرآنی، عبارت از حکمت است. «وَاتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصَلَ الْخُطَابَ». تا آنجایی که من فهمیدم، حکمت، آن بینشی است که میتواند حقایق را ماورای غشای مادی آن ببیند. با اینکه من قبل از انقلاب هم سالهای متمادی خدمت امام بزرگوار و عظیم‌الشأنان، ارادت و اخلاص داشتم و ایشان را از نزدیک میشناختم، اما این نکته را

۱ سوره‌ی حج، آیه‌ی ۲۷. از هر راه دوری می‌آیند.

۲ سوره‌ی حج، آیه‌ی ۴۰. و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری میکند، یاری میدهد.

بعد از انقلاب متنبه شدم که امام ما یک مرد حکیم است. در اینجا، حکیم به معنای مصطلح آن- یعنی فیلسوف- مورد نظر نیست؛ بلکه حکمت به همان معنای واقعی و قرآنی آن- که خدای متعال میفرماید ما آن را به پیامبران دادیم- مورد نظر است. این کتابهای فهرستی- مثل المعجم المفهرس- را نگاه کنید، با این چیزها انس بگیرید؛ خیلی خوب است. در معجم، کلمه‌ی حکمت را پیدا کنید. بعد به همه‌ی آیاتی که در آن، کلمه‌ی حکمت هست، نگاه کنید. اگر معنای آیات را هم متوجه نمیشوید، به ترجمه مراجعه کنید و ببینید که در قرآن، حکمت چیست.

من تصورم این است که امام یک حکیم بود؛ یعنی همان فعل و انفعالات معنوی باطنی پشت پرده را- مثل جریانهای زیرزمینی آب که علم خاصی دارد- میدید. هرکس اگر چشم هم نداشته باشد، دست که بزند، جریان آب را میفهمد و با گوشش، صدای شرشر آن را هم میشنود؛ اما جریان آبهای زیرزمینی را نه. این، معنای حکمت است. من میدیدم، آن انسان استثنایی زمان ما- که هیچ‌کس با او قابل مقایسه نیست- مثل اینکه جریانهای زیرزمینی حوادث و پشت‌پرده را ببیند. نمیخواهیم بگوییم که امام، غیب میدانست. خیر، هیچ‌کس جز کسی که خدای متعال به او اذن داده باشد، از غیب خبری ندارد. امام هم نه ادعا داشت و نه ما در مورد آن بزرگوار، این ادعاها را داریم. دید حکمت، غیر از این است؛ یعنی چیزهایی را با یک احساس معنوی درک میکند.

ارتباط امام با عالم غیب و ملکوت و راه رسیدن به آن

همه‌ی این حوادثی که شما در انقلاب دیدید و امام درباره‌ی آن چیزی گفتند و شد، از این قبیل بود. نه اینکه تصور کنید ایشان محاسبه‌ی مادی و سیاسی میکردند. نه، آن بزرگوار اهل این محاسبات نبودند. البته فکر سیاسی خیلی پخته‌ای داشتند و حقایق را میفهمیدند؛ اما اینطور نبود که همان محاسباتی را که معمولاً میکنند، انجام بدهند. این، همان غیب و ملکوت عالم و ملکوت وجود شماس است که باید به آن ایمان و اعتقاد داشت. راه رسیدن به آن هم تقواست.

اینکه ملت ایران و رهبری مثل امام، در مقابل تجمع وسیع تمام احزاب کفر و نفاق،

ره، رهرو، رهبر / ۲۵۳

از شرقیش تا غربیش، از مسلمان امریکایی مذاقش تا مسلمان سوسیالیست مزاجش، از منافق و مرتجعش تا شهوترانش (عده‌ای فقط بخاطر شهوترانی، با جمهوری اسلامی مبارزه میکردند و برای آن کارها دلشان لک زده بود! لذا از این دستگاه بدشان می‌آمد و با آن مبارزه میکردند) بایستند و مطمئن به پیروزی باشند، ناشی از تقوایی است که به آنها حکمت و بصیرت را میبخشد.

تبعیت از دستورات حضرت امام(ره)؛ نشانه‌ی تقوای عمومی

البته تقوای عمومی تقوای ملت غیر از تقوای خصوصی یکایک افراد است. تقوای عمومی، یعنی همین که وقتی امام اشاره میکردند، ناگهان همه‌ی جامعه به حرکت درمی‌آمد. این ملت را باتقوا میگوییم. معنایش این نیست که حالا اگر یکایک افراد را در میزان پرهیزگاری و تقوا بگذاریم، آنها را یک پرهیزگار کامل ببینیم. نه، اکثراً سرخالی و کسری دارند. مجموعه، یک مجموعه‌ی مؤمن و متقی است که البته برای یک ملت، خیلی هم افتخار است اما یکایک ما باید به فکر خودمان باشیم.

پیروزیهای حضرت امام در ورای محاسبات معمولی

ورای این محاسبات معمولی، دستگاه معقول قانونمندی وجود دارد که غیب است و باید به آن معتقد بود. آن محاسبه را از کجا پیدا کنیم؟ از راه شرع و عمل به تکلیف. این عنوانهایی که ما در خلال صحبت به آن میرسیم، دقیقاً همان عنوانهایی است که امام ما مکرر روی آن تکیه کردند. ما وقتی سلسله‌ی بحث را ترسیم میکنیم، میبینیم که درست سربند، همین عنوانهاست.

امام میگفتند: ما به تکلیف عمل میکنیم، ما برای پیروزی نمیجنگیم، ما برای جواب دادن به خدا میجنگیم، خدای متعال تکلیف کرده، ما عمل میکنیم؛ پیروزی داد، منت پذیرش هستیم؛ پیروزی هم نداد، باز هم از اینکه توفیق داد به تکلیفمان عمل بکنیم، منت‌پذیر هستیم. راز پیروزیها همین است.

روایت دارد که امیرالمؤمنین(علیه الصلاة والسلام) در بازار راه میرفت؛ به خیاطها که میرسید،

میگفت: خیاطها! از خدا بترسید، درزها را نزدیک هم بزنید، کوکها را کوچک بزنید و نخها را محکم انتخاب بکنید. حالا خیاطی مگر چقدر اهمیت دارد؟ گیرم که درز این لباس، مثلاً بعد از چند ماه باز شد؛ دوباره چرخ میکنیم. این، یک نمونه است. از اینجا شروع کنید و تا خیاطت لباس انقلاب بر پیکر این ملت بروید. این کار، چقدر دقت و تقوا لازم دارد و چقدر امام، بزرگ و باتقوا بود.

توصیه‌ی امام به اجتناب از سیاست‌بازی و تفسیر صحیح آن

یک چیز دیگر هم که امام روی آن مکرر تکیه میکردند و لازم است شما به آن توجه کنید، مسئله‌ی سیاست و سیاست‌بازی و گروه‌گرایی و این چیزهاست. این، از آن حرفهای بسیار مهم است. البته تفسیرهای مغرضانه خیلی شد. عرض کردم، نمیشد که این مسائل جاری کشور را، بخصوص آن چیزی که مربوط به سپاه است، من نبینم و ندانم. حرفهایی که گفتند، مطالبی که نوشتند، چیزهایی که سخنرانی کردند، درگوشیهایی که انجام دادند و خیلی از جزئیات فراوان دیگر را من دیده‌ام و شنیده‌ام. خیلی از افراد، فرمایش امام را بد تفسیر کردند. امام نمیخواست بگوید فقط شما باید جزو فلان حزب نباشید. نه، این چیز کوچکی بود. الآن در جامعه‌ی ما، جناح‌بندی و گروه‌گرایی و باندبازی، نه در سطوح مردم - که خوشبختانه در سطوح مردم، یا نیست و یا خیلی ضعیف است - بلکه در سطوح مسئولان و متشخصان وجود دارد. خلاصه‌ی فرمایش امام این بود که شما در این باندها هم نباید باشید.

در دیدار با مسئولان دفتر نهضت سوادآموزی، رئیس و جمعی از مسئولان ادارات شهربانی، جمعی از ناظران و اعضای هیأت نظارت شورای نگهبان و هیأت اجرایی در انتخابات مجلس خبرگان و مسئولان وزارت کشور، به همراه گروهی از مردم استان لرستان و شهرهای آبادان، لاهیجان و شوشتر، ۱۳۶۹/۰۷/۰۴

توجه امام به اصلیت‌ترین نکات در فرمان به شکست حصر آبادان

امام(ره) فرمودند: حصر آبادان باید شکسته بشود. به دنبال این فرمان، برای شکستن حصر آبادان تلاش شد. حصر آبادان، در خلال یک فداکاری بزرگ شکسته شد و حرف امام تحقق پیدا کرد. کسانی در دنیا بودند که از دور فکر میکردند که قضیه‌ی جنگ با از

ره، رهرو، رهبر / ۲۵۵

دست رفتن آبادان حل خواهد شد و قضیه‌ی جمهوری اسلامی هم حل خواهد گردید! جمهوری اسلامی که نتواند آبادان خود یعنی شهر صنعتی و چشم و چراغ آن منطقه از کشور را نگه بدارد، دیگر چطور حکومت و دولتی است؟! معلوم بود که اگر آبادان میرفت، روحیه‌ها هم با این شهر میرفت و دیگر اهواز هم قابل دفاع نبود.

آن روز دشمن در ده، دوازده کیلومتری اهواز بود و خمپاره‌های ۶۰ او در این شهر به زمین میخورد. یعنی دشمن جلو می‌آمد، تا حدی که اهواز در بُرد خمپاره‌های ۶۰ او قرار میگرفت و میزد و هیچ چیز باقی نمیماند. امام(ره) آن نقطه‌ی اصلی را پیدا کردند و گفتند که حصر آبادان باید شکسته بشود، و شکسته شد. این روزها، سالگرد آن روزهای افتخارآمیز است.

■
عنصر دیگری که وجود داشت، عبارت از وحدت کلمه‌ی مردم بود. آن روز در جبهه‌ی آبادان، هیچ‌کس از کسی نمیپرسید که شما طرفدار چه کسی هستید، مخالف چه کسی هستید، کدام خطید، کدام ربطید. الحمدلله در آن دوران، خط و ربط و این معارضه‌های بیخودی سیاسی که گاهی از گوشه و کنار مشاهده میشود و غالباً ناشی از بیکاری است، نبود. آن کسانی که موجب انشعاب مردم بودند، بیرون رفته بودند و دیگر در میان مردم نبودند. ملت و رزمندگان و نیروهای نظامی و در رأس و پیشرو آنها، رهبر عظیم‌الشأن و امام بزرگوارمان بودند که با کمال علاقه کار را تمام کردند.

راه امام در گشوده شدن تمام گره‌ها و مشکلات

حال هم مسئله همین است. در تمام مشکلات، همان توکل به خدا و وحدت کلمه و فداکاری و مقدم دانستن منافع کشور و ملت و انقلاب بر منافع خود و شخص و گروه و باند و نیز طرد رفیق‌بازی، عامل گشوده شدن همه‌ی گره‌هاست. این راه را امام به ما یاد داد. این راه را رزمندگان با عمل به توصیه‌ی امام عظیم‌الشأن رفتند و موفق شدند. ما هم حالا باید همان راه را برویم.

استجاب دعای امام مبنی بر گسترش دین در دنیا

من حقیقتاً وقتی شما عزیزان چه آزادگان عزیز، چه جانبازان عزیز، چه خانواده‌های عزیز شهدا را اینطور پُرشور و مصمم مشاهده میکنم، این امید را در قلب و جان خود عمیقتر می‌یابم که دعای امام عزیز ما مستجاب شد و دعوت نبی اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به وسیله‌ی شما عزیزان، در دنیای مادی امروز قابل گسترش است. شماها در جبین پاک خودتان، نور اسلام و انقلاب و ایمان دارید. حقیقتاً جای امام خالی است که فرزندان صالح خود، این دل‌های آماده، این قدم‌های استوار و این عزم‌های محکم و مستحکم را ببیند که هیچ عاملی نتوانسته آنها را تحت تأثیر قرار بدهد.

کفایت شهادت امام بر عدالت افراد

این آقایانی هم که امروز عضو فقهای شورای نگهبانند، شخصیت‌های برجسته و مورد قبولیند که منصوبان امام (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) هستند و ایشان اینها را معین کردند. دوره‌شان که تمام شد، دوباره اینها را تأیید کردند؛ ما هم اینها را تأیید کردیم. میتوان گفت که شورای نگهبان، ارگان تقریباً مقدّسی است؛ زیرا بر اساس تقوا بنا شده است. کسی را که آنجا میگذارند، باید مجتهد و عادل باشد. آیا شهادت امام بر اجتهاد و عدالت یک نفر، کافی نیست؟ امام وقتی کسی را در آنجا گذاشتند، یعنی این شخص مجتهد و عادل است. شورای نگهبان کار خودش را انجام داد، درست هم انجام داد، یعنی طبق وظیفه‌ی خودش عمل کرد؛ منتها نکات کوچکی است که باید همه به آن توجه کنند.^۱

تقید فراوان امام به قانون؛ برخلاف تصور برخی از بیخبران

بعضی هم در گوشه و کنار اظهار نظر میکنند که اگر امام تشریف داشتند، در فلان

۱ مضمون این مطلب در «پاسخ به نامه‌ی گروه‌های موسوم به «ائتلاف خط امام»، ۱۳۷۷/۷/۱۲» نیز تکرار شده است.

قضیه اعمال نظر میکردند! من دوست ندارم که نسبت به اینطور چیزها وارد صحبت بشوم؛ لیکن تذکراً عرض میکنم که اگر امام امروز تشریف داشتند، مطمئن باشید که به نقض قانون آن هم به این شکل و در این سطح وسیع راضی نمیشدند.

امام بزرگوار ما، در اواخر عمر شریفشان نامه‌ای نوشتند که جزو اسناد باقیمانده از آن بزرگوار است و در ذهن بسیاری از افراد هست و در همه جا هم پخش شد. امام(ره) حتی در ارگانهای غیرقانونی‌ای که به دستور خود ایشان و بخاطر مصالح زمان تشکیل شده بود- از قبیل تشخیص مصلحت و غیره- تردید کردند و گفتند، آنها متعلق به زمان جنگ بود و ما مجبور بودیم یک اقدام غیرقانونی بکنیم. امام(ره) مقید به قانون بودند. یکی از خصوصیات آن بزرگوار، تقید به قانون بود که کاری برخلاف آن انجام نگیرد. ما هم آنچه که در جهت پایبندی به قانون تکلیفمان است، آن را انجام میدهیم.

چرا بعضی بیخودی اعتراض میکنند که شما میخواستید به شورای نگهبان سفارش کنید که فلانی و فلانی و فلانی را برخلاف قانون قبول کنند؟ این، چه کاری است؟ قطعاً اگر امام عزیزمان بودند، این کار را نمیکردند. ما با این موافق نیستیم که هر کسی بیاید حرفی را به امام نسبت بدهد؛ در حالی که میدانند روش و ممشای امام(ره) چه بود. ممشای امام را اهل بصیرت و اهل خبره و کسانی که معاشر و محشور با ایشان بودند، میدانند؛ نه اینکه هرکس بیاید حرف بزند که اگر امام(ره) بود، چنین میکرد و چنان میفرمود. من همه را توصیه میکنم که این خط صحیح را دنبال کنند.

در دیدار با مسئولان کشوری و لشکری و میهمانان شرکت‌کننده
در کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۶۹/۰۷/۱۶

انقلاب اسلامی امام؛ زداینده‌ی تردید در امکان حاکمیت اسلام

پانزده سال قبل، تردید بود که آیا اصلاً حاکمیت اسلام، ممکن است یا نه؟ انقلاب اسلامی، تشکیل نظام اسلامی در ایران، حرکت حیاتبخش و عظیم امام(رضوان‌الله تعالی علیه)، قدرتی که آن مرد الهی و ملکوتی، در مقابل قدرتهای مادی از خود نشان داد و ثابت کرد که قدرت دین و معنویت، از قدرت مادیت و پول و سلاح بیشتر است، باید تردید را از ذهنها زدوده باشد. بله، تشکیل نظام اسلامی در اقطار عالم اسلامی، امری ممکن است.



تصمیم قاطع ملت ایران به تبعیت از اهداف امام

آن حادثه‌ای که در ایران در جریان است، عبارت از تصمیم قاطع ملت ایران به تعقیب اهداف نظام اسلامی است؛ آنچنانی که امام عزیز ما ترسیم کرده‌اند. آن حادثه‌ای که در ایران در حال انجام است، إن شاء الله حرکت سریعتر و دقیقتر به سمت هدفهای اسلامی است.

در دیدار با اعضای دبیرخانه‌ی مجمع جهانی اهل بیت(ع)، ۱۳۶۹/۰۷/۲۹

خط امام؛ تعیین‌کننده جهت تقارب شیعه با محوریت انقلاب

ما برای چه می‌خواهیم خانواده‌ی شیعه را به هم نزدیک کنیم؟ اصلاً تقارب بر چه اساسی است؟ بر اساس لشکر بیشتری برای انقلاب درست کردن و در حقیقت تقویت انقلاب؛ و آلا اگر نزدیک بشوند و از انقلاب دور گردند، اینکه ضد ارزش است. ما اگر می‌خواهیم با جاهایی که شیعه هستند، یا حتی شیعیان بی‌اصل و نسب- مثل علویها که در خیلی جاها هستند- رابطه برقرار کنیم، برای چیست؟ برای اینکه اینها را به تفکر انقلابی رایج در ایران و موجود در جامعه‌ی خودمان- یعنی محور انقلاب- نزدیک کنیم. همین تفکر انقلابی و خط امام(رضوان الله تعالی علیه) باید جهت را تعیین بکند. یعنی هیچ این وسوسه به ذهنمان نیاید که این تشکیلات سیاسی نباشد، تا بتوانیم کاری بکنیم.

در دیدار با گروهی از آزادگان، جمعی از خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان، مسئولان اجرایی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی و ائمه‌ی جمعه‌ی استانهای کرمانشاه، یزد و چهارمحال و بختیاری، و گروهی از مردم شهرهای گرگان، گنبد، محلات، گتوند، شوشتر، سپیدان، تهران، شیراز و جهرم، ۱۳۶۹/۰۸/۰۲

اخلاص و عمل به اسلام از اعماق وجود

ما باید در تمام حرکات و اعمال خود، این حقیقت و این درس بزرگ اسلام و درس بزرگ معلم عزیز ما در این دوران- یعنی امام بزرگوار که خود عامل به اسلام بود و اسلام فقط در زبان و حنجره‌ی او نبود، بلکه از اعماق وجود او میتراوید- در یادمان باشد که در کارهایمان، نیت خیر، نیت الهی و قصد خالص داشته باشیم. اگر خود او این نیت خالص را نمیداشت، انقلاب به اینجا نمیرسید. و اگر این امت مسلمان و مؤمن و خداجوی و امام‌دوست و مرید آن رهبر عظیم‌الشأن و عالی‌مقام و شایسته، در کارهایشان

ره، رهرو، رهبر / ۲۵۹

قصده خدا نمیداشتند و نیت‌های دنیاطلبانه و هواهای نفسانی و اغراض فردی و گروهی و غیره، بر اعمال و رفتارشان حاکم میبود، این انقلاب به اینجا نمیرسید. آنچه انقلاب را به اینجا رساند، همان ایمانهای پاک و خالص و نیت‌های صادق و روحهای سرشار از اخلاص و صفا بود. از حالا به بعد هم همینطور است.

در دیدار با روحانیون و طلاب آزاده، ۱۳۶۹/۰۸/۰۵

علم؛ مایه‌ی اصلی انقلاب عظیم امام خمینی(ره)

شرط اول، درس خواندن و خوب خواندن است. من از قبل از پیروزی انقلاب، به رفقای طلابمان میگفتم: بی‌مایه فطیر است. باید مایه داشته باشید، باید درس بخوانید. آن عالم مبارزی که ذخیره‌ی قابل توجهی بدست آورده است، میتواند مفید باشد. امام بزرگوار ما که توانست با آن دست قدرتمند خود، دنیایی را متحول کند، این حرکت عظیم را به برکت علم انجام داد. اگر امام(ره) عالم نبود، نمیشد. کار امام که شوخی نبود. بعد از صدر اسلام، اصلاً با هیچ حرکت دیگری قابل مقایسه نیست. چه کسی دیگر چنین حرکت عظیمی را انجام داده است؟ اگر این ابعاد را بنخواهیم بیان کنیم، خودش یک ساعت طول میکشد. امام، این حرکت عظیم را به برکت علم انجام داد.

مَثَلِ اَعْلَی تَقْوَا

او واقعاً مثال اعلای تقوا و بدون یک ذره اغماض، مراقب و مواظب از خود، از نفس خود و از حرکات خود بود. این، تقواست.

پیام به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی، ۱۳۶۹/۰۸/۱۳

الهام از فرمان امام در تسخیر لانه‌ی جاسوسی

تسخیر لانه‌ی توطئه و جاسوسی که با الهام از فرمان حضرت امام خطاب به دانشجویان و دانش‌آموزان درباره‌ی گسترش اعتراضات انجام گرفت، اگرچه عکس‌العملی در قبال تهاجم جبهه‌ی استکبار علیه انقلاب بشمار میرفت، لیکن در عین حال جهادی ابتدایی بود علیه استکبار.

بزرگترین درس روز سیزدهم آبان

همان امپراتوری قهاری که یک روز داعیه‌ی سروری و مصونیت قضائی مستشاران و اتباعش در ایران را داشت و نزدیک به سی سال بود که در صحنه‌ی تصمیم‌گیری سیاسی و نظامی و اقتصادی ایران، قدرت بی‌رقیب و مسلط به حساب می‌آمد و همواره منافع نامشروع خود را بر مصالح ملت ایران طلبکارانه ترجیح داده بود، اکنون با بیداری و عزم راسخ ملت ایران که از ایمان پُرشور آنان ناشی میشد در برابر حرکت گروهی از جوانان مؤمن این ملت انقلابی، احساس ضعف و شکست کرد و دچار انفعال شد. نه فقط ملت ایران، بلکه همه‌ی ملت‌های مسلمان که بر اثر تلقین مستمر قدرتهای ضد اسلامی در نیم قرن اخیر، بکلی امید به خود و نیروهای خود و حتی نیروی اسلام را از دست داده بودند، در هریک از حوادث انقلاب و در هر سخن و اشاره‌ای از سوی امام انقلاب و در هر حرکتی از سوی مردم، پیامی متضمن امید و نشاط و اعتماد می‌گرفتند و به نیروی خود معتقد و از ضعف ذاتی استکبار آگاه میشدند.

اگر دنیا شاهد آن است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تا امروز، ملت‌های مسلمان در همه جای جهان، حرکتی از سر اعتماد به خود، در جهت بازگشت به هویت و فرهنگ اسلامی خود انجام میدهند، درست به این دلیل است که مبارزه‌ی فداکارانه‌ی ملت ایران، این ترفند استعماری و استکباری را که ملل شرق و ملل مسلمان، قادر به عقب‌نشاندن قدرتهای اروپا و امریکا نیستند، ابطال کرده و جایگاه قدرت واقعی را نشان داده است. قدرت واقعی، مردم باایمانند و در برابر چنین مردمی، هیچ قدرت مادی هرچند بزرگ و مجهز قادر به اعمال اراده‌ی خود نخواهد بود.

این، بزرگترین درس روز سیزدهم آبان ماه است. روزی که هم شاهد غربت و مظلومیت امام جبهه‌ی حق بود، هم شاهد مقاومت خونین و فداکارانه‌ی امت آن امام و تا حد قربانی دادن نوجوانان دانش‌آموز، و هم شاهد ذلت دشمنان آن امام بدست مریدان و شاگردان پُرشور و انقلابیش... لذا درس این روز، درسی بس عبرت‌آموز و استثنایی است.



آثار عمل به درسهای امام خمینی و پشتیبانی از وی

خدا را شکر میگوییم که ملت ایران با گوش حق‌نیوش و چشم حق‌بین، درسهای بزرگ زندگی را از انقلاب بزرگ و رهبر حکیم خود آموخت و روزبه‌روز با تحقق وعده‌های الهی، ایمانش به حقانیت این راه عمیقتر شد. ملت ما، پیروزی بر رژیم وابسته‌ی شاهی را، پیروزی بر ترنندها و توطئه‌های امریکایی را، پیروزی بر جبهه‌ی نظامی پیش‌کرده‌ی شرق و غرب را، پیروزی بر محاصره‌ی اقتصادی را، پیروزی بر جبهه‌ی سیاسی و تبلیغاتی جهانی را و پیروزی بر بسیاری از مشکلاتی را که بدست همان دشمنان برایش فراهم شده بود، یکی پس از دیگری با همه‌ی وجود حس کرد و طعم شیرین آن را چشید. همه‌ی این پیروزیها، به برکت تمسک به اسلام و حفظ استقلال و استغناء از بیگانگان و توکل به خدا و تلاش یکپارچه‌ی ملت پشت سر رهبر یگانه و بی‌بدیلش بدست آمد.

ملت ما بحمدالله در تمام دوران پس از انقلاب و در تمام حوادث مهم، وحدت کلمه‌ی خود را پشت سر امام عظیم‌الشأن راحل، با استحکام حفظ کرد و تعارضهای گروهی و جناحی را به چیزی نگرفت و امروز هم بحمدالله به همینگونه است.

شکرگزاری بخاطر دولتمردان مسلمان پرورش یافته در مکتب امام

کسی که با زندگی و رفتارها و روابط شخصیت‌های سیاسی و حکومتی جهان آشنا باشد، به داشتن چنین دولتمردانی که از سرچشمه‌ی اسلام نوشیده و در مکتب امام بزرگوار پرورش یافته‌اند، خدا را سپاس میگوید.

در دیدار با مسئولان دادگاه و دادرسی ویژه‌ی روحانیت، ۱۳/۰۸/۱۳۶۹

علت اهتمام مردم به حرف امام و روحانیت

ما با یک‌لاقبا، مثلاً چه چیزی داشتیم که موجب بشود مردم با حرف روحانیت و حرف امام، آنطور حرکت کنند، پانزده سال مبارزه نمایند و بعد با فداکاری، آن را به پیروزی برسانند و سپس ده سال در دوران مبارک حضرت امام، در مقابل این همه توطئه

ایستادگی کنند و بعدش هم همینطور؟ آیا جز معنویت و جز این اعتقاد در دل مردم که روحانیت برای خودش کار نمیکند، بلکه برای خدا و خیر مردم است و امر خدا را اجرا میکند، چیز دیگری بوده است؟ برای همین هم است که وقتی نهضتها به غیرجنبه‌ی معنوی و ایمان قلبی متکی باشند، به جایی نمیرسند. این، در جاهای دیگر امتحان شده و در کشور ما هم امتحان شده است. نهضتی به جایی میرسد، که یک رگه‌ی معنوی و ایمانی و اعتقادی و خدایی در آن حاکم است.

از ثمرات دادگاه ویژه روحانیت

من یادم است شاید این نکته را مکرر به بعضی از برادران عرض کرده‌ام چند سال پیش که مقدمات تشکیل این دادگاه بود، خدمت امام(ره) رفتم و به ایشان عرض کردم که این انقلاب، به پشتوانه‌ی هزار سال نفوذ معنوی روحانیت شیعه به پیروزی رسید. یعنی اینکه شخصی مثل امام یک مرجع تقلید توانست این اقیانوس را اینطور به تلاطم دریاورد که هیچ عاملی نمیتوانست آن را به تلاطم دریاورد کار خود او نبود. مردم در اول کار، امام را از کجا میشناختند؟ اگر هزار سال اعتقاد شیعه به علما و روحانیون و مراجعش نبود که مرجع و عالم دین، برایشان از قداستی برخوردار بود چه موقع مردم پشت سر امام، بعنوان اینکه یک مرجع و یک عالم دین است، راه می‌افتادند؟ امام، این را تلقی به قبول کردند.

بعد به ایشان عرض کردم، الآن با عمل بعضی از ماها، این ذخیره‌ی هزار ساله ضایع میشود و از بین میرود. ما پول و سرمایه‌ای را برداشتیم خرج کردیم و بساطی را درست کردیم؛ حالا خود این سرمایه، با کار بعضی از ماها دود میشود و به هوا میرود. گفتم به نظر من، راهش همین دادگاه روحانیون است.

ضرورت برخورد دادگاه ویژه روحانیت، با روحانیون معاند با خط امام

عده‌ای هستند که فساد ندارند؛ ولی مشکلشان، مشکل سیاسی است. آنها هم طور دیگر ضربه میزنند. آنها هم از این وجهه‌ای که به برکت قیام امام و فداکاری این بزرگوار

ره، رهرو، رهبر / ۲۶۳

و روحانیون خوب، به وجود آمده و به بقیه ی روحانیون سرایت کرده است، علیه مذاق امام و راه امام و خط انقلاب، سوءاستفاده میکنند. باید با اینها برخورد بشود. این دادگاه برای این است.

در مراسم فارغ التحصیلی و اخذ سردوشی در دانشگاه هوایی، ۱۳۶۹ / ۰۸ / ۲۸

درس امام به ملت‌ها در مقابل ارباب قدرتهای بزرگ

امروز ملت‌های جهان، از ملت سرافراز و بزرگ ایران آموخته‌اند که در مقابل تهدید و ارباب قدرتهای بزرگ، مرعوب نشوند. اول ملت ایران بود که فریاد زد، استکبار جهانی در درون خود تهی است و جز رعد و برق، جز تشر، جز اظهار قدرت دروغین، چیزی در چنته‌ی او نیست. این را اول ملت ما فریاد زد و امام بزرگمان، به ما و به ملت‌های دیگر آموخت.

در دیدار با رهبران گروه‌های جهادی افغانستان، به همراه صبغة الله مجددی (رئیس‌جمهور موقت افغانستان) و حجت‌الاسلام والمسلمین ابراهیمی (نماینده‌ی رهبری در امور افغانستان) و جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۳۶۹/۰۸/۲۹

امام؛ وسیله‌ای الهی برای پیروزی انقلاب اسلامی

پیروزی انقلاب اسلامی را هیچ‌کس به خودش نسبت نمیدهد. امام با آن عظمت، که شخصیت و رهبریش، قابل قیاس با هیچیک از رهبریهای امروز و دیروز دنیا نبود و واقعاً حق حیات بر ما داشت، هیچ وقت پیروزی را به خودش نسبت نمیداد. اگر تحلیل کنیم، حق هم همین بود. در حقیقت، ایشان برای مردم یک وسیله‌ی الهی بود.

در دیدار با فرماندهان نیروی مقاومت بسیج، ۱۳۶۹ / ۰۹ / ۰۱

نحوه‌ی برخورد امام و دیگر مسئولان نظام با بسیج

مسئله‌ی بسیج، مسئله‌ی بسیار مهمی است. البته این مسئله، در نظام جمهوری اسلامی همیشه جدی گرفته شده است. شخص حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) و بقیه‌ی مسئولان و مردم، بسیج را جدی گرفتند و از این پس هم باید کوشش کنیم که مسئله‌ی بسیج، همچنان جدی گرفته بشود



هدف امام از تشکیل بسیج؛ ایجاد فرهنگ صدر اسلام در کشور

پس، بسیج یعنی متن مردم؛ آن مردمی که میتوان امید دفاع از انقلاب را از آنها داشت. این مردم، کجا هستند؟ این مردم، در اداره و مدرسه و دانشگاه و حوزه و دکان و... هستند؛ یعنی یک زندگی دوزیستی. تا وقتی هنوز مسئله‌ی دفاع نظامی، به مرور بصورت یک فرهنگ درنیامده، مردم بر اساس وظیفه‌شان حرکت میکنند. این، در جامعه‌ی اسلامی، بتدریج به شکل یک فرهنگ درخواهد آمد. اینکه امام فرمودند: «مملکت اسلامی، همه‌اش نظامی است»، همان فرهنگ صدر اسلام است. این، همان فرهنگ اسلامی است.

دو میدان اصلی برای تشکیل ارتش بیست میلیونی امام

شما برای تحرک بسیج، دو میدان اصلی دارید. البته این سوادآموزی و قرآن‌آموزی و امثال اینها، چیزهایی است که در حاشیه‌ی کار و یا بعضی بعنوان روح کار لازم است؛ اما آنچه که میدان کار عملی شماست، یکی جبهه و دیگری هسته‌های مقاومت شهری است. ما میخواهیم کاری کنیم که این مجموعه‌ای که شما تا حالا توانسته‌اید در این دو میدان گرد بیاورید، به بیست میلیون نفر گسترش پیدا کند. البته بعضی از برادران، بیست و پنج یا سی میلیون را گفته‌اند، که من در سال گذشته در اجتماع برادران گفتم: نه، ما حالا همان بیست میلیونی را که امام فرمودند، تأمین کنیم.

در مراسم ویژه‌ی روز بسیج در یادگان امام حسن مجتبی(ع)، ۱۳۶۹/۰۹/۰۵

تشکیل بسیج؛ از افتخارات امام راحل

یکی از افتخارات انقلاب اسلامی و بخصوص از افتخارات بزرگ امام راحل عظیم‌الشان ما(رضوان‌الله‌علیه)، تشکیل ارتش بیست میلیونی بود.

منشأ تکیه‌ی فراوان امام بر مسئله‌ی بسیج

مسئله‌ی بسیج، یک مسئله‌ی اساسی و اصولی انقلاب است. اگر شما ملاحظه میکنید

ره، رهرو، رهبر / ۲۶۵

که امام بزرگوار ما اینقدر روی بسیج تکیه میکردند، ناشی از همان فکر اصولی حاکم بر انقلاب اسلامی است. بر اساس آن فکر، اگر بگوییم قوام انقلاب به بسیج است، حرف گزافی نگفته‌ایم.

فتح الفتوح امام؛ ساختن و تربیت جوانان

هنر انقلاب این است، و هنر امام این بود. آن بزرگوار، در جامعه‌ای که دشمن پنجاه، شصت سال بطور مستقیم و غیرمستقیم روی آن کار کرده بود، تا آن را به لجنزار فساد بکشاند، کار کرد و جوانانش را مثل گل، پاک و پاکیزه تربیت کرد. خود آن بزرگوار فرمود: این، فتح الفتوح است. بله، فتح الفتوح امام، ساختن جوانان مؤمن، مخلص، سالم، صادق، بی‌اعتنای به شهوات و دل‌هایشان متوجه به سمت خدا بود. در طول تاریخ، در این مملکت و یا در سایر ممالک اسلامی، ما چه موقع اینقدر جوان خوب و صالح، مثل دوران انقلاب داشتیم؟

معنای فرمایش امام در مورد بسیج بیست میلیونی

بسیج، عبارت از چند هزار آدم در هر شهر نیست؛ بسیج، یعنی کل نیروهای مؤمن و حزب‌اللهی کشور ما. اینکه امام گفتند «بسیج بیست میلیونی»، یعنی این. حالا دشمنان بنشینند تحلیل کنند که بله، ایران بالاخره هم بیش از یک میلیون نتوانست! کل نیروهای مؤمن و حزب‌اللهی کشور ما بسیج محسوب میشوند، تا چشم دشمنان کور بشود!

توصیه‌ی امام به آمادگی همیشگی و همگانی

هیچ‌کس خیال نکند که جنگ تمام شد، بسیج هم تمام شد؛ ابداً. مگر جنگ که تمام میشود، نیروهای نظامی- ارتش و سپاه- هم تمام میشوند؟ نه، به فرموده‌ی امام (ره)، «مملکت اسلامی، همه‌اش نظامی است». زن و مرد باید آمادگی نظامی داشته باشند و برای دفاع نظامی آموزش ببینند.

در دیدار با جمع کثیری از نیروهای مقاومت بسیج، گروهی از پرستاران و جمعی از پرسنل نیروی دریایی ارتش، ۱۳۶۹/۰۹/۰۷

محشور شدن با بسیجیان؛ آرزوی امام و رهبری

به یکایک بسیجیان در سرتاسر کشور، از زن و مرد و پیر و جوان، ارادت و اخلاص صادقانه‌ی خودم را عرض میکنم و همانطور که امام و پیشوای راحل عظیم‌الشأن ما فرمودند، من هم آرزو میکنم و از خدا میخواهم که با بسیجیان محشور باشم.

میزان پابندی و علاقه‌ی مردم نسبت به امام و خط امام

تا مدتی تصور میکردند که بعد از رحلت امام بزرگوار ما (رضوان‌الله تعالی‌علیه)، شعله‌ی آرمانخواهی در جمهوری اسلامی کم بشود، یا فروبنشیند و یا خاموش گردد. خیال میکردند که بعد از رحلت امام (رضوان‌الله‌علیه)، تدریجاً همه‌چیز تمام خواهد شد. یعنی احساسات انقلابی و روح مجاهدت و فداکاری در مردم و نیز دشمنی آنها با ایادی ظلم و استکبار و استعمار در دنیا، تمام خواهد شد.

چنین چیزی را انتظار داشتند؛ ولی دیدند که اینطور نشد و هرچه میگذرد، پابندی این مردم نسبت به خطی که امام راحل و پیشوا و معلم بزرگ ما ترسیم کرده‌اند و نیز علاقه‌ی آنها به امام و انقلاب کم نمیشود. احساس کردند که دولت و ملت، مردم و نمایندگان آنها و مسئولان گوناگون، در هر جای این کشور محکم ایستاده‌اند، تا از اسلام و انقلاب دفاع کنند.

هشیاری در دشمن‌شناسی؛ از ثمرات استادی امام و شاگردی مسئولان و ملت

آنها خوب فهمیده‌اند که مردم حاضر نیستند ارزشهای عزیز اسلامی و انقلابی را با چیزی معامله کنند. سر قضایای تجاوز عراق به کویت هم این معنا برایشان روشن شد و دیدند با اینکه در قضیه‌ی کویت، کشور عراق تجاوزکار است و ملت ایران، متجاوز را به هر شکلی و به هر نحوی محکوم کردند از اول هم دولت و ملت ما این را گفتند اما این موضع مانع نشد که مردم و مسئولان ما، از دخالت‌های متجاوزانه‌ی بیجای امریکا انتقاد

ره، رهرو، رهبر / ۲۶۷

نکنند. خیال میکردند ما بعد از اینکه دیدیم عراق به کویت تجاوز کرد، امریکا را فراموش خواهیم کرد؛ غافل از اینکه ملت ما دست‌پرورده‌ی انقلاب و امام است و مسئولان ما شاگردان امام هستند.



تبیین و تشخیص خطوط نفوذ دشمن توسط امام خمینی(ره)

بسیج، در سرتاسر کشور هوشیار باشد. همه‌ی نیروهای مسلح ارتش، سپاه و نیروهای انتظامی باید هوشیار باشند. همه باید هوشیار باشند؛ اما بسیج، احتیاج به هوشیاری مضاعف دارد. آحاد بسیج در هر جا هستند در شهر، در ده، در عشایر، در دانشگاه، در حوزه‌ی علمیه، در دبیرستان، در بازار، در اداره، در کارخانه باید هوشیار باشند. دشمن، برای ضربه زدن به انقلاب و اسلام، از یک راه نمی‌آید؛ از راههای مختلف می‌آید. باید چشمتان را باز کنید، متوجه باشید و دشمن را بشناسید. امام بزرگوار، این خطوط را برای ما درست مشخص کردند.

هر چیزی که دیدید دشمن روی آن حساسیت نشان میدهد، شما هم روی آن حساس بشوید و بفهمید که دشمن از اینجا میخواهد رخنه کند. وقتی که میبینید دشمنان خبیث، نسبت به ملت و انقلاب و پابندی مردم به انقلاب تبلیغات میکنند، بدانید که دشمن از پابندی مردم به انقلاب و از حضور آنها در صحنه‌های انقلاب میترسد. حضور شما در صحنه‌های انقلاب و هوشیاری و آمادگیتان، دشمن را مأیوس خواهد کرد.

در دیدار با شرکت‌کنندگان در اولین کنفرانس اسلامی فلسطین، ۱۳/۰۹/۱۳۶۹

نظر نهایی نظام در قضیه‌ی فلسطین

در مسئله‌ی فلسطین، آنچه که هدف است، استنقاذ فلسطین است؛ یعنی محو دولت اسرائیل. فرقی بین سرزمینهای قبل از سال ۱۶۷ و بعد از آن نیست. هر یک وجب از خاک فلسطین، یک وجب از خانه‌ی مسلمین است. هر حاکمیتی غیر از حاکمیت مردم

فلسطین و حاکمیت مسلمین بر کشور فلسطین، حاکمیت غاصب است. حرف، همانی است که امام راحل عظیم‌الشأن فرمود: «اسرائیل بایستی محو بشود».

در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به همراه
حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی، ۱۳۶۹/۰۹/۱۴

ضرورت حفظ وحدت کلمه و اهمیت آن نزد امام

آنچه که عرض خواهم کرد، عمدتاً دو مسئله است: یک مسئله، وضع کلی کارگزاران حکومت اسلامی است؛...

مسئله‌ی دوم هم درباره‌ی اصل اساسی همیشگی ماست که عبارت از اتحاد کلمه، وحدت جهت، هماهنگی و التیام نیروها در خط مقدّسی است که اسلام و مبین حقیقی اسلام و مرشد این امت و این نسل - یعنی امام بزرگوارمان - ترسیم کرده است.

ذخیره‌ی الهی برای این نقطه از تاریخ

یادمان نرود که خدای متعال، این انقلاب را پیروز کرد و مسلمین ایران را به برکت این انقلاب و به برکت آن رهبر استثنایی، عزت بخشید. اصلاً خدای متعال، او را برای چنین نقطه‌ی عطف تاریخی ذخیره کرده بود. ظاهراً آدم خیال میکند که خدای متعال، این وجود گرانبها و گرانبه را تربیت کرده و نگه داشته بود، تا چنین حرکتی را در دنیا و در تاریخ به وجود بیاورد.

نحوه‌ی رابطه‌ی با مردم در نظر امام

یک نکته‌ی دیگر، نحوه‌ی رابطه‌ی با مردم است. در نظام اسلامی، رابطه‌ی اخلاقی با مردم، رابطه‌ی مخصوصی است؛ مردم را در همه‌ی کارها مالک و صاحب امر دانستن، یک مراجع مزاحم ندانستن. شما برادران عزیزی که در بخشهای گوناگون دولتی و قوه‌ی قضائیه مشغول کار هستید، یکی از اولین تعلیمات‌تان به زیردستان و چیزی که از آن مؤاخذه میکنید، باید رفتار خوش با مردم باشد. حقیقتاً مردم صاحب قضیه‌اند. حقیقتاً

ره، رهرو، رهبر / ۲۶۹

مردم ولی نعمت ما و کارگزاران این نظام هستند. این، تعارف نیست. بعضی خیال میکنند، امام که این حرفها را میزدند، تعارف میکردند!

■ پس، اینها صاحب قضیه اند. اینها بودند که رژیم شاه را سرنگون کردند. اگر این مردم به فرمان امام گوش نمیکردند، به خیابانها نمیرفتند و جوانانشان را نمیدادند، من و شما که این افتخار را هم با خودمان یدک میکشیم که جزو مبارزان آن زمان بوده ایم، باید صد سال آنگونه مبارزه میکردیم! مردم بودند که به خیابانها رفتند و جان خودشان را فدا کردند. حالا که این مردم به ما مراجعه میکنند، آیا باید با آنها مثل مزاحمی که مرتب ما را اذیت میکند، برخورد کنیم؟! این مسئله، یک مسئله اخلاقی نیست.

میزان اهمیت وحدت کلمه در دیدگاه امام خمینی (ره)

این شرایط حساس ماست؛ از لحاظ اصولی، از لحاظ منطقه ای و زمانی و هم از لحاظ اهمیت وحدت کلمه. شما دیدید که امام بزرگوارمان، در پیامهای مختلف و در سخنرانیهای گوناگون و در توصیه های خصوصی، چقدر روی وحدت کلمه تأکید میکردند.

من یاد می آید، در آن سالهایی که فتنه ی لیبرالها، همه ی حواس این کشور را به خود جلب کرده بود، ماها غالباً خدمت ایشان میرفتیم؛ یا شکایت میکردیم، یا کاری داشتیم، یا ایشان کار داشتند. در آن دیدارها، امام مکرر میفرمودند که اگر شماها با هم اختلاف و دعوا هم دارید، این دعوا را در درون خودتان تمام کنید؛ چرا در ملأ عام مطرح شود؟ البته وقتی ایشان میفرمودند، یک دسته - که ماها بودیم - گوش میکردند و دهانشان را میبستند. شما مرحوم شهید بهشتی (رضوان الله علیه) را یادتان است. با اینکه آدمی بود که خیلی حرف داشت، خیلی هم قدرت گفتن داشت، سکوت کرد؛ ولی آن طرف دیگر، نه. امام (ره) پاس وحدت را داشتند و نگذاشتند که وضع به آن صورت پیش برود. مسئله ی وحدت، اینقدر مهم است.

تفکیک خطوط به خط دشمنان انقلاب و خط امام با وجود اختلاف سلیق

همانطور که عرض کردم، دو خط بیشتر نیست: یک خط، خط انقلاب و طرفداران انقلاب و امام است؛ یک خط هم، خط دشمنان این انقلاب است.

در جبهه‌ی فرهنگی و سیاسی و اقتصادی، عده‌ای از دشمنان اسلام و این نظام، دور هم جمع شده‌اند. این، یک خط است. خط دوستان انقلاب، دوستان امام و دوستداران این راه - چه کسانی که سابقه دارند و چه کسانی که ندارند - نیز یک خط است. من نمیخواهم بین آنهایی که سوابق دارند، با آنهایی که ندارند، فاصله قائل بشوم. اگر کسی هم سوابق دارد، بالاخره برای خدا و در راه اوست. این جوانانی که هیچ سابقه‌ی مبارزاتی هم نداشتند، کسانی بودند که در انقلاب آمدند. در آن دورانی که ماها خیال میکردیم کاری میکنیم، اینها بچه بودند؛ ولی آمدند و از ماها میدانها جلو رفتند و ما به گرد و خاک آنها هم نمیرسیم. بنابراین، آنهایی که مؤمن به این نظامند و با ایمان کار میکنند، در یک خط دیگر قرار میگیرند. در هر جا که هستید، در هر تشکیلاتی که کار میکنید و هر سلیقه‌ای که دارید، جزو این جناحید؛ یادتان نرود. هر مسلک سیاسی و - به تعبیر رایج - هر خط سیاسی‌ای که دارید، جزو این جناحید؛ این را همیشه به یاد داشته باشید.

درسی جاودانه از امام راجع به مجلس

امام راحل (رحمة الله علیه) یک وقت فرمودند، چنانچه در این مجلس به کسی اهانت شد، حق داشته باشد که به مجلس بیاید و از خودش دفاع کند. برادران و خواهرانی که در آن مجلس بودند، لابد یادشان است. وصیتنامه و پیام امام هم که موجود است. آنچه که امام راجع به مجلس فرمودند، همانها را موبه‌مو عمل کنید. آنها درسهای جاودانه‌ای است.

بصیرت و حکمت امام به معنای واقعی کلمه

امام (ره) به معنای واقعی کلمه، یک حکیم بود. خدای متعال، حکمت به همان معنای حقیقی «وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ»^۱ را به این مرد داده بود. او واقعاً بصیرتی داشت. خیلی

۱ سوره‌ی لقمان، آیه‌ی ۱۲. و براستی، لقمان را حکمت دادیم.

ره، رهرو، رهبر / ۲۷۱

از چیزهایی که ماها حتی گاهی با دقت نمیدیدیم، او آنها را در نگاه عادی مشاهده میکرد. حرفهای او، برخاسته‌ی از چنین دلی و چنان حکمتی بود.

حضرت امام؛ طلبه‌ای واقعی

از بس امام فرمودند «من یک طلبه هستم»، من به خودم اجازه نمیدهم که این تعبیر را به کار ببرم و بگویم من یک طلبه‌ام؛ و آلاً منهای این فرمایش امام، حقیقتاً اینگونه است و ماها یک طلبه و یک آدم معمولی هستیم؛ هرچند حالا وظیفه‌ای هم به عهده‌ی ماست و بایستی آن را انجام بدهیم.

عمل و توصیه‌ی همیشگی امام به حمایت از کارگزاران نظام

همه‌ی شما در هر جا که هستید، در حراست و حفاظت از این نظام، و در باز کردن مشکلات این کشور، به یک اندازه مسئولید. ما اگر نتوانیم مشکلات این کشور را حل کنیم، نمیتوانیم انقلاب را حفظ کنیم و طبعاً نمیتوانیم آن را صادر نماییم. همه موظفند که به کارگزاران کشور و بخصوص به دولت، کمک کنند. این، یک وظیفه است. این، همان حرفی است که امام در طول نزدیک به یازده سال امامت پربرکت و رهبری استثنایی خود، همیشه گفتند. عجیب این است که نگاه نمیکردند در رأس دولت کیست. یک وقت بنا بود که نخست‌وزیر معرفی کنیم. ایشان به من فرمودند، هرکس که از مجلس بیرون بیاید، من از او حمایت و دفاع خواهم کرد. نمیدانستند که چه کسی بیرون می‌آید؛ ولی گفتند هرکس که بیاید و هر دولتی که تشکیل بشود، از او حمایت میکنم.

در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۹ / ۰۹ / ۱۹

بُعد فرهنگی؛ بُعد غالب شخصیت امام

با اینکه نظام جمهوری اسلامی، از آغاز بر یک مبنای فرهنگی بنیان شد و رهبر و پدیدآورنده‌ی این نظام، یک عنصرِ بیش از همه چیز فرهنگی بود و مسئولان این نظام هم در طول این مدت، تقریباً همیشه همینطور بوده‌اند، درعین حال باید اعتراف کنیم که در زمینه‌های فرهنگی، آن کار مطلوب و مورد انتظار را خیلی انجام نداده‌ایم.

در دیدار با جمع کثیری از طلاب حوزه‌های علمیه و دانشجویان دانشگاهها،
به مناسبت روز وحدت حوزه و دانشگاه، ۲۸ / ۰۹ / ۱۳۶۹

روز وحدت حوزه و دانشگاه؛ یادگار ارزشمند امام بزرگوار

روز وحدت حوزه و دانشگاه، از یادگارهای ارزشمند امام بزرگوار ماست. این مسئله هم مثل همه‌ی تدابیر و تصمیمهای مهمی که در راه جریان صحیح و اسلامی جامعه‌ی ما، آن حکیم عالی مقام و آن انسان والا و بصیر مطرح کردند، یکی از برکات وجودی ایشان بوده و هست و ان شاء الله خواهد بود.

تبیین نظر امام در مورد وحدت حوزه و دانشگاه

و اما مسئله‌ی وحدت حوزه و دانشگاه و روحانی و دانشجو. با اینکه بیش از ده سال از اعلام این امر میگذرد، بنظر میرسد که هنوز درباره‌ی این بنیان مبارکی که امام بزرگوارمان بنا گذاشتند، جا برای سخن گفتن و تحلیل کردن و مطالعه کردن هست. وحدت حوزه و دانشگاه یعنی چه؟ آیا مقصود این است که برنامه‌های حوزه را در دانشگاه، یا برنامه‌های دانشگاه را در حوزه اجرا کنیم؟ یقیناً مقصود اینها نیست. حوزه برای خود، علوم و درسها و روشهایی دارد؛ دانشگاه هم برای خود، علوم و روشها و مقاصدی دارد. البته هر کدام باید روشهای خود را کامل کنند و از تجربه‌های یکدیگر استفاده نمایند؛ در این بحثی نیست. بنابراین، مقصود از وحدت حوزه و دانشگاه، اینها نیست.

وحدت حوزه و دانشگاه که امام بعنوان یک شعار مطرح کردند، اغلب از واقعیت تلخی در جامعه‌ی ما و یا همه‌ی جوامع اسلامی منشأ می‌گرفت که آن واقعیت تلخ، ساخته و پرداخته‌ی مستقیم و حساب شده‌ی دست استعمار بود. آن واقعیت این بود که وقتی استعمارگران، نقشه‌های فتوحات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خود را طراحی میکردند، به یک مانع عمده برخورد کردند و آن، اعتقادات دینی ملتها بود.

امام(ره) این واقعیت را بهتر از همه کس مشاهده میکردند، از ریشه‌های قضیه آگاه بودند، مظاهر آن را در دوران سلطه‌ی حکومت پهلوی مشاهده کرده بودند، علاج

مشکلات ایران و بقای استقلال و شعار «نه شرقی و نه غربی» در کشور را در این میدانستند که روشنفکران و تحصیلکردگان جدید، حقیقتاً با دین و ایمان مذهبی آمیخته باشند و روحانیون ما که از آن طرف بر اثر عواملی - از جمله، همین عواملی که گفته شد - از پیشرفتهای علمی و حوادث جهان و رویدادهای مهم کشور به دور مانده بودند و بعضاً دچار جمود شده بودند، مسائل جدید و پیشرفتهای علمی و حوادثی را که در دنیا میگذرد، ببینند و با آنها آشنا بشوند و روشهای تازه را تجربه کنند.

این، همان وحدت حوزه و دانشگاه است. وحدت حوزه و دانشگاه، یعنی وحدت در هدف. هدف این است که همه به سمت ایجاد یک جامعه‌ی اسلامی پیشرفته‌ی مستقل، جامعه‌ی امام، جامعه‌ی پیشاهنگ، جامعه‌ی الگو، ملت شاهد ملتی که مردم دنیا با نگاه به او جرأت پیدا کنند، تا فکر تحول را در ذهن خودشان بگذرانند و در عملشان پیاده کنند حرکت نمایند.

در راه ایجاد چنین کشور و جامعه و ملتی، علاجی جز این نیست که دانشجو و طلبه، حوزه و دانشگاه، روحانی و روشنفکر تحصیلکرده، در کنار هم، دوش به دوش هم و باهم، به سمت یک هدف حرکت کنند؛ بدون این نمیشود. او متدین است، و این آگاه به مسائل جهان و مسائل روز. امام(ره) تا حدود زیادی در این راه موفق شدند. امروز دانشجویان ما در جهت اسلامی حرکت میکنند، مجموعه‌های اسلامی در دانشگاهها دارای ارزشند و غالب دانشجویان ما، جوانان انقلاب و فرزندان انقلابند.

در دیدار با فرماندهان و جمعی از پاسداران کمیته‌های انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹/۱۰/۱۰

خشنودی امام از دیدار جوانان مؤمن و مجاهد

یکی از چیزهایی که در طول دوران دوازده ساله، مسئولان نظام جمهوری اسلامی و حتی شخص شخیص امام بزرگوار را که تحقیقاً انسان برتر و فوق انسانهای متعارف بود خشنود و خوشدل میکرد و خستگیها را از تن آنها میزدود، دیدار جوانان مؤمن و مخلص و پولادین و سربازان جان بر کف انقلاب اسلامی بود، که حقیقتاً ارزشمندترین فرآورده و دستاورد این انقلاب محسوب میشوند. از جمله‌ی آنها، شما برادران عزیز کمیته‌ی انقلاب اسلامی هستید؛ مخصوصاً فرماندهان و سابقه‌داران و پیشکسوتان این تشکیلات

انقلابی ناب، که مصیبتها دیدید، زحمتها کشیدید، با انقلاب متولد شدید، با انقلاب رشد کردید، از انقلاب تغذیه شدید، جانانه به انقلاب خدمت کردید و جان را که عزیزترین موجودی هر انسانی است به چیزی نگرفتید.

مبانی اسلامی و مستحکم امام در بیان فتح الفتوح انقلاب

تمام پیامبران و عبادالله الصالحین، همشان این بوده که انسان صالح را در این زمین به وجود بیاورند، حفظ کنند، رشد بدهند و تکثیر نمایند. هدف اسلام هم این است. اینکه شما دیدید، امام در بیانیه‌ای در چند سال قبل فرمودند، فتح الفتوح انقلاب اسلامی، ساختن جوانانی از این قبیل است، یک حرف نبود که همینطور بر قلم امام جاری شده باشد. این، یک مبنای اسلامی و الهی بسیار مستحکم دارد. واقعاً فتح الفتوح، یعنی ساختن انسان صالح.

مهمترین خصلت امام بزرگوار

اعتقاد این است که مهمترین خصلت امام بزرگوار ما این بود که خویش و بیگانه و دوست و آشنا، برایش فرقی نداشت. حقیقتاً خدا میداند که آن بزرگوار در این دنیای تاریک ظلمانی، مثل یک خورشید، چند صبحی آمد درخشید و رفت، تا مردم بدانند که خورشیدی هم هست. دیگر بعد از ائمه و معصومین، ما و دیگران هم مثل آن آدم سراغ نداریم. اگر کسی هم بگوید، به نظر من بی‌انصافی کرده است. انسانیت باید بفهمد که این گوهر در خزانه‌ی الهی وجود دارد. آن مرد، اگر میفهمید که تکلیف است، عمل میکرد. نگفت که اگر من تنها بمانم، راه حق را خواهم پیمود؟ او، این را راست میگفت.

آن روزی که او به مردم خطاب کرد و مبارزه را شروع نمود، در بین علما و بزرگان و شخصیت‌های برجسته و انسانهای لایقی که بودند، انصافاً هیچ‌کس گمان نمیکرد که مردم پشت سر کسی که صاحب این دعوت و فریاد است، راه بیفتند. البته امام به مردم ایمان داشت و معتقد بود که می‌آیند؛ اما درعین حال، آن دریادلی از توکل به خدا و اینکه من تکلیفم را عمل میکنم، میخواهند بیابند، میخواهند نیابند، مهم بود. خدای متعال هم

ره، رهرو، رهبر / ۲۷۵

قاعده‌ای دارد: «من كان لله كان الله له»^۱. «من أصلح فيما بينه وبين الله أصلح الله فيما بينه وبين الناس»^۲. هرکس بین خود و خدا را درست و اصلاح کند، خدا بین او و مردم را درست خواهد کرد.

عشق و خضوع عجیب خارجیها در برابر امام

در زندانهای فلسطین، در گوشه‌ی کشورهای آفریقایی، در تونس و مراکش، تحت اختناق به نام او شعار میدهند. چه کسی این کار را کرده است؟ ما تبلیغ کرده‌ایم؟ آیا دستگاههای تبلیغی میتوانند بگویند که این کارها را ما کرده‌ایم؟ من هشت سال رئیس‌جمهور بودم؛ میدانم که در این مملکت چه خبر است. هیچ‌کس نمیتواند بگوید که اسم امام را من در فلان جا بردم. اسم امام، خودش مثل سرازیر شدن آب در یک سرزمین صاف و مستعد رفت. نمیخواهد کسی آن را پارو بزند؛ خودش سرازیر میشود و میرود، تا چشنده و نوشنده‌ی خودش را پیدا کند.

در ایام ریاست جمهوری، به یکی از کشورهای آفریقایی سفر رسمی داشتم. از پلکان هواپیما که پایین آمدم، دیدم که رئیس‌جمهور آن کشور، مرعوب من شده است. این وضعیت، در چهره‌اش کاملاً آشکار بود. در ماشین تشریفاتی نشستیم، تا ما را به محل مهمانسرا ببرند. در ماشین دیدم که این شخص، بدون آنکه خودش بخواهد، یک طرف نشسته و جرأت نمیکند بصورت من نگاه کند! من با زحمت و با تبسم و خنده و نرم‌گویی، یواش یواش او را به صحبت آوردم. وقتی به ایران برگشتم، به امام گفتم، من در آنجا دیدم که اینها در ما رشحه‌ای از وجود شما را میبینند.

آن رئیس‌جمهور، در مقابل من که اینطور خاضع نبود- من که کسی نبودم- او در مقابل امام خاضع بود؛ امامی که مظهر انقلاب بود. آن شخص - که نمیخواهم اسمش را بیاورم - نمیتوانست خودش را نگه دارد. او یک رئیس‌جمهور گردن‌کلفت و معروف حسابی هم است؛ از این آدمهای خرده‌ریز نیست؛ اما از هیأت ایرانی، امام را میدید و بویش را میشنید.

۱ المصباح الشریعة (ترجمه‌ی عبدالرزاق گیلانی)، ص ۱۷۸.

۲ بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۱۸۱.

انتقال نور و گرمای معارف به بشریت، با استفاده از نسیم جانبخش امام

من همیشه قبل از انقلاب در دوران اختناق، برای جوانان مثال می‌زدم و می‌گفتم، در یک خرمن ذغال، مثل گل آتش باشید. مگر دور و بر خودش را رها میکند؟ مگر به اینکه من روشنم، اکتفا میکند؟ نخیر، تمام این خرمن را به یک گل آتش تبدیل میکند. اینطوری باشید. آن روز، کمبودمان این بود. می‌گفتم، متأسفانه باد ملایم مناسبی که بوزد و تسریع کند، نیست؛ اما امروز که هست. امروز نسیم جانبخش اسلام و کلمات آن مفسر اسلام و آن حکیم عالیقدر و عظیم‌الشأن و آن مرد خدا و بنده‌ی خدا که از همه‌ی عنوانها بالاتر است در اختیار ماست. این خرمن آتش را باید به وجود بیاورید و روشن کنید و با اخلاق و عملتان، همه را منور و گرم نمایید.



علت ملامت آخوندهای درباری در لسان امام(ره)

آخوندهای درباری دوران گذشته، روحانیت به این عظمت را زیر سؤال قرار میدادند. آنها میرفتند کار زشتی میکردند، با ظلم می‌ساختند و بخاطر حطام دنیا و یک لقمه نان- مثل اینکه آن جباران، جلوی سگها و غلامهایشان می‌انداختند، جلوی اینها هم می‌انداختند- مدح و تملق آنها را میگفتند. بخاطر عمل یک آدم اینطوری، آن همه طلبه‌ی شریف که در حجره‌ها و مدرسه‌ها، با فقر و گرسنگی و آبرومندی درس میخواندند و زیر بار فلک هم نمیرفتند، زیر سؤال میرفتند؛ خوب بود؟ امام که در بیانات خود، اینقدر روی شانهای آخوند درباری شلاق کوبیده، به همین خاطر است؛ مواظبت کنید.

در دیدار با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی و مسئولان ستاد برگزاری دهه‌ی فجر، ۱۳۶۹/۱۰/۱۱

امام خمینی(ره)؛ تغییردهنده‌ی نوع ارتباط مسئولین با مردم

اگر همینطور به عقب بروید، سلسله‌های گوناگونی را میبینید که با پول و زور و قبیله‌گری و قلدری و پهلوانی و با وسایل گوناگون آمده‌اند و بر این مردم فاتح شده‌اند و آنان را به زیر یوغ حکومت خودشان کشانده‌اند. لذا همیشه روابطشان با مردم، «ما فرمودیم» بوده است. «من به ملت عرض میکنم»، «من خدمتگزار ملت» که امام میگفت، متعلق به جمهوری اسلامی و اسلام و امام اسلامی ما بود؛ و آلا قبل از او، «ما امر

میفرماییم» و «ما چنین فرمودیم» بود.

■
دهه‌ی فجر آمد و این سلسله‌ی غلط، این هندسه‌ی معیوب و این رشته‌ی بیمار را قطع کرد و تمام شد. آن سبب شکست و آن پیمان ریخت. دیگر آنجایی که حکومت، غالب و فاتح و آقا و قدر قدرت و صاحب اختیار است، گذشت. دوره‌ای آمده که اگر آقایی هست، خود مردمند. وقتی که امام سر کار آمد، مردم او را قبول داشتند و مظهر قدرت مردم بود. او از خودش چیزی نداشت، از پدرش چیزی به ارث نبرده بود، با شمشیرش چیزی علیه مردم بدست نیاورده بود؛ بلکه شمشیر مردم در دست او بود و بر سر ضد مردم و بر سر مهاجم و استعمارگر و توطئه چینی و کودتاجی زد. هر وقت هم مردم اراده می‌کردند که شمشیر را از دستش بگیرند، متعلق به خودشان بود و او هم دودستی تقدیم می‌کرد و طلبی از کسی نداشت. ببینید، این بنای حکومت جمهوری اسلامی است. این برکات، این انتقال مهم و این تغییر خط، در نقطه‌ی دهه‌ی فجر انجام گرفته است. این لحظه‌ی تاریخی، لحظه‌ی مهمی است.

تبعیت از فرمان امام(ره)؛ مصداق بهترین خاطره‌ی انقلاب

بهترین خاطره‌ی انقلاب این است که همه از خودشان بیرون آمدند و در انقلاب حل شدند. در دوران انقلاب و در مقاطعی از دوران جنگ هم همینطور بود. ناگهان یک فرمان از امام صادر میشد، میدیدید که مردم دیگر سر از پا نمی‌شناسند. پدر به پسر می‌گوید، من می‌روم؛ پسر به پدر می‌گوید، من می‌روم؛ مادر به هردو می‌گوید، هردوتان بروید. مال میدهند، جان میدهند و اصلاً خودی مطرح نیست.

ضرورت حفظ یاد و خاطره‌ی امام و عواقب فراموشی آن

بعد از رحلت امام(رضوان الله علیه) و بعد از گذشت سالگرد ایشان، این دهه‌ی فجر باید نشان بدهد که برای مردم، خاطره‌ی امام، مثل شخص امام گرامی است؛ و آلا اگر قرار شد که خاطره‌ی امام، همینطور مثل همه‌ی خاطره‌های معمولی، آهسته‌آهسته ضعیف بشود، یک روز هم از بین خواهد رفت و آنگاه واویلاست. این را بدانید، آن روزی که ما در

این مملکت، خاطره‌ی امام را نداشته باشیم، خسارت خیلی بزرگی به این کشور خواهد خورد. نباید بگذارید چنین شود.

خاطره‌ی امام، بیش از همیشه، در دهه‌ی فجر و بیست و دوی بهمن است. حتی بیشتر از مراسم سالگرد رحلت امام، این بزرگداشت نشان‌دهنده‌ی شخصیت آن بزرگوار است. این، در حقیقت ولادت امامت در این کشور است؛ به همان معنایی که خود امام و اسلام برای ما ترسیم کرده‌اند. قبل از آن، امام رهبر مبارزه و نهضت بودند؛ ولی از روز ورود به کشور و تشکیل دولت اسلامی، امام امت اسلامی شدند. این، مهمتر از خاطره‌ی درگذشت است.

مصاحبه با خبرنگار صدا و سیما در سفر به استان ایلام، ۱۳۶۹ / ۱۰ / ۱۲

یاران صمیمی امام بزرگوار

مردم ایلام، مردم بسیار عزیزی هستند و در دوران جنگ تحمیلی، آزمایش خیلی افتخارآمیزی دادند. هم در جنگ شرکت کردند، هم مصیبت‌های زیادی را بخاطر بمبارانها و موشک‌بارانها تحمل کردند، هم صبر و استقامت زیادی در مقابل این مصائب واردآمده از سوی دشمن نشان دادند و مهاجرت نکردند، بلکه در شهرهایشان ماندند و هروقت کار سخت شد، به همین کوههای اطراف پناه بردند؛ هرگز باری بر دوش دولت نگذاشتند و یاران صمیمی امام (رضوان‌الله تعالی علیه) بودند.

در مسجد علی بن ابی طالب شهر ایلام، ۱۳۶۹ / ۱۰ / ۱۲

گرمای شعله‌ی انقلابی امام در قلوب مسلمین

امروز به برکت فداکاری ملت ایران، ملت‌های دیگر بیدار شده‌اند و ملت‌های مسلمان به خود آمده‌اند. آن شعله‌ی مقلّس و روحیه‌ی انقلابی‌ای که امام (رضوان‌الله تعالی علیه) در این کشور به وجود آوردند و شما مردم لیبک گفتید و پای آن ایستادید، امروز در سرتاسر دنیای اسلام، دل‌های مسلمین عالم را گرم کرده و به خود جذب نموده است.

ره، رهرو، رهبر / ۲۷۹

در دیدار با مداحان اهل بیت(ع)، به مناسبت میلاد مبارک صدیقه‌ی کبری فاطمه‌ی زهرا(س)، ۱۳۶۹/۱۰/۱۷

معنای فرمایش امام در مورد حفظ اسلام توسط عاشورا

اگر محبت در تشییع نبود، این دشمنیهای عجیبی که با شیعه شده، باید او را از بین میبرد. همین محبت شما مردم به حسین بن علی(علیه السلام)، ضامن حیات و بقای اسلام است. اینکه امام میفرمود، عاشورا اسلام را نگه داشت، معنایش همین است. فاطمه و میلاد و وفات پیامبر(صلی الله علیه و آله) و ائمه(علیهم السلام) هم همینطور است.

در دیدار با فضلا، طلاب و اقشار مختلف مردم قم، به مناسبت سالگرد قیام نوزدهم دی ماه، ۱۳۶۹ / ۱۰ / ۱۹

حضرت امام(ره)؛ اولین نشانه‌ی برکات جهانگیر حوزه‌ی قم

اساساً در تاریخ پُرفراز و نشیب ایران مظلوم و خونین ما، قم یک نام برجسته و نمایانگر یک جهتگیری و یک حرکت خاص است. تقریباً هفتاد سال قبل از این، شهر قم، حوزه‌ی علمیه‌ای را که به وسیله‌ی مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری تأسیس شد، صمیمانه در آغوش گرفت. بعد از تشکیل این حوزه، تقریباً چهل سال که گذشت، اولین نشانه‌های برکات جهانگیر آن یعنی نهضت اسلامی و گوهر یکتای درخشان امام عظیم الشان درخشید. اگرچه در آن چهل سال هم علما و بزرگانی از حوزه‌ی قم بیرون آمده بودند و برکاتی بر آن مترتب شده بود؛ اما در مقطع تقریباً چهل سالگی حوزه که امام قد برافراشت و حوزه‌ی علمیه وارد یک مرحله‌ی جدید تاریخی شد، داستان دیگری است.

در دیدار با فرماندهان عالی‌رتبه‌ی نیروهای نظامی و انتظامی، و اعطای آیین‌نامه‌ی انضباطی نیروهای مسلح به رئیس ستاد فرماندهی کل قوا، ۱۳۶۹/۱۰/۲۲

تصمیم حکیمانه‌ی امام در مورد نیروهای مسلح

از اوایل انقلاب، دلسوزانی به این نتیجه رسیده بودند که علاج نیروهای مسلح، به سلسله مراتب است. البته میدانید که در آن وقت، ستون فقرات ارتش را شکسته بودند و داشتند می‌شکستند. یک عده از روی تعمد این کار را میکردند؛ برای اینکه نیروهای مسلح را بکلی متلاشی کنند. اوایل انقلاب، زمزمه‌های خائنانه‌ی حاکی از یک بینش

دروغ و غلط را دائماً ترویج میکردند. با اینکه امام هیچ وقت نظامی نبودند و در سازمانهای نظامی حضور نداشتند، واقعاً این تصمیم جزو حکمتهای آن مرد بود.

دست قدرت الهی، هادی حکمت امام

من هر وقت راجع به برخی از اقدامات این بزرگوار فکر کردم، دیدم همان حکمتی که قرآن درباره‌ی لقمان و سایر پیامبران میگوید، به معنای واقعی در این مرد بود. حکیم، یعنی آن کسی که ماورای این ظواهر، چیزهایی را مشاهده میکند که چشمهای عادی و معمولی، از دیدن آن عاجزند. در مقایسه‌ی با دیگر مردم، مثل پیر مجربی در مقابل جوان خام و تازه‌وارد است. همین ضرب‌المثلی که شنیده‌اید: آنچه در آینه جوان بیند/ پیر در خشت خام آن بیند؛ اشاره به همین نکته است.

ایشان نسبت به دیگران، نسبت به ماها و نسبت به همین مسئولانی که بودند و بودیم و میدیدیم، واقعاً اینطوری بود. او همیشه چیزی را در زیر جریانات احساس میکرد و میدید. گاهی انسان، با استدلال به چیزی میرسد؛ ولی او بدون استدلال به آن رسیده بود. واقعاً لطف و الهام خدایی بود. همانطور که خودش فرمود، دست قدرتی بود که او را هدایت میکرد.

معنای فرمایش امام مبنی بر حفظ «سلسله مراتب»

آن بزرگوار، سلسله مراتب را با همین کلمه تکرار میکرد. این کلمه، یک تعبیر نظامی است و از محیط علمایی و آخوندی و حوزه‌ای - که ایشان در آن تربیت شده بود و هیچ وقت هم در مسائل ارتش و سازمانهای نظامی نبود - خیلی دور است؛ اما بارها شنیده‌اید که ایشان در اوایل و بعدها، این کلمه را خطاب به سپاه و ارتش، مکرر تکرار میکرد و میفرمود که سلسله مراتب را حفظ کنید. این، یعنی هر فرد در هر جا که قرار گرفته، نظم‌پذیری او اینطوری باشد که به زیردست خود، از روی فرماندهی، قاطعاً فرمان بدهد و از مافوق خود، فرمانپذیر باشد و آن را عمل کند و عمل به فرمان خودش را در چارچوب ضوابط از زیردست بخواهد.

حساسیت و اهتمام امام به شهدا و خانواده‌های شهدای

به نظر من، بنیاد شهید، یکی از برکات انقلاب و یکی از نشانه‌های حقانیت انقلاب و امام (رضوان الله تعالی علیه) است. ایشان از همان اول، به این مسئله توجه کردند و اهمیت دادند و ما میدیدیم که چطور نسبت به مسئله‌ی شهدا و خانواده‌های شهدا حساسند و نسبت به بنیادی که امور آنها را به عهده می‌گیرد، علاقه‌مند و مهمت^۱ هستند.

استفاده‌ی حوزه از فرصت بدست آمده به رهبری حضرت امام

فضایی محترم و طلاب و اعظام حوزه، باید فرصت جوانی و نشاط و فراهم بودن زمینه‌ی حوزه‌ی علمیه را در جای خود مغتنم بشمارند و حالا که به برکت انقلاب و رهبری همه‌جانبه‌ی امام بزرگوار (رضوان الله تعالی علیه) زمینه فراهم شده، کاری را که حوزه‌ی علمی شیعه به آن احتیاج دارد، انجام بدهند.

آشکار شدن مجدد حقیقت جاری بر زبان امام بزرگوار مبنی بر ناتوانی امریکا

این قدرتی که ابرقدرتها برای خودشان درست کرده بودند، معلوم شد که افسانه است. البته ما میدانستیم. این حقیقت جاری بر زبان امام بزرگوارمان (رضوان الله تعالی علیه) که «امریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند»، یکبار دیگر^۲ آشکار شد. این هم یک نکته است که مورد توجه مردم دنیا قرار گرفت و باید حقیقتاً این نکته را فهمید و روی آن درست تکیه کرد. قدرتهای درجه‌ی یک عالم، با یکدیگر جمع شدند؛ اما کاری را که خیال میکردند نمیتوانند انجام بدهند، نمیتوانند انجام بدهند.

۱ دارای اهتمام.

۲ در قضیه‌ی جنگ امریکا با عراق.

در دیدار با اقبشار مختلف مردم و مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران،
در سالروز میلاد حضرت علی(ع)، ۱۳۶۹/۱۱/۱۰

جهت گیری نظام بر اساس منافع قشر مستضعف؛ درس امام از امیرالمؤمنین(ع)

در نظام ما، هر حرکت و سیاست و قانون و تلاشی، باید در خدمت مردم مستضعف و محرومی باشد که حکومت طولانی و بلندمدت طاغوتها، آنها را از جهات مختلف، به استضعاف و ضعف دچار کرده است. این، راه ماست. این، آن راهی است که امیرالمؤمنین(علیه السلام) پیمود. این، آن راهی است که امام و معلم و رهبر عظیم الشان این انقلاب، آن را از علی(علیه السلام) درس گرفت و پیش پای ما گذاشت. باید در آن راه حرکت کنیم.

در دیدار با میهمانان خارجی شرکت کننده در مراسم دهه‌ی فجر، ۱۳۶۹/۱۱/۱۷

اصول رهبری امام در پیروزی انقلاب

این روزها، برای ملت ایران و نیز برای همه‌ی کسانی که حقیقت این انقلاب بزرگ را شناختند و قدر آن را دانستند، روزهای خاطره‌انگیز بسیار بزرگی است. دوازده سال از آن روزهای درخشان میگذرد. انقلابی که مثل این روزها، به رهبری قائد عظیم الشان و امام بزرگوار ما(رضوان الله تعالی علیه)، بر اصول قرآن و پایه‌های اسلام، در این سرزمین و میان این ملت واقع شد، روزبه‌روز ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده است و سخن انقلاب، در تجربه‌های این دوازده سال، یکایک و پی‌درپی به ثبوت رسیده است.

توکل به خدا و اتکا به مردم؛ رمز پیروزی امام در مقابل تمام نیروهای عالم

جمهوری اسلامی نشان داد که میشود حرکت کرد و ایستادگی نمود. تمام نیروهای عالم، در مقابل امام راحل عظیم الشان ما ایستادند و او با اتکا و توکل به خدا و با پشتیبانی ملتش توانست، یک‌تنه همه‌ی این نیروها را شکست بدهد و نام اسلام و انقلاب اسلامی را در عالم بلندآوازه کند. ملتها میتوانند. اسلام و مسلمین میتوانند پیش بروند. این، امروز مسئولیت و وظیفه‌ی ماست و جمهوری اسلامی، این راه را ادامه داده است و ادامه خواهد داد. تجربه‌های شیرین و هیجان‌انگیز و موفقیت‌آمیز ما، مشوق این ملت است، برای اینکه راه خدا و اسلام و قرآن را همچنان ادامه بدهد.

یاران مجاهد و عارف امام، یادآور یاران امام حسین (علیه السلام)

پرورش نسلی از انسانهای صالح و پاکدامن و بلندنظر و بزرگان‌دیش که نور ایمان و تقوا از ناصیه‌ی مطهرشان ساطع و دل صاف و نالوده‌شان به شعاع معرفت روشن بود و جهاد آگاهانه‌شان در راه خدا و زمزمه‌ی عارفانه‌شان در نیمه‌شبها، یاران امام حسین (علیه‌السلام) را به یاد می‌آورد، بی‌شک بزرگترین رمز انقلاب و پیشوای عظیم‌الشأنش حضرت امام خمینی (قدس‌الله‌روحه) بوده است. و همینها بودند که به فرمان امام محبوبشان، صفوف پولادین و استوار خود را در برابر سهمگینترین خطراتی که انقلاب را تهدید میکرد، آراستند و انقلاب و نظام اسلامی را به اذن الله حراست کردند.

نقش تقوای امام در پیروزی انقلاب

هرچه مسئولیت ما بالاتر باشد، تقوای بیشتری لازم داریم. در میدان جهاد هم تقواست که انسان را پیروز میکند. در میدان مبارزه‌ی با استکبار هم که شما ملت سالها بودید و مثل این روزها در سال ۵۷ به پیروزی رسیدید، تقوا شما را پیروز کرد؛ تقوای آن رهبر که جز به امر الهی و تکلیف شرعی، به هیچ چیز دیگری نیندیشید، و تقوای شما آحاد ملت که برای خاطر خدا، از هوسها و منافع شخصی خود گذشتید.

تأثیر حرکت انقلابی امام در روحیه‌ی مسلمین

اسلام را با تلاش زیاد، منفعل و به خیال خود مضمحل کرده بودند. کسی جرأت نمیکرد که به مسلمانی خود افتخار بکند. امروز شما نگاه کنید، هرجا چند نفر مسلمان دور هم هستند- ولو یک اقلیت- قرآن را سر دستشان میگیرند و با افتخار میگویند که ما مسلمانییم. این، از آثار انقلاب شماست. این را شما کردید، این را امام انجام داد.

در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران و
نمایندگان سیاسی کشورهای اسلامی، به مناسبت عید سعید مبعث، ۱۳۶۹/۱۱/۲۴

قدردانی مردم از زحمات امام؛ در روز ۲۲ بهمن

اگرچه تبلیغات جهانی، هنوز از روی بغض و کینه حاضر نیستند که به این حرکت و حضور عظیم مردمی و این طبیعت خالص و ناب و درخشان ملت ایران، باز هم اعتراف کنند؛ اما منصفان و ناظران دیدند که ملت ایران حقیقتاً در کمال عظمت توأم با نجابت، انقلاب خودش را پاسداری کرد و در روز بیست و دوم بهمن امسال، قدر زحمات امام و رهبر و پدر و مرشد عالیقدر خود را دانست و آن انسان والا و استثنایی را ارج نهاد و احترام کرد.

در مراسم اعطای درجه به آقای محسن رضایی (فرماندهی کل سپاه) و سرتیپ علی شهبازی (رئیس ستاد مشترک ارتش) و بیست و هفت نفر از فرماندهان سپاه،
در سالروز میلاد امام حسین(ع) و روز پاسدار، ۱۳۶۹ / ۱۱ / ۲۹

وصیت دائمی امام به همکاری و همدلی سازمانهای نظامی

امروز که بحمدالله عمده‌ی نیروهای نظامی ما، با این درجات مدرّج شدند و سازماندهیها هماهنگ شده، توقع و انتظار این است که همکاریها هم بین سازمانهای نظامی، به همین ترتیب روزبه‌روز انشاءالله افزایش پیدا کند و با هم همکاری و همدلی کنند؛ همانطور که دائماً وصیت امام عزیزمان بود.

در دیدار با فرماندهان و جمعی از پاسداران سپاه و کمیته‌ی انقلاب اسلامی، مسئولان دفاتر نمایندگی ولی فقیه
در سپاه و خانواده‌های معظم شهدا، در سالروز میلاد امام حسین(ع) و روز پاسدار، ۱۳۶۹/۱۱/۲۹

پدر انقلاب و ارزشهای انقلابی

اول، پاسدار کمیته بود. این نام، هیچ معنای دیگری جز حفاظت و حراست با همه‌ی توان و با بذل جان در راه حفظ انقلاب نداشت. همه در خیابانها، پشت این سنگرها، در کوچه‌پس‌کوچه‌ها، دم دروازه‌ها، با سنگربندی، با اسلحه در دست نگه داشتن، با بیخوابی شبها و با دادن جان که آن روزها، چقدر از بچه‌هایمان بی‌نام و نشان و مظلومانه جان دادند و کسی نفهمید مشغول بودند. اول، نام و عنوان کمیته‌ی انقلاب اسلامی بود. پدر

ره، رهرو، رهبر / ۲۸۵

کمیته، امام است؛ همانکه پدر همه‌ی انقلاب و پدر همه‌ی این ارزشهاست. و وراى امام هم، خدای متعال و حضرت ولی‌عصر (أرواحنا فداء) قرار دارد.

کمیته را این دست قدرت به وجود آورد. او به یک‌مشت جوان جان داد که احساسات و عقل و خواست و نیروی جسمیشان، در خدمت اسلام و قرآن قرار بگیرد. بعد هم نهادهای دیگر از کمیته متولد شد؛ از جمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که بحمدالله امروز یک نیروی شاداب پُرنشاط جوان قدرتمند همه‌کس‌شناسی در دنیاست. این نهاد عظیم و عزیز سپاه و دیگر نهادهای انقلاب اسلامی، همه در اصل در همین نهاد انقلابی پاسداران کمیته‌ی انقلاب اسلامی، مندمج^۱ و مندرج بودند.

اعطای کوثری الهی به امام خمینی (ره)

خدای متعال برکت داد و به امام هم این کوثر را عنایت فرمود؛ «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ»^۲. این کوثر، همین شماها هستید، همین نیروهای انقلابند، همین انقلاب است. کوثر، یعنی افزایش؛ غیر از کثیر است. خیر کثیر، یعنی خیر زیاد. کوثر، بیش از این است. کوثر، فقط زیاد نیست؛ بلکه رو به ازدیاد و افزایش و زاینده و رشدکننده و بالنده است. خدا این را به آن بنده‌ی صالح و برگزیده‌ی خودش بخشید؛ همچنانکه پیش از او، به جد و امام او و پیامبر مقدس و معظم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بخشیده بود.

موفقیت امام خمینی (ره) در گرو عمل به یک کلمه

این امامی که شماها و دنیا را اینطور دل‌باخته کرد- دل‌باختگی هم نبود، دل‌ها را از جا کند؛ همچنان که دنیا را زیرورو کرد- راز کارش در یک کلمه بود. مشکل من و امثال من هم این است که این کلمه را درست بفهمیم و بتوانیم عمل کنیم. گفتنش به زبان آسان است؛ عمل کردنش سخت است. آن کلمه‌ای که ماها شاید حتی درست نتوانیم آن را بفهمیم، او بدان عمل کرده بود. آن کلمه، عبارت از سیر دائمی به سوی کمال بود. شما

۱ به هم تنیده.

۲ سوره‌ی کوثر، آیه‌ی ۱. ما تو را [چشمه] کوثر دادیم.

خیال نکنید که امام سال ۶۸ که به جوار الهی رفت، همان امام سال ۵۷ بود که وارد ایران شد. نخیر، امام خیلی جلو رفته بود، خیلی پیشرفت کرده بود، خیلی بالا رفته بود. درست است که ما منازل امثال آن بزرگوار را نمیتوانیم بفهمیم؛ اما از همین پایین که انسان نگاه میکند، اوج آن باز بلندپرواز را میبیند. خدا شاهد است که بعد از هر ماه رمضان، گاهی که خدمت امام میرسیدم، برایم محسوس بود که در این ماه رمضان، امام نسبت به گذشته بالاتر رفته، پرواز کرده و از ماده دورتر شده است. روزبه‌روز جلوتر میرفت و خودش را کاملتر میکرد. انسان مؤمن، این است. «مَنْ سَأَى يَوْمَهُ فُهِوْ مَغْبُونٌ»^۱. اگر دو روزمان مثل هم باشد، سرمان کلاه رفته است. مغبون، یعنی فریب‌خورده، سرکلاه‌رفته. و کسی که فردایش از امروزش بدتر باشد، «فهُو مَلْعُونٌ»^۲؛ یعنی طردشده است.



معنا و نتیجه‌ی رعایت سلسله مراتب از منظر امام

اینکه من روی نظم و انضباط و برنامه‌ریزی و سازماندهی و این حرفها تکیه میکنم، برای این است که میدانم بدون اینها، آمادگی نیروهای مسلح، عملی نخواهد شد. مثل بقیه‌ی خصوصیات، این نظم و انضباط و فرمانبری از فرماندهان را همانکه امام مکرر به سلسله‌مراتب تعبیر میکردند باید رعایت کنند و برای خدا و در راه خدا، از ارزشها دفاع مسلح نمایند. آن وقت عنوان پاسداری، محفوظ خواهد ماند.

پیام به دومین دوره‌ی مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۶۹ / ۱۲ / ۰۱

نحوه‌ی جبران کمبود انفاس قدسیه‌ی امام

مجلس فعلی این کمبود بزرگ را دارد که از انفاس قدسیه و ارشادات حکیمانه‌ی حضرت امام خمینی(ره) که چون زلال رحمت الهی، به جان و دل نازل میشد و فروغ هدایت و معرفت را در محفل خاص و عام می‌افروخت، محروم است. این حرمان را پس از توکل به خداوند(جل و علا) و استمداد از تفضلات ولی‌عصر(عجل‌الله فرجه)، باید با

۱ مضمون: بحار، ج ۶۸، ص ۱۷۳.

۲ بحارالأنوار، ج ۶۸، ص ۱۷۳.

ره، رهرو، رهبر / ۲۸۷

احساس مسئولیت مضاعف و تلاش و مجاهدت روزافزون از سوی همه‌ی آحاد مسئولین نظام، بخصوص مرکز باعظمت و حساسی چون مجلس محترم خبرگان، تا آنجا که ممکن است، جبران کرد.

در دیدار با اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۶۹/۱۲/۰۱

ضرورت روزافزون وحدت پس از حضرت امام

با اینکه امام راحل عظیم‌الشانمان (رضوان‌الله‌علیه)، در طول مدت حیات با برکتشان، همیشه ماها را به وحدت دعوت میکردند، من احساس میکنم که امروز اگر آن بزرگوار تشریف میداشتند، بیش از همیشه ما را به وحدت دعوت میکردند.

علت توصیه‌ی امام به مطالعه‌ی وصیتنامه‌ی شهدا

البته دوران جنگ و شرایط خاص آن روزها، برای عده‌ای از جوانان این مملکت، یک انقلاب معنوی و حقیقی به وجود آورد. این وصیتنامه‌های شهدا که امام (ره) توصیه به مطالعه‌ی آن میکردند، بخاطر این است که هر کدامش نمایشگر انقلاب یک نفر آدم است. هر کدام از این وصیتنامه‌ها و خاطرات این جوانان را که انسان میخواند، تصویری از انقلاب یک نفر آدم را در آن مبیند و خودش منقلب‌کننده و درس‌دهنده است. ما باید این حالت را تعمیم بدهیم و این، ممکن است. اگر بطور صددرصد نسبت به همه‌ی افراد هم ممکن نباشد، نسبت به اکثریت مردم ممکن است. شرط اولش هم این است که در خود گویندگان و دعوات به این هدف، انقلابی به وجود بیاید و خلیات و اخلاق و معنویت و ذکر و توجه و وصل و توکل و اعتماد و رابطه‌ی معنویشان با خدا تقویت بشود.

نسخه الکترونیکی

هرگونه بهره‌برداری بصورت چاپ و تکثیر ممنوع میباشد.

در دیدار با مدیران و مسئولان بخشهای خبری صدا و سیما، ۱۳۶۹/۱۲/۲۱

از ثمرات پیوند دینی مردم با امام

اگر این چیزی که الان در ایران هست، وجود نداشت؛ اگر در این یازده سال اول انقلاب، پیوند دینی مردم با امام نبود، که یک اشاره‌ی ایشان، دلها را منقلب و عقاید را

هدایت میکرد و اصلاً نیروها را بسیج مینمود؛ اگر این عشق مردم به امام و این اعتقاد آنها به اسلام که این نظام را نماینده‌ی اسلام میدانند نبود، شما ببینید این رادیوها و این خبرها و این تحریکاتی که میشود و این ظرافتهایی که در بیان خبر و تنظیم خبرهای خارجی به کار میرود، چه میکرد و چه بر سر این نظام جمهوری اسلامی می‌آورد. چیز خیلی عجیبی میشد. خبر، اینقدر مؤثر است.

در دیدار با جمعی از روحانیون، ائمه‌ی جماعات و وعاظ نقاط مختلف کشور،
در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان، ۱۳۶۹ / ۱۲ / ۲۲

طلوع صبحی روشن در تاریخ ملت‌های مسلمان؛ به برکت وجود امام

اینکه شما ببینید در کشورهایی از آفریقا، گروه‌های اسلامی داعیه‌ی حکومت پیدا کرده‌اند، یا مسلمانان با حکومت‌های ستمگر مبارزه میکنند و شعار الله اکبر میدهند، یا حتی کسانی که از اسلام بری هستند، ولی به تظاهر به اسلام مجبور میشوند، چیز جدیدی است. اینها ناشی از این صبح روشنی است که به برکت پیروزی انقلاب اسلامی و این حرکت عظیم، در تاریخ ملت‌های مسلمان به وجود آمده است. این، مرهون زحمات علمای بزرگ و بیش از همه آن بزرگمردی بود که رهبری و بنیانگذاری این حرکت را با دست توانا و دل پُراراده و پُرایمان خود و با توکل بی‌پایان و با تقرب به خدا و اخلاص لله انجام داد و حادثه‌ای در تاریخ شد.

بهترین استفاده‌کننده از ذخیره‌ی عظیم تاریخ روحانیت

نکته‌ی اساسی این است که آنچه امروز در صحنه‌ی جمهوری اسلامی به وسیله‌ی روحانیت ظهور کرده است، نمیشود آن را به حساب روحانیون زمان و عصر ما گذاشت و گفت روحانیون این زمان، این هنر را کرده‌اند. اینطور نیست. آنچه روحانیون این زمان انجام دادند، استفاده‌ی خوبی بود که از ذخیره‌ی هزار ساله‌ی آبروی روحانیت کردند. روحانیت شیعه، در طول هزار سال به مرور دهور، گنجینه‌ی عظیمی از آبرو و حیثیت و وزانت به وجود آورده بود و در عصر ما، آن بزرگمرد عظیم الشان، آن امام بزرگوار و شخصیت استثنایی و دیگر کسانی که در کسوت روحانیت بودند و در این راه حرکت کردند، از آن گنجینه بهترین استفاده را کردند.

اخلاص امام و نتایج آن

ما در دوران انقلاب بزرگ اسلامی، آن اخلاص را بالمعاینه در زندگی مردم مان مشاهده کردیم، و شد آنچه شد. امام بزرگوار ما مظهر این اخلاص بود، و کرد آنچه کرد. او دنیا را در مقابل اسلام خاضع و خاشع کرد و دشمنان اسلام را به عقب‌نشینی وادار نمود. امروز هم آحاد ملت ایران، زن و مرد ملت، اقشار مختلف، مخصوصاً مسئولان- خصوصاً هرچه مسئولیتها بالاتر برود- محتاج همین اخلاص هستیم، تا این بار را به سرمنزل برسانیم.



تشبیه ساعات بیماری امام به ساعات ضربت خوردن حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)

امروز، روز نوزدهم ماه مبارک رمضان است. اینکه با ضربت خوردن آن حضرت، چه حالتی بر مردم کوفه حاکم بوده است، خدا میداند. آن چهره‌ی محبوب، آن انسان بزرگ، آن عدل مجسم، آن نوای شورانگیز، آن فریاد رأفت و رحمت برای ضعف و خشم الهی در مقابل اشقیاء. مردم کوفه و مردم عراق و کسانی که از مدینه با آن حضرت آمده بودند، در این پنج سال، چه در کوفه و چه در میدانهای دیگر، علی‌بن ابی‌طالب را اینطور دیده بودند و با او انس گرفته بودند. حالت این مردم، آن وقتی که شنیدند امیرالمؤمنین در محراب عبادت ضربت خورده است، چه حالتی بوده است؟ من در ذهن خودم تا حدودی به آن ساعاتی تشبیه میکنم که شما مردم خبر بیماری امام بزرگوارمان را شنیدید. یادتان هست که چه ولوله‌ای، چه غوغایی، چه خُزنی، چه قیامتی بین مردم به وجود آمد؛ همه‌ی دستها به دعا بلند، همه‌ی اشکها جاری، همه پُرسان از یکدیگر. چیزی شبیه به همین حالت، قاعدتاً با وضع خاص آن زمان و با تغییراتی، در کوفه وجود داشته است.

در دیدار با قاریان قرآن: شعبان عبدالعزیز صیاد، محمود صدیق منشوی، ۲۲/۰۱/۱۳۷۰

تجسم آیات قرآن در امام و در میان امت

ما از آنهاهی نیستیم که قرآن را ادعا بکنیم؛ نه، خدای متعال دانه‌دانه‌ی آیات قرآن را در جامعه و در میان مردم ما و در آن امام عظیم‌الشأن برای ما مجسم کرد. ما این آیات مبارکات را دیدیم و با همه‌ی وجود لمس کردیم. این کار را مردم ما کردند.

تصویر زندگی علوی در زندگی امام بزرگوار

من وقتی در مقیاس زمان خودمان مقایسه میکنم، میبینم که زندگی امام بزرگوارمان (رضوان‌الله تعالی‌علیه)، عکس و تصویری از همان زندگی است. روشها، منطبق با همان روشهای امیرالمؤمنین؛ قاطع و بی‌ملاحظه. امیرالمؤمنین، مرد سنگدلی نبود. رحیمتر از او، دل‌نازکتر از او، گریه‌کننده‌تر از او - اما در مقابل ضعفها، در مقابل کسانی که حق آنها تزییع میشود - چه کسی بود؟ اما آنجایی که حق تهدید میشود، امیرالمؤمنین صلابتی از خودش نشان میدهد که نظیرش را در طول تاریخ اسلام نمیشود پیدا کرد.

دنیای مورد اعتقاد امام و ائمت

جمهوری اسلامی، پرچم قرآن و اسلام را بلند کرد. انقلاب و امام و ملت ما از اول اعلام کردند و گفتند که ما آن مردمی نیستیم که دنیا و آخرت را از هم جدا کنیم؛ آنچنانی که دشمنان دین همیشه گفته‌اند و ترویج کرده‌اند که دنیا و آخرت از هم جداست. خیر، دنیا با آخرت یکی است و از آن غیرقابل تفکیک است. چنین دنیایی، وظیفه‌ی دینی است. این را از اول، اسلام و انقلاب و امام و ملت گفتند.

تأثیر عشق مردم به امام

وحدت مردم، محبت میان مردم و مسئولان، عشق به راه خدا و راه اسلام و راه آن رهبر عظیم‌الشأن و عالیقدر، آن امام راحل، آن استاد و پیر مراد، مردم را پیش برده و حرکت داده است. این تلاشها با ارزش است.

پیرایش نفوذیهای انقلاب توسط امام و مردم

از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۷۰، این ده سالی که انقلاب توانست نفوذیهای داخل انقلاب را پس بزند، شما مردم، وابستگان به غرب و شرق را پس زدید. اوایل انقلاب سالهای ۵۸ و ۵۹ در همین مشهد و در بسیاری از شهرهای دیگر و نیز در تهران، کسانی بودند که با

ره، رهرو، رهبر / ۲۹۱

نام انقلاب حرف میزدند؛ اما وابسته‌ی به غرب بودند، وابسته‌ی به اردوگاه شرق بودند و دلشان با مردم و اسلام نبود. از سال ۶۰، آن حرکت عظیم امام و مردم، انقلاب را از این عناصر نفوذی که بر کارها مسلط بودند، بحمدالله پیراسته کرد و پیش برد.

در دیدار با وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و نمایندگان فرهنگی جمهوری اسلامی
در خارج از کشور، ۱۳۷۰/۰۲/۰۳

استثنایی بودن پیشرفت تفکر امام در جهان

در اوایل انقلاب، من خودم به هند رفتم و تقریباً به عمده‌ی مراکز فرهنگی، سیاسی این کشور سر زدم. هر جا که پا گذاشتم، دیدم که انقلاب و امام پیش از ما آنجاست! ما رفتیم، مردم ما را تحویل گرفتند؛ چون نماینده‌ی این کانون بودیم؛ نه اینکه ما به آنجا برویم و مردمی بیخبر باشند، آن وقت ما بگوییم چنین حادثه‌ای اتفاق افتاده است.

شما کدام ایده، مکتب، فکر، شخصیت، فریاد و دعوت را در دنیا سراغ دارید که چنین زمینه‌ی مستعدی داشته باشد، که ما داشتیم؛ انقلاب ما و امام ما و فریاد و عمل او و امتش داشت؟ حالا ما بعنوان یک تشکیلات، باید چکار کنیم؟ در چنین زمینه‌ی مساعدی، باید چکار می‌کردیم؟ باید چکار میشد؟ باید بلافاصله آدمهای کارآمد برونند و آنچه را که شده، سازماندهی و تعمیق کنند.

بینش حکیمانه‌ی امام نسبت به همدلی ملت‌ها با ایران

در زمان ریاست جمهوری، می‌خواستم به چند کشور سفر کنم. قبل از آن، در سطح جهانی و بین‌المللی برای ما حادثه‌ای اتفاق افتاده بود که تبلیغات صهیونیستی و امریکایی و استکباری به آن دامن می‌زد. من برای خداحافظی و گرفتن رهنمود و سفارشهایی که معمولاً امام در هر سفر به ما می‌فرمودند، خدمت ایشان رفتم. گفتم اتفاقاً در آستانه‌ی سفر ما این قضیه هم اتفاق افتاد و دولت‌ها و دشمنان، روی این موارد حساسی حساسند. ایشان گفتند: بله، لیکن ملت‌ها با شما هستند. من در همان سفر، این حرف را بوضوح مشاهده کردم، که با صد نوع استدلال هم نمیشد اینگونه واضح برای من ثابت بشود.

در دیدار با گروه کثیری از کارگران و معلمان سراسر کشور،
به مناسبت روز جهانی کارگر و روز معلم، ۱۱/۰۲/۱۳۷۰

حاصل عمر امام خمینی(ره)

یاد شهید همیشه‌زنده‌ی انقلابمان، آیت‌الله شهید مطهری را که امام فرمودند حاصل
عمر مبارکشان است گرامی بداریم

کاروان سالار مراحل حساس و سخت انقلاب

این جامعه‌ی اسلامی، به سمت هدفی حرکت میکند. این هدف و این راه،
مرحله‌مرحله است. تاکنون چندین مرحله را گذرانده‌ایم. مرحله‌ی مبارزه با عوامل داخلی
استکبار، بخوبی و سلامتی گذشت؛ اما کار تمام نشد. این، یک منزل بین راه بود؛ از آن
عبور کردیم. یک مرحله، بر سر جای خود نشان دادن تهاجم تحریک‌شده‌ی جنگ‌افروز
تحمیلی بود که هشت سال طول کشید و همه‌ی دنیا هم پشت سرش ایستادند، تا شاید
بتوانند انقلاب را شکست بدهند. این مرحله هم با پیروزی و سربلندی گذشت. از این
مرحله هم عبور کرده‌ایم، اما نباید احساس کنیم که کار تمام شد؛ کار تمام نشده است.
یک مرحله، مرحله‌ی مطرح شدن در افکار عمومی عالم، بعنوان یک ملت مبارز، یک
ملت صادق، یک ملت مظلوم و یک ملت دارای اهداف بلند بود؛ این مرحله هم گذشت
و دنیا آشنا شد. اینها مراحل و منازل بین راه است.

آن کاروانسالار راه، آن بلدِ بینای بصیر دشمن‌شناس راه‌شناس، آن امام عظیم‌الشأن و
جلیل‌القدر، ما را یکی‌یکی، با دقت و با ظرافت، از این مراحل گذراند. شما ملت عزیز،
راه را خوب رفتید و احساس خستگی نکردید. ما یکی پس از دیگری، در مسائل
گوناگون، در سازندگی‌های داخلی، در رشد سیاسی و فرهنگی مردم، در پیشرفت در
احکام اسلامی، بحمدالله پیشرفت داشتیم و پیشرفت داشتید.

نقشه‌های همیشگی و متنوع زخم‌خوردگان از امام و امت

دشمنان اسلام آرام نگرفته‌اند. این ملت و امام این ملت، بارها و بارها به دهان امریکا
و دیگر قلدرهای دنیا زدند؛ اما آنها مایوس نیستند. وقتی میبینند که نمیتوانند این ملت را
از ایمانش، از اسلامش، از انقلاب و امامش جدا بکنند و شعارهایش را از او بگیرند در

ه، رهرو، رهبر / ۲۹۳

واقع امکان این عمل نیست در دنیا اینگونه منعکس میکنند که دولت به غرب متمایل شد! این برای آن است که روحیهی ملتهای دنیا را ضعیف کنند. این برای آن است که مسلمانانی را که در اقصا نقاط عالم چشمشان به شما ملت شجاع و بزرگ است، دلمرده و مأیوس کنند. آنها بگویند عجب! پس ایران هم اینطور شد. تلاش میکنند که امید مسلمانان جهان از دست برود؛ ولی اشتباه کرده‌اند.

اشاره‌ی امام به عملیات روانی دشمن

امام (رضوان الله تعالی علیه) یک وقت میفرمودند که هر زمان عراق در جنگ شکست میخورد، و هر موقع این سرداران قادسیه، از بسیجیان و رزمندگان ما یک تودهنی میخورند، صدام فوراً یک مدال و یک نشان به آنها میدهد! هر وقت به آنها مدال میداد، معنایش این بود که شکست خورده‌اند! حالا هم آنها اعلام کرده‌اند که دولت عراق به صدام مدال داده است! مدال چه چیزی؟ مدال ذلت در مقابل امریکا، مدال روبه شدن در مقابل متجاوزان به عراق، و مدال خونریزی نسبت به مردم مظلوم این کشور! دنیا هم دارد تماشا میکند.

در جمع پزشکان، پرستاران و کارکنان بیمارستان قلب شهید رجایی، ۱۳۷۰ / ۰۲ / ۲۵

افتخاری برای بیمارستان شهید رجایی

من بیش از این مطلبی عرض نمیکنم؛ فقط همین اندازه به یاد می‌آورم که امام راحل عظیم‌الشأن ما هم مدتی در همین بیمارستان بستری بودند. این، یک پرونده و سابقه‌ی بسیار باارزشی برای بیمارستان شماس است.

در دیدار با حجت‌الاسلام و المسلمین ری‌شهری، روحانیون، مسئولان و بازرسان کاروانهای حج، ۱۳۷۰ / ۰۳ / ۰۱

امام خمینی (ره)؛ تجدیدکننده‌ی حج مورد رضای الهی

إن شاء الله شکر و سپاس الهی و قبول ذات مقدّس پروردگار آن وقتی خواهد شد که این مراسم بزرگ، آنچنانی که مورد رضای اوست و با همان جهتگیری که اسلام برای ما ترسیم کرده و امام عزیزمان تجدید نموده است، انجام بگیرد.

حج ایرانیها؛ مایه‌ی آبروی امام و انقلاب

این وظیفه‌ی همه است که سعی کنند حج را مایه‌ی آبروی اسلام، و بخصوص برای ما ایرانیها، مایه‌ی آبروی امام قرار بدهند. همه‌ی آحاد برادران و خواهران مؤمنی که به حج میروند، جا دارد که حج را یک امر کاملاً شخصی به حساب نیاورند. یک‌وقت عبادت و واجبی بر عهده‌ی کسی است، می‌رود انجام می‌دهد و برمیگردد؛ ولی قضیه فقط این نیست؛ این بخشی از قضیه است.

هرکدام از حاجیان امسال ما که از ایران حج میکنند، جزئی از یک حرکت عظیم و از یک کار بزرگ جهانی و اسلامی و انقلابی و سیاسی و عبادی هستند؛ باید خودشان را جزئی از این مجموعه به حساب بیاورند و آنگونه عمل کنند. پس، لازمه‌ی این احساس آن است که همه مراقب رفتار خودشان باشند. در اخلاق، در برخورد با مسلمین سایر کشورها، در چگونگی رفتار، در خانه، در مسیر، در حرم، در هنگام ادای مناسک هرجا که هستند رفتار و اخلاق خود را طوری بکنند که برای اسلام و انقلاب و امام مایه‌ی آبرو باشد.

پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)، ۱۳/۰۳/۱۳۷۰

توصیف تصویر چهارده خرداد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ^۱

بار دیگر چهاردهم خرداد فرارسید؛ روز عزای بزرگ جهان اسلام؛ روزی که در آن، ایران صبحی بی‌خورشید را آغاز کرد؛ روزی که انقلاب، دیگر ضربان آن قلب تپنده را نشنید؛ روزی که در سراسر جهان، هر جا مسلمان دردمند یا انسان آزاده‌ای بود، احساس یتیمی کرد؛ روزی که ملت ایران، صخره‌ی استواری را که بدان تکیه کرده بود و سرو

۱ سوره‌ی ابراهیم، آیات ۲۴ و ۲۵. آیا ندیدی خدا چگونه مثل زده: سخنی پاک که مانند درختی پاک است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است؟- میوه‌اش را هر دم به اذن پروردگارش می‌دهد. و خدا مثلها را برای مردم میزند، شاید که آنان پند گیرند.

ره، رهرو، رهبر / ۲۹۵

بلندی را که در سایه‌ی آن آرمیده بود و روح بزرگی را که کعبه‌ی عشق و ایمان خود ساخته بود، در کنار خود نیافت؛ روز عزا، روز امتحان، روز فقدان بزرگ و روز میثاقی ابدی با آن که جامه‌ی عاریت را به حیات ابدی تبدیل کرده بود.

آری، در آن روز، نعمت مجاورت عینی و حضور جسمانی امام از دست ما گرفته شد و شعله‌ی برقی که به قدرت الهی در فضای زندگی آلوده و مادی این زمانه درخشیده بود، خاموش گشت.

■

آن سوی حادثه‌ی رحلت

آغاز ابعاد تازه‌ی معرفت نسبت به امام

اما از سویی، معرفت امام ابعادی تازه یافت و به برکت یادآوری لحظه‌های تکرارنشدنی سالهای آن رهبری شگفت‌آور و بی‌نظیر، ذهنها به تأمل و تدبری که عادتاً تا کسی زنده و در دسترس است، رخ نمیدهد، روی آورد و چشمها خورشید فروزان و گرمابخشی را که اکنون ستاره‌ای دوردست شده بود، به رصد نشست. آنچه در ستایش آن یگانه‌ی زمان و مجدد دوران، در روزی و هفته‌ای چند، بر زبانها و قلمها و در شعرها و مقاله‌ها آمد، در همه‌ی دوران رهبریش نیامده بود، و این برای نسل معاصر که سالها دچار تبلیغات عنادآمیز و فضای غبارآلوده‌ی دوران انقلاب و جنگ تحمیلی بود فوزی عظیم بشمار میرفت و می‌رود.

همت و یکدلی همه در خط امام

و از سوی دیگر، احساس خلاً امام کبیر و عظیم، دل‌های اندیشناک از خطرات محتمل را یکدل کرد و همه را بر صراط مستقیم خط امام و دفاع از میراث گرانبهای او یعنی نظام اسلامی و ارزشهای انقلاب ثابت‌قدم ساخت؛ شور و همتی تازه به ملت، و عزم و تلاشی کم‌سابقه به خدمتگزاران کشور، و قوت و استحکامی بیش از گذشته به رابطه‌ی ملت و دولت بخشید و برکات پایان‌ناپذیر آن سلاله‌ی پیامبران و منادی راه صالحان، پس از رحلت از این جهان نیز، کشور و ملت و انقلاب را شامل شد؛ «فسلام علیه یوم ولد و یوم ارتحل و یوم یبعث حیاً».

ادامه‌ی پرتوافشانی امام در جامعه و ادامه‌ی خط امام

اکنون با گذشت دو سال از آن حادثه‌ی تلخ، اگرچه سالگرد روزی که در آن از زمین و آسمان غم می‌رویید و می‌بارید، بار دیگر کامها را تلخ و دلها را سرشار از اندوه میکند، اما مشاهده‌ی اینکه امام عظیم‌الشأن ما، همچنان در همه‌ی مشاهد و مناظر انقلاب، حاضر و ناظر و چون خورشید پرتوافشان است، دلها و جانها را از امید و اطمینان سرشار می‌سازد. خدا را شکر که طمع و پیش‌بینی دشمنان که مترصد بودند با درگذشت امام، کشور را دچار هرج و مرج، انقلاب را مواجه با بن‌بست، ملت ایران را آشفته، و توطئه‌های خود را موفق ببینند سراب شد و نیرنگ و افسون آنان که کوشیدند کشور و ملت و دولت را از راه امام بگردانند، با هوشیاری و تعهد مسئولان و حضور دائمی مردم در صحنه خنثی گشت و راه امام و خط روشنی که در برابر ملت ترسیم کرده بود، با قوت و قاطعیت ادامه یافت.

واقعیتی شیرین در کنار حادثه‌ای تلخ

اکنون در کنار خاطره‌ی تلخ چهاردهم خرداد، این واقعیت شیرین در برابر چشم ماست که امام راحل، اگر نه به جسم، اما با فکر و راه و وصیت همیشه‌زنده‌ی خود در کنار ماست و زنده است و به فضل و قدرت خدا، هیچ قدرتی نخواهد توانست این حضور و این حیات را سلب کند و جمهوری اسلامی را از پدر و بنیانگذار و معلم بزرگ خود جدا سازد.

اینک اینجانب از این فرصت برای ذکر نکاتی چند استفاده می‌کنم:



نقشه‌های تبلیغاتی دشمن در مایوس کردن مسلمانان از خط امام

اول آنکه دشمنان که نتوانسته‌اند و به یاری خدا هرگز نخواهند توانست ایران اسلامی را از راه امام راحل و خط فکری، سیاسی او جدا کنند، تلاش میکنند در تبلیغات زهرآگین خود وانمود کنند که چنین چیزی اتفاق افتاده و جمهوری اسلامی از مبدأ و ریشه و بنیان خود جدا افتاده است. آنان بویژه در مواردی این سخن باطل را با جنجال بیشتری از بوقهای تبلیغاتی دشمنان تکرار میکنند که جمهوری اسلامی در یکی از

ره، رهرو، رهبر / ۲۹۷

صحنه‌های جهانی یا داخلی، به موفقیت و موقعیتی دست یافته باشد. هدف آنان از این سمپاشی، تحت‌تأثیر گرفتن افکار عمومی مسلمانان به‌پاخاسته و انقلابی در کشورهای اسلامی است، که با بیداری و امیدی که از پیروزی و پایداری ایران اسلامی سرچشمه گرفته، هم‌اکنون کار را بر ایادی استکبار در بسیاری از این کشورها دشوار ساخته‌اند. استکبار و شبکه‌ی تبلیغاتی وابسته به آن، همت گماشته‌اند که امید و خوشبینی این مسلمانان به‌پاخاسته را مبدل به نومیدی و بدبینی کنند، و برای این مقصود، هیچ‌چیز بهتر و مؤثرتر از آن نیست که انقلاب اسلامی پیشاهنگ و بن‌بست‌شکن ملت ایران را ناکام و ناتوان جلوه دهند و چنین قلمداد کنند که ایران اسلامی در مواجهه با مشکلات، مجبور شده است از راه اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و خط روشن امام خمینی (ره) روی بگرداند.



یک نشان بارز بر تداوم راه امام در ایران

اینجانب، با قوت و قاطعیت اعلام می‌کنم که این ترفند استکبار، خود دلیل محکمی بر عجز آنان در مقابله با انقلاب اسلامی ایران و نشان بارزی بر تداوم این راه مقدس در زادگاه نظام نوین اسلامی است. ملت ایران، بهتر از هرکس دانسته است که یگانه سنگر مستحکم در برابر زر و زور اردوگاه استکبار و بویژه امریکای غدار که امروز علناً دم از سلطه‌گری بر ملل مظلوم و ضعیف میزند تمسک به اسلام و قرآن و پایبندی به اصول نجاتبخش آن است، و انحراف از این اصول، راه را بر نفوذ دشمنان اسلام باز، و آنان را در سلطه‌ی انتقام‌جویانه بر ملتی که بزرگترین ضربه را بر منافع نامشروع و حیثیت دروغین مستکبرین وارد آورده، کامیاب می‌سازد. از آن‌روست که این ملت هوشمند و شجاع، از لحظه‌ی اوجگیری نهضت عظیم خود، همواره با همه‌ی وجود، از اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) دفاع کرده و هوشیارانه با ترفندها و توطئه‌هایی که از سوی سردمداران استکبار و متولیان اسلام امریکایی هدایت می‌شده، مبارزه کرده است؛ و إن شاء الله همواره چنین خواهد بود.



تأسی به روش امام در دفاع از همه‌ی نهادهای قانونی کشور

اینجانب، به پیروی از راه و روش همیشگی امام عظیم‌الشأن راحل، دفاع از همه‌ی نهادهای قانونی کشور را وظیفه‌ی عاجل خود دانسته، پشتیبانی از دولت و مجلس شورای اسلامی و قوه‌ی قضائیه و دیگر دستگاه‌های قانونی را بر خود واجب میدانم و هیچگونه برخورد خصمانه و تضعیف‌آمیز نسبت به مسئولان صدیق و دلسوز کشور را تحمل نخواهم کرد

بازگشت آزادگان؛ محصول پایداری ملت و رهبری امام

سخن آخر آنکه در فاصله‌ی میان دو سالگرد حضرت امام (ره)، عنایات حضرت حق (جل و علا) و توجهات ولی‌الله الأعظم (روحی فدا) شامل حال ملت ما گشت و حقوق تضييع شده‌ای به این ملت سرافراز و عظیم‌الشأن برگردانده شد که مهمترین آن، بازگشت پیروزمندانه‌ی آزادگان عزیز و سربلند ما بود. اینجانب، ضمن شکر و سپاس به درگاه پروردگار، بار دیگر یاد و نام این عزیزان را که هم‌اکنون در تهران مجمعی بزرگ فراهم آورده و از سراسر کشور به تجدید عهد با پیشوای عالیقدرشان شتافته‌اند گرامی داشته، به خانواده‌های محترم شهدای بزرگوار و جانبازان فداکار و رزمندگان غیور و بااخلاص، ضمن عرض ارادت، یادآوری میکنم که این نیز محصول پایداری و صبر شما و رهبری آن امام راحل عالی‌مقام (رضوان‌الله علیه) است؛ «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»!

در مراسم دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۴/۰۳/۱۳۷۰

سلامی متفاوت به آن روح مطهر ملکوتی

آغاز سخن، با سلام و درود به این روح مطهر ملکوتی است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمَطِيحُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ»^۱.

۱ سوره‌ی حج، آیه‌ی ۴۰. و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری میکند، یاری میدهد، چرا که خدا سخت نیرومند شکست‌ناپذیر است.

۲ بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۵۱.

تسلیت سالگرد رحلت امام بویژه به خانواده و یادگار امام

سالگرد رحلت امام بزرگوار را به همه‌ی مسلمانان آزاده‌ی عالم، به همه‌ی مستضعفان، به همه‌ی دلسوزان بشریت، به همه‌ی کسانی که برای انسان و انسانیت ارزشی قائلند، و به ملت بزرگ و عظیم‌الشأن ایران، بخصوص به خانواده‌ی محترم و معزز آن بزرگوار و به فرزند عزیز یگانه‌ی ایشان، نور چشم ما و امام بزرگوار ما حجت‌الاسلام و المسلمین آقای حاج سیداحمد آقا تسلیت عرض میکنم.

خصوصیات ارزشمند فرزند امام در مسائل مربوط به امام

این فرزند اهل و صالح آن بزرگوار، دارای سه خصوصیت هستند که هریک از این سه خصوصیت، بسیار ارزشمند و قابل تکریم است: اول اینکه امام بزرگوار از ایشان راضی بودند و به ایشان با همه‌ی وجود محبت داشتند و ایشان را عزیز میداشتند. دوم اینکه چندساله‌ی اخیر عمر با برکت امام، مرهون زحمات و خدمات و پرستاریها و محبتها و مراقبتهای ایشان از آن بزرگوار است. در این فضیلت، هیچ‌کس با ایشان شریک نیست. سوم اینکه این فرزند اهل و صالح، از لحظه‌ی درگذشت آن راحل عظیم‌الشأن تا امروز، همواره در مواضع صحیح عملی و انقلابی، پشتیبان مسئولان نظام و یک عنصر مؤثر و مفید بوده‌اند و ان‌شاءالله همواره خواهند بود. ایشان راه امام، خط امام، حرف زبان و دل امام را رعایت کرده‌اند و بر مواضع صحیح پای فشرده‌اند. خداوند به ایشان و همه‌ی بازماندگان و همه‌ی فرزندان جسمانی و روحانی و فکری، و به شما ملت ایران- که فرزندان آن عزیز یگانه‌ی زمان هستید- توفیق عنایت کند.

حقایق مهم راجع به امام و انقلاب

من امروز چند حقیقت بدیهی و روشن را عرض میکنم و بعد از آن، یک نتیجه‌گیری برای ملت ایران، و یک نتیجه‌گیری برای همه‌ی ملت‌های مسلمان جهان خواهم کرد.

حقیقت اول: امام؛ احیاگر اسلام و عزت‌بخش مسلمین

حقیقت اول که کسی منکر آن نیست و هیچ منصفی نمیتواند آن را انکار کند، این

است که امام بزرگوار ما به اسلام و مسلمین قوت و عزت بخشید. دشمنان اسلام، اسلام را ضعیف میخواستند. آنها تلاش کرده بودند تا اسلام را از صحنه‌ی عمل، بلکه از ذهن ملت‌های مسلمان - چه برسد به غیر آنها - خارج کنند؛ متأسفانه تا حدود زیادی هم موفق شده بودند. در این سیاست پلید، حکومت‌های فاسد و وابسته، با استکبار و شبکه‌ی جهانی دشمنان اسلام هماهنگی کامل داشتند.

امام بزرگوار با این انقلاب، مسلمانان را نشاط بخشید و اسلام را زنده کرد. امروز در کشورهای بسیاری، اسلام آرزو و آرمان نسل‌های جوان و به پا خاسته و روشنفکر است. یک نمونه، فلسطین عزیز است. سالها به نام فلسطین حرف زده شد و مبارزه گردید؛ اما ناکام و ناموفق. امروز ملت فلسطین، به نام اسلام مبارزه و مقاومت میکند؛ لذا مبارزه از شکل سازمانها و گروهها و شخصیتها و سردمدارها، به میان توده‌ی مردم کشیده شده است. چنین مبارزه‌ای، هرگز ناکام نخواهد شد. مبارزه‌ی مردمی اگر باقی بماند، بی شک در نهایت به پیروزی خواهد رسید. این، به برکت اسلامی بود که امام نام آن را زنده کرد و وجدان اسلامی را در مسلمین بیدار نمود.

امروز در کشورهای اسلامی شمال آفریقا، گروههایی به نام اسلام و با هدف ایجاد حکومت و نظام اسلامی مبارزه میکنند؛ پیشرفت هم کرده‌اند. قبل از نهضت امام بزرگوار ما، چه کسی چنین چیزی را حتی بخاطر میگذرانید؟ در شرق و غرب جهان اسلام، مسلمانان بیدار شده‌اند. اقلیتهای مسلمان در کشورهای اروپایی و غیراروپایی دارای حاکمیت کفر و الحاد، احساس شخصیت میکنند. هویت و شخصیت اسلامی، در میان مسلمانان زنده شد. این، به برکت امام و حرکت عظیم امام بود.

حقیقت دوم: بصیرت و صبر؛ عامل موفقیت امام و ملت در انقلاب

حقیقت دوم این است که آنچه امام بزرگوار و ملت شجاع ما را در راه این مبارزه‌ی بزرگ موفق کرد، بصیرت و صبر بود - مقاومتی همراه با بصیرت - همانطور که امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) فرمود: «و لا یحمل هذا العلم إلا أهل البصر والصبر»^۱. علت آن هم

ره، رهرو، رهبر / ۳۰۱

این است که امروز مبارزه با کفر خالص و شرک خالص نیست، تا مطلب روشن، و صف‌بندیها مجزا و جدای از هم باشد؛ بلکه امروز مبارزه با نفاق و دورویی و تزویر و شعارهای توخالی و دروغ‌زنیها و لاف‌زنیهایی است که بلندگوهای استکبار را در همه‌ی انحای عالم پر کرده است. بسیاری دم از طرفداری از حقوق بشر میزنند و دروغ میگویند. بسیاری دم از اسلام میزنند و دروغ میگویند. اسلام آنها، اسلام باب طبع و میل سردمداران استکبار است. بسیاری دم از مساوات و برابری انسانها میزدند و میزنند و دروغ میگفتند و میگویند. بنابراین، مبارزه در دوران کنونی، مبارزه‌ای دشوار است؛ هم بخاطر قدرت زر و زور استکبار، و هم بخاطر قدرت تبلیغاتی و توجیه‌گر دروغ‌گوییها و نفاقهای استکبار و ایادیش.

انسانهای بی‌بصیرت، زود فریب میخورند. همین امروز هم در دنیا آدمهای دلسوزی هستند که فریب خورده‌اند؛ دشمن را نشناخته‌اند و صف را تشخیص نداده‌اند. در ایران، امام عظیم‌الشأن ما، به برکت بصیرت مردم - که با صبر و مقاومت آنها همراه بود - این راه را طی کرد و به موفقیت رسید. خود او، در ایجاد این بصیرت و صبر در مردم، بزرگترین مؤثر بود. هر جا در انحای عالم مبارزه‌ای صورت میگیرد، حرکتی میشود، انسان دلسوزی در پی نجات توده‌های مردم حرکت میکند، باید بداند که این راه، با هوشمندی و بصیرت و نیز با صبر و مقاومت طی شدنی است، و لاغیر.



حقیقت سوم: محوریت ایران در حرکت جهان اسلام به سمت آرمانها

حقیقت سوم این است که همه‌ی دنیا - هم توده‌های مسلمان و مستضعف و محروم عالم، و هم اردوگاه استکبار - تشخیص داده و فهمیده‌اند که کانون و محور و مرکز این حرکتی که امروز در جهت آرمانهای اسلامی در دنیا مشاهده میشود، جمهوری اسلامی است؛ لذا در درجه‌ی اول، همه‌ی دشمنیهای عالم متوجه ماست. ما در لابه‌لای سخنان گرم و به‌ظاهر دوستانه، همواره نشانه‌های خصومت و کینه را میشناسیم. ما میدانیم که استکبار نسبت به جمهوری اسلامی و شما ملت و این امام بزرگوار، چقدر دشمن است. دشمن چون او را زنده میداند، یک سر سوزن از دشمنیش با او کم نشده است. اگر

بوقهای استکباری و اردوگاه استکبار و دشمنان امام فکر میکردند که او مرده و تمام شده است، بعد از گذشت دو سال از رحلت جانسوز او، اینقدر با شخص او و با نام او دشمنی نمیکردند، که امروز میکنند.

محوریت ایران امام در حرکت عظیم جهانی مسلمانان

ایران اسلامی، ایران امام، ایران انقلاب، مرکز و محور حرکت عظیم جهانی مسلمانان است، و به همین نسبت محور دشمنیهاست. این، به جای آنکه ما را غمگین کند، خوشحال میکند؛ و به جای آنکه ما را وحشتزده کند، امیدوار میکند؛ چون نشان میدهد که ما قدرتمندیم و علیه منافع استکبار و منافع دزدان و غارتگران، همچنان تهدید بزرگی بشمار میرویم.

عدم اعتماد همیشگی دنیای استکبار به امام و مرتبین امام

دنیای استکباری، به جمهوری اسلامی و به اسلام و به امام و شاگردان امام و شما ملت که اهل بیت امام و یاران امام هستید هرگز اعتماد نمیکند و دلخوش نمیشود؛ و همین به نفع ماست.

دوران امروز؛ دوران امام خمینی(ره)

نکته‌ی دیگر و بسیار مهمی که باید ملت‌های مسلمان و مبارز به یاد داشته باشند، این است که فریب ترفندها و تبلیغات و حیل‌گریهای دشمن را نخورند؛ دوست و دشمن را بشناسند و دشمن را در اظهاراتش متهم کنند. اگر اینطور باشد، این حرکت‌های اسلامی به پیروزی خواهد رسید. ما معتقدیم که این دوران، دوران اسلام و دوران غلبه‌ی ارزش‌های الهی و معنوی است، و همانطوری که سال گذشته عرض کردم، این دوران، دوران امام خمینی است و إن شاء الله نسل‌های جوان ما این آینده را خواهند دید.

ره، رهرو، رهبر / ۳۰۳

در دیدار با اولین گروه از میهمانان خارجی مراسم دومین سالگرد ارتحال امام خمینی(ره)، ۱۳۷۰/۰۳/۱۵

خروج مسلمین از غربت، خدمت بی بدیل امام به اسلام

هنر بزرگ و خدمت بی بدیل امام بزرگوارمان این بود که اسلام را از غربت درآورد. مسلمانان، حتی در خانه‌ها و شهرهای خودشان غریب بودند. اسلام، حتی در موطن اصلی خود غریب بود. دشمنان اسلام، با فرهنگ الحاد و فساد و نظامهای طاغوتی، فرصت به خود اندیشیدن را هم از مسلمانان گرفته بودند. در چنین شرایطی، امام بزرگوار ما، آن سلاله‌ی پیامبران و دست قدرت خدا در این روزگار، این گرد غربت را از چهره‌ی اسلام زدود و سترد.



وظیفه‌ی میهمانان خارجی در ابلاغ پیام حضرت امام

برادران غیرایرانی باید در بازگشت به اوطان خودشان، پیام اسلام و پیام امام و پیام این ملت را برای مردم و کسان خود ببرند. این، همان پیام قرآن است.

در دیدار با دومین گروه از میهمانان خارجی مراسم دومین سالگرد ارتحال امام خمینی(ره)، ۱۳۷۰/۰۳/۱۵

مصیبتی فراتر از مرزهای ایران

بدیهی است که مصیبت بزرگ فقدان امام امت مخصوص ما ایرانیها نیست؛ همه‌ی مسلمانان عالم، بلکه همه‌ی مستضعفان در آن سهیمند.

پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۷۰/۰۳/۲۶

دعایی برای امام و تحقق حجّ مدّنظر ایشان

پروردگارا! به امام و قائد راحل ما، آن عبد صالح ممتحن و آن خلف صدق اولیاء، آن انسان پرهیزکار و پارسا و هوشیار که رضای تو را میجست و دوستی و دشمنیش بخاطر تو بود و در راه تو از هیچ مشکل هراس نداشت، رحمت و فضل خود را نازل و شامل فرما و از حج حاجیان و عبادت‌نگران و کوشش‌تلاشگرانی که مشمول هدایت و راهبری او گشته‌اند، نصیب وافر به روح پاک او عاید فرما و آرزوی بزرگ او را که همانا

۳۰۴ / ره، رهرو، رهبر

قیام حج ابراهیمی و بهره‌برداری امت اسلامی از این مراسم عظیم الهی است، جامه‌ی عمل بپوشان.

مزدوری متحجران؛ مصیبتی تلخ در نظر امام خمینی(ره)

این از جمله دردهای بزرگ عالم اسلام است که تحجر و کومه‌بینی و دنیاطلبی جمعی، همواره در خدمت غرض‌ورزی و حسابگریهای خبثت‌آلود جمعی دیگر قرار گیرد و قلمها و زبانهایی که باید در خدمت اسلام و در جهت تبیین حقایق آن به کار می‌افتاد، ابزاری در دست دشمنان هوشیار و توطئه‌گر اسلام گردد. این همان مصیبتی است که امام راحل(رضوان‌الله‌علیه) بارها به تلخی از آن سخن گفته و نالیده‌اند، و جای آن است که هوشمندان امت، عامه‌ی مردم را با آن آشنا ساخته، مرز میان علمای صادق و دین به دنیا فروشان مزدور را برای آنان مشخص سازند.

همیشگی بودن تبلیغات دشمن مبنی بر رویگردانی انقلاب از خط امام

امروز هم تبلیغات وسیع بوقهای استکباری که میخواهد انقلاب اسلامی را در ایران، راکد و متوقف و رسیده به بن‌بست، و نظام جمهوری اسلامی را رویگردان از خط انقلاب و امام عظیم‌الشان آن(رضوان‌الله‌علیه) و آشتی‌جوی با امریکای غدار جلوه دهد، هدفی جز این ندارد. این همان بوقهایی است که در دوران حیات امام راحل(ره) بارها تهمت رابطه با اسرائیل و خرید تسلیحات از آن و فروش نفت به آن را وقیحانه به ایران اسلامی که جدیترین دشمن رژیم صهیونیستی است وارد میکردند.

در دیدار با وزیر، مسئولان و جمعی از جهادگران جهاد سازندگی، خانواده‌های شهدا، گروهی از عشایر، و جمعی از بازماندگان زمین‌لرزه‌ی استانهای گیلان و زنجان، ۱۳۷۰ / ۰۳ / ۲۸

توجه امام به نهادهای انقلابی و جهادی

نهادهای انقلابی و همین نهاد جهاد سازندگی، در فکر مسئولان کشور و بالاتر از همه در فکر امام بزرگوار ما(رضوان‌الله‌علیه) بوده است.

هوشمندی ملت در حادثه‌ی رحلت امام(ره)

همه‌ی دنیا خودشان را آماده کرده بودند که بعد از وفات امام و از دست رفتن این قلب حیاتبخش ملت، از این انقلاب، مرده‌ای، و از این ملت، موجود بی‌حس و حالی باقی بماند، تا آنها هر کاری که میخواهند، بکنند. این حادثه‌ی رحلت امام پیش آمد؛ اما باز این ملت، هوشمندانه و زیرکانه، راهشان را تا امروز ادامه دادند.

تأثیر خط امام در پشتیبانی خدای متعال از انقلاب

خدای متعال هیچ‌وقت ملتی را بی‌حساب و کتاب حمایت نمی‌کند. اینطور نیست که ما بگوییم حالا که خدا و قدرت الهی از ما پشتیبانی میکند، پس ما دیگر مسئولیتی نداشته باشیم؛ برویم و مشغول کار خودمان باشیم. نخیر، حمایت و دست قدرت الهی، بخاطر فداکارهای شما، بخاطر خون شهیدان، بخاطر ایمان مردم، بخاطر صبری که ملت ما در مراحل مختلف از خودشان نشان دادند، بخاطر صدق این ملت در عشق به اسلام، بخاطر راهنماییها و خط روشن ارائه‌شده به وسیله‌ی آن مرد بی‌نظیر، و بخاطر حضور مردم در صحنه بوده است. اگر اینها را حفظ کردیم، خدای متعال بازهم از ما حمایت خواهد کرد.

شرایط استمرار فرمایش امام مبنی بر ناتوانی امریکا در برابر ملت

ملت ما باید به هر حرفی که گفته میشود، با روشن بینی نگاه کند، تا فریب نخورد. این ملت تا زمانی که هوشیار و باایمان و علاقه‌مند به این انقلاب و دلباخته‌ی نظام اسلامی است، و تا هنگامی که با مسئولان این نظام پیوسته و متصل است، آن ضربات و آن مزدوران هیچ کاری نمیتوانند بکنند. همانطور هم که امام فرمودند، امریکا و غیر امریکا هیچ غلطی نمیتوانند بکنند.

شکست استکبار در سیاست تخطئه‌ی دوران امام(ره) در درون نظام

چرا امروز مسئله‌ی دیپلماسی ما سخت و پیچیده است؟ برای اینکه از بعد از رحلت حضرت امام(ره)، سیاست زیرکانه‌ی پیچیده‌ای در دنیای مربوط به ما به وجود آمد. نمیخواهم بگویم که همه‌ی دنیا وقتشان صرف این کار میشود؛ نه، در آن بخش سیاستگذاری و فعالیت دنیایی مربوط به ما، ایده‌ی خیلی زیرکانه و البته خباثت‌آلودی پیدا شد- که تقریباً از آن روزهای اول شروع کردند؛ از صحنه‌های گوناگون هم این سیاست را تعقیب کردند؛ هنوز هم تعقیب میکنند- و آن، این است که تصمیم گرفتند در اعمال و رفتار و گفتار و منش جمهوری اسلامی چیزی پیدا کنند و یا چیزی به آن نسبت بدهند که در آن، تخطئه‌ی دوران امام باشد. این، چیز خیلی مهمی است. کاری کنند که دوران ده، یازده ساله‌ی نورانی حیات و حضور مبارک امام(ره) که ملتهای دنیا به آن دوران دل بسته‌اند، ما در آن دوران حیات پیدا کردیم، کشور در آن دوران به اوج عزت اسلامی خود رسید و هرچه دستگاههای سیاسی، تبلیغاتی دشمن تلاش کرد که آن دوران را مخدوش و ملوک کند، نتوانست، به زبان و قلم و منش و رفتاری از درون جمهوری اسلامی تخطئه بشود؛ یا اگر چنین چیزی میسور و ممکن نیست، آنچنان وانمود کنند که گویی این کار در حال انجام است.

اینکه ببینید اینها علی‌الظاهر سیاستهای جدیدی دارند و تصمیم به بازنگری گرفته‌اند و میگویند ایران راه جدیدی را آغاز کرده، و اسم شخصیت‌های ایرانی را می‌آورند، معنایش آن چیزی نیست که در ظاهر این سخن فهمیده میشود. این، متضمن هیچگونه اظهار ستایشی از شخصیت‌های ایرانی نیست؛ معنایش همان ایده‌ی خبیثی است که اینها داشتند؛ یعنی امروز خود ایران، دوران امام را تخطئه میکند. اینها میخواهند این را ثابت کنند. اگر نستجیر بالله چنین چیزی پیش می‌آمد- یعنی ایران اسلامی عملاً در گفتار و کردار و منش، دوران ده، یازده ساله‌ی انقلاب با حضور امام را تخطئه میکرد- اینها خیلی خوشحال و موفق شده بودند؛ اما آنطور که نشد؛ معلوم هم بود که نمیشود.



معرفی الگو و منش کلی امروز انقلاب

امروز الگوی زندگی سیاسی و اقتصادی و منش کلی انقلابی ما همان چیزی است که از امام دانسته‌ایم و شنیده‌ایم و همان منش و افکار و رفتار امام- که درست هم بود، منطبق بر حق هم بود، با همه‌ی جان و دل هم ملت ایران و مسئولان دنبال آن راه بودند و بعد از آن هم هستند- راه حق است و یک لحظه نباید از راه حق جدا شد.

او سعی میکند برای افکار عمومی دنیا که این افکار عمومی عالم، متضمن افکار و احساسات و استفسارات ملت‌های مسلمان و ملت‌های جهان سوم، که مخاطب انقلاب اسلامی بودند، نیز هست اثبات کند که ایران خودش آن دوران را تخطئه میکند؛ شما از چه کشوری میخواهید تقلید کنید؟! میخواهد برای مردم فلان کشور اسلامی و یا حتی غیراسلامی ثابت کند که ایران از مواضع قبلی خود عدول کرده است. ما دیدیم که کشورهای غیراسلامی، در حرکات عظیم خودشان، راه ایران را بعنوان شعار مشخص کردند، تابلو زدند و گفتند راه ما همان راهی است که ایران رفته است؛ یعنی راه مقابله‌ی با استکبار امریکایی و غول خونخوار قدرت سلطه‌ی جهانی. میخواهد به مردم دنیا بگوید که شما دنبال آن راه رفتید و جاذبه‌ی آن شما را به حرکت درآورد و به شما امید بخشید؛ اما حالا خود متولیان و کارکنان و رهروان آن راه، آن را تخطئه میکنند؛ شما چه میگویید؟! میخواهد این را در دنیا جا بیندازد.

■

دشمنیهای داخلی و خارجی در مسیر اجرای خط امام

البته این هم در حاشیه ناگفته نماند که متأسفانه عده‌ای هم در داخل اصلاً ملتفت نیستند که در دنیا هدف و غرض از این حرفها چیست. از روی جهالت، همان حرفها را تکرار میکنند. فلان رادیو، فلان خبرگزاری، مرتب یک سیاست را از سیاستهای دولت یا یک مسئول انتخاب میکند و به مناسبت یا بی مناسبت میگوید: بله، اینها راه جدیدی را شروع کرده‌اند، راه انقلاب‌زدایی را آغاز کرده‌اند، شعار امام‌زدایی را میدهند(!) این افراد داخلی هم با استفاده از این مطالب، شروع به یک نوع کارهای واقعاً بیجگانه کرده‌اند! آدم احساس میکند که بعضی از کارها خیلی بیجگانه است. همان حرفها را تکرار میکنند، شاید بتوانند کسی یا کسانی را از میدان برخوردهای سیاسی و خطی خودشان خارج

کنند؛ غافل از اینکه آن کسی که این حرفها را میگوید، دلش برای شما نسوخته است. او حرف شما را نمیزند؛ چیز دیگری میگوید و مقصود دیگری دارد. این، سیاست جهانی است.



اعلان شروع دوران بازسازی توسط امام

در این شرایط، شما میخواهید دوران بازسازی را طی کنید. دوران بازسازی، از سال ۶۷ یعنی بعد از پایان جنگ آغاز شده است. شروع دوران بازسازی را امام اعلام کردند. یادتان است که امام دستور دادند و شورای عالی بازسازی معین کردند و سیاستگذاری شد. از آن سال تا حالا، حدود چهار سال میگذرد. پس دوران، دورانی است که کشور باید به ترمیم ضایعات دوران جنگ پردازد و از همه‌ی امکانات قابل وصول و جایز الوصول بشری استفاده کند.

در مراسم اجرای خطبه‌ی عقد ازدواج، ۲۰ / ۰۴ / ۱۳۷۰

درس کوتاه اما پرمغز امام به زوجهای جوان

بنای کار ازدواج، بر سازش دختر و پسر است؛ باید با هم بسازند. این «با هم بسازند»، معنای خیلی عمیقی دارد. من یک وقت خدمت امام رفتم، ایشان میخواستند خطبه‌ی عقدی را بخوانند؛ تا من را دیدند، گفتند شما بیا طرف عقد بشو. ایشان برخلاف ما که طول و تفصیل میدهیم و حرف میزنیم عقد را اول میخواندند، بعد دو، سه جمله‌ی کوتاه صحبت میکردند. من دیدم ایشان پس از اینکه عقد را خواندند، رویشان را به دختر و پسر کردند و گفتند: بروید با هم بسازید. من فکر کردم، دیدم که ما این همه حرف میزنیم، اما کلام امام در همین یک جمله‌ی «بروید با هم بسازید»، خلاصه میشود!

در دیدار با اعضای بعثه‌ی حج، به همراه حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی ری‌شهری،
نماینده‌ی ولی فقیه و سرپرست حجاج ایرانی، ۲۳ / ۰۴ / ۱۳۷۰

خشنودی روح امام از الطاف الهی به مردم

در ابتدا باید به ناتوانی و عجز خودمان از ادای شکر حضرت باری تعالی اعتراف کنیم، که هرچه شد، به تفضل و عنایت حضرت حق بود. همین هم که خدای متعال بحمدالله مردان لایق و کارآمدی را بر اداره‌ی این مراسم برانگیخت، خود از الطاف باری تعالی بود.

ره، رهرو، رهبر / ۳۰۹

واقعاً به مردم ما یک عیدی داده شد و دست شفایی از سوی مرکز غیبی لطف و رحمت، و از طرف ولی عصر (ارواحنا فداء) بر سر این مردم کشیده شد، که بعد از رحلت امام بزرگوار، واقعاً این مردم سزاوار بودند که چنین لطفی از طرف پروردگار به آنها بشود. گمان من این است که روح مبارک امام هم از آنچه که پیش آمد، خشنود است.

تکیه‌ی همیشگی امام بر سربندهای اساسی واجبات اسلام

جمهوری اسلامی حج را شناخت. این، بصیرت امام بود. امام درست در سربندهای اساسی انگشت گذاشته بود. در اسلام خیلی واجب وجود دارد، روزه هم یک واجب اساسی است؛ اما امام روی نماز جمعه و روی حج - یعنی آن بخشهای حساس و سربندهای مهم - خیلی تکیه کرد و دائم از سال اول نسبت به حج حرف داشت و پیام میداد. البته من یادم است که ایشان از قبل هم - یعنی سال ۴۱ - به حجاج پیام میدادند. بعد از آن مبارزات اولیه‌ی مربوط به انجمنهای ایالتی و ولایتی، و بعد از آنکه دولت انجمنها را قبول کرد، فاصله‌ای شد. در این فاصله که بین زمستان تا فروردین بود، حادثه‌ی مدرسه‌ی فیضیه واقع شد، که فاصله‌ی تلخی بود؛ تحرک بود و تلاش بود و خطر، و ما نمیدانستیم که چکار می‌خواهد بشود. من یادم است که یک شب به همراه مرحوم آقای شیخ علی حیدری نهاوندی - از شهدای حزب جمهوری اسلامی - و دو نفر دیگر خدمت امام رفتیم، تا پیشنهادهایی که راجع به حج به ذهنمان میرسید، با ایشان در میان بگذاریم. یکی از پیشنهادهای ما این بود که به مناسبت موسم حج، خوب است پیامی از جانب ایشان صادر شود؛ اما ایشان گفتند که من نوشته‌ام! معلوم شد که ایشان برای حج اعلامیه نوشته‌اند و فرستاده‌اند. یعنی در سال ۴۱ که هنوز اول مبارزات بود و هیچ خبری نبود، ایشان آن مواقع اساسی دین را شناخته بودند و به آن اهمیت میدادند.

در دیدار با مسئولان، نویسندگان و هنرمندان «دفتر هنر و ادبیات مقاومت»
حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰/۰۴/۲۵

استفاده‌های بزرگ امام خمینی (ره) از حوادث کوچک

همیشه این نکته در ذهنم بوده که حادثه‌ی دوم فروردین - حادثه‌ی مدرسه‌ی فیضیه -

در مقابل حادثه‌ی پانزده خرداد، حادثه‌ی کوچکی بود؛ اصلاً قابل مقایسه با آن نبود. حادثه از یک ساعت یا دو ساعت به غروب شروع شد، تا یک ساعت بعد از شب ادامه داشت؛ یعنی سه، چهار ساعت بصورت شدید طلبه‌ها را در محیط مدرسه‌ی فیضیه کتک زدند و تهدید و اهانت کردند، و بصورت رقیق‌ترش تقریباً در خیابانهای اصلی قم آنها را زیر فشار قرار دادند. تا آنجایی هم که ما اطلاع داشتیم، گمانم یکی، دو نفر در آن حادثه کشته شدند و البته عده‌ی زیادتری هم مجروح گردیدند. بنابراین، حادثه ابعاد خیلی زیادی نداشت. امام توانست آن حادثه را برای به حرکت درآوردن همه‌ی ملت ایران مورد استفاده قرار دهد. پانزده خرداد را که امام به وجود نیاورد - در این روز امام در زندان بود - پانزده خرداد یک حادثه‌ی خودجوش بود. پانزده خرداد، محصول حرکتی بود که امام در دوم فروردین به وجود آورد. من در همان سال، این نکته را به امام عرض کردم. نزدیک عید سال ۴۳ بود که من از زندان آزاد شده بودم و توانستم با تدبیری خدمت امام - که آن وقت در خانه‌ای در قیطریه بودند - بروم. من در همان چند لحظه‌ای که توانستم خدمت ایشان بروم و دستشان را ببوسم و با آن حال منقلبی که از دیدنشان داشتم، چند کلمه با ایشان حرف بزنم، همین مطلب را عرض کردم. گفتم نبودن شما در بیرون، موجب شد که پانزده خرداد با این عظمت، نتواند مورد استفاده قرار بگیرد. یعنی امثال ماها که در بیرون بودند، نتوانستند عشری از اعشار استفاده‌ای را که امام از دوم فروردین کرد، از پانزده خرداد بکنند؛ درحالی که پانزده خرداد کانون عظیمی بود. بعد هم که امام بیرون آمدند و تبعید شدند، اشاره‌ها و حرفهای ایشان در هشیار کردن و زنده کردن روحیه‌ی مبارزه در مردم و به خط آوردن جوانان، پانزده خرداد را آنچنان منشأ برکت کرد که در آن مدت مثلاً یک سال یا هشت، نه ماهی که امام نبودند و این حادثه با آن جوش و خروش اتفاق افتاده بود، هیچ کس نتوانسته بود از آن حادثه چنین استفاده‌ای بکند.

میخواهم بگویم که این یک گنج است. آیا ما خواهیم توانست این گنج را استخراج کنیم، یا نه؟ این هنر ماست که بتوانیم استخراج کنیم. امام سجاد توانست همان چند ساعت گنج عاشورا را استخراج کند.

نقش اراده‌ی امام در فائق آمدن بر مزاحمتها

مشکلات زیاد بوده است؛ از آغاز پیروزی انقلاب تا امروز، مزاحمتها از جهات مختلف استمرار داشته است؛ اما اراده‌ی انقلاب و اراده‌ی والای امام عظیم‌الشأنمان و خواست مردم، بر همه‌ی موانع و مزاحمتها و مزاحمتها فائق آمد.

به امید توفیق حرکت در خط امام

همچنین یاد امام بزرگوارمان، آن پیشاهنگ اقتدار و اراده‌ی الهی ملت ایران و آن معلم بزرگ آزادی ملت‌های جهان را گرامی میداریم و امیدواریم که روزبه‌روز در راه امام و به سمت هدفهای آن بزرگوار، همه‌ی ملت ایران و شما ارتشیان و همه‌ی نیروهای مسلح موفق باشید.

ترسیمگر چهره‌ی اسلام در ذهن جوانان جهان

امروز کوچکترین ناکامی برای ملت ما، پنجاه سال یا بیشتر نهضت بیداری اسلام را به عقب خواهد انداخت. این جوانانی که در آفریقا و آسیا و خاورمیانه و حتی شهرهای کشورهای اروپایی، به نام اسلام شعار میدهند و به اسم جمهوری اسلامی به هیجان می‌آیند، اینها اسلام را با پیشرفت‌ش، با آن امام، با آن چهره‌ی نورانی، با آن کلمات نورانی، با آن اداره‌ی الهی جامعه و با آن تقوایی که به برکت انقلاب از قله‌ی جامعه‌ی ما میریخت و تمام اقشار جامعه را کم‌وبیش فرامیگرفت، دیده‌اند. اگر شکستی باشد، ناکامی‌ای باشد، عمل بدی باشد، همه دگرگون خواهد شد و دشمن جری خواهد گردید.

خدمتگزار؛ بهترین تعبیر برای امام و همه‌ی مسئولین

آقایان! این مردم - همانطور که امام مکرر فرمودند - ولی نعمتهای ما هستند؛ این شوخی نیست.

امام فرمودند: اگر به من خدمتگزار بگویند، بهتر از این است که رهبر بگویند. این حرف درستی است؛ چون خدمتگزاری، برای انسانی که دلش بیدار باشد، مدح بزرگتری است. امام، تمام وجودش بیدار بود؛ شوخی و تعارف هم که نمیکرد. حقیقتاً اگر این ملت شهادت میدادند- که قطعاً میدادند- که امام خدمتگزار آنهاست، امام بیشتر خوشحال میشد، تا همه‌ی ملت یکصدا فریاد بزنند که تو رهبر ما هستی.



لزوم بازگشت به خط امام در تعاملات سیاسی

به نظر من، در این زمینه آنچه که ما بگوییم، از آنچه که امام فرمودند، کمتر و نارساتر است. در این قضایا، امام لبّ مطلب را بارها و بارها گفتند. واقعاً به خط امام برگردیم. دو گروهند- باشند- اما چرا با هم تعارض میکنند؟ مگر نمیشود نقاط مشترک را هم در قبال نقاط محل افتراق مورد توجه قرار داد؟ چه اشکالی دارد جمعهایی که با هم معارضند- جمعهای روحانی، جمعهای دانشجویی، جمعهایی که در مجلس یا جاهای دیگر هستند- هر چند وقت یکبار با همدیگر بنشینند، آن نقاط مشترک فیما بین خودشان را به زبان بیاورند؟ شما مگر در چند چیز با هم اختلاف دارید؟ مگر نقاط اختلاف، از نقاط اتفاق و وحدت نظر قویتر و مهمتر است؟ چه کسی چنین چیزی را گفته است؟ چه کسی میتواند این حرف را ادعا بکند؟



من یکوقت عرض میکردم که اگر مردم اهل اصطلاح باشند، الان اجماع مرکب بر فسق همه است؛ چون طرفین مجمعدند! اینها میگویند آنها بدند، آنها هم میگویند اینها بدند، و قول ثالثی نیز وجود ندارد! این چطور برخورد کردن با قضایاست؟ اعتماد مردم را به اصل نظام از دست میدهیم. نگوئید مردم به نظام بی اعتماد نمیشوند. این نظامی که ده سال، یازده سال کسی مثل امام بالای سرش بود و آن شلاق کوبنده‌ی فرمایشهای آن بزرگوار بر سر و شانه‌ی همه‌ی ما فرود می‌آمد- به حجم فرمایشهای امام نگاه کنید؛ من گمان نمیکنم که در هیچ موضوعی بقدر موضوع اختلافات، ایشان مطلب فرموده باشند-

ره، رهرو، رهبر / ۳۱۳

درعین حال ماها اصلاح نشدیم. آیا این نشان نمیدهد که بنیان کار خراب است؟ اگر ادامه بدهید، این استنتاج را شما برای مردم درست میکنید و دیگر نمیروند نقاط مثبتی را که در این بین هست، پیدا کنند و روی آن تأمل نمایند؛ خواهند گفت که معلوم میشود اشکالی در اصل کار هست!

در دیدار با گروه کثیری از آزادگان، در اولین سالگرد آزادی و بازگشت به کشور، ۱۳۷۰/۰۵/۲۸

تحقق پیشگویی امام مبنی بر متلاشی شدن شوروی سابق

تا چند صباح قبل از این، هیچ کس فکر نمیکرد که ابرقدرت شرق اینگونه متلاشی بشود. اگر دو سال قبل کسی میگفت که ابرقدرت شرق از بین خواهد رفت، عده‌ای فیلسوفانه ریش می‌جانباندند که بله، شما ساده هستید! آن روزی که امام در نامه به گورباچف نوشتند که بعد از این مارکسیسم را باید در موزه‌ها پیدا کرد، عده‌ای پوزخند زدند! دو سال یا سه سال نگذشته بود که آن پیشگویی تحقق پیدا کرد. بعد از درگذشت امام، به یک سال نرسید که همه چیز دگرگون شد؛ چطور نمیشود؟

در جمع خانواده‌های شهدا، مفقودان و گروهی از جانبازان و آزادگان استان لرستان، ۱۳۷۰/۰۵/۳۰

ضرورت توجه به دشمن شناسی امام در وصایا

کسی خیال نکند که ابرقدرتها با اسلام آشتی کرده‌اند. کسی گمان نبرد که امروز امت اسلامی محتاج ایستادگی و مقاومت در مقابل قلدرهای جهانی نیست. هر کاری که آنها با ما نکرده‌اند، نمیتوانسته‌اند بکنند. هر کاری از آنها علیه امت اسلامی بریاید، دریغ نمیکنند. ما باید بیدار باشیم. ما باید سر پا باشیم. ما باید فراموش نکنیم که قرآن از ما چه میخواهد. ما باید پیام این خونهای پاک را از یاد نبریم. ما باید وصیت امام بزرگوارمان را همواره آویزه‌ی گوش داشته باشیم. او دشمنان اسلام را خوب شناخته بود. دشمنان، همانها هستند که امام ما گفت.

رأس مراجع دعوت‌کننده‌ی مردم برای عمل به اسلام

روحانیت از مردم دعوتی کرد، مراجع اسلام و در رأس همه امام بزرگوار (ماطاب‌نراه) از مردم برای عمل به اسلام و محقق کردن آن در متن جامعه، دعوت کردند. این دعوت، منجر به این انقلاب عظیم و تشکیل نظام جمهوری اسلامی شد.

ذخیره‌ی هزارساله آبروی علمای شیعه؛ منشأ آبروی امام خمینی (ره)

من یک وقت خدمت امام عرض کردم که در این انقلاب و در پیروزی آن، تمام ذخیره‌ی آبروی هزار ساله‌ی روحانیت به کار آمد. اینطور نبود که فقط روحانیت نسل حاضر و شخص امام بزرگوار (رضوان‌الله تعالی‌علیه) به تنهایی این کار را کرده باشند. آن آبروی که امام ما پیدا کرد، ناشی از هزار سال سابقه‌ی خوب علمای شیعه در بین مردم بود. شیخ طوسی و سیدمرتضی و علمای بزرگ فیما بین آن دوره تا دوره‌ی ما، هرکدام قطره‌ای بر این ظرف آبرو و حیثیت روحانیت شیعه اضافه کردند. مجموع این آبرو به کار آمد، تا این انقلاب پیروز شد. ایشان این حرف را تصدیق فرمودند.

شخصیت عجیب و ناشناخته‌ی امام بزرگوار

ان شاء الله بتوانیم آنچنان که شایسته‌ی خدمات امام بزرگوارمان (رضوان‌الله علیه) است - که انصافاً به روحانیت و به دین آبرو بخشید - انجام وظیفه کنیم. حقیقتاً در بین علمای دین - تا آنجایی که ما شناخته‌ایم - از عصر اول، از دوران بعد از غیبت صغری تا امروز، ما هیچ‌کس را مثل امام، به این برازندگی و به این برجستگی سراغ نداریم. همه‌ی آنهایی که بودند، انصافاً از ایشان کوچکتر بودند. البته از لحاظ علمی، مؤسسان و مجتهدان بزرگ هستند؛ اما در مجموع جهات، آن چیزی که یک شخصیت را به وجود می‌آورد، از شیخ مفید و سیدمرتضی و محقق و علامه و دیگران و دیگران، تا برسد به میرزای شیرازی و بقیه‌ی علما، انصافاً هیچکدام با این بزرگوار قابل مقایسه نبودند. ایشان یک عالم دیگری بود؛ یک دریای عمیق و یک اقیانوس ناشناخته بود. خدای متعال میدانست که او چقدر

ره، رهرو، رهبر / ۳۱۵

عمیق و حاوی غرایب است. به‌هرحال، ان‌شاء‌الله آنچنان که شایسته‌ی آن بزرگوار است، بتوانیم ما هم به دنبال آن راه و آن خط عمل کنیم.

مصاحبه در پایان سفر به استان لرستان، ۳۱ / ۰۵ / ۱۳۷۰

پافشاری مردم لرستان بر خط انقلابی امام

مردم استان لرستان، یکی از شجاعترین و بااخلاصترین مردم سراسر کشورند؛ یعنی هم در صحنه‌ی جنگ تحمیلی در طول هشت سال اینها از خودشان شهامت و وفاداری زیادی نشان دادند و شهدای بسیاری دارند و رزمندگان زیادی از اینجا به جبهه اعزام شدند، و هم در مسائل انقلاب از اول تا حالا این مردم پافشاریشان را بر دین و معارف اسلامی و خط انقلابی حضرت امام (رضوان‌الله تعالی علیه) نشان دادند. این مردم واقعاً بااخلاصند و حقیقتاً سربازان این انقلابند.

در دیدار با فرزندان ممتاز شاهد و مدیران و معلمان نمونه‌ی مدارس شاهد به همراه مسئولان بنیاد شهید انقلاب اسلامی، گروهی از خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان استانهای تهران و مازندران، مردم و مسئولان شهرهای نور و محمودآباد، و اساتید و دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳ / ۰۶ / ۱۳۷۰

تلاشهای امام برای اصلاح دانشگاه

دیدید که امام بزرگوار ما (رضوان‌الله تعالی علیه) چقدر راجع به دانشگاه حرف زدند و نکته بیان کردند. در اوایل انقلاب، نسبت به دانشگاه، چقدر تلاش انجام گرفت و برای اصلاح دانشگاهها، چقدر از سوی انقلاب و انقلابیون مجاهدت شد.

در آغاز هفتمین گردهمایی ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور، ۲۵ / ۰۶ / ۱۳۷۰

عاقبت سرپیچی رئیس جمهوری شوروی سابق از توصیه‌ی امام

برادرانی که در دوران مبارزات و اوایل انقلاب با گروههای چپ سروکار داشتند، یادشان است که با چه حدتی و از چه موضع قدرت و اطمینانی از این مکتب یاد میکردند. آن جبهه از بین رفت و معلوم شد که امروز تفکر مادی صریح، در دنیا جایی ندارد. این، نقطه‌ی مثبت قضیه بود؛ اما از آن طرف، امام در نامه به رئیس‌جمهور شوروی،

مرقوم فرمودند که شما باید مواظب باشید که تسلیم غرب نشوید؛ ولی به این توصیه‌ی امام عمل نشد.

تعبیر امام از تنها سنگر باقیمانده در مقابل استکبار

امروز مکتبی که به انسانها تعلیم بدهد که باید با این شیطان زر و زور جنگید، وجود ندارد؛ ناسیونالیسم و حس ملیت هم در مقابل آن قدرت قرار ندارد.

نسل جوان در کشورهای مختلف فقیر و وابسته و در خدمت استکبار غربی، مطمئناً مثل گذشته جوش و خروش خواهند داشت؛ اینها که از بین نمیروند؛ اما سنگری هم ندارند و وسیله‌ای که پشت سر آن قرار بگیرند و آن را برای اطفای غیظ خود در مقابل مستکبران و ظالمان به کار ببرند، در اختیارشان نیست. یک وسیله باقی است، و آن اسلام است؛ آن هم اسلام با تفسیر درست و انقلابی و به تعبیر امام بزرگوارمان، اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله). این اسلام است که امروز در مقابل این همه قدرت‌نمایی در دنیا حضور دارد و از آن میترسند؛ این اسلام است که هنوز ملتها را به خود جذب میکند؛ این اسلام است که امروز شما به هر نقطه از نقاط عالم که سفر کنید چه کشور اسلامی باشد، چه غیراسلامی انسانها و جوانان زیادی را می‌یابید که به شوق آن، به همان شبحی که از دور میبینند و میشوند، امید و دل بسته‌اند؛ لذا به شما نزدیک میشوند، با شما حرف میزنند، از شما استفسار میکنند و خیلها از شما کمک میخواهند.

پیام به چهارمین مجمع بزرگ فرماندهان و مسئولان دفاتر نمایندگی ولی فقیه
در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۲۵/۰۶/۱۳۷۰

سپاه؛ سیراب از سرچشمه‌ی معنویت و روحیه‌ی انقلابی امام

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سایه‌ی روحیه‌ی انقلابی و معنویتی که از سرچشمه‌ی جوشان دل منور و روح مصفای آن امام عارفان و قدوه‌ی صالحان پیوسته میجوئید و بیش از همه جوانان رزمنده و خالص سپاه و بسیج را سیراب میکرد، توانست نقش تعیین‌کننده‌ای را در دفع حمله‌ی ایادی استکبار به جمهوری اسلامی ایفا کند.

قواعد حکمت‌آموز امام برای پیروزیها و اهمیت آن

هرجایی که شما خاطره‌ی خوشی از موفقیتها دارید، آنجایی است که شکر نعمت خدا شده و دقایق حکمت‌آمیز دستورالعمل الهی به کار رفته است. حالا این دقایق چیست؟ اینها همین نکات به ظاهر کوچک و در معنا بزرگی است که در گوشه و کنار قرآن و کلمات معصومین و فرمایشهای امام بود: به خود نپردازیم، خود را محور قرار ندهیم، هدف را خدا بدانیم، از قالب زندگی مادی خارج بشویم، دنبال وظیفه برویم و ببینیم آن چیست و به چیز دیگری کار نداشته باشیم، همواره در هر مرحله‌ای جستجو کنیم و رضای خدا را بر حسب حجت شرعی کشف کنیم و برطبق آن عمل نماییم. اینها همان قواعد حکمت‌آموزی است که برای پیروزی انسان در مبارزه‌ی دائمیش در این عالم وضع شده است؛ خیال نکنید اینها چیزهایی است که با اهداف انسان بی‌ارتباط است. وقتی میگویند من و شما در تلاشهایمان باید خود را محور قرار ندهیم، معنایش این است که این قضیه مستقیم به وصول ما به هدفهای الهی ارتباط دارد. در خلوت و در تأملات نفسانی، روی این قضیه قدری فکر کنید.

استمرار حرکت دوران حضور امام، پس از رحلت ایشان

دوران بعد از جنگ، با حضور مبارک قائد و امام و معلم و مرشد و دردآشنای یکایک عناصر مؤمن به این راه تا مدتی طی شده، بعد هم حوادث بعدی بوده و تا امروز ادامه داشته است. ما الآن کجای کاریم؟ وسط کار.

شما برادران عزیز، جوانان کارآمد و جبهه‌دیده و رنج‌کشیده و صاحب مسئولیت، توجه داشته باشید که از آغاز پیروزی انقلاب و آغاز پیدایش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حرکتی آغاز شده است، و این با تمام شدن جنگ تمام نشد؛ با رحلت امام تمام نشد؛ با حوادث گوناگون تمام نمیشود؛ این حرکت ادامه دارد؛ ما هنوز در وسط راهیم.

روش پیامبرگونه‌ی امام در دعوت مردم به آزادی و اسلام

به این ماجرای سه نفر پیامبری که به شهر «انطاکیه» مبعوث شدند، توجه کنید؛ «وَ اضْرَبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ!». این سه پیامبر، به سردمداران یک تمدن گفتند که ما هدفی داریم، پیامی داریم و آمده‌ایم با شما حرف بزنیم. مسئله، مسئله‌ی کوه‌نشینی و سنگ‌تراشی نیست؛ مسئله‌ی تمدن امپراتوری کذایی روم با آن جاه و جلال و با آن آثار عظیم تاریخی است. این «انا الیکم مرسلون»، در بیان قرآن که مبنی بر ایجاز است، یک کلمه است. پیامبران یک کلمه گفتند که ما بسوی شما فرستاده شده‌ایم. اینطور نبوده که همه‌ی مردم «انطاکیه» را یکجا جمع کردند و این سه نفر رفتند سخنرانی کردند و گفتند: «انا الیکم مرسلون»؛ نه. «انا الیکم مرسلون»، همانطوری گفته شد که امام در طول این ده سال به دنیا گفت. امام همین را میگفت دیگر؛ «انا الیکم مرسلون». ای بشر غافل! ای انسان اسیر دست چند فامیل سیاسی و صنعتی عالم! ای ملت‌های تحقیرشده! ما آمده‌ایم شما را نجات بدهیم، ما آمده‌ایم با شما حرف بزنیم. امام ده سال این را میگفت؛ «انا الیکم مرسلون». شاید آن پیامبران هم در طول مدتی این حرف را زدند.

راه امام در مقابله‌ی جناح حق با جناح باطل

نکته‌ی اساسی آن است که این مواجهه و مقابله در جناح حق، به پایداری و هوشیاری و مقاومت و همان از منیت خارج شدنی که امام همیشه میگفتند، احتیاج دارد. باید مجموعه‌ی قابل توجهی از انسانها در جامعه‌ی انقلابی و حق باشد، که این زر و زیورهای دنیوی برایش ارزشی نداشته باشد. اگر ما این مجموعه را داشته باشیم، با تحمل مشاق، پیشرفت قطعی است.

۱ سوره‌ی یس، آیات ۱۳ و ۱۴. [داستان] مردم آن شهری را که رسولان بدانجا آمدند برای آنان مَثَلٌ زن: آنگاه که دو تن سوی آنان فرستادیم، و [لی] آن دو را دروغزن پنداشتند، تا با [فرستاده] سومین [آنان را] تأیید کردیم، پس [رسولان] گفتند: «ما به سوی شما به پیامبری فرستاده شده‌ایم.»

نتایج عمل به توصیه‌ی امام در مورد خواندن وصیتنامه‌ی شهید

این وصیتنامه‌هایی که امام میفرمودند بخوانید، من به این توصیه‌ی ایشان خیلی عمل کرده‌ام. هرچه از وصیتنامه‌های همین بچه‌ها بدستم رسیده - یک فتوکپی، یک جزوه - غالباً من اینها را خوانده‌ام؛ چیزهای عجیبی است. ماها واقعاً از این وصیتنامه‌ها درس میگیریم. اینجا معلوم میشود که درس و علم و علم الهی، بیش از آنچه که به ظواهر و قالبهای رسمی وابسته باشد، به حکمت معنوی - که ناشی از نورانیت الهی است - وابسته است. آن جوان خطش هم به زور خوانده میشود، اما هر کلمه‌اش برای من و امثال من، یک درس و یک راهگشاست و من خودم خیلی استفاده کرده‌ام.

تفسیر غلط از مبنای امام در «عدم دخالت نیروهای مسلح در دسته‌بندیهای سیاسی»

موضع خود را شناختن و در آن قرار گرفتن، هوشیاری سیاسی، شم سیاسی و قدرت تحلیل سیاسی البته به دور از ورود در دسته‌بندیهای سیاسی خودش یکی از آن خطوط ظریفی است که من در پیام هم به شما عرض کردم؛ امام هم که مکرر در مکرر فرموده بودند.

البته یک عده خوششان نمی‌آمد: نه، چرا در کارهای سیاسی دخالت نکنند؟! همان وقت من یادم هست که بعد از گذشت چند ماه از فرمایش امام، یک حادثه‌ی انتخاباتی در پیش بود و زیدی به یکی از شهرها رفته بود که نمیگویم کجا، چون نمیخواهم نزدیک بشوم و سخنرانی کرده بود. آن وقتها نوارش را آوردند و من گوش کردم. او میگفت: نه آقا، چرا میگویید سپاه در سیاست دخالت نکند؟ باید بکند؛ از شماها چه کسی بهتر؟! ببینید، اینها حرفهای خوشایند و دلنشینی است که این جوان مبارز پُر از خون انقلابی، به هیجان بیاید: بله، چه کسی از ما بهتر؟ امام این موضوع را صریحاً گفته بودند؛ اما اینها بین آگاهی سیاسی و حضور سیاسی در صحنه‌ی انقلاب که این خوب است و بین دخالت در معارضات سیاسی و جناح‌بندیهای سیاسی و به نفع یکی و به ضرر دیگری کار کردن که این همان چیز بد و بسیار خطرناکی است که امام هیأتی را مأمور کردند و گفتند ببینید چه کسی اینطوری است، از سپاه بیرونش کنید خلط می‌کردند.

وجود امیدبخش امام در حوادث سخت

در سخت‌ترین اوقاتی که در جنگ به ما ضربه وارد میشد، امام با آن دل بزرگ و با آن ناصیه‌ی منور الهی امید میداد. در ماجرای ضربه‌ی سختی خوردیم. خدمت امام آمدند و گفتند که ما شکست خورده‌ایم. فرمود: شکست نبود؛ عدم‌الفتح بود. عدم‌الفتح، یعنی پیروز نشدیم.

شما ببینید یک حادثه را دوگونه میشود معنا کرد. هزار نفر از ما کشته شدند، پنج هزار نفر کشته شدند، اما دوگونه میشود این را تفسیر کرد: تفسیر شکست، تفسیر عدم‌الفتح. معنای فرمایش امام این بود که طوری نشده است؛ میخواستید پیروز بشوید، اما هنوز نشده‌اید. همیشه اینطور به ما امید میداد، اینطور جامعه و کشور را حرکت میداد؛ حالا عده‌ای همه‌ی هم و غمشان این است که درست بعکس عمل کنند!

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۰ / ۰۷ / ۰۵

خصوصیات معنوی امام؛ از عناصر مؤثر در پیروزی دفاع مقدّس

ملت ما با جوانانش، با رزمندگان، با ارتش و سپاه و بسیج مردمیش، با عشایر دلاورش، با مردم کوچه و بازارش، با خانواده‌های ایثارگرش، با زنان و مردان آگاه و هوشیارش، با شجاعت و ایمان و توکل بی‌نظیر رهبر عظیم‌الشأنش، توانست در مقابل امریکا و اروپا و شوروی آن روز و امپراتوری شرق و غرب بایستد و بعد از هشت سال همه‌ی آنها را وادار بکند که به پیروزی ملت ایران و به شکست خودشان اعتراف کنند.

فریاد امام مبنی بر اسلامی بودن انقلاب بر اساس وحدت

هفته‌ی وحدت، وحدت میان امت اسلام است. دشمن میخواهد میان فرقه‌های اسلامی نزاع باشد؛ بخصوص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دشمن خواسته است بین ایران انقلابی و اسلامی و بقیه‌ی ملتها جدایی بیندازد. از خدا میخواهند که در دنیای اسلام گفته شود: «اینها شیعه هستند و انقلابشان انقلاب شیعی است و به ما سنیها ربطی ندارد!» ملت ایران از اول انقلاب گفته است بله، ما شیعه و موالیان اهل بیت پیامبریم؛ اما این انقلاب، یک انقلاب اسلامی بر اساس قرآن، بر اساس توحید، بر اساس اسلام خالص

ره، رهرو، رهبر / ۳۲۱

و ناب، بر اساس وحدت و برادری بین همه‌ی مسلمین است. این را از اول ملت ما گفتند و امام ما نیز این را فریاد کشید و بیان کرد.

در دیدار با اعضای کنگره‌ی شعر حوزه، ۱۳۷۰ / ۰۷ / ۱۵

ضرورت عرضه‌ی هنری افکار انقلابی امام

اگر این فکر انقلابی که با هزار زبان، چه به شکل خطابه، چه به شکل درس، چه به شکل افکار فلسفی، چه به شکل نظرات فقهی، از سال ۱۳۴۱ در بیانات حضرت امام ارائه شده، در قالب هنر عرضه نشود، برای نسلهای آینده چیز بیگانه‌ای خواهد بود.

چگونگی جمع‌آوری اشعار حضرت امام (ره)

من شنیدم که حضرت امام (ره) که شعر میسرودند، هنگامی بوده است که مثلاً پس از مطالعه‌ی روزنامه‌ای، اگر مطلبی به ذهنشان میرسید، در حاشیه‌ی آن یادداشت میکردند و بعداً هم آن را کناری می‌انداختند؛ سپس انسانهای نکته‌سنج چیزفهمی آنها را دیدند و جمع کردند و به نظر خود ایشان رساندند.

در دیدار با خانواده‌های شهدای شهرهای پاکدشت، ممقان، کبودرآهنگ، آستانه‌ی اشرفیه،
لنجان، رابر کرمان، تهران، ۱۳۷۰ / ۰۷ / ۱۷

تأثیر کلمات قرآنی امام بر تبدیل ملت به الگویی جهانی

آن نکته‌ای که همه‌ی ملت ایران باید لحظه‌ای از خاطر نبرند، این است که نعمت خدا بر ما ملت، نعمت بسیار عظیمی است. در عصر سیطره‌ی ظلم و فساد، در عصری که قدرتهای استکباری مردم دنیا را با انواع مختلف فشار و شکنجه و استعمار و تحمیق و روشهای گوناگون استکباری در فشار قرار داده‌اند، در عصری که ملتها جرأت نمی‌کنند در مقابل سلطه‌ی استکباری نفس بکشند و غول زر و زور تقریباً سلطه‌ی خودش را بر دنیا گسترده است، در چنین دوران سخت و ظلمانی و دهشتناکی، این ملت به نام خدا قیام کرد، با یاد خدا مبارزه کرد، کلمات خدا را سرمشق زندگی خود قرار داد، قرآن و معارف الهی را از زبان یکی از برجسته‌ترین بندگان شایسته‌ی خدا امام بزرگوارمان شنید، آنها را به کار بست و توانست بعنوان یک ملت نمونه در دنیا ظاهر بشود.

نکاتی ریز و دقیق در استفاده‌ی منفی از زبان ساده‌ی امام(ره)

گمانم آن روز من به آقای شریعتمداری عرض میکردم که بنده‌ی خدایی کتابی به نام «بچه‌های آریات» ترجمه کرده، که این کتاب علیه نظام جمهوری اسلامی نیست؛ علیه استالین است؛ اما در توصیف استالین میشود دو گونه حرف زد: میشود گفت که «استالین با استفاده از زبان طلبگی و با روح آخوندی خودش، با مردم صاف و صریح حرف میزد و حرف خود را در دل مردم جا میکرد»؛ تا به امام تعریض داشته باشد. میشود گفت که «استالین با استفاده از سابقه‌ی حضور دو، سه ساله‌اش در مدرسه‌ی الهیات فلان‌جا، بلد بود با مردم چگونه حرف بزند»؛ تا بشود بی تفاوت. آن وقت این آقای مترجم، نوع اول را انتخاب میکند؛ یعنی اسم طلبگی را می‌آورد! در حالی که اصلاً طلبگی به معنای مصطلح رایج ما - که امام میگفت من یک طلبه هستم - در عرف آن الهیات مسیحی روسیه‌ی قدیم اصلاً وجود ندارد. عناوینی که وجود داشته، مثلاً مدرسه‌ی راهبها، یا الهیات کشیشی، یا دبیرستان وابسته‌ی به فلان کلیسای ارتدکس بوده است.

این تطبیق دادن با یک واقعیت در جامعه‌ی ما، هزار تا حرف و یک بار عظیم معنا در آن هست، که این آدم جرأت نمیکند آن را بگوید؛ اما خیلی راحت زبان ساده‌ی امام را - که این از خصوصیات امام بود و در دنیا همه میگفتند که قدرت نفوذ این مرد، مقدار زیادی ناشی از این است که با زبان ساده‌ی مردم و با زبان طلبگی حرف میزند - در یک عبارت کوتاه ترجمه شده بیاورد، تا کتاب، علیه نظام جمهوری اسلامی بشود!

جذابیت هنر مطابق با واقع، برای امام

این سریال «سالهای دور از خانه» ای که نشان میدادند، که همه را جذب کرد، حتی امام را حاج احمد آقا میگفت که امام مرتب این سریال را نگاه میکردند علتش چیست؟ چون زندگی‌ای که آن شخص در فیلم دارد، و آن کاری که او دارد میکند، درست مطابق با واقع است؛ یعنی همانی است که واقعیت دارد.

در دیدار با گروهی از خانواده‌های شهدا و جانبازان و اقشار مختلف مردم و جمعی از مسئولان ادارات و سازمانهای شهرهای تهران، شهید کرمان، قم، و مسئولان و دانشجویان دانشگاه هنر، ۱۳۷۰/۰۸/۰۱

سختی ایجاد شخصیتی مثل امام در حاکمیت طاغوت

تهذیب اخلاقی در حکومت طاغوت بسیار مشکل است. کمتر انسانی را میتوان پیدا کرد که در دوران حاکمیت طاغوتها بتواند به رشد معنوی و اخلاقی دست پیدا کند، تا مثلاً به مقامی روحی و معنوی برسد و کسی مثل مقام بزرگان و شخصیتی مثل امام امت به وجود بیاید؛ اما در دوران حاکمیت اسلام آسانتر است.

در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه (روز ملی مبارزه با استکبار)، ۱۳۷۰/۰۸/۱۵

فتح الفتوح و بزرگترین کار حضرت امام(ره)

اینکه شاید شما در بعضی از کتابها یا مقاله‌ها خوانده‌اید که در بعضی از کشورهای امریکای لاتین یا شرق آسیا، نسل جوان غرق در فسادهای گوناگون است از مواد مخدر و سرکاور و فساد جنسی، اینطور نیست که روال کار از اول چنین بوده است؛ این سیاست پیاده شده است. متأسفانه در دوران ستمشاهی، ما هم از این قضیه برکنار نبودیم. در این کشور هم بدست خاندان خائن و سیه‌روی پهلوی و دستیارانشان، هرچه توانستند، این سیاست را پیاده کردند.

البته کشورهای اسلامی خصوصیتی داشتند، که همان «اسلام» بود؛ و کشور ما در بین کشورهای اسلامی خصوصیت دیگری اضافه‌ی بر آن داشت، که آن «روحانیت مردمی» بود؛ و میدانید که در کشورهای دیگر اسلامی، به این شکل ایران نبوده، هنوز هم نیست. اسلام و تبلیغات اسلامی، جلوی آن موج سهمگین ایستاد. شعارهای انقلابی و حرکت کوبنده‌ی امام عالی‌مقام و عظیم‌الشأن، کار را بر دشمن مشکل کرد. در بحبوحه‌ی همان موج فسادآفرینی که بر این کشور حکومت میکرد، جلوه‌های ایمان و سرسپردگی به دین، باز اول در بین جوانان خود را نشان داد.

من پدران و مادران متوسطی را میشناختم که طاقت همراهی کردن با احساس دینی جوان خودشان را نداشتند؛ حتی گاهی از احساسات دینی و تعبد و زهد و بی‌اعتنایی به دنیا و به خوراک و به آسایشی که در جوانانشان مشهود بود، پیش ما شکایت میکردند!

آن پدران و مادران، با همان تربیتهای غلط رشد کرده بودند، مسلمان هم بودند؛ اما این جوشش ایمان اسلامی در آنها نبود؛ ولی جوانشان تحت تأثیر تربیت انقلابی قرار گرفته بود؛ به همین خاطر بود که جوانان، خانواده‌ها را پشت سر خودشان میکشیدند؛ و این شد که آن قیام عظیم مردمی و آن حرکت بی نظیر در عالم - یعنی انقلاب اسلامی ما - به رهبری امام و با پشتیبانی قاطبه‌ی ملت و با میداننداری جوانان به پیروزی رسید. این یک فتح بود؛ هم فتح میدان مبارزه با استکبار بود، و هم بالاتر از آن، فتح سرزمین دل جوانان بود؛ که این را اسلام و انقلاب و امام کرده بودند، و این فتح الفتوح بود. بزرگترین کار امام، ساختن جوانان بود.

وظیفه‌ی جوانان انقلابی در پیگیری اهداف انقلاب و امام(ره)

پس، جوانان ایران اسلامی بدانند که استکبار برای بیرون راندن آنها از صحنه‌ی این مبارزه‌ای که در آن، فتح و پیروزی حتماً نصیب ملت‌هاست و لاغیر، مشغول پول خرج کردن و طراحی انواع نقشه‌هاست. هدف این نقشه‌ها، شما جوانان مؤمن و انقلابی و شجاعی هستید که ایستاده‌اید، تا هدفهای انقلاب و امامتان را تا آخرین رقم به تحقق برسانید و هر مانعی را از سر این راه بردارید.

در دیدار با فرماندهان رده‌های مقاومت نمونه‌ی بسیج و جمعی از دانشجویان و طلاب بسیجی،
۱۳۷۰ / ۰۸ / ۳۰

علاقه‌ی امام به جوانان بسیجی

شما جوانان که بسیجی و عزیز هستید و مورد علاقه‌ی امام بودید و إن شاء الله مورد توجه وجود مقدس ولی عصر (أرواحنا فداه) و مشمول دعوات زاکیه‌ی آن بزرگوار باشید، بزرگترین نکته‌ی کار شما همین حفظ تقواست.

در دیدار با جمعی از هنرمندان، ۱۳۷۰ / ۰۹ / ۰۴

نگاهی حکیمانه به مشکلات و اعتراضات وارد بر رئیس‌جمهور وقت

در زمان ریاست جمهوری بنی صدر، وقتی مایوس شدیم از اینکه امام حرف ما را

درباره‌ی آقای بنی‌صدر قبول بکنند، خدمت ایشان رفتیم. ما یکی‌یکی میرفتیم، چند نفری میرفتیم، نوشته‌ای میگفتیم، زبانی میگفتیم. من یکبار خدمت امام رفتم و صریحاً گفتم من به این نتیجه رسیده‌ام که چون دیگر نمیشود با آقای بنی‌صدر برخورد بکنیم، من به همان روش قبل از انقلاب باید عمل بکنم. ما قبل از انقلاب حرفهایی میزدیم، که وقتی کسی در آن حرفها می‌اندیشید، موضعی نسبت به آن دستگاه پیدا میکرد. من به ایشان گفتم مجبورم الآن حرفهایی بزنم، که وقتی کسی درباره‌ی آنها اندیشید، موضعی علیه آقای بنی‌صدر بگیرد. امام نگاه کردند و تبسمی کردند و هیچ چیز نگفتند.

در آن زمانها، گاهی میشد که من با دل پُر خدمت امام میرفتم؛ اما وقتی می‌آمدم، به رفقا میگفتم که امام دستی به سر و صورت ما کشیدند و لقمه‌ی حلوایی با لطف و نگاه خودشان در دهان ما گذاشتند، ما را رها کردند؛ بعد که می‌آمدم، باز در سخنرانی خودشان میگفتند: آقای رئیس‌جمهور، آقای بنی‌صدر! یعنی همان، همان بود! ایشان مصلحت میدیدند؛ چون بالاخره ایشان حکیم بودند. امام یک حکیم به معنای واقعی بود؛ یعنی واقعاً پشت دیوار و پشت حجاب را میدید، که ماها قادر نبودیم آن را ببینیم. ایشان چیزهای خیلی ریزتری از آنچه که در حد دید ما بود و هست، میدید.

در دیدار با فرمانده و جمعی از روحانیون رزمی، تبلیغی تیپ مستقل ۸۳ امام جعفر صادق (ع)، ۱۱/۰۹/۱۳۷۰

آموزش نظامی روحانیون؛ از هنرهای بزرگ امام خمینی (ره)

امام واقعاً دنیا را عوض کرد. روی آوردن روحانیون به آموزش نظامی، هنر امام بود. این قدرت خدا بود که بدست آن بزرگوار این کارها انجام گرفت. امروز- همانطور که اشاره کردید- آقای حاج شیخ علی پناه، یا آقای حاج شیخ جلال طاهر شمس، یا آقای مکارم و آقای آذری و آقای فاضل تفنگ بدستشان میگیرند و آموزش نظامی میبینند. این واقعاً همان «إِنَّ لِلَّهِ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٌ»^۱ است. این چند ساله جزو همان نفحات است. این فرصت الهی است که خدای متعال پیش آورده و کمک کرده، تا ما بتوانیم از آن استفاده کنیم.

من یکی از دفعاتی که سال ۵۹ از اهواز به تهران می‌آمدم، چون لباس نظامی تنم بود،

۱ عوالی اللالی، ج ۱، ص ۲۹۶. «برای پروردگار شما در دوران عمرتان نسیمهای رحمتی است.»

۳۲۶ / ره، رهرو، رهبر

رویش قبا میپوشیدم. رسم ما هم این بود که از راه که میرسیدیم، مستقیم خدمت امام میرفتم. عصر یک روز پنجشنبه که برای نماز جمعه به تهران آمده بودم، مستقیم خدمت ایشان رفتم و چیزی راجع به جبهه گفتم و آمدم. شاید بار اولی بود که از جبهه خدمت ایشان میرسیدم. تا این چکمه‌هایم را دم در دریاورم، ایشان از پشت شیشه همینطور به آن هیأت بنده که لباس نظامی زیر قبا تنم بود، نگاه میکردند. وقتی رسیدم، دستشان را بوسیدم. خودشان گفتند که یک وقت بود که این لباس شما خلاف مروت بود، و حالا بحمدالله وضع به اینجا رسیده است. من احساس کردم که ایشان خوشحالند. در ابتدا قدری هم در دلم تردید بود. اول بار که در اهواز قبا را کندم و لباس نظامی پوشیدم، در ذهنم بود که آیا این کار درست است یا نه. بعد که دیدم ایشان لبخند زدند و لطفی کردند، فهمیدم که خوشحالند. واقعاً جای امام خالی است. اگر ایشان تشریف میداشتند و میدیدند که آقایان در تکواندو، دان ۴ دارند و اینگونه پیشرفت کرده‌اند، خیلی خوشحال میشدند؛ این واقعاً در طریق همان خواست ایشان است.

در دیدار با وزیر و جمعی از مسئولان و کارشناسان وزارت نفت و مهندسان و کارگران اطفای حریق چاههای نفت کویت، ۱۳۷۰ / ۰۹ / ۱۲

تفہیم‌گر معنای «ما میتوانیم» به ملت ایران

بعد از انقلاب، انقلاب و معلّم انقلاب که امام بزرگوار ما بود به ما ملت تفہیم کردند که ما میتوانیم خودمان کار کنیم؛ خودمان تلاش کنیم؛ خودمان بسازیم؛ خودمان قاعده‌ی سازندگی و تولید و مصرف را که همان فرهنگ ماست بنیانگذاری کنیم. ما باید این را در همین دوران سازندگی هم به کار بگیریم.

در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، به مناسبت هفتمین سالگرد تشکیل این شورا، ۱۳۷۰ / ۰۹ / ۲۰

عامل تبدیل دانشگاه به مورد هشدار امام(ره)

انسان با کامپیوتر متفاوت است. به کامپیوتر برنامه میدهند، آن هم برایشان جواب مسئله را حاضر میکند؛ اما انسان که اینطور نیست. انسان خودش برنامه‌ی خودش را تنظیم میکند؛ خودش تصمیم میگیرد و خودش جهتگیری پیدا میکند. اگر ما از این جهت

ره، رهرو، رهبر / ۳۲۷

دوم^۱ غفلت بکنیم، دانشگاه همان چیزی خواهد شد که در بیانات امام، مکرر در مکرر نسبت به آن هشدار داده شده است.



خاطراتِ جامانده از حضرت امام؛ از عناصر بیداری جهان اسلام

آن روز عالم اسلام، خواب‌آلوده، بلکه تخدیرشده و مست بود؛ اصلاً گاهی دشمن به او ضربه‌ای میزد، یک سوزن در رگش فرو میکرد و چیزی تزریق میکرد؛ تمام میشد میرفت؛ اما الآن اسلام بیدار است؛ دشمن دنیای غرب، امروز بیدار است؛ مثل قهرمانی در میدان است؛ یک خاطره‌ی تمام‌نشده‌ی از شخصیتی مثل امام را با خودش دارد؛ این همه ذخیره‌ی انقلابی دارد.

پاسخ به پیامهای تبریک مسئولان و اقشار مختلف مردم، به مناسبت اعلام متجاوز بودن عراق از طرف سازمان ملل متحد، ۲۷/۰۹/۱۳۷۰

جای خالی امام در پیروزیهای حاصل از استواری خویش

پیشانی سپاس بر درگاه خداوند ساییده و به ملت عزیز تبریک می‌گوییم. این شادی بزرگ، با تلخی غم فقدان شهیدان عالی‌مقام و گل‌های پرپر شده‌ی بوستان خمینی همراه است، که این روزها بازگشت پیکر مطهر شهید غریبان، مهندس تندگویان، وزیر بسیجی و فداکار جمهوری اسلامی، آن را تازه‌تر می‌سازد و عظمت فداکاریهایی را که به این پیروزیها انجامید، در چشم هوشمندان عالم به تصویر میکشد.

جای آن پیر مراد و حکیم فرزانه و رهبر دلسوز و تیزبین خالی است که ثمره‌ی استواری معجزنشان خود را در پیروزیهای پیاپی ملت خود ببیند و شادابی این درخت تناور را که نهال آن بدست توانای او نشانده شده است بنگرد.

در دیدار با وزیر و مسئولان وزارت کشور و استانداران، ۲۷/۰۹/۱۳۷۰

بینش حکیمانه‌ی امام از وقایع آینده

و جای امام خالی است؛ اگرچه آن حکیم بزرگ، با دیده‌ای که حکمت آن را بینا کرده

۱ روحیه و تدین و حرکت صحیح و سالم‌سازی معنوی و روحی دانشجویان.

بود، خیلی چیزها را میدید، که امثال ماها نمیتوانستیم ببینیم. او بلاشک امروز را هم در آن آینه‌ی روشن دل حکیم و فرزانه‌ی خود میدید. خیلی چیزهای دیگری هم هست که ما امروز نمیتوانیم ببینیم؛ شاید حدس هم نمیتوانیم بزنیم؛ اما هست و خواهد شد.

تأکید امام بر حضور مردم در انتخابات

البته مردم عزیز ما به یاد داشته باشند، و قطعاً به یاد دارند که امام بزرگوار، در همه‌ی انتخاباتی که از اول انقلاب تا زمان رحلت آن بزرگوار انجام گرفت، بر حضور مردم تأکید کردند. واقعاً فرقی نمیکند که کاندیدای چه گروهی مطرح باشد. فرقی نمیکند که فرضاً کدام جناح، غلبه‌ی بر جناح دیگری داشته باشد. فرقی نمیکند که کدام نامزد انتخاباتی، فعالیت بیشتری در این شهر یا حوزه‌ی انتخاباتی دارد و ممکن است حضور مردم، آرای او را بیشتر کند. او کیست و من چه کسی هستم، در اینجا مطرح نیست؛ اشخاص مطرح نیستند. اصل حضور مردم، پشتوانه‌ی مجلس شورای اسلامی است؛ و مجلس شورای اسلامی، قاعده‌ی نظام است. با این دید بایستی به انتخابات نزدیک شد.

در دیدار با اعضای ستاد پیگیری قطعنامه‌ی ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد، ۳۰/۰۹/۱۳۷۰

میزان ایمان مذهبی امام و نتایج آن

آنچه که ما داریم، به برکت اسلام داریم. به وجود آمدن انقلاب، به برکت اسلام بود. اگر ایمان اسلامی و عمق این ایمان در دلها نبود، امکان نداشت بعد از آن سوابقی که همه از گذشته‌های این کشور- بخصوص در قرن اخیر- میدانید، هیچ دست نیرومندی بتواند این مردم را به حرکت دریاورد. آن چیزی که آن رهبری بی‌نظیر را برای ما به وجود آورد، ایمان مذهبی بود؛ یعنی شما هر اندازه که میزان استحکام و اقتدار معنوی امام را محاسبه کنید، به همان اندازه دینداری و ایمان و معنویت آن بزرگوار را باید محاسبه کنید؛ یعنی اقتدار ایشان، بخاطر تدین و پابندی عمیق و بی‌روبرگردش به دین و به ایمان دینی و جذبه‌ی معنوی‌ای که در وجود او موج میزد، بود.

در دیدار با فرماندهان یگانهای سپاه پاسداران مستقر در فرودگاههای کشور، ۱۳۷۰/۱۰/۰۲

رؤیت عینی اعتقاد امام، مبنی بر هدایت انقلاب به دست قدرت الهی

امام (رضوان الله تعالی علیه) یک وقت در زمان بیماریشان - البته نه بیماری اخیر؛ یک وقت دیگر - به من فرمودند که من از اول انقلاب، دست قدرتی را احساس میکنم که دارد کارها را پیش میبرد؛ تقریباً شبیه همین تعبیر را فرمودند، که من همان وقت فرمایش ایشان را یادداشت کردم. من الآن این دست قدرت را احساس میکنم و میبینم که خدای متعال این نظام را به جهتی هدایت میکند و آن خلأهایی که ما کوچکتر از آن هستیم که حتی آنها را درک کنیم - چه رسد به اینکه بخواهیم آنها را پر کنیم - با قدرت کامله‌ی خودش آنها را پر میکند.^۱

در دیدار با مداحان اهل بیت (ع)، به مناسبت میلاد مبارک صدیقه‌ی کبری فاطمه‌ی زهرا (س)، ۱۳۷۰/۱۰/۰۵

تشبیه دشمن‌شناسی زمان امام به دشمن‌شناسی زمان اهل بیت (ع)

ما باید زندگی آنها^۱ را در زندگی خود ولو بصورت ضعیف نمایش بدهیم. ما و از ما بزرگترها کجا، آن آستان بلند کجا؟ معلوم است که ما حتی به حدود دوردست او هم نمیرسیم؛ اما باید تشبیه کنیم. نمیشود در نقطه‌ی مقابل زندگی اهل بیت حرکت کنیم، ولی ادعا کنیم که ما جزو موالیان اهل بیتیم! چنین چیزی ممکن است؟ فرض بفرمایید کسی در زمان امام بزرگوار ما، از دشمنان این ملت که امام دائم علیه آنها حرف میزد تبعیت میکرد؛ آیا او میتواندست بگوید من تابع امامم؟! اگر چنین چیزی از زبان کسی صادر میشد، آیا شماها نمی‌خندیدید؟! همین قضیه در باب اهل بیت (علیهم‌السلام) هم هست.

در دیدار با گروهی از فرزندان شاهد؛ فارغ‌التحصیلان مقاطع مختلف دانشگاهی، ۱۳۷۰/۱۰/۰۸

لزوم ادامه راه امام و شهیدان توسط جوانان

این انقلاب متعلق به شماهاست؛ متعلق به جوانان است؛ متعلق به مردم مؤمن و

۱ مضمون این مطلب در «دیدار فرماندهان و مسئولان «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، ۷۲/۶/۲۵ و «در اجتماع مردم مشهد در حرم مقدّس، ۱۳۸۲/۱/۱» و «در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی، ۱۳۸۹/۱۰/۱۹» نیز تکرار شده است.

حزب‌اللهی است؛ متعلق به خانواده‌ی شهداست؛ متعلق به فرزندان شهداست؛ شما باید آن را اداره کنید، و شما هستید که باید ان‌شاءالله این کشور و این انقلاب را تحویل بگیرید. ادامه‌ی راهی را که امام بزرگوارمان آن را شروع کردند و پدران شما جاده‌هایش را کوبیدند، ان‌شاءالله شما باید با استواری بروید.

در جمع گروهی از خانواده‌های شهدا، مفقودان، آزادگان و جانبازان استان بوشهر، ۱۳۷۰/۱۰/۱۱

شهدا؛ مایه‌ی آبروی امام امت

یکی از بزرگترین نعمتهای الهی بر جامعه‌ی اسلامی ما، وجود مردان شجاع و جوانان فداکاری است که از پیش از پیروزی انقلاب اسلامی تا امروز، در مقابل دشمنان انقلاب سینه سپر کرده‌اند و با جان و خون خود، اسلام و انقلاب و راه خدا را نصرت بخشیده‌اند. بعضی از این عزیزان، در راه خدا به شهادت رسیدند و به درجات و نعم غیرمتناهی الهی بر شهیدان فائز شدند و بعنوان سند افتخاری برای ایران و اسلام و انقلاب اسلامی، و مایه‌ی آبرویی برای امام و رهبر راحل عظیم‌الشأن ما، اسم آنها در تاریخ ثبت شد.

برتری شهدای زمان ما از شهدای صدر اسلام بخاطر برتری معصومین (ع) از امام

اگر ما بخواهیم شهدای جلیل‌القدر را در میزان ارزشهای اسلامی بسنجیم، بدون شک در عداد شهدای صدر اسلام قرار دارند، و شاید در مواردی از آنها برترند؛ چون شهدای صدر اسلام، در کنار نبی مکرّم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) حضور داشتند؛ نفس وحی را از پیامبر بزرگوار میشنیدند و لمس میکردند؛ اما شهدای زمان ما، بدون اینکه امام معصوم و نبی مکرّم را مشاهده بکنند، با دعوت امام بزرگوار و راحل ما (رضوان‌الله تعالی‌علیه) و به اشاره‌ی آن نایب برحق معصومین (علیهم‌السلام)، در جبهه‌های خطر حضور پیدا کردند و نقش یک مجاهد فی سبیل‌الله را به بهترین وجهی ایفا نمودند.

تأثیر لیبیک مردم به امام در فتح قله‌ی عظمت اسلام توسط امام خمینی (ره)

در رفتن به میدان جنگ، پدران با فرزندان، و فرزندان با یکدیگر مسابقه گذاشتند!

ره، رهرو، رهبر / ۳۳۱

همسران غصه خوردند و گریه کردند که چرا آنها نمیتوانند به میدان جنگ بروند؛ و صبر کردند و در خانه‌ها نشستند و پشت جبهه را نگه داشتند؛ بعد هم که آن رزمنده شهید شد، پدران و مادران و همسران و فرزندان شکر کردند و به شهادت شهیدشان افتخار نمودند! این است که شعله‌ی یک نهضت، همچنان زنده میماند. این است که امام بزرگوار، قله‌ی عزت و عظمت را برای اسلام فتح میکند. این است که ملت‌ها صریحاً میگویند: ای ملت ایران! ما از شما یاد گرفتیم؛ شما معلم ما هستید.

حساسیت امام نسبت به شهدا و خانواده‌ی ایشان

امام بزرگوار (ما(رضوان الله تعالی علیه)، نسبت به شهدا و خانواده‌هاشان بسیار حساس بودند و بسیار دل در گرو فکر آنها داشتند؛ و این یک نمونه از عمل بندگان صالح خداست.

در جمع روحانیون و طلاب حوزه‌ی علمیه و ائمه‌ی جمعه و جماعات استان بوشهر، ۱۳۷۰/۱۰/۱۱

استفاده‌ی حداکثری، صحیح و بجای امام از ذخیره‌ی عظیم علمای اسلام

همه‌چیز تمام میشود؛ حتی این ذخایر آبرویی هم دیر یا زود تمام میشود؛ بسته به عمل ماست. علمای اسلام - بخصوص علمای شیعه در ایران - ذخیره‌ی عظیمی از حیثیت عمومی به وجود آوردند، که آن ذخیره توانست این انقلاب را به پیروزی برساند. اگر کسی خیال کند که این انقلاب عظیم با آن قدرت روحی و آن صلابت معنوی امام - که آنطور که ما دیده‌ایم و تجربه کرده‌ایم، در هزاران هزار انسان، یکی آنطور پیدا نمیشود - بدون آن اعتقاد معنوی عمیق مردم ایران به علما - که این ذخیره، همین اعتقاد است - ممکن بود با همان رهبری پیروز بشود، مطمئن باشید اشتباه کرده است. اگر آن ذخیره‌ی ایمان عمیق نسل‌های پی‌درپی نمیبود، هیچ دستی نمیتوانست بصورت خلق الساعه چنین انقلابی را به وجود بیاورد و به پیروزی برساند.

امام، یکی از همان سلسله‌ی اطیاب بود؛ یکی از همان کسانی بود که خود بر این ذخیره، سهم بسیار عظیمی را اضافه کرد؛ به روحانیت و به رهبران اسلامی آبرو داد؛ اما از آن ذخیره، این بزرگوار حداکثر استفاده را در جای خود و به نحو صحیح انجام داد. وقتی که امام بزرگوار ما در سال ۱۳۴۱ نهضت را شروع فرمود، آن کسانی که به ندای

او پاسخ گفتند، از هزار نفر، یک نفر نمیشناخت این مرد کیست. خیلیها اسم ایشان را هم درست نمیتوانستند تلفظ کنند، اما اجابت کردند؛ میدانستند عالم بزرگی است که برای حفظ اسلام در قم سینه سپر کرده و ایستاده است. جاذبه این بود: عالم دین. بعد که مردم با ایشان آشنا شدند و ایشان را شناختند، آن وقت آن پیوند عاشقانه‌ی بی نظیر پدید آمد، که در بین علمای ما چنین چیزی نبود و به این آسانها هم نخواهد بود. این، آن ذخیره‌ی معنوی است.



موفقیت ملت در موقعیتِ توفانی رحلت امام

موقعیتِ توفانیِ بزرگتر، رحلت امام (رضوان‌الله تعالی‌علیه) بود. به این موقعیت، خیلی چشم دوخته بودند. سالها میگفتند که وقتی امام نباشد، خیلی کارها خواهد شد، خیلی چیزها عوض خواهد شد! حضور مردم، قدرت مردم، یکپارچگی مردم و علماء، و حضور هشیارانه‌ی آنها در صحنه، این جوانان، این قشرهای مختلف، این امید را هم روی اینها بست.



افقی روشن در نگاه امام؛ به پشتوانه‌ی دست قدرت الهی

سنت الهی آن وقتی عمل خواهد کرد که ما در جای خودمان محکم و استوار ایستاده باشیم؛ اصل قضیه این است. علماء، عملاً، قولاً، فعلاً، سیاسیاً، اجتماعياً، فردیاً، جمعياً بایستی در آنجایی که ما هستیم و پُست ماست هرجا پُست ماست، هرجا مأموریت و مسئولیت ماست محکم و همراه با فداکاری و همراه با کم‌توقعی بایستیم و کار خودمان را بکنیم و خدای متعال هم إن شاء الله کمک خواهد کرد و برکاتش بر ما نازل خواهد شد؛ همچنان که بحمدالله تا حالا اینطور بوده است؛ همچنان که مژده‌های امام (رضوان‌الله تعالی‌علیه) این را نشان میداد. ایشان هم همیشه عقیده‌شان این بود بنده شنیده بودم که عاقبت و افق را خیلی خوب و روشن میدیدند؛ دست قدرت الهی را همراه مردم میدیدند و امیدوار بودند. حالا وقتی نگاه میکنیم، میبینیم که واقعاً همینطور است که ایشان بارها فرمودند و به همه‌ی ما یاد دادند.

هندسه‌ی مرکزگریز جمهوری اسلامی؛ برخاسته از تفکرات حضرت امام (ره)

در نظامهای باطل و فاسد، هر نقطه‌ای که از مرکز دور باشد چه مرکز سیاسی، چه مرکز انسانی هندسه‌ی معیوب آن نظام، موجب محرومیت آن نقطه میشود؛ یعنی در نظامهای باطل و فاسد، هرکسی یا هر دستگاهی که به مرکز قدرت نزدیکتر است، بهره‌مندتر است؛ و هر دستگاهی که از مرکز قدرت دورتر است، بطور عادی محرومتر است؛ مگر اینکه بتواند با چنگ و دندان خودش را به نحوی سرپا نگه دارد! این یک هندسه‌ی معیوبی است که همیشه در نظامهای باطل وجود داشته است و در ایران پادشاهی هم این معنا وجود داشت.

جمهوری اسلامی آن هندسه‌ی معیوب را ندارد؛ بعکس، یک نوع حالت مرکزگریزی و دور از مرکزگرایی در طبیعت جمهوری اسلامی هست. ممکن است بطور قهری در مواردی از این طبیعت تخلف بشود؛ اما طبیعت دستگاه و برنامه ریزی دستگاه، همان است. هنوز از پیروزی انقلاب دو ماه نگذشته بود که امام بزرگوار به بنده مأموریتی دادند و من را به بلوچستان فرستادند و گفتند چون شما نسبت به مسائل بلوچستان سابقه دارید، به آنجا بروید و به وضع محرومیت آن منطقه برسید؛ این اولین نشانه‌ی یک حرکت بود؛ در حالی که امام به بلوچستان نرفته بودند! این حالتی است که از طبیعت دستگاه میجوشد.

دستور امام به حفظ آثار جنگ، نه فقط در آثار ساختمانی

این نوشته‌هایی که راجع به رزمندگان و جنگ منتشر میشود که غالباً هم همین حوزه‌ی هنری چاپ و منتشر میکند و انصافاً چیزهای بسیار باارزش و خوبی هم است هرچه بدستم میرسد، میخوانم.

ما باید آن مجموعه را همچنان که هست، مثل آثار ساختمانی جنگ که امام فرمودند: «اینها را حفظ کنید»؛ حفظ کنیم؛ این اهمیتش از آنها خیلی بیشتر است.

طلاب جوان و مدرسین بزرگ حوزوی، بازوان امام در دورانهای مختلف انقلاب

هم در آغاز نهضت که آن خورشید فروزان علم و تقوا از افق قم سر برآورد و ایران و سپس همه‌ی عالم اسلام را منور کرد؛ هم آن روزی که آن امام بی‌بدیل و آن خلف صالح انبیاء و اولیاء، به پشتیبانیهای شما مردم قم، در مقابل کفر و استکبار استوار ایستاد و فریاد دل این امت را از حنجره‌ی الهی خود سر داد؛ هم آن روزی که امام بزرگوار، قم را مرکزی برای پرتوافکنی قرار داد و تعالیم و پیام خود را از آنجا به همه‌جا فرستاد؛ هم در دوران پیروزی انقلاب، هم در دوران جنگ تحمیلی، هم در پیچهای خطرناک سیاسی انقلاب، همه‌جا مردم قم - این مردم مؤمن و حقیقتاً حزب‌الله - و در بخش اعظم حوادث، حوزه‌ی علمیه‌ی قم و علما و مدرسین بزرگ و طلاب جوان و پرشور و محافل درس و مدارس آمیخته‌ی با علم و جهاد، به کمک انقلاب آمدند و بازوی امام محسوب شدند و انقلاب را از خطرناکترین گذرگاهها گذراندند. این، نشانه‌ی آن است که نهضت، مردمی و دینی است؛ متکی به مردم و هدایت یافته از دین و حرکت‌کننده به سمت هدفهای الهی است؛ که خیر و سعادت مردم هم در آن است. رمز قم - هم مردمش، همه حوزه‌ی علمیه‌اش - برای نهضت ما این است. و به همین ترتیب، این انقلاب پیش رفته است و بعد از این هم پیش خواهد رفت. مردم شجاع و صحنه‌گردان قم خدمات زیادی کرده‌اند و امروز بحمدالله این خدمات، به اضافه‌ی آنچه که قشرهای مردم در همه‌جای این کشور انجام داده‌اند، در صورت این نظام الهی و اسلامی متجلی است.

اتکای امام به آحاد و نفوس مؤمنه‌ی مردم

نکته‌ی دوم هم که بسیار حائز اهمیت است، مسئله‌ی مردمی بودن این انقلاب و این نظام مقدّس است. هرچه کردند و هرچه شد، مردم کردند. امام بزرگوار هم متکی به همین آحاد و نفوس مؤمنه‌ی مردم بود.

حکم انتصاب سرتیپ محمدحسین جلالی به سمت فرماندهی نیروی هوایی
سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰ / ۱۰ / ۲۸

مقتضای سخن حکیمانه‌ی امام در مورد ارتش و سپاه

به فرموده‌ی امام فقید بزرگوار، ارتش و سپاه دو بازوی انقلابند، و مقتضای این سخن حکیمانه آن است که این دو سازمان در همه‌ی جهات باید با یکدیگر همکاری و به یکدیگر کمک و مساعدت نمایند.

در دیدار با فرماندهان و مسئولان سازمان عقیدتی،
سیاسی نواحی مختلف نیروی انتظامی در سراسر کشور، ۱۳۷۰ / ۱۱ / ۰۲

تأثیر خصوصیات امام در ایجاد جایگاه رفیع انقلاب

این انقلاب عظیم ما، این جمهوری مستحکمی که بحمدالله به وجود آمده، این جایگاه رفیعی که امروز جمهوری اسلامی در دنیای سیاست بدست آورده، این آبرویی که امروز اسلام به برکت جمهوری اسلامی بدست آورده، این کارهای معجزه‌آسایی است. این کارهای معجزه‌آسا، با زبان و با تبلیغ و با جانم و عزیزم و با زور نمیشد. اگر امام بزرگوار که قائد این کاروان بود، حرف او منطبق با رفتارش نمیبود، امکان نداشت؛ منتها آن بزرگوار چیزی را نگفت، مگر آنکه عمل کرد؛ و عمل کرد، بیش از آنچه که گفت؛ و در عمل شخصی و جمعی، مثل کوهی بر سر مواضع اعلام‌شده‌ی خود ایستاد.

از نتایج پابندی عملی به فرمایشات امام

اگر ما به زخارف دنیا بی‌اعتنا بودیم، اگر ما در آن راههایی که به آن معتقدیم و داعی و مبلغ آن هستیم، قدم ثابت گذاشتیم، اگر ما پابندی خودمان را به اصول دینی و اصول اسلامی و فرمایشات امام بزرگوار و آنچه که در نظام جمهوری اسلامی مقرر است، عملاً نشان دادیم، حرف ما در محیطی که پراکنده میشود، اثر خواهد کرد؛ آن وقت خیلی احتیاج به اصرار و فشار و زور نخواهد بود؛ بلکه نفس جاذبه‌ی عمل، دیگران را به هماهنگی و همگامی و هم‌آوایی وادار خواهد کرد.

در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی و میهمانان خارجی شرکت کننده
در مراسم دهه‌ی فجر، در سالروز عید سعید مبعث، ۱۳۷۰/۱۱/۱۳

آموزش راه پیروزی در همه‌ی مسائل توسط امام خمینی(ره)

در مسائل اقتصادی، در جنگ، در تهاجم امریکا، در بازسازی، در تبلیغات وسیع علیه جمهوری اسلامی و در همه‌ی حوادث دیگر، ما این را امتحان کرده‌ایم؛ و امام بزرگوار ما(رضوان‌الله تعالی‌علیه) که معلّم این ملت و آموزنده‌ی این راه به این ملت و به ملت‌های دیگر بود، این را به ما توصیه کرد که تا وقتی به اسلام متمسک باشیم، شکست در کار نیست.

گفت و شنود با میهمانان خارجی شرکت کننده در مراسم دهه‌ی فجر، ۱۳۷۰ / ۱۱ / ۱۴

پیمودن مناسب ابتدای راه جامعه‌ی اسلامی توسط امام و مردم

آن تصویری که از جامعه‌ی اسلامی در ذهن ماست، با وضع کنونی ما فاصله‌ی زیادی دارد. ما توانستیم حصاری را بشکنیم و مانع را از سر راه حرکت به سمت دولت اسلامی و جامعه‌ی اسلامی و دنیای اسلامی برداریم. آنچه را که میتوانیم بین خودمان و خدا بگوییم، این است که ما تلاش کردیم و مردم ما صادقانه حرکت کردند و امام ما خوب رهبری کرد و خوب پیش برد؛ اما آنچه را که در اثنای این جاهلیت مظلّم طی کردیم، نسبت به آنچه که بعداً باید طی کنیم، مطمئناً خیلی کم است.

پیام به کنفرانس اندیشه‌ی اسلامی، ۱۳۷۰/۱۱/۱۵

سرّ توفیقات پیوسته و محیرالعقول امام

امام عظیم الشان که فجر انقلاب اسلامی را در دل تاریکیهای مادیّت و فساد و ظلم و فسق کنونی جهان به درخشش آورد، شاگرد صادق و مؤمن و مخلص مکتب نبوی بود؛ و این بود سرّ توفیقات پیوسته و محیرالعقول او در برانگیختن مردم و در هراس افکندن به دل ظالمان و جهانخواران و در پیروزی در صحنه‌های گوناگون.

در دیدار با فرماندهان و جمعی از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و کمیته‌ی انقلاب اسلامی،
مسئولان دفاتر نمایندگی ولی فقیه در سپاه و خانواده‌های معظّم شهدا،
در سالروز میلاد امام حسین(ع) و روز پاسدار، ۱۳۷۰ / ۱۱ / ۱۸

علت تأیید امام بر نامگذاری روز پاسدار

یکی از بهترین نامگذاریها، همین نامگذاری «روز پاسدار» است. برای پاسدارانی که از

ره، رهرو، رهبر / ۳۳۷

ساعت اول پیروزی انقلاب، چه آن وقتی که هنوز این لباس مقدس بر تنشان نبود، و چه آن وقتی که با انتظام گرفتن مسائل انقلاب و شکل گرفتن نهادها، همین جوانان مخلص و صادق و فداکار وارد سلک پاسداری شدند چه در سپاه، چه در کمیته و جز فداکاری و دفاع از اسلام و انقلاب و امام، هیچ چیز برایشان مطرح نبود و در قبال اهداف الهی و انقلابی، جان برای آنها متاع ناقابلی به حساب می‌آمد، هیچ چیز و هیچ کس شایسته‌تر از اینها نیست که این روز مبارک را به آنها اختصاص بدهند. نام پاسدار را بر این روز از این جهت گذاشتند و امام بزرگوار هم با چشم حکمت‌بین، این مطلب را تأیید فرمودند.

در دیدار با جمعی از پرسنل نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران،
به مناسبت روز نیروی هوایی، ۱۳۷۰ / ۱۱ / ۱۹

هدف‌گذاری استقرار نظام اسلامی توسط امام؛ عامل فداکاری مردم

آنچه مسلم است، این است که ملت ایران از ادامه‌ی حکومت جبارانه و فاسد و وابسته و نوکریاب رژیم پهلوی و مشکلاتی که از این طریق برای این کشور به وجود آورده بودند، به جان آمده بود و عشق به اسلام و علاقه و محبت به دعوت اسلامی، او را به میدان آورد؛ در نتیجه آن نظام فاسد و ضداسلامی را با همه‌ی دنباله‌هایش از صحنه‌ی این کشور خارج کرد، تا یک نظام اسلامی را برقرار کند؛ همچنان که امام و رهبر عظیم‌الشأن این ملت آن را مطرح کرده بود و مردم آن را فهمیده بودند و پایش خون و جان دادند و مبارزه کردند.

در دیدار با اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۷۰ / ۱۱ / ۲۷

تأثیر جاذبه‌ی سخنان امام در فراگیری زبان فارسی

من کسانی را از کشورهای عربی و غیرعربی دیده‌ام که اینها زبان فارسی را از طریق رادیوی جمهوری اسلامی یاد گرفته بودند. جاذبه‌ی سخنان امام و حقایق انقلاب و مفاهیم انقلابی، اینها را با زبان فارسی مانوس کرده بود و این زبان را میفهمیدند. هم در منطقه‌ی شرقی عربستان که صدای ما به آنجا میرسد، هم در پاکستان و بخصوص در هند، و هم در آفریقا ما این را دیدیم.

ضرورت استفاده از نظرات امام در مسائل حوزه

ما فرصت خوبی را در این ده، دوازده ساله تقریباً از دست دادیم؛ و آن فرصت حضور امام بود. اگرچه ایشان نسبت به مسائل حوزه یک نوع امساک‌ی داشتند و خیلی مایل نبودند که در مسائل حوزه نظری ابراز کنند البته چیزهایی در ذهن شریفشان بود لیکن ما طلبه‌ها و عناصر علاقه‌مند به مسائل حوزه، باید از آن فرصت بنحوی استفاده میکردیم؛ که تا حالا این کار نشده است؛ حالا هرکسی یک طور گرفتار بوده؛ بعضیها در دولت، بعضیها در مبارزات، بعضیها در مسائل گوناگون دیگر؛ این فرصت از دست رفته؛ نباید بگذاریم بیشتر از این از دست برود.

نمونه‌ای از مصادیق فهم صحیح امام از وضعیت دانشگاههای قبل از انقلاب

اگر شما اعتقادتان همان چیزی است که امام فرمودند «مشکل کشور از بی‌دینی دانشگاهها بود»، پس راه درستی را انتخاب کرده‌اید. امام به این معنا اذعان حقیقی داشتند؛ یعنی ایشان از بن دندان معتقد بودند که مشکل آن روز کشور بر اثر خرابی دانشگاههاست؛ درست هم هست. الآن سر حوزه هم به سمت اداره‌ی نظام باز شده است؛ اما یک روز بود که جز دانشگاهها، هیچ محفظه و مخزنی برای اداره‌ی نظام نبود. شما ببینید اینهایی که در رأس کار آمده بودند، چه کسانی بودند و چه فکر و ذهنیتی داشتند؛ غالباً فاسد بودند؛ بخصوص این نسل جدیدشان که دیگر هیچ چیز نداشتند؛ حتی از نسل هویدا هم بدتر بودند! من هویدا را مثال میزنم که از بدترینهاست؛ یعنی او از فاسدترین رجال ایران بود؛ درعین حال نسل هویدا بر نسل راجی - نویسنده‌ی کتاب «خدمتگزار تخت طاووس» - شرف داشت! اگر شما این کتاب را خوانده باشید، میتوانید بفهمید که این نسل، چه نسلی بوده است؛ اینها میخواستند جای هویدا بیایند. حالا نمیشود گفت صد رحمت به هویدا؛ اما نسبت به آن نسل، واقعاً باز هویدا! هویدایی که نسبت به رجال ایران، بالاترین جزو فاسدترینها بود؛ اما بالاخره ته دل او و امثال او، ته‌مانده و رسوبی از آن قدیم - حالا اسمش ملیت بود، وطن دوستی بود، آب و خاک بود - وجود داشت؛ ولی نسل جدیدشان که نمونه‌اش همین راجی است، واقعاً اینها چه بودند؟!

پس امام این معنا را درست فهمیده بود.

برخورد صریح و بدون رودربایستی امام در کارهای مهم

بله، امام در حالی وارد ایران شدند که جو مبارزه- لااقل در سطوحی- از ایده‌های به اصطلاح روشنفکری پر بود؛ که حتی خود روحانیون- امثال ماها- هم در داغ کردن آن جو روشنفکری- و به عبارت دقیقتر، روشنفکرزدگی- دخالت داشتند؛ اما امام آمد و همه ی این چیزها را شست و کنار گذاشت! من احساسات خودم را از همان سخنرانی اول ایشان در فرودگاه به یاد دارم؛ واقعاً حیرت کردم که امام این ملاحظاتی را که ماها داریم، هیچ ندارد! ایشان در آن سخنرانی، اول از روحانیون اسم آورد؛ که ماها اگر جای ایشان بودیم، این کار را نمی‌کردیم! ما اگر می‌خواستیم در آن وقتها سخنرانی بکنیم، شروع آن از روحانیون نبود؛ اما دیدیم که امام اصلاً این ملاحظه را نمی‌کند!

در همان ماههای اول پیروزی انقلاب، امام مسئله ی بی‌حجابی و حجاب را قاطع گفت. آن وقتها ما بعنوان اعضای شورای انقلاب، گاهی در هیأت دولت هم شرکت می‌کردیم. من کسانی را دیدم که جزو عناصر متدین هیأت دولت بودند، اما به ما می‌گفتند این چه کاری بود که امام کرد؛ حالا چرا کرد؟! امام اصلاً دچار رودربایستی نمیشد. بنابراین، ملاحظه کاری و رودربایستی داشتن، مطلقاً باید نباشد؛ این خواهد توانست آن خلأ را در دانشگاه پر کند.

در دیدار با اعضای «گروه اجتماعی» صدای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰/۱۱/۲۹

معنای تعریف دشمن از افراد، در نظر امام خمینی(ره)

نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی حرف میزنند؛ نمی‌زنند، تعجب می‌کردیم. امام می‌گفتند هر وقت از ماها تعریف میکنند، آدم در دلش چیزی پیدا میشود که چه اشکالی در من به وجود آمده که دشمن دارد از من تعریف میکند؛ واقعاً عقیده ی امام این بود؛ نه اینکه فقط در حرفهای عمومی آن را بیان کنند؛ حتی به ماها هم آن را می‌گفتند. بنابراین، ارزشها و اصول و هدفهایی وجود دارد؛ این تلاش ارجمند شما باید در همین سمت انجام گیرد؛ مقصود این است.

منشأ آگاهی ملت ایران

امام و معلّم بزرگ این ملت آن انسان استثنایی زمان ما؛ آن رهبر فوق‌العاده‌ای که تاریخ ما در این قرون اخیر نظیرش را مشاهده نکرده است؛ آن انسان والا با آن اخلاص فوق‌العاده راهی را پیش پای مردم ما گذاشت؛ خدای متعال هم تفضل کرد؛ دست عنایت ولی‌عصر هم بحمدالله همواره با این ملت بوده و به آنها کمک کرده و این آگاهی در ملت ما به وجود آمده است.

وفاداری به خط امام؛ از عناصر تحقق اهداف انقلاب

همچنان که تا امروز بحمدالله این مشکلات را تحمل کرده‌اید و از خطرهای بزرگ گذشته‌اید، اگر همین اتحاد و ایمان و ایستادگی در میدانهای انقلاب و همین وفاداری به خط امام عظیم‌الشأن و همین نترسیدن از استکبار مسلط جهانخوار را ادامه بدهید، به فضل پروردگار همه‌ی هدفهای دیگر شما هم برآورده خواهد شد؛ که یکی از این هدفها، نابود شدن و از هم پاشیده شدن پیکره‌ی استکبار جهانی است؛ این وعده‌ی الهی است و وعده‌ی الهی بلاشک عمل خواهد کرد.

در جمع علما و مدرسان و فضایی حوزه‌ی علمیه‌ی قم،
در خجسته سالروز میلاد حضرت مهدی(عج)، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰

تعبیر امام مبنی بر درست بودن جهت خطوط کلی نظام

ما در داخل کشور توانسته‌ایم جهت زندگی را، از جهت گناه که بطور فعالی مردم را به آن سمت میراندند به طرف ثواب و به طرف فعل معروف منحرف کنیم. البته «ما» که می‌گوییم، منظور یک شخص یا مجموعه‌ای که اسمش را دولت بگذاریم، نیست؛ «ما» یعنی نظام بما فیه آحاد مردم و مسئولان و روحانیان و معلّمان فکری و نویسندگان و... و نقشی که امام عظیم‌الشأن داشت، و هرکس هر مقداری که نقش داشته است. وقتی جامعه به سمتی میرود، معنایش این نیست که در جامعه فرد گناهکاری نیست؛ چرا، ممکن است خیلی هم باشد؛ اما روال این است. آن وقتی که یکی از فتاوی معروف

ره، رهرو، رهبر / ۳۴۱

امام راحل (رضوان الله علیه) در این اواخر صادر شده بود، ما در خدمت ایشان بودیم؛ تعبیرشان این بود که امروز در کشور ما همه چیز در راه درست و در جهت درست است؛ و این صحیح است. امروز خطوط اصلی، تمام در جهت درست است؛ البته در همین جهت درست هم ممکن است آدم بدجنسی سوءاستفاده کند؛ سوءاستفاده مالی، سوءاستفاده فرهنگی، سوءاستفاده دولتی، سوءاستفاده در مراکز و منبرها و کرسیهای گوناگون.

تأکید امام بر ارائه گزارش کارها به مردم

امروز آنچه که در زمینه های اقتصادی در ایران انجام میگیرد، کارهای اصیل و واقعی است. ممکن است بگویند درآمد ملی در فلان دوره قبل از انقلاب این رقم را داشته، که اگر با امروز مقایسه کنیم، با توجه به مسائل تورم، رقم خوبی را نشان میدهد؛ اما باید گفت که درآمد ملی آن روز، چیزی غیر از معنای درآمد ملی امروز بود. امروز جمهوری اسلامی تا اعماق روستاها را کشور و ملت ایران میداند. امروز راه آهن، خط شوسه، امکانات ارتباطی، بزرگراهها، برق، آب، تلفن و وسایل آسایش، مخصوص شهرهای بزرگ نیست؛ اما آن روز اینطور نبود. من میدیدم که امام (رضوان الله تعالی علیه) غالباً حرص و جوش میخوردند که چرا این آمارها را نمیدهید. حالا بنده خودم وقتی با مجامع گوناگون روبه رو میشوم، همین حرص را میخورم. آمارها فوق العاده است.

منشأ شخصیت امام، جوهری فراتر از کتب درسی

تا سخنی از کتابهای درسی میگوییم، میگویند فلان عالم بزرگ هم همین کتابها را خواند؛ حالا آنهایی که انقلابی ترند، میگویند امام هم همین درسها را خواند که امام شد! آیا امام چون همین درسها را خواند، امام شد؟! امام جوهر مخصوصی بود. آنچه که شما در عظمت امام پیدا میکنید، ناشی از این نیست که این کتابهای درسی را خواند. وانگهی، از زمانی که امام راحل (رضوان الله علیه) این کتابها را میخواندند، تا حالایی که من و شما میخوانیم این کتابها را بخوانیم، بین این دو مقطع، شصت سال، هفتاد سال فاصله شده است.

استقامت؛ منشأ ایجاد شخصیتی مثل حضرت امام

این مدرسه‌ی فیضیه‌ای که امروز شما میبینید بحمدالله مظهر و رمز شوکت حوزه‌ی علمیه است و نام آن در همه جای دنیا بعنوان یک رایت سربلند و رمز انقلاب اسلامی شناخته میشود، دوره‌های گوناگون و سختی را دیده است. در این مدرسه، علمای بزرگ، مراجع، طلاب، پیران و جوانان را کتک زدند و اتاق طلبه‌ها را غارت کردند؛ اینها چیزهایی است که ما یادمان است؛ قبل از اینها، در این مدرسه گرسنگیها کشیده شده، سختیها کشیده شده، اهانتها شده است. تحمل آن مشکلات موجب شد که در این مدرسه و مافیها مدرسه که خشت و در و دیوار است؛ مراد، آن نیروی انسانی و آن نفسی است که در این مدرسه کشیده میشود شخصیتی مثل امام به وجود بیاید و دنیایی را متحول کند. تحولی که امام ایجاد کرد، منحصر و محدود به ایران که نیست البته آنچه هم که در ایران انجام گرفته، شبیه معجزه است ایشان در عالمی توفان ایجاد کرد؛ همه‌ی اینها مربوط به استقامت و ایستادگی است.

در جمع خانواده‌های شهید، جانبازان، آزادگان و مقفودان انقلاب اسلامی قم،
در خجسته سالروز میلاد حضرت مهدی(عج)، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰

آثار شخصیت امام و راه امام در ملت ایران

آن چیزی که در کشور ایران واقع شد و بلاشک در همه‌ی ادوار تاریخ این کشور- تا آنجا که ما خوانده‌ایم و دیده‌ایم- سابقه‌ای ندارد، ایستادگی و فداکاری عمومی و یکپارچه‌ی مردم در راه خدا بود که در مقابل تجاوز و نامردمی دشمنان صورت گرفت. نقطه‌ی اوج این حادثه‌ی استثنایی و بی نظیر، همان حرکت درخشانی بود که از ستارگان آسمان انسانیت زمان ما- یعنی همین شهیدان عزیز ما- سر زد. این جوانانی که اینطور با شور و شوق، بدون اینکه به آرزوها و شهوات جوانی کمترین اعتنایی بکنند، به جبهه‌ها رفتند و حقیقتاً با عشق و محبت الهی جان دادند، به نظر بنده این برجستگان زمان ما، از صدر اسلام به بعد، در هیچ یک از دوره‌ها، از لحاظ کمیت و کیفیت نظیر ندارند. عده کثیری از این عزیزان هم همین حرکت و همین شجاعت را بخرج دادند و بصورت جانباز درآمدند؛ عده‌ای هم به اسارت افتادند و در دوران اسارت هم از خود عظمت نشان دادند؛ عده‌ای هم- که بحمدالله کم نیستند- همچنان در میان مردم هستند و برای

ره، رهرو، رهبر / ۳۴۳

دفاع از این انقلاب، ذخیره‌های الهی محسوب میشوند. این مجموعه‌ی جوان - چه آنهایی که شهید شدند، چه آنهایی که جانباز شدند، چه آنهایی که اسیر شدند، چه آنهایی که هنوز مفقودالائرنند و از حال آنها کسی مطلع نیست - جزو معجزات انقلاب در زمان ماست. چه کسی میتواند این دل‌های پاک و مطهر را اینطور یکپارچه متوجه به خدا بکند؟ این معجزه‌ی اسلام انقلابی و اسلام پرتپش بود؛ ناشی از اخلاص آن مرد خدا، آن بنده‌ی صالح و آن رهبر واقعی و حقیقی بود که در خط رهبری پیامبران حرکت میکرد؛ راه و نفس و عمل او این حادثه‌ی عظیم را آفرید.

در اجتماع طلاب و فضلاء حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۳۷۰/۱۲/۰۱

اعتنای امام به مسائل همه‌ی مسلمین، از روز اول انقلاب

اگر در گوشه‌ای از جهان، جمعی از مسلمین حرکتی میکنند، تصمیمی میگیرند، سودی میبرند، یا زیانی میبینند، ملت ایران و انقلاب و نظام ما نمیتواند موضع منفی و بی تفاوت بگیرد. لذا از روز اول که انقلاب ما به یک دولت و یک نظام تبدیل شد، این نظام در زبان امام و معلم و معمارش، و در زبان مسئولان و گویندگانش، همواره مسائل ملت‌های مسلمان را مطرح و به آن اعتنا کرده است.

درسهایی برگرفته از منش الهی حضرت امام (ره)

از سخن بدون عمل، کسی درس حقیقی و ماندگار نمیگیرد. ملت ایران کاری کردند که عملشان، قولشان را تأیید کرد و بر آن صحنه گذاشت؛ لذا این قول برکت پیدا کرد. منش الهی آن امام خالص و مخلص، آن انسان باصفا که در تمام وجود و حرکات و سکنت خود، خدا را در نظر میگرفت، کار خود را کرد. برادران عزیز! جوانان عزیز! اینها برای ما درس است؛ اینها راه آینده‌ی ما را روشن میکنند.

باید عمل کنیم، تا بتوانیم اثر بگذاریم. امام را دیدید؟ امام در این شهر در زمان مرحوم آیت‌الله بروجردی مدرس عالی‌مقامی بود که فقط طلاب ایشان را میشناختند. طلاب جوان و فضلا به ایشان علاقه داشتند و همان وقت درس ایشان، درس شلوغی

بود؛ اما در بیرون حوزه‌ی علمیه، کسی در شهر قم هم ایشان را درست نمیشناخت، چه برسد در سطح کشور؛ مگر یک عده خواص کمیاب و بسیار معدود که در گوشه و کنار با اخلاق و درس اخلاق ایشان، یا آشنا بودند و یا شنیده بودند. همین انسان که در گوشه‌ی حوزه‌ی علمیه یک زندگی شبه‌منزوی و یک زندگی علمی محض را دنبال میکرد، آن وقتی که پای عمل به میان آمد، آنچنان قرص و محکم وارد شد که حقیقتاً قدرتهای پولادین دنیا را متزلزل و متلاشی کرد. این صاحبان قدرتهای مادی دنیا با آن همه باد و بروت، با آن همه تظاهر و تشریفات، با آن همه پیشرو و پسروها، هیچکدامشان نتوانستند در مقابل آن نفس سوزان، آن پای استوار و آن انسان ثابتقدم و محکم، مقاومت کنند؛ درشتهایشان هم سینه سپر کردند؛ اما همه یکی پس از دیگری مجبور به عقب نشینی شدند. آن مرد این استقامت را از چه چیزی بدست آورد؟ از ایمان و تقوا و اخلاص و پاکیش. او انسانی پاک و بااخلاص بود و دنیا برایش اهمیتی نداشت؛ حفظ آن مقام برایش ارزش و هدف نبود؛ به تکلیف الهی فکر میکرد.

تأکید بر ارتباط حوزه و دانشگاه

یکی از چیزهایی که امام بزرگوار روی آن تأکید میکردند، ارتباط حوزه و دانشگاه بود؛ حوزه‌ی علمیه در این مورد چه کار می‌خواهد بکند؟ چطوری ارتباط حوزه و دانشگاه تشکیل خواهد شد؟ ما دفتر همکاری حوزه و دانشگاه داریم - که البته کارهای بسیار باارزش و خیلی خوبی هم کرده است - اما نسبت به آن کار عظیم، فقط بخش کوچکی را اشغال کرده است. تحقیقات مشترک، پژوهشهای مشترک و کارهای مشترک، میتواند وجود داشته باشد.

به هنگام بازدید از منزل حضرت امام خمینی (ره) در قم، ۱۳۷۰/۱۲/۰۱

خانه‌ای با خاطراتی جاودان از امام و امتحانات ایشان

در این خانه که از زوایا و از هر اتاق آن، یادی از امام عظیم‌الشأن راحلیمان داریم، جای خالی ایشان را مشاهده کردن، سخت است؛ ولی همانطور که فرمودید، این خاطرات، خاطراتی جاودانه و تمام‌نشده است. اینجا همان جایی است که اولین

جرقه‌های این انقلاب عظیم زده شده و درخشیده است. فرمایشهای جاودانه‌ی امام بزرگوارمان از این منزل به همه‌ی دنیا فرستاده شده است. آن بزرگوار، سخت‌ترین امتحانها را در اینجا از سر گذراندند و در این خانه چگونگی استقامت در مقابل باطل و امید به حق را به دنیا یاد دادند.

در جمع اعضای شورای اداری شهرستان قم، ۱۳۷۰/۱۲/۰۱

قمیها، اولین سربازان امام در نهضت

قم مرکز انقلاب است. قمیها سربازان اول این نهضتند. آن وقتی که هیچ جای این کشور هنوز از وقوع این نهضت خبر نداشتند، این قمیها بودند که جوانشان، پیرشان، بازاریشان، سال ۴۱ سر درس امام (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) آمدند و حضور خودشان را نشان دادند؛ وابستگی و دل‌بستگی و آمادگی‌شان را اعلام کردند و راست هم گفتند؛ یعنی با نهضت در دوران قبل از پیروزی انقلاب، و با جمهوری اسلامی و نظام اسلامی بعد از پیروزی انقلاب، صادقانه برخورد کردند. جوانان، پُرشور؛ مردان و زنان، در صحنه؛ قم‌کانون انقلاب بود. قبل از همه‌جا، اینها مقدمات پیروزی انقلاب را فراهم کردند؛ قبل از همه‌جا، اینها شهید دادند؛ بعد هم وقتی که امام از تهران به اینجا تشریف آوردند، مرکز سیاسی جمهوری اسلامی شد؛ الآن هم در دنیا نسبت به قم با این چشم نگاه میکنند؛ قم را مرکز معنوی و کانون حقیقی نظام به حساب می‌آورند.

در دیدار با اعضای هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات چهارمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۰/۱۲/۰۴

تأثیر حضور امام در دفع برخی دشمنی‌ها

خوشبختانه حضور امام (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) در انقلاب، با آن قاطعیت و آن بصیرت و آن حزم و آن حکمتی که در ایشان بود، اجازه نداد که دشمنان بخواهند نسبت به شورای نگهبان همان کاری را بکنند که با تراز اول^۱ کردند.



۱ شورایی مربوط به دوران مشروطیت.

ضرورت تفکیک برخی اختلاف نظرها، از ضدیت با ولایت فقیه

در زمان امام (رضوان الله علیه) ما میدیدیم که ایشان مطلبی را میفرمودند، اما در مجلس همه به آن رأی نمیدادند؛ نمیشود گفت اینها ضد ولایت فقیه‌اند. من یادم هست که یک وقت راجع به رادیو و تلویزیون یک نظر این بود که رؤسای سه قوه، شورای عالی رادیو و تلویزیون باشند؛ همان شورای سرپرستی‌ای که سابق بود. بنده خودم با ایشان صحبت کرده بودم و میدانستم که نظرشان این است که رئیس جمهور و رئیس مجلس و رئیس قوه قضائیه، اعضای شورای سرپرستی را تشکیل بدهند. قاعده‌اش هم همین بود که وقتی میگویند سه قوه نظارت کنند که در قانون اساسی قبلی، تعبیر این گونه بود باید شورایی با این ترکیب تشکیل شود؛ آسان‌ترین وجهش این است. وقتی این پیشنهاد به مجلس آمد، آقای هاشمی آن را مطرح کردند؛ اما با اکثریت قاطعی رد شد! با اینکه ایشان هم گفتند که این نظر امام است، اما فقط عده‌ی معدودی به آن رأی دادند! واقعاً نمیشود به آن اکثریت گفت که شما ضد ولایت فقیه هستید؛ نه، همه‌شان هم فدایی امام و علاقه‌مند به امام و مخلص امام بودند؛ خیلپهانشان هم جبهه‌برو بودند؛ اما این حرف را قبول نداشتند؛ بنابراین باید واقعاً این چیزها از هم تفکیک بشود.

در دیدار با مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰ / ۱۲ / ۰۵

روحیه‌ی صحیح در اطاعت از ولی فقیه زمان

چند ماه قبل از رحلت امام (رضوان الله علیه)، مرتب از من میپرسیدند که بعد از اتمام دوره‌ی ریاست جمهوری می‌خواهید چکار کنید. من خودم به مشاغل فرهنگی زیاد علاقه دارم؛ فکر میکردم که بعد از اتمام دوره‌ی ریاست جمهوری به گوشه‌ای بروم و کار فرهنگی بکنم. وقتی از من چنین سؤالی کردند، گفتم اگر بعد از پایان دوره‌ی ریاست جمهوری، امام به من بگویند که بروم رئیس عقیدتی، سیاسی گروهان ژاندارمری زابل بشوم حتی اگر به جای گروهان، پاسگاه بود من دست زن و بچه‌ام را میگیرم و میروم! والله این را راست میگفتم و از ته دل بیان میکردم؛ یعنی برای من زابل مرکز دنیا میشد و من در آنجا مشغول کار عقیدتی، سیاسی میشدم! به نظر من بایستی با این روحیه کار و تلاش کرد و زحمت کشید؛ در این صورت، خدای متعال به کارمان برکت خواهد داد.

جهت درست موسیقی در فتوای امام

موسیقی باید به جهت درست آن کشانده بشود. شما دیدید که امام در باب موسیقی فتوای جدیدی دادند که واقعاً هیچ‌یک از فقها با این استحکام و با این صراحت در باب موسیقی نظر نداده بودند؛ این، آن موسیقی است؛ باید نگذارید به آن چیزهایی که از نظر شرع اشکال دارد، آلوده و آمیخته بشود.

شباهت شعر امام به حافظ؛ از حیث اشاره به واقعیت

بنده اکثر غزلیات حافظ را عرفانی میدانم؛ یعنی حقیقتاً او دوش دیده بود که ملائک در میخانه زدند. او مکاشفه و درکی داشت و حقیقتی را میدید که آن حقیقت با زبانهای معمولی اصلاً قابل گفتن نیست. در زبان معمولی، هر تعبیری را به‌کار ببرند، نمیتواند عظمت آن مفاهیم و حقایق را بیان کند، یا حتی به آن اشاره‌ای بکند. اشعاری که امام میسرود، با توجه به همین مفاهیم و حقایق بود. امام خمینی، یک فقیه ورع مقدّس آنطوری، میبینید که از خال لب و از کمان ابرو و امثال این واژه‌ها حرف میزد؛ اینها اشعار واقعی است.

تحقق یک معجزه توسط ملت شجاع پشت سر امام خمینی(ره)

اینکه بر اساس تعالیم و ارزشهای الهی جامعه‌ای تشکیل بشود و یک حکومت و قدرت سیاسی به وجود بیاید، خود یکی از معجزات اسلام است که در این زمان اتفاق افتاد و ملت شجاع ما پشت سر امام بزرگوار و عظیم‌الشأن توانست این واقعیت را تحقق ببخشد و معلوم شد که بحمدالله این سرآغازی برای یک حرکت عظیم جهانی است.

علت اثرگذاری سخنان امام خمینی(ره)

من یکبار داشتم به یکی از همین برنامه‌های عرفانی شما گوش میکردم، دیدم

جمله‌ای را از کتاب «چهل حدیث» امام نقل میکند؛ آن جمله برای من خیلی مؤثر و گیرا بود. عجیب است که من کتاب «چهل حدیث» امام را دارم و نگاه هم کرده‌ام؛ اما آن جمله را ندیده بودم. آن جمله راجع به این بود که انسان نباید به خدای متعال بگوید که با عدالت با من برخورد کن؛ چون خدای متعال بر او سختگیری خواهد کرد. همان عبارت ساده‌ی امام در آنجا، بسیار گیرا و مؤثر بود؛ اینها عرفان است. خود امام اهل معنا و اهل حال بود؛ آن چیزی که میگفت، واقعاً آن را احساس کرده بود؛ لذا آن چیزی هم که از او صادر شده است، همان اثر را میگذارد.

نیاز روزانه‌ی ما به فرمایشهای امام خمینی (ره)

البته آن بخشهایی از فرمایشهای امام که پیش از خبر ساعت ۱۴ پخش میشود، خیلی خوب و مناسب است.

عدم اهانت امام به مقدّسات مسلمین؛ در راستای حفظ وحدت

بد نیست من خاطره‌ای را برای شما نقل کنم؛ هرچند که به خیلی از دوستان هم این را گفته‌ام. امام یک وقت در اوایل انقلاب در سخنرانیهایشان از معاویه بصورت طعن آمیزی اسم می‌آوردند. شما میدانید که من مدتی را در بلوچستان بودم و با خیلی از علمای آنجا دوست نزدیک هستم. مردم و علمای سنی آن منطقه، معاویه را مقدّس میدانند. به امام عرض کردم که در طرف شرق کشورمان، چند صدمیلیون نفر معاویه را محترم می‌شمارند و او را خال المؤمنین میدانند- البته بحق یا به ناحق آن، مربوط به جلسه‌ی بحث است- یعنی مسلمانان هند، پاکستان، بنگلادش و افغانستان اغلب سنی حنفی‌اند؛ اینها معاویه را محترم می‌شمارند. امام گفتند عجب، من نمیدانستم! من بعد از آن در طول این ده، یازده سال یک جمله‌ی طعن آمیز از امام راجع به معاویه نشنیدم.

نیاز همگانی و همیشگی به فرمایشهای امام

واقعاً من احساس میکنم که هرکس به این یک قطره از آن مقوی فرمایش امام احتیاج

ره، رهرو، رهبر / ۳۴۹

دارد. ما باید هر روز یک قطره مصرف کنیم؛ چون آدم ویتامینش کم میشود. حرفهای مناسب و خوبی هم انتخاب میشود. البته قدری به شکل کار توجه بشود؛ گاهی احساس میشود که ناگهان وسط فرمایش امام صدا قطع میشود؛ چنین فراز و نشیبهایی هم باید ملاحظه بشود.

در دیدار با جمعی از روحانیون، ائمه‌ی جماعات و وعاظ نقاط مختلف کشور
در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان، ۱۳۷۰/۱۲/۱۴

معنای فرمایش امام در مورد پیشوایی علما در مقابل ظلم

حرکت میرزای شیرازی- که برخلاف بسیاری از حوادث صدوپنجاه سال اخیر، متأسفانه هنوز کار درست و کاملی درباره‌ی آن نشده است- یک حرکت ذوابعد و پُرمعنا و بسیار پُربرکت بوده است. آن یک سطری که میرزای شیرازی نوشت و آن روز بساط کمپانی انگلیسی را از ایران برچید و سلطه‌ی استعماری را موقتاً از کشور قطع کرد، یک مبارزه‌ی چندجانبه بود.

نمونه‌های دیگر حضور علما در صحنه‌ی سیاست

مردم ما نمیدانند که وقتی ایتالیاییها وارد لیبی شدند و آن کشور را اشغال کردند، مرحوم سیدمحمد کاظم طباطبایی- صاحب عروه- و بعضی دیگر از مراجع قم، به نفع مردم مسلمان لیبی و علیه ایتالیاییها فتوای جهاد دادند. مردم نمیدانند که وقتی انگلیسیها در بوشهر نیرو پیاده کردند، مرحوم آیت‌الله‌العظمی سید عبدالحسین لاری- آن ملای مجاهد تراز اول- اعلام جهاد داد و مردم را مسلح کرد و خودش نیز مسلح شد و پیشاپیش مردم حرکت و جهاد کرد. مردم ایران نمیدانند که مرحوم شیخ‌الشریعه‌ی اصفهانی- مرجع تقلید بزرگ ساکن نجف- فتوا داد که استعمال اجناس مصنوعه‌ی در داخل کشور لازم است و مردم باید از استفاده از مصنوعات خارجی اجتناب کنند، تا به این ترتیب دیگران در داخل کشور نفوذ نکنند. همه میدانند که در ژاپن، حدود صد سال پیش از این گفتند که مردم حق ندارند از مصنوعات خارجی استفاده کنند، تا در داخل آن

کشور چرخ اقتصاد به کار بیفتد؛ اما نمیدانند که در همان زمان، بلکه زودتر از آن، عین همین پیشنهاد و همین فتوا، از طرف مراجع و علمای شیعه صادر شد؛ منتها متأسفانه در داخل کشور، هیچ‌کس از سرجنابانها و اهل قلم و اهل سیاست و روشنفکران کمکشان نکرد! فتوای میرزای شیرازی دوم - مرحوم میرزا محمدتقی شیرازی - در مقابله‌ی با انگلیسیها، و فتوای تحریم انتخابات قلابی انگلیسیها در عراق، نمونه‌ای دیگر از حضور علما در صحنه‌ی سیاست است. آن روز مرحوم شریعت اصفهانی فتوا داد که شرکت در انتخابات قلابی انگلیسیها حرام است؛ کار سیاسی از این روشتر، از این قویتر، از این روشن‌بینانه‌تر؟ امروز مسئله‌ی آن انتخابات یواش‌یواش دارد از لابه‌لای کتابها خارج میشود! آن علما و مراجع، سلف صالح شما هستند. این است معنای آن مطلبی که امام بزرگوار ما مکرر میفرمودند که علما پیشوایان نهضت مردم علیه ظلم و استبداد در طول سالیان متمادی بوده‌اند؛ و اینهاست که به شخصیتهایی مثل مرحوم سیدحسن مدرس و مرحوم آیت‌الله کاشانی منتهی شد؛ اینها طلبه‌های همان مدرسه و شاگردان همان اساتید بودند که اینطور در ایران درخشیدند.

پیام به مناسبت حلول سال ۱۳۷۱ هجری شمسی، ۱۳۷۱/۰۱/۰۱

متحدکننده‌ی قلوب جهان اسلام

به روح مطهر امام بزرگوارمان که برانگیزاننده‌ی این شور و شوق عمومی و متحدکننده‌ی جانها و دلها در همه‌ی جهان اسلام و در منطقه بود، درود میفرستم.

در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۱/۰۱/۰۷

تشبیه اوقات رحلت امام خمینی (ره) به شهادت امیرالمؤمنین (ع)

وقتی که آن ضربت غدرآمیز بر فرق مبارک امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) وارد شد، منادی در کوفه فریاد برآورد: «تَهَدَّمَتِ وَاللَّهِ أَرْكَانُ الْهُدَى!»؛ پایه‌های هدایت ویران شد. و مردم فهمیدند که چه اتفاق افتاده است. آن محبوب دلها را، اگرچه نافرمانی‌اش میکردند، اما دوست میداشتند. کسی نمیتوانست امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) را دوست نداشته باشد. اگر

ره، رهرو، رهبر / ۳۵۱

بخواهید تصویری از آن روز را به ذهن بیاورید که خبر شهادت آن بزرگوار چه به روز مردم آورد، به یاد بیاورید آنچه را که در زمان خود ما در بیماری امام بزرگوارمان و بعد در خبر رحلت آن بزرگوار پیش آمد. دیدید چه غوغایی در دل‌های مردم به وجود آمد! این، ممکن است مقداری وضع را برای ما روشن کند. در شهر کوفه غوغایی به پا شد. اما با وجود غوغای مردم، خانواده‌ی امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) احساس غربت میکردند؛ چون میدانستند آن بزرگوار با این مردم چگونه بود و از دست آنها چه کشید.

محسوس بودن فرمایش امام در مورد علت مخالفت امریکا با جمهوری اسلامی

این، همان نکته‌ای است که امام بزرگوار ما مکرر میفرمود و ما هم این مطلب را در طول سال‌های متمادی بخوبی حس کردیم. نکته این است که مخالفت امریکا با جمهوری اسلامی، بخاطر اسلام است. چیزی که آنها از آن احساس خطر میکنند، اسلام است. این اسلام، امروز در کشورها و ملت‌های مسلمان، تجدید حیات کرده است. در پایگاه اسلام که جمهوری اسلامی است، دشمن هرچه بتواند خرابکاری کند، خواهد کرد. هرچه بتواند این کشور و این ملت را از اهداف اسلامی دور نگه دارد، تلاش خودش را خواهد کرد تا ملت‌های دیگر، به پیمودن راه اسلام تشویق نشوند.

خط امام در برخورد با دولتهای هر دوره و علت این برخورد

اگر نماینده‌ای انتخاب کردیم با این هدف که در مجلس قوانین لازم را به تصویب برساند تا مسئولین کشور و دولت منتخب مردم بتوانند کار خودشان را انجام بدهند، اما برخلاف هدف و نظر ما، از تریبون مجلس برای فحش دادن به دولت و کارشکنی علیه آن استفاده کرد، به نظر شما چگونه نماینده‌ای است؟ آیا مردم چنین نماینده‌ای خواستند و میخواهند؟! آیا روح امام این را میخواست؟! و

بینید در طول یازده سال زندگی مبارک امام در دوران انقلاب، چند دولت سر کار آمد؟ امام از همه‌ی دولتها حمایت کردند. از «دولت موقت» حمایت کردند. بعد، دولت شهید رجایی آمد؛ باز هم امام حمایت کردند. قبل از آنکه دولت شهید رجایی تنظیم

شود، حکومت بنی‌صدری بود و بعد از او، دولتی که زمان ما بود. در تمام دوره‌ها، امام (رضوان‌الله‌علیه) از کسی که مسئول و رئیس دولت بود، حمایت کردند. هر دولتی که سر کار بود و هر نخست‌وزیری که سر کار بود، امام بدون هیچ تفاوتی حمایت کردند. البته گاهی هم به دولتها اعتراض داشتند. در زمان خود ما، گاهی به دولت اعتراض داشتند که یا به وسیله‌ی بنده به آن تذکر میدادند و یا خودشان مستقیماً اعتراضشان را به آن، منعکس میکردند. ایشان در عین تذکر دادن، از دولت حمایت میکردند؛ یعنی عیبی را که بنظرشان می‌آمد، بطور خصوصی و محرمانه تذکر میدادند، اما در ملاء عام و در برابر افکار عمومی، از هر دولتی که بر سر کار بود، پشتیبانی میکردند.

من یک وقت در دوران ریاست جمهوری، خدمت امام رفتم؛ اسم فردی را به زبان آوردم و گفتم میخواهم چنین کسی را بعنوان نخست‌وزیر معرفی کنم. ایشان فرمودند: «هر کس را که شما معرفی کردید و از مجلس رأی اعتماد گرفت، من او را حمایت میکنم.» در دیدگاه امام، بین زید و عمرو، فرقی نبود. ممکن است ایشان بعضی از نخست‌وزیران یا رؤسای جمهور را شخصاً مورد علاقه‌ی خاصی قرار داده باشند؛ اما حمایت امام، مربوط به علاقه‌ی ایشان نبود. میفرمودند: «این شخص، مسئول امور کشور است و بار سنگینی به دوش کشیده و جلو میبرد. ما باید از او حمایت کنیم.» ببینید در این دوران یازده ساله، کدام یک از دولتهایی که اسم بردم، رئیسش در حد رئیس و رئیس‌جمهور فعلی ما بوده است؟! کدام یک اینقدر مورد اعتماد امام، اینقدر دارای سوابق درخشان و این اندازه دارای خدمات بزرگ در راه انقلاب بوده است؟! همه بخوبی میدانید که اگر حضرت امام در این زمان بودند، چقدر از این دولت حمایت میکردند. آن وقت مردم رأی بدهند، نماینده به مجلس بفرستند و آن نماینده، با استفاده از امکانات مجلس و از تریبون آن، علیه دولت سخن بگوید؟! دروغ بگوید و دروغ بنویسند؟!»

در اجتماع مردم مشهد مقدس و زائران حضرت ثامن‌الحجج، علی‌بن موسی الرضا (علیه‌السلام)

در روز عید سعید فطر، ۱۵ / ۰۱ / ۱۳۷۱

انقلاب امام؛ افشاگر ترس دشمنان اسلام از اسلام

من بیست، سی سال پیش از اینکه در باب مسائل شبه‌قاره‌ی هند مطالعه میکردم و

مینوشتیم، متوجه شدم در میان گروههای استقلال طلب هندوستان که علیه انگلیسیها مبارزه میکردند و میان آنها، هم مسلمان بود هم هندو و هم سیک، انگلیسیها نسبت به مسلمانان حساسیت خاصی داشتند! آنها با هندوها و سیکها کنار می آمدند، ولی با مسلمانان آبشان به یک جوی نمیرفت! لذا در وهله ی اول به سراغ مسلمانان میرفتند تا آنها را سرکوب کنند. یک لرد انگلیسی در همان روزگار گفته بود: «ما وقتی به تجربه های زمان خود مینگریم، احساس میکنیم اسلام با ما ذاتاً دشمن است!» انگلیسیها آن روز به این نتیجه رسیده بودند و بر این اساس عمل میکردند. در افغانستان همین کار را کردند، در هند همین کار را کردند و در ایران نیز همین کار را کردند. امروز هم استکبار امریکا و ایادی آن، عین همان تجربه را عمل میکنند و پیش میروند. عامل همه ی اینها هم این است که از اسلام، بیش از پیش ترسیده اند! ترس مضاعف اینها چه وقت آشکار شد؟ آن هنگام که نظام جمهوری اسلامی در ایران به رهبری قائد امت و انسان بزرگ دوران معاصر و چهره ی کم نظیر تاریخ ما، امام خمینی بزرگ رضوان الله تعالی علیه شکل گرفت و او پرچم اسلام را در این کشور برافراشت و چنین حکومت مقدسی را به وجود آورد. باورشان نمیشد که اسلام زنده شود و حکومت ایجاد کند. وقتی حکومت ایجاد شد و قدرتش را دیدند؛ نیروی نفوذ و تأثیرگذاری اش را روی انسانها دیدند؛ قدرتش را بر روی ملت های دیگر دیدند؛ بی باکیش را در مقابل تهدیدها دیدند؛ بی طمع ی و فریب نخوردنش را در برابر تطمیعها دیدند، فهمیدند حکومتی که باید با آن مبارزه کنند، این است.



زمان ابطال حرفهای استکبار علیه ارتباط امام با امت

استکبار در تبلیغات خود، شرم و حیا نمیشناسد. واضحترین دروغها را با بلندترین صداها میگوید؛ در حالی که در تمام منطقه ی خاورمیانه، هیچ نظامی وجود ندارد که پیوند میان مردم و مسئولینش به استحکام پیوند ملت و مسئولین کشور ما باشد. این را آنها میدانند. در زمان حیات امام رضوان الله علیه، عشق مردم به امام را میدانستند. با این همه، مرتب میگفتند که مردم، این رژیم را به اسم رژیم فلان؛ اسم امام را می آوردند قبول ندارند! ولی در رحلت امام، آن تشییع جنازه، آن اشک و آه، آن عزای تمام نشدنی را به

۳۵۴ / ره، رهرو، رهبر

چشم خودشان دیدند و همه‌ی حرفهایشان باطل شد. باز هم میگویند! میبینند که وقتی «روز قدس» اعلام میشود، میلیونها نفر از همه‌ی قشرها به خیابانها می‌آیند و علیه استکبار و در جهت اهداف نظام جمهوری اسلامی شعار میدهند. این را میبینند و میدانند. درعین حال، میگویند «در ایران نظام مردمی حاکم نیست!»! «دموکراسی نیست!»! «مردم از جمهوری اسلامی روگردان شده‌اند!»!

پیام به مناسبت پیروزی ملت مبارز و مسلمان افغانستان، ۱۳۷۱/۰۲/۱۲

پیش‌بینی و انتظار پیروزی افغانستان توسط امام

به روح مطهر حضرت امام خمینی(ره) که این روز^۱ را پیش‌بینی کرده و تا آخر عمر شریف خود در انتظار آن بود، درود میفرستم.

در دیدار اعضای برگزارکننده‌ی «کنگره حج»، ۱۳۷۱/۰۲/۱۶

تأثیر حضرت امام(ره) و رهبری او در توفیقات ملت ایران

همه ما باید خداوند متعال را شاکر باشیم که بحمدالله این توفیق را بار دیگر به ملت ما ارزانی فرمود که بتوانند در موسم عظیم حج و در محشر بزرگ مسلمین عالم، در جایگاه مناسب خود قرار گیرند و قیام و دعوت به حق کنند و قولاً و عملاً، راه را برای مسلمانان عالم، روشن و واضح کنند. این، توفیق بزرگی است که انقلاب به ما ارزانی داشت. رهبری آن انسان بزرگ زمان ما و آن بقیه اولیای خدا و قدرت معنوی او و عنایات الهی و توجهات ولی عصر ارواحنا فداه، این توفیق را به ملت ایران بخشید



محوریت امام؛ از مهمترین عوامل پیروزی و مقاومت انقلاب اسلامی

من اعتقاد راسخ دارم، یکی از مهمترین عواملی که موجب شد این انقلاب پیروز شود و بایستد و مقاومت کند و سختیها را پشت سر بگذارد و دشمن را ناکام سازد، این بود که محور این انقلاب، یعنی آن مرد الهی، آن انسان مؤمن و تقی زکی واقعی، با خدا در ارتباط روزافزون بود. چنین نبود که از روز اول انقلاب تا روز رحلت، امام در ارتباط با

۱ روز پیروزی افغانستان.

ره، رهرو، رهبر / ۳۵۵

خدا یک طور مشی کرده باشد. خیر؛ او هر روز در هر برهه‌ای از برهه‌های حیات، از برهه قبل بهتر بود؛ با کیفیت تر بود و در آن، به خدا نزدیکتر بود. این را انسان بخوبی احساس میکرد و اینها واقعتهایی است.

بُروز آثار عمل به تکلیف الهی در امام

وقتی ما برای خدا کار کنیم، اگر به حسب ظاهر پیشرفت کردیم، خوشنودیم. اگر پیشرفت هم نکردیم، باز هم خوشنودیم. چون برای خدا کار کرده‌ایم. چون وظیفه‌مان را انجام داده‌ایم. چون ادای تکلیف کرده‌ایم. دیدید امام بزرگوار در تمام این مدت و در قضایای مختلف، هرگز متأسف نبود؛ هرگز ناامید نبود و هرگز احساس پشیمانی نداشت! چون تکلیف برایش روشن بود و آن را فهمیده بود و برطبق آن عمل کرده بود. هرکس طبق تکلیف عمل کند، خوشحال و سرافراز است؛ بدون تأسف و اندوه است.^۱

فرمان امام به شرکت در نمازهای جماعت مسجدالحرام در راستای حفظ وحدت

اینطور نباشد که در اعمال حج، بر اثر یک اختلاف فتوای کوچک و کم‌اهمیت، برادران از هم جدا شوند و هرکس بگونه‌ای عمل کند. اینجا باید همه‌چیز حاکی از وحدت و اتحاد باشد. امام (رضوان‌الله‌علیه) توصیه کردند، امر کردند، که در نمازهای جماعت شرکت کنید. بنده هم عرض میکنم: در نمازهای جماعت در مسجدالحرام، در مسجدالنبی و نیز در مساجد دیگری که مقتضی است و متعلق به برادران اهل آن مناطق است، شرکت کنید. وحدت را نشان دهید. یکپارچگی را با عمل خودتان و با نظم و انضباط، بر محور همین دستگاهی که امروز متصدی است، ندا کنید.

۱ مضمون این مطلب در «دیدار با مردم شاهرود، ۱۳۸۵/۸/۲۰» نیز تکرار شده است.

پیام به سمینار در پاکستان، ۲۰ / ۰۲ / ۱۳۷۱

امام خمینی؛ رهبر انقلاب اسلام ناب محمدی (ص)

انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (قدس الله نفسه الزکیة) احیاگر اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) و سرآغاز تحولات عمیق و سریع در جهان و مبشر سقوط و اضمحلال قدرتها و امپراتوریهای بزرگ شد.

در دیدار اعضای «ستاد نظارت بر انتخابات» سراسر کشور، ۲۳ / ۰۲ / ۱۳۷۱

دعوت امام به همکاری برای بازسازی خرابیها

امام، روزی که به تهران تشریف آوردند، در بهشت زهرا فرمودند: «اگر بیست سال، آحاد این ملت، با هم همکاری کنند، شاید بتوانند این خرابیها را مرتفع کنند.» آن روز، خرابیهای جنگ هنوز نبود؛ خرابیهای بمبارانها هنوز نبود. پس، همه باید همکاری کنند تا کشور را پیش ببرند و نجات دهند.

بی توجهی واقعی امام به مقامات اسمی دنیوی

هرکس، در هر نقطه و هر جا قرار دارد، نباید کینه‌ای، کدورتی و گله‌ای از کسی در دل داشته باشد. نباید هر چیزی را مقامی فرض کند و بخواهد دیگری را تحقیر کند. امام، آن حکیم بزرگ و فرزانه، انصافاً با همه‌ی وجود حس میکردند که این مقامات اسمی، چیزی نیست. مقام عظیم خودشان را که همان مقام رهبری بود و دنیا در مقابل آن خاضع بود، به چشم کوچکی نگاه میکردند و میگفتند: چیزی نیست. حال این چیزهایی که ما با آنها سروکار داریم که جای خود دارد!

پیام به مناسبت افتتاح چهارمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۰۷ / ۰۳ / ۱۳۷۱

وظیفه‌ی مجلس در قبال خط امام و نتایج تمسک به آن

مجلس انقلاب، در همه حال باید منادی شعارهای اصولی انقلاب و پاسدار راه و خط ترسیم شده‌ی معمار و بنیانگذار انقلاب، حضرت امام خمینی اعلی الله مقامه باشد. این، تنها راهی است که به نجات و رستگاری کشور عزیز ما از آثار روزگار سیاه سلطه‌ی

ره، رهرو، رهبر / ۳۵۷

بیگانگان می‌انجامد و زخمهای کهنه‌ی دوران ستمشاهی را التیام میبخشد و رشته‌های ننگین وابستگی و محرومیت را که در گذشته، بیگانگان؛ بخصوص انگلیس و امریکا و مزدورانشان بر دست و پای این ملت بزرگ تنیده بودند، بکلی باز میکند.

مأموریت ویژه به مجلس در اعلان پایبندی به خط امام

در سیزده سال گذشته، همیشه قدرتهای مداخله‌گری که از انقلاب سیلی خورده و از ایران رانده شده‌اند، سعی کرده‌اند ملت و دولت را از پیمودن این راه منصرف کنند، و همیشه هم شکست خورده‌اند. مجلس چهارم، که محور تبلیغات زهرآگین رسانه‌های استکباری و هدف خدعه‌های جنجالی آنان بوده، بطور ویژه موظف است که سرسپردگی خود را به امام همیشه فریادگر خود و پایبندی‌اش را به راه و خط امام و بیزاری خود را از سلطه‌ی امریکا، در هر فرصت و موقعیتی، با زبان و عمل، آشکار سازد.

در دیدار مهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام(ره)، ۱۳/۰۳/۱۳۷۱

حرکت در خط امام؛ تنها راه نجات و رستگاری جهان اسلام

اگر امروز به تبلیغات دنیا نگاه کنید، میبینید اصرار بر این است که روش ایران و امام(رضوان‌الله تعالی‌علیه)، در نظر مردم و مسلمین عالم و بخصوص ملت‌های به‌پاخاسته و مسلمانان در کشورهای بیدار شده، یک «ضد‌ارزش» تلقی شود. وقتی میخواهند کسانی را در جایی متهم کنند، میگویند: «اینها درصددند تا حکومتی مانند ایران درست کنند، یا خطی پیرو خط امام را مشی کنند.» بعضی هم ممکن است از روی ساده‌دلی، در گوشه و کنار دنیا دستپاچه شوند و انکار کنند که «نه! ما در پی راه امام و جمهوری اسلامی و روش ایران اسلامی نیستیم.» لکن حقیقت این است که دنیای اسلام، هیچ چاره‌ای جز این ندارد که خط ایران اسلامی و راه امام را مشی کند. اگر مسلمانان- در هر جای عالم- و پیروان راستین اسلام، درصدد نجاتند؛ اگر میخواهند سلطه و قدرت شیطان بزرگ را دفع کنند؛ اگر ملت‌های مسلمان بخواهند راه رستگاری خودشان را دنبال کنند و اگر میخواهند خودشان را از فشار تحمیل امریکا و آسیبهایی که سلطه‌های جهانی بر ملتها

وارد می‌آورند آسوده کنند، راهی جز این ندارند که همان خطی را که امام در پیش پای ملت ایران گذاشت و خود با قدرت پیمود، بپیمایند؛ همان راهی که ملت ایران، به برکت استقامت در پشت سر امام بزرگوار خود پیمود.

رمز اساسی پیشرفت و موفقیت‌های الهی امام

ممکن است کشوری در فکر پیاده کردن و زنده کردن اسلام هم باشد؛ اما اگر روح ایستادگی و انعطاف‌ناپذیری در مقابل قدرت مسلط امریکا در آن نباشد، بتدریج از اسلام هم جدایش خواهند کرد! یک نظام ممکن است در آغاز کار، شیرینترین و براقت‌ترین شعارها را هم مطرح سازد و بر اساس آن شعارها حتی حرکت را شروع کند. اما اگر روح تسلیم‌ناپذیری در مقابل فشار همه‌جانبه‌ی قدرتهای استکباری، در آن ملت، آن رهبری و آن کشور نباشد، این شعارها را، یکی یکی از دست آنها خواهند گرفت! مگر استکبار حد می‌شناسد؟! مگر استکبار در نقطه‌ای متوقف می‌شود؟! رمز اساسی کار و پیشرفت امام و موفقیت‌های الهی آن مرد بزرگوار و رهبر استثنایی، در این بود که دشمن را شناخت و با همه‌ی قدرت و استقامت، بدون کمترین اعتماد به او و تسلیم در مقابل او، ایستاد.

آن روز، دو ابرقدرت بودند و این دو ابرقدرت، با وجود اینکه از صد مسئله‌ی جهانی در نود مسئله اختلاف داشتند، اما در یک نقطه با هم موافق بودند و آن، فشار بر ایران اسلامی و نظام انقلابی ما بود. لذا شما دیدید که رژیم عراق در جنگ هشت ساله‌اش با ما، از سلاح روسی و امریکایی و فرانسوی و انگلیسی و برزیلی و از همه‌ی نقاط عالم توانست استفاده کند. یعنی همه به او کمک کردند؛ همه علیه ایران اسلامی، پشت سر او قرار گرفتند؛ همه با ایران در حال خصومت و محاربه بودند و این دو ابرقدرت، در مقابل اسلام انقلابی، به جد با یکدیگر همکاری داشتند. اما امام یک لحظه دچار تردید نشد؛ چون به راه خود ایمان داشت؛ به خدا متکی بود و به این ملت باور داشت. ملت هم امام خود را قبول داشت؛ او را شناخته بود و پشت سرش ایستاده بود. همه‌ی اینها عامل آن شد که این کشور و این نظام و آن رهبر و این ملت، در مقابل امریکا و شوروی آن روز- که امروز وجود خارجی ندارد- و همه‌ی اروپا و دیگران ایستادند. این، راز قضیه است.

میراث امام برای مسلمانان عالم برای مصونیت از سلطه

شما برادران و خواهران از نقاط مختلف دنیا آمده‌اید؛ از میان نظامهای گوناگون، با سنتهای متفاوت و آداب و عادات مختلف، اما با دلبستگی واحد؛ یعنی اسلام. اگر میخواهید در پیروزی اسلام موفق شوید؛ اگر میخواهید فشار امریکا و سایر قدرتها را از روی خودتان برطرف و یا کم کنید و اگر میخواهید از سلطه‌ی ابزارها و آلات دست سیاستمداران قلدر عالم مصون بمانید، علاج این همه در یک کلمه است؛ کلمه‌ای که تجربه‌ی ایران اسلامی و میراث امام برای مسلمانان عالم است و آن، تسلیم نشدن در مقابل امریکاست. اگر بتوانید این ایستادگی را پیدا کنید و روشهای فشار آنها را بشناسید و در مقابل همه‌ی آنها بایستید، پیروزی شما تضمین شده و حتمی است.

وظیفه‌ی همه‌ی مسلمین در مورد خط امام

امیدواریم که ملت عزیز ایران و دیگر ملتهای مسلمان در سراسر عالم، بتوانند راه و خط امام را که همان راه اسلام است بدرستی بشناسند، و آن را بخوبی بپیمایند.

پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳/۰۳/۱۳۷۱

تلاش امام در ارائه‌ی تصویری روشن از حج ابراهیمی

باید با تلخی اذعان کرد که شکل کنونی انجام این فریضه‌ی الهی، با وضعیت مطلوب آن، فاصله‌ی زیادی دارد. امام راحل عظیم‌الشأن، تلاش مؤثری در این جهت مبذول داشت و تصویر روشنی از حج ابراهیمی، حج عظمت و عزت آفرین و حج سازنده و تحول‌دهنده، در برابر چشم امت اسلامی قرار داد، که در همان اندازه، تاکنون منشأ برکات فراوانی در جهان اسلام شده است. لیکن با این همه گسترش، این اندیشه و این نحوه‌ی عمل در همه‌ی ملتهای مسلمان، نیاز به مجاهدت مخلصانه‌ی علمای دینی و روشن‌بینی و مساعدت دولتمردان همه‌ی کشورهای اسلامی دارد و امید است که این وظیفه‌ی بسیار اساسی، مورد توجه و عمل آنان قرار گیرد.

معرفی راه امام و آثار آن به همهی ملتها

امام خمینی عظیم قدس الله نفسه الزکیه، ملت ایران را بیدار و مسلح به عزم پولادین و عمل مخلصانه کرد. و این راه، هم اکنون در برابر همهی ملتها قرار دارد.

در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام(ره)، ۱۴/۰۳/۱۳۷۱

تسلیت رحلت امام

سومین سالگرد رحلت بنیانگذار عظیم الشان جمهوری اسلامی و پرچمدار بزرگ اسلام و قرآن در تاریخ معاصر، یادآور آن روزهای تلخ و آن مصیبت جانگداز، برای ملت ایران و همهی ملتهای مسلمان و همهی مستضعفان جهان است. بنده اولاً لازم میدانم این مصیبت بزرگ را، که گذشت زمان از عظمت آن نمیکاهد، به محضر منور ولی عصر، امام زمان ارواحنا له الفداء، تسلیت عرض کنم. همینطور به ملت مسلمان ایران و همهی دوستان و ارادتمندان این بزرگوار در سراسر عالم. همچنین تسلیت عرض کنم به فرزند بزرگوار ایشان، جناب حجت الاسلام آقای حاج سیداحمد آقا، که یادگار ارزندهی آن بزرگوار هستند. به مناسبت این اجتماع عظیم شما، مطالبی را عرض میکنم.

موفقیت استثنایی ملت در امتحان تداوم راه و خط امام

این حادثه، از جهات مختلفی، دارای اهمیت بود. یکی از آن جهات که شاید مهمترین آنها هم محسوب میشد، این بود که ملت ایران در این حادثه، در برابر یک آزمایش بسیار بزرگ قرار گرفت. این انقلاب و این نظام و حرکت مردم پشت سر امام، برای مسلمانان عالم، بلکه برای بسیاری از ملتها، یک الگو و نمونه بود. قهراً با فقدان امام بزرگوار، این حالت و نگرانی، در فضای عالم به وجود می آمد، که ملت ایران، پس از فقدان امام و قلب تپندهی این نظام اسلامی، چگونه حرکت خواهد کرد؟ آنچه که من امروز بعد از سه سال از گذشت این حادثه، میتوانم با جرأت بگویم، این است که ملت ایران، در این حادثه و پس از آن، یکی از بهترین امتحانها را داد. حقیقتاً این حرکت ملت در تداوم راه و خط امام، مانند سایر مجاهدتهای ملت بزرگ ایران در اصل انقلاب، در جنگ تحمیلی و در آزمایشهای گوناگون، یک حرکت استثنایی و به یادماندنی بود.

معرفی رئیس مطالب در مورد خط امام

من در این فرصت، مایلم رئیس جهت‌گیریهای ملت ایران را، که در حرکت عمومی مردم، در حرکت دولت و در حرکت مسئولین نظام، مجسم شده است و دقیقاً منطبق با همان خط و جهت‌گیری‌ای است که امام برای ما ترسیم کرده بودند، به اجمال عرض کنم و سپس نگاهی به آینده بیندازم و این فرصت بسیار مهم را، که مقطعی برای نظام ماست، با چشم‌انداز روشنی شروع کنیم.

من رئیس مطالبی را در خصوصیات این خط و این جهت‌گیری - که ما به آن «خط امام» می‌گوییم و مشخصه‌ی حرکت نظام جمهوری اسلامی در ده سال حیات بابرکت امام بوده است - عرض می‌کنم:

معنای خط امام

خط امام، یعنی آن مسلک و سلوک حکومتی امام امت. یعنی چیزی که تفسیرکننده‌ی نظام جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی، میتواند با جهت‌گیریهای مختلفی تحقق یابد. آنچه که این جهت‌گیریهای را به صواب نزدیک میکند و مورد قبول و اعتقاد امام (رضوان‌الله تعالی علیه) بوده است، اینهاست:

اول، ایستادگی در برابر تحمیل و نفوذ قدرتهای خارجی و نداشتن سرسازش با این قدرتها. این، اولین مشخصه‌ی حرکت امام بزرگوار ماست.

دوم اهتمام به تعبّد و عمل فردی و ایستادگی در برابر سلطه‌ی شیطان نفس و وسوسه‌های نفسانی. این دو مطلب بزرگ و این دو میدان مبارزه را، امام از هم جدا نمیکردند و در صحنه‌ی اجتماع و سیاست، در مقابل شیطان بزرگ و شیطانهای قدرت می‌ایستادند. در صحنه‌ی روان آدمی و درون وجود انسان، امام با نفس مبارزه میکردند و اصرار بر تعبّد و عمل اسلامی و فردی و شخصی داشتند.

سوم، اهمیت دادن به توانایی ملتها و «اصل» دانستن آنها بود. امام با ملتها سخن میگفتند و معتقد بودند که تحولات بزرگ عالم، اگر بدست ملتها انجام گیرد، غیرقابل شکست است و ملتها میتوانند در دنیا تحول ایجاد کنند و محیطهای خودشان را عوض نمایند.

چهارم، اصرار بر وحدت مسلمین و مبارزه با تفرقه‌افکنی استکبار. پنجم، اصرار بر ایجاد روابط سالم دوستانه با دولتها؛ مگر استثناهایی که هرکدام استدلالی قوی پشت سرش بود. امام به ما یاد دادند که جمهوری اسلامی، در سطح عالم میتواند و باید از روابط سالمی با دولتها برخوردار شود. البته رابطه با امریکا مردود است؛ به سبب اینکه امریکا یک دولت استکباری و متجاوز و ظالم است و با اسلام و جمهوری اسلامی در حال معارضه و محاربه است. ارتباط با رژیم صهیونیستی و نیز ارتباط با رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی مردود است؛ اما رابطه با بقیه‌ی دولتها، بسته به مصالح نظام جمهوری اسلامی است و اصل بر ایجاد ارتباط است.

ششم، اصرار بر شکستن حصار تحجر و التقاط در فهم و عمل اسلامی و التزام به اسلام ناب. هم تحجر، از دیدگاه امام- در بیان و عمل- مردود بود، هم التقاط. هفتم، نقش محوری دادن به نجات محرومین و تأمین عدالت اجتماعی. همیشه، مردم در چشم امام، «اصل» بودند. در منطق و در خط حکومتی امام امت، محرومان و مستضعفان محور تصمیم‌گیریها محسوب میشدند و همه‌ی فعالیتهای اقتصادی و امثال آن، بر محور نجات محرومین از محرومیتها بود.

هشتم، توجه ویژه به مبارزه با رژیم اشغالگر قدس و رژیم غاصب صهیونیستی بود. مبارزه با اسرائیل، جایگاه خاصی در منطق امام- در راه و رسم حکومتی- داشت. از اموری که در نظر امام امت به هیچ‌وجه برای ملت‌های مسلمان قابل اغماض نبود، مبارزه‌ی با صهیونیستها بود؛ چون امام بزرگوار، نقش ویرانگر و مخرب این رژیم تحمیلی را از سالها پیش از پیروزی انقلاب، بدرستی تشخیص داده بودند. نهم، حفظ وحدت ملی و ایجاد یکپارچگی در میان ملت ایران و اصرار بر مقابله و مبارزه با هر شعار تفرقه‌افکنانه.

دهم، حفظ مردمی بودن حکومت و ایجاد رابطه با مردم و حفظ ارتباط با آنها. لذا امام، هم به مسئولین سفارش میکردند که «از مردم جدا نشوید؛ با مردم باشید؛ زی مردم را داشته باشید؛ به فکر مردم باشید» و خلاصه، رابطه را از طرف مسئولین تأمین میکردند، هم متقابلاً به مردم سفارش مسئولین و دولتها را میکردند. یعنی امام با کسانی که ارگانهای نظام و دولت را تضعیف مینمودند، به نحوی از انحاء مقابله میکردند.

یازدهم، اصرار بر سازندگی کشور و تحویل یک نمونه‌ی عملی از کشور و جامعه‌ی اسلامی به جهان، که در ماههای آخر عمر بابرکت امام، جایگاه مهمی داشت. بر این اصرار داشتند که کشور باید از لحاظ اقتصادی، از لحاظ کارهای زیربنایی و از لحاظ موارد درآمد، بازسازی شود و برای مردم، نمونه‌ای عینی و عملی از سازندگی اسلامی ارائه گردد.

آن مواردی که به اعتقاد بنده رئوس و خطوط اصلی بینش امام و سلوک عملی و حکومتی ایشان بود، اینهاست. هرچند ممکن است بعضی موارد هم از دید بنده مخفی مانده و مورد غفلت قرار گرفته باشد.

تهمت و دروغ بزرگ دشمن مبنی بر دوری ملت و دولت از خط امام

من میخواهم عرض کنم: ملت ایران و دولت جمهوری اسلامی، در این سه سال، همه‌ی تلاششان را کردند که همین راه را دنبال کنند و به فضل الهی و به توفیق خداوند متعال، موفق هم شده‌اند. تبلیغات از سوی استکبار جهانی متوجه این است که به مردم دنیا، وانمود کند که بعد از رحلت امام، دوران دیگری در زندگی مردم ایران شروع شده است. اما ملت ایران، حقایق را مشاهده میکند و همه چیز را از نزدیک میبیند. من صریحاً اعلام میکنم که این، یک دروغ بزرگ است. این، اهانت به ملت ایران است. این، تهمت به ملت عظیم‌الشانی است که پشت سر امام خود، همه‌ی بندهای استکباری را گشود و سست کرد و مورد تهدید قرار داد. ملت، راه نجات خود را ادامه‌ی راه امام میدانند. ملت ایران، خطر را بدرستی شناخته است. برای ملت و انقلاب ما، بزرگترین خطر، خطر نفوذ استکبار و قدرتهای جهانی و بطور خاص، خطر نفوذ ابرقدرت مهارگسیخته‌ی امریکاست. ملت ما خوب میفهمد و خوب میداند که استکبار، کمین گرفته بود تا امام از میان مردم برود و بتواند به گمان خود، این قلعه‌ی عظیم را که دیگر دیده‌بان و نگهبان بزرگی مثل امام ندارد، هدف قرار دهد. داغ این آرزو را، ملت ما به دل استکبار جهانی و امریکا گذاشت و بعد از این هم، ان‌شاءالله همیشه خواهد گذاشت.

پاداش باقی ماندن در خط امام

در قانون طبیعت عالم و در سنت الهی، این کارها بی جواب نمیماند. از جمله ی پاداشهای خداوند در این سه سال، قدمهای بلندی بود که برای سازندگی کشور برداشته شد. مسئولین دلسوز تلاش کرده اند و کارهای بزرگی انجام شده است. ان شاءالله این کارها باید ادامه پیدا کند، و روزبه روز، کشور به سمت سازندگی و همان هدفهایی که امام بزرگوار برای آن داشتند، پیش برود.

راه آینده ی ملت ایران؛ راه امام و انقلاب اسلامی

اما نگاهی هم به آینده بیندازیم. راه ملت ایران در آینده چیست؟ در یک جمله، بطور خلاصه باید بگوییم که راه ملت ایران در آینده، همان راه امام و انقلاب و ایستادگی و مقاومت در مقابل تحمیل ابرقدرتها و دفاع از مستضعفین و مظلومین و دفاع از اسلام و قرآن و برافراشتن پرچم اسلام و قرآن در سطح عالم است.

با اسلام بشدت مبارزه میکنند و از همه بیشتر، از جمهوری اسلامی داغدار و ناراحتند. میدانند که این جمهوری اسلامی و ایستادگی آن امام بزرگوار بود که ملتها را بیدار کرد؛ به آنان امید داد و آنها را به حرکت تشویق کرد. لذا با جمهوری اسلامی بشدت بدند. امروز در دنیای ما، این یک حقیقت است. در کنار این حقیقت - ملت ایران درست توجه کند و ملتهای مسلمان بدانند - حقیقت دومی قرار دارد و آن این است که اراده، ایستادگی، مبارزه و تسلیم ناپذیری ملتها، بر تمام توطئه های استکباری، تا امروز غلبه کرده است و بعد از این هم غلبه خواهد کرد. در مقابل بدخواهی و بددلی دشمن، تنها راهی که وجود دارد، ایستادگی ملتهاست. همچنانی که ملت ایران، این را تجربه کرد و ایستاد.

ایستادگی در عمل به فرموده های امام؛ راه رسیدن به پیروزی نهایی

تنها راه، ایستادگی است. ملت ایران، همچنان که امام فرموده بود، باید متحد باشند. همچنان که امام فرموده بود، باید پایبند به اسلام باشند. همچنان که امام فرموده بود، باید

ره، رهرو، رهبر / ۳۶۵

در راه سازندگی بکوشند. همچنان که امام فرموده بود، باید پشت سر مسئولین باشند. همچنان که امام فرموده بود، مسئولین و ملت، باید از قدرتها نترسند؛ از امریکا نترسند؛ از دشمنیها نترسند و به خدا اتکا کنند. و همچنان که امام فرموده بود، امیدوار باشند که این راه، به پیروزی ما منتهی خواهد شد.

تمسک به خط امام پس از رحلت امام و ضرورت تداوم آن

من، صمیمانه از یکایک شما ملت عزیز تشکر میکنم. و در حضور این روح بزرگوار، این روح ملکوتی، که حتماً ناظر و حاضر است و کار شما را میبیند و اجتماع ما را میفهمد و حس میکند و از خوشبختی و حرکت توأم با صلاح شما خشنود میشود، پیش پروردگار عالم شهادت میدهم که این ملت، با صداقت و صفا، پشت سر امام، در خط امام بزرگوار و برای اسلام حرکت کرد، و از هیچ تلاشی فروگذار و مضایقه نکرد.

ارائه‌ی مواضع مورد پسند امام، توسط خانواده‌ی امام

من در حضور امام بزرگوارمان و در پیشگاه خداوند متعال، باید از این عزیزان تشکر کنم. از بیت معظم این رجل ملکوتی و از فرزند عزیز ایشان، جناب آقای حاج سیداحمد آقا، لازم است بخاطر مواضع صادقانه و دلسوزانه‌ای که ایشان در این مدت سه سال داشتند، تشکر کنم. ایشان همان چیزی را که امام میپسندیدند، آنچه را که امام از اهل و خانواده‌ی خود انتظار داشتند، همان را نشان دادند و ارائه کردند. در همان راه حرکت کردند؛ برای خدا سخن گفتند؛ برای خدا کار کردند و امیدواریم إن شاء الله موفق باشند.

قدردانی از پایبندی همه‌ی ارگانها به خط امام

من از همه‌ی ارگانهای جمهوری اسلامی، بخاطر پایبندیشان به معیارها و موازین خط امام، تشکر میکنم. از قوه‌ی قضائیه، از قوه‌ی مقننه، از مسئولین و اعضای آنها؛ بخاطر اینکه همه‌ی دستگاههای کشور، یک معیار اساسی دارند و آن، اسلام ناب است و مجسم‌کننده‌ی اسلام ناب، یعنی امام امت (رضوان الله علیه) و خط و راه او. این، چیز باارزشی

است. ملت و دولت، همینطور فکر و همینگونه عمل میکنند. بنده انتظار دارم در آینده هم، ملت ما همینطور حرکت و مشی کند. پشت سر مسئولین، کمک‌کار مسئولین، دلسوز مسئولین، و صمیمی و ناصح نسبت به مسئولین باشد. از مسئولین هم انتظار دارم همین راه را ادامه دهند.

محوریت محرومین و پابرهنگان در تمام فعالیت‌های نظام

بخصوص طبقات محروم، پابرهنگان و مستضعفین جامعه، باید برای تمام تلاشها و فعالیتها محور و معیار باشند. کسانی که به تعبیر امام، صاحبان این کشورند؛ کسانی که جنگ را، بسیج را، دفاع فداکارانه در مقابل تجاوز دشمن را، با جان خودشان تحمل کردند. همه چیز باید برای آنها و در جهت منافع آنها باشد. امیدواریم خداوند همه‌ی ما را موفق بدارد.

در دیدار نمایندگان دوره‌ی چهارم مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۱/۰۳/۲۰

درس مکرر امام در انجام تکلیف و کار برای خدا

اگر شما برای خدا کار کردید و در راه خدا قدم برداشتید، خدا مشکل شما را با مردم، حل خواهد کرد. راه، این است. یعنی اگر انسان، حتی قصد جلب نفوس را هم داشته باشد، راهش این است که با صمیمیت عمل کند. اما ما باید قصدمان از این هم بالاتر باشد. ما باید تکلیفمان را انجام دهیم. امام این را به ما یاد داد. امام این درس را مکرر تکرار کرد.



شادکننده‌ی روح مطهر امام

امیدواریم خدای متعال، به شما برادران و خواهران عزیز کمک کند. به شما توفیق دهد و همه‌ی ما را هدایت کند تا بتوانیم آن چیزی را که وظیفه‌ی سنگین ماست، در این دوران انجام دهیم، و روح مقدّس امام بزرگوارمان را شاد کنیم. یعنی توصیه‌های ایشان، همچنان در فضای جامعه‌ی ما زنده بماند؛ چون عمل به توصیه‌های ایشان است که روح مطهرشان و ارواح مقدّس شهدا را شاد خواهد کرد.

فرمایش امام مبنی بر دست نیافتنی بودن امام علی(ع)

امام(رضوان الله تعالی علیه) هم فرمودند، و همه‌ی ما هم گفتیم: بدیهی است که ما به امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام، نمی‌رسیم. بدیهی است که بشر معمولی، نه در این زمان، نه حتی در آن زمان، قادر بر این نیست و نبود که مثل آن بزرگوار، مشی کند، یا عدالت را آنگونه اجرا کند و یا آنطور زندگی کند. موضوع این است که آن حضرت نمونه‌ی کاملند. باید تلاش کنیم خودمان را به آن نمونه‌ی کامل نزدیک و شبیه‌تر کنیم.

در دیدار فرماندهان گردانها، گروهانها و دسته‌های عاشورای نیروهای مقاومت بسیج سراسر کشور، در سالروز شهادت امام سجاد(ع)، ۱۳۷۱ / ۰۴ / ۲۲

عبرت از جامعه‌ی پیامبر(ص) برای مراقبت از جامعه‌ی شاگرد پیامبر(ص)

ما امروز یک جامعه‌ی اسلامی هستیم. باید ببینیم آن جامعه‌ی اسلامی، چه آفتی پیدا کرد که کارش به یزید رسید؟ چه شد که بیست سال بعد از شهادت امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام، در همان شهری که او حکومت میکرد، سرهای پسرانش را بر نیزه کردند و در آن شهر گرداندند؟! کوفه یک نقطه‌ی بیگانه از دین نبود! کوفه همانجایی بود که امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) در بازارهای آن راه میرفت؛ تازیانه بر دوش می‌انداخت؛ مردم را امر به معروف و نهی از منکر میکرد؛ فریاد تلاوت قرآن در «آناء اللیل و أطراف النهار»^۱ از آن مسجد و آن تشکیلات بلند بود. این، همان شهر بود که پس از گذشت سالهایی نه‌چندان طولانی در بازارش دختران و حرم امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) را، با اسارت میگرداندند. در ظرف بیست سال چه شد که به آنجا رسیدند؟ اگر بیماری‌ای وجود دارد که میتواند جامعه‌ای را که در رأسش کسانی مثل پیغمبر اسلام و امیرالمؤمنین بوده‌اند، در ظرف چند ده سال به آن وضعیت برساند، این بیماری، بیماری خطرناکی است و ما هم باید از آن بترسیم. امام بزرگوار ما، اگر خود را شاگردی از شاگردان پیغمبر اکرم صلوات الله و سلامه علیه محسوب میکرد، سر فخر به آسمان میسود. امام، افتخارش به این بود که بتواند احکام پیغمبر را درک، عمل و تبلیغ کند. امام ما کجا، پیغمبر کجا؟! آن جامعه را پیغمبر

۱ سوره‌ی طه، آیه‌ی ۱۳۰.

ساخته بود و بعد از چند سال به آن وضع دچار شد. این جامعه‌ی ما خیلی باید مواظب باشد که به آن بیماری دچار نشود. عبرت، اینجاست! ما باید آن بیماری را بشناسیم؛ آن را یک خطر بزرگ بدانیم و از آن اجتناب کنیم.

احیاء دوباره‌ی اسلام؛ معنای واقعی بر سر کار آمدن امام الهی

انقلاب اسلامی، یعنی زنده کردن دوباره‌ی اسلام؛ زنده کردن «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ»^۱. این انقلاب آمد تا این بساط جهانی را، این ترتیب غلط جهانی را بشکند و ترتیب جدیدی درست کند. اگر آن ترتیب مادی جهانی باشد، معلوم است که شهوت‌رانی‌های فاسد روسیاه و گمراهی مثل محمدرضا باید در رأس کار باشند و انسان با فضیلت منوری مثل امام باید در زندان یا در تبعید باشد! در چنان وضعیتی، جای امام در جامعه نیست. وقتی زور حاکم است، وقتی فساد حاکم است، وقتی دروغ حاکم است و وقتی بی‌فضیلتی حاکم است، کسی که دارای فضیلت است، دارای صدق است، دارای نور است، دارای عرفان است و دارای توجه به خداست، جایش در زندانها یا در مقتل و مذبح یا در گودال قتلگاه‌هاست. وقتی مثل امامی بر سر کار آمد، یعنی ورق برگشت؛ شهوترانی و دنیاطلبی به انزوا رفت، وابستگی و فساد به انزوا رفت، تقوا بالای کار آمد، زهد روی کار آمد، صفا و نورانیت آمد، جهاد آمد، دلسوزی برای انسانها آمد، رحم و مروت و برادری و ایثار و از خودگذشتگی آمد. امام که بر سر کار می‌آید، یعنی این خصلتها می‌آید؛ یعنی این فضیلتها می‌آید؛ یعنی این ارزشها مطرح میشود. اگر این ارزشها را نگه داشتید، نظام امامت باقی میماند.

در دیدار علما و روحانیان، ۱۳۷۱ / ۰۵ / ۰۷

شناخت سلطه کفر و استکبار جهانی؛ بزرگترین تکلیف مسلمین از نظر امام

اگر در شناخت دشمن اشتباه کردیم، در جهتی که از آن جهت، اسلام و مسلمین خسارت میبینند و به آنها حمله میشود، دچار اشتباه شده‌ایم. خسارتی که پیدا خواهد شد، جبران‌ناپذیر است. فرصتهای بزرگ از دست میرود. امروز ما در دنیای اسلام، مکلفیم که

۱ سوره‌ی حجرات، آیه‌ی ۱۳. گرامی‌ترین شما نزد خدا باتقواترین شماست.

همین هشیاری و توجه و دشمن‌شناسی و تکلیف‌شناسی را به اعلا درجه ممکن، برای امت اسلام، جهان اسلام و ملت خودمان تدارک ببینیم. امروز با توجه به تشکیل حکومت اسلامی و برافراشته شدن پرچم اسلام چیزی که در طول تاریخ اسلام، بعد از صدر اول تا امروز سابقه ندارد چنین امکانی در اختیار مسلمانان است. امروز ما دیگر حق نداریم در شناخت دشمن اشتباه کنیم. حق نداریم در آگاهی نسبت به جهت و حمله تهاجم، دچار اشتباه شویم. لذا، از اول پیروزی انقلاب تا امروز، همه‌ی تلاش امام بزرگوار و دیگر کسانی که در راه آن بزرگوار حرکت کردند *عَلَى اِخْتِلَافِ مَرَاتِبِهِمْ*: برحسب امکان و توانایی و بینش‌شان این بوده است که معلوم شود در دنیای امروز، برای مسلمانان، برای جامعه‌ی اسلامی در ایران و برای پایه‌های عدل و حق، چه تهدیدی از همه بالاتر و چه دشمنی از همه خطرناکتر است؟ امروز هم، مثل تمام این سالهای متمادی، دشمنی اساسی، حمله بزرگ و خطر بنیان‌کن از سوی سلطه‌ی جهانی و سلطه‌ی کفر و استکبار جهانی است. این، بزرگترین خطری است که اسلام و مسلمین را تهدید میکند.

در دیدار وزیر، معاونین و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور، ۲۱/۰۵/۱۳۷۱

اسلام؛ عِلَّتِ اصْلِی عَشْقِ مَرْدَمِ بَه اِمَامِ خَمِیْنِی (ره)

یک روز امام فرمود: «امروز اسلام محتاج کمک شما جوانهاست.» بعد از ظهرش بنده به خیابانها آمدم و کاری داشتم. دیدم مثل روزهای اول انقلاب شده و مردم به طرف پاوه در حرکتند. این ماجرا و این صحنه، بارها تا آخر جنگ تکرار شد. هر وقت که اسم اسلام و فرمان امام به گوش مردم میرسید فرمان امام، فرمان اسلام بود و مردم برای امام بخاطر اسلام اهمیت قائل بودند ناگهان میدیدید این ملت، به جوش و خروش درمی‌آید. جوانان شهر را، ده را، دانشگاه را، بازار را، کار و کسب را، میدان فوتبال را، همه را رها میکنند و میروند. برای چه؟ برای اینکه جانشان را در معرض خطر مرگ بگذارند! این شوخی نیست! دشمن که کور نبود. دشمن اینها را دید، دشمن اینها را تحلیل کرد و فهمید این ملت عقبه‌ای دارد. فهمید تا آن عقبه هست، این ملت را با محاصره‌ی اقتصادی و با محاصره‌ی نظامی و یا چه و چه، نمیشود به زانو درآورد. پس، آن عقبه را باید بمباران کرد؛ فرهنگ او را، اخلاق او را، ایمان او را، ایثار او را، اعتقاد به دین او را، اعتقاد

۳۷۰ / ره، رهرو، رهبر

به رهبری او را، اعتقاد به قرآن و جهاد و شهادت او را؛ اینها را باید از بین برد. و شروع کرد.

در دیدار گروه کثیری از آزادگان، ۱۳۷۱/۰۵/۲۶

تلاش خستگی‌ناپذیر و انجام بزرگترین کارها تا آخرین لحظه

امام عزیز ما، آن روز که به رحمت الهی و به جوار رحمت حق رفت، یک مرد حدوداً نود ساله بود. تا آن زمان، ایشان تلاش و فعالیت میکرد. ایشان نمیگفت «من کار خودم را کردم و این انقلاب را به پیروزی رساندم؛ حالا بقیه بروند زحمات دیگرش را بکشند.» نه! رنجهای بزرگ و غصه‌های بزرگ، مال آن بزرگوار بود. باز هم بزرگترین کارهای ما را ایشان میکرد؛ مثل مسئله‌ی جنگ؛ تصمیم‌گیری در سرنوشت جنگ و بسیاری از دیگر مسائل بزرگ کشور. تصمیم‌گیری را ایشان میکرد.

در دیدار اعضای انجمنهای اسلامی ادارات، کارخانه‌ها و بیمارستانهای سراسر کشور، ۱۳۷۱ / ۰۶ / ۰۴

تعبیر امام از افراد فرصت‌طلب و دورو

فرصت‌طلبها، سوءاستفاده‌گرها، بدخواهان و بددلان به ظاهر خوب و در باطن بد، همه جا هستند. ندیدید از اول انقلاب، چه کسانی رفتند زیر چه نامها و چه پوششهایی مخفی شدند و چه ضربه‌هایی به ملت و کشور ایران زدند؟ کاری ندارد که چند نفر آدم سوءاستفاده‌گر و اهل معامله و دنیاطلب و بددل، بروند ظاهری درست کنند همچنان که در تعبیرات امام (رضوان‌الله‌علیه) بود ریشی بگذارند، بروند آنجا بایستند و گاهی حتی از جوانان انقلابی و عناصر مؤمن و مسلمان همیشگی ما، خیلی هم تندتر و دوآتشه‌تر حرف بزنند؛ بعد، در مواقعی که دیدند زمینه مقتضی است، یک کار خلاف بکنند.

در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت سالروز ولادت رسول اکرم (ص) و امام جعفر صادق (ع)، ۱۳۷۱ / ۰۶ / ۲۴

منادی همیشگی وحدت بین مسلمین

میبینیم که امروز بشریت محتاج همین فریادی است که پیغمبر اسلام مبنی بر توحید و عدل میان انسانها بلند کرد. ما ملت ایران، این هفته را «هفته‌ی وحدت» قرار دادیم و امام

ره، رهرو، رهبر / ۳۷۱

بزرگوار ما(رضوان الله تعالی علیه) که همیشه منادی وحدت بین مسلمین بودند، در این هفته، ندای وحدت را به گوش همه‌ی مسلمانان عالم، بلکه همه‌ی حق‌طلبان عالم رساندند.

رضایت الهی از پاسخ صادقانه‌ی ملت به ندای امام

خداوند از شما ملت ایران، بخاطر صادقانه پاسخ گفتنتان به دعوت دین و ندای امام بزرگوارتان راضی باشد.

ایستادگی امام در مقابل همه‌ی دنیا

کدام دولت از این دولتهای منطقه هست که بتواند بگوید در این جنگ هشت ساله، به عراق کمک نکرده است؟ نتیجه چه شد؟ آیا ملت ایران یک قدم عقب‌نشینی کرد؟ آیا ملت ایران احساس ضعف کرد؟ آیا رهبر ایران، که مثل کوه در مقابل همه دنیا ایستاد، احساس ترس کرد؟ آیا ملت و رهبر و مسئولین کشور، بخاطر دشمنیها رابطه‌شان روزبه‌روز صمیمانه‌تر نشد؟ ما که از تهاجم دشمن باکی نداریم!

در مراسم دیدار قشرهای مختلف مردم، ۱۳۷۱ / ۰۷ / ۲۹

نقش رهبری امام بزرگوار در بطلان تاریخ ضعیف اخیر ایران

اگر فرض بفرمایید ملت ایران در این جنگی که گذشت، العیاذ باللّه سستی به خرج میداد، نتیجه چه میشد؟ نتیجه همان چیزی میشد که تقریباً در صد و پنجاه سال قبل در همین کشور اتفاق افتاد. جنگی از جانب همسایه‌ی شمالی بر ما تحمیل شد و نتیجه‌ی آن جنگ و سستیها در آن، این بود که بخش قابل توجهی از خاک این میهن از آن جدا شد و عهدنامه‌ی ننگین ترکمانچای بسته شد. کشور، همین کشور بود و ملت، همین ملت؛ اما آن روز، این ملت از آن امتحان سربلند بیرون نیامد. سستی کرد و نتیجه آن شد که بعد از شکست در حادثه‌ی جنگ ایران و روس در زمان قاجار و بسته شدن عهدنامه‌ی ترکمانچای، تا دورانی طولانی، ملت ایران که هیچ، حتی شخصیت‌های ایران احساس ضعف و خودباختگی میکردند و قدرت این را که شخصیتی از خود نشان دهند، نداشتند.

یعنی آن شکست تاریخی، شکستی برای همان مرحله نبود، بلکه شکستی برای صد و پنجاه سال دوران تاریخ ما بود. آن یک امتحان بود. حالا چه شد که آن روز ملت ایران چنان امتحانی داد؟ خود این، یک تحلیل دارد: آن روز، حکام و رجال سیاسی، بد و فرماندهان نظامی نالایق بودند؛ و آلا مردم، مردم خوبی بودند. لازم بود کسی آن مردم را در وسط میدان نگه دارد، ایمان به حرکت خود داشته باشد، فداکاری کند و از منافع و لذت خود بگذرد. در آن روز، اینگونه افراد نبودند. سلاطین حکومت میکردند و کشوری که در رأس، آنچنان حکام فاسدی باشند، نتیجه نیز همان میشود. همین ملت، در این جنگی که در زمان شما و ما اتفاق افتاد، چشم همه‌ی دنیا را به خودش متوجه کرد؛ ایران را سربلند کرد و قدرت اسلام را نشان داد. با اینکه فقط یک کشور همسایه نبود که به ما حمله میکرد؛ بلکه پشت سر آن امریکا بود، شوروی آن روز بود، دیگر قدرتهای مسلح عالم بودند؛ اما درعین حال، بخاطر ایمان به خدا، رهبری امام بزرگوار آن انسان فوق‌العاده و فداکاری جوانان و گذشت خانواده‌ها، توانست یک حرکت همراه با افتخار را در این حادثه انجام دهد.

نسخه الکترونیکی

هرگونه بهره‌برداری بصورت چاپ و تکثیر ممنوع میباشد.

تکیه‌ی مکرر امام بر هوشیاری و آگاهی ملت

این قدرت ملت ایران، که بحمدالله در سرتاسر آفاق سیاسی عالم برای سیاستمداران و مسئولان و قدرتهای جهانی شناخته شده است، ناشی از چیست؟ ناشی از همین ایمان است. ناشی از همین انگیزه است. ناشی از همین هوشیاری و آگاهی و از همین اتحاد کلمه است. اینها را حفظ کنید. توصیه‌ی من، بخصوص به شما جوانان، رزمندگان، شهیدداده‌ها و جانبازان و آزادگان، این است که توطئه‌ی دشمن را استشمام و درک کنید. آنجایی که میخواهد اختلاف ایجاد کند؛ آنجایی که میخواهد بین ملت و دولت جدایی بیندازد؛ آنجایی که میخواهد قدر دولت و مسئولین خدمتگزار و زحمتکش را در چشم مردم بشکند و آنها و زحمات آنها را کوچک کند، بدانید که توطئه میکند و این دست و زبان خبیث دشمن است که حرف میزند. امام بزرگوار ما (رضوان‌الله تعالی‌علیه)، روی همین هوشیاری و آگاهی، در تمام این مدت و تا آخر عمر، تکیه میفرمود و سعی میکرد ما ملت ایران را هوشیار نگه دارد. مبدا بگذارید این هوشیاری، ذره‌ای مخدوش شود! مبدا

ره، رهرو، رهبر / ۳۷۳

احساسات گنگ و کور، بر بعضی غلبه کند و چیز کوچکی را بزرگ کنند و نظام و انقلاب و دستگاههای خدمتگزار و دولت جمهوری اسلامی و همه‌ی اینها را ندیده بگیرند! مواظب باشید چنین اشتباهی انجام نگیرد که این دشمن شاد کن خواهد بود.

در دیدار دانش‌آموزان، دانشجویان، معلمان و پرستاران، به مناسبت روز ۱۳ آبان، ۱۳/۰۸/۱۳۷۱

تنها نجات‌دهنده‌ی ملتی مظلوم، اسیر و خشمگین

ملتی در زیر فشار حکومتی فاسد، دست و پا میزد و عده‌ی کثیری از مردم در خشم و ناراحتی بودند و کسی که میتواند احساسات مردم را هدایت کند و افکار آنها را جهت بدهد و درد دل آنها را بیان کند و از خطرات این راه نترسد، فقط امام بزرگوار ما بود. او را در نیمه شبی - در مثل چنین روزی - از خانه و مسکن خودش ربودند و از میان این ملت، اول به زندان و بعد به تبعید فرستادند؛ تا شاید خشم ملت هدایت نشود و مبارزه اش سر نگیرد. ولی برخلاف نظر آنها، امام، رهبری خود را از تبعیدگاه هم ادامه داد و دست از افشاگری و بیان حقایق و هدایت مردم برنداشت. این ملت - بخصوص جوانان - وارد یک مبارزه‌ی عمومی شدند که پانزده سال ادامه پیدا کرد.

وظیفه‌ی جوانان در ایام پس از رحلت امام

امام بزرگوار، چند صباحی را در میان ما زندگی کرد. همیشه همینطور است. فرد که ابدی نیست. فرد باید بتواند وظیفه‌ی خودش را در مدت عمر کوتاهش در همین چند صباح، انجام دهد. امام رفت و همه‌ی ما رفتنی هستیم. اما این انقلاب ماندنی است. این ملت ماندنی است. این کشور ماندنی است و عزت و استقلال ما، إن شاء الله پایدار است. و این، به کمک شما جوانان و با خودسازی شما شدنی است. خودتان را بسازید.

در دیدار فرماندهان «بسیج» سراسر کشور، ۲۷/۰۸/۱۳۷۱

بسیج؛ عظیمترین و ماندگارترین یادگار امام

شاید بشود گفت که در میان یادگارهای ارزشمند باقیمانده از امام عزیز و عظیم‌القدر ما، یادگاری که از همه بیشتر گسترش دارد، بسیج است. عظیمترین و ماندگارترین یادگار

آن بزرگوار، همین بسیج مردمی است که در همه جا حضور دارد؛ در همه‌ی فعالیتها میتواند پیشرو باشد و روحیه‌ی بسیجی را نشان دهد. باید هم همینطور باشد.

مبنای حرکت امام در جمهوری اسلامی

مطلب بعد این است که اساس بسیج در جمهوری اسلامی، بر آگاهی است. در اینجا نظام جمهوری اسلامی هرگز نخواست است عده‌ای بیایند و چشمهایشان را ببندند و با اطاعت کورکورانه و بی‌خبر از آنچه که اتفاق می‌افتد، به میدان بروند و اسلحه‌ها را بکشند و بنای جنگیدن بگذارند. این را ما نخواستیم. جمهوری اسلامی و امام این جمهوری رضوان و رحمت خدا بر او عکس این حرکت کردند. ملت ما با آگاهی راه افتاد، میدان را انتخاب کرد و در آن میدان جنگید.

جایگاه دعای امام خمینی(ره) در جنگ

پیش خدا تضرع کنید و همه چیز را با تضرع، از خدا بخواهید. این بازوی قوی، این اراده‌ی نیرومند و پولادین، با دعاست که کارآیی پیدا خواهد کرد. در میدان جنگ هم، پیغمبر اکرم و امیرالمؤمنین دعا کردند و با تضرع از خدای متعال خواستند. امام عزیز ما هم در جنگ دعا میکرد. دل ما به دعا‌های آن بزرگوار و دعا‌های مؤمنین و صالحین، قرص بود.

چگونگی جاودانگی یادگار عزیز امام(ره)

قدر بسیجیها را باید بدانند. در داخل هر دستگاه و هر وزارتخانه‌ای، آن انسانی را که دارای روحیه‌ی بسیجی است، باید عزیز بشمارند. در دستگاههای گوناگون دولتی، کسی که دارای روحیه‌ی بسیجی است؛ متخصص بسیجی، پزشک بسیجی، دانشجوی بسیجی، روحانی بسیجی، مدیر بسیجی، کارمند بسیجی، هرجایی که هست، بایستی عزیز و گرامی داشته شود. با این وضعیت، به فضل پروردگار، این یادگار عزیز امام امت، همیشه برای این ملت خواهد ماند و برکات خود را به این ملت خواهد داد.

ره، رهرو، رهبر / ۳۷۵

در دیدار مداحان اهل بیت(ع)، در سالروز ولادت باسعادت حضرت زهرا(س)، ۱۳۷۱/۹/۲۴

راه امام خمینی(ره)؛ راه اهل بیت(ع)

امروز راه علی و فاطمه و ائمه، همان راه امام خمینی است. اگر کسی این را نداند و نفهمیده باشد، باید در بصیرت خودش تجدیدنظر کند. هر چه داریم باید در راه اینها خرج کنیم. این، آن چیزی است که این علقه را معنا میبخشد.

در دیدار قشرهای مختلف مردم قم، ۱۳۷۱ / ۱۰ / ۱۹

تأثیر رهبری دینی امام در پیروزی و استمرار انقلاب

اگر انقلاب ما یک انقلاب دینی نبود و در رأس آن علمای دین نبودند، به پیروزی نمی‌رسید. کما اینکه شورشها و قیامهای گوناگونی در این کشور به وجود آمده است؛ اما آنجا که با دین و علمای دین آمیخته نبوده، به جایی نرسیده است. این انقلاب وقتی هم به پیروزی رسید، اگر با دین و علمای دین پیوسته نمیشد، بعد از پیروزی شکست میخورد و دشمنان بر آن غلبه میکردند. شما دیدید وقتی بعد از پیروزی انقلاب، در هر گوشه از کشور حادثه‌ای بدست دشمن درست شد، به دستور رهبر عظیم‌الشأن و پیشوا و امام ما (رضوان‌الله تعالی‌علیه) و نفوذ روحانیت و علم دین، فوراً مردم به در آمدند و آتش آن غائله‌ها را خاموش کردند. حتی اگر این مشکل، مشکلی در حد جنگی هشت ساله بود، آن را هم در حقیقت مردم حل کردند. اگر مردم در این جنگ نبودند و پشت سر دفاع مقدس قرار نداشتند، اینگونه همراه با سربلندی و پیروزی، تمام نمیشد. پس چون انقلاب انقلاب دینی است و در رأس آن رهبری علمای دین و رهبری دینی قرار دارد، بعد از پیروزی هم دشمن نتوانست آن را شکست دهد.

در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، به مناسبت عید مبعث، ۱۳۷۱/۱۱/۰۱

ضرورت درس‌آموزی از منش و گفتار امام

شما میتوانید در مقابل قدرتهای متکی به زور قد برافرازید؛ مشروط به اینکه با همه‌ی وجود، پای احکام نجاتبخش اسلام و تبعیت از احکام قرآنی بایستید و بی‌هیچ رودربایستی و بی‌هیچ ملاحظه از کسی، در این راه و صراط مستقیم حرکت کنید. آن وقت

است که خوب میتوانید ایستادگی کنید. این درسی است که اسلام به ما داد. این درسی است که امام بزرگوار، بعد از چهارده قرن، با منش و حرفهای خود به ما آموخت. علاج، این است. بی دلیل هم نیست که با امام اینقدر دشمن بودند. هنوز هم با جمهوری اسلامی و با پرچم اسلام که در دست جمهوری اسلامی است، دشمنی میکنند؛ ولی با پرچم اسلام در دست آدمهای سازشکار وابسته و متعلق به خودشان، هیچ کاری ندارند.

در دیدار سپاه پاسداران و نیروی انتظامی، به مناسبت سوم شعبان، ۱۳۷۱/۱۱/۰۶

ناراحتی جوانان اینارگراز به خطر افتادن آرمانهای امام و انقلاب

جوانانی هستند که فرصت تحصیل را در میدان جنگ گذاشتند؛ فرصت کاسبی را در میدان جنگ گذاشتند؛ فرصت رفیق‌بازی را در میدان جنگ گذاشتند؛ فرصت التذاذات جوانی را اگر اهلش بودند در میدان جنگ گذاشتند و هشت سال، نه سال در میدان نبرد، نه وقت تحصیل و نه وقت کاسبی کردن و نه وقت ثروت‌اندوزی پیدا کردند. برای خاطر خدا، برای حفاظت از انقلاب و حفظ آرمانها و شعارهایی که امام در اختیار انقلاب گذاشته بود، عمرشان را صرف کردند. حالا، همین جوانان ناگهان ببینند که آقای از گوشه‌ای برخاسته است، ریشی می‌جنباند و اظهارنظری میکند که خوب است ما برویم با فلان مستکبر و با فلان دشمن به تعبیر امام «با فلان گرگ» آشتی کنیم و در فکر ارتباطات باشیم! این چه حرفی است؟! شما حرف خودت را برای خودت نگه‌دار و حرف نظام را بگذار برای کسانی که مسئولند حرف نظام را بیان کنند.

در دیدار اعضای «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه»، ۱۳۷۱/۱۱/۱۲

امام خمینی؛ باطل‌کننده‌ی اسطوره‌ها و افسانه‌ها

بحمدالله، با شروع نهضت و بعد هم پیروزی انقلاب و مهمتر از همه وجود شخصیت عظیم امام که باطل‌کننده‌ی همه اسطوره‌ها و افسانه‌ها بود، جو بکلی عوض شد. امام واقعیتی بود که طبعاً همه‌ی اوهام را زائل میکرد.

زمان آشکار شدن ابعاد مختلف پیوند اسلامی میان مردم و امام

ما در اوان پیروزی انقلاب اسلامی بخوبی مشاهده می‌کردیم که دشمن، حیرت‌زده و گیج است و نمی‌فهمد چه اتفاق افتاده است. در حقیقت، استکبار نمیتوانست تحلیل درستی از آنچه که واقع شده بود پیدا کند. اما بعد از آنکه جمهوری اسلامی تشکیل شد، مبارزه‌ی ملت ما با آن قدرت ادامه پیدا کرد؛ جنگ تحمیلی پیش آمد؛ مقاومت این ملت پیش آمد؛ رهبری قاطعانه‌ی امام خود را در میدانهای مختلف نشان داد و پیوند اسلامی میان مردم و امام، ابعاد مختلف خودش را شناساند؛ دشمن، بیدار و هشیار شد و تجربه پیدا کرد. این نکته، برای ما ملت ایران و نیز برای مسلمانان در سایر نقاط عالم، مهم است.



شناخت دشمن از وضعیت نفوذ امام و رهبری در ایران و تأثیر آن در پیشرفت ملت

در داخل جمهوری اسلامی؛ در داخل ایران اسلامی که مرکز توجه خصمانه‌ی دشمن است، دشمن از تجربه‌های خود حداکثر استفاده را میکند. لذا ما ملت ایران باید هشیار باشیم. دشمن چند نکته را برحسب تجربه فهمید و دانست که اینها نقاط اصلی پیشرفت انقلاب اسلامی است و باید با اینها مقابله کند. یک نکته، امام، آن رهبر عجیب، استثنایی و عظیم‌القدر بود. دشمن متوجه شد که نفوذ رهبری در ایران اسلامی چه میکند و چگونه این رابطه‌ی محبت‌آمیز میان رهبر و ملت، در میدانهای مختلف گره‌گشا و بازکننده راههاست. دشمن دید که نفوذ امام (رضوان‌الله تعالی علیه)، چگونه مردم را در همه‌ی میدانها، مقابل دشمن بسیج میکند. این، نکته‌ای بود که دشمن روی آن تکیه کرد. تجربه‌ای که دشمن پیدا کرد این بود که باید شخص امام (رضوان‌الله تعالی علیه) و مطلق رهبری اسلامی - یعنی همان چیزی که در معارف انقلاب و معارف اسلامی با عنوان «ولایت فقیه» شناخته شده است - را زیر سؤال ببرد. لذا بیشترین تبلیغات دشمن، علیه امام بود. منتها به شکلی هدایت‌شده، دقیق و البته بی‌فایده!

نحوه‌ی دشمنی با امام و راه امام

امروز هم ایادی دشمن، در اطراف عالم و داخل ایران، علیه امام تبلیغ میکنند. منتها به نام امام کاری ندارند؛ چون میدانند که به نام امام نمیشود نزدیک شد و به آن جسارت کرد. لذا به راه و عملکرد امام حمله میکنند و گذشته‌ی انقلاب را زیر سؤال میبرند. این قلمهای مأجور و مزدور و یا غافل - از این دو خارج نیست - که در یک مقاله، سالهای اول انقلاب را بکلی زیر سؤال میبرند، مقصودشان چیست؟! اینها با چه کسی طرفند؟! با امام؟! مگر رهبری امام نبود که ده سال به این ملت کمک کرد تا بتواند دشوارترین راهها را بپیماید؟ چه کسی میتواند کشور ویران شده‌ای را که ایادی دشمن و رژیم فاسد پهلوی آن را به خاک سیاه نشانده بودند و در دل آن، جنگ خانمان برانداز و ویرانگری پیش آمده بود، حفظ کند و به پیش ببرد؟ چه کسی ممکن بود این کار را بکند؟ این، رهبری امام بود. و حال رهبری امام و رهبری اسلامی را زیر سؤال میبرند؛ اصل مفهوم رهبری فقیه و حاکمیت دین‌شناسان را زیر سؤال میبرند.

دشمن از نفوذ و شخصیت امام و نفوذ رهبری دینی، در هر زمانی بشدت صدمه خورده و داغدار است. یکی از نقاطی که دشمن میخواهد با آن مقابله کند، رهبری و نفوذ آن است

روحانیون؛ پیام‌رسانان امام در دوران طاغوت

روحانیون چون در بین مردم محبوبیت و نفوذ و شخصیت داشتند، توانستند در دوران اختناق، پیام مبارزه را تا اعماق جامعه پیش ببرند و همه را از نظرات امام مطلع کنند. روحانیت مبارز این کار را کرد.

ارزش و اهمیت مجموعه‌ی گفتار امام در حرکت به سمت فرج

انتظار فرج یعنی اینکه در سرنوشت بشریت، یک فرج بزرگ هست و ما به سمت آن فرج پیش میرویم. از چه بترسیم؟ چرا بترسیم؟ چرا تردید کنیم؟ چرا اطمینان خودمان را از دست بدهیم؟ دستورات اسلام، چراغ راهنمای ماست. آنچه را که میراث گرانبهایی از

اسلام است، در دست داریم. مجموعه‌ی گفتار امام، که متخذ از اسلام است، میراثی گرانبها و دستاوردی عظیم است که چراغ راه ماست.

در دیدار ائمه‌ی جماعات و روحانیون و مبلغین، در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان، ۱۳۷۱/۱۱/۲۵

حضرت امام؛ قوت بخش آبروی هزار ساله‌ی روحانیت

قشر روحانی باید خودش به فکر خودش باشد؛ به فکر آن ذخیره باشد؛ به فکر آن آبرو باشد. قاعدتاً هم هست؛ اما میشود بر آن آبرو افزود؛ همچنانی که امام بزرگوار ما، آن هم بر آبروی هزار ساله‌ی روحانیت افزود. امام، آبروی روحانیت را از زمان شیخ مفید تا امروز- هرچه بود- مضاعف کرد و بالا برد. قدرت روحانیت را در مقابله با بدیها و ظلم و جور نشان داد؛ که یک عالم چگونه میتواند وارث موسی و عیسی و ابراهیم(علیهم‌السلام) و پیغمبر خاتم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) باشد. اُف بر کسانی که قدر این نقش عالی آن بزرگوار را نمیدانند و خیال میکنند نسبت به روحانیت، دلسوز یا علاقه‌مندند! اُف بر جهالت و بر غفلت اینها، که چطور نمیدانند و نمیفهمند ارزیابی صحیح چگونه است!؟

فتوای امام به «حد شرعی» سلمان رشدی و توقف توطئه‌ی مستکبران در اهانت به اسلام

چیزی نگذشت که معلوم شد چه در این کتاب^۱ هست. این کتاب بناست جاده‌بازگن اهانت به اسلام باشد. پیغمبر را اسم بیاورد و مسخره کند. به اصطلاح، یک داستان خیالی نوشته است؛ اسم پیغمبر را، اسم زوجات پیغمبر را، اسم اصحاب پیغمبر را آورده است و به شکل بسیار وقیحی به آنها اهانت کرده است.

وقتی این کتاب رایج شد و مردم آن را خواندند، آرام آرام اهانت کردن به اسلام عادی میشود. این را میخواستند! اینجاست که الهام الهی، آن مرد ربانی را وادار به آن حرکت عظیم کرد و توطئه‌هایشان متوقف ماند. امام براساس این تفکر و فهم دقیق و نورانی- نوری که خدای متعال در دل بندگان خودش می‌اندازد، اینجا خودش را نشان میدهد- فتوای ارتداد آن مرد مرتد را صادر کرد و راه اینها را بست. ناگهان همه‌ی دنیا مبهوت شد! امام فتوای ارتداد یک مرتد را داد و گفت: «این آدم، باید به حد شرعی برسد».

۱ کتاب آیات شیطانی.

دولت‌های اروپایی، همه‌ی سفیرایشان را از ایران خواستند. این عکس‌العمل، در ارتباط با یک کتاب معمولی است؟ یعنی دولت‌های انگلیس و فرانسه و ایتالیا و کجا و کجا، دلشان برای جان یک انسان سوخته است؟! اینها هزاران انسان را برای یک موضوع کوچک درو میکنند. کدامشان نکرده‌اند؟ کدامشان گروه‌گروه انسانها را به قتل نرسانده‌اند؟ کدامشان اگر همین امروز منافعشان اقتضا کند، هزاران انسان را نمیکشند؟ اینها دلشان برای انسان سوخته؟ همین امروز، صربها مسلمانان را قتل عام میکنند؛ آنها ککشان نمیگذرد! همین امروز اسرائیلیها فلسطینیهای صاحب اصلی سرزمین را آنطور شکنجه میدهند؛ اینها خوابشان بر نمی‌آشوبد! آن وقت برای خاطر اینکه یک نفر بناست بعد از این اعدام شود، اینگونه وادار به عکس‌العمل شوند؟!

این، قضیه‌ی دیگری بود. برنامه‌ای که ریخته شده بود، برنامه‌ی اهانت به اسلام بود. بنا بود اسلام را سبک کنند. امام با آن فتوا، ناگهان همه‌ی نقشه‌های اینها را نقش بر آب کرد. دنیای اسلام هم تأیید کرد و پیروی خودش را از فتوای امام نشان داد. حالا مدتی گذشته است. آن نادان و نادانهای طرفدارش، خیال میکنند قضایا تمام شده است. خیر؛ این قضیه تمام‌شدنی نیست. بنده همان وقت، در یکی از مصاحبه‌هایی که در اروپا انجام گرفت و از من پرسیدند که «این فتوای امام چگونه است؟» گفتم «امام، تیری را به طرف این مرد فاجر و هتاک پرتاب کرد. این تیر، از چله‌ی کمان خارج شده و هدفگیری هم دقیق بوده است. دیر یا زود، این تیر به هدف خواهد رسید. بلاشک، باید این حکم اجرا شود و اجرا هم خواهد شد.» مسلمانانی که امروز بتوانند این موجود مودی و مضر را که بعنوان یک عامل پست‌فطرت و لئیم، برای یک حرکت ضد‌اسلامی عظیم ظاهر شد از سر راه مسلمانان بردارند، باید بردارند و مجازات کنند. الآن هم وظیفه‌ی همه است. وظیفه‌ی همه‌ی کسانی است که این کار از عهده‌ی آنها برآید و دستشان به این شخص برسد.^۱

اعتراض به مستکبران برای جلوگیری از اجرای حکم امام

حالا آنها دنبال اینند که آیا فتوای امام عوض شده است؟ مگر فتوا قابل عوض شدن

۱ مضمون این مطلب در «خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۲۶ / ۰۱ / ۱۳۷» و «تأکید بر اجرای حکم تاریخی امام خمینی(ره) درباره‌ی نویسنده‌ی کتاب موهن «آیات شیطانی»، ۰۵ / ۱۰ / ۱۳۶۹» نیز تکرار شده است.

ره، رهرو، رهبر / ۳۸۱

است؟ مگر کسی میتواند نسبت به این قضیه با کسی معامله کند؟ دولت انگلیس بدش می‌آید؟ خوب؛ ما هم از خیلی از کارهای دولت انگلیس بدمان می‌آید! فلان دولت اروپایی ناراحت میشود؟ ما هم از بسیاری از کارهای آنها ناراحت میشویم.

ما به آنها اعتراض داریم که چرا جلو حکم امام را گرفتند؟! آنها چه اعتراضی میتوانند داشته باشند؟! اینها هشدار است برای من و شما. بدانید که اگر اندکی غفلت کنیم، دشمن علیه مقدسات ما شروع به حمله و اقدام خواهد کرد. این، یک نمونه است و نمونه‌های از این قبیل هم فراوان است. تکلیف ما زیاد است.

در روز اول ماه مبارک رمضان، ۱۳۷۱/۱۲/۰۴

بروز مرتبه‌ی عالی اخلاص در کردار امام

از پیغمبر اکرم (صلوات‌الله و سلامه علیه) نقل شده است که فرمود: «إِنَّ لِكُلِّ حَقٍّ حَقِيقَةً» هر چیزی دارای حقیقتی است و یک روح و یک معنا و یک حقیقت دارد. «و ما بلغ عبد حقیقة الاخلاص». بنده به حقیقت اخلاص و به آن معنای حقیقی اخلاص نمیرسد «حتی لا یحب ان یحمد علی شیء من عمل لله». (این خیلی سخت است؛ این، مرتبه‌اش از آن مراتب بسیار بالاست) مگر اینکه دوست نداشته باشد که مردم او را برای هیچ‌یک از کارهایی که برای خدا انجام میدهد، ستایش کنند. مثلاً فردی است که کار را برای دیگران انجام نمیدهد؛ برای خاطر خدا نماز میخواند، ختم قرآن میگیرد، کار خیری انجام میدهد، احسان و کمک و صدقه‌ای میدهد و مجاهدتی برای خدا میکند. اما دوست میدارد که مردم بگویند: «ایشان چقدر آدم خوبی است». کارش را برای مردم نکرده است. کار را برای خدا انجام داده و تمام شده؛ اما از مدح مردم و از اینکه مردم از او تعریف کنند، خوشش می‌آید. میفرماید این، آن مرتبه‌ی عالی اخلاص نیست.

مرتبه‌ی عالی اخلاص این است که این را هم دوست نداشته باشد. اصلاً کاری به کار مردم نداشته باشد! میخواهند بدانند، میخواهد ندانند. میخواهد خوششان بیاید، میخواهد خوششان نیاید. نگاه کند ببیند خدا از او چه خواسته است و دقیقاً آن را انجام دهد.

۱ بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۳۰۴. «هر حقی را حقیقتی است.»

من، این صفت و این روحیه را در امام (رضوان الله تعالی علیه)، در بسیاری از موارد مشاهده کردم. در موارد متعددی، بنده این خصوصیت را در ایشان دیده بودم. کاری نداشت که کسی خوشش می آید یا خوشش نمی آید. تکلیفش را انجام میداد. وقتی که بار سنگین است؛ وقتی که کار بزرگ است؛ وقتی که کار خطرناک است، اخلاص بیشتر به کار می آید. مثل امروز که وضع جمهوری اسلامی این چنین است. اگر ما اخلاص ورزیدیم، بنده می مخلص می شویم؛ اخلاص ورزنده برای خدا، در عمل و نیت. اما فراتر از بنده می مخلص، بندگان مخلص اند.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۱ / ۱۲ / ۰۷

مانع اصلی درگیریهای قومی و قبیله‌ای

رحمت خدا و نور بر روان آن مرد بزرگی که نگذاشت جامعه‌ی ایران که چند برابر افغانستان جمعیت و وسعت دارد و زمینه‌ها برای درگیری هم در آن وجود داشت، سرگرم این بازیچه‌ها شود. من رئیس، تو رئیس، من رئیس این حزب، تو رئیس آن گروهی، من زبانم ترکی است، تو زبانت فارسی است، آن یکی زبانش عربی است، آن یکی زبانش بلوچی است، آن یکی ترکمن است

اینها را آن مرد بزرگ و آن رهبر یگانه از درون ذهنیات مردم برداشت و جارو کرد و از بین برد. اگر چه همیشه ملت ایران قدردان امام و انقلابش بوده است؛ اما هر چه از حوادث بیشتر میگذرد مسئله روشتر میشود.

در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، به مناسبت عید سعید فطر، ۷۲/۱/۴

تفاهم و همدلی؛ معنای صحیح اتحاد مسلمین در نظر امام

ما این دعوت عام امام بزرگوار را فراموش نمیکنیم که دائماً مسلمانها را به اتحاد و یگانگی فرا میخواندند. منظور ما از اتحاد، آن چیزی که بعضی از کشورها دنبال میکنند و هرگز هم به نتیجه نمیرسند، نیست. ما نمیگوییم «بباید اتحاد سیاسی به وجود بیاوریم؛ اتحاد مالی به وجود بیاوریم؛ دو کشور را یک کشور کنیم؛ دو دولت را یک دولت کنیم.» اینها حرفهایی است که همیشه گفته‌اند و هرگز هم نشده است. منظور ما از اتحاد، تفاهم

ره، رهرو، رهبر / ۳۸۳

است؛ تفاهم بین دولتها؛ تفاهم بین کشورها؛ همکاری بین اعضای امت اسلامی و دولتهای اسلامی؛ همدلی آنها با یکدیگر و تحت تأثیر اغراض دشمنان قرار نگرفتن. این منطقه‌ی حساس خلیج فارس؛ منطقه‌ی حساس خاورمیانه؛ کلّ منطقه‌ی اسلامی که منطقه‌ی بسیار حساسی در جغرافیای عالم و جغرافیای سیاسی عالم است باید با یکدیگر تفاهم کنند؛ باهم باشند و همدل باشند.

پیام به کنگره‌ی جهانی هزاره‌ی شیخ مفید، ۷۲/۱/۲۸

درس بزرگ امام به وحدت در الگو قرار ندادن برخی مخاصمات ناشی از مظلومیت شیعه

توصیه‌ی مؤکد من به علما و اندیشمندان حاضر در این اجتماع فرهنگی است که با همه‌ی توان بکوشند این لقای علمی را وسیله‌ی نزدیکی فکری و اتحاد عملی میان مذاهب اسلامی قرار دهند. چگونگی برخورد شیخ مفید با خصم مذهبی زمانش بیگمان متأثر از حوادث تلخ اجتماع و مصائبی است که شیعه‌ی مظلوم آن روز با آن مواجه بوده و آتش تعصبهای کور آن را برمی‌انگیخته است. آنگونه رفتار نمیتواند امروزه الگویی برای برخورد فرق اسلامی با یکدیگر حتی در صحنه‌های کلامی باشد. امروز همه‌ی فرق اسلامی باید با مشاهده‌ی آن صحنه‌های دردناک تاریخ، تجربه‌ی مسالمت و مهربانی بیاموزند و در زمانی که اصول اسلام که مفیدها در هر مذهبی برای احیاء آن، چنان رنجهایی را متحمل شده‌اند از سوی دشمنان جهانی در معرض خطر است، به وحدت و اقتراب و همکاری همه‌ی فرقه‌ها و همه‌ی متفکران آنها بیندیشند، و این درس بزرگ انقلاب ما و رهنمود همیشگی امام راحل (قدس الله نفسه الزکیه) است.

در دیدار مسئولان و کارگزاران حج، ۷۲/۲/۸

اثرات نیت خدایی و خالص امام بزرگوار

اگر کار برای خدا و به قصد انجام تکلیف و کسب مرضات الهی شد، خداوند به آن برکت میدهد، اثر میدهد، جذابیت میدهد و دلها را به طرف آن جلب میکند. در این مورد خاص هم، آنچه را که شما از تأثیرات حج دنبال آن هستید، فراهم میکند. شما به این حرکت عظیمی که انجام گرفت یعنی اصل پیدایش انقلاب، شروع نهضت و مبارزه و

کارهایی که در این انقلاب شد؛ از جمله همین موضوع حج که امام راحل عظیم‌الشأن ما (رضوان‌الله تعالی علیه) و (قدس‌الله نفسه الطيبة الزكية)، این کارها را شروع کردند نگاه کنید. در همه‌ی این کارها، آن مرد الهی و معنوی، نیتش نیت خدایی بود و خدا هم برکت داد. تبدیل حج از یک عمل نیمه‌تجاری نیمه‌سیاحتی تفتنی به یک حرکت عظیم اسلامی با ابعاد جهانی، کار کوچکی نبود. این کار، با برنامه‌ریزیهای سیاسی و دنیایی و این چیزها قابل تحقق نبود. این را خدا کرد و آن هم بخاطر نیت خالص آن مرد بزرگ بود. ما هم باید این را یاد بگیریم و در کارهایمان نیتها را خدایی کنیم. ان شاء الله شما که همینگونه هستید.

در اجتماع مردم نوشهر، ۷۲/۲/۱۸

چگونگی آشکار شدن دشمنی امریکا با امام و انقلاب

هنوز چند ماهی نگذشته بود که سنای امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران مصوبه‌ای گذراند و دشمنی خودش را با اسلام و نظام جمهوری اسلامی و امام بزرگوار ما روشن و واضح کرد. این اقدامها، از آن روز تا امروز، ادامه داشته است.

نفوذ امام و کلام امام در قلب مردم سراسر جهان به برکت بیان حقایق

خانواده و خانه و مجموعه و مدرسه و مراکزهای فرهنگی بسیاری در دنیا هست که ما از آنها هیچ خبری نداریم؛ اما وقتی به آنجاها وارد میشوید، میبینید عکس امام را آن بالا زده‌اند! اینها از کجا و برای چیست؟ چه کسی عکس امام، اسم امام و شرح حال امام را در این کشورهای گوناگون در آفریقا، در آسیا، حتی در اروپا؛ در همین کشورهایی که تازه از شوروی سابق جدا شده‌اند و استقلال پیدا کرده‌اند برده و راجع به امام با اینها حرف زده است؟

شخصیتهای برجسته‌ای از اینها، آدمهایی معمولی بودند که بعد به برکت نام امام، پیام امام و پیام این انقلاب و فداکاریهای شما مردم همین شما جوانان و شما پدران و مادران چشمشان باز شد و تبدیل به انقلابیون بزرگ شدند. رهبر مسلمانان زنده و بیدار یکی از کشورها، که من اسم نمیخواهم بیاورم، آمد پیش من، گفت: «ما آدمهایی معمولی بودیم و امام ما را زنده کرد.» این آدم، آدمی است که هزاران انسان، در یک نقطه از عالم، از او

الهام میگیرند. ما با کدام ابزار پیشرفته و با کدام فناوری فوق مدرن، این کارها را انجام دادیم؟ امروز هم همان بساط برقرار است. ما هم میگوییم. ما هم حقایق را بیان میکنیم. بنده هم به مسلمانان عالم پیام میدهم که تا اعماق جوامع اسلامی برود و در فضای زندگی آنها، به فضل الهی، بیچد.

البته ما حقایق را بیان میکنیم. ما در کار هیچ ملتی دخالت نمیکنیم. علت اینکه ببینید افرادی از گوشه و کنار دنیا و پشتیبانان یاوه‌گوشان، ادعا میکنند که «ایران در کار کشورها دخالت میکند»، همین است. دخالتی نیست. حرف به آنجا میرود و طرفدار به وجود می‌آید. سخن حق، در دل آنها مینشیند. آن رئیس‌جمهور بیچاره، ادعا میکند که «ایران در کشور ما دخالت میکند!» از او پرسیده‌اند: «شما به چه دلیل میگویید که ایران دخالت میکند؟» گفته است: «افرادی را که میگیریم، وقتی به خانه‌هایشان میرویم، ببینیم عکس امام ایران در خانه‌ی آنهاست» به او گفته‌اند: «این دلیل دخالت است؟! این دلیل نفوذ آنهاست؛ دلیل این است که حرف آنها را قبول دارند.» حقیقت قضیه نیز همین است.

ناراحتی شدید غرب از موضع امام در «عدم جدایی دین از سیاست»

آنها از چند بشدت ناراحتند؛ منتها نمیخواهند صریحاً آن را بگویند. اول همین مسئله‌ی عدم جدایی دین از سیاست است. مسئله‌ی اصلی این است. آنها با پیامی که امام بزرگوار از قلب و متن اسلام بیرون کشید و در فضای این جامعه و سراسر عالم پخش کرد که «دین از سیاست جدا نیست. دین عین سیاست است؛ سیاست عین دین است. دین فقط برای گوشه‌ی محراب نیست؛ دین برای صحنه‌ی زندگی است؛ برای اداره‌ی بشر است»؛ و این اساس مبارزه‌ی عظیم ملت ایران و سایر ملت‌های مبارز مسلمان شد، مخالفند. آنها از این عصبانی‌اند. میگویند: «دین و سیاست را از هم جدا کنید!» یعنی چه؟ یعنی: هرکس میخواهد متدین باشد، متدین باشد؛ منتها وقتی میخواهید کسی را برای ریاست جمهوری انتخاب کنید، کارتان نباشد که باید مرد متدینی باشد! یک آدمی را، ولو لابلای، ولو بی‌دین، ولو بی‌تقوا، بگذارید بیاید امور اجرایی کشور را اداره کند! وقتی

میخواهید نماینده‌ای به مجلس بفرستید، کارتان نباشد که او متدین و پایبند به دین باشد. ولو لابلالی، ولو بی‌دین، ولو بی‌اعتنا به اصول و اخلاق و ارزشهای اسلامی باشد، او را انتخاب کنید. مقصودشان چیست؟ چون میدانند که اگر کسی در رأس کشور یا در مجلس شورای اسلامی، متدین و پایبند به دین باشد، بر ضد مصالح ملت، با آنها نمیسازد؛ مصالح آنها را بر مصالح کشور و ملت، مقدم نمیکند. اما کسی که لابلالی است، برایش مسئله‌ای نیست. مسئله‌ی اصلی آدم بی‌دین و لابلالی، خود اوست.

در دیدار اعضای «ستاد برگزاری مراسم سالگرد رحلت حضرت امام خمینی»، ۱۳۷۲/۲/۲۷

فاصله‌ی معنوی دست‌نیافتنی بین امام و سایر علما

ابن طاووس یک زاهد است. کسانی که ابن‌طاووس را میشناسند، میدانند که ابن‌طاووس مظهر زهد است و کسی است که با همه‌ی فقاهت عالی‌ای که داشته، از ترس خدا و بخاطر تقوا، فتوا نمیداده است. این مرد که چهره و وجهه او در بین علمای ما، وجهه زهد و تقوا و تعبد و محو شدن در وظیفه‌ی شرعی است، اهل دنیا نبوده است. اما همین آدم، که اینگونه فانی فی‌الله و اهل عبادت است، میگوید: «به نظرم میرسد آن کسی که باید به این مقام دست پیدا کند - مقام حکومت شیعه و اسلام - قاعدتاً باید من باشم.» یعنی خودش را برای این قضیه آماده میکرد. من همیشه افتخار میکردم که فکر یک عالم، اینگونه بیرون از آفاق مدرسه و کتاب سیر کند و در این عوالم باشد. معیارهای ما اینها بود. در تاریخ اسلام و علمای شیعه، وقتی آدمهایی را در این حد میدیدیم که چنین فکر و آرزویی را در سرشان میگذراندند، به آنها افتخار میکردیم.

حال شما اینها را با امام مقایسه کنید. این فاصله را، فاصله‌ی زمین و آسمان بگوییم؟! فاصله‌ی بین انسانهای معمولی با پیغمبران بگوییم؟! این فاصله را چگونه تعبیر کنیم؟ اصلاً این فاصله‌ی معنوی بین امام و سایر علما را چگونه میشود ترسیم کرد و چه کسی را میشود در این زمینه‌ها با امام مقایسه کرد؟! اصلاً شخصیت امام یک چیز عجیب و واقعاً استثنایی است. نه پیش از او چنین کسی آمده و نه گمان میکنم بعد از او، چنین کسی بتواند بیاید، یا تا آن حدود پرواز کند. مثل او که هیچ؛ تا آن حدود هم کسی نمیتواند پرواز کند. شخصیت امام، چنین شخصیتی است.

وظیفه‌ی شرعی زنده نگه داشتن نام و یاد امام خمینی(ره)

خدمتی که این بزرگوار به عالم اسلام کرده، شکرگزاری و وفاداری لازم دارد. این وفاداری چگونه باید باشد؟ برترینش این است که انسان نام آن بزرگوار را زنده کند. از این روست که من، زنده داشتن نام امام را برای همه‌ی کسانی که با امام سر و کار دارند - منهای جنبه‌های سیاسی و عاطفی - یک وظیفه‌ی شرعی میدانم.

امام خمینی؛ نام دیگر شخصیت باوقار و باعظمت جمهوری اسلامی

در دنیا، شخصیت جمهوری اسلامی و وقار و عظمت و اهتمامش، نام دیگری دارد و آن، نام امام است. با این نام، دشمن بودند. خیلی با آن جنگیدند. مدت‌ها، درباره‌ی آن توطئه سکوت را اجرا کردند. اما حقیقت قضیه این بود که در باطن دلها و رفتار آنها، این توجه سیاسی به شخصیت امام، محسوس بود. من خودم این را دیدم. یک وقت از سفری خارجی برگشتم و طبق معمول خدمت امام رفتم و ملاقات خودم را با آن رئیس‌جمهور، نقل کردم. (رئیس‌جمهور یک کشور بسیار آبرومند و معروف و مهم بود.) برای امام تعریف کردم که آن رئیس‌جمهور، وقتی با من برخورد کرد - در همان وهله اول که به طرف مقرر مخصوص میرفتیم - آنچنان متواضع و خاضع شده بود که اصلاً نمیتوانست خودش را صاف و شق و رق، مثل یک رئیس‌جمهور نگه دارد. نه اینکه بخواهد اینطور وانمود کند؛ بلکه باطنش اینگونه بود. این را برای امام نقل کردم و ایشان خیلی خوشحال شد. بعد به امام گفتم: «آقا؛ این قضیه بخاطر شماست. او که نمیتوانست من کی هستم. او شما را در من میدید. یک مأمور ایرانی آنجا رفته است؛ ولی در پشت این هیبت و عظمت موبک سیاسی و در درونش، شما را میبینند. اینها از شما میترسند و به شما احترام میگذارند.»

خمینیّت نظام؛ معیار هیبت سیاسی نظام در دنیا

این، عقیده‌ی من بود. الانش هم همینگونه است. آنجا که میبینیم از جمهوری اسلامی حساب میبرند (البته، میزان دشمنی هم، با حساب بردن، نسبت مستقیم دارد. یعنی هرچه

حساب میبرند، همان اندازه هم دشمنی میکنند و خباثت نشان میدهند. هم‌ه‌اش بخاطر امام است. آنجا هم که میبینیم حسابی نمیبرند و بنای بدجنسی دارند، جایی است که چهره‌ی امامی ما یک‌خرده ضعیف شده است. هر جا اینگونه شود، چهره‌شان در مقابل ما، چهره‌ی یک خودی است. هر جا هم چهره‌ی امامی ما، یک‌خرده قویتر و غلیظتر شود، چهره‌شان چهره‌ی خصمانه و خشن است! یعنی از لحاظ سیاسی، هویت حقیقی نظام، به نام امام و شخصیت و حضور امام است، و این حضور، هرچه قویتر باشد، جمهوری اسلامی، از لحاظ سیاسی قویتر است. اینکه از لحاظ واقعی چقدر قوت داشته باشیم، با خداست؛ با شماست، با مردم است. از لحاظ هیبت سیاسی در دنیا، هر اندازه که جنبه‌ی «خمینیت» این نظام قوی باشد، به همان اندازه وقع و آبرو و هیبت و عظمت سیاسی آن بیشتر است. اما هرچه کم شود، از آن حد پایینتر خواهیم آمد. ممکن است به حسب ظاهر ارتباطاتشان دوستانه‌تر شود؛ اما باطن قضیه، هرگز اینگونه نخواهد شد و آن وقع و هیبت، دیگر وجود نخواهد داشت. کما اینکه میبینیم ارتباطات اینها، با مثلاً فلان کشور اسلامی که از ما جمعیت بیشتری هم دارد، خیلی مهربانتر است؛ اما یک ذره برای آن، احترام و ارزش واقعی قائل نیستند و در آن ابهتی نمیبینند.

پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۲۲/۲/۲۸

امام؛ بزرگترین احیاگر حج ابراهیمی در عصر حاضر

در دوران ما بزرگترین کسی که حج را از پرده‌ی اوهام بیرون کشید و رازهای آن را در ذهن و نیز در عمل جمع عظیمی از مسلمانان، نمایان ساخت امام راحل کبیر ما بود. او حج ابراهیمی را ندا کرد و خلائق را بدان فرا خواند. یکبار دیگر صلا‌ی: «أُذِّنُ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ»^۱ را به گوش جهانیان رسانید.

گسترش موج دعوت انقلابی امام در سراسر دنیای اسلام

تبلیغات مدرن و دارای پوشش جهانی، بی‌شک کارآمدترین حربه‌ی استکبار است. امروز تعداد رسانه‌های صوتی و تصویری و مطبوعاتی‌ای که بیشترین تلاش خود را

۱ سوره‌ی حج، آیه‌ی ۲۷. و در میان مردم برای [ادای] حج بانگ برآور.

وقف دشمنی با اسلام کرده‌اند، بسیار زیاد و همچنان رو به افزایش است. کارشناسانی مزدور، فقط سرگرم ساختن و پرداختن مطلب و خبر و تحلیل، برای گمراه کردن ذهن مستمعان خود و معرفی نادرست و ترسیم زشت از نهضت اسلامی و شخصیت‌های بزرگ اسلامی‌اند، و جمهوری اسلامی در سالهای پس از پیروزی انقلاب تا امروز بی‌وقفه و روزافزون با چنین تبلیغات خصمانه‌ای مواجه بوده است. باید گفت که این ترفند نیز در مقابل حرکت اسلامی اصیل و نشأت گرفته از فطرت و نیاز، توفیق زیادی نداشته و مقصود دشمن را برنیاورده است. گسترش موج دعوت انقلابی امام راحل عظیم‌الشأن در سراسر دنیای اسلام و حضور فکر و نام و رهنمود و عکس و نشان آن بزرگوار در شرق و غرب عالم، با وجود آن همه تبلیغ دروغ و سخن ناحق که به نیت مخدوش کردن سیمای ملکوتی آن وارث پیامبران، گفته و پخش شده است، روشنترین دلیل این مدعا است.



راه امام؛ اصول همیشه زنده‌ی جمهوری اسلامی

اصول جمهوری اسلامی که همان راه امام و مبانی مسلم اسلام است، به‌رغم دشمن، در ایران اسلامی، معتبر و مبنای زندگی سیاسی و اجتماعی ما است و دولت و ملت ایران، زندگی در سایه‌ی اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را که با فداکاری و بذل عزیزترین جانها بدست آمده، در هیچ شرایطی از دست نخواهند داد و اصول امام خمینی (رضوان‌الله‌علیه) و در رأس آن اصل عدم انفکاک دین از سیاست و مقاومت در برابر فشار مادّی‌گری مدرن، برای منزوی کردن اسلام و قرآن، اصول همیشه زنده‌ی جمهوری اسلامی باقی خواهد ماند.

در جمع مهمانان خارجی شرکت‌کننده در «سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)»، ۷۲/۳/۱۲

علت و معنای زنده کردن یاد امام

اگر در سالگرد امام، سخن از امام گفته میشود، فقط یک کار تشریفاتی نیست. یاد امام راحل، برای ما یک کارِ صوری و ظاهری نیست؛ بلکه یک امر باطنی و معنوی و حقیقی

است. یاد امام را زنده کردن، یعنی اینکه راه امام زنده شود، حرف امام زنده بماند و انعکاس فریاد امام در دنیای اسلام، همچنان حفظ شود. این فریاد، در همین کلمه خلاصه میشود که «مسلمانان بیدار شوند. مسلمانان تجاوز نکنند؛ اما حق خودشان را طلب کنند.»

در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۴/۳/۷۲

بزرگترین خصوصیات امام

همه‌ی برادران و خواهران عزیز را به حفظ تقوای الهی دعوت و توصیه میکنم. بخصوص در این نماز جمعه که به یاد و در کنار مرقد کسی نماز را اقامه میکنیم که شاید بشود گفت بزرگترین خصوصیات او، تقوا و پرهیزکاری بود. امروز به مناسبت اینکه مراسم چهارمین سالگرد ارتحال امام بزرگوار را در این جمع عظیم مردم سراسر کشور، بخصوص مردم عزیز تهران و همچنین مسافرانی که از شهرهای مختلف کشور، بعضی پای پیاده و بعضی سواره آمده‌اند، و نیز جمع علاقه‌مندی از میهمانان خارجی برگزار میکنیم، خطبه‌ی اول را به مطلبی درباره‌ی امام بزرگوارمان اختصاص میدهم. اگرچه، سخن درباره‌ی امام عزیز و بزرگوار، بسیار گفته شده و بسیاریها هم ناگفته مانده است.

دو جریان جهانی در ارتباط با انقلاب و شخص امام

مطلبی که امروز در خطبه‌ی اول عرض میکنم، این است که دو جریان در زمان حیات امام، در سطح جهان، در ارتباط با انقلاب و با شخص امام وجود داشت. بعد از رحلت امام بزرگوار تا امروز هم، هر دو جریان باقی است و علی‌الظاهر تا مدتهایی که خدای متعال عمل آن را میداند، باقی خواهد بود. این دو جریان، یکی عبارت است از جریان خصومت و دشمنی خبیث‌آمیزی که استکبار جهانی با انقلاب ما داشت و آن را با انواع و اقسام روشها نشان میداد و اعمال میکرد و این دشمنیها امروز هم ادامه دارد و گویا باز هم تا آن زمانی که خدای متعال اراده کرده است ادامه خواهد داشت. جریان دوم عبارت است از جریان گسترش نهضت گرایش به اسلام و پیوستن نسلهای جوان در بسیاری از کشورهای اسلامی به نهضت امام (رضوان‌الله تعالی علیه) که این جریان هم در زمان امام، با

ره، رهرو، رهبر / ۳۹۱

وسعت و گسترش و سرعت بسیار وجود داشت و امروز هم که چهار سال از درگذشت امام میگذرد، باز همین جریان ادامه دارد. وقتی شما به سطح عالم نگاه کنید، ببینید هر روز که میگذرد، در کشورهای اسلامی، جمعی به نهضت بیداری اسلامی، که امام بزرگوار ما برانگیزاننده‌ی آن بود، میپیوندند و آن را توسعه میدهند.

علل موضعگیری استکبار در مقابل ندهای امام راحل

چرا هر جا که نشانی از ندای امام راحل عظیم‌الشأن ما در آنجاست و دلها مجذوب آن نداست و قدمها در راه اهداف آن حرکت میکنند، استکبار موضعگیری میکند؟ علل این دشمنیها، مواردی است که عرض میکنم:

علت اول: عدم تفکیک دین از سیاست

در درجه‌ی اول مسئله‌ی تفکیک نشدن دین از سیاست و از صحنه‌ی زندگی است. جمهوری اسلامی عملاً اثبات کرد و نشان داد که دین در صحنه‌ی زندگی انسانها دخالت دارد و دین مقدس اسلام نیامده است تا انسانها در کنج معبدها، فقط به عبادت مشغول شوند. بلکه صحنه‌ی زندگی مردم، صحنه‌ی سیاست و عرصه‌ی مسائل عظیم اجتماعی و سیاسی و اقتصادی، در قلمرو احکام مقدس اسلامی است. این، مسئله‌ی اول است. این، مهمترین خصوصیتی است که استکبار با آن مخالفت میکند. هر کس که طرفدار دین مقدس اسلام باشد، اگر دین را از سیاست جدا کند، استکبار جهانی با او کاری ندارد. آنجایی که دین وارد میدان سیاست میشود و به زندگی مردم و امور اساسی حیات جهان و امور دنیوی مردم کار دارد، استکبار جهانی ظاهر میشود. چون میداند که در چنان وضعی، دین، جلو زورگوییها و سوءاستفاده‌های آنها را میگیرد و مانع چپاولهایشان از منابع طبیعی و انسانی جهان اسلام میشود.

علت دوم: مسئله‌ی دولت غاصب صهیونیست

یکی دیگر از علل دشمنیهای استکبار با ما، همین موضوع است که گفته‌ایم: دولت غاصب صهیونیست، باید بساط خود را جمع کند. یهودیها میتوانند در فلسطین بمانند، اما

حکومت در فلسطین، متعلق به ملت فلسطین و فلسطینیهاست و آنها، مثل همه‌ی کشورهای دیگر، هرکس را خواستند آنجا نگه میدارند. اما دولت صهیونیست، دولت غاصبی است. این، موضع ما در قبال مسئله‌ی فلسطین است. امام راحل، بارها این موضع را اعلام کرده‌اند و نظر قطعی جمهوری اسلامی ایران است. این را ما بارها گفته‌ایم و باز هم خواهیم گفت. اعلام این موضع، از موضوعهایی است که دشمنان استکباری را از ما عصبانی میکند.

علت سوم: حمایت از همه‌ی نهضت‌های اسلامی

مسئله‌ی دیگر، حمایت معنوی و سیاسی ما از همه‌ی کسانی است که در راه اسلام و حاکمیت اسلامی تلاش میکنند. هرکس، در هر جای دنیا برای عزت اسلام قیام کند، ما از او حمایت معنوی و سیاسی میکنیم. دشمن میخواهد بگوید «شما پشتیبانی مادی میکنید». این، دروغ است. دشمن میخواهد بگوید «شما با نهضتهایی که در کشورهای اسلامی است، ارتباط دارید». ما ارتباط سازمانی را، ارتباط رسمی را، ارتباط به آن معنایی را که دشمن در نظر دارد، جداً تکذیب میکنیم. البته امروز همه‌ی کسانی که در دنیای اسلام، به نام اسلام صدا بلند میکنند، تحت تأثیر امام بزرگوار ما هستند. در اینکه تردیدی نیست. من در خطبه‌ی عید فطر امسال گفتم: دشمن به ما میگوید چرا انقلابتان را صادر میکنید؟ ما در جواب دشمن میگوییم انقلابمان را صادر نمیکنیم. انقلاب ما صادر شد و گذشت و تمام شد! شما در مقابل یک عمل انجام شده قرار دارید. صدور انقلاب به معنای صدور یک کالا نیست که بطور دائم، آن هم به وسیله‌ی اشخاص بخواهد ادامه داشته باشد. صدور یک فکر و یک اندیشه، به معنای آن است که آن اندیشه، صحیح است و دل انسانها را در اکناف عالم، به خود جذب میکند. این کار انجام گرفت و روزه‌روز آثارش را در دنیا حتی بعد از رحلت امام بزرگوار ما نشان میدهد. ولی ما حمایت معنوی و سیاسی میکنیم. ما جوانانی را که در مصر، یا در الجزایر، یا در سایر کشورهای اسلامی، به نام اسلام سخن میگویند، یا مسلمانانی را که در تاجیکستان از تفکر اسلامی و قرآنی حمایت میکنند، یا مسلمانانی را که در هند، هویت اسلامی خودشان را میخواهند حفظ کنند، یا مسلمانان مظلومی را که در عراق زیر فشار رژیم بعثی قرار دارند، یا هر گروه

ره، رهرو، رهبر / ۳۹۳

مسلمانی را که در هر نقطه‌ی عالم تفکر اسلامی را احیا میکنند، قبول داریم و حمایت میکنیم. قلباً برای آنها دعا میکنیم و از بُعد سیاسی، در سطح جهان از آنها حمایت مینماییم. این هم یکی از مسائل است.

حضور قاطع در انتخابات؛ نشانه اثبات پایبندی ملت به وصیت امام(ره)

من البته اطمینان دارم که ملت عزیزمان، در این انتخابات هم مثل انتخابات دوره‌های گذشته، شرکت خواهد کرد. لکن گمان میکنم این انتخابات، خصوصیتی دارد. امروز امریکا، صهیونیستها، سرمایه‌داران، گروهکها، پس‌مانده‌ها و تفاله‌های رژیم گذشته، همه دست‌به‌دست هم داده‌اند، تا بگویند با گذشت چهار سال از رحلت امام بزرگوار، مردم نسبت به انقلاب و راه امام، سرد شده‌اند. میخواهند این را وانمود کنند. ملت ایران باید با قاطعیت و قدرت تمام، با حضور در سر‌صندوقهای رأی و انتخابات، ثابت کند که اگرچه چهار سال از رحلت آن بزرگوار گذشته است، اما مردم به راه او، به توصیه‌ی او و به وصیتنامه‌ی او، که به مردم فرموده است «باید در انتخابات شرکت کنید»، همچنان وفادارند.

کار برای خدا؛ علت اشتیاق مشتاقان به امام خمینی

یک جمله درباره‌ی امام بزرگوارمان است. میخواهم به شما برادران و خواهران، استنباط خودم را از عظمت و مکانت این بزرگوار بگویم. اعتقاد من این است که عظمتی که این مرد الهی و معنوی، حتی بعد از درگذشت خود، در دلها و چشمها پیدا کرد و مرقد او محل زیارت مشتاقان در تمام دوره‌ی سال شده و دلها متوجه به او و مجذوب اوست، بخاطر این است که او یک انسان مخلص و پرهیزکار بود. آن بزرگوار، در همه‌ی کارها، برای خدا و در راه خدا و به نام خدا، حرکت و عمل میکرد. ما راه خدا را باید برای خدا و به کمک الهی بپیماییم و طی کنیم.

آثار حاکمیت اخلاص بر تمام وجود امام

در زمان خود ما کسی که اخلاص بر وجود او، بر همه‌ی حرکات و سکناتش تا آنجایی که فهمیدیم و شناختیم حاکم بود، امام بزرگوارمان بود. البته بین امام ما و امیرالمؤمنین، فاصله از زمین تا آسمان است. خود آن بزرگوار هم، همیشه می‌گفت که ما کجا میتوانیم مقام والای علی بن ابی طالب (علیه‌الصلاة والسلام) را با کسی مقایسه یا حتی تصور کنیم! این امری بدیهی است. اما انسانی که تلاش میکند، تمرین میکند، این ریاضت را به خود می‌دهد که تلاشش برای خدا باشد، ببینید منشأ چه آثاری میشود!

کاری که امام در این برهه از تاریخ توانست انجام دهد، گمان میکنم در طول تاریخ بعد از اسلام، با این عظمت و این ابعاد، در هیچ‌جا سابقه نداشته است. مصلحین زیاد بودند، گویندگان حق زیاد بودند، مجاهدین فی سبیل‌الله زیاد بودند؛ اما آن انسانی که توانست این تحرک و تحول عظیم را در دنیا، به نام خدا، به نام دین، به نام ارزشهای معنوی و الهی، آن هم در دنیایی که مآمال از انگیزه‌های مادی است، به وجود آورد، او بود. غیر از او، ما کس دیگری را نمیشناسیم. این، به برکت اخلاصش بود. او برای خاطر خدا اقدام میکرد و برای خاطر خدا حرف میزد. وقتی آنچه که انسان میگوید و عمل و قبول مسئولیت میکند، برای خدا باشد، کارها هم بر انسان آسان خواهد شد. چون برای خداست، نفس انسان، در آن، تأثیر و دخالتی ندارد. انگیزه‌های نفسانی، در آن طیف و میدان، حضور ندارند. لذاست که قبول مسئولیت آسان است، رها کردن مسئولیت آسان است، اقدام کردن آسان است، گفتن آنچه که باید گفت، آسان است، نگفتن آنچه که نباید گفت، آسان است، تصمیم گرفتن، آسان است، نوشیدن جام زهر، آسان است، مقابله با همه‌ی دنیا، آسان است، روبه‌رو شدن با ابرقدرتها، آسان است.

اسوه‌گیری امام از محرم در ایجاد انقلاب اسلامی

آخرین برکت عظیم حادثه‌ی کربلا همین انقلاب شکوهمند ماست. اگر حادثه‌ی کربلا و اسوه‌گیری از آن نبود، این انقلاب پیروز نمیشد. امام بزرگوارمان که در محرم سال ۵۷ فرمودند «ماهی که خون بر شمشیر پیروز است»، این خط و این درس را از محرم دادند.

در دیدار کارکنان «وزارت آموزش و پرورش»، «سازمان بهزیستی»
و «سازمان تأمین اجتماعی»، ۲۳ / ۰۴ / ۱۳۷۲

مصمم بر ادامه‌ی راه امام

ما راه اسلام را، آنچنان که انقلاب و امام به ما آموختند، با قوت و قدرت ادامه خواهیم داد.

اثر بخشی خون شهدا و تلاش‌های امام

شما خانواده‌های عزیز شهدا، شما جانبازان و شما کسانی که برای انقلاب، از جان یا عزیزان خودتان سرمایه‌گذاری کردید، باید بدانید که بحمدالله این خونهای پاک، اثر خودش را بخشیده است. تلاش‌های امام بزرگوار، کار خودش را کرده است. فداکاری و مجاهدت شما ملت، تأثیر خود را بخشیده است و إن شاء الله تحت توجهات ولی‌عصر، ارواحنا لتراب مقدمه الفداء و عنایات و ادعیه‌ی زاکیه‌ی آن بزرگوار، روزبه‌روز این ملت در راه استقلال و سربلندی و آبادی و بهبود زندگی پیش خواهد رفت و برای ملت‌های دیگر الگو خواهد شد.

در مراسم تنفیذ حکم دوره‌ی دوم ریاست جمهوری آقای «هاشمی رفسنجانی»، ۱۲ / ۵ / ۷۲

نظر امام در مورد نظام اقتصادی اسلام در مقابل سوسیالیسم و کاپیتالیسم

ما با نظام سوسیالیستی هم، به همین اندازه^۱ فاصله داریم. نظام سوسیالیستی، فرصت را از مردم میگیرد؛ ابتکار و میدان را میگیرد؛ کار و تولید و ثروت و ابزار تولید و منابع عمده‌ی سرمایه و تولید را در دولت متمرکز، و به آن متعلق میکند. این، غلط اندر غلط است. در اسلام، چنین چیزی نداریم. نه آن را داریم، نه این را. هم آن غلط است، هم این. نظام اقتصاد اسلامی، درست است. اینطور نیست که نظام اقتصادی اسلامی، عبارت باشد از هرچه که در هر دوره‌ای مصلحت باشد. نخیر! نظر شریف امام (رضوان الله علیه) هم این نبود. من خودم یک وقت از ایشان پرسیدم.

۱ به اندازه‌ی نظام سرمایه‌داری.

مصداق یؤمن بالله و بالمؤمنین

این ملت بزرگ، ملت خوبی است. امام عظیم الشان، این ملت را خوب شناخته بود و من هیچ کس را مثل آن بزرگوار ندیدم که با خصوصیات این ملت، اینگونه آشنا باشد و به او اینطور ایمان داشته باشد. همینطور که در قرآن راجع به پیغمبر (صلی الله علیه و آله) هست که فرمود: «يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ»^۱، امام به این ملت ایمان داشت.

تنفیذ حکم دومین دوره ریاست جمهوری حجت الاسلام و المسلمین «هاشمی رفسنجانی»، ۷۲/۵/۱۲

عزت و اقتدار جمهوری اسلامی؛ منقش به نام امام خمینی (ره)

خدای بزرگ را حمد و سپاس که در دوره چهار ساله گذشته، عزت و اقتدار معنوی جمهوری اسلامی ایران را که ناشی از لطف و تأیید الهی و مرهون عنایات و توجّهات حضرت (ولی الله الاعظم روحی فدا) و منقش به نام ماندگار و پرافتخار امام راحل است، استمرار بخشید



لزوم عمل به وصیت امام در عرصه انتخابات

خدای بزرگ را حمد و سپاس که ملت عزیز ایران را به لطف و رحمت خود، مطمئن و دلگرم فرمود؛ توطئه‌های خناسان را که در قالب شبکه‌ی تبلیغاتی صهیونیستی و استکباری، سعی خود را بر شکستن روحیه و مقاومت ملت ایران متمرکز کرده‌اند، همواره نقش بر آب ساخت و دلهای مؤمن و حقجوی این امت پیشرو را به صدق وعده‌ی خود مستحکم کرد، تا مردم ایران در هر جا که حضور و رأیشان برای انقلاب و نظام جمهوری اسلامی لازم بود، با حضور و اعلام رأی خود، دشمن را ناکام سازند و به ندای الهی، لبیک گویند و در گزینش رئیس جمهور، با هشیاری و انگیزه و حساسیت به پای صندوق رأی آیند و به وصیت امام و مرشد و معلم بزرگشان عمل کنند.^۲

۱ سوره توبه، آیه ۶۱.

۲ مضمون این مطلب در «متن تنفیذ حکم ریاست جمهوری حجت الاسلام و المسلمین آقای خاتمی، ۱۳۷۶/۵/۱۲» و «در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری حجت الاسلام و المسلمین «سید محمد خاتمی»، ۱۳۷۶/۵/۱۲» و «پاسخ به نامه‌ی گروه‌های موسوم به «ائتلاف خط امام»، ۱۳۷۷/۷/۱۲» نیز تکرار شده است.

امام؛ بازکننده‌ی راه خدمت به مردم

لازم است که تجلیل شایسته‌ی خودمان را نسبت به شهدای گرانقدر دولت جمهوری اسلامی، شهید «رجایی» و شهید «باهنر»، همینجا عرض کنیم. همینطور بقیه‌ی شهدای عزیزی که در طول این چهارده، پانزده سال، با قبول مسئولیتهای بزرگ، خودشان را در معرض خطرات عظیمی قرار دادند و به شرف شهادت هم نائل آمدند. خداوند درجات آنها را عالی و آنها را با اولیایشان محشور کند. البته، سپاس بزرگتر و تجلیل بیشتر، از روح مطهر امام بزرگوارمان است که این راه را ایشان باز کرد و همّت بزرگ آن مرد بود که به همه این فرصت را بخشید که هرکس بتواند بقدر توانایی و شوق و علاقه‌ی خودش به مردم، در جمهوری اسلامی خدمت کند.

مصاحبه توسط تهیه‌کنندگان مجموعه‌ی «روایت فتح»، ۷۲/۶/۱۱

تدبیر امام در انتصاب نمایندگان خود در جنگ

کار دوم، کمک به اینها و رساندن خمپاره بود. بایستی از ارتش، به زور می‌گرفتیم. البته خود ارتشها، هیچ حرفی نداشتند و با کمال میل میدادند. منتها آن روز بالای سر ارتش، فرماندهی وجود داشت که بشدت مانع از این بود که چیزی جابه‌جا شود و ما با مشکلات زیاد، گاهی چیزی برای برادران سپاهی می‌گرفتیم. البته برای ستاد خود ما، جرأت نمی‌کردند ندهند؛ چون من آنجا بودم و آقای چمران هم آنجا بود. من نماینده‌ی امام بودم.

چند روز بعد از اینکه رفتیم آنجا، (شاید بعد از دو، سه هفته) نامه‌ی امام در رادیو خوانده شد که فلانی و آقای چمران، در کلّ امور جنگ و چه و چه نماینده‌ی من هستند. اینها توی همین آثار حضرت امام (رضوان‌الله علیه) هست. لذا، ما هرچه میخواستیم، راحت تهیه می‌کردیم. لکن بچه‌های سپاه؛ بخصوص آنهایی که میخواستند به منطقه بروند، در عسرت بودند و یکی از کارهای ما، پشتیبانی اینها بود.



۱ منظور، کار دوم در ستادی که رهبری در زمان جنگ حضور داشتند. کار اول، عملیات چریکی درون اهواز توسط تشکیلات مرحوم چمران بود.

تشخیص درست و دستور حکیمانه‌ی امام در شکستن حصر خرمشهر

البته بین فرمایش امام و عملیات «ثامن الائمّه»، چند ماه فاصله افتاد و بلافاصله این کار انجام نگرفت. منتها امام، مسئله را درست تشخیص دادند. وقتی انسان جمع‌بندی میکند، دو نقطه برای دشمن خیلی مهم بود: یکی همین انتهای محلّ اتصال ایران به عراق در جنوب که عبارت بود از آبادان و خرمشهر و کلاً جزیره‌ی آبادان. یک نقطه هم دزفول بود. دزفول از این جهت اهمیت داشت که اگر از پل روی «کرخه» عبور میکردند و دزفول را تهدید میکردند و جاده‌ی دزفول را میبستند، کل خوزستان در محاصره قرار میگرفت و راههای ما بسته میشد. بنابراین، دزفول برای دشمن اهمیت استراتژیک داشت. لذا شما ببینید، دشمن جلو دزفول، پنج، شش لشکر خوابانده بود. تمام «دشت عباس» را پر کرده بود. (آنجا را هم بنده از نزدیک دیده بودم.) یک نقطه هم، نقطه‌ی اصلی بود. چون دشمن، دزفول را که نمیخواست نگه دارد. به فرض هم، اگر کاری میکرد، دزفول برایش ماندنی نبود. جایی که برای او مهم بود، اصل جزیره‌ی آبادان بود. جزیره‌ی آبادان را میخواست. بطور مطلق، دو طرف اروند را میخواست داشته باشد. بنابراین، محلی که برایش مطلوب نهایی و قطعی بود و بروبرگرد نداشت، جزیره‌ی آبادان بود که شامل آبادان و خرمشهر میشد. لذا، این دو نقطه، دو نقطه‌ی حساس بود. خرمشهر را همان روزهای اول با وجود آن حماسه‌ی مقاومت عجیب گرفتند. یعنی طوری بود که قابل دفاع نبود و گرفته شد. اما آبادان را نتوانستند بگیرند. هدف این بود که حالا که از آن طرف نمیتوانند بیایند، دور بزنند و از جزیره وارد شوند. یک کار بسیار حساب‌شده بود که دشمن میکرد و قدم‌به‌قدم هم پیش می‌آمد و موفق هم شده بود. همانطور که گفتم، جزیره‌ی آبادان، در حقیقت محاصره شده بود.

امام روی نقطه‌ای اساسی انگشت گذاشتند. گفتند: «این حصر باید شکسته شود.» یعنی در حقیقت یکی از آن دو نقشه و دو نقطه‌ی اصلی جنگ و حمله‌ی دشمن را که عبارت بود از تصرف نهایی و قطعی این بخش از کشور ایران، با این دستور خودشان ختی کردند. معلوم بود که وقتی امام دستوری بدهند، جوانان میروند و آن را عمل میکنند. بنابراین، دستور، دستور حکیمانه و حساب‌شده‌ی دقیقی بود.



اجرای فرمان امام خمینی(ره) از همان لحظه‌ی صدور

از همان وقتی که امام فرمودند (ظاهراً در همان اوقات بود و حالا تاریخش دقیقاً یادم نیست) یک عده از جوانان سپاه رفتند و نقطه‌ای را در نزدیکی منطقه‌ی عبور دشمن، از رودخانه‌ی کارون که تقریباً حدود «مارد» بود انتخاب کردند. آنطور که به ذهنم می‌آید، اسمش «محمدیه» بود. آنجا زمین را گود کردند و نزدیک دشمن، وارد سنگرها شدند؛ بدون اینکه امکاناتی داشته باشند.

در دیدار مسئولان و قشرهای مختلف مردم در روز «ولادت پیامبر اکرم(ص) و امام صادق(ع)»، ۷۲/۶/۱۴

احساسی نبودن مسئله‌ی وحدت در نظر امام خمینی(ره)

اینکه امام بزرگوار توانست اسلام را عزیز کند، به برکت ایجاد احساس وحدت در بین مسلمین بود. مسلمان در اقصی نقاط عالم، به نام امام حرکت میکرد. فکر نمیکرد که «مذهب من چیست؟» «من سنی‌ام، او شیعه است.» «او سنی است، من شیعه‌ام.» این حالت برای دشمن، حالت مضرّی است. دشمن میخواهد این را بشکند. حال اگر دوست این را بشکند چه؟ اگر به جای قدرتهای استکباری، خود من و شما، با حرف زدنیان، با نوشتنیان، با گفتنیان، این وحدت را بشکنیم، شیعه را از سنی، سنی را از شیعه جدا کنیم، چه میشود؟ بعد که اینها از هم جدا شدند، نوبت میرسد به فرقه‌های سنی: این فرقه را از آن فرقه، اصحاب این اصول را از اصحاب آن اصول، اصحاب این فروع را از اصحاب آن فروع. بعد نوبت میرسد به شیعه: این فرقه را از آن فرقه، این دسته را از آن دسته! مگر بر کسی ابقا میکنند چرا ما باید به خواست دشمن حرکت کنیم؟ اینکه امام اینقدر روی مسئله‌ی «وحدت» تکیه میکردند، برای این است که این، یک مسئله‌ی احساساتی نیست. این یک مسئله‌ی عقلانی است. هرکس به مقدّسات آن فرقه‌ی دیگر اهانت کند، اگر با خشونت و اهانت با فرقه‌ی دیگر برخورد کند، به هر اندازه که بُردِ کار او باشد، به این وحدت ضربه زده است؛ هر که میخواهد باشد.

احکام انتصاب رئیس و اعضای شورای سیاستگذاری نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها، ۷۲/۶/۲۵

آرزوی بزرگ امام نسبت به حوزه و دانشگاه

رشد اندیشه ناب اسلامی در میان قشرهای دانشگاهی به‌ویژه دانشجویان که

سررشته‌دار آینده‌ی کشورند و بهره‌گیری از استعداد و شور و جوشش خداداد این بخش ارزشمند جامعه برای گستردن تفکر درست و تعالی و ایمان زلال دینی در سطح کشور و جهان، از جمله مقاصد بزرگ جمهوری اسلامی بوده و در این راه تلاشهای ارجمندی به کار رفته است. طنین ندای امام بزرگوار ما، همواره در فضای کشور زنده خواهد ماند که دانشگاه مؤمن و متعبد به هدایت الهی را یکی از آرزوهای بزرگ میدانست و فضایی روحانی و دانشگاهی را به همکاری در این راه توصیه میفرمود.

در دیدار فرماندهان و مسئولان «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، ۲۲/۶/۲۵

نوع نگاه امام خمینی (ره)، به جوانان امت

ای جوانان مؤمن! ای تربیت‌شدگان واقعی اسلام! نسل ما، تربیت‌شده‌ی اسلام نبود؛ اما شما تربیت‌شده‌ی اسلامید. شما آن نسلی هستید که یک مرد الهی و معنوی که نظیر او را امت ما در تاریخ خود کم دیده است وقتی نگاهتان میکرد، دلش از امید موج میزد.

بیان موضع جمهوری اسلامی با زبان امام در قضیه‌ی فلسطین

جمهوری اسلامی ایران، در این پانزده سال حرفش را از زبان امام بزرگوارش و از زبان ملت ایران گفته است و باز هم حرف، همان است. حق، با گذشت زمان کهنه نمیشود و ناحق نمیگردد. ظلم هم با گذشت زمان، مشروعیت پیدا نمیکند. چهل و پنج سال پیش، ظلمی صورت گرفته است: خانه‌ی ملت فلسطین از آنها غصب شده است. این خانه، به تمامه و بی‌قید و شرط، باید به ملت فلسطین برگردد. حکومت اسلامی، خصوصیتش این است که با جوسازی، عقب‌نشینی نمیکند. مرتب بگویند «آقا، منزوی میشوید!» «منزوی» یعنی چه؟! اگر قدرتهای پُرووی دنیا، با جنجال و هیاهو و سر و صدا، آمدند و خواستند ناحقی را حق کنند، ما هم مثل دیگران کنار برویم و بگوییم «صحیح میفرمایید»؟! پس معنای حکومت اسلامی چیست؟ خوب؛ معلوم است در بین افرادی که جز باطل و جز زور نامشروع، هیچ چیز برایشان مطرح نیست، انسان منزوی خواهد شد. «إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا»^۱ معلوم است! مگر

۱ سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۳۶. چون تو را ببینند فقط به مسخرهات میگیرند.

ره، رهرو، رهبر / ۴۰۱

وقتی پیغمبر(صلوات‌الله‌علیه)، دعوت را آورد، منزوی نبود؟ مگر امام بزرگوار ما، در دوران سلطه‌ی طاغوت، در خانه‌ی خودش غریب و منزوی نبود؟ منزوی یعنی چه؟! حکومت اسلامی، این جوانمردی و رشادت را دارد که آنچه را حق است بگوید و از امریکا و قدرتهای متحد در دنیا نترسد.

یادداشت رهبر انقلاب در دفتر یادبود حرم مطهر حضرت معصومه(سلام‌الله‌علیها)، ۳/۷/۷۲

دمنده‌ی روح به همه‌ی تلاشهای گذشتگان

خداوند عالم عظیم‌القدر مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری و مرحوم آیت‌الله بروجردی(رحمهم‌الله‌تعالی) را با مضطجعه‌ی^۱ این مضجع^۲ شریف محشور فرماید و روح مقدس امام بزرگوار را که روحی در همه‌ی تلاشهای گذشتگان دمید به عالیتین درجات نائل فرماید و شما آقایان عزیز را حفظ کند.

در مراسم صبحگاه مشترک نیروهای سپاه در «پادگان انصار الحسین(ع)»، ۷/۷/۷۲

مقایسه‌ی جوامع مادی با ایران اسلامی؛ به رهبری یک عارف الهی محض

راجع به این انقلاب عظیم، خودِ شما جوانان، با فکر روشن و بازی که دارید؛ با آن دل پاک و حساسی که خدا به شما داده است، فکر کنید. وضع این دنیا را نگاه کنید. حرکت و سیر دیوانه‌وار به سمت مادیّت را ببینید. بعد برگردید به سمت کشور و جامعه‌ی خودتان و پیام یک حرکت، یک حکومت، یک نظام به رهبری یک مرد عارف الهی محض را، که کمترین ارتباط و تعلّقی را برحسب آنچه که عادت ما مردم عادی است با مادیات داشته است، در ایران اسلامی مشاهده کنید و ببینید این چه نفعه‌ی عظیمی از سوی پروردگار بوده است! خودِ وجودِ آن مرد و سخنان او، یکی از نفعات بود که از دست ما گرفته شد.

۱ آرام‌گیرنده.

۲ آرامگاه.

راه امام در قیام برای فضیلت و معنویت

آدمهای ضعیف‌النفس و دل‌کوچک و سطحی‌نگر که زرق و برق دنیای مادی چشمشان را به طرف خود متوجه میکند، گمان نکنند که امام آنها را ندیده بود و از آنها خبر نداشت. امام بزرگوار که آمد، گفت: «ملت ما برای خدا و فضیلت و معنویت قیام کرده است، نه برای زرق و برق مادی. و در این راه می‌ایستد.» آن زرق و برقها انسان و انسانیت را کامیاب و اقتناع نمی‌کند. آنها مال انسان نیست. آنها یک انحراف در زندگی بشری است. امروز این را حکیمان غرب و کسانی که با چشم حکمت‌آمیز مینگرند، فریاد میکنند. بگذار سیاستمداران آن را پنهان کنند؛ بگذار تبلیغاتچی‌ها، ضد آن را فریاد کنند؛ بگذار ندیده‌ها و سطحی‌نگرها، عمق قضیه را نفهمند و باطنها را نبینند. اما واقعیت این است. چیزی که انسان را نجات میدهد، اسلام است، معنویت است، فضیلت است، بی‌اعتنایی به زرق و برقهاست. چیزی که بشر را به عدالت میرساند، خط مستقیم الهی است.

در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت «روز ملی مبارزه با استکبار»، ۷۲/۸/۱۲

علت و حقیقت تجلیل امام حکیم از حرکت ضد استکباری ۱۳ آبان

یک عده ضعیف، امروز نیابند و سوسه کنند و طوری شود که جوان ما، دانشجوی ما، با خودش فکر کند: «این چه کاری بود که لانه‌ی جاسوسی را تسخیر کردیم؟!» نه آقا! یکی از بهترین کارهایی که در انقلاب ما شد، همان کار بود. امام یک جوان نبود که شما بگویید «احساساتی شد و حرفی زد.» امام، آن پیر حکمت و مرد حکیم دنیادیده‌ی مجرب، با دید نافذ خود، آنطور از حرکت دانشجویان در آن روز تجلیل کرد. پس امام، به حقیقتی پی برده بود که این را گفت. ما نیز همان را - نه فقط از روی تبعیت؛ بلکه از روی احساس، از روی بینش و از روی منطق تأیید و تصدیق میکنیم.

یکی از بهترین کارها، همان کار بود. چرا؟ بخاطر اینکه عمدتاً بعد از جنگ بین‌الملل دوم، انقلابهای متعددی در سرتاسر عالم به وقوع پیوست. در آفریقا، در آسیا، در اروپا، خیلی کشورها حکومتهای خودشان را از دست دادند. این کشورها دو دسته بودند: بعضی، کشورهایی بودند که خودشان را درست به بلوک شرق؛ یعنی به روسها و یا

ره، رهرو، رهبر / ۴۰۳

بعدها به چینیه‌ها تسلیم کردند و وابسته‌ی آنها شدند. ما در این پانزده سال عمر جمهوری اسلامی، که خدای متعال فرصت داد خیلی از مسئولان دنیا را از نزدیک ببینیم، دیدیم در این کشورها، حتی عقلا و مدبرینشان، اینطور باورش‌ان آمده بود که باید وابسته به تشکیلات شرق باشند و آینده‌ی عجیب و غریبی را که دو سال پیش اتفاق افتاد، اصلاً احتمال نمیدادند.

یک عده که اینطور شدند؛ زیر چتر کمونیستها و بلوک شرق رفتند و جزو یک خانواده شدند. آن هم عضو درجه‌ی دوی آن خانواده، نه عضو درجه‌ی یک. یک دسته اینها بودند، که انقلابیانشان و زحمات مردمانشان واقعاً هدر رفت. آن همه فداکارهای مردم، در حقیقت ضایع و باطل شد. دسته‌ی دیگر کشورهایی بودند که اگر ارتباطی هم با بلوک شرق داشتند، این ارتباط، آنچنان مستحکم نبود. بعد، عمدتاً امریکاییها، شروع به نفوذ در داخل اینها کردند. اراده‌ی مردم، اراده‌ی رهبران و عزم عمومی ملت‌ها را، طوری تغییر دادند که بتدریج، انقلابی که انجام شده بود، صددرصد به حال اول برگشت و بلکه به شکل بدتر درآمد. نمونه‌های این را در کشورهایی از آفریقا و جاهای دیگر داریم.

طرح موضوع «مذاکره»: نقشه‌ی دشمن برای مخدوش کردن چهره‌ی امام و راه امام

امریکا میگوید: «بباید مذاکره کنیم.» نمیگوید: «بباید رابطه برقرار کنیم.» مذاکره یعنی چه؟ یعنی آن پیوندی را که جمهوری اسلامی قطع کرد و برید و همان موجب شد که تمام عواطف صادقانه‌ی ملت‌های دنیا به این نظام جلب شود، این را دو مرتبه برقرار کند. یعنی در درجه‌ی اول، یک ضربه‌ی نمایان به جمهوری اسلامی بزنند؛ و از آنجا که تبلیغات هم در دست آنهاست، در دنیا منعکس کنند که «جمهوری اسلامی، از حرف‌های برگشت!» به چه دلیل؟ به این دلیل که نشسته است و با امریکا مذاکره میکند. آن وقت، یک یأس عمومی در تمام ملت‌ها در آسیا و در آفریقا و در کشورهای گوناگون و در خود اروپا و در خود امریکا به وجود آید. ملت‌هایی که امید پیدا کرده‌اند مسلمانان و حتی بعضی غیرمسلمانان ناامید شوند؛ و آن چهره‌ی باصلابت امام بزرگوارمان، که روی جمهوری اسلامی را پوشانده و آنها را وادار به حرکت میکرده است، مخدوش گردد؛ و بگویند: «نه آقا! جمهوری اسلامی هم توبه کرد!» یا بگویند: «چون امام رفت، جمهوری

اسلامی ایران توبه کرد!» اگر یادتان باشد، بعد از رحلت امام، یکی از شاه‌بیت‌های تبلیغاتی دشمن، همین بود که «امام رفت؛ و اینها دیگر راه امام را رها کردند.» برای اینکه همان احساس را درون ملت‌ها به وجود آورند؛ یا این را بگویند، یا بالاتر از این را. بگویند: «امام کی گفته بود ما با امریکا مذاکره نکنیم؟! کی امام چنین حرفی زده بود؟! امام همان چند روز زمان خودش را گفته بود! همان چند وقت را گفته بود! امام کی ما را نهی کرده است؟! یعنی حتی در نظرات امام تصرف کنند که در میان صدها سخنرانی و بیان قاطع و صریح، اینطور اظهار شده است.

هدف دشمن از تصرف در صریح نظرات امام خمینی(ره)

اولین ضربه‌ای که با این کار میخواستند بزنند، این بود که جمهوری اسلامی را از آبروی خودش؛ از آن حیثیت و صلابت و قدرت و قامت استواری که در چهره‌ها و خاطره‌های ملت‌های مسلمان در دنیا پیدا کرده است، ساقط کنند. ملت ایران مگر ملت کوچکی است؟ ملت ایران، فلان ملت از زیر بوت‌ه درآمده‌ی اروپایی یا آفریقایی که نیست! ملت کهن ریشه‌داری است که هزاران سال سابقه دارد. هزار و سیصد، چهارصد سال، بعد از اسلام، همیشه در اوج ملت‌های مسلمان قرار داشته است. آن وقت این ملت، آن هم با این انقلاب، آن هم با آن حرف‌ها، همه چیز را گذاشت کنار و توبه کرد؟! آمد شروع کرد با امریکا مذاکره کردن؟! به صرف اینکه جمهوری اسلامی بگوید «بله؛ ما مذاکره را قبول داریم.» یا این را بفهماند، یا طوری مشی کند که معلوم شود حرفی ندارد که با امریکا مذاکره کند، این، اولین ضربه است. و بعد، تازه شروع تحمیل‌هاست.

شما وقتی با کسی قهرید، وقتی با کسی حرف نمیزنید، رودربایستی باهم ندارید. در مقابل هم، هیچ حالت توقعی وجود ندارد. اما وقتی با کسی مذاکره شروع شد؛ پشت میز نشستید؛ یک قهوه باهم خوردید؛ یک گپ دوستانه هم در کنارش با هم زدید؛ در فلان محفل بین‌المللی نشستید و با همدیگر یک خرده درد دل کردید؛ بعد رودربایستی به وجود می‌آید. آن وقت، اول شروع تحمیلات است. بدبختی‌های انقلاب‌های دنیا و تسلط و نفوذ امریکا همانطور که عرض کردم از همینجا شروع شد. مثل کشورهایی که بنده نمیخواهم اسم آنها را بیاورم. امروز هم آن کشورهای بیچاره، غالباً چهره‌های بسیار بدی

ره، رهرو، رهبر / ۴۰۵

دارند. این است که روی مذاکره فشار می‌آورند. اصرار میکنند که «ایران چرا نمی‌آید با ما مذاکره کند؟» عده‌ای هم که آدمهایی ساده‌لوحند، یا نمیدانم، مرعوبند، یا بی‌اطلاعند، یا غیرسیاسی‌اند، در داخل خودمان این حرفها را تکرار میکنند. من نمیدانم میفهمند چه دارند میگویند؟!

در اجتماع بزرگ فرماندهان «نیروی مقاومت بسیج»
سراسر کشور در دومین روز از «هفته‌ی بسیج»، ۷۲/۸/۳۰

رهبری امام؛ عامل پیروزیهای بزرگ ملت ایران تا امروز

در خیلی از کشورها، نماز مردم، روزه‌ی مردم یعنی چیزهایی را که فهمیده‌اند دین آنها را از آنان می‌خواهد درست انجام میشود. اما همان مردم، در مقابل تهاجم فرهنگی دشمنان، در مقابل تهاجم سیاسی دشمنان، در مقابل تهاجم اقتصادی کمپانیهای استکباری دنیا و اگر روزی پیش آید در مقابل تهاجم نظامی دشمنان، هیچ کاری از دستشان برنمی‌آید. چرا؟ چرا کشورهای بزرگ و پرجمعیتی که در منطقه‌ی خاورمیانه هستند و بعضی از همین کشورهای پرجمعیت که با رژیم متجاوز صهیونیست همسایه‌اند، نمیتوانند این غده‌ی سرطانی را علاج کنند.

علت چیست؟ علت، همان چیزی است که موجب شده بود ملت بزرگ ایران با وجود دین و ایمانش، تا قبل از برهه‌ی انقلاب در دورانه‌ی قبل در همه‌ی قضایایی که برایش پیش آمد، دچار ناکامی شود. علت، در همه جا، یکی است. علت این است که ملت ما از آن خصایص ممتازی که در طول این هشت سال از آنها برخوردار بود، گذشته برخوردار نبود. امروز هم متأسفانه بسیاری از کشورهای مسلمان دیگر، از آن برخوردار نیستند. اما ملت ما، در طول سالهای بعد از انقلاب، از آن برخوردار بود. آن چیست؟ این، یک نکته‌ی اساسی است. این، عامل پیروزیهای بزرگ و کامیابی ملت ایران است. یعنی ارتباط این توده‌ی عظیم مؤمن این جوانان، این مردان و زنان و قشرهای مختلف با آن مرکزیت و رهبری الهی ایمانی که با همه‌ی وجود در راه هدفهای اسلامی تلاش میکرد و مردم را در آن راهی که بایستی حرکت میکردند، هدایت میکرد. وجود یک رهبری، یک مرکزیت و یک دستگاه هدایت، که در امام بزرگوار ما آن مرد حکیم و

معنوی متجسم شده بود. او بود که به این توده‌ی عظیمِ مسلمانِ مؤمنِ متعهدِ ما راه نشان میداد. به مردم میگفت که باید با چه کسی مبارزه کنند. مردم را دعوت میکرد به اینکه دلشان را با خدا مرتبط کنند و به خدا توکل نمایند. به مردم هشدار میداد که چگونه در مقابل دشمن خود را مجهز و آماده نگه دارند که دشمن نتواند آنها را فریب دهد. هر وقت لازم بود، آنچه را که دانستن آن برای مردم لازم بود به مردم میگفت. پشت سر امام هم، دستگاه اداره‌کننده‌ی کشور، یعنی نظام جمهوری اسلامی بود. اما قضیه، به شخص امام منحصر نمیشود. مبدا کسی خیال کند که در نظام جمهوری اسلامی، توده‌های عظیم مردم، فقط باید با شخص رهبر در ارتباط باشند و دستگاه اداره‌کننده‌ی کشور بعنوان یک پدیده، در جذب و هدایت و راهنمایی و راه‌اندازی نیروی مردم و پشتیبانی آنها نقشی ندارد! نه؛ این اشتباه است. برای همین بود که شما میدیدید که امام بزرگوار، بارها و بارها از مسئولین رسمی کشور حمایت و پشتیبانی میکردند.

البته اگر در مسئولین کشور، یک وقت خدای ناخواسته انحرافی پیدا میشد، امام بزرگوار هشدار میداد، و این، یک وظیفه است. اما آن مرکزیتی که من میگویم «توده‌ی مردم و بسیج عمومی مردم با آن متصل است»، عبارت است از مرکزیت نظام جمهوری اسلامی. یعنی در نظام اسلامی ما، مردم این توده‌ی عظیم نسبت به مسئولین کشور که محورش مسئولین و نقطه‌ی مرکزی آن هم شخص امام بزرگوار و رهبر است، یک پیوند دائمی با هم دارند. این، آن چیزی است که عامل پیروزیهای جمهوری اسلامی تا امروز بوده است. به این، توجه داشته باشید.

مخدوش‌کننده‌ی چهره‌ی امام؛ دشمن

هر سخنی، هر نوشته‌ای، هر دستگاهی که کوشش کند چهره‌ی امام بزرگوار را ولو امروز که آن بزرگوار به ملکوت اعلی پیوسته است مخدوش کند؛ کارهای او را زیر سؤال ببرد؛ تصمیماتی که روزی ملت ایران را به اوج اعتبار در سطح جهانی رساند امروز مورد «لُت و لَعَل» قرار دهد، بدانید مربوط به دشمن است.

ره، رهرو، رهبر / ۴۰۷

محوریت نورانی امام از ابتدای انقلاب

وقتی که آحاد ملت، به محوریت و تمرکز مسئولین دلسوز، ایمان و اعتقاد و امید پیدا کرده باشند، اینهاست که یک قدرت واقعی را تشکیل میدهد. و این، همان چیزی است که بحمدالله در کشور ما، از اول انقلاب، وجود پیدا کرد: امام بزرگوار در جلو، مسئولین کشور در اطراف ایشان و آحاد عظیم ملت هم، به نور هدایت امام، دلهاشان منور شد.

پیام تسلیت به مناسبت رحلت آیتالله العظمی حاج سیدمحمدرضا گلپایگانی، ۱۳۷۲/۰۹/۱۸

ارتباطات آیتالله گلپایگانی با امام خمینی(ره)

آن بزرگوار یکی از استوانه‌های انقلاب و نظام جمهوری اسلامی بشمار می‌آمد. در دوران اختناق و در مقابله با حوادث سهمگین سالهای تبعید امام خمینی(ره) مواردی پیش آمد که صدای این مرد بزرگ، تنها صدای تهدیدکننده‌ای بود که از حوزه‌ی علمیه‌ی قم برخاست و به نهضت، شور و توان بخشید. پس از پیروزی انقلاب همواره در فضاهاى عمومی کشور، حضوری بارز و پشتیبانی‌ای صریح از نظام جمهوری اسلامی و از مقام منبع رهبری و شخص شخیص امام راحل(قدس الله نفسه الزکیة) داشت و مورد تکریم و احترام بلیغ آن حضرت بود.

در دیدار دانشجویان، به مناسبت «روز وحدت حوزه و دانشگاه»، ۷۲/۹/۲۴

معنای ناصحیح «وحدت حوزه و دانشگاه» در نظر امام

این را همه می‌فهمند: نه امام و نه دیگر بزرگواران نخواستند بگویند که دانشگاهها جمع شوند و قم بروند، یا شعبه‌ای از حوزه‌ی قم شوند. یا اینکه حوزه‌ی قم جمع شود و بیاید در دانشگاهها حل گردد، یا شعبه‌ای از آنها شود. هیچ‌کس این را نخواست و مطرح نکرد.



دفع توطئه‌ی دشمن از دانشگاه؛ با شعار «وحدت حوزه و دانشگاه»

این دو باید باشند؛ اما با هم باید باشند. این دو نهاد دانشجویی، باید هر دو کار را بکنند. اما هم خوب کار کنند؛ هم نسبت به یکدیگر ارتباطات عاطفی درستی داشته

باشند. یکدیگر را طرد نکنند. استعمارگران و کسانی که میخواستند بر این کشور سلطه‌ی سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و غیره پیدا کنند، دین را از محیط دانشگاه حذف کردند. راه پیدا کردن این سلطه این بود که دین را حذف کنند. اهل دین و علمای دین را حذف کنند. یا اگر بکل از بین نمیرند، آن را بصورت‌های بیجانی تبدیل کنند.

البته نمیتوانستند دانشگاه را از انسانهای متدین، بکلی خالی کنند. این روشن است. بالاخره جوانان این مملکت، بچه‌های خانواده‌های متدین بودند و به دانشگاه می‌آمدند. عده‌ای، البته، از دین خارج، یا به آن بی‌اعتنا یا سرد میشدند. اما عده‌ای هم متدین میماندند. همان زمان هم داشتیم. پس، معنایش این نیست که در دانشگاه، آدم متدین نبود. بلکه معنایش این است که در دانشگاه، آن آدم متدین، غریب بود. همان دختر متدینی که میخواست دین و حجاب خود را نگه دارد، در دانشگاه کشور اسلامی و مسلمان کشور ایران در آن زمان، غریب بود. پسر دانشجوی متدین هم غریب بود. استاد متدین هم غریب بود. روال عمومی دانشگاه، هیچگونه کمکی به او نمیکرد. بلکه در موارد بسیاری، معارضة و اصطکاک هم با او درست میکرد. اما اگر دانشجو یا استاد، بی‌دین و لابیالی بود، روال عمومی دانشگاه با او هیچگونه اصطکاکی نداشت. به او میدان داده میشد. این راه، غلط بود. این، همان چیزی است که امام بزرگوار همیشه از آن نالید و شعار «وحدت حوزه و دانشگاه» برای مقابله با این درست شد. اینجاست که معنای وحدت حوزه و دانشگاه فهمیده میشود. وحدت در اهداف کلی؛ وحدت در کامل ساختن این ملت و این کشور و حرکت با یکدیگر و عبور در دو خط موازی، بدون اصطکاک با هم. یعنی هر دو، کار خودشان را بکنند؛ اما برای یک هدف و آن هدف، ساختن و کامل کردن ملت و کشور ایران است. اینطور باید حرکت کرد.

در دیدار عمومی به مناسبت «روز میلاد حضرت علی(ع)»، ۱۳۷۲ / ۱۰ / ۰۶

معرفی افراطیونِ زمان امام خمینی(ره)

دشمنان دین، که امیرالمؤمنین قبل از زمان خلافت و در زمان خلافتش، دست از آنها برنداشت، مگر قدرت نداشتند؟! قدرتهای سیاسی داشتند، قدرتهای نظامی داشتند. بعضی،

ره، رهرو، رهبر / ۴۰۹

قدرتهای مردمی داشتند، نفوذ داشتند، ادعای معنویت میکردند، مقدّس مآب بودند. بعضی مثل خوارج شبیه یک عده از انقلابی‌نماهای افراطی ما بودند که هیچ‌کس را هم قبول نداشتند. فقط خودشان را قبول داشتند و طرفدار دین میدانستند؛ هیچ‌کس دیگر را هم قبول نداشتند. مثل کسانی که اول انقلاب، امام را هم به انقلابیگری قبول نداشتند!

در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، به مناسبت روز «عید مبعث»، ۱۳۷۲ / ۱۰ / ۲۰

حضور شخصیت امام در بین ملت؛ افتخاری تاریخی

ما یک کشور و ملتی هستیم که یک پیام داریم. جمعیتی هستیم که قدرت و سابقه و افتخاراتی داریم. افتخاراتی در گذشته و افتخاراتی در امروز. شخصیتی مثل امام در میان ما بوده است که در دنیا چنین شخصیتی را نه امروز و نه در زمانهای نزدیک به ما تا آنجا که ما میشناسیم سراغ نداریم.

بیانات به مناسبت «روز پاسدار»، در جمع هزاران تن از اعضای سپاه پاسداران و «یگان ویژه نیروی انتظامی»، ۷۲ / ۱۰ / ۲۶

امام، مظهر خلوص و مایه‌ی ماندگاری انقلاب

کسانی هستند که قبول ندارند پیغمبر جدّ او و حسین بن علی دنباله‌رو راه اوست؛ اما حسین را قبول دارند! پدرش علی را قبول ندارند، اما او را قبول دارند! خدا را قبول ندارند- خدای حسین بن علی را قبول ندارند اما در مقابل حسین بن علی، سر تعظیم فرود می‌آورند! این، نتیجه‌ی همان خلوص است. در انقلاب بزرگ ما هم، جوهر خلوص مایه‌ی ماندگاری آن شده است؛ همان فلز نابی که امام بزرگوار، مظهرش بود.

همین جوهر است که آن را حفظ کرده است. اخلاص امام و این ملت و بخصوص اخلاص رزمندگانی بود که در میدانهای جنگ حضور داشتند و شما جزو بهترینها و جزو نمونه‌های کاملش هستید. این، یک نکته و جریان و سرخطی است که همه‌ی ما باید دائم به آن توجه داشته باشیم و بنده، بیشتر از شما محتاج توجه به این نکته هستم. یک نکته‌ی دیگر که آن هم در مجموعه‌ی نهضت حسین بن علی (علیه الصّلاة والسلام)، خیلی مهم است و با توجه به وضع امروز ما، به یک معنا به قوت نیروی اخلاص

برمیگردد این است که در هیچ حادثه‌ای از حوادث خونبار صدر اسلام، به اندازه‌ی حادثه کربلا، غربت و بی‌کسی و تنهایی وجود نداشته است. این، تاریخ اسلام است. هرکس می‌خواهد نگاه کند. بنده دقت کردم: هیچ حادثه‌ای مثل حادثه‌ی کربلا نیست؛ چه در جنگهای صدر اسلام و جنگهای پیغمبر و چه در جنگهای امیرالمؤمنین. در آن موارد، بالاخره حکومتی بود، دولتی بود، مردم حضور داشتند؛ سربازانی هم از میان این جمعیت به میدان جنگ میرفتند و پشت سرشان هم دعای مادران، آرزوی خواهران، تحسین بینندگان، تشویق رهبر عظیم‌القدری مثل پیغمبر یا امیرالمؤمنین بود. میرفتند در مقابل پیغمبر، جانشان را فدا میکردند. این، کار سختی نیست. چقدر از جوانان ما حاضر بودند برای یک پیام امام، جانشان را قربان کنند! چقدر از ما، الآن آرزو داریم اشاره‌ی لطفی از طرف ولیّ غایمان بشود و جانمان را قربان کنیم!

پولادین در برابر ابرقدرتها؛ خاضع و گریان در پیشگاه معبود

حالا که ما در سطح دنیا به هیچ قدرتی، به هیچ دولتی، به هیچ دستگاه اطلاعاتی‌ای، به هیچ دستگاه نظامی‌ای، به هیچ دستگاه سیاسی‌ای، به هیچ مجمع عمومی‌ای امید نداریم و از آنها جز بدی و نیش ندیده‌ایم، میتوانیم با خدای متعال، با خدای خودمان، با مولای خودمان، با عزیز خودمان، با محبوب خودمان، با صدق و صفا حرف بزنیم و بگوییم: «یا رجاءَ مَنْ لا رجاءَ له»؛ امید ما به توست. و این است که به یک ملت قوّت میدهد. امام، اینگونه بود. آن مرد پولادینی که شرق و غرب دنیا علیه او دست‌به‌دست هم دادند و خم به ابرو نیاورد، نیمه‌شب، آنچنان در مقابل خداوند متعال اشک میریخت که نزدیکانشان به من میگفتند شبها که امام گریه میکند، برای پاک کردن اشکهایش دستمال کافی نیست؛ امام چشمانش را با حوله پاک میکند! این قوّت از آن قوّتهاست.

در دیدار روحانیان و مبلغان اعزامی به مناسبت فرارسیدن ماه مبارک رمضان، ۲۲/۱۱/۱۷

حادثه‌ی عظیم و عجیب انقلاب؛ نشان‌دهنده‌ی عظمت شخصیت امام خمینی

انقلاب ما، نه فقط مسلمانان را به فکر اسلام انداخت، بلکه برای مسیحیت هم خوب

شد. کشورهایی که سالهای متمادی از دین خودشان که مسیحیت بود، دور افتاده بودند، به طرف معنویت و دین برگشتند. همین، مقدمه‌ای برای فروریزی امپراتوری شرق و بنای حکومت مارکسیستی در دنیا شد. این حادثه چقدر عجیب است و چه ابعاد عظیمی دارد! درست همان جایی را که دشمن برای خود مکن قرار داده است، خدای متعال مأمّن دین و محل بالندگی نهال انقلاب دینی قرار دهد. ببینید این قضیه چقدر عظیم است! تهران دوران حکومت وابسته و فاسد کجا و تهران دوران اسلام کجا؟! مزرعه‌ی رشد ارزشهای فاسد غربی کجا و بوستان بالندگی گلها و میوه‌های ارزشهای اسلامی کجا؟! آن وقت آن مردی که بعد از اولیای خدا، کسی را در انسانهای معمولی به عظمت او، به قدرت او، به تجلی صفات الهی در وجود او نمیشناسیم، با آن عظمت از تبعیدگاه خود وارد کشور شود و به محض ورود، با دستی که از آستین قدرت الهی بیرون آمده است، حکومت اسلامی را در دنیای دورافتاده از ارزشهای معنوی، پایه‌گذاری کند! این حوادث جلو چشم ما اتفاق افتاد. ما امام و انقلاب را از نزدیک دیدیم. اما میخواهم عرض کنم: اکثر ما خود من یکی از آنها عظمت این پدیده، یعنی پدیده‌ی امام و انقلاب را حس نکردیم. خیلی عظمت دارد! بنده یک وقت به امام عرض کردم: اگر کسی شبیه شما دویدست، سیصد سال پیش در تاریخ بود و نشانه‌ای از او میماند یک دستخط، یک کلمه امضا، یک تکه از پارچه‌ی لباس - و امروز بدست ما میرسید، آن را در موزه‌ها میگذاشتیم و به آن تبرک می‌جستیم. حالا شما با وجود خودتان و با همه‌ی حقیقت‌تان، در مقابل ما هستید. ما چطور میتوانیم عظمت شما را درک و حس کنیم؟ این یک واقعیت است. باید گسترش این حقیقت در دلها و فضای زندگی ما و در همه دنیا و بخصوص دنیای اسلامی، هرچه زنده‌تر و ملموس‌تر شود.



پایه و قاعده‌ی انقلاب و مظهر آن

اگر به امام بزرگوار نگاه کنید، بیشتر معلوم میشود که پایه و قاعده‌ی اصلی این حرکت عظیم، تقوا بود. امام، مظهر تقوا و توجه و معرفت و عمل برای خدا و اخلاص بود. اگر این نبود، نمیشد. اگر امام آنقدر خوب و اهل معنا و معرفت نبود، این کار به اینجا نمیرسید. این مقدمه‌ای برای اصلاح است.

حکم انتصاب آقای دکتر علی لاریجانی به سمت رئیس سازمان صدا و سیما
و عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۲ / ۱۱ / ۲۴

توجه به نظرات امام در استفاده از موسیقی

از پخش موسیقی مبتذل و لهوی به ویژه آنچه در این رشته‌ی هنری فاقد هویت ملی و اصالت ایرانی است پرهیز شود. موسیقی ابزاری است که می‌تواند حرام و می‌تواند حلال باشد. نوع حلال آن بدرستی شناسایی و برابر نظرات روشن‌گر امام راحل (طاب ثراه) در معرض استفاده قرار گیرد

صدا و سیمای مطلوب امام (ره)

بطور کلی صدا و سیما چنانکه امام بزرگوار راحل (قدس سره) تعبیر فرمودند: دانشگاهی همگانی باشد که در آن دین و اخلاق و ارزشهای اسلامی و راه و روش زندگی و تازه‌های جهان علم و سیاست و اندیشه‌های نوین و راهگشا به زبانهای رسا و باب فهم همه‌ی قشرها آموخته شود و همه از ذهنهای ساده تا مغزهای متفکر و انسانهای برجسته بتوانند به تناسب آمادگی خود از آن بهره ببرند و از فیض آن سیراب شوند. برنامه‌ها برای عامه‌ی مردم قابل فهم و استفاده باشد لیکن به هیچ روی عامیانه و سبکسرانه نباشد و صدا و سیمای باب ایران اسلامی که در آن تیزهوشی و استعداد و گرایش همگانی به فرهنگ و سیاست و علم در کنار ظرافت و ذوق و خوش طبعی و همراه با روحیه‌ی بازسازی و آفرینش دوباره‌ی کشور بزرگ و سربلند ایران و طبیعت این ملت کهنسال و درعین حال جوان است، بتدریج شکل گیرد.

در صحن «آستان قدس رضوی»، ۱۳۷۳ / ۱ / ۱

سرنوشت مشابه بیدارکنندگان مردم؛ از حضرت ابراهیم (ع) تا امام خمینی

به حرکت عظیم ملت ایران و آن رهبر الهی بزرگ که ابراهیم‌وار حرکت کرد و کرد آن کاری را که خدا میخواست بکند و تأثیر خود را در دنیا گذاشت، می‌پردازیم.

وقتی ابراهیم (علیه‌السلام)، آن حرکت را کرد و مردم را بیدار نمود، آن وقت: «قَالُوا حَرِّقُوهُ وَ

أَنْصُرُوا آلِهَتَكُمْ^۱ گفتند: «ابراهیم را بسوزانید!» چرا ابراهیم را بسوزانند؟ چون ابراهیم برای آنها ضرر دارد؛ چون ابراهیم مردم را بیدار میکند؛ چون ابراهیم سخنی را مطرح میکند که پایه‌های شوکت ظالمانه‌ی مادیِ مستانِ قدرت را میلرزاند. این همان کاری بود که ندای بحقِ امام بزرگوار و شما ملت مؤمن، با قدرتهای استکباری دنیا کرد. امروز، در هر جا، وقتی که مردم رادیوهای دشمنان را باز میکنند - رادیو دولتی انگلیس، رادیو دولتی امریکا، رادیو حکومت غاصب صهیونیستی، رادیوهای عوامل مزدورِ پس‌مانده‌ی آنها؛ که ملت ایران، مثل خاکروبه‌ای از محیط زندگی خود بیرونشان ریخت - میبینند به ملت بدگویی میکنند؛ به دولت بدگویی میکنند؛ به نظام بدگویی میکنند؛ به امام و به اسلام بدگویی میکنند.

استقلال؛ شعار ملت ایران در حرکت عظیم انقلاب

دولتهایی که به اراده‌ی این مردم مسلمان بر سر کار آمدند، تلاش میکنند آن ویرانیها را اصلاح و بازسازی کنند و خالها را پر سازند. شعار ملت ایران در این حرکت عظیم چیست؟ استقلال. این ملت میگوید: «ما می‌خواهیم مستقل باشیم. ما نمی‌خواهیم امریکا و انگلیس و دیگر دولتها، بر سرنوشتمان مسلط باشند.» همین شعار استقلال، شعاری است که قدرتمندان عالم از آن ضرر می‌بینند. مثل شعار ابراهیم خلیل‌الله است و هیچ فرقی با آن ندارد. همانطور که نظام نمرودی آن روز، از ابراهیم (علیه‌السلام) میترسید - در حالی که او یک نفر بود و فقط یک حرف میزد - امروز نظام استکبار جهانی از ملت و دولت ایران میترسد؛ از رهبری ایران میترسد؛ از اسم امام بزرگوار، میترسد.

راه روشن انقلاب؛ از برکات رهنمودهای امام

خدا را شکر میکنیم که این راه، راه روشنی است که در اختیار ملت ایران است. این، از برکات قرآن و از برکات ایمان به قرآن و اسلام است. این، از برکات هدایت‌های الهی، از برکات هدایتها و رهنمودهای امام بزرگوار و از برکات روشن‌بینی شما ملت ایران است. این راه را با همین قدرت طی کنید که پیروزی با ملت ایران است.

۱ سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۶۸. گفتند: او را بسوزانید و خدایانتان را یاری دهید.

روز ارتش؛ از یادگارهای بارزش امام

این دیدار فرصت بسیار خوبی است که بنده یکبار دیگر «روز ارتش» را که از یادگارهای بسیار بارزش امام بزرگوارمان است، تجلیل کنم.

درس تواضع امام

امام، با آن عظمت، خودش را خدمتگزار مردم میدانست و به آن افتخار میکرد.

معنای سخن امام در مورد بی‌فایده‌گی حج بی‌برائت

به جمهوری اسلامی که اعتراض میکنند «چرا حج را سیاسی کرده‌اید؟» این است معنایش. برائت یعنی این. برائت یعنی مردم در آنجا جمع شوند و علیه دژخیمهایی که با کراوات و لباس اتوکشیده و ادکلن‌زده می‌آیند و مثل وحشی‌ترین وحشیها، انسانها را میکشند، و نیز علیه کسانی که از اینها حمایت میکنند و علیه کسانی که به نفع اینها در مجامع جهانی تصمیم میگیرند، فریاد سر دهند. این معنای برائت است. میشود که حج خالی از این باشد؟! آیا حج خالی از برائت، حج است؟! کسانی که با قرآن و اسلام آشنا هستند، جواب بدهند! منصفانه هم جواب بدهند! معنای آن حرف امام که فرمود «حج بی‌برائت حج نیست»، یعنی این. برائت جزو حج و تنیده در ذات حج است.

درس امام مبنی بر انجام تکلیف در هر شرایطی

انقلاب و امام، این را به ما یاد دادند. یاد دادند که در انجام تکلیف، منتظر دیگران نشویم. «لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ» وقتی که شما میتوانید پا در رکاب وظیفه باشید، باشید؛ ولو ملت‌های دیگر نباشند؛ ولو دولت‌های دیگر اجازه ندهند. دولت و ملت ایران، به

۱ سوره مائده، آیه ۱۰۵. هرگاه شما هدایت یافتید، آن کس که گمراه شده است به شما زیانی نمیرساند.

ره، رهرو، رهبر / ۴۱۵

فضل الهی در راه انجام وظیفه‌ی اسلامی پیشگام باشند؛ حال، آن وظیفه‌ی اسلامی هرچه که می‌خواهد باشد.

در دیدار کارگران و معلّمان، در «روز کارگر» و «هفته‌ی معلّم»، ۱۳۷۳/۲/۱۳

همت امام در احیای روحیه‌ی خودباوری ملت ایران

امروز در سطح دنیا که نگاه میکنیم، مبینیم بعضی از کشورها این راه را رفته‌اند و به نتیجه هم رسیده‌اند. کشورهایی که بعد از جنگ دوم جهانی - به تعبیر مبالغه‌آمیزی که معمولاً گفته میشود - تقریباً با خاک یکسان شده بودند، کمر راست کردند و به خودشان پرداختند. در واقع از نیروهای درون خودشان استفاده کردند و امروز در زمینه‌ی اداره‌ی امور دنیای خود از کسانی که اینها را در جنگ به خاک سیاه نشانده بودند بالاتر رفته‌اند. پس به نتیجه میرسیم که میشود با چنین طرز فکری به استقلال علمی و فنی و غیره دست یافت. امام ما (رضوان‌الله تعالی‌علیه) همّتش این بود که به ملت بگوید: «ای ملت ایران! ای جوان ایرانی! ای کارگر ایرانی! ای مهندس و ای مدیر ایرانی! تو بدون اینکه به بیگانه تکیه کنی خودت میتوانی.» امام میخواست روحیه‌ی «توانستن» را در ما زنده کند.

پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۷۳/۲/۲۵

ضرورت شناخت امام و فراگیری تعالیم ایشان در مسائل مسلمین

مسلمانان غیرایرانی بخصوص حقایق و قضایای ایران اسلامی را از زبان برادران ایرانی خود بشنوند و درست و نادرست تبلیغات جهانی را کشف کنند. همچنین امروز و همیشه تلاش کنند تعالیم امام عظیم‌الشأن راحل حضرت امام خمینی (قدس‌نفسه‌الشریفة) را درباره‌ی مسائل مسلمین فرا گیرند و آن مصلح بزرگ تاریخ اسلام را بهتر و از نزدیک بشناسند.

در دیدار قشرهای گوناگون مردم از شهرهای مختلف، ۱۳۷۳/۲/۲۸

نتیجه‌ی دعا و ارتباط امام با خدا

برای این که انسان از قدرتها نترسد، باید از خدا بترسد. دلی که از خوف و محبت

خدا و توجه به پروردگار پر شد، دیگر از هیچ قدرتی واهمه نخواهد داشت. فایده‌ی دعا این است. راز بزرگِ موفقیّت امام بزرگوار ما - که میدیدید مثل کوه، استوار ایستاده بود - همان ایستادگی وی بود که از راه ارتباط با خدا بدست آورده بود. رابطه با خدا، این فایده را دارد.

در دیدار اعضای «ستاد برگزاری مراسم ارتحال حضرت امام خمینی» (ره)، ۱۳۷۳/۳/۴

ابعاد گوناگون امام و اجتماع عجیب این همه خصوصیت

بُعد فقهی امام

امام دارای ابعاد گوناگونی هستند که هر کدام از آنها، جداگانه قابل بررسی است. مثلاً ایشان یک فقیه بودند؛ آن هم فقیهی که در زمان حیاتشان، آدمهای خبره زیادی معتقد بودند که از همه فقهای زمان، بالاترند. از جمله، خود من معتقد بودم و الان هم معتقدم که امام در زمان خود، قطعاً اعلم از همه فقهای زمان بودند. ما در آن روزگار، آقایان دیگر را هم دیده بودیم. یعنی یا در حلقه درس بعضی از آنها شرکت کرده بودیم و یا کتابهای بعضی‌شان را دیده بودیم و میدانستیم. اعتقاد بنده این بوده و هست که امام از همه فقهای درجه یک زمان خودشان، اعلم بودند. یک بُعد از ابعاد ایشان همین است. البته مثل بنده افراد زیادی هستند که چنین عقیده‌ای دارند. افرادی که اهل فن و خبره‌اند، چنین عقیده‌ای را ابراز میکنند و قائل به این حرفند؛ آن هم نه صرفاً از باب اینکه امام را دوست میدارند؛ بلکه از این باب که میروند، میسنجند و برایشان مشخص میشود که فلان آقا، از بهمان آقا، اعلم است. این از بُعد فقهی امام .

بُعد فلسفی امام

عین همین مطلب، در باب فلسفه امام و فیلسوف بودن ایشان صادق است. امام مردی بودند که فلسفه اسلامی در عالی‌ترین شکلش در مشت ایشان قرار داشت. آن وقت که مرحوم علامه طباطبایی (رضوان الله علیه) در قم مطرح بودند، امام استاد فلسفه محسوب میشدند. مرحوم آقای مطهری (رضوان الله علیه) که جزو بهترین روحانیون فیلسوف قلمداد میشود، تربیت شده امام بود و در درس فلسفه امام شرکت میکرد. اصلاً بهترین

ره، رهرو، رهبر / ۴۱۷

فلسفه‌دانان قم، شاگردهای امام بودند. البته بعدها ایشان تدریس فلسفه را کنار گذاشتند؛ ولی قطعاً مطالعات فلسفی‌شان را کنار نگذاشته بودند. یعنی میشود فهمید که نمیتوانستند کنار بگذارند. این هم بُعد فلسفه امام. امروز اگر کسی بخواهد دقیقترین و ظریفترین نظرات فلسفی مثلاً ملاًصدرا را بفهمد و در این زمینه جویای استادی باشد، باید به حواشی امام - اگر در این خصوص حاشیه‌ای داشته باشند - مراجعه کند. عین همین مطلب، در «عرفان علمی» و «نظری» ایشان صادق است. از «عرفان عملی» نمی‌گوییم؛ چرا که آن، باب دیگری است.

بُعد عرفانی امام

یکی از بزرگترین مدعیان فلسفه و عرفان معاصر - که نمی‌خواهم اسم بیاورم؛ اما زنده است و قبلاً در خارج از کشور، یعنی امریکا به سر میرد - برای یکی از دوستان ما تعریف کرده بود که من، آن زمان که امام در نجف مقیم بودند، روزی «فتوحات» ابن عربی را مطالعه می‌کردم و به جایی رسیدم که دیدم مقصود او را نمی‌فهمم. فتحی الدین بن عربی، از کتب ظاهراً ساده، اما باطناً سخت و پیچیده است. این را اهل عرفان علمی و کسانی که خرتی می‌فهمند، می‌گویند.

باری؛ آن فرد گفته بود: «وقتی متوجه شدم نمی‌فهمم، با خود گفتم: من که من باشم این را نمی‌فهمم؛ پس زیر این آسمان چه کسی است که به وی مراجعه کنم و بپرسم؟!» البته، این فرد، خودش را فیلسوف و عارفی درجه یک می‌شناسد و فکر میکند در این زمینه‌ها مرتبه‌ای بسیار بالا دارد.

به هر حال، تعریف کرده بوده که «هرچه فکر کردم، دیدم به جز امام، هیچ‌کس دیگر نیست که بتوانم به او مراجعه کنم و از او بپرسم. لذا، از امریکا نامه‌ای به نجف و خدمت امام ارسال کردم و آن تکه از فتوحات را که نمی‌فهمیدم، از ایشان پرسیدم. البته، برای اینکه امام اُنسی پیدا کنند و رغبتی به پاسخگویی داشته باشند [چون در عالم فقه و فقاہت، ممکن بود ایشان علاقه‌ای به جوابگویی نشان ندهند] در نامه، خاطره‌ای را هم به یادشان آوردم و نوشتم: شما نقل می‌کردید که فلان وقت در اتاق محل سکونت در [مدرسه دارالشفاء] نشسته بودم که یکی از مراجع بزرگ وقت آمدند نکته‌ای گفتند و من

هم در جوابشان نکته‌ای را مطرح کردم. ناگفته نماند که آن محاوره بین امام و آن مرجع، از حرفهای ظریف و دارج بین طلبه‌های آن روزگار و مراجع بعدی است.

تعجب برانگیزی اجتماع این سه خصوصیت

این هم از عرفان امام. ببینید! اینها با هم نمیسازد. یعنی شما نمیتوانید کسی را پیدا کنید که در فقه، در حدّ بالاترین مراجع تقلید باشد و بعد در عرفان نظری چنان بدرخشد که یک نفر که خود را خریّت این فن میداند، هنگامی که در فهم مطالب محی‌الدین درمیانند، چاره‌ای نداشته باشد جز این که به سراغ این کس برود! ما در بین فقهای امروز و دیروز خود، چنین کسی را نداریم و نداشته‌ایم. اجتماع این همه خصوصیت در این مرد، واقعاً مسئله عجیبی است!

پس تا بحال سه بُعد از ابعاد شخصیت امام آشکار شد: بُعد فقهی، بُعد فلسفی و بُعد عرفانی. البته ایشان حکیم هم بودند که به بُعد حکمتشان بعداً اشاره میکنیم. این سه بُعد، سه نکته اساسی از شخصیت امام است. شما ببینید که ما از شخصیتهای علمی خود، مانند ملاصدرا، شیخ انصاری، آخوند خراسانی و امثال آنها تجلیل میکنیم. هرکدام از این اشخاص، کسانی هستند که در یک یا حداکثر دو رشته از رشته‌های علمی مورد بحث، شخصیت برجسته‌ای داشته‌اند.

بُعد بینش و فهم سیاسی امام

اینک به سراغ بینش و فهم سیاسی امام می‌آییم. واقعاً انسان از درک سیاسی ایشان حیرت میکند! شاخصه درک سیاسی این است که انسان قدرت پیشگویی سیاسی داشته باشد. پیشگویی سیاسی هم غیر از پیشگویی دینی است که ناشی از یک جنبه معنوی است. پیشگویی سیاسی یعنی اینکه انسان بتواند حوادث سیاسی را تشخیص دهد؛ بعد آنها را جفت و جور، جستجو و تحلیل کند و بگوید: نتیجه آنها این میشود. فرض کنید مانند پیشگوییهای هواشناسی است. هواشناسی علم است دیگر! چون آن توده ابر را ببیند و پیش‌بینی میکند که شرایط جوی برای چند روز آینده چگونه خواهد بود. من و شما که نمیتوانیم شرایط جوی را پیش‌بینی کنیم، برای این است که توده ابر را نمیبینیم. ما هم اگر ببینیم توده ابر از آن طرف می‌آید و فلان توده هوا از آن طرف می‌آید، خواهیم

گفت فردا حرارت اینقدر خواهد بود. چون واقف به شرایط جوی نیستیم، لذا نمیتوانیم جفت و جور و تحلیل و پیشگویی کنیم. سیاست نیز همینطور است. بعضی اشخاص نمیتوانند حوادث جهانی را درک کنند. قبل از انقلاب، یک وقت بنده از طرف امام (رضوان الله علیه)، پیغامی برای جمعی از علمای شهر خودمان مشهد بردم. بخشی از پیغام این بود که «امروز اسرائیل بر همه اوضاع مسلط شده است.» یکی از علمای معروف مشهد - خدا رحمتش کند - در جواب من گفت: «ایشان خیال میکند که اسرائیل بر همه اوضاع مسلط شده است! اگر واقعاً اسرائیل بر امور ما مسلط باشد، باید هم مبارزه کنیم؛ اما امروز چنین چیزی نیست و ایشان خیال میکند!» منظورم این است که امام در سال ۴۲ میتوانستند سلطه اسرائیل را در امور مملکت ما ببینند. اگر حالا شما مدارک و اسناد بازمانده از آن وقت را نگاه کنید، این مسئله برایتان واضح و روشن میشود. امام آن وقت نمیتوانستند چنان واقعیتی را ببینند؛ اما آن آقای عالم مدعی، اصلاً قدرت تشخیص چنین واقعیتی را نداشت. مسلماً وقتی نتوانست چنان واقعیتی را ببیند، قدم بعدی را هم نمیتواند بفهمد.

امام، این قدرت پیش بینی و پیشگویی را به نحو اتم و اکمل داشتند. البته و بلاشک، لطف و هدایت الهی نیز شامل ایشان میشد. نمیتوان در این تردید کرد. اما لطف الهی چگونه شامل کسی میشود؟ لطف الهی، از طرق و ممشاهای خودش به انسان میرسد. یعنی وقتی خدا میخواهد به کسی لطف کند، بینش سیاسی به او میدهد. نمیتوان گفت فلان آقا بینش سیاسی ندارد؛ در عین حال به لطف الهی مسائلی برایش روشن میشود! اینگونه نیست. مثل کسی که او را فرضاً به خواب مغناطیسی برده باشند و خودش هم نمیفهمد که حقایق را بیان میکند. امام اینگونه بودند؟ خودشان ملتفت نمیشدند، اما همینطور حقایق بر زبانشان جاری میشد؟! اینگونه که نبود! اگر میدیدید حقایقی از عالم سیاست و مسائل سیاسی بر زبان امام جاری میشد، به دلیل این بود که تحلیل و پیش بینی داشتند.

شما به نطق امام در زمان تنفیذ حکم ریاست جمهوری بنی صدر نگاه کنید. ببینید آیا آینده بنی صدر در آن نطق دیده میشود یا نه؟ بنده میگویم دیده میشود. به پیام امام در سال ۶۶ که در مراسم حج، آن حادثه اتفاق افتاد، نگاه کنید! ببینید آیا وجود یک حادثه عظیم -

نه به آن تفصیلات - در آن پیام فهمیده میشود یا نمیشود؟ خواهید دید که فهمیده میشود. امام نمیفهمیدند و همینطوری مطالبی بر زبانشان جاری میشد و یا خدا چیزی به قلمشان جاری میکرد؟! خوب؛ برای چه خدا جاری میکرد؟ همینطور که نبود! ایشان نکته‌ای را حسّ و درک میکردند؛ تحلیل و جمع‌بندی سیاسی داشتند و آن جمع‌بندی سیاسی، ایشان را به نتیجه‌ای میرساند. منتها، گاهی نتیجه را صریحاً میگفتند و گاهی هم که مصلحت نمیدانستند به صراحت بگویند، به اشاره میگفتند و بعد آدم میفهمید. ما که با ایشان در مسائل کشور و مسائل جهانی معاشرت و تعاطی فکری دائمی داشتیم، بارها و بارها اینها را دیدیم. آدم افسوس میخورد - بخصوص ما - که چرا هر مورد را یادداشت نکردیم! اگر چه موارد یادداشت شده‌ای هم که وجود دارد، اندک نیست. بنابراین، امام یک سیاستمدار برجسته؛ یعنی یک مرد سیاسی در حدّ اعلی دارای قدرت سیاسی بودند. بنده خیلی از سیاستمداران دنیا را از نزدیک دیده‌ام و با آنها نشسته‌ام و حرف زده‌ام. واقعاً همین تعبیر رایجی که در دنیای سیاست به کار برده میشود - کوتوله‌های سیاسی - در مورد همه آنها صدق میکرد. همه آنها در مقایسه با امام، کوتوله بودند؛ کوتوله‌هایی در مقابل امام. امام در عالم سیاست، انسان والایی بودند. این هم از بُعد سیاسی و فهم و بینش سیاسی امام.

ابعاد نفسانی و شخصی امام - زهد امام

اینک به ابعاد نفسانی و شخصی ایشان میرسیم. امام واقعاً یک مرد زاهد بودند. چقدر پول زیر دست ایشان بود! چقدر امکانات مالی - در واقع همه امکانات کشور - زیر دست امام بود! اگر امام اشاره‌ای به دولت، به مسئولین، به بانک مرکزی، به رئیس جمهور و به هرکس دیگر میکردند که این مبلغ باید در فلان جا خرج شود، آیا کسی حتی در ذهن خود، تردید راه میداد که این را بکنم یا نکنم؟ همه از خدایشان بود و شوق هم داشتند که امام، انجام کاری را از آنها بخواهند. همان وقتها، مسئولین کشور، واقعاً از خدا میخواستند که امام کاری را به آنها ارجاع کنند. با این همه، امام از دنیا رفتند و فرزند ایشان یک خانه نداشت! اینها به زبان آسان است. وقتی امام از دنیا رفتند، پسر ایشان یک خانه یا ملک شخصی نداشت! به امام، پول شخصی که زیاد میدادند. چه اشکالی داشت

اگر ایشان برای فرزندشان یک باب خانه مسکونی میخریدند؟! شما دیدید که امام یک وقت سیصد میلیون تومان از پول شخصی خودشان را به قضیه زابل اختصاص دادند. ممکن است کسی فکر کند مگر امام پول شخصی داشتند؟! بله؛ برای رهبر پول می‌آورند. برای ما هم - البته نه آنقدر که برای امام میبردند - می‌آورند. واقعاً کسانی دوست میدارند مبالغی برای رهبر بیاورند. میگویند: «این پول، مال خودتان است. برای خودتان و برای خرج شخصی‌تان.» بنده هم خرجم از همان پولها میگذرد. امام از این پولها زیاد داشتند و خدمت ایشان می‌آوردند. ما هم هرچه از این پولها خدمت امام میبریم قبول میکردند. حتی یکوقت کسی پول مختصری داده بود. من با خودم گفتم: «لابد امام قبول نمیکنند.» اما وقتی ارائه شد، ایشان قبول کردند و گرفتند. امام ناگهان سیصد میلیون تومان به قضیه زابل اختصاص دادند! آخر این کار، کار عجیبی است! شما کجا سراغ‌دارید که کسی از پول شخصی ملکِ خالص خودش که هیچ اشکالی در آن نیست؛ یک ریالش هم حرام نیست؛ پول حلال طیب و طاهر مثل شیر مادر است، به چنین اموری اختصاص دهد؟! ایشان میتوانند از آن سیصد میلیون تومان، ده میلیون تومانش را کنار بگذارند و بگویند برای حاج احمد آقا خانه‌ای بخرید - آن روزها خانه هم ارزانتر بود - و بعد دویست و نود میلیون تومانش را برای آن امر بدهند. اما چنین نکردند. ایشان سیصد میلیون تومان را به آقای موسوی اردبیلی حواله دادند و آقای موسوی اردبیلی به زابل رفتند. لابد یادتان است. آن پول، نه پول دولت، که از شخص خود امام بود.

اینها زهد است. شوخی که نیست! شما آن وقتی که پولی گیرتان می‌آید و حتی بیش از مبلغی است که انتظارش را داشته‌اید، امتحان کنید و ببینید میتوان از آن دل کند؟! چندان آسان نیست. ابعاد عظیم شخصیت یک انسان، اینهاست. هر انسانی که نمیتواند چنین بنای باعظمتی - نظام جمهوری اسلامی - را روی دوش خود حمل کند. شوخی نیست! آدمهای معمولی که نمیتوانند. اگر امام نبودند، مگر میشد این کاخ عظیم و تاریخی و بی‌نظیر را که از اول عالم تا بحال بنا نشده بود، پی افکنند؟! حتی در زمان نبی اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز، از لحاظ سیاسی چنین تشکیلات عظیمی بر اساس دین حق ریخته نشد. البته تشکیلات حضرت سلیمان طور دیگری بوده است که ما جزئیاتش را نمیدانیم.

طبق آیات و روایات و احادیث، جن و انس و باد و دیگر امکانات، مسخر وی بودند، که امام چنین امکاناتی هم نداشتند. شاید اگر باد مسخر ایشان هم میبود، از زمان حضرت سلیمان بیشتر کار میشد.

علی‌آی‌حال، امام چنین بنایی ریختند. مگر امکان دارد یک انسان معمولی، این کار را بکند؟! آیا چنین کاری از دست یک انسان تربیت نشده، تهذیب نشده و با خود کار نکرده ساخته است؟! البته تصور نشود که امام، انسانی غیرعادی بودند. بگوئیم پس ایشان غیرعادی بودند، ما چه کار کنیم؟ نه؛ امام غیرعادی و غیرطبیعی نبودند. مثل ما، یک انسان بودند؛ منتها روی خودشان کار و مجاهدت کرده بودند: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»^۱ مگر معیت خدا شوخی است؟! یک وقت است که آدم گردن کلفت زورمندی به یک نفر میگوید: «در این محل که هستی، نترس. چون من با توأم.» دل آن فرد، قرص میشود و میگوید: «الحمد لله.» دیگر کسی به من حمله نمیکند.» حامی و همراه آن فرد کیست؟ بشری مثلاً با یک متر و هشتاد، نود سانت طول، مقداری عرض و مقداری زور بازو. ولی یک وقت، خدایی که منشأ همه‌ی قدرتهای عالم وجود است، میگوید: «اگر نیکوکار و باتقوا باشی، من با تو هستم.» وقتی انسان خدا را با خودش دارد، امریکا را به زمین میزند، شاه را به زمین میزند، تأثیر ساواک از بین میرود و قدرت ارتش شاه و قدرت سیاست امریکا از بین میرود. چون معماً برای ما حل شده است، آسان بنظر میرسد.

شما فکر کنید ببینید تغییر رژیم کویت - نمیگویم رژیم عربستان سعودی - چقدر برای امریکا قابل تحمل است؟! آیا قابل تحمل است؟ دیدید وقتی صدام حسین به کویت حمله کرد، چه اتفاقی افتاد؟ همه دنیا را به هم ریختند! کویت کجا، ایران زمان شاه کجا؟! آیا امریکاییها حاضر بودند بنشینند و دست روی دست بگذارند تا انقلاب پیروز شود؟! هزار کار کردند و خودشان را کشتند تا جلو پیروزی انقلاب را بگیرند؛ اما نتوانستند و نشد.

این مرد - امام راحل - توانستند بر همه‌ی افسونها فائق آیند. اگر آن خصوصیات و

۱ سوره‌ی عنکبوت: آیه‌ی ۶۹. و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راههای خود را بر آنان می‌نماییم و در حقیقت، خدا با نیکوکاران است.

ره، رهرو، رهبر / ۴۲۳

ویژگیها را نداشتند که نمیشد. پس، اینکه میگوییم «ابعاد شخصی آن بزرگوار، گوناگون است» ادعا نیست. آن از فقهشان، آن از فلسفه‌شان، آن از عرفانشان، آن از فهم و بینش سیاسی‌شان، آن از زهدشان و آن از تقوایشان. البته زهد و تقوا باهم فرق دارند و دو مقوله جداگانه‌اند.

حکمت امام

و اما، در باب حکمتی که خدا به امام داده بود. واقعاً خدا میداند از اولی که این کلمه برای امام به ذهن آمد، تا آخر عمر ایشان، در ذهن من چه گذشته است! بنده واقعاً تعبیر «حکیم» را برای امام کشف کردم و براستی که ایشان حکیم بودند. قدما حکمت را معنا کرده‌اند و میگویند: «الحکمة صیرورة الانسان عالما عقليا للعالم الحسی^۱» در قرآن هم آنجاها که تعبیر «حکمت» به کار رفته است، جاهایی است که خدای متعال حقایقی را بیان میکند. ابتدا به نظر انسان، ساده می‌آید؛ اما وقتی دقیق میشود، میبیند بنای زندگی انسان بر همین حقایق ساده نهاده شده است. هرکس توانست اینطور روشن ببیند و روشن بیان کند، حکیم است. و امام، حکیم بودند.

یک وقت در اوایل انقلاب- شاید سال ۶۰ یا ۶۱ بود- در حال استعجاب و حیرت از یک برخورد امام در حادثه‌ای- که الآن یادم نیست آن حادثه چه بود- ناگهان به ذهنم رسید که عجب! این همان حکمتی است که ما در قرآن خوانده‌ایم!

امام، واقعاً حکیم بودند. انسان خیال میکرد مثل اینکه عالم وجود، کف دست ایشان است. یعنی مسائل و حقایقی که انسان باید با هزار زحمت و با راهنمایی میفهمید، مثل اینکه برای امام روشن بود. این، حکمت است. حکمت، از جمله نعمتهایی است که خدا باید به انسان بدهد: «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ»^۲ خدا حکمت را به هرکس بخواهد میدهد. البته آنکس‌ها هم در نزد خدای متعال، حساب و کتاب دارند و هیچ‌کس جز انبیاء و بزرگان، استحقاق حکمت را پیدا نمیکند. به نظر من، امام هم استحقاق به حکمت را پیدا کرده بودند و خدا به ایشان حکمت داده بود.



۱ شرح منظومه، ج ۲، ص ۵۰ و ج ۵، ص ۲۹۱.

۲ سوره بقره، آیه ۲۶۹. [خدا] به هرکس که بخواهد حکمت میبخشد.

ضرورت طرح حاکمیت «انسانی چون امام» بر یک نظام سیاسی؛ برای مردم دنیا

دیگر می‌خواهم حاصل حرفها را عرض کنم؛ زیرا بحث طولانی شد. البته وقتی راجع به امام صحبت میشود، آدم از شوق می‌جوشد. من می‌خواهم بگویم: کاری کنیم که عظمت حاکمیت انسانی چون امام بر یک نظام سیاسی، برای مردم دنیا آشکار شود. این مهم است. سلاطین و رؤسای دنیا، از لحاظ شخصیاتشان مردمان کوچک و حقیری هستند. اسیر پولند، اسیر رشوه‌اند، اسیر چند دلارند، اسیر اینند که در فلان‌جا معامله‌ای انجام گیرد و مثل همه دلّالان عالم، پولی به جیب بزنند. آنها اینگونه‌اند. کوچکنند، حقیرند، اسیر شهوتند، اسیر لذتند و اسیر یک شب خوشگذرانی‌اند. دلشان خوش است به اینکه «به ریاست جمهوری رسیدیم تا بتوانیم کیف کنیم و به کیف برسیم!» اصلاً ریاست را برای این کارها می‌خواهند. آن وقت، در دنیایی با چنین حقارتها، خدا انسانی را شبیه انبیاء قرار داد. البته این انسان-امام بزرگوار- خاک پای انبیاء و شاگرد کوچک انبیاء بودند. و این برای یک انسان، بزرگترین افتخار است. امام از آن شاگردانی بودند که شباهت تمام به استادان خود داشتند. خدای متعال، این انسان شبیه انبیاء را در رأس یک کشور گذاشت. ده سال طول کشید و بعد هم تمام شد. مثل برقی جهید و تمام شد! دیگر هم برنمی‌گردد و دیگر هم نظیر و شبیهی ندارد. این حقیقت را هرچه بتوانید برای مردم دنیا و برای مردم خودمان روشن کنید، خوب است.

نقش سالگردها در تبیین حقیقت امام

برگزاری سالگردها، بهانه‌ای برای تبیین این حقیقت باشد. البته هوشمندانی باید بنشینند و برایش راه پیدا کنند. فقط هم با کتاب نوشتن نیست. خیلی باید کار شود تا این ابعاد، روشن گردد. باید تحلیل شود، بیان شود، بصورت فیلم درآید... و البته، همه چیز باید استدلالی باشد. این را هم عرض کنیم: آدمهایی که اطرافشان ستایشهای جمعی و غوغاآمیز زیاد است، در بلندمدت، مظلوم واقع میشوند. چون آدم فکر میکند این آدمها احتیاج ندارند که انسان بنشیند استدلال کند آدمهایی حسابی‌اند. از آنجا که استدلال، پای تعریف و ستایش از آنها نیست، غوغا هم فرو مینشیند و اینها، در بلندمدت تاریخ، مظلوم واقع میشوند و حقایقشان فهمیده نمیشود.

علت صحبت دقیق راجع به امام

اگر بنده در صحبت کردن راجع به امام، گاهی اوقات سعی میکنم گفته‌هایم تحلیلی و دقیق باشد، مقدار زیادی از آن برای این است که معلوم باشد مسئله، مسئله احساسات نیست که صرفاً بگوییم «ما امام را دوست میداشتیم، و برای امام هورا کشیدیم و شعار دادیم.» نه؛ مسئله مبنایی و فکری است. کاری کنید که این مظلومیت، در بلندمدت گریبان امام را نگیرد. درباره‌ی فقهت امام بحث شود. درباره‌ی حکمت امام بحث شود. درباره‌ی فیلسوف بودن امام بحث شود. درباره‌ی عارف بودن ایشان بحث شود. درباره‌ی سیاسی بودنشان بحث شود. درباره‌ی زهد شخصی و خصلتهای انسانی‌شان - همانی که هست - بحث شود. البته مواظب باشید که یک ذره مبالغه در مسائل مربوط به امام پیش نیاورید. امام احتیاج به مبالغه ندارند.

پرهیز از تعابیر مبالغه‌آمیز راجع به امام

من، گاهی اوقات در بعضی از تعاریف، تعابیر مبالغه‌آمیز مبینم. این درست نیست. نگذارید مبالغه بیاید. شاید در بیانات امام، از لحاظ تعبیرات فعل و فاعل و مبتدا و خبر و غیره، مواردی باشد که بگویند صحیحترین است. خوب؛ ایشان حرف معمولی‌شان را میزدند و وجود چنین مواردی در محاورات، اجتناب‌ناپذیر است. گمان کنم یک وقت به گوشم خورد که کسی گفته بود: «همینها، اینطور که هست، صحیحترین است.» کسانی این حرفها را نزنند. آنچه را که واقعیت دارد بگویند. امام آنقدر زیباییها، برجستگیها و عظمتهای واقعی دارند که اگر آدم بخواهد آنها را بیان کند، نمیتواند درست از عهده بیان برآید. در مورد آن بزرگوار، احتیاج به مبالغه و زیاده‌روی و نظایر آن نیست. همان واقع خودشان را اگر بتوانیم نشان دهیم، عظمت امام از آنی که الآن هست، خیلی بیشتر خواهد شد. واقعاً هنوز واقعتهای امام شناخته نشده است.

در دیدار کارگزاران نظام، در روز «عید غدیر»، ۱۳۷۳/۰۳/۰۸

تمسک نظام اسلامی به ولایت علوی با تدبیر امام خمینی(ره)

در دوران طاغوت، که روز عید غدیر معمول بود، میخواندیم: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنْ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ»^۱ این تمسک به ولایت، آن روز

۱ مسند الإمام الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۱۹.

در اعتقادات و عواطف بود؛ اما در عمل که ولایتی نبود. در عمل، ولایتِ طاغوت بود؛ ولایتِ استکبار بود؛ ولایتِ دشمنان دین بود. آن روز دوستان ما میخواندند: «اللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ». یعنی از خدا میخواستند که متمسک به ولایت امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) باشند. امروز این دعا مستجاب شده است. ملت ایران، امروز با نظام اسلامی‌ای که به تدبیر امام بزرگوار، از حاقّ قرآن و دین استخراج شد و در این کشور به اجرا درآمد، به ولایت امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) تمسک کرده است. این تمسک را باید هرچه بیشتر کنیم. اساس کارِ تمسک به ولایت هم، تمسک به ارزشهای اسلامی است.

در جمع «نمایندگان مجلس شورای اسلامی»، ۱۳۷۳/۳/۱۱

اذعان امام به سختی اداره‌ی کشور

اداره‌ی کشور، کار دشواری است. من دیده بودم کسانی خدمت امام (رضوان‌الله تعالی‌علیه) می‌آمدند و از بعضی اوضاع شکایت میکردند. یکی میگفت مالیات اینطور شد، یکی میگفت در فلان‌جا، شهرداری آنگونه عمل کرد، استانداری فلان کرد و از این قبیل مطالب. من غالباً میدیدم امام تأملی میکردند و بعد به آن طرف میگفتند: «آقا! اداره‌ی کشور سخت است.»



تحقق آرزوی امام در مورد مجلس

بحمدالله، وضع داخلی مجلس و اداره‌ی آن، خیلی خوب است. حقیقتاً بنده در موارد متعددی، از سرِ رضایت، پیش پروردگار عالم شکرگزاری کرده‌ام که بحمدالله وضع داخل مجلس، مدیریت مجلس و کیفیت کار آن، در عین آنکه تلاش و فعالیت و بحث و تضارب آرا و افکار - همانطور که امام (رضوان‌الله‌علیه) همیشه آرزو داشتند و میگفتند: مثل مباحثه‌ی طلبگی - و سختگیری در رسیدن به مطالب حق وجود دارد، ولی بحمدالله، تنافس و مچگیری و سعی در تضييع اشخاص و گروهها در مجلس نیست. این بسیار باارزش است.

تطبیق آیات مبارکه‌ی سوره‌ی طه با سه خصوصیت امام خمینی(ره)

من امروز در ذهنم، مضمون دو آیه‌ی مبارکه‌ی سوره‌ی «طه» را که قرائت شد، با شخصیت امام بزرگوار، تطبیق کردم. در امام عزیز، سه خصوصیت درخشان وجود داشت که همان سه خصوصیت، در این دو آیه‌ی شریفه هم مطرح شده است. در آیه‌ی اول میفرماید: «وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ»^۱ ایمان، خصوصیت اول و عمل صالح، خصوصیت دوم است. در پایان آیه‌ی دوم، خصوصیت سومی هم در عبارت: «وَذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى»^۲ ذکر شده است که خصوصیت تزکیه و تهذیب نفس است. قرآن کریم برای کسی که دارای این خصوصیات است، وعده‌ی درجاتِ «عُلَى» داده است: «فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى»^۳.

این سه خصوصیت در امام بزرگوار برجسته بود. ایمان آن مرد بزرگ، نمونه و استثنایی بود. عمل صالح او، عملی بود که بعد از صدر اسلام تا امروز، کسی آن را انجام نداده است. یعنی تشکیل نظام اسلامی، که امروز اندکی به آن خواهیم پرداخت. تزکیه‌ی او هم، چنان بود که در اوج شهرت و قدرت و محبوبیت، اوج عبودیت را برای خود انتخاب کرد و هر روز که گذشت، بر الحاح و تضرع و توسل او به خدای بزرگ، افزوده شد.

این سه خصوصیت، در امام بزرگوار وجود داشت. پس، حق است که گفته شود: او از جمله کسانی است که «أُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى». این علو مرتبه‌ای که امروز شما در سراسر جهان، برای امام بزرگوار مشاهده می‌کنید ناشی از این خصوصیات سه‌گانه است. هر جا انصاف هست، امام در آنجا بزرگ است. هر جا عدالتخواهی هست، آنجا امام زیباترین چهره است. آنجا که به امام خمینی بزرگوار ما بی‌ارادتی می‌شود، عدل نیست، انصاف نیست، حق‌طلبی نیست؛ بلکه دنیاخواهی و فساد است. این سه خصوصیت مربوط به امام بزرگوار است که امروز محور سخن ما هم، امام عظیم‌الشأن است.

۱ سوره‌ی طه، آیه‌ی ۷۵. و هر که مؤمن به نزد او رود، در حالی که کارهای شایسته انجام داده باشد،

۲ سوره‌ی طه، آیه‌ی ۷۶. و این است پاداش کسی که به پاکی گراید.

۳ سوره‌ی طه، آیه‌ی ۷۵. برای آنان درجات والا خواهد بود.

مصداق عمل صالح امام خمینی(ره)

همانطور که گفتیم، عمل صالح یکی از این سه خصوصیت است. عمل صالح امام، پایه‌ریزی حکومت اسلام و نظام اسلامی بود. خوب است برادران و خواهران ارجمند توجه کنند، تا این اهمیت و عظمتی که عمل صالح امام از آن برخوردار است، بدرستی در ذهن آنان بنشیند. امام بزرگوار ما، نظام اسلامی را تشکیل داد؛ یک نظام اسلامی که بر اساس آن یک حکومت و تشکیلات سیاسی اسلامی هست و پشت سر آن هم یک برنامه‌ی اسلامی قرار دارد. هر سه نقطه درخور توجه و تعمق است.

«ماده» و «صورت» نظام بنا شده توسط امام خمینی

نظام اسلامی‌ای که امام در این کشور تشکیل داد و به وجود آورد، عبارت از این است که شکل زندگی این ملت، قالب و معنای اسلامی پیدا کند و جهتگیری، اسلامی باشد. این نظام اسلامی دارای یک ماده‌ی اصلی به نام «ایمان به خدا و غیب» و نیز دارای یک قالب و صورت به نام «شریعت اسلامی» است. چنین نظامی که با مایه‌ی ایمان و با صورت و قالب مقررات و شریعت اسلامی، یک نظام اختصاصی استثنایی ناشناخته برای بشر مادی، اما شناخته به وسیله مسلمانانی است که با اسلام و قرآن آشنا هستند، جز در صدر اسلام، دیگر در طول تاریخ وجود نداشته است، و امروز هم جز در ایران اسلامی در هیچ جای جهان وجود ندارد.

امام؛ انجام‌دهنده‌ی کاری نشدنی

البته کسی امیدوار نبود که در این دوران بشود نظام اسلامی را پیاده کرد. هیچ‌کس تصور نمی‌کرد که با این همه دشمنی و مخالفت، کسی جرأت کند به سمت این راه برود، یا قدرت داشته باشد که این کار را انجام دهد. اما امام، این کار نشدنی را با قدرت ایمان و اراده و همت خود و به کمک تکیه به نفوس میلیون‌ها دل مشتاق و عاشق انجام داد. بخش بارز و مشخص در این نظام، دستگاه سیاسی، یعنی دستگاه حکومت است، و اولین بخش در هر نظامی، همین بخش سیاسی است که شکل می‌گیرد. از همینجا میشود نظامها،

مکتبها و هدفها را درست شناخت.

ویژگیها و اهداف حکومت تشکیل یافته توسط امام

امام بزرگوار ما، حکومتی تشکیل داد که در دنیای امروز، بلکه در طول تاریخ - غیر از موارد استثنایی از صدر اسلام تاکنون - بی نظیر است. این حکومت هدفی دارد که عبارت است از رسیدن به جامعه‌ی آرمانی اسلام که در بخش «برنامه» آن را عرض خواهم کرد. خصوصیات این حکومت این است که در نظامی که امام پدید آورد، اجزای دستگاه سیاسی دارای صلاحند. انسانهای صالحند. انسانهای مؤمنند؛ انسانهای پرهیزکار و دارای ورع و پاکدامند. این را مقایسه کنید با دولتها و حکومتهایی که امروز مدعی رهبری بشریتند و ببینید چقدر فاصله هست!

خصوصیات دستگاه سیاسی نظام اسلامی امام

در نظام اسلامی ای که امام پدید آورد، دستگاه سیاسی، یک دستگاه پاک و متشکل از انسانهایی است که دارای صلاحند؛ اهل دنیاطلبی نیستند و برای خود چیزی نمیخواهند. برای آنها هدف عبارت است از اسلام و احکام الهی و ماورای همه‌ی اینها، هدف عبارت است از رضای خداوند. نمونه‌ی کاملش، خود این بزرگمرد بود. مسئولین نظام، به فضل پروردگار، در این سالیان پرتلاطم بعد از پیروزی انقلاب تا امروز، نشان دادند که همه از آن چهره‌ی منور نشانی دارند؛ حتی بعضی هم، بیش از آنچه که بشود توصیف کرد. اینکه شما ببینید در دنیای امروز، برای یک رئیس‌جمهور، یا یک مسئول قوه‌ی قضائیه، یا یک رئیس قوه‌ی مقننه و یا سرداران نظامی و فرماندهان میدان جنگی، نیازهای شخصی و هواها و هوسهای نفسانی، انگیزه‌ی حرکت نیست، موردی کم‌نظیر و بعضاً بی‌نظیر است.

علاوه بر این، خصوصیت دیگر این دستگاه سیاسی، استقلال آن است. مسئولین این دستگاه، زیر بار کسی نیستند؛ از هیچ قدرتی واهمه ندارند و فرمان قدرتمندان عالم را که مسلح و مجهز به ابزارهای زر و زورند، به هیچ میگیرند. این هم موردی کمیاب در عالم

است.

در نظام جمهوری اسلامی، طبیعتِ قضیه همین است و همه به فضل پروردگار همینطورند. باز نمونه‌ی اعلی خود این بزرگمرد بود و دیگران هم، هر یک رشح‌ای از این حقیقت را در وجود خود دارند. پس، این هم نظام دستگاو سیاسی، از نظام اسلامی‌ای که امام پدید آورد.



برنامه استثنایی نظام امام خمینی؛ آبادسازی توأم دنیا و آخرت

نقطه‌ی سوم برنامه است. برنامه‌ی نظام اسلامی هم، در میان برنامه‌هایی که مصلحان دنیا و دولتها و آورندگان پیامهای جدید مطرح میکنند، استثنایی است. در این برنامه، بازسازی دنیا و آخرت با هم است. نظام اسلامی میخواهد دنیای مردم را آباد سازد؛ اما نمیخواهد به آن اکتفا کند. دنیا و آخرت در نظام اسلامی و در برنامه‌ی این نظام، توأم‌اند. انسانها باید زندگی را سرافراز و با رفاه بگذرانند؛ اما این رفاه و آسایش و هرچه که این آسایش را برای انسانها فراهم میکند، همه و همه مقدمه برای رضای الهی است. آنها ذی‌المقدمه است و هدف، کسب رضای پروردگار است. این، یک امر استثنایی در صحنه‌ی امروز عالم، بلکه در همیشه‌ی تاریخ - جز در حکومت‌های انبیاء و جانشینان و اوصیای آنها - است. همه ادعا میکنند که میخواهند دنیای مردم را اصلاح کنند و غالباً هم نمیتوانند. اما نظام اسلامی میخواهد دین و دنیا را اصلاح کند و میتواند هم. این قدرت را اسلام نشان داده است.

اگر چشمان بانصاف، وضع کنونی کشور را هم نگاه کنند، این موضوع را تصدیق میکنند. امروز این ملت و این دولت و این کشوری که هشت سال جنگ را بر آن تحمیل و مسلط کردند؛ کارخانه‌هایش را خراب کردند؛ راه‌هایش را نابود کردند؛ محاصره‌ی اقتصادی‌اش کردند؛ امکانات را از او باز گرفتند؛ هیچ دولتی هیچ کمکی به او نکرد و از داخل به وسیله‌ی کارهای سیاسی و تبلیغاتی هم انواع فشارها را بر آن وارد آوردند، برنامه‌های بازسازی و بخصوص کارهای زیربنایی را چنان دنبال میکند که ناظران هم به تحسین میپردازند. کسانی که می‌آیند و میبینند، هم برنامه و هم مجریان برنامه را تحسین میکنند. اگر فشار دشمن نبود؛ اگر دستهای خائن و تحریک‌شده‌ی دشمن نبود؛ اگر

ره، رهرو، رهبر / ۴۳۱

حضور تبلیغاتی و اقتصادی و سیاسی دشمن در پشت مرزهای ما نبود، وضع ما به مراتب بهتر از این بود و بسیاری از مشکلاتی که امروز از لحاظ اقتصادی در کشور هست، وجود نداشت.

برنامه‌ی اسلامی، برنامه‌ی اداره و آبادسازی دنیا و آخرت است. برنامه‌های دیگر، به دین ملت و به آخرت انسانها کاری ندارند. برنامه‌ی اسلامی، تربیت و تهذیب میکند. امروز در کشور ما یک حرکت عمومی، بخصوص در میان جوانان، به سمت آموزش قرآن، فراگیری دین و عمل به احکام و مقررات اسلامی مشاهده میشود. این دیگر مال اهل دنیا نیست. اهل دنیا مدعی‌اند دنیای ملتها را درست میکنند که نمیتوانند هم. اما اسلام دنیا و آخرت را مطمح نظر قرار میدهد و به فضل پروردگار میتواند هم. ملت نیز بر اثر اسلام، هم ایمانش، هم صبرش و هم آگاهی‌اش در میان ملتهای عالم، استثنایی است. این مجموعه را که روی هم میگذارید، عمل صالح این مرد بزرگوار و این عبد صالح پروردگار میشود.

تنها راه خوشبختی ملت ایران، طبق آموزه‌های امام بزرگوار

نکنته‌ی آخر این است که راه ما- همانطور که این مرد بزرگ برایمان ترسیم کرده است- راه استقامت و پیگیری هدفهای نظام اسلامی است. طبق درسهای امام بزرگوارمان و طبق وصیت او، راه این ملت همین است. برادران و خواهران عزیز من در سراسر کشور توجه کنند که راه خوشبختی ملت ایران، تمسک به احکام اسلامی و الهی است. راه خوشبختی ملت ایران، تکیه به خود و تواناییها و استعدادهای خود است. راه خوشبختی این ملت، قطع امید از قدرتهای مسلط جهانی و نیز نترسیدن از آنهاست. نه از آنها اندکی بترسید و نه به آنها سرسوزنی امید بورزید.

علقه و ارتباط منحصر به فرد مردم با امام و مسئولین

من در دنیا هیچ کشوری را سراغ ندارم که در آن علقه‌ی عاطفی و رابطه‌ی قلبی میان ملت و مسئولین، مانند ایران باشد. ملت، مسئولین را دوست میدارد؛ مسئولین هم ملت را

با همه‌ی وجود دوست میدارند و خود را خدمتگزار او میدانند. این ملت است و این احساساتش. تبلیغات دشمن، هرچه می‌خواهد بگوید. در سالهای آخر زندگی بابرکت امام، دشمن تبلیغ میکرد که گویا راه امام، از نظر مردم راه متروکی است! اما بدرقه‌ای که مردم از جسد این بزرگمرد کردند، باشکوهتر از استقبالی بود که از خود ایشان در هنگام ورود فاتحانه به تهران کردند. این است علقه و ارتباط میان ملت و دولت. این امام، این نظام، این دستگاه سیاسی، این برنامه و این هم ملت. همه استثنایی و همه از جهات مختلف، در دنیا منحصر به فرد.

ضرورت پابندی ملت به راه امام و اسلام

آنچه که من در آخرین جمله‌ی عرایض می‌خواهم بگویم، این است که هم ملت ایران و هم مسئولین کشور، باید این خصوصیات را با همه‌ی وجود و قدرت حفظ کنند. دولت و ملت، راه خدا و راه اسلام را حفظ کنند. مسئولین کشور مردم را لحظه‌ای فراموش نکنند. در خلال حرکت عظیم برنامه‌ی بازسازی، قشرهای مستضعف مورد توجه دقیق قرار گیرند. مجلس شورای اسلامی قانون بگذراند؛ دولت اجرا کند و دستگاه قضائی با همه‌ی وجود ناظر بر اجرای آن قانون باشد. ملت هم، این راه را - راه اسلام، راه قرآن، راه دین خدا و راهی را که امام بزرگوار در پیش پای ما گذاشته است - با قدرت و شجاعت پی‌گیرد.

در دیدار با مردم «یاسوج» در «میدان معلم» این شهر، ۱۳۷۳/۰۳/۱۷

فراگیر شدن تصمیم بر ادامه‌ی راه امام علی‌رغم انتظار دشمنان

امروز اگرچه دشمن از همه‌ی جهات مشغول تلاش است تا شاید بتواند به نحوی، به جمهوری اسلامی ضربه بزند - یعنی تبلیغات میکند، محاصره‌ی اقتصادی میکند، کار سیاسی میکند - و هر کاری از دستش برآید، علیه ما انجام میدهد؛ اما علی‌رغم خواست او و به کوری چشم کسانی که نمیتوانند حاکمیت اسلام را ببینند، و به فضل پروردگار، روحیه‌ی ایمان و شور و شوق و ارادت به جمهوری اسلامی و امید به آینده و عزم و تصمیم جدی بر ادامه‌ی راه انقلاب و امام، سرتاسر کشور عظیم و پهناور ما را فراگرفته است.

ایستادگی امام و ملت در برابر ابرقدرتها

برادران و خواهران من! یک روز در دنیا، دو قطب و دو قدرت، سررشته‌ی مسائل دنیا را در دست داشتند. یکی قدرت غرب به سرپرستی امریکا و یکی هم قدرت شرق و نظام کمونیستی و بلوک سوسیالیستی دنیا به رهبری شوروی سابق بود، که دنیا را بین خود تقسیم میکردند. البته در آن روز، هم امریکا و هم شوروی، علیه جمهوری اسلامی با هم متحد و متفق شدند. اما هرچه فشار آوردند، نتوانستند جمهوری اسلامی را به زانو درآورند. امام، مثل کوه در مقابل آنها ایستاد. ملت، مثل کوه در مقابل آنها ایستاد. نمونه‌اش هم جنگ تحمیلی بود. در جنگ تحمیلی، هم شرق و هم غرب، به نیروهای متجاوز کمک میکردند؛ اما ملت از پس همه‌ی آنها برآمد و نگذاشت که به او آسیبی وارد کنند. بعد، به فضل پروردگار، یکی از این دو قدرت فرو ریخت.

در جمع روحانیون استان «کهگیلویه و بویراحمد» در آستانه‌ی ماه محرم، ۱۳۷۳/۳/۱۷

استفاده‌ی امام خمینی (ره) از حادثه‌ی عاشورا در پیشبرد اهداف امام حسین (ع)

ترس از حادثه‌ی عاشورا و شهدای آن، از زمان خلفای بنی‌امیه شروع شده و تا زمان ما ادامه یافته است و شما یک نمونه‌اش را در دوران انقلاب خودمان دیدید. وقتی که محرم از راه میرسید، نظام مرتجع کافر فاسق فاسد پهلوی، میدید دیگر دستش بسته است و نمیتواند علیه مردم مبارز عاشورایی، کاری انجام دهد. در واقع مسئولین آن نظام، ناتوانی خود را ناشی از فرارسیدن محرم میدانستند. در گزارشهای برجا مانده از آن رژیم منحوس، اشارتها، بلکه صراحتهایی وجود دارد که نشان میدهد آنها با فرارسیدن محرم، دست و پایشان را حسابی گم میکردند. امام بزرگوار ما (رضوان‌الله‌علیه)، آن مرد حکیم تیزبین دین‌شناس دنیاشناس انسان‌شناس، خوب فهمید که از این حادثه برای پیشبرد هدف امام حسین (علیه‌السلام) چگونه باید استفاده کند و کرد.

امام بزرگوار ما، محرم را بعنوان ماهی که در آن، خون بر شمشیر پیروز میشود، مطرح نمود و به برکت محرم، با همین تحلیل و منطق، خون را بر شمشیر پیروز کرد. این، یک نمونه از جلوه‌های نعمت ماه محرم و مجالس ذکر و یاد امام حسین (علیه‌السلام) است که شما دیدید. لذا هم مردم و هم روحانیون، باید از این نعمت استفاده کنند.



شیوهی عزاداری صحیح در فرمایشات امام و نتایج آن

برخی کارهاست که پرداختن به آنها، مردم را به خدا و دین نزدیک میکند. یکی از آن کارها، همین عزاداریهای سنتی است که باعث تقرب بیشتر مردم به دین میشود. اینکه امام فرمودند «عزاداری سنتی بکنید» بخاطر همین تقریب است. در مجالس عزاداری نشستن، روضه خواندن، گریه کردن، به سر و سینه زدن و مواکب عزا و دسته‌های عزاداری به راه انداختن، از اموری است که عواطف عمومی را نسبت به خاندان پیغمبر، پرجوش میکند و بسیار خوب است.

مقابله‌ی قطعی و بدون ملاحظه‌ی امام با انحرافات

در مقابل، برخی کارها هم هست که پرداختن به آنها، کسانی را از دین برمیگرداند. قمه زدن نیز همینطور است. قمه زدن هم از کارهای خلاف است. میدانم عده‌ای خواهند گفت: «حق این بود که فلانی اسم قمه را نمی‌آورد.» خواهند گفت: «شما به قمه زدن چکار داشتید؟ عده‌ای میزنند؛ بگذارید بزنند!» نه؛ نمیشود در مقابل این کار غلط سکوت کرد. اگر بگونه‌ای که طی چهار، پنج سال اخیر بعد از جنگ، قمه زدن را ترویج کردند و هنوز هم میکنند، در زمان حیات مبارک امام (رضوان‌الله علیه) ترویج میکردند، قطعاً ایشان در مقابل این قضیه می‌ایستادند.

عرض کردم: عده‌ای وقتی این حرف را بشنوند، مطمئناً از روی دلسوزی خواهند گفت «خوب بود فلانی این حرف را امروز نمیزد.» نه؛ من بایستی این حرف را میزدم. من باید این حرف را بزنم. بنده مسئولیتم بیشتر از دیگران است. البته آقایان هم باید این حرف را بزنند. شما آقایان هم باید بگویید. امام بزرگوار، خط‌شکنی بود که هر جا انحرافی در نکته‌ای مشاهده میکرد، با کمال قدرت و بدون هیچ ملاحظه‌ای، بیان میفرمود. اگر این بدعتها و خلافها در زمان آن بزرگوار میبود یا به این رواج میرسید، بلاشک میگفت.

انتشار افکار امام؛ تنها خط قرمز پول پرستان امریکایی

میخواهم به مطلبی اشاره کنم که قبلاً آن را گفته‌ام: یک وقت در زمان امام (رضوان‌الله تعالی‌علیه)، کسان ایشان درصدد برآمدند تا پیام حجّ امام را، که تازه صادر شده بود، در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار دولت امریکا چاپ کنند. ما هم که در جریان بودیم، تأیید کردیم و گفتیم: «این کار بشود.» آنها پیام را به دفاتر روزنامه‌های معروف امریکا بردند و گفتند: «هرچه پول بخواهید می‌دهیم تا این پیام چاپ شود.» همانطور که میدانید، این روزنامه‌ها، همه نوع مطلب، حتی نظرات مخالفان سیاسی و عقیدتی خود را چاپ میکنند. آنها نوکر پول و دلارند. از هر جا پول حاصل شد، حرفی ندارند. اما اینجا، شوخی بردار نیست. آیا کشورهای بزرگ حاضرند بخشی از برنامه‌های تلویزیونی خود را در اختیار افکار انقلاب اسلامی بگذارند؟ به هیچ قیمتی حاضر نیستند! چرا؟ چون میدانند که وقتی این افکار عرضه شود و به دل‌های مردم برسد، آنها را معتقد میکند.

سخن همیشگی امام در باطن دشمنیهای با نظام

همواره سخن امام بزرگوار ما (رضوان‌الله تعالی‌علیه) این بود که این دشمنیها نه با ما که در حقیقت با اسلام و قرآن است. این نکته‌ای است که باید همه‌ی مسلمانان عالم به آن توجه کنند. کسانی که امروز با جمهوری اسلامی در میدان تبلیغات، در برخورد سیاسی و با تلاشهای گوناگون اقتصادی درگیری دارند، کسانی هستند که دشمنی خود را با اسلام علنی کرده و نشان داده‌اند. تلاشهای این افراد، پوشیده نیست. البته در گذشته دشمنی خود را با اسلام چندان نشان نمیدادند؛ اما پیشرفت حرکت اسلامی آنها را وادار کرد تا باطن خود را نشان دهند.

نتیجه‌ی تفاوت اساسی آن مرد الهی با دیگران

روایت سومی هم هست^۱ که آن را بخوانم و بعد دو، سه جمله در دنبال این روایات عرض کنم. و بهذا الاسناد، «قال رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله): أوصی أمتی بخمس، بالسّمع و

۱ از روایات اخلاقی.

الطاعة...؛ اتم را به پنج چیز وصیت میکنم. «سمع» و «طاعة» را معمولاً با هم می‌آورند؛ اما در اینجا از هم جدا شده‌اند. پیداست که در اینجا «سمع» و «طاعة» به یک معنا به کار نیامده است. اگر در جاهای دیگر هم «بالسمع و الطاعة»، یعنی «شنیدم و قبول کردم» می‌آید، در اینجا «سمع» غیر از «طاعة» است. «سمع» یعنی «توجه کردن، شنیدن، استماع و مبالات» اولین چیز، این است. اولین چیزی که جامعه‌ی علمی و مذهبی شیعه لازم دارد، مبالات است. این جامعه، نسبت به مسائل جهان پیرامون خود، باید مبالات داشته باشد. شاید «سمع» اشاره به این است. رها کردن، «هرچه شد، شد»، «به ما چه!»، «ما که نمیتوانیم»، «به ما چه ربطی دارد!»؛ اینها نمیشود. اساس این بنای مبارک به این خاطر محکم شد که آن مرد الهی، با دیگران این فرق اساسی را داشت که هرگز نگفت «به من چه!» آنچه را که در جامعه اتفاق می‌افتاد، خیلی کسان دیگر هم میدیدند. البته بعضی هم نمیدیدند، نمیفهمیدند، ملتفت نبودند. خیلیها هم ملتفت بودند؛ اما میگفتند «به ما چه!»، «ما کار خودمان را میکنیم». این بزرگوار نگفت «به ما چه!» لذا، شد امام خلاق و امام امت. امامت حق او بود و لذا این اساس مبارک به وجود آمد.

شباهت امام با دو عالم برجسته‌ی تاریخ تشیع؛ در روح تطوّر علمی و نوآوری

نکته‌ی بعدی، که آن هم اصل دوم در حوزه‌هاست، مسئله‌ی پیشرفت و تطوّر علمی و به‌روز بودن علمی است. آقایان! من میخواهم عرض کنم که فقهای بزرگی از قبیل صاحب «جواهر» - که ما به تعبیر امام (رضوان الله تعالی علیه)، فقهمان را «فقه جواهری» گفتیم - خصوصیت عمده‌اش این بود که اهل تحوّل در اندیشه‌های رایج فقهی زمان خود بود. اعتنا به شهرت و اجماع و اینها، از خصوصیات افراد خیلی معنی است. بعضی از فقها، چندان به شهرت و اجماعات متقوله، اهتمامی ندارند. مرحوم صاحب «جواهر»، در مسائل مختلف، به شهرت و اجماع تکیه میکند. درعین حال، این مرد، دارای افکار نو و جدید است. ایشان فتاویی دارد - یا آنجاها هم که به فتوا نرسیده، حرفهای نزدیک به فتوا دارد - که شاید قبل از ایشان، احدی از فقها نگفته است، یا لااقل معروف نیست. یکی همین مسئله‌ی «جهاد ابتدایی در زمان غیبت» است، که مشهور و معروف بین فقهای متأخر این است که «مشروع نیست». اما ایشان طوری بحث میکند که نتیجه این میشود که «مشروع است». خوب؛ این نوآوری است. در مسائل گوناگون، مرحوم صاحب

ره، رهرو، رهبر / ۴۳۷

«جواهر» همینطور است. فقیهی میتواند الگو، برجسته و بزرگ باشد، که دارای چنین روحی باشد. مرحوم آیت‌الله بروجردی (رضوان‌الله علیه) که در زمان خودش قلّه‌ی فقاہت شیعه شد، از این قبیل بود. امام (رضوان‌الله علیه) از این قبیل بود.

تقدیر امام و مراجع دیگر به حضور اول وقت در رأی‌گیری

حوزه‌ی علمیه، باید در صف اول حرکت عظیم جامعه قرار داشته باشد. همچنانکه ملاحظه کردید، مراجع بزرگ ما مثل مرحوم آیت‌الله العظمی گلپایگانی، مرحوم آیت‌الله العظمی نجفی و امروز آیت‌الله العظمی اراکی، حفظه‌الله و ادام‌الله بقائه الشریف و رحمهم‌الله، چه در زمان امام (رضوان‌الله علیه) و چه بعد از زمان امام تا امروز، در صف اول قرار داشتند. در هر حادثه‌ی مهمی که در جامعه اتفاق می‌افتاد، اینها مقدم بودند. روز رأی‌گیری، اول صبح، مرحوم آقای گلپایگانی و مرحوم آقای مرعشی، اولین کسانی بودند که رأی میدادند. کار اینها، یک کار رمزی و نمادین بود. خوب؛ رأی را عصر هم میشود داد. اما اول صبح رأی دادن، یک کار رمزی است. امام (رضوان‌الله علیه) را دیده بودید که چقدر مقتدر بودند!

در دیدار فرماندهان رده‌های مختلف «سپاه پاسداران»، ۱۳۷۳/۶/۲۹

جایگاه پاسداری با توجه به معنای کلام امام

جهاد در اختیار هرکس قرار نمیگیرد! جهاد با دشمن و در میدان خطر، در اختیار هرکس قرار نمیگیرد! پانزده سال است که شما در این میدانید. حالا بعضی فقط هشت سال جهاد کردند. اما جهاد سپاه، قبل از آن هشت سال شروع شده است و تا امروز هم ادامه دارد. این هم یک امتیاز دیگر است و از آنهایی است که نیکان و بندگان صالح خدا غبطه‌ی آن را میبرند؛ برجسته‌ها به آن غبطه میبرند. کلامی از امام نقل شد و ایشان هم قطعاً و یقیناً آن را از دل فرموده بودند که «ای کاش من هم یک پاسدار بودم!» روی این جمله دقت کنید که یعنی چه؟ امام کیست؟ آن مرد بزرگ فقیه عارف زاهدی که در راه خدا، یکی از برجسته‌های بی‌برو برگرد است و هرکس در راه خدا باشد، اهل هر دین و ملتی که باشد، همینقدر که اهل معنویت باشد، نور وجود امام بزرگوار را درک میکند.

میگفت: «ای کاش من هم یک پاسدار بودم!»

پاسدار کیست که دل آن مرد بزرگ را اینگونه به شوق می آورد؟ این، همان چیزی است که عرض کردم. یعنی شوق به جهاد، شوق به حضور در میدانهای خطر و جنگ با دشمن.



حرکت افسانه‌وار امام در پیشبرد انقلاب

عزیزان من! پیغمبر، با انسانهای مؤمن؛ انسانهای ساخته شده و مخلص کار کرد. اگر شما این اخلاص را که بحمدالله زمینه‌اش در شما هست؛ این مجاهدت فی سبیل‌الله و این صفا و دل به دنیا نیستن را - نمیگویم دنیا را نخواستن و دور انداختن و نفرت داشتن - حفظ کنید و جوانان مؤمن ما هم حفظ کنند، در وسط همه‌ی این توفانهای فساد و این بادهای مخالف که در دنیاست، چنان پایه‌ای گذاشته خواهد شد که قرن‌ها طول میکشد تا مفسدین بتوانند یک گوشه‌اش را بکنند. این پایه را شما میتوانید بگذارید؛ کما اینکه امام گذاشت؛ کما اینکه مجاهدات مخلصانه‌ای در یک روز، توانست این انقلاب را به بار آورد. مگر این انقلاب شوخی بود؟! در کشوری که اینگونه مورد طمع همه‌ی قدرتها بود، مگر انقلاب، شوخی بود؟! شما ببینید که امریکا برای یک هائیتی چکار میکند! برای یک پاناما چکار میکند! برای یک کویت چکار کرد! کویت را از دست میدادند؛ دیدید چکار کردند! آن وقت ایران به این عظمت، با این نفت و ذخایر طبیعی، با این سرزمین بزرگ و با این موقعیت استراتژیکی و جایگاه مهم جغرافیایی را از دست بدهد؟! حکومت دست‌نشانده‌ی مطیع گوش به فرمان مخلص مرید خودش را جلو چشمش بردارند؟! آیا این کار شدنی بود؟! این کار به افسانه‌ها شبیه بود؛ اما شد. اگر صد تا قسم میخوردند، خوشبین‌ترین آدمها میگفتند: «نمیشود.»

مرحوم آیت‌الله طالقانی که هم روحانی و دارای معرفت و مقامات علمی و هم آدم سیاسی و مبارز و زندان‌رفته بود و از مبارزه هم اصلاً نمیترسید، به من گفت «آن روز که امام مطرح کرد که شاه و حکومت سلطنتی باید برود، من تخطئه کردم و گفتم چه حرفها میزند! مگر میشود؟!» آن وقت که امام صریحاً این کلام را گفتند، مگر چند سال پیش از

ره، رهرو، رهبر / ۴۳۹

پیروزی انقلاب بود؟ یعنی تا همین اواخر، حتی مردی مثل مرحوم طالقانی بزرگوارِ مؤمن مبارزِ زندان‌رفته‌ی شلاق‌خورده‌ی شکنجه‌کشیده، میگفت «امکان ندارد!» بعد ایشان به من گفت - مضمون حرف ایشان این بود - که «این مرد، به جای دیگری متصل است و از جای دیگری حرف میزند!»

امام، یک مردِ مؤمنِ مخلصِ خدایی بود که توانست عده‌ای را به دنبال خود به راه بیندازد و کاری را انجام دهد که واقعاً مثل یک افسانه بود؛ یعنی اصلاً باورکردنی و شدنی نبود. در دنیایی که همه چیز علیه اسلام بود، یک نفر بیاید در جایی که همه‌ی انگیزه‌های دنیا بر این است که آنجا باید از اسلام و ایمان و قرآن دور بماند، حکومت اسلامی برپا کند؟! مگر چنین چیزی ممکن بود؟! اما امام کرد و بعد شما جوانان مؤمن، مخلص، بسیجی، سپاهی، ارتشی و مردم معمولی، در جاهای مختلف، کردید و شد.

در دیدار گروهی از خواهران پرستار، به مناسبت ولادت حضرت زینب(س)، ۱۳۷۳/۷/۲۰

فریاد همیشگی امام نسبت به حوادث عالم

کسانی که تصور میکنند دشمن به خواب رفته است، خیال نکنند با خیال خوش میشود زندگی کرد! امیرالمؤمنین فرمود: «مَنْ نَامَ لَمْ يَنْمُ عَنْهُ»^۱ یعنی چشمهای کسانی که هدف بزرگ و طبعاً دشمنان بزرگی دارند، به خواب نرود! همه‌ی فریاد امام بزرگوار ما در طول این مدت برای این بود که ملت ایران نسبت به حوادث عالم، حساسیت خود را از دست ندهد. امروز هم این حساسیت باید باشد و بحمدالله هست.

در آستانه‌ی سالروز تسخیر لانه‌ی جاسوسی امریکا و روز ملی مبارزه با استکبار، ۱۳۷۳/۸/۱۱

تاریخ آغاز مبارزات امام خمینی(ره)

بطور مشخص و واضح، از سال ۱۳۴۱ مبارزه‌ای همه‌گیر در ایران شروع شد. قبلاً هم مبارزه بود؛ اما صنفی و کوچک بود. یا دانشجویی بود یا روشنفکری بود یا روحانیتی محدود بود. اما از سال ۱۳۴۱ مبارزه‌ای همه‌گیر به رهبری علمای بزرگ و در رأس همه، امام بزرگوار، شروع شد. از سال ۱۳۴۱ تا سال ۱۳۵۷ - یعنی شانزده سال - این مبارزه

۱ النهج البلاغه، للصبحی صالح، ص ۴۵۲.

ادامه داشت تا به پیروزی رسید.

قدرشناسی امریکا از کرامت و بزرگواری امام

صحنه‌ی سیاست و اقتصاد و نیروی مسلح ایران در مِشت امریکاییها بود. این را مردم می‌فهمیدند. امام از سالهای چهل و یک و چهل و دو، به این مطلب تصریح کردند. پس، وقتی در سال پنجاه و هفت مبارزه پیروز شد و انقلاب پیروزمند به ثمر رسید، در حقیقت یک انقلاب ضد امریکایی به ثمر رسیده بود. حال شما ببینید ملت ایران و انقلابیون، حق داشتند با عوامل امریکایی در این کشور چکار کنند؟ کارهای زیادی میتوانستند بکنند و اگر هم میکردند، کسی ملامتشان نمیکرد؛ چون شانزده سال با امریکاییها مبارزه کرده و کتک خورده بودند. هیچ کس نمیگفت چرا شما با امریکاییها این کار یا آن کار را کردید؟ در عین حال - درست توجه کنید! - بعد از آنکه انقلاب پیروز شد، انقلاب و مسئولین و شخص امام بزرگوار، نسبت به امریکاییها حداکثر ارفاق را کردند. سفارتشان سر جای خودش محفوظ بود و اینجا کاردار داشتند. اول سفیر داشتند؛ بعد کاردار داشتند.

در روزهای اول انقلاب - بیست و دو و بیست و سه بهمن - جوانان پرشور انقلابی، چند نفر از آنها را دستگیر کردند و به مدرسه‌ای که امام (رضوان الله علیه)، اول آنجا وارد شده بودند - یعنی مدرسه‌ی رفاه و مدرسه‌ی علوی - آوردند. بعد، امام برای دست‌اندرکاران خودشان پیغام فرستادند که مبادا کسی به اینها تعرض کند؛ هیچ کس به اینها تعرض نکند. آن وقت یکی یکی و لشان کردند، رفتند. اول از کشور رفتند؛ یعنی عده‌ای از آنها خارج شدند، اما سفارتشان در تهران مشغول کار و فعالیت بود. شما ببینید! رفتار این انقلاب و این ملت نجیب و آن امام کریم بزرگوار پُر اغماض با امریکاییها در ایران اینگونه بود. در حالی که عرض کردم، اگر از سوی مردم و انقلابیون پرشور و شخص امام که مظهر صلابت و قدرت بودند، هر تصمیمی نسبت به آنها گرفته میشد، کسی در دنیا ملامت نمیکرد و نمیتوانست بکند. از آن طرف، امریکاییها چکار کردند؟ به جای اینکه این کرامت و بزرگواری امام بزرگوار و مردم را مغتنم بشمارند و قدردانی کنند و پاسخ مناسب بدهند، رفتار شدیداً خصمانه‌ای در پیش گرفتند.

علت دشمنی ابدی استکبار با امام

وقتی ملتی با این استقلال و با این احساس توانایی و قدرت در صحنه حاضر میشود و دولتی به آنها، به چشم یک ابرقدرت نگاه نمیکند، دیگر تحملشان تمام میشود. این، طبیعت سردمداران استکباری است. میروند سراغ اینکه ببینند چنین فکری را این ملت از کجا پیدا کرده است. اگر کسی این فکر را به این ملت داده بود، از اعماق با او دشمن میشوند. مثل اینکه با امام، از اعماق وجودشان دشمن بودند. امریکاییها تا ابد با امام آشتی نمیکند. البته امریکاییها که میگوییم، مرادمان ملت امریکا نیست. مراد، همان رژیم امریکا و گردانندگان سیاستهای امریکاست.

تأثیر بین‌المللی حضور امام در صحنه‌ی انقلاب

تلاش و فعالیت ما در داخل مرزهای خودمان است. اما این انقلاب، محدود به این مرزها نیست. این پیام یک پیام جهانی بود. دلیلش چیست؟ دلیل، این است که وقتی ملت ایران و رهبر عظیم‌الشأن ما - امام بزرگوار - این کار را انجام دادند، مسلمانان در هر جای دنیا که بودند، احساس کردند نوروز آنهاست. روز نو آنها آغاز شد؛ با اینکه به آنها ربطی نداشت. در همه جای دنیا احساس کردند مقطع جدیدی در تاریخشان به وجود آمد. این را ما از نزدیک دیدیم. خود من این واقعت را در طول سالهای گذشته در کشورهای دیگر از نزدیک لمس کرده‌ام و از دهها زبان دیگر هم شنیده‌ام. اینها روایت و حدس و تحلیل نیست؛ واقعیات است. هر کسی، هر مسلمانی، هر جای دنیا بود، وقتی این انقلاب پیروز شد، وقتی امام در صحنه ظاهر شدند، وقتی پرچم اسلام و لا إله إلا الله بالا رفت، احساس کرد که پیروز شده است.

در دیدار عمومی به مناسبت روز ولادت باسعادت حضرت جواد(ع)
و در آستانه‌ی میلاد با برکت حضرت علی(ع)، ۱۳۷۳/۹/۲۳

راهکار امام در مقابل دروغهای رسانه‌های بیگانه

عده‌ای از مردم این کشور، بلکه اکثریت مردم مؤمن کشور ما، از بس از رادیوهای بیگانه خیانت و ملعبت دیده‌اند و دروغ شنیده‌اند، هرچه آنها بگویند، عکسش عمل

میکنند. اگر آنها گفتند از فلان کس تقلید کنید، از او تقلید نمیکنند. اگر روی کسی تکیه کردند و گفتند از او تقلید نکنید، مردم از او تقلید میکنند. این عادت مردم ماست و عادت درستی هم هست. امام (رضوان الله علیه) هم میفرمود که رشد در خلاف رادیوهای بیگانه و تبلیغات دشمن است. بدانید که هر طرفی آنها میروند، آن طرف، طرف باطل است و طرف ضدش، طرف حق است.

تواضع امام در استنکاف از قبول مرجعیت

بعد از رحلت مرحوم آیت الله العظمی بروجردی، همین امام بزرگواری که دیدید دنیایی را متوجه خود کرد و مشت او آنچنان گنجایش داشت که میتوانست بشریت را در مشت بگیرد، رساله نداد و رفت در خانه نشست. هرچه اصرار کردند، رساله نداد. بنده خودم جزو کسانی بودم که به ایشان عرض کردم. ایشان آن وقت جواب نمیداد و فقط میفرمود: آقایان هستند. تا این که بالاخره یک عده رفتند و ایشان را وادار کردند. فتاوی ایشان معلوم بود؛ رساله‌ی ایشان را تنظیم کردند و بیرون دادند.

امثال امرامام در یک مسئله‌ی سیاسی

من دو دوره به ریاست جمهوری انتخاب شدم و در هر دو دوره هم قبول نمی‌کردم. دوره‌ی اول - که تازه از بیمارستان آمده بودم - دوستان گفتند اگر تو قبول نکنی، این بار بر زمین میماند؛ کسی نیست. ناچار شدم. دوره‌ی دوم، خود امام به من فرمودند که بر تو متعین است. خدمت ایشان رفتم و گفتم: آقا؛ من قبول نمی‌کنم. من دیگر این دفعه به میدان نمی‌آیم. گفتند: بر شما متعین است. یعنی واجب، واجب کفایی نیست؛ متعیناً بر شما واجب است؛ واجب عینی است.

در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید میث، ۱۳۷۳/۱۰/۱۰

تبدیل جامعه‌ی ما به جامعه‌ی اسلامی با رهبری امام

جامعه‌ی ما در این پانزده سال به برکت رهبری بزرگمردی که حقیقتاً متأثر از اسلام

ره، رهرو، رهبر / ۴۴۳

بود، به جامعه‌ای اسلامی تبدیل شد. امام بزرگوار، حقیقتاً با همه‌ی وجود، اسلام را درک میکرد، آیات قرآن را مینوشید و از آن بهره میبرد. او خود را با معارف اسلامی و قرآنی تطبیق میکرد و به مردم نیز چنین توصیه‌ای مینمود. نتیجه‌ی آن حرکت هم، خیل عظیم جوانان مؤمن و مردمان متقی و مردان و زنان مجاهد فی سبیل‌الله در جامعه ماست که بحمدالله کم هم نیستند و از همه جا بیشترند. اما این حرکت باید همانطور با شدت و قوت ادامه پیدا کند.

نشانه‌های ایمان و اعتقاد همیشگی مردم به اسلام و امام

مردم ما ناامیدند؟ این مردم روشن‌بین، این مردمی که هر وقت برای هر جا که انقلاب از آنها دعوت کرده است، با همه‌ی وجود حضور پیدا کرده‌اند و آثار ایمان خودشان را به اسلام و به قرآن و به نظام و به مسئولین و به دولت جمهوری اسلامی و به حرکت پانزده ساله تا امروز و به شخص امام بزرگوار، بوضوح نشان داده‌اند ناامیدند؟ حرکت به این عظمت از نومی‌دی برمیخیزد؟

در خطبه‌های نماز جمعه‌ی سوم رمضان ۱۴۱۵، ۱۳۷۳/۱۱/۱۴

دهه‌ی فجر، عید امام و ایران

در خطبه‌ی دوم، در باب دهه‌ی مبارکه‌ی فجر، که عید انقلاب، عید تاریخ ایران و عید امام بزرگوار است، به بیان مطالبی پردازم.

دقت در فرمایشات امام خمینی(ره) در مورد انقلاب

در خطبه‌ی دوم، میخواهیم نگاهی به این انقلاب عظیم بیفکنیم. البته از اول انقلاب تا امروز، هزاران ساعت در این باره سخن گفته شده است. از شخص امام بزرگوارمان (رضوان‌الله تعالی علیه) که بازکننده‌ی این راه و پیشاهنگ اول این صراط مستقیم بود، تا همه‌ی کسانی که در این راه حرکتی و کاری کردند و معرفتی بدست آوردند؛ مطالبی گفتند که دقت در آنها بسیار مفید و مؤثر است.

قدرت اشاره‌ی دست امام در انحلال رژیم ستمشاهی

روزی که محمدرضا از ایران فرار کرد، در واقع رژیم پادشاهی از بین رفته بود. او دید ماندنش دیگر فایده‌ای ندارد. لذا مجسمه‌ای از فرد بیچاره‌ی بدبختِ بدنامی که بدنامتر هم شد، درست کردند تا چند روزی رژیم در آستانه‌ی انحلال کامل را نگه دارند. او سی، چهل روز بر سر کار ماند، تا اینکه امام آمد و با یک اشاره‌ی دست ایشان، همه چیز روی هم ریخت.

نسخه الکترونیکی

هرگونه بهره‌برداری بصورت چاپ و تکثیر ممنوع می‌باشد.

تأثیر شخصیت امام در پیروزی انقلاب

در بین مردم، کسان زیادی بودند که به روحانیون کمک میکردند و به آنها مشورت میدادند. حتی در بعضی از شهرها، روحانیون را راهنمایی میکردند. اما عامه‌ی مردم و توده‌های میلیونی در سرتاسر کشور، چون میدیدند در رأس علمای بزرگ و روحانیون موجه، امام بزرگوار قرار دارند، که هم مرجع تقلید و هم روحانی‌ای در سطح عالی دینی‌اند، به صحنه می‌آمدند. این انقلاب استثنایی، اینگونه پدید آمد و به پیروزی رسید. به تعبیری دیگر، انقلاب ما به برکت حضور مردم شکل گرفت؛ مردمی که حضورشان در صحنه، ناشی از اعتقادات دینی بود.

در آن روزگار، همه‌ی سیاسیون - حتی گروههای پارتیزانی چپ؛ کمونیستها و التقاطیها که از زندانها یا بیرون زندانها با ما دوست و مرتبط بودند و با هم رفت‌وآمد داشتیم و ما با آنها جلسه میگذاشتیم - یکصدا اعتراف میکردند وضعیتی که در ایران پیش آمده است، جز به پیشوایی کسی مثل امام و جز با شعارهای دینی، ممکن نبود پیش آید.

نقش محبوبیت امام در قطع سریع امتیازات خارجی از سوی انقلاب

امروز با نظام و دولتی در ایران مواجهند که از صد عامل در مسائل اساسی کشورش، یک مورد هم منطبق با خواست امریکا نیست. با نظامی مواجهند که در بدو استقرار، اولین کارش قطع کردن امتیازات اینها بود. در واقع انقلاب اسلامی، اول کاری که کرد این بود که به قطع امتیازات انگلیس و امریکا در ایران پرداخت.

ره، رهرو، رهبر / ۴۴۵

و چون رهبر این انقلاب، محبوبیت مردمی داشت و مردم پشت سر وی حرکت میکردند، برای قطع کردن امتیازات خارجی، منتظر گذشت زمان نشد و بلافاصله امتیازات قطع گردید.

تأثیر امام و انقلاب اسلامی در مسلمانان دنیا

انقلاب اسلامی در ایران پیروز شد و با پیروزی آن، در هر جای دنیا که مسلمان هشیار و آگاهی بود، احساس کرد عزت و قدرت یافته است. در طول این سالها، بخصوص سالهای اول انقلاب، مسلمانان بسیاری از شخصیت‌های برجسته‌ی اسلام به ما گفتند: «به مجرد اینکه صدای امام را از رادیوهایی که صدایشان در دنیا پخش میشد شنیدیم که میگفت من حکومتی به نام اسلام یا جمهوری اسلامی تأسیس خواهم کرد، هر جا بودیم ناگهان احساس پیروزی کردیم.» هر مسلمانی، هر جای دنیا بود، احساس کرد پیروز شد و عزت و قدرت پیدا کرد.

این راست بود که در آن سه، چهار سال اول انقلاب، وقتی رهبران مسلمان و شخصیت‌های اسلامی - از روشنفکر و شاعر و هنرمند گرفته تا سیاستمدار و عالم دینی - به ایران می‌آمدند، به مجرد اینکه چشمشان به امام، یا به آن حسینیه، یا به ما، یا به مسئولین کشور و یا به نماز جمعه می‌افتاد، از شوق، های‌های میگریستند و میگفتند: «شما با دنیای اسلام چه کردید!» احساس عزت میکردند.

اینکه میبینید ملت‌های مسلمان در آسیا و اروپا و آفریقا، به نفع انقلاب اسلامی سخن میگویند؛ از یک فتوای امام، آنطور حمایت میکنند؛ از انقلاب اسلامی، از روز فلسطین - روز قدس؛ جمعه‌ی آخر ماه رمضان - و دیگر مناسبت‌ها آنطور استقبال میکنند و درباره‌اش شعار میدهند، همه حاکی از عمق استراتژیک جمهوری اسلامی است، که دشمنان، این را هم نمیتوانند ببینند.

تأثیر ارتباط امام با خدا در پیروزی بردشمن

سیر اینکه امام بزرگوار که یک روز تک‌وتنها بود، در مقابل عظمت ظاهری دشمن

تسلیم نشد، این بود که متکی و مرتبط با خدا بود و خود را به قدرت الهی وصل میدانست. مسلماً وقتی انسان به قدرت لایزال الهی وصل شد، شکست‌ناپذیر میشود.

در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۳ / ۱۱ / ۲۸

امام خمینی؛ سلسله‌جنبان شهیدان

پروردگارا! سلسله‌جنبان شهیدان؛ آن انسانی که به همت و اراده‌ی او همه‌ی این حرکت عظیم در ایران به راه افتاد، یعنی امام بزرگوار ما را مشمول انوار رحمت و فضل خود قرار بده.

پیام تسلیت به مناسبت رحلت حجت‌الاسلام و المسلمین حاج سیداحمد خمینی، ۱۳۷۳ / ۱۲ / ۲۶

خدمات حاج سیداحمد نزد حضرت امام و ابعاد نقش استثنایی ایشان

سرانجام پس از هفته‌ای اندوهبار و سرشار از اضطراب و نگرانی، بار سنگین مصیبت فرود آمد و دل امت وفادار، دستخوش توفان غم و محنت گشت. یادگار امام و فرزند دل‌بند و عزیزترین کس او، دنیای فانی را وداع گفت و چهره‌ای محبوب و آشنای مردم و غمخوار کشور و انقلاب؛ و خدمتگزاری صدیق برای هدفهای امام عظیم راحل؛ و اندیشه‌ای روشن و چشمی تیزبین در خدمت نظام اسلامی؛ کشور و ملت و دوستان و دوستان خود را ترک کرد و ایران اسلامی را به عزای خویش نشانید.

در دوران پرحادثه‌ی انقلاب مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیداحمد خمینی یکی از مؤثرترین عناصر در جریانات کلی کشور و انقلاب بود. او برای رهبر کبیر انقلاب فرزندی مهربان و درعین حال مشاوره‌ی امین، و یاری دیرین، و سربازی فداکار، و مریدی گوش به فرمان، و کارگزاری لایق و کارآمد بود. امام بزرگ ما بارها محبت پرشور و اعتماد عمیق و تحسین قلبی خود نسبت به این فرزند خاضع و مطیع خود را بر زبان آورده بود و نزدیکترینها گواهی صادق آنچنان پدری را در حق پسر یگانه‌اش از آن زبان پرهیزکار شنیده بودند.

در طول سالهای انقلاب چه بسیار گره‌ها که بدست او گشوده شد و چه بسیار کارهای بزرگ که به تدبیر او انجام گشت.

از اینها برتر نقش این عنصر پرتلاش و پرتوان در حراست عاشقانه از سلامتی جسمی و آرامش خاطر امام بزرگوار بود. بی‌شک سلامت و توان جسمی و قدرت کاری آن قائد عظیم‌الشأن در دوران پرمخاطره‌ی ده ساله، با وجود کهولت سنی و بیماری قلبی، در میان عوامل و اسباب عادی از همه بیشتر به ابتکار و مراقبت و پیگیری دلسوزانه‌ی این فرزند مهربان وابسته بود. ملت ایران از این بابت بسی مدیون این عزیز فقید است.

تاریخچه‌ی خدمات ارزنده‌ی آن مرحوم به دوران پس از پیروزی منحصر نمی‌شود. نقش ایشان در دوران مبارزات ملت ایران نیز برجسته و فراموش‌نشدنی است، و هرچه زمان به مقطع پیروزی انقلاب اسلامی نزدیکتر می‌شود، این نقش و سهم صاحب آن بزرگتر و روشنتر می‌گردد، و چون فاصله‌ی زمانی میان فقدان فاجعه‌آمیز مرحوم آیت‌الله حاج سیدمصطفی خمینی فرزند بزرگ و نام‌آور امام، و روزهای بازگشت رهبر کبیر انقلاب به کشور فرامیرسد نقش مرحوم حاج سیداحمد آقا در قضایای انقلاب، وضعی استثنایی و منحصربه‌فرد می‌یابد. بی‌شک در آخرین ماههای دوران نهضت، هیچ‌کس در رابطه با امام بزرگوار نقشی تا بدین حد بزرگ و مؤثر از خود بروز نداده است. تلاش بی‌وقفه و پروانه‌وار ایشان در کنار مشعل فروزان وجود امام عزیز(رضوان‌الله علیه)، بسی برکات را منشأ گشته و بسی دشوارها را آسان نموده است.

در دیدار اقشار مختلف مردم در «صحن امام خمینی» حرم حضرت علی بن موسی الرضا(ع)، ۱۳۷۴/۱/۳

پشتوانه‌ی مردمی امام در مقابله با دشمنیهای امریکا

دولتها و رژیمهایی که به مردم خودشان وصل نیستند و پشتوانه‌ی مردمی ندارند، راحت زیر بار امریکا و دیگران می‌روند و از ترس، حرفهای آنها را قبول میکنند. اما با انبوه میلیونی یک ملت، آن هم ملت آگاه، مبارز، نترس، اهل خدا و متوکل به خدا و آزموده و آزمایش داده، چکار میتوانند بکنند؟! این همان جایی است که امام بزرگوار در مقابله با دشمنیهای امریکا، مکرر فرمود: «امریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند.» هیچ غلطی نمیتواند بکند؛ چون طرف مقابلش یک ملت عظیم است.

جریان توحید در سراسر وجود حضرت امام خمینی(ره)

پیغمبر اسلام خودش را در مکه حبس نکرد. اگر پیامبر خودش را در مکه یا در خانه حبس میکرد؛ دعوت نمیکرد و متعرض کسی نبود، کسی به او کاری نداشت. اسلام، عزیز است. عزت اسلامی، که سینه سپر میکند، می‌ایستد، سرش را بالا میگیرد، زیر بار دشمن نمی‌رود؛ بلکه بارها و بارها استکبار را ذلیل میکند و بینی آن را به خاک میمالد، باید تثبیت شود. همچنان که جمهوری اسلامی، علی‌رغم بدبینها، ضعیف‌النفسها، منفی‌بافها و کوتاه‌نظرها که میگفتند «آقا، نمیشود. نکنید. بترسید» و به کمک همین مردم و با عنایت الهی و رهبری آن مرد موحد- که حقیقتاً آن امام بزرگوار، موحد بود و توحید در سراسر وجود او جریان داشت. همه‌ی وجود او خدا، عظمت و عزت الهی را قبول داشت- توانست دشمن را ذلیل کند و خودش عزیز باشد.

اصلاح برخی انتصابات ناشایست در ارتش؛ با رساندن خبر به امام

فوراً خود عناصر مؤمن ارتش، خبر عناصر بیگانه‌ای را که در جاهای حساس گماشته میشدند، به مقامات انقلاب میرساندند. حقیقت این بود که ما اشخاص را نمیشناختیم و نمیدانستیم فلانی چکاره است، سابقه‌اش چیست و پرونده‌اش چطور است؟ لذا مؤمنین و چهره‌های انقلابی ارتش، فوراً خودشان را میرساندند که: آقا! این فرد که فلان مقام ایشان را در آن مرکز حساس گذاشته، سابقه‌اش چنین و چنان است. این خبر، فوراً به امام منتقل میشد، و گره گشوده میگردید. پس، تدبیر دشمن این بود که ارتش را درست بدست عناصری بسپارند که برای آنها خودی و طبعاً با انقلاب دشمن بودند.

علت اظهار علاقه‌ی امام به ارتش

شب، در بازدید از یک یگان زرهی، پهلوی تانک، نظامی‌ای را دیدم که ایستاده بود و نماز شب میخواند. مردم ما شاید بسیاری از اینها را ندانند؛ اما ما با چشم خودمان دیده‌ایم. اینگونه بود که ارتش توانست خود را در مقابل این حوادث نگه دارد. اینگونه

بود که امام، با آن صراحتی که داشت، نسبت به ارتش اظهار علاقه و محبت میکرد.

تبلیغات و شایعات دشمن درباره فرمایشات امام راجع به سپاه و ارتش

امروز، بحمدالله، نیروهای مسلح در جمهوری اسلامی - یعنی ارتش و سپاه - مثل دو بازوی محکم و دو دست در هم گره خورده از دو طرف، اطراف این ملت و این کشور را با قدرت کامل حفاظت و حراست میکنند، برای اینکه دشمن نتواند از بیرون و درون، به این ملت و کشور نگاه چپ بیندازد. وقتی امام (رضوان الله تعالی علیه)، کلمه‌ای راجع به یکی از این دو سازمان بر زبان جاری میکردند، فوراً تبلیغات دشمن نسبت به آن سازمان دیگر به راه می‌افتاد. امام یک کلمه راجع به ارتش میگفتند؛ فوراً شایعه‌ها به راه می‌افتاد. (شایعه‌ها معمولاً از رادیوهای بیگانه شروع میشود و آدمهای سست‌عنصر، آنها را پخش میکنند.) فوراً میگفتند امام میخواهند سپاه را چنین و چنان کنند، یا «نظرشان از سپاه برگشته است.» وقتی دو کلمه از سپاه تعریف میکردند، فوراً شایعه پراکنند که بناست ارتش را منحل کنند یا فلان کنند.

علت مخالفت غرب با انتشار افکار امام؛ حتی در مقابل پول فراوان

من یکوقت عرض کردم که فرزند عزیز در گذشته‌ی امام بزرگوار، به فکر افتادند تا پیام حجّ امام بزرگوار را با پرداختن بهای زیادی، در مطبوعات یکی از کشورهای غربی چاپ کنند. اما آنها حاضر نشدند چاپ کنند. آنها با اینکه بنده‌ی پولند و پول برایشان دین و ایمان و ناموس و غیرت و همه چیز است، حاضر نشدند درج کنند. چون حواس دستگاههای اطلاعاتی‌شان جمع بود که پیام امام، مثل بمب در آنجا منفجر میشد. آنها با حرفهای ما مخالفند و از حرفهای ما میترسند.

در دیدار کارگزاران، به مناسبت «عید غدیر خم»، ۱۳۷۴/۲/۲۸

پیام اصلی انقلاب و مددکار امام در پیروز کردن انقلاب

در جامعه‌ی ما هم، بحمدالله، ولایت، از گذشته تا امروز، تأثیرات خود را در همه‌ی ابعاد نشان داده است. از اول حرکت انقلابی، همینگونه بود. امام بزرگوار (رضوان الله تعالی علیه)،

با استمداد از شاخه‌های ولایت، این انقلاب را به پیروزی رساندند. موضوع عاشورا و کربلا، محبت به اهل بیت (علیهم‌السلام) و کوشش برای شبیه شدن به آنها، روحیه‌ی جهاد مظلومانه و صبر بر این جهاد، جزو خصوصیات و معارف مربوط به ولایت است. امام به این وسیله توانستند این انقلاب را به پیروزی برسانند و این نظام را تشکیل دهند.

دیدار اعضای «ستاد برگزاری مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام(ره)»، ۱۳۷۴/۳/۱

ضرورت انتقال ابعاد شخصیت امام و تفهیم آنها به مردم با زیباترین کلمات

شخصیت امام، شخصیت مرکبی است. البته ابعاد خیلی برجسته‌ای مثل بُعد «پدر انقلاب» بودن دارد که از فقاقت، حکمت و عرفان امام هم بالاتر است. این بُعد، در دنیای اسلام، یک استثناست؛ اما ابعاد دیگر نظایر و اشباه دارد. این ابعاد برجسته و متوسط شخصیت امام را با بهترین بیان، زیباترین کلمات، با استفاده از گستره‌ی این زبان پربرکت و زیبا و تواناترین نویسندگان و افرادی که با زبان فارسی آشنا هستند و میتوانند از آن در تفهیم و تفهیم استفاده کنند، به مردم منتقل کنید. هرکس از مراسم بزرگداشت امام بیرون می‌آید، باید یک جزوه از این جزوه‌ها در دستش باشد.

در دیدار روحانیون و وعاظ، در آستانه‌ی ماه محرم، ۱۳۷۴/۳/۳

نتیجه‌ی «صدق» امام و وفای مردم در عمل به پیام عاشورا

در پانزده خرداد که در سال چهل و دوی شمسی - هشتاد و سه‌ی قمری - با دوازدهم محرم مصادف بود، امام بزرگوار ما (رضوان‌الله تعالی علیه) در عرصه‌ی عاشورایی و با بهره‌برداری به بهترین شکل ممکن از ماجرای عاشورا و محرم، توانستند پیام حق و داد برآمده از دل خود را به گوش مردم برسانند و مردم را متحول کنند. اولین شهدای ما هم در ماجرای پانزده خرداد، در تهران، ورامین و بعضی جاهای دیگر، همین سینه‌زنهای حسینی بودند که آمدند و در معرض تهاجم دشمن عاشورا قرار گرفتند. در سال پنجاه و هفت هم مشاهده کردید ماجرای آن روز و ماهی را که در آن، خون بر شمشیر پیروز میشود. این نام را امام بزرگوار از همه‌ی قضایای محرم، خلاصه‌گیری، استحصال و مطرح کردند. همینطور هم شد. یعنی مردم ایران به پیروی از حسین بن علی (علیه‌السلام)، درس عاشورا را

گرفتند و در نتیجه خون بر شمشیر پیروز شد. این موضوع در ماجرای امام حسین چیز عجیبی است.

عزیزان من! معنای این، چیست؟ این نشان نمیدهد که دنیا در چه وضعی بود؟ در چنین وضعیتی، امام حسین تک و تنها بود. البته چند ده نفری دور و بر آن حضرت ماندند؛ اما اگر نمیماندند هم، آن حضرت می‌ایستاد. مگر غیر از این است؟! فرض کنیم شب عاشورا، وقتی حضرت فرمود که «من بیعتم را برداشتم؛ بروید.» همه می‌رفتند. ابوالفضل و علی اکبر هم می‌رفتند و حضرت تنها میماند. روز عاشورا چه میشد؟ حضرت برمیگشت، یا می‌ایستاد و می‌جنگید؟ در زمان ما، یک نفر پیدا شد که گفت «اگر من تنها بمانم و همه‌ی دنیا در مقابل من باشند، از راهم برنمیگردم.» آن شخص، امام ما بود که عمل کرد و راست گفت. «صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ»^۱ لقلقه‌ی زبان را که خوب همه داریم. دیدید، یک انسان حسینی و عاشورایی چه کرد؟ خوب؛ اگر همه‌ی ما عاشورایی باشیم، حرکت دنیا به سمت صلاح، سریع، و زمینه‌ی ظهور ولی مطلق حق، فراهم خواهد شد. باید این مفاد برای مردم بیان شود. فراموش نکنید که هدف امام حسین بیان شود.

در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) در مرقد مطهر، ۱۳۷۴/۳/۱۴

اهمیت مضاعف ششمین سالگرد رحلت امام بزرگوار

سالگرد رحلت امام بزرگوار را به همه‌ی امت بزرگ اسلامی، ملت شریف ایران و آزادگان عالم، تسلیت عرض میکنم. امسال این حادثه‌ی بزرگ عاشورایی، با ایام عاشورای حسینی همراه است و اهمیت این روزها، به این جهت مضاعف است. بخصوص چون پیکر مطهر فرزند و پاره‌ی تن امام، مرحوم «حاج سیداحمد آقا»، در جوار مرقد مبارک امام بزرگوار است، ملت ما امسال عزای مضاعفی دارد: هم یاد امام است، هم تجدید خاطره‌ی فرزند دل‌بند و عزیز آن بزرگوار و این همه، در ایام عاشورای حسینی است. پس از تسلیت به شما حضار محترم و گرامی، می‌خواهم از این فرصت، برای بیان مطلب مهمی در باب انقلاب و پیام آن استفاده کنم:

۱ سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۲۳. مردانی‌اند که به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند.

توجه به دو وجهی داخلی و خارجی انقلاب امام

انقلاب بزرگ اسلامی که امام بزرگوار آن را هدایت کرد، به ثمر رساند و نتیجه‌ی مهم جمهوری اسلامی را بر آن مترتب کرد، دارای دو وجهه است: یک وجهه، وجهی داخلی و ایرانی و وجهی دیگر، وجهی جهانی، بین‌المللی، اسلامی و انسانی است. هر دو وجهی انقلاب، حائز اهمیت است. در هر دو وجهه، ما به برکت استعداد ذاتی خود، رهبری آن بزرگوار و مجاهدت و پایمردی شما ملت عزیز، پیشرفتهای زیادی داشته‌ایم. من امروز در مقابل مرقد آن رهبر بی‌نظیر دوران ما، به مناسبت سالگرد رحلت امام بزرگوار، می‌خواهم اعلام کنم که انقلاب، در هر دو وجهه، باز هم به پیش می‌رود و جهتگیری انقلاب در هر دو جهت، به قوت خود باقی است.

وجهی اول، مربوط به کشور و ملت ایران است. هدف انقلاب در درجه‌ی اول این بود که نظامی در داخل کشور به وجود بیاورد که وابسته نباشد؛ بلکه مستقل باشد.

معنویت و عدالت؛ دو پیام بزرگ امام و انقلاب به ملت‌های دنیا

این، حقیقتی است که در بخش دوم می‌خواهم عرض کنم و باید به آن توجه شود. وجهی جهانی و بین‌المللی انقلاب، عبارت از پیام معنویت در سطح جهان است. دنیا غرق در مادیت است. دستهای سردمداران و شبکه‌های اختاپوسی مادی، از یکی دو قرن پیش، دنیا را به سوی مادیگری سوق داده و ملتها را در منجلاب مادیگری غرق کرده است. امروز دنیا در جهتگیری خود و راهی که قدرتها و دولتها برای آن پیش‌بینی میکنند، نه تنها هیچ جنبه‌ی معنوی ندارد، بلکه به طرف مادیگری حرکت میکند و معنویات را از انسانها سلب مینماید. علت اینکه میبینید در بسیاری از کشورها، نسلهای جوان به ستوه می‌آیند، خودکشی زیاد میشود، خانواده‌ها متلاشی میشوند و جوانان به آوارگی می‌افتند، همین کمبود معنویت است. برای بشر، معنویت یک غذا و تغذیه‌ی روحی است. مگر میشود بدون معنویت انسان بتواند مدت طولانی‌ای راحت زندگی کند؟ هر جا علم و تمدن مادی بیشتر است، آشفتگیها هم بیشتر میشود. این هم بخاطر گناه حذف معنویات به وسیله‌ی قدرتهای جهانی از صحنه‌ی زندگی مردم عالم است. پیام انقلاب اسلامی، پیام معنویت، توجه به معنویت، وارد کردن عنصر معنویت در زندگی انسان و توجه به اخلاق

و خداست. هر جا که نام و پیام امام نفوذ کرد، معنویت را در آنجا به همراه برد. حتی اگر به جوامع مسیحی و غیرمسلمان که به انقلاب اسلامی روی خوشی نشان دادند، از آن درسی طلب کردند و بهره‌ای بردند نگاه کنید، معنویت را در آنجا مشاهده خواهید کرد. ردّ پای انقلاب بزرگ اسلامی ما معنویت است و این معنویت، اولین پیام این انقلاب و امام معنوی است؛ امامی که خود یک انسان والا و معنوی، عارف، فقیه، دین‌شناس، متعبد و قائم باللیل بود. امام، کسی بود که نیمه‌شب با خدا خلوت میکرد و تضرّع مینمود. پیام دیگر انقلاب، «عدالت» است. در دنیا هر جا که ندای عدالتخواهی بلند شده است، این انقلاب آنجا را با خود و از خود و متناسب با خود یافته است و با حقجویان و عدالتخواهان عالم، همراهی کرده است. بسیاری از عدالتخواهان، آزادیخواهان و مبارزان با ظلم و تبعیض در شرق و غرب و قاره‌های پنجگانه‌ی عالم، میگویند «ما از انقلاب شما این درس را آموختیم» و راست میگویند. این هم یک پیام است؛ پیام عدالتخواهی. پیام بزرگ و مهم انقلاب ما برای امت اسلامی و جوامع و ملت‌های مسلمان، عبارت از «احیای هویت اسلامی، بازگشت به اسلام، بیداری مسلمانان و بازگشت به نهضت اسلامی» است. این، پیام بزرگ انقلاب ما به ملت‌های مسلمان است که امام و پیشوای بزرگ این راه و معلم بزرگ این خطّ و مکتب بود.

روح امام؛ ناظر بر اوضاع ملت و راضی از ایشان

راه را تا امروز درست آمده‌اید. امام بزرگوار اگر خودش در میان ما نیست، روح بیدار و زنده‌اش، ناظر و حاضر است و به مقتضای آنچه که از ارواح مؤمنین و برگزیدگان خدا میدانیم و اطلاع داریم، وضع ملت را میداند و میبیند. به فضل پروردگار، روح مطهر امام، از شما ملت بزرگ راضی است. إن شاء الله روز به روز راضی تر باشد.

در خطبه‌های نماز جمعه (عاشورای ۱۴۱۶)، ۱۳۷۴/۳/۱۹

به جان خریدن خطرها؛ در عمل به تکالیف

این تکلیف، همیشه خطر دارد. آیا ممکن است انسان، علیه قدرتی آنچنان مقتدر - به حسب ظاهر - قیام کند و خطر نداشته باشد؟! مگر چنین چیزی میشود؟! این تکلیف،

همیشه خطر دارد. همان تکلیفی که امام بزرگوار انجام داد. به امام هم میگفتند «آقا! شما که با شاه درافتاده‌اید، خطر دارد.» امام نمیدانست خطر دارد؟! امام نمیدانست که دستگاه امنیتی رژیم پهلوی، انسان را میگیرد، میکشد، شکنجه میکند، دوستان انسان را میکشد و تبعید میکند؟! امام اینها را نمیدانست؟! ■

عمل امام خمینی؛ نسخه‌ی کوچک عمل امام حسین (ع) با هدفی مشترک

کاری که در زمان امام حسین انجام گرفت، نسخه‌ی کوچکش هم در زمان امام ما انجام گرفت؛ منتها آنجا به نتیجه‌ی شهادت رسید، اینجا به نتیجه‌ی حکومت. این همان است؛ فرقی نمیکند. هدف امام حسین با هدف امام بزرگوار ما یکی بود. این مطلب، اساس معارف حسین است. معارف حسینی، بخش عظیمی از معارف شیعه است. این پایه‌ی مهمی است و خود یکی از پایه‌های اسلام است.

پس هدف، عبارت شد از بازگرداندن جامعه‌ی اسلامی به خط صحیح. چه زمانی؟ آن وقتی که راه، عوضی شده است و جهالت و ظلم و استبداد و خیانت کسانی، مسلمین را منحرف کرده و زمینه و شرایط هم آماده است.

البته دوران تاریخ، اوقات مختلفی است. گاهی شرایط آماده است و گاهی آماده نیست. زمان امام حسین آماده بود، زمان ما هم آماده بود. امام همان کار را کرد. هدف یکی بود. منتها وقتی انسان به دنبال این هدف راه می‌افتد و میخواهد علیه حکومت و مرکز باطل قیام کند، برای اینکه اسلام و جامعه و نظام اسلامی را به مرکز صحیح خود برگرداند، یک وقت است که وقتی قیام کرد، به حکومت میرسد؛ این یک شکل آن است - در زمان ما بحمدالله اینطور شد - یک وقت است که این قیام، به حکومت نمیرسد؛ به شهادت میرسد.

در مانور عظیم عاشورا توسط «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، ۱۳۷۴/۳/۲۵

ارزش لبیک گفتن به فرمایشات حضرت امام (ره)

هر ساعتی که شما در اینجا در صف سان، در هنگام رژه، در هنگام تمرین و مانور میگذرانید (یعنی از وقتی که از خانه و شهر خود خارج شدید، تا وقتی که ان‌شاءالله با

ره، رهرو، رهبر / ۴۵۵

سلامتِ کامل به آنجا برگردید)، همه‌اش حسنه و صدقه است. هر قدم شما حسنه و صدقه و برای آن نیت و هدف است. وجود همه‌ی آن جماعتِ عظیمِ رزمنده‌ی منتشر در سراسر این کشور- که امام عزیز این امت درباره‌شان فرمود «مملکتی که اسلامی است، همه‌ی افرادش باید به این معنا نظامی باشند»- حسنه و صدقه است. این، در راه آن هدف و برای آن کار است.

در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام و میهمانان خارجی شرکت‌کننده
در کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، ۱۳۷۴/۵/۲۴

هفته وحدت؛ صدقه‌ی جاریه‌ای ناشی از ذهن بیدار امام خمینی (ره)

یکی از صدقات جاریه‌ی انقلاب که به برکت ذهن بیدار امام راحل (رضوان‌الله تعالی علیه) تحقق پیدا کرد، این بود که ایام ولادت نبی اکرم (علیه و علی آله الصلوة والسلام)، بعنوان ایام وحدت معرفی شد. از این جهت این مسئله جالب است که وحدت اسلامی یک آرزوست.

مسئله‌ی اتحاد بین مسلمین یک امر جدی است. با این مسئله، باید اینطور برخورد شود. هر روزی که این قضیه دیر شود، دنیای اسلام یک روز خسارت کرده و این روزها، روزهایی است که بعضی آنچنان حساس است که در یک عمر اثر میگذارد. نباید بگذارید دیر شود.

جمهوری اسلامی، به فضل پروردگار، از روز اول در این زمینه قدم برداشته است. امام بزرگوار ما (رضوان‌الله علیه)، پیشوای این راه بود و بزرگان، مسئولان، گویندگان، نویسندگان، دستگاههای مختلف و متفکرین دنیای اسلام هم تلاشهای زیادی کردند. نگذارید این تلاشها ضایع شود.

در دیدار با رئیس‌جمهور و هیأت وزیران به مناسبت بزرگداشت هفته‌ی دولت، ۱۳۷۴/۰۶/۰۸

هفته‌ی تجدید پیمان دولتها با امام راحل (ره)

حلول هفته‌ی دولت که همیشه برای مردم ما حامل نویدهای امیدوارکننده و خبرهای خوش و برای برادران مسئول در دولت هم، روزهای تجدید عهد با گذشته و پیمان با

امام و اهداف مقدّس و والای اسلامی اوست، إن شاء الله بر شما و ملت ایران مبارک باشد.

در دیدار با فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴/۶/۲۹

تبیین نقشه‌ی دشمن توسط امام و ایجاد حماسه‌ی مردمی

امام بزرگوار ما- که تا ابدالآباد نور و رحمت الهی بر روح مطهّر او در حال فیضان باشد- مکرر در طول این سالها میفرمود: «دشمن میخواهد ایران را به قهقرا برگرداند و همانجایی ببرد که ملت ما حرکت خود را آغاز کرده است و او را در همان حصار گذشته نگه دارد و به منابع و معادن و خیرات و برکات و نیروهای انسانی کشور دست باز کند و برای خود و نوکرانش پول و لذّت و ثروت جمع‌آوری کند و ملت ایران را در سیاهچال بدبختی‌ای که زندگی میکرد، رها کند». مردم سخنان ارزشمند امام را باور کردند و جوانان هم حقیقت را فهمیدند؛ لذا حماسه‌ی آن هشت سال پدید آمد. امروز شما و همه‌ی مردم ایران- و بلکه ملت‌های دیگر- بایستی از آن حماسه درس بگیرید.

حافظ امام در صراط مستقیم الهی از جوانی تا پیری

عزیزان من! در درون خودتان صحنه‌ای از ارتباط با خدای متعال بیارید. این چیزی است که در زندگی شخصی، در زندگی سیاسی، در اداره‌ی کشور، در دم مرگ، در عرصه‌ی محضر پروردگار، در یوم‌الشّهود، در لقاء با اولیاءالله و ان‌شاءالله در بهشت برین پروردگار به کار شما خواهد آمد. رابطه‌تان را با خدای متعال محکم کنید؛ حرف بزنید و از او بخواهید. مخلصانه و صادقانه با او پیمان ببندید و به آن پیمان متعهد بمانید. شما جوانید. حیف است که این دل‌های پاک و نورانی و روح‌های آماده، به چیزی غیر از یاد خدا و محبت پروردگار آلوده شود. دنیا را فقط ابزار بدانید. مال دنیا و امکانات آن و خانه و زندگی ابزار است و لیاقت دل بستن ندارد. لایق دل بستن فقط ذات مقدّس پروردگار و کسانی هستند که در حوزه‌ی محبت اویند: «أَسْئَلُكَ حُبَّكَ وَحُبَّ مَنْ يَحِبُّكَ وَحُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُوصلُنِي إِلَى قُرْبِكَ»^۱ این گوهر را رها نکنید. این آن چیزی است که فقط شما دارید.

۱ بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۱۴۸.

ره، رهرو، رهبر / ۴۵۷

جوانان مسلمان در هر جای دنیا اگر این گوهر را داشته باشند، راه موفقیت برایشان باز است. این آن چیزی است که مردی مثل امام بزرگوار را از دوران جوانی تا سن نود سالگی در صراط مستقیم الهی حفظ کرد و با این همه تغییرات که در دنیای پیرامون کسی به وجود می‌آید، راهش عوض نشد.

شما زندگی امام را از دوران اختناق رضاخانی تا دوران بعد و تا تحولات گوناگون اجتماعی و سیاسی و پیروزی انقلاب و رسیدن به یکی از بالاترین موقعیتهای سیاسی و دنیایی - که همه‌ی دنیا به او چشم دوخته بودند و نامش در همه جا منتشر بود - نگاه کنید! این انسان از خط مستقیم خود هیچ تخطی نکرد. این به برکت همان رابطه است: «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»^۱. این نعمت به برکت ارتباط با خدا بدست می‌آید.

در دیدار با جمعی از فرماندهان و پرسنل ارتش جمهوری اسلامی
به مناسبت هفته‌ی دفاع مقدّس، ۱۳۷۴/۷/۵

آسان شدن کارها بر امام با قدرت ایمان

رهبر این امت و انقلاب، مردی بودند که در هشتاد سالگی سخت‌ترین کارهای دنیا را به دوش گرفتند. روزی که امام وارد ایران شدند، تقریباً هشتاد ساله بودند. نگفتند من پیر و یا خسته‌ام. در یکی از روزهای سال پنجاه و نه که از اهواز به تهران آمده بودم، خدمت ایشان رسیدم و صحبت‌های گله‌آمیزی را درباره‌ی موضوعی مطرح کردم. ایشان به من گفتند که افراد مورد نظرشان را برای تشکیل جلسه خبر کنم. جلسه، وسط روز و بدون سابقه تشکیل شد و پیرمرد جوان‌دل و پُرنشاط و نیرومند، جلسه را بدون اظهار خستگی اداره فرمود. کار که برای خدا باشد، خستگی ندارد و زمان‌بردار نیست. یک وقت یکی از روسیاهانی که به غلط وارد صفوف اهل ایمان شده بود، چیزی گفت که امام در پاسخ او فرمودند: «اگر شما نمیخواهید انجام دهید، کنار بروید؛ من خودم کارها را انجام میدهم و بارها را بر دوش میگیرم!» باور نمی‌کردند امام اینگونه جوانانه وارد میدان شوند. قدرت ایمان ایشان این کارها را آسان میکرد. البته قدرت ایمان در وجود ایشان نسبت به میدانهایی که ما وارد آن میشویم، در حدّ اعلاّیش بود. ما توقع آنگونه ایمان را از هرکسی نداریم؛ اما میخواهیم نمونه‌ی عالی را به شما نشان دهیم.

۱ سوره‌ی حمد، آیه‌ی ۷. راه آنهایی که برخوردارشان کرده‌ای.

ارادت سرشار جوانان مبارز فلسطینی به امام عظیم الشان

طلوع خورشید اسلامی از افق مبارزات فلسطین که به ملت مظلوم فلسطین جان تازه‌ای بخشید، در هنگامی آغاز شد که مدعیان دروغین قضیه‌ی فلسطین، از بردن نام اسلام در آن عرصه‌ی اسلامی محض، بشدت پرهیز میکردند و با جدا کردن قضیه‌ی فلسطین از اسلام، دانسته و ندانسته آرمان فلسطین را به محو و نابودی میکشانند. و در این هنگام بود که گروهی از جوانان پُرشور و باخلاص و مؤمن و اندیشمند و در رأس آنان شهید عزیز ما دکتر فتحی شقاقی با الهام گرفتن از انقلاب اسلامی ایران و با دلی سرشار از عشق و ارادت به امام عظیم الشان راحل، پرچم مبارزات اسلامی را برافراشته و به‌رغم کوردلان سست‌عنصر و وابسته و به‌رغم رژیم غاصب و به‌رغم امریکا و سرسپردگانش در منطقه‌ی عربی، خون در رگهای افسرده‌ی جهاد فلسطینی دمیدند.

در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۷۴/۸/۱۰

مجازات پیروی از امام خمینی(ره) در نگاه صهیونیستها و مزدورانشان

امروز همه پذیرفته‌اند که در دنیا دولتهایی وجود دارند که ظلم و ستم میکنند و عناصری از ملتهای مورد ظلم واقع شده هم، با آنها به مبارزه برمیخیزند. دنیا به عناصری چنین نه به چشم تروریست که به چشم مبارز نگاه میکند. امروز کسانی با دولت ظالم و اشغالگر و غاصب و خشن صهیونیستی مبارزه میکنند. جوان مؤمنی که چند روز پیش بدست مجرم و جنایتکار صهیونیستها و مزدورهایشان به خون غلتید، از جمله این کسان بود. جرم سازمان و جمعیتی که آن جوان به او منسوب است این است که با رژیم غاصب خانه‌ی خود، مبارزه میکند. البته به‌زعم صهیونیستها، جرم بزرگ دیگری که آن عناصر مبارز دارند، این است که دم از اسلام و تبعیت از امام میزنند و بصراحت افتخار میکنند که پیرو امام بزرگوار ما هستند. این دیگر جرم بسیار بزرگی است! مزدوران صهیونیست، آن جوان را به قتل رساندند. این هم چندان غیرطبیعی نیست. بدیهی است که رژیمی مثل رژیم تروریست اسرائیل، اگر به دشمنان خود دست پیدا کند آنها را میکشد. غیر از آن جوان هم اگر کسانی را پیدا کنند، به قتل خواهند رساند.



انتقاد امام از روحانیون غیرمتعهد

امام بزرگوار ما در اوایل انقلاب درباره‌ی روحانیت و لزوم وجود آن و حمله به کسانی که میخواستند ریشه‌ی روحانیت را بزنند، صحبت کردند. در اثنای صحبت، مطلبی با این مضمون افزودند: در میان روحانیت کسانی هستند که ظلم است اسم روحانی بر آنها بگذاریم. بعد این مصراع را خواندند: «ای بسا خرقه که مستوجب آتش باشد». واقعاً همینطور است. روحانی داریم؛ اما اساس روحانیت امری لازم است. برای حفظ دین، ایمان دینی در جامعه لازم است. دشمن این مطلب را زودتر از همه فهمید.

امام خمینی (ره)، محصول تفکر ضد روحانیت رضاخانی

یکی از بزرگترین مسئولیتهای رضاخان، برچیدن بساط روحانیت برای نابود کردن دین بود. بنابراین بمجرد اینکه قدرت پیدا کرد، در سالهای ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ شروع به برچیدن بساط روحانیت کرد. اقدام رضاخان، قلدراجه بود. خیال میکرد با قلدری میتواند کارهای خود را پیش ببرد. گذاشتن عمامه، پوشیدن لباس بلند و اسم و حوزه‌ی آخوندی را ممنوع کرد. حوزه‌های قم و مشهد را تا آنجا که میتواند - به خیال خود - متلاشی کرد. البته نتوانست. امام عزیز ما جزو طلبه‌های آن دوران بودند؛ همان دورانی که قرار بود روحانیت را شدت فشار و خفقان رضاخانی بکلی نابود کند. اما روحانیت نه تنها نابود نشد، بلکه کسانی مثل امام بزرگوار را به وجود آورد. من خود از امام شنیدم که میگفتند: «در قم، ما صبح زود از مدرسه یا خانه بیرون می‌آمدیم و به باغهای سالاریه میرفتیم که در آن زمان یک فرسخ تا شهر فاصله داشت. در آنجا زیر درختها مشغول درس و بحث و مطالعه میشدیم. هنگام غروب وقتی که هوا تاریک میشد برمیگشتیم که مأمورین رضاخان ما را نبینند!» اینطور درس خواندند.

ماهیت عناصر ناباب در روحانیت

روحانیت خدمتگزار مردم است. نهادی کم‌توقع، کم‌نصیب و کم‌سهم از دنیاست. بنایی بر دنیا و هدف دنیا ندارد. البته در بین روحانیون، افراد بد، ناباب و خائن بوده‌اند.

امروز هم هستند، نه اینکه نیستند. ما هم از افراد نابابی که در روحانیت هستند، خبر داریم. بعضی از آنها، دلها را خون کردند. دل امام و نیکان خود را خون کردند. اما این نباید موجب شود که سازمان و تشکیلات روحانیت زیر سؤال برود. عناصر ناباب در روحانیت، اغلب کسانی هستند که از راه صحیح و روحانیت منحرف شده‌اند، و آلا روحانیتی که در راه مستقیم امام بزرگوار حرکت میکرده، بحمدالله خوب است.

در دیدار فرماندهان نواحی، پایگاهها و گردانهای بسیج سراسر کشور به مناسبت هفته بسیج، ۱۳۷۴/۰۹/۰۸

بسیج؛ از محصولات فکر و درایت امام بزرگوار

مطلب اساسی این است که بسیج، یک حرکت بی‌ریشه و سطحی و صرفاً از روی احساسات نیست. بسیج یک حرکت منطقی و عمیق و اسلامی و منطبق بر نیازهای امروز دنیای اسلام و - به طریق اولی - جامعه‌ی اسلامی است. قرآن کریم میفرماید: «هُوَ الَّذِي أَيْدِكَ بِتَنْصَرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ»؛ ای پیامبر! خدای متعال تو را، هم به وسیله نصرت خودش و هم از طریق مؤمنین، مؤید قرار داد و کمک کرد. این خیل عظیم مؤمنینی که در اینجا مورد اشاره آیه قرآن قرار گرفته‌اند، عبارت دیگری است از آنچه که امروز به نام «بسیج» در جامعه‌ی ما وجود دارد. آیات دیگر قرآن هم، آنجا که اشاره به مردم و آحاد مؤمن و انسانهای بااخلاص میکند، بسیج عزیز کم‌نظیرِ زمان ما را که محصول فکر و درایت امام بزرگوار است، نشانه میگیرد.

ریشه‌کن کردن دو آفت موجود در جهان اسلام، با ابزار بسیج

امروز دو آفت در سطح جهان اسلام مشاهده میشود که یکی مربوط به دولتها و حکومتها و رژیمهای حاکم است و دیگری به مردم مربوط میشود. آن آفتی که به دولتها و رژیمها مربوط میشود، این است که غالباً در دنیای اسلام، حکومتها از مردم منقطعند.

آفت دوم - که آن هم خیلی دردناک و گریه‌آور است - مربوط به ملتهاست. متأسفانه در کشورهای اسلامی، از چهل، پنجاه سال قبل تاکنون، جوانان به سمت فساد سوق داده

۱ سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۶۲. همو بود که تو را با یاری خود و مؤمنان نیرومند گردانید.

میشوند.

به اعتقاد من، امام عزیز ما با الهامی که پروردگار متعال به قلب آن بزرگوار کرد و او را هدایت نمود، با این حرکت عظیم بسیج، این دو عیب را در کشور ما ریشه کن کرد. شما بسیج را اینگونه در نظر بگیرید.

معنای فرمان تشکیل ارتش بیست میلیونی از سوی امام

آن روزی که امام فرمودند: ارتش بیست میلیونی در ایران تشکیل شود؛ کشور ما چهل میلیون یعنی نصف جمعیت کنونی، جمعیت داشت و همه دارای خصوصیات بسیجی بودند. امروز هم اینگونه است. مردمی که چنین خصوصیتی دارند، نسبت به مسائل محیط و جامعه و نظام خود، بی تفاوت نیستند.

ضرورت عمل به فرمان امام در سازماندهی و آمادگی بسیج

امام فرمودند: «بسیج باید سازماندهی شود؛ باید یکدیگر را بشناسند؛ باید آمادگی به وجود بیاورند و آن را حفظ کنند». امروز هم تکلیف بزرگ شما، همین کار است. خیال نکنند که بسیج، یک امر احساسی است. بسیج یک امر منطقی و فکری و ریشه دار و عمیق است و کسانی که در کار این حقیقت بزرگ، شرکت دارند، همه آحاد ملتند. هر کس که بسیجی است، باید به بسیجی بودن خود افتخار کند. بسیجی بودن، مایه سرفرازی و سربلندی پیش پروردگار است.

حکم انتصاب آیت‌الله حاج شیخ حسین مظاهری به ریاست حوزه‌ی علمیه اصفهان، ۱۳۷۴/۰۹/۰۹

اطاعت علمای اعلام از امام راحل در انقلاب اسلامی

در انقلاب کبیر اسلامی و حوادث مربوط به آن و از جمله دوران هشت ساله‌ی دفاع مقدس نیز اصفهان و مردم فداکار و پیشرو آن، نقش بارز خود را اثبات کردند. علمای اعلام آن با حضور روشنگر خود در همه‌ی صحنه‌ها که مظهر اطاعت از امام راحل عظیم بود، مردم را به حرکت آگاهانه دعوت کردند و توده‌ی مردم متدین از همه‌ی قشرها با جان و مال و امکانات خود، بی دریغ به کمک اسلام و انقلاب شتافتند.

سرمایه و ذخیره‌ی عظیم معنوی امام در دوران جوانی

من یقین دارم، آن پیرمرد نورانی، معنوی، عالم، زاهد و عارف که این انقلاب با دست توانای او بنا، غرس، آبیاری و میوه‌چینی شد، اگر در جوانی، آن راز و نیازها و آن عبادتها، تفکرها و توسلها را نداشت و آن دل مؤمن و نورانی در او پدید نمی‌آمد، این کارهای بزرگ از او صادر نمیشد. مرحوم آقای حاج میرزا جواد آقای تهرانی که از علمای بسیار مؤمن، زاهد و خالص بود و در مشهد، بسیاری ایشان را میشناختند، نزدیک سی سال پیش از این، به بنده گفت: «من در جوانی برای تحصیل به قم رفتم و آن زمان، امام را در حرم مطهر دیدم. نمیشناختم ایشان کیست. دیدم که یک سید طلبه‌ی جوان و نورانی در حرم ایستاده، تحت‌الحنک را انداخته، نماز میخواند و اشک میریزد و تضرع میکند.» حاج میرزا جواد آقای تهرانی میگفت: «من او را نشناخته، مجذوبش شدم و از بعضی پرسیدم این آقای نورانی کیست؟ گفتند این آقا روح‌الله خمینی است. وقتی آقا روح‌الله، در دوره‌ی جوانی، آن سرمایه و ذخیره را پدید می‌آورند، آن وقت در سن هشتاد سالگی، امام و بنیانگذار حکومت جمهوری اسلامی میشوند.»

معمولاً پیرمردها، در زودتر از این سن بازنشسته میشوند و حال اداره‌ی زندگی شخصی خودشان را هم ندارند؛ اما امام در آن سن، چنین بنای عظیم و توصیف‌ناپذیری را به وجود آوردند و در مقابل دشمن، آنطور ایستادند که انسان از شجاعت و پایداری ایشان در مقابل حوادث و مصائب، مبهوت میماند.

در همین قم، اوایل انقلاب، به مناسبتی ما خدمت ایشان رسیده بودیم. صحبتی شد و ایشان درباره‌ی سیداحمد آقا مطلبی را فرمودند که درست و دقیق، یادم نیست. اما مضمون آن این بود که «اگر این احمد را بگیرند یا شکنجه کنند و یا بکشند، من در باطن قلبم هم متزلزل نخواهم شد. نه اینکه بخواهم خودم را نگه دارم؛ تظاهر و تصبر کنم.» این، تعبیر ایشان بود. مفهوم «لَا تُحَرِّكُ الْعَوَاصِفُ وَقُورٌ عِنْدَ الْهَزَاهِزِ»، این است.

بزرگترین و برجسته‌ترین انسان زمان ما

ما در اینجا و در رأس جامعه، امام عظیم‌القدر را داشتیم که بلاشک از انسانهای زمان ما بزرگتر و برجسته‌تر بود.

حضرت امام؛ فاقد احساس شکست، خستگی و ناکامی در دوران مبارزات

خدای متعال، امام بزرگوار و آن شخصیت را اینطور آفریده بود که احساس شکست و خستگی نمی‌کرد و ناکامی در روح او راه نداشت. در سخت‌ترین حالات هم قصد پیشرفت داشت. شما خودتان در دوره‌ی هشت ساله‌ی جنگ، از نزدیک دیدید که در سخت‌ترین حالات هم، آن کسی که تصمیم بر عقب‌نشینی نداشت، شخص امام بود که مثل کوه محکم ایستاده بود. وقتی یک کوه به آن استواری، پشت سر انسان است، راحت مبارزه می‌کند.

او در دوران مبارزه نیز همینطور بود. با این همه شکست و سختی و کتک و فشار و تبعید و کهولت سن، باز هم به مبارزه ادامه می‌داد. امام بزرگوار که مشغول مبارزه شد، جوان نبود. ایشان، در ابتدای شروع مبارزه، یک مرد شصت و سه ساله بود! من یادم است که در همان سخنرانیهای سال چهل و یک می‌گفتند که من چرا و از چه چیزی بترسم؟ اگر مرا هم بکشند، شصت و سه سالم است و تازه در سن پیامبر اکرم و امیرالمؤمنین که از دنیا رفتند، از دنیا خواهم رفت. چه سعادت‌ی از این بهتر؟ این، منطق او بود.

آن روز، امام شصت و سه سالش بود که از همان دوران پیرمردی، شروع به مبارزه کرد و چون موقعیت آن روز مناسب بود، ایشان تمام زحمات را در دوران پیری، تحمل کرد. در هشتاد سالگی هم رهبری این انقلاب با عظمت را به عهده گرفت و تا نود سالگی، آن را با قضاوی عظیمی که شما شاهدش بودید، هدایت کرد. تهدید امریکا و شوروی و اتحاد دو ابرقدرت و جنگ هشت ساله و حمله به طیس و محاصره‌ی اقتصادی و تبلیغاتی و سیاسی و... هیچگاه این کوه استوار را تکان نداد: «لا تُحَرِّكهُ العواصف». هیچ توفانی نتوانست او را تکان دهد و لذا پیروز شد.

این تجربه، یکبار عمل شده است و آن، داستان انقلاب ماست که ملت و کسانی که دل مبارزه داشتند، پشت سر این مرد ایستادند و صفوف متحدی را تشکیل دادند و حتی ضعیفترین انسانها نیز پی‌درپی آمدند و ایستادند تا بالاخره دشمن مغلوب شد و امروز، دشمن مغلوب ماست.

درس ایستادگی امام در مقابل تحمیل‌های امریکا و آثار آن

به فضل پروردگار، این ملت و دولت خدمتگزار و این مسئولان مؤمن و انقلابی، از امام خودشان فرا گرفته‌اند که در مقابل تحمیل‌های امریکا، مثل کوه بایستند. دشمنان ما، دنبال این میگردند که به خیال خودشان، با تهدیدها و تشرها و جوسازیها و هوچی‌بازیها و اهانت به ملت ایران و مسئولان کشور، ملت را به عقب‌نشینی وادار کنند. تنها علاجی که وجود دارد، ایستادگی است.

شما باید رفتار و گفتار و تظاهر و اعلان و دل و باطنتان سرشار از ایستادگی و اقتداری باشد که امام بزرگوار ما مظهر آن بود و استقلال و آزادی ایران از بند قدرتهای تجاوزگر، ثمره‌ی شیرین آن است و ان‌شاء‌الله پیشرفت و رشد پی‌درپی این کشور، ثمرات بعدی آن خواهد بود و آزادی ملت‌های دیگر را که از تجربیات این کشور درس خواهند گرفت، به دنبال خواهد داشت.

در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر(عج)، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷

امیدوار نگاه داشتن مردم؛ بیشترین همت امام خمینی(ره)

امام بزرگوار ما بعنوان یک رهبر تمام‌عیار، بیشترین همت خود را به امیدوار نگاه داشتن مردم گماشته بود. وقتی مردم امیدوارند، حرکت و تلاش میکنند. در مقابل تلاش مردم، هیچ قدرتی نمیتواند مقاومت کند. فقط باید مردم امیدوار باشند. امام بزرگوار، از همه‌ی وسایل الهی و ملکوتی و معنوی استفاده کرد و این امید را در مردم دمید و به برکت آن امید، این پیروزی بزرگ بدست آمد.

تکیه‌ی مکرر امام به عمل خالصانه؛ برای اثربخشی تبلیغ

مطلبی است که بارها گفته شده است و بزرگان گفته‌اند و امام (رضوان‌الله‌علیه) نیز مکرر بر آن تکیه کرده‌اند. همه، این مطلب را گفته‌ایم و خود من هم بیش از همه به فهم این مطلب محتاجم. مبلغ دین و مبین معارف دینی، باید به زبان اکتفا نکند؛ بلکه عمل او هم باید ایمان و اخلاص و صفایش را در بیان این حقیقت برای مخاطب ثابت کند و نشان دهد.



صدق امام؛ عامل جلب ایمان مردم و پیروزی نهضت

مردم، راه خدا را پیدا میکنند. این، برای کسی که بتواند مردم را به راه خدا بکشاند، چقدر اجر و ثواب دارد! این، متوقف به عمل و صدق در گفتار است. در تأثیر خارجی کارها نیز همینطور است. انسان اگر صادق باشد، حرف و کار و راه او، در عالم واقع و خارج برکت پیدا میکند. صدق یک ملت و یک امت، میتواند آنها را در میدانهای گوناگون پیروز کند. امام بزرگوار ما در راه خود صادق بودند که توانستند ایمان مردم را جلب کنند و مردم نیز صادق بودند که توانستند نهضت را به اینجا برسانند، و الا اگر آن صدق و صفا و ایمان نمیبود، این نهضت محکوم به شکست میشد. امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) فرمود: «فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ بَعْدُونَا الْكُفْبْتَ وَأَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ...»^۱

نحوه‌ی آشنایی با حاج احمد آقا

بسم الله الرحمن الرحيم. ابتدا که من ایشان را دیدم، حدود سال چهل و یک بود که ما به منزل امام در قم، زیاد رفت و آمد میکردیم. ایشان ظاهراً در آن ایام به دبیرستان میرفتند. من ایشان را میدیدم که با دوچرخه از در اندرونی بیت رفت و آمد میکردند. البته ما از در بیرونی رفت و آمد میکردیم. من اول ایشان را نمیشناختم. بعد گفتند آقازاده‌ی

امامند. بعد از آن دیگر ایشان را ندیدم. در جریانات سال چهل و دو، من هیچ از ایشان یادم نیست و خبر ندارم که چه میکردند و کجا بودند. تا اینکه گمان میکنم در سال چهل و چهار یا چهل و پنج شنیدم ایشان طلبه‌ی خوبی شده‌اند و بسیار جدی مشغول تحصیلند.

تشویق امام به طلبه شدن فرزندان

گفته میشد که امام در آن ایام به ایشان فرموده‌اند که اگر شما میخواهی به دانشگاه بروی، هزینه‌هایت به عهده خودت است؛ اما اگر طلبه بشوی من شهریه‌ای به تو میدهم. یعنی امام به این وسیله تشویق میکردند که ایشان به سمت طلبگی بروند.

میزان عشق حاج احمد آقا به امام خمینی(ره)

ایشان مرد عاقلی محسوب میشدند. بشدت به امام عشق میورزیدند و علاقه‌مند ایشان بودند. علاوه بر این، از بُن دندان به این انقلاب اعتقاد داشتند و برای همین هم بود که آن هوش سرشار در خدمت انقلاب و امام به کار میرفت. اصل برای ایشان، همینها بود. من بعداً دیدم در وصیتنامه‌شان هم همین را تصریح کرده‌اند. این راست است. این را من خودم دیدم که برای ایشان در درجه‌ی اول، امام و انقلاب مطرح بود. رفاقتها، دوستیها، جبهه‌ها، باندها و گروهها، هیچ مطرح نبود. این، جهات بسیار خوبی بود که ایشان داشتند. علاوه بر این، ایشان هم در قم و هم در نجف درس خوانده بودند. من از خصوصیات و میزان معلومات ایشان مطلع نیستم. علت هم این است که در این چند سال بعد از انقلاب که ما با ایشان ارتباطات کاری مختلفی داشتیم، بحث علمی مطرح نشد تا من بتوانم بفهمم ایشان در چه حدی بودند. اما میدانم که ایشان درس خوانده بودند. خیال میکنم خود ایشان یک‌وقت به من گفتند که من در نجف «مکاسب» درس میگفتم. خوب؛ این یک سطح علمی خوبی است. به‌هر حال ایشان شخصیت ارزنده‌ای بودند. انصافاً شخصیت مفید و باارزشی بودند.

حاج احمد آقا؛ عنصری لازم و بی‌بدیل در کنار امام (ره)

ایشان واقعاً در کنار امام عنصری لازم و بی‌بدیل بودند. هیچ‌کس دیگر در کنار امام نمیتوانست این نقش را ایفا کند؛ بخاطر اینکه خبر دادن به امام، کار آسانی نبود. گاهی خبر تلخی بود که کسی باید به امام میداد. نه فقط خبرهایی مانند مرگ و میر؛ بلکه حوادثی بود، اشکالاتی بود در دولت، در مسئولان و در اشخاص که باید یک نفر به امام منتقل میکرد. همه‌کس نمیتوانست این کار را بکند؛ چون ممکن بود بعضی منتقل کنند؛ بعد امام ندانند که اینها خودشان جزو چه گروه و باندهی هستند و این خبر چقدر اطمینان دارد. فردی باید این کار را انجام میداد که به امام نزدیک میبود و این فرد حاج احمد آقا بودند. ■

استفاده‌ی بهینه‌ی امام از مشورتها بدون اثرپذیری از احساسات و تلقینات

ایشان، هم در انتقال خبرها و هم در انتقال نظرات امام به بیرون - چه به بنده و دو، سه نفر دیگر که مسئولان سطح بالای نظام بودیم و چه به مردم یا بعضی دیگر از مسئولان - تبحر خاصی داشتند و نظرات امام را خوب منعکس میکردند. همچنین در موارد متعددی به امام مشورت میدادند. امام هم آدمی نبودند که تحت تأثیر عواطف قرار گیرند و مسئله‌ی پدر و فرزند تأثیر ناروایی در ایشان داشته باشد. از مشورت حاج احمد آقا استفاده‌ی بهینه را میکردند. یعنی چنین نبود که هرچه حاج احمد آقا میگویند، گوش کنند؛ بلکه مواردی اتفاق افتاد که امام نظری داشتند و شاید خود ما هم خیال میکردیم این نظر را حاج احمد آقا به ایشان منعکس کرده‌اند. بعد خدای متعال مسائل را طوری پیش می‌آورد که میفهمیدیم نظر امام در این مورد چیزی دیگر است و نظر حاج احمد آقا به جز این بوده است. حتی در یک مورد، نظری از قول امام برای من نقل شد. من، هم تعجب کردم که چطور امام این نظر را باید بدهند و هم آن را قبول نداشتم؛ ولی هم حاج احمد آقا و هم آقای هاشمی بر آن نظر مُصر بودند و چون بعنوان نظر امام نقل شده بود، جلسه‌ای برگزار کردیم که تصمیم‌گیری کنیم. امر بسیار مهمی بود. من گفتم باید خدمت امام برویم و ببینیم ایشان چه میگویند. چون احتمال دادم شاید بعضی از حواشی و واقعیات را امام درست ندانند. خدمت امام رفتیم و آنجا بعد از آنکه حرفها مطرح شد، من دیدم امام به همان نظری که بنده داشتم گرایش پیدا کردند. در آن لحظه

فوری این مطلب به ذهن رسید که پس چگونه حاج احمد آقا از امام چیز دیگری نقل کردند؟ حاج احمد آقا ملتفت شدند که اینجا، جای توجه به چنین گمانی است. فوری جلو همی ما با امام روبه‌رو کردند و گفتند: آقا! من صبح پیش شما آمدم، شما اینگونه نگفتید؟ آن وقت جزئیات را گفتند. امام تأملی کردند و گفتند: بله؛ همینگونه است. یعنی معلوم شد که حاج احمد آقا در معرض این بودند که گاهی در تبدل نظر با رأی امام تبدل شوند. میخواهم این را عرض کنم که حرفهای امام، مشورت‌های حاج احمد آقا نبود. اما از حاج احمد آقا هم استفاده می‌کردند. حاج احمد آقا در موارد متعددی، نظرات پخته‌ی خوبی را به امام منعکس کرده بودند. البته گاهی چیزهایی هم میگفتند که امام قبول نمی‌کردند. ما خودمان این را در قضیه‌ی جنگ، در قضایای سیاست خارجی و در موارد متعددی دیگر دیده بودیم که نظر امام یک چیز بود، نظر حاج احمد آقا بکلی چیز دیگری بود.

در جلساتی که بنده، آقای هاشمی، آقای موسوی اردبیلی، حاج احمد آقا و آقای مهندس موسوی مشترکاً خدمت امام بودیم - البته آقای مهندس موسوی در همه‌ی جلسات، حضور نداشت. بعضی از جلسات امام خودشان میگفتند که ایشان بیاید. ایشان در جلساتی که مطالب محدودتری بود، حضور نداشت - مکرراً اتفاق می‌افتاد که ما نظری داشتیم و امام، نظر شریف دیگری داشتند. ما نظرمان را میگفتیم، ایشان قبول نمی‌کردند و بالاخره هرچه ایشان دستور میدادند، همان بود. این حالت برای حاج احمد آقا مکرراً پیش آمد. میخواهم عرض کنم نباید تصور شود که ایشان چیزی را به امام تلقین می‌کردند. امام آدم تلقین‌پذیری نبودند. لکن حاج احمد آقا نظرات قوی و روشنی را در مسائل گوناگون به امام ارائه می‌کردند و امام هم در موارد متعددی از آن نظرات استفاده مینمودند. این هم یک نکته.

همانطور که گفتم، ایشان مشاوری امین برای امام بودند. امام هم زمانی جمله‌ای با این مضمون گفتند که احمد هیچ چیزی را به من نسبت نمیدهد که من نگفته باشم. این گواهی امام بسیار باارزش و مهم است. همینگونه هم بود. ما هم تا آن مقداری که دیدیم، همین را حس کردیم.

مسائلی ناگفته از شخصیت عاطفی امام

به یاد دارم که امام دو مرتبه گفتند: احمد برای من اعزّ اشخاص است. آقای هاشمی نیز این مطلب را همان وقت در خطبه‌های نماز جمعه نقل کردند؛ چون اتفاقاً هر دو دفعه با هم بودیم که این حرف را از امام شنیدیم. بار اول در سال پنجاه و هشت، به مناسبت جریانی که پسر یکی از آقایان، مشکل عاطفی برای پدرش درست کرده بود، امام سخنی به این مضمون گفتند که هر چند من احمد آقا را بسیار دوست دارم، اما چنانچه او را بگیرند یا بکشند، در باطن قلبم متأثر نمیشوم یا تکان نمیخورم. حرف عجیبی بود که قوت قلب امام را نشان میداد.

بار دوم، همین اواخر بود که ایشان به مناسبتی در خلال صحبت گفتند- رسم امام این بود که حرفهایی را که میخواستند بزنند، گاهی مستقیم نمیگفتند؛ بلکه در خلال صحبت به شکلی وارد میکردند- احمد که اعزّ اشخاص در نظر من است، اگر مثلاً چنین کند، با او برخورد میکنم. به هر حال، اعزّ اشخاص بودند. امام راجع به دو نفر چنین تعبیری داشتند. یکی راجع به حاج احمد آقا و یکی راجع به علی نوهی کوچکشان که گفتند من تا بحال هیچ بچه‌ای را اینقدر دوست نداشته‌ام. یعنی خود حاج احمد آقا و آقا مصطفی و همه‌ی اینها را شامل میکردند. البته پیرمرد بودن هم این تأثیر را میگذاشت. آدم وقتی هشتادوپنج ساله یا نود ساله میشود، عواطفش بسیار رقیق است.

علت حضور فرزند امام در جلسه‌ی شورای مصلحت

ایشان در چند جلسه شرکت میکردند. یکی در جلسه شورای مصلحت بود که به نظرم خود امام فرمودند یا ما از امام خواستیم و ایشان اجابت کردند که حاج احمد آقا در جلسه باشند؛ چون مسئله‌ی تشخیص مصلحت است، بسیار مهم است. یک وقت لازم بود که مثلاً خبرهایی خدمت امام داده شود یا بالعکس.

حضور امام در برخی جلسات رؤسای سه قوه

اما جلسه‌ای که ایشان بعنوان عضو شرکت میکردند، جلسه‌ی رؤسای سه قوه بود.

جلسه‌ی مذکور سیار بود. البته اوایل، هر هفته در دفتر بنده تشکیل میشد؛ بعد برای تنوع و اینکه جلسه حالت خشک پیدا نکند، بنا گذاشتیم سیار باشد. هرچند هفته یک شب هم به منزل حاج احمد آقا میرفتیم. در آن شب ما این اقبال را داشتیم که خدمت امام هم میرسیدیم. همان شبی که منزل حاج احمد آقا میرفتیم، امام هم می‌آمدند. حتی آن وقتی که ایشان کسالت داشتند و حال نداشتند، آنجا آمدند، چند دقیقه‌ای نشستند و رفتند. یعنی آمدن ایشان به یک رسم تبدیل شده بود.

جایگاه بی بدیل حاج سید احمد بخاطر ارتباط خاص با امام

ایشان خصوصیتی داشتند که هیچ کس دیگر ندارد و نخواهد داشت. واقعاً چنین بود. یعنی ارتباط با امام، نزدیکی به امام، دانستن نظرات امام. ایشان چیزهایی را از امام میدانستند و گاهی اوقات میگفتند که شاید هیچ کس دیگر نمیدانست. قدرت بر انتقال نظرات رهبری مثل امام به مسئولین، مسئله‌ی بسیار مهمی است. گاهی اوقات است که مصلحت نیست رهبری در امری اقدام کند؛ لکن خوب است نظرش دانسته شود تا کسانی که میخواهند مسائلی را رعایت کنند، حواسشان باشد که نظر رهبری این است. حاج احمد آقا ناقل امین و باهوشی بودند که دقیق میفهمیدند و همان را که نظر شریف امام بود، منعکس میکردند. با ما که اینگونه بودند. ببینید چه نقشی میتوانستند داشته باشند. موارد متعددی اتفاق افتاد که انسان درباره‌ی انجام امری تصور میکرد کار خوبی است و نظر امام نیز همین است. بعد معلوم میشد که نه؛ امام نظرشان این نیست. در قضایایی که اواخر عمر شریف ایشان پیش آمد، اینگونه بود. ما دچار اشتباهی بودیم و خیال میکردیم که شاید امام مثلاً ته دلشان نیز همین باشد. بعد معلوم شد که نه، اینگونه نبوده است؛ ما نمیدانسته‌ایم. البته در خدمت امام، مکرراً مذاکره شده بود؛ اما انسان، تنها دیدگاههای صریح و لب‌نظر امام را میدانست. شاید در بعضی از مسائل به شکل دیگری عمل میکرد. به هر حال، حاج احمد آقا این نقش را داشتند که نظر امام را میدانستند و به بیرون منعکس میکردند. نه در زمان حیات ایشان و نه بعد از ایشان، هیچ کس دیگر حائز این خصوصیات نیست. علاوه بر جهات شخصی و غیر از آنچه که در شخص خود ایشان بود، در وضع و محاذات تاریخی و جغرافیایی و انسانی هم خصوصیتی داشتند که

ره، رهرو، رهبر / ۴۷۱

مخصوص خودشان بود؛ نسبت نزدیک به امام، قرب جوار با امام، طول زمان معاشرت با امام و آگاهی از مسائل انقلاب.

انطباق مواضع حاج احمد آقا بعد از رحلت امام با چهره‌ی حقیقی خط امام

حاج احمد آقا در برهه‌ی بعد از رحلت امام، یکی از بهترین مواضعی را که ممکن است کسی مثل ایشان داشته باشد، در دفاع از اصول و موازین انقلاب و آن چهره‌ی حقیقی خط امام اتخاذ کرده بودند. ایشان واقعاً از جان و دل از آن مواضع و از جمله از رهبری، دفاع میکردند. دفاع بسیار جانانه‌ای که ایشان چه از اساس و اصل رهبری و چه از شخص حقیر میکردند، در بعضی از روحیه‌هایی که ممکن بود بگونه‌ی دیگری فکر کنند یا احساس دیگری داشته باشند، تأثیرات زیادی داشت. به‌رحال، موضع بعد از رحلت امام که ایشان اتخاذ کرده بودند، بسیار موضع ارزشمندی بود. من معتقدم یکی از بهترین فصول زندگی ایشان، عندالله، همین فصل اخیر است که ایشان واقعاً راه خدا، راه حق و راه صحیح را متقرباً الی‌الله برگزیده بودند. با اینکه یقیناً توقعات گوناگونی از ایشان بود؛ همانگونه که وسوسه‌هایی هم بود. آدم میبیند در اطراف بعضی از افراد، وسوسه‌هایی میشود. یقیناً در اطراف ایشان هم وسوسه‌هایی وجود داشت. در این شکی نیست. لکن ایشان قرص و محکم ایستاده بودند و همان اصولی را که مورد نظر شریف امام (رضوان‌الله علیه) بود، با قاطعیت تمام ابراز میکردند.

در دیدار اعضای هیأت نظارت بر انتخابات شورای نگهبان، ۱۳۷۴/۱۱/۱۴

فرمایش امام در باب اهمیت مجلس شورای اسلامی

مجلس، مظهر آراء مردم در اداره‌ی این نظام است. حال شما ببینید انتخابات مجلس چقدر مهم است! تقدیر امر مجلس و انتخابات باید با چنین همه‌جانبه‌نگری‌ای انجام گیرد. صرف این نیست که حالا ما یک کشور دارای دموکراسی هستیم و مردم باید رأی بدهند و حضور پیدا کنند؛ نه. این اساس موجودیت نظام است. حضور مردم اینقدر تأثیر دارد. بنابراین همانطور که امام (رضوان‌الله علیه) فرمودند مجلس در رأس امور است، این

۴۷۲ / ره، رهرو، رهبر

انتخابات هم انتخاباتی است برای چنین مجلسی؛ لذا هر کس به هر نحوی در این انتخابات دخالت دارد، باید به آن اهمیت بدهد.

پیام به مناسبت روز ایمان، ایثار و شهادت، ۱۳۷۴/۱۱/۱۹

امام رهگشای شهادت و رهنمای شهیدان

اینجانب به مناسبت امروز، تکریم قلبی خود را به ساحت شهیدان مظلوم جنگ تحمیلی و همه‌ی شهدای دوران مبارزه و انقلاب، تقدیم میدارم و برای امام راحل بزرگوارمان که رهگشای شهادت و رهنمای شهیدان بود علو درجات مسألت میکنم

در خطبه‌های نماز جمعه (۱۹ رمضان ۱۴۱۶)، ۱۳۷۴/۱۱/۲۰

تعلق دهه‌ی فجر به امام

امروز مایلیم هم به یاد امیر مؤمنان (علیه الصلاة والسلام) و هم به یاد فرزند نام‌آور و بزرگ آن مظلوم همیشگی تاریخ، یعنی امام راحل‌مان که ایام دهه‌ی فجر متعلق به او و سرشار از یاد پرشکوه اوست، صحبت کنم.

زندگی امام؛ مظهر صفا و سادگی

آن روز بنده رئیس‌جمهور بودم. یک طلبه بودم، زندگی ما هم زندگی طلبگی بود. بالاتر از ما هم امام بزرگوار قرار داشت که زندگی‌اش مظهر صفا و سادگی بود و آنطور زندگی میکرد. ملت هم با آن عشق و علاقه، امام را واقعاً دوست میداشتند و حاضر بودند حتی جانهایشان را در راه او بدهند.

تشکیل حکومتی مقتدر با رهبر عظیمی مثل امام

به هر حال، انقلابی به وجود آمده است و حکومت مقتدری با رهبر عظیمی مثل امام راحل، خود را به دنیا نشان داده است. اگر میتوانستند جلوی او را بگیرند، علاج آن بود؛ اما نتوانستند و این اتفاق افتاد.

رحلت امام؛ تنها نقطه‌ی دلخوشی دشمنان به اختلال در نظام اسلامی

مردم در انتخابات ریاست جمهوری، تشکیل دولت، شورای نگهبان، مجلس خبرگان و همه‌ی نهادهایی که برای این کشور لازم بود، مستقیم یا غیرمستقیم نقش داشتند و وظیفه‌ی خودشان را انجام دادند و این کشور و این نظام، هیچ‌وقت بی‌قانون، بی‌رئیس‌جمهور، بی‌مجلس و معطل نماند. فقط در یک مورد دلخوشی دشمنان این بود که اگر امام بزرگ این مردم از دنیا برود، چه خواهد شد. لابد کارها لنگ خواهد شد. اما، باز به همت مردم و مسئولان و کسانی که وظیفه داشتند و همچنین عموم مردم، بحمدالله خواسته‌ی آنها عملی نشد و کاری که باید انجام میگرفت، به بهترین وجهی انجام شد. بنابراین، افتخار ملت به این است.

در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۷۴/۱۲/۱

ضرورت انتخاب نمایندگان معتقد به خط امام توسط مردم

دنبال آدمهای مؤمن و شجاع و انقلابی و کسانی که بتوانند قدرت این ملت را- که در سایه‌ی ارزشهای انقلابی است- حفظ کنند، باشید. کسانی که وقتی قوانینی میگذارند و موضعی میگیرند و نطقی میکنند، همه در این جهت باشد. اینطور آدمی، شایسته‌ی آن است که بعنوان وکیل این ملت، به مجلس شورای اسلامی برود؛ آن کسی که بفهمد امام چه میگفت، چه میخواست و چرا میخروشید. وکیل آینده‌ی مجلس، باید دنبال راه امام و در خط او باشد؛ آن مرد بزرگ و انسانی که دشمنانش هم به عظمت و صداقت و شجاعت او اذعان و اعتراف میکردند.



ملاکهای برای انتخاب نماینده

خط امام و ارزشها و وصیتنامه‌ی او را فراموش نکنید. آنچه را که این ارزشها به شما می‌آموزد، آنها را در آدمی سراغ کنید و وقتی پیدا کردید؛ قرۃ الی‌الله و محض رضای خدا، نام او را در صندوق رأی بیندازید. این، مجلس شورای اسلامی لایق شما و این ملت میشود. کار را اینطور دنبال کنید.

طرح بحث نقش زمان و مکان در اجتهاد؛ از برکات شخصیت عظیم و بی‌بدیل امام (ره)

فراهم آمدن این گردهمایی تحقیقی و علمی با همه‌ی آثار و نتایجی که ان‌شاء‌الله از آن حاصل خواهد شد یکی دیگر از برکات و حسنات ماندگار شخصیت عظیم و بی‌بدیلی است که عظیم‌ترین و شگفت‌انگیزترین پدیده‌ی تاریخ در عرصه‌ی مسائل مربوط به اسلام و مسلمین - یعنی تشکیل نظام جمهوری اسلامی - نیز یادگار بی‌نظیر اوست.

ترکیبی بدیع و بی‌نظیر از ابعاد شخصیتی امام خمینی (ره)

اگر سر برآوردن حکومتی بر پایه‌ی اندیشه‌ی الهی و اسلامی و با پرچم عدل اسلامی، در جهانی که از غوغای اندیشه‌ها و هدفها و شعارهای مادی انباشته است، از قوت تدبیر و اراده و توکل و حکمت آن یگانه‌مرد، خبر میدهد؛ و اگر گسترش ارزشهای اخلاقی و احیای دوباره‌ی زهد و پرهیز و پارسایی در منش و روش مردان صاحب‌مقام این حکومت، آئینه‌ی شفاف خلوص و صفا و خشوع و عروج روحی آن برگزیده‌ی زمان را در برابر نسلهای امروز و فردا میگذارد؛ نگاه ژرف عالمانه و حکیمانه‌ی او به فقه و شریعت و تکیه بر شعار «نقش زمان و مکان در استنباط فقهی» نیز احاطه‌ی علمی و بصیرت و تیزبینی و آینده‌شناسی و خلاقیت و غنای فکری او را آشکار میسازد. و تازه این همه با هم که خود ترکیب بدیع و بی‌نظیری در سلسله‌ی درخشان شخصیات اسلامی است، بی‌شک همه‌ی ابعاد شخصیت امام راحل کبیر ما نیست.

تشریح مبنای امام راحل مبنی بر «نقش زمان و مکان در استنباط فقهی»

درباره‌ی مسئله‌ی زمان و مکان و نقش و تأثیر آن در استنباط احکام اسلامی کوتاه‌سخن آن است که این سرچشمه‌ی مبارک اگر بدرستی شناخته و به کار گرفته شود، پشتوانه‌ای عظیم برای بهره‌مندی جوامع بشری از کوثر شریعت اسلامی پدید خواهد آورد. تاکنون رایج‌ترین بهانه و دستاویز کسانی که خواسته‌اند اجتماعات بشری را از

فیض هدایت و سعادتبخشی شریعت، محروم سازند این بوده است که احکام دینی را حقیقتی جامد و بی‌انعطاف پنداشته و جریان پیوسته و جوشان و تبدیل‌پذیر زندگی را با آن ناسازگار قلمداد کرده‌اند. این سخن اگرچه در مواردی از غرض‌ورزی و بی‌اعتقادی به اصل دین ناشی شده، لیکن در مواردی نیز از ناآگاهی و جهالت گویندگانش نشأت گرفته است، و ای بسا که عکس‌العمل غیرعالمانه یا غیرحکیمانه‌ی برخی از دین‌باوران نیز به آشفته‌پنداری و آشفته‌گوییها دامن زده است.

حقیقتی که امام راحل (رضوان‌الله‌علیه) مطرح میکند آن است که کوثر شریعت و فقه، در جریان‌ی دائمی و ابدی، از سرچشمه‌ی وحی، به سوی عرصه‌های گوناگون حیات جاری است. منشاء و ماده‌ی حکم الهی، نه خرد و اندیشه‌ی محدود بشر و نه مصلحت‌اندیشیهای کوتاه‌بینانه‌ی اوست که در شرایط گوناگون زندگی قالبگیری و منجمد شده است؛ علم و حکمت محیط و لایتنهای الهی است که همه‌ی زمانها و مکانها را در زیر بال همای خود میگیرد و بر همه‌ی سرزمینها و کشتزارهای حیات میبارد و همه جا و هر زمان را سیراب میکند. زمان و مکان و اوضاع و احوال گوناگون زندگی بشر و تازه‌های جهان، به فقیه دین‌شناس و زمان‌شناس کمک میکند که اهل زمان خود را از آن کوثر یعنی سرچشمه‌ی لایزال و فزاینده، سیراب سازد و محرومیت از آن را برای بشر که همواره و همه جا نیازمند دین و شریعت الهی است، برنتابد.

در فهم و تطبیق این اصل کلی، روشن‌بینی و درعین‌حال، انضباط فکری تمام باید به کار گرفته شود. هر گونه افراط و تفریط در این کار حساس و خطیر، زیانهای جبران‌ناپذیر به بار خواهد آورد. در این کار، لطمه‌ی بی‌بندوباری علمی، به همان اندازه سنگین است که جمود فکری و کوتاه‌بینی.

شناختن نقش هر زمان و هر مکان، همواره باید با پایبندی به اصول فقاقت که «روشی» علمی و تخصصی است، همراه باشد. و این است معنای سخن امام راحل (رحمة‌الله‌علیه) که فقه پوینده و منطبق بر نیازهای همیشه و همه جا را همان فقه سنتی دانسته و بر این پای فشرده‌اند.

دارنده‌ی بیشترین افتخارات راه انقلاب اسلامی

امیدواریم که خدای متعال از شما راضی و روح مقدّس امام راحل - که بنیانگذار و گشاینده‌ی این راه است و بیشترین افتخار متعلّق به اوست - از شما خوشنود باشد.

راه امام؛ راه خدا، شهدا و ایثارگران

امیدواریم إن شاء الله خدای متعال توجه کند و دعا‌های این ملت را مستجاب نماید و قلب مقدّس ولی عصر (أرواحنا فداء)، بیش از گذشته به این ملت متمایل و متوجه باشد و توسّلات و توجّهات آنها، مورد قبول و رضای آن بزرگوار قرار گیرد و راه نورانی امام بزرگوارمان - که همان راه خدا و شهدا و ایثارگران و جانبازان است - إن شاء الله ادامه پیدا کند و قلب مقدّس و روح مطهّر آن بزرگوار و روح شهیدان، از همه‌ی شما راضی باشد.

جمع‌بندی نظرات امام و مردم نسبت به روحیه‌ی ایستادگی ملت

ملت عزیز ایران! حرفی که من بعنوان جمع‌بندی هفده سال انقلاب پیروزمند سربلند نظام جمهوری اسلامی و بعنوان جمع‌بندی نظرات امام راحل‌مان و نظرات این مردم، میتوانم مطرح کنم، یک کلمه است و آن این است که هر دولت و جمعیت و ملت و شخصی در دنیا خیال کند که میتواند با زور و تهدید، ملت ایران را تحت‌تأثیر قرار دهد، سخت در اشتباه است.

زیرکی و تجربه امام در به کار بردن نام «اسلام» در مجلس

در دوره‌ی اول، امام بزرگوار ما، در نامه‌ای که به مجلس شورای اسلامی نوشتند، کلمه‌ی اسلام را در مجلس آوردند که بسیار کار زیرکانه‌ای بود. امام (رحمة الله علیه) هم هوشمند و زیرک بود، و هم باتجربه. امام تجربه داشت و میدانست که اگر اسم اسلام، با

ره، رهرو، رهبر / ۴۷۷

نام مجلس شورا در اول مشروطیت هم، همراه میشد- مشروطیتی که با خون ملت و با نام اسلام و با رهبری علمای دین به وجود آمده بود- شصت سال از اسلام دور نمی‌افتاد! امام این موضوع را میدانست. در نامه نوشت «مجلس شورای اسلامی». لذا نمایندگان مجلس گفتند باید این موضوع، قانونی و رسمی شود. بایستی اسم مجلس شورای اسلامی بصورت قانون درآید. در همان مجلس که نمایندگانش به وسیله‌ی همین مردم مؤمن و انقلابی انتخاب شده بودند، کسانی بودند که میگفتند اسم اسلامی چیست!؟

پیام به مناسبت برگزاری کنگره‌ی عظیم عبادی سیاسی حج، ۱۳۷۵/۰۲/۰۴

توطئه‌های دشمن در متوقف کردن امتداد محبوبیت امام

آنها جمهوری اسلامی را به توسعه‌طلبی و جنگ‌طلبی و صدور ناامنی متهم میکنند تا در برابر افکار عمومی مردم جهان و مسلمین، دلیلی برای کین‌توزی و دشمنی خبیثت‌آمیز خود تراشیده باشند. رادیوهای مزدور آنان و مطبوعاتی که با سرمایه‌های صهیونیستها یا دست‌نشانندگان امریکا و صهیونیسم در همه جا از جمله در کشورهای اسلامی منتشر میشود، بی‌وقفه تهمتها و شایعه‌ها و تحلیلهای دروغ و غرض‌آلود را بر ضد جمهوری اسلامی منتشر میکنند، تا مدّ نفوذ معنوی انقلاب اسلامی و قداست و محبوبیت نام امام راحل (قدس‌الله‌نفسه) را بشکنند و متوقف کنند.

در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت «عید غدیر»، ۱۳۷۵/۰۲/۱۸

بزرگترین حق امام راحل بر گردن امت اسلامی

امام راحل بزرگوار ما، بزرگترین حق را از این ناحیه به گردن امت اسلامی دارد که آحاد مردم را به مسئولیت خودشان که دخالت در امر حکومت است، متنبّه و واقف کرد. از این روست که در نظام اسلامی، هرکس متدین به عقیده و شریعت اسلامی باشد، در امر حکومت دارای مسئولیت است.

در دیدار اعضای ستاد مراسم سالگرد ارتحال امام، ۱۳۷۵/۳/۲

عناصر شخصیت امام، گرتة برداری شده از عناصر حسینی(ع)

عناصر موجود در شخصیت امام، همان عناصر گرتة برداری شده از عناصر حسینی بود. ما نمیخواهیم بگوییم که امام ما مثل امام حسین(علیه‌السلام) بودند. امام ما، شیعه و پیرو

امام حسین(علیه‌السلام) بودند؛ اما گرت‌برداری شده همان عناصر، در این بزرگوار هم وجود داشت. عنصر تبیین، عنصر اخلاص، عنصر عاطفه و محبت، عنصر استقامت و تخطی نکردن از راه و عنصر شجاعت و مبارزه علیه یک دستگاه عظیم، عناصری است که در نهضت عاشورا وجود دارد و همه در وجود امام بود. ما در این شعاع، باید ماجرای نهضت را مشاهده کنیم. اگر چنین شد، آن وقت نتیجه‌ای که در درجه‌ی اول برایمان خواهد داشت این است که راهمان را در این نهضت، گم نخواهیم کرد. مهم این است!

در «مانور بزرگ ولایت»، ۷۵/۳/۳

آرزوی امام نسبت به ارتش

ارتش جمهوری اسلامی ایران- همانگونه که امام بزرگوار میخواستند و آرزو میکردند و بارها بر زبان آورده بودند- یک ارتش مردمی و خدایی است. این، برای مجموعه‌ی نظام مقدس جمهوری اسلامی، بسیار حائز اهمیت و ارزنده است.

پیام به مناسبت افتتاح دوره‌ی پنجم مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵ / ۰۳ / ۱۱

تشکر از مردم بخاطر شناخت و پیمودن راه عزت خود؛ در پرتو نصایح امام

از ملت عظیم‌الشان ایران که با اراده‌ی قوی و ذهن بیدار و ایمان شورانگیز خود این بار نیز بر مکر دشمنان فائق آمده، راه عزت و سعادت خود را در پرتو راهنماییها و نصایح امام راحل شناخته و پیمودند، تشکر میکنم.

در اجتماع پرشکوه زائران مرقد امام خمینی(ره)، ۷۵/۳/۱۴

معنای برگزاری پرشور مراسم سالگرد رحلت امام(ره)

هفتمین سالگرد درگذشت جانسوز امام بزرگوار ما که تجدید یک خاطره‌ی بسیار تلخ برای مردم ایران و دیگر مسلمانان جهان است، عرصه و صحنه‌ای است برای اینکه ملت ایران، احساسات خود را نسبت به آن امام بزرگوار و رهبر کبیر راحل خود، نشان دهد. این مراسم- آنطور که احساس میشود و به چشم می‌آید- هر سال از سالهای قبل، پرشورتر و عظیمتر و پرمعناتر است. معنای این مطلب آن است که ملت ایران، علی‌رغم

ره، رهرو، رهبر / ۴۷۹

دشمنان امام و انقلاب، راه امام و راه انقلاب را رها نکرد و امام، به کوری چشم دشمنانش پیروز شد.

پیروزی، دو پیروزی است: یک پیروزی، پیروزی‌ای است که انسان خودش آن را میبیند؛ که آن، همین تشکیل حکومت و نابود کردن دشمنان انقلاب بود و امام این را به چشم مبارک خود مشاهده کرد. یک پیروزی، که از این پیروزی مهمتر و بل پیروزی ماندگار است، پیروزی فکر و پیروزی راه و مدعاست. این، همان پیروزی‌ای است که انبیای الهی، با وجود اینکه در دوران حیات، آن همه مرارت را تحمل کردند، بالاخره به آن نائل شدند. این پیروزی، پیروزی فکر و ایده و راه یک انسان بزرگ و متفکر است. امام، به این پیروزی هم رسید. استمرار خاطره‌ی آن بزرگوار و پرشور شدن هر ساله‌ی این مراسم، بدین معناست.



استقامت؛ ویژگی بارز مشترک هر دو حرکت حسینی(ع) و خمینی

درباره‌ی نهضت امام بزرگوارمان، مطلبی را می‌خواهم عرض کنم که برای ما حامل درس است. خواهش می‌کنم افرادی که صاحب فکر و دارای اندیشه و خرد سیاسی و تأمل در مسائل بزرگند، روی این مسئله تأمل کنند و آن را بیشتر بشکافند.

میدانید که حرکت امام، مشابهت‌های زیادی با نهضت حسینی دارد و تقریباً، الگوبرداری شده از حرکت حسینی است. گرچه آن حرکت - یعنی حرکت امام حسین(علیه‌السلام) - منتهی به شهادت آن حضرت و یارانش شد و این حرکت به پیروزی امام منتهی گردید؛ ولی این فارقی ایجاد نمی‌کند. زیرا یک نوع فکر، یک مضمون و یک طرح کلی بر هر دو حرکت حاکم بود. اقتضائات متفاوت بود؛ لذا سرنوشت آن حرکت، شهادت امام حسین(علیه‌السلام) و سرنوشت این حرکت، حکومت امام بزرگوار ما شد. این، بطور کلی، امر روشن و واضحی است.

از جمله ویژگی‌هایی که در هر دو حرکت، بطور بارزی وجود دارد، موضوع «استقامت» است. با کلمه‌ی استقامت و معنای آن، نباید عبوری و گذرا برخورد شود؛ چون خیلی مهم است.



عرض من این است که امام بزرگوار ما در این خصوصیت، بطور کامل دنباله‌رو امام حسین (علیه‌السلام) شد. لذا، این خصوصیت امام، انقلاب را به پیروزی رساند. ثانیاً، پیروزی بعد از رفتن خودش را هم تضمین کرد؛ هم پیروزی فکرش و هم پیروزی راهش را که مظهر آن، همین اجتماع عظیم شما مردم و مظهر وسیع‌ترش در سطح عالم، گرایش ملتها به اسلام و به راه امام است. کسب این پیروزیها، بخاطر استقامت او بود.

مصادیق استقامت امام در حوادث مختلف

روزی به امام گفتند: «اگر شما این نهضت را ادامه دهید، حوزه‌ی علمیه‌ی قم را تعطیل خواهند کرد.» اینجا صحبتِ جان نبود که امام بگوید: «جان مرا بگیرند. اهمیت ندارد.» خیلی کسان حاضرند از جانشان بگذرند؛ اما وقتی بگویند «با این اقدام شما ممکن است حوزه‌ی علمیه‌ی قم تعطیل شود.» پای همه میلرزد. اما امام نلرزد؛ راه را عوض نکرد و پیش رفت.

روزی به امام گفتند: «اگر این راه را ادامه دهید، ممکن است همه‌ی علمای بزرگ و مراجع را علیه شما بشورانند و تحریک کنند» یعنی اختلاف در عالم اسلام پیش آید. پای خیلی کسان، اینجا میلرزد. اما پای امام نلرزد و راه را ادامه داد تا به نقطه‌ی پیروزی انقلاب رسید. بارها به امام گفته شد: «شما ملت ایران را به ایستادگی در مقابل رژیم پهلوی تشویق میکنید. جواب خونهایی را که بر زمین میریزد چه کسی میدهد؟» یعنی در مقابل امام (رضوان‌الله‌علیه)، خونها را - خونهای جوانان را - قرار دادند. یکی از علمای بزرگ، در سال ۴۲ یا ۴۳، به خود بنده این مطلب را گفت. گفت: «در پانزده خرداد که ایشان - یعنی امام - این حرکت را کردند، خیلی کسان کشته شدند که بهترین جوانان ما بودند. جواب اینها را چه کسی خواهد داد؟» این طرز فکرها بود. این طرز فکرها فشار می‌آورد و ممکن بود هرکسی را از ادامه‌ی حرکت منصرف کند. اما امام، استقامت ورزید. عظمت روح او و عظمت بصیرتی که بر او حاکم بود، در اینجاها دیده میشد.

به هر حال؛ این همه، مربوط به دوران مبارزه با رژیم ستمشاهی بود. آنچه که برای ما درس است، مربوط به بعد از پیروزی انقلاب است. همه باید به این نکته التفات و توجه داشته باشند و همانطور که عرض کردم، اندیشمندان سیاسی، صاحبان فکر سیاسی و اهل

تحلیل، روی این کار کنند. واقعاً مهم است. تحب؛ جمهوری اسلامی تشکیل شد. تا قبل از آن، مبارزه با رژیم ستمشاهی بود. از وقتی رژیم جمهوری اسلامی تشکیل شد و نظام جمهوری اسلامی به وجود آمد، دایره مبارزه، وسیع شد. شکل مبارزه عوض شد؛ اما دایره، وسیع گشت. مبارزه با نظام جمهوری اسلامی، از سوی دشمنان جهانی آغاز گردید. دشمنان جهانی چه کسانی هستند؟ کسانی هستند که ما به آنها «استکبار جهانی» میگوییم. استکبار جهانی، همه ی زورگوهای عالم، همه ی قلدرها و همه ی پُروهای مسلط بر ملتها را شامل میشود. این، استکبار جهانی است. چرا با جمهوری اسلامی مبارزه میکردند؟ جواب این سؤال، طولانی است و بارها هم گفته شده است. بطور خلاصه میتوان گفت: منافعشان به خطر افتاده بود. توسعه طلبی شان به خطر افتاده بود. حضور جمهوری اسلامی در میان کشورهای مسلمان، ادامه ی تسلط آنها را بر آن کشورها به خطر انداخته بود و از این قبیل. به هر حال، مبارزه ی سختی را شروع کردند. هر قدم به قدم این مبارزه، جای این بود که اگر انسان ضعیفی به جای امام بود، حرکت را متوقف کند و به سبب وجود مانع و عذر بگوید: «نمیشود با استکباری چنین عریض و طویل مبارزه کرد. چاره ای نیست؛ لذا عقب نشینی میکنیم.» اما امام، عقب نشینی نکرد.

توجه به چند مقطع برای تبیین اهمیت ایستادگی امام

به این دو، سه مقطع توجه کنید تا اهمیت قضیه معلوم شود:

حمله ی سیاسی؛ مقطع اول ایستادگی

یک حمله از همه ی جوانب به ایران، از جهت سیاسی بود. همه ی دستگاههای تبلیغاتی، در چند برهه به ما حمله ی سیاسی کردند که فلج کننده است. گاهی حمله ی سیاسی، برای کشورها به ستوه آورنده است. امروز که تبلیغات رسانه های صوتی و تصویری، همه ی دنیا را فرا گرفته است، غالباً حملات سیاسی، دولتها را خیلی میترساند؛ چون روی افکار ملت هایشان اثر میگذارد. چنین حمله ای را علیه نظام جمهوری اسلامی، از همه طرف شروع کردند. البته ملت ما بصیر و مستحکم بود و تکان نخورد. امام هم نگفت «حال که همه علیه ما همدستند، پس عقب بنشینیم.» نگفت «به تنهایی با امریکا

میشود مبارزه کرد؛ اما امریکا و شوروی را چطور از عهده برآییم؟» چون آن زمان که دنیا دوقطبی بود، هر دو قطب، علیه ما اتحاد و اتفاق و همدستی داشتند. امام استقامت ورزید؛ عقب‌نشینی نکرد و از حرف و شعار و راهش برنگشت. یک کلمه از آن حرفهایی که دشمنان میخواستند بر زبان امام جاری شود، بر زبان او جاری نشد. این، استقامتِ حسینی است. شبیه ایستادگیهای امام حسین (علیه‌السلام) در مقیاس و در قالبهای امروز است.

مقطع دیگر: ایستادگی در برابر حمله‌ی نظامی

یا آن وقتی که جنگ تحمیلی شروع شد. شما فکرش را بکنید! ملتی با آن همه ویرانیهای دوران ستمشاهی و آن همه احتیاج به کار و نوسازی، ناگهان مورد حمله‌ی دشمن قرار گیرد و همان چیزی را هم که دارد از کار بیندازند! راه‌آهن را از کار انداختند، پالایشگاهها را از کار انداختند، صادرات نفت را از کار انداختند، کارخانه‌های آهن را از کار انداختند. خوب؛ هر کس باشد، در مقابل چنین حرکتی به زانو درمی‌آید. طرف هم که فقط رژیم عراق نبود! همه میدانستند که رژیم عراق، به اضافه‌ی شوروی، به اضافه‌ی فرانسه، به اضافه‌ی «ناتو»، به اضافه‌ی کارشناسان امریکایی - همه و همه - بودند. اگر امام ضعیف بود، اینجا ممکن بود بگوید «دیگر تکلیف از ما برداشته شده است. اینها میخواهند که ما بر قوانین اسلام چندان اصرار نکنیم؛ خیلی خوب، نمیکنیم! اینها میخواهند که ما با اسرائیل مبارزه نکنیم؛ خیلی خوب، مبارزه نمیکنیم. چون فشار زیاد است. چکار کنیم؟!»، امام، چنین چیزی نگفت و ایستادگی کرد. قطعنامه را هم که امام قبول کرد، بخاطر این فشارها نبود. قطعنامه از طرف امام، بخاطر فهرست مشکلاتی بود که مسئولین آن روز امور اقتصادی کشور مقابل روی او گذاشتند و نشان دادند که کشور نمیکشد و نمیتواند جنگ را با این همه هزینه، ادامه دهد. امام مجبور شد و قطعنامه را پذیرفت. پذیرش قطعنامه، بخاطر ترس نبود؛ بخاطر هجوم دشمن نبود؛ بخاطر تهدید امریکا نبود؛ به خاطر این نبود که امریکا ممکن است در امر جنگ دخالت کند. چون امریکا، قبل از آن هم در امر جنگ دخالت میکرد. وانگهی؛ اگر همه‌ی دنیا در امر جنگ دخالت میکردند، امام (رضوان‌الله‌علیه)، کسی نبود که رو برگرداند. برنمیگشت! آن، یک مسئله‌ی داخلی بود؛ مسئله‌ی دیگری بود.

ره، رهرو، رهبر / ۴۸۳

در تمام عمر ده ساله‌ی حیات مبارک امام (رضوان‌الله تعالی‌علیه)، پس از پیروزی انقلاب، یک لحظه اتفاق نیفتاد که او بخاطر سنگینی بار تهدید دشمن، در هر بُعدی از ابعاد، دچار تردید شود. این، یعنی همان برخورداری از روحیه‌ی حسینی.

جنگ، تلفات دارد. جان یک انسان، برای امام خیلی عزیز بود. امام بزرگوار، گاهی برای انسانی که رنج می‌برد، اشک میریخت و یا در چشمانش اشک جمع میشد! ما بارها این حالت را در امام مشاهده کرده بودیم. انسانی رحیم و عطف، دارای دلی سرشار از محبت و انسانیت بود. اما همین دل سرشار از محبت، در مقابل تهدید شهرها به بمباران هوایی، پایش نلرزید و نلغزید. از راه برنگشت و عقب‌نشینی نکرد. همه‌ی دشمنان انقلاب در طول این ده سال، فهمیدند و تجربه کردند که امام را نمیشود ترساند. این، نعمت بسیار بزرگی است که دشمن احساس کند عنصری چون امام، با ترس و تهدید از میدان خارج نمیشود. امام، با منش و شخصیت درخشان خود، کاری کرد که همه در دنیا، این نکته را فهمیدند. فهمیدند که این مرد را از میدان نمیشود خارج کرد؛ تهدید نمیشود کرد؛ با فشار و با تهدیدهای عملی هم نمیشود او را از راه خود منصرف کرد. لذا مجبور شدند خودشان را با انقلاب تطبیق دهند.

ثمرات انتخاب خط حسینی توسط امام خمینی

آنچه که حاصل جمع‌بندی بحث ماست، دو حرف است - البته این جمع‌بندی، قابل گسترش و فکر کردن است - : اول اینکه یکی از خطوط روشن نهضت عاشورا و بلکه خط نشان نهضت عاشورا، عبارت است از استقامت امام حسین (علیه‌السلام). حرف دوم اینکه: امام بزرگوار ما (رضوان‌الله تعالی‌علیه)، همین خط نشان حسینی را در نهضت، در منش و در زندگی خود انتخاب کرد و لذا توانست جمهوری اسلامی را بیمه کند. توانست دشمن را از تهدید و از فشار منصرف کند. چون به دشمن تفهیم کرد که فشار، اثری ندارد. تهدید، اثری ندارد. حمله، اثری ندارد و این حرکت و این رهبر، جریان و کسی نیست که با این حرفها، از راهی که می‌رود برگردد. این دو حرف، جمع‌بندی مطالبی است که عرض کردم.

پیشرفت روزافزون ملت ایران؛ در پرتو استقامت در راه امام و علی‌رغم فشارها و تهدیدها

و اما، استنتاج! خوب؛ ما دنباله‌رو راه امام بزرگواریم. می‌خواهم به شما ملت عزیز عرض کنم: ملت بزرگ ایران! شما در طول این هفده سال که از اول انقلاب گذشته است، تا امروز، علی‌رغم تهدیدها و فشارهای دشمن، روزبه‌روز پیشرفت کرده‌اید. هیچ‌کس نمیتواند انکار کند که دستهای خدمتگزار و بازوان توانا در بخشهای مختلف این کشور، طی این هفده سال، مملکت را پیش بردند. این کشور، ایرانی نیست که در دوران ستمشاهی، با آن همه نابسامانی، با آن همه محرومیت و با آن همه تبعیض بود. در این کشور، در طی این هفده سال انقلاب، کار و تلاش و خدمتی انجام گرفته است که در همه‌ی عمر آن رژیم پلید فاسد، انجام نگرفته بود. این، نکته‌ی اول.

نکته‌ی دوم این است که همه‌ی این پیشرفتها در حالی انجام گرفته است که دشمنان ما - یعنی امریکا و همپیمانهای امریکا در مسائل سیاسی و اقتصادی و غیره - بطور مداوم ما را تهدید کردند. مدام به ما گفتند: «محاصره‌ی اقتصادی می‌شوید.» پیوسته گفتند: «از گرسنگی می‌میرید.» دائم گفتند: «راه سازندگی در این کشور، بسته خواهد شد.» و دهها تهدید دیگر. بحمدالله، این همه پیشرفتی که انجام گرفته است، علی‌رغم تهدیدها، دشمنیها و فشارهای آنها انجام گرفته است.

فشار استکبار با هدف مایوس شدن ملت و برگشتن از خط امام

نکته‌ی سوم این است که عزیزان من! برادران و خواهران من! ای ملت بزرگ! بدانید، امروز هدف عمده‌ی امریکا و استکبار این است که انقلاب را، جمهوری اسلامی را و ملت ایران را وادار کند که از حرف خود برگردد. اعلام کند که از حرف خود و از حرف امام برگشته است. همه‌ی هم‌تس مصروف این است. چرا؟ برای اینکه ببیند پیام امام، ملت‌های مسلمان را بیدار کرده است. به ملت‌های گوناگون دنیا و عمدتاً ملت‌های مسلمان نگاه کنید! ببینید چطور تحت تأثیر پیام امام بزرگوار قرار دارند! استکبار فهمیده است که اگر بخواهد ملت‌ها را ساکت کند، از راه صحیح منحرف سازد و سر جای خود بنشاند، تنها راهش این است که کاری کند که این ملت‌ها ببینند ایران اسلامی و ایران امام، از راه خود برگشته است؛ تا همه مایوس شوند و از راه خودشان برگردند. استکبار این را فهمیده

است و همه‌ی تلاشش برای این است. امروز از اطراف دنیا، بر دولت جمهوری اسلامی فشار می‌آورند، برای اینکه در قضیه‌ی اسرائیل، کوتاه بیاید، در قضایای اسلامی کوتاه بیاید، در ندا دادن شعارهای اسلامی کوتاه بیاید و اینقدر دم از اسلام و قرآن- که بین ملت‌های اسلامی مشترک است- نزند. همه‌ی فشارها برای این است.

راه عزت و پیشرفت ملت ایران؛ ادامه‌ی خط امام در استقامت و ایستادگی

من عرض میکنم: ملت ایران، اگر میخواهد راه عزت و پیشرفت را ادامه دهد- همچنان که بحمدالله در این چند سال، به برکت بازوان توانا و خدمتگزاری که در دولت جمهوری اسلامی تلاش و فعالیت، و در بخشهای مختلف کار و پیشرفت کردند- اگر میخواهد راه توسعه، سازندگی و رفاه زندگی را ادامه دهد و به نتیجه برساند، باید به استقامت و ایستادگی در مقابل دشمنان و استکبار پردازد. ملت ایران در این چند سال، دستاوردهای عظیمی داشته است. لذا وظیفه دارد که این دستاوردها را حفظ کند. ملت و بخصوص مسئولین جمهوری اسلامی، وظیفه دارند با حرکت عاقلانه، خردمندانه و حکیمانه، مانع شوند که دستاوردهای مردم ایران، خدای ناکرده از بین برود. چه دستاوردهایی که مستقیماً به وسیله‌ی انقلاب به این ملت داده شده است- مثل حکومت مردمی، دولت مردمی، رئیس‌جمهور مردمی، نمایندگان مردمی و از این قبیل- و چه دستاوردهایی که متعلق به انقلاب است، اما غیرمستقیم به این ملت داده شده است- مثل حرکات سازندگی؛ که همه، کار انقلاب و هنر انقلاب است و به وسیله‌ی عناصر انقلابی، در دولت و بخشهای مختلف انجام گرفته است- دستاوردهایی چنین را ملت ایران و مسئولین، باید خردمندانه و حکیمانه حفظ کنند.

بدیهی است که راه حفظ این دستاوردها و به وجود آوردن دستاوردهای بیشتر، این است که ملت ایران و مسئولین، خط نشانی را که امام بزرگوار با عمل خود کشیده است؛ یعنی خط استقامت و ایستادگی در مقابل توقعات دشمنان و ایستادگی در مقابل یاوه‌گوییها و پرگوییهای کسانی که در بیرون این مرزها نسبت به این ملت ابراز توقع میکنند، ادامه دهند.

استقامت؛ منظور اصلی از خط امام و راه امام

اما اینکه مکرر گفته میشود «راه امام و خط امام» منظور چیست؟ اگر بگوییم «خطِ امام، اسلام و انقلاب است» این، مطلبی کلی است. معلوم است که خط امام، انقلاب و اسلام است! هیچ کس هم مخالف با اسلام و انقلاب نیست. آن عاملی که میتواند مقصود امام بزرگوار را- که پدر این انقلاب و معمار ایران اسلامی است- برآورده کند، استقامتی است که او در رفتار خود نشان داد. در مقابل دشمن، کوتاه نیامد؛ از دشمن نهراسید و نترسید و تهدیدها او را متزلزل نکرد. هیچ کس هم نمیتواند امام بزرگوار را به این متهم کند که آنچه انجام داد، خلاف تدبیر صحیح بود. همه‌ی عقلای عالم، اگر دقت کنند، میفهمند و تحلیل میکنند که راه درست، همان راهی بود که آن مرد رفت؛ راهی به سوی هدفهای خود او. هر کس آن هدف را داشته باشد، راهش همانی است که آن بزرگوار پیمود. این، عرض من در سالگرد هفتم امام بزرگوار است.

ضرورت الگو شدن راه امام در ایستادگی مقابل دشمن

همه‌ی ملت ایران، همه‌ی مسئولین و همه‌ی بخشهای مختلف، باید ایستادگی امام را در مقابل توقعات دشمنان، الگوی خود قرار دهند. ملتهای دیگر هم، اگر بخواهند به جایی برسند، راهش همین است. قضیه‌ی فلسطین هم اگر بخواهد حل شود، راهش همین استقامت و ایستادگی است. قضایای گوناگون دخالتهای استکبار در منطقه‌ی ما، اگر بخواهد حل شود، راهش همین استقامت است.

ثمرات استقامت امام در مقابل توقعات دشمن

ملت ایران! بدانید، اگر امام شما استقامت به خرج نمیداد، شما امروز مرزهای ایران بزرگ را نمیداشتید. دشمن همین مرزها را میشکست و پای متجاوزش در خاک شما باقی میماند و مایه‌ی سرشکستگی ابدی ملت ایران بود. استقامت این مرد بود که نگذاشت. ایستادگی او بود که اجازه نداد. امروز هم، اگر میخواهید ایران عزیز شود، ایران سربلند شود و هدفهای امام بزرگوار- که هدفهای اسلام و انقلاب و هدفهای اسلامی

ره، رهرو، رهبر / ۴۸۷

ملت ایران است - تحقیق پیدا کند، راهش ایستادگی در مقابل توقعات دشمن است. امروز، بحمدالله، مسئولین کشور، مثل کوه ایستاده‌اند. امروز دولت جمهوری اسلامی، نمایندگان مردم، قوه‌ی قضائیه، نیروهای مسلح و آحاد مردم، مثل «زیرالحدید» در مقابل توقعات دشمنان ایستاده‌اند و از تهدیدهای آنها کمتر تکانی نمیخورند. همین، راه عزت است. همین، راه سلامت است.

وضعیت امروز پیام و راه امام در سرتاسر جهان؛ علی‌رغم تبلیغات دشمن

بدانید که، بحمدالله، پیام امام و پیام شما ملت بزرگ و انقلابی، در سرتاسر جهان منتشر شده است. با اینکه هفت سال از رحلت امام میگذرد، نام امام و یاد امام، در دنیا کهنه نشده است و نخواهد شد. البته تبلیغات دشمنان، سعی دارد وانمود کند که پیام انقلاب، در دنیا، یک پیام کهنه شده است. اما این ادعا دروغ و به‌خلاف واقعیت است. امروز در اقصی نقاط عالم - حتی در برخی نقاط که از مسلمانی نام و نشانی نیست - نام و نشان انقلاب بزرگ شما و حرکت عظیم ملت ما و حرکت عظیم امام بزرگوار، در بین مردم مشهود است. این راه، راه عزت ایران است؛ راه سربلندی کشور است؛ راه آبادی سرزمین ماست و راه رفاه، پیروزی و خوشبختی ملت ایران است. ان‌شاءالله ملت ایران این راه را با قوت ادامه خواهد داد و نسل بعد و نسلهای بعد هم - به فضل پروردگار - آن را تکمیل خواهند کرد.

نقش بارز حاج احمد آقا در حرکت و راه امام بزرگوارمان

من در پایان صحبت، یکبار دیگر یاد و نام امام بزرگوار را گرامی میدارم. بخصوص در این فرصت، یاد فرزند گرامی امام، مرحوم آقای حاج احمد آقا (رضوان الله تعالی علیه) را گرامی میدارم که در حرکت امام و در راهی که امام بزرگوار رفتند - این عنصر بارز و صمیمی - نقش بسیاری داشت. امیدوارم خداوند، رحمت و مغفرتش را بر این بزرگواران نازل کند و به خانواده‌ی محترم امام، لطف و فضل و اجر صابریین عنایت فرماید و ملت ایران را موفق و مؤید بدارد.

در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان خارجی شرکت کننده
در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)، ۷۵/۳/۱۶

ثمرات زنده نگه داشتن یاد امام(ره)

این مراسم که هر سال در مناسبت رحلت امام عزیز ما برپا میشود، فواید متعددی دارد؛ لیکن از همه‌ی این فواید برتر، زنده نگه داشتن و برجسته کردن یاد امام است. چرا؟ چون نفس زنده بودن خاطره‌ی این مرد بزرگ و این چهره‌ی نورانی، برای مسلمانان ایران و سایر کشورها، دارای برکات عظیمی است. نفس زنده بودن امام در دلها، این آثار را دارد.

نتیجه‌ی حرکت امام خمینی؛ خنثی شدن مؤثرترین شگردهای دشمنان در قبال اسلام

شما ملاحظه کنید، یکی از مؤثرترین شگردهای دشمنان اسلام این بود که ملت‌های مسلمان را تحقیر کنند. به ایران و کشورهای عربی و شبه‌قاره‌ی هند و کشورهای آسیای میانه و آسیای دور و آفریقا و اقلیتهای اسلامی در اروپا و امریکا نگاه کنید! همه جا این سیاست - یعنی تحقیر مسلمانان - اعمال شده است. درست توجه کنید که این چقدر مهم است. مسلمانان خصوصیتی دارند که میتوانند اراده‌ی خود را در حرکت عالم مؤثر کنند. بخاطر چه؟ بخاطر احکام نورانی اسلام؛ بلکه بخاطر روحیات و خلقیاتی که اسلام به مسلمانان میدهد؛ مثل ظلم‌ستیزی و کنار نیامدن با بدی و فساد، مثل امر به معروف و نهی از منکر و جهاد فی سبیل‌الله، که جهاد فی سبیل‌الله میدان گسترده و عرض عریضی دارد و مخصوص صحنه‌ی نبرد رویاروی جسمانی نیست، بلکه جهاد داخل خانه‌ها هم ممکن است و همه جا انسان میتواند با دشمن خدا جهاد کند؛ اگر اراده داشته باشد و اگر بداند باید چکار کند.

این، مجموعه‌ی احکام اسلامی است. این، جهاد و امر به معروف و عدم کنار آمدن با بدی و فساد و تحمل نکردن ظلم است: «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»^۱ مجموع این احکام و معارف موجب شده است مسلمان بطور طبیعی در هر جای دنیا که هست - چه بصورت یک ملت و چه از یک ملت کوچکتر، تا یک فرد - به برکت این احکام قادر باشد اراده‌ی

۱ سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۷۹.

خود را در اداره‌ی جهان و محیط خودش مؤثر سازد. این، خصوصیت مسلمان است. استعمارگران از چنین خصوصیتی ناراحتند. ظالمان عالم از چنین خصوصیتی نگرانند. روزی که اروپاییها سوار کشتیها شدند و آمدند کشورهای منطقه‌ی آسیا و آفریقا و خاورمیانه و بقیه‌ی جاها را تصرف کردند، از این روحیه‌ی مسلمانان میترسیدند. برای اینکه مسلمان بی‌خطر شود، دو کار باید با او بکنند: یکی اینکه او را از احکام اسلامی دور کنند و دوم اینکه روحیه‌ی او را بشکنند و تحقیرش کنند. پس، ببینید همه‌ی سیاستهای دشمنان اسلام در طول مبارزه‌ی با اسلام - که این یکی دو قرن اخیر، اوج این مبارزه بوده است - در این دو چیز متمرکز میشود: یکی دور کردن مسلمین از احکام اسلام و دوم تحقیر مسلمین و شکستن و خرد کردن روحیه‌ی آنان. نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که کشورهای اسلامی، بصورت کشورهای درجه‌ی سه‌ی عالم درآمدند. نمیشود گفت درجه‌ی دو. هر جا کشور اسلامی بود، یا مستقیم زیر نفوذ دشمنان اسلام و قدرتهای بیگانه بود، یا یک عامل قدرتهای بیگانه بر آنها مسلط بود؛ مثل خاندان منحوس پهلوی در اینجا و بعضی کشورهای دیگر که نظیر این را داشتند. این، وضعیت مسلمانان بوده است.

امام بزرگوار ما آمد و درست روی همین دو نقطه انگشت گذاشت. علت اینکه شما میبینید اسم امام، دنیای اسلامی را مثل توفانی درنوردید، اینهاست. با تبلیغات و با پروپاگاندا که نمیشود کسی را اینطور در دل ملتها جا داد. اینکه در بعضی از نقاط عالم که مردم آنجا اسم ایران را اصلاً نشنیده بودند، به امام بزرگوار ما عشق و ارادت میورزیدند، بخاطر این چیزهاست. این، سنت الهی و قاعده‌ی آفرینش است. امام روی این دو نقطه تکیه کرد. وجدان ملتها بیدار شد و دیدند که راه نجات، همین و الگو هم ملت ایران است.

امام؛ دعوت‌کننده ملت ایران به عمل حقیقی به اسلام در عرصه‌های گوناگون

امام بزرگوار، ملت ایران را به برگشت به اسلام دعوت کرد و گفت بیاید به اسلام به معنای حقیقی کلمه عمل کنید. نه فقط عمل کردن در داخل مسجدها و بصورت عبادات فردی؛ بلکه بصورت عمل کامل این کار را انجام دهید و نظام زندگی را از اسلام بگیرید.

به همین خاطر، جمهوری اسلامی را تشکیل داد. در نقطه‌ی دوم هم روحیه‌ی این ملت را احیا و بازسازی کرد. به ملت ایران آموخت و فهماند که قدرت دارد و میتواند. به همه‌ی ملتهای مسلمان دنیا پیام داد که شما دارای قدرت واقعی هستید و میتوانید دشمن را به زانو درآورید. هر جا و به هر اندازه، نسخه‌ی امام بزرگوار عمل شد، این نتیجه را داد. در خود کشور ما، ملت ایران از حالت ضعف و انفصال به جایی رسید که امروز در قضایای مهم دنیا، اراده‌اش دارای نقش است. دشمنان ما نیز همین را میگویند.

دیروز شرق و غرب و امروز همه‌ی قدرتهای مؤثر، دست روی هم گذاشتند که بتوانند حقّ ملت فلسطین را نابود کنند و از بین ببرند؛ ولی جمهوری اسلامی مخالف مخالفت کرده است. همه در همه جای دنیا میگویند: «چون جمهوری اسلامی مخالف است، این روند پیش نمیرود.» این، اراده‌ی ملت ایران است. آری؛ همینطور است، پیش نخواهد رفت. ملتی که رئیس حکومت سابقش - شاه ذلیل و فاسد - در امور روزمره‌ی زندگی خود با سفارت امریکا و انگلیس مشورت میکرد و از آنها خط میگرفت، وضعش به جایی رسیده است که حالا نه امریکا و نه هیچ قدرت دیگری، کوچکترین نفوذی روی این کشور و این ملت ندارند. این، برای یک ملت اقتدار ملی است. این کار را امام بزرگوار کرد و روحیه‌ی مسلمانی را احیا نمود.

در زمینه‌ی سازندگی نیز همینطور است. فرمود: شما میتوانید همه چیز بسازید و کشور خودتان را بدست خویش آباد کنید. و میتوانید مستغنی از بیگانگان باشید و مدارج علم و دانش را مثل دیگران ببیمایید و دانشگاههای خودتان را مستقل کنید! امروز شما ببینید ملت ایران قدم به قدم همه‌ی این موارد را پیش میبرد. اینها را ملت تجربه کرد.

میزان فایده‌ی نسخه‌ی شفافبخش امام برای ملتهای مسلمان

این، داخل ایران بود. در هر نقطه‌ی جهان هم که نسخه‌ی شفافبخش امام به هر اندازه عمل شد، به همان اندازه ملتها فایده بردند. شما ببینید طبیعت قضیه‌ی فلسطین یا مسئله‌ی دردناک لبنان یا مسائل گوناگون دیگر، امروز چقدر با گذشته تفاوت کرده است! امروز، ملت فلسطین بیدار شده است و عناصر حقیقی فلسطینی در داخل سرزمینهای اشغالی، خود را بصورت خاری در چشم اشغالگران نشان میدهند. آنها منتظر نشستند که چهار

نفر به اسمشان در بیرون مرزهای فلسطین حرف بزنند. خود ملت فلسطین حرف میزند و اقدام و حرکت میکند؛ آن هم به نام اسلام. در هر جایی که این نسخه - یعنی نسخه‌ی اتکای به نفس و اعتماد به خود و بازگشت به اسلام - به هر اندازه عمل شد، به همان اندازه کار ابرقدرتها را مشکل و حرکت ملتها را شتابنده کرد.

نسخه‌ی امام بزرگوار ما، مسلمانان را در هر نقطه‌ی عالم عزیز کرد. امروز، مسلمانان جهان در هر نقطه‌ای از دنیا احساس عزت میکنند. روزی بود که مسلمان از مسلمانی خود احساس سرشکستگی میکرد؛ اما امروز مسلمان از مسلمانی خود احساس سربلندی و عزت میکند. اینها، کلیات حرکت امام بزرگوار ماست. ■

آثار زنده نگه داشتن نام و یاد امام خمینی(ره)

عرض من این است که چه ملت ایران و چه ملت‌های دیگر، هرچه نام و یاد امام را برجسته و زنده بدارند، بیشتر از راه امام بهره خواهند برد. دشمنان اسلام و مسلمین میخواهند نام امام زایل شود و از بین برود و یا کمرنگ گردد. میخواهند وانمود کنند این حادثه که پیش آمد و اتفاق افتاد، گذشته است. میخواهند در آینده‌ی دنیا اثری نداشته باشد. ملاحظه میکنید در اعمال این تصمیمات، شیوه‌ها و طرقی هم به کار میبرند؛ مثل تبلیغات زهرآگین و تحریفها و لجن‌پراکنیها. این چیزها، در همه جای حوزه‌ی نفوذ قدرتهای استکباری وجود دارد. نقطه‌ی مقابل آنها، حرکتی است که مسلمانان باید انجام دهند. باید یاد امام را زنده و نام او را بلند کنند. خط روشنی را که او ترسیم کرده است، برای افکار و اذهان تبیین کنند و بگویند که امام دنبال چه چیزی بود. بفهمانند که احکام اسلام و روحیه‌ی عزت اسلامی، آن دو نقطه‌ی روشنی است که امام به دنبال آن بوده است.

در داخل کشور ما نیز همینطور است. ملت ما اگر میخواهد این راه عزت را دنبال کند، باید یاد و نام امام را روزبه‌روز زنده‌تر کند. اگر ملت میخواهد به برکت بازوان توانا و ابتکار و خلاقیت خودش، ایران را بسازد که مایه‌ی غبطه‌ی ملتها و کشورها باشد، باید روزبه‌روز به دستورات امام بیشتر توجه کند. بعضی دل‌های غافل، ممکن است خیال کنند یا تبلیغ نمایند که راه امام و خط امام، معنویات و آخرت را برای مردم تأمین میکند؛ اما

دنیایشان آباد نمیشود! این، خطاست. راه خدا برای انسانها، دنیا و آخرت را آباد میکند؛ زندگی را شیرین و آسان میکند و فشار تحمیل دشمن را از سر آنها برمیدارد و کم میکند. راه خدا اینگونه است و راه امام نیز همین راه خداست.

ملت ایران بخاطر دخالت بیگانگان و حکومتهای فاسد و حکومت جبار پهلوی و قاجار- که این دو سلسله‌ی ننگین، سالها بر این کشور حکومت کردند و پای بیگانگان را بر این سرزمین گشودند- از قافله‌ی علم و دانش بازماند. ملت ایران در صورتی میتواند زندگی را به آبادی و توسعه و رشد حقیقی برساند که بتواند روی پای خود بایستد و احکام الهی را در زندگی عمل و پیاده کند و دست و پای دشمن را بکلی از این کشور قطع نماید. این، همان راه و توصیه‌های امام است.

سعادت دنیوی و اخروی ملت؛ در گرو گزینش راه و روش امام

ملت ایران، عزت و رفاه و روسفیدی دنیا و سعادت و کمال معنوی و اخروی را در راه همان خطی میتواند پیدا کند که امام بزرگوار و رهبر عظیم‌الشأن او، پیش پای این ملت گذاشت. خدای متعال، ده سال هم به او مهلت و فرصت داد تا توانست این راه را برای مردم تبیین کند. در کلمات امام (رضوان‌الله تعالی‌علیه) نقطه‌ی پنهان و مشکوکی وجود ندارد. این، راه ملت ایران است.

وظیفه‌ی مردم در قبال تعالیم امام و خط امام

ملت عزیز و برادران و خواهران من در سراسر این کشور، از مراسم سالگرد این استفاده را بکنند و این بهره را ببرند و این فرصت را مغتنم بشمارند که تعالیم امام را در ذهن خود مرور کنند و به یاد آورند. هر کس در هر جا که هست- چه مسئولان کشور و متصدیان و مدیران بخشهای اجرایی و چه نمایندگان مردم و چه مسئولان قضایی و چه آحاد ملت- اینها را دستورالعمل خود قرار دهد. اگر این کار شد، آن وقت قلب مقدس ولی عصر (ارواحنافداه)، ان شاء الله از این ملت راضی خواهد شد و برکات الهی بر شما نازل خواهد گردید که خدای متعال در قرآن فرموده است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا

ره، رهرو، رهبر / ۴۹۳

عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»^۱. خداوند به برکت این راه، به برکت تقوا و به برکت ادامه‌ی حرکتی که امام بزرگوار در این کشور آغاز کرد، ابواب برکات را بر این مردم خواهد گشود.

در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص)، ۷۵/۳/۲۰

زنده شدن «فرهنگ رزمندگی و جهاد» به وسیله‌ی نهضت امام

یکی از نکات برجسته در فرهنگ اسلامی، که مصداقهای بارزش، بیشتر در تاریخ صدر اسلام و کمتر در طول زمان دیده میشود، «فرهنگ رزمندگی و جهاد» است. جهاد هم فقط به معنای حضور در میدان جنگ نیست؛ زیرا هرگونه تلاش در مقابله با دشمن، میتواند جهاد تلقی شود.

این نکته در فرهنگ اسلامی، نکته‌ی برجسته‌ای است، که گفتیم نمونه‌هایی هم در میدانهای مختلف دارد. در روزگار ما هم، وقتی ندای مقابله با رژیم منحوس پهلوی از حلقوم امام(رضوان‌الله‌علیه) و همکاران ایشان در سال ۱۳۴۱ بیرون آمد، جهاد شروع شد. پیش از امام هم، البته جهاد بصورت محدود و پراکنده وجود داشت که حائز اهمیت نبود. هنگامی که مبارزه‌ی امام شروع شد، جهاد اهمیت پیدا کرد تا اینکه به مرحله‌ی پیروزی خود، یعنی پیروزی انقلاب اسلامی رسید.

تصمیم لازم در لحظه‌ی لازم؛ درس بزرگ امام به خواص

در عصر روز هجدهم بهمن ماه سال ۵۷، در تهران حکومت نظامی اعلام شد. امام به مردم فرمود: «به خیابانها بریزید.» اگر امام در آن لحظه چنین تصمیمی نمیگرفت، امروز محمدرضا در این مملکت بر سر کار بود. یعنی اگر با حکومت نظامی ظاهر میشدند، و مردم در خانه‌هایشان میماندند، اول امام و ساکنان مدرسه‌ی «رفاه» و بعد اهالی بقیه‌ی مناطق را قتل عام و نابود میکردند. پانصد هزار نفر را در تهران میکشستند و قضیه تمام

۱ سوره‌ی اعراف: آیه‌ی ۹۶. و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم.

میشد. چنانکه در اندونزی یک میلیون نفر را کشتند و تمام شد. امروز هم آن آقا بر سر کار است و شخصیت خیلی هم آبرومند و محترمی است! آب هم از آب تکان نخورد! اما امام، در لحظه‌ی لازم تصمیم لازم را گرفت. اگر خواص امری را که تشخیص دادند به موقع و بدون فوت وقت عمل کنند، تاریخ نجات پیدا میکند و دیگر حسین بن علی‌ها به کربلاها کشانده نمیشوند. اگر خواص بد فهمیدند، دیر فهمیدند، فهمیدند اما با هم اختلاف کردند؛ کربلاها در تاریخ تکرار خواهد شد.

مفهوم صحیح فرمایش امام مبنی بر عدم دخالت نیروی مسلح در سیاست

همانطور که امام فرمودند، سپاه، ارتش و نیروهای مسلح نباید در سیاست دخالت کنند. اما معنای فرموده‌ی امام این نیست که نیروی عظیم بسیج، حق ندارد در قضیه‌ی عظیمی مثل انتخابات، حرکت شایسته و مناسبی انجام دهد. چرا مسائل را با هم مخلوط میکنند؟! آحاد سپاه هم مثل بقیه‌ی مردم، در همه کار باید خردمندانه عمل کنند. البته وارد نشدن در سیاست - به همان معنایی که امام فرمودند - به قوت خودش باقی است. اینطور نیست که حالا کسی خیال کند، سیاست عوض شد. یعنی امام در زمان خود فرمودند «وارد سیاست نشوید»، حالا میگوییم «وارد سیاست بشوید!» نه! همان فرمایش امام است. اما مصداقش، اینها نیست. مثالش، اینها نیست. مردمان ارزشی، جوانان مؤمن و بهترین جوانان کشور، در قضیه‌ی انتخابات حرکتی انجام بدهند، کاری بکنند، در پای صندوقها حاضر شوند، مراقبت و نظارت کنند و مانع تخطی - خدای ناکرده - بعضی دیگر شوند. اینها کار خلافی نیست.

در دیدار رؤسای سه قوه، کارگزاران نظام اسلامی و شخصیت‌های خارجی شرکت‌کننده
در کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، ۱۳ / ۰۵ / ۱۳۷۵

برنامه‌ی استکبار برای جدا کردن مسلمانان عالم از امام حکیم و ملت ایران

استکبار از روزی که احساس کرد این حقیقت در ایران پایدار و مستقر و متمکن شده است و فهمید که نمیتواند آن را ریشه‌کن کند و این نهضت و حرکت و بنا را از بین ببرد، تلاش خصمانه‌ی خود را طور دیگری شروع کرد و آن این بود که مسلمین عالم را از

ره، رهرو، رهبر / ۴۹۵

این انقلاب و از این ملت و از این رهبری عظیم و حکیمی که دنیا به عظمت او اعتراف کرده بود، جدا کند.

در دیدار مسئولین «تشکلهای اسلامی همسو با روحانیت و ولایت» و اعضای «ستاد هماهنگی تشکلهای» و جمعی از مسئولین «ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر»، در مشهد، ۱۳۷۵/۴/۲۵

اثبات حاکمیت سیاسی اسلام؛ در راه امام و انقلاب

امروز هم در دنیا، بعضی از کشورها- غیر از ایران- اسمشان «جمهوری اسلامی» است، ولی تعهدی نسبت به اسلام ندارند. «جمهوری اسلامی پاکستان» یا «جمهوری اسلامی موریتانی»، صرفاً اسمشان اسلامی است؛ اما معتقد به «حاکمیت سیاسی اسلام» نیستند. اختلاف بر سر حاکمیت سیاسی اسلام و بودن یا نبودن آن است. این دستگاه- دستگاه جمهوری اسلامی در ایران- و این انقلاب و این مبارزه و راه امام و حرکت امام، همین است که حاکمیت سیاسی اسلام را اثبات میکرده است. هرکس با این مخالف است و هرکس این راه را قبول ندارد، هرکس با آن مبارزه میکند، بیگانه از این راه است. مبارزه باید در این جهت باشد.

در دیدار رئیس‌جمهور و هیأت وزیران، به مناسبت هفته‌ی دولت، ۷۵/۶/۸

مشارکت مردم در سازندگی؛ اصل مورد تأکید حضرت امام (ره)

ما بصورت یک اصل، از اوایل انقلاب، روی مشارکت مردم تکیه کردیم. امام (رضوان‌الله تعالی‌علیه)، مکرراً در مکرر، درباره‌ی مشارکت دادن مردم، توصیه می‌کردند و حرف می‌زدند. آن روزها، تفکری هم وجود داشت که مردم را تقریباً از میدانهای گوناگون دور میکرد.

جایگاه جوانان ایتارگراز منظر حضرت امام

همین جوانان مؤمن نیروهای مسلح، واقعاً تلاش کردند و زحمت کشیدند- چه نیروی نظامی و چه در بخش خودش نیروی انتظامی در مقابله با کسانی که مخلاً به امنیت کشور بودند- و همانطوری که امام یک وقت فرمودند: اگر این جوانان نبودند و این انقلاب پیروز نمیشد، حالا ماها این فرصت و این افتخار را نداشتیم که بخواهیم مسئولان کشور باشیم و پیش خدای متعال، برای خودمان اجر، و پیش مردم و نزد تاریخ، برای خودمان افتخار درست کنیم. شما این خدمات را، به این مردم ارائه دهید.

حرکت برای خدا؛ راز نفوذ کلمه‌ی امام در جهان

در قواری نظام سیاسی هم همینطور است. همه‌ی گروه‌های اجتماعی، متوجه به یک مرکزند و برای یک هدف، حرکت و کار میکنند. لذا هنگامی که مبارزات برای پیروزی انقلاب بود، جوانان و پیران و زنان و مردان و اهل شهرهای مختلف بودند، قشرهای مختلف جامعه حضور داشتند و انگیزه‌های مختلف، همه در خدمت این راه قرار گرفت. بعد از آن هم در دوران جنگ، همینطور بود. دیدید که همه در یک سمت، به یک سو و در یک جهت، برای خدا و اعلا‌ی کلمة‌الله حرکت کردند. راز بقای این نعمت بزرگ الهی - یعنی حاکمیت اسلام - و راز نفوذ کلمه‌ی امام بزرگوار در سطح جهان، تا امروز این بوده است. ■

آثار توصیه‌های قرآنی امام بر همدلی و وحدت

مردم، جزئیات مسائل را در بسیاری از موارد میدانند، تحلیل میکنند، دقت میکنند و مسائل را درک میکنند. با وجود این، به برکت اسلام و احکام نورانی قرآن و آموزش توحیدی که اسلام برای ما به ارمغان آورده و امام بزرگوار، این همه ما را به آن توصیه کرده است، میان مردم، همزیستی و همدلی وجود دارد. این را بایستی با همه‌ی وجود حفظ کنیم.

نتیجه‌ی نهایی مخالفت همیشگی امام با استکبار

اگر بخواهیم در بین دولتهای دنیا، مستکبر را پیدا کنیم، دچار مشکل نمیشویم. یعنی دولت امریکا - که امام به او لقب شیطان بزرگ دادند - در مقابل ندای حق طلبانه‌ی ملت ایران، مستکبر بود. استکباری که در زمان ما شکل گرفت، استکبار امریکایی بود. قبل از انقلاب هم، اینطور بود. در دوران انقلاب و تا امروز هم همینطور است. این سه حادثه‌ای که روز سیزده‌ی آبان، نمایشگر و یادآور آن حوادث است، در همین

ره، رهرو، رهبر / ۴۹۷

ارتباط است. قبل از انقلاب، امام با وسوسه و دخالت امریکاییها در کشور و با مسئله‌ی کاپیتولاسیون مخالفت کردند. بخاطر این مبارزه، امام را در روز سیزده‌ی آبان، تبعید کردند. استکبار، یعنی این. به خیال خودشان، حرف حق را در گلوی گوینده‌ی حق شکستند. البته این صدا نشکست و بحمدالله شجره‌ی طیبه‌ای شد.

عکس‌العمل مردم جهان نسبت به نام امام و جمهوری اسلامی

امروز در سطح جهان- در آسیا، در آفریقا و حتی در اروپا- به نام جمهوری اسلامی و به نام آن اسطوره‌ی تمام‌نشدنی این نظام- یعنی امام بزرگوارِ راحل ما مردم به هیجان می‌آیند و در آنجایی که بتوانند، شعار هم میدهند.

نظر امام در مورد عدم وابستگی نظام به افراد

به نظر من، یکی از مهمترین حرفهای امام بزرگوار این بود که میفرمود: این نظام، وابسته‌ی به من و زید و عمرو نیست. امامی که پدر و پدیدآورنده‌ی این نظام و معلم این ملت بود و دست قدرتمند او بود که توانست این معجزه را بکند و این هنر بزرگ را نشان دهد. او میگفت که این نظام، متکی به من نیست؛ من هم که نباشم، این نظام و این ملت هستند. حرف خیلی بزرگی است. وقتی نسبت به امام، اینطور باشد، نسبت به همه‌ی اشخاص، اینطوری است.

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت آیت‌الله پسندیده، ۱۳۷۵ / ۰۸ / ۲۳

ارتباطات گوناگون آیت‌الله پسندیده با امام در ادوار مختلف

این روحانی شریف و امین و شجاع و صادق، برای امام کبیر ما، در یک دوره همچون پدر و سرپرستی مهربان و دلسوز و مصلحت‌اندیش، و در یک دوره همچون برادر و وکیل و معاونی مؤتمن و رشید و خستگی‌ناپذیر، و بالاخره در یک دوره همچون رعیت و پیروی مؤمن و فرمان‌پذیر و مطیع بود. این افتخار برای او بس که بزرگترین انسان زمان ما همواره او را بزرگ و گرامی میداشت و به او احترام میکرد؛ از او راضی

بود و به حفظ رضایت او، اهتمام میورزید. این موجود عزیز و مکرم اکنون از میان ما رفته و به جوار رحمت و مغفرت حق تعالی پیوسته است. تکریم یاد و نام امام عظیم الشان، مقتضی تکریم و تجلیل اوست.

در دیدار جمع کثیری از بسیجیان سراسر کشور، ۷۵/۸/۳۰

آشکار شدن یکی از جلوه های حکمت امام در شجره‌ی طیبه‌ی بسیج

هفته‌ی بسیج، در حقیقت فرصتی برای ارائه‌ی حرکت عظیمی است که به وسیله‌ی امام بزرگوار راحل، در این کشور پایه‌گذاری شد و این حرکت، در این منطقه‌ی اسلامی و دینی، برای دیگر ملتها هم انشاءالله الگو و سرمشق خواهد شد. از حوادث زودگذری که گاهی بر اثر تبلیغات خصمانه‌ی دشمنان، در افکار عمومی ملتها به وجود می‌آید و مانع و عایقی برای الگوگیری ملتها میشود، بگذرید. حرکت ماندگار، این است. «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ»^۱. مسئله این است که ریشه و پایه، سالم و محکم و استوار باشد. حرکت بسیج، از این قبیل است. علی‌رغم اظهارات خصمانه‌ی دشمنان جمهوری اسلامی - که هر هنری هم این ملت دارد، آنها سعی میکنند با چشم بدبینی به آن نگاه کنند و آن را عیب معرفی نمایند - و به کوری چشم آنها، حرکت بسیج، یک حرکت خردمندانه و منطقی و استوار و کاملاً حکیمانه است.

حکمت امام بزرگوار ما، در خیلی از مسائل آشکار شد. این، یکی از برجسته‌ترین آن مسائل است. بدون اینکه بخواهیم نسبت به زحمات نیروهای مسلح سازماندهی شده‌ی منظم نظامی - که حقیقتاً در کشور ما، سپاه و ارتش، دو نیروی مسلح کارآمد ارزشمند هستند و زحمات عظیمی هم کشیده‌اند و خدمات بزرگی هم کرده‌اند - تردیدی به ذهن بیاوریم، باید عرض کنیم که عمده‌ی کار در هر حرکت نظامی، پشتیبانی مردم است و این پشتیبانی - که در کشور ما، به شکل بسیج بود - هر جا باشد، در نبرد نظامی و هر نبرد دیگر، داروی شفابخش ضعفها و هزیمتها و عقب‌ماندگیهاست.



۱ سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۲۴. آیا ندیدی خدا چگونه مثل زده: سخنی پاک که مانند درختی پاک است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است؟

برای کشوری که آماج این همه حمله‌ی خصمانه و خباثت‌آمیز دشمنان است، جز بسیج نیروهای مردمی، هیچ راه علاجی وجود ندارد. اگر بسیج نیروهای مردم نمی‌بود و امام بزرگوار، از نیروی ایمان و عشق مردم، در سازماندهی این عناصر مؤمن و نورانی در سراسر کشور - اقوام مختلف و مرزداران و عشایر و جوانان و دانشگاهیان و روحانیون و دانش‌آموزان و پیرمردان و زنان و دختران جوان و سایر اقشار ملت - استفاده نمی‌کرد و این انبوه عظیم نیروی فعال را به وجود نمی‌آورد، بدون شک جمهوری اسلامی نمیتوانست در مقابل این همه توطئه و خباثت و دشمنی و سنگ‌اندازی، مقاومت کند.

دفاع مقدس؛ بزرگترین تجربه‌ی موفق دوران رهبری امام بزرگوار

بزرگترین افتخار ملت ایران در رابطه با جنگ، همین است که در طول هشت سال، همه‌ی قدرتها پشت سر رژیم بعثی ایستادند، تا بتوانند جمهوری اسلامی را سرافکننده و شکست‌خورده کنند؛ ولی نتوانستند. ملت ایران، ایستاد و فداکاری کرد. امام بزرگوار، بزرگترین تجربه‌ی دوران نورانی رهبری خود را در اینجا نشان داد و نگذاشت که ملت ایران، لحظه‌ای احساس هزیمت و شکست کند و بالاخره دشمن مجبور شد، با سرافکنندگی عقب بکشد و در مقابل ضربات رزمندگان اسلام، تاب مقاومت نیاورد و عقب‌نشینی کند و برود.

اثبات فرمایش امام مبنی بر عدم توانایی امریکا در برابر ایران

پانزده سال پیش که امام بزرگوار میفرمود: «امریکا، هیچ غلطی نمیتواند بکند»، بعضیها میگفتند، چه دلیلی دارید که هیچ غلطی نمیتواند بکند؛ شاید هم غلطی کرد. اما اگر امروز ما بگوییم، امریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند، پانزده سال گذشته را بعنوان سند در مقابلمان داریم. تا بحال، چکار میتوانستند بکنند که نکرده‌اند؟ دیدید که هیچ غلطی هم نتوانستند بکنند.

علت عظمت امام و تواضع قدرتمندان عالم در برابر ایشان

هر کس رشحه‌ای از آنچه در امیرالمؤمنین(علیه‌الصلاة والسلام) بود، در وجود خود داشته باشد، میتواند بر دنیایی از سرکشیها و تمایلات درون و بیرون خود فائق آید. این امام بزرگوار را که شما دیدید بزرگترین شخصیت‌های دنیا در زمان ما، در مقابل او احساس حقارت کردند؛ نمایندگان او هم در دنیا، هر جا میرفتند، چون نام و یاد امام همراه آنها بود، بزرگان و سرکشان و قدرتمندان عالم را به خضوع و تواضع وادار میکردند. این امام بزرگوار ما توانسته بود بخشی و گوشه‌ای از آن معدن زیبایی و خلوص آن بزرگوار را در خود به وجود آورد. البته این بخش که ما میگوییم، خیلی عظیم است؛ منتها در مقابل اقیانوس بیکران شخصیت امیرالمؤمنین ناچیز و یک قطره است؛ اما خودش خیلی زیاد و خیلی بزرگ است.

شجاعت مواجهه با دنیا؛ وجه شبه حرکت امام خمینی با امام حسین(ع)

اما شجاعت ورود در میدان جنگ، یک مسئله است و شجاعت مواجهه شدن با یک دنیا، یک مسئله‌ی دیگر است. امام حسین(علیه‌الصلاة والسلام) این دومی را داشت. برای این دومی حرکت کرد. برای همین است که من بارها تأکید کرده‌ام که حرکت امام بزرگوار ما، یک حرکت حسینی بود. امام بزرگوار در زمان ما، رشحه‌ای از حرکت حسینی را در کار خود داشت. حالا بعضی بگویند که امام حسین در صحرای کربلا، تشنه شهید شد؛ ولی امام بزرگوار، با این عزت، حکومت و زندگی کردند؛ از دنیا رفتند و تشییع شدند. شاخص قضیه اینها نیست. شاخص قضیه مواجهه شدن با یک عظمت پوشالی است که همه‌ی چیزها را هم با خود دارد.

مشاهده‌ی برکات اتکال امام و امت به خدا در جنگ

شما جوانان عزیز؛ شما کسانی که راه خدا و اتکا به خدا را آزمودید و تجربه کردید و فواید آن را درک کردید، برکات اتکال به خدا را در رفتار امام و در رفتار خودتان در جنگ مشاهده کردید، این راه روشن را نباید لحظه‌ای مورد غفلت قرار دهید.

تأثیر رهبری الهی امام در شکوفا شدن استعدادها

در بسیاری از نهضت‌های دنیا، چون اسم خدا، یاد خدا و روح تعبّد و اخلاص نبود؛ چون یک رهبر الهی و معنوی مثل آن بزرگوار، آن انسان بزرگ، امام راحل عظیم‌الشأن، در میان آنها نبود، حتی استعدادهای معمولی هم برای حرکت در مبارزه‌ی با فساد و استبداد و بدبختیهای دیگر یک ملت، شکوفا نشد.

در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۷۵/۱۱/۱۲

منافقین؛ قاتل انسانهای طرفدار امام و انقلاب

«خوارج» را درست ترجمه نمیکنند. من میبینم که متأسفانه در صحبت و شعر و سخنرانی و فیلم و همه چیز، خوارج را به خشکه مقدّسها تعبیر میکنند. این، غلط است. خشکه مقدّس کدام است؟! در زمان امیرالمؤمنین خیلی بودند که برای خودشان کار میکردند. اگر میخواهید خوارج را بشناسید، نمونه‌اش را من در زمان خودمان به شما معرفی میکنم. گروه منافقین که یادتان هست؟ آیه‌ی قرآن میخوانند، خطبه‌ی نهج‌البلاغه میخوانند، ادعای دینداری میکردند، خودشان را از همه مسلمانتر و انقلابی‌تر میدانستند؛ آن وقت بمبگذاری میکردند و ناگهان یک خانواده، بزرگ و کوچک و بچه و صغیر و همه کس را به هنگام افطار ماه رمضان میکشتمند! چرا؟ چون اعضای آن خانواده طرفدار امام و انقلاب بودند. ناگهان بمبگذاری میکردند و یک جمعیتی بی‌گناه را مثلاً در فلان میدان شهر نابود میکردند. شهید محراب هشتاد ساله، پیرمرد نورانی مؤمن مجاهد فی سبیل الله را به وسیله‌ی بمبگذاری میکشتمند. اینها چهار، پنج شهید محراب از علمای مؤمن عالم فاضل برجسته را کشتند. نوع کارها، اینطور کارهایی است.

علاقه‌ی امام به دو دعای صادر شده از امیرالمؤمنین (علیه السلام)

من یک وقت از امام راحل بزرگوارمان پرسیدم: در بین دعاهایی که هست، شما کدام دعا را بیشتر از همه میپسندید و بزرگ میشمارید؟ ایشان تأملی کردند و گفتند: دو دعا؛ یکی دعای کمیل، یکی هم مناجات شعبانیه. احتمالاً مناجات شعبانیه هم از امیرالمؤمنین

است؛ چون در روایت دارد که همه‌ی ائمه‌ مناجات شعبانیه را میخواندند. من حدس قوی میزنم که آن هم از امیرالمؤمنین باشد. کلمات و مضامینش هم شبیه به همین کلمات و مضامین دعای کمیل است.

امام؛ نمونه‌ی بارز روی آوردگان به خداوند

خود را آماده کنید، با خدا انس بگیرید، با خداوند مناجات کنید، ذکر بگویید و استغفار کنید. آن وقت انسانهایی که اینطور رو به خدا می‌آورند و دل خود را تطهیر میکنند و از گناه رو برمیگردانند و تصمیم بر عمل خیر میگیرند، موجودات عظیمی هستند که در رویارویی با مشکلات این عالم، میتوانند مقابله کنند. یک نمونه‌اش، امام بزرگوار ماست.

مقایسه‌ی وضعیت کوفه هنگام شهادت امیرالمؤمنین(ع) با وضعیت کشور در روز رحلت امام

در یک جمله هم از روز بیست و یکم سال چهارم هجرت - که روز شهادت امیرالمؤمنین(علیه‌الصلاة والسلام) است - یاد کنم. مثل امروزی، کوفه چه حال و وضعی داشته است! شما آن لحظه‌ای را به یاد آورید که همه در تهران فهمیدند امام بزرگوار از دنیا رفته است. دیدید که چه ولوله‌ای شد، چه زلزله‌ای به وجود آمد و چه دلپایی از جا کنده شد. البته امام مدتی بیماری داشتند؛ سابقه بود، بعضی انتظار داشتند، این بیم و دغدغه در ذهنها بود؛ اما امیرالمؤمنین تا ساعتی قبل از آن، در میان مسجد، خفتگان را بیدار میکرد.

ورود قدرتمندانه‌ی امام؛ تثبیت شکست طاغوت

روز دوازدهم به یک معنا، روز شروع قدرت اسلام است. اگرچه در دوازدهم بهمن سال ۵۷، هنوز ظاهراً نظام طاغوت سر کار بود؛ اما در واقع نبود. در واقع با ورود امام بزرگوار، این نظام پوسیده‌ی فاسد و اصل نظام پادشاهی - که یک رژیم ارتجاعی و غلط و غیرانسانی و غیرقابل قبول بود - پوچ و نابود و دود شد و از بین رفت. تلاش بیهوده‌ای میکردند بلکه بتوانند آن را نجات بخشند و تا چند روز ادامه دهند، که نمیشد و نشد.

ره، رهرو، رهبر / ۵۰۳

ورود قدرتمندانه‌ی امام بزرگوار، همه چیز را معنا کرد. امام وارد شد؛ شهر تهران، بلکه ایران از آن بزرگوار استقبال کردند. یعنی در شهرهای دیگر هم مردم شاهد این حادثه و گوش‌به‌زنگ این قضیه بودند. بعضی حرکت کردند و به تهران آمدند؛ بعضی هم در همان شهرهای خودشان کاری را کردند که اگر تهران هم بودند، انجام میدادند. در واقع «فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ»^۱ با ورود امام همان مطلبی که خدای متعال به اصحاب موسی فرمود، در مورد اصحاب امام بزرگوار ما تحقق پیدا کرد. وقتی وارد شد، خدای متعال غلبه را ثبت کرد و تمام شد.

زمان آغاز دشمنی مستکبران با انقلاب امام

دشمن اصلی ما، سرمداران استکبار جهانی، در رأسشان هم رژیم امریکا و شریرترینشان عناصر صهیونیست اشغالگر فلسطین هستند. آنها هنوز هم مشغول مقابله با این انقلابند. از آن روزی که این انقلاب، هیچ چیز جز شخص امام نبود و حتی بقدر یک مدرسه‌ی آن روز رفاه هم تشکیلات حکومتی نداشت، آنها با این انقلاب شروع به مبارزه کردند.

شباهت انقلاب امام با حرکت انبیاء

خیلی پیغمبران، از جمله پیغمبران بزرگ - حضرت عیسی، حضرت موسی، حضرت ابراهیم و حضرت نوح - مورد استهزا قرار می‌گرفتند؛ تعجبی ندارد؛ منتها همه‌ی استهزاکنندگان هم، همان چیزی که آن را استهزا میکردند - یعنی دین خدا - به سراغشان آمد و آنها را نابود کرد و از بین برد. عین همین قضیه امروز اتفاق افتاده است. این حرکت هم، حرکت انبیاست. حرکتی که امام بزرگوار در این کشور به وجود آورد، حرکت انبیاست.

۱ سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۲۳.

ارتباطی این همانی بین پیروزی امام و پیروزی مردم

امام ده سال در میان این مردم بود و رفت. امام نیست؛ اما پیروزی این مردم، پیروزی امام است. وقتی میگوییم که امام پیروز شد، لازم نیست معنایش این باشد که امام تا ابدالدهر در میان این مردم بماند؛ بلکه وقتی این ملت و این انقلاب پیروز شد، امام پیروز شده است. دشمن انقلاب که شکست خورد، دشمن امام شکست خورده است.

پیام به مناسبت هفتمین روز از دهه‌ی مبارک فجر انقلاب اسلامی
و روز ایمان، ایثار و شهادت، ۱۳۷۵ / ۱۱ / ۱۸

امام؛ آموزنده‌ی معارف شهادت به خانواده‌ها و جوانان

سلام ما بر آنان، بر همه‌ی شهیدان راه خدا که روشنگر راه زندگی بشرند و مشعل هدایت الهی که هدیه‌ی پیامبران خدا برای ساکنان زمین است، فروغ و شعاع خود را از آنان گرفته است و همچنین سلام بر خانواده‌هایی که گاهواره‌ی تربیت این عزیزان بودند و مادران و پدرانی که در دامانهای پاک و مطهر خود چنین گوهرهای تابناکی را پرورش دادند، و سپس در هنگام جوانی و بالندگی، آنها را به خیل شهادت سپردند و بر دشواری این اهدا شگفت‌آور، صبر و تحمل ورزیدند. و برترین درود بر امام عزیز راحل ما که این همه را به ما آموخت.

در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت «عید سعید فطر»، ۷۵/۱۱/۲۱

اتحاد؛ نصیحت دائمی امام برای علاج مشکلات بزرگ

گره‌های بزرگ و گوناگون یک ملت را، اتحاد آن ملت با سرانگشتی معجزآسا باز میکند. چنانکه اتحاد ملت ما نیز همینگونه بوده است و در آینده نیز همینطور خواهد بود. این، همان خصوصیتی است که امام بزرگوار، دائماً ما را به آن وصیت و نصیحت میکرد و پیوسته مردم را به «وحدت کلمه» و اتحاد در شعارها، حرکتها، اقدامها و همدلی با یکدیگر دعوت میفرمود. آن روز علاج مشکلات، وحدت کلمه و اتحاد بود؛ امروز هم اتحاد و وحدت کلمه، علاج‌کننده‌ی مشکلات است.

راه امام؛ محور اساسی وحدت

آنچه که مهمتر است، این است که در سرتاسر کشور اسلامی ما و میان همه‌ی این ملت سرافراز، آن چیزی که از روز اول انقلاب، بلکه از پیش از انقلاب تا امروز، موجب شده است که دشمن نتواند هدفهای خود را عملی کند، عبارت از وحدت کلمه‌ی اقشار مختلف مردم است؛ یعنی اتحاد همه‌ی قومیت‌های ایرانی، همه‌ی برادران و خواهران، همه‌ی قشرها، همه‌ی لهجه‌ها، همه‌ی زبانها، همه‌ی استانها؛ وحدت بر محور افکار و رهنمودهای انقلابی اسلام که به وسیله‌ی امام بزرگوار مطرح شد و پایه‌های این حکومت و این نظام را به وجود آورد و به فضل پروردگار از روز اول، روحانیت مبارز و انقلابی و مردمی، ذهنها را با این افکار آشنا کرد.

نقش شخصیت امام در تحقق انقلاب اسلامی ایران

در کنار عامل حضور مردم برای تحقق انقلاب، حقاً و انصافاً نباید شخصیت امام را انکار کرد. اگر شخصیت امام نبود، این انقلاب تحقق پیدا نمی‌کرد. نقش مردم، نقش زمان، نقش شرایط، اینها همه به جای خود محفوظ؛ اما اگر کسی مثل امام نباشد، چنین چیزی به وجود نخواهد آمد. قطعاً جزء اخیر علت تامه، امام بزرگوار ما بود.

منشأ ابتکار امام در ایجاد مجمع تشخیص مصلحت نظام

مجمع تشخیص مصلحت که در آغاز با ابتکار امام راحل (رضوان‌الله علیه) پدید آمد و سپس با روشن‌بینی بازننگرندگان قانون اساسی در متن این سند گرانبهای ملی جای گرفت، یکی از مبارکترین نهادهای قانونی جمهوری اسلامی است. این حسنه‌ی ماندگاری است که هوشمندی و همه‌سونگری رهبر بزرگ ما آن را در هنگامی که نیاز کشور به آن آشکار گشت، پدید آورد و امکان مدیریت عالی کشور را با آن به نصاب لازم رسانید.

در اجتماع بزرگ مردم در صحن امام خمینی(ره) مشهد مقدس رضوی، ۱۳۷۶/۱/۱

مظهر پاکدامنی، پارسایی و بی‌اعتنایی به دنیا

امام بزرگوار ما مظهر پاکدامنی و پارسایی و بی‌اعتنایی به دنیا بود.

پیام به مناسبت برگزاری مراسم حج، ۱۳۷۶/۱/۲۱

درسهایی بزرگ از امام و آثار عمل به آنها

درس بزرگ امام راحل عظیم‌الشان ما(رضوان‌الله‌علیه)، بازگشت به خود، بازگشت به اسلام و شناختن قدر خود و قدر ذخایر معنوی بی‌شمار خود بود. ملت ایران با عمل به این درس، در راه سعادت قدم نهاد و در آن، مراحل متعددی را طی کرد و همچنان در آن راه پویاست. راه ملت‌های دیگر نیز به سعادت، چیزی جز این نیست.

اگر چنین شود، دولت غاصب صهیونیست، توان مقاومت در برابر قدرت امت اسلامی را نخواهد داشت و ایالات متحده بیش از این جرأت بازی با سرنوشت ملت فلسطین و استهزای دولتهای عرب را نخواهد یافت.

اگر چنین شود، دولتهای عرب خود را مجبور نخواهند پنداشت که برخلاف حق و برخلاف واقع، ملت فلسطین را نادیده بگیرند و مسئله‌ی فلسطین را بدست فراموشی بسپرنند و با ایجاد رابطه‌ی سیاسی و اقتصادی با رژیم غاصب و متجاوز، صهیونیستها را به میان جوامع عربی راه دهند و بدین آسانی حصار را که میتواند رژیم صهیونیست را به مرور خفه کند، از گرد او برچینند.

در دیدار با روحانیان و مبلغان اعزامی در آستانه‌ی ماه محرم الحرام، ۱۳۷۶/۰۲/۱۳

ابداع بزرگترین فصل نظام سیاسی اسلام توسط امام خمینی(ره)

به اعتقاد من، این^۱ بزرگترین فصل مربوط به نظام سیاسی اسلام است که امام بزرگوار و عظیم‌الشان ما ابداع کرد. سالها، بلکه قرنهای متمادی، قدرتمندان و زمامداران ناحق و غیرعادل عالم سعی کردند دین را که هر جا هست، حکم به حق و عدل میکند و با کسی

۱ عدم انفکاک دین از سیاست.

ره، رهرو، رهبر / ۵۰۷

مماشات نمیکنند از دخالت در امور خودشان پس بزنند. قرنهای متمادی سعی کردند اثبات کنند که دین از سیاست جداست؛ چرا دین را با سیاست مخلوط میکنید؟ بروید دین خودتان را تبلیغ کنید! حرفهای ظاهر فریبی هم مطرح میکردند: دین، اشرف از این است که وارد میدان سیاست آلوده شود! بله؛ سیاستی که از دین جدا باشد، آلوده است؛ اما سیاست دینی به همان اندازه مقدس است که عبادت دینی.

توصیه‌ی دقیق امام در مورد تبلیغ «عدم جدایی دین از سیاست»

در آن سالهای ریاست جمهوری که برای شرکت در یک اجتماع جهانی، میخواستیم به یک کشور خارجی سفر کنم، سخنرانی‌ای فراهم کرده بودم و طبق معمول، خدمت امام ارائه کردم که ایشان نظر بدهند. ایشان در حاشیه یادداشت کردند که راجع به «عدم انفکاک دین از سیاست» هم در این سخنرانی مطلبی بگنجانید. من اولش قدری تعجب کردم که این قضیه «عدم انفکاک دین از سیاست»، چه ارتباطی میتواند با سران کشورها مثلاً صد کشور غیرمسلمان داشته باشد؟ در عین حال، چون امام دستور داده بودند، نشستم چند صفحه نوشتم. وقتی وارد مطلب شدم، تأمل کردم و دیدم که نه، درست همین است. جای این بحث، در منبرهای عظیم جهانی است. چرا؟ چون علیه این بحث، در منبرهای جهانی کار میشود. بعد هم به آنجا رفتیم و آن بحث را القا کردیم و بسیار هم در نفوس مؤثر واقع شد و اهمیت این حرف آشکار گردید. این عدم تفکیک دین از سیاست، روشن بینی آن مرد بزرگ را می‌رساند.

در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۶/۳/۷

پیروی از وصایای امام؛ از شعارهای رئیس جمهور منتخب

شعارهای رئیس جمهور منتخب، نظم و قانون و رفع تبعیض و گسترش عدالت اجتماعی و به طرف اهداف اسلامی و انقلابی رفتن و پیروی از وصایای امام بزرگوار است.

علت همه‌ی برکات کنونی در نظام اسلامی

خداوند روح مطهر امام بزرگوار را شاد کند، که آنچه ما از این خیرات و برکات داریم، به برکت آن وجود پرفیض، آن استثنای زمان، آن نادره‌ی دهر و یگانه‌ی تاریخ اسلام است. خدای متعال ما را مفتخر کرد که در زمان او واقع شویم و او را ببینیم و از او بشنویم و از برکات وجودش بهره‌مند گردیم.

در اجتماع باشکوه زائران مرقد مطهر حضرت امام خمینی(ره)، ۱۳۷۶/۳/۱۴

فراموش‌ناپذیری امام و یاد و خاطره‌ی ایشان

هشتمین سالگرد رحلت امام بزرگوار، فرصت تازه‌ای برای ملتِ قدردان و وفادار ایران است که یکبار دیگر، میزان علاقه و عشق و وفاداری خود را به آن رهبرِ راحلِ عظیم‌الشأن ابراز کند و بحمدالله همانگونه که ملاحظه می‌شود، با گذشت هشت سال از آن واقعه‌ی غم‌انگیز که تا اعماق جان، این ملت را مصیبت‌زده و داغدار کرد این حادثه‌ی بزرگ را بدست فراموشی نسپرده است و یاد و نام و خاطره‌ی امام، در میان مردم و در دل‌های آنان، روزبه‌روز شادابی و طراوت دیگری پیدا می‌کند. غیر از ملت ایران، سایر ملت‌های مسلمان، بلکه آزادگان عالم هم، یاد این بزرگوار را فراموش نکرده‌اند و فراموش نخواهند کرد.

نمایشی از فرمانبرداری ملت ایران از وصایای امام

امسال به مناسبت حضور عظیم مردم در عرصه‌ی انتخابات- که نمایش بزرگ دیگری از فرمانبرداری ملت بزرگ و عظیم‌الشأن ایران نسبت به وصایای امام بزرگوار بود- میتوانیم به روح مقدس آن بزرگوار شادباش بگوییم.

در این فرصت، دو مطلب را عرض می‌کنم. یک مطلب درباره‌ی انقلاب بزرگی است که به اراده و همت امام و با دست معجز نشان آن بزرگوار و تبعیت عظیم ملت از او در ایران به وجود آمد. مطلب دیگر، مطلب کوتاهی درباره‌ی خصوصیتی از خصوصیات امام است که می‌خواهم آن را بر مطلب اول مترتب کنم. اصل صحبت من هم، همان مطلب دوم است.

هنر بزرگ امام در جایگزینی نظامی فاسد با نظامی الهی

امام بزرگوار، نهضت عظیمی را در ایران سازماندهی کرد که ابعاد آن از ایران فراتر بود. بهره‌مندان از این انقلاب، فقط ملت ایران نبودند؛ بلکه جهان اسلام و - با یک دید- فراتر از جهان اسلام را هم شامل میشد. در ایران، تأثیر و نتیجه‌ی کوتاه‌مدت بسیار مهمی که بر این نهضت مترتب شد، دگرگونی نظام سیاسی در این کشور بود. امام بزرگوار به کمک این ملت بزرگ، یک نظام سیاسی فاسد و وابسته و منحرفی را برانداخت و به جای آن، نظام سالم و مستقل و کارآمدی را در کشور ایران بر سر کار آورد. توجه به تفاوتها و تقابلهای اساسی این دو نظام، نکته‌ی مهمی است که در این صحبت کوتاه و مقدمه‌ی مطلب دوم، بطور مختصر به آن اشاره میکنم.

مقابله‌ی امام با نظام فاسد

آن نظام سیاسی‌ای که امام بزرگوار ما با نهضت خود و به کمک این ملت از بین برد- یعنی نظام فاسد و وابسته‌ی پادشاهی- نظامی بود که سردمداران و مسئولان و رؤسای آن، به سرنوشت ملت ایران و جوانان این کشور اهمیتی نمیدادند و کشور و ملت را به سمت وابستگی هرچه بیشتر سوق میدادند. سعادت مردم بعنوان یک هدف، برای آنها مطلقاً مطرح نبود. اداره‌ی کشور، با الگوهای غلط و نامتناسبی انجام میشد، که از کشورهای بیگانه بطور ناقص گرفته شده بود و تازه همان هم اجرا نمیشد؛ یعنی یک نظام استبدادی و دیکتاتوری محض، تحت نامهای گوناگون و با روشهایی که هیچ‌کدام از آن روشها، برخاسته از اراده و خواست ملت و متوجه به مصالح آنها نبود.

در نظام وابسته‌ی منسوخ و برافتاده‌ی قبل از انقلاب، مردم دچار فساد و بی‌بند و باری بودند، یا به تعبیر درست‌تر، به سمت فساد و بی‌بند و باری و خودباختگی و بی‌ایمانی سوق داده میشدند. یعنی حرکت ملت را اینطور تنظیم کرده بودند که روزبه‌روز در کشور، بی‌ایمانی همه‌گیرتر شود و مردم از ایمان معنوی درست محروم بمانند و به فساد و بی‌بند و باری کشانده شوند و خودباختگی در مقابل بیگانگان در آنها تقویت گردد و استقلال اقتصادی و فرهنگی در کشور، مفهومی نداشته باشد. جهت کلی حرکت در آن نظام منسوخ و فاسد، این بود.

جایگزینی نظام الهی توسط امام

در این مرحله، هنر بزرگ امام بزرگوار در این بود که به جای آن نظام فاسد، یک نظام سیاسی در این کشور برقرار کرد که به جای بی‌اعتنایی به مردم، عشق به مردم بر آن حاکم است. به جای بی‌توجهی به سرنوشت ملت، بخصوص سرنوشت جوانان، عشق به سرنوشت ملت و عشق به سرنوشت جوانان و اهمیت فوق‌العاده به آنها در آن مطرح است. به جای خودباختگی در مقابل بیگانگان، خودباوری در میان مردم روزه‌روز توسعه پیدا میکند. به جای وابستگی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی به بیگانگان، استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی هدف قرار گرفته است.

ملت ایران، در بینش نظام سیاسی‌ای که امام بزرگوار در این کشور برقرار کرد، نیازی ندارد که روشهای زندگی خود را از دیگران تقلید کند و یاد بگیرد؛ زیرا دارای فرهنگ غنی و عمیقی است. اسلام را دارد، آموزشهای قرآنی را دارد، دستورات الهی را دارد، سنتهای اصیل ملی و بومی خود را دارد و میتواند یک زندگی شیرین، زیبا، باشکوه، مرفه و همراه با عزت را برای خود ترتیب دهد. تفاوت شکل نظام اسلامی‌ای که امام بزرگوار در این کشور مستقر کرد، با نظام فاسدی که قبل از نهضت امام بزرگوار و قبل از وقوع معجزه‌ی عظیم زمان ما در این کشور مستقر بود، اینقدر عمیق و آشکار است. وقتی نگاه کنید و دقت نمایید، ببینید که همه‌ی نقاط منفی‌ای که در نظام منحط پهلوی بر ملت ایران تحمیل شده بود و جزو خصلتهای ذاتی آن نظام سیاسی بود، در نظام سیاسی‌ای که امام بزرگوار در این کشور به وجود آورد، به تقاطعی که صد و هشتاد درجه با آن فاصله دارد، تبدیل شده است.

در نظام اسلامی، مردم به خودشان ایمان و اعتقاد دارند؛ نظام سیاسی برای خود احترام قائل است؛ زیر بار تحمیل قدرتمداران جهانی و سلطه‌ی استکباری نمی‌رود؛ استقلال کشور، متکی به منافع و مصالح خود این مردم است، نه متکی به خواست و مصالح بیگانگان؛ مسئولان کشور، منتخبان خود ملتند، نه تحمیل شده به وسیله‌ی اجانب، یا به وجود آمده در کودتاهای نظامی و با پول دشمنان. در آن نظام، مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خودشان، هیچ نقشی نداشتند؛ اما در نظام اسلامی، مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خودشان، همه‌ی نقش و تأثیر را دارا هستند.



طراحی نظام بر اساس هدفهای اسلامی و با ابعاد جهانی و بین‌المللی توسط امام

آنچه را که امام بزرگوار، با دست قدرتمند و معجز نشان خود به وجود آورد- که آن هم از ایمان و توکل و شخصیت مستحکم او سرچشمه میگرفت- بر اساس اسلام بود. یعنی هدفهای نظام اسلامی، هدفهای اسلامی است؛ هدفهایی است که در قرآن و اسلام تعریف شده است. روشها و برنامه‌های نظام اسلامی هم، همان مقررات و برنامه‌ها و احکامی است که در منابع اسلامی تبیین و معین شده است؛ یعنی نظام اسلامی، نظامی است که صددرصد برخاسته‌ی از اسلام است.

ادعا نمیکنیم که واقعیت جامعه، صددرصد منطبق با اسلام است- این، چیزی است که در بلندمدت باید تأمین شود- اما ادعا میکنیم که برنامه‌ها متخذ از اسلام است؛ روشها برخاسته‌ی از مقررات اسلامی است و هدفها، هدفهایی است که به وسیله‌ی اسلام، برای بشر و جوامع بشری و آحاد انسان تعریف شده است. لذا آن نکته‌ای که عرض شد، آشکار میشود؛ یعنی چون متکی به اسلام است، ابعاد آن از ابعاد ایران وسیعتر است. در این قریب نوزده سالی که از پیروزی انقلاب میگذرد، یکی از نکاتی که تبلیغات دشمنان همواره نسبت به نظام اسلامی مطرح کرده‌اند، عبارت از صدور انقلاب است. بارها هم مسئولان جمهوری اسلامی گفته‌اند که ما نمیخواهیم انقلابمان را به کشورها و در میان ملتها صادر کنیم؛ اما آنها باز هم تکرار میکنند! مقصود آنها از صدور انقلاب، همین است که وقتی نظام اسلامی بر مبنای احکام اسلام و هدفهای قرآنی تنظیم شده باشد- که شده است- در هر جای آفاق عالم که مسلمانی زندگی میکند، این نظام و این انقلاب را از خود میداند، به آن افتخار میکند و از عزتش، احساس عزت دارد.

امروز جمهوری اسلامی، در صحنه‌های سیاسی و بین‌المللی و در عرصه‌ی سازندگی کشور و در نمایشهای سیاسی عظیمی که این ملت به وجود می‌آورد مثل همین مسئله‌ی انتخابات، یا بقیه‌ی عرصه‌هایی که مردم در آن حضور پیدا میکنند سربلند است. هرگاه یکی از اینها به وجود می‌آید، یکی از نمونه‌های عزت و استقلال هم ظاهر میشود. هر جای عالم، مسلمانی زندگی میکند، وقتی این خبر را میشنود، احساس عزت میکند. چرا؟ چون نظام جمهوری اسلامی را متعلق به خودش میداند و این بخاطر آن است که امام بزرگوار طراح و معمار این انقلاب این نظام را بر اساس هدفهای اسلامی به وجود آورد

و به آن، جنبه‌ی فرامرزی و جهانی و بین‌المللی داد.

نمیتوانند این نظام را در چارچوب مرزهای ایران محبوس کنند. مسلمانان دنیا، این نظام را از خود میدانند و این همان چیزی است که استکبار را بشدت خشمگین میکند. اسم این را صدور انقلاب میگذارند؛ یعنی همان تعبیری که انقلابیون مارکسیست، در دهه‌های میانه‌ی قرن بیستم، به آن افتخار میکردند؛ در حالی که ما به آن معنا و به آن صورت، معتقد به صدور انقلاب نیستیم. وقتی که این انقلاب، اسلامی است، پس همه‌ی مسلمانان عالم، به آن علاقه‌مند و معتقدند و آن را از خود میدانند.

آثار شکوهمند انس امام با قرآن

ملاحظه کردید که امام بزرگوار در طراح‌ی این انقلاب و در تنظیم نظام سیاسی بر اساس این انقلاب - یعنی تشکیل حکومت و نظام جمهوری اسلامی - به فضل پروردگار و به هدایت الهی، روشی را برگزید که روش پیامبران و بندگان متصل به منبع غیب است. این، بخاطر آن است که امام، قرآن را دوست میداشت، خود شاگرد مکتب قرآن بود، با قرآن مأنوس بود، از قرآن استمداد میکرد و قرآن برای او برنامه‌ی زندگی به حساب می‌آمد. این، یکی از نتایج و آثار بزرگ و شکوهمند آن حقیقت است.

تبری امام از دو آفت «تجبر» و «انفعال» و گزینش راهی میانه

مطلب دومی که درباره‌ی امام است و من آن مطلب را امروز میخواستم عرض کنم و به اختصار در میان میگذارم، این است که چنین حرکت عظیمی، معمولاً و عادتاً با یکی از دو آفت «تجبر» یا «انفعال» مواجه میشود. چنین کار بزرگی، آفاتی دارد و آفت بزرگ چنین حرکت عظیمی با این ابعاد وسیع - همانطور که گفتم - یکی از دو آفت «تجبر» یا «انفعال» است.

منظور از تجبر مورد تبری امام

تجبر این است که، کسی که میخواهد کار بزرگی را با این عظمت انجام دهد، نتواند نیازهای زمان و لوازم هر لحظه لحظه‌ی زندگی یک ملت را از قرآن بشناسد و بخواهد

در یک وضعیت ایستا و بدون انعطاف، حکم نماید و کار کند و پیش برود. این، امکان‌پذیر نیست. معنای تحجر آن است که، کسی که می‌خواهد از مبانی اسلام و فقه اسلام، برای بنای جامعه استفاده کند، به ظواهر احکام اکتفا نماید و نتواند کشش طبیعی احکام و معارف اسلامی را، در آنجایی که قابل کشش است، درک کند و برای نیاز یک ملت و یک نظام و یک کشور- که نیاز لحظه‌به‌لحظه است- نتواند علاج و دستور روز را نسخه کند و ارائه دهد. این، بلای بزرگی است.

اگر در رأس نظام‌های سیاسی‌ای که براساس اسلام، یا تشکیل شده است، یا در آینده تشکیل خواهد شد، چنین روحیه‌ای وجود داشته باشد، یقیناً اسلام بدنام خواهد شد و منبع لایزال معارف و احکام اسلامی نخواهند توانست جامعه را پیش ببرند. امام، خود را از این آفت مبرا کرد. بخاطر طول سالهایی که فقهای شیعه و خود گروه شیعه، در دنیای اسلام به قدرت و حکومت دسترسی نداشتند و فقه شیعه، یک فقه غیرحکومتی و فقه فردی بود، امام بزرگوار، فقه شیعه را به سمت فقه حکومتی کشاند.

همچنان که اهل فن اطلاع دارند، در میان کتب فقهی شیعه، بسیاری از مباحثی که مربوط به اداره‌ی کشورند- مثل مسئله‌ی حکومت، مسئله‌ی حسبه و چیزهایی که با کارهای جمعی و داشتن قدرت سیاسی ارتباط پیدا میکند- چند قرن است که جایشان خالی است. بعضی از آنها، از اوایل هم در کتب فقهی شیعه، مورد تعرض قرار نگرفته است؛ مثل همین مسئله‌ی حکومت. بعضی مسائل مثل مسئله‌ی جهاد- که یک مسئله‌ی اساسی در فقه اسلام است- چند قرن است که از کتب فقهی استدلالی شیعه، بتدریج کنار گذاشته شده و در اغلب کتب فقهی استدلالی، مورد توجه قرار نگرفته است.

علت هم معلوم است. فقهای شیعه، در این مورد تقصیر یا قصوری نکرده‌اند. برای آنها، این مسائل مطرح نبوده است. شیعه، حکومت نداشته است. فقه شیعه، نمی‌خواسته است جامعه‌ی سیاسی را اداره کند. حکومتی در اختیار او نبوده است که جهاد بخواهد آن حکومت را اداره کند و احکامش را از کتاب و سنت استنباط نماید. لذا فقه شیعه و کتب فقهی شیعه، بیشتر فقه فردی بود؛ فقهی که برای اداره‌ی امور دینی یک فرد، یا حداکثر دایره‌های محدودی از زندگی اجتماعی، مثل مسائل مربوط به خانواده و امثال آن کاربرد داشت.

شاید بشود به جرأت گفت که فقه شیعه، عمیقترین فقه‌های اسلامی است. یعنی کتب فقهی فقهای امامیه، از لحاظ عمق، از همه‌ی کتب فقهی‌ای که ما دیده‌ایم، بطور معادل عمیقتر و دقیقتر است؛ اما این مباحث و این گرایش در زمینه‌های مختلف، در آن وجود نداشته است.

فقه حکومتی و پویای امام؛ نقطه‌ی مقابل تحجر

امام بزرگوار، فقه شیعه را از دورانی که خود در تبعید بود، به سمت فقه اجتماعی و فقه حکومتی و فقهی که میخواهد نظام زندگی ملت‌ها را اداره کند و باید پاسخگوی مسائل کوچک و بزرگ ملت‌ها باشد، کشاند. این، یعنی نقطه‌ی مقابل آن آفتی که گفتیم تحجر است. حتی در اواخر سالهای عمر بابرکت امام بزرگوار، مسائلی که به ظاهر جزئی مینمود- اما با توجه به اینکه یک خط و یک سمتگیری را به فقهای شیعه نشان میداد، بسیار مهم بود- پیش آمد و ایشان باز هم نشان داد که آن کسی که میخواهد نظام را اداره کند؛ آن فقهی که میخواهد یک ملت یا مجموعه‌ی عظیمی از انسانها و ملت‌ها را اداره کند، بایستی بتواند شرایط زمان را بشناسد و پاسخ هر نیازی را در هنگام آن نیاز، به آن بدهد و نمیتواند در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و همه‌ی مسائل زندگی مردم، نقطه‌ای را بی‌پاسخ بگذارد.

منظور از انفعال مورد تبری امام

آفت دومی که در چنین مواردی، مسئولان و رهبران و گردانندگان اجتماعات را تهدید میکند، این است که آنها را دچار انفعال و خودباختگی کنند و در موضع تأثیرپذیری ناخواسته از اراده‌ی دیگران قرار دهند. امام بزرگوار، در مقابل این آفت دوم هم مثل کوه ایستاد. آن چیزی که باید مورد توجه قرار گیرد و من اصرار دارم که مردم عزیز ما- بخصوص جوانان- و همچنین مسئولان بخشهای مختلف نظام مقدس جمهوری اسلامی به آن توجه کنند، این است که دشمنان نظام جمهوری اسلامی، وقتی نمیتوانند در میدان مبارزه‌ی رویاروی، کار مؤثری با این نظام انجام دهند؛ یعنی نمیتوانند به آن ضربه‌ی نظامی بزنند؛ نمیتوانند انفجار داخلی درست کنند؛ نمیتوانند ضربه‌های امنیتی بزنند؛ نمیتوانند با محاصره‌ی اقتصادی، آن را به زانو درآورند- وقتی از همه‌ی اینها

مأیوس میشوند- یک راه برایشان باقی میماند و آن، این است که نظام اسلامی و انقلابی را به مواضعی برخلاف اصول خود سوق دهند، یا به عبارت ساده‌تر و روش‌تر، آن را وادار کنند که از گفته‌های خود در زمینه‌ی مسائل انقلاب برگردد؛ حرف و مواضع خود را تخطئه کند و خودش را دچار تناقض نماید! این را از چه راهی انجام می‌دهند؟ از راه فشارهای تبلیغاتی، فشارهای سیاسی، فشارهای فرهنگی. جو را آنچنان از فشار انباشته می‌کنند که انسانهای ضعیف‌النفس، در مقابل این فشار نمیتوانند مقاومت کنند.

قاطعیت و استقامت امام؛ نقطه‌ی مقابل انفعال

اگر بخواهیم یکی، دو مثال در زمینه‌ی مسائل سیاسی عرض کنیم، باید بگوییم که تا ده، پانزده سال قبل، مسئله‌ی فلسطین در دنیای اسلام، مسئله‌ای بود که همه به نام آن شعار میدادند؛ بعضی صادقانه‌تر، بعضی همراه با ظاهرسازی؛ ولی به هر حال، همه‌ی حکومت‌های اسلامی، شعار مسئله‌ی فلسطین را اقلأً به زبان میگفتند و تکرار میکردند. فشار استکبار و دشمنان شروع شد. یعنی همان کسانی که از اول، بانی غصب کشور فلسطین از یک ملت - یعنی ملت فلسطین - و سپردن آن به دست یک مجموعه‌ی مهاجر و دروغین و یک ملت ساختگی بودند، شروع به فشار آوردن بر روی دولت‌ها و شخصیت‌ها کردند.

ملت کنونی صهیونیست اشغالگر، یک ملت ساختگی است. هیچ عنصری از عناصر اصلی یک ملت در اشغالگران نیست، از جاهای مختلف عالم، با دیدگاه‌های مختلف، با مناشی اجتماعی مختلف و با عقاید گوناگون آمده‌اند؛ صرفاً از جهت اینکه به نژاد بنی اسرائیل اتصال و ارتباط دارند! قرن‌ها از هم جدا بوده‌اند، ولی آنها را بعنوان یک ملت تلقی کرده‌اند. یک ملت تصنعی و دروغین؛ برای اینکه بتوانند در این نقطه‌ی حساس از جهان - یعنی قلب خاورمیانه و قلب جهان اسلام - پایگاهی برای استکبار باشند. روز اول، انگلیسی‌ها آنها را به وجود آوردند؛ امروز هم رژیم امریکا حداکثر استفاده را از آن میبرد و اهداف استکباری خود را تأمین میکند.

همان‌هایی که این زمینه را به وجود آورده‌اند، شروع به ایجاد فشارهای تبلیغاتی و سیاسی بر روی دولت‌ها و شخصیت‌ها و نظام‌های سیاسی کرده‌اند و باب گفتگوهای پشت

پرده و رشوه دادن‌ها و رشوه گرفتن‌ها را باز گشوده‌اند و کاری کرده‌اند که این شعار عمومی مسلمانان را بتدریج از زبان دولت‌ها بگیرند؛ و آلا از ملت‌ها که نمیتوانند بگیرند. همان کسانی که پانزده یا بیست سال قبل، دولت صهیونیست را بعنوان دولت غاصب، مورد قطع رابطه و محاصره‌ی اقتصادی قرار داده بودند، امروز برای ایجاد ارتباط اقتصادی با او، مسابقه میگذارند! این، همان انفعال است. فشار گوناگون دستگاه‌های متمرکز استکبار، چه از لحاظ تبلیغات و چه از لحاظ مسائل اقتصادی و غیره، بقدری بر اینها بطور متوالی وارد می‌آید، که احساس میکنند ناچارند عقب‌نشینی کنند، و عقب‌نشینی میکنند. این، خودباختگی و انفعال در زمینه‌ی مسائل سیاسی است.

همین قضیه، به شکل بسیار خطرناکتر، در زمینه‌ی مسائل اعتقادی و مواضع اصولی مطرح میشود. در اواسط این قرن، بسیاری از کسانی که با آتکا به موج چپ، در آفریقا و آسیا، انقلابها و نظامهایی به وجود آوردند، بعد از گذشت پنج سال، ده سال، پانزده سال، زیر فشار دشمنان مسلط و دارندگان زر و زور و بوقهای تبلیغاتی، همه‌ی مواضع اصولی خودشان را از دست دادند و بتدریج به آنها نزدیک شدند! فقط اسم‌هایشان با هم فرق داشت؛ اما باطنشان یکی بود.

خطر بزرگی که انقلابها و اصالت ملت‌ها را تهدید میکند، این خطر است. خطر بزرگی که صاحبان فکر و اندیشه را در کشورها تهدید میکند، این خطر است. امام، در مقابل این خطر، مثل کوه استوار ایستاد؛ «کالجبل لا تحرکه العواصف». از ساعت اول، از نام نظام جمهوری اسلامی بگیرید، تا بقیه‌ی قضایا. آن روزها معمول بود که کلمه‌ی «دمکراتیک» را در کنار نام جمهوری بیاورند؛ یعنی یک کلمه‌ی غربی، دارای محتوای دوگانه. هم غربیها ادعا میکردند که ما دمکراتیک هستیم، هم کشورهای سوسیالیستی و شرقی آن روز میگفتند ما دمکراتیکیم! در دنیا مُد بود که اسم کشورها و نظامهای سیاسی را دولت دمکراتیک فلان‌جا بگذارند. اصرار داشتند که این کلمه را بر کلمه‌ی جمهوری اسلامی اضافه کنند. البته صرف اضافه کردن یک کلمه نبود؛ دنباله‌ی این اضافه کردن، خیلی از حرف‌ها و مسائل وجود داشت که امام با آن دید تیزبین خود دید.

امام از اول اعلام کرد: «جمهوری اسلامی؛ نه یک کلمه کم، نه یک کلمه زیاد».

ره، رهرو، رهبر / ۵۱۷

جمهوری اسلامی، همان است که انسان از قرآن میگیرد. در هر مرحله‌ای، بخصوص در سالهای اول که هنوز قاطعیت امام بزرگوار برای تصمیم‌گیرندگان جهانی در داخل دولتهای استکباری، درست معلوم نشده بود، از این فشارها زیاد می‌آوردند؛ ولی البته بعدها مایوس شدند. این، آن نکته‌ای است که همه باید توجه داشته باشند.

راه امام؛ راه میانه‌ی تحجّر و خود باختگی

راه میان تحجّر و خودباختگی، راهی بود که امام انتخاب کرد. این، درس بزرگ امام بود و توانست این انقلاب را نجات دهد. امروز هم به فضل پروردگار، همان راه و همان خط در این کشور مجرا و معتبر است و مسئولان و فرزندگان و بزرگان و علما و سیاستمداران و جوانان کشور و آحاد ملت، بر روی همین خط حرکت میکنند. رحمت خدا بر آن روح پاک و فکر بلندی که راه را درست تشخیص داد، درست حرکت کرد و به نتایج درست آن دست پیدا کرد.

در دیدار میهمانان خارجی شرکت‌کننده در هشتمین سالگرد ارتحال امام خمینی(ره)، ۱۳۷۶/۳/۱۵

تمسک امام به اسلام بعنوان هدف؛ نه وسیله

امام بزرگوار ما، بلاشک یک شخصیت برجسته و استثنایی و باعظمت بودند. ما قادر نیستیم، خصوصیات را که در شخصیت آن بزرگوار بود، به زبان ادا کنیم. بلکه باید به مرور متفکران و روشنفکران و هنرمندان، با ملاحظه‌ی حرکت امام و کار امام و منش امام، به مرور به ابعاد آن عظمت پی ببرند. اصراری هم نداریم که در این زمینه خیلی پافشاری کنیم؛ حقیقتی است که مثل خورشید برای ما آشکار است. اما همین شخصیت با این عظمت، مهمترین و بزرگترین وسیله‌ای که توانستند با آن، پیروزی خود را تضمین کنند، تمسک به اسلام بود. البته برای امام، اسلام هدف بود، نه وسیله. اگر حتی امام بزرگوار ما با آن شخصیت درخشان، خود را از اسلام کنار می‌گرفتند، و اگر اینطور وانمود میکردند که اهدافشان، اهداف اعم از اسلامی و غیراسلامی است - که اینطور نبود - بلاشک این پیروزی نصیبشان نمیشد.

در این کشور، مردم حتی امام را بخاطر اسلام میخواستند؛ لذا پشت سر ایشان

ایستادند و آن مرد بزرگ، رسالت و وظیفه‌ی خود را تمام و کمال انجام دادند و آن حرکتی که برای این ملت مقدّر بود، به بهترین وجهی انجام گرفت. همه جای دنیا این است و همه‌ی ملتها همینطورند.

در دیدار با میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی در سالروز میلاد خجسته‌ی پیامبر اکرم(ص)
و امام جعفر صادق(ع)، ۱۳۷۶/۰۵/۰۱

توطئه مجدد و خطرناکِ تفرقه بین مذاهب؛ پس از خنثی شدن توطئه قبلی توسط امام

من به چشم خود، دستهای توطئه‌گری را میبینم که بخصوص در سالهای اخیر بعد از حمله‌ای که پس از پیروزی انقلاب شروع کردند؛ اما با حرکت قاطع انقلاب اسلامی و رهبر عظیم‌الشأن و امام بزرگوار ما خنثی شد به شکل بسیار خطرناکی، برای ایجاد تفرقه بین مذاهب و مسلمین تلاش میکنند.

در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری حجت‌الاسلام والمسلمین «سیدمحمد خاتمی»، ۱۳۷۶/۵/۱۲

حرکت ملت در راه امام و محبوبیت وی نزد ملت

این مردم، بر هیچ‌کس هم منت ندارند. احساس تکلیف میکنند و وارد صحنه میشوند. در آینده هم به خواست خدا، همینطور خواهد بود. البته مستبعد است که ما در آینده، تجربه‌ی نظامی داشته باشیم؛ ولی اگر فرض کنیم باز یک فرد یا نظام غافلِ خدازده‌ای به فکر این بیفتد که با این مردم زورآزمایی نظامی کند، باز سر و کارش با همین ملت، همین جوانان، و همین مؤمنان فعالی است که در همه جا ایمانهای خودشان را نشان میدهند. ملت در انتخابات نشان داد؛ در صحنه‌های سیاسی، در راهپیماییها و در موضعگیریها هم نشان میدهد. این ملت، سرمایه‌ی بزرگی است و این ملت، با امام است؛ در راه امام است. الآن هم محبوبترین انسان در میان این ملت و در دل‌های ایشان، امام بزرگوار ما، امام خمینی است.

مردم‌مداری حضرت امام

من در چند دوره‌ای که امام بزرگوارمان حکم ریاست جمهوری- آرای مردم- را

ره، رهرو، رهبر / ۵۱۹

تنفید میکردند، در فرمایشات ایشان نگاه کردم و دیدم بطور مستمر- با هر کس که طرف بوده‌اند- راجع به مردم و ملت صحبت کرده‌اند. این، همان حکمتِ امام است؛ همان چیزی است که ما هر طور نگاه و مطالعه میکنیم، میبینیم این درست است، این بهتر است. بخصوص قشرهای مستضعف، قشرهای فقیر و ضعیفای مردمند که نیروهای وفادار و ماندگار انقلاب و امام و دولتهای مختلف بوده‌اند و هستند و خواهند بود. عزیزانی که ان‌شاءالله در آینده‌ی نزدیک مسئولیت بر عهده میگیرند، باید هرچه میتوانند از این ذخیره‌ی دائمی استفاده کنند و تا آنجا که قدرت دارند، برای آنها خدمت و کار کنند. وضع کنونی، بحمدالله این است. این، کشوری است که گامهای اساسی و بلندی برای بازسازی، در آن برداشته شده است.

در دیدار ایثارگران، در سالروز ورود آزادگان به میهن اسلامی، ۱۳۷۶/۵/۲۹

تلاش و کوشش؛ بزرگترین افتخار و درس امام

امروز حرف اصلی من به شما عزیزان و همه‌ی ملت ایران این است که به هیچ فردی، به هیچ ملتی و به هیچ جمعیتی، از خزانه‌ی غیب الهی هیچ چیز نمیدهند، مگر با تلاش و کوشش. ملتهای تنبل و بیحال، از افتخارات ملی نصیبی نخواهند برد. مجموعه‌های بی‌همت و بیکاره، به خدمات و به شایستگیهای بزرگ دست نخواهند یافت. افرادی که نخواهند تلاش کنند و زحمت بکشند، در بازار معنویت و در سودای عشق و ایمان و تقوا و فضایل معنوی، چیزی گیرشان نخواهد آمد: «لیس للإنسان إلا ما سعی».

سعی».

بزرگترین گناه سردمداران و سلاطین و حکام فاسد در جوامع بشری و در گذشته‌ی ایران عزیز ما این بوده است که مردم را از این حقیقت بیگانه نگه داشتند و آنها را به سمت کار و تلاش و فداکاری و ایثار سوق ندادند. بزرگترین افتخار انقلاب اسلامی آن است که این درس را به مردم داد، این راه را در مقابل مردم باز کرد و امام راحل و بزرگوار- آن رهبر عظیم‌الشأن استثنایی بی‌نظیر زمان ما- بزرگترین افتخارش این بود که

خود در این راه پیشقدم بوده و حرکت کرده است. نشست که به دیگران بگوید شما بکنید. خودش در پیشاپیش حرکت عمومی ملت ایران و جلوتر از همه راه افتاد.

در دیدار رئیس‌جمهور و هیأت وزیران به مناسبت آغاز هفته‌ی دولت، ۱۳۷۶/۶/۲

بزرگترین هنر امام در گزینش لشکر خویش

عزیزان من! هر انسان عاقلی و هر مجموعه‌ای باید بگردد، لشکریان با اخلاص و با صدق خودش را جستجو کند. امام بزرگوار ما، بزرگترین هنرش این بود که لشکر خود را شناخت و پیدا کرد و دانست که در روز بعد، چه کسی به داد او خواهد رسید و چه کسی سخن او را خوب گوش خواهد کرد. شما ببینید چه کسانی به سخنان امام گوش کردند؟ خوشبختانه صحنه‌ی جنگ تحمیلی که از چندین سو برای ما درس است، از این جهت هم برای ما درس است. آن روزی که امام در سال پنجاه و هشت سر قضیه‌ی پناه کلمه‌ای گفتند، ساعت حدود سه و نیم، چهار بعدازظهر بود که من به طرف جماران میرفتم. اصلاً قیافه‌ی شهر، قیافه‌ی دگرگون‌شده‌ای بود و مردم همینطور بی‌اختیار راه افتاده بودند. این حالت، تقریباً با فراز و نشیبها و کم و زیادهایی، تا سال شصت و هفت ادامه داشت. وقتی که امام اشاره‌ای میکرد، فریادی میکشید و دستوری میداد، چه کسانی میرفتند؟ آنها لشکر حقیقی شمايند؛ آنها را دریابید.



فتوای امام بر «منع حیل ربا»؛ الگویی برای جلوگیری از قانون‌گریزی

بعضی قانون را طوری عمل میکنند که اصحاب سبت عمل کردند! اصحاب سبت هم عین مَرّ قانون عمل کردند؛ یعنی خدا گفته بود روز شنبه ماهی نگیرید، اینها هم روز شنبه ماهی نگرفتند. بله؛ کار کوچکی کردند که آن هم رسماً منع نشده بود و آن، این بود که حفره‌هایی درست کردند، ماهیها داخل آن حفره‌ها آمدند، راه آن حفره‌ها را در روز شنبه بستند، تا ماهی نتواند برگردد! روز شنبه این کار را کردند، روز یکشنبه همان ماهیها را گرفتند! این، ظاهر قانون است. اگر شما نگاه کنید، این مثل همان کلاه شرعیهایی است که یک ربای سنگین کذایی را با یک شاخه نبات جابه‌جا میکردند! قانون بود، ظاهر شرع بود؛ اما امام بزرگوار (رضوان‌الله علیه) که یک فقیه قوی آگاه به لب و روح دین بود، قبل از

ره، رهرو، رهبر / ۵۲۱

اینکه تشکیل حکومت بدهد، این را منع کرد. جزو فتاوی ایشان- که در دوران مبارزه، ما به آن فتوا افتخار میکردیم و همه جا هم نقل مینمودیم- منع حیل ربا بود. ایشان مطلقاً حیل ربا را منع کرد. شما آقایان، حیل قانون را هم منع کنید و جلوش را بگیرید. بعضی از شرکتها و بعضی از مجموعه‌های علی‌الظاهر قانونی، حامل باطن اصحاب‌السبّتی هستند. مواظب باشید کسانی که میخواهند از قانون بگریزند، شما را به این دام نیندازند؛ نیابند شما را قانع کنند که این کار قانونی است.

افزایش عبادت و تضرع امام علی رغم افزایش سن

با اینکه امام (رضوان‌الله علیه) از سابق هم اهل عبادت بود- ما شنیده بودیم و اطلاع داشتیم- اما این اواخر که به پایان عمر خود نزدیکتر میشد، با اینکه انسان وقتی پیر و خسته میشود، همچنان که همه‌ی کارهای دیگر برایش سخت میشود، نماز خواندن و عبادت کردن و دعا خواندن هم سخت میگردد، و جوان همچنان که ورزش را راحت میکند، عبادت را هم راحت‌تر انجام میدهد و نماز را هم راحت‌تر میخواند- درعین حال پیری و از کارافتادگی تضرع و توجه و اهتمام و گریه‌اش هم بیشتر میشد و خدای متعال هم به همان نسبت، کارها را درست میکرد و جور می‌آورد.

در دیدار پرستاران و جانبازان به مناسبت روز پرستار، ۱۳۷۶/۶/۱۹

نقشه‌ی دشمن؛ در مقابل هم قرار دادن متمسکین به خط امام

نکته‌ی قابل توجهی هم به مناسبت هفدهم شهریور عرض کنم، که این روزها، روزهای ماندگاری در تاریخ ماست. من از روز هفدهم شهریور سال ۱۳۵۷ خاطره‌ای در ذهن دارم. قبل از آنکه این حادثه‌ی خونبار در تهران اتفاق بیفتد، سیاست رژیم ستمشاهی به دنبال این بود که مبارزان و به تبع آن ملت ایران را، به تندر و کندرو، افراطی و معتدل تقسیم کند. این، نکته‌ی خیلی قابل توجهی است که امروز مثل آینه‌ای، همه‌ی عبرتها را به ما درس میدهد. کسی که روزنامه‌های آن وقت و اظهارات مسئولان رژیم ستمشاهی را مطالعه میکرد، میفهمید که اینها میخواهند کسانی را که در مقابل آنها هستند و مبارزه میکنند، از هم جدا کنند. عده‌ای را که طرفداران و علاقه‌مندان مخلص

امام بودند و راه امام را علناً اظهار میکردند، بعنوان تندرو و افراطی و متعصب معرفی میکردند. در مقابل اینها هم، بعضی از کسانی را که علاقه‌مند به مبارزه بودند، ولی خیلی جدی در آن راه نبودند، یا جدی بودند، ولی دستگاه آنطور خیال میکرد اینها جدیتی ندارند، بعنوان افرادی که معتدلند و با اینها میشود مذاکره و صحبت کرد، معرفی میکردند. من در آن روز این احساس خطر را کردم. آن زمان من در جیرفت تبعید بودم. شاید روز چهاردهم یا پانزدهم شهریور بود. به یکی از آقایان معروف که در قم بود، نامه‌ای نوشتم و این سیاست رژیم را برای آن آقا تشریح کردم و گفتم اینها با این تدبیر خبثت‌آمیز میخواهند بهانه‌ای برای سختگیری بر مخلصان و عشاق امام بزرگوار بدست آورند و شما را بدون اینکه خودتان بخواهید، در مقابل آنها قرار دهند.

ممکن است در زمینه‌های گوناگون و در برخی از سیاستهای اجرایی کشور، سلاقی مختلف باشد. طبیعت بشر است؛ مانعی ندارد و غیر از این نمیشود توقع داشت. البته یک مدیر، یک طور ممشایی دارد، یک مدیر دیگر در اداره‌ی دیگر، ممشای دیگری دارد؛ اما بحمدالله همه‌ی مسئولان در همان راهی هستند که امام بزرگوار از اول آن را اعلام کرد و پایه‌های آن را مستحکم نمود و نظام مقدس جمهوری اسلامی را بر آن اساس به وجود آورد.

در دیدار با فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶/۶/۲۶

علت توصیه‌ی امام به خواندن وصیتنامه‌ی شهدا

ببینید جوانی چه ظرفیتی دارد! ببینید جوانی چه شور و شوق و عظمت و گنجایشی دارد! چطور میشود در جوانی، بالاترین مقامات معنوی را طی کرد؟! یکبار دیگر در زمان ما، در همین جبهه‌هایی که شما آن را تجربه کردید، این اتفاق افتاد. اینکه امام یک وقت فرمودند «این وصیتنامه‌ها را بخوانید» به همین خاطر است. من چون خودم وصیتنامه‌ها را میخواندم - و الآن هم هر وقت بدستم بیاید، میخوانم - فهمیده‌ام که امام چرا این نکته را فرمودند. زیرا در این وصیتنامه‌ها، گاهی مطالبی وجود دارد که یک دنیا عرفان حقیقی و ناب است. یعنی حتی عرفای برخوردار از علوم دینی و علوم ظاهری، که طبعاً امکان عروج و رشدشان بیشتر است و قهراً پاکیزه‌ترند - نه یک عارف سالکی که معرفتی از

ره، رهرو، رهبر / ۵۲۳

لحاظ علوم دینی ندارد- آنچه را که بعد از مثلاً چهل، پنجاه سال مجاهدت، در سن هفتاد سالگی، هشتاد سالگی احساس و درک و مشاهده میکنند، یک جوان به برکت فداکاری مخلصانه، در مدت چند ماه بدست می آورد. چیز عجیبی است! ببینید چطور نعمت الهی، بیدریغ به سمت دل‌های بااخلاص روانه میشود!

تقوا؛ عامل پیروزی و حفظ امام

تقوا مایه‌ی این است که یک فرد یا یک جامعه، در هر میدانی که وارد میشود، موفق شود. «والعاقبة للمتقين»؛ عاقبت این سیر عظیم تاریخی و جهانی، متعلق به متقین است. آخرت هم متعلق به متقین است. عاقبت همین دنیا هم متعلق به متقین است. امام اگر باتقوا نبود، در طول این مبارزه نمیتوانست آن منش و شخصیتی را از خود بروز دهد که برای چنین حرکت عظیمی محور شود و کار به اینجا منتهی گردد. تقوای او، او را به اینجا رساند. تقوای او، او را حفظ کرد.

اثر رعایت انواع تقوا در عمل دقیق به برنامه‌های ترسیمی امام

تقوا در امور زندگی هم اثر میبخشد. در این دستگاه عظیم و در این سپاه مقدس- که به تعبیر امام (رضوان الله تعالی علیه) لشکر امام زمان و لشکر اسلام است- سعی کنید در تمام زوایا تقوا را زنده کنید؛ تقوا در عمل فردی، تقوا در عمل جمعی، تقوای کاری، تقوای سازمانی، تقوای سیاسی- آنجایی که جایش هست- تقوا در عمل فردی خود، در رابطه با خدا، در رابطه با انسانها، در رابطه با بیت‌المال و در رابطه با کار. اگر این شد، از همه‌ی آنچه که بعنوان برنامه‌ی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی از اول تا بحال ترتیب داده شده است، و نیز از آنچه که امام بزرگوار ترسیم کرده است و همه‌ی ما ملت ایران آن را پذیرفته‌ایم، به کوری چشم دشمن، یک سر سوزن عقب و جلو نخواهد رفت و همان برنامه‌ها عیناً انجام خواهد شد.

خط امام؛ صراط مستقیم همیشگی انقلاب

خیال نکنید که چون دوران حیات ظاهری امام (رضوان الله علیه) به سر آمد، برنامه‌ها تغییر کرد و اوضاع طور دیگری شد. بعضی آدمهای بی‌خبر و غیرمطلع و یا مغرض، سعی میکنند که با تعبیرات گوناگون فاصله ایجاد کنند. یعنی اینطور وانمود کنند که یک دوره، دوره‌ی امام بود و تمام شد؛ یک دوره هم دوره‌ی جاری است! یعنی دوره‌ها را تقسیم‌بندی میکنند. نخیر؛ آدمها می‌آیند و می‌روند؛ مسئولان می‌آیند و می‌روند و عوض میشوند؛ شخصیتها دگرگون میشوند؛ اما خط و راه انقلاب یک راه است: خط مستقیم و صراط مستقیم؛ همانی که انقلاب از روز اول در همه‌ی قضایای مهم جهانی ترسیم کرده است.

بحمدالله مسئولان و دولتمردان و کسانی که زمام امور را در دست گرفته‌اند، همه مؤمن، معتقد و عاشق همین راهی هستند که به برکت رهبری امام بزرگوار پیموده شد؛ بعد از وفات ایشان هم تا امروز پیموده شده است؛ بعد از این هم ان شاء الله تا آخر پیموده خواهد شد. به برکت تقوا، شما در تمام اینها موفق خواهید شد.

در اجتماع باشکوه مردم کرج، ۲۴/۰۷/۱۳۷۶

چهره‌ی امام و انقلاب در جوامع غیرمسلمان

اگر شما به کشورهای امریکای لاتین و در میان جوامع مسیحی جوامعی که کمترین ارتباطی با ایران و اسلام ندارند بروید، خواهید دید که نام انقلاب و نام مبارک امام بزرگوار این انقلاب حضرت امام خمینی شناخته شده است. از همه‌ی اکناف عالم، دهها کتاب و رساله و صدها مقاله و شعر و قطعه‌ی ادبی از ادبیاتها و فرهنگهای گوناگون در عظمت این انقلاب صادر شده است.

اتحاد و همدلی مردم با مسئولین معتقد به خط امام

بحمدالله این بخش دوم هم یعنی اتحاد و همدلی میان مردم و مسئولان از اول انقلاب بوده است؛ بخصوص از آن وقتی که عناصر بیگانه‌طلب و بیگانه‌پرست، شرّ خودشان را از این انقلاب کم کردند و رفتند و نیروهای مؤمن و نیروهای خط امام،

ره، رهرو، رهبر / ۵۲۵

زمینه‌ی حضور بیشتری پیدا کردند. از سال ۱۳۶۰ به این طرف، همیشه همینطور بوده است. مردم با مسئولان مهربانند، به مسئولان علاقه‌مندند؛ مسئولان هم خود را خدمتگزار مردم میدانند.

در همایش بزرگ خواهران در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر، ۱۳۷۶/۷/۳۰

آثار بینش امام (ره) در مورد تجلیل از زن

بعد از پیروزی انقلاب، درباره‌ی مسئله‌ی زن و تلاش برای دفاع از حقوق زنان، فعالیت‌های زیادی شده است. در حقیقت باید گفت که بعد از انقلاب، از زن ایرانی تجلیل شده است. پیشقراول این تجلیل هم امام بزرگوار بود که با همه‌ی وجود برای زن ایرانی مسلمان ارزش و احترام قائل بود. همین بینش بود که موجب شد زنان کشور در انقلاب اسلامی سهم بزرگی را ایفا کردند؛ بطوری که اگر حضور زنان در نهضت انقلابی ملت ایران نمی‌بود، به احتمال زیاد این انقلاب به این شکل پیروز نمی‌شد؛ یا اصلاً پیروز نمی‌شد، یا مشکلات بزرگی در سر راه آن پدید می‌آمد. بنابراین، حضور زنان مشکل‌گشا بود. در جنگ هم همینطور بود، در مسائل دیگر از اول انقلاب تا بحال هم همینگونه بوده است.

در دیدار با گروه کثیری از دانش‌آموزان، دانشجویان و اقشار مختلف مردم
به مناسبت یوم‌الله سیزده آبان، ۱۳۷۶/۸/۱۴

همکاری جوانان در انتشار افکار امام در سه مقطع از تاریخ انقلاب

امام بزرگوار ما، سخنرانی تاریخی و تعیین‌کننده‌ی خودشان را درباره‌ی مصونیت قضایی مستشاران و عناصر امریکایی در ایران، ابتدا در میان یک جمع جوان ایراد کردند و جوانان بودند که ابتدائاً در حوزه‌ی علمیه‌ی قم و سپس در همه‌ی کشور، این پیام را منتشر کردند و به گوش همه رساندند و در طول سالهای متمادی، بتدریج آن را بصورت یک مسئله‌ی اصلی در مبارزه‌ی بزرگ ملت ایران درآوردند، و آلا مردم از قضیه‌ی مصونیت قضایی مستشاران امریکایی در ایران اطلاعی نداشتند؛ اهمیت این مسئله را هم که در فرهنگ سیاسی رایج روز به آن «کاپیتولاسیون» گفته میشود، میدانستند چقدر است و برای حیثیت ملی چقدر بزرگ و مضر است. امام این را مطرح کردند و جوانان حوزه‌ی علمیه آن را منتشر نمودند؛ بعد در سراسر کشور و در محافل عناصر مؤمن و

مبارز، بصورت یک مسئله‌ی اصلی و به شکل یک فرهنگ درآمد. اگر چه بخاطر این قضیه امام را تبعید کردند، ولی فکر در میان مردم باقی ماند و رشد کرد و ریشه‌دار شد، تا اینکه در سیزدهم آبان سال ۱۳۵۷ یک عده جوان دانش‌آموز، به مناسبت سالروز دستگیری و تبعید امام، آن تظاهرات پُرشور را به راه انداختند و دهها نفر از آنها به شهادت رسیدند. باز قضیه روی دوش جوانان پیش رفت و شدت و کیفیت پیدا کرد. باز در سال بعد از آن - یعنی در آبان ۱۳۵۸، سال اول پیروزی انقلاب - مجدداً جوانان بودند که نقطه‌ی اساسی حضور امریکاییها را در محلی که به نام سفارت معرفی شده بود؛ اما در حقیقت کانون توطئه و سازماندهی ضد انقلاب در تهران محسوب میشد، بدرستی شناختند، به آن حمله کردند و آن محل را تسخیر نمودند.

امروز به فضل الهی، بخاطر انعکاس فریاد شما مردم و انعکاس فریاد این انقلاب در دنیا کارهای بزرگی شده است که امریکاییها هم از همین میترسند، و آلا اگر شما ملت ایران را، اجتماعات عظیم را، فریاد امام بزرگوار را و آنچه را که در طول این هجده سال بعد از انقلاب تا امروز انجام شده است، از دنیا بگیرید و آن را حذف کنید، خواهید دید حکومت دیکتاتوری مطلق ایالات متحده‌ی امریکا بعنوان بزرگترین مستکبر جهانی در دنیا یک حکومت بی‌رقیب بلامنازع و بدون مناقشه که حتی کسی به او نمیگفت بالای چشمت ابروست و تملّش را هم میگفتند بزرگترین ضربه را خورده است.

امام؛ افشاگر تحقیر ملت ایران توسط عناصر امریکایی

چند صد هزار امریکایی در این کشور - عمدتاً در تهران - در حساسترین مراکز بودند؛ حقوقهای کلان از کیسه‌ی این ملت میگرفتند، میخوردند و ملت را تحقیر میکردند. اگر شما بخواهید بدانید چگونه تحقیر میکردند، به نطق امام در سیزدهم آبان چهل و سه مراجعه کنید. امام در آنجا قضیه‌ی تحقیر ملت ایران به وسیله‌ی عناصر امریکایی - نه به وسیله‌ی دولت امریکا - مثل استوار امریکایی در ایران را بیان کردند. منافع را میبردند، سیاستها را به وسیله‌ی حکام این کشور در منطقه دیکته میکردند و بسیاری از مقاصد خودشان را پیش میبردند.

ره، رهرو، رهبر / ۵۲۷

انقلاب اسلامی آمد، ناگهان یکجا این را از دست اینها گرفت. این، یک ضربه بر پیکر امریکا بود. سیاست اینگونه است که فوراً دستگامهای سیاسی، خود را با واقعیت وفق میدهند. رژیم امریکا ضربه را خورد؛ لیکن به فکر افتاد که با این واقعیت خودش را وفق دهد. گفتند چکار کنیم؟ نقشه این شد که کاری کنند کسانی در این کشور با عنوان انقلاب بر سر کار بیایند، که رسماً انقلابی باشد، اما باطناً همان ارتباطات و روابط حسنه و بتدریج همان سلطه‌پذیری را داشته باشند. اول کار، همین هم شد و میخواست بیشتر بشود. اگر حضور قوی و تعیین‌کننده‌ی امام نمیبود، همانطور هم میشد. حادثه‌ی سیزدهم آبان پنجاه‌وهشت هم البته ضربه‌ی محکمی زد؛ امام هم مثل کوه استوار ایستادند. آنچه را که آنها فکر میکردند، به‌عکس شد؛ یعنی نه فقط انقلاب به رنگ امریکایی درنیامد، بلکه روح استقلال‌طلبی و جدایی از نفوذ روزافزون امریکا در مردم تقویت شد. این موجب شد که رژیم امریکا بطور دائم علیه ملت ایران توطئه کند.

در جمع بسیجیان به مناسبت هفته‌ی بسیج، ۱۳۷۶/۹/۵

یادگار معنوی و حکیمانه‌ی امام

بسیج، یکی از برکات انقلاب و از پدیده‌های بسیار شگفت‌آور و مخصوص این انقلاب است؛ این هم یکی از آن گنجینه‌های معنوی بی‌پایانی است که امام بزرگوار ما با دید الهی خود و با حکمتی که خدای متعال به او ارزانی کرده بود، برای کشور و ملت و انقلاب ما به یادگار گذاشت.

من از امام بزرگوار راحلمان که معلم و امام و محبوب بسیجیان کشور، بلکه محبوب همه‌ی انسانهای پاک‌نهادی بود که دل آنان در هر نقطه‌ی دنیا، به یاد یک معنویت و حقیقتی میتپید، مثالی برای شما بزنم.

نسخه الکترونیکی

معنا و نتایج تجهیز امام به اخلاص هرگونه بهره‌برداری بصورت چاپ و تکثیر ممنوع میباشد. عزیزان من! امام، آن کاری که کرد- و عظیمترین کاری بود که ما در زمان معاصر و نزدیک خودمان سراغ داریم- به برکت اخلاص بود؛ اخلاص! اگر اخلاص نبود، شخصیت عظیم و جوهر مستحکم امام هم برای اینکه این کارها را پیش ببرد، کافی نبود.

یک حکومت فاسد و ریشه‌داری را که همه‌ی قدرتهای استکبار هم از آن حمایت میکردند، از این سرزمین، از بیخ و بن برکنند؛ مردم را از شر آن حکومت راحت کند و یک حکومت الهی به وجود آورد! آن همه فساد را در جامعه با همین حرکت از بین ببرد و نفوذ دشمنان و تسلط امریکا را که دو قرن در تحقیر ملت ایران کوشیده بودند و در عقب‌نگه داشتش سعی بلیغ داشتند، قطع کند! اینها کارهای کوچکی نیست. بعد از پیروزی هم یک جنگ هشت ساله را که در واقع، همه‌ی قدرتهای مسلح دنیا پشتیبان جبهه‌ی مقابل ما بودند، با پیروزی ملت ایران تمام کند و این همه توطئه‌ها را خنثی نماید. این، جز به برکت اخلاص امام، ممکن نبود. بعد هم که از دنیا می‌رود، نُه میلیون انسان در خیابانهای تهران، او را مشایعت کنند، تا در مضجع و مقام ابدی، به خاکش بسپارند! اینها به برکت اخلاص بود. امروز هم بحمدالله، روزبه‌روز نام امام در دنیا بلندتر میشود و علاقه‌مندان و ارادتمندان او در اکناف عالم، رو به تزایدند.

اخلاص یعنی چه؟ اگر اخلاصی را که امام داشت و مایه‌ی آن، در دل همه‌ی شما هست - و مختصراً معنا خواهم کرد - شما هم داشته باشید، ما هم داشته باشیم، دست‌اندرکاران هم داشته باشند، امروز هم تمام توطئه‌های دشمن، نقش بر آب خواهد شد! آن سلاحی که هیچ دشمن مادی، قادر به مقابله‌ی با آن نیست، سلاح ایمان مخلصانه و عمل مخلصانه است. اخلاص یعنی اینکه انسان، کار را برای خدا و به عشق انجام وظیفه، انجام دهد. انسان برای هوای نفس، برای رسیدن به مال، به ثروت، به مقام، نام نیک، قضاوت تاریخ، برای انگیزه‌های نفسانی، برای اشباع صفت پلید حسد، طمع، حرص، زیاده‌طلبی و افزون‌طلبی کار نکنند! کار را برای خدا و محض انجام وظیفه بکنند. این، معنای اخلاص است. چنین کاری پیش می‌رود. اینگونه کاری مثل شمشیر برنده، هر مانعی را از سر راه برمی‌دارد. امام با این سلاح، مجهز بود. بارها گفت من نسبت به نزدیکترین نزدیکان خود هم، اگر قدمی برخلاف حق بردارند، اغماض نمی‌کنم و همینطور هم بود. در مواقع حساس نشان داد که آنچه برای او مطرح است، انجام وظیفه است. در آشکار، در خلوت، در کارهای بزرگ و کارهای کوچک، این را نشان داد. این درسی شد برای مریدان، فرزندان و شاگردان امام که با همین سلاح در جبهه‌های جنگ، آن روز آن معجزه‌ها را آفریدند! بعضی از شما در آن میدانها بودید، خودتان از نزدیک

آنها را دیدید، بعضی هم شنیدید. امروز هم به همان احتیاج است.

امام و انقلاب اسلامی؛ الگویی برای جهانیان

نظام اسلامی به همّت والای ملت ایران و آن رهبری الهی، توانسته است الگویی در دنیا درست کند که امروز بسیاری از ملتهای مسلمان، به آن الگو نگاه میکنند. شما خیال میکنید که استکبار، از چنین چیزی به آسانی میگذرد؟! امروز در هر جای کشورهای اسلامی و حتی بعضی کشورهای غیراسلامی، هر ملت و هر جمعیتی که میخواهد علیه زیاده‌طلبیهای استکبار جهانی اعتراضی بکند، با شعار شما ملت ایران، حتی با تمسک به نام ملت ایران و به امام راحل این کارها را میکند!

درس امام در هوشیاری نسبت به طراحیهای پیچیده دشمن

امام بزرگوار، مکرر میفرمود که گاهی دشمن با ده واسطه، یک نفر را تحریک میکند که حرفی بگوید، یا کاری را انجام دهد! اگر شما بخواهید دشمن را بشناسید، باید ده واسطه را طی کنید و بروید. دشمن انقلاب در ایران یعنی ایادی استکبار جهانی راحت میتوانند ده واسطه پیدا کنند و خودشان را در حوزه‌ی قم، به بیچاره‌ای برسانند و او را به حرفی، به گفته‌ای و به یک موضعگیری غلط و ناشیانه وادار کنند!

باید هوشیار بود. من امیدوارم که ملت ایران در شناخت دشمن، اشتباه نکند و دشمن را بشناسد. دشمن، استکبار جهانی و امریکاست. دشمن، صهیونیستها هستند. دشمن برای مبارزه با انقلاب، انواع و اقسام روشها را تجربه کرده است. این دفعه به خیال خود خواستند روش مؤثرتری را تجربه کنند و آن، هدف گرفتن رهبری است! یقیناً بعد از مطالعه‌ی زیاد و با اطلاع از اوضاع و احوال گوناگونی - و البته خبرهای راست و دروغی - توانسته‌اند به این نتیجه برسند که باید رهبری را هدف قرار داد! چرا؟ بخاطر اینکه میدانند در کشور، اگر یک رهبری مقتدر وجود داشته باشد، همه‌ی توطئه‌های آنها نقش بر آب خواهد شد؛ و آلا اینها با شخص، طرف نیستند! شخص، برای اینها مهم نیست؛ هر کس باشد. مگر همین کسانی که امروز به این زبان خشن حرف میزنند و

۵۳۰ / ره، رهرو، رهبر

اینطور ناجوانمردانه سیلِ تهمت و افترا روانه میکنند، با امام، طرف نشدند؟! همین افراد با امام هم طرف شدند؛ دل امام را پر از خون کردند، که امام در آن نامه، به آن اشاره فرمود! همین کارها را با رهبری میکنند؛ چون میدانند رهبری در جامعه‌ی اسلامی و ایران اسلامی، گره‌گشاست.

گزینش امام در گفتن برخی حرفها به مردم

البته امام بزرگوار در طول ده سال، خیلی حرفها داشت که بعضی از آنها را به مردم گفت، خیلی را هم به مردم نگفت!

در دیدار با گروه کثیری از پاسداران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
به مناسبت روز پاسدار، ۱۳۷۶/۹/۱۳

علت توصیه‌ی امام به مطالعه‌ی وصیتنامه‌ی جوانان شهید

اینکه شما دیدید امام فرمودند وصیتنامه‌ی این جوانان را بخوانید، من حدسم این است - البته در این مورد چیزی از امام نشنیدم - که این یک توصیه‌ی خشک و خالی نبود. خود امام، آن وصیتنامه‌ها را خوانده بودند و آن گلوله‌ی آتشین در قلب مبارکشان اثر گذاشته بود و میخواستند که دیگران هم از آن بی‌بهره نمانند. کما اینکه خود من هم در طول سالهای جنگ و بعد از آن تا امروز، بحمدالله با این وصیتنامه‌ها تا حدودی اُنس داشتم و دارم و دیده‌ام که بعضی از این وصیتنامه‌ها، چطور حاکی از همان روح عرفان است.

علت درخشندگی و تأثیر نفس امام(ره) در داخل و خارج

این توفان ماندگار، در تاریخ - که همیشه کاخهای ظلم از آن ترسیده‌اند و مغلوب آن شده‌اند - همیشه در مقاطع گوناگون تاریخی، هر جا درست سر بلند کرده، کاری کرده است شبیه کاری که در آن روز انجام داد؛ مثل انقلاب ما. این حادثه‌ی بزرگ، که اثرش لحظه‌به‌لحظه در مقاطع مختلف زمانی در تاریخ دیده شده است، چقدر سلسله‌های ظالم

ره، رهرو، رهبر / ۵۳۱

را از بین برده است؛ چقدر انسانهای ضعیف را قوت بخشیده است؛ چقدر به ملت‌های مستضعف روحیه داده است و چقدر انسانهایی را برای مقاومت در راه خدا مجهز کرده است! در زمان ما هم با درایت امام بزرگوار، این حادثه توانست پیش از پیروزی انقلاب، ناگهان مثل همان توفان اول بار در جامعه ظهور کند. این خود معلول توجه و توسل و ذکر و حضور و ارتباط و اتصال با پروردگار است. امام بزرگوار ما هم خود از این نوع آدمها بود؛ خود اهل همین ذکر و حضور بود. درخشندگی کار امام هم در همین بود. تأثیر نفس او هم قاعدتاً حداکثر مربوط به همین قضیه بود.

تأثیر حضور، بصیرت و مراقبت امام در رعایت احکام الهی بر حفظ انقلاب

در مورد انقلاب ما، حضور امام، آن انسان بصیر بینای بی‌ملاحظه در رعایت احکام الهی، با ملاک قرار دادن حکم خدا و حلال و حرام شرعی، مانع شد که در طول آن ده سال، اندک گرایشی به دشمن نشان داده شود. بعد از رحلت امام هم به فضل پروردگار تلاش شده است همینطور باشد.

در مراسم گشایش هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی، ۱۳۷۶/۰۹/۱۸

نشاط سازندگی؛ از برکات تعلیم «خودباوری» توسط امام راحل

دولت، یکپارچه و مسئولان، همه با هم صمیمی و ملت و دولت، برخوردار از روابط عاطفی و سرشار از اعتمادند. اعتماد و اتکاء به نفس، در همه‌ی تلاشهای علمی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی ما، ترسیم‌کننده‌ی خط و جهت اصلی است. ما به برکت همین خودباوری که امام خمینی راحل آموختمان، توانستیم کشور ویران و عقب‌افتاده‌ی دوران پهلوی را که در طول هشت سال جنگ تحمیلی ویرانه‌تر شده بود، بازسازی و از رونق و نشاط سازندگی برخوردار کنیم.

پیام به مردم قم به مناسبت سالروز قیام نوزدهم دی‌ماه، ۱۳۷۶/۱۰/۱۸

اولین مدافعان امام در مقابل وابستگان به استکبار

در چنین روزی بود که مردم قم اولین حرکت بزرگ مردمی بر ضد دستگاه فاسد و

وابسته و ضدّ دین را، به راه انداختند. و برای دفاع از امام بزرگوار، در مقابل وابستگان به استکبار، سینه‌ی خود را سپر ساختند و جمعی از بهترین جوانان آنان در راه خدا شهید شدند. و این سرآغازی بود برای حرکت عظیم ملت ایران.

در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۶/۱۰/۲۶

سیلی ملت بر تخطئه‌گران دوران امام خمینی(ره)

این را هم به شما عرض کنم که این اول بار هم نیست. قبلاً هم از این قبیل قضایا^۱ اتفاق افتاده است؛ بخصوص آن باری که بعد از رحلت امام بود تا حدودی هم با امروز قابل مقایسه است. آنجا هم جنجالی درست کردند و حتی روزنامه‌های ما مقاله نوشتند و بعضی افراد مخالف و معاند با انقلاب، چیزهایی نوشتند و ادعاهایی کردند؛ صریحاً به تخطئه‌ی دوران امام پرداختند که الحمدلله سیلی ملت بر بناگوش آنها، نگذاشت ادامه دهند. البته این دفعه جنجالها وسیعتر است و طور دیگری جنجال میکنند. سر جنجال، خارج از کشور است؛ عمدتاً آنها هستند. وضع، وضع دیگری است؛ آن وقت هم بود؛ هرچند با این وسعت و در این ابعاد نبود.

عدم قبول مذاکره با امریکا؛ مبنای مکرر حضرت امام

میخواهند این را تفهیم کنند که دشمن پیروز شده و اسلام مجبور به عقب‌نشینی شده است. میخواهند بگویند که اسلام انقلابی از حرفهایش گذشت و برگشت. میخواهند بگویند همه‌ی این حرفها در طول این نوزده سال - ده سال اول که امام گفته بود، و نه سال بعد از امام، مسئولان و ملت همه بر زبان آوردند - به گوشه‌ای گذاشته شد، بدست فراموشی سپرده شد و همه‌ی این حرفها تخطئه گردید؛ چون امام بارها فرموده بودند که ما با دشمن کنار نمی‌آییم و تسلیم دشمن نمیشویم. این شایعات برای این هدف است که آن گذشته را تخطئه کند. بالاخره امریکا از اینکه شایع شود جمهوری اسلامی تسلیم شده است تا با امریکا مذاکره کند و پشت میز مذاکره بنشیند - یعنی از حرفها و ادعاهای خود

۱ جنجالهای تبلیغاتی درباره‌ی مناسبات بین ایران و امریکا.

ره، رهرو، رهبر / ۵۳۳

نسبت به استکبار دست بردارد- بیشترین استفاده را میکند. این جنجال تبلیغاتی برای این است. لذا با اینکه رئیس‌جمهور محترم در مصاحبه‌اش گفت که ما مذاکره نمیکنیم؛ گفت که ما احتیاجی به مذاکره نداریم، آنها گفتند بله، این مقدمه‌ی مذاکره است؛ میخواهند مذاکره کنند! هر کسی چیزی گفت؛ جنجالی در دنیا درست کردند. پس، انگیزه‌های امریکا و دستگاههای خبری امریکا از این جنجال این است.

حال موضع ما چیست؟ البته موضع ما بارها گفته شده است؛ چیزی نیست که حالا من بخواهم آن را بیان کنم. امام بارها فرمودند، بعد از امام هم ما، مسئولان سیاست خارجی و کسانی که در این زمینه‌ها حرف میزدند و اقدام میکردند، حرفها را گفته‌اند. حرفها همان حرفهاست؛ حرفهای محکمی است؛ حرفهایی نیست که بشود امروز گفت و فردا از آنها برگشت.



دستور بزرگوارانه‌ی امام نسبت به اسرای سفارت امریکا

وقتی انقلاب پیروز شد، یکی از کارهایی که مردم کردند، همان اول روزهای بیست و یک و بیست و دو بهمن به سفارت امریکا رفتند و امریکاییها را گرفتند و در آن روزها آنجایی که ما مستقر بودیم، من خودم دیدم که چشمهای اعضای سفارت امریکا را بستند و به آنجا آوردند. من یقین داشتم که امام دستور خواهند داد اینها را یا اعدام و یا مثلاً زندانی کنند! برخلاف تصور همه و برخلاف تصور خود امریکاییها، امام دستور دادند که اینها را آزاد کردند و به سفارتشان رفتند. البته بعضیشان از ایران رفتند؛ چون اوضاع ایران را برای خودشان مناسب ندانستند؛ بعضی هم در ایران ماندند.

بعد از پیروزی انقلاب، رابطه‌ی ما با امریکا، از طرف ما قطع نشد. یعنی ملت ایران در حال اقتدار، مظلومیتهای گذشته‌ی خودش را ندیده گرفت و دولت امریکا را عفو کرد. دیگر از این بزرگواری بالاتر؟! ما سی سال از طرف امریکاییها مظلومیت داشتیم؛ منتها نمیتوانستیم مقابله‌به‌مثل کنیم و عکس‌العمل نشان دهیم. انقلاب که پیروز شد، ملت ایران اقتدار را بدست گرفت و میتواند عکس‌العمل نشان دهد. توقع طبیعی این بود که عکس‌العمل نشان دهد؛ عکس‌العمل که نشان نداد هیچ، امام دستور دادند رهایشان کنید! البته عده‌ای از آنها رفتند؛ ولی عده‌ای هم ماندند و روابط سیاسی ما و امریکا برقرار بود.

نظر امام در لزوم وجود شورای عالی انقلاب فرهنگی

من واقعاً اصرار دارم این مجموعه^۱، با احساس این مسئولیت، مشغول کار باشد. یکبار دیگر هم چند سال قبل زمان امام (رضوان الله علیه) همین سؤال مطرح شد و مجموعه و شخص امام (رضوان الله علیه) به این نتیجه رسیدند که این تشکیلات، وجودش لازم است، ولو اینکه دستگاههای موظف فرهنگی دولتی ما به کار خود مسلطند. آن وقت هم خوب تسلط داشتند و برنامه ریزی میکردند. مجلس بود، قانونگذاری میکرد، دولت هم بود؛ اما احساس شد که این مجموعه هم کاملاً لازم است.

جایگاه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی از نظر امام و رهبری

البته مکرراً سؤال میشود که از لحاظ نفوذ قانونی این مصوبات، ما در چه وضعیتی هستیم؟ آیا از لحاظ قانونی، حکم قانون دارد؟ این هم قبلاً عرض شد که بله؛ ما در زمان امام سؤال کردیم، ایشان فرمودند؛ بعد هم همین معنا از طرف ما تأیید شد که مصوبات این شورا لازم الاجراست و به هر جا که ابلاغ شد، دستگاههای اجرایی موظفند اجرا کنند. نمیشود گفت که حالا ما تصمیمی میگیریم، بعد یک زمان هم مجلس یک تصمیم میگیرد. بله؛ طبیعی است که این هست.

البته اینجا دستگاه قانونگذاری نیست؛ نمیخواهیم تعبیر قانون کنیم. کما اینکه در آن سؤالی هم که از امام شد و جوابی که ایشان فرمودند، اسم قانونگذاری نیامده؛ چون مرکز قانونگذاری در قانون اساسی، یک جاست، لیکن منافاتی ندارد که مصوبات اینجا در یک حوزه و در سطح خاصی لازم الاجرا باشد، همانگونه مصوبات دولت در یک محدوده لازم الاجراست.^۲

۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۲ مضمون این مطلب در «دیدار شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۴/۱۰/۱۳» و «در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۸/۰۹/۲۱» و «در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۹۰/۳/۲۳» و «در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، ۱۳۶۹/۱۰/۱۶» و «حکم انتصاب حجت الاسلام و المسلمین حاج سید احمد خمینی به عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۱/۰۹/۲۰» و «حکم انتصاب اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۷۵/۹/۱۴» نیز تکرار شده است.

فریاد خط نورانی امام در گلوی ملت و دولت

ملت و دولت، مسئولان و آحاد مردم، زن و مرد و کوچک و بزرگ، اجتماعات عظیم میلیونی را در سراسر کشور به راه انداختند و شعارهای انقلاب و مواضع سیاسی حقیقی این کشور و نقاط برجسته‌ی خط نورانی ترسیم شده به وسیله‌ی امام امت را - که خط عزت این ملت است - با صدای بلند فریاد کردند؛ خواستند تا دنیا ملت ایران را بشناسد و او را خوب درک کند.

عدم شناخت استعمارگران از پایگاه و خط امام

البته ملتها، ملت ایران را میشناسند؛ اما استعمارگران هنوز هم که هنوز است، این ملت را نمیشناسند، مسئولان را نمیشناسند، رئیس‌جمهور را نمیشناسند، خط امام را نمیشناسند، پایگاه امام را نمیدانند و هنوز نمیتوانند میزان عمق ایمان این مردم را تشخیص دهند.

بهترین روش گرامیداشت و زنده کردن یاد امام

درود بر این ملت. درود بر این دل‌های بیدار که توانستند در موقعیت مناسب، با زبانی رسا و بلیغ، سخن خود را به دنیا بگویند و فریاد کنند. یک ملت حرف خود را چگونه میتواند بزند؟ این، بهترین روش فریاد کردن حرف دل یک ملت است که در خیابانهای تهران و شهرهای بزرگ انجام شد. من از یکایک مردم تهران و شهرستانها و از مسئولان عزیز، صمیمانه تشکر و سپاسگزاری میکنم که نام خدا و نام انقلاب و نام امام را زنده کردند و گرامی داشتند.

گفت و شنود صمیمانه رهبر معظم انقلاب اسلامی با گروهی از جوانان و نوجوانان، ۱۳۷۶ / ۱۱ / ۱۴

خاطره‌ی ورود امام به میهن اسلامی

یکی از خاطرات خیلی جالب من، آن شب اولی است که امام وارد تهران شدند؛ یعنی روز دوازدهم بهمن شب سیزدهم شاید اطلاع داشته باشید و لابد شنیده‌اید که امام، وقتی

آمدند، به بهشت زهرا رفتند و سخنرانی کردند، بعد با هلیکوپتر بلند شدند و رفتند. تا چند ساعت کسی خبر نداشت که امام کجا هستند! علت هم این بود که هلیکوپتر، امام را در جایی که خلوت باشد برده بود؛ چون اگر میخواست جایی بنشیند که جمعیت باشد، مردم میریختند و اصلاً اجازه نمیدادند که امام، یک جا بروند و استراحت کنند. میخواستند دور امام را بگیرند.

هلیکوپتر در نقطه‌ای در غرب تهران رفت و نشست، بعد اتومبیلی امام را سوار کرد. همین آقای «ناطق نوری» اتومبیلی داشتند، امام را سوار میکنند مرحوم حاج احمد آقا هم بود امام میگویند: مرا به خیابان ولی عصر ببرید؛ آنجا منزل یکی از خویشاوندان است. درست هم بلد نبودند؛ میروند و سراغ به سراغ، آدرس میگیرند، بالاخره پیدا میکنند منزل یکی از خویشاوندان امام بی‌خبر، امام وارد منزل آنها میشوند!

امام هنوز نماز هم نخوانده بودند عصر بود از صبح که ایشان آمدند ساعت حدود نه و خرده‌ای و به بهشت زهرا رفتند تا عصر، نه ناهار خورده بودند، نه نماز خوانده بودند، نه اندکی استراحت کرده بودند! آنجا میروند که نمازی بخوانند و استراحتی بکنند. دیگر تماس با کسی نمیگیرند؛ یعنی آنجا که میروند، با کسی تماس نمیگیرند. حالا کسانی که در این ستادهای عملیاتی نشسته بودند ماها بودیم که نشسته بودیم چقدر نگران میشوند! این دیگر بماند. چند ساعت، هیچ‌کس از امام خبر نداشت؛ تا بعد بالاخره خبر دادند که بله، امام در منزل فلانی هستند و خودشان می‌آیند، کسی دنبالشان نرود!

من در مدرسه‌ی رفاه بودم که مرکز عملیات مربوط به استقبال از امام بود همین دبستان دخترانه‌ی رفاه که در خیابان ایران است که شاید شما آشنا باشید و بدانید- آنجا در یک قسمت، کارهایی را که من عهده‌دار بودم، انجام میگرفت؛ دو، سه تا اتاق بود. ما یک روزنامه روزانه منتشر میکردیم. در همان روزهای انتظار امام، سه، چهار شماره روزنامه منتشر کردیم. عده‌ای آنجا بودیم که کارهای مربوط به خودمان را انجام میدادیم. آخر شب- حدود ساعت نه‌ونیم، یا ده بود- همه خسته و کوفته، روز سختی را گذرانده بودند و متفرق شدند. من در اتاقی که کار میکردم، نشسته بودم و مشغول کاری بودم؛ ناگهان دیدم مثل اینکه صدایی از داخل حیاط می‌آید- جلو ساختمان مدرسه‌ی رفاه، یک حیاط کوچک دارد که محل رفت و آمد نیست؛ البته آن هم به کوچه در دارد،

ره، رهرو، رهبر / ۵۳۷

لیکن محل رفت و آمد نیست- دیدم از آن حیاط، صدای گفتگویی می‌آید؛ مثل اینکه کسی آمد، کسی رفت. پا شدم ببینم چه خبر است. یک وقت دیدم امام از کوچه، تک و تنها به طرف ساختمان می‌آیند! برای من خیلی جالب و هیجان‌انگیز بود که بعد از سالها ایشان را میبینم- پانزده سال بود، از وقتی که ایشان را تبعید کرده بودند، ما دیگر ایشان را ندیده بودیم- فوراً در ساختمان، ولوله افتاد؛ از اتاقهای متعدّد- شاید حدود بیست، سی نفر آدم، آنجا بودند- همه جمع شدند. ایشان وارد ساختمان شدند. افراد دور ایشان ریختند و دست ایشان را بوسیدند. بعضیها گفتند که امام را اذیت نکنید، ایشان خسته‌اند. برای ایشان در طبقه‌ی بالا اتاقی معین شده بود- که به نظرم تا همین سالها هم مدرسه‌ی رفاه، هنوز آن اتاق را نگه داشته‌اند و ایام دوازده بهمن، گرامی میدارند- به نحوی طرف پله‌ها رفتند تا به اتاق بالا بروند. نزدیک پاگرد پله که رسیدند، برگشتند طرف ما که پای پله‌ها ایستاده بودیم و مشتاقانه به ایشان نگاه میکردیم. روی پله‌ها نشستند؛ معلوم شد که خود ایشان هم دلشان نمی‌آید که این بیست، سی نفر آدم را رها کنند و بروند استراحت کنند! روی پله‌ها بقدر شاید پنج دقیقه نشستند و صحبت کردند. حالا دقیقاً یادم نیست چه گفتند. به‌هر حال، «خسته نباشید» گفتند و امید به آینده دادند؛ بعد هم به اتاق خودشان رفتند و استراحت کردند.

البته فردای آن روز که روز سیزدهم باشد، امام از مدرسه‌ی رفاه به مدرسه‌ی علوی شماره‌ی دو منتقل شدند که بر خیابان ایران است- نه مدرسه‌ی علوی شماره یک که همسایه‌ی رفاه است- و دیگر رفت و آمدها و کارها، همه آنجا بود. این خاطره به یادمانده است.

در دیدار با اعضای مجمع جهانی اهل بیت(ع)، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴

راه امام در مبارزه با استکبار؛ تسلیم خواست آنها نشدن

ملت ایران فقط به دنبال تکلیف و مسئولیت خود و در پی ادامه راه نورانی خود حرکت میکند و با شیاطین به مبارزه می‌پردازد و در مقابل خواست شیاطین می‌ایستد. بزرگترین مبارزه با استکبار و با شیاطین استکبار این است که انسان تسلیم خواست و تحمیل آنها نشود. امروز ملت ایران این مبارزه‌ی بزرگ را دارد و این راهی است که امام

بزرگوار ما در مقابلمان باز کرد و ملت ایران از این راه پیش رفت و حرکت نمود و بحمدالله به عزت رسید؛ امروز هم همان راه را با قوت و شدت ادامه می‌دهد. شهدای بزرگی هم دادیم، جانهای گرامی و عزیزی هم در این راه فدا شدند؛ اما ملت ایران سرافرازی خود را در این میدان که این راه را ادامه دهد و انشاءالله ادامه هم خواهد داد و پیروزی و نصرت هم بنا به وعده‌ی الهی با کسانی است که در راه خدا پیش می‌روند و حرکت و مجاهدت میکنند.

در اجتماع بزرگ مردم بندرعباس، ۱۳۷۶/۱۱/۲۸

افشای چهره‌ی حقیقی «شیطان بزرگ» مطابق فرمایش امام

ملت ایران و نظام مقدس جمهوری اسلامی، با موضعگیری خود در مقابل امریکا، از اول انقلاب تا امروز نشان داده است که امریکا را خوب می‌شناسد؛ چهره‌ی شیطنت‌بار مستکبران حاکم بر کشور امریکا را خوب شناخته و خوب تشخیص داده است. حقیقتاً آنطور که امام فرمود: «امریکا شیطان بزرگ است»، این شیطنت علیه ملت‌هاست.

در دیدار با حجت‌الاسلام و المسلمین محمدی ری‌شهری و دست‌اندرکاران امور حج، ۱۳۷۶/۱۲/۱۳

بازگشت ملت ایران از ضررها به برکت نفس گرم امام

از وقتی که بخاطر سنگینی سایه‌ی منحوس سیاستهای استکباری، استبدادی، استعماری و استثمار، بین مردم مسلمان، با حقایق معارف و با روال صحیح جریان امور فاصله افتاد، از اینگونه خسارتها زیاد داشتیم؛ این هم یکی. ولی از هر جای ضرر که برگردیم، منفعت است. ملت ما به برکت انقلاب، به برکت نفس گرم امام (رضوان‌الله تعالی علیه) و به برکت آن دید وسیعی که آن مرد حقیقتاً الهی داشت الهی به معنای جامع کلمه، نه انسانی که در درون خود فقط الهی است؛ جامع بین درون و برون، جامع بین افق ظاهر و باطن، روح و جسم از ضرر برگشت.

تأثیر ویژه‌ی معنویت امام در پیروزی انقلاب

اگر رهبر این انقلاب، مردی مثل آن انسان معنوی، آن عارف خالص پاک‌باخته‌ی

ره، رهرو، رهبر / ۵۳۹

دلسوخته نبود، این انقلاب هم به اینجاها نمیرسید. هرچه هم عاقلانه و حکیمانه حرکت میشد، اینگونه نمیشد. پشتوانه و مغز، معناست که قشر مسائل اجتماعی و فردی و سیاسی و غیره را جان میدهد و رنگ و جلا میبخشد. بدون آن نمیشود. مایه‌ی اصلی، معنویت و ارتباط با خدا و توجه به خداست.

در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶/۱۲/۱۴

خط روشن امام در قضیه‌ی امریکا

موضع امام در مورد امریکا معلوم است دیگر. اگر انسان بتواند درباره‌ی خط امام و موضع امام- در هر چیزی از آن- مناقشه و شک کند و بگوید مراد امام این بوده، آن نبوده، یا آن بوده این نبوده، در مورد قضیه امریکا دیگر کسی نمیتواند شک کند؛ آنقدر واضح و روشن است که ما در مورد حکومت امریکا چگونه فکر کنیم، چگونه عمل کنیم، رابطه در چه وضعی و موضعگیری چه باشد، آنها با ما چگونه‌اند، ما با آنها باید چگونه باشیم! در مورد امام و فرمایش امام، دیگر جای تردید نیست.

پیام به ملت شریف ایران، به مناسبت حلول سال نو، ۱۳۷۷/۰۱/۰۱

گزینش راه امام؛ از عوامل سربلندی ملت در انتخابات

بعضی از دولتهای اروپایی، با طرح دعاوی نامعقول، سعی داشتند جمهوری اسلامی را به عقب‌نشینی وادار کنند که ایستادگی، استقامت، درایت و تدبیر و اتکا به ارزشهای انقلاب و اسلام و گزینش آن راهی که امام بزرگوارمان در طول ده سال اول انقلاب پیمودند، موجب شد که نتوانستند این مقصود خودشان را محقق کنند! آنها عقب‌نشینی کردند و جمهوری اسلامی در آزمایش سفرای کشورهای اروپایی که یکجا از کشورمان خارج شده بودند، سربلند بیرون آمد و همه به این معنا اعتراف کردند!

ضرورت تداوم حرکت ملت در راه امام

ملت عزیز! شما تجربه‌های گوناگونی را با اقتدار و با اتکا به شخصیت ملی خودتان و با ایمان عمیق اسلامی گذرانده‌اید؛ راهی را که امام بزرگوار ما در مقابل ملت ایران گشودند، تا امروز طی کرده‌اید و بعد از این هم باید همین راه را با استحکام تمام بروید.

نوروزی به رنگ امام...

روزی که امام وارد این کشور شد، برای ما نوروز بود.

حل یک شبهه مشکلات؛ خیال باطل روی گرداندن از خط امام

حال فلان آقای نویسنده، از فضای بازی که بحمدالله در کشور ما هست، سوءاستفاده کند و ایستادگی ملت ایران را بگوید «انزوا»! آیا این انزوا است؟! آیا ملتی که همه‌ی دنیا از عزت و عظمتش خبر میدهند، منزوی است؟! اگر معنای منزوی این است که یک ملت مستقل باشد و تسلیم این و آن نشود، این انزوا از هر چیز دیگری بهتر است! این انزوا نیست. خیال کرده‌اید که اگر ملت ایران از اصول خود صرفنظر کند، از راه پرافتخار دوران حیات مبارک امام برگردد و دست دوستی التماس‌آمیز و حقارت‌آمیز به سوی قدرتها دراز کند، همه‌ی مشکلات اقتصادی این کشور، یک شبه حل خواهد شد! ابداً!

تأکید همیشگی مسئولین بر پابندی به خط امام در مورد امریکا

ادعا میشود که دولت ایران، درصدد ایجاد روابط دوستانه با دولت امریکا است! انکار مکرر این ادعا از سوی مسئولان کشور و تأکید همیشگی آنان بر عشق و پابندی به اسلام و انقلاب و خط امام راحل(رضوان‌الله‌علیه) مانع از آن نیست که دستگاههای تبلیغاتی و حتی مسئولان سیاسی استکبار و بخصوص رژیم مستکبر امریکا، ادعای خود را با زبانها و شیوه‌های گوناگون، تکرار کنند و آن را در تفسیرها و خبرها و گزارشهای جهانی، مخصوصاً در سطح جهان اسلام، بیش از پیش، تکرار نمایند!

امام و خط امام؛ احیاگر ملت ایران

ملت و دولت ایران، با انقلاب عظیم خود که به رهبری امام خمینی عظیم‌الشان(رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) و ادامه‌ی خط و راه او، پرچم عظمت اسلام و ایران را برافراشت، عزت و استقلال ملی خود و حیات دوباره‌ی تاریخی خود را بازیافته است.

ره، رهرو، رهبر / ۵۴۱

اسلام و انقلاب اسلامی و امام کبیر آن، حق حیات، بر گردن ایرانی و ایران دارند، و ملت و دولت ما این حقیقت را از یاد نخواهد برد و این راه روشن و صراط مستقیم را از دست نخواهد داد.

در دیدار علما و روحانیون در آستانه‌ی ماه محرم، ۱۳۷۷/۰۲/۰۲

توجه به نعمت انقلاب امام؛ از جمله نکات تبلیغی

از جمله نکاتی که باید به مردم بخصوص به جوانان بگویید، نعمت بزرگی است که خدای متعال به وسیله‌ی رهبر عظیم‌الشأن و عظیم‌القدر و کم‌نظیر و حرکت عظیم ملت ایران در این انقلاب عظیم به ما داد.

گفت و شنود در دیدار جمعی از جوانان به مناسبت هفته‌ی جوان، ۱۳۷۷/۲/۷

تأثیر امام بر افزایش هیجانانقلابی مردم

من خودم شخصاً جوانی بسیار پرهیجانی داشتم. هم قبل از شروع انقلاب، بخاطر فعالیت‌های ادبی و هنری و امثال اینها، هیجانی در زندگی من بود و هم بعد که مبارزات در سال ۱۳۴۱ شروع شد، که من در آن سال، بیست و سه سالم بود. طبعاً دیگر ما در قلب هیجانهای اساسی کشور قرار گرفتیم و من در سال چهل و دو، دو مرتبه به زندان افتادم؛ بازداشت، زندان، بازجویی. میدانید که اینها به انسان هیجان میدهد. بعد که انسان بیرون می‌آمد و خیل عظیم مردمی را که به این ارزشها علاقه‌مند بودند، و رهبری مثل امام (رضوان‌الله علیه) را که به هدایت مردم می‌پرداخت و کارها و فکرها و راهها را تصحیح میکرد، مشاهده مینمود، هیجانش بیشتر میشد. این بود که زندگی برای امثال من که در این مقوله‌ها زندگی و فکر میکردند، خیلی پرهیجان بود؛ اما همه اینطور نبودند.

حضرت امام (ره)؛ الگویی برای زمان کنونی

در زمان خودمان هم الگو داریم. امام الگوست. این جوانان بسیجی ما الگو هستند؛ هم کسانی که شهید شدند، و هم کسانی که امروز زنده‌اند.

تأثیرگذاری فراوان امام بر شخصیت مقام معظّم رهبری

امام روی من اثر گذاشتند. من قبل از آنکه به قم بیایم و قبل از شروع مبارزات، نام امام را شنیده بودم و بدون اینکه ایشان را دیده باشم، به ایشان علاقه و ارادت داشتم. علت هم این بود که در حوزه‌ی قم، همه‌ی جوانان به درس ایشان رغبت داشتند؛ درس جوان‌پسندی داشتند. من هم که به قم رفتم، تردید نکردم که به درس ایشان بروم. از اول در درس ایشان حاضر می‌شدم و تا آخر که در قم بودم، به یک درس ایشان مستمراً میرفتم. ایشان هم روی من خیلی اثر داشتند.

در دیدار کارگران و معلّمان در آستانه‌ی روز کارگر و روز معلّم، ۱۳۷۷/۰۲/۰۹

امام و همه‌ی بزرگان، رهین منت معلّم

یک نکته در باب معلّم هست و آن این است که همه‌ی انسانهای یک جامعه‌ی پیشرفته و یک جامعه‌ی اسلامی، رهین معلّمند. امروز شما در این کشور ملاحظه کنید! هرکس از کسانی که به جایی رسیده‌اند و توانسته‌اند کار بزرگی بکنند و خدمت بزرگی انجام دهند این بزرگان، این سرداران، این شهدا، این علما، این برجستگان و فرزندگان و مسئولان عالی‌رتبه، تا برسید به شخص امام بزرگوار راحل همه رهین منت معلّمند؛ چون معلّم اینها را تربیت کرده است. معلّم دوران کودکی اینها را پوشانده و شخصیت آنها را شکل داده است.



خوف دستگاه استکبار از عظمت امام و انقلاب اسلامی

امروز دستگاه استکبار حقیقتاً با همه‌ی وجود، از هیمنه و هیبت این انقلاب عظیم و این ملت بزرگ، خائف و لرزان است. ملتی با این عظمت؛ همین ملتی که نوزده سال با این همه سختیها مقاومت کرده است، دیدید که امسال بیست‌ودوم بهمن سالگرد انقلاب را با چه شکوهی برگزار کرد! دیدید که این ملت، مظاهر انقلاب را چگونه گرامی میدارد! دیدید که علی‌رغم آن همه تلاش دشمنان، جوانان ما، دانشجویان ما، کارگران ما و قشرهای مختلف مردم، چگونه مظاهر مذهب را، دین را و تعبد را بزرگ می‌شمارند! اینها را دشمن هم دید. دشمن هم اعتکاف دانشجویان در مسجد دانشگاه را دید؛ مساجد پُر از

ره، رهرو، رهبر / ۵۴۳

معتکفان را که اکثر آنها جوانان بودند، دید. دشمن از اینها میلرزد. همه‌ی اینها ابعاد مختلف عظمت این انقلاب، عظمت آن پیام و عظمت آن امام است.

در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۸/۰۲/۱۳۷۷

لزوم عبرت‌گیری جامعه‌ی امام از سرانجام عاشورایی پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)

امام خمینی عزیز بزرگ ما، افتخار بزرگش این بود که یک امت بتواند عامل به سخن آن پیامبر باشد. شخصیت انسانهای غیرپیامبر و غیرمعصوم، مگر با آن شخصیت عظیم قابل مقایسه است؟ او، آن جامعه را به وجود آورد و آن سرانجام دنبالش آمد. آیا هر جامعه‌ی اسلامی، همین عاقبت را دارد؟ اگر عبرت بگیرند، نه؛ اگر عبرت نگیرند، بله. عبرتهای عاشورا اینجاست.

ما مردم این زمان، بحمدالله به فضل پروردگار، این توفیق را پیدا کرده‌ایم که آن راه را مجدداً برویم و اسم اسلام را در دنیا زنده کنیم و پرچم اسلام و قرآن را برافراشته نماییم. در دنیا این افتخار نصیب شما ملت شد. این ملت تا امروز هم که تقریباً بیست سال از انقلابش گذشته است، قرص و محکم در این راه ایستاده و رفته است. اما اگر دقت نکنید، اگر مواظب نباشیم، اگر خودمان را آنچنان که باید و شاید، در این راه نگه نداریم، ممکن است آن سرنوشت پیش بیاید. عبرت عاشورا، اینجاست.

جایگاه نام امام در ایران اسلامی

در این کشور، پرچم اسلام و پرچم انقلاب بلند است و نام امام زنده و جاودانه است.

در جمع دانشجویان دانشگاه تهران، ۲۲/۲/۱۳۷۷

علت کثرت زندانیان مربوط به نهضت امام

زندانیها از مردم، از روحانیون، از دانشجویان، از طلبه‌ها، از آحاد مردم، از کارگر و از کاسب پُر بود. تمام طول این سالهای متمادی، بیشترین تعداد زندانیان را، زندانیان مربوط به نهضت امام تشکیل میدادند؛ چون تلاششان، تلاشی بود که دستگاه را به ستوه می‌آورد.

این چهره‌های معروفی که همه میشناسید، زندان رفتند و ساعتهای متمادی زیر شکنجه فریاد کشیدند؛ اما آن آقایان نه!

جایگاه حضور رهبری در حادثه‌ی جنگ

همه‌ی مردم در جنگ شرکت داشتند. در حادثه‌ی جنگ، نقش رهبری، نقش تراز اول بود. رهبری با خودش، حضور یکپارچه‌ی مردم را آورد. این بسیج، تشکیل سپاه، تحرک عظیم ارتش، کارهای فراوانی که انجام گرفت، کمک مردم، همراهی مردم و... هم، آن فضایی را که روشنفکری برای رشد و شکوفایی خودش لازم داشت، در همان جهت درست تشدید کرد.

امام؛ ایجادکننده‌ی بزرگترین حادثه‌ی قرن در کشور

بعد به قضیه‌ی پانزده خرداد میرسیم که بزرگترین حادثه‌ای بود که در قرن حاضر در کشور ما، میان مردم و رژیم حاکم اتفاق افتاده بود. در پانزده خرداد، سخنرانی امام (رضوان‌الله علیه) در قم و در روز عاشورا، آنچنان ولوله‌ای ایجاد کرد که یک شورش عظیم مردمی، بدون هیچگونه رهبری مشخصی در تهران، فردا و پس‌فردای آن روز به راه افتاد. اسنادی هم چاپ شده که نشان‌دهنده‌ی مذاکرات هیأت دولت برای مقابله با این حادثه در همان روزهاست. شما ببینید، آن سخنرانی و آن حضور مردم، چه زلزله‌ای به وجود آورده بود. حرکت امام، با قویترین شکلی که ممکن بود انجام گیرد، انجام گرفت و مردم را به حرکت درآورد. بعد هم سربازان رژیم به خیابانها آمدند و مردم را به گلوله بستند. چند هزار نفر - که البته آمار دقیقش را هرگز ما نتوانستیم بفهمیم - در این ماجرا کشته شدند و خونها ریخته شد.

تأثیر امام و فرمایشات ایشان در گسترش زبان فارسی

امروز به برکت انقلاب در نقاطی از دنیا، زبان فارسی بعنوان زبان دوم دانشگاهی یا

ره، رهرو، رهبر / ۵۴۵

بعنوان زبان رشته‌ی اختصاصی، باز مورد توجه قرار گرفته است. انقلاب پیام و سخنی دارد؛ کسی که مسلمان است، پیام اسلام را از انقلاب میگیرد، کسی هم که مسلمان نیست و بالاخره پیام نو را از انقلاب میگیرد، دلش میخواهد مثلاً بداند که امام و پدر این انقلاب، وقتی حرف میزد، چه میگفت که در ترجمه نمیشود فهمید؛ لذا زبان فارسی یاد میگیرند. امروز اینطور است.

پیام خطاب به مردم اصفهان، ۲۴/۰۲/۱۳۷۷

فتح مبین ملت ایران؛ با رهبری امام و دعای حضرت ولی عصر(ارواحنا فدا)

خداوند متعال دین خود را همواره به وسیله‌ی انسانهای مؤمن و آزاده تقویت کرده و بدست آنان، توطئه‌گران و بدخواهان و دشمنان را منکوب و مغلوب نموده است. و در زمان ما ملت عظیم‌الشأن ایران با رهبری امام راحل کبیر خود به یاری خداوند و دعای مستجاب حضرت ولی عصر(ارواحنا فدا) توانست دشمن غدار و جبّار را در همه‌ی مراحل به زانو درآورد و به فتح مبین نائل آید. شما مردم شریف اصفهان یکی از زیباترین و پرافتخارترین آزمایشها را به جهانیان نشان داده و با تقدیم شهیدان عالی‌مقام و فداکاریهای درخشان، در صفوف اول جهاد عظیم ملت ایران جا گرفته‌اید.

لزوم هشیاری مردم در برابر اقدامات دشمنان امام

اکنون چندی است دستگاه استکبار امریکا و عوامل صهیونیست آنان با این گمان باطل که ملت ایران از اسلام و هدفهای امام کبیر خود روی برگردانده، به توطئه‌هایی دست زده و عوامل خود را در همه جا فعال کرده است. در استان اصفهان بقایای منافقین و باند تبهکار مهدی هاشمی معدوم به فعالیت‌های اسراییل‌پسند روی آورده‌اند و با اغفال برخی ساده‌دلان، موجب آزار و مزاحمت برای مردم عزیز و شریف نجف‌آباد که اخلاص و فداکاری آنان زبانزد همه است شده‌اند و برای دوستان امریکایی و صهیونیست خود خوراک تبلیغاتی فراهم میکنند. شما مردم قهرمان اصفهان بخصوص فرزندان عزیز بسیجی‌ام و سایر جوانان متعهد و آگاه اجازه ندهید بقایای آن باند روسیاه که دل امام عزیز را خون کردند، بار دیگر مجال فتنه‌گری پیدا کنند. و میدانم که اجازه نخواهید داد.

همچنین مردم شهیدپرور و عزیز نجف‌آباد، نگذارند که افتخاراتشان در دوران انقلاب و سالهای جنگ تحمیلی، بدست عناصر معلوم‌الحال مخدوش گردد و میدانم که نخواهند گذاشت.

در دیدار اعضای «ستاد برگزاری مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام(ره)»، ۱۳۷۷/۲/۲۸

بزرگداشت امام؛ از بزرگترین عبادات

بزرگداشت امام با هدف زنده نگه‌داشتن فکر امام، راه امام، اندیشه و شخصیت امام، یکی از برترین کارها و یکی از بزرگترین عبادتهاست.

ضرورت تبیین دکترین امام

در مورد موارد بزرگوار ما، یکی از کارهایی که بنظر من حتماً باید انجام گیرد و تاکنون انجام نگرفته، این است که ما دکترین امام را تبیین کنیم. امام چه میگفت؟ حرف و کار و خطوط اساسی‌اش چه بود؟ صرف یک ایده نیست. دکترین حتماً ناظر به عمل و واقعیت است و دکترین امام، در واقعیت خارجی تحقق پیدا کرد. یعنی همه‌ی شواهدش عینی است. ما باید این را تبیین کنیم تا یکی نیاید بگوید که امام دنبال فلان چیز بود، یا بزرگترین کار امام، فلان چیز بود.

کسانی هستند که اصلاً نه میدانند امام چه بود؛ نه میدانند، نه ته دلشان قبول دارند و نه خدای متعال آن نور را به آنها داده است که آن معنویت را درک کنند. افراد بنشینند و با توجه به وصیتنامه و بیانات و زندگی امام، یک کتاب دوست صفحه‌ای تدوین کنند تا همه بدانند که اصلاً این پدیده چه بود؟ این، غیر از شرح حال امام است. شرح حال امام را هرکس میخواهد بنویسد، بنویسد. البته، آن هم خیلی مهم است. منتها این، غیر از شرح حال است. این، تبیین هویت فکری و سیاسی این شخصیت بزرگ است؛ همان هویت فکری و سیاسی که در خارج تحقق پیدا کرد. این، باید تدوین شود. عده‌ای از افراد هوشیار بنشینند و آن را بدرستی تدوین کنند.

ماندگاری راه امام و ادامه‌ی جریان چشمه‌ی نهضت اسلامی امام

در زمان حیات بابرکت امام بزرگوار، هنگامی که وجود آن مرد بزرگ و رهنمایه‌ای او، مثل خورشید عالمتابی بر تمام اجزای این نظام میتابید و به همه نور و گرما میبخشید، تصوّر اینکه یک روز این نظام بتواند بدون این خورشید فروزان به حیات خود ادامه دهد، دشوار بود. دوستان به سختی باور میکردند؛ دشمنان هم به چنان روزی امید بسته بودند. اما به فضل الهی، خدای متعال نعمت خودش را بر این مرد بزرگ، منحصر به دوران حیات او نکرد؛ بعد از وفات او هم، برّ الهی و نعمت الهی بر او جریان یافت و این سرچشمه‌ای که او با ایمان عظیم و با توکل و اخلاص خود به جریان انداخته بود، همچنان جاری ماند و ثابت شد پایه‌ای که امام در این کشور چیده است، ماندگار است و به اشخاص وابسته نیست. اشخاص میروند؛ اما جریان عظیم نهضت اسلامی ملت ایران و امام بزرگوارشان، باقی میماند. امروز بعد از گذشت نُه سال، هر کس که به این کشور نگاه کند، آثار حضور امام بزرگوار را میبیند. امام در میان ما حاضر است، افکار او زنده است، راه او ماندگار است و ادامه خواهد یافت. این راه، به کمک الهی و به دعای حضرت ولی‌الله‌الاعظم، راه ماندگاری است و ملت ایران با همه‌ی وجود، راه امام را قبول دارد و به آن وفادار و در آن پایدار است.

اسلام؛ هدف امام و مستضعفان و پابرهنگان؛ سربازان امام

دو نکته‌ی اساسی در حرکت امام بزرگوار بود که همین دو نکته، سرمایه‌ی ارزشمند این انقلاب بود و هست: یکی این است که هدف این انقلاب، اسلام است. دوم اینکه سربازان این انقلاب و لشکر این انقلاب، مستضعفان و پابرهنگان و همچنین قشر جوانند. این انقلاب را، پابرهنگان به پیروزی رساندند. این جنگ طولانی تحمیلی هشت ساله را جوانان این مملکت به نتیجه رساندند. امروز هم جوانان، در راه خدا و در راه اسلامند. امروز هم اگر خطری این انقلاب را تهدید کند، اولین کسانی که به میدان خواهند آمد، همین جوانانند؛ جوانان حوزه‌ها، دانشگاه‌ها و جوانان سراسر کشور و قشرهای مختلف.

ضرورت فهم و تدبّر در کلمات و وصایای امام برای جلوگیری از اشتباه

امام بزرگوار، با همه‌ی وجود، از اسلام دم زد. امروز همه امام را با وجودشان و با دلشان قبول دارند. کلمات امام، کلمات واضحی است؛ محکّمات و بینات است. فرمایشات امام، هنوز در فضا طنین‌افکن است. وصیتنامه‌ی امام، میثاق همیشگی امام با امت است. همه باید این کلمات را درست بفهمیم و بر آن تدبّر کنیم، تا راه امام را اشتباه نکنیم. کسانی که دم از امام میزنند، اما حاضر نیستند فکر امام و راه امام را بپذیرند و به آن تن بدهند، اشتباه میکنند. امروز ملت، دولت، رئیس‌جمهور، مجلس شورای اسلامی، قوه‌ی قضائیه، همه‌ی مسئولان بلندپایه‌ی نظام، آحاد مردم، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه، دلشان برای اسلام میتپد. دنیا هم که برای انقلاب ما ارزش قائل است، بخاطر همین است که پشتیبانی عظیم میلیونی از این انقلاب را میبیند. اسلام عزیز، اسلام ناب، اسلامی که امام بزرگوار ما عمرش را وقف آن کرده بود و این ملت در راهش این همه فداکاری کرد، کارایی خود را نشان داده است. ملت ایران، هم در به وجود آوردن این انقلاب، هم در جنگ تحمیلی و دفاع از کشور در مقابل دشمنان متجاوز و هم در دوران سازندگی، نشان داد که این اسلام کارآمد است و میتواند کشور ویرانه‌ای را بسازد؛ و إن شاء الله در میدانهای دیگری که باقی است در زمینه‌های مختلف اقتصادی و فرهنگی اسلام عزیز کارایی خود را نشان خواهد داد.

در دیدار جمع کثیری از مردم امل، ۱۳۷۷/۳/۲۱

تشکیل حکومتی بر پایه‌ی قرآن به برکت امام

آنچه که من به این مناسبت به شما مردم عزیز عرض میکنم، این است که تشکیل حکومتی بر پایه‌ی مبانی قرآن، از بعد از صدر اسلام، یک پدیده‌ی بی‌نظیر بود. چنین چیزی را که مسلمین، مشتاق آن هم بودند، هرگز نتوانسته بودند ببینند و توفیق آن را نیافته بودند. ملت ایران به برکت الطاف خاص الهی و به برکت هدیه‌ی بزرگی که خداوند در این زمان به این ملت داد- یعنی وجود آن مرد ملکوتی معنوی الهی، آن فقیه حکیم عارف بالله، آن مؤمن متقی حقیقی، امام خمینی که حقیقتاً هدیه‌ی ارزنده و بی‌نظیری بود که خدا به مردم ایران داد- توانست شاهد تحقّق این پدیده در کشور خود باشد.



دو نقطه‌ی درخشانِ وصیتنامه‌ی امام(ره)

امام عزیز بزرگوار ما به رهنمودهای زمان حیات خود اکتفا نکرد؛ بلکه بعد از رفتن هم این وصیتنامه‌ی گرانبها را گذاشته است. عزیزان من! اگر شما به وصیتنامه‌ی امام نگاه کنید- من به شما جوانان توصیه می‌کنم که مخصوصاً به این وصیتنامه مراجعه و مکرر نگاه کنید- خواهید دید که از اول تا آخر آن دو نقطه‌ی درخشان وجود دارد و آن دو نقطه این است: اول تمسک به اسلام و ارزشها و قیام اسلامی و استفاده از راهنماییهای اسلام که شما را به سعادت میرساند و راه را نشان میدهد و دوم اتحاد و اتفاق.

در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۰۴/۲۱

قرار گرفتن همه‌ی مسئولین کشور در جناح واحد خط امام

امروز به فضل پروردگار، علی‌رغم تلاشهای دستهای تفرقه‌افکن، ملت ما، دولت ما، مسئولان ما، مجموعه‌ی کارگزاران این کشور، همه در یک جبهه و یک جناح قرار دارند و آن، جناح اسلام و انقلاب و خط روشن امام خمینی است. مسئولان قرص و محکم ایستاده‌اند و حفاظت میکنند.

در مراسم فارغ‌التحصیلی گروهی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۰۶/۱۲

علت به میدان آمدن مخالفان امام و انقلاب بعد از دوم خرداد

عده‌ای بودند که پرونده‌هایشان ناپاک بود، دست‌هایشان آلوده بود و می‌ترسیدند وارد میدان شوند و چیزی بگویند. اگر آنها هم چیزی میگفتند، کسی کارشان نداشت. همان حرفی که امروز می‌زنند، اگر آن روز هم میگفتند، کسی کارشان نداشت؛ اما خودشان می‌ترسیدند؛ چون پرونده‌های بدی داشتند. کینه‌ی آنها با انقلاب، با امام و با تفکر اسلامی امامی، از قدیم معلوم شده بود. اینها خودشان جرأت نمی‌کردند وارد میدان شوند. بعد از انتخابات اخیر ریاست جمهوری، بر اساس تحلیل غلطی که از انتخابات کردند، جرأت پیدا کردند! تحلیل غلط آنها این بود که خیال کردند مردم سی میلیون رأی علیه نظام دادند! اینها خوشحال شدند؛ در حالی که مردم سی میلیون رأی برای تثبیت نظام داده بودند.

جوانان حزب الله و بسیجیان حامی انقلاب و امام؛ قدرت ملی واقعی

کسی که این کشور را در همه‌ی مراحل نجات می‌دهد، از دولت حمایت می‌کند، از مسئولان حمایت می‌کند، از انقلاب حمایت می‌کند، از نام امام بزرگوار حراست می‌کند، از ارزشهای انقلاب پاسداری می‌کند، حاضر است در روز خطر بایستد؛ یعنی همین جوانان مؤمن، همین نیروهای حزب الله، همین بسیجیان؛ همینهایی که امثالشان در میدان جنگ هشت ساله، امتحان خودشان را دادند. قدرت ملی، قدرت اینهاست. امروز هم بحمدالله در سرتاسر کشور ما، غلبه‌ی کامل با نیروهای مؤمن و علاقه‌مند به اسلام، علاقه‌مند به انقلاب، علاقه‌مند به امام، علاقه‌مند به راه جمهوری اسلامی و دشمنی با امریکا و شیطانهای گوناگونی است که در اطراف دنیا، چشم طمع به این آب و خاک دوخته‌اند.

جایگاه امام در قلوب جوانان

من میدانم که این ملت زنده است. میدانم که این ملت، ملت مؤمنی است. میدانم که جوانان ما در دلشان، خون عشق به اسلام و امام جریان دارد و دلشان به یاد امام و اسلام میتپد. ملت ما، ملت بیدار و مؤمنی است.

قطع دست منافقین از سفره‌ی انقلاب؛ توسط امام و به پشتیبانی ملت

البته آدمهای بددلی هم هستند؛ کسانی که از اول انقلاب هم دلشان با امریکاییها بود. سر سفره‌ی امام و انقلاب نشسته بودند، بعضی پستهای حساس را هم تصرف کرده بودند؛ اما دلشان با امریکا بود. امام به پشتیبانی این ملت، دست اینها را قطع کرد.

رهبری امام در گذر از همه‌ی موانع انقلاب

بدانید که امروز دشمن، تمام این تبلیغات پُرخرجی را که علیه جمهوری اسلامی انجام می‌دهد رادیو امریکا، روزنامه‌ها، مجلات، صهیونیستها و... برای این است که شما را از آینده‌ی خودتان ناامید کند. برای این است که به جوانان اینگونه تفهیم کند که آینده‌ی

ره، رهرو، رهبر / ۵۵۱

اسلامی در این کشور ماندنی نیست و نمیشود کاری کرد. اینها اینقدر نمیفهمند که بدتر از این وضع را نوزده سال پیش تصویر میکردند و این ملت با استقامت خود، با قدرت خود، با حرکت مستقیم خود و با رهبری امام بزرگوار، توانست همه‌ی این موانع را درنوردد.

در دیدار فرماندهان «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، ۲۴/۰۶/۱۳۷۷

دلخوشی امام به روح ایمانی جوانان

شما جزو بهترین عناصری هستید که در آن روز، واقعاً با پاکدامنی و پارسایی و شجاعت و فداکاری ایستادید و این ملت، این کشور، این تاریخ، و در حقیقت پرچم پرافراشته‌ی اسلام را نجات دادید و حفظ کردید. هر یک از شما، تاریخی و نشانه‌ای از آن روزها هستید؛ که یاد آن روزها گرامی باد! امام بزرگوار ما، به این تپش روح ایمانی در دلها و جانهای شما دلخوش بود و آن را قدر میدانست.

جایگاه امام و پیروان ایشان در احیای آزادی بیان

ما به آزادی بیان و آزادی فعالیت‌های اجتماعی معتقدیم. اصلاً این مفاهیم و این حقایق را انقلاب و پیشروان انقلاب به این کشور آوردند. قبلاً این چیزها در این کشور نبود. از آزادی بیان و آزادی فعالیت‌های اجتماعی، نه خبری بود و نه حتی اسمی بود. اینها را انقلاب برای این کشور آورد. امام اینها را به این کشور هدیه کرد و خون شهدا این ارزشها را به این کشور بخشید. کسانی که پاسدار خون شهدا هستند و کسانی که پیرو امامند، علمداران این مفاهیمند.

برخورد بد مطبوعات جهانی در معرفی امام بزرگوار

این سازمانهای جهانی و این مطبوعات دنیا، همان کسانی هستند که شما دیدید امام بزرگوار ما را که در جمال معنوی، یک شخصیت واقعاً استثنایی بود پرچمدار یک

انقلاب بزرگ، رهبر محبوب یک ملت، دارای خصوصیات ویژه‌ای که هرکس یکی از آن خصوصیات را داشته باشد، دستگاه‌های فرهنگی دنیا برای او احترام قائلند: فیلسوف، عارف، فقیه و حقوقدان، شاعر و هنرشناس چگونه تلقی میکردند و چگونه معرفی مینمودند و الآن چگونه معرفی میکنند! (حالا چون چند سال گذشته است، دیگر به امام کمتر میپردازند.) همان مطبوعات و سازمانها، فتنه‌گرانی از قبیل این سفاکین طالبان را با شگردهای مطبوعاتی و تبلیغاتی، با نوع عکسی که می‌اندازند، با نوع کاریکاتوری که میکشند و با نوع خبری که تنظیم مینمایند، ترویج میکنند. اینها، چنین آدمهایی‌اند! مگر میشود به فکر حرفهای اینها بود؟! مگر برای مصالح کشور و مصالح یک ملت، باید منتظر این حرفها ماند؟! ■

عملکرد غربگرایان داخلی در میدان دادن به دشمنان بیست ساله‌ی امام و انقلاب

کسانی که نگاهشان به دروازه‌های غرب و بخصوص امریکاست، چه فکر میکنند؟! ببینند آنها چه اشاره میکنند؛ اینها همان را بگویند! اجازه بدهند کسانی که تقریباً همه‌ی این بیست سال را در مقابل انقلاب، در مقابل امام و در مقابل مردم ایستادند، حالا بیایند، میداندار صحنه شوند و بنا کنند گذشته‌ی این بیست سال، گذشته‌ی این انقلاب، گذشته‌ی این ملت و دوران امام را با اهانت و دروغ و تهمت زیر سؤال ببرند؟! مگر چنین چیزی میشود؟! ■

پاسخ به نامه‌ی گروههای موسوم به «ائتلاف خط امام»، ۱۳۷۷/۷/۱۲

علت توصیه‌ی مؤکد امام به مردم برای شرکت در انتخابات

یکی از بزرگترین افتخارات جمهوری اسلامی همواره این بوده است که این نظام انقلابی از اولین سال استقرارش، در مراحل گوناگون بر آرای مردم تکیه کرده است و مردم در مقاطع حساس با حضور خود در عرصه‌های مختلف، از جمله در صحنه‌ی انتخابات، پیوستگی و حمایت خود از این نظام را که بدست پر قدرت خود پدید آورده‌اند، اثبات و بر آن تأکید کرده‌اند. به همین جهت هم دشمنان آشکار این ملت و نیز دشمنان نقابدار و دورو، در هر یک از فصول انتخابهای گوناگون، تا آنجا که توانسته‌اند،

ره، رهرو، رهبر / ۵۵۳

برای تضعیف انتخابات و سست کردن عزم مردم، هرچه توانسته‌اند تلاش کرده و دست و پا زده‌اند. و باز به همین جهت است که امام بزرگوار ما علاوه بر اینکه در همه‌ی فصول انتخابات مؤکداً به مردم توصیه می‌کردند که شرکت در انتخابات را فریضه و وظیفه بدانند، در وصیتنامه‌ی خود نیز که آخرین توصیه‌های شفقت‌آمیز آن پدر مهربان امت بود، بخشی را به انتخابات اختصاص داده و از همگان خواسته‌اند که همیشه در انتخابات شرکت کنند و بدین ترتیب میثاقی الهی و وجدانی میان خود و نسلهای متوالی ملت ایران منعقد کرده‌اند.



وظیفه‌ی سنگینتر مدعیان خط امام در انتخابات

شما برادرانی که نام مبارک امام را نشانه‌ی جمع خود ساخته‌اید، از همه کس بیشتر باید به سرنوشت انتخابات علاقه‌مند باشید و به سهم خود، فضای انتخابات را شور و گرمی دهید و میدانم که چنین خواهد کرد.

پیام به پنجمین گردهمایی بسیج دانشجویی، ۱۳۷۷/۷/۱۴

نمود روشن بینی امام در شاکله‌ی بسیج دانشجویی و بسیج طلاب

عزیزان، بسیج دانشجویی یکی از ارزنده‌ترین یادگارهای امام راحل بزرگوار ما است. آن روزی که آن حکیم فرزانه، یکی از ضروریترین تشکلهای بسیج دانشجویی و طلبه اعلام کرد، کمتر کسی به اهمیت حضور این مجموعه‌ی ارزشمند در دانشگاه کشور واقف بود، و امروز که دانشگاه و همه‌ی عرصه‌های زندگی، صحنه‌ی زورآزمایی فرهنگی - سیاسی - تبلیغاتی استکبار و صهیونیسم با انقلاب و نظام اسلامی است، روشن بینی امام بزرگوار ما از همیشه آشکارتر گردیده است. در صحنه‌ای که دشمن با ابزار فرهنگی و تکیه بر سلاح تبلیغ، مزورانه به میدان می‌آید، چه کسی شایسته‌تر از دانشجوی و طلبه است که در صفوف مقدم این دفاع مقدس قرار بگیرد و با تکیه بر ایمان صادقانه و منطق قوی و عمل صالح خود، دشمن را مغلوب و رسوا کند. آری، بسیج مدرسه‌ی عشق است، و در همه‌ی

میدانهای دشوار، فقط حضور عاشقانه و مخلصانه است که میتواند پرچم حق و عدل و راستی و ایمان را به اهتزاز درآورد و جنود شیطان را منهزم سازد.

دانشجوی بسیجی؛ فرزند همیشگی خمینی(ره) کبیر

دانشجوی بسیجی، پیکار فرهنگی و فکری و عقلائی را نیز مانند حضور در میدانهای جنگ، با تکیه بر هوشمندی و تلاش و توکل به پیش میبرد و خود را در همه حال، سرباز اسلام و انقلاب و فرزند خمینی کبیر میشمرد.

در دیدار جمعی از جهادگران جهاد سازندگی، ۱۳۷۷/۷/۱۵

جهاد سازندگی؛ نمونه‌ای از تدبیرهای برجسته‌ی امام برای اداره‌ی نظام اسلامی

یکی از افتخارات نظام مقدّس اسلامی این بوده است که در همه‌ی زمینه‌هایی که به خیر و صلاح ملت و کشور مربوط میشود، طرحهای نو و سازنده و ابتکاری داشته است. مظهر این قدرت تصمیم‌گیری هم امام بزرگوار(رضوان‌الله تعالی‌علیه) بود که با یک دید الهی و تدبیری خردمندانه آن خطوط اصلی را که برای اداره‌ی کشور در زیر سایه‌ی اسلام و کشاندن مسیر عمومی این ملت به سمت صلاح، لازم بود، در همان اوایل انقلاب تمهید کرد و مقدمات آن را فراهم نمود. یکی از این تدبیرهای برجسته و ماندگار، همین «جهاد سازندگی» است.

جهاد سازندگی، یادگار ارزنده‌ی امام بزرگوار ماست. حقیقتاً شجره‌ی طیبه‌ای است که بدست بابرکت امام بزرگوار، غرس شد و رشد کرد و میوه داد و کشور و ملت را در مراحل مختلف بهره‌مند نمودند. قبل از آنکه مسئله‌ی جنگ مطرح گردد و ایران اسلامی در یک معرکه‌ی مسلحانه وارد میدان شود، مسئله‌ی سازندگی کشور مطرح شد. کشوری که انقلاب و امام و این ملت، از دست رژیم وابسته و فاسد پهلوی تحویل گرفته بودند، یک ویرانه‌ی به تمام معنا بود. آبادانی و ثروت و ظواهر و رنگ و روغنها مربوط به شهرهای بزرگ بود؛ آن هم تا حدّی که به منافع عناصر اصلی آن رژیم ارتباط پیدا میکرد. روستاها خراب، بدون جاده و راه، بدون آب، بدون برق، بدون امکانات و بدون کار تولیدی به درد بخور؛ شهرها دچار انواع و اقسام اشکالات و اوضاع کشور، کلاً نابسامان!

در چنین شرایطی امام بزرگوار، جهاد سازندگی را به وجود آورد و اعلام کرد و خیل عظیم جوانان مؤمن و پُرشور، به این حرکت انقلابی پیوستند. معلوم بود که در این تشکیلات، آنچه لازم است، کار و ابتکار است؛ کار خستگی ناپذیر و ابتکار و نوآوری برای نجات کشور. چه جوانهای باارزشی، چه انسانهای پاکیزه و نورانی ای و چه صاحبان استعداد و فکری در این مجموعه، در سلک خدمتگزاران درآمدند و در راههای دور، در شهرها و روستاهای دوردست، در جاهای گرم، در جاهای سرد و شرایط زیستی نامناسب، با مشکلات زیادی فعالیت کردند.

رهبری امام و همت مردم؛ دو رکن پیروزی انقلاب اسلامی

حقیقت درخشان نظام و انقلاب اسلامی، این حرکت عظیم را انجام داد، که هیچ کس هم خیال نمیکرد چنین چیزی اتفاق بیفتد. بعضی از آن به اصطلاح روشنفکرانی که آن روز گاهی یک کلمه‌ی سیاسی میگفتند و دل خودشان را خوش میکردند که در میدان مبارزه کار میکنند، غایت مطلوبشان این بود که مثل اقمار شوروی سابق، مثل این کشورهای کمونیستی بیچاره‌ی آفریقا و آسیا و غیره، یا مثل کشورهای قبیل ترکیه و پاکستان و امثال اینها شوند! بیشتر از این به ذهنشان نمیرسید. اینکه این ملت، مستقل شود، روی پای خود بایستد، استعدادهای خود را شکوفا کند، حرف خود را خودش بزند، راه خود را خودش برگزیند، مسئولین خود را خودش انتخاب کند، کشور را متعلق به خود بداند و سرمایه‌های کشور را صرف شده در خود کشور بداند، به ذهن آنها خطور نمیکرد! این کار را انقلاب کرد. این کار به رهبری امام و به همت این مردمی شد که ایمان داشتند. ستون این خیمه‌ی عظیم، ایمان است؛ ایمان به آن حقیقت درخشنده‌ای که چنین معجزه‌ای را میکند. ایمان به اسلام انقلابی و اسلام ناب محمدی. دشمن هم این را فهمید. از روز اول، دشمن این را فهمید و تلاش کرد بلکه بتواند این ایمان را متزلزل کند. بیست سال است که دشمن از راههای مختلف، دائم برای ضعیف کردن ایمان مردم وارد میشود. به وسیله‌ی انقلاب، تودهنی میخورد، ولی باز از راه دیگر می‌آید!

استفاده‌ی امام از نورانیتِ دورانِ دفاع مقدّس

یک دوره، دوره‌ی جنگ و دوره‌ی دفاع مقدّس بود و انگیزه‌ها برای حضور جوانان در میدان قدس و تقوا و فداکاری و ایثار، بطور واضح و بارز در اختیار همه قرار داشت. بقدری شعله‌ی مقدّس شهادت و ایثار و جهاد، این فضا را روشن و منور کرد که همه‌ی ابرهای تیره‌ی فتنه - نفاقها، کفرها و فسادها - تحت الشّعاع قرار گرفتند. نه اینکه این زائده‌های وجود شریف انسانی، در دوران دفاع مقدّس در کشور ما وجود نداشت. وجود داشت ولی تحت الشّعاع بود؛ تحت الشّعاع آن نور درخشانی که از جانهای پاک انسانهای مؤمن، در میدانهای ایثار و شهادت برمیخاست، میتابید، شما را نورانی میکرد و همه از آن بهره میبردند. امام ما که امام نور بود، امام صفا بود، امام قدس و تقوا بود، امام روح بود - روح محض بود - از این نورانیت بهره میبرد و خود او مکرر این را میفرمود. آن روز یک قطعه‌ی کم‌نظیر - و از جهاتی بی‌نظیر - بر تاریخ ما حاکم بود.

جوانان پاک و نورانی؛ الگوهای دوست‌داشتنی امام

خیلی از جوانان مثل یک لشکر تمام‌نشینی خدا، از کتم عدم به وجود می‌آیند و وارد صحنه‌ی جامعه میشوند. در بعضی از کشورها - مثل وضع کنونی کشور ما - بیشتر و در بعضی از کشورها کمتر. فقط با کتاب نمیشود به اینها گفت که در راه شرف و در راه آرزوهای بزرگ انسانی و در راه اهداف والا و در یک کلمه‌ی جامع کامل درست، در راه خدا جهاد کنید. علاوه بر گفتن، به نمونه و الگو احتیاج دارند. افتخار سپاه پاسداران این است که در درون خود از این الگوها، فراوان و بی‌نهایت دارد؛ همین سرداران، همین فرماندهان، همین عناصر گوناگون، همین جوانان پاک و نورانی؛ همانهایی که امام نور آرزو میکرد که یکی از آنها باشد؛ همانهایی که در دوران جنگ، تا هر جا و در هر خانه‌ای که عطر معنویت آنها و کلام آنها میرفت، آن خانه از لحاظ معنوی، پُرفروغ و آباد بود؛ همانهایی که امام پیدایش‌شان را «فتح‌الفتوح» انقلاب اسلامی دانست.

کاربرد اصطلاح نظامی «فتح الفتوح» در یک حادثه‌ی انسانی توسط امام

در صدر اسلام، فتح الفتوح، یک حادثه‌ی نظامی بود. مسلمانان مدت زمانی در منطقه‌ای از مناطق شرقی آن روز میدانگاه جنگ و غربی امروز ایران، معطل شدند تا توانستند چند دژ را بگیرند. وقتی گرفتند، گفتند این «فتح الفتوح» است. امروز هم در تاریخ، فتح «نهادند» و «جلولاً»، به نام «فتح الفتوح» خوانده میشود؛ یعنی یک حادثه‌ی نظامی. امام ما فرمود فتح الفتوح انقلاب اسلامی، نه یک حادثه‌ی نظامی که یک حادثه‌ی انسانی است؛ یعنی پیدایش این جوانان، خلق این انسانهای نورانی، بیرون آمدن فرشتگان از دنیایی که جز اهریمن در مناطق مختلف جوانانه‌ی آن به چشم نمیخورد و نمیخورد. امروز تا حدودی در گوشه‌هایی از دنیا جلوه‌های نورانی دوباره پیدا میشود. فتح الفتوح، این جوانان بودند؛ همین سرداران شهیدی که این لشکر را به وجود آوردند؛ همین سردار «علی فضلی»؛ همین سردار «ناصر»؛ همین جوانان مؤمن و همین نورانیایی که نورانیت آنها میتواند دل‌هایی را روشن کند. اینها مایه‌ی شرفند؛ اینها مایه‌ی عزتند. برای یک کشور، داشتن اینها افتخار است؛ بردن نامشان افتخار است؛ تکرار یادشان افتخار است؛ ادامه‌ی راهشان افتخار است.

در جمع سپاهیان و بسیجیان لشکر ۱۰ سیدالشهدا، ۲۶/۰۷/۱۳۷۷

معنای تعریف یا بدگویی دشمن از ما در نظر امام

مردم این زمان باید از این همراهی با دشمن که امکان شناسایی است، استفاده کنند، این معیار را بایستی به کار ببندند؛ معیار بسیار مهمی است. امام (رضوان الله علیه) بارها این مطلب را بیان میکردند که هر وقت دشمنان از ما بدگویی میکنند، ما خوشحال میشویم؛ میفهمیم که در رفتار خودمان که رفتار دارای جهتگیری انقلاب و اسلام است جوری حرکت کرده‌ایم که آنها را عصبانی کرده است، پس درست حرکت کرده‌ایم. وای به آن وقتی که آنها از ما تعریف کنند! آن وقت بایستی ما دغدغه پیدا کنیم، فکر کنیم مقصودشان چیست؟ در ما چه مشکلی به وجود آمده است که از ما تعریف میکنند؟ البته گاهی هم تعریف را از روی دغلی میکنند؛ به کسی هیچ علاقه‌ای هم ندارند، ولی برای ایجاد اختلاف بین مؤمنین، از یکی تعریف میکنند. این را هم ما در این دوره‌های

زمان جنگ و بعد از جنگ، و تا امروز داشته‌ایم. گاهی از کسی یا جمعی تعریف میکنند، در حالی که با آنها دشمنند؛ برای اینکه دیگران را به آنها بدبین کنند، از آنها تعریف میکنند. ما این را هم داشته‌ایم. حیل‌های دشمن حیل‌های گوناگونی است.

در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۷/۰۷/۲۹

هنر مجلس خبرگان در دفع نقشه‌ی چند ساله‌ی مستکبرین برای رحلت حضرت امام(ره)

مجلس خبرگان مهمترین هنرش این است که نگذارد در کشور خلأ رهبری به وجود آید. همه‌ی چشمها به ایران دوخته شده بود که امام بزرگوار ما، کی از دست این مردم گرفته شود. برای آن روز نقشه‌ها کشیده و امیدها بسته بودند! ده سال منتظر آن روز نشسته بودند که فرابرسد. روز چهاردهم خرداد ۱۳۶۸ از نظر دشمنان این ملت و دشمنان انقلاب، یک روز بسیار مهم و تعیین کننده بود. مجلس خبرگان نگذاشت این خلأ به وجود آید. البته آنها شخص حقیقی مثل این ناچیز را برای کشیدن این بار سنگین انتخاب کردند. این هم قضای الهی بود؛ مایه‌ی شرمندگی این بنده‌ی حقیر بود؛ اما با قطع نظر از اینکه تعیین خبرگان متوجه چه کسی و چه شخصی بود، این مطلب از نظر دشمن و دوست و در سطح عالم، بسیار اهمیت داشت که امام بزرگوار در شب چهاردهم خرداد، ملت ایران را به فراق خودشان مبتلا کردند و به جوار الهی رفتند. روز چهاردهم غروب نشده بود، که مجلس خبرگان کار خودش را انجام داد و همه‌ی درهای امید را بر روی دشمنان بست. دشمن این را دیده است. علت مخالفت دشمنان مستکبر جهانی با مجلس خبرگان این است. این سرعت عمل و این میدان ندادن به توطئه‌های دشمن، برای دنیا خیلی مهم بود.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۷/۸/۸

نماز جمعه؛ اثر پربرکت امام راحل بزرگوار

امروز هزارمین نماز جمعه‌ی تهران، با همّت و شرکت شما مردم خداجوی، مؤمن و بااخلاص تشکیل شده است. این اثر پربرکت و ماندگار از امام بزرگوارمان هم مانند همه‌ی سنتهایی که ایشان بنا نهادند، مایه‌ی خیر و برکت جامع‌ی اسلامی است.



حضرت امام؛ احیاگر نماز جمعه

ما نماز جمعه را از انقلاب و از امام داریم. قبل از انقلاب، نماز جمعه‌ی کشور ما هم از لحاظ تعداد نماز جمعه‌ها، هم از لحاظ کمیّت مردمی که در آن شرکت میکردند و هم از لحاظ کیفیت سخنانی که گفته میشد مگر استثنای محدودی نزدیک به صفر بود. بعد از انقلاب، نماز جمعه‌ی ایران در صدر فهرست نماز جمعه‌های دنیای اسلام قرار گرفت و این مبالغه نیست.

در دیدار گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت سیزدهم آبان ماه
در سالروز میلاد امام علی(ع)، ۱۲/۰۸/۱۳۷۷

نهایت مدارای امام و ملت با امریکاییها

بعد از انقلاب، این ملت و نظام جمهوری اسلامی، نهایت مدارا را با امریکاییها کردند. اول انقلاب، مردم بخاطر بُغضی که نسبت به امریکاییها داشتند، رفتند عناصری از سفارت را دستگیر کردند و به همین مدرسه‌ی رفاه و علوی که محل اقامت امام بزرگوار بود آوردند؛ اما امام دستور دادند آنها را آزاد کردند و وسایل را فراهم نمودند که اگر میخواهند از کشور خارج شوند، با سلامت خارج شوند و رفتند. کسی به آنها تعرّضی نکرد.



فرجام بد بی‌توجهی به توصیه‌های امام

امام در نامه‌ای که به رهبر شوروی سابق نوشتند، فرمودند: شما که بساط جدیدی را در کشورتان راه می‌اندازید، مواظب باشید که به غرب و به امریکا آنچنان گرایش پیدا نکنید که آنها بر امورتان مسلط شوند! این توصیه مورد توجه قرار نگرفت و امروز شما وضعشان را ببینید. رابطه با امریکا، از لحاظ اقتصادی، نتیجه‌اش همان چیزی است که امروز شما در روسیه ببینید. بسیاری از کشورهایی که من نمیخواهم اسم بیاورم و رابطه‌های بسیار خوب و عالی با امریکا دارند، از لحاظ اقتصادی، وضعشان زیر صفر و بسیار بد است و پول ملی‌شان بسیار بسیار بی‌ارزش است. اینها برای ملت ایران تجربه است.

مشابهت مشکلات و دشمنیهای دوران امام با دوران پیامبر(ص)

نباید ملاحظه کرد که آنچه ما از اسلام میفهمیم، در قضاوت کسانی که با اسلام میانه‌ای ندارند، از اسلام خوششان نمی‌آید و اسلام را مزاحم خودشان میدانند چه در زمینه‌های اقتصادی و چه در زمینه‌های سیاسی چه تأثیری دارد؛ آیا آنها خوششان می‌آید، آیا فهم ما را از اسلام قبول دارند یا نه؟ اسلام بعنوان هدایت انسانها در دنیایی قرار گرفت و وارد بشریت شد که از همه طرف انکار و تکذیب بود. پیامبر را با انواع تهمتها متهم میکردند. شما قرآن را ملاحظه کنید؛ تعبیراتی که دشمنان پیامبر درباره‌ی پیامبر به کار میبردند، تعبیراتی است که هر انسانی را که ضعیف باشد، خرد میکند، میشکند و جرأت و جسارت او را برای بیان مراد خود از بین میبرد؛ اما پیامبر اعتنایی نکرد و حرف خدا را که بر زبان او جاری و بر دل او الهام شده بود، بیان نمود و نورانیت کلام الهی کار خود را کرد.

در زمان ما نیز همینطور بود. امام بزرگوار ما وقتی وارد میدان عمل شد، آن هنگامی که در دنیا بر همه معلوم گردید که این انسان بزرگ تصمیم جدی دارد که بر طبق اسلام عمل کند و حکومت اسلام را تشکیل دهد، همان دستگاههای تبلیغاتی که قبلاً درباره‌ی امام شاید تعبیرات ستایش آمیزی هم به کار میبردند، شروع کردند به بیان تعبیرات اهانت آمیز و تهمت آمیز و تحقیر آمیز هم نسبت به امام، هم نسبت به پیام او، هم نسبت به جامعه‌ی اسلامی، هم نسبت به اصل نظام اسلامی. اما امام اعتنایی نکرد و جامعه‌ی اسلامی ما، جوانان ما، اندیشمندان ما، متفکران و مسئولان ما، با جرأت و گستاخی و شجاعت این راه را رفتند و موفق هم شدند.

سعی دشمنان در نفی دوران مشعشع حیات امام

همه‌ی سعی دشمنان اسلام و دشمنان این نظام این است که این ملت را نسبت به گذشته‌ی خود بی‌اعتقاد کنند؛ همان گذشته‌ی درخشان و متأللی بیست ساله؛ آن دوران ده ساله‌ی مشعشع حیات امام بزرگوار؛ آن دورانی که آن مرد الهی و معنوی و روحانی و نادر و حقیقتاً کم‌نظیر در تاریخ، در میان ما زنده بود، با ما حرف میزد، ما را راهنمایی

ره، رهرو، رهبر / ۵۶۱

میفرمود، چشمها را خیره میکرد، دشمنان خود را به اعجاب و تحسین وامیداشت و با مهارت و قدرت، این ملت بزرگ را از دشوارترین گردهای تاریخ خود عبور میداد؛ آن دورانی که قاعده‌ای برای این ملت شد که بر اساس آن حرکت کند. میخواهند اینها را نفی کنند و از دست این ملت بگیرند. میخواهند اینها را در ذهن این ملت، محکوم کنند و محتاج اصلاح معرفی نمایند!

گرامی داشتن راه امام و تمسک به آن؛ راه حل تمام مشکلات

امروز کسانی که در این کشور در رأس قدرتند - مسئولان این کشور، رئیس‌جمهور این کشور، دولت این کشور، قوای مقننه و قضائیه‌ی این کشور - و نیز آحاد مردم این کشور، همه امام و راه امام و حرکت امام و قلّه‌های افتخار دوران امام را گرامی و عزیز میدارند و از آن صرف‌نظر نخواهند کرد. این تجربه‌ی ذی‌قیمت دوران بیست‌ساله‌ی بعد از انقلاب ماست. ما به برکت اسلام حرکت را آغاز کردیم؛ به برکت اسلام پیش رفتیم؛ به برکت اسلام افقهای آینده را در مقابل خودمان درخشان و متأللی کردیم؛ به برکت اسلام دشمن را مأیوس نمودیم؛ به برکت اسلام از بسیاری از دامهای دشمن جستمیم؛ به برکت اسلام راه را به سوی آبادانی مادی و معنوی این کشور آغاز کردیم و پیش میرویم و پیشرفتهای زیادی هم کرده‌ایم. اینها به برکت اسلام است. آنچه داریم، از اسلام است. آنچه داریم، از قرآن داریم. آنچه داریم، از راهنماییهای آن مرد بزرگ داریم. میدانیم که ادامه‌ی این راه است که این ملت را خوشبخت میکند و از سرچشمه‌های مادی و معنوی سیراب خواهد کرد. مشکلات ما به برکت تمسک به اسلام و استقلال در همین راه، حل خواهد شد؛ که بحمدالله امروز همه‌ی مسئولان کشور با اعتقاد تام و تمام به این حقیقت، کار میکنند، زحمت میکشند و به تلاش میپردازند.

در دیدار گروه کثیری از پاسداران و بسیجیان به مناسبت میلاد امام حسین(ع) و روز پاسدار، ۱۳۷۷/۹/۲

سه خصوصیت حسینی(ع) ترفیع‌دهنده‌ی امام راحل

امام ما هم که ببینید اینقدر خدای متعال او را به مقام رفیع رساند - «وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا»^۱ - و علی‌رغم همه‌ی عوامل در سرتاسر دنیای مادیّت و استکبار که میخواستند او را

۱ سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۵۷.

محو کنند، به فراموشی دهند و کوچک کنند، او را حفظ و بزرگ کرد و ماندگار و جاودان نمود، علت همین بود که این سه خصوصیت را داشت: اولاً باخلاص بود و برای خود چیزی نمیخواست؛ ثانیاً به خدای خود اعتماد داشت و میدانست که کار و هدف، تحقق پیدا خواهد کرد- به بندگان خدا هم اعتماد داشت- ثالثاً زمان و «موقع» را از دست نداد. در لحظه‌ی لازم، اقدام لازم، صحبت لازم، اشاره‌ی لازم و حرکت لازم را کرد.

■
بنابراین، حرکت امام بخاطر آن سه عامل عظیم- یعنی اخلاص، اعتماد به خدا و شناختن «موقع» و بهره‌برداری از آن- بود که این عمق را پیدا کرد و خیلی عمیق است. شما پاسداران هم همینطور باید حرکت کنید؛ که تا به حال هم همینگونه حرکت کرده‌اید.

معنای حقیقی ارتش بیست میلیونی امام

امروز همه‌ی جوانان ما، پیران ما، دانشجویان ما، روحانیون ما، بزرگان ما، کوچکان ما و قشرهای مختلف ما- مگر من شد و ندی که دل به زندگیهای رنگ و لعابی دروغین غرب بسته باشند- فهمیده‌اند که سعادتشان در این است که اسلام را با بصیرت و با روشن بینی و خردمندی بفهمند و آن را به کار گیرند تا بتوانند از دشمنیها بکاهند، دشمنیها را دفع کنند. این همان بسیج است؛ حقیقت بسیج یعنی این. ارتش بیست میلیونی که امام فرمودند، یعنی این.

وظیفه‌ی همه‌ی نیروهای مؤمن در دنبال کردن راه امام

همه‌ی نیروهای مؤمن وظیفه دارند که به خدا توکل و اعتماد کنند. راه روشن و منوری که امام بزرگوار بر روی این ملت گشوده است، این راه را انشاءالله دنبال کنند؛ خدای متعال هم به آنها برکت خواهد داد، آنها را کمک و پیروز خواهد کرد و انشاءالله به اهداف عالی‌شان خواهد رساند و قلب مقدس ولی عصر(ارواحنا فداه) را از آنها راضی خواهد کرد.

جایگاه تبلیغ در نظر امام و دیگر علما

در اهمیت تبلیغ، آنچه که لازم بوده است گفته شود، در این سالهای متمادی، در درجه‌ی اول به وسیله‌ی امام بزرگوار ما و بعد بقیه‌ی دلسوزان و علاقه‌مندان و بزرگان و مراجع معظم تقلید و فضایی نامدار گفته شده و بر همه معلوم گردیده است که «تبلیغ» وظیفه‌ی اصلی روحانیون و علمای دین است

علت تأکید امام بر اسلام ناب و حقیقی

حقیقت ناب و اسلام ناب که امام بزرگوار بر روی آن این همه تأکید میکردند، برای این است که ما این متاع را- که متاع ذهن مردم و متاع مغزها و متاع دلهاست- خالص، بدون غلّ و غش، بدون تقلّب و بدون کم و زیادهایی که دستهای خائن و گنهکار یا غافل و جاهل به وجود آورده‌اند، به مخاطبان برسانیم. این بزرگترین امانت الهی است؛ «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا»^۱. بزرگترین و نفیست‌ترین و مؤثرترین و گرانبهاترین امانتی که خدای متعال به ما داده است، معارف الهی و حقایق الهی است. اینها را بایستی بصورت ناب و بصورت خالص، هرچه نزدیکتر به واقع بدست بیاوریم و آن را به مخاطب برسانیم.

ماهیت اختلافات مسئولان سیاسی در کلام امام

دشمن می‌خواهد بگوید که مردم، مسئولان، قشرها و جناحهای مختلف به خون هم تشنه‌اند. این واقعیت ندارد. هرکس امروز طوری عمل کند، طوری مشی کند و بگونه‌ای حرف بزند که معنایش این باشد که در بین قشرهای ملت اختلاف است و در بین جناحهای مختلف، اختلافهای عمیق و نفرت‌آور هست، یقیناً به دشمن کمک کرده است و یقیناً خدمت به دشمن است. بعضیها ساده‌لوحانه عملشان، حرف و اظهاراتشان اینگونه است! البته اختلاف سلیقه، اختلاف مذاق همانطور که امام بارها میفرمودند مثل اختلاف

دو هم‌مباحثه‌ای است که سر یک مسئله با هم اختلاف دارند. مباحثه است؛ با هم می‌گویند، بحث می‌کنند، دعوا می‌کنند؛ اما رفیقند و دل‌هایشان به هم نزدیک است. در مسائل گوناگون سیاسی و اجتماعی هم همین‌طور است و باید همین‌گونه باشد.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۷/۱۰/۰۴

هدف امریکا از طرح مسئله رابطه؛ برگشتن به موضع قدرت از بین رفته توسط امام

مسئله‌ی ما با امریکا، مسئله‌ی دیگری است؛ مسئله‌ی روابط نیست. برای آنها، روابط به معنای مقدمه‌ی برای این تسلط است و به کمتر از آن هم راضی نیستند! اسم روابط را بعنوان شعار می‌آورند. معلوم است مقدمه‌ی هر یک از این کارهایی که می‌خواهند بکنند، روابط است. الآن همین دولت عراقی که در هفته‌ی گذشته این‌طور زیر چکمه‌ی امریکا قرار گرفت، مگر با امریکا روابط ندارد؟ چرا، آن هم در اینجا سفیر دارد، این هم در آنجا سفیر دارد؛ با هم روابط دارند. رابطه که مانع این‌گونه سختگیرها نیست. دولت امریکا که دولت سوریه را هر سال جزو کشورهای تروریستی دنیا اعلام می‌کند، مگر با هم رابطه ندارند؟ رابطه‌ی سیاسی دارند. رابطه که مانع از ظلم کردن و بد کردن و امثال اینها نیست. رابطه، بهانه است. مسئله، مسئله‌ی برگرداندن همان قدرت سیاسی و اقتصادی و امنیتی است که سی سال امریکاییها در این کشور داشتند و انقلاب آمد به همت همین ملت و همین جوانان و به همت و به هوشیاری امام، این قدرت را از بین برد. خیال می‌کنند که ملت ایران از انقلاب برگشته است. خیال می‌کنند که ملت ایران از امام برگشته است. خیال می‌کنند که ملت ایران از آرمانها برگشته است. می‌خواهند آن وضع گذشته را برگردانند.

پیام به مردم قم به مناسبت سالروز قیام نوزدهم دی‌ماه، ۱۳۷۷/۱۰/۱۹

دفاع شجاعانه‌ی مردم قم از امام در ۱۹ دی

دفاع شجاعانه‌ی مردم قم از امام بزرگوار که مظهر آرمانهای اسلامی ملت ایران بود، همان مناسبت بزرگ و فراموش‌ناشدنی است که با یادآوری خاطره‌ی ۱۹ دی در یادها زنده میماند و تجلیل میشود.

راه امام؛ راه افاقه‌ی مسلمین بر مشکلات

در بسیاری از نقاط جهان اسلام، مسلمانان رنجهای بزرگی را تحمل کردند؛ اما مردم مسلمان عالم به برکت اتحاد، به برکت وحدت کلمه‌ی توحیدی، به برکت بیداری و هوشیاری‌ای که حرکت عظیم ملت ایران به آنها بخشیده و راه روشن امام بزرگوار ما در پیش پای همه نهاده است، **إن شاء الله** بر این مشکلات فائق خواهند آمد.

ضرورت پاسداشت راه خدا و راه امام

ملت عزیز! بندگان مؤمن و صبور خدا! راه خدا و راه انقلاب و راه امام را پاس بدارید؛ پشت سر مسئولان دلسوزتان، بزرگان و هادیان و راهنمایان، دست در دست یکدیگر حرکت کنید و نگذارید وحدت شما خدشه‌دار شود.

یک جبهه‌ی واحد وجود دارد و آن، جبهه‌ی انقلاب و اسلام است. در داخل این جبهه، هر اختلاف سلیقه‌ای هم باشد، اصل احترام به اسلام، احترام به قرآن، پاسداری از انقلاب، پاسداری از راه امام بزرگوار، پاسداری از عزت و استقلال این کشور، تلاش برای آسوده کردن خاطر ملت و از بین بردن مشکلات، بر جای خود مستحکم و محفوظ است.

در دومین روز از دهه‌ی مبارکه‌ی فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان)، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳

علل نفوذ امام و پیام امام در قلوب مردم و نتایج آن

وقتی در سال چهل و یک فریاد امام بلند شد، بغض مردم ترکید. مردم در طول دهها سال بغض کرده بودند. بعضیها به آن وضع عادت کرده بودند، بسیاری هم بغض کرده بودند. حرف امام به دلها نشست. بدانید آن روزی که امام این فریاد را بلند کردند، هنوز مرجع تقلید معروفی نبودند. البته ایشان در قم بین علما و بزرگان، فضلا و طلبان حوزه، خیلی موجه بودند و پایگاه بسیار بلندی داشتند؛ اما در بین مردم سراسر کشور، آنچنان شناخته شده نبودند. این فریاد که بلند شد، چون درست بود، چون بحق بود - زیرا متکی

به خواسته‌های مردم و در اصل به اسلام و دین متّکی بود- بلافاصله همه جا بطور طبیعی منتشر شد؛ دهن‌به‌دهن، دست‌به‌دست، دل‌به‌دل سیر کرد، به همه جا رسید و مردم را به امام علاقه‌مند کرد. امام بزرگوار ما که در سال چهل و یک به هنگام شروع مبارزات، چندان معروفیتی نداشتند، در خرداد چهل و دو وضع و پایگاهشان در دلهای مردم به آنجایی رسیده بود که حادثه‌ی پانزده خرداد چهل و دو در تهران اتّفاق افتاد و هزاران نفر در راه امام جان خودشان را فدا کردند. این بر اثر حقانیت آن فریاد بود.

امام تعالیم اسلام را برای مردم بیان کردند؛ معنای حکومت را بیان کردند؛ معنای انسان را بیان کردند و برای مردم تشریح کردند که چه بر آنها میگذرد و چگونه باید باشند. حقایقی را که اشخاص جرأت نمیکردند بگویند، ایشان بطور صریح- نه به شکل درون‌گوشی، نه به شکل شبنامه، نه آنطوری که گروهها و احزاب بصورت بسته و سلولهای حزبی و برای کادرهای حزبی بیان میکنند- روان، آسان، در فضا، برای عموم مردم بیان کردند. این بود که مردم پاسخ گفتند. البته از آن روزی که امام شروع کردند، تا آن روزی که این انقلاب پیروز شد، پانزده سال طول کشید؛ پانزده سال دشوار. شاگردان امام، دوستان امام، دست‌پروردگان امام، آحاد مردم و افراد روشن‌بین جامعه، اعماق و روح این پیام را درک کردند، آن را گرفتند و در نقاط مختلف و در محافل مختلف و در قشرهای مختلف، آن را گفتند. گفت و باز گفت این سخنان و ایستادگی در راه این سخنان، مشکلات فراوانی ایجاد کرد. هزاران نفر به شهادت رسیدند و تعداد چند برابر اینها زیر شکنجه‌ها افتادند. دوران خیلی سختی گذشت. بعضیها در طول این پانزده سال، یک شب با امنیت و راحت به خانه‌هایشان نرفتند؛ یک روز با اطمینان از اینکه به آنها آسیب نمیرسد، از خانه‌هایشان بیرون نیامدند. سختیها گذشت و امام در تمام این دوران، مرشدانه، حکیمانه و شجاعانه رهبری میکردند و بالاخره در یکی، دو سال آخر، این امواج خروشان مردمی به وجود آمد. هر جا که آحاد مردم با انگیزه‌ی دینی، با انگیزه‌ی خدایی و بدون چشمداشت مادی وارد میدان شوند، هیچ قدرتی نمیتواند در مقابلشان ایستادگی کند. همانطور که امام فرمودند، آنها با همه‌ی آن ساز و برگشان، در مقابل ملت دست خالی ما نتوانستند بایستند؛ لذا این انقلاب به وجود آمد و پیروز شد.

عامل موفقیت امام در مبارزه با رژیم پهلوی

مبارزات با رژیم پهلوی، از دیرباز شروع شده بود؛ یعنی از دوره‌ی رضاخان و از سال ۱۳۱۴. البته قبلاً مرحوم مدرّس مبارزاتش را شروع کرده بود، اما ایشان را به شهادت رساندند. در سال ۱۳۱۴، نهضت بزرگ علما از مشهد شروع شد و مرحوم آیت‌الله قمی و عده‌ای از علما که با ایشان همراه بودند، مبارزه‌ی خود را شروع کردند. در اواخر دوره‌ی رضاخان، گروه‌های غیراسلامی تجمّعی داشتند و مبارزاتی را شروع کردند. بعد در دهه‌ی بیست، باز مبارزات حزبی و گروهی از یک طرف و نهضت علمایی و مردمی از طرف دیگر آغاز گردید. در سالهای بعد هم همینطور بود و مبارزات زیادی شروع شد. البته همه‌ی این مبارزات هم تأثیراتی داشت؛ اما همان‌طور که می‌گویید، هیچ‌کدام از اینها قدرت بسیج توده‌ها را نداشت و نتوانست مبارزه را از جمع‌های کوچک و خواص، به جمع عظیم مردم بکشاند.

راز پیروزی امام هم این بود که توانست این هنر بزرگ و این معجزه‌ی بزرگ را انجام دهد و مبارزه را به سطح مردم بکشاند. اما علتش چه بود؟

تکیه بر اسلام؛ اصلی‌ترین عامل موفقیت امام در کشاندن مبارزات به سطح مردم

البته برخی از این علل، به خصوصیات شخص امام بزرگوارمان برمیگردد که آنها را هم عرض خواهم کرد؛ لیکن عمده‌ی علت، عبارت بود از اینکه امام در موضع یک روحانی والامقام و مورد اعتماد، از اسلام حرف میزدند. اسلام، باور عمومی مردم بود و هست. این، خاصیت حرکت دینی و خاصیت انگیزه‌ی دینی است.

انگیزه‌ی دینی، با انگیزه‌های مادی و حزبی فرق میکند. در انگیزه‌های مادی و حزبی، کسب قدرت و حکومت، بیشتر مطرح است. اشخاصی که وارد مبارزه میشوند، هر کدام برای خودشان جایگاه و موضعی را تعریف میکنند: در نظام آینده، ما چکار باید بکنیم؟ چکاره باید بشویم؟ اما در حرکت دینی، این حرفها نیست؛ همه برای انجام تکلیف وارد میشوند. امام بر اسلام تکیه کردند و تعالی اسلام را بیان نمودند. عمق حرکت مردمی از اینجا شروع شد؛ چون همه‌ی مردم، با ایمان خودشان وارد شده بودند. شما مثلاً میدیدید که در فلان روستا، مردم نسبت به مسائل پاسخ میدهند. حالا شما ببینید اگر یک حزب

سیاسی بخواهد مردم یک روستای دورافتاده را با خودش همراه نماید، چقدر باید تلاش کند تا فرد فرد آنها را به خودش متوجه سازد؛ در حالی که امام چنین تلاشی با این خصوصیت نداشتند؛ اما با پیام ایشان آنها با ایمان وارد میدان میشدند. در شهرهای بزرگ هم همینطور بود. در تهران که مرکز هم بود، همینگونه بود. بنابراین، عمده، مسئله‌ی اسلام بود؛ یعنی امام به اسلام تکیه داشتند.

مردمی بودن امام؛ علت دیگر موفقیت امام در مبارزه

البته خصوصیات دیگری هم بود. امام طبیعتاً یک شخص مردمی بودند و به مردم اتکا داشتند. من فراموش نمیکنم که در سال چهل و یک- که هنوز امام بزرگوار ما اینقدر هم معروفیت و شهرت نداشتند- در یکی از سخنرانیهایی که آن سال در قم و در همان محل درس انجام میدادند، خطاب به دولت آن زمان گفتند که اگر مثلاً به این رفتارشان ادامه دهید، من این صحرای بی‌پایان قم را از مردم پُر میکنم! همه تعجب میکردند که امام چطور از گوشه‌ی مسجدی در قم، اینطور به مردم متکی و معتقد و خاطر جمع از مردمند. چند ماه بیشتر نگذشت؛ در سال چهل و دو که امام آن سخنرانی را در مدرسه‌ی فیضیه کردند، دو روز بعدش در تهران حادثه‌ی پانزده خرداد اتفاق افتاد و با آن وضع خونین، مردم در مقابل تانکها و مسلسلها و تفنگها ایستادند.

سایر علل موفقیت امام؛ ایمان، اراده، صدق، آینده‌نگری، خستگی‌ناپذیری، هوشمندی و ...

البته عرض کردم که خصوصیات شخص امام خیلی دخیل بود. امام به معنای حقیقی کلمه، مردی با اراده و عزم پولادین بودند؛ شخصی بودند صددرصد مؤمن به راه خود؛ همانطور که در قرآن نسبت به پیامبر آمده که «أَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ». ایشان به راه خود ایمان کامل داشتند؛ مردی بودند صادق و صریح؛ اهل سیاست‌بازی و سیاست‌کاری نبودند؛ مردی بودند بسیار هوشمند و آینده‌نگر. هوشمندی امام، آینده‌نگری و قدرت تشخیص قدمهای بعدی، در امام بسیار بالا بود. ایشان پیگیر و خستگی‌ناپذیر بودند. بد نیست به یاد بیاورید که امام این مبارزات را در سن شصت و

سه سالگی شروع کردند. یادم هست که در همان سال چهل و یک ایشان در سخنرانی خود گفتند که من امسال شصت و سه سال دارم، که اگر مرا بکشند، تازه در سنی از دنیا رفته‌ام که پیامبر و امیرالمؤمنین در این سن از دنیا رفتند. مرد شصت و سه ساله، جوانان را گرم میکرد و به آنان نیرو و نشاط میداد. ایشان وقتی که وارد تهران شدند و وقایع روزهای دوازده بهمن به بعد و حادثه‌ی پیروزی انقلاب اتفاق افتاد، مردی نزدیک هشتاد ساله بودند. ببینید پیرمردی در این سن - که وقت بازنشستگی و خستگی و بیکارگی است - اینگونه با نشاط جوانان وارد میدان میشوند. بنابراین، خصوصیات شخصی امام بسیار مؤثر بود؛ مسئله‌ی تکیه به اسلام و دین و ایمان و باور مردم هم که وجود داشت. ■

نیروها و یاران اصلی امام برای تشکیل حکومت اسلامی

در هنگامی که امام مبارزه را شروع کردند، من نمیتوانم بگویم که مثلاً در سالهای چهل و یک و چهل و دو ایشان کادرهای لازم را داشتند؛ لیکن امام کادرسازی میکردند. شما توجه دارید که امام یک فرد جاافتاده‌ی علمی در حوزه‌ی علمیه‌ی قم بودند و اطراف ایشان را جمعی از جوانان لایق و مؤمن احاطه کرده بودند. با قشرهای دیگر هم ایشان ارتباط داشتند. امام با پیامهای خود، با بیانهای خود، به معنای حقیقی کلمه، انسانها را تربیت و تصحیح میکردند؛ هم تربیت فکری، هم تربیت روحی و اخلاقی. یک کادر برجسته و لایق، کسانی نیستند که لزوماً درس مدیریت یا دوره‌ی علوم سیاسی را گذرانده باشند؛ کسانی هستند که هدفها را خوب بفهمند، راهها را خوب تشخیص دهند، بتوانند خوب تصمیم بگیرند و خوب اقدام کنند. این با تربیتهای مداوم انجام میگیرد. این کاری بود که بطور طبیعی در مجموعه‌ی امام و به وسیله‌ی آن بزرگوار انجام میشد؛ نه در کلاس درس بخصوصی، بلکه با برخوردها، با رفتارها، با پیامها و با اصلاحها. ولی از این مهمتر، امام یک کادرسازی در سطح ملت کردند. کادرسازیهای امام هم، غیر از کادرسازیهای حزبی بود. احزاب مینشینند اشخاصی را بطور خاص تربیت میکنند، برای اینکه مثلاً فلان شغل و فلان کار را به اینها بدهند؛ اما امام جوانان را تربیت میکردند و به آنها روحیه‌ی خودباوری میدادند. از اول هم امام روی جوانان تکیه‌ی بخصوصی داشتند و همین هم شد.

البته بعد از آنکه انقلاب پیروز شد، هم کسانی که در مجموعه‌ی امام بودند و هم کسانی که خارج از مجموعه‌ی امام بودند، آمدند و کارها را قبضه کردند و مشغول تصدی کارها شدند- با تغییرات و اصلاحاتی که به مرور انجام گرفت- لیکن این را توجه داشته باشید که امام راهشان روشن بود، شیوه‌شان معلوم بود و میدانستند که چه می‌خواهند. شیوه‌ی امام عبارت بود از شیوه‌ای که پیامبران آن را می‌پیمودند؛ یعنی تزریق ایمان و باور عمیق، همراه با بصیرت و آگاهی و تأمل و فکر در مخاطبان خود. چنین روشی بطور طبیعی استعدادها را شکوفا میکند و کادرها را پرورش میدهد. لازم نبود از ده سال قبل بردارند فهرستی تهیه کنند که فلان کس را برای فلان کار می‌خواهیم؛ اما بطور طبیعی فهرستهایی طولانی به وجود می‌آمد.

میدانید که «شورای انقلاب»، قبل از انقلاب در ایران تشکیل شد و عده‌ای را بعنوان اعضای «شورای انقلاب» معین کردند؛ محتاج هیچ‌کس هم نشدند و مشکلی هم پیدا نکردند البته این عده آن زمان ناشناخته بودند؛ حتی خودشان هم از عضویتشان خبر نداشتند. بنده خودم یکی از اعضای «شورای انقلاب» بودم، اما نمیدانستم که عضو این شورا هستم. مرا برای عضویت در این شورا معین کردند و بعدها به من خبر دادند؛ من هم از مشهد به تهران آمدم و مشغول کار شدم. بنابراین، امام میشناختند و میدانستند. البته با نزدیکان صمیمی خودشان هم که در تهران با اینها ارتباط داشتند، برای گزینش افراد مشورت میکردند؛ راه هم که راه روشنی بود.

یک نمونه‌ی استقبال جامعه‌ی ما از نوآوری

من گمان میکنم که جامعه‌ی ما، جامعه‌ای است که نوآوری را اصلاً تربیت و استقبال میکند. یک نمونه‌اش همین است که شما در مورد حضرت امام اشاره کردید. امام بزرگوار یک مرد کهنسال هشتاد ساله بودند که در اواخر عمرشان این دو فتوایی را که شما می‌گویید، صادر کردند. اینها نشان‌دهنده‌ی آن است که جامعه‌ی ما اصلاً جامعه‌ای است که با پدیده‌های نو و معقول و منطقی، کاملاً همساز و همخوان است.

شاخص مدنظر امام در موسیقی

بینید؛ موسیقی‌ای که انسان را به بیکارگی و ابتذال و بیحالی و واخوردگی از واقعیت‌های زندگی و امثال اینها بکشد، موسیقی حلال نیست؛ موسیقی حرام است. موسیقی چنانچه انسان را از معنویت، از خدا و از ذکر غافل کند، حرام است. موسیقی‌ای که انسان را به گناه و شهوترانی تشویق کند، حرام است؛ از نظر اسلام این است. موسیقی اگر این خصوصیات مضر و موجب حرمت را نداشته باشد، البته آن وقت حرام نیست. اینهایی را که من گفتم، بعضیش در موسیقی بی‌کلام و در سازهاست؛ بعضی هم حتی در کلمات است. یعنی ممکن است فرضاً یک موسیقی ساده‌ی بی‌ضرری را اجرا کنند، لیکن شعری که در این موسیقی خوانده میشود، شعر گمراه‌کننده‌ای باشد؛ شعر تشویق‌کننده به بی‌بندوباری، به ولنگاری، به شهوترانی، به غفلت و اینطور چیزها باشد؛ آن وقت حرام میشود. بنابراین، آن چیزی که شاخص حرمت و حلیت در موسیقی است و نظر شریف امام هم در اواخر حیات مبارکشان- که آن نظریه را در باب موسیقی دادند- به همین مطلب بود، این است.



اعتماد و اعتقاد امام به جوانان و شرایط اول انقلاب از لحاظ جوانگرایی

اینکه می‌گویید امام در اول انقلاب به جوانان مسئولیت دادند، البته درست است و در خیلی جاها اینطور بود؛ اما خیلی جاها هم اینگونه نبود. مثلاً در شورای انقلاب- که اولین مسئولانی که امام معین کردند، شورای انقلاب بود- مرحوم آیت‌الله طالقانی حضور داشت که آن وقت مرد هفتاد ساله‌ای بود. افرادی بودند که از نظر سن از ایشان هم بزرگتر بودند و در شورای انقلاب عضو بودند. بنظرم می‌آید که در شورای انقلاب- آن شورایی که امام معین کردند و بعد البته کسانی هم اضافه شدند- جوانترین فرد من بودم که سی و نه سال داشتم. البته بعداً کسانی اضافه شدند که آن روز از من جوانتر بودند؛ اما من که از ابتدا عضو شورای انقلاب بودم، جوانترین آنها بودم و سی و نه سالم بود، که تقریباً جوان به این معنا در او صدق نمی‌کند. آن وقت دولتی که امام دستور تشکیل آن را دادند، اگر شما با دولت امروز ما مقایسه کنید، خواهید دید که دولت امروز ما از آن دولت جوانتر است. رئیس آن دولت فردی در حدود هفتاد ساله بود؛ اما امروز رئیس

دولت ما یک مرد پنجاه و سه، چهار ساله است. آن روز ما وزرایی داشتیم که سن بعضی از آنها هفتاد سال و شصت و پنج سال و در این حدود بود و گمان نمیکنم که جوانترین آنها از پنجاه سال کمتر داشت؛ اما امروز وزرای ما بین چهل و پنجاه سال و معدودی هم بین پنجاه و شصت سال سن دارند. بنابراین، امروز دولت ما از دولت اول انقلاب جوانتر است.

البته شما راست میگویید؛ امام به جوانان اعتماد و اعتقاد داشتند. لذا مثلاً فرماندهان اولیه‌ی سپاه پاسداران- که هسته‌ی اولیه‌ی سپاه را اینها گذاشتند- این مجموعه‌ی عظیم را تشکیل دادند و سپاه در جنگ آن همه نقش آفرید. وقتی اینها به امام معرفی شدند و امام اینها را شناختند، به هیچ‌وجه نگفتند که شما جوانید، چطور می‌خواهید این کار را بکنید؛ نخیر، بلکه استقبال هم کردند. یا مثلاً در کابینه‌ی شهید رجایی، یک عده جوانان خیلی خوب بودند. اولین کابینه‌ای که جوانان را به معنای واقعی کلمه وارد مسئولیت کرد، کابینه‌ی شهید رجایی بود. بعد هم آقای مهندس موسوی بودند که جوانان را وارد میدان کردند.



معرفی مقام معظم رهبری به دانشجویان از سوی امام

البته آن زمان امام به یک عده از جوانان دانشجو که رفته بودند به ایشان مراجعه کرده بودند، بنده را معرفی کردند؛ بنده هم میرفتم. الآن هم روحانیون خوبی در بین دانشجویان هستند که مورد تأیید من هستند. البته من نمیخواهم در اینجا اسم بیاورم؛ لیکن بعضیها را حتی من به اسم هم در بین مجموعه‌های دانشجویی معرفی کرده‌ام و الآن حضور دارند و فعالیتهای خیلی خوبی هم میکنند. آن روزی را که شما اشاره میکنید، این کار، یک کار نویی بود؛ یعنی هیچ سابقه نداشت که یک عده جوان بیایند از امام درخواست کنند که یک روحانی مثلاً علاقه‌مند به مسائل جوانان را به اینها معرفی کند؛ که امام هم معرفی کردند و در رسانه‌ها هم این قضیه گفته نشد و همین خود جوانان آن را پخش کردند و حالا جنابعالی هم اطلاع دارید و آن را مطرح میکنید؛ لیکن الآن خوشبختانه این کار، رایجی است.

حرکت نوزده بهمن نیروی هوایی؛ سرافرازکننده‌ی امام و انقلاب

شما حق دارید امروز را گرامی بدارید؛ زیرا حادثه‌ای که در روز نوزدهم بهمن سال ۱۳۵۷ اتفاق افتاد، نه فقط افتخاری برای نیروی هوایی و ارتش بود، بلکه ملت ایران و انقلاب و امام را سرافراز کرد.



تجلی ایمان امام و القای روحیه خودباوری به سربازان خویش

در روزهای اول جنگ، یک نفر نظامی پیش من آمد و فهرستی آورد که انواع و اقسام هواپیماهای ما- جنگی و ترابری- در آن فهرست ذکر شده بود و مشخص گردیده بود که چند روز دیگر همه‌ی فروندهای این نوع هواپیماها زمینگیر خواهد شد؛ مثلاً این نوع هواپیما در روز هشتم، این نوع هواپیما در روز دهم، این نوع هواپیما در روز پانزدهم! این فهرست را به من داده بود که خدمت امام ببرم، تا ایشان بدانند که موجودی ما چیست. من به آن فهرست که نگاه کردم، دیدم دیرترین زمانی که هواپیمایی از انواع هواپیماهای ما زمینگیر خواهد شد، در حدود بیست و چند روز است؛ یعنی ما بیست و چند روز دیگر هیچ هواپیمایی نداریم که بتواند از روی زمین بلند شود! من وظیفه‌ام بود که این فهرست را ببرم و به امام نشان دهم. ایشان به آن کاغذ نگاه کردند و گفتند: اعتنا نکنید؛ ما میتوانیم! برگشتم و به دوستانی که بودند گفتم: امام میگویند میتوانند. آن هواپیماها، به همت شما و با توانستن شما هنوز پرواز میکنند؛ هنوز از بسیاری از تجهیزات پرنده‌ی این منطقه پیشترند؛ هنوز در مصاف با بسیاری از کسانی که وسایل مدرن دارند، برتر و فائق‌ترند. از آن روز، نزدیک بیست سال میگذرد. این است معجزه‌ی همت انسان! این است معجزه‌ی ایمان! آنها را ساختند، آنها را تعمیر کردند، با آنها کار کردند؛ البته مبالغه نسبتاً قابل توجهی هم در اواخر به آنها اضافه شد. آنچه مهم است، روحیه و ایمان است؛ قدردانی چیزی است که این انقلاب و این حرکت عظیم به ما داده است؛ یعنی خودباوری، یعنی استقلال، یعنی عزت، یعنی قطع رابطه‌ی آقا بالاسری کسانی که مدعی آقا بالاسری بر همه‌ی دنیايند.

خصوصیات شخصیتی امام در رهبری نهضت اسلامی

نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی عظیم در میانه‌ی سالهای ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ در چنین شرایطی آغاز شد و رشد و تکامل یافت. امام بزرگوار ما با تکیه به تعالیم اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، و با اعتماد به ایمان دینی مردم، و با شجاعت و اخلاص و توکل کم‌نظیر خود، راه مبارزه را در میان سختیها و مصائب طاقت‌فرسا گشود و پیش رفت و صبورانه و پیامبرگونه ذهن و دل مردم را با واقعیت‌های تلخ و راه علاج آن آشنا کرد.



شبکه‌ی بی‌نظیر مبارزاتی متصل به رهبری امام؛ عامل پیروزی انقلاب

ملت ایران که از اولین قدمها به ندای این مرد الهی و روحانی گوش فراداده و به منطق حق و درس روشنگر او دل بسته بودند، با انگیزه‌ی نیرومند ایمان و عشق به اسلام، فداکاریها و جانفشانیهای فراموش‌ناشدنی کردند. در خرداد سال ۴۲ در تهران و برخی نقاط دیگر کشور چنان قیامی به راه انداختند که رژیم سفاک برای سرکوب آن از همه‌ی سازوبرگ نظامی خود استفاده کرد و هزاران شهید بر روی آسفالت خیابانهای تهران و قم و جاده‌ی ورامین به خون غلتیدند. و صدها تن از مبارزان و زیدگان و در رأس همه امام بزرگوار به زندانها کشیده شدند. در سالهای پس از آن نیز که مبانی اسلام و نهضت انقلابی آن بطور پیوسته و بی‌گسست، به وسیله‌ی زیدگان و دلسوختگان در فضای کشور همه جا آشکار و پنهان تدریس و تبلیغ میشد، مردم مؤمن بخصوص جوانان، شجاعانه و مؤمنانه بدان می‌گرویدند و فکر و دل خود را به هدایت‌های قرآنی، روشن و دست و زبان و جسم و جان خود را در دفاع از آن و تلاش در راه آن به میدان می‌آوردند.

آنچه در طول سالهای مبارزات نهضت اسلامی در ایران گذشت هرگز در تاریخ شناخته‌شده‌ی ما نظیر نداشته است. در زیر ظاهر آرام زندگی ملت، جریان مبارزات اسلامی شبکه‌ی عظیمی از انواع تلاشهای مبارزاتی مردمی به وجود آورده بود: از سخنرانیهای روشنگر، و جلسات آشکار و پنهان درسهای اسلامی، و تهیه و پخش بیانیه‌ها و جزوه‌ها و فعالیت‌های تربیتی و تعلیمی بر اساس رهنمود اسلام، تا تظاهرات و

ره، رهرو، رهبر / ۵۷۵

راهپیماییها و تجمعهای بزرگ دینی و مردمی و تا تشکیل مجموعه‌های عملیاتی و فداکارهای شگفت‌آور و مثال‌زدنی، و همه به نوعی متصل و مرتبط به قلب تپنده‌ی این مبارزه‌ی عمومی و برخوردار از رهبریهای آن روح بزرگ و ایمان ناب و مغز متفکر.

دستاوردهای ارائه‌ی مکتب سیاسی اسلام توسط امام در مقابل دو مکتب سیاسی عالم

امام بزرگوار ما در این مدت در عین هدایت مردم و گستردن دامنه‌ی آگاهی همگانی و کشاندن توده‌ی میلیونی به مبارزه، اندیشه‌ی حکومت اسلامی را نضح و قوام بخشید و در مقابل دو مکتب رایج سیاسی عالم یعنی حکومت دیکتاتوری حزبی کمونیستی در شوروی سابق و چین و اعمار آنها در اروپا و آفریقا و دیگر نقاط، و حکومت‌های پارلمانی غربی که سلطه‌ی سرمایه‌داران و کمپانیها بر فکر و اخلاق و سرنوشت مردم به نام دموکراسی بود، راه اسلامی را مطرح کرد که در آن بر دو عنصر دین و انسان بطور اساسی تکیه شده و ایمان دینی و اراده‌ی مردمی بزرگترین شاخصه‌ی آن است. نظام اسلامی در مکتب امام خمینی نظام عدل و ایمان و عقل و آزادگی و مردمگرایی است، و استقلال ملی و رد نظام سلطه‌ی بین‌المللی در مکتب امام بزرگوار ما دارای چنین ریشه‌های عمیقی است.

امام بزرگوار ما با ارائه‌ی مکتب سیاسی اسلام، خط بطلان بر همه‌ی تلاشهای فرهنگی و سیاسی دشمنان اسلام در طول یک قرن و نیم گذشته کشید که سعی کرده بودند اسلام را بکلی از عرصه‌ی زندگی جامعه بیرون رانده و با طرح نظریه‌ی جدایی دین از سیاست، دینداری را فقط پرداختن به عبادت و اعمال شخصی قلمداد کنند، و با حذف اسلام از صحنه‌ی سیاست جهان، کشورهای اسلامی را عرصه‌ی غارتگریها و تاخت و تازهای سیاسی و نظامی خود نمایند.

با ارائه و تعلیم و تبلیغ مکتب سیاسی اسلام، که در آن هم نقش مردم و اراده و خواست آنان و هم نقش هدایت الهی و احکام سعادتبخش قرآنی در اداره‌ی زندگی عمومی و حکومت، مشخص گردیده، و جایگاه ایمان و جهاد و اراده و تدبیر تبیین شده است، مبارزات گسترده‌ی مردم، سمت و سوی منطقی و فکری خود را یافت و امام

حکیم فرزانه و شجاع، در موضع رهبر بی‌معارض، چون خورشیدی صحنه‌ی مبارزات را روشن کرد، و سیل عظیم مردم به سوی میدانهای نهضت اسلامی سرازیر شد، و رهبری حکیمانه و همیشه بیدار امام موجب شد که هجوم وحشیانه‌ی رژیم و مزدوران به مردم مبارز، نه فقط عزم و اراده‌ی آنان را سست نکند، که آتش خشم و عزم انقلابی آنان را تیزتر نیز بنماید.

ملت ایران با وحدت کلمه و با تمسک به اسلام و رهبری شجاعانه و حکیمانه‌ی مردی الهی و دین‌شناسی بزرگ و مؤمن و صالح، نظام جمهوری اسلامی را بر سر کار آورد و نمونه‌ی بدیعی از نظام سیاسی را با کارگزاری از متن مردم مؤمن و مبارز و نه از اشراف‌زادگان و خان‌زادگان فاسد و وابسته در برابر چشم جهانیان قرار داد.

نهضت‌های فرهنگی و سیاسی از سوی جوانان و آزادگان مسلمان در چهار گوشه‌ی عالم شکل گرفت، از غیرمسلمانان کسان بسیاری به اسلام و مکتب انقلابی آن ایمان آوردند و کسان بسیار دیگری به دیانت و رسالت دین در تحولات اجتماعی دل بستند، و امام خمینی عظیم، همچون رمز هویت اسلامی و پرچمدار مبارزه با استکبار و فرعونها و زورگویان بین‌المللی شناخته شد. کسانی که توفیق نظاره و تأمل در تظاهرات ملتها و ابراز احساسات عمیق آنان نسبت به جمهوری اسلامی و امام راحل و مسئولان برجسته‌ی آن را پس از انقلاب تا امروز داشته‌اند و شوق و شور و ستایش و تحسین بیسابقه‌ی آنان را نسبت به این بنیان رفیع و همچنین نسبت به مسئولان و شعارها و پرچم کشورمان در تمام مدت این بیست سال دیده یا شنیده‌اند، میتوانند عظمت این پدیده را ادراک کنند.

عبور باصلابت انقلاب از گردنه‌ها، با الهام از هدایتهای روشنگر امام

انقلاب بزرگ ما در میان همه‌ی این خصومتها، راه دشوار خود را با اقتدار و صلابت طی کرد و ملت ایران با الهام از هدایتهای همیشه روشنگر امام راحل با ایمان و اراده و هوشیاری خود، گردنه‌های دشوار را پشت سر گذاشت و به موفقیت‌های درخشان دست یافت. نه در اولین سال انقلاب که عناصر وابسته به رژیم گذشته با کمک سفارت امریکا سعی در ایجاد آشوب و بلوا در نقاط مختلف میکردند و قلمها و زبانهای مزدور و

ره، رهرو، رهبر / ۵۷۷

گنجهکار، انقلاب و ارکان اساسی آن را مورد تهاجم تبلیغاتی قرار میدادند، و نه در سال ۶۰ که دست گنجهکار گروهک منافقین و همدستانشان آتش فتنه‌ای بزرگ را برافروختند و ترور و ناامنی را حتی به خانه‌های مردم عادی کشاندند، و نه در دورانی که تهران و دهها شهر کشور هدف بمباران جنگنده‌های اهدایی شرق و غرب به رژیم عراق قرار داشتند، نه در دوران محاصره‌ی اقتصادی در عین گرفتاری کشور به هزینه‌های جنگ، و نه در سالهای آخر دهه‌ی شصت که درآمدهای کشور به یک‌سوم رسید، نه در آن هنگام که امام عظیم‌الشأن ما از میان ملت خود رخت بریست و مردم، پدر و استاد و مرشد بزرگ و حکیم خود را از دست دادند، و نه در سالهای بعد که امواج خشم دیوانه‌وار امریکا و صهیونیسم، بخاطر ادامه‌ی راه امام بصورت تهدید نظامی و تحمیل مشکلات اقتصادی و تبلیغ رسانه‌ای و تلاش وسیع سیاسی، بسوی نظام جمهوری اسلامی و مردم ایران روانه بود. و نه تا امروز، هرگز انقلاب از پیمودن راه خود به سمت بنای کشوری آباد و آزاد و مستقل و برخوردار از عزت و نشاط و پیشرفت مادی و معنوی در زیر لوای اسلام و با تکیه بر معارف و احکام قرآن، باز نایستاده و سستی به خود راه نداده است.

موفقیت‌های امام، مرهون صبر انقلابی و حضور مردم در صحنه

به عموم ملت عزیز و عظیم عرض میکنم: همه‌ی موفقیت‌های دوران مبارزات و پس از پیروزی مرهون هوشیاری و صبر انقلابی و حضور دائمی شما در صحنه است، فداکاری و ایمان و مجاهدت شما است که رهبر کبیر انقلاب را به کاری چنان بزرگ موفق ساخت.

پیام به مناسبت اولین اجلاس دوره‌ی سوم مجلس خبرگان، ۱۳۷۷/۱۲/۳

نقشه‌ی شوم دشمن برای خلع سلاح ملت ایران از سرمایه‌های معنوی خود

استقرار حکومت اسلامی در ایران بدست مردم و دفاع شجاعانه و فداکارانه‌ی آنان از این نظام در لحظات خطیر و در هنگامه‌ی دشمنی‌های سهمگین و همچنین حرکات بیداری مسلمین در سراسر جهان اسلام، که همه موجب سراسیمگی و ناکامی طراحان توطئه‌های شوم علیه جمهوری اسلامی شده است، در نهایت آنان را به این نتیجه رسانیده که برای توفیق در اهداف شیطانی خود هیچ راهی به جز سست کردن ایمان مردم، مخدوش کردن وحدت و همدلی ملت، و تبلیغ بر ضد شعارهای شورآفرین و

وحدت‌بخش مردم که برخاسته از متن ایمان آنان و محصول درسهای جاودانه‌ی امام راحل کبیر آنان است، وجود ندارد. امروز بیشترین تلاش سیاسی و تبلیغی دشمن با شیوه‌های پیچیده و موزیانه، متوجه این سرمایه‌های معنوی ملت ایران است که او را در مقاطع بسیار سخت در بیست سال گذشته قادر ساخته که خطرات را از خود و کشورش دور کند. دشمن با توطئه‌های کنونی در فکر خلع سلاح ملت ایران است. هر یک از ارکان و مراکز نظام اسلامی که نقش و تأثیر بیشتری در حفظ ایمان مردم، در حفظ اتحاد ملت، در پاسداری از ارزشها و شعارهای آگاه‌بخش و شورآفرین، داشته باشد در معرض کینه و بغض بیشتر و آماج دشمنیهای ناجوانمردانه‌تر آنان قرار میگیرد. هدفگیری نظرات و درسهای حکیمانه‌ی امام راحل و شعارها و پرچمهای راهنمایی که آن یگانه‌ی دوران در راه این ملت بزرگ برافراشته بود، بخشی از همین نقشه‌ی شوم است، همچنان‌که جمع‌عده و غده برای تحریف یا تشکیک در اصل ولایت فقیه که پایه‌ی اصلی این بنای شامخ و به معنای حاکمیت دین و تقوا بر زندگی اجتماعی یک ملت است، از همین انگیزه‌ی شیطانی و سلطه‌جویانه منشأ میگیرد.

در جلسه‌ی پرسش و پاسخ با مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی، ۱۳۷۷/۱۲/۴

توجه به سوءاستفاده از نظرات و بیانات امام

امام (رضوان‌الله تعالی علیه) هم در وصیتنامه‌شان میگویند امروز که من هستم، به من نسبتهایی میدهند - یعنی از همان حرفهایشان سوءاستفاده میکنند - لابد بعد از مرگ من بیشتر خواهد بود. ایشان در وصیتنامه‌شان به نحوی همین مطلب را بیان کرده‌اند.

فلسفه‌ی دادگاه ویژه‌ی روحانیت؛ بعنوان حسنه‌ی ماندگار امام راحل

دادگاه روحانیت هم که شما اشاره کردید، یکی از حسنات امام است و خلاف قانون نیست؛ قانون اساسی آن را نفی نکرده است. من در اینجا فلسفه‌ی دادگاه ویژه‌ی روحانیت را برای شما بگویم. ببینید؛ در نظامی که مسئولان بلندپایه‌ی کشور میتوانند روحانی باشند - مثل رئیس‌جمهور - یا باید روحانی باشند - مثل رئیس قوه‌ی قضائیه (رئیس قوه‌ی قضائیه شرایطی دارد که در غیرروحانیون نیست؛ باید مجتهد باشد) - یا نمایندگان مجلس که میتوانند روحانی باشند، میتوانند غیرروحانی باشند؛ یعنی

ره، رهرو، رهبر / ۵۷۹

روحانیون برای اینکه در داخل تشکیلات نظام بیایند و نفوذ قانونی پیدا کنند، میدان دارند؛ از طرف دیگر، روحانیون نفوذ مردمی دارند، مسجد دارند، محراب دارند، دست و پا دارند؛ در چنین نظامی، دادگاههای معمولی قادر نیستند روحانی را درست و بجا و کماهو حقه محاکمه کنند. مثلاً اگر یک روحانی سرشناس خطایی را مرتکب شود، کدام دادگاهی است که جرأت کند سراغ او برود؟ کدام مأموری است که جرأت کند سراغ او برود؟ کدام بازجویی است که بتواند از او بازجویی کند؟ البته ممکن است کسانی شجاع باشند و بگویند نخیر، ما این کار را انجام میدهیم؛ اما باید هزینه‌ی زیادی صرفش بشود؛ در حالی که یک طلبه‌ی جوان در یک دادگاه ویژه راحت میتواند این آقا را پای سؤال و جواب و استنطاق بنشانند. مثلاً یک طلبه‌ی نسبتاً جوان مثل آقای ری‌شهری، یک مرجع تقلید مثل آقای شریعتمداری را راحت محاکمه کرد. این جز از دادگاه ویژه‌ی روحانیت بر نمی‌آید؛ امام این را میدانستند.

از طرف دیگر، وقتی این تمکن در روحانیون هست، در میان آنها کسانی هم پیدا میشوند که تخلف کنند. امام (رضوان‌الله تعالی‌علیه) در یک سخنرانی راجع به روحانیون صحبت میکردند و از آنها تعریف میکردند؛ بعد گفتند: «ای بسا خرقه که مستوجب آتش باشد!» یعنی اینطور نیست که هر کس لباس روحانیت بر تنش هست، آدم مقدسی است؛ نخیر، کسانی هم از روحانیون ممکن است تخلف کنند. وقتی دادگاه روحانیت هست، جلو این تخلفات را میگیرد؛ چون کاربرد و نفوذ و اقتدارش را نسبت به خودشان میدانند. بنابراین، دادگاه روحانیت یک ضرورت بود و هست و جزو کارهای خوب امام (رضوان‌الله تعالی‌علیه) محسوب میشود.

این دادگاه، یادگار امام است و این مصالح بزرگ هم بر آن مترتب است.^۱

۱ مضمون این مطلب در «پاسخ به پرسشهای دانشجویان در دانشگاه صنعتی شریف، ۱/۹/۱۳۷۸» و «در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۲۲/۱۲/۱۳۷۹» و «در مراسم بیعت گروه کثیری از ائمه‌ی جمعه و روحانیون استان مازندران و اصفهان و علما و طلاب کشورهای اسلامی مقیم ایران، ۴/۰۴/۱۳۶۸» و «حکم انتصاب حجت‌الاسلام آقای محسنی اژه‌ای بعنوان دادستان دادگاه ویژه روحانیت، ۲۵/۰۹/۱۳۷۷» نیز تکرار شده است.

تضمین سعادت کشور؛ با شعارها و ارزشهای امام و انقلاب

راه خدا، راه خوبی است. سعادت دنیا و آخرت انسان در راه خداست. این انقلاب و این نظام جمهوری اسلامی و این شعارها و این ارزشهایی که به وسیله‌ی امام و به وسیله‌ی انقلاب مطرح شد، چیزهایی است که سعادت این کشور و این ملت را تضمین میکند. اینها چیزهایی است که میتواند این کشور را نجات دهد. این کشور گذشته‌ی نزدیک بسیار تلخ و بسیار سختی داشته است؛ اما به برکت همین حرکت بود که توانست خودش را از جا بکند، و الاً اگر این انقلاب نبود، امروز وضع کشور ما از لحاظ مادی و معنوی به مراتب بدتر از کشورهایی بود که شما ملاحظه میکنید. اگر این انقلاب نبود، وضع ما - هم از لحاظ مادی، هم از لحاظ معنوی - از این کشورهایی که نزدیک ما هستند و در اختیار قدرتهای بیگانه‌اند، به مراتب بدتر بود.

در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب، ۱۳۷۷/۱۲/۱۵

بی‌ارزشی مسائل دنیوی در نظر امام

عزیزان من، یکی از شعارهای ما قبل از پیروزی انقلاب نه شعارهای انقلاب، شعارهای دوستانه‌ی خودمان در مجموعه‌ی رفاقتی و مجموعه‌هایی که با هم بودیم، با هم فکر میکردیم و کار و مبارزه میکردیم «ساده‌زیستی» بود؛ زندگی ساده و کمتر بهره بردن از جلوه‌های دنیا! بعد که انقلاب، پیروز شد، سعی کردیم باز هم همین روش، همین شعار و همین مبنا را دنبال کنیم.

امام بزرگوار ما خودش مظهر همین معنا بود؛ آدمی بود که تعینات دنیوی، حقیقتاً برایش ارزش نداشت. آدم این را در آن مرد معنوی و بزرگوار میدید که تعینات، تعلقات و تکلفات دنیوی، اصلاً برای خودش ارزش نداشت!

در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷/۱۲/۱۸

نقشه‌ی بلندمدت دشمنان علیه ابعاد شخصیتی و ارزشهای راه امام

شما شخصیتی مثل امام را در نظر بگیرید! هیچ‌کس امام را منکر نبود. حتی دشمنان امام هم منکر ایشان نبودند! از همه جهت که نگاه میکردند، یک قلّه بود. در مقام تشبیه

معقول و محسوس - چون شخصیت انسانی او یک امر معقول است - قلّه دماوند را فرض کنید. از همه طرف که آن را میبینید، عظمت است! خوب؛ این مجموعه را در مقابل چشمتان نگاه دارید، بعد شروع به تبلیغات بلندمدت کنند!

یکی از خصوصیات امام، ایستادگی اش در مقابل ظلم بود. با تبلیغات مستمری شروع کنند این ایستادگی را مورد خدشه قرار دادن، بدون اینکه اسمی از امام ببرند! بعد بتدریج در ذهنها بیاوراند که ایستادگی در برابر ظلم، آنقدرها هم کار خوب و برجسته‌ای نیست! این ارزش را بتدریج محو و نابود کنند.

یکی دیگر از خصوصیات امام، توکل به خدای متعال و اتکال و اعتماد به کمک و همراهی او بود. این جزو مقلّمات شخصیت امام بود. بتدریج در گفته‌ها، در اشارات، در تبلیغات و تحقیقات به اصطلاح علمی، به این نتیجه برسند که اتکال به امور غیبی و به خدا، خیلی هم در حیات طیّبه انسانی و در سعادت انسانی و در رهبری جامعه، جای ندارد؛ یک کار - فرض کنید - قرون وسطایی و عقب‌ماندگی است! بتدریج این را هم کم‌رنگ کنند.

بعد فرض بفرمایید به مردمی بودن امام برسند. امام، طرفدار طبقات مستضعف و طبقات مظلوم و ضعیف و فقیر بود؛ آنها را همه‌کاره‌ی انقلاب، صاحبان این کشور و ولی نعمتهای خودش و همه‌ی مسئولین میدانست. بتدریج معلوم شود که نه؛ خیلی هم پرداختن به اینگونه کارها و حرفهای شعاری و اسم عدالت اجتماعی مهم نیست؛ مهم این است که ما - مثلاً - بتوانیم سرمایه‌داران را جلب و سرمایه‌ها را جذب کنیم!

خوب؛ این بخشی از شخصیت امام بود. راجع به فقه و عرفانش نیز مقداری حرف بزنند، بعد از مدّتی میبینید که گاهی شبیحی شبیه قلّه دماوند به چشم آدم میخورد، اما داخل آن خالی است! یک دست بزنند، میخوابد! یعنی بنای بر تبلیغات علیه تجسّمها و تبلورهای شخصیتی اسلامی و انقلابی، یک بنای همیشگی است؛ شما خیال نکنید که مربوط به امروز است. البته اینها که گفتم، تلاشهای تبلیغاتی دشمنان است؛ معنایش این نیست که این تلاشها توفیق پیدا کرده است، یا خواهد کرد. بنده بطور قاطع معتقدم و به این معنا مؤمن هستم که دشمنان، هنوز هم که هنوز است بعد از گذشت بیست سال، این انقلاب را نمیشناسند، این ملت را نمیشناسند، بافت اجتماعی ما را نمیشناسند. هنوز هم که هنوز است، به چیزهای واهی دل خوش میکنند.

نقش رهبری امام خمینی (ره) در شکست دشمن درونی ملت

خطر درونی که دشمن قدیمی امت اسلامی است همان کج فهمی و جمود و تحجر، یا خودباختگی و التقاط، یا نومیدی و ضعف نفس، یا تردید و وسوسه‌ی فکری، و یا مجموعه‌ای از اینها و امثال آن است. ملت رشید و پیشرو ایران به رهبری امام خمینی عظیم راحل، دشمن درونی را شکست داد و بر آن فائق آمد تا توانست در جبهه‌های سیاسی و نظامی پیروز شود و نظام جمهوری اسلامی را در کشور خود مستقر و در مدت بیست سال در راه آن مجاهدت کند.

خط امام؛ ضامن نزدیکی به اهداف بزرگ نظام اسلامی

برادران مسلمان ما در همه جای جهان بدانند که نظام جمهوری اسلامی با قدرت و استحکام در راه روشنی که اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) ترسیم کرده، به پیش می‌رود و ایران سرافراز با یکپارچگی مسئولان کشور و وحدت کلمه‌ی مردم مؤمن و رشیدش در ادامه‌ی خط امام خمینی عظیم راحل همه‌ی توطئه‌های اقتصادی و سیاسی و امنیتی و غوغاهای تبلیغاتی دشمن را پشت سر گذارده و روزه‌روز به هدفهای بزرگ خود نزدیکتر خواهد شد، و همانطور که در این بیست سال بارها با نصرت الهی، دشمن را ناکام ساخته باز هم با ایمان و عمل صالح خود، نصرت و رحمت الهی را شامل حال خویش خواهد ساخت ان‌شاءالله.

ضرورت شناخت صحیح شخصیت امام و پیاده کردن آن خصوصیات در کشور

سالی که در این ساعت و در این روز آغاز می‌شود، سالی است با امیدها و با امکانات فراوان و ان‌شاءالله با توکل به خدا، سالی متناسب با خواستها و ارزشهای ملت ایران است. از مهمترین خصوصیات امسال این است که مصادف با صدمین سال ولادت امام بزرگوار ماست. به همین مناسبت جا دارد که این سال را سال امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) بدانیم و بنامیم. فقط هم نامیدن و عنوان، کافی نیست. باید ان‌شاءالله همه سعی کنند

ره، رهرو، رهبر / ۵۸۳

شخصیت بزرگوار امام خمینی را با همان ابعاد عظیم، بدرستی بشناسند و خصوصیات آن را ان شاء الله در زندگی خود و زندگی ملت و عرض و طول معنوی کشور، اعمال و پیاده کنند.

حضرت امام؛ مظهر تجدید حیات تاریخی ملت ایران

طبق ارزیابی من، امام بزرگوار ما مظهر تجدید حیات تاریخی ملت ایران است. ملت ایران در طول قرنهای متمادی گذشته - که اگر خیلی هم به قدیم نرویم، در همین قرنهای اخیر - محکوم حاکمیت کسانی بود که اساس حکومت و مشروعیت آنها متکی به زور بود؛ با زور و با راه انداختن کشتارها و حوادث خونین، بر سر کار می آمدند. حکام این کشور، مدتی را با جباریت و استبداد و خودکامگی، زندگی میکردند. البته بعضی انسانهای باتوان و باعرضه‌ای هم بودند که میتوانستند در همان مدت، لااقل اقتدار ملت ایران را به نحوی در میدانی از میدانها نشان دهند؛ ولی بعضی همین را هم نداشتند! بعد هم که از دنیا میرفتند، وراثت آنها - فرزند آنها، برادر یا برادرزاده‌ی آنها - بدون هیچ استحقاقی بر سر کار می آمدند؛ بدون اینکه مردم، هیچ نقشی در گزینش، در انتخاب و در خواستن و پذیرفتن و پسندیدن آنها داشته باشند. ملت ایران، قرنهای اینگونه زندگی کرده بود. آخرین آنها همین حکومت وابسته و فاسدی بود که با کودتا سر کار آمد و در طول پنجاه و چند سال، با دیکتاتوری حکمرانی کرد و با چوب حراج زدن به هستی ملت ایران، سالهای آخر حکومت خود را گذراند.

حضرت امام؛ انعکاس دهنده‌ی آرزوهای مردم

امام بزرگوار، با فکر روشن و منش خردمندانه‌ی خود، با اراده و تصمیم قوی و قاطع خود، با روحیات و خصلتهای والای انسانی خود و با تعبد و ایمان حقیقی به دین که در وجود او بود - با این چند خصوصیت ممتاز - توانست انعکاس دهنده‌ی آرزوهای مردم شود و فریاد مردم، ندا و خواست مردم را تجسم و تبلور ببخشد. وقتی که مردم خواسته‌های خود را در وجود این مرد و در پیام او منعکس دیدند، به دنبال او حرکت

کردند. این موج خروشان و این دریای عظیم و توفانی، توانست کارهای بزرگی بکند و ملت را از آن وضعیت نجات داد و ایران و ایرانی در مسیر جدیدی؛ در مسیر حضور مردم، انتخاب مردم، اهمیت دادن به خواست و عقیده و گرایش مردم، در اهمیت دادن به مصلحت و نفع و سود مردم و در مسیر ارزش بخشیدن به شخصیت و عزت ملت ایران، قدم گذاشت و در این راه قدم برداشت. امام بزرگوار ما و جمهوری اسلامی - به فضل پروردگار - در همین راه پیش رفت.



لزوم توجه به خصوصیات ممتاز امام در ادامه‌ی مسیر انقلاب

امروز ملت ایران در دنیا ملت عزیزی است و در درون خود احساس توانایی و اقتدار و عزت میکند. ملت ایران از تحقیر قدرتهای بزرگ و ظالم و سلطه‌گران خود را نجات داد. ملت ایران در مسیر ایجاد زندگی خوب و مطلوب و حیات طیبه قرار گرفت. البته این مسیر، به سرعت و بی‌مانع طی نمیشود؛ اما اگر ملت ایران و برگزیدگانش - یعنی مسئولان کشور - با همان خصوصیاتی که امام بزرگوار ما مظهر آن بود، یعنی فکر روشن و روش خردمندانه، سپس اراده و تصمیم و عزم راسخ و قاطع و آنگاه خُلقیات انسانی و والا و بالاخره تدین و تعبد و ایمان دینی و اعتقاد راسخ به ارزشهای اسلامی و قرآنی - که این چهار خصوصیت، چهار خصوصیت ممتاز امام و راه امام بوده و ان‌شاءالله خواهد بود - در همین مسیر حرکت کنند، ان‌شاءالله به اهداف بزرگ خواهند رسید.



اهداف نامگذاری سال امام خمینی

من امیدوارم امسال که سال امام خمینی و زنده‌کننده‌ی یاد امام بزرگوار و فرصتی برای بررسی هرچه بیشتر در زندگی و خصوصیات و اهداف و غایات مورد نظر آن بزرگوار است، سال مبارکی برای ملت ایران و سال موفقیت‌های بزرگ برای مسئولان کشور باشد؛ سالی باشد که ان‌شاءالله ما بتوانیم این راه روشن را با عزم قاطع و با فکر روشن، هرچه بهتر ادامه دهیم و پیش ببریم. از مسئولان کشور هم میخواهم که خود را هرچه بیشتر با همین خصوصیات، تطبیق کنند؛ در خدمت مردم و برای مردم باشند و در رفع مشکلات مردم بکوشند.

علت توصیه‌ی امام به گزارش‌دهی مسئولین

آنها مرتب در تبلیغات، فقط بزرگ‌نمایی مشکلات میکنند و به دروغ میگویند: ایران چنین است، ایران چنان است، تورم چنان است، دولت ورشکسته است و...! کاری میکنند که روحیه‌ی مردم را تضعیف نمایند و مردم احساس کنند که ای داد، چه اتفاقی می‌خواهد بیفتد! در حالی که اگر مردم بدانند دولت و مسئولینشان چه تلاشهایی میکنند، پشتشان گرم و دلگرم میشوند. اینکه هم در زمان امام(رضوان‌الله‌علیه) بارها ایشان به مسئولین میگفتند و ما هم بارها تأکید کرده‌ایم کارهایی را که انجام میدهید، به مردم بگویید- تا مردم بدانند شما چقدر کار میکنید- برای همین است.

تمسک به امام، راه امام و معنویت او از اوجب واجبات

من امروز برای مردم عزیز کشورمان هوشیاری، هوشمندی، تمسک به اسلام، تمسک به نام امام، تمسک به راه و معنویت امام بزرگوار که امسال سال آن بزرگوار است، تمسک به وحدت کلمه و برافراشتن پرچم برادری و مهربانی را از واجبتین واجبات میدانم.

اهداف نامگذاری سال ۷۸ به سال امام خمینی(ره)

ولایت اسلامی اینطور است که وقتی مخالفین در حکومت امیرالمؤمنین، خلخال از پای زن یهودی بیرون می‌آورند، امام آن جمعیت و حاکم حکیم میگوید: اگر مسلمانی از این امر بمیرد- از غصه‌ی اینکه در حکومت او خلخال از پای یک زن یهودی درآورده‌اند- حق دارد! مثل امیرالمؤمنین که مبالغه نمیکند؛ میگوید اگر از این غصه، انسان بمیرد، حق دارد. این، حکومت و ولایت اسلامی است.

سال امام خمینی(رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) یعنی ما این خصوصیات را در خودمان زنده کنیم. عزیزان من؛ مسئولان محترم و مکرم و زحمتکش و دلسوز که در هر بخشی از بخشهای

این کشور و کارهای نظام مشغول خدمت هستید- در نیروهای مسلح، در بخشهای دولتی و مجلس و در هر جای دیگر- ولایت امیرالمؤمنین، تمسک به ولایت و احیای نام امام بزرگوار و سال امام، این است؛ باید اینها را در خودمان زنده کنیم، باید این خطوط اساسی را مجسم کنیم.

امام خمینی؛ نزدیکترین فرد به امام علی (علیه السلام)

بیننا و بین الله در زمانی که ما امام بزرگوار را زیارت کردیم- و ایشان امتحان دشوار حاکمیت را در سخت‌ترین دور آنها داد- ما ایشان را در مقایسه با آن الگوی اصل، انصافاً بهترین و نزدیکترین کس یافتیم. نمیخواهیم بگوییم که امام ما مثل امیرالمؤمنین (علیه السلام) بود؛ نه. امام ما خاک پای آن بزرگوار هم نمیشد. هزاران نفر نظیر آن بزرگوار، قابل مقایسه با آن حضرت نیستند! او به اصحاب نزدیک خود هم میفرمود: «إِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ»؛ شما نمیتوانید مثل من عمل کنید. ولی با خصوصیات بشری و نداشتن عصمت، انصافاً ما امام بزرگوار خودمان را نزدیکترین آدم به آن الگو دیدیم. خیلی نزدیک بود و خیلی شباهت را می‌رساند؛ میشد چهره‌ی آن بزرگواران را در رفتار این مرد شناخت. خدا را شکر میکنیم که ما این نمونه را از نزدیک دیدیم. اگر ما این امام را ندیده بودیم و بعدها داستانهای او را برای ما نقل میکردند، درست برایمان قابل فهم نبود؛ اما ما او را از نزدیک دیدیم. من یک وقت به خود ایشان عرض کردم: ما اگر این خصوصیات را میشنیدیم، یا برای ما میگفتند، نمیتوانستیم درست تصور کنیم! چقدر باید خدا را شاکر باشیم که این نمونه‌ی زنده در مقابل ماست! خودمان را به او نزدیک کنیم. این الگو جلو چشم ما بود. رفتار و سیره‌ی او، بینات و محکومات او جلو چشم ماست. همه سعی کنیم خودمان را به او نزدیک کنیم. سال امام بزرگوار، این است، و الا نخواستیم بگوییم که- احیاناً- بعنوان تشریفات، یک سالی، چهار کلام هم از ایشان نقل، یا چاپ، یا گفته شود! خوشبختانه مسئولان مربوط به دفتر شریف و بیت مبارک ایشان، دنبال این کار هستند- مراسمی و کارهایی دارند- اما کار اصلی را من و شما باید بکنیم. کار اصلی این

ره، رهرو، رهبر / ۵۸۷

است که ما خودمان را به آن الگو نزدیک کنیم. امیدواریم خدای متعال به همه توفیق دهد که بتوانیم این قدمهای بزرگ را در تحوّل خودمان و انشاءالله در خودسازی که منشأ برکات بزرگی برای این کشور و برای این ملت و برای همه‌ی دنیای اسلام خواهد شد، انجام دهیم.

در دیدار علما و روحانیون و مبلغان در آستانه‌ی ماه محرم الحرام، ۷۸/۱/۲۳

اشاعه‌ی نور امام در کشور و عالم اسلام توسط مبلغان و طلبه‌های گمنام

انقلاب هم همینطور پیروز شد. بیشتر شما جوانان، آن روزها را درک نکرده‌اید. آن روزها هم مبلغان دینی - همین طلبه‌های بی‌نام و نشان و بی‌ادعا و بی‌توقع - رفتند اطراف عالم اسلام را، اطراف کشور را، روستاها را، شهرها را، مسجدها را، محلات را، داخل خانه‌ها را روشن کردند. هر جا رفتند، چراغی از آن خورشید فروزانی که مرکز همه‌ی این شعاعها بود - یعنی امام بزرگوار ما؛ و او خود شعله‌ای از خورشید فروزان اباعبدالله الحسین (علیه الصلاة والسلام) بود - روشن کردند و همه جا نورباران شد. دلها که روشن شد، جانها که آگاه شد، جسمها و زبانها به حرکت می‌افتد و اراده‌ها کار میکند. امروز هم همینطور است، فردا هم همینگونه است؛ منتها در هر زمانی، هنر مبلغ دین این است که مخاطب را با آنچه که نیاز اوست، آشنا کند. بنابراین، نیاز زمانه را باید شناخت.

در دیدار جمع کثیری از کارگران و معلمان، به مناسبت روز کارگر و هفته‌ی معلم، ۱۳۷۸/۰۲/۱۵

نظر امام در مورد کتب شهید مطهری

امروز جوانان ما، دانشجویان ما، معلمان ما و کارگران ما اگر میخواهند در زمینه‌ی افکار اسلامی عمق پیدا کنند و پاسخ سؤالات خود را بیابند، باید به کتابهای شهید مطهری مراجعه کنند؛ که امام درباره‌ی کتابهای این بزرگوار، تعبیری قریب به این مضمون دارند که «همه‌ی آنها خوب و مفید است». این تعبیری بسیار مهم از کسی مثل امام است.



حضرت امام، در رأس افراد مؤثر در شخصیت شهید مطهری

مرحوم «علّامه‌ی طباطبایی» و مرحوم حاج میرزا علی‌آقای شیرازی و دیگران و دیگران و در رأس همه «امام بزرگوار» نیز تأثیرات زیادی بر او^۱ گذاشته بودند. معلّم چنین کارهایی میکند.

در مراسم اعطای سردوشی در دانشگاه دریایی امام خمینی(ره)
و دانشگاه علوم و فنون دریایی سپاه نوشهر، ۷۸/۲/۲۹

سه بُعد از شخصیت امام؛ الگو برای نظامیان

امام عزیز ما- آن کسی که نه فقط ملت ایران، بلکه بسیاری از ملت‌های دیگر دل‌هایشان به یاد او میتپد و سخنان و آموزش‌ها و سیره‌ی عملی او برای آنها درس است- یک انسان نمونه برای همه‌ی قشرها، از جمله برای نظامیان بود. من اگر بخواهم این بُعد از شخصیت آن مرد بزرگ را به شما عرض کنم، باید بگویم او مظهر تقوا و نظم و شجاعت بود؛ همین سه عنصری که برای شما جوانان عزیز نظامی باید در طول دوران خدمت، یک درس ماندگار باشد.

تقوا در زندگی امام بزرگوار ما صرفاً به معنای انجام کارهای عبادی نبود؛ تقوا در همه‌ی امور بود. تقوا یعنی مراقب درستی کار و عمل؛ بخصوص در آنجایی که به مسائل مهم ارتباط می‌یابد. درس و معاشرت و حضور در مرکز تحصیلی و حضور در میان جامعه و خانواده و محیط‌های زندگی هم مظهر تقواست.

مرعوب نشدن در مقابل ابرقدرتها؛ درس ماندگار امام

امروز قدرتهایی که میخواهند باج‌بگیر همه‌ی دنیا باشند و ژاندارم همه‌ی مناطق عالم بشمار آیند؛ قدرتهایی که برای ملتها حق حیات و حق انتخاب قائل نیستند؛ قدرتهایی که همه‌ی ارزشهای شیرین را برای خودشان و نه برای انسانها میخواهند؛ در سایه‌ی مرعوب کردن است که میتوانند این مقاصد شیطانی را محقق کنند. ملت ایران مرعوب نشد. رهبر عظیم‌الشأن و بی‌نظیر ما در دوران انقلاب و در طول حیاتش مرعوب نشد. این درس برای ملت ایران ماند.

۱ شهید مطهری.

پیام به ریاست محترم جمهوری در خصوص سیاستهای کلی
برنامه‌ی پنج ساله‌ی سوم، ۱۳۷۸/۰۲/۳۰

توجه به معرفی امام و اندیشه‌های ایشان در سیاستهای کلی برنامه‌ی سوم توسعه

- زنده و نمایان نگاه داشتن اندیشه‌ی دینی و سیاسی حضرت امام خمینی (رحمة‌الله علیه) در همه‌ی سیاستگذاریها و برنامه‌ریزیها، و برجسته کردن نقش آن بعنوان یک معیار اساسی.

- معرفی و ترویج فرهنگ و ارزشهای والای اسلام و ایران اسلامی به جهانیان و تبیین شخصیت و مبانی سیاسی و فکری امام خمینی (رحمة‌الله علیه) به آنان و...

پیام به کنگره‌ی بزرگداشت صدرالمتألهین (ملاصدرا)، ۷۸/۳/۱

امام خمینی؛ یگانه‌ی دین، فلسفه و سیاست

ما ایرانیان بیش از همه به این فلسفه الهی و امدار و بیش از همه در برابر آن مکلفیم. دوران ما با دمیدن خورشیدی چون امام خمینی که یگانه‌ی دین و فلسفه و سیاست و خود یکی از صاحب‌نظران برجسته در حکمت متعالیه بود، و نیز با حوزه‌ی درسی و تحقیقی پربرکت حکیم علامه‌ی طباطبایی که استاد یگانه‌ی مبانی ملاصدرا در طول سی سال در حوزه‌ی قم بشمار میرفت، و تلاش تلامذه و همدوره‌های آنان، بیشک دوره‌ی بابرکتی برای فلسفه‌ی الهی است.

حکم انتصاب مجدد آقای دکتر علی لاریجانی به ریاست سازمان صدا و سیما، ۷۸/۳/۵

شناخت امام؛ یکی از نیازهای فرهنگی نسل جوان امروز

نیازهای فرهنگی نسل جوان و نوجوان که امید فردای کشور ما است عمدتاً عبارت است از: استحکام بنیانهای اعتقادی و دینی، آشنایی با مبانی معرفتی اسلام و قرآن، شناخت تاریخ کشور و افتخارات ملت خود بویژه در دورانهای نزدیک به امروز، شناخت درست امام خمینی - قله‌ی بلند تاریخ معاصر - و اندیشه‌های سیاسی تابناک و پایه‌های حرکت عظیم انقلابی او، احساس عزت و سربلندی بخاطر درسی که ایرانیان در دوران پیروزی انقلاب و دفاع مقدس به جهان دادند.

علت تکریم امام از علامه سید موسی صدر

وحدت و هویت بخشیدن به شیعه‌ی لبنان و ایجاد همزیستی و احترام متقابل میان پیروان ادیان و طوایف سیاسی در آن کشور از سویی و صراحت در معرفی رژیم غاصب صهیونیست بعنوان «شرّ مطلق» و اعلام حرمت همکاری با آن از سوی دیگر و بالاخره ابراز ارادت و صمیمیت نسبت به رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، چه در عرصه‌ی فرهنگی و نوشتاری و چه با همکاری با عناصر مبارز ایرانی در مدتی طولانی، از این عالم بزرگوار که فرزند حوزه‌ی علمیه‌ی قم و بازمانده‌ی یکی از خاندانهای بزرگ علمی در جهان تشیع است، شخصیتی همه‌جانبه پدید آورده بود، و چنین بود که امام راحل بزرگوار ما دلبستگی و تکریم خود به این شخصیت معزز را از اوایل پیروزی انقلاب با بیانات گوناگون ابراز داشتند.

حضرت امام؛ برهم‌زننده‌ی نقشه‌های دشمن

آنها برای ایران و برای این منطقه، نقشه‌ها و کارها داشتند. البته آن روز نظام سوسیالیستی هم در همسایگی کشور ما بود؛ با نظر به آن نظام طرحهایی وجود داشت. بعد که نظام سوسیالیستی از بین رفت، طبعاً نقشه سیاسی دنیا تغییراتی پیدا کرد. آن دستگاهها و آن محافل، باز با توجه به وضع جدید، آرزوهایی داشتند و دارند. امام همه اینها را- هم مسائل کوتاه‌مدتشان را، هم مسائل بلندمدتشان را- با آوردن نظامی و ایجاد بنایی در اینجا- یا بهتر است بگوییم با غرس شجره‌ای به هم زده است؛ چون از خصوصیات «بنا» این است که ساخته میشود، اما افزایش درونی پیدا نمیکند، ولی آنچه که در اینجا به وجود آمد، شجره‌ی طبوایی است که غرس شد و از درون، ماده حیاتی دارد، گسترش و رشد پیدا میکند، روزبه‌روز زیاد میشود و شاخ و برگ پیدا می‌یابد. اگر جلوش را نگیرند، اگر ریشه‌اش را خشک نکنند، اگر آفت به آن نزنند، استعداد پیشرفت دارد. امام یک چنین شجره‌ای را در اینجا غرس کرده است که خصوصیات و ممیزات شخصیتی امام- یعنی همان خصوصیتی که گفتیم، آن حالت عزت و تقوا، آن توکل و

ره، رهرو، رهبر / ۵۹۱

اخلاص، آن غلبه‌ی لبّ و درون و مغز بر پوست، فکر، فرهنگ، علم و عرفان - همه در بنای این نظام، منتقل شده است. آنها با این بشدت مخالفند. حالا خود امام - جسم امام - نیست، اما روح امام، جهتگیری و فکر امام، همین طراحي‌ای که امام کرده است، وجود دارد؛ لذا با آن مبارزه میکنند.

زنده شدن نام امام در هر مکان، باعث ضعف دشمن

اصلاً هر جا نفس نام امام زنده شود، هر جا که قدم انبیاء برسد و «جاء الحق»^۱ شود، بطور طبیعی «زَهَقَ الباطل»^۲ است. آیه‌ی قرآن از قول حضرت یوشع و کالب بن یوحنا - این دو یار حضرت موسی - به بنی اسرائیل میگوید: «فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ»^۳؛ شما پائتان به این سرزمین برسد، غلبه مال شماست. یعنی شما هر جا حضور پیدا کنید، دیگر دشمن در آنجا کم‌رنگ است. الآن وضع هویت و شخصیت و نام مبارک امام بزرگوار، اینگونه است؛ هر جا که او حضور پیدا کند، آنجا دشمن بطور طبیعی رنگ میبازد و ضعیف میشود. این بسم‌اللّهی است که هر جا آمد، غول و دیو - به قول معروف - مجبور به فرار میشود.

در دیدار با نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی، ۷۸/۳/۱۰

علت توصیه‌ی امام به رعایت تقوا

در فرمایشهای امام (رضوان‌الله تعالی علیه) آن همه در خصوص رعایت تقوا تذکر داده شده است، بخاطر همین است که تقوا «حصار» است. تقوا، یعنی همان مراقبت دائمی شما از خودتان. این حصاری است به گرد شما. مبدا بگذارید این حصار شکسته شود.

سلسله جنبان حرکت عظیم انقلاب اسلامی و مایه‌ی اصلی او در این حرکت

وقتی که دین باشد و احساس تکلیف شود، همه‌ی نیروهای بشری در خدمت این

۱ سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۸۱. حق آمد.

۲ سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۸۱. باطل نابود شد.

۳ سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۲۳.

احساس قرار میگیرد. طبیعت اجتماعات بشری هم این است که روی هم اثر میگذارند؛ بعضی، بعضی را وارد میدان میکنند و به دنبال خود میکشانند که آن حرکت عظیم به وجود آمد. سلسله‌جنبان این قضایا هم آن مردی بود که بینا و بینا در طول مدتی که ما این مرد را از نزدیک شناختیم، برایش غیر از رضای خدا و ادای تکلیف، چیزی مطرح نبود. ادای تکلیف، چیز خیلی مهمی است. البته کارهای گوناگون، اشکال گوناگون، حتی گاهی در مواردی جهتگیریهای گوناگون در آن بزرگوار بود؛ اما همه جا معیار اصلی برای او این بود که تکلیف شرعی او چیست. این برای ما درس است.

قوت روزافزون انقلاب؛ از برکات تمسک به راه امام

وقتی که دو قطب با هم مشغول مبارزه‌اند و یکی از این دو قطب هدفش نابودی، یا برگرداندن، یا متوقف کردن دیگری است، بزرگترین پیروزی برای آن طرف این است که نابود و متوقف نشود و برنگردد. اینها در جامعه‌ی ما اتفاق افتاد؛ انقلاب روزه‌روز قویتر شد، روزه‌روز پیش رفت، روزه‌روز بالهای خودش را گسترده‌تر کرد؛ امروز هم همینطور است. ان‌شاءالله همین روند حرکت تکاملی در انقلاب پیش خواهد رفت و چشم مسلمانان عالم را روشن خواهد کرد؛ کم‌اینکه تا بحال هم بحمدالله همینطور بوده است. این، به برکت همان راه و خطی بود که امام بزرگوار در این جامعه به وجود آورد؛ خودش هم عمل کرد، جامعه هم به همان سمت پیش رفت. این باید برای ما درس باشد.

پیام به گردهمایی ویژه‌ی دانشگاهیان و دانشجویان در تجلیل از حضرت امام خمینی، ۷۸/۳/۱۲

دانشگاه؛ رکن مهم آینده‌ی انقلاب در نگاه امام خمینی (ره)

گردهمایی ویژه‌ی دانشگاهیان و دانشجویان در تجلیل از رهبر کبیر انقلاب، حرکتی پرمعنی و نشانه‌ی پیوندی استوار میان جامعه‌ی دانشگاهی کشور با آرمانها و درسهای آن معلم خردمند و آن روح قدسی زمان است. این رابطه، یکسویه نیست. امام نیز از آغاز نهضت اسلامی و بویژه از آغاز دوران پیروزی، به دانشگاه و دانشجو به چشم رکنی مهم برای بنای آینده‌ی انقلاب و کشور مینگریست و اهمیتی که از ایمان و عشق و حکمت،

ره، رهرو، رهبر / ۵۹۳

منشأ گرفته بود، بدان میگماشت. در نظر امام، دانشگاه نه تنها مرکزی برای فراگرفتن دانش، که عرصه‌ای برای پرورش اصیلترین نیروهای اداره‌ی کشور بود و دانشجو نه فقط جوانی طالب علم، که مظهر شور و نشاط و خلاقیت و آرمانگرایی.

اثبات درستی نگاه امام راحل به دانشگاهیان

نقش‌آفرینی دانشجو و دانشگاه، چه در دوران مبارزات اسلامی و چه در مقابله با فتنه‌ی گروهکها پس از پیروزی انقلاب، و سپس در سالهای دفاع مقدس، درستی نگاه امام راحل به دانشگاهیان را به اثبات رسانید و هم‌تی را که آن حکیم فرزانه بر بنای دانشگاه مستقل، مبتکر، پیشرو و پایبند به ارزشهای اسلام و انقلاب، گماشته بود، موجه ساخت.

علت تأکید امام بر اسلامی شدن دانشگاه

تأکید مکرر امام راحل بر اسلامی شدن دانشگاه، برای این بود که نسل جوان تحصیلکرده‌ی کشور از این احساس ناتوانی و نیاز نجات یابد و به نجات کشور از تبعات وابستگی دوران گذشته همت گمارد.

گسترش کمی و کیفی عرصه‌ی دانش و تحقیق؛ محصول درسهای جاودان امام

در عرصه‌ی دانش و تحقیق: ده برابر شدن کمیّت دانشجویی، پیدایش و گسترش رشته‌های متعدد علمی و تحقیقی، فراگیر شدن تحصیلات عالی، بروز استعدادهای درخشان در میدان ابتکار و اختراع از ثمرات همان خودباوری و اعتمادبه‌نفس است که انقلاب اسلامی به جامعه‌ی دانشگاهی بخشید. در عرصه‌های فرهنگی و دینی و سیاسی نیز حضور دانشجویان و دانشگاهیان در فرصتهای خدمت به نظام اسلامی و جانفشانی در میدان دفاع و سازندگی، و پایبندی به آرمانهای اسلامی و روح صفا و تعبد در قشر عظیمی از دانشجویان و اساتید، از آثار همان جهتگیری انقلابی و محصول درس جاودان امام بزرگوار است.

معنای واقعی تجلیل از امام خمینی

نکته‌ای که در اینجا باید مورد توجه باشد، این است که تجلیل از امام بزرگوار ما فقط بعنوان یک قدردانی و تجلیل از گذشته نیست، بلکه به معنای اصرار و پافشاری بر آن خط و راهی است که امام بزرگوار با انقلاب خود، با قیام خود، با سیره‌ی خود، با درسهای خود، با وصیتنامه‌ی خود، برای ملت ایران و همه‌ی مسلمانان عالم باقی گذاشت. امام بعنوان یک الگو، بعنوان یک معلّم، بعنوان یک رهبر، در ذهن ما و در واقعیت جامعه‌ی ما حضور دارد. جسم او نیست، اما فکر او هست، راه او هست، درس او هست و این درس، همان چیزی است که ملت ایران و همه‌ی مسلمانان عالم به آن احتیاج دارند؛ دیروز هم احتیاج داشتند، امروز هم احتیاج دارند. لذا درس امام زنده است، راه امام زنده است، خط امام زنده است، انگشت اشاره‌ی امام جلو چشم همه است. اگر ما بخواهیم این درس را برای مسلمانان عالم خلاصه کنیم، این خلاصه عبارت است از بازگشت به اسلام ناب؛ اسلامی که میتواند برای مردم و ملتها همه چیز را به ارمغان آورد.



حرکت ملت و مسئولین در راه امام و پیروی از توصیه‌های وی

پیام امام بزرگوار ما به مسلمانان این بود: طرد اجانب، طرد دشمنان مسلمین و دشمنان اسلام. امروز هم گرفتاریها اینهاست. ملت ایران این راه را آزمایش کرده و خود را از ذلت، از عقب ماندگی، از تبعیت قدرتها نجات داده است. ما ادعا نمیکنیم که توانسته‌ایم نظام اسلامی کامل را در کشورمان به وجود آوریم؛ اما ادعا میکنیم که در این راه تلاش کرده‌ایم و تا آخر برای تحقق حاکمیت کامل اسلامی مجاهدت و تلاش خواهیم کرد. ملت ایران در مقابل تهدید قدرتها عقب‌نشینی نمیکند. ملت ایران و مسئولان کشور، توصیه‌های امام را، توصیه‌های بزرگ و راهگشایی برای خودشان میدانند. نظام اسلامی این است، خط اسلامی این است. بحمدالله مسئولان کشور- مسئولان امور داخلی، مسئولان سیاست خارجی، مسئولان کارهای مهم- کسانی هستند

که به راه امام و به خط امام معتقدند و برای آن تلاش و مجاهدت میکنند. ما همان سیاستهایی را که امام بزرگوار با الهام از متن اسلام و قرآن، به انقلاب اسلامی و به ملت ایران تعلیم داد و آن خطی را که او ترسیم کرد، دنبال میکنیم و علاج گرفتاریها و مشکلات خودمان را در دنبال کردن این راه میدانیم؛ درست نقطه‌ی مقابل آنچه که دشمنان اسلام قصد دارند آن را در ذهنها جا بیندازند و در فضای ذهنی اعلام کنند.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۷۸/۳/۱۴

تقوا؛ خصوصیت مهم و بارز امام بزرگوار

روز، روز متعلق به امام بزرگوار است و سخن ما درباره‌ی خصوصیتی از این مرد بزرگ و این یادگار پیامبران و اولیای الهی در زمان ماست. به همه‌ی برادران و خواهران نمازگزار عرض میکنم که خصوصیت امام بزرگوار ما رعایت تقوا بود. همه‌ی شما تقوا را دستورالعمل زندگی خود قرار دهید، تا همچنان که ابواب رحمت الهی بر روی آن مرد بزرگ باز شد، بر روی ما هم باز شود. تقوا، رحمت و هدایت الهی را متوجه فرد و جامعه‌ی باتقوا میکند. دستورالعمل اول و آخر پیامبران و جانشینانشان، تقوای الهی است.

معرفی برخی از ابعاد شخصیتی امام و نحوه‌ی بُروز تدریجی هر یک

در خطبه‌ی اول در نظر دارم آن درکی را که در طول زمان بعنوان یک شاگرد و پیرو این مرد بزرگ احساس کردم و دیدم و لمس کردم، به شما عزیزان- بخصوص جوانان- منتقل کنم. درباره‌ی امام خیلی حرف زده‌ایم. همه، از دوستان، از دشمنان، از ایرانی و غیرایرانی و مسلمان و غیرمسلمان، از این مرد بزرگ تجلیل کردند. در اینها هیچ حرفی نیست. عظمت و جلالت و شأن او برای همه مسلم است؛ اما این یک امر اجمالی است. من فکر میکنم نسل جوان ما- که امروز با قدرت و نشاط راه افتخار و عزتی را که این مرد بزرگ در مقابل ما باز کرد، طی میکند- مایل است از امام خود چیزهای بیشتری بداند. من دریافته‌ای خودم را عرض میکنم؛ یعنی آنچه را که به مرور زمان در طول حدود سی سال که امام را از نزدیک شناختیم در او دیدیم و در هر برهه، مظهری و بُعدی از ابعاد این شخصیت عظیم را مشاهده کردیم. از این سی و یک سال- که از

دوران جوانی بنده تا رحلت آن بزرگوار طول کشید- البته چهارده سال ایشان در تبعید بودند و ما بظاهر از ایشان دور بودیم؛ اما در فضای ذهن و مسیر امام بودیم و از او جدا نبودیم. همان چهارده سال هم در واقع با امام بودیم.

خصوصیات ذوابعاد امام؛ منشأ محبت به ایشان

یک نکته را به شما عزیزان عرض کنم. درست است که شاگردان امام و آشنایان با امام، امام را در حدّ بالایی با عشق و محبت دوست میداشتند؛ اما آنچه درباره‌ی امام گفته شده است، منشأش محبت نیست؛ محبت منشأش آن خصوصیتی است که در امام بود. نکته‌ی دوم این است که این شخصیت دارای ابعاد گوناگون، هیچ اصرار و عجله‌ای نداشت که آن زیباییها و درخشندگیهای وجود خود را به رخ کسی بکشد. هر وقت هر جا تکلیف شرعی او را وادار به حرکتی کرد، بُعدی از ابعاد او آشکار شد.

چگونگی بروز بُعد علمی امام(ره)

من از سال ۳۷ شروع میکنم؛ سالی که خودم به قم رفتم و اول‌بار امام را از نزدیک دیدم؛ البته قبل از آن در مشهد شنیده بودیم که در قم یک مدرّس و استاد بزرگی هست که جوان‌پسند و برجسته است. طلبه‌ی جوانی که به قم وارد میشود، دنبال استاد میگردد. در حوزه‌های علمیه، انتخاب استاد، اجباری نیست و هر کس طبق پسند و سلیقه‌ی خود، استاد را انتخاب میکند. استادی که طلباب جوان و مشتاق را در وهله‌ی اول به خود جلب میکرد، همین مردی بود که آن روز در میان شاگردانش بعنوان «حاج آقا روح‌الله» شناخته میشد. مجموعه‌ی جوانان فاضل و درسخوان و پُرشوق در محفل درس او جمع بودند. ما در چنین فضایی وارد قم شدیم.

او مظهر نوآوری علمی و تبخّر در فقه و اصول بود. بنده قبل از ایشان استاد بزرگی را در مشهد دیده بودم- یعنی مرحوم آیت‌الله میلانی- که از فقهای برجسته بود. در قم هم همان وقت رئیس حوزه‌ی علمیه‌ی قم- که استاد امام هم بود؛ یعنی مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی- حضور داشت؛ بزرگان دیگری هم بودند؛ اما آن محفل درسی که

ره، رهرو، رهبر / ۵۹۷

دل‌های جوان و مشتاق و کوشا و علاقه‌مند به استعداد‌های خوب را جذب میکرد، درس فقه و اصول امام بود. یواش‌یواش از قدیمی‌ترها شنیدیم که این مرد، فیلسوف بزرگی هم هست و در قم درس فلسفه‌ی او، درس اول فلسفه بوده است؛ لیکن حالا ترجیح میدهد که فقه تدریس کند. شنیدیم که این مرد، معلّم اخلاق هم بوده است و کسانی در درس اخلاق او شرکت میکردند و او به تقویت فضایل اخلاقی در جوانان همّت می‌گماشته است. در خلال درس در طول سالها، این را ما از نزدیک هم مشاهده کردیم. اما تا اینجا شخصیت این مرد بزرگ - که باطن او سرشار از خصوصیات ناشناخته بود - برای اکثر مردم در آن روز فقط بعنوان یک استاد عالم و شاگردپرور و یک تهذیب‌کننده‌ی اخلاق طلباب و شاگردان شناخته میشد.

بُروز بُعدِ اخلاقی عملی امام

در سال ۱۳۴۰ مرحوم آیت‌الله بروجردی - مرجع تقلید - درگذشت. مراجع بزرگواری بودند که مطرح شدند و دوستانشان نام آنها را می‌آوردند. اینجا صحنه‌ای شد برای اینکه این مرد - امام بزرگوار - به همه نشان دهد این درس اخلاقی که می‌گفته است، فقط زبانی و به قصد یاد دادن به دیگران نبوده است؛ بلکه خود او اولین عامل به درسهای تهذیب نفس است. همه دیدند، همه فهمیدند و تصدیق کردند که این مرد از مقام و از مطرح شدن برای ریاست - حتی اگر آن ریاست، مرجعیت باشد که یک ریاست روحانی و معنوی است - رویگردان است و برای مقام و منصب و رتبه و شخصیت، هیچگونه تلاشی نمیکند؛ بلکه اگر دیگران هم بخواهند برای مطرح‌کردنش تلاش کنند، تا آنجایی که بتواند، مانع میشود. بعد از گذشت حدود یک سال و نیم از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی، نهضت اسلامی شروع شد.

نحوه‌ی بُروز بُعدِ هشپاری و تیزفهمی امام

در نیمه‌ی دوم سال ۱۳۴۱، بُعد دیگری از ابعاد این شخصیت آشکار شد و آن، هوشپاری و تیزفهمی و توجه به نکاتی که غالباً به آن توجه نمیکردند، از یک طرف، و

غیرت دینی از طرف دیگر بود. خیلیها شنیدند که تصویب‌نامه‌ی دولت در آن زمان، قید مسلمان بودن و سوگند به قرآن برای فرد منتخب را حذف کرده است؛ اما خیلی توجه نکردند که این چقدر اهمیت دارد! درعین حال خیلی اهمیت داشت؛ دلیل هم این بود که با آنکه مجلس شورای ملی آن زمان، مجلس فرمایشی بود- خودشان آن را تشکیل میدادند و فقط نامزدهای مورد قبول خودشان به آنجا میرفتند؛ در واقع انتخاب مردم وجود نداشت و انتصاب بود- با وجود این، آن رژیم جرأت نکرد آن مقررات مربوط به انجمنها و این مسئله‌ی اسلام را در وقتی که مجلس سر پا بود، مطرح کند. ترسیدند منعکس شود؛ گذاشتند در غیاب مجلس! مجلس را در آن وقت منحل کرده بودند؛ مجلس نبود؛ در محیط در بسته‌ای آن را تصویب کردند! این نشان میداد که پشت سر این قضیه، حرفهای فراوان و مقاصد زیادی هست. این را کسی نمیفهمید؛ اما امام این را فهمید و ایستاد. غیرت دینی او، او را وادار کرد که در این مسئله پیشقدم شود و مبارزه برای این زاویه‌ی علی‌الظاهر کوچک ضداسلامی را شروع کند و این کار را هم کرد.

قدرت رهبری، شجاعت سیاسی و دشمن‌شناسی امام(ره)

در همینجا یک نکته‌ی مهم وجود دارد: امام بزرگوار حتی در میدان مبارزه هم نخواست جلو بیفتد. خود ایشان برای ما نقل کرد که در اول شروع نهضت، در منزل مرحوم آیت‌الله حائری، با یک نفر از مراجع معروف وقت آن زمان، و از همدوره‌های خودشان صحبت میکرد و به ایشان گفته بود شما جلو بیفتید، ما هم دنبال شما حرکت میکنیم. امام مقصودش این بود که تکلیف انجام بگیرد؛ آن فریضه‌ای را که بر دوش خود احساس میکرد، انجام دهد؛ جلو افتادن مطرح نبود. البته دیگران آنقدر توانایی و جرأت ورود در این میدان را نداشتند و به امام میرسیدند. امام بطور طبیعی رهبری و سررشته‌داری این حرکت را بر عهده داشت؛ این مبارزه را شروع کرد و به مردم تکیه نمود. تا آن روز هیچ‌کس از بزرگان حوزه‌های علمیه و مراجع حدس نمیزد که یک حرکت دینی، آن هم در آن دوران اختناق، اینگونه بتواند پشتیبانی مردم را جلب کند؛ اما امام در همان روز گفت من به پشتیبانی این مردم حرکت میکنم؛ مردم را به این بیابان قم دعوت میکنم. او میدانست که اگر مردم را دعوت کند، از همه‌ی ایران جمع میشوند و

یک اجتماعِ عظیمِ غیرقابلِ علاج برای دولت آن وقت و رژیم فاسد به وجود می‌آورند. در اینجا بُعدِ جدیدی از شخصیت این مرد آشکار شد؛ بُعدِ قدرتِ رهبری، شجاعتِ سیاسی، آشنایی با ریزه‌کاریهای کارهای دشمن، هوشیاری نسبت به هدفهای دشمنان؛ این بُعد در عمل آشکار شد.

فداکاری و خطرپذیری حضرت امام

سال ۴۲- یعنی سال دوم مبارزه- رسید که سال شدتِ عملها و فشارها و کشتارها بود. آنجا امام مثل خورشیدی در آسمانِ امیدهای ملت ایران ظاهر شد. در موضع یک مرد فداکار و یک آتشفشان؛ کسی که همه‌ی احساسات لازم برای یک مرد جهانی، یک مرد میهنی، یک مرد اسلامی در او جمع است؛ شجاعت لازم را دارد، قدرت بسیج عظیم مردم را دارد، صراحت لازم را دارد؛ چه در اول سال ۴۲ که ماجرای حمله‌ی کماندوها به مدرسه‌ی فیضیه و حوزه‌ی قم پیش آمد و چه در پانزده خرداد سال ۴۲ که عظمت امام در آنجا آشکار شد. ملت ایران ناگهان احساس کرد که پشت و پناهی دارد؛ قلّه‌ی عظیمی وجود دارد که میتواند به او چشم بدوزد و به آن توجه کند. امام در پانزده خرداد اینگونه در صحنه ظاهر شد. بعد از این ماجرا، زندان و تبعید و فشارهای فراوان وجود داشت و امام در آن روز جوان نبود. برای ما که آن روز جوان بودیم، زندان رفتن و ماجراهای مشکلی که پیش می‌آمد، خیلی سخت نبود؛ بیشتر شبیه یک سرگرمی بود؛ اما امام در آن سال- در سال شروع مبارزه- شصت و سه ساله بود. در شصت و سه سالگی، این مرد با جوشش احساس خود میتواند احساسات یک ملت را به جوشش آورد. زندان رفتن و تبعید شدن برای کسی در آن سنین، کار آسانی نبود؛ اما این فداکاری و از خودگذشتگی و خطرپذیری در این مرد آشکار شد. این هم بُعدِ جدیدی بود؛ یعنی مردی که در راه آرمانهای بزرگ و در راه تکلیف شرعی، هیچ مشکلی نمیتوانست مانع راه او بشود. این جریان، در سال ۴۲ و ۴۳ به تبعید چهارده ساله‌ی امام، اول به ترکیه و بعد هم به عراق منتهی شد.

طراحیهای فکری امام و رهبری ایشان از راه دور

در دوران تبعید امام، ابعاد تازه‌ای از شخصیت این مرد کم‌نظیر و حقیقتاً استثنایی در زمان ما بروز کرد؛ چیزهایی که انسان در زندگی شخصیتهای بزرگ، بعضی از آنها را بندرت مشاهده میکند. اولاً او در موضع یک طراح فکری - و به قول معروف مذاکرات سیاسی، یک تئوریسین - قرار می‌گیرد که طرح یک حکومت را، طرح یک نظام را، طرح یک بنا و دستگاه جدید را میریزد؛ آن هم طرحی که هیچگونه سابقه‌ی موجود و محسوسی در مقابل چشم ندارد. بنای اسلامی، با توجه به نیازهای دنیای جدید و مسائلی که در دنیا مطرح است؛ ترکیب این مسائل، میشود طراحی یک نظام. ثانیاً این مرد با اینکه در ایران نبود، اما از راه دور، مدت چهارده سال قضایای مبارزات اسلامی و نهضت اسلامی در ایران را به معنای واقعی کلمه رهبری کرد. در طول این مدت چهارده سال و بخصوص چند سال اخیر - یعنی از سالهای ۵۰ و ۴۹ تا ۵۴ و ۵۵ - شدت اختناق و فشار زیاد بود. گروهها، گروهکها، احزاب سیاسی گوناگون، مخفی، مبارز، سیاسی، غیرسیاسی به وجود می‌آمدند و همه در زیر فشارهای رژیم مضمحل میشدند و از بین میرفتند و یا بی‌خاصیت میشدند. با اینکه بعضی از آنها پشتیبانهای سیاسی بین‌المللی هم داشتند؛ به بلوک شرق و غرب - بخصوص به شرق - متصل بودند و از آنجا هدایت و کمک میشدند، اما نهضت امام متکی به تشکیلات حزبی نبود. امام هیچ تشکیلات حزبی در داخل کشور نداشت؛ عده‌ای شاگردان و دوستان و آشنایان به فکر او و متن مردم بودند. امام هم وقتی در اعلامیه‌ها پیام میداد، مخاطب او، آن عده دوستان و آشنایان مخصوص او نبودند؛ مخاطب او، متن مردم بودند. او با متن مردم و توده‌ی مردم حرف می‌زد و آنها را هدایت میکرد و توانست در طول چهارده، پانزده سال، از راه دور این مایه‌ی فکر اسلامی و نهضت اسلامی را اولاً در ذهنها عمیق کند، ثانیاً در سطح جامعه توسعه دهد؛ دل‌های جوانان و ذهنها و ایمانها را به آن متوجه کند، تا زمینه برای آن انقلاب عظیم آماده شود. خیلها در داخل کشور کارهای بزرگ و مخلصانه و فداکارانه‌ای انجام میدادند، اما اگر مرکزیت امام نبود، هیچ‌کدام از این کارها نبود؛ همه‌ی این تلاشها شکست می‌خورد و همه‌ی این انسانها از نفس می‌افتادند. آن کسی که از نفس نمی‌افتاد، او بود و دیگران هم به نیروی او قوت و نیرو میگرفتند. بعد هم هدایت حقیقی یک حرکت انقلابی و یک

ره، رهرو، رهبر / ۶۰۱

نهضت بزرگ در طول مدت چهارده سال و عبور دادن آن از آن همه عقبات گوناگون توسط آن بزرگوار بود. طوری شد که افکار غیراسلامی و ضد اسلامی به انزوا گراییدند و به حاشیه رانده شدند؛ روزبه‌روز فکر اسلامی و این تفکر منطقی و مستحکم و قوی، غلبه‌ی خود را بر افکار دیگر ثابت و آشکار کرد. در همه‌ی قضایای مهم، حضور امام محسوس بود.

نسخه الکترونیکی

هرگونه بهره‌برداری بصورت چاپ و تکثیر ممنوع می‌باشد.

تدوین و استحکام فکر «ولایت فقیه» توسط امام خمینی (ره)

در سال ۱۳۴۷، امام در نجف- مرکز فقاہت- فکر «ولایت فقیه» را با اتکا به مایه‌های محکم فقهی از آب درآورد. البته «ولایت فقیه» جزو مسلمات فقه شیعه است. اینکه حالا بعضی نیمه‌سوادها میگویند امام «ولایت فقیه» را ابتکار کرد و دیگر علما آن را قبول نداشتند، ناشی از بی‌اطلاعی است. کسی که با کلمات فقها آشناست، میداند که مسئله‌ی «ولایت فقیه» جزو مسائل روشن و واضح در فقه شیعه است. کاری که امام کرد این بود که توانست این فکر را با توجه به آفاق جدید و عظیمی که دنیای امروز و سیاستهای امروز و مکتبهای امروز دارند، مدوّن کند و آن را ریشه‌دار و مستحکم و مستدل و باکیفیت سازد؛ یعنی به شکلی درآورد که برای هر انسان صاحب‌نظری که با مسائل سیاسی روز و مکاتب سیاسی روز هم آشناست، قابل فهم و قابل قبول باشد. عزیزان من! در ایران، در آن دوران چهارده ساله- بخصوص در این سالهای آخر- مبارزان اسلامی احساس تنهایی نمی‌کردند؛ همیشه احساس می‌کردند که امام با آنها مرتبط و متصل است.

آشکار شدن بُعد عظمت روحی و استقامت کم‌نظیر امام (ره)

در ماجرای درگذشت فرزندش، یک بُعد دیگر از ابعاد این شخصیت عظیم آشکار شد. خیلپها بزرگند، عالمند، شجاعند؛ اما آن کسانی که این عظمتها در درون عواطف و در زوایا و اعماق دل آنها امتداد داشته باشد، خیلی زیاد نیستند. مرد مسنی در سنین نزدیک به هشتاد سال در آن زمان، وقتی که فرزند فاضل و برجسته‌اش از دنیا رفت- که در واقع

پسر او هم یک پسر برجسته و یک فاضل و یک عالم ممتاز و یک امید آینده بود- جمله‌ای که از او نقل شد و شنیده شد، این بود که «مرگ مصطفی از الطاف خفیه‌ی الهی است!» او این را مهربانی الهی و لطف پنهانی خدا تلقی کرد؛ اینطور فهمید که خدا به او لطف کرده است؛ آن هم لطفی پنهانی! ببینید چقدر عظمت می‌خواهد در یک انسان! این مصیبت‌ها و این سختی‌ها و این شدت‌هایی که در دوران انقلاب بر این مرد بزرگ وارد آمد و او مثل کوه استواری آنها را تحمل کرد، ریشه‌اش در همین عظمت روحی است که در مقابل مرگ عزیزی اینچنین، چنین برخوردی پیدا میکند. بعد هم قضیه‌ی تبعید ایشان از عراق و شروع هجرت آن بزرگوار به کویت و سپس به فرانسه بود؛ که فرمود اگر به من اجازه‌ی اقامت در کشوری ندهند، فرودگاه به فرودگاه خواهم رفت و پیامم را به همه‌ی دنیا خواهم رساند. آن عظمت، آن شجاعت، آن شرح صدر، آن استقامت کم‌نظیر، آن قدرت رهبری الهی و پیامبرگونه، باز خودش را در اینجا نشان داد. این هم بُعد جدیدی از ابعاد شخصیت آن بزرگوار بود. بعد هم که جریان آمدن ایشان به ایران و مواجهه با آن قضایا و تشکیل نظام جمهوری اسلامی بود.

مهمترین بُعد وجودی امام؛ ترکیبی از زمامداری و زهد

آنچه که در دوره‌ی بعد از تشکیل نظام اسلامی، از ابعاد وجودی امام مشاهده شد، بنظر من به مراتب مهمتر و عظیمتر بود از آنچه که قبلاً دیده شده بود. در این دوران امام- این شخصیت برجسته و ممتاز- در دو بُعد و دو چهره مشاهده میشود: در دوران حکومت، یک چهره، چهره‌ی رهبر و زمامدار است؛ یک چهره، چهره‌ی یک زاهد و عارف. ترکیب این دو با هم، از آن کارهایی است که جز در پیامبران، جز در مثل داود و سلیمان، جز در پیامبری مثل پیامبر خاتم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) انسان نمیتواند دیگر پیدا کند. اینها حقایقی است که ملت ایران در طول سالهای متمادی آنها را لمس کرده؛ ما هم که از نزدیک شاهدش بودیم و دیدیم. تربیت اسلامی و قرآنی این است. امام به چنین چیزی همه را دعوت میکرد؛ نظام اسلامی را برای تربیت انسانهایی از این قبیل میخواست و میپسندید؛ همانطور که خود او مظهر اعلا‌ی آن بود. در چهره‌ی یک حاکم و زمامدار و رهبر، امام بزرگوار مردی هوشیار، باشهامت، باتدبیر، بابتکار و دریادل بود. امواج

ره، رهرو، رهبر / ۶۰۳

سهمگین در مقابل او چیز کم‌اهمیتی محسوب میشدند. هیچ حادثه‌ی سنگینی نبود که بتواند او را شکست دهد و او را به خضوع در مقابل آن حادثه وادار کند. در همه‌ی حوادث تلخ و سختی که در زمان ده ساله‌ی رهبری آن بزرگوار پیش آمد- که خیلی زیاد هم بود- امام از همه‌ی آنها بزرگتر بود. هیچ‌کدام از این حوادث- آن جنگ، آن حمله‌ی امریکا، آن توطئه‌های کودتا، آن ترورهای عجیب و غریب، آن محاصره‌ی اقتصادی، آن کارهای عظیم و عجیب و غریبی که دشمنان با شکل‌های مختلف میکردند- نمیتوانست این مرد بزرگ را دچار احساس ضعف و شکست کند او از همه‌ی این حوادث، قویتر و بزرگتر بود. او معتقد به مردم بود؛ حقیقتاً به آرای مردم اعتقاد داشت. او به نظر و به رأی مردم اعتقاد داشت- که من در خطبه‌ی دوم در این باره مختصری صحبت خواهم کرد- به مردم از صمیم قلب علاقه داشت؛ به مردم عشق میورزید و آنها را دوست میداشت.

امام خمینی؛ مجمع صفات ممتاز بشری

اغلب آن صفاتی که در زمامداران مختلف عالم، مایه‌ی امتیاز آنها میشد، تا آنجایی که من بررسی کردم و به ذهنم رسیده است- ما در امام مجتمع میدیدیم. او، هم عاقل بود، هم دوراندیش بود، هم محتاط بود، هم دشمن‌شناس بود، هم به دوست اعتماد میکرد و هم ضربه‌ای را که به دشمن وارد میکرد، قاطع وارد میکرد. همه‌ی صفات و خصوصیات که برای یک انسان لازم است تا بتواند در چنین جایگاه حساس و خطیری انجام وظیفه کند و خدا و وجدان خود را راضی نماید، در این مرد جمع بود.

نشانه‌های اعتماد واقعی امام به مردم

امام به مردم اعتماد داشت. انقلاب که پیروز شد، امام میتواند اعلان کند که نظام ما، یک نظام جمهوری اسلامی است؛ از مردم هم هیچ نظری نخواهد؛ هیچ‌کس هم اعتراضی نمیکرد؛ اما این کار را نکرد. درباره‌ی اصل و کیفیت نظام، رفراندوم راه انداخت و از مردم نظر خواست؛ مردم هم گفتند «جمهوری اسلامی»؛ و این نظام تحکیم شد. برای تعیین قانون اساسی، امام میتواند یک قانون اساسی مطرح کند؛ همه‌ی مردم،

یا اکثریت قاطعی از مردم هم یقیناً قبول میکردند. میتوانست عده‌ای را معین کند و بگوید اینها بروند قانون اساسی بنویسند؛ هیچ‌کس هم اعتراض نمیکرد؛ اما امام این کار را نکرد. امام انتخابات خبرگان را به راه انداخت و حتی عجله داشت که این کار هرچه زودتر انجام گیرد. در انقلابهای دنیا- که البته غالباً هم کودتاست و انقلاب نیست- کسانی که در رأس قرار میگیرند و زمامدار میشوند، برای خودشان یک سال، دو سال فرصت قرار میدهند و میگویند تا وقتی آماده برای رأی‌گیری شویم، باید این مدت بگذرد؛ اما همان را هم غالباً تمدید میکنند! امام دو ماه از پیروزی انقلاب نگذشته بود که اولین انتخابات- یعنی همان فراندوم جمهوری اسلامی- را به راه انداخت. یکی، دو ماه بعد، انتخابات خبرگان قانون اساسی بود. چند ماه بعد، انتخابات ریاست جمهوری بود. چند ماه بعد، انتخابات مجلس بود. در یک سال- که همان سال ۵۸ باشد- امام چهار بار از آرای مردم برای امور گوناگون استفسار کرد: برای اصل نظام، برای قانون اساسی نظام- که قانون اساسی یکبار خبرگانش انتخاب شدند، یکبار خود قانون اساسی به رأی گذاشته شد- برای ریاست جمهوری و برای تشکیل مجلس شورای اسلامی.

امام به معنای واقعی کلمه معتقد به آراء مردم بود؛ یعنی آنچه را که مردم میخواهند و آرایشان بر آن متمرکز میشود. البته در این کارها هیچ وقت سررشته‌ی کار را هم بدست سیاست‌بازان نمیداد. مردم، غیر از سیاست‌بازانند؛ غیر از مدعیان سیاستند؛ غیر از مدعیان طرفداری مردمند. امام به مردم اعتماد داشت. خیلی از گروهها و احزاب و داعیه‌داران و سیاست‌بازان و حزب‌بازان و امثال اینها بودند؛ امام به اینها کاری نداشت؛ میدان هم به اینها نمیداد که بیایند زیاده‌طلبی کنند و به نام مردم حرف بزنند و عوض مردم تصمیم بگیرند؛ لیکن به آرای مردم احترام میگذاشت. جنگ پیش آمد؛ در نقش فرماندهی نیروهای مسلح ظاهر شد. مسئله‌ی محاصره‌ی اقتصادی پیش آمد؛ امام پشتیبان کامل بود؛ پشتیبان روحی دستگاههای دولتی. اول انقلاب، برای کارهای گوناگون و برای حمایت از مستضعفان و محرومان، امام دستورات فراوانی داد و کارهای زیادی انجام گرفت. مؤسساتی مثل جهاد سازندگی، مثل بنیاد مسکن، مثل کمیته‌ی امداد، مثل بنیاد مستضعفان و جانبازان و مثل بنیاد پانزده خرداد، برای کمک‌رسانی به مردم تشکیل شد. مسائلی که برای امام در

حاکمیت و در اداره‌ی کشور مطرح بود، اینها بود.

حضرت امام؛ حاکمی مقتدر اما منقطع از دنیای بد

این، بُعد حاکم و رهبر بودن امام در موضع یک انسان مقتدر و یک انسان بااراده بود؛ انسانی که اگر جنگ پیش بیاید، میتواند تصمیم بگیرد؛ اگر صلح هم باشد، میتواند تصمیم بگیرد. برای اداره‌ی یک کشور و برای مواجهه با دشمنان، میتواند تصمیم‌گیری کند. اما همین انسان، در چهره‌ی زندگی شخصی و خصوصی خود، یک انسان زاهد و عارف و منقطع از دنیاست. البته منظور، دنیای بد است؛ همان چیزی که خود او میگفت دنیای بد، آن چیزی است که در درون شماست. این ظواهر طبیعت - زمین و درخت و آسمان و اختراعات و امثال اینها - دنیای بد نیست. اینها نعمتهای خداست؛ باید اینها را آباد کرد. دنیای بد، آن خودخواهی، آن افزون‌طلبی و آن احساس تعلقی است که در درون انسان است. امام از این دنیای بد بکلی منقطع بود.

او برای خودش هیچ چیز نمیخواست. برای تنها پسرش - که عزیزترین انسانها برای امام، مرحوم حاج احمد آقا بود و ما بارها این را از امام شنیده بودیم که میفرمود اعزّ اشخاص در نظر من ایشان است - در ده سال آن حکومت و آن زمامداری و رهبری بزرگ، یک خانه نخرید. ما مکرر رفته بودیم و دیده بودیم که عزیزترین کس امام، در آن باغچه‌ای که پشت حسینیه‌ی منزل امام بود، داخل دو، سه اتاق زندگی میکرد. آن بزرگوار برای خود، زخارف دنیوی و ذخیره و افزون‌طلبی نداشت و نخواست؛ بلکه به عکس، هدایای فراوانی برایش می‌آوردند که آن هدایا را در راه خدا میداد. آنچه را هم که داشت و متعلق به خود او بود و مربوط به بیت‌المال نبود، برای بیت‌المال مصرف میکرد. همان آدمی که حاضر نبود آن روز با ده، پانزده میلیون تومان خانه‌ی قابل قبولی برای پسرش بخرد - ولو از مال شخصی خودش - صدها میلیون تومان مال شخصی خود را برای نقاط مختلف - برای آبادانی، برای کمک به فقرا، برای رسیدگی به سیل‌زدگان و جاهای مختلف دیگر - صرف میکرد. ما اطلاع داشتیم که در مواردی پولهای شخصی خود امام بود که به اشخاصی داده میشد، تا بروند آنها را مصرف کنند؛ اینها هدایایی بود که مریدان و علاقه‌مندان و دوستان برای امام آورده بودند.

مقامات معنوی و عرفانی امام؛ در عین صلابت در برابر دشمنان

او اهل خلوت، اهل عبادت، اهل گریه‌ی نیمه‌شب، اهل دعا، تضرع، ارتباط با خدا، شعر و معنویت و عرفان و ذوق و حال بود. آن مردی که چهره‌ی باصلابتش دشمنان ملت ایران را میترساند و به خود میلرزاند- آن سداً مستحکم و کوه استوار- وقتی که مسائل عاطفی و انسانی پیش می‌آمد، یک انسان لطیف، یک انسان کامل و یک انسان مهربان بود. من این قضیه را نقل کرده‌ام که یک وقت در یکی از سفرهای من، خانمی خودش را به من رساند و گفت از قول من به امام بگویید که پسر من در جنگ اسیر شده بود و اخیراً خبر کشته شدن او را برایم آورده‌اند. من پسر من کشته شده، اما برایم اهمیت ندارد؛ برای من سلامت شما اهمیت دارد. آن خانم این جمله را در اوج هیجان و احساس به من گفت. من خدمت امام آمدم و داخل رفتم. ایشان سر پا ایستاده بود و من همین مطلب را برایش نقل کردم؛ دیدم این کوه استوار و وقار و استقامت، مثل درخت تناوری که ناگهان بر اثر توفانی خم شود، در خود فرورفت. مثل کسی که دلش بشکند؛ روح و جان و جسم او تحت تأثیر این حرف مادر شهید قرار گرفت و چشمانش پُر از اشک شد!

شبی در یک جلسه‌ی خصوصی، با دو سه نفر از دوستان، منزل مرحوم حاج احمد آقا نشسته بودیم؛ ایشان هم نشسته بود. یکی از ما گفتیم: آقا شما مقامات معنوی دارید، مقامات عرفانی دارید؛ چند جمله‌ای ما را نصیحت و هدایت کنید. آن مرد با عظمتی که آنگونه اهل معنا و اهل سلوک بود، در مقابل این جمله‌ی ستایش‌گونه‌ی کوتاه یک شاگردش - که البته همه‌ی ما مثل شاگردان و مثل فرزندان امام بودیم؛ رفتار ما مثل فرزند در مقابل پدر بود- آنچنان در حال حیا و شرمندگی و تواضع فرو رفت که اثر آن در رفتار و جسم و کیفیت نشستن او محسوس شد! در حقیقت ما شرمنده شدیم که این حرف را زدیم که موجب حیا امام شد. آن مرد شجاع و آن نیروی عظیم، در قضایای عاطفی و معنوی، اینگونه متواضع و باحیا بود.



هضم شدن در اراده‌ی الهی؛ منشأ ابعاد مختلف شخصیت امام

نکنه‌ی آخری که من می‌خواهم عرض کنم، این است که همه‌ی اینها را امام از عمل به

ره، رهرو، رهبر / ۶۰۷

دین، از پابندی به دین، از تقوا و از مطیع امر خدا بودن داشت. خود او هم بارها این مضمون را در گونه‌گونه‌ی کلمات خود بر زبان می‌آورد و بیان میکرد: هرچه هست، از خداست. او همه چیز را از خدا میدانست؛ هضم در اراده‌ی خدا بود؛ حل در حکم الهی بود: انقلاب را خدا پیروز کرد؛ خرمشهر را خدا آزاد کرد؛ دل‌های مردم را خدا جمع کرد. او همه چیز را از منظر الهی میدید و عامل به احکام بود؛ خدای متعال هم درهای رحمت را به روی او باز کرد.



ضرورت ادامه‌ی راه امام و علت آن

بعد از رحلت امام، ما اعلام کردیم که راه امام و خطّ امام را ادامه میدهیم. اولاً این حرکت، از روی تقلید نبود؛ حرکتی براساس تجربه و آگاهی بود. راه امام، راه نجات این کشور، هم در آغاز انقلاب، هم در دوران حیات آن بزرگوار بود و هم امروز هست.



معرفی چند مشخصه‌ی مهم از مجموعه‌ی راه امام

اما راه امام چیست؟ مقصود ما از راه امام کدام است؟



مشخصه‌ی اول خطّ امام؛ اسلام در درجه‌ی اول اهمیت

من چند مشخصه‌ی مهم را از مجموعه‌ای که ما آن را راه امام و خطّ امام به حساب می‌آوریم، عرض میکنم. چند مطلب از نظر امام، در درجه‌ی اول بود؛ اول، اسلام و دین بود. امام، هیچ ارزشی را بالاتر از ارزش اسلام به حساب نمی‌آورد. انقلاب و نهضت امام، برای حاکمیت اسلام بود. مردم هم که این نظام را قبول کردند، این انقلاب را به پا کردند و امام را پذیرفتند، برای انگیزه‌ی اسلامی بود. سرّ موفقیت امام این بود که صریح و بدون پرده‌پوشی، اسلام را روی دست گرفت و اعلام کرد من میخواهم برای اسلام کار کنم و همه چیز در سایه‌ی اسلام است. قبل از دوران انقلاب ما کسانی در کشور ما و در بعضی کشورهای دیگر بوده‌اند که حقیقتاً به اسلام اعتقاد داشتند، اما جرأت نمیکردند، یا نمیخواستند صریحاً اسلام را مطرح کنند؛ تحت نامهای دیگری وارد میدان میشدند و عموماً شکست خوردند. علت اینکه امام پیروز شد، چون هدف خود را که حاکمیت

اسلام است، صریح بیان کرد. البته اسلام که امام فرمود، در دو بخش قابل توجه است: یکی بخش اسلام در قالب نظام. امام، اینجا خیلی سختگیر بود و به یک کلمه کم یا زیاد، راضی نمیشد؛ به یک مسامحه، چه در مسائل اقتصادی، چه غیره، راضی نمیشد. همه جا مُرّ اسلام. نظام اسلامی، مجلس شورای اسلامی، دولت اسلامی، قضاوت اسلامی و دستگاههای گوناگون باید بر طبق مصالح، خط اسلام و راه حاکمیت اسلام را دنبال کنند. امام، این را دنبال میکرد و تا آنجا که توانست، تلاش کرد. چهره‌ی دوم در مورد پایبندی به اسلام، عمل فردی اشخاص است. در اینجا دیگر آن صلابت و قاطعیت و اعمال قدرت، وجود ندارد. اینجا موعظه، نصیحت، زبان خوش و امر به معروف است. امام، به این عقیده داشت. پس اول چیزی که در خط امام، مهم است، تعقیب هدف اسلامی و حاکمیت اسلامی در صحنه‌ی ایمان و در صحنه‌ی عمل است.

مشخصه‌ی دوم خط امام؛ تکیه به مردم

دومین مطلب، تکیه به مردم است - همانطور که عرض کردم - هیچ‌کس در نظام اسلامی نباید مردم، رأی مردم و خواست مردم را انکار کند. حالا بعضی، رأی مردم را پایه‌ی مشروعیت میدانند؛ لاقلاً پایه‌ی اعمال مشروعیت است. بدون آراء مردم، بدون حضور مردم و بدون تحقق خواست مردم، خیمه‌ی نظام اسلامی، سر پا نمیشود و نیمه‌ماند. البته مردم، مسلمانند و این اراده و خواست مردم، در چارچوب قوانین و احکام اسلامی است. امام، مجمع تشخیص مصلحت را درست کرد؛ یعنی آراء مردم که مظهرش مجلس شورای اسلامی است، و حدود اسلامی که مظهرش شورای نگهبان است، اگر بین آنها اختلافی پیدا شد، مجمع تشخیص مصلحت تصمیم میگیرد. آنجایی که مصلحت کشور اقتضا کند، آن را بر این مقدم میدارد. مجمع تشخیص مصلحت را هم امام درست کرد. آنچه که در مورد آزادی گفته میشود، همه در شکم این حرکت عظیم و این سرخط مهمی است که امام برای این کشور به وجود آورد. حالا عده‌ای تازه از راه رسیده، میخواهند آزادی، آزادی فکر و آزادی رأی را به امام و دستگاه امام و نظام اسلامی، تازه یاد بدهند و تلقین کنند! این خطی بود که امام، حرکت نظام اسلامی را بر این خط قرار داد. بحمدالله مسئولان کشور - چه امروز، چه در دوره‌ی قبل و دولت قبل - که همه شاگردان امام بودند و دست‌پروردگان امام هستند، این چیزها را از بن دندان دانستند و باور کردند؛ نمیخواهد دیگری بیاید و به اینها یاد بدهد.

مشخصه‌ی سوم از خط امام؛ عدالت اجتماعی

سوم از مشخصه‌های خط امام، عدالت اجتماعی و کمک به طبقات مستضعف و محروم است که امام آنها را صاحب انقلاب و صاحب کشور میدانست. امام، پابرهنگان را مهمترین عنصر در پیروزیهای این ملت میدانست؛ همینطور هم هست و همانطور که گفتیم، امام به گفتن هم اکتفا نکرد. امام از همان اول انقلاب، جهاد سازندگی، کمیته‌ی امداد، بنیاد مستضعفان، بنیاد پانزده خرداد و بنیاد مسکن را به وجود آورد و دستورات مؤکد به دولتهای وقت داد. عدالت اجتماعی، جزو شعارهای اصلی است؛ نمیشود این را در درجه‌ی دوم قرار داد و به حاشیه راند. مگر میشود؟! حالا عده‌ای از آن طرف درمی‌آیند که امام فرمود: انقلاب ما انقلاب نان نیست، برای نان نیست! بله؛ انقلاب اکتبر روسیه که در سال ۱۹۱۷ پیدا شد، بخاطر قطع شدن نان در شهرهای اصلی آن روز - مثلاً مسکو - بود. اگر مردم آن روز نان داشتند - همین نان معمولی - آن انقلاب پیش نمی‌آمد. انقلاب ما اینگونه نبود، انقلاب ما بر اساس یک ایمان بود؛ اما معنایش این نیست که انقلاب نباید به زندگی مردم، به اقتصاد، به نان و به رفاه مردم بپردازد. این چه حرفی است؟! امام به این مسائل میپرداخت و دستور میداد و آنچه در درجه‌ی اول، مورد نظر امام بود، عبارت بود از طبقات محروم و مستضعف. البته امروز کنار گودنشینها، آنهایی که همیشه بلند گوشه‌ای بنشینند و دستور و نسخه صادر کنند - بدون اینکه بدانند واقعیتها چگونه است، یا هیچ مسئولیتی احساس کنند - میگویند عدالت اجتماعی تحقق پیدا نکرده است! البته عدالت اجتماعی کامل، بلاشک تحقق پیدا نکرده است - خیلی باید مجاهدت کنیم - اما نظام اسلامی آمد و آن برنامه و نقشه‌ی غلطی را که در این مملکت بود - که هیچ حقی برای روستا و روستائین و شهرهای دوردست و طبقات محروم قائل نبودند - تغییر داد و بیشترین اهتمام را روی این چیزها گذاشت. امروز بیشترین اهتمام دولت خدمتگزار ما برای نقاط محروم است. در طول دوران انقلاب، همیشه دولتها اینطور بودند؛ بیشترین اهتمامشان برای مردم محروم و نقاط محروم بود و کارهای فراوان و خدمات عظیمی هم انجام گرفته است. اینها به برکت همین عنصر عدالت اجتماعی در خط امام است.



عنصر چهارم از خط امام؛ دشمن شناسی و فریب نخوردن از دشمن

یک عنصر دیگر، دشمن شناسی و فریب نخوردن از دشمن است. اولین کار دشمن این است که تبلیغ میکند هیچ دشمنی وجود ندارد! چطور نظام اسلامی دشمن ندارد؟! جهانخواران را از این سفره‌ی به یغما رفته‌ی سالهای متمادی، محروم کرده است؛ معلوم است که دشمنند، میبینیم که دشمنی میکنند- در تبلیغات، در محاصره‌ی اقتصادی- هر کاری که میتوانند در تقویت دشمن علیه نظام، میکنند؛ صریح هم میگویند!

در این مملکت، آنچه که برای امریکا، برای استکبار و برای جهانخواران قابل قبول نیست، استقلال این مملکت و استقلال و بیداری این مردم است؛ آن دست ردی است که این مردم به سینه‌ی دشمنان این کشور و جهانخواران زده‌اند؛ این را نمیخواهند. با اسلام هم که دشمنند، به این علت است که اسلام این بیداری را به مردم داده است؛ با این دشمنند. امام، دشمن را میشناخت؛ روشهای سیاسی و روشهای تبلیغاتی آنها را میفهمید، میشناخت و در مقابل آنها محکم می‌ایستاد.

■

خصوصیت پنجم از خط امام؛ حساس به سرنوشت مسلمین عالم

محور دیگر، علاقه و حساس بودن به سرنوشت مسلمانان عالم است. مسلمانان عالم، عقل استراتژیک نظام اسلامی به حساب می‌آیند. الآن ملتها در آسیا، در آفریقا و در همین منطقه‌ی خود ما طرفدار نظام اسلامی هستند. این اظهار ارادتی که به امام و به انقلاب میکنند، سابقه ندارد؛ نه امروز نسبت به هیچ کشوری در دنیا وجود دارد و معمول است و نه در گذشته چنین چیزی بوده است. این بخاطر اسلام است. امام روی سرنوشت برادران مسلمان، حساس بود. و بالاخره تعالی علمی و سازندگی کشور. اینها سرفصلهای عمده‌ی خط امام است؛ اسلام، مردم، پیشرفت کشور، دشمنی با دشمنان و حساسیت نسبت به امت اسلامی در آن هست. اینها خط امام است؛ ما به اینها پایبند بودیم و هستیم و به فضل پروردگار خواهیم بود.

■

برکات پیروی مسئولین از راه امام

در این سالهای بعد از رحلت امام، چه دولتهایی که سر کار بودند چه دولت قبلی، چه دولت امروز ما چه دستگاه قضایی، چه مجلس شورای اسلامی و دستگاه قانونگذاری، بحمدالله کارهای بزرگی کردند و خدمات بزرگی انجام دادند. جزئیات کارهای اینها آنقدر زیاد و صفحه‌ی عملیاتی که مسئولان این کشور در قوای مختلف بخصوص در قوه‌ی مجریه که بارهای سنگین بر دوش آنهاست کردند بقدری درخشان و زیاد است که هر منصفی اینها را نگاه کند، تحسین خواهد کرد. من اگر بخوام الآن هم آنچه در ذهنم هست بگویم، یک صفحه‌ی طولانی است. اینها را باید خود آقایان بیایند به مردم بگویند و توضیح دهند، تا ببینند که چه زحماتی کشیده‌اند! این به برکت پیروی از همین راه امام است. خدای متعال هم به این کشور تفضل کرده است. این بنایی که امام ساخت، بحمدالله مستحکم مانده است و پایه‌های محکم و ریشه‌ی عمیقی دارد. آثاری را هم که خدای متعال و دست قدرت الهی برای این مردم آورد، خیلی عظیم است.

در دیدار مسئولان قوه‌ی قضائیه و خانواده‌های معظم شهدای هفتم تیر، ۱۳۷۸/۰۴/۰۷

مهمترین مسئله در جبهه‌ی امام و انقلاب در مقابل دشمن

دشمن که بیکار نیست. آنچه مهم است، این است که جبهه‌ی اسلامی، جبهه‌ی دینی، جبهه‌ی انقلاب، جبهه‌ی امام که به آن جبهه‌ی خودی می‌گوییم ترفند دشمن را بشناسد؛ بداند که دشمن چه میکند و چه میخواهد بکند و هدفش چیست.

در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی
به مناسبت میلاد پیامبر اکرم(ص) و امام جعفر صادق(ع)، ۱۳۷۸/۰۴/۱۰

سلسله‌جنبان و رهبر حقیقی انقلاب اسلامی

امیدواریم که خداوند ان‌شاءالله برکات و تفضلات و فیوضات خود را بر روح مطهر امام بزرگوار ما که او سلسله‌جنبان این کار^۱ و رهبر حقیقی این راه و استاد و پیشرو واقعی ما بود نازل کند.

هشدار به دشمنان راه و نام امام

این دشمنان بدانند که خواب برگشتن امریکا به این مملکت، یک خواب پریشان و غیرقابل تعبیر است. این عناصر داخلی حقیر، این عناصر سیاسی مطرود و منفور، که ملت اینها را مثل دندان فاسدی بیرون آورد و به یک طرف پرتاب کرد، هجده، نوزده سال است که کمین گرفته‌اند تا از ملت و از امام و از نام امام و از راه امام انتقام بکشند. اینها هم بدانند که اشتباه کردند؛ در همین قضیه هم اشتباه کردند، خودشان را لو دادند و چهره‌ی خودشان را مشخص کردند.

راه خدا و راه امام؛ تنها ملاک و مناط رهبری

من به یک جریان سیاسی خاص اشاره نمیکنم؛ خطاب من به همه است. برای من، آن خط و این خط و هر خط سیاسی و سلیقه‌ی سیاسی دیگر، تفاوت نمیکند. برای من، مناط^۱ و ملاک، راه خدا و راه امام و راه اسلام و حفظ کشور و رعایت مصالح مردم و حفظ آینده‌ی کشور مطرح است. برای من فرقی نمیکند که فلان کس متعلق به خط «الف» است، فلان کس متعلق به خط «ب» است. من به همه عرض میکنم؛ شما هم هشیار باشید.

محاسبه‌ی غلط دشمن درباره‌ی بریدن ملت از امام

اولین محاسبه‌ی غلطشان^۲، محاسبه‌ی غلط درباره‌ی ملت ایران بود. خیال کردند ملت ایران از اسلام و از انقلاب و از امام بریده است. نفهمیدند که این ملت، همان ملتی است که با اقتدار عظیم خود توانست نظام فاسدی را که امریکاییها و دیگران، اطرافش هفت حصار درست کرده بودند، از داخل این کشور بردارد و آن را نابود کند. این ملت، همان

۱ ملاک.

۲ محاسبه‌ی غلط دشمن در حادثه‌ی کوی دانشگاه.

ره، رهرو، رهبر / ۶۱۳

ملتی است که در کودتای امریکایی بهمن ۱۳۵۷ به دستور امام به خیابان آمد و در ظرف چند ساعت کار را تمام کرد. این ملت، همان ملتی است که در دفع کودتای باز امریکایی در این کشور در سال ۵۹، در میدان و در صحنه آنچنان حضوری پیدا کرد که همهی امیدها را قطع نمود. این ملت، همان ملتی است که در اغتشاش منافقین در سال ۶۰، آنچنان قدرت خود را نشان داد که دشمنی را که به عناصر مزدور و خودفروخته و روسیاه منافق دل بسته بود، مأیوس کرد. این ملت، همان ملتی است که هشت سال تمام، جنگی را که همهی قدرتهای موجود و مادی دنیا به طرف مقابل ما کمک کردند، با حضور خودش در صحنه، با همین بسیج، با همین دانشجویان، با همین جوانان، با همین کارگران، با همین روستاییان و با همین شهریها، توانست علیه خود آنها تمام کند. این ملت، همان ملتی است که در طول این بیست سال، هر وقت که توطئه‌ی دشمن به هر شکلی از آشکال زیاده‌روی کرده است، با حضور سیل‌آسای خود در خیابانها و در تظاهرات و در اجتماعات، مثل رودخانه‌ای که می‌آید و خس و خاشاکها را پاک میکند و از بین میبرد، وارد میدان و صحنه شده و دشمن را ناکام کرده است. این همان ملت است؛ این همان جوانانند؛ این همان نسل است. این نسل جدیدی که امروز رو آمده است، نسل اسلام است. خطای در محاسبه‌شان این بود که خیال کردند ملت ایران از اسلام برگشته است؛ نه. فهمیدند که ملت ایران پایبند به اسلام است؛ پایبند به انقلاب است؛ پیوسته‌ی به نظام است؛ قدر این نظام قدرتمند و صالح را میداند و درصدد است که با ایستادگی، خودش مشکلات را حل کند.

تشخیص خودی و غیرخودی با معیار ارادت به امام و امت

گفته میشود «خودی» و «غیرخودی». حالا خودی و غیرخودی داریم یا نداریم؟ اگر بخواهیم ملت را حساب کنیم، نه؛ آحاد ملت همه خودینند. اما جریان‌ات سیاسی، بله؛ جریان خودی داریم، جریان غیرخودی هم داریم. خودی کیست؟ خودی آن است که دلش برای اسلام میتپد؛ دلش برای انقلاب میتپد؛ به امام ارادت دارد؛ برای مردم بصورت حقیقی نه ادعایی احترام قائل است. غیرخودی کیست؟ غیرخودی کسی است که دستورش را از بیگانه میگیرد؛ دلش برای بیگانه میتپد؛ دلش برای برگشتن امریکا میتپد.

غیرخودی آن کسی است که از اوایل انقلاب در فکر ایجاد رابطه‌ی دوستانه با امریکا بود. به امام اهانت میکرد؛ اما برای امریکا اظهار علاقه مینمود! کسی به امام اهانت میکرد، ناراحت نمیشد؛ اما اگر کسی به دشمنان بیرون از مرز یا همدستان آنها اهانت میکرد، ناراحت میشد! اینها غریبه‌اند. اسمشان چیست، هرچه باشد؛ چه کسی هستند، به ما ربطی ندارد که حالا بخواهم در خطبه‌های نماز جمعه اسم کسی را بیاورم.

در دیدار وزیر امور خارجه و سفیران جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، ۱۳۷۸/۵/۲۵

اعتراف به عدم استفاده‌ی کامل از شخصیت بی‌نظیر امام

البته من اعتقاد خودم این است که ما تنبلی کردیم و از امکان عظیمی که انقلاب در اختیارمان گذاشت، استفاده نکردیم؛ همچنان که از امکان عظیمی که شخصیت جذّاب امام برایمان فراهم کرد، استفاده کاملی نکردیم. شخصیت امام، شخصیت خیلی جذّاب و فوق‌العاده‌ای بود. آن شخصیت در معیارها و مقیاسهای بین‌المللی، مجموعاً شخصیت بی‌نظیری بود. بنده مطالعات زیادی روی بعضی شخصیت‌های جذّاب دنیا- مثل گاندی و بعضی رهبران آفریقا- داشتم. هیچ‌کدام به جذّابیت امام ما نبودند- خیلی اثرگذار بود- لذا شما سالهای اول انقلاب که وارد کشورها میشدید، اصلاً کشور ما را به اسم امام میشناختند؛ یعنی اسم امام قبل از آنکه ما بخواهیم آن را تبلیغ و اعلان کنیم و اینجا و آنجا ببریم، وارد آن کشورها شده بود! ما به اسم امام می‌چسبیدیم و به کشورهای دیگر میرفتیم و از آن استفاده کاملی نکردیم.

در دیدار رئیس‌جمهور و هیأت وزیران به مناسبت آغاز هفته دولت، ۱۳۷۸/۰۶/۰۲

ضرورت ادامه‌ی مسئولیتهای مسئولین با شاخصهای امام

خدا را حمد و شکر میکنم که این دولتِ فعّال و کوشنده و این برادران عزیز را توفیق داد که بتوانند دو سال در یکی از حساسترین مقاطع تاریخ بعد از انقلاب ما، این بار مسئولیت سنگین را بر دوشهای خودشان حمل کنند. امیدوارم همچنان که جناب آقای خاتمی بدرستی بیان کردند، این راه با همان شاخصه‌هایی که در وجود شریف امام عزیزمان متبلور و متجسّد بود، با قوّت، با قدرت، با امید و با اعتماد به کمک الهی ادامه پیدا کند.

تنها راه رسیدن به هر هدف و هر فکری در این کشور

اگر کسی برای این کشور، دنبال عزت و شخصیت و هویت ملی است و فکر میکند که بایستی این کشور، هویت ملی پیدا کند تا بتواند به همه‌ی اهدافش برسد، بایستی خطّ امام را دنبال کند. این یک طرز فکر است که بالاخره ما بایستی در این کشور، آن روح و هویت و شخصیت ملی را تزریق کنیم تا بتوانیم به همه جا برسیم. اگر کسی این را فکر میکند و این را یک هدف مطلوب، یا یک مقدمه لازم برای اهداف دیگر میداند، باز بایستی خطّ امام را دنبال کند. آن انقلابی که او تزریق کرد و روحی که او به این ملت داد، ضامن این معناست. الآن هم کسانی که شما ملاحظه میکنید خودشان را از فُلك انقلاب و از دایره‌ی انقلاب کنار میکشند و این حرکت عظیم و اصلی را ندیده میگیرند، کسانی هستند که به سمت وابستگی پرتاب میشوند؛ چه بگویند، چه نگویند، چه اعتراف کنند، چه نکنند. آن استقلال و مشی و هویت مستقل، در سایه احیای خط و راه این مرد بزرگ است. اگر کسی دنبال دینداری این مردم و حاکمیت نظام اسلامی میگردد، باز همینطور است. اگر کسی دنبال گریز از تحجّر و رسوبات فکری غلط میگردد، باید خطّ او را دنبال کند. امروز شما هر فکری برای این کشور میکنید و هر هدفی برای این کشور در نظر میگیرید، باید خطّ امام در این کشور زنده بماند، تا ما بتوانیم به آن اهداف برسیم.

ضرورت توجه به زیباییها و درخشندگیهای شخصیت امام

امام، شخصیت بزرگی بود. ای کاش همه‌ی مردم، بخصوص نسل جوان کنونی کشور میتوانند زیباییها و درخشندگیهای شخصیت امام را آنطور که خواص و نزدیکان ایشان حس و لمس کردند و دیدند، ببینند. حقیقتاً امام یک شخصیت جذاب بود؛ علم وافر در رشته‌های متعدّد داشت و تک‌بُعدی و یک‌علمی نبود. ایشان فیلسوفی بزرگ، عارف و فقیهی بزرگ و اصولی برجسته و ممتاز و صاحب مکتبی بود. ایشان یک معلّم اخلاق بود. یعنی انسان از هر طرف که وارد میشد، از لحاظ علمی، ابعاد عظیمی را در ایشان مشاهده میکرد. شاید من یک وقت دیگر به مناسبتی به جمع شما دوستان این را عرض

کرده باشم که یکی از شخصیت‌های معروف فلسفه و عرفان - که امروز به رحمت خدا رفته و در بین ما نیست - برای یکی از دوستان که شاگرد امام بوده و از چهره‌های برجسته‌ی فلسفه و عرفان است - و الآن بحمدالله هست - نقل کرده بود: «در یکی از کشورهای خارج «فتوحات محی‌الدین» را مطالعه می‌کردم، به مطلبی رسیدم و هرچه فکر کردم، دیدم نمیتوانم آن مطلب را درست بفهمم. یک‌دفعه به ذهنم خطور کرد که در زیر این آسمان، تنها کسی که ممکن است این مطلب را از او سؤال کنم و او برای من جواب کافی و وافی داشته باشد، امام است.» آن وقت امام در نجف بود. نامه‌ای به ایشان مینویسد که داستانی طولانی دارد و حالا نمیخواهم جزئیاتش را بگویم.

غرض؛ ایشان در فلسفه، در عرفان نظری، در سلوک عملی، در اصول، در اخلاق و بویژه در فقاہت در زمان ما فرد برجسته‌ای بود. در ضمن ایشان ادیب، شاعر خوش‌ذوق، خوش‌محضر و انسانی مهربان و اهل رقت قلب بود. من شاید قضیه‌ی قلکهای بچه‌ها را باز هم نقل کرده باشم. این از وقایعی است که مشاهده خود من است. گاهی با ایشان راجع به اینکه بچه‌ها سر نماز جمعه برای کمک به جبهه، قلکهایشان را میشکنند، یا فلان مادر شهید، پیغامی به وسیله‌ی من به ایشان داده است، صحبت می‌کردم. این مرد با عظمت، این مرد با صلابت، این انسانی که پانزده خرداد را گذرانده بود، انقلاب و جنگ را گذرانده بود؛ این کوه استوار، ناگهان مثل یک انسان رقیق، فشرده میشد، چشمهایش پُر اشک میشد، درهم میرفت و اشک میریخت! یعنی جامع همه‌ی این خصوصیات بود.

ایشان انصافاً از لحاظ پختگی سیاسی و از لحاظ بینشهای عمیق سیاسی استثنایی بود. واقعاً ما این را در مورد امام دیدیم که می‌گویند: «آنچه در آینه جوان بیند، پیر در خشت خام آن بیند!» ما واقعاً در صحنه‌ی سیاست کشور بودیم. بنده سالهای متمادی، رئیس‌جمهور بودم. اغلب با دوستان و دیگر مسئولان کشور مینشستیم، بحث می‌کردیم، حرف می‌زدیم، تحلیل می‌کردیم، نتایج مهمی بدست می‌آمد؛ پیش آن مرد میرفتیم، بعد ایشان مثلاً نکته‌ای میگفت، میدیدیم واقعاً روشن‌بینی ایشان به نحوی است که همه‌ی این تلاشهای سیاسی و کارهای فنی را در یک مسئله‌ی خاص، تحت الشعاع قرار میدهد!

غرض، از شخصیتی با این عظمت، جا دارد که تجلیل شود. هر کسی که عاشق علم، عاشق ادبیات و ذوق، عاشق شجاعت و شهامت، عاشق تقوا و پاکدامنی و عاشق عرفان و

فناى فى الله است، به اين مرد عشق ميورزد. هر كسى كه شجاعت و شهامت و انقلابيگري و غيرت ديني را ميستاييد، به اين مرد عشق ميورزد. اينها همه، جنبه‌هاي شخصي امام است؛ يعني «مادح خورشيد، مدّاح خود است». حقيقتاً اينگونه است؛ هر كسى كه امام را مدح مي‌كند، اگر اين مدح راستي باشد و از روي معرفت، در واقع خودش را مدح مي‌كند و مي‌فهماند كه «من اين حقيقت زيبا را در او ديدم و فهميدم». بنابراين اگر امام، هيچ خصوصيت ديگري براي ما نداشت، همين يك خصوصيت، كافي بود كه اين كار شما را يك كار بزرگ، يك كار لازم و يك كار مقدّس ب‌كند؛ همچنان كه ما امروز از شخصيتهايي بزرگ، تجليل مي‌كنيم. ليكن اين يك بُعد قضيه است؛ هم‌ايش اين نيست.



نياز هميشگي به امام بعنوان روح نظام و کشور

بُعد دوم اين است كه امام(رضوان الله عليه)، روح انقلاب ما، روح اين حركت و روح اين نظام است. اگر درست بخواهيد قضيه را تعبير كنيد، بايد بگوئيد روح اين کشور است. ما براي اين کشور هرچه بخواهيم، بايستي امام را ملحوظ و حضور او را تأمين كنيم و خطّ و راه و انگشت اشاره‌ي او را مورد نظر قرار دهيم، تا بشود به آن رسيد. شما براي اين کشور چه ميخواهيد؟ البته مشتركاتي وجود دارد، اما بالاخره چيزهايي هست كه هر كس فكري مي‌كند. يكي فكر مي‌كند كه امروز بايد اين کشور به اعتلاي علمي برسد تا مشكلاتش حل شود. خيلي خوب؛ بايد امام را زنده نگه بداريم، تا اين كار بشود؛ زيرا آن كسى كه به نسل علمي اين کشور، اين جرأت را با زبان و با عمل داد و اين راه را در مقابل او گشود كه خودش را راجع به مسائل علمي دنيا در مقابل غول علمي عالم، به حساب بياورد، امام بود. من در محيط علمي اين کشور، در محيط روشنفكري و محيط دانشگاهي اين کشور، قبل از انقلاب حضور داشتم و از نزديك ديدم كه بهترينها كساني بودند كه مي‌گفتند اينجا نميشود كار كرد. ما استعداد و امكان داريم، ولي بايد به يك محيط باز برويم، فضاي باز باز بيايم و در دنيا كار كنيم. اينها بهترينها بودند، وّالاً خيلي از اشخاص اهل دانش روز، اعتقادشان اين بود كه يراني هر كار ب‌كند، عقب است! مي‌گفتند اصلاً امكان دستيابي به جاده‌هاي علمي براي ما ممكن نيست! آنها با هوايما سير

میکنند، ما سوار الاغ، میخواهیم برویم و به آنها برسیم! راهش این است که هر طور میشود، خودمان را به هر نحو ممکن این هواپیما آویزان کنیم تا ما را هم ببرند. اصلاً طرف فکر، این بود! حتی تلاشهای علمی هم که انجام میگرفت، غالباً با این تفکر بود؛ با تفکر کپی برداری، با تفکر تقلید، با تفکر «ره چنان رو که رهروان رفتند»!

پیام به مناسبت دهه‌ی بزرگداشت یکصدمین سال میلاد مبارک امام خمینی، ۷۸/۶/۳۱

نصاب بالای بهره‌مندی امام از همه‌ی ویژگیهای رهبران بزرگ

در هر یک از کشورهای جهان و در هر زمان، هرگاه انسانی با دانش و خردمندی و اندیشه‌ی بلند، یا با پرهیزگاری و پارسایی و ایمان استوار، یا با شهامت و دلیری و همت والا، یا با زیرکی و تیزبینی و پختگی سیاسی، قدم در میدان کاری بزرگ بگذارد و پایدار و صبور، هدف مقدّسی را دنبال کند، بی‌تردید کشور و ملت خود و گاه بشریت را به افتخارات بزرگ و پیشرفتهای ماندگار خواهد رسانید. همه‌ی کسانی که نامشان در فهرست نام‌آوران تاریخ قرار گرفته است به برخی از این ویژگیها آراسته بوده‌اند.

اما نام‌آور بزرگ دوران معاصر یعنی امام روح‌الله خمینی همه‌ی این ویژگیها را با هم، آن هم در نصابی معمولاً دست‌نیافتنی و کم‌نظیر داشت. او دانشمندی پارسا، و خردمندی پرهیزگار، و حکیمی سیاستمدار، و مؤمنی نواندیش، و عارفی شجاع و هوشمند، و فرمانروایی عادل، و مجاهدی فداکار بود.

او فقیه، و اصولی، و فیلسوف، و عارف، و معلّم اخلاق، و ادیب، و شاعر بود، برترین کرسی تدریس و فشرده‌ترین و گرمترین مجمع علمی حوزه در طول سالیان دراز به او تعلق داشت.

در او، خصلتهای برجسته‌ی خداداد، درآمیخته با آنچه او خود از معارف قرآنی آموخته و دل و جانش را به آن زیور داده بود، شخصیت عظیم و جذّاب و تأثیرگذاری پدید آورده بود که هر یک از چهره‌های برجسته‌ی یک قرن اخیر جهان - که قرن رجال بزرگ و مصلحان نام‌آور دینی و سیاسی و اجتماعی است - در برابر آن کم‌جاذبه و یک‌بُعدی و کوچک بنظر می‌آمدند.

کاری که او بدان همت گماشت و با ایمان و توکل و تدبیر و صبر خود بدان دست

یافت، نیز به همان اندازه بزرگ و باورنکردنی و اعجاب‌انگیز بود. شخصیت ممتاز و درخشان او در همه‌ی دوره‌های حیات سیاسی‌اش خیره‌کننده و منحصربه‌فرد بود، هم در آن روزی که از جایگاه مرجعیت دینی در قم، رژیم وابسته و فاسد پهلوی و حامیان مداخله‌گر امریکایی آن را با نهیب پیامبرانه‌ی خود به مبارزه طلبید و ظلم و استبداد و زراندوزی و دین‌ستیزی شاه و دستیارانش را دستخوش توفان خشم ملت ساخت، و هم در آن هنگام که پس از مبارزه‌ی فشرده و پرمحنت پانزده ساله، توانست با جهاد عظیم ملت ایران، نظام اسلامی را بر سر کار آورد و رژیم خائن و فاسد و بی‌کفایت را ریشه‌کن سازد.

در همه حال، او همین قلّه‌ی ایمان و شجاعت و فداکاری را در کنار ژرفای حکمت و تدبیر و خردمندی، در وجود گرانهای خود به نمایش نهاد.

■

شناخت دقیق امام خمینی از ایران و ملت بزرگ آن

او ایران را بدرستی می‌شناخت: از سویی موقعیت حساس و تعیین‌کننده‌ی جغرافیایی و جغرافیای سیاسی آن، استعداد انباشته‌ی طبیعی و انسانی آن، دلبستگی‌ها و هدف‌ها و آرزوهای بزرگ آن، و از سویی تاریخ محنت‌بار صد و پنجاه سال اخیر آن، سلطه‌ی بیگانگان و غارتگران بر آن، خیانت و فساد و خودکامگی خاندان پهلوی و هزار فامیل وابسته به آن، فقر و عقب‌ماندگی علمی و صنعتی و اخلاقی تحمیل شده بر آن... و برتر از همه، ملت بزرگ و ریشه‌دار و رشید و باایمان آن.

با وضع جهان و ملت‌های استعمارشده و دولتهای مستکبر و نسل جوان حیرت‌زده و تشنه‌ی حقیقت، بویژه وضع اسفبار کشورهای مسلمان و امت اسلامی نیز آشنا و بخاطر آن دردمند بود و مسئله‌ی غمبار فلسطین روح باعظمت او را می‌آزرد.

احساس وظیفه‌ی دینی، او را وارد میدان مبارزه‌ای بزرگ و تاریخی کرد که هرگز به جز مردان استثنایی تاریخ در آن قدم نهاده و به جز معدودی از آن پیروز بیرون نیامده‌اند. او به نجات ایران از چنگال رژیم فاسدی که عقب‌ماندگی و انحطاط و فقر اقتصادی و اخلاقی و علمی را بر آن تحمیل کرده بود می‌اندیشید و راه یگانه‌ی آن را بازگشت به اسلام، و ایجاد نظام سیاسی اسلام در کشور، و حکومت ارزشهای الهی تشخیص داد.

با گشودن این راه، الگویی زنده در برابر امت اسلامی نهاد، و جریان تازه‌ای در دنیای اسلام پدید آورد که احیای دوباره‌ی هویت اسلامی در میان مسلمانان، اولین محصول مبارک آن بود.

شروع و پیروزی نهضت امام با قشرهای مردم؛ نه احزاب و گروههای مدعی

مبارزه‌ی خود را از قدم اول به کمک قشرهای وسیع مردم با نام خدا آغاز کرد، با آنان سخن گفت و ایمان و عقل و همت آنان را به یاری طلبید. هرگز به سراغ احزاب و گروههای مدعی نرفت و غالباً به انگیزه‌های آنان با چشم تردید نگریست و از بند و بستها و بده بستانهای سیاسی آنان روی گردانید. با مردم همیشه صادقانه و دلسوزانه سخن گفت و چون معلمی بصیر و راهنمایی بلد، در مسیر طولانی مبارزه، عقل و حکمت و معرفت خود را در اختیار راهروان نهاد.

هنگامی که مبارزه‌ی ملت ایران در میان ناباوری جهانیان به پیروزی رسید و ملت ایران یکپارچه رهبری و زمامداری او را به جان پذیرفت او با رفتار و منش خود، بزرگترین تحول را در تاریخ سیاسی این کشور پدید آورد: یعنی سلطنت را که حکومت مستبدانه‌ی ستمگران و دنیاخواران بود به امامت که نهاد حکومت خدایی و مردمی بندگان خدا است تبدیل کرد. اقتدار و صلابت خود را با عدل و دادگری مزین کرد، و تفوق همه‌کس‌پذیر خود را با عبودیت و خاکساری منور ساخت، و تمکن و برخورداری را با زهد و پارسایی درمان کرد. راه خدا و بندگی خدا را لحظه‌ای رها نکرد و چون بار امانتی سنگین بر دوش داشت مراقبت روح خود را مضاعف ساخت. سخن از دل برخاسته و دل‌ذاکر و خاشع، و رفتار از دین الهام‌گرفته‌ی او، چشمه‌ی جوشانی از معرفت و حکمت و تدبیر الهی را بر فکر و ذهن ملت ایران که عاشق صفا و معنویت او بودند، جاری ساخت و دولتمردان و مسئولان و آحاد مردم را برای مواجهه با انبوه دشمنیها و دسیسه‌ها و حلّ کوه مشکلات تحمیلی آماده و مجهز کرد.

توصیف برکات ذوابعاد دوران حیات مبارک امام پس از پیروزی انقلاب اسلامی

دوران ده ساله‌ی حیات مبارک امام بزرگوار، دوران پیدایش نظام سیاسی اسلام و احیای هویت اسلامی در مسلمانان جهان و افراشته شدن پرچم اسلام در کشور ما است. دوران استقلال و آزادی ایران و عزت و غرور ملی و خیزش بیسابقه‌ی ملت به سوی تعالی و ترقی است. دوران شور انقلابی و شعور سیاسی و حرکت برای حفظ کشور و سازندگی آن است. دوران سربلندی ایران در عرصه‌ی جهان و تأثیرگذاری بر حوادث بین‌المللی است. دوران آغاز راهی نو در تاریخ کشور ما است. با ادامه‌ی آن، ایران اسلامی به تعالی مادی و معنوی دست خواهد یافت.

امام حکیم و خردمند، این راه را با نشانه‌هایی مشخص کرده است و آن را در دهها مناسبت و در ضمن صدها رهنمود راهگشا خطاب به مسئولان کشور و همه‌ی ملت ایران، بروشنی نمایانده است.

این نشانه‌ها و رهنمودها امروز نیز به همان اندازه ارزشمند و متین و راهگشا است و دولت و ملت ایران برای عبور از مسیر پرفراز و نشیب خویش به سوی رستگاری و پیشرفت مادی و معنوی بدان نیازمندند.

اکنون که نام پرافتخار امام خمینی کبیر، زینت‌بخش صدمین سال ولادت آن مرد یگانه‌ی تاریخ گشته است، انتظار و امید می‌رود که همگان بویژه مسئولان کشور، درس فراموش‌نشده‌ی امام خود را در زبان و عمل تکرار کنند و راهی را که او آغازکننده‌ی آن بود، به پایان برند.

پیام به مناسبت بازگشایی دانشگاهها، ۱۳۷۸/۰۷/۰۶

جهاد علمی؛ از معروفترین توصیه‌های امام خمینی(ره)

اسلام عزیز بزرگترین مشوق علم است و چنین بود که در طی قرنهای پی‌درپی، مسلمانان پرچم دانش و معرفت و پیشرفت علمی را در همه‌ی جهان در دست داشتند، و امروز که پس از دوران تلخ تسلط سیاستهای بیگانه بر کشورمان، بار دیگر ملت ایران آزادی از نفوذ استکبار جهانی را می‌آزماید، جهاد علمی یکی از بزرگترین فرایض ما است. این یکی از معروفترین توصیه‌های مرد عظیم‌الشانی است که امسال به نام گرامی او نامگذاری شده است.

تمجید تقارن روز میلاد کوثر فاطمی با کوثر روح‌اللهی

ولادت فاطمه‌ی زهرا و صدیقه‌ی کبری و مجاهده‌ی فی سبیل‌الله و شهیده‌ی مظلومه، با سالگرد میلاد یکی از برجسته‌ترین و درخشانترین چهره‌هایی که از آن نسل مطهر در تاریخ اسلام بروز یافته، مصادف شده است؛ هم روز ولادت کوثر فاطمی است، هم روز ولادت کوثر روح‌اللهی است.

معنای تبدیل امام خمینی(ره) به کوثر روح‌اللهی

وقتی که پسران نبی اکرم در مکه یکی پس از دیگری از دنیا رفتند، دشمنان شماتتگر اسلام و پیامبر که ارزشهایشان منحصر در مال و ثروت و فرزند و جاه و جلال دنیایی بود پیامبر را شماتت کردند و گفتند تو ابتر هستی یعنی بی‌دنباله و با مرگ تو، همه چیز از آثار و نشانه‌های وجود تو تمام خواهد شد! خداوند متعال این سوره را بر پیامبر نازل کرد، تا هم قلب پیامبر را تسلی دهد، هم حقیقتی را برای آن بزرگوار و برای مسلمانان روشن کند؛ لذا فرمود: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ»؛ ما به تو کوثر بخشیدیم؛ آن حقیقت عظیم و کثیر و فزاینده.

مصادق کوثر برای نبی اکرم، چیزهای گوناگون است. یکی از برجسته‌ترین مصادیق کوثر، وجود مقدس فاطمه‌ی زهراست که خداوند متعال در این وجود مبارک، دنباله‌ی معنوی و مادی پیامبر را قرار داد. برخلاف تصور دشمنان ملامتگر، این دختر بابرکت و این وجود ذی‌جود، آنچنان مایه‌ی بقای نام و یاد و مکتب و معارف پیامبر شد که از هیچ فرزند برجسته و باعظمتی، چنین چیزی مشاهده نشده است. اولاً از نسل او یازده امام و یازده خورشید فروزان، معارف اسلامی را بر دلهای آحاد بشر تابانیدند؛ اسلام را زنده کردند، قرآن را تبیین کردند، معارف را گسترانیدند، تحریفها را از دامن اسلام زدودند و راه سوءاستفاده‌ها را بستند. یکی از این یازده امام، حسین بن علی(علیه‌السلام) است که پیامبر طبق روایت فرمود: «أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ»^۲ و «حُسَيْنٌ سَفِينَةُ النَّجَاةِ وَمَصْبَاحُ الْهُدَى»^۳. با آن همه آثار

۱ سوره‌ی کوثر، آیه‌ی ۱.

۲ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۶۱.

۳ مضمون: بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۱۸۴.

ره، رهرو، رهبر / ۶۲۳

و برکاتی که در آن شخصیت، در آن شهادت و بر آن قیام در تاریخ اسلام مترتب شده است، او یکی از ذراره‌های فاطمه‌ی زهراست. یکی از این خورشیدهای فروزان، امام باقر، و یکی دیگر امام صادق (علیه‌السلام) است که معارف اسلامی، مرهون زحمات آنهاست. نه فقط معارف شیعی که ائمه‌ی معروف اهل سنت، یا بی‌واسطه، یا باواسطه، بهره‌مندان از فیض دانش آنها هستند. این کوثر فزاینده‌ی روزبه‌روز درخشنده‌تر، نسل عظیم پیامبر را در تمام اقطار اسلامی پراکند و امروز هزاران، بلکه هزاران هزار خاندانهای مشخص شناخته‌شده در همه‌ی دنیای اسلام، نمودار بقای نسل جسمانی آن بزرگوارند؛ همچنان که هزاران مشعل هدایت در دنیا نمودار بقای معنوی آن مکتب و آن وجود مقدسند. این کوثر، فاطمه‌ی زهراست. سلام خدا بر او، درود همه‌ی انبیاء و اولیاء و فرشتگان و آفریدگان پروردگار بر او تا روز قیامت.

این فرزند گرامی و عالیقدر هم، خود یک کوثر شد؛ کوثر روح‌اللهی. یک نفر یک‌تنه وارد میدان شد؛ با جاذبه‌های عظیمی که خدای متعال به برکت خصوصیات ذاتی و اکتسابی در او قرار داده بود، دلها را مجذوب خود کرد؛ دستها و پاها را به حرکت وادار کرد؛ مغزها را به اندیشیدن انداخت و این حرکت عظیم را در اینجا، و نهضت عظیم جهانی و بیداری اسلامی را در دنیا به وجود آورد: «باش تا صبح دولتش بدمد/ کاین هنوز از نتایج سحر است». بعد از این، راه امام و حکمت امام و مکتب امام و تفکر امام، در دنیا نقشها خواهد آفرید و نسلها آن را آزمایش خواهند کرد.

بررسی شخصیت امام از دیدگاهی متفاوت

من امروز در خطبه‌ی اول مایلم از یک بُرش دیگر، قدری در ابعاد و بواطن این شخصیت عظیم کاوش کنم و بطور خلاصه مطالبی را به شما عرض کنم. در این باره، از زوایای گوناگون، حرفهایی زده شده است؛ بنده هم مطالبی عرض کردم؛ امروز هم میخواهم از یک دیدگاه دیگر، در محور این شخصیت کم‌نظیر دنیای اسلام یعنی امام بزرگوارمان بحث را پیش ببرم.

سه خصوصیت به هم تنیده‌ی مؤثر در ایجاد شخصیت امام

غیر از همه‌ی خصوصیتی که در این بزرگوار بود، سه خصوصیت ممتاز در شخصیت او به شکل بسیار پیچیده و درهم تنیده‌ای، جذّابیت و تأثیر عجیبی در این مرد بزرگ به وجود آورده بود.

خصوصیت اول؛ خردمندی و دانایی

خصوصیت اول، عبارت از خردمندی و دانایی بود. او مردی دانا، خردمند، عاقل و عمیق بود. در او، به معنای حقیقی کلمه، جوهر دانایی وجود داشت؛ که «هر که در او جوهر دانایی است / بر همه کاریش توانایی است». لذا در هر جایی که از وجود او چیزی بروز کرد، نشانه‌ی این دانایی و خردمندی در آن دیده شد. در میدان دانشهای تخصصی خود او یعنی فلسفه، فقه، عرفان، اصول، اخلاق همه جا این دانایی و عمق و این گوهر درخشان خردمندی بروز کرد؛ حرف نو و سخن تازه به میدان آورد و به تکرار سخن گذشتگان اکتفا نکرد.

خصوصیت دوم؛ دین‌داری و ایمان روشن‌بینانه

خصوصیت دوم، دین‌داری و ایمان روشن‌بینانه بود. او متعبد بود؛ اما تعبدی دور از تحجر و توقّف. او روشن‌بین و روشنفکر و نوآور در مباحث دینی بود؛ اما نوآوری دور از لاقیدیهای نوآوران. خیلیها در زمینه‌ی مسائل دینی، سخن نویی را به میدان می‌آوردند؛ اما این سخن نو، نشانه‌ی لاقیدی و لاابالیگری آنها در وفاداری به متون اسلامی است؛ سخن آنهاست، نه سخن دین! روشن‌بینی و نوآوری امام، متکی به دین و مبانی دینی بود؛ لذا آنچه را که در زمینه‌ی مسائل اعتقادی و اخلاقی و فقهی اسلام عرضه کرد و نو بود، آنچنان بود که متبحرترین و واردترین کسانی که در این علوم و دانشها ورود داشتند، در مقابل آن اظهار تسلیم کردند و آن را بعنوان یک سخن بانیاد پذیرفتند؛ نه بعنوان سخنی که متکی به مبانی و اصول نیست. بنابراین، او متدین و متعبد، اما درعین حال روشن‌بین و آگاه و به‌کارگیرنده‌ی خرد، با آفاق عظیم در مسائل اعتقادی و عملی بود؛ دین‌داری‌ای که به یادآورنده‌ی دین‌داریهای عصر نبوت یا جلوه‌هایی از عصر معصومین (علیهم‌السلام) بود.

خصوصیت سوم؛ شجاعت و دلیری و جان‌نثاری

خصوصیت سوم، شجاعت و دلیری و جان‌نثاری او بود؛ آماده بود که در آنجایی که او حق میگوید و دنیا باطل میگوید، با آن دنیا مواجه شود. اینکه در یکی از بیانیه‌های خود فرمود «اگر استکبار جهانی دین ما را تهدید کند، ما هم همه‌ی دنیای او را تهدید خواهیم کرد» راست میگفت. میتوانست در مقابل دنیایی بایستد؛ همچنان که آن روزی که این فریاد را در سال ۱۳۴۱ در قم بلند کرد، اول کار کسی با او نبود. البته فوراً بی‌فاصله، گروه‌گروه مردم مؤمن و دل‌های پاک در همه جا به او گرویدند؛ اما اولی که وارد میدان شد، تنها وارد شد، تنها بود، احساس تنهایی هم میکرد؛ ولی این دلیری را داشت که وارد شود. انسان وارد میدانی شود که آن طرف قضیه، قدرتها و نیروهای نظامی و نیروهای امنیتی و داغ و درفش باشد، وجدان و دین و ملاحظه نباشد، پشتشان هم به سیاستهای جهانی و استکباری گرم باشد؛ وارد شدن در چنین میدانی، اولین شرطش این است که انسان از جان خود بگذرد و او از جان خود گذشته بود و برای پذیرفتن همه‌ی خطرهای حاضر بود؛ یعنی برای او، جان و دیگر خصوصیاتش اهمیت نداشت. بعضی کسان میگویند ما از جانمان گذشتیم؛ اما در مقام عمل که نگاه میکنید، از یک احترام خشک و خالی نمیگذرند؛ چطور از جان گذشتند؟! از یک پول و از یک لذت و شهوت نمیگذرند؛ چطور از جان گذشتند؟! اما او راست میگفت؛ او حقیقتاً جان را کف دست داشت و آماده بود و به میدان آمد:

بسا باشد که مردی آسمانی به جانی بفرزاد لشکری را
نهد جان در یکی تیر و رهاند ز ننگ تیره‌روزی کشوری را

با این سه خصوصیتی که اینگونه در وجود او درهم تنیده بود، وارد میدان شد. البته نقاط مثبت امام یک فهرست طولانی دارد؛ اما چون این سه خصوصیت به هم مرتبطند و تأثیر بارز و هماهنگ با یکدیگر دارند، لذا من این سه خصوصیت را انتخاب کردم.

نگاهی مختصر به تاریخ دویست سال اخیر ایران؛ برای درک بهتر عظمت کار امام

او این میدان را طی کرد تا به نقطه‌ی نزدیک پیروزی یعنی سال ۱۳۵۷ رسید. امام حالا در مقابل حادثه‌ی عجیبی قرار گرفته است و آن، پیروزی نهضت اسلامی به پشتیبانی

یک ملت با همه‌ی وجودش است. آن پیروزی، نه فقط پیروزی بر یک رژیم فاسد و ارتجاعی بود، بلکه آن رژیم فاسد چون از پشتیبانی تقریباً همه‌ی قدرتهای استکباری آن روز برخوردار بود، این پیروزی، پیروزی بر همه‌ی آن قدرتهای استکباری به حساب می‌آمد. او می‌خواهد این مملکت را با سلیقه و نظر و نسخه‌ی اسلام اداره کند. در مقابل او چیست؟ کشوری که نزدیک دویست سال از جوانب گوناگون بر آن فشار آوردند تا همه‌ی خصوصیات ممتاز یک ملت بزرگ را در آن بکوبند و ضعیف و سرکوبش کنند.

■
اگر به تاریخ این دویست سال اخیر مراجعه کنید، عظمت کار امام را بهتر درمی‌یابید. من تأکید میکنم که جوانان، این مقطع تاریخی را بخوانند. دستگاههای تبلیغی هم حقایقی را که در این مدت بر سر این کشور آمده، برای مردم تبیین کنند. بنظر من در این خصوص کار کمی شده است.

ایجاد نوعی از استعمار انگلیسی در ایران

از اوایل قرن نوزدهم میلادی که مأمور انگلیسی «سرجان ملکم» از مرز هندوستان وارد ایران شد؛ یعنی از زمان حکومت فتحعلی شاه قاجار که با هدایای اغواکننده و گرانقیمت برای رجال درباری و سیاستمداران فاسد وارد ایران شدند و استعمار انگلیسی، یا به تعبیر دیگر، نفوذ ویرانگر انگلیسی چون استعمار به معنای متداولش در ایران پیش نیامد؛ اما بدتر از استعمار پیش آمد حکومتهای ایرانی را بشدت در مشغولیت گرفت و هر کار خواست به وسیله‌ی آنها انجام داد؛ از آن روز تا روزی که انقلاب پیروز شد، در حدود صد و هفتاد، هشتاد سال طول کشیده است. در تمام این مدت، همه‌ی عوامل قدرت قدرتهای بزرگ جهانی، عوامل قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی کار کرده بودند برای اینکه این ملت ریشه‌دار تاریخی با فرهنگ شجاع بزرگ را آنچنان ضعیف و خرد و ناامید و مأیوس کنند که هیچ خطری از ناحیه‌ی آن، قدرتهای بزرگ را تهدید نکند. امام در مقابل چنین واقعیتی قرار گرفت. البته از این صد و هفتاد، هشتاد سال، عمده‌ی مدتش دولت انگلیس، از سال سی و دو به بعد دولت امریکا و در اواسط هم نفوذ دولت روسیه و رقابتهای روس و انگلیس در ایران بود؛ در دوران قاجاریه یک طور، در دوران رژیم پهلوی به مراتب خطرناکتر و سخت‌تر.

کشورِ مدُنظرِ امام؛ وابسته‌ی کامل، در تمام عرصه‌ها

آنها هر کاری توانسته بودند، با این ملت کردند. نتیجه این شد که در مقابل امام، کشوری وجود داشت که از لحاظ سیاسی وابسته و تابع بود. هر کاری که دولت امریکا در آن برهه اراده میکرد، در ایران انجام میگرفت. هر کاری میخواستند، میتوانستند بکنند؛ در زمینه‌ی اقتصادی، در زمینه‌ی نفت، در زمینه‌ی انتصابات، در زمینه‌ی دولتها فلان دولت برود، فلان دولت بیاید در زمینه‌ی ارتباطات بین‌المللی، در زمینه‌ی عادات و رفتاری که بر مردم تحمیل میشد، در زمینه‌ی دانشگاهها. بنابراین، هر کار میخواستند در ایران بکنند، میتوانستند. ما کاملاً تابع و وابسته شده بودیم. از لحاظ اقتصادی، کاملاً مصرف‌کننده و فقیر بودیم؛ همه چیز را باید وارد میکردیم. من یک‌وقت گفتم، اما بعضیها باور نمیکردند؛ اما باور کنید که در کشور ما «دسته‌ی بیل» وارد میکردند؛ سوزن خیاطی وارد میکردند؛ انواع و اقسام خوراکیها وارد میکردند؛ انواع و اقسام محصولات صنعتی وارد میکردند! همه چیز مصرفی بود؛ یعنی این ملت، این استعدادها، این مغزها و این جوانان، قدرت یا فرصت این را نداشتند که بخشی از نیازهای خودشان را خودشان تولید کنند، که بتوانند بگویند ما به خارج احتیاجی نداریم.

کشورِ مدُنظرِ امام؛ دارای وضعیت بد اقتصادی

اگر صنعتی را هم در داخل کشور می‌آوردند مثل صنعت اتومبیل‌سازی، یا ذوب آهن و امثال اینها، که به شکل بسیار ناقصی وارد کشور شده بود سرتاپای آن صنعت، وابستگی بود. وسایل پیشرفته و مدرنی هم که میفروختند مثل هواپیماهای جنگی اجازه‌ی تعمیرش را حتی به داخل نمیدادند؛ تعمیرش هم باید در خارج انجام میگرفت! از لحاظ اقتصادی، صددرصد وابسته و مصرف‌کننده؛ از لحاظ علمی، تقریباً صفر؛ این ملت هیچ حرف تازه‌ای در بازار علم و دانش نوری جهانی نداشت. در دانشگاهها که البته از لحاظ کمیت هم بسیار کم بودند؛ که در آخرین سالهای رژیم پهلوی، در حدود یک‌دهم وضع فعلی، دانشجو در کشور بود اگر درسی در کلاسی گفته میشد در هر زمینه‌ای؛ چه علوم انسانی، چه علوم فنی و صنعتی، چه علوم طبیعی همان حرفهای دیگران بود؛ چیز نویی از لحاظ علمی وجود نداشت!

کشور مدّنظر امام؛ کشوری با ثروت ملی غارتزده

از لحاظ ثروت ملی، غارتزده بودیم: نفت را میبردند، معادن را میبردند، همه چیز را میبردند؛ با هر قیمتی که خودشان میخواستند! از لحاظ اجتماعی و وضعیت فقیر و غنی، کشور بشدت مفلوک بود. هزاران، بلکه دهها هزار روستا در این کشور بود که برق و آب تصفیه شده و امثال اینها را نه دیده بودند، نه امیدش را داشتند! فقط به تهران و چند شهر بزرگ میرسیدند؛ آن هم به آن شکلی که همان روز تهران یکی از کثیفترین و زشتترین پایتختهای دنیا محسوب میشد! فقط به خودشان میرسیدند؛ هر جا خودشان جا پای داشتند، آنجا فرودگاه هم بود، وسایل راحتی هم بود؛ اما آنجایی که مربوط به خودشان نبود، بکلی رها شده بود! شکاف طبقاتی در اعلی درجهی خود بود.

کشور مدّنظر امام؛ دارای فساد و بی بند و باری

از لحاظ اخلاقی، ترویج فساد بود. در دورهی پیش از انقلاب همان سالهای اواخر دههی چهل و اوایل دههی پنجاه بارها در سخنرانیهایی که برای جوانان تشکیل میشد، از روی شواهد و قرائن میگفتم این وضعیتی که ما از لحاظ بی بندوباری و بی حجابی و فحشا در کشورمان داریم، در کشورهای اروپایی نیست! واقعاً هم نبود؛ من اطلاع داشتم. البته در کشورهای اروپایی ممکن بود فلان مرکز فساد وجود داشته باشد؛ اما عرف زندگی مردم در آنجا مثلاً وضع و پوشش و رفتار زنان بهتر از آن چیزی بود که انسان بخصوص در بعضی از شهرهای ما ملاحظه میکرد و میدید! از لحاظ اخلاقی، مردم دچار انواع و اقسام آسیبهای اخلاقی بودند؛ نه فقط اخلاق شهوانی. توسط آنها، ارتباطات مردم، مراودات مردم، تکیه و اعتماد مردم، همه اش آفتزده شده بود. اینطوری پیش برده بودند و اداره کرده بودند؛ بحث تعمّد بود.

کشور مدّنظر امام؛ دارای مردمی بی حال و بی حوصله

مردم را بی حال و بی حوصله و ناامید میخواستند. اخلاقهای پیش برندهی یک ملت، امید و تحرک و جدّیت است. ملتی که ناامید باشد، ملتی که از آیندهی خود مأیوس باشد، ملتی که خود را تحقیر کند، پیشرفت نخواهد کرد. هر جنسی که گفته میشد در داخل تولید شده است، خود این داخلی بودن، معنایش این بود که ارزشی ندارد! خود

افراد، تحصیلکرده‌ها، دیگران، به هم میگفتند که ایرانی یک لوله‌نگ آن آفتابه‌های گلی قدیمی هم نمیتواند بسازد! یعنی نسل پیشرفته‌ی علمی هم نسبت به آینده‌ی علمی این کشور ناامید بود. این، آن مشکل اخلاقی است.

کشور مدنظر امام؛ عقب‌مانده در علم و تمدن

ما از قافله‌ی علم و تمدن دنیا عقب بودیم. از لحاظ نظام حکومتی و حکامی که بر این کشور حکومت میکردند، یکی از مرتجعترین حکومتها را داشتیم. سلطنت موروثی بود؛ یک نفر بمیرد، مردم مجبور باشند فرزند او را در هر سنی، با هر شرایطی و با هر خصوصیتی، به حاکمیت مطلق خودشان قبول کنند؛ نه معیاری، نه علمی، نه تقوایی، نه عقلی، هیچ چیز ملاک نباشد! چنین رژیم‌ی را در ایران در قانون اساسی هم برده بودند؛ قانون اساسی‌ای که زیر چکمه‌های رضاخان و زیر برق نگاههای مأموران رضاخانی در همین تهران تصویب شده بود. ایران در دنیا ذلیل شده بود. در مجامع جهانی، نامی از ایران بعنوان صاحب یک نظر، صاحب یک رأی و صاحب یک شخصیت، وجود نداشت؛ صدقه‌بگیر و محل آزمایش دیگران شده بود! بعضی از نظرات اقتصادی و غیره را برای اینکه آزمایش کنند، اینجا عمل میکردند، تا ببینند چگونه جواب میدهد! از لحاظ معنوی، فقیر؛ از لحاظ مادی، فقیر؛ از لحاظ سیاسی، فقیر؛ از لحاظ شخصیتی، فقیر! امام در مقابل چنین جامعه و چنین کشوری قرار گرفته بود.

نقطه‌ی قوت کشور مدنظر امام

البته نکته‌ی بسیار مهمی در اینجا وجود داشت و آن این بود که ملت ایران، ملت بزرگ و بااستعدادی است. آن حالتی که به وجود آورده بودند، یک حالت عارضی بود. وقتی فریاد امام بلند شد، ملت خود را تکان داد. البته از روزی که امام شروع کرد، تا روزی که این اقیانوس عظیم تموج یافت و به خروش افتاد، پانزده سال طول کشید پانزده سال پُرنج اما ملت، ملتی اصیل، ریشه‌دار، بااستعداد، بافرهنگ، باغیرت و بادین بود و توانست خود را از آن حالت تخطیری و خواب‌آلودگی نجات دهد و بلند شود؛ توانست شخصیت خود را در دوران مبارزه بخصوص در یکی، دو سال اخیر نشان دهد. این، آن نقطه‌ی قوت بود؛ اما آن واقعیتها که در طول سالهای متمادی بر این کشور تحمیل شده

بود و آثارش را در زندگی گذاشته بود، در مقابل امام بود؛ حالا امام میخواهد این جامعه را به شکل مطلوب و آرمانی بسازد؛ چکار باید بکند؟ ببینید چقدر این مهم است؛ شوخی نیست. شما مثلاً به نقطه‌ای رفته‌اید که مصالح هست، امکانات هست، فضا هست، اما ساختمان ویرانه و درهم ریخته است؛ میخواهید از این مصالح و از این فضا، یک بنای شامخ و با عظمت و ماندگار درست کنید؛ هر مهندسی نمیتواند این کار را بکند.

آشکار شدن هویت و شخصیت عظیم امام با توجه به وضعیت مذکور

اینجاست که آن هویت و شخصیت عظیم، خودش را نشان میدهد. امام به این ملت و به این کشور و به این صحنه و به این مصالح نگاه کرد. او اسلام را میشناخت، آرمانهای اسلامی و احکام اسلامی را هم میدانست و میخواست با مصالح اسلامی و بدست این مردم، بنای شامخ یک حکومت عظیم، مستقل، سربلند، خوشبخت، خوشبخت‌کننده، پیشرونده و جبران‌کننده‌ی ضعفهای گذشته را به وجود آورد. در این مردم، چه چیزی را باید بیش از همه چیز دنبال کند؟ اولویت چیست؟

اهتمام امام بر دو اولویت برای ساختن حکومتی آرمانی

امام، اولویتهای را تشخیص داد و انتخاب و دنبال کرد. به نظر من، این اولویتهای درجه‌ی اول دو چیز بود. ما که از روز اول خیلی از فرمایشها و افکار و قضاوتها و نحوه‌ی برخورد امام را با قضایا از نزدیک شاهد بودیم، میتوانیم درست بفهمیم. امروز شما هم اگر به بیانات امام نگاه کنید، رفتار امام را ببینید و آنچه را که از امام میدانید، جלותان بگذارید، همین دو چیز را بطور برجسته مشاهده میکنید:

احیای روحیه‌ی خودباوری در مردم؛ اولویت اول امام برای ایجاد حکومت اسلامی

اول، احیای روح خودباوری و استقلال در مردم. در طول سالیان دراز به مردم تفهیم شده بود که شما نمیتوانید. هرچه افراد از همه‌ی طبقات روحانی، غیرروحانی، دانشگاهی، عالم، جاهل میگفتند، پاسخ میدادند که نمیشود و فایده‌ای ندارد. این روحیه

باید عوض میشد. اینگونه خُلَقِیَات اجتماعی، مثل خُلَقِیَات فردی نیست. خُلَقِیَات فردی هم به آسانی عوض نمیشود؛ اما خُلَقِیَات اجتماعی خیلی دشوارتر است. امام باید این را به روح خودباوری و اتکای به نفس و مشی مستقل تبدیل میکرد. برای خاطر این خصوصیت، امام باید هیچگونه دخالت و نفوذی را از غیر این ملت بر این ملت تحمّل نکند و نکند. اینکه میبینید امام اینگونه در مقابل امریکا و در مقابل شوروی آن روز می‌ایستاد، بخاطر این بود. امریکاییها بیست و پنج سال تمام، سرشان را پایین انداخته بودند و به اینجا آمده بودند. سفره‌ی گسترده‌ای بود که اینها و یک مشت مزدور، هر کار خواسته بودند، کرده بودند؛ تا ماههای اول انقلاب هم هنوز قطع امید نکرده بودند! من قضایایی را در ذهن دارم که حالا وقت نیست آنها را بگویم. امام، بکل نوک همه‌ی این پُرمدّعاها را چید! اگر اندک غفلتی از امام سر میزد، از طرق مختلف و از پنجره‌های متعدّد، همان کسانی که از در بیرون شده بودند، دوباره وارد میشدند. امام قرص و محکم جلو نفوذ و تسلّط بیگانه را به هر کیفیتی بست و ایستاد. این اولین نقطه بود.

احیای روحیه‌ی دینی؛ اولویت دوم امام برای حکومت اسلامی

دومین چیزی که امام بر روی آن نهایت اهتمام را داشت، احیای روح دینی و تقویت ایمان در مردم بود؛ همان ایمانی که در خودش وجود داشت؛ لذا روی مسائل دین تعبّد و هر آنچه که به دین مربوط میشد نهایت کوشش و دقّت را داشت و هیچ حاضر نبود در این زمینه کوتاه بیاید؛ چون دین علاج‌کننده است. وقتی روح دینی در ملتی بود، اثر آن فقط این نیست که از لحاظ شخصی، مردم خوب و پاکیزه و پارسایی خواهند شد؛ اثر روح دینی، در زندگی اجتماعی منعکس میشود؛ اگر دین درست باشد. برای همین هم بود که با دینی که امام ترویج میکرد، اسلامی که امام آن را اسلام ناب مینامید، همه‌ی دشمنان بزرگ دنیا و دنباله‌هایشان در داخل کشور، شروع به مخالفت کردند؛ بعنوان اینکه این دین، سیاسی و حکومتی است. گاهی هم دایه‌ی دلسوزتر از مادر میشدند حالا هم گاهی میشوند که آقا شما دین سیاسی و دین حکومتی را که مطرح میکنید، دین از نظر مردم ضعیف میشود؛ ایمان دینی مردم سست میشود! این، درست عکس واقعیت است. وقتی دین در یک جامعه بود، روح فداکاری در آن جامعه هست. وقتی دین در یک

جامعه بود، آگاهی و هوشیاری و احساس مسئولیت در یک جامعه هست. اینکه شما میبینید امروز در جامعه و کشور ما نسبت به مسائل دینی تا آنجایی که به اطلاع مردم میرسد در مردم احساس مسئولیت و احساس غیرت هست، این بخاطر روح دینی است. دشمن میخواهد این روح را تضعیف کند. امام این روح را در همه ی ارکان جامعه چه ارکان حکومتی، چه آحاد مردم بشدت تقویت میکرد؛ یعنی در دولت، در مجلس، در قوه ی قضائیه، در قوانین، در شورای نگهبان، در انتخابات و در همه چیز، امام بر روی ایمان دینی و تعبد دینی و تقید دینی تکیه میکرد. امام این دو خصوصیت را در اولویت اول قرار داد. غالب آنچه را که امام بعنوان دستورالعمل در مقابل پای این ملت گذاشته است، مربوط به این دو چیز است.

طرح جمهوری اسلامی امام؛ جامع تمام خصوصیت‌های مثبت

امام جمهوری اسلامی را مطرح کرد. جمهوری اسلامی، یعنی یک نظام حکومتی نویناد و نوآورده شده که با هیچ‌یک از نظام‌های متعارف دنیایی شباهت نداشت؛ اما همه ی خصوصیات مثبتی را که میشود در یک نظام پیش‌بینی کرد، در جمهوری اسلامی هست: اسلام هست، آرای مردم هست، ایمان مردم هست، احساس عزت هست، تعبد هست، احکام و مقررات اسلامی که احیاکننده ی زندگی انسان است هست. بله؛ اگر ما اسلام را به معنای شناخته‌شده ی به وسیله ی امام یعنی به همان معنای صحیح و ناب و متکی به مبانی و اصول به مرحله ی عمل بیاوریم، همه جا جواب خواهد داد؛ همچنان که هر جا به میدان آمدیم و دفاع کردیم و اصرار ورزیدیم، جواب داد. این اسلام، در نظام حکومتی جواب داد؛ که حالا مجال نیست من بگویم این قواره ی حکومتی که امروز در ایران وجود دارد، از همه ی قواره‌هایی که امروز در بخش‌های مختلف جهان هست، برای آزادی و پیشرفت یک ملت متناسبتر است؛ هم از دمکراسیهای غربی، هم از انواع و اقسام نظام‌های حکومتی دیگر؛ چه برسد به آن نظام‌های بسته ی استبدادی که راجع به آنها اصلاً بحثی نداریم.

تأثیر حرکت امام در تبدیل فضای فرهنگی کشور به جریانی دوسویه

آنجایی که پیشنهاد نظام اسلامی، هرچه بود، عمل شد، جواب داد؛ در زمینه‌ی پایبندی به مسائل فرهنگی و مقابله‌ی با دشمن، جواب داد. تا آن روز، همیشه کشور و ملت ما گیرنده‌ی فرهنگ غرب بود؛ اما به برکت اقدام امام، جریان فرهنگی دوسویه شد؛ یک جریان فرهنگی هم از سوی مرکز ما یعنی از سوی جامعه‌ی اسلامی به سمت بیرون این جامعه به حرکت درآمد؛ آنچنان شد که سران استکبار را بارها و بارها به وحشت انداخت و تا امروز هم آن را تکرار میکنند؛ البته این روزها کمتر. فریاد میکردند که شما میخواهید انقلابتان را صادر کنید؛ در حالی که ما انقلابمان را بسته‌بندی نکرده بودیم تا به جایی صادر کنیم! معنایش همین جریان این‌سویه‌ی فرهنگی بود که به کشورهای اسلامی و حتی به غیر کشورهای اسلامی میرفت و انسانها را بیدار و متوجه میکرد.

ضرورت قرار گرفتن در خط امام و نتایج آن

اینکه ما امروز میگوییم خط امام، وصیت امام و توصیه‌ی امام، بر مبنای این چیزی است که عرض کردم^۱. مسئله این نیست که ما بصورت متحجر به چیزی چسبیده باشیم، بدون اینکه تعقلی در آنجا باشد؛ نه. آن مرد دانا، آن مرد حکیم، آن مرد خبیر به اسلام، آن مرد دنیاشناس، با توجه به نیاز این ملت، راهی را انتخاب کرد، نشانه‌هایی را گذاشت و توصیه‌هایی را کرد؛ هر جا هم به آن توصیه‌ها عمل شد، جواب داد. امروز هم ما به همان توصیه‌ها نیاز داریم. امروز هم کشور ما به همان راه، به همان نشانه‌ها و به همان خطوط احتیاج دارد.

عزم راسخ همگانی در ادامه‌ی خط امام

بحمدالله عزم راسخ ملت و مسئولان بر همین است که این راه دنبال شود. به فضل پروردگار، این راه را که راه خدا، راه پیامبر، راه تحقق کوشش، راه نجات و سربلندی و

۱ بر مبنای اولویتهای امام در ساخت حکومت اسلامی و ابعاد مختلف آن ... که در همین سخنرانی به آن اشاره شده است.

عزت و برداشته شدن مشکلات کشور است علی‌رغم خواست و دشمنی دشمنان و حرفهای کوتاه‌بینان، با کمال قدرت ادامه خواهیم داد.

امام و وصیت ایشان؛ مبنای وظیفه‌ی گروههای خودی

من الآن هم عرض میکنم که گروههای خودی، فاصله‌ی بین خودشان را کم کنند. گروههای خودی، به همان معنایی که در نماز جمعه‌ی قبل معنا کردم؛ یعنی کسانی که اسلام را قبول دارند؛ حکومت اسلامی را قبول دارند؛ این مرد بزرگ^۱ را که نشانه‌های او بحمدالله در میان ما به وفور مشاهده میشود قبول دارند؛ راه و خط او را قبول دارند. با این معنا، این گروهها اگر نماینده‌ی مردم باشند، نماینده‌ی اکثریت قاطع مردمند؛ اگر نماینده‌ی مردم هم نباشند، باید بدانند که اکثریت قاطع مردم در این راه حرکت میکنند. ممکن است در گوشه و کنار، یک گروه از زخم‌خورده‌های انقلاب، وابسته‌های به دشمن و ضعیف‌النفسهای استحاله شده باشند که اینها را قبول نداشته باشند. این گروههای خودی، خطوط و فاصله‌های بین خودشان را کم و ضعیف کنند؛ فاصله‌ها بین خودشان که کم شد، فاصله‌ی با غریبه‌ها آشکار میشود؛ همانی که امام در وصیتنامه و در بیانیه‌ی خود فرمود که نگذارید غریبه‌ها بر سرنوشت این کشور تأثیر بگذارند. تأثیرگذاری غریبه فقط این نیست که بیاید مقامی را متصلی شود و به عهده گیرد؛ گاهی غریبه از راههای دیگری اعمال نفوذ میکند. خودیها نباید اجازه دهند. باید به هم نزدیک شوند تا غریبه‌ها فاصله‌شان با آنها آشکار شود.

تعریف غریبه با مبنای خط امام

آن کسانی که اصل اسلام و حکومت اسلامی را قبول ندارند البته اینکه میگوییم اصل اسلام را قبول ندارند، بعنوان یک مذهب نمیگوییم؛ خیلی از اقلیتهای دینی در کشور ما هستند که اسلام را قبول ندارند؛ اما راه ملت ایران را قبول دارند و با ملت همراهند شاخصهای انقلاب و شاخصهای خط امام را قبول ندارند، اصلاً منکرند و منتظرند از بیرون این مرزها کسی بیاید و زمام امور کشور را در دست گیرد، منتظرند بیگانه بیاید،

ره، رهرو، رهبر / ۶۳۵

منتظرند اوضاع قبل از انقلاب تکرار شود، اینها غریبه‌اند. هرچه شما خودیها با هم نزدیکتر و مهربانتر باشید، غریبه‌ها از شما فاصله‌ی بیشتری خواهند گرفت.

در دیدار فرماندهان و گروهی از پرسنل نیروی انتظامی، ۱۳۷۸ / ۰۷ / ۱۷

امام خمینی(ره)؛ مظهر خط ظریف میان چند خصوصیت خوب

مراقب باشید خطّ مستقیم و راه شناخته‌شده و درست را که راه وظیفه و راه قانون است از دست ندهید و رها نکنید. انسان وقتی با مردم مواجه است، کار ظرافت پیدا میکند. هم انجام وظیفه، هم نشان دادن اقتدار قانون، هم جلوگیری از هرگونه تخطّی و تجاوز از قانون، هم نشان دادن صلابت انجام وظیفه، هم نشان دادن رحمت؛ ببینید مرز اینها چقدر به هم نزدیک است و چقدر این خطّی که از میانه‌ی این همه نشانه و علائم میگذرد، خطّ ظریفی است. هرچه موفقیت در این نظام و برای این مردم به وجود آمده است، برای رعایت همین خصوصیات است. از طرفی رعایت وظیفه و رعایت قانون؛ از طرفی محبت به مردم، به کسانی که انسان با آنها مواجه میشود؛ سختگیری در موارد تخلف؛ درعین حال محبت و گذشت در موارد قابل گذشت؛ خود را، احساسات خود را، شأن خود را در مقابل وظیفه نادیده گرفتن؛ ابزار قانونی را، امکان شخصی را بعنوان وسیله‌ای برای تقرّب الی الله به کار بردن. ببینید؛ وقتی همه‌ی این چیزها با هم شود، آن وقت فضل و کمک و تأیید الهی حتمی است. خدای متعال در این مدت، این ملت و امام بزرگوار ما را که انصافاً مظهر همه‌ی این خصوصیات بود به کمک همین خصوصیات تأیید و کمک کرد و پیش برد.

در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت سالروز تسخیر لانه‌ی جاسوسی امریکا
(روز ملی مبارزه با استکبار جهانی)، ۷۸/۸/۱۲

دستگیری و تبعید امام؛ قسمتی از آثار دوستی با امریکا

حادثه‌ی اول^۱، حادثه‌ی تبعید امام در سال ۱۳۴۳ است. قضیه اینگونه بود که امریکاییها قانون کاپیتولاسیون را در ایران به کرسی نشاندند. معنای کاپیتولاسیون این است که امریکاییها یا افراد وابسته به هر قدرت بیگانه‌ی مسلّطی در هر کشور دیگر، اگر جنایتی

۱ حادثه‌ی اول از حوادث مربوط به ۱۳ آبان.

کردند، دستگاه قضایی آن کشور حق ندارد جنایت آنها را رسیدگی کند، به محاکمه‌ی آنها پردازد و حکم صادر کند! آن روز بیش از دویست هزار نفر امریکایی در مشاغل مختلف در ایران حضور داشتند. معنای این قانون- که در مجلس وابسته‌ی فاسد آن روز به دستور دربار وابسته‌ی فاسد تصویب شد- این بود که اگر از این دویست، یا سیصد هزار نفر امریکایی ساکن ایران که حقوقهای کلانی می‌گرفتند و در همه‌ی امور کشور دخالت میکردند، یک نفر جنایتی مرتکب شد- قتلی کرد، دزدی‌ای کرد، هر کاری کرد- دادگستری و دستگاه قضایی ایران حق ندارد به او بگوید بالای چشمت ابروست و بایستی قضاوت درباره‌ی او زیر نظر امریکاییها انجام شود! این، یکی از قوانین ذلت‌بار برای همه‌ی ملت‌هایی بود که به آن تن دادند. اما امام تسلیم نشدند و مقاومت کردند. فریاد امام در قم، در میان طلب علم دینی بلند شد و این قانون را تقبیح کردند. رژیم وابسته هم عکس‌العمل نشان داد؛ امام را گرفت و به ترکیه تبعید کرد. این مربوط به چه شرایطی است؟ این مربوط به آن شرایطی است که دولت امریکا با دولت ایران کمال دوستی و همبستگی را دارد با هم منافع مشترک دارند و امریکا در ایران حضور دارد. یکی از نشانه‌ها و ثمرات حضور قدرت امریکا در کشور ما، همین قضیه است.

دو موضع متضاد در کشور نسبت به تخطئه کاپیتولاسیون توسط امام

البته کسانی هم در همان اول انقلاب و پیش از انقلاب بودند که اصلاً دل در گرو بیگانه داشتند. همان روزی که امام کاپیتولاسیون را در منبر عمومی و در ملاء عام تخطئه و رد کردند، کسانی بودند که میگفتند نه، چه اشکالی دارد؟! اینها نه هویت ملی سرشان میشود، نه غیرت ملی سرشان میشود، نه عزت ملی میفهمند یعنی چه، نه میدانند که استقلال یک ملت برای پیشرفت او چقدر اثر دارد؛ اصلاً حاضر نیستند فکر کنند! مردمان حقیر و پست و زبونی بودند؛ آن روز هم بودند؛ تو همه‌ی قشرها هم بودند. البته افراد کمی بودند. زیاد نبودند؛ اما بودند. در میان روشنفکران بودند، در میان قلم‌زنها بودند، در میان ملبسین به این لباس- روحانی‌نماها- بودند؛ در میان قشرهای مختلف بودند. توده‌ی ملت، آگاهان ملت، افراد باایمان، بخصوص دل‌های روشن و مغزهای دارای تحلیل، همه موضع امام را تقویت میکردند. آن روز هنوز کشتار دانش‌آموزان در میان نبود؛ میفهمیدند که این موضع درست است؛ بسیاری هم وارد میدان میشدند.

تکلیف محوری و گذشتن از خود؛ مهمترین نکته در موفقیت‌های امام

آن عنصری که توانست این بار عظیم «توجه و ایمان و باور و محبت و حرکت مردم» را بر دوش خودش تحمل کند و کار را به اینجا برساند یعنی امام بزرگوار ما مهمترین نکته در وجودش این بود که خود را حذف کرد و ندیده گرفت؛ تکلیف را محور کار و حرکت قرار داد؛ لذا موفق شد. البته به اضافه امتیازات فراوان دیگری که در آن بزرگوار بود. اساس کار این است. ما در جمهوری اسلامی در این بیست سال، هر جا که توانسته‌ایم تکلیف و اهداف را مقدم بدانیم و خودمان را، اشخاص را، خودها و هواها را تضعیف کنیم، پیش رفته‌ایم؛ اما هر وقت عکس این شده است، ضربه خورده‌ایم. ■

خدای متعال تفضل کرد؛ امام بزرگوار ما با این خصوصیات و ویژگی‌های حقیقتاً منحصر به فرد ظهور کرد؛ این ملت در شرایط ویژه‌ای قرار گرفت و حقیقتاً مجاهدت کرد؛ دنیای استکبار غافلگیر شد و این حرکت پیروز شد و این نظام سرپا گردید.

تبعیت از خط اسلام و امام؛ معیار حمایت از مسئولین

به نظر من، وظیفه‌ی همه است که به مسئولان کشور کمک کنند و آنها را یاری نمایند؛ البته تا وقتی که در خط مستقیم اسلام و امام حرکت میکنند. اگر کسی از خط مستقیم اسلام و امام منحرف شود- هر کسی باشد- او درخور حمایت نیست. این فرق هم نمیکند؛ از بالا تا پایین همه یکسان هستند؛ خود من هم همینطور هستم. اگر خدای نکرده من هم از آن خط صحیح اسلام تخطی کنم، بر مردم واجب نیست که از من حمایت یا تبعیت کنند. البته احیاناً یک وقت اشتباه و اختلاف سلیقه‌ای وجود دارد. این اختلاف سلیقه نباید موجب شود که ما مسئولان کشور و مسئولان بخش‌های گوناگون را از حمایت خودمان محروم کنیم؛ نه، باید آنها را حمایت کنیم.

در جشن بزرگ منتظران ظهور همزمان با هفته‌ی بسیج
و روز ولادت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه)، ۱۳۷۸ / ۰۹ / ۰۳

انقلاب عظیم امام؛ افتخار مسلمین جهان

آن وقتی که انقلاب اسلامی پیروز شد و وقتی امام بزرگ ما آن شخصیت عظیم، آن شخصیت بی نظیر در زمان ما توانست از زبان این ملت، سخن بگوید، همه‌ی مسلمانان عالم احساس افتخار و حیات کردند؛ احساس کردند که زنده شده‌اند.

علت مخالفت دشمن با اسلام امام خمینی (ره)

این خون تازه‌ای که در رگهای امت اسلامی دوید، دشمنان را بسیار دستپاچه و سراسیمه کرد. آنها نیروهایشان را روی هم گذاشتند تا با این پدیده‌ی عظیم یعنی اسلام انقلابی که امروز آن را یک ملت فریاد میکند مبارزه کنند. از روز اول تا امروز در طول این بیست سال مبارزه کردند! مبارزه با چیست؟ مبارزه با عزت و استقلال ملت ایران و مبارزه با هویت ملت ایران است؛ اما چون اسلام است که این عزت را داده و به ملت ایران، هویت بخشیده است؛ چون اسلام است که به ملت ایران قدرت بخشیده است تا بتواند آرمانها، آرزوها و خواسته‌های خود را علناً بر زبان آورد و آن را دنبال کند و از اخم قدرتها و دست‌نشاندها و حکومت‌های فاسد نترسد؛ چون اسلام است که این امتیاز را به ملت ایران بخشیده است، با اسلام دشمنند. دشمنی با اسلام انقلابی، اسلام امام، اسلام زندگی‌بخش، اسلامی که وقتی پرچمش برافراشته میشود، همه‌ی دنیا را به خود متوجه میکند؛ همچنانی که امروز هم همینطور است. دشمنی با این اسلام بخاطر این است که اسلام، دست بیگانگان را از اینجا کوتاه کرد و منابع این کشور را از دست بیگانگان نجات داد. لذا امروز خدمت به ایران و خدمت به ملت ایران، عبارت از خدمت به اسلام است.

تأیید و حمایت اسلام مدنظر امام خمینی؛ خدمتی به ملت و تاریخ ایران

هر کس که امروز اسلام انقلابی، اسلام امام، اسلام زندگی‌بخش و اسلام مبارزه با

ظلم و ستم را گرامی بدارد نه آن چیزی که به نام اسلام در مقابل ظلم و ستم، تعظیم میکند! آن اسلام نیست، فریب است هرکس که امروز اسلام حقیقی و به تعبیر امام بزرگوار ما اسلام ناب محمدی را تأیید و حمایت کند، اوست که برای ایران و ملت ایران، برای تاریخ ایران و آینده‌ی ایران و یکایک آحاد این ملت خدمت میکند. بسیجیان این امتیاز را دارند که در میدان این خدمت آماده‌اند.

در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۲۳ / ۰۹ / ۱۳۷۸

آثار بد تضعیف روحیه‌ی جوانان معتقد به امام

یک جبهه‌ی جنگ را فرض بفرمایید که یک مجموعه سرباز، با فداکاری، با قدرت تصمیم، با اراده و با ایستادگی می‌جنگند؛ مثل جنگی که ما هشت سال در جبهه داشتیم. در آن زمان، شما وارد منطقه‌ای میشدید، میدیدید یک مشیت جوان مؤمن حزب‌اللهی فداکار از جان گذشته، ایستاده‌اند و مبارزه میکنند. از هر کدام سؤال میکردید چرا مبارزه میکنید؟ میگفت: «وظیفه‌ی من است. امام گفتند، دستور دینی من است. دشمن به کشور من تجاوز کرده، مرزها و ناموس مرا تهدید میکند؛ ما ملت زنده‌ای هستیم و باید از خودمان دفاع کنیم!» او مجموعه‌ای از باورهای ذهنی را برای شما در میان میگذارد که اعتقاد به خدا، اعتقاد به قیامت، اعتقاد به شهادت، اعتقاد به دستور امام، لزوم اطاعت از امام، اعتقاد به متجاوز بودن این دشمن، اعتقاد به اینکه من ملتی هستم که باید از خودم دفاع کنم، در آن هست. این مجموعه‌ی درهم‌آمیخته‌ی درهم‌تنیده‌ی اعتقادات دینی و اینها در بیان او بروز میکند. شما ببینید که این اعتقادات موجب شده است تا این جوان بایستد، از آسایش خانه‌اش، از زندگی، از تحصیل و دانشگاهش دست بکشد، به جبهه برود و جان خودش را به خطر بیندازد؛ احیاناً هم کشته یا مجروح شود و تا آخر عمر با آن بسازد که الآن روی چرخ، تعدادی از آنها را مشاهده میکنید.

حالا اگر در همین حالی که این جوان در این میدان با این حرارت می‌جنگد، یک نفر بیاید، بنا کند در این باورها خدشه کردن و مثلاً بگوید: «اینکه شما می‌گویید این دشمن، متجاوز است، چه تجاوزی؟ ما اول حمله کردیم!»؛ شروع کند در ذهنیت او رخنه کردن و اعتقاد او را به متجاوز بودن این دشمن و به فضیلت و ارزش شهادت، ضعیف کند،

اعتقاد او را به اینکه وقتی امام دستور داد، باید دستور امام عمل شود، تضعیف کند؛ اعتقاد و باور او را به اینکه یک فرد باید از کشور، از میهن و از مرزهای خودش دفاع کند، تضعیف کند؛ خوب، شما ببینید این جوان مؤمن آماده‌ای که مثل گلوله‌ی سوزانی به سمت سینه‌ی دشمن حرکت میکرد، با این تبدیل باورها تبدیل به چه میشود؟! به یک موجود پشیمان، متزلزل، مردّد و احياناً پشت به جبهه کرده، تبدیل میشود.

ضرورت دفاع از خطّ امام در مقابل همه‌ی گروههای فشار

جریانی در محیط دانشگاه درصدد این است که عناصر مؤمن و انقلابی دانشگاه را در انزوا و فشار قرار دهد؛ شما نباید بگذارید. اسم آن جریان فشاردهنده، هرچه میخواهد باشد؛ و لو اسم انجمن اسلامی! بعضی از این انجمنهای اسلامی، نه اینکه اسلامی نیستند، اصلاً فاسدند! بعضی از آنها ضدّ اسلامند! شما نمیتوانید از این نوع انجمن اسلامی دفاع و حمایت کنید؛ اصلاً چنین چیزی امکان ندارد نه از بودجه‌ی دولت، نه از امکانات دولت، نه از وزارتی که این نظام اسلامی به شما داده است شما باید از اسلام، از انقلاب و از خطّ امام دفاع کنید؛ از اینها باید دفاع شود. آنکه امروز این مردم حاضرند برایش جان و خون بدهند، اسلام است.

جایگاه تصویب امام و رهبری در قانون

در مورد آن مسئله‌ی قانون که اشاره شد^۱، به نظر من اینجا هیچ شبهه‌ی قانونی ندارد؛ من قاطع میگویم. بنده، بی اطلاع از قانون اساسی نیستم، اینجا برابر قانون است؛ چون امام این را تأکید و تصویب کرده و آنچه را که امام و رهبری تصویب کند و قرار دهد، طبق قانون اساسی، مَرّ قانون است و هیچ مشکلی ندارد. اگر در قانون اساسی و در مفهوم این معانی هم شبهه‌ای هست، از شورای نگهبان سؤال کنید؛ قطعاً همین را پاسخ خواهند داد. شورای عالی انقلاب فرهنگی و شوراهای گوناگون دیگری وجود دارد که همه‌ی اینها یا به یک واسطه، یا بی واسطه، مصوبه‌ی زمان امام (رضوان الله علیه) است. به هر حال مصوبه‌ی مقام رهبری هستند و از لحاظ قانونی، هیچ اشکالی ندارند.

۱ در گزارش رئیس‌جمهور در ابتدای جلسه.

معرفی دشمن اصلی امام و راه امام

جبهه‌ی دشمن، غیر از آن آدم غافلی است که خودی هم هست؛ منتها بیچاره دچار غفلت و اشتباه و فریب میشود؛ بر اثر حادثه‌ای، عقده و کینه‌ای پیدا میکند و در مقابل نظام می‌ایستد؛ در مقابل سخن حق می‌ایستد؛ در مقابل امام و راه امام می‌ایستد. این، آن دشمن اصلی نیست؛ این یک آدم فریب‌خورده است؛ این یک آدم قابل ترخم است؛ دشمن اصلی آن کسی است که پشت سر این قرار میگیرد، اما خودش را نشان نمیدهد.

جایگاه امروز راه امام و انقلاب در بین قشرهای مختلف مردم

من به شما عرض کنم که امروز عمده قوای حیاتی این کشور، در اختیار اسلام و انقلاب است. اساسیترین پایه‌های قدرت در این کشور - یعنی مردم - دل‌بسته‌ی اسلام و انقلاب و راه امام و ارزشهای الهی و اسلامی‌اند. جوان اینطور است؛ دانشجو اینطور است؛ قشرهای غیرجوان اینطورند؛ روحانیون اینطورند؛ کسبه و متوسطین اینطورند؛ کارگران و اکثریت قشرهای مختلف مردم اینطورند؛ دستگاه اداره‌کننده‌ی کشور اینطور است؛ رؤسای کشور اینطورند. بحمدالله رؤسای کشور، رؤسای سه قوه، در خدمت اسلام و برای اسلام‌اند.

راه امام؛ راه همه‌ی حرکتها و جناحهای مسئول کشور

در همان روزهای اول، دوم بعد از انتخابات بود که جناب آقای خاتمی - رئیس جمهور عزیزمان - از من وقت ملاقات خواستند و آمدند با من ملاقات کردند. به ایشان گفتم من نمی‌دانم شما در این چند روز که گرفتار مسائل انتخابات بوده‌اید، فرصت کرده‌اید این رادیوها را گوش کنید یا نه؟ اما من گوش کرده‌ام. رادیوها اینطور وانمود میکنند که حرکت دوم خرداد، حرکتی بر ضد انقلاب، بر ضد امام و بر ضد اسلام بود! روشهای تبلیغات است؛ اینطور حرکت میکنند. من مایل‌م شما در همین اولین صحبتی که خواهید کرد، تو دهن اینها بزنید و نشان دهید که نه، قضیه اینطور نیست؛ راه امام

۶۴۲ / ره، رهرو، رهبر

است؛ راه، راه انقلاب است. بعد از سه، چهار روز ایشان یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی داشتند. بعد که ایشان با من مجدداً ملاقات کردند، گفتند من در حال آن مصاحبه‌ی مطبوعاتی چیزهایی در ذهنم آماده کرده بودم که بگویم؛ اما همه‌اش از یادم رفت. تنها چیزی که به یادم بود، همان حرف شما بود که گفتید تو دهن اینها بزنی. ایشان در آن مصاحبه، تو دهن آنها زد. تا امروز هم بحمدالله رئیس‌جمهور، رئیس مجلس، رئیس قوه‌ی قضائیه و مسئولان کشور، موضع انقلاب، موضع امام، موضع اسلام و پایبندی به ارزشهای اسلامی را هر روز تکرار میکنند. این مایه‌ی افتخار است؛ این خودش یکی از وسایل وحدت‌بخش است. یکی از عواملی که میتواند در سطح کشور دلها را به هم نزدیک کند، همین است.

در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۷۸/۱۰/۱۰

معرفی کتابی بسیار خوب از امام خمینی

من امروز روایتی را انتخاب کردم که بخوانم؛ این روایت در «ارشاد مفید» است. البته من متن حدیث را از کتاب «چهل حدیث» امام بزرگوارمان - که کتاب بسیار خوبی است - نقل میکنم.

در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۷۸/۱۰/۱۸

ضرورت انتخاب معتقدین به خط امام در انتخابات

مردم عزیز ایران باید ان‌شاءالله افرادی مؤمن، انقلابی، معتقد به مبانی اسلام و انقلاب، معتقد به امام و راه آن بزرگوار و معتقد به استقلال این کشور را انتخاب کنند. و انتخاب خواهند کرد.

در دیدار اعضای هیأت علمی کنگره‌ی امام خمینی (ره)، ۷۸/۱۱/۴

ایجاد حکومت اسلامی؛ بیت‌الغزل کار امام خمینی

انتخاب «حکومت اسلامی» بعنوان موضوع این کنگره، هم مهم و خوب است، هم حساس است؛ چون بیت‌الغزل کار امام، ایجاد حکومت اسلامی بود. اگر فرض کنیم

ره، رهرو، رهبر / ۶۴۳

چنین انقلابی بدون شعار حکومت به راه می‌افتاد- بعنوان اصلاحات و همان کارهایی که در تأسیس عدالتخانه و تشکیلات مشروطیت شد- بلاشک کار امام، یک‌دهم کار الآن اهمیت نداشت؛ چون بالاخره آن خاندان میرفتند و جناح و جریانی از متدینین- که قاعدتاً منتخبان امام، متدینین بودند- روی کار می‌آمدند؛ اما آن کار چیزی بود، این کار یک چیز دیگر است.

اهمیت کار امام در ایجاد حکومت اسلامی

اهمیت کار امام- که توقع این است ما این کار را تقویم درستی بکنیم- این بود که مسئله‌ی حاکمیت اسلام را مطرح کردند. حکومت اسلامی به معنای حکومت مسلمین نیست؛ به معنای حکومت اسلام است، و آلا اگر فقط حکومت مسلمین باشد، حداکثرش این است که مسلمانی در رأس کار می‌آید و رفتار شخصی او، رفتار خوبی خواهد بود. احیاناً نمیگذارد در ظواهر جامعه هم فسق و فجوری صورت گیرد؛ اما نظام کشور و اداره‌ی زندگی براساس اسلام نخواهد بود؛ سلايق و فرهنگها و عادات و کج‌فهمیهای گوناگون تأثیر میگذارند. چیزی که جامعه‌ی اسلامی را مصونیت میبخشد، «حکومت اسلامی» است؛ یعنی حاکمیت اسلام. هنر بزرگ امام این بوده است که حاکمیت اسلام را در اینجا مطرح کردند.

ولایت فقیه؛ صیغه‌ی خاص امام برای حکومت اسلامی

صیغه‌ی خاص ایشان هم برای حاکمیت اسلام، «ولایت فقیه» بود. انصافاً ولایت فقیه مبنای بسیار مستحکمی دارد. بنده اینطور تصور میکنم که موضوع ولایت فقیه، ولو مقداری در توسعه و تضييقش تفاوتی بین علما وجود داشته باشد، جزو واضحات فقه اسلام است. انسان وقتی نگاه میکند، از قدیم‌الایام تاکنون، اگر کسانی این قضیه را مطرح نکردند یا با سردی با آن برخورد کردند، بخاطر این بوده است که فکر کردند چیزی را که شدنی نیست، چرا مطرح کنند؛ و آلا وقتی انسان به کتابها و حرفهای فقها نگاه میکند، میبیند هیچ‌کس از آنها نیست که اصلاً حاکمیت غیر حکم اسلامی را قبول داشته باشد. انسان این را در ابواب مختلف فقهی مشاهده میکند. این جزو مسلمات است. مثلاً

تعبیرات مرحوم صاحب جواهر راجع به ولایت فقیه نشان میدهد که از نظر او این قضیه جزو واضحات است؛ البته نه در باب ولایت بر صغار، بلکه در باب جهاد و ابواب مهم دیگر که نشان میدهد ایشان دایره‌ی ولایت را با همان توسعه مبیند و این مسئله را جزو واضحات فقه اسلامی میدانند. مرحوم «نراقی» و امثال او در این خصوص تصریح و بحث کردند و من نمیخواهم اینها را عرض کنم؛ آنهایی را که بحث نکردند، عرض میکنم. غرض؛ این فکر پایه‌ی محکمی دارد و امام این را مطرح کردند.

اهمیت و ضرورت بیان دقیق نظرات حضرت امام حتی در احکام ثانوی

من خواهش میکنم آقایان در این کنگره، بخصوص شما فضلاء جوان که فکر فعال و پویا و زنده‌ای دارید، با توجه به نکته‌ای که بعداً خواهم گفت - که قضیه را ظریفتر و حساستر میکند - توجه کنید حکومت اسلامی‌ای که امام گفته‌اند و شما میخواهید آن را تثبیت و تسجیل و تبیین و توجیه کنید، من حیث لائرید به حکومت غیراسلامی تبدیل نشود. چیزی که امروز در چالشهای فکری بین ما و مخالفان ما در سطح دنیا مطرح است، همین نکته است. اگر کسی اسم مسلمان داشته باشد و در جایی هم حکومت کند، آنها مخالفتی نمیکند؛ اما چیزی که برای آنها مهم است، این است که دین، متولی اداره‌ی جامعه شود؛ یعنی حرف جدیدی در دنیا زده شود. بنابراین به این نکته خیلی باید توجه کنید که حکومت اسلامی و ولایت فقیه‌ی که امام آوردند و ابتکار و مطرح کردند به همان معنای حکومت اسلامی است؛ یعنی حکومت اسلام، حکومت دین و حکومت شریعت، به همین معنا فهمیده شود.

ممکن است فقها و فضلاء ما تلاش کنند و فقهی را که در اختیار ماست و ضعفها و کمبودهای فراوانی هم دارد، پالایش کنند. این بحث دیگری است؛ این کار را بکنند؛ اما چیزی که باید مطرح باشد - و نظر امام قطعاً این بود - این است که ملی فضای جامعه، با شریعت و فقه و احکام و عمل اسلامی پُر شود. ایشان غیر از این را در هیچ موردی قبول نداشتند. من یک وقت درباره‌ی ولایت فقیه با ایشان صحبت میکردم؛ گفتم قبل از انقلاب، ما با بعضی از فضلاء و دوستان بحث داشتیم؛ بعضیها میگفتند اسلام شیوه‌ی خاصی در باب اقتصاد ندارد. هر شیوه‌ای که بتواند آرمانهای اسلامی - مثلاً عدالت - را

تأمین کند، اسلامی است؛ ولی عقیده‌ی ما این بود که نه، اسلام خطوطی معین کرده و شیوه‌ای بنا نهاده و چارچوبی برای اقتصاد اسلامی درست کرده و این چارچوب باید تبعیت شود. ایشان گفتند: بله، این درست است. من نمیخواهم به این قضیه استناد کنم که این حرف درست است؛ میخواهم استناد کنم که نظر امام این بود؛ یعنی ایشان به کمتر از این اصلاً قانع نمیشدند. آنجایی هم که بحث سر احکام ثانوی بود، ایشان بعنوان یک حکم اسلامی و فقهی بر آن تأکید میکردند. ایشان تا آخر هم همینطور بودند. در خصوص غنا- موسیقی- ایشان حرف جدیدی مطرح کردند. مبنای فقهی ایشان اینطور بود. برای این قضیه، ایشان استناد فقهی داشتند. البته چیزی که در کتاب مکاسب گفتند، در جهاتی با این تفاوت دارد؛ اما براساس مبنای فقهی میگفتند؛ براساس ضرورت و مصلحت و پسند دنیا نبود. البته ممکن است کسی با کلیات و جزئیات این نظر موافقت نداشته باشد؛ خیلی خوب، نظر خودش است؛ لیکن نظر امام تحریف نشود. شما باید خیلی مراقب کنید که نظر امام واقعاً بگونه‌ای درآید که در کلمات و کتابها و حرفها و منش ایشان معلوم است. این نکته خیلی مهم است و بنظر من یک مسئولیت تاریخی و امانتی بر دوش شماست.



نوآوری امام در حکومت و ولایت فقیه

اساس حکومت اسلامی یک حرف نو در دنیا بود. واقعاً در این قضیه، انقلاب نوآوری‌ای کرد که حریفها مات شدند. این به هیچ وجه شبیه بعضی چیزهایی که بعداً تشبیه میکردند، نبود؛ اصلاً شباهتی با نظایر خودش نداشت. چیزی که در قانون اساسی و در کلمات امام و در عرف انقلاب بعنوان حکومت ولایت فقیه مطرح است، یک حرف کاملاً نو در دنیاست. البته ممکن است گفته شود «ولایت فقیه» یک تعبیر عربی و آخوندی و طلبگی و کتابی است؛ در حالی که این مفهوم، بسیار نو و جدید است و معنای آن این است که ما در رأس حکومت کسی را قرار دهیم که میدانیم تخلف نخواهد کرد. این چیز خیلی مهمی است. شما الآن ببینید گرفتاریهای دنیا از کجاست. ما میخواهیم کسی را در رأس حکومت بگذاریم که میدانیم تخلف نمیکند. ممکن است ما اشتباه کرده باشیم و او تخلف کند. از هر وقت فهمیدیم تخلف کرده، میفهمیم حضور او در این

منصب بجا نیست؛ خودش و مردم هم این را قبول دارند. این نکته‌ی خیلی بدیعی در مبنای حکومت در دنیاست.

البته جنجال کردند و گفتند این فکر، قدیمی و ارتجاعی است. در همان زمانی که انقلاب پیروز شد، شاید بیش از دهها حکومت کودتایی در دنیا بود که افسری با چکمه و تفنگ آمده بود و حکومت را برای خودش گرفته بود؛ اما همه‌ی آن حکومتها مقبول و به رسمیت شناخته شده بودند و کسی با آنها حرفی نداشت؛ ولی با این حکومت و با امام و با این حرکت عظیم حرف داشتند! علت این است که حرف نویی در دنیا زده شد که قدرت هموردی با معیارها و فرهنگ سیاسی رایج دنیا را داشت. زور این کار حتماً از زور مارکسیسم و حکومت کمونیستی در اول کار، بیشتر بود. البته بعد از ده، بیست سال، بخاطر تبلیغات و کارهایی که مارکسیسم کرد و جاذبه‌هایی که نشان داد، اوج گرفت؛ لیکن در آغاز کار، بلاشک زور و اقتدار این بیشتر از آن بود. چرا؟ بخاطر اینکه ناگهان در سطح دنیا، همه‌ی کشورهای که داخل آنها مسلمان زندگی میکرد، احساس هویت و شخصیت و احساس قبول و طوع نسبت به آن کردند. این برای آنها خیلی وحشت‌آور بود.

■

علت منع امام از به زبان آوردن کلمات اساسی بیگانه

اول انقلاب، کلمات دمکراسی و دمکراتیک و امثال آن، در زبان همه خیلی تکرار میشد. حاج احمد آقا پیغام آورد که امام میگویند این کلمات را نگویند. قبل از آمدن امام گاهی گفته شده بود «جمهوری دمکراتیک اسلامی»؛ اما امام روی همان «جمهوری اسلامی» تأکید داشتند. شاید بعضیها تعجب میکردند که کلمه‌ی دمکراتیک اینقدر حساسیت ندارد؛ ولی این حساسیت، درست و بجا بود؛ بخاطر اینکه نفس کلمه‌ی بیگانه با خودش یک بار فرهنگی می‌آورد؛ نشاندهنده‌ی یک احساس است و آن احساس در انسان بتدریج تقویت میشود. باید توجه کنید گرت‌برداریهایی که از فرهنگ و دمکراسی غربی و لیبرالیسم میشود، به اینجا راه پیدا نکند.

روز شکست دشمن در جداسازی مردم از راه و یاد امام

در همان حالی که تمام مراکز تبلیغاتی دشمن با تمام قوا سعی میکنند مردم را با گذشته‌ی خودشان و با انقلابشان بیگانه کنند، از امامشان جدا کنند، یاد امام را به فراموشی بسپارند و سعی کنند به خیال خودشان ارزشهای جدیدی را خلق کنند و میان مردم بیندازند، وقتی بیست و دوم بهمن میرسد، شما ببینید که در تهران و شهرهای بزرگ و شهرهای کوچک و حتی در نقاط دوردست و بسیاری از روستاها، مردم بیرون می‌آیند؛ نه کسی از آنها دعوتی میکند، و نه یک عامل مادی وجود دارد؛ اما مردم می‌آیند. این همان عامل معنوی است.

ملت ایران توانسته است با قدرت خود، دشمن خود را گیج کند. به اظهاراتشان نگاه نکنید؛ اظهاراتی که گاهی از روی اقتدار حرفی میزنند که ممکن است بعضیها را مرعوب کند. حقیقت قضیه غیر از این است. ملت زنده است؛ ملت مؤمن است؛ دلها با اسلام است؛ یاد امام و تعظیم و تجلیل شهدا، شهادت و ارزشهای انقلاب خالی کند. انتخابات هم همینطور است.

مدرّس؛ نماینده‌ی مطلوب امام در مجلس

مجلس باید مجلسی باشد که بتواند در مقابل زورگوییها و زیاده‌خواهیها و مرعوب کردنها و تطمیع کردنهای قدرتمندان جهانی بایستد و مصالح کشور و ملت را محاسبه کند و دنبال آن برود. امام (رضوان‌الله‌علیه) بارها اسم «مدرّس» را می‌آوردند. مگر خصوصیت مدرّس چه بود؟ از مدرّس عالم‌تر هم داشتیم. مدرّس خصوصیت عمده‌اش این بود که هیچ عامل ارباب و تهدید و تطمیع و فریبگری در او اثر نمیکرد. همان وقتی که علی‌الظاهر فضا را بر ضدّ او آنچنان متشنّج کرده بودند که علیه‌اش شعار میدادند، او ایستاد و حرف خودش را زد. این خصوصیت یک نماینده‌ی خوب در مجلس است.

۶۴۸ / ره، رهرو، رهبر

نماینده باید کسی باشد که مرعوب نشود. چه کسی مرعوب نمیشود؟ آدمی که دلش به خدا متکی باشد. وقتی انسان به خدا متوکل بود، از هیچ کس مرعوب نمیشود. ما یک نمونه‌ی زنده‌ی کسانی را که مرعوب نمیشوند در زمان خودمان دیدیم - یعنی امام(ره) - و هزاران نمونه‌ی دیگر را در میدان جنگ و در میدانهای سیاست ملاحظه کردیم.

پیام به مناسبت برگزاری انتخابات مجلس ششم، ۷۸/۱۱/۳۰

شکرگزاری بخاطر پاسداشت مردم از سفارش همیشگی امام

اینجانب ناصیه‌ی شکر و خشوع بر درگاه الهی میسایم و پروردگار را، بر توفیقی که به مردم خداجوی ارزانی فرمود، سپاس میگویم، از ملت زنده و پرنشاط ایران که به ندای وظیفه پاسخ گفته و سفارشی را که امام همیشه پایدار در وصیتنامه‌ی خود به همه‌ی نسلها داده است، پاس داشتند، با همه‌ی دل، تشکر میکنم و امیدوارم که مجلس ششم بتواند مجاهدت فراگیر ملت را به نیکوترین وجه پاسخ گوید و وظایف بزرگی را که بر عهده‌ی اوست به ملت مؤمن و انقلابی تقدیم دارد.

پیام به حجاج بیت‌الله‌الحرام، ۷۸/۱۲/۲۳

حرکت امروز جمهوری اسلامی به سمت اهداف امام

امروز یازده سال پس از رحلت معمار و بنیانگذار این بنا، امام خمینی عظیم، جمهوری اسلامی به سمت همان هدفی که او ترسیم کرده و از همان راهی که او نشان داده به پیش میرود.

پیام به ملت شریف ایران، به مناسبت حلول سال جدید، ۱۳۷۹ / ۰۱ / ۰۱

امید به نزدیکی مردم به امام خودشان در سال امام خمینی

سال گذشته، به اسم مبارک امام خمینی(ره) مزین بود و عملاً در سرتاسر سال، یاد آن بزرگوار در همه‌ی گوشه و کناره‌های کشورمان و در ذهن و آفاق زندگی مردم، محسوس بود و شاید بتوان امیدوار بود که مردم ما از لحاظ ذهنی و عملی، گامی به امام بزرگوار خودشان نزدیک شده باشند.



امید به تفضّل الهی در ادامه‌ی راه امام

امیدوارم خدای متعال تفضّل کند و این ملت در سایه‌ی اخلاص خود، در سایه‌ی ایمان و مجاهدت خود و در سایه‌ی عظمتی که خون مطهر شهدا برایش به وجود آورد، در راه امام بزرگوارمان که امام نیکبها و سرچشمه‌ی عظمتها برای ملت ما بود راه خودش را ادامه دهد.

در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۷۹/۱/۱۰

برتری همیشگی امام نسبت به همه‌ی انقلاب

الآن هم امام خمینی (رضوان الله علیه) با اسم خودش از همه‌ی مجموعه انقلاب، در دنیا مطرحتر است. یعنی الآن همه‌ی حرفهایی که ما داریم، همه‌ی وزن معنوی و فکری که ما داریم یک طرف، امام هم یک طرف؛ باز امام سنگینتر است! یعنی شخصیت امام و آن چیزی که از امام میشناختند، بر همه‌ی این کتابهایی که نوشتیم و حرفهایی که زدیم، برتری دارد. ما بگوییم امام، هنوز زنده است. ما باید این را تبلیغ کنیم؛ باید بگوییم امام در میان ما زنده است، ما دنبال امامیم و تحقق امام را در جامعه میخواهیم.

در دیدار با جوانان در مصلای بزرگ تهران، ۱۳۷۹/۲/۱

اعتماد امام به جوانان و مسئولیت‌دهی به ایشان

آن روز که امام فرمانده سپاه را فرماندهی که سالهای متمادی میدانهای جنگ را اداره کرد به فرماندهی منصوب کردند، او در حدود بیست و شش سال سن داشت.

تلاش منافقانه‌ی امروز برخی مخالفین واقعی امام

امروز در این کشور «عبدالله بن ابی»های منافق هستند؛ کسانی که حتی یک روز حکومت امام و حکومت نظام اسلامی را از بن دندان قبول نکردند! در زمان پیامبر، یکی از منافقان بسیار فعال، «عبدالله بن ابی» بود که با یهودیها و کفار قریش و جاسوسهای امپراتوری روم میساخت و از هر وسیله‌ای استفاده میکرد، برای اینکه شاید بتواند حکومت پیامبر را از بین ببرد؛ چرا؟ چون قبل از آنکه پیامبر به مدینه بیاید، او تصوّر

میکرد که در آینده، رئیس و حاکم و پادشاه مدینه خواهد شد! پیامبر در واقع مقام او را از او سلب کرده بود. امروز در این کشور «عبداللّه بن ابی»هایی هستند؛ کسانی که خیال میکردند اگر انقلابی در این کشور رخ دهد، حکومت وقف آنها و متعلق به آنهاست. کسانی که نه فقاہت را قبول داشتند، نه امام را قبول داشتند، نه مردم را قبول داشتند، نه احساسات دینی را قبول داشتند. پیامبر با «عبداللّه بن ابی» خوشرفتاری کرد و او را مجازات نمود. نظام اسلامی هم با اینها خوشرفتاری کرد و به مجازاتشان نپرداخت. اینها امروز به برخی از پدیده‌هایی که دست دشمن در آنهاست، مینگرند؛ خیال میکنند فرصتی پیدا کرده‌اند که به نظام اسلامی ضربه بزنند. فعالیت‌های منافقانه‌ی خودشان را میکنند، به این امید که بین مسئولان اختلاف باشد؛ به این امید که بین مردم اختلاف باشد؛ به این امید که جوانان رابطه‌شان را با نظام اسلامی قطع کنند؛ به این امید که جوانان با دین قهر کنند!

ابتکار امام برای ارضای سالم هیجان طلبی جوانان

جوان، سرشار از انرژی است؛ جوان هیجان طلب است. روزی که کشور دچار یک جنگ مسلحانه باشد، جوانان با میل و رغبت به میدان میروند. وقتی که کشور در آرامش و صلح است، برای ارضای سالم هیجان طلبی جوانان، چه چیزی بهتر از بسیج؟ این ابتکار امام بود. روح هیجان طلب جوان، اگر بنا باشد در راه سازنده، در راه ایمانی، در راه سالم، در راهی که میتواند برای کشور مفید واقع شود، به کار بیفتد، چه سازمانی مهمتر و مطمئن تر از سازمان بسیج است؟

در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۲۳/۰۲/۱۳۷۹

حضرت امام؛ ناجی انقلاب از خطر معتقدان به اسلام، اما بی اعتقاد به حاکمیت اسلامی

یک عده^۱ هم کسانی هستند که مال آن رژیم نیستند؛ اما از اول انقلاب، بلکه بعضی پیش از انقلاب، نشان دادند که به اداره‌ی کشور برطبق احکام اسلام از بن دندان عقیده‌ای

۱ یک دسته از افرادی که با عدم اعتقاد به اساس ارزشها؛ دم از تحویل میزنند.

ره، رهرو، رهبر / ۶۵۱

ندارند. آنها اسم اسلام را میخواهند و اسم اسلام را دوست میدارند. دشمن اسلام به آن معنا هم نیستند؛ اما مطلقاً اعتقادی به فقه اسلامی، به احکام اسلامی و به حاکمیت اسلامی ندارند. معتقد به همان روشهای فردی‌اند. اوایل انقلاب هم یک عده از همینها توانستند امور را قبضه کنند و در دست گیرند. اگر امام به داد این انقلاب ن میرسید، همین آقایان، خشک‌خشک انقلاب و کشور را به دامن امریکا برمیگرداندند! اینها هم دم از اصلاح میزنند؛ گاهی دم از اسلام هم میزنند؛ اما در کنار کسانی قرار میگیرند که صریحاً علیه اسلام شعار میدهند و با آنها اظهار همبستگی میکنند!

در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت سالگرد ارتحال حضرت امام(ره)، ۱۳۷۹/۲/۳۱

شخصیت امام؛ دلیل ماندگاری امام خمینی(ره) در فضای دنیا

اینطور نیست که بنده، شما، فلان ناشر، فلان فیلمساز و یا فلان نویسنده خیال کنیم این ما هستیم که امام را تر و تازه و باطراوت در فضای دنیا نگاه میداریم. نه، اینطور نیست؛ این ظرفیت خود آن شخصیت است. البته شخصیت امام در ابعاد یک انسان معمولی که جسمی و فکری و روحی دارد، نیست. نه اینکه امام، فوق انسان است، نه؛ امام یک انسان والاست، اما ظرفیت آن بزرگوار و ظرفیت آن هدف، آرمان و فکری است که او خودش را در خدمت آن گذاشت - این مهم است - و آن عبارت است از فکر تجدید حیات اسلام، حاکمیت بخشیدن به اسلام و زنده کردن معارف و احکام اسلامی.

بازگشت منافع تجلیل از امام به خودمان

این تجلیلی که ما از امام میکنیم، کاری که در خدمت تفکر و شخصیت امام - که عین همان تفکر است - انجام میدهیم، کاری است هم به نفع آن حقیقت والا، هم در راه خدا، هم در نهایت به نفع خود ما بعنوان انسانی که به قیامتی و به آن طرف مرز زندگی معتقد است و فکر نمیکند همه چیز اینجا تمام خواهد شد و حالا اینجا یک‌طوری بار خودمان را ببندیم و لذتی ببریم و بعدش هیچ! اینگونه نیست. بالاخره بعد از همه‌ی این حرفها چیز دیگری هم در آن طرف مرز هست؛ حساب و کتابی است، فکر آنجا را هم که بکنیم، به نفع خودمان انجام داده‌ایم.

ضرورت دفاع قاطع و آشکار نمایندگان از راه امام و انقلاب

امروز نیز موضعگیری بهنگام و صریح مجلس شورای اسلامی، باید دشمنان را مایوس سازد. دفاع قاطع و آشکار نمایندگان از انقلاب و نظام اسلامی و راه روشن و ماندگار امام عظیم‌الشأن، و تبری از بلندگوهایی که با تکرار شعار ارتجاعی «جدایی دین از سیاست» در اندیشه‌ی حذف جهاد خونین بیست و چند ساله‌ی ملت ایران برای استقرار نظام مترقی جمهوری اسلامی‌اند، تلاش پُرهزینه‌ی دشمن را بیهوده خواهد ساخت. این کمترین انتظار ملت انقلابی و مسلمان از نمایندگان مجلسی است که با خون شهیدان و مجاهدت ایثارگران پدید آمده و برقرار مانده است.

حضرت امام؛ اثبات‌کننده‌ی یک اصل الهی و حقیقتی مغفول‌عنه

من امروز برای اینکه عظمت شخصیت امام بزرگوارمان را از یکی از ابعاد گوناگون مورد ملاحظه قرار دهم، بحثی را مطرح میکنم و آن این است که در این آیه‌ای که تلاوت کردم^۱ - که یکی از آیات سوره‌ی فتح است - قرآن کریم برای مسلمانان مؤمن آن زمان، حقیقتی را بیان میفرماید. این حقیقت بر حسب اسباب ظاهری دور از ذهن است؛ اما در تصویر الهی یک حقیقت مسلم است. مطلب از این قرار است که جمعیتی از مسلمانان در سال ششم هجری، بدون سلاح و تجهیزات لازم و بدون آرایش جنگی، در مقابل کفار که مسلح و مجهز بودند، قرار گرفتند و بنابراین بود که مسلمانان دست به اسلحه نبرند. این در قضیه‌ی حدیبیه بود. این قضیه را، هم «غزوه‌ی حدیبیه» گفته‌اند، هم «صلح حدیبیه». اگرچه جنگی واقع نشد، اما حرکتی که اتفاق افتاد، از یک جنگ بزرگ دارای آثار بیشتری بود؛ برکات آن و کیفیت رویارویی، یک برکت و کیفیت استثنایی بود. در این حادثه، کفار قریش با تجهیزات، با سلاح، با مردان جنگی و با پیش‌بینیهای لازم، به سراغ مسلمانانی آمدند که با خودشان سلاح برنداشته بودند و فقط به قصد مشرف شدن

۱ «و لو قاتلکم الذین کفروا لو لوالا الأدبار ثم لا یجدون ولیاً و لا نصیراً سنّة الله الّتی قد خلت من قبل و لن تجد لسنة الله تبدیلاً» - سوره‌ی فتح، آیات ۲۲ و ۲۳.

به عمره و زیارت خانه‌ی خدا به راه افتاده بودند. نتیجه به جنگ نینجامید و برکات زیادی بر این رویارویی صلح‌آمیز مترتب شد. خدای متعال به مسلمانان اینطور میفرماید که اگر سروکار شما با کفار و مشرکان، به جنگ و شمشیر هم کشیده میشد، شما آنها را مغلوب میکردید. این سنت الهی است؛ این قانون لایتخلف پروردگار در عالم آفرینش است؛ «ولو قاتلكم الذين كفروا لؤلوا الأديار ثم لا يجدون ولياً ولا نصيراً سنة الله التي قد خلت من قبل ولن تجد لسنة الله تبديلاً»^۱.

امام؛ اثبات‌کننده‌ی اصل بازگشت همه‌ی تحولات به ایمان انسانها نه به قدرت زورمداران
در اینجا اصل مهمی پدید می‌آید که این اصل، هم در صدر اسلام مکرر در مکرر تجربه شد، هم در انقلاب اسلامی تجربه شد، هم در حوادث گوناگون دیگر تجربه شده است؛ توجه به آن برای ملت‌هایی مثل ملت ما حائز اهمیت است؛ ولی غالباً از چشم دور میماند. نقش امام بزرگوار ما - حضرت امام خمینی کبیر - این بود که این حقیقت را ثابت کرد. این حقیقت چیست؟ این حقیقت این است که نیروهای اثرگذار در تحولات اجتماعی و سیاسی، عبارت از چیزهایی است که به انسانها برمیگردد؛ مربوط به نیروهای انسانی و اراده‌ی انسانی و ایمان انسانی است. طبق این اصل، آرایش قدرتها و نیروهای اثرگذار در تحولات اجتماعی، غیر از آن چیزی است که همیشه قدرتمداران و مستکبران عالم خواستند آن را نشان بدهند. قدرتمندان و مستکبران عالم اینطور خواستند تفهیم و ثابت کنند که نتایج و تحولات بزرگ، به پول و زور و شمشیر و سلطه‌ی مطلقه و تبلیغات آنها مربوط است؛ کار عالم در دست آنهاست؛ اختیارات تحولات بشری در پنجه‌های قدرت آنهاست؛ اما این اصل الهی ثابت میکند که به‌عکس؛ تحولات عالم، مسائل بزرگ بشری و انسانی، انقلابهای بزرگ، پیشرفتهای بزرگ و حرکت‌های عظیم، هیچ‌کدام در دست قدرتمندان و زورمداران عالم نیست؛ در اختیار سلاح و پول و تبلیغات آنها نیست - اگرچه آنها اینطور وانمود کنند - در اختیار عوامل دیگری است. همه‌ی این عوامل به اراده‌ی انسانها، ایمان انسانها، فداکاری انسانها، حرکت انسانها و

۱ سوره‌ی فتح، آیات ۲۲ و ۲۳. و اگر کسانی که کافر شدند، به جنگ با شما برخیزند، قطعاً پشت خواهند کرد، و دیگر یار و یآوری نخواهند یافت. سنت الهی از پیش همین بوده، و در سنت الهی هرگز تغییری نخواهی یافت.

تجمّع انسانها برمیگردد که بر سرنوشت بشر میتواند حکومت کند؛ میتواند حوادث بزرگ را به وجود بیاورد. این را قرآن مکرّر بیان کرده است؛ حوادث تاریخی، آن را تبیین و اثبات کرده است؛ ولی بسیاری از ملتها از این حقیقت غافلند و چون غافلند، عقب میمانند؛ مقهور قدرتهای استکباری عالم میشوند؛ از نیرویی که در اختیار آنهاست، از امکان و ظرفیتی که متعلق به آنهاست، درست استفاده نمیکنند؛ قدرتمندان عالم هم از این غفلت سوءاستفاده میکنند و فرمان میرانند و مقاصد حیوانی و شهوانی و شخصی خودشان را پیش میبرند.

■
حقیقت قرآنی، عکس این را بیان میکند. حقیقت قرآنی میگوید که اگر انسانها به نیروی درونی خودشان - یعنی به ایمان و اراده و اتحاد کلمه و فداکاریهای خودشان - تکیه کنند، هیچ قدرتی در مقابل آنان یارای ایستادگی ندارد. در دوران رژیم طاغوت، ما ملت ایران هم همین اشتباه را میکردیم. آن روز اگر از ما سؤال میکردند که این رژیم طاغوت نفت این مملکت را برده است، منابع این مملکت را برده است، امریکا را مسلط کرده است، دین را از مردم گرفته است، اخلاق را گرفته است، فرهنگ ملی و اسلامی و بومی را گرفته است، تاریخ این ملت را خراب کرده است، چرا شما در مقابل آن ایستادگی و مقاومت نمیکنید، جوابی که روشنفکران و سیاسیون میدادند، این بود که میگفتند کاری از ما ساخته نیست و ما نمیتوانیم اقدامی بکنیم! حرکت امام، درس بزرگ امام، خدمت بزرگ امام به این ملت و به ملتهای دیگر این بود که عکس این را ثابت کرد. به مردم گفت میتوانید و قدرت دارید؛ قدرت در دست شما و متعلق به شماست؛ فقط باید این قدرت را اعمال کنید؛ باید اراده کنید؛ باید تصمیم بگیرید؛ باید خواص و اثرگذاران در ذهن مردم وارد میدان شوند و مردم باید آمادهی فداکاری باشند. در آن صورت همه کار خواهد شد و همهی موفقیتها بدست خواهد آمد. خود او اول کسی بود که وارد میدان شد. با ورود او به میدان، خواص آمدند؛ علما آمدند؛ روشنفکران آمدند؛ طلبآباد آمدند؛ دانشجویان آمدند؛ طبقات گوناگون مردم آمدند و در مدت چند سال، همهی قشرها بتدریج به این نهضت عظیم پیوستند و در نتیجه، آن قدرت سیاسی و نظامی و تبلیغاتی که در مقابل این نیروی عظیم مردمی قرار داشت، نتوانست مقاومت کند. نیروی ایمان، نیروی اراده، نیروی رهبری حکیمانه و نیروی استقامت و صبر و

ره، رهرو، رهبر / ۶۵۵

پایداری، نه فقط بر قدرت رژیم طاغوت فائق آمد، بلکه بر قدرت امریکا هم که پشت سر او بود، چیره شد.

استفاده‌ی مکرر ملت ایران از درس بزرگ امام

برادران و خواهران عزیز ما! مسئله به پیروزی انقلاب ختم نشد. بعد از آنکه انقلاب پیروز شد، در تجربه‌های گوناگون، در میدانهای مختلف، در حملات گوناگون سیاسی و نظامی و اقتصادی که به این ملت شد، همین درس بزرگ و فراموش‌نشدنی قرآن- که امام عزیز و بزرگوار ما تجسم این درس بود و آن را برای ما تکرار میکرد- به کار ملت ایران آمد. در جنگ تحمیلی، در مقابله‌ی با قدرتهای استکباری و در همه‌ی مسائل سیاسی، ملت ما از این درس بزرگ استفاده کرد.

استفاده‌ی سایر مسلمین از درس بزرگ امام خمینی(ره)

امروز شما نگاه کنید؛ در کشور لبنان یکبار دیگر همین درس تکرار شده است. روزی که رژیم صهیونیستی وارد جنوب لبنان شد و این منطقه را اشغال کرد، به قصد این نیامد که یک روز از اینجا بیرون برود. احتیاطاً تا بیروت هم آمدند و خودشان را به بیروت هم رساندند؛ منتها نمیخواستند آن قسمتها را نگه دارند. تصمیم قطعی رژیم صهیونیستی این بود که بخش جنوب لبنان را نگه دارد و جزو پیکره‌ی قلمرو غصبی خودش قرار دهد. همچنان که یک روز بخش کوچکی از فلسطین را اشغال کردند، بعد بتدریج بخشهای دیگر را هم به آن ملحق و منضم کردند و همه‌ی فلسطین را اشغال کردند؛ بعد قسمتی از کشور اردن را هم اشغال کردند؛ بعد قسمتی از لبنان را هم اشغال کردند؛ لذا قصدشان این نبود که از اینجا خارج شوند؛ تصمیم قطعی داشتند که بمانند. در مقابلشان چه بود؟ در مقابلشان نیروی مردمی تهیدست بدون هیچگونه تجهیزات در لبنان بود؛ یعنی نیروی حزب الله، نیروی مقاومت مسلمانان، نیروی آحاد مردمی که مبارانهای روزمره‌ی رژیم صهیونیستی را تحمل کردند. سالها طول کشید، اما نتیجه به پیروزی نیروی انسانی‌ای که متکی به ایمان و اراده بود، تمام شد. یکبار دیگر آن تصویری که قدرتهای استکباری میخواستند از آرایش عوامل اثرگذار به ذهنها القا کنند، باطل شد و معلوم گردید که نخیر؛ اینطور نیست که هرکس سلاح و قدرت نظامی دارد، هرکس قدرت تبلیغات بین‌المللی و

جهانی دارد، لزوماً موفق خواهد شد. اگر در دو، سه سالی قبل، به آحاد مردم و به خود صهیونیستها و پشتیبانانشان گفته میشد که همین جوانان مؤمن حزب‌الله در لبنان بر شما صهیونیستها پیروز خواهند شد، شما را از اینجا بیرون خواهند کرد، سرزمین خودشان را از شما به زور پس خواهند گرفت، کسی باور نمیکرد؛ اما همین مطلبی که باور نمیشد، اتفاق افتاد! یک جنگ سریع اتفاق نیفتاد؛ اما یک مبارزه و مقاومت طولانی چند ساله اتفاق افتاد. نیروی اراده و نیروی ایمان، بر آن چیزی که زرق و برق آن چشمها را خیره میکرد، فائق آمد.



تذکرات علوی امام خمینی به خواص و مسئولین

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در دوران خلافت کوتاه خود، بیشترین خطابش، بیشترین ملامتش، بیشترین توصیه‌اش و بیشترین تذکرش، به کسانی است که به آنها مسئولیت داده بود تا بخشهای مختلفی را در آن کشور بزرگی که در اختیار آن حضرت بود، اداره کنند. امام بزرگوار ما بارها و بارها به مسئولان کشور، به ما، به شاگردان خودش، به دستپورندگان خودش، تذکر میداد. مضمون آن تذکر این بود که مبادا به چرب و شیرین زندگی راحت، خودشان را عادت بدهند و از مجاهدت در راه خدا باز بمانند.



اراده و ایمان ملت؛ عامل تثبیت دستاوردهای حرکت در راه امام

من در پایان صحبت‌م به ملت عزیزمان عرض کنم: ملت عزیز ایران! ای ملت سرافراز! ای ملتی که یکبار دیگر تجربه‌ی قرآنی صدر اسلام را با وجود خود، با حضور خود، با اراده‌ی خود، با ایثار و فداکاری خود تکرار کردید و تحقق بخشیدید! ای ملتی که به پشتیبانی تو و با تکیه‌ی به تو، خمینی بزرگ توانست مفاهیم سیاسی دنیا را عوض کند؛ توانست معیارها را به هم بریزد؛ توانست راه نویی را در مقابل بشریت بگذارد و باز کند! ای ملت بزرگ! شما امروز به همان اراده و ایمان احتیاج دارید تا بتوانید آنچه را که بدست آورده‌اید، تثبیت کنید.

ارزش حفظ انقلاب اسلامی نزد امام

رهبری یک عنوان و یک شخصیت و یک حقیقت برگرفته‌ی از ایمان و محبت و عشق و عاطفه‌ی مردم و یک آبروست. صدها نفر مثل علی خامنه‌ای در راه این حقیقت جان و آبرویشان را میدهند؛ اهمیتی هم ندارد. بنده که چیزی نیستم؛ امام بزرگوار ما هم - که به معنای حقیقی کلمه برای این امت، امام دلها بود - همینطور بود. او حاضر بود برای حفظ نظام و حفظ رهبری نظام، آبرویش را بدهد. این حقیقت حضور دارد.

تشخیص حکیمانه‌ی امام از تعریف اشتباه اصلاحات

باید تعریف مشخصی از اصلاحات به وجود بیاید تا ترسیم آن چهره و وضعیتی که ما در نهایت جاده‌ی اصلاحات میخواهیم به آن برسیم، برای همه - هم مردم، هم مسئولان - آسان شود و بدانند به کجا میخواهند برسند. اشکال کار آقای گورباچف این بود که عیوب و اشکالات را میدانست؛ اما تصویر روشنی از آنچه که باید انجام گیرد، نداشت؛ اگر هم داشت، مردمش آن تصویر را نمیدانستند. بنابراین اگر تعریف مشخصی از اصلاحات نشود، الگوهای تحمیلی غلبه خواهد کرد؛ همان اتّفاقی که در شوروی افتاد؛ چون نمیدانستند چکار میخواهند بکنند؛ لذا به سراغ تقلید ناشیانه‌ی اصلاحات در الگوها و مدل‌های غربی رفتند و به آنها پناه بردند. امام بزرگوار ما هوشمندانه این ضعف را در آنها تشخیص دادند؛ لذا در نامه‌ای که ایشان به گورباچف نوشتند، این نکته را متذکر شدند. ایشان نوشتند شما اگر بخواهید گره‌های کور اقتصاد سوسیالیسم و کمونیسم را با پناه بردن به کانون سرمایه‌داری غرب حل کنید، نه تنها دردی از جامعه‌ی خود را دوا نخواهید کرد، بلکه دیگران باید بیایند و اشتباهات شما را جبران کنند؛ چرا که امروز اگر مارکسیسم در روش‌های اقتصادی و اجتماعی به بن‌بست رسیده است، دنیای غرب هم در این مسائل - البته به شکلی دیگر - و نیز در مسائل دیگر گرفتار حادثه است. اینکه بنده مکرر میگویم امام یک حکیم واقعی بود، به این خاطر است. در آن جنجال تبلیغاتی رسانه‌ای جهان، نکته‌ی اصلی را امام تشخیص داد.

حفظ نظام اسلامی از منظر امام؛ اوجب واجبات

دین در آغاز، یک جهانی است. شناخت جهان به معنای اینکه این مهندسی عظیم، با دست صنع و قدرت لایزال الهی به وجود آمده است و انسان بعنوان یکه‌سواری است که میتواند در این محدوده‌ی عظیم، تلاش فکری کند؛ خرد را به کار اندازد؛ مناطقی ناگشوده را فتح کند. بعنوان کسی است که میتواند تکامل حقیقی خودش و رسیدنش به مرتبه‌ی قرب را در این دنیا بدست آورد؛ و نگاه کردن به اشیای عالم، بعنوان ابزارهایی است که در دست انسان است برای این تکامل. این پایه است. بعد براساس این، یک مجموعه بنای زندگی به وجود می‌آید؛ زندگی فرد، زندگی جمع. البته در زندگی فرد، تکلیف هست؛ در زندگی جمع هم تکلیف هست. تکلیف، از «کُلْفَت» است؛ یعنی سختی. هر تکلیفی، نوعی سختی دارد. انسان میتواند سختی ورزش را بر تن خودش هموار نکند. بسیاری از این ورزشکارها سختی‌هایی را تحمل میکنند. رفتن به قلعه‌ی سبلان، کوهنوردی، یا کشتی، یا بقیه‌ی رشته‌های ورزش، همه سختی‌هایی را دارد. یک نفر هم این سختی را بر خودش هموار نمیکند؛ اما محصول آن ورزش هم دیگر گیرش نمی‌آید؛ آن قدرت جسمی، آن توانایی عصبی، آن زیبایی اندام و بقیه‌ی چیزهایی که ممکن است از ورزش حاصل شود. تکالیف دینی نیز همینطور است: انسان ممکن است نماز نخواند، روزه هم نگیرد، صدقه هم ندهد، تلاش هم نکند؛ راحت‌تر خواهد بود؛ این کُلْفَت را نخواهد داشت؛ اما آن محصولهایی را هم که برای زندگی و سرنوشت انسان لازم است، نخواهد داشت. نظام اسلامی، نظامی است که اساس آن بر تأمین خواسته‌های جسمی، روحی، مادی و معنوی انسان است. وقتی این برداشت را از نظام اسلامی داریم، آن وقت برای ایجاد این نظام و برای حفظ این نظام، بزرگترین ارزش را در همه‌ی کارهای دینی قائل میشویم. لذا امام فرمودند: «حفظ نظام اسلامی از واجبتین واجبات است»؛ حقیقت نیز همین است.

نسخه الکترونیکی

هرگونه بهره‌برداری بصورت چاپ و تکثیر ممنوع میباشد.

تأثیر زنان در پیروزی انقلاب در دیدگاه امام خمینی (ره)

امام فرمودند- و درست هم فرمودند- که: اگر زنان در این نهضت همکاری نمیکردند، انقلاب هم پیروز نمیشد. یقیناً اگر زنان در داخل خیابانها و در راهپیماییهای عظیم حضور پیدا نمیکردند- آن حضور عظیم و باشکوه زنان در دوران انقلاب- انقلاب پیروز نمیشد. در جنگ تحمیلی اگر امثال همین مادر گرامی سه شهید و مادران شهیدان و همسران شهیدان- که من افتخار داشته‌ام با هزارها نفر اینها از نزدیک نشست و برخاست و گفتگو کنم و خصوصیات آنها را مشاهده کنم- ایمان خود، صبر خود، ایستادگی خود، معرفت خود و روشن بینی خود در قبال ضایعات جنگ و فداکاریهای جوانان و مردان را نشان میدادند، جنگ پیروز نمیشد. اگر مادران و همسران شهدا بی صبری نشان میدادند، شوق جهاد در راه خدا و شهادت در دل مردها میخشکید؛ اینگونه نمیجوشید؛ اینگونه به جامعه طراوت نمیداد.

نقش امام و ملت در اراده‌ی الهی بر پیروزی در جنگ

اینکه شما دیدید پشت سر عراق، غرب یکپارچه قرار گرفت؛ شوروی و تمام اروپای شرقی یکپارچه قرار گرفتند؛ عربهای خلیج فارس و حکومت‌های خلیج فارس که تابع اشاره‌ی امریکا بودند، یکپارچه قرار گرفتند و همه به عراق کمک کردند؛ هدفشان این نبود که چند شهر را از ایران بگیرند و به عراق بدهند یا یک دولت مستقل درست کنند. هدف، نابود کردن ملت ایران بود. هدف، صاف کردن آن حفره‌هایی بود که ملت ایران در دستگاه اقتدار امپراتوری استکبار به وجود آورده بود. اما خدا نخواست. «خدا نخواست»، یعنی چه؟ یعنی اگر آحاد ملت ایران غفلت میکردند و میخوابیدند؛ رزمندگان به جبهه نمی‌رفتند؛ امام نمی‌غرید و سینه سپر نمی‌کرد و نمی‌ایستاد و این همه استعداد و نیرو در این راه بسیج نمیشد؛ باز هم خدا همینطور میخواست؟ نه، اراده‌ی خدای متعال به نفع یک ملت، تابع اراده‌ی آن ملت است. هیچ حقیقت و واقعیتی در متن زندگی یک ملت به اراده‌ی الهی تغییر پیدا نمی‌کند؛ مگر وقتی که خود آن ملت بر آن همت بگمارد. این صریح آیات قرآنی و جزو معارف قطعی دینی است.

پرورشگاه تاریخی امام خمینی (ره)

قم، شهر محبوب، شهر قیام و انقلاب، شهر علم و اجتهاد، شهر ولایت و امامت، شهر حوزه‌ی علمیه، شهر علمای بزرگ، پرورشگاه تاریخی و فراموش‌نشده‌ی امام بزرگوار ما حضرت آیت‌الله العظمی خمینی.

نسخه الکترونیکی

هرگونه بهره‌برداری بصورت چاپ و تکثیر ممنوع می‌باشد.

لبیک مردم قم به امام؛ از روز اول نهضت

در اولی که این نهضت پا به عرصه‌ی وجود گذاشت، مردم این شهر بودند که پاسخ گفتند و دست یاری به سوی امام دراز کردند. من فراموش نمی‌کنم، در همین مسجد اعظم قم، در هنگامی که تازه اولین هفته‌های مبارزه و نهضت عظیم روحانیت آغاز شده بود، مردم شهر قم از قشرهای مختلف به محل درس امام بزرگوار ما آمدند، صدایشان را بلند کردند و گفتند ما از شما پشتیبانی کردیم و پشتیبانی می‌کنیم؛ چرا این کار پیش نمی‌رود؟ مسئله‌ی انجمنهای ایالتی و ولایتی بود. یعنی از قدم اول، مردم قم امام را و مبارزه را تنها نگذاشتند. آن روزی هم که قلمهای مزدور و خائن، به امام بزرگوار اهانت کردند، باز این شهر بود؛ همین مردم بودند؛ همین جوانها بودند؛ همین مادران و خواهران و همسران بودند که قیام کردند؛ همین جوانها بودند که به خیابانها آمدند؛ شهید دادند، کتک خوردند، زیر فشار قرار گرفتند؛ اما ایستادند.

امام؛ مانع گفتگو با امریکاییها

من در شورای عالی دفاع سال ۵۸ از نزدیک خودم شاهد بودم. داشتند مصوبه‌ای می‌گذرانند که براساس آن مصوبه، هیأت‌های مستشاری نظامی امریکایی همانهایی که آن همه جنایت و خیانت کرده بودند با نام دیگری در ارتش جمهوری اسلامی باقی بمانند! بنده مانع شدم، گفتم این چه کاری است که شما می‌کنید؟! قدری بحث شد، مطلب را متوقف گذاشتند. بعد هم خدای متعال به آنها توفیق نداد این کار را بکنند و رفتند. یکبار دیگر هنوز یک سال از پیروزی انقلاب اسلامی نگذشته بود که همان آقایان، در الجزایر

ره، رهرو، رهبر / ۶۶۱

طرح گفتگوی با امریکاییها دشمنان خونی این ملت را ریختند؛ ولی امام مانع شدند و نگذاشتند.

دعوت به وحدت کلمه براساس راه امام و اسلام

بنده باز هم همه را دعوت میکنم به وحدت کلمه براساس اصول اساسی نظام اسلامی؛ براساس بیانات قانون اساسی؛ براساس اسلام؛ براساس راه امام؛ براساس منافع مردم؛ براساس ستیزه با هر کسی که با این ملت ستیزه‌گری میکند. این خط روشنی است که همه‌ی خیرخواهان و دلسوزان و افراد صادق میتوانند براساس آن جمع شوند.

قاعده‌ی مؤکد امام در مورد حمایت‌های دشمن

امام بزرگوار ما، قاعده‌ای پیش خودشان داشتند و بارها هم آن را بر زبان می‌آوردند. میگفتند هر جا که دیدید دشمنان سوگندخورده‌ی این ملت و این کشور، آنجا توجه و علاقه‌مندی نشان میدهند و از آنجا دفاع میکنند، به کار آنها سوءظن پیدا کنید. گاهی برای اینکه شخصیتی را خراب کنند، از او جانبداری میکنند. گاهی برای اینکه یک دست‌نشانده‌ی خود را بزرگ کنند، از او حمایت میکنند و جنگ روانی به راه می‌اندازند.

در اجتماع بزرگ بسیجیان شرکت‌کننده در اردوی فرهنگی، رزمی یاران امام علی(ع)، ۱۳۷۹/۰۷/۲۹

امام قدردان نیروهای خودجوش مردمی

خدا را شکر میکنیم که از روز اول انقلاب، نیروی خودجوش مردم در همه‌ی میدانها حاضر بود و امام، قدر این نیرو را دانست و آحاد ملت قدر این جریان جوشنده‌ی عظیم را در میان خودشان دانستند.

در اجتماع بزرگ مردم اراک، ۱۳۷۹/۸/۲۴

تشکیل استخوان‌بندی علمی امام در اراک

در میان پرورش‌یافتگان این استان و این شهر، علمای بزرگی بودند که در رأس آنها

شخصیتی است که ایران بزرگِ کهنِ ریشه‌دارِ تاریخی ما به عظمت او، به بزرگی و نفوذ او، به تأثیرگذاری او کمتر کسی را در تاریخ خود سراغ دارد؛ و او امام بزرگوار ما، امام روح‌الله الموسوی الخمینی است. استخوان‌بندی علمی امام عزیز ما در همین شهر شما به وجود آمد؛ در همین مدرسه‌ای که امروز به نام شریف او مزین است، درس خواند و دوره‌ی جوانیش را چند سالی در اینجا گذراند. این مرد بزرگ از این استان به حوزه‌ی بزرگ قم هدیه شد و حوزه‌ی قم این گوهر تابناک را پرورش داد و به ملت ایران هدیه کرد. بنابراین، این هدیه‌ی الهی را اول بار شما اراکیها و مردم استان مرکزی در درون خود پرورش دادید و به جهان اسلام هدیه کردید. ■

تلاش رادیوهای بیگانه بر ایجاد اختلاف بین متمسکین به راه امام

امروز رادیوهای بیگانه همه‌ی تلاششان این است که اختلافات جناحی را مرتب تشدید کنند. اگر کسی رادیوهای بیگانه را گوش کرده باشد برای ما تقریباً همه‌ی مضامین رادیوها را هر روز می‌آورند؛ میدانیم اینها چکار میکنند و به شگرد تبلیغ آنها آشنا باشد، خواهد دید همه‌ی تلاششان این است که جناحهای سیاسی را به جان هم بیندازند؛ کسانی را که متعلق به انقلابند همه متعلق به انقلابند؛ همه متعلق به اسلامند؛ همه دلسوز این ملتند؛ همه دنبال امام عزیز و بزرگوارمان هستند و راه او را دنبال میکنند سعی میکنند به جان هم بیندازند و فاصله‌ی بین آنها را زیاد کنند.

در دیدار گروه کثیری از جوانان اراک، ۲۶/۸/۱۳۷۹

تلاش برخی برای فراموشی راه امام، راه استوار الهی

عده‌ای مینشینند استخوانهای پوسیده را از زیر خاک بیرون می‌آورند تا از آنها درس بگیرند و یاد و نام امام را که هنوز فریاد او در میان ما زنده است، به فراموشی بسپارند؛ در حالی که هنوز نام او ملتهای بیگانه و دوردست را به هیجان می‌آورد و در راه عظمت و عزتشان حرکت میدهد. میخواهند نام و یاد امام را منسوخ شده تلقی کنند و بگویند قدیمی شد. نه؛ امام و راه امام به این زودیه‌ها قدیمی نمیشود؛ به این آسانیه‌ها منسوخ نمیشود؛ این چیزی نیست که در فاصله کوتاهی به وجود آمده باشد و سطحی باشد، تا

ره، رهرو، رهبر / ۶۶۳

در فاصله کوتاهی هم از بین برود. این راه استوار الهی و صراط مستقیم خدایی است؛ این چیزی است که در تحقق خود و در پیشرفت به سمت آرمانهای خود، با عواطف و احساسات و انگیزه‌های معنوی میلیون‌ها انسان عجین شده است.

در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۹/۹/۲۵

اجماع مسلمین بر حمایت از روز قدس امام

در بین همه‌ی مذاهب رایج اسلامی، هیچ اختلافی نیست و فقها همه بر این اتفاق دارند که اگر قطعه‌ای از خاک اسلامی به وسیله‌ی دشمنان اسلام جدا شد و حاکمیت دشمنان اسلام بر آن قطعه به وجود آمد، همه باید وظیفه‌ی خودشان را مجاهدت و تلاش برای برگرداندن آن قطعه به سرزمین اسلامی بدانند. لذا ملتهای مسلمان در هر جای دنیا که هستند، این را وظیفه‌ی خودشان میدانند. البته خیلیها نمیتوانند اقدامی بکنند؛ اما هر کسی بتواند و هر طوری که بتواند، باید اقدام کند و اقدام میکند. برای همین هم هست که شما ملاحظه میکنید همه‌ی دنیای اسلام از روز قدسی که امام بزرگوار در جمعه‌ی آخر ماه رمضان هر سال معین کردند که جمعه‌ی آینده است استقبال میکنند.

ترسیم خط جمهوری اسلامی توسط امام در مورد اسرائیل

و اما جمهوری اسلامی ایران از روز اول، موضعش را در مقابل این پدیده‌ی زشت، روشن کرده است. موضع جمهوری اسلامی ایران که امام فرمودند، بارها مسئولان گفته‌اند و ما هم بارها تأکید کرده‌ایم، این است که اساساً این غده‌ی سرطانی اسرائیل باید از این منطقه کنده شود.^۱

در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۷۹/۱۰/۷

راه سعادت ملت و آینده‌ی کشور

روز عید فطر - همچنان که در روایت امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) هست - به روز قیامت تشبیه شده است؛ یعنی روز پاداش. ان شاء الله این اجتماع عظیم شما در این مراسم

۱ مضمون این مطلب در «خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۶۸/۱۱/۲۰» و «پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۶۹/۰۴/۰۷» نیز تکرار شده است.

معنوی و عبادی و سیاسی، توجه و رحمت الهی را به سوی شما جلب کند و ملت ایران و مسئولان کشور و همه‌ی کسانی که در هر نقطه‌ای از کشور و در هر بخشی از بخشهای عظیم تلاش این ملت مسئولیتی دارند، بتوانند با توکل به خداوند متعال، با توجه به راهنماییهای الهی در قرآن و در کلمات اهل بیت (علیهم‌السلام) و به دنبال انگشت اشاره‌ی مرد بزرگ معنوی دوران ما و جانشین پیامبران - امام بزرگوارمان - این راه را ادامه دهند و ان شاء الله سعادت ملت و آینده‌ی این کشور را تأمین کنند.

در دیدار اعضای دفتر تحکیم وحدت، ۱۳۷۹/۱۰/۱۳

مناظره‌ای در سال ۵۸ جهت بررسی «خط امام»

من یادم نمی‌روم که در سال ۵۸، قبل از ماجرای سفارت امریکا، چند نفر از همین جوانهایی که بعداً اتحادیه انجمنهای اسلامی - یا دفتر تحکیم - را به وجود آوردند، در دانشگاه امیرکبیر جلسه‌ای برگزار کردند و از من و چند نفر دیگر، و از آن طرف هم از بنی‌صدر و دیگران دعوت کردند تا ما بنشینیم راجع به چند موضوع اساسی با هم بحث کنیم و به یک نتیجه و تصمیم برسیم. موضوعی که در آنجا مطرح شد، «خط امام» بود. بنی‌صدر و آن دو، سه نفری که آمده بودند، ادعا میکردند که اصلاً خط امام یک امر ذهنی محض است و هیچ واقعیتهایی ندارد! در آن اشتباک شدید سلاقی و نظرات، دریایی از سیاستها و حرفها و تصمیمها و نشانه‌گیریها وجود داشت؛ صرف یک سلیقه نبود. ممکن بود ماها درست ملتفت نمیشدیم - حقیقت قضیه همین بود؛ ماها تازه‌کار بودیم؛ صرفاً ایمان و احساس خودمان را بیان میکردیم - لیکن همه اینگونه نبودند؛ حرفهایی میزدند که وقتی بادقت نگاه میکردیم - البته آن وقت نه؛ بعدها که به تحلیل آن مسائل مینشستیم و وقایع را با هم جفت و جور میکردیم - میدیدیم که پشت سر این حرفها و اظهار سلیقه‌ها و اظهارنظرهایی که گاهی بسیار عادی هم بیان میشد، دستگاهها و سیستمهای عظیم جهانی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی وجود دارد. مثلاً ناگهان شما میدیدید که پشت سر یک کلمه حرف، دستگاه عظیم اتحاد جماهیر شوروی و حکومتهای کمونیستی دنیا قرار دارند. حرف، به ظاهر یک حرف انقلابی بود و حتی با آب و رنگ و لعاب اسلامی وسط گذاشته میشد؛ اما پشت سر آن، چیزهای عجیبی بود - در همه‌ی موضوعات هم این طور

بحثها بود- یک وقت میدیدیم که مثلاً خطوط اصلی دستگاه اقتصادی یا سیاسی دنیای غرب، پشت سر یک کلمه حرف قرار دارد. در آن هنگام، جلسات عالی نظام- مثل شورای انقلاب و بعدها جلسه مشترک شورای انقلاب با دولت- تقریباً هر روز یا هفته‌ای دو، سه روز تشکیل میشد. بحثهایی که میشد، گاهی هم بسیار عادی بود؛ لیکن کش پیدا کردن بحثها، ایستادگی افراد روی بحثها، ترتیب اثر دادن به نتایج حرفهایی که میزدند، آدم را تکان میداد که چرا اینها اینقدر اصرار میکنند! بحث خط امام و اینکه خط امام چیست، در چنین فضایی مطرح شد.

آنهایی که بحث خط امام را مطرح میکردند، بچه‌های خودی- بچه‌های انجمنهای اسلامی- بودند؛ همانها امروز هم هستند؛ البته از شماها ده، بیست سالی بزرگترند و در کارهای مختلف- مثل مجلس و جاهای دیگر- مشغولند. جوانهای دانشجو به امام مراجعه کرده بودند، ایشان هم اسم بنده را آورده بودند که با فلانی مرتبط باشید. ما با دانشجوها تقریباً جلسات مرتب یا شبیه مرتب چند ساعته داشتیم، تا تبیین کنیم که خط امام وجود دارد یا ندارد. ما با بیان نشانه‌ها و علائمی که در جامعه وجود داشت و سنگ‌نشانهایی که میتوانست راهها را کاملاً از هم جدا کند، اثبات کردیم که چیزی به نام «خط امام» وجود دارد؛ نشانه‌هایش هم اینهاست. البته طرفهای مقابل ما- همان آقای که اسم آوردم و یکی، دو نفر دیگر که الآن هم در تهران هستند و بعضی از آنها دوستان و همکاران قبل از انقلاب خود ما بودند که در جلسات دور هم مینشستیم و بحث میکردیم- قبول نمیکردند و زیر بار نمیرفتند که چیزی به نام «خط امام» وجود دارد!

معنای واقعی خط امام و منشأ اهمیت آن

البته معنای «خط امام» این نبود که چون امام این را گفته، ما نیز همان را میگوییم؛ امام نه خودش ادعا داشت، نه ما درباره‌ی امام این را قائل بودیم که هرچه او میگوید، وحی منزل است؛ بلکه امام از دین حرف میزد. امام یک شخصیت حقیقتاً مستحکم و قوی و بامعرفت و بسیار آگاه و صبور بود؛ از آنگونه انسانهایی بود که در هر تحول عظیم اجتماعی، تا چنین جوهرهایی وجود نداشته باشد، هیچ حرکت عظیمی که بخصوص با سیستمهای جهانی اصطکاک داشته باشد، به جایی نمیرسد. امام دانش و معرفت فراوان و

آگاهی زیاد داشت؛ روشنفکر و نوگرا بود؛ که در آخرین سال عمر ایشان، این نوگرایی حتی در آثار فقهی امام هم بروز کرد که عده‌ای اینها را برنمی‌تافتند. ایشان در عین حال- همانطور که این برادر عزیزمان گفتند- پدر و معمار حقیقی انقلاب بود و اگر او جلودار نبود، همه‌ی این تشکیلاتی که مبارزه می‌کردند، و پشت سر آنها مردم، یقیناً به بن‌بست میرسیدند.



تبیین خط امام در فرمایشات ایشان

امام با همان ظرفیت فکری، حرکتی را شروع کرده بود و تبیین هم می‌کرد. امام دائم صحبت می‌کرد. در اوایل انقلاب- برخلاف این اواخر که امام کمتر صحبت می‌کرد- کمتر روزی بود که ایشان یک سخنرانی نداشته باشد و در رسانه‌ها پخش نشود؛ دائم مشغول صحبت بود و مبانی خودش را بیان می‌کرد. خط امام، محصول همه‌ی این حرفها بود. آقایان میخواستند این شاخص را از وسط بردارند تا بتوانند انقلاب را به همه طرف بکشانند؛ و همین کار را هم ادامه دادند و به آن قضایای تلخ سالهای ۵۹ و ۶۰ رساندند که بالاخره در تیر ماه سال ۶۰ هم منجر به رفتن آنها و فرار کردن یک گروه و انجام ترورها شد.

در دیدار جمع کثیری از مردم قم، ۱۳۷۹/۱۰/۱۹

امام؛ محصول پایتخت فکری و علمی دنیای اسلام

هفتاد سال هم هست که قم مرکز و پایتخت فکری و علمی دنیای اسلام است. از زمان ورود مرحوم آیت‌الله حائری به قم- سال ۱۳۴۰ قمری- این شهر به مرکز اصلی علمی عالم اسلام و تشیع تبدیل شد و بعد در زمان مرحوم آیت‌الله بروجردی به اوج خود رسید؛ و محصول آن دوره‌ها پیدایش شخصیت عظیم‌القدر و کم‌نظیری مثل امام بزرگوار بود.

ایستادگی امام در برابر انحراف مسیر انقلاب همچون انقلابهای دیگر

بسیاری از این نهضت‌های آزادیبخش و مبارزات ضد استعماری، به وسیله‌ی علما و اهل دین به وجود آمد؛ لیکن اهل دین بعد از آنکه یک مقدار جلو رفتند، اندکی قبل از پیروزی یا پس از آن، کنار کشیدند.

در هند نیز همین‌طور شد؛ یعنی رهبران مذهبی در وسط راه، کار را رها کردند. در مصر هم کم و بیش همین وضعیت پیش آمد؛ در عراق هم نظیر این وضعیت اتفاق افتاد. امیدوار بودند که در ایران هم اینگونه شود؛ حتی یکی از همین کسانی که به برکت انقلاب وارد میدان شده بود، ولی پرورش‌یافته‌ی فکر غربی بود، در همان اوایل انقلاب به امام توصیه کرد که شما به قم بروید و مشغول کارهای خودتان باشید، ما هم در اینجا مملکت را اداره میکنیم! آنها این امید را داشتند، اما نشد. دیدند عزم راسخ و کوه استواری پشت سر این حرکت وجود دارد؛ مردم هم رها نمیکنند و با معرفت و آگاهی آمده‌اند. طبعاً انواع و اقسام توطئه‌ها شروع شد، که تا امروز هم ادامه دارد. بنابراین، این حرف نو در دنیا رایج شد؛ اگرچه هجوم تبلیغات هم از همه طرف شروع گردید.

خط امام؛ امری واقعی، نه ذهنی

خط امام و پایبندی به اسلام، یک امر کلی ذهنی نیست؛ یک امر واقعی است.

مناظره‌ی مربوط به ماهیت خط امام به دعوت برخی دانشجویان

یک خاطره مربوط به جلسات متعددی است که با جمعی از دانشجویان در این دانشگاه گذاشته بودیم. تعدادی از آن دانشجویان امروز هم هستند و بعضی از آنها جزو مسئولان کشور و از چهره‌های نسبتاً معروفند. جلساتی را گذاشته بودند و از بنده از یک طرف، و از بنی‌صدر - که آن وقت هنوز رئیس‌جمهور هم نبود - از سوی دیگر دعوت کرده بودند تا ما درباره‌ی ماهیت خط امام بحث کنیم. عده‌ای از همان روز اول منکر بودند که چیزی به نام خط امام وجود دارد. میگفتند خط امام چیست؟! برای تبیین

ماهیت و حدود خطّ امام، جلسات متعدّدی در اینجا تشکیل شد که برای من فراموش نشدنی است.

گوش به فرمان امام در انجام کارها بطور کامل

در زمان ریاست جمهوری در این دانشگاه سخنرانی داشتم و به سؤالات پاسخ میدادم. یکی از دانشجویان در سؤال کتبی خود از من پرسید که شما بعد از ریاست جمهوری قصد دارید چه شغلی انتخاب کنید؟- چون همه نوع حدسی زده میشد- من گفتم برای خودم شغلی در نظر نگرفته‌ام و نمیدانم چه پیش می‌آید؛ اما همینقدر بگویم که اگر امام مرا مأمور عقیدتی، سیاسی گردان انتظامی زابل کنند و بگویند به آنجا برو، من دست زن و بچه‌ام را میگیرم و به زابل میروم و در آنجا مسئول عقیدتی، سیاسی آن گردان میشوم. یعنی من هیچ خواسته‌ی مشخصی در این زمینه برای خودم قائل نیستم.

اتهام خشونت به امام مظهر عطوفت و رحمت، توسط صهیونیسم

رادیوی صهیونیستی و صهیونیستها هستند که راجع به خشونت بحث میکنند. اینها بصورت مسائل سیاسی و تبلیغاتی مطرح میشود. چیزی نیست که انسان بتواند آن را بعنوان یک واقعیت در نظر بگیرد، تا بخواهد درباره‌ی آن اظهارنظری کند. از این هم نباید غفلت کرد. عده‌ای تشنه‌ی قدرتند، یا مریضند و یا سفیه‌اند؛ لذا همان حرفها را مجدداً تکرار میکنند. امام بزرگوار را که مظهر رحمت و عطوفت بود، به خشونت متّهم میکنند. امام یک انسان عارف و حقیقتاً مظهر رحمت بود؛ مردی که آنگونه باصلابت انقلاب را پیش میبرد، در مقابل مسائل عاطفی آنقدر دقیق بود. من چند بار این را در شخص امام تجربه کردم.

در یکی از سفرهای من به یکی از استانهای کشور، مادر اسیری که بعد، فرزندش به شهادت رسید، پیش من آمد و جمله‌ای را که حاکی از ارادت به امام بود، گفت و تأکید کرد که من آن را به ایشان بگویم. من آمدم به امام گفتم، دیدم ایشان مثل یک انسان بشدّت رنجور، درهم شد و اشک چشمش را پُر کرد. در زمان جنگ نیز که بچه‌ها

ره، رهرو، رهبر / ۶۶۹

قلکهای پولشان را برای کمک به جبهه به نماز جمعه آورده بودند و هدیه میکردند، من فردای آن روز خدمت امام رفتم. ایشان این منظره را از تلویزیون دیده بود و بقدری به هیجان آمده و متأثر بنظر میرسید که من واقعاً تعجب کردم!

علت اتهام خشونت به امام

امام مظهر احساس بود. انسانی عطف، مهربان و بشدت عاطفی بود. چنین انسانی را به قساوت متهم کنند. چرا؟ چون در زمان او- در قضیه‌ی عملیات مرصاد- حکم قانون نسبت به یک عده محارب و آدمکش جنایتکار اجرا شده بود. عده‌ای با این مردم جنگیده بودند، که مجازات مشخصی هم در قانون دارد. امام هم مَرّ قانون را اجرا کرده بود. البته امام که این کار را نکرده بود؛ دستگاههای مسئول آن موقع انجام داده بودند؛ اما امام را به قساوت متهم میکردند! امروز هم یک عده آدم غافل، یا سفیه، یا بی‌اطلاع از نقشه‌ی دشمن، اینها را در داخل تکرار میکنند. اینها واقعاً ظلم است. کسی بیاید این را- که یک دعوی تبلیغاتی و یک جنگ روانی علیه انقلاب و امام و ارزشهای اسلامی است- بعنوان مبارزه‌ی با خشونت مطرح کند. این به مسئله‌ی خشونت چه ربطی دارد؟

برخورد امام با خشونت؛ حتی از طرف نیروهای انقلاب

نظر همه درباره‌ی خشونت معلوم است. همان وقتها امام علیه کسانی که گاهی در بعضی از برخوردها با آدمهایی که ظواهر را رعایت نمیکردند، قدری تندی به خرج میدادند، اطلاعیه‌ی تندی صادر کرد. آنها نیروهای انقلاب بودند، اما امام حتی علیه آنها اطلاعیه صادر کرد؛ چون خشونت به خرج میدادند و کارشان غیرقانونی و غیرمنطقی بود.

در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۹/۱۲/۲۶

اهمیت تجلیل از حاج احمد آقا فرزند حضرت امام(ره)

امروز به مناسبت سالگرد ارتحال یادگار ارزنده‌ی امام بزرگوارمان- مرحوم آقای حاج احمد آقا(رضوان الله تعالی علیه)- اجتماع نمازمان را در کنار مرقد او و مرقد امام بزرگوارمان قرار داده‌ایم. تجلیل از این عزیز سفرکرده‌ی ما از دو نظر بر عهده‌ی ماست و بعنوان یک

فریضه، همیشه وجود دارد: یکی بخاطر امام، یکی بخاطر خود او. اما بخاطر امام: این مرد صبور و پُرکار و بسیار جدی، به معنای حقیقی کلمه، بیشتر عمر مفید خود را در خدمت امام و برای امام و هدفهای امام گذراند. امام هم قدر این فرزند باکفایت خود را میدانستند. حداقل دو مرتبه بنده خودم از امام شنیدم که فرمودند: احمد عزیزترین افراد برای من است. امام از آن آدمهایی نبودند که بعنوان یک کار احساساتی و شخصی، بخواهند به نزدیکان خود اظهار علاقه کنند؛ آن جمله را فرمودند که ما هم بگوییم؛ فرمودند که فقط خود ما بدانیم. در موارد متعددی امام نسبت به حاج احمد آقا اظهار اعتماد کردند. من فراموش نمیکنم جلسه‌ی بسیار پُرهیجانی را که امام (رضوان‌الله‌علیه) بطور صریح جلوی من و چند نفر دیگر اظهار کردند که به حاج احمد آقا اعتماد کامل دارند. پس بخاطر امام، خوب است که ما همیشه از یادگار فقید امام تجلیل کنیم.

علت واقعی دشمنیها با فرزند حضرت امام (ره)

اما بخاطر خود او: او حقیقتاً رنج کشید و تلاش و فعالیت کرد. در آن راهی که تشخیص میداد راه انقلاب و راه اسلام و راه مورد نظر امام است، بی‌ملاحظه حرکت کرد و خیلیها را هم با خودش دشمن کرد. بعضی از این دشمنیهایی که ولو با نام اسلام و با نام بعضی از دلسوزیها نسبت به مفاهیم زیبا انجام میگیرد، دشمنیهای شخصی است؛ عقده‌هایی است که از شخص این عزیز مظلوم در دل داشتند؛ چون او در مواضع امام متصلب بود و تسلیم نمیشد و زیر بار خیلیها نمیرفت. کسانی که برای دلخوشی دشمنان انقلاب و اسلام، زبان به هجو و بدگویی از مرحوم آقای حاج احمد آقا باز کردند، اینها در واقع پشت سر حاج احمد آقا، از امام و انقلاب عقده دارند. دشمنی شخصی آنها با آن مرحوم بخاطر این است که او به معنای حقیقی کلمه مدافع بود: مدافع امام و انقلاب در زمان حیات امام و بعد از حیات امام. ایشان از ارزشها و اصول دفاع کرد و ایستاد و خلاف انتظار و توقع خیلیها رفتار نمود. خود ایشان در یک سال آخر عمرش، دو، سه مرتبه پیش من از بعضی کسان که از او توقعات دیگری داشتند و چیزهای دیگری میخواستند، درددل کرد.

قاعده‌ی امام در مقابل ترفند دشمن در تعریف از برخی افراد

دشمن وقتی میتواند به هدفهای خودش برسد که بتواند در بدنه‌ی حاکمیت نظام و در مسئولان بخشهای مختلف، اختلاف و شکاف ایجاد کند. دشمن دنبال این قضیه است. چگونه میشود شکاف ایجاد کرد؟ میتوان دو راه را در پیش گرفت: اینها از یک راه آن تقریباً مأیوس شده‌اند؛ البته نمیگوییم کامل، اما از آن راه نتوانسته‌اند عمل کنند. راهی که آنها نتوانستند در آن خیلی مانور کنند و تحرک نشان دهند، راه نفوذ در ارکان حاکمیت بود. اینها نمیتوانند در مراکز بالای حاکمیت نفوذ کنند و هنوز هم نتوانسته‌اند. راه دیگری که همیشه از اول انقلاب آن را طی کرده‌اند و بنده از دوران ریاست جمهوری و بعد از آن، در این زمینه بسیار خاطره‌ها و نمونه‌ها در ذهن دارم، این است که جمعی یا شخصی از حاکمیت را مورد توجه خود قرار دهند؛ از او تمجید و حمایت کنند و خود را طرفدار او نشان دهند؛ شاید بتوانند از این طریق، هم دیگران را به او بدبین کنند، هم او را به خودشان خوشبین نمایند؛ یعنی در حاکمیت شکاف به وجود آورند. این جزو برنامه‌های همیشگی تبلیغات دشمنان بوده است؛ هم قبلاً بوده، هم امروز وجود دارد؛ بارها هم این را تجربه کرده‌اند و در موارد متعددی هم شکست خورده‌اند.

لیکن دشمن در مواردی موفق شد و در مواردی توانست از این ترفند استفاده کند. به مجرد اینکه بر سر مسئله‌ای در داخل کشور اختلاف نظری به وجود می‌آید، بنا میکنند یک طرف را کوبیدن، به نفع یک طرف دیگر؛ یک طرف را تعظیم و تجلیل و تکریم کردن، علیه یک طرف دیگر! ما باید هوشیار باشیم، حواسمان جمع باشد و بفهمیم که دشمن در چه فکر و چه خیالی است. خیلیها این ترفند را میفهمند، بعضیها هم نمیفهمند و فریب میخورند. امام (رضوان‌الله‌علیه) در اینگونه موارد یک قاعده‌ی کلی ابراز میکردند. بنده در طول این بیست و دو سال تجربه‌ای که از آغاز جمهوری اسلامی تا امروز داشته‌ام، همه جا دیده‌ام که این روش و منطقی که امام به کار میزدند، درست بوده است. امام میگفتند که هر وقت دشمنان از شما تعریف کردند، بدانید طمعی در شما دارند؛ لذا مراجعه کنید و زمینه‌ی آن طمع را از بین ببرید. هرچه که آنها مردم را، جماعت را،

جوانان و قشرهای مختلف را به آن دعوت کردند، بدانید که آن به ضرر شماست. ما هر جا تاکنون تجربه کرده‌ایم، همینطور بوده است؛ بنابراین بسیار باید مراقب بود.

در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حرم مطهر امام رضا(ع)، ۸۰/۱/۱

وجود شاخصهای علوی در جای‌جایِ تعالیم امام

انقلاب اسلامی براساس الگو قرار دادن همین شخصیت همه‌جانبه‌ی کامل به وجود آمد. آنهایی که خواستند از انقلابهای گذشته و از بعضی حوادث کشورهای دیگر برای انقلاب اسلامی شبیه‌سازی کنند، به این نکته توجه نکردند. انقلاب اسلامی الگو و نمونه‌ی خود را از امیرالمؤمنین گرفت و نظام جمهوری اسلامی به وجود آمد. امام بزرگوار ما که یک شاگرد و رهرو مکتب امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام)، در رفتار و گفتار خود، همین توصیه‌ها را میکردند. اگر نگاه کنید، در تعالیم امام بزرگوار، جا به جا شاخصهای علوی را مشاهده میکنید. بخاطر همین بوده است که دشمنان، نقطه‌ی مقابل راه امام را هدف فعالیت خودشان قرار داده‌اند. تبلیغات دشمنان انقلاب و نظام جمهوری اسلامی - که دشمنان ملت ایرانند - هدف خود را همین قرار داده‌اند که نقطه‌ی مقابل راهی را که امام بزرگوار با شاخصهای معین ترسیم کرده بودند، در میان مردم ترویج کنند.



وجود افراد منحرف از خط امام در بین ملت مقاوم در برابر دشمن

البته متن ملت عزیز ما، تسلیم فشار تبلیغاتی دشمن نشده و نخواهد شد؛ اما کسانی که خودشان اشتباه کردند، در بین ما هستند. اینها راه غلطی رفتند و بعضی از مجموعه‌ها را هم با خودشان به راه غلط کشاندند. امام به ملت ما یاد دادند که باید مسئولان در فکر ضعفا و پابره‌نه‌ها باشند و به نیازهای مردم توجه کنند. آنها در تبلیغات و در تهاجم فرهنگی خود، توجه به خواست قدرتهای استکباری را ملاک قرار دادند؛ ببینند امریکا از چه چیزی بدش می‌آید، از آن پرهیز کنند؛ ببینند قلدوران و زورگویان عالم به چه چیزی تمایل دارند، به طرف آن حرکت کنند. این نقطه‌ی مقابل تعالیم جمهوری اسلامی است

ره، رهرو، رهبر / ۶۷۳

که در گفتار امام بزرگوار ما تجلی میکرد. امام به ما یاد دادند که هرچه فریاد دارید، بر سر امریکا بکشید؛ اما عده‌ای فریادهای خود را بر سر خودیها کشیدند؛ به دیگران هم یاد میدهند که بر سر همدیگر فریاد بکشند! امام در وصیتنامه و در تعلیمات دوران حیات بابرکت خود تکرار میکردند که از غریبه‌ها و نامحرمها و نفوذیها برحذر باشید. مراقب باشید تا کسانی که با این انقلاب و این نظام و این اسلام و با منافع مردم هیچ میانه‌ی خوبی ندارند، در ارکان تصمیم‌گیری کشور نفوذ نکنند. مسئله‌ی غریبه‌ها و ناهلها و نامحرمها را، اول امام مطرح کردند. اینها در مقابل آن جهت و آن خط روشن، میگویند از دوستان و از خودیها برحذر باشید و پرهیز کنید. اینها را با نامهای گوناگون و چپ و راست مطرح میکنند. اگر شما هر کدام از این رادیوهای بیگانه را باز کنید، در هر یک از برنامه‌هایشان، حداقل چند بار اسم جناح محافظه‌کار و نوگرا را مطرح میکنند؛ تعبیراتی که ملت ایران و علاقه‌مندان به انقلاب و مؤمنان و وفاداران به مصالح عمومی این ملت و این کشور را به جبهه‌های مختلفی تقسیم میکند. امام میگفتند ایران یکپارچه، ملت متحد و همزبان؛ اما عده‌ای سعی میکنند طبق خواست و میل و صلاحدید دشمنان این ملت، جهات غیرعمومی را - قومیتها و مذاهب و دسته‌دسته کردن مردم و بازی با الفاظی از قبیل حزب و امثال آن را - در میان مردم رایج کنند و یکپارچگی مردم و آن وحدتی را که میتواند ایران اسلامی را از لابلای توفانها عبور دهد، به هر شکلی دچار انشقاق و پراکندگی کنند.

در دیدار با فرماندهان و گروهی از پرسنل ارتش به مناسبت روز ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۸۰/۱/۲۸

قیام هشیارانه امام، مقابل توطئه علیه سرمایه‌های کشور

خیلیها درصدد بودند در آغاز انقلاب سرمایه‌های ملی را به بهانه‌های مختلف از بین ببرند؛ کما اینکه نسبت به بعضی از سازمانها این کار را هم کردند. یکی از سرمایه‌هایی که به نابودی آن کمر بسته بودند، سازمان ارتش بود؛ اما امام بزرگوار ما در جهت خنثی کردن این توطئه، هشیارانه قیام کرد. لذا ارتش بعنوان یک سازمان انقلابی و مؤمن، وسط میدان آمد.

ظهور حرکت امام خمینی؛ آغازگر بیداریهای اسلامی منطقه

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی، مردی فرزانه از تبار پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، نقش اساسی در بیداری اسلامی در همه‌ی جهان، بویژه در کشورهای منطقه داشت.

خیزش اسلامی و یا به تعبیر دیگر جنبش بیداری اسلامی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و ظهور حرکت امام خمینی (رضی‌الله‌عنه) در دو دهه‌ی اخیر، با قدرت تمام در صحنه‌ی منطقه و جهان اسلام ظاهر شده است. امروز محور اصلی این جنبش و حرکت، مسئله‌ی فلسطین است. انتفاضه‌ی اقصی توانست حتی در خارج از مرزهای جغرافیایی فلسطین و برون از ملت فلسطین، عموم ملت‌های مسلمان و عرب را به صحنه بکشانند.

تشکیل مقاومت اسلامی لبنان به توصیه و حمایت امام راحل

روزی که مقاومت اسلامی در لبنان به همت دلاورمردان لبنانی و با توصیه و حمایت امام راحل شکل گرفت، اسرائیل، بیروت - یعنی پایتخت لبنان - را در اشغال خود داشت و بر مقدرات سیاسی این کشور چنگ انداخته بود. آن روز وقتی مقاومت اسلامی شعار «زحفاً زحفاً نحو القدس» را سر داد، گروهی از بیخبران، آنان را ساده‌اندیش خواندند و به طعنه سؤال کردند: آیا میشود به سوی قدس حرکت کرد، حال آنکه شما لبنانیها از ورود به پایتخت کشور خود ناتوان هستید؟ از آن تاریخ تا پیروزی تاریخی مقاومت اسلامی بر اسرائیل، فقط هجده سال به درازا کشید. تصدیق میفرمایید که هجده سال، در تاریخ مبارزات ملتها زمان زیادی نیست.

بروز خصوصیات امام هدایت؛ در بررسی سیره‌ی امام خمینی

«قال الله الحكيم في كتابه: بسم الله الرحمن الرحيم. وَجَعَلْنَاَهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ»^۱

خداوند متعال در توصیف پیامبران و راهنمایان بشر و کسانی که پرچم هدایت و ارشاد نسلهای انسانی را بر دوش داشتند، از جمله این خصوصیات را بیان میکند: اینها- طبق خصوصیات ذکر شده در قرآن- امام و پیشوای هدایتند و از سوی خداوند، کار نیک و عمل به خیرات به آنها وحی میشود؛ اقامه‌ی صلات و ایتاء زکات میکنند و افتخار بزرگشان این است که بنده‌ی خدا هستند و با عمل خود، راه بندگی را به بشریت تعلیم میدهند.

امروز در دوازدهمین سالگرد غروب خورشید درخشان امامت و ولایت در دوران معاصر- یعنی رهبر عظیم‌الشأن و بزرگوار ما، امام خمینی- وقتی در سیره و عملکرد این مرد بزرگ و جانشین پیامبران دقت میکنیم، خصوصیات امام هدایت را در زندگی و سیره و تعلیم او بوضوح می‌یابیم.

ضرورت آشنایی همگان با راه و رسم و تعلیم امام

آنچه که امروز برای همه‌ی ما بسیار اهمیت دارد، این است که با راه و رسم و تعلیم امام- که در واقع تشکیل‌دهنده‌ی حقیقی شخصیت اوست- آشنا شویم؛ اگرچه ملت ما بحمدالله این سرمایه‌ی معنوی را برای خود حفظ کرده است.

معنای واقعی سیره‌ی امام

امروز من در این مجمع عظیم، یک بُعد از شخصیت امام را به عرض شما برادران و خواهران و همه‌ی ملت ایران میرسانم. سیره‌ی امام بزرگوار فقط بیان شخصیت یک

۱ سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۷۳. و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت میکردند، و به ایشان انجام دادن کارهای نیک و برپاداشتن نماز و دادن زکات را وحی کردیم و آنان پرستنده‌ی ما بودند.

انسان نیست؛ بلکه راهنمای عمل همه‌ی ملت ایران و مسلمانان جهان است؛ راهنمای عمل همه‌ی کسانی است که میخواهند در سایه‌ی اسلام، برای خود زندگی شایسته‌ی انسانی فراهم کنند. البته ملت ایران بیش از دیگران مخاطب این سخنان است؛ زیرا بار امانتی که بر دوش ماست - یعنی حفظ دستاورد عظیم این انقلاب - یک ویژگی برای ملت ایران است. با حفاظت از این ذخیره‌ی عظیم، باید شکر این نعمت را بگزاریم. ■

چهار عنصر حیاتی یکی از ابعاد بزرگ شخصیتی امام

این بُعد از شخصیت امام عبارت است از اینکه امام در ساخت و مهندسی نظام جمهوری اسلامی، همه‌ی عناصر و اجزایی را که میتواند این نظام را استوار و ماندگار کند، مورد ملاحظه قرار داد و با مهارت تمام این عناصر اصلی را در درون این بنای شامخ و مستحکم کار گذاشت. این عناصر اصلی عبارت است از اسلام، مردم، قانونگرایی و دشمن ستیزی. امام بزرگوار در بنای نظام شامخی که به جای رژیم پوسیده‌ی سلطنتی در ایران بر سر کار آورد، این عناصر و اجزا را با دقت تمام کار گذاشت؛ در عمل خود به آنها پایبند و متعهد ماند و در پیام و بیان و تعالیم خود بر آنها پافشاری کرد. امروز هم مثل بیست و دو سال گذشته، همه‌ی کسانی که وجود نظام اسلامی را با منافع نامشروع خودشان ناسازگار میبینند و با آن دشمنی میکنند، بیش از همه با همین چهار عنصر مقابله میکنند. عمده‌ی تلاش آنها این است که یا عنصر اسلامیّت را از نظام بگیرند؛ یا تکیه بر مردم را - با همان معنای وسیع و بدیعی که امام به آن توجه داشت - از نظام سلب کنند؛ یا در بنای قانونی نظام خدشه کنند؛ یا هشیاری و بیداری دائمی در مقابل دشمن را از نظام بگیرند و بیداری را به خواب آلودگی و غفلت تبدیل کنند. لذا برای ما این چهار عنصر اهمیت پیدا میکند. من امروز درباره‌ی هر کدام از اینها، نکات کوتاهی را به عرض شما میرسانم:

اسلام‌گرایی و تکیه بر مبانی مستحکم اسلامی و قرآنی

نکته‌ی اول - که اصلیت‌ترین عنصر تشکیل دهنده‌ی نظام است - عبارت است از اسلام‌گرایی و تکیه بر مبانی مستحکم اسلامی و قرآنی. خیلیها از این حقیقت بسیار مؤثر

ره، رهرو، رهبر / ۶۷۷

غفلت کردند؛ اما راز پیروزی انقلاب در این نکته بود؛ چون ملت ایران از اعماق قلب به اسلام معتقد و مؤمن و وابسته بود و هست. اغلب ملت‌های مسلمان همینگونه‌اند و اگر موانع از سر راهشان برداشته شود، ایمان عمیق آنان به اسلام آشکار خواهد شد. لذا وقتی مردم پرچم اسلام را در دست امام مشاهده کردند و باور کردند که امام برای احیای عظمت اسلامی و ایجاد نظام اسلامی وارد میدان مبارزه شده است، گرد او را گرفتند. بعد هم که انقلاب پیروز شد، با همین انگیزه، از روی طوع و رغبت در میدانهای خطر حاضر شدند؛ چون ایمان آنها به اسلام، عمیق بود.

ایستادگی امام مقابل مخالفان اسلام‌گرایی

بعضی از کسانی که خودشان را در شمار زبندگان و نخبگان و احزاب سیاسی و صاحب‌نظران مسائل سیاست به حساب می‌آوردند، این را نمی‌پسندیدند. جدای از کسانی که به اسلام عقیده نداشتند، بعضی کسان به اسلام عقیده داشتند، اما نظام اسلامی را قبول نمی‌کردند. لذا از اول انقلاب، در عرض و به موازات خط امام، جریانی پیدا شد که به یک نظام لائیک و الگوبرداری شده از نظام‌های غربی دعوت میکرد؛ منتها با رنگ و لعاب اسلامی؛ اسم اسلامی، اما باطن غیراسلامی؛ ساخت اسلامی، اما جهتگیری غیراسلامی. البته آنها بی‌میل نبودند که در کنار چنین نظامی، آخوند و جیه‌المله‌ای هم برای مقبول جلوه دادن نظام در چشم مردم وجود داشته باشد - چون مردم به اسلام دلبسته بودند - بدشان نمی‌آمد روحانی مورد قبولی در کنار نظام قرار گیرد تا نظام را در چشم مردم، اسلامی جلوه دهد؛ دولتمردان نظام هم به همان شکلی که خودشان می‌پسندند و تشخیص میدهند، نظام را به همان صورت غیراسلامی - و در حقیقت، شکل بازسازی‌شده‌ی رژیم سلطنتی، منتها طبق قبول سیاستمداران و قدرتمندان دنیا - اداره کنند. ظاهر و رنگ و لعاب دین هم این فایده را برای آنها داشته باشد که نیروهای مردم را در خدمتشان قرار دهد؛ هر جا به حضور مردم احتیاج است - در هنگام جنگ و دفاع و دادن مالیات و غیره - همین ظاهر اسلامی، مردم را به همکاری با آن نظام وادار کند؛ اما اگر حقوق شرعی مردم تأمین نشد، نشد؛ اگر با سلطه‌گران مبارزه نشد، نشد؛ اگر استقلال کشور و فرهنگ و اقتصاد مردم در قبضه‌ی دشمنان قرار گرفت، گرفت! لذا از اولی که امام دستور

داد قانون اساسی به وسیله‌ی خبرگان منتخب مردم تدوین شود، هر جا که نام اسلام و نشانی از حضور واقعی اسلام بود، اینها مقابله کردند. آنجایی که اصل مربوط به «ولایت فقیه» مطرح شد، اینها بی‌تابانه مبارزه کردند. البته با ولایتش مخالف نبودند- ولایت یعنی حکومت؛ آنها تشنه‌ی قدرت و حکومت کردن بودند- با فقیه‌اش مخالف بودند؛ چون به معنای حضور حقیقی دین در جامعه بود؛ این را برنمی‌تافتند و تحمل نمی‌کردند. هر جا که نشانه‌ی حضور واقعی اسلام بود، اینها معترض بودند.

امام در مقابل این جریان- که بسیار هم مدعی بود- ایستاد؛ روی مبانی اسلام تکیه کرد؛ روی ترکیب و ساخت اسلامی نظام، با جدیت اصرار ورزید؛ چون امام مانند هر کسی که با اسلام آشناست، معتقد بود- و امروز هم ما معتقدیم- که سعادت و رفاه و آزادی و عزت یک ملت و نیز عدالت و تکیه به مردم- به معنای واقعی کلمه- در سایه‌ی احکام اسلام تأمین میشود. آنهایی که شعار عدالت و مردم‌سالاری دادند، نشان دادند که نمیتوانند حقوق و منافع مردم را عادلانه تأمین کنند؛ اما اسلام میتواند این کار را بکند. تکیه‌ی بر اسلام، به معنای ایمان عمیق امام بزرگوار به رسالت اسلام بود؛ یعنی امروز اسلام میتواند ملتها را نجات دهد. لذا هم در تدوین قانون اساسی و هم در تمام رهنمودهایی که امام در طول ده سال زندگی مبارک خود به ملتهای مسلمان داد، بر روی اسلام تکیه کرد و همین موجب شد که نظام جمهوری اسلامی با وجود دشمنیهای بی‌اندازه‌ی قدرتهای جهانی، در میان ملتهای مسلمان، هم طرفداران بیشماری پیدا کند و هم در آنها شوق و امید و انگیزه به وجود آورد و حرکت اسلامی را در سرتاسر جهان اسلام زمینه‌سازی کند. امروز هم اگر نظام جمهوری اسلامی و مسئولان و رؤسای این نظام در دنیا عزت و آبرویی دارند، به برکت اسلام است. چه آنهایی که در دنیا به اسلام معتقدند و چه حتی آنهایی که به اسلام معتقد نیستند، عزتی که برای جمهوری اسلامی و مسئولان آن قائلند، بخاطر اسلام است. آنهایی هم که به اسلام معتقد نیستند، نقش و نفوذ و تأثیر و اقتدار اسلامی را میشناسند و میدانند و آن کسی که مظهر این اقتدار است، در چشمشان دارای عظمت و جلال است.

تکیه‌ی واقعی امام بر روی اسلام

امام بر روی اسلام تکیه کرد؛ به اسم اسلام قانع نشد؛ بر این اصرار ورزید که باید قوانین اسلامی در تمام گوشه و کنار دستگاه‌های دولتی و حکومتی حاکم شود. البته این کار، یک کار بلندمدت بود. امام هم این را میدانست که در کوتاه‌مدت، این مقصود تحقق پیدا نمی‌کند؛ اما راه را باز کرد و حرکت را شروع نمود و جهت را نشان داد و همه فهمیدند که باید به معنای حقیقی کلمه به سمت احکام و تعالیم اسلام و ساخت اسلامی برای نظام و جامعه حرکت کنند تا بتوانند عدالت را تأمین، فقر را برطرف و فساد را ریشه‌کن کنند؛ تا بتوانند دردهای مزمنی را که بر این ملت تحمیل شده است، جبران کنند.

امروز بنده بعنوان کسی که با آمار و ارقام و واقعیات دستگاه‌های حکومتی از نزدیک آشناست، به شما مردم عزیز عرض می‌کنم: هر جا که ما با قاطعیت، معرفت و روشن‌بینی، احکام اسلام را بر سر دست گرفتیم، دنبال آن حرکت کردیم و صادقانه خواستیم اسلام را پیاده کنیم، موفق شدیم؛ اما هر جا ناکامی و ضعفی وجود دارد، بر اثر این است که ما در آن مورد، از اسلام و حکم اسلامی و تربیت اسلامی غفلت کرده‌ایم. هم در زمینه‌ی اقتصادی، هم در زمینه‌ی سیاسی، هم در زمینه‌ی بین‌المللی و هم در زمینه‌ی تربیت‌های صحیح مردمی، امروز هر جا که ضعف و ناکامی‌ای مشاهده می‌شود، اگر کسی دقت و ریشه‌یابی کند، به اینجا می‌رسد که در این نقطه، دستور اسلام و حکم اسلامی مورد توجه قرار نگرفته است. امام میدانست که اگر ما به اسلام متمسک شویم، هم عزت دنیا، هم رفاه مادی، هم قدرت سیاسی، هم آسایش و هم امنیت عمومی برای مردم پدید خواهد آمد؛ لذا امام اسلامیت را- به معنای حقیقی کلمه- در بافت نظام اسلامی و این بنای مستحکم و شامخ گذاشت.

عنصر دوم مورد توجه امام در «مهندسی نظام»

عنصر دومی که امام به آن حداکثر توجه را کرد، عنصر «مردم» بود. تقریباً در همه‌ی نظام‌های حکومتی در دنیا، از مردم صحبت می‌شود و هیچ‌کس نمی‌گوید که من می‌خواهم برخلاف مصلحت مردم کار کنم. حتی در رژیم‌های استبدادی سلطنتی موروثی، هیچ‌کس نمی‌گوید که من می‌خواهم برخلاف میل مردم عمل کنم. بنابراین ادعای مردمگرایی وجود

دارد؛ اما مهم این است که حقیقتاً در کجا برای مردم شأن و منزلت و حق و نقش قائل میشوند. وقتی امام بر روی عنصر «مردم» تکیه میکرد، لفاظی نمیکرد؛ به معنای حقیقی کلمه به اصالت عنصر «مردم» در نظام اسلامی معتقد بود و مردم را در چند عرصه مورد توجه دقیق و حقیقی خود قرار داد.

عرصه‌ی اول از عنصر دوم؛ تکیه‌ی نظام به آرای مردم

عرصه‌ی اول، عرصه‌ی تکیه‌ی نظام به آرای مردم است. تکیه‌ی نظام به آرای مردم، یکی از میدانهای است که مردم در آن نقش دارند. حضور مردم و اعتقاد به آنها باید در اینجا خود را نشان دهد. در قانون اساسی ما و در تعالیم و راهنماییهای امام، همیشه بر این نکته تأکید شده است که نظام بدون حمایت و رأی و خواست مردم، در حقیقت هیچ است. باید با اتکا به رأی مردم، کسی بر سر کار بیاید. باید با اتکا به اراده‌ی مردم، نظام حرکت کند. انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات خبرگان، انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات دیگر، مظاهر حضور رأی و اراده و خواست مردم است. این یکی از عرصه‌هاست. لذا امام بزرگوار، هم در دوران حیات خود بشدت به این عنصر در این عرصه پایبند باقی ماند و هم در وصیتنامه‌ی خود آن را منعکس و به مردم و مسئولان توصیه کرد. در حقیقت انتخابات و حضور مردم در صحنه‌ی انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس و یا سایر انتخابهایی که میکنند، هم حق مردم است، هم تکلیفی بر دوش آنهاست. در نظام اسلامی، مردم تعیین‌کننده‌اند. این هم از اسلام سرچشمه میگیرد.

مسئله‌ی اساسی‌ای که بنده بارها بر آن تأکید کرده‌ام، این است که اسلامگرایی در نظام اسلامی، از مردمگرایی جدا نیست. مردمگرایی در نظام اسلامی، ریشه‌ی اسلامی دارد. وقتی ما میگوییم «نظام اسلامی»، امکان ندارد که مردم نادیده گرفته شوند. پایه و اساس حق مردم در این انتخاب، خود اسلام است؛ لذا مردمسالاری ما - که مردمسالاری دینی است - دارای فلسفه و مبناست. چرا باید مردم رأی دهند؟ چرا باید رأی مردم دارای اعتبار باشد؟ این متکی بر احساسات توخالی و پوچ و مبتنی بر اعتبارات نیست؛ متکی بر یک مبنای بسیار مستحکم اسلامی است. پس یکی از عرصه‌هایی که امام همواره بر آن تأکید میکرد و آن را در ساخت نظام اسلامی کار گذاشت و برای همیشه آن را ماندگار

کرد، مسئله‌ی حضور مردم در انتخاب مسئولان نظام و منتهی شدن مسئولیتها به اراده و خواست مردم است.

عرصه‌ی دوم از عنصر دوم؛ تکلیف مسئولان در قبال مردم

عرصه‌ی دوم، عرصه‌ی تکلیف مسئولان در قبال مردم است. وقتی ما میگوییم «مردم»، معنایش این نیست که مردم بیایند رأی بدهند و مسئول یا نماینده‌ای را انتخاب کنند؛ بعد دیگر برای آن مردم هیچ مسئولیتی وجود نداشته باشد؛ صرفاً همین باشد که اگر کسی میخواهد برای مردم کاری بکند، به این خاطر باشد که مردم بار دیگر به او رأی دهند؛ مسئله این نیست. در اسلام و نظام جمهوری اسلامی، فلسفه‌ی مسئولیت پیدا کردن مسئولان در کشور این است که برای مردم کار کنند. مسئولان برای مردماند و خدمتگزار و مدیون و امانتدار آنها هستند. مردم، محورند. کسی که در نظام جمهوری اسلامی مسئولیتی بدست می‌آورد، باید همه‌ی هم و غمش برای مردم باشد؛ هم برای دنیای مردم، هم برای مادیت مردم، هم برای معنویت مردم، هم برای ایجاد عدالت در میان مردم، هم برای احیای شأن انسانی مردم، هم برای آزادی مردم. اینها جزو وظایف اصلی حکومت است. البته وقتی میگوییم «مردم»، منظور همه‌ی طبقات مردماند؛ لیکن بدیهی است کسانی از مردم باید بیشتر مورد توجه قرار گیرند که بیشتر مورد محرومیت قرار گرفته‌اند؛ لذا امام دائماً روی طبقات محروم و پابرهنگان کشور تکیه میکردند. این فریب است که کسی ادعا کند برای مردم کار میکند؛ اما در عمل، کار او برای طبقات مرفه باشد، نه برای طبقات مستضعف و محروم. نه اینکه نباید برای طبقات مرفه کار کرد؛ آنها هم از حقوق عمومی کشور باید بهره‌مند شوند؛ اما به آن کسی که محرومیت دارد و دستش از حقوق خود خالی مانده است، باید بیشتر توجه و همت و تلاش را اختصاص داد. لذا امام بطور دائم بر حقوق مستضعفان و محرومان و پابرهنگان تکیه میکرد. عملاً هم در تمام مدت پیروزی انقلاب تا امروز و قبل از آن، کسانی که بیش از همه سینه سپر کردند، از نظام دفاع کردند، سختیهای نظام را به جان خریدند و در مقابل دشمنان ایستادند، طبقات محروم و پابرهنگه و مستضعفان جامعه بوده‌اند. اینها باید بیش از دیگران مورد توجه قرار گیرند.

عرصه‌ی سوم از عنصر دوم؛ بهره‌برداری از فکر و عمل مردم

عرصه‌ی سوم - که باز بر محور مردم حرکت میکند - عبارت است از بهره‌برداری از فکر و عمل مردم در راه اعتلای کشور؛ یعنی استعدادها را شکوفا کردن و معطل نگذاشتن. از اوایل انقلاب، همیشه امام خطاب به جوانان، دانشجویان، متفکران کشور و کسانی که دارای استعداد بودند، میگفت که به خودتان ایمان بیاورید؛ نیروی خودتان را باور کنید و بدانید که میتوانید. این درست در مقابل تعالیمی بود که در دوران طولانی استبداد در این کشور، تلقین میشد که مردم ایران نمیتوانند. ما در دوران انقلاب هم دیدیم همان کسانی که اسلام را به معنای حقیقی خود باور نداشتند، به این معنا هم باور نداشتند. همیشه چشم آنها به بیرون مرزهای کشور بود و به مردم و تواناییهای آنها اعتقاد نداشتند. این فکر و این توجه را هم، امام در این نظام نهادینه کرد، که استعدادهای جوان این کشور، احساس توانایی کنند؛ و شما بعد از انقلاب هرچه از نشانه‌های علم و پیشرفت علمی و صنعتی در کشور مشاهده میکنید، ناشی از این است. هر جا که نشانه‌های وابستگی مشاهده میشود - که به معنای تحقیر ملت ایران و استعدادهای اوست - ناشی از نقطه‌ی مقابل این تفکر است.

عرصه‌ی چهارم از عنصر دوم؛ لزوم آگاه‌سازی دائمی مردم

عرصه‌ی چهارم در خصوص توجه امام به مردم، عبارت است از لزوم آگاه‌سازی دائمی مردم. خود امام در سنین بالای عمر - با حال پیرمردی - از هر فرصتی استفاده کرد برای اینکه حقایق را برای مردم بیان کند. در دستگامهای تبلیغاتی جهانی، نقش تحریف و گمراه‌سازی، نقش فوق‌العاده خطرناکی است که امام به آن توجه داشت. وسایل ارتباطی فکری نامطمئن و وابسته‌ی به دشمنان کشور و ملت، امام را وادار میکرد که هم خود او بطور دائم در موضع تبیین و ارشاد و هدایت مردم قرار گیرد و هم به دیگران دائماً توصیه کند که حقایق را به مردم بگویند و افکار آنها را نسبت به حقایق که دشمن سعی میکند آنها را مکتوم نگه دارد، آشنا کنند. اینکه ما دائماً به صاحبان بیان و قلم و تریبونهای مختلف توصیه میکنیم که هدف و همت خود را بر تبیین صحیح حقایق قرار دهند، برای این است.

امروز دشمن، درست در موضع مقابل این نقطه‌ی اساسی اسلامی کار میکند. از اوایل

انقلاب، یکی از اهداف مهم دشمن، تحریف حقایق و تاریخ بود. اگر یک وقت در داخل کشور حنجره یا قلم مزدوری پیدا میشد که حقایق جنگ و انقلاب و اسلام را تحریف میکرد، میدیدید فریادهای تشویق از اطراف دنیا بلند میشود. امروز نیز همینطور است. امروز هم اگر در داخل کشور کسانی بخاطر خوش کردن دل استکبار و راضی کردن دشمنان اسلام و این ملت و این کشور چیزی بگویند و بنویسند که در آن تحریف اسلام و تاریخ انقلاب و چهره‌های انقلاب باشد، میبینید که در دنیا از طرف دستگاههای تبلیغاتی استکبار برای او هورا میکشند و او را تشویق میکنند! تبیین، موضوع بسیار مهمی است. انسانها تابع بینش و دید خودشان هستند. اگر کسی بتواند حقایق را در چشم مردم تحریف کند، یعنی در واقع عمل و بازو و اراده‌ی مردم را به سمت گمراهی کشانده است. این همان چیزی است که دشمن میخواهد. امروز اگر کسانی علیه اسلام و مقدسات و مجاهدتهای این ملت قلمفرسایی کنند و چیزی بنویسند؛ اگر کسانی علیه بهترین فرزندان این کشور- یعنی شهیدان ما و مجاهدان راه خدا- اظهارنظری کنند و ریشی بجنبانند؛ اگر کسانی علیه بسیج و جهاد و شهادت حرفی بزنند و چیزی بنویسند؛ میبینید مورد تشویق رادیوها و سیاستمداران و نویسندگان خارجی قرار میگیرند. امروز همه‌ی افراد- چه کسانی که بیاناتشان در حوزه‌های وسیع کاربُرد دارد، چه کسانی که در حوزه‌های کوچکتر سخنانشان مؤثر واقع میشود؛ مثل مدرسه و کلاس و دانشگاه و محیطهای کارگری و غیره- مسئولند و اگر دیدند حقایق و محکّمات اسلام و انقلاب مورد تحریف قرار میگیرد، وظیفه دارند تبیین کنند؛ نباید سکوت کنند. امام به این نکته بسیار توجه میکرد. و این یکی از چیزهایی است که راز استحکام و ماندگاری و پایداری نظام در آن مندرج است.

نظم و قانون؛ عنصر سوم مورد توجه امام در «مهندسی نظام اسلامی»

عنصر سومی که برای امام اهمیت داشت، نظم و قانون بود. لذا حتی قبل از آنکه انقلاب به پیروزی برسد، امام دولت معین کرد. انقلابهای دنیا یا کودتاهایی که به اسم انقلاب در دنیا به وجود می‌آمدند- که دهه‌های میانی قرن گذشته‌ی میلادی از اینگونه انقلابها پُر بود- هیچ‌کدام اینطور نبودند. وقتی در کشوری انقلاب میشد- یا انقلاب

حقیقی، یا کودتایی به اسم انقلاب - مدتها از دولت و تشکیلات دولتی و نظم دولتی خبری نبود. یک گروه به نام مسئولان انقلاب، زمام کشور را در دست می‌گرفتند و طبق میل و تشخیص خودشان - هر طور بود - عمل می‌کردند. در انقلاب اسلامی، امام اجازه نداد اینطور بشود؛ حتی از قبل از پیروزی انقلاب دولت تعیین کرد تا نظم وجود داشته باشد. با اینکه آن وقت شورای انقلاب هم بود، اما امام خواست با شکل قانونی و منطقی، کشور اداره شود. اصل تشخیص اینکه چه نظامی در کشور بر سر کار بیاید، این را امام به عهده‌ی فرماندوم و آرای عمومی گذاشت. این هم در دنیا سابقه نداشت. در هیچ انقلابی در دنیا، ما نشنیدیم و ندیدیم که انتخاب نوع نظام را - آن هم در همان اوایل انقلاب - به عهده‌ی مردم بگذارند. هنوز از پیروزی انقلاب دو ماه نگذشته بود که امام همه‌پرسی درباره‌ی نظام اسلامی را اعلان کرد، که مردم به نظام جمهوری اسلامی رأی دادند. چند ماه از پیروزی انقلاب نگذشته بود که امام گفت باید قانون اساسی نوشته شود. آن کار هم نه به وسیله‌ی جمعی که خود امام معین کند، بلکه باز به وسیله‌ی منتخبان مردم صورت گرفت. مردم اعضای مجلس خبرگان را - که منتخبان مردم بودند - انتخاب کردند تا قانون اساسی تدوین شود؛ باز مجدداً همان قانون را به رأی مردم گذاشتند. هنوز یک سال از پیروزی انقلاب نگذشته بود که مردم در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کردند؛ بعد از مدت کوتاهی هم مجلس شورای اسلامی به راه افتاد. بنابراین از اول، مبنای کار انقلاب بر نظم و قانون بود. کسانی که با این ترتیب منطقی انقلاب نمیتوانستند کنار بیایند، یا نمیتوانستند تحمل کنند که این انقلاب اینگونه قدم به قدم منطقی حرکت کند، در همه‌ی این موارد اخلاص کردند. تفاله‌های آنها امروز هم انقلاب را به بی‌قانونی متهم میکنند! این انقلاب، مظهر نظم و قانون بود؛ در هیچ جای دیگر دنیا، در این انقلابهایی که اتفاق افتاده است - چه در انقلابهای این قرن و چه قبل از آن - چنین چیزی دیده نشده است. این را باید مغتنم شمرد. پایبندی به نظم و قانون و مسئولیتهای قانونی قوا باید مورد احترام همه باشد.

اگر شما امروز میبینید که با تبلیغات و تحریک دشمنان، در هر برهه‌ای از زمان، قوای قانونی کشور مورد تعرض تبلیغاتی قرار میگیرند، این دنباله‌ی همان دشمنی‌ای است که از اول با اساس نظم و قانون در جمهوری اسلامی وجود داشت و امام مقابل آن ایستاد.

ما همیشه این را تأکید کرده‌ایم و باز هم تکرار میکنیم، وظایفی که در قانون اساسی برای قوای سه‌گانه و مسئولان قانونی معین شده، معتبر و محترم است و همه باید در مقابل این قانون، حالت تسلیم داشته باشند. بی‌قانونی به شکل‌های مختلفی خود را نشان میدهد. یکی از آنها همین است که علیه اساس و ترتیبات قانون اساسی مبارزه‌ی تبلیغاتی شود و لجن‌پراکنی صورت گیرد و به مسئولیت‌های قانونی در هر بخشی از بخش‌ها بی‌احترامی گردد. این آن چیزی است که از اول انقلاب، دشمنان امام و اسلام بر روی آن پافشاری میکردند و امام در مقابل آن ایستاد.

دشمن‌ستیزی و سلطه‌ستیزی؛ عنصر چهارم مورد توجه امام در «مهندسی نظام اسلامی»
عنصر اساسی چهارم که امام آن را در پایه‌های نظام جمهوری اسلامی کار گذاشت - و بحمدالله مایه‌ی ماندگاری نظام شد - مسئله‌ی دشمن‌ستیزی و سلطه‌ستیزی است. امام یک لحظه نه خود از کید و مکر و حیل‌های دشمن غفلت کرد و نه گذاشت که مسئولان غفلت کنند. نظامی مثل نظام جمهوری اسلامی که منافع دستگاه‌های استکباری دنیا را در این نقطه‌ی از عالم و در بسیاری از کشورهای اسلامی تهدید کرده است، بدیهی است که مورد دشمنی است. در ایران عزیز ما، اینها سال‌های متمادی مثل ماری بر روی منابع ملی و دستگاه‌های سیاسی کشور چنبره زده بودند. در نظام سلطنتی غاصب و وابسته، مگر کسی جرأت داشت به کسانی که وارد این کشور شده بودند تا ملت را تحقیر و فقیر و منابع او را غارت کنند و او را عقب‌مانده نگه دارند، اندک اهانتی کند؟! کسی جرأت نداشت به آنها بگوید بالای چشم‌تان ابروست! امریکاییها و صهیونیستها و دیگر غارتگران و چپاولگران دنیا، در کمال امنیت و آرامش به ایران می‌آمدند، میرفتند و میبردند. سیاست کشور، در دست آنها؛ آمدن و رفتن حکومتها، در دست آنها؛ آوردن و بردن شاه مملکت، در اختیار آنها؛ تعیین نخست‌وزیران، با صوابدید آنها؛ و موضع‌گیریهای سیاسی کشور، تماماً در جهت خواسته‌ها و منافع آنها بود. نظام جمهوری اسلامی آمد و این بساط را بکل به هم ریخت. امام میدانست که این دشمن ساکت نمینشیند و تعرض میکند. اگر در برهه‌ای تعرض کرد و تودهنی خورد، موقتاً عقب‌نشینی میکند تا باز تعرض کند؛ لذا باید هشیار و بیدار بود. امروز من متأسفانه میبینم که کسانی طبق خواسته‌ی آن دشمنان، تبلیغ

میکنند که این توهم است! دشمن همین را میخواهد که مردم، مسئولان، کارگزاران حکومت، اداره‌کنندگان کشور و طراحان و قانونگذاران امور زندگی مردم، از تهدید دشمن غفلت کنند. نباید اجازه داد؛ باید دشمن و شیوه‌های دشمنی او را شناخت. این آن چیزی است که باید برای همیشه به یاد ما بماند و امام بر روی این نکته تأکید میکرد. اینکه میدیدید امام میفرمود: «هرچه فریاد دارید، بر سر امریکا بکشید»، بخاطر این است.

در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی به مناسبت
ولادت نبی اکرم(ص) و امام جعفر صادق(ع)، ۱۳۸۰/۰۳/۲۰

راهنمایی امام در جهتگیری صحیح نظام اسلامی

امروز بحمدالله ملت ایران مفتخر است که همه‌ی عرصه‌های زندگی خود را تحت تعلیم اسلام گذاشته است. البته واقعیت زندگی ما، با آن چیزی که اسلام از ما میخواهد، فاصله‌ی بسیار زیادی دارد؛ لیکن جهتگیری نظام اسلامی به سمت پُر کردن این فاصله است و بحمدالله به فضل انقلاب و با راهنمایی امام بزرگوار و با همت مجاهدانه‌ی ملت ایران، در این سالها این جهتگیری را داشته‌ایم و روزبه‌روز ملت ایران در این راه راسختر شده است.



فرمایش امام نسبت به «مظلومیت شهید بهشتی»

در رأس قضای کشور، یک شخصیت فاضل، روشنفکر، آگاه، مدیر، باتدبیر و از عمق جان معتقد به احکام و قضای اسلام قرار داشت. این چیزی بود که بسیاری از مخالفتها را علیه شهید بهشتی و قوه‌ی قضائیه در آن روز سازماندهی میکرد. امام فرمودند: «شهید بهشتی مظلوم بود». ما هم یادمان هست که او چقدر مظلوم بود؛ اما این مظلومیت از سوی چه کسانی بر او تحمیل میشد؟ از جمله‌ی کسانی که باید پاسخ مظلومیت این شهید عزیز را بدهند، اینهایی هستند که حاضر نبودند قضای اسلامی را در جامعه‌ی ایران اسلامی تحمّل کنند.

اهتمام ملت نسبت به فرمایشات امام بزرگوار

چهار، پنج سال قبل از این، هنگامی که سد کرخه را میساختند، من رفتم از آن بازدید کردم؛ دیدم روی کوه روبه‌روی سد با خط درشت - که از چند کیلومتری خوانده میشد - این فرمایش امام را نوشته‌اند که «ما میتوانیم». بله، میتوانیم. هم در بخش بازرگانی و سایر بخشهای خدمات، هم در بخش صنعت و معدن و هم در بخش کشاورزی، باید مدیریت دلسوز و متعهد زمام کار را در دست گیرد.

توجه امام به اصناف و بازار بعنوان بازوی قدرتمند نظام اسلامی

همین اصناف و بازار کسانی بودند که در دوران اختناق به این نهضت کمک کردند. امام فرمود، اصناف بازوی قدرتمند نهضتند. همینطور هم بود؛ اینها تلاش و مجاهدت کردند. تاجر و کاسب بازاری سرمایه‌ی خودش را در معرض تطاول مأموران بی‌انصاف رژیم سفّاک گذشته قرار داد، برای اینکه به مرجع تقلید و به دین خود و نهضت اسلامی کمک کند. اینها را نباید فراموش کرد. در ماههای قبل از پیروزی انقلاب، صنعتگران و کارگران کشور بزرگترین ضربه را بر پیکر رژیم پوسیده‌ی سفّاک پهلوی وارد کردند.

عظمت و شخصیت امام؛ زمینه‌ساز لطف و رحمت الهی

ما هرگز حضور مردم و رأی آنها را - جز در یک دوران کوتاه، آن هم بصورت بسیار ناقص - تجربه نکرده بودیم. این اسلام و انقلاب و مجاهدت و ایثار این ملت و عظمت و شخصیت کم‌نظیر امام بزرگوار بود که زمینه‌ساز لطف و رحمت الهی شد و این هدیه‌ی بزرگ به ملت ایران داده شد.

در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۰/۰۶/۰۵

امام؛ مؤید نظر مدرّس در مورد عینیت سیاست و دیانت ما

اینکه ما می‌گوییم سیاست ما عین دیانت ماست و دیانت ما عین سیاست ماست - که مرحوم مدرّس حرف درستی زد و امام آن را تأیید کرد - معنای واضحی دارد؛ اما یک روی دیگرش این است که سیاست ما باید دیندارانه و پرهیزگارانانه باشد.

در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۸۰/۰۶/۱۵

مسئله‌ی اتحاد، از سفارشات مکّر امام

نقطه‌ی دیگر، مسئله‌ی اتحاد بین نیروهای مؤمن به اسلام و نظام جمهوری اسلامی است. البته ما بارها این را گفته‌ایم. از اول انقلاب، این مسئله‌ی مهمّ نظام بوده است و امام (رضوان‌الله تعالی علیه) بارها و بارها می‌فرمودند؛ دلسوزان نظام هم همیشه این را گفته‌اند؛ اما در عمل آنچه که باید صورت گیرد، صورت نگرفته است. ما باید حقیقتاً مرز دوستی و دشمنی را مشخص کنیم.

پیام به مناسبت روز شهیدان در هفته‌ی دفاع مقدّس، ۱۳۸۰/۰۷/۰۵

حضرت امام؛ معلّم بزرگ شهادت

سلام خدا و اولیائش بر ارواح مطهّر شهیدان و بر معلّم بزرگ شهادت یعنی امام راحل.

انتصاب اعضای هیأت امنای مرکز علوم اسلامی جامعه‌الزهرا(س)، ۱۳۸۰/۰۷/۲۵

جامعه‌الزهراء؛ از تدابیر امام خمینی(ره)

مرکز علوم اسلامی جامعه‌الزهرا(سلام‌الله‌علیها) که به تدبیر و همت امام راحل(رض) در حوزه‌ی علمیه‌ی قم تأسیس گردید اکنون بحمدالله برکات و آثار خود را آشکار ساخته است، جمع کثیری از بانوان از سراسر کشور و از دیگر کشورها در این مرکز عالی علمی و تحقیقی پرورش یافته و در اقطار اسلامی منتشر گشته‌اند.

حرمت شرعی قبول مسئولیت، بدون قبول خطّ امام

اگر کسی در نظام جمهوری اسلامی در مسئولیتی مشغول کار است، ولی آرمانهای نظام جمهوری اسلامی را آنگونه که امام بزرگوار ترسیم کرده است و در قانون اساسی تجسّم پیدا کرده، در دلش قبول ندارد، اشغال آن پست برای او حرام شرعی است. آنجایی که صحبت از مسائل اساسی نظام اسلامی است، آنجایی که وحدت دین و سیاست مطرح است، آنجایی که اصول قانون اساسی مورد نظر است، آنجایی که الزام به تبعیت از دین و شریعت مطرح است، اگر یک مسئول عقیده‌ای غیر از این دارد، میتواند شهروند جمهوری اسلامی باشد- مانعی ندارد- اما نمیتواند مسئول باشد؛ بخصوص در مسئولیتهای بالا. مدیران ارشد، نمایندگان مجلس و مسئولان عالی‌مقام قوّه قضایی، درعین حال که مسئولیت مهمی در نظام جمهوری اسلامی دارند، نمیتوانند به آرمانهای نظام جمهوری اسلامی و اصول قانون اساسی اعتقادی نداشته باشند؛ چون اعتقاد انسان در عمل و گفتار او اثر میگذارد.



جایگاه ریشه‌ای امام عزیز در انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران صددرصد مردمی بود. در دوران انقلاب، شما وقتی به هر روستایی از روستاهای این کشور میرفتید، میدیدید که در آنجا مردم برانگیخته‌اند، حرف دارند، مطالبه دارند، شعار دارند و همه‌ی این مطالبات و حرفها هم حول محور واحدی حرکت میکرد؛ حول پیام اسلام که مظهر آن را در امام عزیز و بزرگوار ما میدیدند.

ضرورت حرکت ملت و مسئولان در راه اسلام؛ با شاخصهای موجود در وصیتنامه امام

امروز تکلیف حکومت و ملت و مسئولان گوناگون در بخشهای مختلف این است که با همه وجود تلاش کنند تا بتوانند آرمانهای اسلامی را تحقق بخشند و قدم‌به‌قدم به آنها نزدیک شوند. البته این کارها، زمان‌طلب و تدریجی است؛ اما حرکت تدریجی بالاخره حرکت است. باید حرکت باشد؛ اما حرکت به‌عکس نباشد. راه، راه اسلام است؛

شاخصهای آن هم خطّ امام و شعارهای امام است. کسانی که میخواهند در غوغای گفتگوها، خطّ شاخص را پیدا کنند، به وصیتنامه‌ی امام مراجعه کنند. البته ملت ایران با استحکام تمام در مقابل تهاجم و توطئه‌ها و وسوسه‌ها و تبلیغات ناجوانمردانه‌ی دشمنان ایستاده است. این را همه دنیا قبول دارند. همّت مسئولان - بخصوص مسئولان بالای کشور - این است که دنبال این راهها بروند. صاحبان فکر، اندیشه، قلم و اهل سیاست باید بفهمند چکار میکنند و کجا میروند. احترام به شهدا، جانبازان، ایثارگرهای مجموعه‌ی ایثارگران و کسانی که سالهایی را در زندان و اسارت گذرانده‌اند، به این است که آن انگیزه‌ای که اینها را به میدان مجاهدت کشاند، گرمی داشته شود. امروز وظیفه همه‌ی ما این است.

در دیدار جوانان استان اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۱۲

امام عزیز؛ مظهر مطالبات مردم بر محور اسلام

انقلاب اسلامی ایران صددرصد مردمی بود. در دوران انقلاب، شما وقتی به هر روستایی از روستاهای این کشور میرفتید، میدیدید که در آنجا مردم برانگیخته‌اند، حرف دارند، مطالبه دارند، شعار دارند و همه‌ی این مطالبات و حرفها هم حول محور واحدی حرکت میکرد؛ حول پیام اسلام که مظهر آن را در امام عزیز و بزرگوار ما میدیدند.

جایگاه آرمان امام نزد مسئولین تراز اول و رؤسای سه قوه

البته من خدا را شکر میکنم که مسئولان تراز اول کشور، عمیقاً معتقد به مبانی اسلامی‌اند. دشمن نتوانسته است نفوذ فکری و سیاسی خود را به جاهای حساس برساند. امروز رؤسای سه قوه و مسئولان تراز اول، عمیقاً به آرمان امام و انقلاب معتقدند.

وضوح روشهای اداره‌ی نظام در وصیتنامه‌ی امام

نظام اسلامی یعنی ترکیب قانون اساسی. روشهای اجرایی و عملیاتی این نظام، در خود قانون اساسی هست و بطور واضح در وصیتنامه و سیره و بیانات امام بزرگوار

وجود دارد. مهمترین وظیفه این است که از کمربند تأمین بسیار مستحکم ملت ایران که هویت جمعی ما را به وجود می‌آورد - یعنی نظام اسلامی - با همه‌ی وجود پاسداری کنیم.



کلیدی بودن حفظ خط امام و قانون

نقاط کلیدی که باید مورد توجه شما عزیزان قرار گیرد، اینهاست: حفظ قانون اساسی و خط امام - که در وصیتنامه‌ی آن بزرگوار مجسم و متبلور است - و شعارهای اساسی و سیاستهای کلی کشور. اینها چیزهایی است که باید با همه‌ی وجود از آنها پاسداری کرد و آنها را گرامی داشت.

در دیدار رزمندگان لشکر ۱۴ امام حسین(ع) سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰/۸/۱۴

اعتراف دوست و دشمن به ویژگیهای عظیم شخصیتی امام

تعریف امام، فقط از زبان ما - که مریدان و دوستداران او بودیم - شنیده نشد؛ دشمنانش هم به آن اعتراف کردند. آن شخصیت به معنای حقیقی کلمه متصل به سلسله اولیای الهی، با همان ایمان و اراده و اندیشه بلند و خصلتهایی که انسان در قیامهای مردان بزرگ و الهی نشانه‌های آن را میبیند، یکی از عوامل بود. وجود او، همه‌ی فلسفه‌هایی را که میخواستند با استدلالات عقلی و ذهنی، جبری بودن حرکتها و بی‌تأثیر بودن شخصیتها را ثابت کنند، عملاً باطل کرد و نشان داد که در حدوث این حرکت عظیم، نقش و تأثیر قطعی داشته است. بهترین استدلال برای هر تفکری، تحقیقها و واقعیتهاست. این واقعیت ثابت شد که شخصیتهایی که ایمان و فداکاری و اندیشه بلند و اراده‌ی پولادین را با هم داشته باشند و نخواهند اینها را در خدمت منافع خود قرار دهند؛ بلکه در راه آرمانهای الهی و اعتلای انسانها قرار دهند، میتوانند مثل توفان، اقیانوسی را به حرکت درآورند. هر نسیمی نمیتواند اقیانوس را تکان دهد. ممکن است یک جریان معمولی هوا، استخر آبی را متلاطم کند؛ اما توفان سختی لازم است تا بتواند یک اقیانوس را به تلاطم درآورد. اقیانوس یک ملت و امت را آنگونه از اعماق متلاطم کردن، این

عوامل را لازم داشت و اینها در امام بود. او اینها را برای خود نمیخواست و اراده‌ی خود را برای کسب مقام مصرف نکرد. آن تواناییها و قدرتهای خداداده را در خدمت ایجاد فساد در دنیا به کار نینداخت؛ درست مصداق این آیه شد که: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا»^۱ یعنی تحقق وعده‌ی الهی، متعلق به کسانی است که دنبال علو و برتری نیستند و نمیخواهند خود را صدرنشین و مسندنشین کنند. البته صدرنشینی هم مختلف است. همّت بعضی کسان، یک مسند کوتاه است و برای همان تلاش میکنند؛ اما همّت بعضی افراد، مسندهای بالاتر است و برای آن میکوشند. همه‌ی اینها باطل و انحراف است. آن کسی که دنبال مسند و علو و برتری پیدا کردن بر انسانها و دنبال فساد نیست، او صاحب و مالک وعده‌ی الهی است. بعد دنبال آن میفرماید: «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^۲ فرجام نیک متعلق به اینهاست. وعده‌ی خدا به ملت ایران، با این عوامل پیش رفت و یکی از آنها آن بزرگوار بود.^۳

دو علت مبارزه با خطّ امام

کسانی که امروز متأسفانه در گوشه و کنار جامعه‌ی ما با خطّ امام و با خطّ انقلاب مبارزه میکنند، نمیفهمند دنبال چه چیزی هستند؛ نمیدانند چه خیانت بزرگی به این ملت و به خودشان میکنند. آنهایی که سعی میکنند شعارهای انقلاب و نام امام را کمرنگ کنند و شهدا را به فراموشی بسپرنند، متوجه نیستند. البته بعضی از آنها لابد خائنانه این کار را میکنند، اما بسیاری از آنها نمیدانند چه خیانتی را نسبت به این ملت مرتکب میشوند. راه نجات ملت ایران، تداوم همان خطّی است که امام بزرگ ما ترسیم کرده است؛ راه علم، راه عمل، راه تقوا و پاکدامنی و پارسایی، راه استقلال، راه تحقّق بخشیدن به احکام و ارزشهای اسلامی. این چیزی است که ملت ما را به سرمنزل سعادت خواهد رساند.

۱ سوره‌ی قصص، آیه‌ی ۸۳. آن سرای آخرت را برای کسانی قرار میدهیم که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند.

۲ سوره‌ی قصص، آیه‌ی ۸۳. و فرجام [خوش] از آن پرهیزگاران است.

۳ مضمون این مطلب در «خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۷۴/۱۲/۱» نیز تکرار شده است.

هشیاری امام در جلوگیری از تکرار جدایی روحانیت از سیاست

ملت ایران در طول صد سال اخیر اقلأ در دو قضیه مهم قبل از انقلاب اسلامی با امریکا و انگلیس روبه‌رو شده است. یک قضیه، قضیه‌ی مشروطیت است؛ یک قضیه، قضیه‌ی نهضت ملی شدن صنعت نفت است. در هر دو قضیه، آنها ترفندی زدند و ملت ایران را از لذت بردن از پیروزی خود محروم کردند و یک دیکتاتوری سخت و سیاه را در هر کدام از این دو مقطع در کشور به وجود آوردند.

ماجرای سوم، ماجرای انقلاب اسلامی بود که امام هشیاری به خرج داد و نگذاشت. عده‌ای اول انقلاب به تلقین همان دشمنان، تبلیغ میکردند که بسیار خوب، امام آمد، انقلاب را پیروز کرد، مردم را به صحنه آورد و دولت جمهوری اسلامی تشکیل شد؛ کار امام دیگر تمام شد؛ امام به قم برود و مشغول درس و بحث و کارهای خود باشد! معنایش این بود که همان کاری که در مشروطیت شد، در انقلاب اسلامی هم بشود. امام بزرگوار ما، ملت مؤمن، مبارزان آبدیده‌ای که تجربه‌های تاریخی را داشتند و بزرگان سیاستمدار انقلاب که میفهمیدند چه میکنند و دشمن از کدام منفذ ممکن است هجوم و حمله‌ای دوباره به این کشور بکند، ترفند دشمن را فهمیدند. قانون اساسی تدوین شد و امام بزرگوار در همه‌ی جریان کار، بر استحکام این پایه اشراف و نظارت داشت. در طول این مدت، مردم در کنار حقایق دینی و پرچمداران معرفت دینی باقی ماندند.

در جمع یکصد و ده هزار نفر از نیروهای بسیجی شرکت‌کننده
در اردوی رزمی - فرهنگی علوئون، ۱۳۸۰/۰۸/۲۱

رویش بسیج؛ کار عظیم امام در مقابل نیاز حقیقی ملت ایران

بسیج، یکی از معجزات انقلاب و از کارهای عظیمی بود که امام بزرگوار ما با آن دید و بصیرت نافذ و تدبیر حکیمانه‌ی الهی، این نهال برومند و پُرثمر و مبارک را به وجود آورد. بسیج در آن روزی که با فرمان امام بزرگوار در سرتاسر کشور اسلامی مانند گیاه معطر و مبارکی شروع به رویش کرد، کشور نهایت نیاز را به یک حرکت عمومی و برخاسته‌ی از ایمان و اخلاص و صفا داشت؛ این پاسخ به یک نیاز حقیقی بود. دست

قدرتمند امام، بذر بسیج را در سرتاسر این کشور پاشید- بدون اینکه برای تحلیلگران، سیاسیون سابقه‌دار و حتی انقلابیون قدیمی و مخلص، قابل پیش‌بینی باشد- و این بذر مبارک در همه‌ی زوایای کشور روید، بالید و ثمربخش شد.

در دیدار اقشار مختلف مردم، به مناسبت ۱۹ دی‌ماه، سالروز قیام مردم قم، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹

رهبری قاطع حضرت امام؛ مانع موفقیت استعمارگران در استعمار مجدد

قرن بیستم، قرن انقلابها و تحولات اجتماعی و سیاسی در دنیا بود. در همه‌ی نقاط دنیا- در آسیا، آفریقا، امریکای لاتین- تحولات بزرگ اجتماعی به وجود آمد. استعمار، استعمارگران و قدرتمندان متمرکز جهانی، با همین فشارها توانستند آنها را برگردانند و وضع را بصورت اول و به همان شکل مطلوب خود درآورند. اما در ایران نتوانستند؛ چون در اینجا عواملی وجود داشت که نگذاشت آنها موفق شوند. در درجه‌ی اول ایمان عمیقی بود که در دل‌های این مردم وجود داشت. در کنار این ایمان، رهبری قاطع و آگاه و هوشمند امام بزرگوار بود که مثل کوه در مقابل دشمن ایستاد. مردم با حضور امام، دلگرم و مطمئن شدند. در دوران امام، سخت‌ترین ضربات بر این کشور وارد شد؛ اما مردم را نشکست.



شجاعت؛ عاملی مهم در پیروزی حرکت عظیم امام

اگر تقوا بود، اما شجاعت نبود، باز کافی نیست. چه بسا آدم‌های باتقوا که بخاطر نداشتن شجاعت لازم، در آن وقتی که باید اقدامی بکنند، نمیکنند و حرفی بزنند، نمی‌زنند. وقتی امام بزرگوار این حرکت عظیم را به وجود آورد، یک عامل عمده‌ی آن، شجاعت امام بود؛ و آلاً خیل‌ها بودند که تقوا داشتند و مردمان مؤمن و باخدا بودند؛ اما شجاعت لازم را نداشتند. اگر شجاعت نباشد، انسان مرعوب میشود و دشمن از همین نقطه ضعف استفاده میکند.

دهه‌ی فجر، یادآور انقلاب و عظمت امام بزرگوار

دشمنان ملت ایران و هویت ملی و پیشرفت این کشور میخواهند ملت ایران را از این فضای مستعد بالندگی و رشد خارج کنند و باز هم استیلای بیگانگان را بر این کشور برگردانند. یادبود دهه‌ی فجر، خود مانع بزرگی در راه تحقق این هدف است. سعی میکنند انقلاب را از یاد مردم ببرند؛ اما دهه‌ی فجر، انقلاب را به یاد مردم می‌آورد. سعی میکنند امام را از یاد مردم ببرند؛ اما دهه‌ی فجر، تجسم اراده و عظمت امام بزرگوار ماست.

بسیاری از موفقیتها، محصول شخصیت یگانه‌ی امام

من نه اینکه بخواهم موفقیتهایی را که در این زمینه بوده است، پنهان کنم؛ نه، شاید من از خیلی از دوستان، مقدار موفقیتهایی را که ما در زمینه‌ی تبلیغات در نقاط مختلف دنیا داشته‌ایم، بیشتر هم میدانم؛ متها در این خصوص، دو حرف وجود دارد: یکی اینکه بعضی از این موفقیتها محصول کار ما نبوده، محصول اصل انقلاب بوده است؛ بعضی از آنها نیز محصول شخصیت یگانه‌ی حضرت امام بوده و به هیچ کس دیگر کار نداشته است؛ یعنی خود امام شخصیتی بود که بطور طبیعی امواج اثرگذاری از او ساطع میشد. این هیچ ربطی ندارد به این که ما فلان جزوه را نوشتیم و فلان کار را کردیم. خیلی اوقات ما در شعاع پرتو انقلاب و پرتو امام جلو رفته‌ایم تا کارهای دیگری بکنیم؛ بنابراین همه‌ی دنیا تحت تأثیر موج انقلاب قرار گرفتند.

قدردانی و دفاع ملت ایران از درسهای ماندگار امام خمینی

ایران اسلامی تسلیم زور و تهدید و مرعوب چهره‌ی عبوس استکبار نمیشود. ملت و دولت ایران مواضع شجاعانه و مستقل و خردمندانه‌ی خود را که درس ماندگار امام خمینی عظیم است، قدر میدانند و از آن دفاع میکنند.

شباهتها و تفاوت‌های حرکت امام خمینی(ره) با حرکت امام حسین(ع)

در دوران ما حرکت انقلاب اسلامی و نظام اسلامی در این راه بود. کسانی که این حرکت را شروع کردند، ممکن بود در ذهنشان بگذرد که یک روزی بتوانند حکومت و نظام مورد نظر خود را تشکیل دهند؛ اما کاملاً در ذهن آنها این معنا هم وجود داشت که ممکن است در این راه شهید شوند یا تمام عمرشان را در مبارزه و سختی و ناکامی به سر ببرند. هر دو راه وجود داشت، درست مثل حرکت امام حسین(علیه‌السلام). در سال ۴۱ و ۴۲ و بعد سالهای سخت و سیاه اختناق در این زندانها، تنها شعله‌ای که دلها را گرم نگه میداشت و آنها را به حرکت وادار میکرد، شعله ایمان به مبارزه بود؛ نه عشق رسیدن به حکومت. این راه، همان راه امام حسین(علیه‌السلام) بود؛ منتها دو طرف دارد، شرایط زمانی و مکانی متغیر است. یک وقت امکانات به وجود می‌آید، حکومت اسلامی پرچمش برافراشته میشود؛ یک وقت هم راه بدون این امکانات است و با شهادت تمام میشود. از این قبیل در طول تاریخ زیاد داشته‌ایم.

در آن دورانی که امام در این راه قدم گذاشت، زمانه و روابط انسانی، به مراتب از آن دورانی که امام حسین(علیه‌السلام) در این راه قدم گذاشت، پیچیده‌تر بود؛ و امروز هم روابط انسانها همچنان پیچیده‌تر میشود.

**نتایج شیرین ایستادگی امام در مقابل فشارها**

آن وقتی که هزاران کیلومتر مربع از خاک ما زیر چکمه دشمن بود و دشمن در آن شرایط به ما پیشنهاد آتش‌بس و گفتگو و مذاکره میداد، عده‌ای بر امام و مسئولان دیگر فشار می‌آوردند که آتش‌بس را قبول کنند. امام ایستاد؛ مردم ایستادند؛ مسئولان ایستادند و نتایج شیرین این ایستادگی را دیدند. بله، هرگونه عزت و عظمتی، از راه فداکاری، شجاعت و اقدام میگردد. با تسلیم شدن، با تن‌پروری، با تن ندادن به مشکل، هیچ قلّه‌ای بدست نمی‌آید.



میدان دادن به مردم؛ مهمترین کار امام

مردم، مردمی آماده‌اند. مهمترین کاری که امام بزرگوار ما کرد، این بود که به انگیزه‌ها و احساسات مردم میدان داد؛ حضور مردم را ممکن کرد. امام در جنگ هیچ وقت الزام و اجبار نکرد که بروند، جوانان می‌آمدند التماس میکردند که بروند. نتیجه‌اش را ملت ایران دید؛ سربلندی خودش را مشاهده کرد؛ خفت و ذلت دشمن را به چشم خود دید؛ اقرار دنیا را به حقانیت و مظلومیت خودش - البته بعد از گذشت چند سال - به گوش خود شنید.



پرهیز از خوی استکباری؛ شرط امام برای ارتباط با امریکا

مذاکره باید از موضع قدرت و قوت باشد. کسانی که در شرایط تهدید به فکر مذاکره می‌افتند، ضعف خودشان را با صدای بلند اعلام میکنند. این حرکت بسیار غلطی است. امام بالاتر از مذاکره را گفتند، فرمودند: اگر امریکا آدم شود، ما با او رابطه هم برقرار میکنیم؛ یعنی اگر از خوی استکباری دست بردارد؛ مانند یک طرف برابر، و نخواهد اهداف خودش را در داخل ایران تعقیب کند، در آن صورت او هم مثل بقیه‌ی دولتها خواهد بود. اما واقعیت این نیست.



شکرگزاری برای زنده ماندن درسهای امام راحل

البته خدا را شکر میکنیم که دلهای ما را با ایمان به خودش قرص کرده است؛ خدا را شکر میکنیم که درسهای امام بزرگوار ما را در دلهای ما زنده نگه داشته است؛ خدا را شکر میکنیم که آن شخصیت را که تجسم تقوا و شجاعت و توکل به خدا بود، تجسم قدرت خدا در وجود انسان بود، او را به ما نشان داد؛ او را دیدیم و حجت بر ما تمام شد.

در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت سالروز آزادی خرمشهر، ۱۳۸۱/۳/۱

منطق امام در شرایط پذیرش مذاکره

دولت تازه‌کاری داشتیم که دو سال روی کار آمده و با چنین حمله‌ی سنگینی مواجه

شده بود و دشمن در هزاران کیلومتر زمین ما، از جنوبی‌ترین نقطه تا شمالی‌ترین نقطه‌ی همسایگی با عراق، مستقر شده بود؛ اما در این حال به ما می‌گفتند بیایید مذاکره کنید! مذاکره از موضع ضعف و ذلت و همراه با دست پُر حریف در چانه‌زنی. آن روز اگر مذاکره صورت می‌گرفت - که یک عده از سیاسیون، همان روز به امام فشار می‌آوردند که بنشینید مذاکره کنید - مطمئناً عراق از بخش عمده‌ی خاک ما خارج نمیشد و تا امروز خوزستان و خرمشهر و شاید بسیاری از مناطق دیگر همچنان زیر چکمه‌ی نیروهای متجاوز بیگانه بود. اما امام ایستاد. منطق امام این بود که وقتی متجاوز در خاک ماست و با دست پُر ما را تهدید میکند، ما مذاکره نمیکنیم. مذاکره آن وقتی صورت می‌گیرد که دشمن از تمام خاک ما خارج شود. امروز عده‌ای ناجوانمردانه این حقیقت را ندیده می‌گیرند. آن روز عده‌ای، از جمله همان روسپاهان فراری از کشور که امروز به دامن آمریکا و اروپا و جاهای دیگر پناه برده‌اند، از طریق محافل سیاسی و روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون - که در دست آنها بود - مرتب فشار می‌آوردند که امام باید مذاکره کند. هیأت‌های بین‌المللی هم مرتب به ایران می‌آمدند و می‌گفتند مذاکره کنید. امام با الهام از همان بینش روشن، ایمان راسخ، توکل به خدا و قدرت اراده ایستاد و گفت اگر ما توانستیم سرزمینهای خود را پس بگیریم، آنگاه وقت مذاکره است؛ امروز وقت مذاکره نیست؛ عملاً هم همینطور شد.

معنای جمله‌ی امام در مورد آزادی خرمشهر توسط خدا

در چنان شرایطی که غم، دلها را فرا گرفته و رجزخوانیهای عراق همه‌ی دنیا را پُر کرده بود، نیروهای ما از کمترین امکانات مادی برخوردار نبودند. اینکه می‌گوییم کمترین امکانات مادی، یک حقیقت است. من فراموش نمیکنم، یکی از سرداران و فداکاران آن روز - که امروز بحمدالله در همین جلسه حضور دارند - به اتفاق چند نفر در اهواز پیش ما آمدند و چند قبضه خمپاره‌انداز میخواستند تا بتوانند قدری در مناطق جلوتر ایستادگی و مبارزه کنند؛ اما کسی نبود به اینها این چند قبضه خمپاره‌انداز را بدهد! ما برای سیم خاردار و گلوله و آرپی. جی مشکل داشتیم؛ تانک و نفربر و امثال اینها که به جای خود. آنچه در اختیار ملت ایران بود، عبارت بود از یک اراده‌ی قوی و نشاط همه‌جانبه که

برخاسته از ایمان و آگاهی بود. اینکه امام فرمودند «خرمشهر را خدا آزاد کرد»، یعنی این.

اراده‌ی قوی امام در مقابل فشارهای بهانه‌گیران علیه انقلاب

در همین خلال، کسانی که حاضر نبودند برای انقلاب و منافع این کشور یک قدم بردارند، بلکه فقط بلد بودند نق بزنند و علیه انقلاب بهانه‌گیری کنند، باز فشار می‌آوردند که جنگ را تمام کنید. اگر اراده‌ی قوی و مصمم و ایستادگی امام نبود، مطمئناً جنگ جز با پیروزی دشمن تمام نمیشد. همین نفسهای خبیثی که آن روز این وسوسه‌ها را در کشور میدمیدند، امروز هم بعضی‌شان سر بلند کرده‌اند و همان حرفها را تکرار میکنند و میگویند چرا بعد از فتح خرمشهر آتش بس را قبول نکردید؟! بعد از فتح خرمشهر، هنوز بخش عظیمی از سرزمینهای ما- مرزها و شهرهای ما- و نیز گروه کثیری از مردم ما در اختیار رژیم متجاوز بودند. تهدید بالای سر مرزهای ما بود و دشمن از همه طرف تجهیز میشد. باید شرّ دشمن از سر مرزها کم میشد؛ این یک بی‌شخص خردمندانه بود. آن روز همه‌ی دلسوزان کشور، از مسئولان نظامی و غیره، این منطقی را برای همه اثبات میکردند. امام یک انسان منطقی بود و تصمیم گرفت و عمل کرد و به فضل پروردگار توانست ملت ایران را سرافراز کند.

در جمع مسئولان و کارگزاران در سالروز ولادت فرخنده‌ی نبی‌اکرم(ص) و امام جعفر صادق(ع)، ۱۳۸۱/۳/۹

حرکت رو به جلوی ملت ایران با رهبری امام بزرگوار

ملت ایران با رهبری امام بزرگوار همّت کردند و توانستند یک قدم جلو بروند و پرچم اسلام را در اینجا بلند کنند. امروز در این کشور، پرچم شریعت محمدی(صلی‌الله‌علیه‌وآله) برافراشته شده است.

از اولین آگاهان به خطر اسرائیل در سال ۴۱

امام بزرگوار ما، حقیقت مسئله را خوب شناخته و دیده بود. از شروع این نهضت از سال ۱۳۴۱- یعنی چهل سال قبل- آن وقتی که هنوز در ایران مسئله‌ی فلسطین حتی در

۷۰۰ / ره، رهرو، رهبر

بین خواص هم منتشر نشده بود، حرف امام این بود که در مقابل سلطه‌ی اسرائیل باید همه احساس خطر کنند؛ همه باید بایستند و مقابله کنند. بعد هم همین راه را ادامه داد و این یکی از شعارهای بزرگ آن مرد الهی و آسمانی بود.

پیام به کنفرانس بین‌المللی امام خمینی(ره) و حمایت از فلسطین، ۱۳۸۱/۳/۱۲

تأثیر نهضت امام خمینی(ره) در کالبد قضیه‌ی فلسطین

برگزاری کنفرانس بین‌المللی «امام خمینی(ره) و حمایت از فلسطین» در سالگرد رحلت آن امام راحل عظیم‌الشأن، کاری ارزشمند و پُرمعناست. زیرا نهضت امام خمینی(ره)، جان تازه‌ای در کالبد قضیه‌ی فلسطین دمید و پشتوانه‌ی ایمان اسلامی را که همواره با جهاد فداکارانه همراه است، بار دیگر برای آن ایجاد کرد.

در اجتماع بزرگ زائران حرم امام خمینی(ره)، ۱۳۸۱/۳/۱۴

مقاصد برگزاری سالگرد امام

مناسبت سالگرد امام(رضوان‌الله تعالی‌علیه)، هم وسیله‌ای است برای ملت ایران تا محبت و ارادت و احترام خود را نسبت به امام عزیز و بزرگوار بار دیگر تجدید کند، و هم فرصتی است برای اینکه دل‌های شیفته‌ی امام و اصول و راهبردهای آن بزرگوار، وفاداری خود را به اصول و خط امام و اهدافی که ایشان ترسیم کردند، نشان دهند. برای همین است که هر سال روز چهاردهم خرداد، در چشم تحلیلگران سیاسی عالم، خصوصیت ویژه‌ای دارد. امروز در سرتاسر کشور، مردم همان شور و حال و اخلاص و مودت و صمیمیتی را نشان می‌دهند که از ملت ایران نسبت به امام بزرگوار همیشه دیده شده است.

معرفی ابعاد مختلف شخصیتی امام

در این مناسبت، من راجع به امام و انقلاب عظیم و بی‌مانندی که ایشان آن را در دنیا و تاریخ معاصر مثل قلّه‌ای برافراشتند، صحبت می‌کنم. در حقیقت، سخن گفتن از امام و انقلاب، با یکدیگر تفاوتی ندارد. شخصیت امام فقط خصوصیات ممتازی نبود که در او وجود داشت و شخصیت ایشان را تشکیل میداد. شکی نیست که امام بزرگوار ما از ابعاد

ره، رهرو، رهبر / ۷۰۱

مختلف، یک شخصیت برجسته و ممتاز، یک عالم بزرگ، یک فقیه صاحب مکتب، یک فیلسوف برجسته، یک سیاستمدار، یک مصلح بزرگ اجتماعی و از لحاظ روحیات، صاحب خصلتها و خصوصیات ممتاز و کم‌نظیر بود. همه‌ی اینها شخصیت امام را در چشم مردم دوران خود او و دورانهای بعد برجسته میکنند؛ لیکن شخصیت امام بزرگوار ما در این خصوصیات منحصر نیست. بُعد دیگر شخصیت او عبارت است از اصول و خطوط روشنی که او در این کشور، در این منطقه و در مقابل چشم همه‌ی مردم جهان آنها را بنیاد کرد؛ براساس آن یک نظام سیاسی و اجتماعی به وجود آورد و امیدهای بزرگی را در دل مستضعفان عالم و امت اسلامی ایجاد نمود. شخصیت امام از اصول اساسی او جدا نیست. در حقیقت، هویت و اصول انقلاب ما خطوط برجسته‌ی شخصیت امام را هم تشکیل میدهد. هرچه راجع به انقلاب بگوییم، در واقع درباره‌ی امام سخن گفته‌ایم.



هنر بزرگ امام؛ ایجاد «اصول» و چارچوبی محکم برای انقلاب اسلامی

هنر بزرگ امام بزرگوار ما این بود که چارچوب محکمی را برای این انقلاب به وجود آورد و نگذاشت این انقلاب در هاضمه‌ی قدرتها و جریانهای سیاسی مسلط هضم شود. شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی»، یا شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» که تعالیم امام و خط اشاره‌ی انگشت ایشان در دهان مردم انداخت، معنایش این بود که این انقلاب متکی به اصول ثابت و مستحکمی است که نه به اصول سوسیالیسم اردوگاه آن روز شرق ارتباطی دارد، نه به اصول سرمایه‌داری لیبرال اردوگاه غرب. علت اینکه شرق و غرب با این انقلاب دشمنی کرده‌اند و سرسختی نشان داده‌اند، همین بود. این انقلاب بر پایه‌ی اصول مستحکمی بنا شد؛ هم اجرای عدالت را مورد نظر قرار داد، هم آزادی و استقلال را- که برای ملتها از مهمترین ارزشهاست- مورد توجه قرار داد، هم معنویت و اخلاق را. این انقلاب، ترکیبی از عدالتخواهی و آزادیخواهی و مردمسالاری و معنویت و اخلاق است؛ متها این عدالت را نباید با آن عدالت ادعایی و موهومی که کمونیستها در شوروی سابق یا در کشورهای اقمار خود شعارش را میدادند، اشتباه کرد؛ این عدالت اسلامی است با تعریف خاص خود. همچنین آزادی در نظام

جمهوری اسلامی را با آزادی غربی - که به معنای مهارگسیختگی صاحبان قدرت و سرمایه و همچنین به معنای بی‌بندوباری انسانها در هرگونه رفتار و عمل است - نباید اشتباه کرد. این آزادی اسلامی است؛ هم آزادی اجتماعی است، هم آزادی معنوی است و هم آزادی فردی با قید اسلامی و با فهم و هدایت و تعریف اسلام است. این معنویت و اخلاقی را هم که جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی جزو اصول خود قرار داده است، نباید با دینداریهای متحجر، بی‌منطق و ایستا در بسیاری از جوامع اشتباه کرد. آن دینداریها، به ظاهر و در زبان دیندار، اما با ایستایی و تحجر و عدم فهم مسیر سعادت برای جامعه و انسان همراه است. این پسوند اسلامی بعد از عدالت و آزادی و معنویت، بسیار پرمعناست و باید به آن توجه کرد.

تشریح اصول جمهوری اسلامی توسط امام در قبل از انقلاب

امام این اصول را قبل از پیروزی انقلاب، برای ملت و آگاهان تشریح کرد؛ بعد از پیروزی انقلاب، براساس آن، جمهوری اسلامی را پایه‌گذاری نمود و تا وقتی که زنده بود، پای این اصول ایستاد و برای آن مجاهدت کرد. لذاست که جمهوری اسلامی بعنوان یک پدیده‌ی نوین و بی‌نظیر توانست امیدها را در دل جوامع مسلمان زنده کند. همه در سرتاسر دنیای اسلام و بیرون دنیای اسلام فهمیدند که این یک شکل تقلیدی از آنچه که شعارش را از زبانهای نامطمئن رژیمهای شرقی و غربی شنیده بودند، نیست؛ این یک پدیده‌ی نو و دارای حیات و قدرت تحرک جدید است. بنابراین در سرتاسر دنیای اسلام، با برپا شدن جمهوری اسلامی، ملت‌های مسلمان به تحرک و امید جدیدی دست پیدا کردند. الآن هم همینطور است. الآن علی‌رغم اینکه بوقهای تبلیغاتی استکبار در سرتاسر دنیا علیه جمهوری اسلامی سمپاشی و لجن‌پراکنی میکنند، امیدی که نظام اسلامی در دل مسلمین دنیا به وجود آورده، همچنان زنده است. روشنفکران مسلمان، جوانان مسلمان و نسل‌های رو به رشد در کشورهای اسلامی، این نقطه‌ی روشن و پُر از امید را در مقابل چشم خود دارند.

ره، رهرو، رهبر / ۷۰۳

امام و انقلاب؛ تنها نقطه‌ی امید خروج از سلطه‌ی امریکا و پهلوی

جوانانی که دوران پیروزی انقلاب را درک نکرده‌اند و سالهای قبل از پیروزی را ندیده‌اند، این نکته را بدانند که اگر انقلاب اسلامی و امام بزرگوار ما نبود و اگر اسلام پرچمدار انقلاب و تحوّل در این کشور نبود، هیچ امیدی وجود نداشت که سلطه‌ی جهنمی تحقیرآمیز امریکا و حکومت دیکتاتوری قسّی‌القلب پهلوی از این مملکت برکنده شود.



علت لبیک مردم به ندای امام

در ایران همیشه ملت با ندای دین به میدان آمده است؛ عدالت را در سایه‌ی دین دیده است؛ بخاطر اعتماد به روحانیت، هر جایی که آنها پیشگام در تحوّل شده‌اند، آنها را تنها نگذاشته است. بنابراین وقتی امام بزرگوار ما بعنوان یک مرجع، یک عالم دین و یک انسان آزمایش‌شده‌ی پاک و صدیق، با آن عزم راسخ وارد میدان شد و روحانیت پشت سر او وارد میدان شدند، همه‌ی ملت به میدان کشیده شدند و دشمن دیگر نتوانست مقاومت کند. آن روز، حضور ملت توانست ریشه‌ی استبداد را از این کشور بگند.



درک عظمت کار امام با توجه به وضعیت استبداد در ایران

برادران و خواهران عزیز! در کشور ما استبداد همیشه به پشتیبانی قدرتهای سلطه‌گر خارجی متکی بوده است. استبداد و دیکتاتوری و خودکامگی حکومت پهلوی و قبل از آن به شکل دیگری حکومت قاجار، بخاطر اتکای آنها به قدرتهای بیگانه بود. رضاخان، متکی به انگلیس؛ محمدرضا، اول متکی به انگلیس و بعد متکی به امریکا بود. او منافع و نفوذ امریکا را بر طبق میل آنها تأمین میکرد؛ آنها هم از او حمایت میکردند و هر کاری میخواستند، با این کشور و این ملت میکردند. پنجاه سال این ملت را زیر فشار اختناق نگه داشتند و پیشرفت علمی و صنعتی و فرهنگی و اخلاقی او را در دورانی که از لحاظ جهانی بهترین و آماده‌ترین دورانها برای این پیشرفت بود، متوقف کردند و این ملت و این کشور را عقب نگه داشتند. همّت آنها عیش و نوش، جمع کردن ثروت و خدمت

دادن به اربابان خارجی بود. آنها به اتکای همان قدرت خارجی، بطور کامل خود را در ایران مستقر کرده بودند و کندن اینها و نابود کردن این بنای کج و مضر و سرشار از لعنت و نفرت و شوم، کار هر کسی نبود. امام بزرگوار با پرچم هدایت اسلامی آمد؛ لذا اصول امام، اصول اسلامی است؛ عدالت امام، عدالت اسلامی است؛ مردمسالاری امام، مردمسالاری اسلامی است.

اتهام دوری امام از مردمسالاری؛ از بزرگترین بی‌انصافیها

یکی از بزرگترین بی‌انصافیها درباره‌ی امام بزرگوار و نظام اسلامی ما این است که تبلیغات بیگانه، امام و نظام اسلامی و جمهوری اسلامی را به استبداد و دوری از مردمسالاری متهم میکنند. این انقلاب با این عظمت و توفندگی در ایران به وجود آمد و پس از پیروزی انقلاب اولین نظرخواهی از مردم به وسیله‌ی امام انجام گرفت که در هیچ انقلابی سابقه نداشت. شما نگاه کنید، یک کودتا، یک تحویل کوچک و یک جابه‌جایی مختصر در کشوری صورت میگیرد؛ دو، سه سال انتخابات تأخیر می‌افتد. در کشور، مردم صندوق رأی را نمیشناختند. انتخابات دوره‌ی رژیم طاغوت، صوری و دروغین بود. هیچ وقت مردم پای صندوق رأی نرفته بودند تا به معنای واقعی کلمه رأی دهند. هرکس را برای مجلس دست‌نشانده میخواستند، از صندوقها بیرون می‌آوردند. در چنین زمینه‌ای، دو ماه بعد از پیروزی انقلاب، امام مردم را پای صندوقهای رأی کشاند و مردم به جمهوری اسلامی رأی دادند. در یک سال، مردم پنج بار پای صندوقهای رأی رفتند. در طول بیست و سه سالی که از انقلاب میگذرد، ملت ما بیست و سه مرتبه برای انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان، رئیس‌جمهور و اعضای شورای شهر و نیز تعیین قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی پای صندوقهای رأی رفت و رأی داد. در کدام نظام - حتی به ظاهر دموکراتیک - این همه تکیه به رأی و خواست مردم وجود دارد؟ دشمنان وقیح و بی‌شرم این انقلاب و این ملت، این بی‌انصافی را میکنند که این انقلاب و نظام و بانی و معمار و بنیانگذار بزرگ آن را به ضدیت با مردمسالاری متهم میکنند.

معرفی برخی اصول اساسی و ثابت از خط امام

مردمسالاری در نظام اسلامی، مردمسالاری دینی است؛ یعنی به نظر اسلام متکی است؛ فقط یک قرارداد عرفی نیست. مراجعه به رأی و اراده و خواست مردم، در آنجایی که این مراجعه لازم است، نظر اسلام است؛ لذا تعهد اسلامی به وجود می‌آورد. مثل کشورهای دمکراتیک غربی نیست که یک قرارداد عرفی باشد تا بتوانند براحتی آن را نقض کنند. در نظام جمهوری اسلامی، مردمسالاری یک وظیفه‌ی دینی است. مسئولان برای حفظ این خصوصیت، تعهد دینی دارند و پیش خدا باید جواب دهند. این یک اصل بزرگ از اصول امام بزرگوار ماست.

اصل عدالت اجتماعی، اجرای عدالت، در نظر گرفتن حق توده‌های وسیع مردم و پُر کردن فاصله‌ی طبقاتی، یکی از اصول اصلی نظام اسلامی است. مبارزه با فساد اداری و فساد اقتصادی و سوءاستفاده از امکاناتی که قدرت در اختیار افراد میگذارد - چه سوءاستفاده‌ی مالی و چه سوءاستفاده‌ی سیاسی - از اصول انقلاب است و باید رعایت شود. خدمت به مردم، از اصول انقلاب است. حفظ استقلال کشور در همه‌ی زمینه‌ها و جلوگیری از نفوذ و رخنه‌ی دشمنان، جزو اصول تغییرناپذیر انقلاب است. اصول و خطوط اصلی انقلاب قابل تغییر نیست. مظهر همه‌ی اینها قانون اساسی مرقی ماست.

البته دولتها و مسئولان در دوره‌های مختلف برای اجرای این اصول میتوانند تاکتیکها و روشهای گوناگونی را انتخاب کنند. اساس انقلاب، مثل خود اسلام بر احکام ثابت و احکام متغیر استوار است. یک سلسله احکام، تغییرناپذیر است؛ یک سلسله احکام در شرایط گوناگون تغییر پیدا میکند. انقلاب هم همینطور است. اجتهاد، خصوصیتی است که این امکان را به یک مسئول میدهد تا بتواند به اقتضای شرایط، روشها و راهها و تاکتیکهای درست را انتخاب کند. البته انتخاب روش و اجتهاد برای پیدا کردن روش نو و مناسب، کار مجتهد است. این غیر از بدعتگذاری یک انسان ناوارد و تجدیدنظرطلب است؛ این کار کسی است که قدرت اجتهاد در این کار را داشته باشد. نقش اجتهاد و مجتهد در نظام اسلامی به همین خاطر است. از آن طرف، به بهانه‌ی تمسک به اصول، تحجر را نفی میکنیم و میگوییم نمیشود به بهانه‌ی تمسک به اصول، تحجر و ایستایی را بر انقلاب تحمیل کرد - اصولگرایی وجود دارد؛ اما این، تحجر و جزم‌اندیشی و نشناختن

شرایط مختلف نیست - از این طرف، به بهانه‌ی اجتهاد و تحول، نباید به بدعت‌گذاریهای ناشیانه و تجدیدنظرطلبانه اجازه‌ی فعالیت و تحرک مضر و مخرب داد. خط روشن امام بزرگوار این است. بنابراین، اصول، اصول ثابتی است. عدالت، مردم‌سالاری، استقلال، دفاع از حقوق ملت در همه‌ی زمینه‌ها، دفاع از حقوق مسلمانان عالم، دفاع از هر مظلومی در هر نقطه‌ی عالم؛ اینها جزو اصول ماست. مبارزه با فساد، ظلم و زورگویی جزو اصول ماست - اینها تغییرناپذیر است - اما ممکن است روشهای گوناگونی در اوضاع و احوال مختلف وجود داشته باشد.



ترسیم دقیق و روشن چارچوبهای انقلاب اسلامی توسط امام و آثار آن

امام اصول انقلاب و چارچوبها را آنچنان مستحکم و دقیق و روشن ترسیم کرد تا جریانهای مسلط عالم نتوانند این انقلاب را مثل بقیه‌ی تحولات سیاسی در هاضمه‌ی فرهنگی خود هضم کنند و از بین ببرند. آنچه ملت ما باید بر آن پافشاری کند، همین اصول تغییرناپذیر است. البته ممکن است دولتها، مجلسها و قوه‌ی قضائیه، در بخشهای مختلف ناتوانی نشان دهند و آنچه که مقصود و مراد انقلاب و نظام اسلامی است، برآورده نشود؛ اما این ضعف مربوط به کارگزاران و مجریان است. متأسفانه دشمنان نظام هر جا وضعی مربوط به یک دستگاه باشد، آن را به نظام نسبت میدهند.

نظام، پایه‌های مستحکم و خطوط روشنی دارد. استدلال و منطقی که پشت سر خطوط اصلی نظام وجود دارد، غیرقابل خدشه است. مسئولان و کارگزاران بخشهای گوناگون نظام اسلامی - اعم از قوه‌ی مقننه یا مجریه یا قضائیه یا نیروهای مسلح یا هرکس در هر گوشه‌ای مشغول کار است - باید ضعفهای خود را برطرف کنند. راه به سعادت رساندن این ملت، اجرای اصولی است که امام بزرگوار ترسیم کرد؛ در قانون اساسی تثبیت شد و ملت وفاداری خود را به آنها بارها اعلام کرد. معلوم شد دشمن با این اصول و با هر چیزی که بتواند راه نفوذ او را ببندد، مخالف است. دشمن درصدد آن است که از منافذ گوناگون وارد شود. ملت ایران و بخصوص مسئولان باید هشیار باشند، که بحمدالله ملت عزیزمان در طول این سالها نشان داد که آگاه است و به این نکات توجه دارد.



مقایسه‌ی نحوه‌ی حمایت مردم از اصول امام؛ با حمایت ملت‌های دیگر از اصولشان

علاج مقابله با تهدیدهای امریکا عبارت است از وحدت ملت، وحدت مسئولان، مراعات جناح‌های مختلف سیاسی و گرد آمدن حول همان محورهایی که امام بزرگوار ما بعنوان اصول این انقلاب و نظام معین کرده و مورد قبول این ملت است؛ همان چیزهایی که ملت برای آن فداکاری کرد. شما ببینید در هر نقطه‌ی دنیا وقتی کسی بعنوان نامزد ریاست جمهوری شعارهایی می‌دهد و بعد اکثریتی - ولو ضعیف - به او رأی می‌دهند، صرف آمدن آنها پای صندوق‌های رأی، بعنوان طرفداری از این شعارها به حساب می‌آید. در انتخابات اخیر فرانسه این را ملاحظه کردید؛ در همه‌جای دنیا هم این معمول است. ملت ایران برای اصول امام بزرگوار ما و خطوط اصلی این انقلاب - که عمده‌ی آنها را برشمردم - اینطور نبود که فقط پای صندوق‌های رأی بیاید؛ بلکه جان بر کف دست گرفت و وسط میدان آمد. این ملت با خون خود، این انقلاب و این خطوط و این اصول را که در قانون اساسی امروز مجسم و متبلور است، امضاء کرد. نه فقط در اول انقلاب، بلکه در دوران جنگ تحمیلی، هشت سال مردم در مقابل متجاوز ایستادند و با جان و جوان و همه‌ی وجود خود از این نظام مقدس دفاع کردند. این غیر از آن است که مردم برای تأیید شخصیتی پای صندوق‌های رأی بیایند؛ این دهها بار بالاتر از آن است. این اصول، اصولی است که ملت ایران برای آن جان داده است؛ جوان داده است؛ خون داده است؛ الآن هم ایستاده است. الآن هم اگر معرکه‌ای پیش آید که مردم ایران احساس کنند باید با جسم و جان خود وسط میدان بیایند، همه‌ی چشم‌های دنیا خواهند دید که استقبال و شور و هیجان مردم حتی از دوران جنگ تحمیلی هم بیشتر خواهد بود. این اصول، مورد اعتقاد و اعتماد و عشق و علاقه‌ی مردم و محور وحدت است. بعضی دنبال محور وحدت نگردند! این اصول، محور وحدت است. همه - چه مسئولان و چه عناصر سیاسی - وفاداری خود را به این اصول، بارها و بارها به زبان، به قلم، با نطق و با رفتار ثابت کنند؛ این میشود محور وحدت. وحدت ملی یعنی این.



وظیفه‌ی بزرگ مسئولان نسبت به اصول و خطوط امام و انقلاب

در کنار این، وظیفه‌ی بسیار بزرگی بر عهده‌ی مسئولان کشور است و آن، خدمت به

مردم و کار خستگی‌ناپذیر و پرتلاش و شبانه‌روزی برای آنهاست. فرق نمی‌کند؛ چه قوه‌ی مجریه و دستگاه دولت، چه قوه‌ی مقننه و نمایندگان مجلس، چه قوه‌ی قضائیه و هسته‌های قضایی در سرتاسر کشور؛ اینها باید بطور جدی در جهت اجرای همین اصول و خطوط انقلاب و امام- که در واقع اجرای قانون اساسی است- بدون ملاحظه کار و تلاش کنند و نگذارند وقتشان صرف کارهای دیگر شود. اگر کسی در این دوران کوتاهی کند، هم در چشم مردم و قضاوت آنها محکوم خواهد شد، هم پیش خدای متعال مؤاخذ خواهد بود. در این دوران که مردم نهایت احتیاج را به خدمات مسئولان دارند، نباید کوتاهی کنند. راه برای خدمت و باز کردن گره‌های اقتصادی و معیشتی مردم باز است؛ راه برای اجرای عدالت و پُر کردن شکاف طبقاتی- که در جامعه‌ی ما که اسلامی است و نباید باشد، ولی متأسفانه وجود دارد- باز است. راههای عاقلانه و منطقی وجود دارد؛ مسئولان باید همت کنند. این چیزی است که روح مطهر این بزرگوار از ما و همه‌ی مسئولان میخواهد؛ همچنان که این ملت از ما میخواهد.

در دیدار اعضای هیأت مؤسس و هیأت امنای مؤسسه پژوهشی- فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱/۴/۴

فرمایشات امام؛ نشان‌دهنده‌ی شخصیت و هویت امام

وقتی ما فرمایشهای امام را که در بیست، سی جلد چاپ شده است، نگاه میکنیم، مبینیم چیزهایی در سرتاسر کتاب سریان دارد. اینها شخصیت و هویت امام است.

چگونگی برخورد صحیح با ابعاد زمانی فرمایشهای امام

ممکن است هویت امام از چند نظر مورد توجه باشد؛ ایشان را بشناسیم، زمان را بشناسیم، تاریخ را بشناسیم، حکومت را بشناسیم، جهتگیری را بشناسیم. با این نگاه، البته همه‌ی مطالب اهمیت پیدا میکند. فرض کنید به نظر من یا دیگر دوستان چند نقطه مهم می‌آید- مثلاً بیگانگی‌ستیزی که در تاریخ ما بخصوص در صد و پنجاه سال اخیر یکی از مسائل مهم بوده است- اما بعضی از چیزها وجود دارد که شاید در این زمان به نظر ما اهمیت پیدا نکند؛ اما در آینده سؤال شود و جوابی لازم داشته باشد.

ره، رهرو، رهبر / ۷۰۹

شما ملاحظه کنید در ابتدای وصیتنامه‌ی امام، چندین صفحه راجع به مسئله‌ی ولایت است که الآن پاسخ هیچ سؤالی نیست؛ کأنه ایشان نشسته‌اند و یک کتاب اعتقادی راجع به ولایت امیرالمؤمنین و ائمه (علیهم‌السلام) نوشته‌اند؛ اما ممکن است در آینده حقیقتاً برای جهتدهی و حکایت از جهت جمهوری اسلامی، یک چیز واجب و لازم باشد؛ کمالینکه بتدریج انسان میبیند همینطور هم شده است. ما فکر نمی‌کردیم بعد از زمان امام، کسانی حتی نظام یا شخص امام را متهم کنند که گرایش ولایتی‌شان ضعیف بوده است! این میشود پاسخ آن سؤال. یا فرض بفرمایید موضوع ورزش یا جوان یا از این قبیل - که شما به آن اشاره کردید - امروز واقعاً پاسخ هیچ سؤالی نیست؛ ولی ما نمیدانیم همیشه پاسخ هیچ سؤالی نباشد؛ یا ما نمیدانیم از انضمام آنها با مسائل دیگر، یک مجموعه و مرگبی به وجود نیاید که به آنها احتیاج باشد.

پیام به مناسبت انتشار نامه‌ی آیت‌الله سیدجلال‌الدین طاهری امام جمعه‌ی اصفهان، ۱۳۸۱/۴/۲۰

انتقام‌جویی دشمنان از امام و انقلاب؛ با استفاده از غفلت دوستان

دشمنان سوگندخورده‌ی انقلاب که یک روز هم با امام و امت دل صاف و مهربان نداشته‌اند با این تلقینها می‌خواهند مردم را مأیوس، جوانان را گمراه، و بعضی پیران موجّه ولی بیخبر را مدّعی امام و انقلاب کنند. در چنین شرایطی حرف زدن و اقدام کردن هوشیاری بیشتری میطلبد و اندک غفلتی دشمنان داخلی و خارجی را در سوءاستفاده و سوءنیت خود گستاخ می‌سازد و جفای بزرگی به این ملت مظلوم است. از همین رو، روزی که اطلاعیه‌ی منسوب به جنابعالی صادر شده ضدانقلاب که در زیر سایه‌ی امریکا و اسرائیل با پول آنها زندگی و تغذیه میکند بیشترین سوءاستفاده را از آن کردند و آن را مقابله با سیاستهای امام راحل و نفی و رفض نظام اسلامی و شعارهای آن وانمود کردند. البته بنده با سابقه‌ی رفاقت و آشنایی با جنابعالی و اطلاع از سوابق ممتدتان در انقلاب و نیز اطلاع از محبتی که همواره نسبت به اینجانب ابراز کرده‌اید چنین برداشتی نمیکنم ولی کسانی که سخن شیطان را باور کنند و فریب آن را بخورند نیز وجود دارند. این باید موجب شود که همه‌ی ما در گفتار و اظهار خود هوشیاری و دقت و اخلاص بیشتری به کار گیریم و نگذاریم وحدت و انگیزه این ملت بزرگ و قهرمان خدای نخواستہ با غفلت

ما مخدوش شود. امریکا برای عملی کردن تهدید خود در ایران تنها کمبودی که دارد وجود یک پایگاه مستحکم مردمی است که بتواند با استفاده از آن انتقام خود را از انقلاب و اسلام و امام بگیرد و برای سرکوب این ملت آزاد و شجاع، یک دیکتاتوری سیاه شبیه دیکتاتوری پهلوی در این کشور مستقر کند.

علت طرد برخی از اطراف امام

بلای گرفتاری در مُشت اطرافیان نامطمئن موجب شد که یکی از یاران و شاگردان نزدیک امام در اواخر عمر آن یگانه‌ی زمان، مطرود ایشان واقع شود و او را از دخالت در امور سیاسی منع شرعی کنند و باز اگر آن شخص به این تصمیم و اخطار حکیمانه‌ی استاد و مراد خود عمل میکرد یقیناً مشکلات بعدی را برای خود و کشور به وجود نمی‌آورد.

درسهای امام در قابل بخشش نبودن جفای به ملت و نظام

اینجانب جفای به خودم را فراموش میکنم اما همه باید از امام راحل عظیم خود آموخته باشیم که جفای به ملت و تلاش برای سُست کردن بنیان نظام اسلامی قابل بخشش نیست.

در دیدار جمعی از مدیران و مسئولان وزارت آموزش و پرورش، ۲۶ / ۰۴ / ۱۳۸۱

امام و انقلاب؛ بزرگترین اصلاحگر تاریخ ایران

رئیس‌جمهور امریکا ادعا میکند طرفدار جناحی به نام اصلاح‌طلب در ایران است. دروغ می‌گویید! اولاً شما طرفدار هیچ جناحی از جناحهای معتقد به انقلاب نیستید. ثانیاً طرفدار اصلاح هم نیستید. هر اصلاحی بخواهد در این کشور انجام گیرد، یقیناً برخلاف نظر رژیم دیکتاتور و مستبد و سلطه‌جوی بین‌المللی امریکاست. ثالثاً اگر بفرض چیزی به نام اصلاحات باشد که نسخه‌ی آن را شما برای مردم ایران بنویسید، آنها این اصلاحات را اصلاحات امریکایی خواهند دانست و آن را در زباله‌دان می‌اندازند.

ره، رهرو، رهبر / ۷۱۱

بزرگترین حرکت اصلاحی را در این کشور، انقلاب اسلامی و امام بزرگوار این ملت انجام دادند.

ایمان و وحدت مردم؛ عنصر جاودانه‌کننده‌ی نام امام

آنچه عزت و کین این ملت را حفظ کرد؛ نظام اسلامی را سربلند و نام امام را جاودانه کرد، ایمان و عزم راسخ این مردم و ایستادگی و وحدت و یکپارچگی آنها بود.

در دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه‌ی سراسر کشور، ۱۳۸۱/۵/۵

هشیاری امام در تبدیل نماز جمعه به یک سنت پایدار

امروز به برکت انقلاب اسلامی و با هشیاری امام بزرگوارمان، نماز جمعه به یک سنت پایدار در کشور تبدیل شده است. قبل از نظام اسلامی، مردم ما با معنا و حقیقت نماز جمعه آشنا نبودند. این لطف خدا بر ملت ما بود- و یکی از برکات انقلاب اسلامی محسوب میشود- که ما توانستیم این دریچه‌ی دلگشا به سمت معنویت و آگاهی را به روی خود باز کنیم.

پیام در تجلیل از راهپیمایی ۲۸ تیر ۱۳۸۱، ۱۳۸۱/۰۴/۲۹

اعلام جایگاه پرچم امام خمینی(ره) و شهیدان، نزد ملت ایران

ملت شریف ایران، حضور بیدریغ و میلیونی شما بندگان صالح خدا و انسانهای آگاه و مؤمن که زیر آفتاب تفتیده به خیابانها آمدید، به جهان اعلام کرد که این ملت بزرگ راه رفته را باز نخواهد گشت و پرچم امام خمینی و شهیدان قافله‌ی عشق را همچنان در اهتزاز نگاه خواهد داشت.

پیام به شرکت‌کنندگان در نشست سالیانه اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاههای سراسر کشور، ۱۳۸۱/۵/۲۲

درایت و دورنگری امام بزرگوار در پایه‌گذاری انجمن اسلامی دانشگاهها

نهال انجمن اسلامی در دانشگاههای کشور با درایت و دورنگری امام بزرگوار در

حساسترین لحظات انقلاب ریشه دوانید و به ثمر رسید، و در طول سالهای متمادی با توصیه‌های حکیمانه‌ی آن بزرگوار آبیاری شد

■ امام بزرگوار انجمنهای اسلامی را بارها از نفوذ دشمنان برحذر میداشتند. این توصیه‌ی حکیمانه امروز نیز همچنان باقی است.

در دیدار گروه کثیری از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱/۶/۲۴

علت رواج نام امام خمینی(ره) در جهان و دشمنی مستکبران با انقلاب

آنچه انقلاب بعنوان معرفت سیاسی در دنیا مطرح کرد، در شرایطی بود که همه‌ی این حرفها در دنیا وجود داشت و پیام انقلاب در دنیا زلزله ایجاد کرد. آنچه آنها را وادار کرده است علیه این انقلاب موضع بگیرند، آن زلزله است. همه‌ی ملتها و روشنفکران، در آن مفاهیم پوشالی تشکیک کردند. امروز هم همه‌ی حرفهایی که به اصطلاح روشنفکران غربی وابسته به دستگاه وزارت خارجه و سیا و دستگاههای گوناگون امریکا بر زبان جاری میکنند یا در مطبوعاتی که نام آزاد دارند و به هیچ وجه آزاد به آن معنا نیستند، مینویسند و منتشر میکنند، در نظر نسل جوان و روشنفکران و تیزبینان سراسر دنیا- چه در دنیای اسلام، چه حتی بیرون دنیای اسلام- کاملاً زیر سؤال رفته و مورد تردید قرار گرفته و بسیاری از آنها بطور قاطع رد شده است. البته سیاستمداران به رو نمی‌آورند و همین حرفها را از موضع سیاسی و با روش قدرت‌مداران تکرار میکنند؛ اما اسلام و انقلاب اسلامی کار خود را کرد.

معرفت سیاسی انقلاب اسلامی، حاوی مفاهیم جوشیده از دل اسلام

انقلاب اسلامی در معرفت سیاسی‌ای که ارائه داد، با استبداد مخالفت کرد. استبداد به رأی، با هر نامی و از سوی هرکس، از نظر اسلام ممنوع است. انقلاب اسلامی با استکبار و دست‌اندازی و دخالت و تجاوز به ملتهای مظلوم و جنگ‌طلبیهای خشن و قهرآمیز و قبضه کردن منافع ملتها زیر نامهای خوش‌ظاهر هم مخالفت کرد. اینها مفاهیمی است که از دل اسلام جوشید؛ بعنوان مکتب سیاسی نظام اسلامی و جمهوری اسلامی در دنیا تابلو و عرضه شد و همه در مقابل آن سر تعظیم فرود آوردند.

ره، رهرو، رهبر / ۷۱۳

علت رواج نام امام بزرگوار، اینها بود. اینکه در اقصی نقاط دنیا به هر کشوری رفتید و دیدید مردم در مقابل نام امام خمینی تعظیم میکنند، علت، وجود مفاهیمی بود که ملتها آن را، هم میفهمیدند و با همهی وجود درک و لمس میکردند، هم احساس میکردند که تنها درمان دردهایشان همین است که از این راه بروند. متنها شرایط برای بعضی ملتها فراهم بود و توانستند به این نسخه عمل کنند؛ بعضی هم نتوانستند و سرکوب شدند. خیلی از جاهای دنیا، در بخشهایی به این نسخه عمل کردند و اثر گرفتند.

■
مردم در آفریقای جنوبی از تبعیض نژادی رنج میبردند. همان روزها با اینکه هنوز حکومت تبعیض نژادی بر سر کار بود، روشنفکران آفریقای جنوبی نسبت به امام و مبارزان اینجا اظهار ارادت میکردند و در مقابل اینها تعظیم مینمودند. همین کسی که بعداً از زندان آزاد و رئیس جمهور آنجا شد، آن موقع در زندان بود. بنده برای دیداری به زیمبابوه رفته بودم؛ او از داخل زندان به من پیغام داد که سلام مرا به امام برسانید. بعد هم با همان روشی که اینها از امام خمینی یاد گرفته بودند، وارد میدان شدند و توانستند حکومت را از دست فعالان و حکومت تبعیض نژادی بگیرند و قبضه کنند. کشور همسایهی آنها و بسیاری از جاهای دیگر دنیا هم همینطور عمل کردند. بنابراین انقلاب زنده است.

در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد امیرالمؤمنین علی(ع)، ۱۳۸۱/۶/۳۰

علت اصلی جاذبه‌ی امروز نام امام و جمهوری اسلامی در دنیا

ادعای من این است که ما توانسته‌ایم در حدّ قدرت معقول انسانی در حدّ انسانهای ضعیفی مثل ما، علی‌رغم همه‌ی دشمنیهای جهانی، این راه را ترسیم کنیم و این شاخصها^۱ را به دنیا نشان دهیم. علت جاذبه‌ای که امروز نام مبارک امام(رضوان‌الله‌علیه) و نام جمهوری اسلامی در دنیا دارد، همینهاست؛ چون توانسته‌ایم این شاخصه‌ها را در رفتار حکومت اسلامی ثبت کنیم.

۱ شاخصهای حکومت علوی.

شهیدا؛ محافظ پرچم امام و امت

ملت ما استقلال و عزت خود را مرهون خون پاک رادمردانی است که سرمایه‌ی حیات و نشاط خود را به آرمانهای والا و ارزشهای متعالی نظام اسلامی تقدیم کردند و پرچم اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را که بدست امام و امت به اهتزاز درآمد، برافراشته نگاه داشتند.

در دیدار گروه کثیری از پاسداران به مناسبت سالروز میلاد امام حسین(ع) و روز پاسدار، ۱۳۸۱/۷/۱۷

از شباهتهای نهضت امام با نهضت نبوی(ص)

این انقلاب - که از این حیث، شبیه نهضت نبوی اکرم است؛ یعنی به موفقیت رسید و دلها و جانها و نیروها و انسانها با آن همراهی کردند و امام را تنها نگذاشتند - توانست پرچم شوکت و عزت را سرپا کند. این را از حسین بن علی الهام گرفت و مظهر تجدید حیات اسلام شد.

در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلا‌ی تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰

آثار تعالیم اسلام امام به مردم و القای امید و شجاعت به ایشان

انسانها میتوانند تلاش کنند و پرچم عدالت را - ولو در یک نقطه‌ی محدود - بلند کنند. شما ببینید ملت‌هایی که امروز در گوشه و کنار عالم زیر فشار ظلم و ستم زندگی میکنند، اگر این امید را در دل خود بیورانند که میشود با ظلم مبارزه کرد، چه اتفاقی در دنیا می‌افتد و چطور ملتها بیدار میشوند! یک روز ملت ایران هم در پنجه‌ی اقتدار رژیم طاغوتی دچار همین یأس بود؛ ولی امام بزرگوار ما با تعالیم اسلامی، این یأس را از دلها پاک کرد و به مردم امید و شجاعت داد. نتیجه این شد که این مردم به پا خاستند، نهضت کردند، تن به سختی دادند، مبارزه کردند، از جان خود دریغ نکردند و توانستند در این نقطه از عالم، با عوامل ظلم و نظام ظالمانه و شیطانی مبارزه و آن را ریشه‌کن و سرنگون کنند.

نسخه الکترونیکی

هرگونه بهره‌برداری بصورت چاپ و تکثیر ممنوع میباشد.

علت تبعید امام در سال چهل و سه

وقتی نهضت اسلامی از سال چهل و یک شروع شد، خطر این نهضت را پیش از همه، دستگاه‌های جاسوسی و اطلاعاتی آمریکا احساس کردند. لذا در سال چهل و سه امام را از ایران تبعید کردند- البته دولت ایران تبعید کرد؛ اما پشت سر قضیه، اراده‌ی امریکاییها بود- و به کشور همسایه‌ی ما بردند، که آنجا هم تحت سلطه‌ی نظامیان و دولتهای وابسته‌ی به آمریکا بود.

دانشجویان پیرو «خط امام»؛ مظهر شجاعت و سرعت عمل ملت ایران

اما سیزده آبان سال پنجاه و هشت آن روی سکه بود و ورق برگشته بود؛ یعنی این نهضت با پایداری ملت مسلمان و رهبری امام بزرگوار به پیروزی رسیده بود. بنابراین مودبگری و دسیسه‌ی امریکایی علیه کشور به شکل دیگری صورت می‌گرفت. در اینجا سفارتخانه‌ی خودشان را به مرکزی برای خرابکاری تبدیل کرده بودند؛ چه خرابکاری سیاسی، چه جاسوسی، چه خریدن اشخاص و شخصیتهایی که در انقلاب وارد بودند. یکی از ابزارها همین است که شخصیتها و افراد مؤثر و بانفوذ را بخرند. همه‌جا و همیشه هم آدمهای بی‌ایمان و بی‌وجدان یا سست‌بنیاد پیدا میشوند که یک دست ثروتمند و قدرتمند بتواند آنها را خریداری کند. قیمت آدمها هم متفاوت است؛ بعضیها را ارزان می‌خرند، بعضیها را یک‌خرده گرانتر می‌خرند! اگر شما به اسناد لانه‌ی جاسوسی- که ظاهراً شصت، هفتاد جلد کتاب یا بیشتر منتشر شده است- مراجعه کنید، جای پای این خیانتها را ببینید. اینها عکس‌العمل ملت ایران را به همراه داشت. مظهر شهادت و سرعت عمل ملت ایران هم دانشجویان بودند؛ آن هم دانشجویانی که پیرو خط امام بودند، نه دانشجوی وابسته به فلان حزب سیاسی یا فلان تشکیلات گوناگون و بی‌ایمان؛ نه، دانشجویی که خط امام را قبول داشت و به آن مؤمن بود. آنها شهادت لازم را یافتند و رفتند سفارتخانه را تصرف کردند و این اسناد را بیرون کشیدند. مضمون سیزده آبان، اینهاست؛ یعنی مقابله با زورگویی، دسیسه و استکبار.

علت تلاش عده‌ای برای بازگرداندن تفرقه‌ی قبل از دوران امام به جامعه

اول انقلاب به برکت فریاد اصلاح طلب امام و حرکت اصلاحی انقلاب، دلها و قشرها به هم نزدیک شدند. سالهاست آن شکافهایی که قبل از انقلاب بین قشرها وجود داشت، دیگر وجود ندارد. بین روحانی و دانشجو، بین نظامی و غیرنظامی، بین روشنفکر و مجموعه‌ی کاسب و تاجر، شکافهای سنتی‌ای وجود داشت که سالها روی آن کار شده بود؛ اما این شکافها بعد از انقلاب ترمیم گردید، از بین رفت و یا کم شد. امروز بار دیگر میخواهند این شکافها را به وجود آورند؛ همچنان که شکافهای مذهبی را زیاد میکنند و گروههای مذهبی را وادار به تظاهر به دشمنی با یکدیگر مینمایند، برای اینکه شکاف ایجاد شود. شکافهایی که بین بدنه‌ی یکپارچه‌ی مردم به وجود می‌آید، راه را برای دشمن باز میکند و دشمن با این اختلافها میتواند در داخل یک جامعه و یک کشور نفوذ کند و سیاستهای خود را دنبال نماید. همه باید خیلی مراقب باشند.

علت قرار گرفتن مردم پشت سر امام خمینی(ره)

ملت ما بروشنی بیان کرده است که دنبال چیست. ملت ما آن روزی که پشت سر امام قرار گرفت - چه در دوران انقلاب، چه در دوران هشت سال دفاع مقدس - و چند صد هزار جوان خود را در این راه داد، مشخص کرد که دنبال چه چیزی است. ملت دنبال دموکراسی غربی نبود. ملت مسلمان ما و کسانی که در دوران مبارزات زمان رژیم طاغوت، در زندانها آن رنجها را کشیدند و آن شلأقها را خوردند، دنبال جمهوری غربی و فرهنگهای ملحد غربی و دموکراسی دروغین غرب و شرق نبودند. مادرانی که فرزندان خود - گاهی دو پسر، سه پسر، چهار پسر - یا داماد و شوهر خود را قربانی کردند و خم به ابرو نیاوردند و احساس افتخار نمودند، دنبال دموکراسی غربی و جمهوری دمکراتیک و امثال اینها نبودند. منشور واقعی انقلاب و خواست حقیقی مردم همان چیزی است که در قانون اساسی ما - بخصوص در اصول اول آن - منعکس شده است. مردم، رشد معنوی و رفاه مادی را در سایه‌ی اسلام و به برکت اسلام و حاکمیت مقررات اسلامی خواستند؛ الآن هم همین را میخواهند.

ره، رهرو، رهبر / ۷۱۷

منشور معنوی انقلاب؛ وصیتنامه‌ی امام و شهدا

منشور رسمی و قانونی انقلاب و کشور عبارت است از قانون اساسی ما. همه‌ی چیزهایی که برای اداره‌ی امور ملت لازم است، به شکل متین و مستحکمی در این منشور وجود دارد. منشور معنوی انقلاب هم وصیتنامه‌ی امام و وصیتنامه‌های شهداست. این وصیتنامه‌ها را بخوانید و ببینید شهدا که در میدان جنگ جان خود را فدا کردند، برای چه فدا کردند و دنبال چه بودند. مگر میشود از مجموعه‌ی فداکاریها و آرمانهای یک ملت، کسی به این آسانی دست بشوید؟! اینها راه ماست؛ اینها مایه‌های سعادت ماست که باید دنبال کنیم.

در دیدار دانشجویان نمونه و ممتاز دانشگاهها، ۱۳۸۱/۰۹/۰۷

نقش امام در خودآگاهی مسلمانان جهان

امروز عمده‌ی ددرسرهایی که اردوگاه استکبار و مشخصاً امریکا و صهیونیسم دچارش هستند- که این ددرسرها خیلی زیاد هم هست- بخاطر این است که مسلمانان به خودآگاهی‌ای رسیده‌اند که در این خودآگاهی، امام بزرگوار و ملت ایران و انقلاب و نظام ما نقش فراوانی داشته‌اند.

در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۸۱/۹/۱۵

نشانه‌های عزم جوانان بر ادامه‌ی راه امام بزرگوار

من باید از عموم ملت ایران بخاطر راهپیمایی روز قدس امسال که بسیار باشکوه و با عظمت برگزار شد، صمیمانه تشکر کنم. همین‌هاست که نشان‌دهنده‌ی اقتدار ملت ایران و عزم جوانان این ملت بر ادامه‌ی راه امام بزرگوار و پیگیری اهداف و آرمانهای انقلاب اسلامی و نظام اسلامی است. دشمن سعی میکند این اقتدار را درهم بشکند.

در دیدار مردم قم، ۱۳۸۱/۱۰/۱۹

علت تأکید امام بر تحقق اسلام در عرصه‌های مختلف

هرجا اشکالی وجود دارد- چه در زمینه‌ی اقتصادی و چه در زمینه‌ی فرهنگی و

اخلاقی - اگر کسی دقت کند، آن اشکال برمیگردد به اینکه یک شیوه‌ی مخالف با اسلام مورد عمل قرار گرفته و به آنجا منتهی شده است. ما هر جا موفق شدیم، ناشی از تبعیت از اسلام بود؛ هر جا ناموفق ماندیم، ناشی از سرپیچی از اسلام بود. اینکه امام بزرگوار این همه بر تحقق اسلام در قوانین ما، در عمل مسئولان ما و در رفتار دولت و مسئولان قضایی ما تأکید میکرد، برای این بود. هر جا نابسامانی وجود دارد، ناشی از بی‌توجهی به اسلام است.

در دیدار کارگزاران مراسم حج، ۱۳۸۱/۱۰/۲۵

اتخاذ تاکتیکهای موقتی و بظاهر خلاف جهت؛ برای رسیدن به هدف نهایی امام و انقلاب

در بخش نهایی کار، هدف انقلاب گسترده کردن این قضیه در همه‌ی دنیای اسلام بود. هدف کسانی که درباره‌ی انقلاب فکر و کار و بحث کردند و هدف خود امام - که تجسم انقلاب بود - این بود. حال ممکن است کسی بگوید که اگر ما خودمان را با اهداف بین‌المللی درگیر کنیم، در داخل از اهداف کوتاه‌مدت خود باز میمانیم. خیلی خوب؛ تاکتیک اتخاذ کنید. ما در جاده‌ای که به دنبال هدفی حرکت میکنیم، به جاهایی میرسیم که جاده بطور طبیعی به جهت عکس پیچ میخورد، مثلاً به طرف جنوب میرویم، برمیگردد به طرف شرق یا شمال؛ ولی این موقتی است. اتخاذ تاکتیک هیچ منافاتی ندارد با اینکه انسان آن راهبرد اساسی را به هیچ‌وجه فراموش نکند. این راهبرد و هدف، جلو چشم ماست. ما نمیتوانیم از این هدف بگذریم و این به یک بنیه‌ی سالم و قوی فرهنگی احتیاج دارد.

در دیدار اعضای انجمن اهل قلم، ۱۳۸۱ / ۱۱ / ۰۷

مثالی از تقریرات و دروس امام خمینی (ره) در آزاداندیشی در حوزه

همه‌ی این بزرگان حوزه که شما ملاحظه میکنید - چه آنهایی که امروز هستند و چه بزرگترهایی که در نسلهای گذشته‌ی ما بودند - اصلاً در همین محیط نقّادی بزرگ شده‌اند. هیچ متکلمی و هیچ فیلسوف یا فقیهی از اینکه یک نظر مسلم فقهی یا اصولی یا کلامی قبل از خود را بکلی ابطال کند، ابایی ندارد و از اینکه کسی به او بگوید چرا ابطال

کردی هم باکی ندارد؛ چون چنین چیزی اصلاً در حوزه گفته نمیشود. این سنت حوزه است که نظرات گذشتگان را مطرح کنند. شما ملاحظه کنید؛ امام (رضوان الله علیه)، آن وقت که در قم تشریف داشتند در درس اصول، نظرات مُد روز را که نظرات مرحوم آیت الله نائینی بود، ذکر میکردند، بعد فیه اولاً، ثانیاً، ثالثاً، رابعاً و خامساً، اساس حرف را اصلاً به هم میریختند. هیچ کس نمیگفت چرا. خوب؛ اگر کسی طرفدار آن نظریه بود، میرفت در درس خود یا در حاشیه‌ای که به تقریرات استاد میزد، مینوشت که من این حرف استاد را قبول ندارم. تقریرات امام در بعضی از بخشها، چاپ شده است. شما نگاه کنید، در موارد بسیاری، امام مبانی بزرگان قبل از خود را خرد کرده و مبنای جدیدی به جای آنها گذاشته‌اند. آن وقت محشّی که شاگرد امام و تقریرنویس است، در موارد متعددی حاشیه زده و به امام اشکال کرده که این فرمایش ایشان درست نیست و همان حرف مثلاً صاحب مبنای قبلی درست است. نه صاحب مبنای قبلی در نظر کسی کوچک میشود، نه کسی به امام اعتراض میکند و نه کسی به محشّی که شاگرد امام است، اعتراض میکند. این طبیعت حوزه است.

در دیدار جامعه‌ی وعاظ تهران، ۱۳۸۱/۱۰/۲۸

توصیف بزرگی و عظمت شخصیت امام راحل

ما بزرگان زیادی را دیده‌ایم و صفات بسیاری را در شرح حالها از آنها خوانده‌ایم و یا از نزدیک دیده‌ایم. امام (رضوان الله تعالی علیه) با هیچ کدام از آنها قابل مقایسه نبود و از همه‌شان بالاتر بود. امام شخصیتی بزرگ و استثنایی بود. خدای متعال فرمود: «وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي»؛ خدا او را برای خود ساخت و پرداخت؛ برای این دوران و اینکه بتواند این حرکت عظیم را در موقعیتی که مقتضی است هدایت کند. البته موقعیتهای دیگری هم بوده که اقتضا نداشته است. کار ایشان، تمام نشدنی و کار ماندگاری است. متعلق به امروز و فردا نیست. دارای ژرفا و عمق بسیاری است.

نمونه‌ای از آزادی بیان در امریکا؛ هزینه‌ی فراوان و ناموفق چاپ پیام امام

مرحوم «حاج احمد آقا» می‌گفت: بنظرم رسید یکی از پیامهای امام را- به گمانم پیام حج بود- در یکی از روزنامه‌های امریکا چاپ کنیم. ایشان خیال میکرد امریکا جای آزادی است و میشود این پیام امام را آنجا ترجمه کرد و در روزنامه‌ای به چاپ رساند تا امریکاییها بخوانند و بگویند «عجب! امامی که اینقدر درباره‌اش میگویند، این حرفها را میزند!» می‌گفت هرچه پول خرج کردیم، نشد. به نظرم گفت حاضر شدیم حدود صد هزار دلار خرج کنیم که این یک یا دو صفحه پیام در روزنامه‌ای از روزنامه‌های امریکا چاپ شود؛ اما نشد که نشد! معلوم است که نمیشود.

سفر به استانی محروم؛ اولین حکم مأموریتی امام

محرومیتهایی که در این استان دیدم، یک انگیزه‌ی قوی و آرزوی بزرگ در من به وجود آورد و آن اینکه باید به این استان با این همه استعداد و به این مردم با این همه صفا کمک کرد تا بتوانند زندگی سعادت‌مند و لایق شأن خود را در پیش گیرند. لذا بعد از پیروزی انقلاب، اولین حکم مأموریتی که امام (رضوان‌الله‌علیه) صادر کردند، حکمی به این بنده‌ی حقیر برای سفر به استان سیستان و بلوچستان بود. من آمدم و مناطق گوناگون این استان را از نزدیک دیدم و انقلاب وظیفه‌ی خود را در قبال این استان حس کرد.

جایگاه پرچم برافراشته‌ی امام در دنیای اسلام

امروز در هر نقطه‌ای از دنیای اسلام که شما بروید، پرچم برافراشته‌ای که امام راحل عظیم‌الشأن ما در دفاع از عزت اسلامی بلند کرد، مایه‌ی افتخار و عزت و هویت محسوب میشود.

ممانعت از ورود مطرودین امام در صحنه‌ی سیاست

کسانی را که امام صریحاً از گردونه‌ی سیاست کشور خارج کرده‌اند، چرا باید افرادی برخلاف نظر امام و برخلاف آنچه مبنای نظام جمهوری اسلامی است، وارد میدان کنند؟ البته مردم به اینها پاسخ رد دادند و معلوم شد برخلاف آنچه ادعا میکردند، هیچ پایگاه و وزنی در بین مردم ندارند.

امید به ادامه‌ی مدرسانی «دست قدرت الهی»

امیدواریم خداوند متعال نظر لطف خود را از این ملت، از این کشور و از این نظام اسلامی بر ندارد و همچنان که تا امروز- به فرمایش امام- در همه‌ی ادوار نظام جمهوری اسلامی و در همه‌ی پیچ و خمها و فراز و نشیبها دست قدرت الهی به ما کمک کرده و ما آن را در موارد مختلف حس کرده‌ایم و دیده‌ایم، در آینده هم در آزمایشها و امتحانهای گوناگونی که پیش روی ما خواهد آمد، دست قدرت الهی به ما کمک کند و ما هم بندگان شایسته‌ای برای حفظ امانت الهی و ان‌شاءالله کسب رضایت پروردگار باشیم.

استفاده از تعالیم اسلام و امام راحل، در مبارزه با فساد در جامعه

در دستگاه طاغوت، فساد، سوءاستفاده، دنیاطلبی و حیف و میل اموال عمومی از ریشه و رأس یک سنت و رویه‌ی قطعی و عادت همیشگی بوده است. در نظام جمهوری اسلامی تعالیم و روش اسلام و امام راحل، جامعه را از چنین چیزی باز داشته است. عناصری سوءاستفاده‌چی همیشه در گوشه و کنار وجود داشته‌اند. کسانی هم در بیرون از دستگاههای دولتی، از امکانات آنها برای پُر کردن کیسه‌های خود سوءاستفاده میکنند. باید بطور جدی با آنها مبارزه شود. البته مبارزه با آنها کار دشواری است؛ چون پول دارند و به تبلیغات میپردازند و شایعه‌پراکنی میکنند. دشمنان داخل و خارج کشور هم سعی میکنند از حرکت‌های اصلاحی در کشور جلوگیری کنند. اراده و

همت و عزم جازم مسئولان میتواند همه‌ی این موانع را از سر راه بردارد و انشاءالله اینطور خواهد شد. البته این کارها بلندمدت است.

گسترش فرهنگ انقلاب در دنیای اسلام؛ با تعالیم امام راحل

در شرق کشور ما، طالبان توسط خود امریکاییها سازماندهی شده بودند. آنها از لحاظ فکری، اعتقادات سلفی داشتند و با شیعه، ایران، انقلاب اسلامی و امام هم سخت دشمن بودند. ما این موضوع را میدانستیم و مشهود بود و گزارشهای فراوانی در مورد آن داشتیم. چند سال قبل در زمان ریاست جمهوری من، آن زمان که وضع در افغانستان طور دیگری بود، یک شخصیت عرب متصل به محافل بالای عربی، همینجا در آستان قدس به من گفت: «تهدید بعدی شما از طرف افغانستان است. کسانی را از طرف افغانستان علیه شما تحریک میکنند». نتیجه آن شد که طالبان را خود امریکاییها سازماندهی و تغذیه کردند؛ موشکهای پیشرفته‌ی ضد هوایی در اختیارشان گذاشتند و تا مدتها به حمایت از آنها میپرداختند. خود امریکاییها، صدام حسین را تقویت و تجهیز کردند؛ اما این توطئه‌ها به سمت طراحان توطئه کمانه کرد و متوجه خود آنها شد.

علت چه بود؟ علت این بود که فرهنگ و ادبیات انقلاب در دنیای اسلام مفاهیمی را زنده کرد. درست است که سازماندهی و تأسیس از طرف خود امریکاییها و دست‌نشانده‌های آنها بود؛ اما فرهنگ ضد استکباری، ضدیت با تسلط دنیای کفر بر اسلام، ضدیت با وابستگی سیاسی و اقتصادی بتدریج همه‌ی توطئه‌های آنها را علیه خودشان تربیت کرد. این فرهنگها به وسیله‌ی انقلاب و با تعالیم امام راحل گسترش پیدا کرده است. کار به آنجا رسید که مجبور شدند افغانستان را اشغال کنند و هنوز هم نظامیهای امریکایی در افغانستانند.

فرهنگ انقلاب اسلامی در دنیای اسلام بطور کامل رسوخ و نفوذ کرده است. دشمنان میدانند تا وقتی که دنیای اسلام و امت اسلامی معتقد به اسلامند و فرهنگ قرآنی بر ذهن آنها حاکم است و اسلام ناب محمدی - به تعبیر امام راحل - برای مردم هدف و آرمان است، نمیتوانند کاری از پیش ببرند. لذا سعی کرده‌اند اسلام را در افکار عمومی دنیا خراب کنند.

اثبات حقانیت امام در نامگذاری امریکا به «شیطان بزرگ»

امریکا با این تجاوز خود^۱ ثابت کرد که یاغی است. کلمه‌ی «یاغی» را رئیس‌جمهور سابق امریکا به بعضی از کشورهای دنیا نسبت میداد. یاغی یعنی همین کاری که اینها میکردند؛ یاغی علیه بشریت و علیه ثبات کشورها. ثابت کردند که محور شرارت به معنای حقیقی کلمه هستند. ثابت کردند که حقیقتاً شیطان بزرگند؛ همان اسمی که امام بزرگوار روی اینها گذاشته بود.

علت دشمنیهای مستکبران با امام و مردم انقلابی

امروز در هر جای دنیای اسلام، امریکاییها و انگلیسیها و امثال اینها حضور یابند و خود را با مردم مواجه کنند، موج عظیم نهضت و بیداری اسلامی را لمس خواهند کرد. امت اسلامی نسیم بیداری را حس کرده و عطر بازگشت به معارف اسلام را بوییده است. همه‌ی اینها از آن نهضت عظیمی که شما مردم به راه انداختید و از آن مرد بزرگ و آسمانی که توانست این اقیانوس را متلاطم و این دلها را آگاه کند- امام راحل عظیم‌الشان- سرچشمه میگیرد؛ آنها هم فهمیده‌اند. دشمنی آنها با شما و امام و انقلاب اسلامی و نظام اسلامی بخاطر این است که میدانند چشمه‌ای از اینجا جوشش کرده و به همه‌ی دنیای اسلام سرریز شده است. گفتند انقلاب را صادر نکنید؛ ما گفتیم انقلاب مگر کالاست که انسان آن را صادر کند؟! انقلاب مثل بوی خوش گلهاست؛ خودش صادر میشود. انقلاب مثل باد بهاری است؛ خودش فضاها را گرفته و متعفن را عوض و جابه‌جا میکند. انقلاب را کسی نباید صادر کند؛ انقلاب خودش صادر میشود.

حرکت بیداری اسلامی؛ الگوگیری از امام در بازگرداندن عزت ملت ایران

خطاست اگر کسانی در دنیای اسلام تصوّر کنند که حرکت بیداری اسلامی در بین

جوانان، به ضرر دولتهای اسلامی است؛ نه، دولتهای اسلامی به برکت بیداری اسلامی میتوانند عزتی را که قدرتهای استکباری از آنها گرفته‌اند، به خودشان برگردانند. یک نمونه، کشور و انقلاب و امام ماست. ما بعد از آنکه قرنهاى متمادی دچار استبداد و دو قرن تمام دچار سلطه‌ی بیگانگان بودیم به خود آمدیم و امام بزرگوار توانست عزت را به مردم ما برگرداند. انگلیسیها، روسها و امریکاییها به ترتیب در این کشور سیادت و حکمفرمایی حقیقی کردند. ولو بصورت ظاهر در رأس حکومت نبودند؛ اما کارها در دست آنها و همه چیز کشور در اختیارشان بود. مردم ما از حقوق، منابع، عزت و طعم حقیقی دین خود محروم بودند.

امام بزرگوار ما توانست سلطه‌ی بلندمدت استبداد و استعمار را با برگشت به اسلام و تمسک به اسلام، از سر کشورمان کم کند و به ما عزت ببخشد؛ به مردم ما احساس هویت اسلامی بدهد تا احساس کنند که میتوانند روی پای خود بایستند؛ میتوانند خودشان تصمیم بگیرند و انتخاب کنند؛ میتوانند خودشان در مسائل سرنوشت‌ساز، «لا» و «نعم» بگویند. مردم ما قرن‌ها بود که چنین چیزی را نچشیده بودند؛ این را اسلام به آنها داد. در هر نقطه‌ای از نقاط دنیا که حرکت بیداری اسلام تقویت شود و پا بگیرد و مردم و جوانان آن کشور احساس کنند که به سمت اسلام نزدیک میشوند، همین تجدید هویت و عزت به وجود خواهد آمد.



معرفی اسلام ناب محمدی توسط امام در مقابل دو نوع اسلام امریکایی

امروز دنیای اسلام برای بدست آوردن عزت و موجودیت و هویت خود یک راه بیشتر ندارد و آن برگشت به اسلام است؛ البته اسلام واقعی، نه یک اسلام متحجر آمیخته با خرافات که دشمنان اسلام تبلیغ میکنند و میگویند اسلام این است - اینطور اسلامی کارآمد نیست - و نه اسلام تطبیق داده شده با اصول امریکایی و مورد نظر غربیها که آن هم اسلام نیست؛ هر دوی اینها اسلام امریکایی است، که امام بزرگوار ما تقابل ایجاد کردند و فرمودند: «اسلام امریکایی» و «اسلام ناب محمدی». اسلام ناب و خالص، اسلام

ره، رهرو، رهبر / ۷۲۵

توحید و وحدت بین امت اسلامی، اسلام «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»^۱، اسلام «الإسلام يعلو ولا يُعلَى عليه»^۲، اسلامی که میگوید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»^۳. برگشت به این اسلام، تنها علاج و نسخه‌ی درمان امت اسلامی است و این ممکن است. امروز حرکت به سمت این اسلام، از شرق تا غرب دنیای اسلام، همه‌جا را فراگرفته و این همان چیزی است که دشمنان اسلام را دستپاچه کرده است.

در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲/۰۳/۰۷

ریشه‌ی ۱۵۰ ساله‌ی حرکت امام خمینی (ره)

شوخی نیست؛ امروز صد و پنجاه سال است که برجسته‌ترین و شریفترین عناصر سیاسی و دینی ملت ما پرچم حاکمیت اسلام را بلند کرده‌اند و پایش سینه زده‌اند و بسیاری در این راه جان دادند؛ امثال مدرّسها، آخوند خراسانیها و سیدجمال‌الدینها. قضیه اینطوری است. این، مربوط به امروز ما نیست که بگوییم دین و سیاست یکی است، عده‌ای هم بگویند یکی است؛ اما یک عده هم بگویند نه، خیلی هم یکی نیست! حرف امروز نیست؛ این حرف، صد و پنجاه سال ریشه دارد. پدر برجسته‌ترین زبندگان این کشور در راه مبارزه برای این فکر درآمد؛ هزاران جان پاک در این راه شهید شدند؛ مدرّس به آن عظمت سینه را برای این قضیه سپر کرد؛ اصلاً مشروطیت ایران برای همین پیش آمد، اگرچه بعد منحرفش کردند؛ عده‌ای بد و ناشیانه عمل کردند؛ عده‌ای هم متکی به قدرتهای خارجی زرنگی کردند و آن را از دست مردم قاپیدند؛ بعد هم که امام بزرگوار آمد، از اول حرکتش را بر این اساس قرار داد و ملت ایران هم این را خواستند و میخواهند.



۱ سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۴۱. و خداوند هرگز بر [زبان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است.

۲ وسایل الشیعة، ج ۲۶، ص ۱۴.

۳ سوره‌ی أعراف، آیه‌ی ۹۶. و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم.

وجود زمینه برای انقلاب مردمی در لائیک‌ترین دولتها؛ در صورت وجود رهبری مثل امام
من به شما بگویم حتی ملتهای لائیک‌ترین دولتهایی که امروز حول و حوش ما هستند، همین‌طورند- من حالا اسم آن کشورها را نمی‌آورم، خودتان در ذهنتان مجسم کنید- یعنی اگر شرایطی ایجاد شود، انسانی مثل امام و زمینه‌ای مثل آن روز در این کشورها به وجود آید و پرچمی بلند شود، همین ملتهایی که میبینید دولتهایشان دم از لائیک و لائیسیم میزنند و هرکس ذره‌ای علیه تفکر سکولاریستی دم بزند یا حرکت کند، پدرش را درمی‌آورند، دور این پرچم جمع خواهند شد. اسلام این است و این درست است و به صلاح ملتهاست؛ ملتها این را میدانند.

دیدگاه امام درباره منشأ مشروعیت نظام در اسلام، نه اشخاص

مشروعیت این نظام به تفکر اسلامی و به استواری بر پایه‌ی اسلام است؛ مشروعیت مجلس و رهبری هم بر همین اساس است. امام یک وقت فرمود: «اگر من هم از اسلام روی برگردانم، مردم مرا کنار میگذارند.» راست هم میگفت. مردم امام را به اسلام شناختند؛ بخاطر فداکاری و عظمت او در راه اسلام دنبالش راه افتادند، که همه‌ی ما، بنده و شما هم همین‌طور هستیم. اگر ما از این راه منحرف و منحرف شویم، خودمان ضرر میکنیم؛ اما این حرکت و جریان راه افتاده و متوقف‌شدنی نیست. حقیقتاً نظام اسلامی به ما و امثال من و شما وابسته نیست. امام یک وقت میفرمود: «نظام اسلامی به من وابسته نیست!» ما واقعاً تعجب میکردیم، چون امام خالق این انقلاب و در واقع پدیدآورنده‌ی این نظام بود و واقعاً تفکیک بین بقای امام و بقای نظام هم برای ما مشکل بود؛ اما امام قُرس و محکم میگفت نخیر، نظام اسلامی به من وابسته نیست. حالا وقتی امام با آن عظمت، وجودش ملازم با وجود نظام نباشد و با نبودن او این مردم انقلاب و اسلام را حفظ کنند، دیگر امثال من چه جای حرف زدن دارند که بگوییم اسلام و نظام به من وابسته است!

فرصت ابراز وفاداری مردم به امام در ۱۴ خرداد هر سال

هر سال روز چهاردهم خرداد فرصتی است برای اینکه ملت ایران بار دیگر وفاداری خود را به اصول و آرمانهای امام بزرگوار ابراز کند. اگرچه اظهار اخلاص و پیوند دلهای مردم با آن شخصیت برجسته و فراموش‌نشدنی تاریخ ما، در مراسم بسیاری در طول سال بروز پیدا میکند، اما چهاردهم خرداد خصوصیتی دارد؛ همراه با خاطره‌ی غم‌انگیز فقدان این نعمت بزرگ الهی از میان ماست؛ لذا در چنین روزی دلهای آگاه، بیشتر از همیشه احساس میکنند که باید پیوند و وفاداری خود را با بنیان مستحکمی که آن معمار بزرگ انقلاب در این سرزمین بنا نهاد، تجدید و ابراز کنند.

دو خصوصیت ممتاز امام راحل؛ مصداق آیه‌ی ۶۷ سوره‌ی سجده

مایلم عرایض خود را با آیه‌ای از قرآن آغاز کنم که امام بزرگوار ما مصداق آن بود. در سوره‌ی مبارکه‌ی سجده، خدای متعال ضمن بیان حالات ملت‌ها و اقوام و انسانهای مبارز و پرتلاش مؤمن، این تعبیر را میفرماید: «و جعلنا منهم أئمةً یهدون بأمرنا لئلا یصبروا و كانوا بأیاتنا یوقنون»؛ کسانی که دو خصوصیت و دو امتیاز را در خود به وجود آوردند، به این موهبت بزرگ سرافراز شدند که خدای متعال زمام هدایت مجموعه‌های انسانی را به آنها سپرد. آن دو خصوصیت، یکی صبر است و دیگری یقین؛ «لما صبروا و كانوا بأیاتنا یوقنون»^۱. یقین، همان ایمان آگاهانه و روشن‌بینانه است که وسوسه‌ها نمیتواند آن را در دل انسان، سست‌بنیاد کند. صبر، خصوصیتی است که به یک انسان بزرگ این امکان را میدهد که در راه آرمانهایی که آگاهانه و روشن‌بینانه انتخاب کرده است، به هنگام مواجهه با مشکلات، خود و راه خود را گم نکند؛ هدف را فراموش نکند و منصرف نشود. همه‌ی پیغمبران، همه‌ی هدایتگران و همه‌ی کسانی که توانسته‌اند در مسیر تاریخ بشر یک اثر ماندگار و تحسین‌برانگیز از خود به جا بگذارند، باید از این دو خصوصیت برخوردار

۱ سوره‌ی سجده، آیه‌ی ۲۴. و چون شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند، برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت میکردند.

می‌بودند. امام راحل ما، این تجدیدکننده‌ی حیات اسلام در میان ملت ما و امت اسلامی، از این دو خصوصیت برخوردار بود.

نتیجه‌ی توأم شدن صبر و یقین در امام

امروز بعد از چهل سال که از واقعه‌ی پانزدهم خرداد میگذرد، شما ملاحظه می‌کنید که نهضت مظلوم امام، دنیای اسلام را فراگرفته است. یک روز در همین شهر تهران و در قم، مثل امروز و فردا، کسانی مظلومانه جان باختند؛ چون نام اسلام را به پیروی از امام بزرگوار فریاد می‌کردند؛ چون با سلطه‌ی بیگانه بر این کشور و با استثمار منابع حیاتی این کشور به وسیله‌ی بیگانگان مخالف بودند. آن روز هرکس به این صحنه نگاه می‌کرد، شاید گمان می‌برد که این سخن و این فریاد به پایان رسیده است. امام را با قساوت هرچه تمامتر دستگیر و از خانه‌اش ربودند؛ مردم را با وحشیگری هرچه بیشتر سرکوب کردند؛ اما این فکر با الهام از همین قاعده‌ی بزرگ الهی - یعنی توأم شدن صبر و یقین - راه خود را ادامه داد. امام پانزده سال مبارزه کرد و به برکت همان ایمان آگاهانه توانست ملت ایران را یکپارچه به صحنه‌ی رویارویی با استبداد داخلی و استکبار بین‌المللی بکشانند. وقتی ملت در معرکه‌ای پای خود را وسط گذاشت، پیروزی در آن معرکه حتمی است.

تفاوت امام با دیگر مصلحان تاریخ اسلام

فرق امام بزرگوار ما و دیگر مصلحان تاریخ اسلام در یکی دو قرن اخیر همین بود. امام وارد صحنه شد، وسط میدان آمد، میان مردم بود، با مردم حرف زد، اصول خود را برای مردم تبیین کرد و آنها را به ایمان روشن بینانه و آگاهانه‌ای مثل ایمان خود رساند؛ آنگاه ایمان و انگیزه‌ی مردم و تعالیم اسلام، معرکه را به سود حق و حقیقت تمام کرد. دیگران نمیتوانستند و نتوانستند این مرحله‌ی دشوار را پیش ببرند؛ اما امام توانست. ملت ایران به این اصول اعتقاد پیدا کرد، ایمان آورد و در راه آن به مجاهدت پرداخت. نتیجه این شد که اولاً نظام اسلامی علی‌رغم همه‌ی کارشکنیها و دشمنیها به پیروزی رسید و روزه‌روز تا امروز ریشه‌دارتر شد و ثانیاً فکر تحقق و حیات دوباره‌ی اسلام و نجات

امت اسلامی از ظلم و استکبار قدرتهای مستکبر، در مرزهای این کشور محدود نماند.

اسلام و مردم؛ دو محور همه‌ی اصول امام خمینی (ره) با آثاری جهانی

امروز شما به هر کشور اسلامی در شرق و غرب دنیای اسلام بروید- چه در خاورمیانه، چه در کشورهای عربی، چه در شمال آفریقا و چه در کشورهای شرق آسیا؛ در مناطقی که مسلمانان مجموعه‌هایی را تشکیل داده‌اند- خواهید دید انگیزه‌ی اسلامی، تمایل به حاکمیت اسلام و نفرت از تسلط استثمارگران و استعمارگران و ظالمان، در میان مردم، بخصوص در میان جوانان، نوجوانان، نخبگان و روشنفکران موج میزند. در دنیای اسلام این خبرها نبود. اصول امام چه بود که توانست این موفقیت بزرگ را به وجود آورد؟

محور همه‌ی اصول و قواعد کار امام بزرگوار ما در دو چیز خلاصه میشد: اسلام و مردم. اعتقاد به مردم را هم امام بزرگوار ما از اسلام گرفت. اسلام است که روی حق ملتها، اهمیت رأی ملتها و تأثیر جهاد و حضور آنها تأکید میکند؛ لذا امام بزرگوار محور کار را اسلام و مردم قرار داد؛ عظمت اسلام، عظمت مردم؛ اقتدار اسلام، اقتدار مردم؛ شکست‌ناپذیری اسلام، شکست‌ناپذیری مردم.

مهمترین کار امام در دنیای اسلام: احیای ابعاد سیاسی و اجتماعی اسلام

مهمترین کاری که امام بزرگوار ما در سطح دنیای اسلام انجام داد، این بود که ابعاد سیاسی و اجتماعی اسلام را احیا کرد. از روزی که استعمار وارد کشورهای اسلامی شد، همه‌ی تلاش استعمارگران و سلطه‌گران این بود که ابعاد سیاسی و اجتماعی اسلام، عدالتخواهی، آزادیخواهی و استقلال‌طلبی اسلام را از اسلام حذف کنند. سلطه‌گران برای اینکه استیلای خود را بر ملتها و منابع کشورهای اسلامی هرچه بیشتر گسترش دهند، خود را ناچار میدیدند که ابعاد سیاسی اسلام را از اسلام جدا کنند و اسلام را به معنای تسلیم در مقابل حوادث، تسلیم در مقابل اشغالگر و تسلیم در مقابل دشمن ظالم و قوی‌پنجه تفسیر کنند. امام حقایق فراموش‌شده‌ی اسلام را احیا کرد؛ عدالتخواهی اسلام را سر دست بلند کرد؛ ضدیت اسلام را با تبعیض و اختلاف طبقاتی و اشرافیتها علنی کرد. از روز اول تا روزهای آخر عمر، امام بزرگوار روی قشرهای مستضعف، پابرنه‌ها

و محرومان تکیه کرد. بارها و بارها در آغاز تشکیل نظام اسلامی و در طول ده سال عمر با برکتش در مقام رهبری نظام اسلامی، به مسئولان و به همه‌ی ما تأکید کرد که باید رعایت حال ضعفا را بکنید؛ شما مرهون طبقه‌ی پابرنه‌ی این کشورید. عزیزان من؛ ملت بزرگ ایران! هر جا و در هر موردی ما به این توصیه‌ی امام توجه نمودیم و در برنامه‌ریزیها، قانونگذاریها، اجرا و عزل و نصبها، به این نصیحت عمل کردیم، پیروزی نصیب ما شد.

معنای واضح «اسلام ناب محمدی» مدنظر امام

اسلام سعادت مردم را دنبال میکند. اسلام با فساد و ظلم و تبعیض مخالف است. اسلام برای رفاه مردم در کنار معنویت مردم به میدان آمده است. امام این را از آغاز شروع مبارزات تا تشکیل نظام اسلامی و تا آخر عمر، مکرر بیان کرد. امام عظیم‌الشأن ما در دنیای اسلام این را نشان داد که فقه اسلام - یعنی مقررات اداره‌ی زندگی مردم - در کنار فلسفه‌ی اسلام - یعنی تفکر روشن‌بینانه و عمیق و استدلالی - و عرفان اسلام - یعنی زهد و انقطاع الی‌الله و دامن برچیدن از هواهای نفسانی - چه معجزه‌ی بزرگی میتواند بیافریند. امام عملاً نشان داد که اسلام سیاسی، همان اسلام معنوی است. در طول دوران استعمار، دشمنان اسلام و دشمنان بیداری ملت‌های اسلامی، تبلیغ میکردند که اسلام معنوی و اسلام اخلاقی از اسلام سیاسی جداست. امروز هم همین را تبلیغ میکنند. امروز هم دستگاه‌های تبلیغاتی دشمن و جبهه‌ی دشمن نظام اسلامی با انواع و اقسام وسایل تبلیغاتی سعی میکنند اسلام سیاسی و اسلام عدالتخواه و اسلام اجتماعی را بعنوان چهره‌ای خشن در دنیا معرفی کند و مردم را به اسلام منزوی، اسلام تسلیم‌طلبانه و اسلامی که در مقابل متجاوز و ظالم و زورگو هیچ عکس‌العملی از خود نشان نمیدهد، سوق دهد. امام این را شکست و این انگاره‌ی دروغین از اسلام را باطل کرد و اسلام ناب را مطرح نمود. اسلام نابی که امام مطرح کرد، یعنی ضد اسلام متحجر و خرافی و همچنین ضد اسلام رنگ‌باخته در مقابل مکاتب بیگانه و التقاطی. هم آن روز، هم در طول سالهای مبارزه برای تشکیل نظام اسلامی، و هم تا امروز، این یکی از نقاطی است که جبهه‌ی دشمن اسلام روی آن تأکید میکند: سیاست را از معنویت جدا کردن؛ یعنی اگر کسی میخواهد مسلمان باشد، باید سر خود بگیرد و گوشه‌ای بنشیند و به اینکه

ره، رهرو، رهبر / ۷۳۱

دشمن چه میکند، متجاوز چه میکند، اشغالگر چه میکند، کاری نداشته باشد. امروز هم این را تبلیغ میکنند. امام نقطه‌ی مقابل این را در دنیای اسلام مطرح کرد و امروز دنیای اسلام این موج عظیم را در درون خود دارد. شما به هر کشوری از کشورهای اسلامی بروید، ببینید اسلام زنده، در نظر نخبگان، جوانان، دانشگاهیان، دانشمندان، علما و آزادگان آنجا، اسلامی است که بتواند ملت خود را در مقابل زورگویان و قلدران و قدرت‌طلبان و متجاوزان عالم حفظ و حمایت کند و به آن مصونیت ببخشد و اجازه‌ی دخالت و تسلط و سیطره‌ی دشمن را بر مردم ندهد. آنها این اسلام را میخواهند و اسلام ناب محمدی یعنی همین.

مهمترین کار امام در عرصه‌ی مردمسالاری

در مورد مردم، مهمترین کاری که امام کرد، این بود که مفهوم مردمسالاری را از چیزی که طراحان دموکراسی غربی و عوامل آنها در صحنه‌های عملی میخواستند نشان دهند، بکلی دور کرد. سعی آنها این بود که اینطور القاء کنند که مردمسالاری با دینسالاری و دینداری سازگار نیست. امام این مفهوم باطل را زائل کرد و مردمسالاری دینی - یعنی همان جمهوری اسلامی - را در دنیا مطرح نمود. او به زبان هم اکتفا نکرد؛ صرفاً استدلال فکری هم نکرد؛ عملاً این را نشان داد.



ثمره‌ی لبیک جوانان لبنانی به ندای امام

اگر جوانان مؤمن مبارز لبنانی نبودند، اسرائیل برای آمدن تا شهر بیروت هم برای خودش مانعی نمیدید؛ کما اینکه آمد. جنوب لبنان سالها در اشغال آنها بود؛ تا بیروت آمدند و آن همه فاجعه‌آفرینی کردند، که ممکن نیست از یاد کسی برود. جوانان مؤمن لبنانی دست را از آستین درآوردند؛ به بیداری‌ای که امام بزرگوار ما به دنیای اسلام داد، لبیک گفتند و ایستادند. امروز بخاطر وجود این جوانان، اسرائیل جرأت نمیکند به لبنان حمله کند. اینها تروریستند؟! تروریستها کسانی هستند که با ملتها در خانه‌های خودشان مقابله و مبارزه میکنند.



شکست دشمن و دستگاههای تبلیغاتی آنها در مبارزه با اصول امام و انقلاب

دستگاههای تبلیغاتی دشمن - که متأسفانه در داخل کشور گاهی شعبه‌هایی هم پیدا میکنند - تبلیغ میکنند که بین مسئولان دعوا و اختلاف است. خود و دوستان خود را به این دلخوش میکنند که این اختلاف موجب میشود تا از دشمن غافل شوند. من به شما ملت عرض کنم: مسئولان کشور در قوای سه‌گانه، در مقابله با دشمنان اسلام و در دفاع از اصول اسلام، همفکر و هم‌قول و هم‌جهتند. دشمنان اسلام، این آرزو را به گور خواهند برد که ببینند در ارکان نظام اسلامی کسانی وجود دارند که میخواهند با اصول امام و راه روشن این انقلاب و نظام اسلامی مبارزه کنند و میتوانند در دستگاهها و ارکان نظام جمهوری اسلامی مؤثر باشند.

البته من سه، چهار سال پیش در مثل چنین روزی گفتم: همّت دشمن این است که عناصر بیگانه را به داخل بدنه‌های حکومت نفوذ دهد. ممکن است دشمن بتواند یا توانسته باشد عناصری را به داخل مجموعه‌ی مسئولان نفوذ دهد، یا عناصر ضعیف و سست‌همّتی را به سمت خود جلب کند؛ اما این به‌هیچ‌وجه به کار دشمن نخواهد خورد؛ چون اصول امام، اصول انقلاب و پایه‌های مستحکم آن مورد قبول مسئولان نظام و قوای سه‌گانه و همه‌ی دست‌اندرکاران اصلی این کشور است و پشتوانه‌ی محکم آن هم این ملت بزرگ است. هر که از این راه تخطی کند به سقوط خود کمک کرده است.



جایگاه امروز خط امام در میان ملت و مسئولین

خدا را سپاسگزاریم که نام و یاد امام را در میان ملت ما همچنان زنده و شاداب نگه داشته است. هر روز که گذشته است، ارزش اصول امام بزرگوار ما برای حفظ عزّت و حیثیت این کشور، برای انسانهای آگاه و هوشیار، بیشتر روشن و مشخص شده است. خدا را شکرگزاریم که مسئولان کشور، ارادتمندان امام و رهروان راه او هستند. خدا را سپاسگزاریم که ملت ما زنده است.



معرفی راه صحیح امام در مورد اصلاحات

ما در این راه طولانی اگر احساس انحراف کردیم، باید آن را برطرف کنیم؛ باید خود و برنامه‌مان را اصلاح کنیم؛ اصلاح براساس همان قواعد مستحکم انقلاب که امام بزرگوار آن را از اسلام استفاده کرد و به ما و ملت ما آموخت. با استفاده‌ی از اینها، اصلاح واقعی عبارت است از اینکه با فقر و تبعیض مبارزه شود؛ عدالتخواهی، یک انگیزه‌ی همگانی برای مسئولان باشد؛ خدمت به مردم، یک وظیفه و احساس دینی در اعماق وجود مسئولان باشد؛ این میشود راه صحیح امام.

در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲/۵/۱۵

جمله‌ی پرمعنای امام در مورد اعتماد به نفس ملی

اعتماد به نفس ملی را از دست ندهیم. اینکه امام فرمودند «ما میتوانیم»، جمله‌ی بسیار مهم و پرمعنایی است. باور کنیم که میتوانیم. با این همه دشمنی، شما توانستید کار کنید. حتی اگر هیچ کار مثبتی هم نکرده بودید و توانسته بودید بمانید، هنر بود. این همه کارهای مثبت و ارزشمند صورت گرفته؛ این نشان‌دهنده‌ی آن است که میتوانیم و میتوانیم.

تفاوت گفتگو در مجلس شورای اسلامی با مجالس غربی

در مردمسالاری اسلامی، گفتگو با عربده‌کشی و چاقوکشی در بعضی از دمکراسیها تفاوت دارد. اینجا گفتگو میکنند؛ به قول امام، مثل مباحثه‌های طلبگی. در مجلس و جاهای دیگر مباحثه کنند، حتی بر سر مسئله‌ای دعوا کنند؛ اما کینه از هم به دل نگیرند؛ بعد هم پهلوی همدیگر بنشینند و باهم صحبت کنند. نگذارند اختلاف نظر به تنازع برسد. این تنازع موجب فشل و ضعف قوا خواهد شد.

در دیدار با دانشجویان شرکت‌کننده در طرح ولایت و مسئولان بسیج دانشجویی، ۱۳۸۳/۶/۹

منشأ تحولات دنیای اسلام در خط و راه امام خمینی (ره)

این جریان که امروز در دنیای اسلام به وجود آمده، سرچشمه‌اش نهضت عظیم

۷۳۴ / ره، رهرو، رهبر

اسلامی در ایران و تشکیل نظام جمهوری اسلامی است که بینات و حقایق آشکار آن، سخنان امام و خط و راه امام بود که هر جا در دنیا این حرفها رفت، بدون اینکه بدانند گوینده‌ی آن کیست، حرفها در لوح دل انسانهای حق طلب ترسیم شد و نام امام به تبع این حرفها و شعارها در دلهای مردم جا گرفت، تا این نهضت را به برکت امام در همه جا شناختند.

در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۸۲/۶/۱۹

حفظ وحدت؛ توصیه‌ی مهم و مکرر قرآنی امام به ما

توصیه‌ی مهمی که هم قرآن به ما یادآور شده است، هم تاریخ با عبرتهای خود به ما توصیه میکند، هم امام بزرگوار بارها و بارها به ما گفتند، این است که نباید بگذاریم صدای ما و دعوت ما و شعارهای ما در تعارض و تضاد با یکدیگر قرار گیرد. در مقابل دشمنهای متجاوز و در میدانهای مختلف، باید جهتگیری متحد را حفظ کنیم؛ این وظیفه‌ی امروز ماست.

در اجتماع بسیجیان و سپاهیان لشکر ۲۵ کربلا، ۱۳۸۲ / ۰۶ / ۲۹

اولین فریادگر اسلام خواهی و آثار آن فریاد

امروز فریاد اسلام خواهی ملت ایران که اول بار از زبان امام امت برخاست، ملتها را بیدار کرده و دلها را تکان داده و در منطقه روح بیداری و خودباوری به وجود آورده است. دشمنان از این مسائل نگران و سراسیمه‌اند؛ اما ملت ایران بر این توطئه‌ها پیروز خواهد شد.

در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام در سالروز عید سعید مبعث، ۱۳۸۲ / ۰۷ / ۰۲

حیات امام و راه امام در میان ملت

طنین فریاد امام (رضوان الله علیه) در میان ما زنده است؛ سخنان او در گوش ماست؛ راه او پیش پای ماست؛ میدانیم چه باید بکنیم؛ میدانیم چه باید تصمیم بگیریم؛ میدانیم چگونه باید عمل کنیم. با توکل به خدای متعال و با تکیه به این ملت بزرگ، راه عزت و سعادت

ره، رهرو، رهبر / ۷۳۵

را- که راه اسلام است- به فضل پروردگار با قدرت تمام خواهیم پیمود و میدانیم که دوستان ما در سرتاسر دنیای اسلام- که کم هم نیستند- چشمهایشان روشن و دلهایشان شاد خواهد شد.

در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای استان زنجان، ۱۳۸۲/۷/۲۲

مقاومت؛ تنها راه علاج ضرر دشمن مستکبر

عقب‌نشینی در مقابل مجموعه‌ای که زور مادی دارد، اما مطلقاً ذخیره‌ی اخلاقی در وجودش نیست تا از این زور به شکل ظالمانه استفاده نکند، راه علاج نیست. راه علاج، منحصر شده بود در مقاومت، و امام بزرگوار ما- آن انسان مقاوم، صبور و سرسخت- مظهر مقاومت بود؛ و این تنها راهی بود که در مقابل ملت ایران وجود داشت. لذا حتی حمله‌ی نظامی‌شان اثر نبخشید.

در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۸۲/۰۸/۱۱

معرفی عده‌ای از مطرودان امام و انقلاب

عده‌ای از ورشکستگان سیاسی و مطرودان امام و انقلاب هستند که از اینکه خیال کنند بحرانی برای جمهوری اسلامی پیش آمده، خوشحال میشوند: «إِنْ تَمَسَّكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ»؛ هر خیری به شما برسد، آنها بدشان می‌آید. اگر شرّی به شما برسد: «يَفْرَحُوا بِهَا»^۲؛ خوشحال میشوند. آنها از احتمال اینکه ممکن است شرّی برای نظام جمهوری اسلامی پیش آید، خوشحال میشوند و خوشحالی خودشان را هم بروز میدهند. گفت: «وقاحت به شادی گشوده دهن!»^۱. این عده کسانی هستند که تا بالای سرشان زیر بار منت جمهوری اسلامی و مردم انقلابی و مسلمان است و جمهوری اسلامی و این مردم به اینها آزادی داد و اینها را از محنتهای سنگین و شدید رهانید؛ اما اینها نسبت به امام، انقلاب و مردم قدرناشناسی کردند؛ نمک خوردند و نمکدان شکستند و الآن دلشان را به این خوش میکنند که امریکا ایران را تهدید کند! اینها کسانی هستند که هر بهانه و

۱ سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۲۰.

۲ همان.

تهدیدی که امریکاییها و صهیونیستها علیه جمهوری اسلامی مطرح و علم کنند، از پیش خوشحال میشوند؛ فردا هم که حقوق بشر علیه جمهوری اسلامی مطرح شود، خوشحالی میکنند.

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، ۱۲/۰۸/۱۳۸۲

اندیشه‌های امام خمینی(ره) در سند چشم‌انداز

الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه‌ی کارآمد، جامعه‌ی اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی(ره).

در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۲۳/۸/۱۳۸۲

نظام جمهوری اسلامی؛ تداوم نظام علوی

نظام جمهوری اسلامی تداوم شعارهای علوی و نظام علوی است. اشتباه نشود؛ نمیخواهیم بگوییم امروز نظام حکومتی ما منطبق بر الگوی امیرالمؤمنین است؛ نه، خیلی فاصله است. این را هم هیچ‌کس نمیتواند ادعا کند که در زمان ما، در نظام کنونی ما و بلکه در زیر این آسمان، غیر از ولی‌عصر(ارواحنا فدا) کسی وجود داشته باشد که با علی بن ابی‌طالب قابل مقایسه باشد. امام بزرگوار ما که فرد ممتاز تراز اسلامی در زمان ما بود، افتخار میکرد که خود را کمترین کمتراں یاران علی بدانند؛ افتخار میکرد که خدمتگزار خدمتگزاران علی بن ابی‌طالب باشد. اما نظام اسلامی چرا، ادامه‌ی همان نظام و الهام گرفته‌ی از آن است و با همان مسائل هم روبه‌روست.

منفور شدن روزافزون امریکا؛ طبق گفته امام

همچنان که سالهای قبل امام بزرگوار گفتند، امروز هم عیناً همانطور است؛ شاید امروز در دنیای اسلام، امریکا از همیشه منفورتر است و شاید امروز هیچ شخصی منفورتر از رئیس‌جمهور امریکا و رئیس رژیم صهیونیستی در همه‌ی دنیای اسلام وجود نداشته باشد.

جایگاه مجلس در نظر امام

مجلس - همانطور که امام فرمودند - عصاره‌ی فضایل ملت است.

امام و اختیارات ولایت فقیه

رهبری بایستی موبه‌مو قوانین را اجرا کند و به آنها احترام بگذارد. متتها در مواردی اگر مسئولان و دست‌اندرکاران امور بخواهند قانونی را که معتبر است موبه‌مو عمل کنند، دچار مشکل میشوند. قانون بشری همینطور است. قانون اساسی راه چاره‌ای را باز کرده و گفته آنجایی که مسئولان امور در اجرای فلان قانون مالیاتی یا سیاست خارجی، بازرگانی، صنعتی و دانشگاهی دچار مضیقه میشوند و هیچ کار نمیتوانند بکنند - مجلس هم اینطور نیست که امروز شما چیزی را ببرید و فردا تصویب کنند و به شما جواب دهند - رهبری مرجع است. زمان امام هم همینطور بود. بنده خودم آن وقت رئیس‌جمهور بودم و جایی که مضیقه‌هایی داشتیم، به امام نامه مینوشتیم و ایشان اجازه میدادند.

عزمی راسخ برای ادامه‌ی خط امام

ما افق آینده را در برابر ملت خود و جهان اسلام، روشن میبینیم و با اعتماد روزافزون به وعده‌ی الهی، راهی را که امام خمینی عظیم ترسیم کرده است، با عزم راسخ ادامه میدهیم. و العاقبه المتقین.

دهه‌ی فجر، تجسّم اراده و عظمت امام بزرگوار

دشمنان ملت ایران و هویت ملی و پیشرفت این کشور میخواهند ملت ایران را از این فضای مستعد بالندگی و رشد خارج کنند و باز هم استیلای بیگانگان را بر این کشور برگردانند. یادبود دهه‌ی فجر، خود مانع بزرگی در راه تحقّق این هدف است. سعی

میکنند انقلاب را از یاد مردم ببرند؛ اما دهه‌ی فجر، انقلاب را به یاد مردم می‌آورد. سعی میکنند امام را از یاد مردم ببرند؛ اما دهه‌ی فجر، تجسم اراده و عظمت امام بزرگوار ماست.

در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۲/۱۱/۱۵

امام خمینی؛ راهنمای ملت ایران

اسلام توانست خون دوباره‌ای به رگهای این ملت بدواند. شعار بیداری اسلامی، این ملت را به حرکت درآورد. رهبری امام بزرگوار راه را به این ملت نشان داد.

در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۲/۱۱/۲۴

علاقه‌مندی و دل‌بستگی به امام و انقلاب؛ از پیامهای حرکت ۲۲ بهمن

این پدیده^۱ پدیده‌ی خیلی مهمی است؛ مضمون و پیام دارد و نشان میدهد که اولاً مردم، آگاه و هوشیار و متوجه مصالح خودشان هستند؛ ثانیاً به سرنوشت کشور و نظام و انقلاب و به معلم بزرگ انقلاب - امام بزرگوارشان - علاقه‌مند و دل‌بسته‌اند.

خودباوری؛ ارمغانی دیگر از سوی امام و نظام اسلامی

این ملت بر اثر انقلاب اسلامی و نظام اسلامی به خودباوری دست یافت - یعنی باور کرد که میتواند - این را امام به ما درس داد و فضای عمومی نظام اسلامی این را برای ما به ارمغان آورد. امروز جوان ما، دانشجوی ما، استاد ما، پژوهشگر ما، صنعتگر و سازنده‌ی ما باور دارد که میتواند. این خودباوری در علم به ما کمک کرد. ما امروز در میدان علم پیشرفتهای زیادی کرده‌ایم.

نگرانی امام از تعاریف آشکار دشمن

اگر دیدید دشمن برای شما کف میزند، نگاه کنید اشکال کارتان کجاست. امام

۱ راهپیمایی بیست و دوم بهمن.

ره، رهرو، رهبر / ۷۳۹

فرمودند وای از آن روزی که دشمن از ما تعریف کند! خوب؛ دشمن چه موقع از انسان تعریف میکند؟ خیلی از نقاط تحسین برانگیز در ملت و کشور و امام ما بود و هست که دشمنان ما در دلشان تصدیق میکنند، اما نمیخواهند به زبان بیاورند. آنجایی که دشمن برای کسی کف میزند و هورا میکشد و او را تشویق میکند، باید انسان بفهمد که اشتباه میکند.

مصاحبه پس از مراسم رأی‌گیری مجلس هفتم شورای اسلامی، ۱۳۸۲/۱۲/۱

رأس مجاهدان آزادی ملت

لازم میدانم از ارواح طیبه و انسانهای بزرگی یاد کنم که با تلاش و مجاهدت خود این راه را برای ما باز کردند و به ملت ایران این امکان را دادند که آزادانه سرنوشت خود را انتخاب کند. امام بزرگوار ما در رأس این انسانها قرار دارد. به روح بزرگ ایشان درود میفرستم و از خدای متعال علو درجات ایشان را مسألت میکنم.

در دیدار کارگزاران نظام و میهمانان شرکت‌کننده در اجلاس وحدت، ۱۳۸۳/۲/۱۸

توصیه‌ی حکیمانه‌ی امام تا انتهای عمر شریفشان

امروز ما مسئول هستیم؛ امروز دولتها، نخبگان، زبندگان، رجال فرهنگی و دینی مسئولند؛ همه‌ی ما در مقابل وحدت دنیای اسلام مسئولیم. امام بزرگوار ما (رضوان‌الله تعالی علیه) از مهمترین حرفهایی که از قبل از پیروزی انقلاب تا آخرین دوران زمان زندگی خود بر زبان داشت و تأکید میکرد، وحدت امت اسلامی، اتحاد مسلمانها و بزرگ نکردن بهانه‌های کوچک بود، و ما امروز میبینیم و میفهمیم که توصیه‌ی بسیار حکیمانه و بسیار درستی بوده است.

در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۸۳/۲/۳۰

تأثیرپذیری دنیای اسلام از مکتب امام

یقیناً امروز دنیای اسلام - چه دشمنان بخواهند، چه نخواهند - متأثر از تفکر امام بزرگوار ماست. خیلی هم با این فکر جنگیدند، ولی این فکر راه خود را در میان

دشواریها باز کرد. مهم این است که یک اندیشه و مکتب درست، راه خود را به سوی دلها و فکرها، در محدوده‌ای که برای خود تصویر کرده، باز کند. زرق و برقها و هیاهوها و تمجید و تجلیلهای ظاهری، اگر متکی به این عمق و به این عقبه‌ی فکری و معنوی نباشد، هیچ دوامی نخواهد داشت؛ ارزشی هم نخواهد داشت. آنچه مهم است، این عقبه‌ی فکری است که دلها را به خود جذب میکند. هنر بزرگ امام ما ارائه‌ی چنین تفکر و چنین مکتبی بود. امام هم به آن زنده است؛ جمهوری اسلامی هم به آن پابرجاست؛ امید دنیای اسلام هم به اسلام از همین ناحیه است.

لزوم تمسک به مکتب امام؛ همزمان با تمسک به نام امام

امروز چیزی که ما باید به جد دنبال آن باشیم، این است که بتوانیم فکر سیاسی و مکتب سیاسی امام بزرگوار را سالم و دست‌نخورده به نسلهای بعد منتقل کنیم. بعضیها نام امام را دوست دارند یا لازم دارند، اما مکتب سیاسی امام را نه؛ در حالی که نام امام از همین مکتب سیاسی بلند شده است. شخصیت امام بخاطر پابندی به این فکر بوده است؛ و آلا انسانهای عالم و دانشمند خیلی هستند که هرگز یک امتداد انسانی با این عمق پیدا نمیکنند. امام این فکر را ارائه و تبیین کرد؛ در راه آن پای فشرد و استقامت ورزید؛ مشکلات را به جان خرید؛ منصرف نشد و فریب نخورد؛ اینها مهم است.

تبیین مکتب سیاسی امام

مکتب سیاسی اسلام همان چیزی است که امام بزرگوار ما آن را ارائه و از آن به «اسلام ناب» تعبیر کرده. هویت جمهوری اسلامی و هویت حقیقی امام بزرگوار ما حول و حوش همین مکتب سیاسی است؛ نمیشود این را ندیده گرفت. این مکتب، نوست و در دنیا یک پدیده است. خیلی سعی کردند آن را قدیمی، ارتجاعی، بازمانده از قرنهای و نسلها و نامتناسب با امروز معرفی کنند؛ اما نشد. این مکتب، امروز همان چیزی است که بشریت به آن نیاز دارد. امروز ببینید بشریت در زیر سایه‌ی شوم مکاتب مادی به چه وضعیتی افتاده است. امریکا قدرت بزرگ علمی و نظامی و مالی درجه‌ی یک دنیاست؛

ره، رهرو، رهبر / ۷۴۱

بینید بشریت از محصول دموکراسی غرب چه میکشد. چیزی که فکر میکردند یا ادعا میکردند آخرین سخن در اداره‌ی بشریت است، بینید امروز بشریت از دست اینها چه میکشد. کسانی که از استکبار ناشی از این مادیگری رنج میبرند- که قلّه‌ی برجسته و نمونه‌ی بارز لیبرال دموکراسی غرب امروز است؛ یعنی آخرین مکتب سیاسی رایج و برپای دنیا- فقط مردم عراق و فلسطین نیستند؛ خودشان هم رنج میبرند. این روزها بارها و بارها گفتند که آنچه در زندان ابوغریب بغداد اتفاق افتاده، چیزی است که در زندانهای خود امریکا هم بطور مکرر اتفاق می‌افتد. اینها برای بشر امروز حرفهای بسیار مهم و درسها و عبرتهای عجیبی است. بینید مدعیان دموکراسی، حقوق بشر و احترام و پاسداری ارزش انسان، با انسان چه میکنند! نمیشود تصور کرد مردمی که در زیر سایه‌ی سنگین و شوم این دموکراسیها زندگی میکنند، این را حس نمیکنند؛ چرا، حس میکنند؛ زبندگان و نخبگان و فرزانشان علتش را هم حس میکنند؛ میدانند که علتش دوری از معنویت است. چون وقتی یک نظام سیاسی بویی از معنویت نبرد، میشود همین.

خصوصیات نظام ارائه‌شده به وسیله‌ی امام

نظام سیاسی ارائه‌شده به وسیله‌ی امام بزرگوار ما چیزی است که در آن، مردمسالاری مدرن همه‌کس پسند دنیایی بصورت کامل وجود دارد؛ معنویت به معنای حقیقی کلمه- توجه به خدا، توکل به خدا، راه دادن اندیشه‌ی الهی در همه‌ی تصمیم‌گیریهای سیاسی در سطح کلان ملی، علاوه بر سطوح شخصی- هم در آن وجود دارد؛ این همان چیزی است که بشر به آن نیازمند است.

دروغ بودن تمسک به نام امام؛ بدون مکتب امام

نمیشود امروز ما اسم امام را بیاوریم و به علاقه‌مندی به امام تظاهر بکنیم، اما مکتب سیاسی امام را به غربت بیندازیم؛ به آن بی‌اعتنایی و علیه آن تلاش کنیم؛ این دروغ است. اگر کسی با این حال ادعا کند که امام را دوست میدارد و برای او احترام قائل است، دروغ میگوید. امام نه فقط این مکتب را در سطح کلان و برای اداره‌ی کشور مطرح کرد،

بلکه در عمل و حکم و رهنمودهای خود و در امور زندگی شخصی و عمومی، جزئیات و فرآورده‌های این فکر را هم ارائه کرد و نشان داد که به آنها پایبند است.

معنای فرمایش مکرر امام در «عمل برای تکلیف؛ نه نتیجه»

اینکه بارها ایشان فرمودند «ما برای تکلیف کار میکنیم، نه برای نتیجه»، حرف خیلی عمیق و مهمی است. البته طبیعی است که آدمهای سطحی و کسانی که محاسباتشان از چارچوب مسائل مادی فراتر نمیروند، این را نفهمند و رد کنند و مبهم و پیچیده و غیرقابل فهم بدانند؛ اما این حرف بسیار عمیقی است. برای تکلیف کار کردن، یعنی هدف را در همه‌ی مسائل خدا دانستن و در راه آن هدف، مبارزه را بر خود فرض دانستن؛ در صورت پیروزی آن مبارزه، مغرور نشدن و نتیجه را متعلق به خدا دانستن؛ و در صورت ناکامی در آن مبارزه، مأیوس نشدن و از میدان خارج نشدن. شما ببینید این مجموعه چقدر پرمغز و کارآمد است؛ همه چیز در این مجموعه وجود دارد. این، نمونه‌ای است از ثمراتی که بر تفکر امام بار شده.

تأثیر مراسم سالگرد بروشنتر شدن رهنمودهای امام

این سالگردها و این نشستها و برخاستها علاوه بر تجلیل نام مبارک امام بزرگوارمان، باید عرصه و صحنه‌ای باشد برای تفهیم این مسائل بسیار مهم به افکار و اذهان و کسانی که نیاز دارند آن را بفهمند. هرچه میگذرد، رهنمودهای امام برای ما روشنتر میشود. اینکه امام فرمودند «امریکا هم زائل خواهد شد»، زوال هر قدرتی یک‌طوری است. زوال قدرتی مثل امریکا به این است که شما امروز مقدمات آن را دارید مشاهده میکنید.

در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی(ره)، ۱۳۸۳/۳/۱۴

علت تبلیغات خشم‌آلود و همیشگی دشمنان علیه امام بزرگوار

بیست و پنج سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی و برپایی نظام جمهوری اسلامی، و پانزده سال پس از وفات رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی، هنوز محور

ره، رهرو، رهبر / ۷۴۳

اصلی تبلیغات خشم‌آلود دشمنان انقلاب و کشور ما، دشمنی با امام بزرگوار ماست. آنها مهمترین هدف خود را - حتی بعد از بیست و پنج سال از تشکیل نظام اسلامی - این قرار داده‌اند که با هزاران ساعت برنامه‌ریزی و برنامه‌سازی در ماه برای صدها رادیو و تلویزیونی که در اطراف عالم از سوی محافل صهیونیستی و استکباری به راه افتاده است، شخصیت پُر جاذبه و چهره‌ی درخشان امام بزرگوار را زیر سؤال ببرند. باید تصدیق کنیم که دشمنان نظام اسلامی برای مقابله و مبارزه‌ی با نظام جمهوری اسلامی و حرکت ملت ایران، جز این چاره‌ای هم ندارند؛ زیرا عامل مهم تسلیم‌ناپذیری و ایستادگی ملت ایران در راه پُر افتخار خود، فلسفه‌ی سیاسی و مکتب سیاسی امام است، که ملت ما از بن دندان به آن اعتقاد دارند. دشمنان انقلاب چاره‌ای ندارند جز اینکه با فلسفه‌ی امام، با مکتب امام و با شخصیت امام - که همچنان زنده و پایدار است - دشمنی کنند تا بتوانند این ملت را به خیال خود به عقب‌نشینی و تسلیم در مقابل خودشان وادار کنند.

موفقیت‌های مکتب سیاسی امام

امام بزرگوار با مکتب سیاسی خود بود که توانست طلسم دیرپای استبداد را در این کشور بشکند. امام بزرگوار با مکتب سیاسی خود بود که توانست دست غارتگران را از این کشور کوتاه کند؛ غارتگرانی که با همدستی دیکتاتورها، ایران را به خانه‌ی امن خود تبدیل کرده بودند؛ کسانی که امیدوار بودند بتوانند ایران را بصورت یک کشور تولیدکننده‌ی مواد اولیه و انبار تمام‌نشدنی نفت برای خود نگه دارند.

ویژگی‌های مکتب سیاسی امام

من می‌خواهم روی مکتب سیاسی امام تکیه کنم. مکتب سیاسی امام نمیتواند از شخصیت پُر جاذبه‌ی امام جدا شود. راز موفقیت امام در مکتبی است که عرضه کرد و توانست آن را بطور مجسم و بصورت یک نظام، در مقابل چشم مردم جهان قرار دهد. البته انقلاب عظیم اسلامی ما بدست مردم به پیروزی رسید و ملت ایران عمق تواناییها و ظرفیت فراوان خود را نشان داد؛ اما این ملت بدون امام و مکتب سیاسی او قادر به چنین

کار بزرگی نبود. مکتب سیاسی امام میدانی را باز میکند که گستره‌ی آن حتی از تشکیل نظام اسلامی هم وسیعتر است. مکتب سیاسی‌ای که امام آن را مطرح و برای آن مجاهدت کرد و آن را تجسم و عینیت بخشید، برای بشریت و برای دنیا حرف تازه دارد و راه تازه پیشنهاد میکند. چیزهایی در این مکتب وجود دارد که بشریت تشنه‌ی آنهاست؛ لذا کهنه نمیشود. کسانی که سعی میکنند امام بزرگوار ما را بعنوان یک شخصیت متعلق به تاریخ و متعلق به گذشته معرفی کنند، در تلاش خود موفق نخواهند شد. امام در مکتب سیاسی خود زنده است، و تا این مکتب سیاسی زنده است، حضور و وجود امام در میان امت اسلامی، بلکه در میان بشریت، منشأ آثار بزرگ و ماندگار است.

معرفی برخی از خطوط برجسته‌ی مکتب امام

مکتب سیاسی امام دارای شاخصهایی است. من امروز چند خط از خطوط برجسته‌ی این مکتب را در اینجا بیان میکنم.

خط اول مکتب امام؛ درهم تنیدگی معنویت با سیاست

یکی از این خطوط این است که در مکتب سیاسی امام، معنویت با سیاست در هم تنیده است. در مکتب سیاسی امام، معنویت از سیاست جدا نیست؛ سیاست و عرفان، سیاست و اخلاق. امام که تجسم مکتب سیاسی خود بود، سیاست و معنویت را باهم داشت و همین را دنبال میکرد؛ حتی در مبارزات سیاسی، کانون اصلی در رفتار امام، معنویت او بود. همه‌ی رفتارها و همه‌ی مواضع امام حول محور خدا و معنویت دور میزد. امام به اراده‌ی تشریحی پروردگار اعتقاد و به اراده‌ی تکوینی او اعتماد داشت و میدانست کسی که در راه تحقق شریعت الهی حرکت میکند، قوانین و سنتهای آفرینش کمک‌کار اوست. او معتقد بود که: «وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا»! امام قوانین شریعت را بستر حرکت خود میدانست و علائم راهنمای حرکت خود بشمار می‌آورد. حرکت امام برای سعادت کشور و ملت، بر مبنای هدایت شریعت اسلامی بود؛

۱ سوره‌ی فتح، آیات ۴ و ۷. و سپاهیان آسمانها و زمین از آن خداست، و خدا همواره دانای سنجیده‌کار است.

ره، رهرو، رهبر / ۷۴۵

لذا «تکلیف الهی» برای امام کلید سعادت به حساب می‌آمد و او را به هدفهای بزرگ آرمانی خود میرساند.

معنای صحیح جمله‌ی معروف امام مبنی بر «عمل به تکلیف؛ نه برای پیروزی»

اینکه از قول امام معروف است و همه میدانیم که گفته بودند «ما برای تکلیف عمل میکنیم، نه برای پیروزی»، به معنای بی‌رغبتی ایشان به پیروزی نبود. بدون تردید پیروزی در همه‌ی هدفهای بزرگ، آرزوی امام بود. پیروزی جزو نعمتهای خداست و امام به پیروزی علاقه‌مند بود- نه اینکه علاقه‌مند نبود یا بی‌رغبت بود- اما آنچه او را به سوی آن هدفها پیش میبرد، تکلیف و عمل به وظیفه‌ی الهی بود؛ برای خدا حرکت کردن بود. چون انگیزه‌ی او این بود، لذا نمیترسید؛ شک نمیکرد؛ مأیوس نمیشد؛ مغرور نمیشد؛ متزلزل و خسته هم نمیشد. اینها خاصیت عمل به تکلیف و عمل برای خداست. کسی که برای تکلیف عمل میکند، دچار تردید و تزلزل نمیشود؛ ترسیده و خسته نمیشود؛ از راه برنمیگردد و مصلحت‌اندیشیهای شخصی، تعیین‌کننده‌ی راه و جهتگیری او نمیشود. کسی که سیاست را با عرفان جمع میکند و معنویت را با حرکت سیاسی، یکجا در برنامه زندگی خود قرار میدهد، برای او ترس از مرگ معنا ندارد؛ ترس از شکست هم معنا ندارد.

نقطه‌ی مقابل سیاست «تفکیک دین از سیاست» غرب

این درست نقطه‌ی مقابل سیاست کهنه‌شده و از مُد افتاده‌ی غربی است که به دروغ آن را سیاست مدرن میگویند؛ یعنی تفکیک دین از سیاست، و تفکیک دولت از معنویت. تمدن غربی بر پایه‌ی ستیز با معنویت و طرد معنویت بنا شد؛ این خطای بزرگ کسانی بود که تمدن و حرکت علمی و صنعتی را در اروپا شروع کردند. به علم اهمیت دادند- این خوب بود- اما با معنویت به جنگ برخاستند؛ این بد و انحراف بود. لذا این تمدن مادی و دور از معنویت هرچه پیشرفت کند، انحرافش بیشتر میشود؛ هم خود آنها و هم همه‌ی بشریت را با میوه‌های زهرآگین خود تلخ‌کام میکند؛ همچنان که تا امروز کرده است. پدیده‌ی استعمار- که دهها کشور و میلیونها انسان را سالهای متمادی غرق در سخت‌ترین و شدیدترین محنتها کرد- یکی از چیزهایی است که در نتیجه‌ی تفکیک علم

از معنویت، سیاست از معنویت و دولت از اخلاق در اروپا اتفاق افتاد. دو جنگ جهانی اول و دوم هم از همان میوه‌های تلخ بود. کمونیسم و حکومت‌های اختناق مارکسیستی هم جزو نتیجه‌ها و میوه‌های تلخ جدایی حرکت علمی و صنعتی از معنویت بود. ویران شدن کانون خانواده، سیلاب فساد جنسی و طغیان سرمایه‌داری افراطی، همه نتایج همان تفکیک است. امروز هم اوج این دوری از معنویت را در زندان ابوغریب و دیگر زندانهای عراق میبینید. کسانی که این زندانها را اداره میکنند، مدعی هستند که در تمدن بشری پیشرفته‌ترین‌اند! نتیجه‌ی چنین پیشرفتی را مردم دنیا از راه عکس و فیلم در زندانهای عراق دیدند و یا از آن مطلع شدند. فجایعی که برای ملت عراق - و قبل از آن برای ملت افغانستان - پیش آمده است، منحصر به این چیزها نیست. در دو، سه سال قبل کاروان عروسی در افغانستان بمباران شد و ماه قبل در عراق مجلس عروسی به وسیله‌ی هواپیماهای انگلیسی به عزا تبدیل گردید. تحقیر جوانهای عراقی، شکنجه‌ی مردان عراقی، تعرض به زنان و نوامیس عراقی، وارد شدن به حریم امن خانواده‌های عراقی، دولت فرمایشی به وجود آوردن برای ملت عراق، همه سرریزهای همان حرکتی است که وقتی شروع شد، این نتایج بطور قهری به دنبال آن هست. معنویت از دستگاه سیاست حذف شده است. در گذشته هم حکام و مستبدین و دیکتاتورهای دنیا در شرق و غرب عالم از این کارها میکردند؛ اما وقتی نامها و شعارهای زیبایی مثل حقوق بشر، حقوق انسان و رأی انسان برای اروپاییها شناخته شد، و وقتی پا در جاده‌ی علم گذاشتند، دوری از معنویت نگذاشت این شعارها آنطور که توقع بود و معنا میشد، برای بشریت خیر به بار آورد؛ همانها برای بشریت مایه‌ی شر و فساد شد. حرف نوی مکتب سیاسی امام بزرگوار ما برای دنیا این است که در همه‌ی ارکان برنامه‌ریزیهای یک قدرت سیاسی، سیاست با معنویت، و قدرت با اخلاق همراه شود و اصول اخلاقی مورد مراعات قرار گیرد. شاخص اول از شاخصهای اساسی مکتب سیاسی امام این است.

شاخص دوم مکتب سیاسی امام؛ اعتقاد راسخ و صادقانه به نقش مردم

شاخص دوم، اعتقاد راسخ و صادقانه به نقش مردم است؛ هم کرامت انسان، هم تعیین‌کننده بودن اراده‌ی انسان. در مکتب سیاسی امام، هویت انسانی، هم ارزشمند و

دارای کرامت است، هم قدرتمند و کارساز است. نتیجه‌ی ارزشمندی و کرامت داشتن این است که در اداره‌ی سرنوشت بشر و یک جامعه، آرای مردم باید نقش اساسی ایفا کند. لذا مردمسالاری در مکتب سیاسی امام بزرگوار ما- که از متن اسلام گرفته شده است- مردمسالاری حقیقی است؛ مثل مردمسالاری امریکایی و امثال آن، شعار و فریب و اغواگری ذهنهای مردم نیست. مردم با رأی خود، با اراده‌ی خود، با خواست خود و با ایمان خود راه را انتخاب میکنند؛ مسئولان خود را هم انتخاب میکنند. لذا دو ماه از پیروزی انقلاب نگذشته بود که امام اصل نظام برآمده از انقلاب را به رأی مردم گذاشت. شما این را مقایسه کنید با رفتاری که کودتاگران نظامی در دنیا میکنند، رفتاری که حکومتهای کمونیستی میکردند، و رفتاری که امروز امریکا میکند. امروز امریکا بعد از پانزده ماه که با اشغال نظامی عراق را گرفته است، هنوز به مردم این کشور اجازه نمیدهد که بگویند برای حکومت خود چه چیز و چه کسانی را میخواهند. نماینده‌ی سازمان ملل دیروز مصاحبه میکند و میگوید چون امریکاییها در عراق حضور نظامی دارند، باید رأی حاکم امریکایی در انتخاب عناصر دولت مراعات شود! دموکراسی اینها این است. نام دموکراسی، اغواگری است. دموکراسی حتی در کشورهای خودشان هم، یک مردمسالاری حقیقی نیست؛ جلوه‌فروشی به وسیله‌ی تبلیغات رنگین و پولهای بی‌حسابی است که در این راه خرج میکنند؛ لذا آرای مردم گم است. در مکتب سیاسی امام رأی مردم به معنای واقعی کلمه تأثیر میگذارد و تعیین‌کننده است. این، کرامت و ارزشمندی رأی مردم است. از طرف دیگر امام با اتکا به قدرت رأی مردم معتقد بود که با اراده‌ی پولادین مردم میشود در مقابل همه‌ی قدرتهای متجاوز جهانی ایستاد؛ و ایستاد. در مکتب سیاسی امام، مردمسالاری از متن دین برخاسته است؛ از «أمرهم شوری بینهم»^۱ برخاسته است؛ از «هُوَ الَّذِي أَيْدِكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ»^۲ برخاسته است. ما این را از کسی وام نگرفته‌ایم. عده‌ای میخواهند وانمود کنند که نقش مردم در اداره‌ی حکومتها را باید غربیها بیابند به ما یاد بدهند! غربیها خودشان هنوز در خم یک کوچه گرفتارند! همین امریکاییها و همین مدعیان دموکراسی، دیکتاتورهایی از قبیل محمدرضای پهلوی را- که سی و پنج

۱ سوره‌ی شوری، آیه‌ی ۳۸.

۲ سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۶۲. همو بود که تو را با یاری خود و مؤمنان نیرومند گردانید.

سال در این مملکت دیکتاتوری مطلق داشت و قبل از او پدرش حدود بیست سال در این کشور دیکتاتوری کرد- در آغوش گرفتند و پشتیبانی کردند و از آنها حمایت کردند. اینها طرفدار دموکراسی اند؟! دروغ میگویند. هرکس میخواهد دموکراسی اینها را ببیند، به عراق برود. برود رفتار آنها را با مردم مظلوم افغانستان ببیند. برود دموکراسی امریکایی را از حمایت بیدریغ امریکا از شارون جنایتکار ببیند. دموکراسی آنها این است؛ ما از اینها دموکراسی یاد بگیریم؟! اینها برای انسان نقش و ارزش قائلند؟ شما ببینید امروز در فلسطین چه فجایعی دارد اتفاق می افتد. آیا فلسطینیها انسان نیستند؟ آیا صاحب سرزمین خود نیستند؟ آیا حق ندارند رأی و عقیده داشته باشند؟ امروز زشت ترین و فجیعترین رفتار در فلسطین و عراق و افغانستان- و قبل از این در بسیاری از مناطق دیگر- دارد صورت میگیرد؛ آن وقت همان کسانی که این رفتارهای زشت را انجام میدهند، خجالت نمیکشند و ادعای دموکراسی میکنند! رئیس جمهور امریکا وقیحانه ادعا میکند که رسالت گسترش دموکراسی در دنیا و خاورمیانه بر دوش او سنگینی میکند! دموکراسی آنها را در زندانهای امثال ابوغریب- که در عراق و گوانتانامو کم هم نیستند- مردم دنیا دارند میبینند. این، دموکراسی و حقوق بشر آنهاست! بسیار غافلانه است اگر کسی در داخل جوامع ما و در میان امت اسلامی خیال کند که غربیها باید بیایند به ملتهای ما دموکراسی و مردمسالاری یاد بدهند! ما توقع داریم گویندگان و نویسندگانی که از انصاف برخوردار هستند، طوری حرف نزنند و طوری ننویسند که گویی امروز آنها دارند به مردم ما پیام مردمسالاری میدهند. مردمسالاری را امام آورد؛ مردمسالاری را انقلاب آورد. در کشوری که در طول قرنهای متمادی، جز در برهه‌های بسیار کوتاه- که مثل یک لحظه گذشته است- معنای رأی و اراده‌ی مردم را نمیدانستند (ما در طول عمر خود چشمانمان به صندوق رأی نیفتاده بود! برای رأی مردم ایران کسی ارزش قائل نبود و دیکتاتورها در تمام دوران حکومت خود بیشترین بی‌اعتنایی را به مردم ما میکردند) امام و انقلاب و نظام اسلامی ما مردمسالاری را آورد. عده‌ای طوری حرف میزنند که گویا ما تازه داریم وارد میدان مردمسالاری میشویم! این بی‌انصافی نیست؟ این چشم بستن بر روی حقیقت نیست؟

شاخص سوم مکتب سیاسی امام؛ نگاه جهانی مکتب

شاخص سوم از شاخصهای مکتب سیاسی امام، نگاه بین‌المللی و جهانی این مکتب است. مخاطب امام در سخن و ایده‌ی سیاسی خود، بشریت است؛ نه فقط ملت ایران. ملت ایران این پیام را به گوش جان شنید، پایش ایستاد، برایش مبارزه کرد و توانست عزت و استقلال خود را بدست آورد؛ اما مخاطب این پیام، همه‌ی بشریت است. مکتب سیاسی امام این خیر و استقلال و عزت و ایمان را برای همه‌ی امت اسلامی و همه‌ی بشریت می‌خواهد؛ این رسالتی است بر دوش یک انسان مسلمان. البته تفاوت امام با کسانی که برای خود رسالت جهانی قائلند، این است که مکتب سیاسی امام با توپ و تانک و اسلحه و شکنجه نمی‌خواهد ملتی را به فکر و به راه خود معتقد کند. امریکاییها هم می‌گویند ما رسالت داریم در دنیا حقوق بشر و دموکراسی را توسعه دهیم. راه گسترش دموکراسی، کاربرد بمب اتم در هیروشیماست؟! توپ و تانک و جنگ‌افروزی و کودتاگری در امریکای لاتین و آفریقا است؟! امروز هم در خاورمیانه این همه دغلبازی و فریبگری و ظلم و جنایت به چشم می‌خورد. با این وسایل می‌خواهند حقوق بشر و رسالت جهانی‌شان را گسترش دهند! مکتب سیاسی اسلام فکر درست و سخن نوی خود را با تبیین در فضای ذهن بشریت رها میکند و مثل نسیم بهاری و عطر گلها در همه جا می‌پیچد. کسانی که شامه‌ی درستی داشته باشند، آن را استشمام میکنند و از آن بهره می‌برند؛ همچنان که امروز در بسیاری از کشورهای دنیا بهره‌ی آن را برده‌اند. فلسطینیها می‌گویند ما حیات دوباره و بیداری خود را از پیام امام گرفته‌ایم؛ لبنانیها می‌گویند ما پیروزی خود بر ارتش رژیم صهیونیستی و اخراج صهیونیستها را از مکتب امام درس گرفته‌ایم؛ مسلمانها در هر نقطه‌ی دنیا- جوانهای مسلمان، روشنفکران مسلمان، نخبگان مسلمان- فتوحات فکری خود در میدانهای سیاسی را برخاسته و برآمده‌ی از مکتب فکری امام میدانند؛ توده‌های امت اسلامی با نام اسلام احساس عزت میکنند؛ این همان نگاه بین‌المللی مکتب امام به مسائل بشر است؛ مخصوص دنیای اسلام هم نیست؛ لذا امروز مسئله‌ی فلسطین برای ما یک مسئله‌ی اصلی است؛ مصائب امت اسلامی برای ما دردناک است. آنچه در دنیای اسلام اتفاق می‌افتد، برای ملت ایران و کسانی که به نام و یاد امام بزرگوار دلخوش هستند، مسائل اساسی است؛ نمیتوانند نسبت به این

مسائل بی تفاوت بگذرند. برای همین است که دنیای استکبار میخواید بزرگترین جنایتها را نسبت به ملت‌های مسلمان انجام دهد؛ در حالی که دیگر ملت‌های مسلمان نبینند، نفهمند و تصمیم نگیرند؛ حتی اعتراض هم نکنند. ملت ایران ببینند، میفهمند، اعتراض میکند، موضع میگیرد و نسبت به مسائل دنیای اسلام بی تفاوت نمیماند.

شاخص چهارم مکتب سیاسی امام؛ پاسداری از ارزشها

شاخص مهم دیگر مکتب سیاسی امام بزرگوار ما پاسداری از ارزشهاست، که مظهر آن را امام بزرگوار در تبیین مسئله‌ی ولایت فقیه روشن کردند. از اول انقلاب اسلامی و پیروزی انقلاب و تشکیل نظام اسلامی، بسیاری سعی کرده‌اند مسئله‌ی ولایت فقیه را نادرست، بد و برخلاف واقع معرفی کنند؛ برداشتهای خلاف واقع و دروغ و خواسته‌ها و توقعات غیرمنطبق با متن نظام سیاسی اسلام و فکر سیاسی امام بزرگوار. اینکه گاهی میشنوید تبلیغاتچی‌های مجذوب دشمنان این حرفها را میپراکنند، مربوط به امروز نیست؛ از اول، همین جریانات و دست‌آموزها و تبلیغات‌دیگران این حرفها را مطرح میکردند.

مفهوم مترقی ولایت فقیه؛ پاسداری از جهتگیری نظام، نه حکومت مطلقه‌ی فردی

عده‌ای سعی میکنند ولایت فقیه را به معنای حکومت مطلقه‌ی فردی معرفی کنند؛ این دروغ است. ولایت فقیه - طبق قانون اساسی ما - نافی مسئولیتهای ارکان مسئول کشور نیست. مسئولیت دستگاههای مختلف و ارکان کشور غیرقابل سلب است. ولایت فقیه، جایگاه مهندسی نظام و حفظ خط و جهت نظام و جلوگیری از انحراف به چپ و راست است؛ این اساسیترین و محوریت‌ترین مفهوم و معنای ولایت فقیه است. بنابراین ولایت فقیه نه یک امر نمادین و تشریفاتی محض و احیاناً نصیحت‌کننده است - آنطوری که بعضی از اول انقلاب این را میخواستند و ترویج میکردند - نه نقش حاکمیت اجرایی در ارکان حکومت دارد؛ چون کشور مسئولان اجرایی، قضایی و تقنینی دارد و همه باید بر اساس مسئولیت خود کارهایشان را انجام دهند و پاسخگوی مسئولیتهای خود باشند. نقش ولایت فقیه این است که در این مجموعه‌ی پیچیده و درهم تنیده‌ی تلاشهای گوناگون نباید حرکت نظام، انحراف از هدفها و ارزشها باشد؛ نباید به چپ و راست انحراف پیدا شود. پاسداری و دیده‌بانی حرکت کلی نظام به سمت هدفهای آرمانی و

عالی‌اش، مهمترین و اساسیترین نقش ولایت فقیه است. امام بزرگوار این نقش را از متن فقه سیاسی اسلام و از متن دین فهمید و استنباط کرد؛ همچنان که در طول تاریخ شیعه و تاریخ فقه شیعی در تمام ادوار، فقهای ما این را از دین فهمیدند و شناختند و به آن اذعان کردند. البته فقها برای تحقق آن فرصت پیدا نکردند، اما این را جزو مسلمات فقه اسلام شناختند و دانستند؛ و همینطور هم هست.

ضابطه‌های ولایت فقیه در مکتب سیاسی امام

این مسئولیت بسیار حساس و مهم، به نوبه‌ی خود، هم از معیارها و ضابطه‌های دینی و هم از رأی و خواست مردم بهره میبرد؛ یعنی ضابطه‌های رهبری و ولایت فقیه، طبق مکتب سیاسی امام بزرگوار ما، ضابطه‌های دینی است؛ مثل ضابطه‌ی کشورهای سرمایه‌داری، وابستگی به فلان جناح قدرتمند و ثروتمند نیست. آنها هم ضابطه دارند و در چارچوب ضوابطشان انتخاب میکنند، اما ضوابط آنها این است؛ جزو فلان باند قدرتمند و ثروتمند بودن، که اگر خارج از آن باند باشند، ضابطه را ندارند. در مکتب سیاسی اسلام، ضابطه، اینها نیست؛ ضابطه، ضابطه‌ی معنوی است. ضابطه عبارت است از علم، تقوا و درایت. علم، آگاهی می‌آورد؛ تقوا، شجاعت می‌آورد؛ درایت، مصالح کشور و ملت را تأمین میکند؛ اینها ضابطه‌های اصلی است برطبق مکتب سیاسی اسلام. کسی که در آن مسند حساس قرار گرفته است، اگر یکی از این ضابطه‌ها از او سلب شود و فاقد یکی از این ضابطه‌ها شود، چنانچه همه‌ی مردم کشور هم طرفدارش باشند، از اهلیت ساقط خواهد شد. رأی مردم تأثیر دارد، اما در چارچوب این ضابطه. کسی که نقش رهبری و نقش ولی فقیه را بر عهده گرفته، اگر ضابطه‌ی علم یا ضابطه‌ی تقوا یا ضابطه‌ی درایت از او سلب شد، چنانچه مردم او را بخواهند و به نامش شعار هم بدهند، از صلاحیت می‌افتد و نمیتواند این مسئولیت را ادامه دهد. از طرف دیگر کسی که دارای این ضوابط است و با رأی مردم که به وسیله‌ی مجلس خبرگان تحقق پیدا میکند - یعنی متصل به آراء و خواست مردم - انتخاب میشود، نمیتواند بگوید من این ضوابط را دارم؛ بنابراین مردم باید از من بپذیرند. «باید» نداریم. مردم هستند که انتخاب میکنند. حق انتخاب، متعلق به مردم است. ببینید چقدر شیوا و زیبا ضوابط دینی و اراده‌ی مردم

ترکیب یافته است؛ آن هم در حساسترین مرکزی که در مدیریت نظام وجود دارد. امام این را آورد.

علت حملات دشمنان امام؛ به امام و اصل ولایت فقیه

بدیهی است که دشمنان امام خمینی و دشمنان مکتب سیاسی او از این نقش خوششان نمی‌آید؛ لذا او را آماج حملات قرار میدهند. در رأس اینها کسانی هستند که به برکت امام بزرگوار ما و مکتب سیاسی او، دستشان از غارت منابع مادی و معنوی این کشور کوتاه شده است. آنها جلودارند، یک عده هم دنبالشان حرکت میکنند. بعضی میفهمند چکار میکنند، بعضی هم نمیفهمند چکار میکنند.

شاخص پنجم مکتب سیاسی امام؛ عدالت اجتماعی

آخرین نکته‌ای که بعنوان شاخصه‌ی مکتب سیاسی امام عرض میکنم، مسئله‌ی عدالت اجتماعی است. عدالت اجتماعی یکی از مهمترین و اصلیت‌ترین خطوط در مکتب سیاسی امام بزرگوار ماست. در همه‌ی برنامه‌های حکومت - در قانونگذاری، در اجرا، در قضا - باید عدالت اجتماعی و پُر کردن شکافهای طبقاتی، مورد نظر و هدف باشد. اینکه ما بگوییم کشور را ثروتمند میکنیم - یعنی تولید ناخالص ملی را بالا میبریم - اما ثروتها در گوشه‌ای به نفع یک عده انبار شود و عده‌ی کثیری هم از مردم دستشان خالی باشد، با مکتب سیاسی امام نمیسازد. پُر کردن شکاف اقتصادی در بین مردم و رفع تبعیض در استفاده‌ی از منابع گوناگون ملی در میان طبقات مردم، مهمترین و سخت‌ترین مسئولیت ماست. همه‌ی برنامه‌ریزان، قانونگذاران، مجریان و همه‌ی کسانی که در دستگاههای گوناگون مشغول کار هستند، باید این را مورد توجه قرار دهند و یکی از مهمترین شاخصهای حرکت خود به حساب آورند.

این مکتب، نظام اسلامی را بنیانگذاری کرد. بیست و پنج سال از آن زمان میگذرد. بیشترین حملات هم در طول این بیست و پنج سال به کشور و ملت ما و این مکتب سیاسی شده است؛ اما ملت ما روزبه‌روز پیشرفت کرده است. ملت ما در زمینه‌ی علم، در زمینه‌ی عمران، در زمینه‌ی سیاست بین‌الملل، در زمینه‌ی ارتقای آگاهیهای گوناگون، در زمینه‌ی ساخت زیربنای عظیم کشور، در زمینه‌ی بدست آوردن قدرت فناوری و احیای

ره، رهرو، رهبر / ۷۵۳

استعدادهای مردمی، و در بسیاری از زمینه‌های دیگر، پیشرفتی داشته است که در گذشته حتی تصور آن را هم نمیکرده؛ این به برکت اسلام است...

■
خدا را شکر میکنیم که اراده‌ی ما محکم است؛ راهمان روشن است؛ مردممان مؤمن‌اند و مکتب سیاسی امام، زنده و درخشنده است. دشمنان ما هم قدرت ملت را فهمیده‌اند و به آن اعتراف کرده‌اند.

در دیدار طلاب و اساتید مدرسه‌ی علمیه‌ی آیت‌الله مجتهدی، ۱۳۸۳/۳/۲۱

ظهور امام در زیر فشار اقتصادی، حیثیتی و سیاسی رژیم سابق بروحانیت

حوزه‌ی قم در سال ۱۳۴۰ قمری - یعنی تقریباً هشتاد و پنج سال قبل - توسط مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری به وجود آمد و در سال ۱۳۵۵ قمری - یعنی پانزده سال بعد - با درگذشت مؤسس آن حوزه، بظاهر متلاشی شد؛ یعنی در اوج اقتدار و اختناق رضاخان. وقتی مرحوم آقا شیخ عبدالکریم حائری از دنیا رفت، همان چند صد طلبه‌ای هم که در قم بودند، متفرق شدند. گرسنه و بی‌پول و بی‌منشأ درآمد و ترسان، روزها بیرون شهر قم میرفتند و در باغهای اطراف قم مباحثه میکردند؛ شب به مدرسه‌ی فیضیه یا به خانه‌هایشان برمیگشتند. اما در میان همان طلاب آوارهی پراکنده‌ی ترسان مرعوب از اقتدار دستگاه و زیر فشار شدید اقتصادی و حیثیتی و سیاسی، کسی مثل امام خمینی بیرون آمد. چهل سال بعد از تشکیل حوزه‌ی قم - یعنی در سال ۱۳۸۱ قمری - نهضت روحانیت شروع شد؛ اینها خیلی معنا دارد. تازه از این چهل سال، چندین سالش با این شدت گذشته بود.

پیشگویی امام مبنی بر تحقق وعده‌ی الهی

در فروردین سال ۱۳۴۲ شمسی که حوادث مدرسه‌ی فیضیه و زدن طلاب و انداختن آنها از بالای پشت‌بام پیش آمد، همان روز ما منزل امام رفتیم. بنده آن وقت طلبه‌ی جوانی بودم در سن الآن شماها. دستگاه اختناق محمدرضا علیه حوزه‌ی علمیه، شمشیر را از رو بسته بود. در خیابان ارم قم طلبه جرأت نمیکرد - این را من به چشم خودم

دیدم- از این طرف خیابان به آن طرف برو! کماندوهای دستگاه شاه مثل شمر میریختند سرش، کتکش میزدند، عمامه‌اش را برمیداشتند و لباسش را پاره میکردند. در چنین حالت رعب‌آوری، آن روز امام (رضوان‌الله‌علیه) بعد از نماز مغرب و عشا به خانه‌شان رفتند- همین خانه‌ای که الآن هم در قم هست- طلبه‌ها هم رفتند، بنده هم بودم. ایشان خاطره‌ی اختناق دوران رضاخانی و رفتن طلبه‌ها به بیرون از قم را یادآوری کردند و گفتند آن روز ما اینطور زندگی کردیم؛ آنها رفتند و ما ماندیم؛ حالا هم اینها خواهند رفت و شما خواهید ماند. این پیشگویی امام بود؛ پیشگویی مبنی بر وعده‌ی الهی. خدای متعال وعده کرده است که اگر جماعتی در راه او مجاهدت و ایستادگی کنند و دارای ایمان باشند، قطعاً به هدف خواهند رسید. وعده‌ی الهی دروغ نیست. خدای متعال راه را جلوی پای انسان میگذارد و قدم‌به‌قدم دست انسان را میگیرد. وقتی هدف، خدا بود، «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»^۱. عمده، وجود این انگیزه و این ایمان است؛ وارد میدان شدن و تلاش کردن است. هر جا این باشد، موفقیت بدون تردید حاصل خواهد شد.

ثمرات وجود شخصیت‌های فراوان مثل امام خمینی (ره)

روزی که در جامعه و کشور ما صد نفر، پانصد نفر، هزار نفر شخصیت روحانی مثل امام باشند، شما ببینید چه حرکت عظیمی در این جامعه به وجود خواهد آمد. وقتی در جامعه‌ی ما صدها نفر شخصیت دارای دانش دین و مسلط بر منطق و استدلال دینی، در فلسفه و کلام و فلسفه‌ی جدید و محاجه‌ی با شبهه‌افکنان وجود داشته باشند، ببینید چه اتفاق عظیمی در جامعه می‌افتد. وقتی به وسیله‌ی همین مجموعه، هزاران کتاب، مجله و مقاله‌های علمی در سطح دنیا با زبانهای مختلف منتشر شود، شما ببینید چه خورشید فروزانی از این نقطه‌ی عالم بر همه‌ی فضای فکری جهان بشری پرتو خواهد افکند. همه‌ی اینها شدنی است؛ خیالات نیست.

۱ سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۶۹. و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راههای خود را بر آنان مینماییم.

تفاخر امام به مجلس شورای اسلامی

من به خاطر دارم که اوایل انقلاب امام این را مکرر به یاد می‌آوردند که در مجالس دیگر در دنیا درگیریهای شنیع و کتک‌کاری هست؛ اما تفاخر میکردند که در مجلس ما این حرفها نیست؛ مباحثه و مجادله هست. این، مهم است. ما باید ببینیم دیگران چه میکنند که نقطه‌ی ضعف آنها محسوب میشود؛ از آن پرهیز کنیم.

توصیه‌ی مکرر امام به نحوه‌ی مباحثات در مجلس

جای چالش منطقی و بحث و مجادله‌ی صحیح بر سر مسائل اساسی کشور، همینجاست. بنده با مجادلات داخل مجلس هیچ مخالفتی ندارم؛ خیلی موافقم. امام (رضوان‌الله‌علیه) مکرر میفرمودند که مجلس جای مباحثه، مثل مباحثه‌های طلبگی است. دو نفر طلبه وقتی با همدیگر مباحثه میکنند، گاهی سر یکدیگر داد هم میکشند؛ اما این دادکشیدن نه از روی کینه است، نه از روی انگیزه‌های سیاسی است، نه از روی انگیزه‌های شخصی است؛ این شخص از حقیقتی که به نظر او حقیقت است، دفاع میکند، آن شخص هم از نظر خودش دفاع میکند؛ غالباً هم به یک نتیجه میرسند. فرق است بین جنجال صاحب‌نظران و مجادلات منطقی اصحاب علم و تجربه و تخصص، با غوغاهای دبستانی.^۱

علت توصیه‌ی شهید صدر به ذوب شدن در امام

تعبیر «ذوب در ولایت» را غالباً مخالفان شماها - کسانی که میخواهند نکته‌گیری کنند و مضمونی بگویند - به کار میبرند؛ و آلا بنده این حرف را از آدمهای حسابی کمتر شنیده‌ام. بنده نمیفهمم معنای ذوب در ولایت را. ذوب در ولایت یعنی چه؟ باید ذوب

۱ مضمون این مطلب در «دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲/۰۳/۰۷» و «در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به همراه حجت الاسلام والمسلمین حاج سیداحمد خمینی، ۱۳۶۹/۰۹» و «در دیدار نمایندگان دوره‌ی چهارم مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۱/۰۳/۲۰» و «در دیدار استادان و دانشجویان قزوین، ۱۳۸۲/۹/۲۶» نیز تکرار شده است.

در اسلام شد. خود ولایت هم ذوب در اسلام است. روزی که شهید صدر گفت «در امام خمینی ذوب شوید؛ همچنان که او در اسلام ذوب شده است»، تنها شاخص صحت راه، شخص امام بود؛ نه قانون اساسی بود، نه جمهوری اسلامی بود، نه نظامی بود، نه دستگاهی بود. در صحنه‌ی آشفته‌ی هوی‌ها و جریانها و خطوط مختلف، یک قامت برافراشته و یک علم سرافراز وجود داشت و او امام بود؛ شهید صدر میگفت در او ذوب شوید. راست هم میگفت؛ ذوب در امام، ذوب در اسلام بود. امروز اینطوری نیست. ذوب در رهبری، ذوب در شخص است؛ این اصلاً معنا ندارد.

در دیدار علما و روحانیون استان همدان، ۱۳۸۳/۰۴/۱۵

تأثیر امام بر گرایش سلوکی و معنوی مرحوم شهید مطهری

مرحوم شهید مطهری (رضوان‌الله علیه) گرایش سلوکی و معنوی هم داشت؛ یک مقدار متأثر از مصاحبت و شاگردی امام، یک مقدار متأثر از مصاحبت و شاگردی مرحوم علامه‌ی طباطبایی، یک مقدار هم بعدها با بعضی از اهل دل و اهل حال مأنوس و آشنا شده بود.



علت دشمنی استکبار با «امام خمینی» های بالقوه

اینها با یک‌یک شما نه تنها مخالفند، بلکه دشمن‌اند. به هر کدام از شماها به چشم منبعی برای روشنگری و افشاگری نگاه میکنند؛ که اگر این منبع فعال شود و کار بکند و باطن و استعداد و ظرفیت خودش را بروز دهد، کار بر استکبار دشمن دشوار خواهد شد. از نظر آنها هر یک از شما بالقوه یک امام خمینی هستید. اینها با یک‌یک عمامه‌به‌سرها و طلبه‌ها و روحانیون دشمن‌اند؛ چرا؟ چون بنای کار آنها بر ظلمات، بر چشم‌پندی و بر کتمان حقیقت و پرده روی کار کشیدن است.

در دیدار مسئولان و نخبگان استان همدان، ۱۳۸۳/۰۴/۱۹

اولین کاشف خصوصیات برجسته‌ی مردم ایران و تکیه‌کننده به آنها

این مردم، بسیار مردم خوبی‌اند. حقیقتاً ملت ایران از لحاظ شاخصهای شخصیتی،

کرامتی و ارزشی در نقطه‌ی اوج‌اند؛ منبع‌الطبع، باگذشت، باایمان، عازم، دارای شجاعت و آماده برای فداکاری. قبل از انقلاب، هیچ‌کس اینها را بخوبی امام نمی‌فهمید. نخستین کسی که از شخصیت‌های برجسته، این خصوصیات را در مردم ما شناخت و جست و روی آنها تکیه کرد، امام بزرگوار ما بود. همان‌وقت من با بعضی از بزرگان تماس می‌گرفتم و چیزی می‌گفتم؛ اما آنها تقصیر را گردن مردم می‌انداختند: مردم نمی‌آیند، مردم نمی‌کنند، این مردم را ول کنید. امام در نقطه‌ی مقابل آنها، این مردم را شناخت؛ به این مردم اعتماد کرد؛ با این مردم صادقانه حرف زد؛ منتظر نشد مردم راه بیفتند؛ اول خودش راه افتاد؛ رهبر یعنی این. فرق میان رهبری مثل امام و یک راهنمای معمولی این است که راهنما اشاره می‌کند و می‌گوید اگر می‌خواهی فلان جا بروی، از اینجا برو؛ بعد پیچ دست راست، بعد پیچ دست چپ؛ اما رهبر راه می‌افتد و خودش به طرف مقصد می‌رود؛ می‌گوید هرکس آمدنی است، با من بیاید؛ امام اینطوری بود. ایشان مطمئن هم بود که مردم می‌آیند، و مردم با او آمدند. اول، او این خصوصیات را کشف کرد و ما بعنوان آدم‌های کوتاه‌بین - بنده خودم را می‌گویم - کم‌تجربه و بعنوان کسی که مردم را درست نمی‌شناسد، با حیرت و تعجب حرکت عظیم مردم را تماشا کردیم و مجذوب او شدیم. این را ما اول در انقلاب تجربه کردیم. ما خیال نمی‌کردیم خیلیها اینطور به میدان بیایند؛ اما آمدند؛ جان دادند، جوان دادند، هستی‌شان را دادند و هر جا برای انقلاب لازم بود، ایستادند. اکثریت عظیمی از مردم اینطور بودند. بعد جنگ شد و آنطور به میدان آمدند. و من امروز پس از سالهای متمادی که مسئولیت‌های گوناگون و سنگینی داشته‌ام، وقتی تفرّس و دقّت می‌کنم، می‌بینم این مردم، همان مردم انقلابند.

در دیدار مردم استان قم به مناسبت سالروز قیام ۱۹ دی، ۱۳۸۳/۱۰/۱۹

تأثیر امام در خودآگاهی مردم؛ در حادثه‌ی نوزده دی

مسئله هم بطور خلاصه این بود که ملت ایران از فشار دیکتاتوری رژیم دست‌نشانده از یک طرف، فشار زندگی از یک طرف، فشار تحمیل فرهنگ فساد از یک طرف، و سلطه‌ی خارجی و بطور مشخص عوامل و عناصر امریکایی از یک طرف، به ستوه آمده بود. این خشم عمومی و این انگیزه‌ی عمومی از ایمان مذهبی ملت ایران بطور کامل

سیراب شد و معنا پیدا کرد. این خشم عمومی، خشم کور نبود؛ انگیزه‌ی تعریف نشده نبود؛ مردم می‌فهمیدند که چه می‌خواهند و چکار می‌خواهند بکنند؛ و این بر اثر تعلیمات اسلامی بود. حرکت طلبان جوان و فضلالی وزین به دنبال رهبری بی‌نظیر امام بزرگوار در طول سالهای متمادی این خودآگاهی را در ملت ایران به وجود آورده بود که این وضعیت برای یک ملت و یک کشور مایه‌ی سرافکندگی است؛ و این وضعیت قابل تغییر یافتن است؛ و فقط هم بدست خود مردم ممکن است تغییر پیدا کند.

اعتقاد امام بدست قدرت الهی پشت سر ملت ایران

دست قدرت الهی پشت سر ملت ایران است؛ من به رأی‌العین این را مشاهده کرده‌ام. امام یک‌وقت در بستر بیماری بودند و من به عیادت ایشان رفته بودم. بنده به ایشان جمله‌ای عرض کردم؛ ایشان هم در جواب گفتند آنچه من در این چند سال دیدم، این است که دست قدرتی پشت سر ملت ایران است و کارها را دارد پیش میبرد. بنده در این چند سال این دست قدرت را دیده‌ام. چقدر برای این ملت خواب پریشان دیده شد و توطئه چیده شد؛ چقدر دشمنان این ملت پول خرج کردند تا این ملت را عقب نگه دارند و مرزهای این ملت را بشکنند و بر این ملت تسلط پیدا کنند؛ اما بخاطر همّت این مردم - که دست قدرت الهی پشتش بود - نتوانستند و بدانید ان‌شاءالله بعد از این هم همینطور خواهد بود.^۱

۱ مضمون این مطلب در «مراسم بیعت اقشار مختلف مردم محلات، دلیجان و نراق، دزفول، لارستان، بندرلنگه، لامرد فارس، فلاورجان، قهدریجان، کلیشاد و اصناف شهری، به همراه ائمه‌ی جمعه، روحانیون و نمایندگان آنان در مجلس شورای اسلامی، ۱۰/۰۴/۱۳۶۸» و «دیدار با گروه کثیری از آزادگان، به همراه حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور، ۲۹/۰۵/۱۳۶۹» و «در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به همراه حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیداحمد خمینی، ۱۴/۰۹/۱۳۶۹» و «در دیدار با خانواده‌های شهدای هفتم تیر، ۰۸/۰۴/۱۳۷۰» و «در مراسم تفیذ حکم ریاست جمهوری حجت‌الاسلام والمسلمین «سیدمحمد خاتمی»، ۱۲/۰۵/۱۳۷۶» و «در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳/۱۱/۱۳۷۸» و «در دیدار مردم استان قم به مناسبت سالروز قیام ۱۹ دی، ۱۹/۱۰/۱۳۸۳» و «در دیدار اعضای ستاد برگزاری مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی(ره)، ۱۰/۰۳/۱۳۸۴» نیز تکرار شده است.

یکی دیگر از الهامات الهی بر امام بزرگوار

حضور مجموعه‌ای به نام عقیدتی، سیاسی در نیروهای مسلح، یکی از الهامات الهی و از برکات پروردگار بر امام بزرگوار ما و مجموعه‌ی دست‌اندرکار امور کشور بود.

آثار ولایت امام خمینی؛ بعنوان پرتوی از چشمه‌ی فروزنده‌ی غدیر

امروز وقتی به دنیای اسلام نگاه میکنید، میبینید که بیداری مسلمانان در همه‌ی نقاط مسلمان‌نشین عالم و در کشورهای اسلامی به برکت بیداری ملت ایران است، و ملت ایران به برکت رهبری امام بزرگوار- که جان خود را به میدان آورد، سینه‌ی خود را در مقابل تیرهای دشمن سپر کرد و صادقانه حرف زد و صادقانه عمل کرد- پا در این میدان عظیم گذاشت. دنیایی که میخواهد ملل مسلمان را ذلیل ببیند، ملت ایران به برکت رهبری شجاعانه و مخلصانه‌ای که امام بزرگوار نشان داد، عزت خودشان را بر اینها تحمیل کردند. ولایت امام (رضوان‌الله علیه) پرتوی از چشمه‌ی فروزنده‌ی خورشیدی غدیر بود؛ لذا توانست این همه آثار را به وجود بیاورد، ملت را بیدار کند، ایران را بازسازی معنوی و مادی بکند.

محتوای نوزدهم بهمن؛ فراتر از بیعت یک گروه با امام خمینی (ره)

هر سال روز نوزدهم بهمن، یکی از شیرینترین روزهای دهه‌ی فجر برای بنده است؛ چون روزی پُر معنا و دارای خاطره‌ی پُر مغز و الهام‌بخشی است. محتوا و مضمون نوزدهم بهمن صرفاً این نیست که جمعی با امام بزرگوار ما در روز دشواری بیعت کردند- اگرچه خود این، مسئله‌ی مهمی است- فراتر از این است. در آن روز، این حرکت نشان‌دهنده‌ی گسترش و نفوذ آگاهی در همه‌ی اعماق جامعه‌ی ما نسبت به کاری که میکنند و راهی که در پیش گرفته‌اند، بود. برخلاف تحلیل‌های مغرضانه‌ی کسانی که سعی میکنند حرکت عظیم انقلاب را حرکتی وانمود کنند که از درک و آگاهی برخوردار نبوده است، حرکت انقلاب، یک حرکت آگاهانه از سوی مردم بود.

در دیدار جمعی از مهندسان و محققان فنی و صنعتی کشور، ۱۳۸۳/۱۲/۵

تعبیر امام در مورد خودباوری ملت ایران

بنظر من در زمینه‌های علمی، بزرگترین خدمت این است که این باور را به ما ایرانیها بخشید که ما میتوانیم؛ همان تعبیری که امام کردند: «ما میتوانیم».

در دیدار اعضای اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان، ۱۳۸۳ /۱۲/۲۴

خصوصیات مهم رهبر انقلاب اسلامی

سالها این ملت در سختیهای ناشی از سلطه‌ی بیگانه گذراند تا اینکه زمینه برای انقلاب اسلامی آماده شد. رهبری حکیم، پُر قدرت، با اراده و عزم راسخ و نافذ در همه‌ی دلها، در میان مردم به وجود آمد و وارد میدان شد؛ ملت هم تجربه پیدا کرده بودند؛ لذا انقلاب اسلامی شکل گرفت و این دفعه ترفند دشمن بی‌اثر ماند؛ چون ملت و رهبران در انقلاب اسلامی تجربه پیدا کرده بودند.



تأثیر بسیج امام بر آبدیدگی جوانان

جوانهای شانزده، هفده‌ساله به میدان نبرد رفتند و چهار سال، پنج سال، شش سال، هشت سال - به اختلاف اشخاص - در میدان نبرد ماندند و سپس بعنوان شخصیت‌های برجسته و آگاه و توانا و باکفایت از میدان جنگ بیرون آمدند. بسیج عمومی مردم - که آن روز به دستور امام انجام گرفت - جوانهای ما را آنچنان آبدیده و آگاه کرد که هم در دفاع مقدس توانستند نقش ایفا کنند، هم در صحنه‌های دیگر نقش ایفا کردند؛ امروز هم همینطور است.

در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۳/۱۲/۲۷

درخشش همیشگی امام در آسمان دنیای اسلام

من از سفر الجزایر برگشته بودم و منظره‌ای را که در آن کشور دیده بودم، برای امام تشریح کردم و گفتم این استقبال مربوط به شخص من نبود؛ تکریم شما بود. الآن هم نه شخص من، نه شخص آقای خاتمی، نه هیچ‌کدام از مسئولان کشور که به دیگر کشورها

ره، رهرو، رهبر / ۷۶۱

میروند و اینگونه مورد استقبال قرار میگیرند، مورد نظر نیستند؛ مردم اشخاصِ ماها را نمیشناسند؛ شاید اسم ما را بدانند، اما انقلاب و امام را میشناسند؛ همان شخصیتی که مثل خورشید در آسمان دنیای اسلام میدرخشید و همه - چه دشمنها میخواستند، چه نمیخواستند - آن را لمس میکردند. الآن هم نمودار و برگه‌ای از آن شخصیتِ ممتاز را مشاهده میکنند. شما هر جا بروید، وضعیت همینگونه است.

در دیدار کارگزاران نظام و سفرای کشورهای اسلامی در ۱۷ ربیع‌الاول، ۱۳۸۴/۲/۶

درس بزرگ امام به ملت ایران

دل مسلمانها را گرم کنید؛ آنها را به نیروی خودشان مطمئن کنید؛ آنها را با علم و عقل و تدبیر به تقویت درونی خودشان وادار کنید؛ آنها را به ایستادگی در مقابل زورگوییِ قدرتمندان عالم تشویق کنید. خدای متعال وعده کرده است: «مَنْ كَانَ لِلَّهِ كَانِ اللَّهُ لَهُ»؛ «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»^۱؛ خداوند کمک خواهد کرد، خداوند راهنمایی خواهد کرد. امام بزرگوار ما، هم قولاً و هم عملاً این درس را به ملت ایران داد و ملت ما نتیجه‌ی آن را در مقابل چشم خود دید، و دنیا شاهد این معنا بود.

در اجتماع بزرگ مردم کرمان، ۱۳۸۴/۰۲/۱۱

اعتقاد به آرمانهای امام؛ از معیارهای ریاست جمهوری

البته بدیهی است که رهبری از فرد خاصی حمایت نمیکند؛ از معیارها حمایت میکند. ما دنبال این هستیم که این معیارها تحقق پیدا کند. بنده دنبال این هستم که شخصی سر کار بیاید و قوه‌ی مجریه را اداره کند که خود را خدمتگزار مردم بداند و توانایی داشته باشد و به آرمانهای امام و نظام اسلامی معتقد و پایبند باشد و حقیقتاً عدالت و مبارزه‌ی با فساد برای او حائز اهمیت باشد.

۱ المصباح الشریعة (ترجمه‌ی عبدالرزاق گیلانی)، ص ۱۷۸.

۲ سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۶۹. و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راههای خود را بر آنان مینمایم

ترس استکبار از جایگاه امام و انقلاب در بین مسلمین جهان

مسلمانان در اکناف عالم تقریباً یک میلیارد و پانصد میلیون نفر جمعیت دارند. دهها کشور مسلمان‌نشین و میلیونها نفر در کشورهای غیراسلامی زندگی میکنند؛ اینها احساس کرده‌اند که اسلام و دین و عقیده و گرایش و دلبستگی اعتقادی‌شان امروز میتواند به مهمترین سؤالی‌های مطرح در دنیا پاسخ دهد؛ اینها احساس هویت کرده‌اند. بدون اینکه ما در دنیا کاری کرده باشیم، نام انقلاب و نام امام، دنیای اسلام را فراگرفت. در هر نقطه‌ای از دنیای اسلام مسلمانی زندگی میکرد، اگر کسی میرفت، میدید نام امام، نام انقلاب، معارف انقلاب و شعارهای انقلاب در آنجا مطرح است؛ این، استکبار را ترساند. دشمنیها با ما بخاطر این است.

اجر شهیدان؛ حفظ آبروی امام و امت

خدای متعال دو اجر بزرگ به اینها داد: یکی شهادت - که متعلق به خود آنهاست - یکی هم نجات این کشور، حفظ آبروی ملت ایران و حفظ آبروی امام. مگر شوخی است؟ در دوران تسلط مادیگری در دنیا، یک مرد معنوی بلند میشود؛ یک ملت مؤمن و مخلص و پُرشور زیر پرچم او حرکت میکنند؛ میلیونها دل، میلیونها انسان و میلیونها اراده درهم تنیده میشوند و نظام جمهوری اسلامی را به وجود می‌آورند - که به تنهایی در مقابل دنیای استکبار ایستاده است - آن وقت دشمن حقیر و حکومت خودکامه‌ی خونریز جلاادی مثل حکومت بعثی صدام بیاید و آمریکا و شوروی و اروپای آن روز و مرتجعان منطقه هم به او کمک کنند تا بر این نظام و این ملت و این کشور غلبه پیدا کند؛ مرزهای او را بشکند؛ خاکش را بگیرد و آبروی این ملت را بریزد؛ این چیز کمی بود؟ خدای متعال نگذاشت. دست نصرت خدا از آستین بچه‌های شما بیرون آمد و اسلام یاری شد.

نقش امام خمینی (ره) در حرکت انقلاب

انقلاب اسلامی و نهضت وسیع مبارزات اسلامی در ایران به رهبری امام بزرگوار ما و روحانیون آگاه و مبارز و روشنفکران مؤمن و متدین توانست موج بیداری را در این کشور به وجود بیاورد، که منتهی شد به حرکت انقلاب. انقلاب یک ملت چنان قدرتی دارد که مستحکمترین دژهای استکبار را درهم میشکند، و شکست.

اقدام شجاعانه‌ی مردم رفسنجان در راه امام در زمان طاغوت

مردم رفسنجان در دوران اختناق به معنای حقیقی کلمه در صراط مستقیم الهی پایداری و پافشاری کردند. روزی که نام و یاد و فتوی‌ی امام بزرگوار در سرتاسر کشور به وسیله‌ی دستگاه پلیسی اختناق طاغوتی ممنوع و جرم بود، مردم رفسنجان در شهر شجاع و آزاده‌ی خودشان، مسجدی به نام امام بزرگوار نامگذاری کردند؛ به نام آن بزرگوار سخن گفتند و راه او را ترویج کردند.

نحوه‌ی برخورد امام و امت با هدفهای الهی انقلاب

جهاد یک ملت وقتی معنا می‌یابد و درخشندگی و ماندگاری پیدا میکند که اهداف تعریف‌شده‌ی آن، اهداف والایی باشد. مبارزه‌ی عظیم ملت ایران، اهداف والای الهی خود را تعریف و ترسیم کرد. ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی و رهبر و پدر و معمار این انقلاب و این نظام - امام بزرگوار ما - این هدفها را پاس داشتند؛ به سوی آن حرکت کردند و سرمایه‌ی مادی و معنوی خود را در این راه گذاشتند.

علت جاذبه‌ی نام انقلاب امام ما در بین ملل مسلمان جهان

جاذبه‌ی نظام اسلامی برای ملت‌های مسلمان در سراسر دنیا در همین نکته‌ی اساسی نهفته بود که اسلام را تضمین‌کننده‌ی سعادت جوامع اسلامی دانست. ملت‌های مسلمان تا

قبل از آنکه انقلاب اسلامی به صحنه بیاید، میبنداشتند نام عدالت در اردوگاه چپ و سوسیالیستی است، و رفاه و پیشرفت مادی در اردوگاه راست- یعنی نظام سرمایه‌داری- قرار دارد. اسلام به صحنه آمد؛ وعده‌ی زندگی همراه با رفاه مادی و عدالت اجتماعی را به مردم داد و آنها مجذوب این شعار و این حرکت عظیم شدند؛ لذا در تمام دنیای اسلام، نام انقلاب اسلامی و نام امام این انقلاب برای مردم بصورت یک خورشید درخشان و یک نقطه‌ی پُر جاذبه درآمد. با اینکه ما در سالهای نخستین انقلاب تبلیغات وسیعی هم در دنیای اسلام نداشتیم؛ اما هرکس از نظام جمهوری اسلامی به نقاط دوردست دنیا که مسلمانان در آنجا زندگی میکردند، سفر کرد، دید نام امام، نام انقلاب، نام نظام جمهوری اسلامی و این پرچم برافراشته، در اعماق قلب مردم مسلمان جا دارد. حتی بسیاری از ملت‌های غیرمسلمان بخاطر این شعار به اسلام جذب شدند.

در دیدار دانشجویان بسیجی، ۱۳۸۴/۳/۵

معیار عمل کردنها در نظر امام

اگر [دشمنان] جهتی را نشان دادند و به جایی تمایلی داشتند، معلوم است که منافع آنها در آن است؛ که درست نقطه‌ی مقابل منافع ملت و نظام جمهوری اسلامی است و باید با آن مخالفت کرد؛ همان معیاری که امام (رضوان الله علیه) به ما گفتند.

در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴/۳/۸

مسئولیت سنگین مدعیان ادامه‌دهنده‌ی خط امام

شما برادران و خواهرانی که بحمدالله در مجلس شعار حفظ مبانی انقلاب و جلوه بخشیدن به سخنان امام را مطرح کرده‌اید، مسئولیت مضاعفی دارید؛ چون مردم حقیقتاً به میدان آمده‌اند و با گزینش خود، راه کشور را مشخص کرده‌اند. مدعیان اینطور القاء میکردند که راه امام و خط امام و انقلاب و اسلام و عدالت اجتماعی تمام شد؛ روزگار و فصل دیگری آمد و کارهای دیگری باید کرد. مردم آمدند راه را تصحیح کردند؛ مثل سوزن‌بان ماهری که می‌آید خط را مشخص میکند تا معلوم باشد مسیر از اینجاست. شما با این توجه، با این توقع و در واقع با این ادعا وارد مجلس شده‌اید؛ این مسئولیت خیلی سنگینی است. انتظار مردم این است که شما این مسئولیت را فراموش نکنید.

امام خمینی(ره) شخصیتی جامع در تمام عرصه‌ها

حقیقتاً امام بزرگوار ما یک استثنا در تاریخ ما و یک قلّه‌ی بلند در حرکت ملت ایران بود. این را نه از باب عشق و علاقه‌ای که همچنان کانونش در دل ما نسبت به ایشان گرم است، عرض میکنیم؛ بلکه نگاه منصفانه‌ی هر کسی این را تأیید میکند. امام حقاً و انصافاً یک عنصر استثنایی بود. رجال تاریخی کشور را ما میشناسیم. بنده کم و بیش با تاریخ آشنا هستم. این شخصیت جامع نه در بین علمای بزرگ ما نظیر دارد، نه در بین زمامداران این کشور نظیر دارد، نه در بین مصلحان و منادیان تحوّل در این کشور نظیر دارد. بزرگانی مثل مرحوم سیدجمال و تحوّل‌خواهانی که در کشور ما یا حتی در دنیای اسلام بودند، کجا؛ این مرد چندبُعدی عمیق حقیقتاً توصیف‌ناشدنی کجا؟ ما علما و فقهای بزرگی داشتیم که سخنان و مطالب آنها در اختیار ماست؛ امام بزرگوار در ردیف اول اینگونه شخصیتها قرار میگیرد. بنده شرح حال بسیاری از فلاسفه، عرفا، دانشمندان علوم عقلی، سیاسیون، پیرمردهای پخته و آدمهای سنجیده را در کتابها خوانده‌ام یا در زندگی‌ام با آنها برخورد داشته‌ام؛ حقاً فاصله‌ی بین آنها و امام بزرگوار، فاصله‌ی زیادی است. هر کدام از ابعاد گوناگون این شخصیت، به تنهایی از نظایر خود جلوتر و پیشتر است.

تقوا و پارسایی این مرد و بی‌اعتنایی‌اش به دنیا و زخارف، مقوله‌ی دیگری است. یک وقت انسان داخل چهاردیواری خانه‌ی خود نه با دنیا سر و کاری دارد، نه با مردم سر و کاری دارد، نه در معرض امتحان قرار میگیرد؛ ولی پارساست. یک وقت هم مثل امام با آن عظمت در قلّه‌ی شهرت جهانی قرار دارد و همه‌ی این انقلاب، پدید آمده‌ی اراده و قاطعیت اوست و مردم هم اینگونه مخلص او هستند و حاضرند همه‌ی کارهای امام را حمل به صحت کنند؛ ولی اینطور پارسایی و زهد پیشه میکند. قاطعیت او، اراده‌ی راسخ او و عزم پولادین او در کارهای بزرگ هم همینطور است. یعنی هرچه انسان به این اقیانوس پهناور در ابعاد گوناگون نگاه میکند، میبیند واقعاً توصیف‌ناشدنی است. انسان وقتی اقیانوس را از نزدیک میبیند، یک‌طور است؛ ولی در اعماق اقیانوس، عوالم دیگری مشاهده میکند. انسان در ساحل اقیانوس یک مقدار آب میبیند و ابتدا خیلی تفاوتی بین

این مقدار آب و یک استخر بزرگ احساس نمیکنند؛ اما وقتی نیاز پیدا میکند به اعماق اقیانوس برود، در آنجا عوالم دیگری آشکار میشود و هرچه انسان نزدیکتر میشود و بیشتر تعمق میکند، چیزهای جدیدتری برای او کشف میشود. در مورد امام هم واقعاً همین طور است.



شباهت وجود امام به وجود و هویت جاودانه‌ی پیغمبران

این شخصیت استثنایی فقط برای تاریخ نیست. توصیفهایی که ما عرض کردیم، میتواند کاربرد تاریخی داشته باشد. در تاریخ ایران، ما شخصیتی داشتیم که کار بزرگی انجام داد؛ مردم را به حرکت درآورد؛ جمهوری اسلامی را با همه‌ی عظمت و غرابتی که داشت، سر پا کرد و بنایی را به این شکل عظیم و استوار آفرید. خیلی خوب؛ آیا باید این شخصیت بزرگ را مثل اشیای پُربها در ویتترین تاریخ بگذاریم و ما و دیگران آن را تماشا و از آن تعریف و تمجید کنیم؟ امام بزرگوار ما اینطوری است؟ در این جهت اگر بخواهیم امام را تشبیه کنیم، باید او را به پیغمبران تشبیه کنیم. وجود و هویت پیغمبران به دوران حیاتشان خلاصه نمیشود؛ هویتشان در امتداد تاریخ است؛ یعنی بعد از خودشان، وجود آنها باید در تعلیم و دین و راهشان ادامه پیدا کند؛ این میشود پیغمبر اولوالعزم؛ و الا زندگی پیغمبران هم مثل بقیه‌ی انسانهای دیگر میشود؛ پنجاه سال، شصت سال، صد سال در این دنیا زندگی کرده‌اند و عظمت‌هایی آفریده‌اند؛ بعد هم رفته‌اند. بنابراین مسئله به اینجا تمام نمیشود. اگر اینطور بود، امروز در دنیا از دین و معارف پیامبران اثری نبود؛ در حالی که درست عکس این است؛ امروز همه‌ی معارف والای بشری زاینده‌ی تفکرات پیغمبران است؛ ولو به واسطه. آنها بودند که عدالت و اخلاق و توجه به خدا و برون آمدن از خود و فداکاری برای انسانها و دیگر فضایی که امروز قابل قبول همه‌ی مردم دنیاست - ولو غیر ملیون و غیر پیروان ادیان، همه قبول دارند که اینها خوب است - فریاد زدند و پرچم آن را بلند کردند؛ و الا دنیا دست مستکبران و زورمداران بود. چرا باید اسم عدالت و تفکر آزاد و برادری و فداکاری و ایثار بماند و همیشه بعنوان یک ارزش زنده باشد؟ این به برکت تعلیم پیامبران است. آنها این معارف را آفریدند و رفتند. حیات آنها در آن پنجاه، شصت سال خلاصه نمیشود؛ حیات آنها عبارت است از جریان این معارف

در طول تاریخ، تا انسانها را هدایت کنند. امام ما هم اینگونه است.

علل دشمنی دشمنان و دوستی دوستان با امام خمینی

اینجاست که وقتی انسان تأمل میکند، میفهمد علت اینکه روی این شخصیت بزرگ اینطور متمرکز شده‌اند و حتی بعد از وفات او تا امروز دشمنان درصدد تخریب چهره‌ی او برآمده‌اند، چیست. هدف از تخریب او عبارت است از پاک کردن راه او و از بین بردن خطی که او ترسیم کرده. اگر ارادتمندان و پیروان امام از او دم میزنند، فقط بخاطر این نیست که میخواهند سپاسگزاری و قدردانی کنند یا از یک حقیقت زیبا و برجسته تمجید نمایند؛ مسئله این است که میخواهند این راه بماند و این پرچم همچنان هدایتگر کسانی باشد که دنبال راه میگردند. همه‌ی ما باید نسبت به امام اینگونه فکر کنیم. همه‌ی کسانی که در این کشور با مبانی امام و راه اسلام و راهی که امام طی کرد، مخالف بودند، سعی کردند امام به فراموشی سپرده شود؛ برای اینکه این راه گم شود.

راه امام؛ تنها راه ملت‌ها در مقابل قدرتهای مستکبر

امروز سعادت کشور ما در ادامه‌ی راه امام است. امروز همه‌ی آرمانهای بحقی که این ملت دارد، به وسیله‌ی خط امام و راه امام تأمین میشود؛ این را من با محاسبه و دقت و با قرائن و شواهد عینی و ملموس عرض میکنم. این ملت اگر امروز بخواهد در مقابل قدرتهای استکباری شکل گرفته - که به هیچ چیزی کمتر از بلعیدن ملت‌ها قانع نیستند - بایستد و هویت و استقلال خود را حفظ کند و بتواند با رأی و نظر خود، راه زندگی‌اش را انتخاب کند، هیچ راهی ندارد جز اینکه به خط امام و راه امام متمسک شود؛ هم تفکرات او را در مجرای زندگی و عمل و فکر قرار دهد و هم شیوه‌ی او را. شیوه‌ی او، تسلیم شدن به فرم و الگوی بیگانه نبود. اینطور نبود که میدان بازی را دشمن معین و ترسیم کند و چون هر بازیکنی یک‌طور بازی میکند، امام هم در آن میدان مشغول کار شود؛ نخیر، میدان را خودش انتخاب و ترسیم میکرد؛ لذا دشمن را غافلگیر میکرد. امام ساز و کار استکباری امروز دنیا را به هم زد. علت اینکه کسانی از آن طرف دنیا بلند

شدند به اینجا آمدند و با اینکه نه اختلاف ارضی با ما داشتند، نه اختلاف در منافع روزمره‌ی دولتی با ما داشتند، با امام دشمنی کردند- چه در زمان حیاتش، چه بعد از آن- این است که امام به قلب هدف زده بود. امروز شما اگر به کشورهای درجه‌ی دوی دنیا مراجعه کنید- فعلاً به کشورهای درجه‌ی یک، یعنی قدرتمندانی که در بعضی نقاط آسیا و اروپا هستند، کاری نداریم؛ آنها هم یک‌طور دیگر عمل میکنند- میبینید که برنامه‌های خودشان را با توجه به خواست استکبار ترسیم و معین میکنند؛ اگر هم بررسی چرا، میگویند چاره چیست؛ امروز اینها قادرند، امروز اینها مسلطند. یعنی همه براساس الگوی آنها حرکت میکنند؛ متها هرکس با ابتکاری نسبت به منافع خاص خودش. بنابراین در میدانی که آنها ترسیم کرده‌اند، همه دارند بازی میکنند؛ ولی امام این قاعده را به هم زد؛ رفت روی همان اهداف حقیقی خود و برای آنها کار کرد و اسم اسلام را آورد.



تأکید امام بر عدم تفکیک دین از سیاست

من شاید یک وقت دیگر هم در جمع شما گفته‌ام که بنده می‌خواستم در یکی از مجامع بین‌المللی شرکت کنم. مطالبی فراهم کرده بودم، بردم خدمت ایشان دادم. معمولاً اگر می‌خواستم در جایی نطقی داشته باشم، میدادم ایشان نگاهی بکنند. ایشان مطالب سخنرانی من را نگاه کردند و بعد از دو، سه روز آن را به من برگرداندند و در حاشیه‌اش چند نکته نوشته بودند؛ یکی از آنها این بود که راجع به عدم تفکیک دین از سیاست هم در آنجا صحبت کنید. من اول تعجب کردم. در عین حال رفتم چند صفحه درباره‌ی همین نکته نوشتم و به متن سخنرانی اضافه کردم. در آن اجتماع بین‌المللی حدود صد کشور شرکت داشتند. من این متن را در آنجا خواندم و خودم ملتفت شدم که نقطه‌ی اساسی و اصلی و جذّاب نطق که برای همه‌ی آنها تازه و مهم بود، همین قسمت بود؛ در حالی که مثلاً فکر میکردم بقیه‌ی مطالب چون لفظ و معنای آن سنجیده انتخاب شده، قشنگتر است؛ اما بعد دیدم این قسمت مهمتر بوده است. اینکه انسان در منبرهای درجه‌ی یک جهان روی عدم تفکیک دین از سیاست متمرکز شود، یعنی درست سر اصل مطلب رفته است. کسانی هستند که از دهان دشمن حرف میزنند؛ «وإن كان التّاطق ينطق عن لسان

ره، رهرو، رهبر / ۷۶۹

إبلیس^۱». عده‌ای در داخل کشور ما راجع به جدایی دین از سیاست قلمفرسایی میکنند. چند قرن در کشور ما جدایی دین از سیاست، یک واقعیت بوده است؛ امام آمد این ورق را برگرداند و در دنیا این فکر را فریاد کرد.

جایگاه امروز و فردای خط امام

آنچه را که امروز بعنوان اهداف این انقلاب تعیین کرده‌ایم، باید با همان روش امام دنبال کنیم؛ با صراحت، با تبیین کامل و با جرأت و جسارت لازم؛ باید دلیرانه وارد این میدان شد. ما باید بدانیم آنچه ما را در مقابل دشمنان نگه میدارد و استقلال و آزادی و هویت ما را حفظ میکند، این است. این ملت اگر بخواهد به آبادی کشور و به پیشرفت علم برسد و اگر بخواهد در قافله‌ی چالشهای گوناگون مادی دنیا- مسئله‌ی تجارت، مسئله‌ی کشاورزی و دیگر مسائل- پیشرفت کند، راهش این است که خط امام را دنبال کند.

معرفی ابعاد خط امام

چون این خط، خط استقلال، بازگشت به هویت خود، استخراج گنجینه‌های پنهان درون سینه‌ی انسانها و بالفعل کردن این استعدادهاست.

زنده نگه‌داشتن واقعی خط امام و نتایج آن

من بارها گفته‌ام، الآن هم تکرار میکنم؛ هر جا ما پیشرفت برجسته‌ای داشته‌ایم، به برکت نیروهای مؤمن، حزب‌اللهی و معتقد به این راه بوده؛ و آلا کسانی که به این خط و این راه معتقد نیستند- هم از جهت ضعف ایمان، هم از جهت ضعف غیرت ملی- آنچه را که باید انجام دهند، نمیکنند؛ در مقابل فشارهای معمولی زندگی عقب‌نشینی میکنند و سپس در مقابل تطمیع و جلوه‌های جذاب ارائه‌شده‌ی از سوی دشمن، تسلیم میشوند؛ اما کسی که مؤمن است، تسلیم و خسته نمیشود. این، راه امام بزرگوار است. اگر بخواهیم

۱ تحف العقول، ص ۴۵۶.

کشور را آباد و آزاد کنیم، راهش این است که خطّ امام را دنبال کنیم. این، معنای احیای نام امام و نگه داشتن این پرچم پُرافتخار است؛ نه اینکه ما میخواهیم فقط برای تاریخ و برای قدرشناسی از آن بزرگوار، نام و یاد او را زنده نگه داریم.

تفاوت تحجّر با ثبات قدم بر خطّ امام

شما در همه‌ی دعاها بر محمد و آل محمد صلوات میفرستید و نام پیغمبر گرامی و ائمه را دائماً تکرار میکنید؛ چرا؟ برای این است که حضور آنها در زندگی شخصی ما، در روح ما، در جسم ما و در محیط اجتماعی ما اثر محسوس پیدا کند. امام هم همینطور است؛ باید حضور او اثر محسوس پیدا کند؛ یعنی ما باید به معنای حقیقی کلمه راه و خط و فکر او را در جامعه پیاده کنیم.

البته این به معنای تحجّر نیست؛ بنده طرفدار تحجّر نیستم؛ طرفدار نوگرایی هستم. نوگرایی در روشهاست. ممکن است روشها تغییر پیدا کند؛ اما با تغییر روشها اصول تغییر پیدا نمیکند و خودش را آشکار نشان میدهد. روشی که بعنوان نوگرایی رو می‌آید و انسان میبیند اصول گم شد، باید بفهمد که آن روش، غلط است. تاکتیکی که ما را از استراتژی دور میکند، پیداست که غلط است.

در مراسم شانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی(ره)، ۱۴/۳/۱۳۸۴

۱۴ خرداد؛ تجدید عهد با اهداف تعریف شده‌ی امام

امروز، روز تجدید خاطره‌ی دردناک رحلت امام بزرگوار ماست. برای ملت ایران خاطره‌ی تلخ این روز، فراموش نشدنی است. آمدن ما به این مکان، برای تجدید عهد است. میخواهیم در کنار جسم آرمیده‌ی امام بزرگوارمان، خطاب به روح مطهر و ملکوتی او بگوییم: «إِنَّا عَلَى الْعَهْدِ الَّذِي فَارَعْنَاكَ عَلَيْهِ»؛ یعنی ما بر سر عهد، پایداریم. عهدی که با امام بزرگوارمان داریم، پیمان ادامه‌ی راه او و سعی و تلاش برای رسیدن به هدفهای اوست. ما امام را فقط برای افتخار کردن به نام او و کار او نمیخواهیم؛ امام را فقط مایه‌ی زینت جمهوری اسلامی نمیدانیم. بالاتر و مهمتر از اینها این است که امام ما را به راهی

هدایت کرد، هدفهایی را برای ما تعریف کرد، شاخصهایی را در میانه‌ی راه به ما معرفی کرد تا راه را گم نکنیم. فقط در صورت پیمودن این راه است که ما میتوانیم به حیات طیبه برسیم و طعم آن را بچشیم؛ یعنی میتوانیم کابوس فقر و عقب‌افتادگی را از جامعه و ملت خودمان دور کنیم؛ میتوانیم آرزوی دیرین بشر- یعنی عدالت- را تحقق ببخشیم؛ میتوانیم به تحقیر شدن ملتهای مسلمان خاتمه دهیم؛ میتوانیم طمع قدرتهای استکباری را قدرتمندانه- نه با تملق و اظهار ذلت- از خودمان قطع کنیم؛ میتوانیم اخلاق و تقوا و ایمان را، هم در رفتار فردی خود، و هم در برنامه‌های کلان کشور حاکم کنیم؛ میتوانیم آزادی را که نعمت بزرگ خداست، با همه‌ی برکاتی که در آن هست، بدست بیاوریم؛ اینها هدفهای امام است. حرکت امام و انقلاب امام و نظامی که او معمار آن بود، برای تحقق این هدفها به وجود آمده است. پس راه امام، راه ایمان و راه عدالت و راه پیشرفت مادی و راه عزت است. ما پیمان بسته‌ایم که این راه را ادامه دهیم و به توفیق الهی ادامه خواهیم داد. امام این راه را به روی ما باز کرد و این هدفها را برای ما تعریف کرد. او با اراده‌ی قاطع و با دست توانای خود، به کمک این ملت، اساسیترین مرحله‌ی این راه طولانی را طی کرد و دنیای اسلام را متحول نمود. مردان خدا اینطورند؛ علی‌رغم بی‌اعتنایی به زخارف دنیا میتوانند دنیایی را متحول کنند. عامل اصلی قدرت آنها، بی‌اعتنایی به زخارف دنیاست.



امام خمینی، نمونه‌ای زنده از مردان بزرگ خدا

مردان خدا نظرشان به همه چیز و همه کس، تابع نظرشان به خداست. مردان خدا به تاریخ روح میبخشند، و روح بخشیده‌اند. تاریخ حقیقی و معنوی بشر را مردان خدا نوشته‌اند. شما نگاه کنید؛ امروز با اینکه هزاران سال از دوران ابراهیم و موسی و عیسی میگذرد، مفاهیمی که هدیه‌ی آنها به بشریت است، امروز برترین مفاهیم رایج بشری است. امروز اگر سخن از آزادی و کرامت بشر می‌رود، اگر حقوق انسان در جوامع مطرح میشود، اگر عدالت و رفع تبعیض همچنان در دنیا یک شعار جذاب است، اگر مبارزه‌ی با فساد و مفسدان و مبارزه‌ی با ظلم و توجه به ایتثار و فداکاری در راه حق در چشم بشریت جذاب و شیرین است، بخاطر این است که این مفاهیم را پیغمبران- این مردان

خدا- به تاریخ عرضه کردند و آنها را در اختیار بشریت قرار دادند. بنابراین مردان خدا تاریخ را متحوّل میکنند. آنها با امید به خدا و با خشیت از پروردگار، ناممکنها را ممکن میکنند. با خوف و رجای مادی و حیوانی نمیشود انسان و انسانیت را متحوّل کرد. بیم و امید مردان خدا از قبیل بیم و امید اهل دنیا نیست؛ دل بستگی آنها به خداست؛ توکلشان به خداست؛ خشیت آنها از نافرمانی خداست؛ آنها همه‌ی قوانین طبیعت را- که دست قدرتمند الهی سررشته‌دار آنهاست- در خدمت هدفهای خود میبینند و با توکل به خدا حرکت میکنند؛ لذا دنیایی را متحوّل میکنند. امام بزرگوار ما از زمره‌ی چنین مردانی بود.

ولایت ظاهری مردان بزرگ، ناشی از ولایت باطنی ایشان

مردان خدا بر دلها حکومت میکنند؛ و بر اثر همین اتصال به خداست که سلطان دلها میشوند. ولایت مردان خدا، ولایت معنوی و باطنی است؛ ولایت ظاهری آنها هم- اگر به ولایت ظاهری دست پیدا کنند- ناشی از معنویت و ولایت باطنی آنهاست. خدا قدرت خلاقیت خود را به مردان خدا و پیغمبران خود و اوصیای پیغمبران میبخشد و آنها را بر دلها حاکم میکند. ولایت و حکومتی که رشحه‌ای از ولایت معنوی در آن نباشد، اگر جذابیتی هم داشته باشد، جز لعابی از دروغ و فریب و تزویر نیست. لذا نوع حکومت مردان خدا و حاکمان الهی با دیگران متفاوت است. امام این الگو را به ما نشان داد و ما آن را از نزدیک دیدیم. ما وقتی به خود نگاه میکنیم، فاصله‌ی میان خود و پیغمبران و اولیای خدا و مردان بزرگ الهی و معنوی را ناپیمودنی و ژرف میبینیم. اما امام بزرگوار در زمان ما، در خلأ پیغمبران الهی و وحی الهی، با حضور خود، با فکر خود و با رفتار خود توانست نمونه‌ی زنده‌ای را به ما نشان دهد تا ببینیم ولایت معنوی چیست. امروز هم راه امام و فکر امام و هدف امام برای ملت ایران و امت اسلامی وسیله‌ی نجات است.

مطالبی در خصوص منطق انقلابی و اسلامی امام

من امروز سه مطلب کوتاه را- که برگرفته‌ی از منطق انقلابی و اسلامی امام است- در اینجا مطرح میکنم: اول، درباره‌ی مکتب سیاسی امام است- که مایه‌ی اصلی نظام جمهوری اسلامی است- دوم، درباره‌ی اوضاع کنونی جهان و چالشهای بین‌المللی در

ره، رهرو، رهبر / ۷۷۳

ارتباط با اسلام و مسلمین است؛ و مطلب آخر، درباره‌ی مسئله‌ی جاری کشور- یعنی انتخابات- است.



رابطه‌ی دین و دنیا؛ جوهر اصلی مکتب امام بزرگوار

مطلب اول: جوهر اصلی در مکتب امام بزرگوار ما، رابطه‌ی دین و دنیا است؛ یعنی همان چیزی که از آن به مسئله‌ی دین و سیاست و دین و زندگی هم تعبیر میکنند. امام در بیان ارتباط دین و دنیا، نظر اسلام و سخن اسلام را بعنوان مبنا و روح و اساس کار خود قرار داده بود. اسلام، دنیا را وسیله‌ای در دست انسان برای رسیدن به کمال میدانند. از نظر اسلام، دنیا مزرعه‌ی آخرت است.

معنای دنیا از نگاه مکتب امام

دنیا چیست؟ در این نگاه و با این تعبیر، دنیا عبارت است از انسان و جهان. زندگی انسانها، تلاش انسانها، خرد و دانایی انسانها، حقوق انسانها، وظایف و تکالیف انسانها، صحنه‌ی سیاست انسانها، اقتصاد جوامع انسانی، صحنه‌ی تربیت، صحنه‌ی عدالت؛ اینها همه میدانهای زندگی است. به این معنا، دنیا میدان اساسی وظیفه و مسئولیت و رسالت دین است. دین آمده است تا در این صحنه‌ی عظیم و در این عرصه‌ی متنوع، به مجموعه‌ی تلاش انسان شکل و جهت بدهد و آن را هدایت کند. دین و دنیا در این تعبیر و به این معنا از دنیا، از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند. دین نمیتواند غیر از دنیا عرصه‌ی دیگری برای ادای رسالت خود پیدا کند. دنیا هم بدون مهندسی دین و بدون دست خلاق و سازنده‌ی دین، دنیایی خواهد بود تهی از معنویت، تهی از حقیقت، تهی از محبت و تهی از روح. دنیا- یعنی محیط زندگی انسان- بدون دین، تبدیل میشود به قانون جنگل و محیط جنگلی و زندگی جنگلی. انسان در این صحنه‌ی عظیم باید بتواند احساس امنیت و آرامش کند و میدان را به سوی تعالی و تکامل معنوی باز نماید. در صحنه‌ی زندگی باید قدرت و زور مادی ملاک حقانیت به حساب نیاید. در چنین صحنه‌ای، آنچه میتواند حاکمیت صحیح را بر عهده بگیرد، جز دین چیز دیگری نیست. تفکیک دین از دنیا به این معنی، یعنی خالی کردن زندگی و سیاست و اقتصاد از معنویت؛ یعنی نابود کردن

عدالت و معنویت. دنیا به معنای فرصتهای زندگی انسان، به معنای نعمتهای پراکنده‌ی در عرصه‌ی جهان، به معنای زیباییها و شیرینیها، تلخیها و مصیبتها، وسیله‌ی رشد و تکامل انسان است. اینها هم از نظر دین ابزارهایی هستند برای اینکه انسان بتواند راه خود را به سوی تعالی و تکامل و بروز استعدادهایی که خدا در وجود او گذاشته است، ادامه دهد. دنیای به این معنا، از دین قابل تفکیک نیست. سیاست و اقتصاد و حکومت و حقوق و اخلاق و روابط فردی و اجتماعی به این معنا، از دین قابل تفکیک نیست. لذا دین و دنیا در منطق امام بزرگوار ما مکمل و آمیخته و درهم تنیده با یکدیگر است و قابل تفکیک نیست. این، درست همان نقطه‌ای است که از آغاز حرکت امام تا امروز، بیشترین مقاومت و خصومت و عناد را از سوی دنیاداران و مستکبران برانگیخته است؛ کسانی که زندگی و حکومت و تلاش و ثروت آنها مبتنی بر حذف دین و اخلاق و معنویت از جامعه است.



توصیه‌ی امام به پرهیز از دنیا در معنای مذموم آن

اما دنیا مفهوم دیگری هم دارد. در متون اسلامی، دنیا به معنای نفسانیت و خودخواهی و اسیر هوی و هوس خود بودن و دیگران را هم اسیر هوی و هوس خود کردن، آمده است. سرتاسر قرآن و احادیث و کلمات بزرگان دین در طعن و طرد چنین دنیایی است. در لسان روایات ما، دنیای مطرودی که با دین قابل جمع نیست، به معنای هوی و هوس و نفسانیت و انانیت و خودخواهی و خودپرستی است؛ این دنیا شاخصه‌ی فرعون و نمرود و قارون و شاخصه‌ی شاه و بوش و صدام است؛ این دنیا شاخصه‌ی مستکبران ظالم و ستمگر روزگار در طول تاریخ تا امروز است. البته اینها مجسمه‌های بزرگترِ رذائل اخلاقی و این دنیای مذموم‌اند. یک انسان معمولی هم میتواند در دل و درون خود یک فرعون داشته باشد و بقدر توان و امکانات خود، فرعونی و قارونی و قیصری و امپراتورانه عمل کند. اگر امکاناتش بیشتر شد، او هم مثل فرعون و قارون و بقیه‌ی گردنکشان و طواغیت تاریخ خواهد بود. این دین با دنیا قابل جمع نیست؛ این همان دنیایی است که در لسان روایات، هووی دین نامیده شده است؛ نمیتواند با هم جمع شوند. اگر کسی بخواهد دنیا به این معنا را با دین جمع کند، ممکن نیست. دین را

ره، رهرو، رهبر / ۷۷۵

با چنین دنیایی نمیشود آباد کرد. دین را در خدمت چنین دنیایی قرار دادن، خیانت به دین است. امام، ما را از اسارت دنیا هم برحذر میداشت. امام بزرگوار ما که دین را عین سیاست، عین اقتصاد و عین دنیا میدید، دائماً مردم و مسئولان را از دنیا به این معنا برحذر میداشت.



ضرورت تفکیک بین دو معنای از دنیا در توصیه‌ی امام

ما باید بین این دو معنای از دنیا فاصله قائل شویم. خود او هم دنیا به معنای دوم را بکلی کنار گذاشته بود؛ اهل هوای نفس و انانیت و خودخواهی و نفسانیت نبود. اما دنیای به معنای اول - یعنی عرصه‌ی وسیع زندگی - چیزی بود که مثل متون اسلامی و آنچنان که اسلام به ما آموخته است، امام آن را با دین همسان و منطبق میدانست. امیرالمؤمنین میفرماید: «الدُّنْيَا مَتَجَرُّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ»؛ دنیا جایگاه بازرگانی و سودای اولیای خداست، یا ابزار بازرگانی و سودای آنهاست؛ میتوانند از دنیا برای رسیدن به تعالی معنوی استفاده کنند.



تعلیمات امام؛ علت خصومت کور ابرقدرتها با نظام

راهی که ملت ایران در پیش دارد، راه آباد کردن دنیاست. علم را، دانایی را، اقتصاد را، سیاست را، زندگی فردی را، روابط اجتماعی را، برنامه‌های کلان جامعه را - که اجزای گوناگون دنیاست - باید آباد کرد، پیش برد، رونق داد و آنها را به شکوفایی رساند؛ و همه‌ی اینها در سایه‌ی دین تحقق پیدا خواهد کرد. امام این را به ما آموخت؛ و همین عامل دشمنی آشتی‌ناپذیر و خصومت کور ابرقدرتها با نظام جمهوری اسلامی بود، و امروز هم هست. امروز هم یکی از آماجهای تهاجم دشمنان ما در سطح تبلیغات جهانی، همین یگانگی دین و دنیاست؛ میگویند چرا دین را پیشوا و مهندس دنیا میدانید. آنها احساس خطر میکنند؛ چون دنیایی که آنها میخواهند، دنیای ظلم و تجاوز و دنیای تهی از معنویت و اخلاق است. این، نظمی است که استکبار جهانی برای بشریت امروز و دیروز،

همیشه در نظر داشته است. نظام جمهوری اسلامی این نظم باطل و این دور غلط را شکسته است؛ نمونه‌ای را نشان می‌دهد که دین می‌تواند در دنیای مردم بطور عملی مؤثر باشد.



ضرورت لبیک مسلمین جهان به دعوت امام خمینی (ره) بر «وحدت»

هم در عراق، هم در ایران، هم در افغانستان، هم در پاکستان و هم در همه‌ی کشورهای دیگر، امروز مسلمانان وظیفه دارند به موارد اتحاد و وحدتِ خودشان پردازند. توحید، یکی؛ خدا، یکی؛ نبوت، یکی؛ معاد، یکی؛ قرآن، یکی؛ بیشترین احکام شریعت اسلامی، یکی؛ همه مشترک، اما دشمن می‌آید روی نقاط افتراق انگشت می‌گذارد و دلها را پُر از کینه‌ی به یکدیگر میکند؛ برای اینکه بتواند به هدفهای خود برسد. امام بزرگوار ما که این همه روی وحدت مسلمین تأکید میکرد، بخاطر این بود که این خطر را میدید و میشناخت.



تحقق حکومت واقعی اسلام به روش انتخابات مردمی؛ تعلیم بزرگ امام به ملت

انتخابات از جهت دیگر هم مهم است، و آن این است که انتخابات نماد حرکت اسلامی در کشور ماست. انتخابات، هدیه‌ی اسلام به ملت ماست. امام بزرگوار ما حکومت اسلامی به روش انتخاباتی را به ما یاد داد. حکومت اسلامی در ذهنها و خاطره‌ها به شکل خلافت‌های موروثی به یادگار مانده بود؛ خیال میکردند حکومت اسلامی یعنی مثل خلافت بنی‌امیه و بنی‌عباس یا خلافت ترکان عثمانی؛ یک نفر با نام و شکل ظاهری خلیفه، اما با باطن و عمل فرعون و پادشاهان مستبد؛ بعد هم که از دنیا میرود، یک نفر را به جای خود معین کند. در ذهن مردم دنیا، حکومت اسلامی به این شکل تصویر میشد؛ که بزرگترین اهانت به اسلام و حکومت اسلامی بود. امام، حکومت اسلامی به روش انتخابات مردم و حضور مردم و تعیین منتخب مردم را- که لبّ اسلام است- بار دیگر برای مردم ما معنا کرد و در جامعه‌ی ما تحقق بخشید.

امروز در کشور ما مسئولان سطوح مختلف به وسیله‌ی مردم انتخاب شده‌اند؛ یا

ره، رهرو، رهبر / ۷۷۷

مستقیم یا غیرمستقیم. مسئول انتصابی، مسئولیت موروثی، مسئولیت بخاطر پول و چیزهای مادی و دنیوی، در نظام جمهوری اسلامی نداریم. انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات مجلس شورای اسلامی، انتخابات خبرگان تعیین رهبری، و انتخابات شورای شهر جزو افتخارات ملت ایران، جزو افتخارات اسلام، و جزو افتخارات شخص امام است. قانون اساسی ما با تعیین موارد این انتخابهای حساس و سرنوشت‌ساز مقطعی توانسته است در دنیای اسلام، ذهنها و فکرهای مؤمن و روشن و تحول‌خواه را به خود جذب کند.

در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه و خانواده‌های شهدای فاجعه‌ی هفتم تیر، ۱۳۸۴/۴/۷

امام؛ تجسّم مثال قرآنی الهی

وقتی به حادثه‌ی هفتم تیر نگاه میکنیم، معنای بزرگی در این واقعه‌ی تلخ وجود دارد، که با همه‌ی تلخی، آن معنا شیرین است؛ و آن عبارت است از زنده بودن، پویا بودن، بالنده بودن انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی. درست مصداق این آیه‌ی شریفه: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا»؛ این یک مثال قرآنی الهی است که مصداق آن در زمان ما، انقلاب، نظام اسلامی و رهبری است و تجسّم آن، امام بزرگوار ماست که اینها زنده‌اند؛ درخت بالنده‌ای هستند که ریشه‌های آن سالم است، در معرض امتحانهای گوناگون قرار میگیرد، دچار مشکلات متعدّد و گوناگونی میشود؛ اما بعد از برگریزان و بعد از یک خزان، باز طراوت بهارانه‌ی دیگری به سراغش می‌آید و میوه میدهد و برگ و بار نشان میدهد و زنده بودن خودش را به همه ثابت میکند.

در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۴/۵/۲۸

دأب امام بزرگوار در مقابل رئیس‌جمهور و دولت

بنده‌ی حقیر هم بعنوان خدمتگزار، از رئیس‌جمهور و از کلیت دولت مثل همیشه حمایت خواهم کرد. دأب بنده و قبل از من دأب امام عزیز و بزرگوار ما این بوده و

۱ سوره‌ی ابراهیم، آیات ۲۴ و ۲۵. آیا ندیدی خدا چگونه مَثَل زده: سخنی پاک که مانند درختی پاک است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است. میوه‌اش را هر دم به اذن پروردگارش میدهد.

هست و ان شاء الله خواهد بود. ما از رئیس‌جمهور - که منتخب مردم است - حمایت میکنیم؛ از کلیت دولت حمایت میکنیم؛ از حقوق و مطالبات مردم هم حمایت میکنیم.

در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۶/۸

منجر شدن «نهضت اسلامی» به «نظام اسلامی» با تدبیر امام خمینی (ره)

یک نکته در باب دولت اسلامی عرض کنیم. یکی از شعارهای خوبی که آقای رئیس‌جمهور، هم در دوره‌ی انتخابات، هم بعد از آن تکرار کردند، مسئله‌ی دولت اسلامی است. من به این موضوع در نماز جمعه اشاره‌ای کردم. باید قدری بیشتر این مفهوم را بشکافیم. نظام اسلامی پس از انقلاب اسلامی تشکیل شد. شورش انقلابی و نهضت انقلابی میتواند انجام بگیرد، اما نظام غیراسلامی تشکیل شود. خیلی جاها اینطور شده؛ در الجزایر همینطور بود. در الجزایر، نهضت، اسلامی بود. اصلاً پایگاه نهضت و رهبران نهضت، مسلمانها بودند؛ اما بعد از آنکه نهضت به نتیجه رسید، کسانی که اعتقادی به مبانی تفکر اسلامی نداشتند، آمدند قدرت را در دست گرفتند. اینجا هم همین کارها داشت میشد. در همان روز ۲۱ بهمن و ۲۲ بهمن و ۲۳ بهمن از این کارها داشت میشد. بنده از نزدیک در جریان برخی از کارها بودم؛ داشتند حرکت میکردند که به اصطلاح خودشان یک جنبش کارگری و یک حرکت کارگری را بر این حرکت عمومی تغلیب کنند و همان فرمولی که در روی کار آمدن نظامهای سوسیالیستی در دنیا معمول است - یعنی انقلاب طبقه‌ی کارگر - تحقق بدهند و بعد هم یک چند نفر سر کار بیایند؛ منتها امام را محاسبه نکرده بودند؛ یعنی این گوهر خدشه‌ناپذیر شکست‌ناپذیر را در محاسباتشان ندیده بودند؛ لذا سخت ضربه خوردند. حتی روز سوم بعد از پیروزی انقلاب راه افتادند آمدند جلوی بیت امام در مدرسه‌ی علوی و تظاهرات کردند و مطالبات به اصطلاح سوسیالیستی و کارگری را مطرح کردند. ولی نظام اسلامی تشکیل شد.

ابعاد مختلف منطق امام بزرگوار

منطق امام بزرگوار ما، منطق عقل، منطق فکر، منطق عمل روشن‌بینانه، منطق انسانیت و هنجار انسانی و اخلاق انسانی و فضائل اخلاقی بود؛ دنیا دنبال این است.

پیشوایی خط و راه امام در تصویر جدید نظام جمهوری اسلامی

امروز تصویر نظام جمهوری اسلامی در دنیا، تصویر دیگری است؛ احساس میکنند که این نظام مردمی است؛ مردم پای این نظام ایستاده‌اند؛ احساس میکنند که شعارهای انقلاب برخلاف آنچه آنها تبلیغ میکردند، زنده است. تصور میکردند که مبانی امام و مبانی انقلاب به فراموشی سپرده شد و نسلهای جدیدی که روی کار آمده‌اند، از آن مبانی روگردان شده‌اند و حتی مسئولان و رجال این نظام هم تجدیدنظر کرده‌اند؛ اما اینها همه به هم خورد و روشن شد که نه، نظام اسلامی اگر پیشرفت علمی داشته، اگر در میدان فناوری پیشرفت داشته، اگر بروز استعدادها در طول این دو دهه به شکل حیرت‌آوری در همه‌ی صحنه‌ها چشم همه را به خود متوجه و خیره کرده، اگر این همه ساخت و ساز و نوسازی کشور در همه‌ی زمینه‌ها انجام گرفته، همه‌ی اینها در بستر تفکر نظام اسلامی صورت گرفته و دست هدایتگر انقلاب و نام امام و یاد امام و راه امام پیشوای همه‌ی این حرکات بوده و انگیزه‌های ایمانی این حوادث را به وجود آورده؛ این را همه حس کردند و فهمیدند؛ تصور غلطی که در ذهنها بود، تصحیح شد و اعتبار نظام جمهوری اسلامی بالا رفت. امروز با این وضعیت جدید، احساس بنده این است که وظایف سنگینتری بر دوش همه است.

عاقبت اتهام به جدایی شهید بهشتی از انقلاب و خطّ امام

سالهای اول انقلاب کسانی بودند- من با خصوصیات، آدمهایش را میشناسم؛ یعنی کلیات نیست- که افرادی مثل شهید بهشتی را راحت و صریح از نظر انقلابی بودن و فهم

درستش از انقلاب و از راه امام، نفی میکردند. بعد از گذشت مدتی، مشی اینها آنچنان شد که مبانی انقلاب و نظام را انکار کردند! بعضی از آنها که آدمهای بانصافتی بودند، صریحاً، و بعضی شان ملتویاً و مزوراً انکار کردند.

در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۴/۸/۸

علت اقتدار جمهوری اسلامی در کلام امام

اینکه میبینید جنجال علیه جمهوری اسلامی زیاد است، دلیل اقتدار ماست. امام (رضوان الله علیه) یک وقت فرموده بودند اگر جمهوری اسلامی چیزی نیست، چرا اینقدر علیه آن صف آرای می کنند؟ اگر اهمیتی ندارد، چرا برای مقابله ی با آن، اینقدر خودکشان می کنند؟ این، دلیل اقتدار جمهوری اسلامی است.

در دیدار عمومی مردم قم، ۱۳۸۴/۱۰/۱۹

برکت خدا به کار مخلصانه ی امام و عمل ایشان به تکلیف

کلمه ی حق، کلمه ی طیبه، همین است که: «أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا!». کار مردم قم، کلمه ی طیبه بود. کار امام- که با اخلاص کامل این حرکت را شروع کرد- کلمه ی طیبه بود. این کلمه ی طیبه به بار نشست؛ چه کسی خیال میکرد؟!

امام از روز اول فرمود: ما مأمور به تکلیفیم، نه به نتیجه؛ این، عین اخلاص است؛ محض اخلاص است؛ فقط برای خداست که ذره ای قدرت طلبی و جلب حطام مادی در اینچنین دلی وجود ندارد. امام به تکلیف خود که مأموریت او بود عمل کرد، خدا هم نتیجه را به او داد: دنیا از صدای امام پُر شد. ما آن روزها نه بلد بودیم تبلیغات بکنیم، نه ابزارهای تبلیغاتی در اختیار انقلاب و نظام نوپا بود، با این وصف، وقتی کسی به هر نقطه ای از دنیای اسلام و حتی بیرون از دنیای اسلام قدم میگذاشت، نفس امام، نام امام، یاد امام را در آنجا زنده میدید؛ خداوند متعال اینگونه به کلمه ی طیبه برکت میدهد و آن

۱ سوره ی ابراهیم، آیات ۲۴ و ۲۵. ریشه اش استوار و شاخه اش در آسمان است. میوه اش را هر دم به اذن پروردگارش میدهد.

ره، رهرو، رهبر / ۷۸۱

را پیش میبرد. البته در طول زمان، برای پاک کردن جای پای امام و خط‌امام خیلی تلاش کردند، ولی امروز بعد از بیست و هفت سال که از آغاز آن نهضت عظیم و پیروزی انقلاب و تشکیل جمهوری اسلامی گذشته است، شما میبینید که رایحه‌ی خدمتگزاری به مردم با تکیه بر شعارهای انقلاب، در سرتاسر کشور، استشمام میشود و بار دیگر شعار خدمتگزاری، شعار پاسخگویی، شعار ساده‌زیستی، شعار عدالت‌طلبی، از شعارهای رایج است؛ این، برکت انقلاب است. اگرچه هنوز کسانی هستند که مردم را دعوت به تسلیم و ذلت در مقابل دشمنان نابکار میکنند؛ اما مردم راه خودشان را پیدا کرده‌اند.

شعار خط‌امام؛ محور رأی ملت

ملت ما، علی‌رغم همه‌ی بدخواهیها و ملعنتهایی که دشمنان در تبلیغاتشان کرده‌اند، به مبانی انقلاب پایبندتر و علاقه‌مندتر شد، که نمونه‌اش را در همین انتخابات ریاست جمهوری دیدید؛ ملت به شعارها رأی داد: شعار عدالت‌طلبی، شعار خط‌امام، شعار پایبندی به ارزشهای اسلامی؛ ملت دور این محورها جمع شدند.

علت اظهار خوشوقتی امام از تحریمها

وقتی ما را تحریم کردند، امام اظهار خوشوقتی کردند و گفتند بهتر! حق با ایشان بود. ما بر اثر تحریم، به خود آمدیم و تحرک پیدا کردیم؛ حالا هم همینطور است. با این حرفها، ملت ایران را تهدید میکنند؛ این تهدید، فایده‌ای دارد؟

در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹

ضرورت علم‌آموزی در دیدگاه امام

اینکه امام میفرماید: «من دوست داشتم بر سر شاگردان تازیانه‌ها بلند میشد، برای اینکه اینها را به علم بکشانند»، این معنایش چیست؟ علم را اسلام قدسیت بخشیده، علم یک امر مقدّس است؛ دنبال علم رفتن دارای قدسیت است. اینطور نیست که علم مثل هر ابزار دیگری، فقط وسیله‌ای برای پول درآوردن باشد - حالا پول هم از آن درمی‌آید - اما

قدسیت علم باید حفظ شود؛ «العلم نور»؛ نور بودن علم باید مورد نظر باشد و از جمله‌ی شئون دانشگاه اسلامی، یکی همین است.

در دیدار روحانیان و مبلغان در آستانه‌ی ماه محرم، ۱۳۸۴/۱۱/۵

استفاده امام خمینی از عناصر حرکت امام حسین (علیه السلام)

سه عنصر در حرکت حضرت ابی‌عبدالله (علیه السلام) وجود دارد: عنصر منطق و عقل، عنصر حماسه و عزت، و عنصر عاطفه.

منطق و عقل؛ عنصر اول حرکت حسینی (ع)

عنصر منطق و عقل در این حرکت، در بیانات آن بزرگوار متجلی است؛ قبل از شروع این حرکت، از هنگام حضور در مدینه تا روز شهادت. جمله، جمله‌ی این بیانات نورانی، بیان‌کننده‌ی یک منطق مستحکم است. خلاصه‌ی این منطق هم این است که وقتی شرایط وجود داشت و متناسب بود، وظیفه‌ی مسلمان، «اقدام» است؛ این اقدام خطر داشته باشد در عالیترین مراحل، یا نداشته باشد.

استفاده‌ی امام از عنصر منطق و عقل

در محرم سال ۴۲، امام بزرگوار ما از این ممشا استفاده کرد و آن حادثه‌ی عظیم پانزده خرداد به وجود آمد. در محرم سال ۱۳۵۷ هم امام عزیز ما باز از همین حادثه الهام گرفت و گفت: «خون بر شمشیر پیروز است» و آن حادثه‌ی تاریخی بی‌نظیر - یعنی انقلاب اسلامی - پدید آمد. این، مال زمان خود ماست؛ جلوی چشم خود ماست؛ ولی در طول تاریخ هم این پرچم برای ملت‌ها پرچم فتح و ظفر بوده است و در آینده هم باید همینطور باشد و همینطور خواهد بود. این بخش «منطق»، که عقلانی است و استدلال در آن هست. بنابراین، صرف یک نگاه عاطفی، حرکت امام حسین را تفسیر نمی‌کند و بر تحلیل جوانب این مسئله قادر نیست.

مجاهدت توأم با عزت؛ عنصر دوم حرکت حسینی(ع)

عنصر دوم، حماسه است؛ یعنی این مجاهدتی که باید انجام بگیرد، باید با عزت اسلامی انجام بگیرد؛ چون «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»^۱. مسلمان در راه همین حرکت و این مجاهدت هم، بایستی از عزت خود و اسلام حفاظت کند. در اوج مظلومیت، چهره را که نگاه میکنی، یک چهره‌ی حماسی و عزتمند است. اگر به مبارزات سیاسی، نظامی گوناگون تاریخ معاصر خودمان نگاه کنید، حتی آنهایی که تفنگ گرفته‌اند و به جنگ رویاروی جسمی اقدام کرده‌اند، میبینید که گاهی اوقات خودشان را ذلیل کردند! اما در منطق عاشورا، این مسئله وجود ندارد؛ همانجایی هم که حسین بن علی(علیه‌السلام) یک شب را مهلت میگیرد، عزتمندانه مهلت میگیرد؛ همانجایی هم که میگوید: «هل من ناصر» - استنصار میکند - از موضع عزت و اقتدار است؛ آنجایی که در بین راه مدینه تا کوفه با آدمهای گوناگون برخورد میکند و با آنها حرف میزند و از بعضی از آنها یاری میگیرد، از موضع ضعف و ناتوانی نیست؛ این هم یک عنصر برجسته‌ی دیگر است. این عنصر در همه‌ی مجاهداتی که رهروان عاشورایی در برنامه‌ی خود می‌کنند، باید دیده شود. همه‌ی اقدامهای مجاهدت‌آمیز - چه سیاسی، چه تبلیغی، چه آنجایی که جای فداکاری جانی است - باید از موضع عزت باشد.

استفاده‌ی امام از عنصر مجاهدت توأم با عزت حسینی(ع)

در روز عاشورا در مدرسه‌ی فیضیه، چهره‌ی امام را نگاه کنید: یک روحانی‌ای که نه سرباز مسلح دارد و نه یک فشنگ در همه‌ی موجودی خود دارد، آنچنان با عزت حرف میزند که سنگینی عزت او، زانوی دشمن را خم میکند؛ این موضع عزت است. امام در همه‌ی احوال همینطور بود؛ تنها، بی‌کس، بدون عده و عده، اما عزیز؛ این چهره‌ی امام بزرگوار ما بود. خدا را شکر کنیم که ما در زمانی قرار گرفتیم که یک نمونه‌ی عینی از آنچه را که بارها و سالها گفته‌ایم و خوانده‌ایم و شنیده‌ایم، جلوی چشم ما قرار داد و به چشم خودمان او را دیدیم؛ و او، امام بزرگوار ما بود.

۱ سوره‌ی منافقون، آیه‌ی ۸. و[لی] عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است.

عاطفه؛ عنصر سوم حرکت حسینی(ع)

عنصر سوم، عاطفه است؛ یعنی هم در خود حادثه و هم در ادامه و استمرار حادثه، عاطفه یک نقش تعیین کننده ای ایجاد کرده است، که باعث شد مرزی بین جریان عاشورایی و جریان شیعی با جریانهای دیگر پیدا شود. حادثه‌ی عاشورا، خشک و صرفاً استدلالی نیست، بلکه در آن عاطفه با عشق و محبت و ترحم و گریه همراه است. قدرت عاطفه، قدرت عظیمی است؛ لذا ما را امر میکنند به گریستن، گریاندن و حادثه را تشریح کردن.

در دیدار عمومی بسیجیان، ۱۳۸۵/۱/۶

نتایج استقامت امام و لیبیک ملت به او

یک وقتی در دوران دفاع مقدس، شرق و غرب دنیا با هم علیه ملت ما همدست شدند؛ ملت ایستاد؛ امام مثل کوه استواری ایستاد و ملت هم به او لیبیک گفتند. این استقامت، ما را در این جنگ طولانی و دشوار- هشت سال (!)- موفق کرد و پیروز شدیم، و دشمن خوار و خفیف شد. همه‌ی آن نیروهای جهنمی که پشت سر رژیم بعثی بودند، مجبور شدند به قدرت و عظمت ملت ایران اعتراف کنند. بعدها هم به شکلهایی دیگر و امروز هم به شکل دیگر.

امام خمینی(ره)؛ بیدارکننده و محرک مردم در انقلاب

ملتها همیشه آماده‌ی مقاومتند؛ مهم رهبران آنهاست. شما ببینید این ملت فلسطین که امروز اینطور ایستاده است، همان ملت فلسطین پنجاه سال قبل است. آن روز ایستادگی نکرد، آن بلاها سرش آمد؛ امروز ایستادگی میکند و دشمن را قدم‌به‌قدم مجبور به عقب‌نشینی میکند. ملت ایران امروز همان ملت صد سال قبل است. صد سال قبل مسئولان این کشور و این ملت، در مقابل دشمنان، خودشان را دچار وادادگی کردند و ایستادگی نکردند؛ اجازه دادند دشمن بیاید و وارد این سرزمین شود؛ بر اقتصاد، سیاست، منابع و نفت این کشور تسلط پیدا کند؛ دشمن هم قدم‌به‌قدم جلو آمد. راه را قاجاریه باز کردند؛ اما دشمن پاداش آنها را اینطوری داد که پهلوی را سر کار آورد؛ نوکرِ قلدر

ره، رهرو، رهبر / ۷۸۵

گوش به فرمان. روزبه روز سلطه‌شان را بر این مملکت بیشتر کردند. در انقلاب، همان ملت بود که با رهبری امام بزرگوار ما به خود آمد، بیدار شد، عقده‌های فروخته و دردهای متراکم دورانهای گذشته، او را وادار به حرکت کرد؛ کاری کرد که ملت را از ته دره‌های فراموش‌شدگی و ذلت، به اوج عزت رساند. امروز ملت ایران، یکی از عزیزترین ملت‌های دنیاست؛ نه فقط در نظر مسلمانها، حتی در نظر دشمنانش. استقامت، این است. این راه را بایستی ملت ایران با قدرت تمام ادامه دهد.

در سومین کنفرانس بین‌المللی قدس و حمایت از حقوق مردم فلسطین، ۱۳۸۵/۱/۲۵

بیداری دنیای اسلام؛ از برکات حرکت امام بزرگوار

دنیای اسلام بیدار شده، شعار حاکمیت اسلام در همه‌ی کشورهای اسلامی جایگاه نخست را در میان جوانان و دانشگامیان و روشنفکران این کشورها باز یافته. ایران اسلامی که پروراندنده و به عمل آورنده‌ی اندیشه‌ی مردمسالاری دینی است، روزبه‌روز قویتر و پیشرفته‌تر شده، اسلام ناب که امام خمینی آن را پیراسته از التقاط و انحراف و جمود و تحجّر معرفی کرد، در عرصه‌ی سیاسی بسیاری از کشورها امتداد یافته و در شرق و غرب دنیای اسلام ریشه دوانیده است.

در دیدار شورای مرکزی و کمیته‌های علمی همایش صدمین سالگرد مشروطیت، ۱۳۸۵/۲/۹

هنر بزرگ امام در اتخاذ و پیگیری اهداف

من به انقلاب خودمان که نگاه میکنم، میبینم هنر بزرگ امام این بود که دچار این غفلت نشد؛ اساس کار امام این است. امام اشتباه نکرد که حرفی را که گفته بود و هدفی را که اتخاذ کرده بود، در سایه‌ی تنبیه و ظاهرسازیهای شعارهای دیگران گم کند و فراموش کند. این، اساس کار موفقیت امام بود که مستقیم به طرف هدف پیش رفت؛ صریح و عریان آن را جلوی چشمش قرار داد و به طرف آن حرکت کرد. متأسفانه این کار را زعمای روحانی و مشروطه نکردند و بر ایشان غفلت ایجاد شد؛ فلذا اختلاف شد. اختلاف که به وجود آمد، آنها تسلط پیدا کردند. وقتی قدرت دست آنها آمد، دیگر کاری نمیشد کرد.

ثمرات داخلی و بین‌المللی شجره‌ی طیبه‌ی غرس شده بدست امام

هفده سال از غروب این خورشید فروزان، از افق دید ما، گذشت؛ هفده سال از آن شب و روز اندوهبار - که ملت ایران را در ماتم فرو برد - گذشت. امام عزیز ما از چشم ما ناپدید شد؛ جسم او از میان ما رفت؛ ولیکن حقیقت امام، فکر امام، روح امام، درس امام و مکتب امام در میان ملت ما و در میان امت اسلامی باقی ماند. این شجره‌ی طیبه - همچنانی که در این آیه‌ی شریفه تلاوت شد - شاخ و برگ بر سرتاسر فضای زندگی امت اسلامی گسترانید؛ روزه‌روز ریشه‌دارتر شد؛ روزه‌روز مستحکمتر شد. این کلمه‌ی طیبه و شجره‌ی طیبه‌ی «جمهوری اسلامی» است که محصول آن، بیداری در دنیای اسلام و مجد و عظمت و پیشرفت در کشور ما و میان مردم ما بود. ملت ما از این شجره‌ی طیبه، میوه‌های شیرینی را چید که برای یک ملت، این ثمرات شیرین، حیاتی است.

ثمرات داخلی شجره‌ی طیبه‌ی انقلاب امام خمینی

نکنه‌ی اول این است که ما ملتی گمنام و دنباله‌رو سیاست قدرتهای بیگانه بودیم؛ ملتی منفعل در مقابل تصمیم‌گیری دولتهای متنفذ بودیم؛ یک روز امریکا، قبل از آن انگلیس، یک روز روس؛ اما این شجره‌ی طیبه ما را به یکی از اثرگذارترین ملتهای عالم و اثرگذارترین کشور و ملت در این منطقه تبدیل کرد. این، اعتراف دشمنان ماست. ما ملتی بودیم خودباخته و به نیروهای درونی خودمان ناآشنا و بی‌اعتقاد، و به زرق و برق بیگانگان چشم دوخته و فریفته؛ ولی این شجره‌ی طیبه ما را به ملتی با ابتکار، با اعتمادبه‌نفس، با حرفهای نو و تازه در زمینه‌های گوناگون تبدیل کرد. ثمرات شیرین این شجره‌ی طیبه، امروز هزاران محقق و پژوهشگر، هزاران عالم و دانشمند، هزاران مغز متفکر و سرانگشت کارآمد در انواع و اقسام عرصه‌ها و صحنه‌هاست؛ چه در علوم انسانی، چه در علوم تجربی، چه در مسائل اجتماعی، چه در سیاست و چه در دین. امروز ما کشوری هستیم با جمعیت غالباً جوان، پُرانگیزه، باایمان و دارای همه‌ی شرایط پیشرفت.

ثمرات بین‌المللی شجره‌ی طیبه‌ی انقلابِ امام خمینی

ثمرات این شجره‌ی طیبه در همه‌ی جای‌های دنیای اسلام هم قابل مشاهده است؛ مسلمانان جهان بیدار شده‌اند و هویت اسلامی خودشان را بازیافته‌اند؛ آنها از مسلمانی خودشان احساس عزت کرده‌اند. در کشورهای اسلامی، جوانان، دانشگاهیان، روشنفکران و نخبگان، دلشان مجذوب هدفهای اسلامی است و برای آن ارزش قائلند؛ برای آن تلاش میکنند. در دنیای اسلام، ملت‌هایی از برکت این شجره‌ی طیبه، هویت حقیقی و هویت ملی و اسلامی خودشان را بازیافته‌اند و با اینکه در طول سالیان متمادی در پنجه‌ی قدرت ابرقدرتها بوده‌اند، احساس قدرت کرده‌اند. امروز فلسطین یک نمونه است، عراق یک نمونه است، شمال آفریقا نمونه‌های متعددی دارد، لبنان یک نمونه است. آرمان، اسلام و استقلال در میان این ملت‌هاست و آنها امیدوارانه و پُرانگیزه تلاش میکنند. اینها ثمرات همان شجره‌ی طیبه‌ای است که این مرد بزرگ، این عبد صالح، با قیام خود و با خصوصیات منحصر به فرد خود توانست غرس کند.

عامل اصلی پیشرفت امام خمینی(ره)؛ نصرت خدا

نکته‌ی دوم این است که عامل اصلی پیشرفت امام بزرگوار ما و موفقیت او این است که به یک اصل قرآنی، به یک حقیقت قرآنی، با همه‌ی وجود، با همه‌ی دل، ایمان آورد و با همه‌ی توان در راه آن تلاش و کار کرد. آن اصل قرآنی همان چیزی است که در این آیه‌ی شریفه‌ی «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»^۱ و در آیات متعدّد دیگر از آن یاد شده و بر آن تأکید شده است: اگر خدا را نصرت کنید، خدا هم شما را نصرت خواهد کرد؛ اگر در راه خدا قدمی بردارید، خداوند متعال هم شما را دهها و صدها قدم جلو خواهد برد. این، اصل قرآنی و یک حقیقت است؛ یک قانونی الهی است. نصرت خدا به معنای نصرت دین اوست. دین خدا، فقط طهارت و نجاست نیست، فقط اعمال ظاهری دینی نیست؛ دین خدا یعنی برنامه‌ی سعادت بشر در دنیا و آخرت. این برنامه همانطور که ضامن رشد و اعتلای معنوی جوامع بشری است، ضامن زنده کردن استعدادها، فکری و رشد دادن به شخصیت و تواناییهای آنها هم هست. دین خدا همچنانی که به

۱ سوره‌ی محمد، آیه‌ی ۷.

معنویت نظر دارد، به زندگی دنیایی انسان هم نظر دارد و برای خوشبختی انسان برنامه دارد. امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) در نهج‌البلاغه، هدف از بعثت نبی مکرم اسلام را اینگونه معین میکند: «لیثيروا لهم دفائن العقول»^۱؛ تا گنجینه‌های خرد را در درون مردم استخراج کند و به فعلیت برساند. در زیارت اربعین سیدالشهداء (علیه‌السلام) هم میخوانیم: «لیستنقذ عباده من الجهالة وحيرة الضلالة»^۲؛ قیام حسینی برای این است که ابرهای جهل و غفلت را از افق زندگی انسانها برطرف کند و آنها را عالم کند؛ آنها را به هدایت حقیقی برساند.

معنای واقعی نصرت خدای متعال

نصرت خدای متعال در واقع معنایش این است که در جهت احیای سنتهای الهی قدم برداریم؛ در طبیعت و جامعه اثر بگذاریم؛ در بیدار کردن فطرتها اثر بگذاریم؛ برای نجات انسان از مجموعه‌ی عوامل بدبختی و تیره‌روزی تلاش کنیم. این، نصرت ماست برای دین خدا. امام برای نجات و رهایی کشور و ملت خود، این حقیقت قرآنی را به کار گرفت و خدا را نصرت کرد؛ قیام و اقدام کرد. خدای متعال هم او را نصرت کرد و به حرکت او برکت بخشید؛ به یک قدم او صد قدم پاسخ گفت. ما نصرتی را که خودمان درباره‌ی دین خدا می‌کنیم - نسبت این را - با نصرتی که خدا میکند، اگر بخواهیم بسنجیم، از نسبت یک به صد و یک به هزار هم بیشتر است. ما یک قدم بر میداریم؛ اما خداوند متعال نصرتش را وقتی شامل حال ما میکند، در حقیقت صد و هزار قدم ما را به جلو میبرد. بنابراین، فاصله‌ی بین نصرت ما و نصرت خدا، بسیار زیاد است.

ترتیب میلیونها اثر از سوی خداوند، بر «قیام لله» امام خمینی

برای نجات یک کشور، میلیونها عامل و فعل و انفعال لازم است: عوامل طبیعی، عوامل انسانی، عوامل بین‌المللی، عوامل سیاسی و اقتصادی. مجموعه‌ی این عوامل باید به کار بیفتد تا یک ملتی بتواند در زندگی خودش تحول ایجاد کند. این عوامل، دست ما انسانها نیست و با اراده‌ی ما ارتباط مستقیمی ندارد؛ اما ما وقتی که «قیام لله» می‌کنیم،

۱ النهج‌البلاغه، للصبحی صالح، ص ۴۳.

۲ کامل‌الزیارات، ص ۲۲۸.

خدای متعال با یک حرکت ما هزاران و میلیون‌ها حرکت و فعل و انفعال را در فضای زندگی اجتماعی به وجود می‌آورد و تحوّل ایجاد میشود؛ عیناً مثل طبیعت. شما یک نهال کوچک را در خاک فرو میکنید- از شما فقط همین کار است. این، کار کمی است- اما این نهال با میلیون‌ها فعل و انفعال در خاک و در خود بافت گیاهی، در فضا و هوا به یک درخت بزرگ تبدیل میشود؛ شاخ و برگ میدهد؛ میوه میدهد و نسبت به آن وضعیت اول، صدها و هزارها برابر تغییر پیدا میکند. کار شما در مقابل آن همه فعل و انفعالات هیچ است؛ اما اگر شما همان کار کوچک را که نشاندن این نهال در زمین است، انجام ندهید، این همه فعل و انفعالات انجام نمیگیرد. امام «قیام لله» کرد و خودش با همه‌ی وجود وارد میدان شد. با فریاد خود، با تلاش خود، با قبول زحمات، ملت را پای کار آورد. با این حرکت و با این عزم راسخ، خداوند متعال آن میلیون‌ها عامل و فعل و انفعال را بر این حرکت مترتب کرد و آنچه اتفاق افتاد، به یک معجزه شبیه بود؛ یعنی تشکیل نظام مبتنی بر اسلام در یک نقطه‌ی حساس؛ بخاطر این حرکت امام، که البته آماج دشمنی و کینه‌ی همه‌ی صاحبان زور و زر در سرتاسر عالم است؛ اما بر خلاف نظر آنها، این حقیقت تحقق پیدا کرد.



قوانین نشأت گرفته از مکتب امام؛ منشأ تداوم جمهوری اسلامی

نکنه‌ی سوم این است که یک واقعیت شگفت‌آوری در انقلاب ما وجود دارد که این انقلاب را یک حالت استثنایی میبخشد و آن این است که در قوانین علوم اجتماعی درباره‌ی انقلابها، میگویند انقلابها همچنانی که یک فرازی دارند، اوجی دارند، یک فرودی هم دارند؛ مثل سنگی که شما پرتاب میکنید؛ تا وقتی که قدرت بازوی شما پشت سر این سنگ است، برخلاف جهت جاذبه‌ی زمین حرکت میکند؛ اما وقتی این قدرت از جاذبه‌ی زمین کمتر شد، این سنگ به سمت جاذبه‌ی طبیعی زمین برمیگردد. آن قوانین میگویند تا وقتی شور و انگیزه‌ی انقلابی در مردم هست، انقلابها به سمت جلو حرکت میکنند، اوج میگیرند، بعد هم بتدریج این شور و هیجان و این عامل حرکت به پیش، کم میشود و در مواردی تبدیل به ضد خود میشود؛ انقلابها سقوط میکنند و برمیگردند پایین. انقلابهای بزرگ دنیا که در تاریخ دویست سال اخیر ما اینها را میشناسیم، بنا بر همین

تحلیل، همه با آن نظریه قابل انطباق هستند؛ اما انقلاب اسلامی از این تحلیل جامعه‌شناختی بکلی مستثناست. در انقلاب اسلامی پادزهرِ فرود انقلاب در خود این انقلاب گذاشته شده است. بارها عرض کرده‌ایم که تجسم انقلاب در «جمهوری اسلامی» و در «قانون اساسی جمهوری اسلامی» است. نویسندگان قانون اساسی که از نظر امام و مکتب امام درس گرفته بودند، در خود این قانون عامل تداوم بخش انقلاب را گذاشته‌اند: پایبندی به مقررات اسلامی و مشروعیت بخشیدن به قانون، مشروط بر اینکه بر طبق اسلام باشد؛ و مسئله‌ی رهبری.

ضرورت محافظت از سرمایه‌های حیاتی ذخیره شده توسط امام

نکنه‌ی چهارم این است که سرمایه‌ای که امام برای کشور و ملت ما ذخیره کرده است، یک سرمایه‌ی تاریخی و حیاتی است. این سرمایه و ذخیره‌ی ارزشمند، استقلال سیاسی ماست؛ خودباوری ملی ماست؛ خودباوری فرهنگی ماست؛ ایمان عمیق مردم ماست؛ شجاعت ملت و مسئولان ما در مقابل تهدیدهای دشمن و فریب نخوردن در برابر تمجیدها و تطمیعهای اوست؛ اینها درسهایی است که امام عزیز ما در طول ده سال با نفس گرم خود، با روش خود، با ممشای خود، به ملت ما درس داد و فضای کشور ما پُر است از این درس ارزشمند. ما باید این ذخیره را نابود نکنیم؛ ما باید این ذخیره را نفروشیم؛ ما باید این ذخیره و سرمایه‌ی ارزشمند را راکد هم نگذاریم و آن را مصرف روزانه‌ی سیاسی خودمان هم نکنیم، بلکه باید این ذخیره را با دقت و مراقبت تمام حفظ کنیم و از سود این ذخیره و سرمایه‌ی ارزشمند، آینده‌ی کشور و تاریخ خودمان را بسازیم.

نتایج ایجاد ایمان چهارگانه‌ی امام در دل مردم

امروز دشمنان این ملت، بزرگترین جایزه را به کسی میدهند که بتواند این پایه‌ها را متزلزل کند و با ایمان مردم بجنگد؛ ایمان به خدا، ایمان به مردم، ایمان به راه و ایمان به

۱ پایه‌های مورد نیاز برای بنای آینده‌ی کشور: ایمان، عدالت، علم و آرامش.

ره، رهرو، رهبر / ۷۹۱

موفقیت را در دل‌های مردم تضعیف کند. امام دارای این چهار ایمان بود: ایمان به خدا، ایمان به مردم، ایمان به این راه و ایمان به موفقیت حتمی آخر کار. این ایمانها در دل مردم، آنها را به حرکت، به اندیشیدن، به پیش رفتن، وادار میکند. آن کسانی که ایمان به خدا، ایمان به مردم، ایمان به این راه، ایمان به موفقیت را در مردم تضعیف کنند، برای دشمن کار کرده‌اند. دشمن، بزرگترین جایزه را به این افراد میدهد. ■

خودی بودن حافظان شجره‌ی طیبه‌ی امام و غریبه بودن مخالفین آن

نکته‌ی آخر: این شجره‌ی طیبه‌ای را که امام بزرگوار غرس کرد و خدای متعال برکت بخشید و شاخ و برگ آن را اینچنین گسترده کرد، همه با هم باید حفظ کنیم؛ هم مسئولان، هم آحاد مردم، هم نخبگان سیاسی، هم نخبگان علمی، هم اهل حوزه، هم اهل دانشگاه، هم کارگر و هم همه‌ی قشرهای دیگر. این، وظیفه‌ی همه است؛ همه، انقلاب و کشور را باید از خود بدانند؛ همه، نظام جمهوری اسلامی را باید از خود بدانند؛ همه، امت جمهوری اسلامی‌اند. ما آن کسانی را غریبه میدانیم؛ از این دایره خارج میدانیم، که برای دشمن کار میکنند. آن کسی که امام و راه امام و وصیتنامه‌ی امام را قبول دارد، او «خودی» است؛ آن کسی که استقلال ایران برایش دارای اهمیت است و به آن پایبند است، «خودی» است؛ آن کسی که عزت این ملت و پیشرفت علمی این ملت را دنبال میکند، او «خودی» است.

در دیدار جمعی از کارگردانان سینما و تلویزیون، ۲۳ / ۰۳ / ۱۳۸۵

علت سانسور اعلامیه‌ی امام در نشریات امریکایی

مرحوم حاج احمد آقا به من گفت، حاضر شدند بابت یک اعلامیه‌ی حج امام هشتاد هزار دلار آن روز بدهند که در یکی از روزنامه‌های امریکا- همین روزنامه‌های معروفی که هست- چاپ بشود، ولو بصورت آگهی؛ اما نکردند. این را حاج احمد آقا خودش به من گفت، گفت ما تلاش کردیم؛ اما حاضر نشدند چاپ کنند.

در امریکا این نمایش بی‌سانسوری فقط در مورد آنجاهایی است که به اصول امریکایی اصطکاک نداشته باشد. آنجایی که اصطکاک پیدا میکند، چه به اصول امریکایی

و چه به مصالح فوری امریکایی - مثل مسئله‌ی جنگ خلیج فارس که زمان بوش پدر انجام گرفت - سانسور وجود دارد؛ خیلی کامل و خیلی رسمی و علنی؛ بدون پرده‌پوشی.

در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۳/۲۹

افکار نو و نوآوری امام در همه‌ی بخشها؛ علت جهانی شدن اسلام امام

ایران اسلامی پرچم خودش را دارد. ما کسی مثل امام را با آن افکار نو، روشن و با آن نوآوری در همه‌ی بخشها، حتی در فقه داریم؛ اینکه شما مبینید اسلامی که ایران اسلامی عرضه میکند، مثل قند در کام ملتها شیرین می‌آید و همه‌جا پخش میشود، علتش این است.

در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۸۵/۵/۳۰

هنر امام در اعتماد به نیروهای مردمی و نتایج آن

البته دشمنان اسلام نیروی مردم را انکار کردند و سیاستمداران را به نیروی ملتهای خودشان بی‌اعتقاد کردند. به نظر ما یکی از بزرگترین هنرهای امام راحل ما این بود که این نیروی مردم را شناخت و آن را کشف کرد و از آن بهره گرفت؛ و به مردم اعتماد کرد.

وضع ایران قبل از پیروزی انقلاب، وضع خوبی نبود؛ مردم در حال بی‌تکلیفی، دشمنان مسلط، اینجا پایگاه اسرائیل و استراحتگاه سران رژیم صهیونیستی، که می‌آمدند میبردند، میخورند و استفاده‌ی سیاسی و مالی میکردند. آن روزی که بعضی از کشورهای عرب تصمیم گرفتند که از نفت علیه اسرائیل استفاده کنند، شاه ایران دل صهیونیستها را گرم کرد و گفت من به شما نفت میدهم. وضع ایران در آن روز اینگونه بود و کسی امیدی نداشت؛ اما امام راحل ما (قَسَّ اللَّهُ نَفْسَهُ الزَّكِيَّةَ) وقتی همت گماشت و بر این مبارزه عزم کرد، هیچ نیرویی جز نیروی مردم نداشت. او به این نیرو معرفت پیدا کرد؛ به این نیرو تکیه کرد و خدای متعال هم که همه چیز دست اوست - که «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى»^۱ - دلها را منقلب کرد. وقتی دلها متوجه به این حقیقت شد، نیروها به میدان آمدند و

۱ سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۱۷. و چون [ریگ به سوی آنان] افکندی، تو نیفکندی، بلکه خدا افکند.

ره، رهرو، رهبر / ۷۹۳

قدرت رژیم طاغوتی و وابسته شاه متزلزل شد و نظام اسلامی در این کشور سربلند کرد. ما در حساسترین نقطه‌ی دنیای اسلام و بر سر چهارراه قرار داریم و بیشترین نقطه‌ی اعتماد امریکا و استکبار در این منطقه، بر رژیم سلطنتی شاه بود.

در دیدار کارگزاران نظام، سفرای کشورهای اسلامی
و مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی به مناسبت روز مبعث پیامبر اعظم(ص)، ۱۳۸۵/۵/۳۱

تأثیر اعتماد متقابل مردم و امام در پیروزی انقلاب

رحمت خدا بر امام بزرگوار ما که ملت ما را بیدار کرد و نیروی ملت ما را به میدان آورد. ما هم همینجور بودیم؛ ما هم زیر دست و پا له میشدیم. در این شهر تهران، بزرگترین منکرات انجام میگرفت و کسی اخم نمیکرد؛ در این شهر تهران، دشمنترین دشمنان اسلام آمدند و مثل اینکه در خانه‌ی خودشان زندگی بکنند، با امنیت کامل زندگی میکردند! اموال این مملکت را میبردند، نفت را میبردند، جلو پیشرفت‌ها را میگرفتند، برنامه‌های خائنانه و ظالمانه‌ی خودشان را بر این ملت تحمیل میکردند و مدیران کشور؛ یعنی محمدرضا شاه و اطرافیان او، دست به سینه در مقابل آنها می‌ایستادند؛ دست به سینه‌ی باطنی. البته ظاهراً باد و بروتی بود، اما اجازه را از آنها میگرفتند. در این شهر تهران، دربار ایران برای تصمیم‌گیری در مهمترین مسائل، از سفیر امریکا و سفیر انگلیس میپرسیدند که این کار را بکنیم یا نکنیم؛ اینها جزو سندهای ماست و امروز وجود دارد. متأسفانه در بسیاری از کشورهای اسلامی، امروز همین مسائل هست. این ملت توانا، این ملت باهوش، این ملت دارای این سابقه‌ی تاریخی عظیم، این ملتی که امروز در میدان علم، در میدان جهاد، در میدان فناوری، در میدان سیاست درخشش خودش را نشان میدهد، زیر دست و پا له میشد. امام، ملت را به صحنه آورد؛ به مردم اعتماد کرد، مردم هم خودشان را نشان دادند. وقتی او به مردم اعتماد کرد، مردم هم به او اعتماد کردند. اینجا، نقطه‌ای که محل امید کفر بود، شد پرچمدار اسلام ناب محمدی و روزبه‌روز ان‌شاءالله ملت ایران در این صراط پیش خواهند رفت.



خیالِ باطلِ دوری مردم از ارزشها، بعد از رحلت حضرت امام(ره)

آن کسانی که خیال کردند با فاصله گرفتن از مبدأ انقلاب و با غیبت امام بزرگوارمان و وفات او، مردم از ارزشها فاصله خواهند گرفت، به خطا رفته‌اند؛ اشتباه کرده‌اند و میبینند که اشتباه کرده‌اند. ما به این ارزشها متمسک هستیم؛ ما ارزشهای اسلامی را مایه‌ی عزت ملی خودمان میدانیم؛ ما این ارزشها را موجب رشد استعدادها در ملتمان میدانیم.

■

خط بطلان امام بر توهم مستکبران

یک روز خیال میکردند که ما میخواهیم انقلابمان را به کشورهای دیگر صادر کنیم؛ آنچنانی که شورویها یک روزی میخواستند انقلابشان را صادر کنند و با کودتا و با توطئه این کار را میکردند. امام بزرگوار ما بر روی این توهمِ باطل، خط کشیدند.

■

امام؛ مقتدای پاک مسئولان کشور در بی‌اعتنایی به دنیا

پروردگارا! ما در این راه بخاطر امر تو، بخاطر اطاعت فرمان تو قدم گذاشته‌ایم؛ ما در این راه برای دنیا وارد نشده‌ایم؛ برای پول، برای زخارف، برای قدرت وارد نشده‌ایم. امام بزرگوار ما پاک آمد و پاک رفت. مسئولان کشور مقتدای خودشان را اینطور دیدند و در همین راه حرکت میکنند.

وضعیت استثنایی امروز نسبت به مبانی امام

آنچه که من می‌خواهم در این جلسه‌ی خصوصی و صمیمی به شما دوستان عزیز عرض بکنم، این است که فرصت این روز و روزگاری که شما بر سر کار هستید، بسیار فرصت استثنایی و مغتنمی است؛ حقیقتاً از دوره‌هایی است که ما نظیر آن را در گذشته‌ی دوران انقلاب تا امروز کم داشته‌ایم. اولاً، شعارهای دولت و مسئولان و اهداف تعیین‌شده‌ی آنان کاملاً با مبانی انقلاب و با مبانی اعلام‌شده‌ی امام عزیز ما منطبق است. ثانیاً، این گفتمان در بین مردم بطور محسوسی زنده است و وجود دارد؛ که وجود این گفتمان میان مردم هم، عامل عمده و اصلی گرایش آنها به این دولت و این رئیس‌جمهور محترم بود. مردم، تشنه‌ی عدالت، تشنه‌ی مبارزه با فساد و تشنه‌ی تمسک به اصول انقلاب بودند، که وقتی دیدند یک نفر صادقانه این شعارها را سر دست گرفته و مطرح میکند، حول محور او جمع شدند؛ خود این نعمت بزرگی است که این تفکر بصورت یک گفتمان مسلط در جامعه درآمد و همچنان ادامه دارد و بعد از روی کار آمدن این دولت، بحمدالله تقویت هم شده است.

تذکره امام به مسئولین نسبت به سختی کار

البته کار سخت است؛ من نظرم هست زمان حیات مبارک حضرت امام (رضوان‌الله علیه) افراد از دستگاههای مختلف - چه وزارتخانه‌ها، چه دستگاههای دیگر - پیش امام می‌آمدند و شکوه‌هایی میکردند: آقا فلان‌جا چنین نقصی وجود دارد، فلان‌جا این اشکال وجود دارد؛ بارها امام در جواب اینها میگفتند: «آقا! کار سخت است.»

دو منشأ تصمیم امام در موضوع جنگ

در جنگ، مسئولان نظامی و سیاسی، همه‌شان تلاش کردند و همه‌شان خدمت کردند. ما اینها را به چشم خودمان از نزدیک مشاهده کردیم؛ همه‌شان هم ضعفهایی داشتند. اینها

چیزهایی نیست که بتوان انکارشان کرد. سیاستمدارها هم ضعفهایی داشتند، نظامیها هم ضعفهایی داشتند؛ اما بی‌تردید، خدماتشان از ضعفهایشان بیشتر بوده است. برآیند این ضعفها و این خدمات، همین بود که اتفاق افتاد که امام تصمیم‌گیری کردند.

امام؛ مظهر خطوطی که تعلیم داد

امام مظهر استقامت و ایستادگی و مظهر امید به آینده و پیشرفت به سمت آینده‌ها بود. در جنگ هم همینطور عمل کرد؛ در پذیرش قطعنامه هم همینطور عمل کرد؛ در اعلامیه‌های خود و بیانیه‌های خود هم همینطور عمل کرد؛ این راه را به ما هم یاد داد و ما هم در همین راه قدم گذاشتیم و به فضل و به کمک الهی، در همین جهت هم پیش خواهیم رفت؛ بدون هیچگونه تعلل و تبانی؛ به حول و قوه‌ی خداوند.

آنچه که در منش انقلاب اسلامی - که امام مظهر و نماد کامل آن بود - میتوان بروشنی از آن سخن گفت، عبارت است از شجاعت همراه با تدبیر. در انقلاب اسلامی هیچ‌وقت چشم‌بسته تیر به تاریکی انداختن وجود ندارد و نداشته - در برنامه‌های جمهوری اسلامی از اول تا حالا، چنین چیزی نبوده است - و امروز هم نیست و در آینده هم به توفیق الهی نخواهد بود.

ضرورت بهانه ندادن به دشمنان امام و انقلاب

در آن زمینه‌ی بگومگوها، این را عرض بکنم که مراقب باشید کسانی گوش خوابانده‌اند که نسبت به انقلاب و نظام، و نسبت به شخص امام، عقده‌گشایی کنند و برای آن بهانه پیدا کنند. نباید بهانه بدست آنها داد. این را همه توجه داشته باشند.

دیدار با مردم استان سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۷

اتفاقی نبودن حیات همیشگی امام و خط امام در بین ملت ایران

بیست و هفت سال است که همه‌ی طرفنها را به کار برده‌اند تا شاید بتوانند این ملت را از اسلام و آرمانهای امام روگردان کنند؛ تا شاید بتوانند این ملت را به ارزشهای دینی

بی‌اعتقاد کنند و بتوانند جوانان این ملت را یکسره غرق در منجلاب فساد کنند. در این زمینه هر کاری توانسته‌اند، کرده‌اند. کارهای بسیار پرهزینه و خرجهای زیادی کرده‌اند. مدتهای مدیدی تلاش کردند تا شاید بتوانند در دولتهایی که در نظام جمهوری اسلامی با رأی مردم سر کار می‌آیند، نفوذ کنند؛ شاید بتوانند برخی از عناصر مؤثر در دولتها را از خود کنند و بخرند و مقاصد و نیت خودشان را از آن راه تأمین کنند؛ همه‌ی این کارها و تلاشها را کردند، خرجهای زیادی کردند برای اینکه بتوانند با بهانه‌های ناسیونالیستی، قوم‌گرایی و فرقه‌گرایی میان این ملت اختلاف ایجاد کنند و جنگ داخلی راه بیندازند؛ سرمایه‌گذاری و تلاش کرده‌اند تا شاید بتوانند محیط دانشگاههای ما را متشنج کنند. این کارها در طول این بیست و هفت سال یکی پس از دیگری انجام گرفت؛ اما ملت بزرگ و رشید ما، جوانان هوشیار ما، مردان و زنان با معرفت و زمان‌شناس ما در تمام این موارد، مشت محکمی به دهان دشمنان ما زدند.

آنها میخواستند این ملت پُرانگیزه‌ی با ایمان پایبند به ارزشهای دینی و شجاع و دارای ابتکار عمل را به یک ملت وابسته، بی‌هویت، ترسو، مطیع، دنباله‌رو تبدیل کنند؛ برای این کار هم هزینه‌های زیادی کردند؛ و یکی پس از دیگری شکست نصیبشان شد. آیا اینها همه اتفاقی بود؟ این شکستهای دشمنان قوی پنجه‌ی ملت ایران - یکی پس از دیگری - اتفاق است؟

اینکه آنها امید داشتند نقش امام بزرگوار ما روزه‌روز کمرنگتر بشود و شعارهای او فراموش بشود، نه تنها برآورده نشد، بلکه حالا بعد از گذشت بیست و شش، هفت سال، دولتی سر کار می‌آید که شعارهای رئیس‌جمهورش - که موجب محبوبیت او در بین مردم است - همان شعارهای امام است. این یک امر اتفاقی است؟! اینکه مردم در هر جایی و در هر نقطه‌ای از کشور، به آن کسی اعتماد میکنند که به دین او، انقلابیگری او و پیروی او از امام بیشتر عقیده داشته باشند.

بیست و هفت سال از انقلاب و هفده سال از درگذشت امام گذشته، اما ملت ما اینطور پُرنشاط و پُرانگیزه شعارهای انقلاب را بر سر دست گرفته و به پیش میتازد؛ این یک تصادف است؟! این یک اتفاق است؟! نه، این یک روند است؛ این یک فرآیند منطقی و معقول است و ادامه هم خواهد داشت. هم ادامه خواهد داشت، هم بر روی ملتهای دیگر تأثیر خواهد گذاشت.

پشتوانه‌ی آبرویی امام در حرکت عظیم انقلاب اسلامی

یک وقتی به مناسبتی خدمت امام رسیدیم؛ صحبت راجع به یک روحانی بود که یک تخلّفی کرده بود و امام با ما مشورت میکردند که با او چگونه رفتار شود. من به ایشان مفصّل گفتم که این پیروزی شما در انقلاب، محصول هزار سال آبروی روحانیت شیعه است - و آلاً چرا باید وقتی یک مرجع به میدان آمد، مردم اینطور به دنبالش بیایند و جانشان را فدا کنند، که در نهضت امام بزرگوار ما کردند. هزار سال آبروی شیعه متراکم شد تا به اینجا رسید که یک مرجعی مثل امام بزرگوار ما که جرأت داشت، شجاعت داشت، قابلیت داشت، روح فداکاری و آگاهی به زمان داشت، پا بگذارد وسط میدان، و مردم هم به دنبالش بیایند - حالا بعضی از این هم لباسهای ما مثل موریانه‌ای که در یک بنایی بیفتد، دارند این آبروی هزار ساله را ذره ذره میخورند و از بین میبرند؛ ایشان هم این معنا را تصدیق کردند. واقع قضیه همین است. باید مراقب باشیم ما جزو آن موریانه‌ها نباشیم. خدای نکرده هر عمل زشت و وقیح و یک کار نامناسبی که از یکی از ماها سربرزند، رخنه‌ای در آن ذخیره‌ی ارزشمند هزار ساله‌ی روحانیت و علمای شیعه است.

زنده ماندن آرمانهای انقلاب و امام؛ مرهون خون شهیدان

همه‌ی این دستاوردها متعلّق به خون این عزیزان شماهاست: این عزّت ملی، این پیشرفت علمی، این استقلال سیاسی، این زنده ماندن آرمانهای انقلابی و سخنان امام، که همه‌ی اینها چیزهایی است که برای یک ملت آسان بدست نمی‌آید.

تأثیر سریع و عمیق فرامین امام بر قلوب ملت

یک روز هم همین ملت ساعت ۲ بعد از ظهر امام اعلام کرد که مردم بروند پاوه را از دست دشمنان خارج کنند؛ مرحوم شهید چمران به خود من گفت: بمجرد اینکه پیام امام از دیوار پخش شد، ما که آنجا در محاصره‌ی دشمن بودیم، احساس کردیم که دشمن

دارد شکست میخورد. بعد از چند ساعت هم سیل جمعیت به سمت پاوه راه افتاد. من ساعت چهار و پنج همان روز در خیابان به طرف منزل امام میرفتم؛ دیدم اصلاً اوضاع دگرگونه است. همینطور مردم در خیابانها سوار ماشینها میشوند و از مراکز سپاه و مراکز مربوط به اعزام جبهه، به جبهه‌ها میروند.

در دیدار هم‌اندیشی علمای شیعه و اهل تسنن، ۱۳۸۵/۱۰/۲۵

علت اصرار امام و دیگر علمای مبارز بر قضیه‌ی وحدت اسلامی

اختلاف بین طرفداران دو عقیده بر اثر تعصبات، یک امری است که هست و طبیعی است، و مخصوص شیعه و سنی هم نیست. بین فریق شیعه، خودشان؛ بین فریق سنی، خودشان؛ در طول زمان از این اختلافات وجود داشته است. تاریخ را نگاه کنید، ببینید هم بین فرق فقهی و اصولی اهل تسنن - مثل اشاعره و معتزله، مثل حنابله و احناف و شافعیه و اینها - هم بین فرق مختلف شیعه، بین خودشان، اختلافاتی وجود داشته است. این اختلافات وقتی به سطوح پایین - مردم عامی - میرسد، به جاهای تند و خطرناکی هم میرسد؛ دست به گریبان میشوند. علما مینشینند با هم حرف میزنند و بحث میکنند؛ لیکن وقتی نوبت به کسانی رسید که سلاح علمی ندارند، از سلاح احساسات و مشت و سلاح مادی استفاده میکنند که این خطرناک است. در دنیا این همیشه بوده؛ همیشه هم مؤمنین و خیرخواهان سعی میکردند که مانع بشوند؛ علما و زبندگان، تلاششان این بوده است که نگذارند سطوح غیرعلمی کارشان به درگیری برسد؛ لیکن از یک دوره‌ای به این طرف، یک عامل دیگری هم وارد ماجرا شد و آن «استعمار» بود. نمیخواهیم بگوییم اختلاف شیعه و سنی همیشه مربوط به استعمار بوده؛ نه، احساسات خودشان هم دخیل بوده؛ بعضی از جهالتها، بعضی از تعصبات، بعضی از احساسات، بعضی از کج‌فهمیها دخالت داشته؛ لیکن وقتی استعمار وارد شد، از این سلاح حداکثر استفاده را کرد.

لذا شما ببینید برجستگان مبارزه‌ی با استعمار و استکبار، روی مسئله‌ی «وحدت امت اسلامی» تکیه‌ی مضاعف کرده‌اند. شما ببینید سیدجمال‌الدین اسدآبادی (رضوان‌الله تعالی علیه) معروف به افغانی و شاگرد او شیخ محمد عبده و دیگران و دیگران، و از علمای شیعه مرحوم شرف‌الدین عاملی و بزرگان دیگری، چه تلاشی کردند برای اینکه در مقابله‌ی با

استعمار نگذارند این وسیله‌ی راحت در دست استعمار، به یک حربه‌ی علیه دنیای اسلام تبدیل شود. امام بزرگوار ما از اول بر قضیه‌ی وحدت اسلامی اصرار میکرد. استعمار، به این نقطه چشم دوخت و از آن حداکثر استفاده را کرد.

نسخه الکترونیکی

هرگونه بهره‌برداری بصورت چاپ و تکثیر ممنوع میباشد.

مبنای امام و انقلاب در دفاع از مسلمانان

آن وقتی که شورویها آمدند و وارد افغانستان شدند، همه‌ی این دولتهای مسلمانی که در این منطقه بودند، با ملاحظات گوناگون سکوت کردند. امام (رضوان‌الله علیه) صریح پیغام داد به شورویها که: باید شما از افغانستان خارج شوید. من خودم در یک مجمع بین‌المللی بزرگ حضور داشتم - که آنجا غیرمتعهدها و تعداد زیادی از کشورهای اسلامی هم بودند - شاهد بودم که هیچ‌کدام از آنها اسمی از ورود شوروی به افغانستان نیاوردند و فقط من آنجا در نطقم شدیداً حمله کردم؛ چون در آنجا یک عده‌ای چپها و دولتهای سوسیالیست و طرفدار شوروی بودند، به ملاحظه‌ی آنها هیچ‌کدام از کشورهای اسلامی، کلمه‌ای حرف نزدند؛ فقط ما گفتیم؛ ما آنجا هم به امریکا حمله کردیم، هم به شوروی حمله کردیم؛ بدون تفاوت؛ آنها از این ناراحتند. چون این انقلاب، انقلاب اسلامی است؛ نگاه نمیکند که ملت فلسطین شیعه‌اند یا سنی؛ از آنها دفاع میکند. از حرکت عظیم لبنانیها دفاع میکند، از هر جمع مسلمانی در هر نقطه‌ی از عالم که برای اسلام حرکت کنند و کار کنند، دفاع میکند؛ آنها از این ناراحتند. چون انقلاب، اسلامی است ناراحتند. و آلا اگر ما مرزها را میبستیم و میگفتیم ما به کشورهای سنی کاری نداریم، به گروههای سنی کاری نداریم، با ما هیچ کاری نداشتند؛ نه امریکا، نه اسرائیل، نه انگلیس. آنها علیه جمهوری اسلامی‌اند، چون جمهوری اسلامی برای اسلام است، برای امت اسلامی است. از وقتی جمهوری اسلامی تشکیل شد، این مسئله‌ی ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی از سوی استکبار روزبه‌روز تشدید شد و فعالیت آنها هم تشدید شد.

پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت افتتاح چهارمین دوره‌ی مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۵/۱۲/۱

وظیفه‌ی همیشگی مسئولان در پیگیری مسیر اسلام متجلی در امام

پیگیری مسیر اسلام که متجلی در رفتار و گفتار امام است، وظیفه‌ی همیشگی همه‌ی مسئولین امروز و همیشه وظیفه‌ی اساسی مسئولان گوناگون جمهوری اسلامی آن است

ره، رهرو، رهبر / ۸۰۱

که در پیمودن مسیری که ملت ایران را به آن هدفهای والا میرساند، درنگ را جایز نشمرند و به حول و قوه‌ی الهی مسیری را که اسلام عزیز مشخص ساخته و در گفتار و رفتار امام راحل یگانه‌ی ما تجلی یافته و با فداکاری شهیدان و ایثارگران طراوت و صفا گرفته، دنبال کنند و به اذن الله آن هدفها را یکی پس از دیگری بدست آورند.

شاخصه‌های اصلی راه امام و اسلام

شاخصه‌های اصلی این راه، پایبندی به تکلیف شرعی، شجاعت در اقدام، حزم و حکمت در تدبیر، و صداقت و وفاداری به مردم است و عدالت اجتماعی، سلامت اخلاقی، پیشرفت علمی، قدرت و ثروت ملی، از جمله‌ی مهمترین هدفهای این نظام اسلامی است.

در دیدار با معلم، ۱۳۸۶/۲/۱۲

ارزش تعلیم و تربیت از نظر امام

همانطور که امام بزرگوار ما فرمودند و مکرر همه گفته‌ایم و شنیده‌ایم، تعلیم، نقش انبیاء است - «وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»^۱ - بلکه نقش خود وجود مقدس باری تعالی است - «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم»^۲ - و در مرتبه‌ی نازلتر، افراد بشر هستند که به یکدیگر تعلیم میدهند: یکی معلم است، یکی متعلم است. شما و هر کسی در هر نقطه‌ای - چه در آموزش و پرورش، چه در دانشگاهها، چه در حوزه‌ها، چه در محافل تعلیمی گوناگون - کارش این باشد که به مردم چیزی یاد بدهد، حقیقت باارزشی را برای آنها روشن کند یا معرفتی بر معرفتهای مردم بیفزاید، او دارای همین شأن معلمی است؛ این خیلی محترم و معتبر و ارزشمند است.

نسخه الکترونیکی

هرگونه بهره‌برداری بصورت چاپ و تکثیر ممنوع میباشد.

۱ سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۶۴ و سوره‌ی جمعه، آیه‌ی ۲. و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد.

۲ سوره‌ی علق، آیه‌ی ۵. آنچه را که انسان نمیدانست [بتدریج به او] آموخت.

شکسته شدن میله‌های زندان ملت با رهبری امام خمینی(ره)

نهضت به وسیله‌ی پیشروان این فکر شروع شد، رهبری الهی و با عزم و اراده‌ای مثل امام، خدای متعال در اختیار ملت گذاشت؛ باز هم همین جوانها، حرکت خودشان را کردند، یک تحوّل عظیم و بنیادی به وجود آمد؛ میله‌های زندانی که ملت ایران در آن گرفتار بود، شکسته شد.

مظهر قداست و شرف

جوانهای امروز نه امام را که مظهر قداست و شرف و نمونه‌ی برترین اولیاء بعد از معصومین بود، دیده‌اند نه دوران جنگ را تجربه کرده‌اند.

ممانعت از طلبکار شدن دشمنان بز دل امام و انقلاب

یاد شهدا، افتخارات شهدا، عزت شهدا را همه باید نصب‌العین خودشان قرار بدهند؛ نگذارید فراموش بشود. شما غفلت کنید، نیروهای انقلاب غفلت کنند، نیروهای مؤمن غفلت کنند، نفوذیهای دشمن از آن طرف وارد میشوند و چیزی هم طلبکار میشوند. «فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِالسِّنَةِ جِدَادٍ أَشْحَةً عَلَى الْخَيْرِ أَوْلِيَّكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ»؛ وقتی که روز خطر است، در لانه‌ها خزیدند و نفسشان درنیامد. وقتی خطر برطرف شد؛ مردان خطرپذیر در مقابل خطر سینه سپر کردند و خطر را برطرف کردند، اینها از لانه‌هاشان بیرون می‌آیند؛ زبانهای دراز، زبانهای تیز، طلبکار هم میشوند! مگذارید دشمنان انقلاب، دشمنان امام، دشمنان خط جهاد، دشمنان خط ایمان بالله، طلبکار بشوند.

بسیجی واقعی؛ گوش به فرمان رهبر

من که عرض میکنم: افتخار خود من این است که یک بسیجی باشم؛ سعی کرده‌ام اینجوری عمل کنم. سال آخر ریاست جمهوری - دو، سه ماه مانده بود به آخر ریاست جمهوری من - در یکی از دانشگاهها برای یک جمع دانشجویی صحبت میکردم و به سؤالات پاسخ میدادم؛ یکی از سؤالات این بود که شما بعد از ریاست جمهوری قصد دارید چکار کنید و شغلتان چه باشد؟ گفتم: اگر امام به من بگوید برو بشو رئیس عقیدتی سیاسی فلان پاسگاه مرزی منتهی‌الیه جنوب شرقی کشور، من با افتخار میروم آنجا و مشغول خدمت میشوم! اگر این کار از من برمی‌آید و این کار را از من میخواهند، من حاضرم و به آنجا میروم.

تأثیر جهانی صلابت امام راحل و شهدا

قدر شهدای جبهه‌تان را بدانید، قدر آن مقاومت‌های مظلومانه را بدانید، قدر آن ایستادگی و صلابت از پولاد محکمتر امام راحل را بدانید؛ اینهاست که ملت فلسطین را یک‌طور، ملت لبنان را یک‌طور، ملت‌های امریکای لاتین را یک‌طور، ملت آفریقای جنوبی را یک‌طور، ملت‌های خاورمیانه را یک‌طور، ملت‌های بسیاری از کشورهای عرب را - که دولتهایشان وابسته‌ی به امریکا هستند - یک‌طور، تحت‌تأثیر قرار داده.

تذکر امام به پرهیز از نفوذیها

امام (رضوان‌الله تعالی‌علیه) همیشه به همه - از جمله به دانشجویها - توصیه میکردند که از نفوذیها پرهیزید؛ واقعه‌ش هم همین بود. آن اوایل جزو مجموعه‌های ماهر در نفوذ، اعضای حزب توده بودند که با چاپلوسی و ظاهر فریبی و ریاکاری، خودشان را جا میزدند. بعد البته یک عده‌ی دیگر هم از آنها یاد گرفتند و وارد تشکیلاتهای گوناگون و بخشهای مختلف نظام شدند و کار را به جایی رساندند که حاکمیت دوگانه را هم ادعا کردند. شماها که یادتان هست؛ مال چهار، پنج سال پیش است. حاکمیت دوگانه، انشقاق، انشقاق در رأس! خیلی چیز عجیبی است! به اینجا هم رسیدند.

تذکر امام به پرهیز از انواع اتلاف وقت مجلس

اگر می‌گوییم به کارهای اساسی پردازید، با همین ملاحظات اساسی دیگری است که در این کار وجود دارد. مثلاً یک وقتی امام به نمایندگان مجلس شورای اسلامی فرمودند که درست است که هرچه شما تصویب کنید به شورای نگهبان می‌رود و اگر مخالف قانون اساسی بود رد می‌شود؛ اما این معنایش این نیست که شما از اول، چیزی را که میدانید مخالف قانون اساسی است تصویب کنید و به آنجا بفرستید؛ آنها هم رد میکنند؛ بعد هم بالاخره یک مجمع تشخیصی وجود دارد که برود آنجا! نه، این تضييع وقت مجلس است: آوردن قانونی که صریحاً برخلاف قانون اساسی است به مجلس، یا وارد شدن به بعضی از جزئیات مسائل اجرایی.

در دیدار هزاران نفر از مردم در مراسم هجدهمین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی(ره)، ۱۳۸۶/۳/۱۴

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الله الحكيم في كتابه: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبَ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»^۱.

نشانه‌های عظمت شخصیتی امام بزرگوار

مجلس باعظمتی است. و از این باعظمت‌تر، میلیونها دلی است که در سراسر کشور، بلکه در اکناف عالم در این روزها به یاد امام بزرگوار ما میتپد. و این همه، حاکی از عظمت آن شخصیتی است که به توفیق الهی، توانست به یک ملت عظمت ببخشد، بلکه توانست به امت اسلامی عظمت بدهد.



۱ سوره‌ی ابراهیم، آیات ۲۴ و ۲۵. آیا ندیدی خدا چگونه مثل زده: سخنی پاک که مانند درختی پاک است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است؟ میوه‌اش را هر دم به اذن پروردگارش میدهد. و خدا مثلها را برای مردم میزند، شاید که آنان پند گیرند.

رمز تبدیل امام به شجره‌ی طیبه

خداوند متعال کلمه‌ی طیبه را به درخت پاکیزه و بارور تشبیه کرده است؛ ریشه‌ها در زمین استوار و شاخ و برگ آن در فضا پراکنده است و به تناسب موقعیت و انتظار، میوه‌ی خود را به مشتاقان می‌دهد: «تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا»^۱. کلمه‌ی طیبه، هر آن فکری است که در دل یک انسان بزرگ و الهی بروید و منشأ برکات برای مردم بشود؛ هر آن عملی است که از جوارح یک انسان صالح سر بزند و برای هدایت بشر و رشد عالم انسانیت دارای برکات باشد. همچنین کلمه‌ی طیبه، آن انسانی است که این اندیشه‌ی نیکو یا این عمل صالح در وجود او متحقق شده است و در او بروز و نمود پیدا میکند. بعد از این آیه، خداوند متعال میفرماید: «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ»^۲. آن قول ثابت موجب میشود که قائل به آن قول هم، ثابت و دوام پیدا کند. کلمه‌ی طیبه، هم قول است، هم آن قائل است؛ هم فکر است، هم آن چیزی است که زائیده از آن فکر است؛ هم آن شخصیت انسانی برگزیده‌ای است که این فکر و عمل به او قائم است.

اینجور است که شما میبینید امام بزرگوار ما هر روز گویی زنده‌تر میشود؛ در فضای جامعه‌ی ما و در فضای بین‌الملل اسلامی، روزبه‌روز امام بزرگوار برجسته‌تر و فکر او و راه او فهمیده‌تر و ملموس‌تر میشود. آن چیزی که این دوام را، این استمرار وجود را، این برکات را پدید آورده است، چیست؟ آن، ایمان مخلصانه و عمل صادقانه است. امام بزرگوار ما مصداق این آیه‌ی شریفه بود که «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا»^۳؛ هدف او، هدف الهی؛ رفتار او، رفتار ایمانی؛ و عمل او، عمل صالح. این است که در فضای ذهنیت جامعه‌ی اسلامی، چنین موجودی میماند و میرایی ندارد؛ مثل سلسله‌ی انبیا الهی و اولیا الهی که جسمشان از مردم غایب شد، اما حقیقتشان و هویتشان زنده است.

۱ سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۲۵. میوه‌اش را هر دم به اذن پروردگارش می‌دهد.

۲ سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۲۷. خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و در آخرت با سخن استوار ثابت میگرداند.

۳ سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۹۶. کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، به‌زودی [خدای] رحمان برای آنان محبتی [در دلها] قرار می‌دهد.

رهبران مادی را با انواع حيله‌ها ميخواهند در دلها زنده نگه دارند، نميشود. جسد لنين - رهبر شوروي - را موميائي کردند تا بماند و جلو چشم باشد، اما نماند. آن موميائي - يك جسم بي ارزش - آن فکر و آن اصول و آن ياد، همه محكوم به زوال شد؛ هم در جامعه‌ي خود او، هم در سطح جهان.

تفاوت رهبري و زعامت معنوي و روحي اين است. علت هم همان اتصال با منبع اصلي قدرت، ارتباط با خدا، همه چيز را از او دانستن و همه کار را براي او کردن، است. اين راز اقتدار و ماندگاري و نفوذ مردان خداست. امام با اين ديد و با اين مبنا، همچنان زنده خواهد ماند. دشمنان او، مخالفان او، معارضان ديني و سياسي او، رفتند و خواهند رفت؛ اما امام بزرگوار با فکرش، با هويتش و با وجود حقيقي اش در جامعه‌ي اسلامي و در جامعه‌ي بزرگ بشري ادامه پيدا خواهد کرد و روزبه‌روز برجسته‌تر و قوي‌تر و محسوس‌تر خواهد شد. راز قدرت معنوي امام بزرگوار ما اين است.

سرّ نفوذ عجيب و پيامبرگونه‌ي امام بر دلها و آثار آن

سرّ اين نفوذ عجيب که اين مرد بزرگ در دل توده‌هاي عظيم مسلمان در کشورهاي مختلف راه يافت و راز اين نفوذ عظيم، اين است: از خود عبور کردن، براي خود تلاش نکردن، خدا را ديدن و از خدا الهام گرفتن و براي خدا مجاهدت به تمام معنا انجام دادن. اين راز عظمت امام بزرگوار و رهبري روحاني است. پيامبران هم راز نفوذشان، راز ماندگاريشان همين بود؛ والّا ظواهر و بند و بست سياسي و شعارهاي دهان‌پرکن و مورد علاقه‌ي توده‌هاي مردم را همه بلندند بدهند؛ ديگران هم اين کارها را ميکنند. اين نيست آن چيزي که يك زعيم معنوي و روحاني را در دلها نافذ ميکند؛ بر دلها حاکم ميکند. و حکومت او از نوع حکومت معنوي و صوري نيست؛ از نوع حکومت انبياء است؛ از نوع حکومت جباران و جائران هرگز نيست. لذا شما در زندگي امام که نگاه ميکنيد، اين ارتباط با خدا و اتصال با خدا در او يك سکينه و آرامشي به وجود مي آورد. آنجايي که ديگران وحشتزده ميشدند، او آرام بود! آنجايي که ديگران به تزلزل مي افتادند، او قاطع و مصمم بود. در وصيتنامه‌ي خود هم خطاب به مردم ايران، بلکه ملتهاي مسلمان ميگويد با دلي آرام و قلبي مطمئن از مردم خداحافظي ميکند و به جوار رحمت الهي ميرود. دم مرگ هم با دل آرام اين جهان را ترک ميکند.

اعتماد عمومی مردم؛ هزینه‌ی امام در پیروزی جنگ تحمیلی

بعضیها به ذهنشان می‌آمد که چطور امام با این دقت و اهتمامی که در احکام دین و نسبت به جان و مال داشت و این همه ما در انقلاب و در جنگ شهید دادیم، دچار دغدغه نبود و با دل آرامی میتوانست دنیا را ترک کند و به ملاقات پروردگار برود؛ میگفتند جواب این خونها را که خواهد داد. جواب امام به این وسوسه‌ها این است که جواب این خونها را همان کسی خواهد داد که جواب خونهای صفین و نهروان را داد. جواب این سختیها را همان کسی خواهد داد که جواب سختیها و رنجها و محنتهای امیرالمؤمنین را در دوران زندگی خواهد داد. انقلاب برای نجات یک ملت دارای هزینه است؛ جنگ هشت ساله برای دفاع از استقلال یک ملت دارای هزینه است؛ ایستادگی در مقابل زورگویان عالم برای اثبات حقانیت و حقوق خود دارای هزینه است. امام این هزینه را پرداخت. هزینه‌ای که امام پرداخت، اعتماد عمومی مردم بود. این اعتماد عمومی را در این راه امام به کار انداخت و هزینه کرد، اما خدای متعال این هزینه را جبران کرد. آنچه را که امام هزینه کرده بود، چند برابر به او برگرداند.

در تشییع جنازه‌ی این مرد بزرگ، جمعیتی که حضور پیدا کردند، از جمعیت مردم در روز استقبال او بیشتر بود. این معنایش همین است که «من كان لله كان الله له». دلهای مردم به او متوجه بود. او این سرمایه را برای خود نخواست؛ این سرمایه از نظر او ملک پروردگار بود؛ باید در راه خدا مصرف میکرد و کرد؛ و خدا هم این سرمایه را بصورت مضاعف به او برگرداند. راه خدا اینجوری است؛ راه خدا مجاهدت دارد، هزینه دارد و هزینه‌ی آن را باید پرداخت.

شناخت صحیح امام از ابرقدرتها

امام ابرقدرتها را خوب شناخته بود؛ با قدرتهای سلطه‌گر و تجاوزگر نمیشود با التماس حرف زد. تا وقتی شما التماس کنید، عقب‌نشینی کنید، نرمش به‌خرج بدهید، طبیعت سلطه‌طلب این است که مُشتهای خود را گره‌تر میکند، تهدید خود را جدّی‌تر میکند، چهره‌ی خود را خشمگین‌تر میکند و جلوتر می‌آید. حق را با ایستادگی باید گرفت.

ایجاد هویتی جدید در منطقه توسط امام خمینی

مطلب دیگر این است که امام بزرگوار ما توانست یک هویت جدیدی را در دنیای پر آشوب سیاست، در این منطقه به وجود بیاورد و آن، هویت جمهوری اسلامی و ملت زنده‌ی ایران است که توانستند این جمهوری را ایجاد کنند و از آن پاسداری کنند. این، یک هویت اسلامی و یک هویت ملی است و این هویت، مخصوص ملت ایران هم نیست. هویت اسلامی، متعلق به همه‌ی امتهای اسلام است. امام بزرگوار ما با همت ملت ایران توانست این هویت را ایجاد کند و آن را زنده کند.

سالهای متمادی، سیطره‌ی غرب بر این منطقه مستحکم شده بود. بعد از جنگ بین‌الملل دوم، تقریباً کار تسلط بر منطقه‌ی خاورمیانه تمام شده بود. از سالها قبل، استعمار شروع کرده بود و در این دوره، کار را تمام شده میدید. عراق یک جور زیر سلطه، ایران جور دیگر، کشورهای عربی- اردن و سوریه و لبنان و مصر و کشورهای دیگر- هر کدام به نحوی زیر سلطه‌ی سنگین استعمارگران و سلطه‌گران غربی و اروپایی و سپس امریکایی بودند. برای محکم کردن کار، رژیم غاصب اسرائیل را هم در این منطقه‌ی حساس به وجود آوردند تا مطمئن باشند که غرب به وسیله‌ی صهیونیستها، در این منطقه‌ی حساس، وجود محسوس و نظامی و سیاسی و فعالی دارد و همه چیز را کنترل کند.

غافلگیری شدید غرب از پیروزی نهضت امام خمینی

در سالهای آخر نیمه‌ی اول و اوایل نیمه‌ی دوم آن قرن، تحركات آزادیخواهانه در کشورهای به وجود آمد، اما غربیها به سرعت توانستند آنها را کنترل کنند و زیر پنجه‌ی خودشان بگیرند. عراق را یک جور، بعضی کشورهای دیگر عربی را جور دیگر، مصر را به نحوی دیگر؛ نمیگذاشتند به هیچ وجه کنترل این منطقه‌ی حساس و سرشار از منابع حیاتی از دست آنها خارج شود. در چنین شرایطی، ناگهان انقلاب اسلامی آنها را غافلگیر کرد. باور نمیکردند نهضت روحانیت و رهبری امام به یک چنین حرکت عظیم مردمی تبدیل شود. ملت ایران یکپارچه وارد میدان شد. همت ملت ایران و رهبری بی نظیر امام بزرگوار ما این حادثه‌ی معجزه‌گون را آفرید.



خطوط اصلی شجره‌ی طیبه‌ی انقلاب اسلامی و ابعاد هر یک از آنها

امروز در هر نقطه‌ی از دنیای اسلام و میان امت اسلامی، در میان جوانان، در میان دانشگاهیان، در میان توده‌های مردم که شما بروید و نظرخواهی کنید، نظام جمهوری اسلامی، امام بزرگوار و ملت، در این نظام مورد قبول و تصدیق و حمایت و محبت اکثریت آنها هستند. ملت، در صحنه؛ نظام، در حال پیشرفت؛ کشور، در حال تحرک به سمت آرمانها؛ و دل‌های جوان، سرشار و لبالب از امید. اما ما باید بدانیم و توجه کنیم که تداوم این حرکت مبارک، بسته به این است که خطوط اصلی این حرکت را هرگز از یاد نبریم؛ کما اینکه تا امروز قاطبه‌ی ملت ایران و بخش عظیمی از نخبگان این کشور، آن را از یاد نبرده‌اند و آن را دنبال کرده‌اند.

سه اصل برجسته‌ی انقلاب اسلامی

اگر در بین خطوط اصلی چند نقطه‌ی اصلیت را بخواهیم نشانه کنیم و مطرح کنیم، یکی اسلامی بودن است؛ یکی مردمی بودن است؛ یکی نو بودن و ابتکاری بودن است.

بُعد اول از اصل «اسلامی بودن انقلاب»: تعلق به همه‌ی مسلمین با هر مذهبی

اسلامی بودن دارای خصوصیات گوناگونی است. ابعاد مختلفی از همین مطلب، از همین عنوان اسلامی بودن فهمیده میشود که باید به آنها توجه داشت. ما میگوییم نظام ما، اسلامی است؛ یعنی متعلق به اسلام است؛ مورد توجه و قبول همه‌ی مسلمانان است؛ مخصوص یک فرقه از مسلمانان نیست. درست است که این نظام از دل معارف شیعی جوشید و به وسیله‌ی یک مرجع تقلید شیعه، رهبری و هدایت شد، اما نظام جمهوری اسلامی هرگز شناسنامه‌ی تک‌مذهبی برای خود فراهم نکرده است. به همین دلیل هم هست که در سرتاسر دنیای اسلام، جوانان از مذاهب مختلف اسلامی، طرفدار و علاقه‌مند به این نظام بوده‌اند و نام امام را گرامی و مقدس داشته‌اند. در تمام این بیست و هشت سال و تا امروز، در کشورهای عربی، در بسیاری از کشورهای اسلامی غیرعربی در شرق و غرب دنیای اسلام، جوانان، دل‌باخته‌ی نام امام بزرگوار ما و شیفته‌ی جمهوری اسلامی‌اند.

امروز جوانان سنی فلسطین مانند جوانان شیعه‌ی مخلص لبنان، چشم به نظام جمهوری اسلامی دوخته‌اند. امید را از نگاه به جمهوری اسلامی در دل خود انباشته میکنند. استقامت جمهوری اسلامی، آنها را امیدوار میکند. آنها از عزت جمهوری اسلامی احساس عزت میکنند. در هر کشوری از کشورهای اسلامی، هر کدام از مسئولان عالیرتبه‌ی کشور ما به دانشگاهی رفتند، به میان مردم رفتند، مردم آنها را مانند جان در آغوش گرفتند؛ به آنها عشق میورزند. هرچه مواضع یک مسئول صریحتر و روشتر نمایانگر مواضع جمهوری اسلامی باشد، محبت و ارادت دنیای اسلام به او بیشتر میشود. بنابراین اسلام در کشور ما به معنای اسلام فرامذهب و هویت فرامذهبی است. اکثریت مردم کشور ما که شیعه و امامی و مخلص اهل بیت (علیهم‌السلام) هستند، در کنار اکثریت دنیای اسلام که دارای مذاهب مختلف اهل تسنن‌اند، و در کنار برادران شیعه‌ی خودمان در عراق و در لبنان و در پاکستان و در بحرین و در دیگر نقاط، با یک نگاه به جمهوری اسلامی نگاه میکنند و حاضرند در راه جمهوری اسلامی فداکاری کنند. ما در جنگ تحمیلی افرادی از کشورهای دیگر را سراغ داشتیم که برای دفاع از مرزهای جمهوری اسلامی، آماده‌ی فداکاری بودند. اسلامی بودن، یعنی وابسته‌ی به اسلام و مبتنی بر شرع مقدس اسلام.

بُعد دوم از اصل «اسلامی بودن انقلاب»؛ تعبد به کتاب و سنت

یک بُعد دیگر اسلامی بودن این است که ما ارزشهای اخلاقی و نظامهای سیاسی و اجتماعی و قواعد کلی دین را از کتاب و سنت میگیریم و به آن متعبدیم. ما به تعبد به کتاب و سنت افتخار میکنیم و معتقدیم فهم درست کتاب و سنت، برای یک نگاه باز و روشن و برای یک جامعه‌ی اسلامی میتواند صدها راه برای مسائل گوناگون زندگی باز کند. بعضی خیال میکنند تعبد به کتاب و سنت، محدودکننده‌ی انسان در تجربه‌های گوناگون و پی‌درپی و نوبه‌نو در زندگی جهانی است. این ناشی از درست نشناختن کتاب و سنت و نگاه عامیانه به کتاب و سنت کردن است. نگاه مجتهدانه به کتاب و سنت میتواند راههای گوناگونی را باز کند برای اینکه انسان بتواند جامعه، خود و نظامهای گوناگون را اداره کند و راههای بازی را در مقابل خود بیابد.

بُعد سوم از اصل «اسلامی بودن انقلاب»: استفاده از اجتهاد اسلامی

یک بُعد مهم اسلامی بودن این است که اجتهاد اسلامی، میتواند به تمام نیازها پاسخگو باشد و پشتوانه‌ی علمی فقیهان و متکلمان و فیلسوفان اسلامی و دانشمندان علوم اسلامی، میتواند راهها را باز کند.

خط اصلی دوم: مردمی بودن نظام جمهوری اسلامی

خط اصلی دوم، مردمی بودن است. مردمی بودن در نظام جمهوری اسلامی، یک شاخه‌ی اصلی است؛ یعنی رأی مردم، هویت مردم، کرامت مردم، خواست مردم، از جمله‌ی عناصر اصلی در نظام جمهوری اسلامی و این بنای مستحکم است. رأی مردم تعیین کننده است. نیازهای مردم، هدف اساسی دولتمردان و نظام جمهوری اسلامی است. این نیازها، هم نیازهای مادی است و هم نیازهای معنوی و اخلاقی و روحی.

ابعاد مختلف اصل «مردمی بودن انقلاب اسلامی»

در نظام جمهوری اسلامی همچنانی که اقتصاد مردم اهمیت دارد، امنیت مردم هم اهمیت دارد؛ همچنانی که امنیت جسم آنان دارای اهمیت است، امنیت اخلاق آنان هم دارای اهمیت است؛ همچنانی که حفظ تشکیلات کشوری مهم است، حفظ نظام خانواده هم مهم است. جمهوری اسلامی در مقابل همه‌ی این نیازهای مردم، خود را موظف میداند و مردم به معنای حقیقی کلمه، صاحب رأی و صاحب اختیارند؛ برخلاف دموکراسی رایج در غرب؛ لیبرال دموکراسی شکست خورده‌ی رسوا شده‌ی غربی. دموکراسی غربی در حقیقت انتخاب مردم نیست، انتخاب زرسالاران است؛ حتی انتخاب بدنه‌ی احزاب هم نیست، انتخاب سران و رهبران احزاب است. آنها هستند که حکومتها را می آورند و میبرند؛ آنها هستند که تصمیمهای بزرگ را میسازند. مردم در اکثر تصمیمهای بزرگ، برکنار از تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌اند؛ کسی هم به آنها اعتنا نمیکند. آنقدر هم آنها را گرفتار مشغله و کار میکنند که نمیتوانند و فرصت آن را پیدا نمیکند که آنچه را که میخواهند، به زبان بیاورند.

ساخت استبدادی و دیکتاتوری به شکل بسیار مدرن و پیشرفته، امروز در بسیاری از کشورهای غربی و در رأس آنها در امریکا مستقر و حاکم است. آنجا مردم به معنای

انسانهای صاحب اختیار و صاحب اراده، نقشی در بر سر کار آوردن حکومتها ندارند؛ پول است و زور صاحبان سرمایه و زرسالاران است که همه چیز را تعیین میکنند و همه چیز را در مجرای دلخواه خود به حرکت می‌اندازد.

نظام جمهوری اسلامی، آن دموکراسی مبتنی بر مبانی غلط غربی را رد میکند. مردمسالاری دینی به معنای کرامت حقیقی انسان و حرکت عموم مردم در چهارچوب دین خدا و نه در چهارچوب سنتهای جاهلی و خواسته‌های کمپانیهای اقتصادی و اصول خودساخته‌ی نظامیان و جنگ‌سالاران است. در نظام جمهوری اسلامی، حرکت برخلاف آنهاست؛ حرکت در چهارچوب دین خداست و اراده‌ی مردم، تعیین‌کننده‌ی مطلق است. امروز نظامهای غربی و در رأس آنها امریکا، همین دموکراسی بد تجربه‌شده و بد امتحان‌پس داده را میخواهند به‌زور به بعضی کشورها تحمیل کنند. دولت فلسطین را که از آرا مردم برخاسته، قبول نمیکنند؛ برای دولت عراق که از آرا مردم به معنای حقیقی کلمه، جوشیده و بر سر کار آمده، انواع مشکلات را درست میکنند؛ از کودتاهای نظامی و کودتاگران نظامی به شرطی که زیر فرمان آنها باشند، کمال حمایت را میکنند، باز دم از مردمسالاری میزنند!

اصل سوم نظام جمهوری اسلامی؛ «نو بودن انقلاب»

مشخصه‌ی سوم نوآوری است. من با اصرار میخواهم به نخبگان سیاسی و فرهنگی خودمان این توصیه را بکنم که مبانی اسلام را آنچنانی که از کتاب و سنت فهمیده میشود، بیان کنند و در مقابل نگاه پرسشگر مردم دنیا یا مردمی از داخل کشور خودمان قرار بدهند. این بسیار بد است که بعضی از ما احیاناً بخاطر احساس حقارتی که در مقابل غربیها میکنند، سعی کنیم افکار اسلامی را آنجوری بیان کنیم که با نظرات غربی تطبیق بکند؛ این بسیار نامناسب و ناشایسته است. ما امروز معارفی داریم؛ ادبیات سیاسی ما در دنیای امروز دارای جذابیت است. یک عده‌ای چون خودشان دل‌باخته به مفاهیم غربی هستند، افکار اسلامی، مبانی حکومتی و قواعد گوناگون اجتماعی در اسلام را جوری بیان میکنند که با مبانی غربی تطبیق کند؛ برای اینکه آنها خوششان بیاید!

ما باید این فکر را بکنیم که این نوآوری اسلامی را که تاکنون برکات خودش را به

این روشنی نشان داده است - با اینکه ما در عمل نواقص زیادی داشته‌ایم - بتوانیم به دنیا تفهیم کنیم؛ به دنیا بشناسانیم. امروز مشتاقان معارف معنوی واقعی و راستین - معارف معنوی راستین، نه آنچه که بعضی از مکاتب انحرافی بعنوان معنویت بیان میکنند - در دنیا بیشمارند؛ زیادند. زندگی مادی، چرخ و پَر زندگی ماشینی، مردم بسیاری را به ستوه آورده است. مکتب اسلام میتواند دریچه‌ای در مقابل آنها باز کند؛ عالم نوی را به آنها نشان بدهد. ما نباید در بیان حقایق اسلامی، نوآوریهای اسلامی را با تطبیق با مبانی غلط دیگران از بین ببریم و این جلوه را خراب کنیم. ما از یاد گرفتن از دیگران ننگ نداریم. هر چه را که بلد نیستیم، از دیگران یاد میگیریم. آن حرف خوبی که دیگران بگویند، آن را از آنها میپذیریم؛ این دستور اسلام است؛ اما آنجایی که می‌خواهیم سخن اسلام را بیان کنیم، باید سخن اسلام ناب را فراهم بکنیم.



ناباوری دنیا در مقابل هویت جدید ایجاد شده توسط حضرت امام

من در یک جمله عرض بکنم: برادران و خواهران عزیز! این هویت جدیدی که امام بزرگوار ما به وجود آورد، با ناباوری همه‌ی دنیا مواجه شد. آن روزی که در مقابل جنگ تحمیلی توانست دوام بیاورد و پیروزی را به نام خود ثبت کند، یکبار دیگر دنیا را متعجب کرد؛ آن روزی که توانست با پیشرفت علمی خود در مسئله‌ی هسته‌ای و مسائل دیگر علمی، تواناییهای خود را اثبات کند، یکبار دیگر چشمهای افراد صاحب‌نظر را متعجب و خیره به خود کرد. من عرض میکنم راه طولانی‌ای در پیش دارید و در این راه طولانی، موفقیت‌های بیشماری در انتظار شماست. آنچه که تاکنون ملت ایران از موفقیت‌ها بدست آورده است، در مقابل آنچه که به برکت ایستادگی و روشن‌بینی و آگاهی، در آینده ان‌شاءالله بدست خواهد آورد، چیزی محسوب نمیشود. آینده‌ی ملت ایران از گذشته‌ی او به مراتب بهتر خواهد بود.

امروز دستگاه امپراتوری خبری و رسانه‌ای دشمن، سعی میکند تصویر مخدوش و غلطی را از ملت ایران و جمهوری اسلامی منعکس کند؛ اما تصویر واقعی این است: ملت ایران در برابر همه‌ی تهدیدها و چالش‌هایی که در این بیست و هشت سال با آن مواجه بود، پیروز شد؛ ملت ایران در مقابل همه‌ی فشارهای گوناگونی که آوردند،

توانست اصول خود و جهتگیریهای خود را حفظ کند؛ ملت ایران بر اثر صبر و پایداری خود توانست هم در بخش علمی و آنچه مربوط به پیشرفتهای علم و فناوری است، هم در بخشهای مدیریت اجتماعی و سیاسی کشور و هم در وجهی عزت بین‌المللی، رتبه‌ی خود را به رتبه‌های بسیار بالا برساند و بالاخره ملت ایران توانست برای ملت‌های مسلمان منطقه الگو بشود. ملتها از ایستادگی ملت ایران، احساس عظمت میکنند؛ احساس عزت میکنند؛ عزت ملت ایران را عزت خودشان میدانند. این، آن هویتی است که انقلاب اسلامی با پایداری این مرد بزرگ و با همت ملت ایران به وجود آورده است.

در دیدار گروه کثیری از زنان نخبه در آستانه‌ی سالروز میلاد حضرت زهرا (س)، ۱۳۸۶/۴/۱۳

امام خمینی؛ نقطه‌ی عطفی در نگاه به مبانی اسلامی در مقوله‌ی زن

میلاد باسعادت بانوی بزرگ و چهره‌ی درخشنده‌ی همه‌ی تاریخ بشر در میان زنان، حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) را به شما خواهران عزیز و دختران عزیزم تبریک عرض میکنم. همچنین تصادف این روز بزرگ را با ولادت امام عزیز و بزرگوارمان - که این عزیز و این بزرگوار هم نقطه‌ی عطفی است در نگاه به مبانی اسلامی در همه‌ی زمینه‌ها، از جمله در مقوله‌ی مربوط به مسئله‌ی زن و بانوان - خدمت شما عزیزان، خواهران و دختران و فرزندان خودم تبریک عرض میکنم.

در دیدار مداحان و ذاکران اهل بیت (ع) به مناسبت میلاد حضرت فاطمه (س)، ۱۳۸۶ / ۰۴ / ۱۴

آگاهی کامل امام راحل از نقشه‌های تفرقه‌انگیز دشمنان بین مسلمین

یکی از چیزهایی که من بخصوص میخواهم تکیه کنم، مسئله‌ی «انسجام اسلامی» است که ما گفتیم. انسجام اسلامی یعنی عصبیتهای بین‌الماذهبی مسلمانها نباید تحریک شود. شما نباید کاری کنید که عصبیت آن مسلمان غیرشیعه علیه شما تحریک شود؛ او هم متقابلاً نباید کاری کند که غیرت و عصبیت شما را علیه خودش تحریک کند. آنها همین را میخواهند. الآن شما ببینید دو تا گروه فلسطینی در فلسطین دارند با هم میجنگند! برای اسرائیل چه از این بهتر! به جای اینکه تفنگها به طرف آنها متوجه شود، علیه همدیگر دارند میجنگند! خوب، این خیلی چیز خوبی برای اسرائیل است. چقدر خرج کند، می‌ارزد که یک چنین وضعی پیش بیاید. فرض بفرمایید در لبنان هم یک گروهی

پیدا میشوند و بنا میکنند با یک گروه دیگری مبارزه کردن و جنگیدن. چه نعمتی بزرگتر از این برای اسرائیل و امریکا! این بهتر است یا اینکه یک گروهی مثل حزب الله بیاید جلو، همه هم دنبالش - بعضی از روی دل و ایمان، بعضی هم از روی ترس از افکار عمومی - و اسرائیل را شکست بدهند؟ معلوم است که وضعیت اختلاف برای آنها بهتر است. در دنیای اسلام، قضیه همین است. آیا مسلمانهای مصر و اردن و عراق و پاکستان و هند و ترکیه و جاهای دیگر، اگر به خیابانها بیایند و به نفع جمهوری اسلامی شعار بدهند، برای امریکا بهتر است یا کاری کند که اگر در یک مسئله‌ای، ایران اسلامی صدایی بلند کرد، همه‌ی این ملتها خاموش بشوند؛ بعضیها اظهار مخالفت هم بکنند؟ پیداست دنبال دومی‌اند. چه جوری میشود؟ چطور ممکن است این کار؟ خیلی آسان است. کاری کنند که عصبیتهای شیعه و سنی را زنده کنند. به آنها تفهیم کنند اینها شیعه‌اند؛ اینها صحابه را سب میکنند؛ اینها مقدسین شما را چنین و چنان میکنند. جدایی بیندازند؛ آنها این را میخواهند.

منادی وحدت شیعه و سنی، از اولی که این فکرها پیدا شده، این چیزها مورد نظرش بوده است. یک عده‌ای چرا نمیفهمند؟ امام بزرگوار ما که منادی اتحاد بین مسلمین بود، از همه‌ی اینهایی که مدعی‌اند، ولایتش و اعتقادش و ارادتش و عشقش به ائمه (علیهم‌السلام) بیشتر بود. او بهتر میفهمید ولایت را یا فلان آدم عامی که حالا به اسم ولایت کارهای خلاف میکند، حرفهای بی‌ربط میزند در مجالس عام و خاص؟ وحدت را حفظ کنید!

در دیدار با اعضای محترم شورای نگهبان قانون اساسی و مسئولین بخشهای نظارتی، ۱۳۸۶/۴/۲۰

اهمیت ایستادگی امام در حمایت از شورای نگهبان

اصل ایجاد شورای نگهبان در قانون اساسی، یک کار ضروری و لازم و کاملاً متین و حکیمانه بود. امروز هم هرچه بیشتر پیش می‌رویم، به اهمیت حضور شورای نگهبان بیشتر پی می‌بریم. شواهد متعددی از همه طرف برای انسان روشن میکند که چه فکر درستی بود گذاشتن این شورا در قانون اساسی، و چه لطف بزرگی کرد خدای متعال برای این کار، و امام بزرگوار ما که اینطور محکم در مقابل شبهات ایستادند و از شورای نگهبان دفاع کردند؛ ایشان چه کار بزرگی را انجام میدادند و در نظر داشتند.

۱ مضمون این مطلب در «دیدار جمعی از مسئولان در سالروز ولادت حضرت رسول اعظم (ص)»، ۱۳۸۷/۱۲/۲۵ نیز تکرار شده است.

شباهت برخی خصوصیات امام به خصوصیات امیرالمؤمنین(ع)

قدرتهایی که امروز تسلط بر عالم دارند، قدرتهای ستمگر و ظالمند و به همین دلیل هم با جمهوری اسلامی سر ناسازگاری و سر ستیزه‌گری دارند. ایستادگی جمهوری اسلامی، مظهر عدالت‌خواهی امیرالمؤمنین است. آنچه ما ملت ایران و مسئولان بالخصوص بر عهده داریم، این است که این الگو را هرچه بیشتر به نمونه‌ی اصلی خود نزدیک و شبیه کنیم. در داخل کشور شعار «عدالت» را جدی باید گرفت؛ شعار «دینداری» را جدی باید گرفت؛ راه امیرالمؤمنین را جدی باید گرفت و همین است که میتواند ما را برای رسیدن به آرمانها و آرزوهای بلند ملت ایران کمک کند؛ کما اینکه خصوصیات امام بزرگوار ما در آن چیزهایی که پیشرفت جامعه و حیات جامعه‌ی اسلامی محتاج آن هست، شبیه خصوصیات امیرالمؤمنین بود؛ البته با فاصله‌ی مشخصی که بین آن قلّه‌ی عظیم با انسانهای معمولی هست. امام بزرگوار ما در راه حق و عدالت قائل به رودربایستی و ملاحظه‌ی این و آن و ترس و ضعف و عقب‌نشینی نبود؛ او هم همانطور که امیرالمؤمنین توصیه فرموده بود که: «لا تستوحشوا فی طریق الهدی لقلّة أهله»، از تنهایی نمیترسید؛ از اینکه تنها بماند، نمیترسید، واهمه نداشت؛ حق با اوست، پس خدا با اوست. با مجاهدت حرکت کرد، خدای متعال هم ملت ایران و ملت‌های مسلمان را با او در دل و در جوارح همراه کرد و دیدید چه حرکت عظیمی به وجود آمد. امام اینجوری بود.

امروز هم مسئولان کشور و آحاد مردم ما اگر میخواهند ملت ایران به آن قلّه‌ی بلند عظمت و افتخار و عزّتی که آرزویش را دارد، دست پیدا کند، باید همین راه را دنبال کنند؛ باید با شجاعت تمام، با آگاهی و بینش کامل، با خطرپذیری در مقابل قدرتمندان و زورگویان و زورمندان عالم این راه را ادامه دهند. موفقیت در «ایستادگی» است.

حاکم شدن فضای وفاداری به مبانی امام و انقلاب در جامعه

این برای انقلاب ما یک پدیده‌ی معجزه‌آسا و بی‌نظیر است که ما امروز همان شعارهایی را میدهم و همان اصول و مبانی‌ای را برای خودمان برنامه‌ی عمل قرار داده‌ایم که در اول انقلاب همانها اعلام شده بود؛ یعنی در برنامه‌ریزیهای ما و در خواست ما، هیچ تخطی‌ای از این اصول صورت نگرفته است. این خیلی مهم است. روشها تغییر پیدا میکنند، لکن مبانی و اصول باقی میمانند. این اصول اساسی باقی مانده. همه‌ی دشمنی و خصومتی هم که با انقلاب ما انجام میگیرد، برای بقای این اصول است.

پس شعارهای شما، فضای اصولگرایی و فضای ارزشهای انقلابی و فضای وفاداری به مبانی امام و انقلاب را بر جامعه حاکم کرده است؛ این خیلی چیز باارزشی است. اولین و مهمترین شاخصه‌ی دولت شما این است.

وضعیت بهتر امروز ملت نسبت به حاکمیت مبانی امام

امروز ملت ما از لحاظ نشاط و آمادگی روحی جلوترند. امروز ملت ما از لحاظ حاکمیت ارزشهای انقلابی و مبانی امام بزرگوار، جلوتر از گذشته است. در طول این چهار، پنج سال هرچه تلاش کردند، به عکس، ملت ایران زنده‌تر، هوشیارتر، بانشاط‌تر و در صحنه‌ترند و در هیچ مسئله‌ای نیست که انسان ببیند ملت ایران از خودشان بی‌تفاوتی نشان میدهند، در حالی که جای حضور آنهاست.

امام و امت؛ عناصر نقش اول در شکل‌گیری انقلاب اسلامی

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۱. انتخاب با خود ملت است. اگر در میان یک ملتی که اینجور زیر ستم است، انسانهای بزرگی پیدا شدند، آزادگانی پیدا شدند،

۱ سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۱۱. در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمیدهد تا آنان حال خود را تغییر دهند.

علمای برجسته‌ی با شجاعت وارد میدان شدند، آحاد مردم حاضر شدند از لذت‌های زودگذر و راحت‌های حقیر روزمره‌ی زندگی صرف‌نظر کنند و مجاهدت کنند و دل به شهادت بدهند، میتوانند خودشان را از این ذلت زیر سلطه بودن خارج کنند. این انتخابی بود که ملت ایران با انقلاب اسلامی کرد.

نقش اول متعلق به امام و امت است. پاسخ مثبت امام بزرگوار ما - این شخصیت بی‌نظیر و فراموش‌نشدنی تاریخ کشور ما - و پاسخ امت به امام در این حرکت، ورق را برگرداند؛ سیلی را خورده بودیم، متقابلاً سیلی زدیم. انقلاب اسلامی سیلی بزرگ ملت ایران به دست‌اندازیه‌ها و تجاوزها و زورگوییها و تحقیرها و سلطه‌طلبی ظالمانه‌ی امریکا و قدرت‌استکباری در طول سالهای متمادی بود. یک مظهرش البته سیزده آبان سال ۵۸ است که این مخصوص جوانهاست. همه‌ی ملت ایران در دوران انقلاب نقش ایفا کردند؛ زنان نقش برجسته ایفا کردند، مردان نقش برجسته ایفا کردند، قشرهای مختلف همه وارد میدان شدند؛ این حادثه‌ی بزرگ اتفاق افتاد.

کشور ما یک‌روز نقطه‌ی حساس و اساسی تمرکز سلطه‌ی استکباری در این منطقه بود. زمامداران خائن، خاندان منحوس پهلوی، رجال خودباخته و رشوه‌بگیر، روشنفکران ساکت، علمای بی‌تفاوت، مجموعاً همه دست‌بدست هم داده بودند و ملت را مثل یک آب راکد درآورده بودند. سلطه‌گران هم هر کار میخواستند، با این ملت میکردند، که یکی از نمونه‌هایش همان کاپیتولاسیون بود که اشاره کردم. در مجلس ایران قانون گذراندند که دولت ایران و دستگاه قضایی ایران نسبت به مجرم و جنایتکار امریکایی در ایران حق تعقیب ندارد. امام آن روز فریاد کشید؛ امام آن روز برای مردم حقیقت مطلب را روشن کرد. اگر یک نظامی سطح‌پائین امریکایی - یک گروه‌بان امریکایی، یک آشپز امریکایی - به بزرگترین مقامات علمی، دینی، سیاسی کشور ما اهانت میکرد، مردم حق نداشتند او را محاکمه کنند! اتفاقی که در کشورهایی که امریکاییها در آنجا ظلم میکنند، الآن دارد اتفاق می‌افتد. شما ببینید همین شرکت امریکایی «بلک‌واتر» در بغداد، مردم بیگناه را به رگبار میندند، کسی جرأت ندارد اینها را محاکمه کند و بگوید چرا کردید. اینها یک چنین وضعیتی را در ایران طلب و دنبال میکردند. بر ملتی وقتی مسلط شدند، به هیچ چیز آن

ملت رحم نمیکنند. ملت باید به خود بیاید، هوشیار باشد، راه خود را پیدا کند؛ و ملت ایران پیدا کرد.

در دیدار گردانهای نمونه‌ی عاشورا و الزهرای بسیج، ۱۳۸۶/۹/۵

شباهت خصوصیات بسیج مستضعفین امام با خصوصیات انقلاب اسلامی

بسیج مستضعفین که امام آن را بنیاد کرد، سر تا پا روح بود، معنویت بود و جان بود. اتفاق افتاد که آغاز ولادت بسیج نزدیک شد به شروع جنگ تحمیلی که هشت سال این ملت را به دفاع مشغول کرد. بنابراین بسیج از اوایل ولادت خود، وارد میدان نبرد شد؛ آن هم نبردی سخت؛ نبردی که یک طرف آن همه‌ی قدرتهای بزرگ جهانی پشت سر رژیم متجاوز صدام بودند، یک طرف ملت ایران بود و نیروهای مسلح ایران. در چنین جنگی بسیج وارد شد.

بسیج مثل انقلاب سیراب از معارف اسلامی و سلوک دینی است. انقلاب ما تحت تأثیر جوسازی به اصطلاح انقلابیون ملحدی که در سراسر جهان ادعاهایشان گوش فلک را گر میگرد، قرار نگرفت. مظهر این تعبد و تمسک به دین، امام بزرگوار ما بود؛ یکپارچه متمسک به دین، در اصول و فروع، در معارف والای اسلامی و در عمل فردی؛ انقلاب اینجور متولد شد. ملت به این سمت حرکت کردند، این را خواستند، برای این جان دادند. بسیج هم همینجور متولد شد. بسیج یک مجموعه‌ی دینی است.

بسیج مثل انقلاب با دشمنان سازش ناپذیر است. انقلاب اسلامی را زیر فشار قرار دادند برای اینکه به سود قواعد ظالمانه‌ی جهانی از جایگاه خود عقب‌نشینی کند؛ انواع فشارها را بر انقلاب و بر نظام جمهوری اسلامی به این منظور وارد کردند که یکی‌اش تحمیل هشت سال جنگ بر این کشور بود. انقلاب تسلیم نشد، امام تسلیم نشد، بسیج هم در مقابل فشارها و قواعد ظالمانه و جوسازیها هرگز تسلیم نمیشود و یک قدم به عقب نمی‌رود.

در دیدار جمعی از اساتید، فضلا، مبلغان و پژوهشگران حوزه‌های علمیه‌ی کشور، ۱۳۸۶/۹/۸

خاطره‌ای از مخالفین امام، در راستای افزایش تحمّل مخالفین در حوزه

ما تحمّل را در حوزه باید بالا ببریم. خوب، یکی مشرب فلسفی دارد، یکی مشرب عرفانی دارد، یکی مشرب فقهاتی دارد، ممکن است همدیگر را هم قبول نداشته باشند. من چند ماه پیش از این، در مشهد گفتم که مرحوم آشیخ مجتبی قزوینی (رضوان‌الله تعالی علیه) مشرب ضدّیت با فلسفه‌ی حکمت متعالیه، مشرب ملّاصدرا، داشت - ایشان شدید، در این جهت خیلی غلیظ بود - امام (رضوان‌الله علیه) چکیده و زبده‌ی مکتب ملّاصدراست؛ نه فقط در زمینه‌ی فلسفی‌اش، در زمینه‌ی عرفانی هم همین‌جور است. خوب، مرحوم آشیخ مجتبی نه فقط امام را قبول داشت، از امام ترویج میکرد تا وقتی زنده بود. ترویج هم از امام کرد؛ ایشان بلند شد از مشهد آمد قم، دیدن امام. مرحوم آ میرزا جواد آقای تهرانی در مشهد جزو برگزیدگان و زبندگان همان مکتب بود، اما ایشان جبهه رفت. با تفسیر حمد امام که در تلویزیون پخش میشد، مخالف بودند؛ به خود من گفتند؛ هم ایشان، هم مرحوم آقای مروارید، اما حمایت میکردند. از لحاظ مشرب و ممشا مخالف، اما از لحاظ تعامل سیاسی، اجتماعی، رفاقتی، با هم مانوس؛ همدیگر را تحمّل میکردند. در قم باید اینجوری باشد.

در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد، ۱۳۸۶/۱۰/۱۳

تأثیر ویژه‌ی شخصیت امام در ایجاد اعتماد به نفس ملّی

ملت ما بر اثر انقلاب، بر اثر دفاع مقدّس، بر اثر تأثیر شخصیت ویژه‌ی امام - که حالا بعد اگر انشاءالله یادم ماند، اشاره میکنم که در ایجاد اعتماد به نفس ملّی، شخص امام و عناصر تشکیل‌دهنده‌ی شخصیت او، یکی از بیشترین تأثیرها را داشت - و بر اثر پیشرفتهای گوناگون، امروز به یک نصاب قابل قبولی از اعتماد به نفس دست یافته است.

در دیدار جمعی از اقشار مختلف مردم قم، ۱۳۸۶/۱۰/۱۹

نوزده دی؛ پاسخ به موقع ملت به ندای امام خمینی (ره)

ملت ایران به موقع بیدار شدند و پاسخ گفتند به ندای رهبر عظیم‌الشان خودشان و

ره، رهرو، رهبر / ۸۲۱

وارد میدان شدند. نوزده دی یک چنین مقطع تاریخی حساسی است؛ اینها را باید زنده نگه داشت. تلاش شده است و میشود برای اینکه احساسات مردم و این مقاطع حساس از یادها برود.

مردم قم نشان دادند که وفادارند و پایبندند. در طول این زمانها، کسانی هم پیدا شدند که به تعبیر قرآن، «فَمَنْ نَكْتَفِ إِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ»؛^۱ این بیعت را با انقلاب و با اسلام و با امام شکستند، اما این شکستن بیعت به زیان خودشان بود: «نکث علی نفسه». بعضیها وفاداری نشان دادند؛ «وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا»^۲؛ پایبندی نشان دادند؛ وفاداری نشان دادند، که این اکثریت عظیم ملت ما بودند؛ ایستادند پای حرفشان و خدای متعال اجر عظیم را به آنها داد؛ پیروزی در جنگ را داد؛ پیروزی در همه‌ی میدانها در مقابل ابرقدرتها را داد؛ رشد ملی و پیشرفت گوناگون در عرصه‌های مختلف را به این ملت داد.



علت تکیه‌ی تام انقلاب و امام روی موضوع امام حسین(ع)

و ملت اسلام اگر نام حسین را و یاد حسین را زنده نگه بدارد و آن را الگو قرار بدهد برای خود، از همه‌ی موانع و مشکلات عبور خواهد کرد. لذاست که ما در انقلاب اسلامی، در نظام جمهوری اسلامی از صدر تا ذیل، همه-مردم، مسئولین، بزرگان، شخص امام بزرگوار ما- بر روی مسئله‌ی امام حسین و مسئله‌ی عاشورا و همین عزاداریهای مردمی، تکیه کردند و جا دارد. این عزاداریها جنبه‌ی نمادین دارد، جنبه‌ی حقیقی هم دارد؛ دلها را نزدیک میکند، معارف را روشن میکند.

در دیدار اقشار مختلف مردم آذربایجان به مناسبت روز ۲۹ بهمن، ۱۳۸۶/۱۱/۲۸

امام؛ بیدارکننده‌ی ملت ایران

اگر فرض کنید یک ملتی که در طول قرنهای متوالی بر اثر فساد دستگاههای حاکم، بر

۱ سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۱۰. پس هر که پیمان‌شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان می‌شکند، و هر که بر آنچه با خدا عهد بسته وفادار بماند، به زودی خدا پاداشی بزرگ به او میبخشد.

۲ همان.

اثر استبدادهای گوناگون دچار غفلت شده است، دچار عقب‌ماندگی شده است، از قافله‌ی علم و تمدن و همه چیز عقب افتاده است، بعد هم استعمار وارد شده است با شیوه‌ها و روشهای بسیار پیچیده و مرموز، اینها را در آن حالت نگه داشته، منابع حیاتی آنها، ارزشهای تاریخی و فرهنگی آنها را نابود کرده است و زمام این ملت و این کشور را در دست گرفته است، بخواهد ورق را برگرداند، به چه احتیاج دارد؟ میشود رفت پیش استعمارگر ظالم و غدار و از او خواهش کرد: آقا شما بیاید از استعمار دست بردارید، از منافع خودتان صرف‌نظر کنید؟ میشود این کار را کرد؟ فایده‌ای دارد؟ اگر نه، بگوییم التماس نمیکنیم، مذاکره میکنیم، با مذاکره حل میشود؟ میشود طعمه را از دهان گرگ با مذاکره، با حرف حساب، درخواست گرفت، میشود این کار را کرد؟

ملتها در چنین مقاطعی یک راه بیشتر ندارند و آن اینکه جوهر خودشان را نشان بدهند، قدرت خودشان را به صحنه بیاورند، از تواناییهای خودشان استفاده کنند تا دشمن نتواند بر روی ضعفها و ناتوانیهای آنها تکیه کند. جز این راهی برای یک ملت وجود ندارد. این کاری بود که ملت ایران کرد. این کار هم احتیاج دارد به بیدار بودن، آگاه بودن، تنبلی نکردن، دل به خواسته‌ها و آسایشهای حقیر مادی نقد و کوچک نسپردن، اهداف و آرمانهای بزرگ را در نظر گرفتن و وارد میدان شدن؛ به این احتیاج دارد. اساسش بیداری است؛ این کار را ملت ایران کرد. بیست و دوم بهمین اوج این کار بود. بیدارکننده‌ای که سالها فریاد کشید تا این مردم را بیدار کند، امام بزرگوار ما بود.

فراموش شدن امام؛ محاسبه‌ی اشتباه مخالفین

آن کسانی که در طول این سالهای وسط ناگهان هیجان‌زده شدند، اعلام کردند که انقلاب تمام شد، انقلاب مُرد، امام فراموش شد، خطا کردند، بد محاسبه کردند، اشتباه کردند. انقلاب بانشاط تر شد. ارزشهای انقلاب زنده تر شد.

علت افتخارآفرینی امام و انقلاب در دنیای اسلام

شما مردم هوشیاری هستید؛ این را چه امثال من بدانیم، چه ندانیم، چه بگوییم، چه

ره، رهرو، رهبر / ۸۲۳

نگوییم، تاریخ ما، انقلاب ما، حوادث این بیست و نه سال ثابت کرده است؛ نه فقط به خود ما، به دنیا ثابت کرده. لذا به نام شما و ملت شما و مردم شما و امام شما افتخار میکنند. همین شهدای برجسته‌ی دنیای اسلام، همین شهید عزیزی که چند روز قبل به وسیله‌ی صهیونیستها به شهادت رسید، اینها افتخار میکردند که بچه‌های امامند؛ خودشان را فرزند امام میدانستند. این شهید حاج عماد خودش را فرزند امام میدانست. یعنی واقعاً اگر با یک جوان خودمان مقایسه کنیم، او معتقد نبود که این جوان ایرانی به امام از او نزدیکتر است. او هم خودش را بقدر یک جوان ایرانی فرزند امام و نزدیک به امام میدانست؛ چرا؟ چون امام به او روح داده بود؛ امام او را زنده کرده بود. اینجور جوانها همیشه در لبنان و در فلسطین و در غزه و در همه جا بودند، اما اینجور کارهای بزرگ از اینها سر نمیزد.



شکرگزاری بر نعمت امام عظیم‌الشان (ره)

خدا را شکر میکنیم؛ خدا را شکر میکنیم بر نعمت انقلاب، خدا را شکر میکنیم بر نعمت امام.

در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۶/۱۲/۲۲

مجلس مقتدر؛ نتیجه‌ی انتخاب نماینده‌ی پایبند به خط امام

باید ما هوشیار باشیم؛ آحاد ملت باید هوشیار باشند. نماینده‌ی متدین، امین، طرفدار عدالت، مخالف با فساد، طرفدار حقوق محرومین، پایبند به مبانی اسلام و ارزشهای اسلامی و خط امام؛ یک چنین نماینده‌ای را بفرستند مجلس؛ آن وقت مجلس مقتدر خواهد شد، عزتمند خواهد شد. تشخیص این برای همه البته آسان نیست، ولی باید تحقیق کرد، باید به آدمهای مطلع، آدمهای خبره، آدمهای مطمئن مراجعه کرد.



سفارش امام؛ نترسیدن از بدگویی دشمن و ترسیدن از تعریف او

رحمت خدا بر امام بزرگوار ما که میفرمود از دشمنی دشمن، از دشنام دشمن نترسید؛

وقتی او به شما بدگویی میکند، اخم میکند، دشنام میدهد، بدانید که شما یک کار بزرگی انجام داده‌اید یا دارید انجام می‌دهید که او ناراحت است. از این بترسید که از شما تعریف کند. اگر دشمن از شما تعریف کرد، این نشان‌دهنده‌ی این است که شما یک کاری به نفع او انجام داده‌اید. هر کسی را که دشمن ما، دشمن ایران، میخواهد که او بر سر کار نباشد، در مجلس نباشد، در دولت نباشد، او باید باشد؛ او به نفع ایران است. هر کسی را که دشمن ما میخواهد که او برود در دستگاه حاکمیت کشور و قانونگذاری کشور، او نباید برود. او طبق خواست دشمن عمل خواهد کرد.

در دیدار گروه کثیری از کارگران و کارآفرینان، ۱۳۸۷/۲/۴

پیشبرد کشور با همدلی مردم؛ نکته‌ی مؤکد امام بزرگوار

این کشور با اتحاد مسئولین، با همدلی مسئولین، با همدلی ملت با مسئولین، با اتحاد عظیم ملت ایران پیش خواهد رفت. همه‌ی تلاش امام بزرگوار ما در طول آن ده سال زندگی بابرکت خود در رأس جمهوری اسلامی، بر همین تأکید و بر همین نکته بود؛ اتحاد مردم، همدلی مردم. امروز هم همان است؛ باید کاری کنیم و ملت ایران کاری بکنند که مسئولین کشور با هم همدل باشند، همراه باشند، اختلاف و شقاق و درگیری و مچ‌گیری و دست به یقه شدن و ایراد بنی‌اسرائیلی از یکدیگر گرفتن، این چیزها نباشد.

در دیدار با مردم شیراز، ۱۳۸۷/۰۲/۱۱

بیداری امام از عوامل بالادستی انقلاب اسلامی

در همه‌ی حوادث عالم چند عنصر را باید در کنار هم دید: یکی نگاه به عوامل اولی، یعنی عوامل بالادستی حادثه است: انگیزه‌ها، هدفها، زمینه‌های تاریخی، زمینه‌های جغرافیایی و جغرافیای سیاسی؛ اینها چیزهایی است که در شناخت حادثه تأثیر دارد. در حادثه‌ی انقلاب ما، آن عنصر اول عبارت است از همان ایمان مردم، مبارزات آزادیخواهانه و جرقه‌های این مبارزات - که در مشروطیت و در تحریم تنباکو به وسیله‌ی میرزای شیرازی و در نهضت ملی شدن صنعت نفت و در حوادث گوناگون دیگر، این زمینه‌های تاریخی وجود پیدا کرد- و بیداری روحانیت مبارز و شخص امام بزرگوار که از این زمینه‌ها بهترین استفاده را کرد و این حرکت به راه افتاد. این، آن پیش‌زمینه است.

جایگاه پیامبرگونه‌ی معلّمی؛ در فکر امام حکیم

امام بزرگوار ما حکیم بود. امام یک حکیم به معنای قرآنی بود. حکیم یعنی آن کسی که حقایق را مشاهده میکند که از چشمهای دیگران مغفول^۱ عنه است؛ پوشیده است. کلمات او، کلماتی ممکن است ساده بنظر بیاید، اما هرچه میشکافید، میبینید لایه‌ها و عمقهای بیشتری دارد. امام اینجوری بود. و شما نگاه کنید به قرآن، آنجاهایی که حکمت به کار رفته است: «ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ»، ببینید اینها چه است. میبینید به‌حسب ظاهر توصیه‌های معمولی است. همین است که ما به همدیگر دائم می‌گوییم؛ اما هرچه میشکافید، میبینید عمقش زیادتراست. فرض کنید احترام به پدر و مادر یکی از حکمتهاست. نمیشود برای احترام به پدر و مادر از لحاظ منافع و برکاتی که احترام به پدر و مادر دارد، برایش آخر پیدا کرد. هرچه آدم تعمق میکند در این مسئله، میبیند این مسئله هنوز عمیقتر است؛ حکمت این است. امام که یک حکیم بود، گفتند: «معلّمی شغل انبیاست.» این، خیلی حرف بزرگی است.

ضرورت حفظ بیعت با امام و انقلاب اسلامی

ما هنوز نفس گرم امام را پشت سر کارهامان داریم. آن اراده‌ی قوی، آن عزم راسخ، آن نگاه خدایی و حکمت‌آمیز به مسائل کشور و مسائل جامعه، هنوز در بین ما زنده است؛ به یک معنا امام زنده است. بیعتی که با امام کردیم، با انقلاب کردیم، این بیعت را باید پاس بداریم. آن کسانی که بیعت با امام را، بیعت با انقلاب را، بیعت با جمهوری اسلامی را میشکنند، به خودشان ضرر میزنند: «فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَسِيئَتِهِ أَجْرًا عَظِيمًا»^۲. این بیعت را ما باید حفظ کنیم، نگه داریم.

۱ سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۳۹. این [سفارشها] از حکمتهایی است که پروردگارت به تو وحی کرده است.
۲ سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۱۰. پس هر که پیمان‌شکنی کند، تنها به زبان خود پیمان میشکند، و هر که بر آنچه با خدا عهد بسته وفادار بماند، به زودی خدا پاداشی بزرگ به او میبخشد.

ضرورت شناخت عظمت فکر پایه‌گذار نظام مقدس اسلامی

خود را بشناسید، عظمت آن فکری که این انقلاب و این نظام مقدس را پی‌ریزی کرد، بدانید. شعار «نه شرقی، نه غربی»، شعار رد و نفی استکبار و مستکبران، شعار استقلال ملت ایران، شعار اعتماد به این جوانهای مؤمن در هر نقطه‌ای از کشور، شعارهای زنده و جاوید ماست؛ هر کدام از دل پر حکمتی برخاسته است که با ارتباط با عالم غیب، با ارتباط با خدا، با بندگی خدا، آن مرد بزرگ، آن پیر فرزانه، آن حکیم دلاور آنها را به ما ملت ایران آموخت.

نفس گرم امام؛ قویترین محرک جوانان در دفاع مقدس

این نفس گرمی که این همه جوان را در راه دفاع از اسلام، دفاع از استقلال ملی، دفاع از کشور و دفاع از بزرگترین حادثه‌ی تاریخ ما - یعنی انقلاب اسلامی - اینجور به میدان کشانده بود، نفس گرم مردان بزرگی مانند مرحوم آیت‌الله شهید دستغیب و دیگران، و پشت سر همه و قویتر از همه نفس گرم امام بود. این یکی از آن شگفتیهای بسیار برجسته‌ی انقلاب ماست!

سپردن امام به موزه‌ی تاریخ؛ خیال باطل برخی بی‌عقلها

یک روزی آنها خیال کردند توی این کشور انقلاب تمام شده؛ علت هم این بود که چند تا آدم غافل و نادان یا گفتند: انقلاب تمام شد، یا گفتند: اسم شهدا را دیگر نیاورید، یا گفتند: امام را باید به موزه‌ی تاریخ سپرد و از این حرفها! آن بی‌عقلهایی که از این حرفها میخواستند برای سیاستهای خودشان تحلیل درست کنند، باور کردند؛ خیال کردند انقلاب تمام شد. امروز که انسان نگاه میکند، آثار یأس از آن تحلیل را در سخنان و در تحلیل‌هایشان میبیند.

از ابتکارات ماندگار و بزرگ امام راحل

سازماندهی بسیج، یکی از نوآوریهای امام بزرگوار بود. سازمانی به نام بسیج بعد از آنکه بسیج عبارت بود از مجموعه‌ی انگیزه‌های مقدّس و احساس مسئولیت و تعهد، آن را در قالب یک سازمان درآوردن، این جزو ابتکارات ماندگار امام بزرگوار بود. ما دیدیم برخی از سران کشورهای اسلامی نسبت به این قضیه با صراحت اظهار کردند که این کار بسیار بزرگی است. حقیقتاً هم کار بزرگی بود که امام انجام دادند.

علت اصلی دشمنیها؛ شعارهای نظام و امام

نباید تصور کرد دشمنی دشمنان بخاطر این است که فلان موضعگیری را دولت جمهوری اسلامی یا فلان مسئول کشور انجام داده. مسئله، مسئله‌ی اصل نظام و ساخت نظام است؛ مسئله، مسئله‌ی شعارهای اصولی نظام و امام است.

دو عامل بزرگ ارادت همگانی به امام

نوزده سال است که در یک چنین مناسبتی، ملت ایران زمان و مکان را مظهر عشق و ارادت به امام بزرگوار قرار میدهد. اکثر ملت ما جوانانی هستند که دوران زندگی پربار امام بزرگوار را درک نکرده‌اند؛ یا متولد بعد از وفات آن بزرگوار هستند یا در دوران ده ساله‌ی حیات مبارک امام بزرگوار، پسر بچه‌ها و دختر بچه‌های خردسالی بودند؛ اما همین جوانهای مؤمن و نورانی در سرتاسر کشور آنچنان به امام و یاد او و نام او عشق میورزند که گویی از همصحبتی با امام برخوردار بوده‌اند. همانطوری که در دعای سمات میخوانیم: «وَأَمَّا بِيَدِهِ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهَا كَفِيلًا»؛ ایمان خالصانه و پاک بدون اینکه دوران حیات آن بزرگوار و صحبت آن بزرگوار را درک کرده باشند؛ مخصوص ملت ما هم نیست. در بسیاری از مناطق جهان و کشورهای مسلمان، همین احساس درباره‌ی امام بزرگوار ما وجود دارد. این ناشی از دو عامل بزرگ است: یکی عظمت امام و ابعاد گوناگون

شخصیت او که یک شخصیت استثنایی در دوران معاصر، بلکه در دورانهای نزدیک به ماست. یکی هم بخاطر عظمت این انقلاب است. عظمتی کاری که امام بزرگوار با ایمان خود، با تدبیر خود، با اراده و عزم راسخ خود در این برهه‌ی از زمان انجام دادند: برپا کردن انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی. عظمت این انقلاب هم حاکی از عظمت امام بزرگوار ماست. این انقلاب یک معجزه‌ی الهی بود.

شباهت ابعاد مختلف انقلاب امام با ابعاد مختلف اسلام

در حالی که دشمنان اسلام و دشمنان امت اسلامی صد سال - تقریباً - علیه اسلام و علیه روحانیت تبلیغ کردند و تلاش کردند و در حالی که پنجاه سال یک رژیم وابسته‌ای در این کشور منافع ملت ایران را در مقابل دشمنان و بیگانگان قربانی کرد و کشور را بطور کامل وابسته به اجانب قرار داد - رژیم پهلوی - امام بزرگوار با پرچم اسلام، با پرچم ضدیت با سلطه و سلطه‌گرایی در این کشور قیام کرد و این کار بزرگ را به ثمر رساند. انقلاب اسلامی با همه‌ی انقلابهای دیگر متفاوت است؛ نه یک انقلاب صرفاً معنوی و فرهنگی است، نه یک انقلاب صرفاً اقتصادی است، نه یک انقلاب صرفاً سیاسی است؛ یک انقلاب همه‌جانبه است. مثل خود اسلام است. همانطوری که اسلام ابعاد معنوی و اخلاقی دارد، ابعاد الهی دارد، در عین حال ناظر به زندگی مردم است؛ بُعد اقتصادی، بُعد سیاسی، بُعد اجتماعی در اسلام وجود دارد؛ انقلاب اسلامی هم دارای ابعاد مختلف بود و راز ماندگاری انقلاب اسلامی و روزبه‌روز زنده‌تر شدن این انقلاب در سطح منطقه و جهان، همین ابعاد گوناگون آن است که با نیازهای بشر متوازن و همراه است.

وصیتنامه‌ی امام؛ یکی از قویترین و بهترین موارث معنوی امام

امام با سخنان خود، با رفتار خود یک هدایت مستمری را برای امت خود - برای ما مردم - به جای گذاشته است. یعنی دست امام، انگشت اشاره‌ی امام در همه‌ی پیچ و خمهای زندگی ما را راهنمایی میکند و یکی از قویترین و بهترین موارث معنوی امام، همین وصیتنامه‌ی اوست. جا دارد در برهه‌های مختلف، مردم، مسئولان گوناگون، جوانها

این وصیتنامه را بازخوانی کنند؛ در این تدبیر کنند.

نکاتی مهم از وصیتنامه‌ی امام

تأکید امام بر تعلق انقلاب به مردم

نکته‌ی اول این است که امام در وصیتنامه‌شان تأکید میکنند که این انقلاب یک انقلاب الهی است و پایه‌ی اصلی آن مردمند؛ یعنی این انقلاب متعلق به مردم است. معنای این حرف این است که هیچ‌کس - هیچ قشری، هیچ فردی، هیچ طبقه‌ای - نمیتواند و نباید ادعای مالکیت این انقلاب را بکند؛ خود را مالک بداند، دیگران را مستأجر این انقلاب بداند. اگر قرار بود کسی خود را نسبت به این انقلاب مالک و صاحب بداند، از همه مناسبتر و شایسته‌تر، خود امام بود که انقلاب بر محور عزم و اراده و شخصیت او به وجود آمد؛ ولی امام خود را هیچ‌کاره و خدا را همه‌کاره میدانند. این در بیانات امام موج میزند و در وصیتنامه به آن تأکید و تصریح شده است.

پس صاحب این انقلاب مردمند. وظیفه‌ای بر دوش همگان سنگینی میکند و آن حفظ این امانت بزرگ الهی است. مردم باید خودشان را حافظ این انقلاب بدانند. انقلاب هویتش، معنایش به شعارهای انقلاب است؛ به جهتگیریهای انقلاب است؛ به ارزشها و مبانی انقلاب است. همیشه بوده‌اند، امروز هم هستند، در آینده هم خواهند بود کسانی که بخواهند به بهانه‌ی اینکه اوضاع جهان عوض شده است، شعارهای انقلاب را تغییر بدهند یا شعار دینی - بُعد دینی - را از انقلاب جدا کنند یا بُعد عدالت اجتماعی را از انقلاب جدا کنند یا بُعد سلطه‌ستیزی و بیگانگی‌ستیزی را از انقلاب جدا کنند یا بُعد ضد استبداد بودن را از انقلاب جدا کنند. انگیزه‌های مختلف، به بهانه‌های مختلف همیشه ممکن است وارد میدان شوند، برای اینکه شعارهای انقلاب و هدفهای انقلاب را تغییر دهند. مردم باید هوشیار باشند؛ بدانند. این انقلاب با شعارهای خود زنده است. اصلیتین شعارهایی که در این انقلاب بر روی پرچم انقلاب نوشته شده است، شعار اسلامی بودن است؛ پایبند بودن به مبانی دین و اصول و قواعد دینی است؛ سلطه‌ستیزی است؛ ستیزه با استکبار است؛ دفاع از مظلومان عالم است، آن هم دفاع صریح و صادقانه از همه‌ی مظلومان.

از جمله‌ی برترین شعارهای این انقلاب، تعلق این انقلاب به عموم مردم است؛ هیچ قشری، هیچ طبقه‌ای، در نسبت به انقلاب بر دیگران ترجیحی ندارد. جوانهای امروز هم مثل جوانهای دوران دفاع مقدس صاحبان انقلابند. نمیشود گفت آن کسانی که انقلاب را به وجود آوردند یا در زمان انقلاب در به وجود آوردن آن سهم بودند، آنها بیشتر با انقلاب نسبت دارند؛ نه، کسانی بودند که در اصل پیدایش انقلاب حضور نداشتند، اما در دفاع مقدس جان خود را کف دست گرفتند و به میدان آمدند؛ آنها هم به همان اندازه با انقلاب نسبت دارند. در طول این سالهای متمادی بیست ساله‌ی بعد از پایان دفاع مقدس، جوانانی به صحنه آمده‌اند که با شعور خود، با شور فوق‌العاده‌ی خود، با علاقه‌مندیهای خود، با انگیزه‌های الهی خود، با تلاش علمی خود، با تلاش اجتماعی و سیاسی خود، بقا این انقلاب و نشاط این انقلاب را تضمین کرده‌اند؛ آنها هم فرزندان انقلابند؛ آنها هم مالکان انقلابند؛ نسبت آنها با انقلاب، مثل نسبت کسانی است که در صدر انقلاب حضور داشته‌اند؛ در آینده هم همین‌جور خواهد بود. طبقه‌ی جوان، نسلهای پی‌درپی - همه - نسبت واحدی با انقلاب دارند؛ همه سهم در انقلابند و همه سهم در تکلیف حفظ امانت این انقلابند.

نسبت مساوی همه‌ی نسل‌های انقلاب با انقلاب اسلامی

جوانهای امروز ما، جوانهای نسل معاصر ما و جوانهایی که در آینده خواهند آمد، بدانند راه انقلاب، راهی است که احتیاج دارد به عزم، به ایمان، به ثبات قدم. بعضی این ثبات قدم را دارند، بعضی در بین راه برمیگردند؛ البته اینها به ضرر خودشان عمل میکنند؛ «فَمَنْ نَكثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ»^۱. آن کسانی که از راه انقلاب برگردند، مثل کسانی هستند که در تابستان روزه گرفته‌اند و تا اواخر روز، روزه را حفظ میکنند، اما یک ساعت به غروب، دو ساعت به غروب طاقتشان تمام میشود؛ افطار میکنند. این مثل همان کسی است که از اول روز، روزه نگرفته است. باطل کردن روزه در هر زمانی از ساعات روز باشد، ابطال روزه است. در راه انقلاب اگر ثبات قدم وجود نداشت، اگر پیوستگی حرکت وجود نداشت، انسان رابطه‌اش با انقلاب قطع میشود. این بی‌وفایی به انقلاب

۱ سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۱۰.

ره، رهرو، رهبر / ۸۳۱

است. همیشه بودند کسانی که به انقلاب بی‌وفایی کردند، به انقلاب دلبستگی خود را کم کردند، به انقلاب پشت کردند. وصیت امام این است که جوان ما، مردم ما، نسلهای گوناگون ما، با چشم واقع‌بینانه نگاه کنند. اصل، انقلاب است؛ اشخاص، اصل نیستند. انقلابی بودن به حفظ رابطه‌ی خود و عمل خود و پیوستگی خود با انقلاب است. این نکته‌ی اول.

پیش‌بینی امام مبنی بر گسترش انقلاب و بیداری اسلامی

نکته‌ی بعدی این است که امام در وصیتنامه اعلام می‌کند که این انقلاب گسترش خواهد یافت؛ دست استعمارگران را از جهان اسلام کوتاه خواهد کرد. این پیشگویی امام بزرگوار است. امروز به صحنه که نگاه میکنیم، میبینیم این اتفاق افتاده است. گسترش انقلاب از نظر امام از راه ایجاد فتنه در کشورها نیست، از راه لشکرکشی نیست، از راه گسترش تروریسم نیست - برخلاف برخی از انقلابهای دیگر - گسترش انقلاب در میان ملتها از راه الگوسازی نظام جمهوری اسلامی است. یعنی ملت ایران نظام جمهوری اسلامی را به حدی و مرتبه‌ای برسانند که وقتی ملتهای دیگر به این الگو نگاه میکنند، شوق پیدا کنند و آن راه را دنبال کنند؛ از راه ترویج معارف اسلامی و از راه صراحت در دفاع از طبقات مظلوم دنیای اسلام و ملتهای مظلومی که در دنیای اسلام پامال ظلم استکبار شده‌اند. این گسترش نظام اسلامی است که اتفاق افتاد.

امروز ملتهای جهان به ملت ایران نگاه میکنند، از ملت ایران نیرو میگیرند، انگیزه میگیرند، انرژی میگیرند. امروز شعارهای ضد استکباری ملت ایران در همه‌ی دنیای اسلام گسترش پیدا کرده است. امروز شما به هر کشوری از کشورهای اسلامی که حرکت کنید، با هرگونه رژیم، با هرگونه دستگاه حاکمه‌ای، میبینید ملتهای آنها به شعارهای شما، به انگیزه‌ها و آرمانهایی که شما ترسیم کردید، با چشم عزت و احترام نگاه میکنند؛ شعار ضدیت با ظلم، ضدیت با سلطه، دفاع از مظلومان، دفاع از ملت فلسطین، دشمنی با شبکه‌ی اختاپوسی صهیونیسم. این دل ملتهای مسلمان است؛ این گسترش انقلاب اسلامی است. حتی شما میبینید این شعار انرژی هسته‌ای ملت ایران - اینی که ملت ایران در مقابل فشار دشمنان ایستادگی به خرج داد و حق خود را مطالبه

کرد- امروز در دنیای اسلام آنچه منعکس شده که سخنگویان کشورهای اسلامی و عربی اعلام میکنند که خواست انرژی هسته‌ای به خواست عمومی ملت‌های عرب تبدیل شده است.

دشمنان و دوستان ملت ایران اعتراف میکنند که گسترشی که امام پیش‌بینی میکرد برای انقلاب، امروز تحقق پیدا کرده است؛ از جمله‌ی آنها مسئله‌ی آرمان فلسطین است. ملتها دلشان مانند ملت ایران برای ملت فلسطین میتپد؛ ملتها مثل ملت ایران رژیم اسرائیل را یک رژیم جعلی و تحمیلی در منطقه میدانند. البته دولتها با ملتها همراه نیستند و متأسفانه آن چیزی که اسرائیل را تقویت کرده است، همین است. رژیم صهیونیستی از درون خود نیرویی ندارد، قدرتی ندارد، توانایی ایستادن روی پای خود را ندارد. امروز دو عامل رژیم صهیونیستی را سر پا نگه داشته است: یکی حمایت بی‌قید و شرط و قیحانه‌ی امریکا از این رژیم منحط؛ و دیگری حمایت نکردن دولتهای عربی و اسلامی از مردم فلسطین. متأسفانه بسیاری از حکومتها و دولتهای مسلمان، امروز آنچه را که باید به وظیفه‌ی خود در قبال فلسطین عمل نمیکند و با ملتهایشان همصدا نیستند. اگر آنها هم با ملتهای خود همصدا شوند و از ملت مظلوم فلسطین دفاع کنند، وضعیت در منطقه بکلی تغییر خواهد کرد. این خواست عمومی ملت‌هاست و این همان گسترشی است که امام بزرگوار ما خبر داده بود.

روح انقلابی و پیشرفت؛ راه میانه‌ی عقب‌ماندگی و غرب‌زدگی در وصیتنامه امام

نکته‌ی سوم که در وصیتنامه‌ی امام بارز است و در بیانات امام در طول این ده سال حیات پربرکتش منتشر و گسترده است و برای ملت و جوانان ما اهمیت دارد، این است که انقلاب اسلامی کمک به پیشرفت ملت است؛ انقلاب اسلامی کمک به خلاقیت و نوآوری ملت است؛ درست نقطه‌ی مقابل آنچه که سالهای متمادی دشمنان اسلام تبلیغ میکردند. دشمنان اسلام این‌جور وانمود میکردند که دینداری با پیشرفت منافات دارد؛ با هم سازگار نیست. اگر ملتی بخواهد پیشرفت پیدا کند، باید از دین دست بکشد، باید برود به دامن غرب و خود را سر تا پا به رنگ غربی دربیورد تا بتواند پیشرفت کند. این را بعنوان یک باور در طول دهها سال به ملت ایران تلقین کرده بودند. امام بزرگوار ما از

ره، رهرو، رهبر / ۸۳۳

اول انقلاب تا روز آخر و در وصیتنامه‌ی خود تأکید میکند که روح انقلابی، روح حرکت به جلو است، روح پیشرفت است، روح ابتکار و نوآوری است و این در واقعیت ملت ایران هم تحقق پیدا کرد.

امروز ملت ایران خود را باور دارد؛ در میدان علم وارد میشود، در میدان سیاست وارد میشود، در هر میدانی که ملت ایران به‌جد وارد میشود، در صفوف مقدم ملتها قرار میگیرد. وضع امروز ملت ما در نوآوریهای علمی، در قدرت سیاسی، در عزت بین‌المللی، با دوران قبل از انقلاب قابل مقایسه نیست؛ این ملت بیدار شده است، زنده شده است؛ این بخاطر انقلاب است. این روح انقلابی، هرچه در ملت زنده‌تر و پویاتر باشد، روح نوآوری و ابتکار و خلاقیت زنده‌تر خواهد بود؛ همچنانی که خود انقلاب هم یک نوآوری بزرگ بود. امام با انقلاب اسلامی و با تشکیل جمهوری اسلامی راه میانه‌ی عقب‌ماندگی و غربزدگی را ترسیم کرد. ملتها تصور میکردند یا باید عقب‌مانده بمانند یا باید غربزده شوند؛ امام نشان دادند که نه، یک راه مستقیم، یک صراط مستقیم وجود دارد که انسان اسیر غرب هم نشود، غربزده هم نشود؛ اما راه ترقی و پیشرفت و تعالی را طی کند؛ ملت ایران این راه را طی کرده است. جوانهای عزیز! برای پیشرفت و تعالی کشورتان، هرچه میتوانید به این صراط مستقیم تمسک کنید. با اتکا به خدای متعال و اعتقاد به نیروی درونی خود میتوانید همه‌ی موانع را از سر راه بردارید.

حرکت در مسیر ترسیمی امام؛ از علل دشمنی مستکبرین

یکی از علل دشمنی استکبار و توطئه‌های جهانی با ملت ایران در قضیه‌ی انرژی هسته‌ای و قضایای مشابه همین است. شما ببینید در همان حالی که امریکاییها پیشقراولند و بعضی از اروپاییها هم دنباله‌رو امریکا در ضدیت با دستیابی ملت ایران به انرژی هسته‌ای و تلاش میکنند و تهدید میکنند و الفاظ درشت به کار میبرند، میروند با کشورهای دیگری که از لحاظ علمی و صنعتی بمراتب عقب‌مانده‌تر هستند و بسیار با ملت ایران فاصله دارند، قرارداد انرژی هسته‌ای میبندند! معنای این حرف چیست؟ معنایش این است که اگر انرژی هسته‌ای موجب وابستگی بیشتر یک ملت به خودشان شود، آن را برای آن ملت مجاز میدانند. آنها با آن انرژی هسته‌ای مخالفند که یک ملت با

ابتکار خود، بدست خود، بدون نیاز به آنها، با استقلال کامل بدست آورده است. جوانان عزیز ما، ملت بزرگ ما، این امتیاز را پیدا کرده‌اند که به این رتبه‌ی علمی و صنعتی پیشرفته با اتکا به نیروی خود رسیدند؛ وابستگی ایجاد نکردند، بلکه این ضد وابستگی است. همین انرژی هسته‌ای برای دیگر ملتها که دولتهای مستکبر به آنها می‌دهند، موجب وابستگی است؛ اما برای ملت ایران که خود از درون می‌جوشد، ابتکار میکند، نوآوری میکند، خودش خلاقیت و تولید میکند، موجب قطع وابستگی است. استکبار جهانی و دشمنان ملت ایران، با این دشمنند.

جنگ سرد و عملیات روانی دشمن

نکته‌ی دیگری در وصیتنامه‌ی امام (رضوان‌الله علیه) وجود دارد که بسیار مهم است و آن توجه به جنگ سرد و عملیات روانی دشمن است. دشمن آن وقتی که در میدان، در صحنه‌ی عمل نتواند کاری از پیش ببرد، دست به جنگ روانی می‌زند؛ برای مایوس کردن، برای ناامید کردن، برای خالی کردن دل ملتها. با جنگ روانی و با تهدید سعی میکنند ملتهای مقابلشان میدان را خالی کنند. این معنایش این است که در میدان عملی قدرت مقاومت در مقابل این ملت را نداشته‌اند. این جنگ روانی از اولین روزهای انقلاب تا امروز که سی سال می‌گذرد، همچنان ادامه دارد. گاهی می‌گفتند این انقلاب تا دو ماه دیگر بیشتر نمی‌ماند، گاهی می‌گفتند تا دو سال دیگر بیشتر نمی‌ماند. امروز سی سال است که این انقلاب با قدرت تمام به پیش رفته است و روزبه‌روز ملت ایران را منسجمتر، پرامیدتر، پراثرتر کرده است.

امروز جنگ سرد و جنگ روانی را با شکلهای مختلفی انجام می‌دهند. می‌خواهند به ملت ایران و به جوان ایرانی بیاوراند که شما نمیتوانید بدون ارتباط و اتصال با قدرتهای سلطه‌گر به جایی برسید. این خطر بزرگی است که امام به آن توجه داده‌اند. آنها پیشرفتهای عظیم ملت را انکار میکنند. انقلاب در طول این سی سال از موانع بسیاری گذشته است - در تاریخ انقلابها که انسان نگاه میکند، این همه موانع در راه یک ملت و یک انقلاب بسیار بندرت دیده میشود و انقلابها معمولاً پشت این موانع می‌مانند و خود را تسلیم دشمن میکنند - و با این همه تهدید، با تحریم، با انواع و اقسام دشمنیها و حيله‌ها

ره، رهرو، رهبر / ۸۳۵

و کارشکنیها توانسته است پیش برود، قلّه‌ها را فتح کند؛ همچنان چشم به قلّه‌های بالاتری دارد و همچنان با قدرت پیش میرود. میخواهند این انگیزه را از ملت ایران بگیرند. من به جوانان عزیزمان؛ جوانان دانشگاهی، جوانان حوزوی، جوانان فعال در صحنه‌ی صنعت یا کشاورزی یا علم یا هنر عرض میکنم: شما در نیمه‌ی راه هستید و آنچه از راه گذرانیده‌اید، با مشکلات بسیار بزرگی مواجه بوده است؛ اما توانسته‌اید. آن نیمه‌ی دیگر راه و آن بخش باقیمانده‌ی راه را - که دشمن میخواهد نگذارد شما آن نیمه‌ی اصلی، نیمه‌ی آخر را طی کنید و به قلّه‌ها برسید - با عزم راسخ میتوانید دنبال کنید. شما میتوانید؛ همچنانی که ثابت کرده‌اید که میتوانید.

امروز ملت ایران با عزّت و صلابت در مقابل مستکبرین ایستاده است و آنها کاری نتوانسته‌اند بکنند. آنچه توانستند، در شرق و در غرب کشور ما تلاش کردند، شاید بتوانند کشور را محاصره کنند. با هوشمندی ملت ایران و با ایمان ملت ایران و انسجام ملت ایران بحمدالله کار استکبار - کار دشمنان ملت ایران در شرق و غرب مرزهای ما - به اقتدار هرچه بیشتر جمهوری اسلامی منتهی شد که امروز خودشان هم به آن اعتراف میکنند.

هشدار به توطئه‌های اختصاصی علیه جوانان

یک نکته‌ی دیگر در وصیتنامه‌ی امام بزرگوار هشدار به جوانهاست در مقابل توطئه‌هایی که هدف و آماج آن فقط جوانها هستند. جوان یک کشور اگر بخواهد مثل موتور پیش‌برنده‌ی آن ملت را پیش ببرد، احتیاج دارد به اینکه سر حال، بانشاط، تندرست، قوی و دل‌بسته به کار و پیشرفت باشد. برای اینکه این روحیه را در جوان ایرانی از بین ببرند، تلاش میکنند با توطئه‌های گوناگون؛ با ترویج فساد، با ترویج فحشا، با ترویج مواد مخدر، با باندهای هدایت‌شده، جوان ایرانی را منصرف کنند. جوان ایرانی باید بهوش باشد. امروز اگر مسئولین نظام جمهوری اسلامی با مواد مخدر بسختی مبارزه میکنند، این یک جهاد بزرگ، یک حرکت بسیار عمیق در راه پیشرفت ملت ایران است. اینها نمیخواهند جوان ایرانی در کارگاه، در آزمایشگاه، در دانشگاه، در محیط علمی، در محیط کار و تلاش صنعتی و کشاورزی بانشاط باشد. آن جوانی که سرگرم مسائل

شهوانی جنسی باشد یا اسیر مواد مخدر باشد، نه حال کار کردن دارد، نه حوصله‌ی فکر کردن دارد، نه نیروی کار کردن دارد، نه ابتکار دارد، نه عزم و اراده‌ی راسخ و لازم را دارد. امروز مبارزه با توطئه‌های سازمان‌یافته برای کشاندن جوان ایرانی به شهوات، به مواد مخدر، به سرگرمیهای گوناگون جنسی، یک توطئه‌ی بسیار خطرناکی است. مبارزه با آن در درجه‌ی اول بر عهده‌ی خودِ آحاد ملت، بخصوص جوانهاست. جوانها باید هوشیار باشند. دشمن دانسته است که تقوا و پرهیزگاری جوان ایرانی و دینداری جوان ایرانی به پیشرفت او در میدانهای مختلف کمک میکند؛ میخواهد این را تضعیف کند. امام هشدار میدهند؛ هم به جوانها، هم به دانشگاهها، هم به حوزه‌های علمیه، هم به قاطبه‌ی جوانان کشور که بیدار باشند، هشیار باشند. اغفال جوان و سست کردن جوانها، به معنای عقب‌نگه‌داشتن ملت است. همه‌ی ملت باید احساس مسئولیت کنند و مسئولین هم بایستی با جد و جهد در این راه تلاش کنند که جهاد بزرگی است.

روش مواجهه با زورگویان عالم

یک نکته‌ی اساسی دیگر در وصیتنامه و در بیانات امام، مسئله‌ی مواجهه با زورگویان عالم است. قدرتهای سلطه‌گر و زورگوی جهانی البته در طول تاریخ همیشه بوده‌اند، اما با پیشرفت علم و صنعت و با امکانات ارتباطاتی مدرن، این سلطه‌گری برای آنها آسانتر شده است. لذا میبینید امریکاییها نسبت به همه‌ی جهان ابراز طمع‌ورزی میکنند و با این بهانه که منافع ما در فلان جا به خطر افتاده است، وارد میشوند. گویا منافع آنها بر منافع همه‌ی دنیا ترجیح دارد؛ بر منافع ملتها ترجیح دارد. خوب، در مقابل این زورگویی و گردن‌کلفتی و حرف‌نشنوی و حق‌ناشناسی چه جور باید برخورد کرد؟ دو جور برخورد وجود دارد: یک برخورد، تسلیم است؛ یک برخورد، مقاومت است. تسلیم در مقابل زورگویان جهان، زورگو را به زورگویی تشویق میکند. تسلیم ملتها، تسلیم سیاسیون عالم، تسلیم روشنفکران جوامع مختلف در مقابل زورگوییهای استکبار جهانی، مشوق آنها در پیشرفت است؛ مشوق آنها در زورگویی بیشتر است. برای ملتها یک راه حقیقی بیشتر باقی نماند و آن مقاومت است. اگر یک ملتی میخواهد شر زورگویی زورگویان- و امروز شر امریکا- را از سر خود کم کند، باید در مقابل زورگویی امریکا با قدرت و

صلابت تمام بایستد.

امروز شما نگاه کنید به رفتار زمامداران امریکا- رئیس‌جمهور و تیم دور و برش- ببینید چه جوری حرف میزنند. حرف زدن آنها مثل حرف زدن آدمهای روانی است؛ گاهی تهدید میکنند، گاهی دستور ترور میدهند، گاهی تهمت میزنند، گاهی از روی استیصال درخواست کمک میکنند، گاهی ثبات و امنیت یک ملت را آماج خودشان قرار میدهند؛ مثل دیوانه‌ها به این طرف و آن طرف میزنند. رفتار آنها، رفتار سیاستمداران منطقی و عاقل و باتدبیر نیست. البته بخش مهمی از این، انعکاس ناکامیهای امریکا در مناطق مختلف است: ناکامی در افغانستان، ناکامی در عراق؛ اینها با وعده‌ی دموکراسی و آزادی و حقوق بشر وارد افغانستان و عراق شدند. امروز بعد از گذشت چند سال، وضعیت این دو کشور جوری است که هیچ ملتی آرزو نمیکند چنین وضعیتی داشته باشد؛ نامنی، عقب‌افتادگی، فقر، تسلط روزافزون قدرتهای استکباری، پنجه انداختن به منافع ملی آن کشورها و نادیده گرفتن حقوق آن ملتها و البته پشت سرش ناکامی کامل در تأمین مقاصدی که اعلام کرده بودند یا مقاصدی که در دل داشتند و اعلام نکرده بودند. این ناکامیها در رفتار سیاستمداران امریکا منعکس است؛ در اختلافاتشان، در بگومگوهایشان، در تصمیم‌گیریهایشان. این وضع زورگویان عالم است. خوب، در مقابل این زورگویی چه باید کرد؟ توصیه‌ی امام، ایستادگی است. امروز خوشبختانه، مجموعه‌های گوناگون سیاسی کشور ما از وفاداری به خط امام دم میزنند؛ این یک پدیده‌ی مبارکی است. در برخی از دوره‌های گذشته اینجور نبود. بعضی از جریانهای سیاسی از رویگردانی از خط امام صریحاً سخن میگفتند! امروز خوشبختانه مجموعه‌های سیاسی در کشور ما، همه از گرایش به افکار امام و خط امام حرف میزنند. خیلی خوب، یکی از برجسته‌ترین نقاط خط امام که در وصیتنامه و در همه‌ی بیانات امام منعکس است، لزوم ایستادگی قاطع در مقابل طمع‌ورزان و مستکبران است.

امام؛ مدافع همیشگی حقوق مظلومین

این موضع را ملت ایران و همه‌ی مجموعه‌های گوناگون و نخبگان کشور که پایبند به

امام و وفادار به آراء و افکار امام هستند، باید با قوت تمام حفظ کنند؛ خود امام اینجور بود. امام هیچ وقت بخاطر ملاحظه‌ی زورگویان عالم، از دفاع از مظلومین عالم دست نکشید. امام در طول زمان از مسئله‌ی فلسطین بعنوان یک مسئله‌ی اصلی یاد کرد. امام صریحاً در وصیتنامه و بیانات خود به ندای یا للمسلمین ملت‌های مظلوم اهمیت می‌دهد؛ دفاع صریح از حقوق مظلومین، دفاع صریح از حقوق ملت فلسطین و هر ملت مظلوم دیگر. این روش امام است؛ این خط‌ امام است؛ این شیوه‌ی امام و این توصیه و وصیت امام است. خوشبختانه این روش را ملت ایران و مسئولین کشور دنبال کردند و سی سال است که در هر میدانی که شما ملت ایران با استکبار امریکا مواجه شدید، شما پیروز شدید و دشمن شما مغلوب و دچار باخت شد.

آثار و فواید یاد امام و راه او

یاد امام، یادآور عزت ملت ایران و بیداری ملت ایران است؛ یادآور اسوه شدن و قدوه شدن ملت ایران برای همه‌ی امت اسلامی و ملت‌های مستضعف است. یاد امام نیروبخش است؛ امیدبخش است. این یاد را باید زنده نگه داشت و راه امام و خط امام و انگشت اشاره‌ی امام و نشانه‌هایی را که امام برای پیمودن این راه قرار داده است، باید قدر دانست؛ از همه بیشتر جوانها و مسئولین کشور باید به مسئله‌ی توصیه‌های امام و وصیتنامه‌ی امام به چشم یک دستورالعمل نگاه کنند.

علت ضرورت عمل همگانی به وصیتنامه‌ی امام

امروز قوای ثلاثه و مسئولان گوناگون کشور- اعم از نظامی و غیرنظامی و سیاسی و اجتماعی و خدماتی- باید دستورالعمل کار خود را همین وصیتنامه‌ی امام و راهنمایی‌های امام قرار بدهند. عزت ملت ایران، امنیت پایدار ملت ایران، رشد و توسعه‌ی مادی ملت ایران، اعتلای معنوی و اخلاقی ملت ایران، در گرو عمل کردن به این توصیه‌هاست.

فریاد رسای امام خمینی (ره) در دنیای پر شده از ظلم و جور

امام یک وقتی فرمودند بعضی منتظرند که دنیا پر از ظلم و جور بشود، تا امام زمان بیاید. بعد ایشان فرمودند دنیا امروز پر از ظلم و جور است، مگر نمیبینید در دنیا چه میگذرد؟ مگر نمیبینید با ملتها چه میشود؟ مگر نمیبینید با انسانیت چه جوری دارد رفتار میشود؟ مگر نمیبینید عدالت چگونه بکلی در انزواست؟ نمونه‌های فراوان هر روزهی همیشگی همه جایی این ظلم و جور را انسان دارد در دنیا مشاهده میکند. نظام جمهوری اسلامی فریاد رسا و بلند و متکی به تفکری است که در قبال این حرکت عظیم و وحشیانه و کورانه بلند شده؛ یک چنین مسئله‌ای است.



نفوذ فریاد امام در عمق دل بشریت

شما ببینید آن روزی که امام این فریاد رسا را بلند کرد، چنان این فریاد در اعماق دل ملتهای مسلمان و غیرمسلمان در موارد زیادی، نفوذ کرد و طرفدار پیدا کرد که هیچ تبلیغی از طرف ما نمیتوانست - تبلیغات کتابی و نوشته‌ای و سخنرانی - اینجور این پیام را به دنیا برساند؛ به دلها منتقل کند. طبیعت این فریاد، طبیعت این بیان و این عرضه این است که دلها را جذب میکند.

تأثیر رهبری امام در ادوار مختلف انقلاب اسلامی

این اقدام بزرگ^۱ انجام گرفت، دشمنیها هم با او شروع شد؛ مقاومت متقابل هم شروع شد. رهبری شگفت‌آور امام بزرگوار در سخت‌ترین دورانها توانست این حرکت را با کمال قدرت حفظ کند و پیش ببرد. ملت ایران، جوانان این کشور، حقیقتاً سخن امام بزرگوارشان را نیوشیدند؛ از دل و جان آن سخن را پذیرفتند، فهمیدند و دنبال کردند. خیلی هم تلاش شد که مردم را منحرف کنند، منصرف کنند، راهشان را عوض کنند، باورشان را بگیرند، نشد؛ تا حالا نشده، بعد از این هم ان شاء الله نخواهد شد.

۱ انقلاب اسلامی ایران.

خود امام؛ اولین مؤمن به خط امام و ایستادگی در این راه

امام عزیز ما رشحه‌ای از آن چشمه‌ی فیاض^۱ بود که توانست این بساط عظیم را در دنیا راه بیندازد. امام هم قلبش پر بود از ایمان به راه خود. همانطور که فرمود: «أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ»^۲. خود پیغمبر اول مؤمن بود.

در انقلاب ما خود امام بزرگوار، اول مؤمن به این راه بود و از همه قلبش سرشارتر بود از ایمان به این راه و این هدف؛ میفهمید، میدانست دارد چکار میکند؛ عظمت کار را میفهمید، الزامات این کار را هم میفهمید که اولین الزام این کار این بود که با توکل به خدا در این راه محکم بایستد. محکم ایستاد. جوانان این ملت هم با ایستادگی و ایستادگی پیدا کردند؛ آحاد این مردم هم وقتی که این چشمه‌ی صبر و سکینه لبریز شد و سرازیر شد، آنها را فراگرفت. آنها هم «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ»^۳ شدند. این سکینه وقتی که بر دل انسانها نازل میشود، ایمان انسان زیاد میشود. بعد میفرماید: «وَلِلَّهِ جُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»^۴. از چه میترسید؟ سپاه زمین و آسمان مال خداست. با خدا باش، این سپاه زمین و آسمان مال شماست؛ در اختیار شماست. این سنتهای الهی است.

من به ملت ایران، به پیروان بعثت محمدی(صلی‌الله‌علیه‌وآله) عرض میکنم که راه، همین ایستادگی است. نظام جمهوری اسلامی به تبعیت از امام بزرگوارش این ایستادگی را انتخاب کرده است؛ ما از این ایستادگی سود بردیم و ضرر نکردیم. همه‌ی بلندگوهای استکبار جمع شدند که ملت ایران و دولت ایران و نظام جمهوری اسلامی را با انواع و

۱ پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله).

۲ سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۸۵. پیامبر [خدا] بدانچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده است ایمان آورده است، و مؤمنان همگی به خدا و فرشتگان و کتابها و فرستادگانش ایمان آورده‌اند.

۳ سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۴. اوست آن کس که در دلهای مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند.

۴ سوره‌ی فتح، آیات ۴ و ۷. و سپاهیان آسمانها و زمین از آن خداست.

ره، رهرو، رهبر / ۸۴۱

اقسام استدلالها از پشتیبانی فلسطینیها باز بدارند، ملت ایران قبول نکرد، بعد از این هم قبول نمیکنیم؛ ما از ملت فلسطین دفاع میکنیم.

در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷

نتایج عمل امام و اطرافیان وی در اثبات حقانیت اسلام و تشیع

بسیاری از مردم دنیا در دوران دفاع مقدس با حقانیت تشیع آشنا شدند و به آن گرایش پیدا کردند و آن را قبول کردند و پذیرفتند؛ همچنانی که خیلی از ناظران جهانی در دوران دفاع مقدس، در دوران انقلاب، با حقایقی که در عمل امام بزرگوار ما و حواریون او- که همین جوانهای مبارز و مجاهد و مجاهدان راه حق بودند- دیده شد، به حقانیت اسلام اعتقاد پیدا کردند. بسیاری از ملتها که مسلمان بودند، اما غفلت از حقیقت اسلام داشتند، بیدار شدند؛ آگاه شدند. نشان دادن حقیقت صحیح دین و نشان دادن آن بخصوص در عمل، چنین خاصیت معجزآسایی دارد.

در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۷/۶/۲

از خصوصیات بارزش دولت نهم نسبت به گفتمان امام

یک خصوصیت این است که این دولت، واقعاً یک دولت کار است؛ دولت حرکت و اقدام است؛ انرژی و نشاط کار این دولت، یک امر برجسته است.

■
خصوصیت و امتیاز دوم که در این دولت هست، شعار و گفتمان کلی این دولت است که منطبق بر شعار و گفتمان امام و منطبق بر شعارها و گفتمانهای انقلاب است؛ این خیلی چیز بارزشی است. این را هیچ‌کس نمیتواند ندیده بگیرد. هر دلبسته به انقلاب، این را قدر میداند؛ هر کسی که پیشرفت کشور را با هدایت انقلاب و با کارگردانی انقلاب تصور میکند، باید این را قدر بداند. عدالت‌خواهی در این دولت پررنگ شد. شعار عدالت‌خواهی بصورت جلی بر روحیه‌ی مسئولان، دولتمردان و برنامه‌ها، پرتو افکند. استکبارستیزی- که معنای ویژه‌ی انقلابی خودش را دارد- در این دولت تشخص و تمیز پیدا کرد. معنای استکبارستیزی دشمنی کردن با دولتهای دنیا نیست، معنایش دشمنی کردن با استکبار است.

■

علت حمایت از دولتها در همه‌ی برهه‌ها

البته حمایت از دولت، مخصوص این دولت نیست؛ بنده همیشه از دولتها حمایت کرده‌ام؛ امام هم (رضوان‌الله تعالی‌علیه) در هر برهه‌ای، از دولتها و رؤسای قوه‌ی مجریه و مسئولین دولتی حمایت میکردند. دلیلش هم واضح است. چون عمده‌ی بار اداری مدیریت کشور بر عهده‌ی قوه‌ی مجریه است و نظام باید از قوه‌ی مجریه، از رئیس‌جمهور، از مسئولین و از وزرا، حمایت کند. امام هم حمایت میکردند؛ بنده هم در دوره‌های گذشته همیشه حمایت میکردم.



کینه‌ورزی نسبت به امام؛ یکی از انگیزه‌های خط تخریب داخلی

انگیزه‌های خط تخریب داخلی هم یک طیف وسیعی است و نمیشود انسان همه را به یک چوب براند: بعضیها واقعاً خبری ندارند- یعنی مغرض نیستند؛ اطلاعاتشان کم است و بر اثر بی‌اطلاعی چیزی میگویند- بعضیها غرضهای شخصی و غرضهای سطحی دارند؛ بعضیها غرضهای عمقی است؛ یعنی با نظام مسئله دارند، کینه‌ی امام در دلشان است و حرفهای امام را یا از اول قبول نداشتند یا حالا قبول ندارند- آنهایی که از آن حرفها رو برگرداندند و پشیمان شده‌ها و برگشته‌ها- اینها یک طیف وسیعی از انگیزه‌هاست، لیکن بالاخره محصول و جمع‌بندی‌اش همین تهاجمها و پنجه‌زدنها و لجن‌پراکنی‌هاست که وجود دارد.

پیام به نهمین نشست سالیانه اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل، ۱۳۸۷/۶/۴

امیدبخش‌ترین نیروی ملت در رسیدن به آرزوهای بزرگ

دست یافتن به آرزوهای بزرگ ملی، نیازمند فکر روشن و عزم راسخ و شجاعت و اخلاص است، و جوان مومن که مبانی جمهوری اسلامی و راه امام بزرگوار را عمیقاً پذیرفته است، امیدبخش‌ترین نیروی است که میتواند ملت ایران را در رسیدن به آرزوهای بزرگش یاری برساند.

نمونه‌ی ظریف اعتقاد امام به مردم

پریشب تلویزیون فرمایش امام را راجع به مرحوم آیت‌الله طالقانی نقل میکرد، که دیدم واقعاً سر تا پای بیانات امام، اول تا آخر، کلمه‌کلمه‌اش، نکته و حکمت است - رحمت و رضوان خدا بر او باد - ایشان در سخنرانی به مردم مطلبی به این مضمون میفرمود که نگاه کنید ببینید مردم در تشییع جنازه‌ی آقای طالقانی چه گفتند؟ گفتند ای نایب پیغمبر ما، جای تو خالی. عزاداری آنها برای نایب پیغمبر است. مسئله‌ی نیابت پیغمبر مطرح است؛ عالم دین. این نکته را امام از حرف مردم استفاده میکند و به ما تحویل میدهد. این درست است. مردم، پایبند اسلامند. در کنار مردم‌مداری، در کنار مردمی بودن، برای مردم دل سوزاندن، برای مردم کار کردن، به آراء مردم اهمیت گذاشتن، به احساسات و عواطف مردم اهمیت دادن؛ این است مردمی بودن.

ارزش حفظ شعارهای امام و انقلاب توسط جوانان امروزی

این حرکت عظیم ملت ایران، حرکت باارزشی است. و ما بعد از حدود سی سال که از شروع این انقلاب میگذرد و نزدیک به بیست سال از رحلت امام بزرگوار ما - که معلم این انقلاب و بانی این انقلاب بود - میگذرد، میبینیم مردم آن شعارها را همچنان سر دست خودشان بلند کردند و نگه داشتند و آن شعارها را تکرار میکنند. و جوانهای ما که نه دوران امام را دیدند، نه امام را دیدند، نه دوره‌ی جنگ را درک کردند، در بیانشان، در هنرشان، در شعرشان، ستایشگر آن قله‌های عظیم هستند که ملت ایران آنها را گذرانده است. اینها چیز کمی است؟ اینها را باید انکار کرد؟

ضرورت استنباط نظرات امام از بیانات امام

یکی از دوستان میپرسند که به نظرات امام چگونه دست پیدا کنیم؟ به نظر من این کاملاً روشن است. نظرات امام یک مجموعه است و خوشبختانه بیانات امام ثبت شده است و همین است که هست. مثل همه‌ی متونی که از آنها میشود تفکر گوینده را

استنباط کرد؛ متنها با شیوهی درست استنباط. شیوهی درست استنباط این است که همه حرفها را ببینند، آنها را در کنار هم قرار بدهند؛ در آنها عام هست، خاص هست؛ مطلق هست، مقید هست. حرفها را باید با همدیگر سنجید، تطبیق کرد؛ مجموع این حرفها، نظر امام است. البته کار خیلی ساده‌ای نیست، اما روشن است که باید چکار کنیم: یک کار اجتهادی است؛ اجتهادی است که از عهده‌ی شما جوانها برمی‌آید. بنشینند واقعاً گروه‌های کاری در زمینه‌های مختلف، نظر امام را استنباط کنند، از گفته‌های امام بدست بیاورند.

در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان در آستانه‌ی سالروز سیزده آبان، ۱۳۸۷/۸/۸

دانشجویان پیرو خط امام؛ باطل‌کننده‌ی ترفند استکبار

برطبق معمول، دولتهای استکباری که از طریق سفارتخانه‌هایشان در داخل کشورها سمپاشی میکنند، ارتباط برقرار میکنند، امکانات جاسوسی برقرار میکنند - که الآن هم میکنند؛ الآن هم در دنیا این کار معمول است. از طریق سفارتخانه‌ها فسادهای گوناگونی میکنند - از این طریق مشغول شدند به کار کردن. حرکت جوانهای دانشجویان بعنوان «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» این ترفند را هم باطل کرد. آنها رفتند سفارت را گرفتند و اسناد را بیرون کشیدند.

عظمت کار سیزده آبان از نگاه امام، علیرغم پشیمانی عده‌ای

امریکاییها هنوز دل‌پری خودشان را نسبت به این حرکت پنهان نمیکنند. متأسفانه در داخل کشور هم یک عده آدمهای پشیمان، آدمهای خسته، آدمهای هوسی - که با هوس، حرکتی را انجام میدهند، بعد دنبال زندگی راحت خودشان که میگردند، هوسهایشان عوض میشود - از بین همان جوانهای آن روز، آن کار را تخطئه کردند و تخطئه میکنند! اما بدانید، کار بسیار بزرگی بود. همانطور که امام فرمودند، از انقلاب اول بزرگتر بود؛ چون فرو ریختن هیمنه‌ی سلطه‌ی امریکایی و استکبار امریکایی در ایران و در جهان بود.

علت دلباختگی ملت‌های مسلمان به نظام اسلامی و رهبری امام

یک چنین حادثه‌ی بزرگی اتفاق افتاده. این، زخم کوچکی نیست. قضیه به اینجا هم خاتمه پیدا نکرد. بقای نظام اسلامی و انقلابی، پیشرفت نظام انقلابی، فتوحات گوناگون نظام انقلابی در عرصه‌های مختلف؛ در عرصه‌ی نظامی مثل دفاع مقدس، در عرصه‌های علمی و در عرصه‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی روی ملت‌های دیگر، روزبه‌روز اثر گذاشت و ملت‌های دیگر هم - ملت‌های این منطقه و ملت‌های مسلمان که دل‌هایشان پر بود و رهبر نداشتند - وقتی دیدند در ایران چنین حادثه‌ای اتفاق افتاده، کأنه حکایت دل آنها بود. لذا ملت‌ها به نظام اسلامی، به رهبری اسلامی، رهبری امام (رضوان‌الله تعالی‌علیه) و به نظام جمهوری اسلامی دل‌باخته شدند که امروز هم همین‌جور است.

در دیدار مسئولان و کارگزاران حج، ۱۳۸۷/۰۸/۱۶

تحریف محبت مسلمین جهان به امام و انقلاب، توسط غرب

در کشورهای اسلامی، چه در آفریقا، چه در آسیا، چه در همه‌ی مناطق دنیا، حتی در قلب آن کشوری که بیشترین دشمنی را با ما کرده است - یعنی ایالات متحده‌ی آمریکا - مسلمانانی هستند که شیعه نیستند، اما دلشان لبریز از محبت جمهوری اسلامی و محبت امام و محبت این ملت بزرگ با عزم و اراده است؛ چون جمهوری، جمهوری اسلامی بود. اینها این را تحریف میکنند؛ تبدیل میکنند و می‌خواهند به دروغ مارک دشمنی با فرق اسلامی را به سینه‌ی جمهوری اسلامی بزنند.

در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۷/۹/۲۴

توجه به تاریخ سلطه‌گری در ایران؛ نشان‌دهنده‌ی عظمت کار امام خمینی (ره)

بعد از هرج و مرجی که در اوایل مشروطه به وجود آمد، به فاصله‌ی چند سال، همان دولت بیگانه‌ی سلطه‌گر خارجی - یعنی انگلیس - یک دیکتاتور خشن و بیرحم و بسیار خطرناکتر از سلاطین قبل از مشروطه - یعنی مظفرالدین‌شاه و ناصرالدین‌شاه - را بر سر کار آورد که او رضاخان بود. دیکتاتوری رضاخان بر مراتب از دیکتاتوری ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه برای کشور و ملت ما بدتر و خشنتر بود که انگلیسها او را سر کار آوردند.

در واقع ما از دوران استبداد، وارد دوران آزادی نشدیم، بلکه وارد دوران استبداد دیگری همراه با وابستگی شدیم؛ یعنی ملت طعم آزادی را نچشید. لذا وقتی نهضت اسلامی در ایران شروع شد و امام هدف از این نهضت را ریشه کن کردن حکومت استبدادی و حکومت سلطه و قطع نفوذ بیگانگان اعلام کرد، خیلی از مبارزین قدیمی و افرادی که دستشان تو کار مبارزه بود، زیاد باورشان نمی آمد؛ نمیتوانستند درست تصور کنند که چگونه ممکن است چنین چیزی! سلطنت را در این کشور انسان از بین ببرد؟! من یادم است در همان سالهای آخر مبارزه - که امام بحثهای اساسی مربوط به حکومت را کرده بودند و این بحثها در بین مردم پخش شده بود و ایشان اعلام کرده بودند که شاه خائن است و شاه باید برود - بعضی از عناصر مبارز، فعال و خوب - که بعد هم در انقلاب فعالیت‌های زیادی داشتند - حتی آنها، میگفتند: مگر ممکن است؟! چگونه ممکن است! چطور امام مسئله‌ی سلطنت را مطرح میکند؟ مگر میشود با سلطنت درافتاد؟! باورشان نمی آمد. علت این بود که دوران طولانی اختناق و استبداد در این کشور همراه شده بود با نفوذ بیگانه، سلطه‌ی بیگانه و حمایت بیگانگان از نظام سلطنت. ولی این اتفاق افتاد.

نهضت عظیم اسلامی، همت مردم، رهبری شخصیت بی نظیری مثل امام - که حقاً و انصافاً شخصیت بی نظیری بود - کار خودش را کرد. «صبر» و «بصیرت».

تنها چیزی که میتوانست آن رژیم باطل را ساقط کند، موج عظیم ملی بود؛ حضور یکپارچه‌ی مردم، که این هم جز با انگیزه‌ی دین و با پیشوایی روحانیت مبارز و مرجعی مثل امام بزرگوار امکانپذیر نبود. بعد هم که آن رژیم فاسد سرنگون شد، هر نظام دیگری غیر از نظام جمهوری اسلامی - چه نظام چپ، چه نظام راست - اگر سر کار می آمد، امکان نداشت بتواند در مقابل نفوذ دشمن، در مقابل دخالت‌های گوناگون دشمن مقاومت کند.

در دیدار هزاران نفر از قشرهای مختلف مردم به مناسبت عید سعید غدیر خم، ۱۳۸۷/۹/۲۷

علت تأکید امام و فقهای دیگر بر وحدت دین و سیاست

این حادثه که تعیین جانشین برای پیغمبر در ماههای آخر زندگی ایشان - تقریباً هفتاد روز به پایان زندگی پیغمبر - بود، رخ داده است و در حقیقت خود نشان‌دهنده‌ی اهمیت

مسئله‌ی حکومت و سیاست و ولایت امر امت اسلامی از نظر اسلام است. اینکه امام بزرگوار ما و پیش از ایشان بسیاری از بزرگان فقها بر روی مسئله‌ی وحدت دین و سیاست و اهمیت مسئله‌ی حکومت در دین تکیه میکردند، ریشه‌اش در تعالیم اسلام و از جمله در درس بزرگ غدیر است. این اهمیت موضوع را میرساند. همه‌ی مردمانی که از واقعه‌ی غدیر خم این معنا را میفهمند - یعنی ما شیعیان و حتی بسیاری از غیرشیعه که همین معنا را احساس کردند یا درک کردند از قضیه‌ی غدیر - بایستی در همه‌ی دورانه‌ی تاریخ اسلام توجه کنند به اینکه مسئله‌ی حکومت یک مسئله‌ی اساسی و مهم و درجه‌ی اول در اسلام است؛ نمیشود نسبت به مسئله‌ی حکومت و حاکمیت بی‌اعتنا و بی‌تفاوت بود. نقش حکومتها هم در هدایت مردم یا در گمراه کردن مردم امری است که تجربه‌ی بشر به آن حکم میکند. اینکه در نظام جمهوری اسلامی - چه در قانون اساسی، چه در بقیه‌ی معارف جمهوری اسلامی - این همه بر روی مسئله‌ی مدیریت کشور اسلامی تکیه میشود، بخاطر همین ریشه‌ی بسیار عمیق و عریقی است که در اسلام نسبت به این قضیه هست. این یک نکته است که نباید از نظر دور باشد.

راه انداختن دشمنی شیعه و ضدشیعه؛ دفاع از امریکا، نه دفاع از تشیع!

من امروز به برکت ولایت امیرالمؤمنین و به نام آن بزرگوار و با استمداد از روح بزرگ امیرالمؤمنین این را عرض کردم برای اینکه یک تأکیدی باشد بر آنچه که در طول سالیان متمادی امام بزرگوار گفتند، ماها گفتیم؛ همه بدانند، اینجور نباشد که کسی از یک گوشه‌ای خیال کند دارد از شیعه دفاع میکند و تصور کند دفاع از شیعه به این است که بتواند آتش دشمنی ضد شیعه و غیرشیعه را برانگیزد. این دفاع از شیعه نیست؛ این دفاع از ولایت نیست. اگر باطنش را بخواهید، این دفاع از امریکاست؛ این دفاع از صهیونیستهاست.

در دیدار جمعی از مردم قم به مناسبت قیام نوزدهم دی، ۱۳۸۷/۱۰/۱۹

درک سریع و صحیح قمیها از پشت پرده‌ی اهانت به امام خمینی(ره)

مسئله‌ی نوزدهم دی، صرفاً یک حادثه‌ی تاریخی گذرا نیست. اهمیت این حادثه از آنجاست که بخشی از ملت ایران - که مردم عزیز قم بودند - حادثه‌ای را پیش از وقوع آن

حس کردند. حس بیداری و هوشیاری این مردم به کمک آنها آمد، تا یک جریان عظیمی را در کشور شروع کنند. قضیه‌ی اهانت به امام بزرگوار در یک روزنامه و به قلم یک مزدور دربار طاغوت، از نظر خیلی از مردم سطحی‌نگر و ظاهرین، آن روز چندان اهمیتی نداشت؛ عمق این قضیه و بخش پنهانی این توطئه را احساس نمی‌کردند؛ درک نمی‌کردند. وقتی یک توطئه‌ای را انسان احساس نکند، طبعاً عکس‌العملی هم در مقابل آن نشان نمی‌دهد. مردم قم، جوانان قم، احساس کردند؛ درک کردند؛ اهمیت حادثه را فهمیدند. این مهمترین بخش از این حادثه‌ای است که در تاریخ انقلاب ما اتفاق افتاد. اگر شما قمیها آن درکی را که آن روز پیدا کردید، پیدا نمی‌کردید، به خیابانها نمی‌آمدید، دفاع نمی‌کردید، شهید نمی‌دادید و آن رسوایی بی‌نظیر را برای دستگاه طاغوت به وجود نمی‌آوردید، معلوم نبود جریان مبارزات به این شکلی که اتفاق افتاد، اتفاق بیفتد و ادامه پیدا کند. نقطه‌ی شروع خیلی مهم است. و نقطه‌ی شروع یک چیز تصادفی نیست، ناشی از فهم کردن و درک کردن یک حادثه‌ای است که بسیاری از ابعاد آن پوشیده است؛ از چشمها پنهان است. این هنر را حادثه‌ی نوزده دی قم داشت و نشان داد که این درک صحیح را از قضیه‌ای که پیش آمده بود، دارد؛ توطئه را می‌فهمد؛ میداند که پشت سر این مقاله‌ای که علیه امام (رضوان‌الله تعالی علیه) در روزنامه درج شده است، چه چیزهایی باید اتفاق بیفتد و اتفاق می‌افتد. چون توطئه را فهمید، وادار به عکس‌العمل شد.

عمل امام خمینی به نسخه‌ی حسینی(ع) در انقلاب اسلامی

در یک چنین موقعیتی که اینقدر غفلت بر دنیای اسلام حاکم است که خطر را درک و استشمام نمی‌کنند، چکار باید کرد؟ کسی مثل حسین بن علی که مظهر اسلام است، نسخه‌ی بی‌تغییر پیغمبر مکرم اسلام است - «حسین مَنّی و أنا من حسین»^۱ - در این شرایط چکار باید بکند؟ او باید کاری کند که دنیای اسلام را - نه فقط آن روز، بلکه در طول قرنهای بعد از آن - بیدار کند؛ آگاه کند؛ تکان بدهد. این تکان با قیام امام حسین شروع شد. حالا اینکه امام حسین دعوت شد برای حکومت در کوفه و حرکت کرد به کوفه،

اینها ظواهر کار و بهانه‌های کار بود. اگر امام حسین (علیه‌السلام) دعوت هم نمیشد، این قیام تحقق پیدا میکرد. امام حسین باید این حرکت را انجام میداد، تا نشان بدهد که دستور کار، در یک چنین شرایطی، برای مسلمان چیست. نسخه را به همه‌ی مسلمانهای قرنهای بعدی نشان داد. یک نسخه‌ای نوشت؛ منتها نسخه‌ی حسین بن علی، نسخه‌ی لفاظی و حرافی و «دستور بده، خودت بنشین» نبود؛ نسخه‌ی عملی بود. او خودش حرکت کرد و نشان داد که راه این است. ایشان از قول پیغمبر نقل میکنند که آن وقتی که شما دیدید که اسلام کنار گذاشته شد؛ ظالمین بر مردم حکومت میکنند؛ دین خدا را تغییر میدهند؛ با فسق و فجور با مردم رفتار میکنند؛ آن کسی که در مقابل این وضع، نایستد و قیام نکند، «کان حقاً علی الله أن یدخله مدخله»؛ خدای متعال با این آدم ساکت و بی‌تفاوت هم مثل همان کسی که «مستحلّ حرّات الله» است، رفتار خواهد کرد. این نسخه است. قیام امام حسین این است. در راه این قیام، جان مطهر و مبارک و گرانبهای امام حسین که برترین جانهای عالم است، اگر قربانی شود به نظر امام حسین، بهای زیادی نیست. جان بهترین مردمان که اصحاب امام حسین بودند، اگر قربان شود، برای امام حسین بهای گرانی محسوب نمیشود. اسارت آل‌الله، حرم پیغمبر، شخصیتی مثل زینب که در دست بیگانگان اسیر بشود - حسین بن علی میدانست وقتی در این بیابان کشته شود، آنها این زن و بچه را اسیر میکنند - این اسارت و پرداختن این بهای سنگین به نظر امام حسین، برای این مقصود سنگین نبود. بهایی که ما میپردازیم، باید ملاحظه شود با آن چیزی که با این پرداخت، برای اسلام، برای مسلمین، برای امت اسلامی و برای جامعه بدست می‌آید. گاهی صد تومان انسان خرج کند، اسراف کرده؛ گاهی صد میلیارد اگر خرج کند، اسراف نکرده. باید دید چه در مقابلش میگیریم.

اشکال آدم‌های ظاهرنگر و سطحی‌بین به امام خمینی

انقلاب اسلامی عمل به این نسخه بود. امام بزرگوار ما به این نسخه عمل کرد. یک عده‌ای آدم‌های ظاهرنگر و سطحی‌بین - البته آدم‌های خوب، مردمان بدی نبودند؛ ما اینها را میشناختیم - همان وقت میگفتند که ایشان این جوانها را به میدان آوردند و بهترین

جوانهای ما به کشتن داده میشوند؛ خونشان ریخته میشود. خیال میکردند که امام نمیداند که جان این جوانها در خطر قرار میگیرد. دلشان برای او میسوخت. این ناشی بود از اینکه محاسبه درست نمیشد. خوب بله، در جنگ تحمیلی، ما این همه شهید دادیم، این همه جانباز دادیم، این همه خانواده داغدار شدند. این، بهای بزرگی است؛ اما در مقابل، چه؟ در مقابل، استقلال کشور، پرچم اسلام، هویت ایران اسلامی را در مقابل آن توفان عظیم حفظ کردیم. آن توفانی که درست کرده بودند، توفان صدام نبود. صدام، آن سرباز جلو جبهه‌ی دشمن بود. پشت سر صدام همه‌ی دستگاه و دنیای کفر و استکبار قرار گرفته بودند. اگر فرض کنیم از اول هم وارد این توطئه نبودند، در ادامه واضح و روشن بود؛ همه آمدند پشت سر صدام. امریکا آمد، شوروی آن روز آمد، ناتو آمد، کشورهای مرتجع و وابسته‌ی به استکبار آمدند؛ پول دادند، اطلاعات دادند، نقشه دادند، تبلیغات کردند. این جبهه‌ی عظیم آمده بود تا ایران بزرگ، ایران رشید و شجاع، ایران مؤمن را بکلی در هم بپیچد. یک منطقه‌ی دست‌نشانده‌ی برای استکبار را در درجه‌ی اول، مغلوب عنصر پست و کوچکی مثل صدام کند و در درجه‌ی بعد هم در مشت و چنگال امریکا نگه دارد. مصیبتی را که در طول دویست سال بر سر کشور ما آوردند و این همه مشکل برای این ملت درست کردند، این مصیبت را صد سال دیگر، دویست سال دیگر ادامه بدهند. ملت ما ایستاد، امام بزرگوار ایستاد. البته جانهای عزیزی را دادیم، شهیدان بزرگی را دادیم، جوانهای محبوبی را فدا کردیم؛ اما این بهای گزافی در مقابل آن دستاورد نبود.

ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه توسط رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۷/۱۰/۲۱

جایگاه اصیل اندیشه‌ی امام در قسمت فرهنگ برنامه‌ی پنجم توسعه

زننده و نمایان نگه داشتن اندیشه‌ی دینی و سیاسی حضرت امام خمینی(ره) و برجسته کردن نقش آن بعنوان یک معیار اساسی در تمام سیاستگذاریها و برنامه‌ریزیها.

در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا(ع)، ۱۳۸۸ / ۰۱/۰۱

دهها سال همراهی صبورانه همسر امام با ایشان

این را هم به ملت عزیزمان عرض کنم؛ ما متأسفانه خبردار شدیم که همسر گرامی و

ره، رهرو، رهبر / ۸۵۱

یار دیرین امام راحل‌مان امروز رحلت کردند و دار دنیا را وداع گفتند. برای ملت ایران این بانوی معظم خیلی عنصر ارزشمندی بود. ایشان دهها سال در کنار امام عزیز ما - که قبله‌ی دل‌های این ملت بود - در همه‌ی آزمایش‌های دشوار، صبر و استقامت کرده بود، با امام همراهی کرده بود.

پیام تسلیت به مناسبت رحلت همسر گرامی حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸/۰۱/۰۱

همسر امام؛ مایه‌ی آرامش ایشان در مراحل دشوار

درگذشت بانوی مکرم، همسر گرامی رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (رحمة‌الله علیها) را به ملت ایران و همه‌ی ارادتمندان آن امام عزیز و به آن بیت رفیع و فرزندان و فرزندزادگان بالخصوص حجت‌الاسلام آقای سیدحسین خمینی و اخوان محترم و دیگر بازماندگان ایشان تسلیت می‌گوییم.

آن مرحومه که خود بازمانده‌ی دودمان علمی نامداری بود، سالیان متمادی یار و همراه امام بزرگوار، و مایه آرامش ایشان در همه‌ی مراحل دشوار آن جهاد مستمر و بزرگ بود و با صبر و عزم و توکل زندگی پرافتخاری را گذرانید رحمت خدا بر او و بر امام راحل باد.

در بازدید از دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۸۸/۱/۲۶

تأثیر رهنمودهای پیامبرگونه‌ی امام در پیشرفت ملت

آن جوانها چنین کردند و نقش خودشان را [در جنگ تحمیلی] ایفا کردند. نتیجه این است که امروز بعد از گذشت چند ده سال از آن روزها، شما میبینید ملت ایران با ضرب دست آنها و با تلاشهایی که دنباله‌ی تلاش آنهاست، با رهنمودهای حقیقتاً پیامبرگونه‌ی امام بزرگوار، قلعه‌ها را یکی پس از دیگری فتح کرده و پیش رفته. روزهای جنگ، بخصوص سالهای آغازین جنگ را در نظر بیاورید و آن فقر تسلیحاتی، آن فقر مالی، آن فقر تجربی را در میان همین جوانان سپاه و بسیج، مقایسه کنید با پیشرفتهای امروز؛ پیشرفتهای علمی، تحقیقی و تجربی.

ایستادگی امام و انقلاب اسلامی در مقابل مصیبت بزرگ وابستگی

استعمارگران از قرنهای شانزده و هفده که وارد سرزمینهای شرق - از جمله سرزمینهای اسلامی - شدند، برای اینکه بتوانند کاملاً کمند اسارت را به دست و پای این ملتها ببندند و آنها را اسیر خود بکنند، شروع کردند آنها را نسبت به گذشته‌ی خود، نسبت به داشته‌های خود، نسبت به مذهب خود، نسبت به آداب خود و نسبت به لباس خود بدبین کردن. اینها عبرت‌آموز است؛ کار به جایی رسید که در زمان اوایل مشروطیت در این کشور، یک روشنفکر گفت: ایرانی باید از سر تا به پا فرنگی بشود! یعنی دینش را، اخلاقش را، لباسش را، خطش را، گذشته‌اش را و مفاخرش را کنار بگذارد و فراموش بکند، اما فرهنگ غربی، آداب غربی، رسوم غربی، تفکر غربی و روش و منش غربی را بپذیرد! اینجور اعلان کردند. این فریاد مدلتبار را در کشور ما آن کسانی که به دین پشت کرده بودند، سر دادند. معلوم است؛ وقتی یک کشوری همه چیز خود را از دست داد و از درون تهی شد، استعمار انگلیس براحتی میتواند بر همه چیز او - نفت او، ارتش او، دارایی او، دستگاه سیاسی او - تسلط پیدا کند؛ کار در دوران پهلوی به جایی رسیده بود که شاه خائن برای اینکه فلان کس را بعنوان نخست‌وزیر معین بکند، مجبور بود با سفیر انگلیس - و بعدها با سفیر امریکا - در میان بگذارد و در واقع از او استجازه کند و اجازه بگیرد. این تاریخ دردبار گذشته‌ی ماست. این ضد عزت ملی است. حکومت‌های دیکتاتوری وابسته و فاسد، ملت ایران را از اریکه‌ی عزت فرود آوردند؛ نه علم او را توسعه دادند، نه دنیای او را درست کردند، بلکه آخرتش را هم از او گرفتند و لباس اسارت بر او پوشاندند. انقلاب اسلامی در مقابل یک چنین وضعیتی قیام کرد. در مقابل یک چنین مصیبت بزرگی انقلاب اسلامی و امام بزرگوار ایستاد و ملت ایران خون خود را در این راه نثار کرد و به پیروزی رسید.

امام؛ خالق و مظهر عزت ملی

یکی از اساسیترین قلم‌هایی که انقلاب اسلامی به ما ملت ایران عطا کرد، احساس عزت بود. امام بزرگوار ما مظهر عزت بود. آن روزی که امام علناً فرمود «امریکا هیچ

ره، رهرو، رهبر / ۸۵۳

غلطی نمیتواند بکند»، اوج اقتدار سیاسی و نظامی امریکا در دنیا بود. امام احساس عزت را به این مردم برگرداند و انقلاب احساس عزت را به ملت ایران برگرداند. امروز ایرانی به ایرانی بودن خود و به مسلمان بودن خود افتخار میکند. امروز قدرتمندان عالم هم اعتراف میکنند که در مقابل ملت ایران، تهدید آنها، قدرت نظامی آنها و تبلیغات سیاسی آنها هیچ تأثیری ندارد؛ ملت ایران راهی را و هدفی را که انتخاب کرد، با قدرت تمام خواهد رفت و به آن هدف خواهید رسید.

در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و سنن کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۳

تأثیر بزرگ انقلاب امام در توجه قلوب دنیای اسلام به اسلام

مرحوم سید قطب در یکی از نوشته‌هایش حرفی دارد که من از چهل سال قبل یا شاید بیشتر که این حرف را دیدم، دائماً در ذهن من هست. او میگوید اگر طرفداران و داعیان اسلام - مضمون حرف این است. حالا جزئیات حرف چون خیلی قدیم دیدم، یادم نیست - به جای نوشتن این همه کتاب، به جای این همه تبلیغات، به جای این همه سخنرانی، اداره‌ی این همه مسجد، یک کار برای ترویج اسلام بکنند، آن کار از همه‌ی این کارها تأثیرش بیشتر است. و آن اینکه در گوشه‌ای از دنیا - به ذهنم است میگوید در یک جزیره‌ای دورافتاده‌ای - یک حکومت اسلامی تشکیل بدهند؛ نفس تشکیل یک حکومت اسلامی در گوشه‌ای از این دنیای بزرگ اثرش از هزاران کتاب، هزاران سخنرانی، هزاران مطلب نکته‌دار در ترویج دین، بیشتر است. ما این را امتحان کردیم. نظام اسلامی وقتی تشکیل شد، فریاد اسلام وقتی از حلقوم آن مرد بزرگ و شجاع و بی‌نظیر خارج شد؛ امام بزرگوار ما - که هیچ شخصیتی از این شخصیت‌های مصلح اسلامی تاریخمان را با او نمیتوانیم قیاس کنیم. من با شرح حال بزرگانی از مصلحان از قبیل سید جمالها و دیگرانی که بودند، آشنا هستم. هیچ‌کدام با این مرد بزرگ، این امام عزیزی که خداوند توفیق داد ما زمان او را درک کردیم، قابل مقایسه نیستند. با آن شجاعت، با آن صراحت، با آن احساس عزت، از اسلام حرف زد - ناگهان همه‌ی دنیای اسلام قلوبشان متوجه به اسلام شد. امروز شما در هر کدام از دانشگاه‌های کشورهای اسلامی بروید، بین دانشجویان و طبقه‌ی تحصیلکرده‌ی جوان، گرایش و عشق به اسلام را ببینید.

اینها همانهایی بودند که کمونیستها آنها را براحتی جذب میکردند؛ جریانهای گوناگون ملحد براحتی آنها را به خودشان متمایل میکردند. امروز این گرایشها به حداقل رسیده. نگاه، نگاه، نگاه به اسلام است. این همه که شما میبینید از سوی دولتهای مرتجع، دولتهای وابسته، دولتهای اسیر و ذلیل در منطقه‌ی ما علیه انقلاب کار انجام میگیرد، بخاطر همین است.

در دیدار سران و معتمدان عشایر کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۴

جایگاه والای عشایر، نزد امام

عشایر همانطوری که امام فرمودند، ذخایر انقلابند. همه‌ی عشایر، مرزداران، سنت‌داران، حافظان هویت و حیثیت بومی این کشورند؛ در این هیچ شکی نیست، لکن بعضی از عشایر به مناسبت موقعیت جغرافیایی و سیاسی و حساسیتهایی که در طول این تاریخ پرفراز و نشیب پیش آمد، فرصت پیدا کردند تا هویت خود را، حقیقت خود را، ذخیره بودن خود را در عمل اثبات کنند و شما عزیزان من، در این زمره قرار دارید.

در دیدار استادان و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۷

استفاده‌ی برخی از کشورهای استقلال یافته از روش امام

من به شما بگویم این را- اگر چه نمیتوانیم این را اثبات بکنیم اما من میدانم، این را بالعیان مشاهده کردم- برخی از کشورهای استقلال یافته و آزادشده- از جمله یکی از کشورهای معروف آفریقا- از ایران الگوگیری کردند؛ همان روشی را که در دوران انقلاب در ایران اعمال شده بود، آن روش را به کار بردند. اینجا بهشان گفته شد. سران انقلابیونشان آمده بودند اینجا؛ به آنها گفته شد که امام از این روش استفاده کرد؛ رفتند و همان روش را اعمال کردند و توانستند استقلال بگیرند و توی کشور خودشان، آپارتاید را نابود کنند.

علت توجه ویژه‌ی امام به منطقه‌ی کردستان

ما در مطالعات خود، در بررسی‌های خود، نه فقط در این برهه، بلکه از گذشته، توجه کردیم که در دوران طاغوت به این منطقه با نگاه منفی نگاه شده است. مردم این منطقه را بیگانه دانستند، مورد بی‌اعتنایی قرار دادند؛ از اول انقلاب به همین جهت به دستور امام بزرگوار (رضوان‌الله تعالی‌علیه) اولین گروه عمران، بعنوان دفتر عمران کردستان، به این منطقه آمدند تا مشغول خدمت‌رسانی شوند، تا مشکلات متراکم‌شده از دوران قبل را برطرف کنند.

ایستادگی امام و پشتیبانی ملت از ایشان به برکت آگاهی

ملت ایران نشان دادند ملت آگاهی هستند. اگر آگاهی ملت ایران نبود، آن دولتهای متزلزل و بی‌اعتقاد به انقلاب در سالهای اول انقلاب، یقیناً سرنوشت بدی را برای این کشور رقم میزدند. آنهایی که خودشان صریحاً میگفتند به انقلاب عقیده ندارند، آنهایی که میگفتند از امریکا میترسند- صریحاً این را میگفتند- آنهایی که نشان میدادند که متمایل به نرمش و تذلل و تواضع در مقابل قدرتهای بزرگند، اگر بنا بود در رأس کار بمانند، امروز ملت ما مسیر و وضع دیگری داشت و از این عزت، از این پیشرفت، از این ابهت جهانی برای ملت ایران خبری نبود. امام بزرگوار ما محکم ایستاد و مردم بخاطر آگاهی، به برکت آگاهی‌شان پشت سر امام ایستادند. این آگاهی به مردم کمک کرد.

آگاهی ملت در انتخاب افراد در راه امام

ملت باید آگاه باشد. اگر کسانی بر سر کار بیایند که در مراکز گوناگون سیاسی یا اقتصادی به جای اینکه به فکر ادامه‌ی راه امام و ارزشها و اصول ترسیم‌شده به وسیله‌ی امام باشند، به فکر بدست آوردن دل فلان قدرت غربی و فلان مستکبر بین‌المللی باشند، برای ملت ایران مصیبت خواهد بود. این آگاهی برای ملت لازم است.

علت تأکید امام بر اسلام در همه‌ی گفته‌ها

اگر نظام اسلامی اندکی از اسلام و از راه اسلام و از هدفهای اسلام انحراف پیدا کند، مطمئناً این پشتوانه‌ی عظیم، دیگر برای او باقی نخواهد ماند. اینکه امام بزرگوار ما در همه‌ی اظهاراتش، در همه‌ی گفته‌هایش بر روی اسلام تکیه میکرد، بخاطر همین حقیقت است. اسلام است که ما را نگه داشت، اسلام است که به ما قوت بخشید، اسلام است که ما را امیدوار به پیروزی کرد و وارد این میدانهای سخت کرد، اسلام بود که در حمله‌ی «بیت المقدس»، آن جوانان غریب، آن نیروهای مسلح فاقد امکانات را آنجور در مقابل دشمن بعثی وادار به استقامت کرد که توانستند او را مفتضح کنند، شکست بدهند، خرمشهر را پس بگیرند، از سرزمین اسلامی او را بیرون کنند. این نظام با اسلام به وجود آمد، با اسلام هم زنده خواهد ماند.

توشه‌گیری از خاطره‌ی امام خمینی(ره) برای حرکت ملت ایران و امت اسلامی

چهاردهم خرداد را که یادآور مصیبت فقدان پدر عظیم‌الشأن این ملت است، به همه‌ی شما حضار عزیز، به ملت بزرگ ایران و به همه‌ی آزادگان عالم تسلیت عرض میکنم. و امیدوارم خداوند متعال به همه‌ی ما توفیق عنایت کند که بتوانیم با تکرار خاطره‌ی این بزرگمرد تاریخ اسلام توشه‌هایی برای حرکت خودمان، حرکت ملت ایران و حرکت امت اسلامی بگیریم.

**دو پرچم برافراشته در راه و روش امام**

یک مطلب درباره‌ی ممشای امام و راه آن بزرگوار و هدفهای ایشان عرض میکنم. و آن این است که در جمع‌بندی توصیه‌های امام و شعارهای امام و مطالباتی که ایشان از مردم، از مسئولان، از آحاد مسلمانان جهان داشته‌اند، دو پرچم برافراشته را در دست امام ملاحظه میکنیم. در حقیقت امام بزرگوار ما در این نهضت عظیمی که در کشورمان و در جهان اسلام به وجود آوردند، دو پرچم را بلند کردند و برافراشته نگاه داشتند:

پرچم اول: پرچم احیای اسلام

یک پرچم عبارت است از پرچم احیای اسلام؛ به عرصه آوردن این قدرت عظیم و لایتناهی. پرچم دوم، پرچم عزت و سربلندی ایران و ایرانی. این دو تا پرچم برافراشته‌ی بدست قدرتمند امام بزرگوار ماست. پرچم اول که در حقیقت یک بُعد از دعوت امام و نهضت امام است، مربوط به امت بزرگ اسلامی است. پرچم دوم هم اگرچه که مربوط به ملت ایران است، مربوط به ایران و ایرانی است، اما چون یک تجربه‌ی عملی از تحرک حیاتبخش اسلام است، برای امت اسلامی امیدآفرین و حرکت‌ساز است. چون این نهضت بزرگ در ایران تجربه‌ی عملی بیداری اسلام و تحقق اسلام بود، بنابراین اگرچه که بطور مستقیم مربوط به ایران و ایرانی است، اما نتیجه‌ی آن باز برای امت اسلام دارای ارزش و اهمیت است. من درباره‌ی هر دو بُعد، مطالب کوتاهی را عرض میکنم.

احساس هویت و شخصیت مسلمانان جهان؛ در اثر احیای اسلام توسط امام

در بُعد اول که برافراشتن پرچم اسلام بود، این موجب شد که مسلمانان در همه جای دنیا احساس هویت کردند؛ احساس شخصیت کردند. بعد از آنی که در طول سالهای متمادی کوشش شده بود که هویت اسلامی خرد شود، له شود، وقتی این انقلاب به وجود آمد، وقتی قامت برافراشته‌ی امام بزرگوار ما در منظر مردم مسلمان عالم پدیدار شد، همه احساس کردند که یک هویتی، یک شخصیتی، یک اصالتی پیدا کرده‌اند. همین موجب شد که در شرق و غرب دنیای اسلام نشانه‌های بیداری مسلمانان پدیدار بشود: ملت فلسطین بعد از دهها سال ناکامی جان گرفت؛ جوانان کشورهای عربی که بعد از شکست در سه جنگ که دولتهایشان با رژیم صهیونیستی داشتند و دلمرده و مأیوس بودند، دوباره روحیه گرفتند- اینها دیگر مربوط به دنیای اسلام است؛ مخصوص به مسائل کشور ما نیست- رژیم صهیونیستی که غده‌ی سرطانی در دل کشورهای اسلامی است و تا آن روز یک چهره‌ی شکست‌ناپذیر از خود نشان داده بود و خلیجها در دنیای اسلام باور کرده بودند که رژیم صهیونیستی شکست‌ناپذیر است، از دست جوانان مسلمان سیلی خورد؛ انتفاضه‌های فلسطینی شروع شد، ضربه‌های پیاپی بر رژیم غاصب وارد شد؛ چه در انتفاضه‌ی اول، چه در انتفاضه‌ی اقصی، چه در شکست و عقب‌نشینی نه سال قبل از لبنان، چه در جنگ سی و سه روزه و چه در سال گذشته در جنگ بیست و

دو روزه با مردم مظلوم غزه؛ همه‌ی اینها ضرباتی بود که بر رژیم صهیونیستی وارد شد. این در حالی است که آن روزی که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، رژیم صهیونیستی از نظر دولتهای مسلمان و ملت‌های مسلمان، بخصوص ملت‌های عرب، یک رژیم شکست‌ناپذیر به حساب می‌آمد. این موجب شد که رژیم صهیونیستی عجلتاً شعار از نیل تا فرات را کنار بگذارد و بدست فراموشی بسپرد. ملت‌های مسلمان - از آفریقا تا شرق آسیا - به فکر ایجاد نظام اسلامی و حکومت اسلامی افتادند با فرمول‌های گوناگون؛ نه لزوماً با همان فرمول نظام جمهوری اسلامی ما؛ اما به فکر حاکمیت اسلام بر کشورشان افتادند. بعضی از کشورها موفق هم شدند؛ بعضی هم آینده‌ی نویدبخشی در انتظارشان هست از حرکت‌های اسلامی.

روشنفکران در دنیای اسلام با امید تازه‌ای به میدان آمدند؛ همان شاعران و هنرمندان و نویسندگانی که با یأس حرف می‌زدند، احساس شکست می‌کردند، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بعد از حرکت عظیم امام بزرگوار و ایستادگی‌های این ملت، روحیه‌شان عوض شد، لحن کلامشان و شعرشان و قلمشان تغییر پیدا کرد؛ رنگ امید به خود گرفت. و این رشته سر دراز دارد.

من همینجا به ملت‌های مسلمان عرض می‌کنم اگر امروز شما ببینید که لحن دنیای غرب در برابر شما نرم‌تر شده است، این در نتیجه‌ی همین بیداری عمومی و ایستادگی در دنیای اسلام است. وعده‌ی بی‌تخلف خداوند که پیروزی مؤمنان را وعده کرده است، تحقق پیدا نمی‌کند، مگر در صورتی که مؤمنان ایستادگی کنند، پافشاری کنند، جانفشانی کنند. همان مقداری که این ایستادگی دیده شد، ورق برگشت؛ دنیای اسلام در مقابل غرب از آن حالت تحقیرشدگی خارج شد.

در گذشته، دنیای سلطه و قدرتمندان سلطه‌گر نسبت به کشورهای اسلامی بطور دلخواه تصمیم‌گیری می‌کردند؛ نه نظر ملت‌های مسلمان و نه نظر دولتهای اسلامی را حتی سؤال هم نمی‌کردند. اگر نفت داشتند، برای نفتشان؛ اگر بازار داشتند، برای بازارشان برنامه‌ریزی می‌کردند، تصمیم می‌گرفتند و آن تصمیم باید عمل میشد. با بیداری دنیای اسلام این وضعیت تا حد زیادی تغییر پیدا کرد. مسلمانها باید این تجربه را در همه‌ی دنیای اسلام بعنوان یک تجربه‌ی موفق و مغتنم قدر بدانند و راه خودشان را براساس او

تنظیم بکنند. آنچه ملتها را عزیز میکند، سربلند میکند، ایستادگی آنهاست. امروز شما ملاحظه کنید حتی این دولت جدید امریکا، سعی میکند چهره‌ی جدیدی را از دولت ایالات متحده برای مردم این منطقه ترسیم کند. البته حق هم دارند که این را بخواهند؛ چون دولت قبلی امریکا یک چهره‌ی زشت و منفور و خشنی از دولت ایالات متحده در نزد ملت‌های این منطقه به وجود آورده است. ملت‌های منطقه‌ی خاورمیانه، منطقه‌ی اسلامی و شمال آفریقا از ته دل از امریکا متنفرند؛ چون در طول سال‌های متمادی از امریکا در این منطقه خشونت دیدند، دخالت نظامی دیدند، حق‌کشی دیدند، تبعیض دیدند، مداخله‌های زورمدارانه دیدند، از دست رفتن حقوق خودشان را به وسیله‌ی دولتهای زورگوی امریکایی در طول سال‌های گذشته مشاهده کردند، لذا متنفرند.

این بیداری اسلامی، آن وجه اول از حرکت عظیم امام بزرگوار ما بود.

پرچم دوم: زدودن احساس حقارت از ملت ایران

وجه دوم مربوط به عزت ایران و ایرانی است. اولین کار و مهمترین کاری که امام بزرگوار ما در این بخش دوم انجام داد، این بود که احساس حقارت را از ملت ایران گرفت و از روح آنها زدود؛ این خیلی مسئله‌ی مهمی است. ملت ما از صد و پنجاه سال پیش، صد سال پیش، بر اثر عوامل گوناگون، در خود احساس حقارت میکرد؛ خودکم‌بینی احساس میکرد؛ از جنگ‌های دوران قاجار بگیرد و آن شکست‌های سخت و از دست دادن شهرهای مختلف در زمان قاجار، تا بعد در دوران پهلوی، زمان رضاخان، آن دیکتاتوری و سرکوب سخت ملت، که مجال نفس کشیدن به کسی داده نمیشد؛ بعد در دوران بعد از پهلوی اول، زمان محمدرضا، با حضور امریکاییها، با ایجاد سازمان امنیت و ساواک، با آن رفتار خشنی که با مردم میکردند، مردم احساس میکردند که هیچ‌توانی دیگر برایشان نمانده است. در چند مسئله‌ی مهم ملت ایران احساس شکست کرد؛ از قضیه‌ی مشروطه که ملت ایران شکست خورد بعد از اینکه پیروز شده بود، تا قضیه‌ی نهضت ملی که باز ملت ایران با آنکه یک حرکت عظیمی را کرد، متصدیان و مسئولان نتوانستند این حرکت را نگه دارند و ملت ایران شکست خورد؛ بعد از آن یک

دیکتاتوری سخت از سال ۳۳ تا سال ۵۷- در طول بیست و چهار سال- بر مردم حاکم بود، که مردم واقعاً روحیه‌ای دیگر نداشتند.

از طرفی روشنفکران غریزه که خیلی از آنها در دستگاه‌های حکومت ظالم حضور داشتند، با حرف خودشان و با عمل خودشان به مردم اینجور تفهیم کرده بودند که شما عرضه ندارید؛ عرضه‌ی هیچ کاری را ندارید؛ باید تقلید کنید. در علم تقلید کنید، در صنعت تقلید کنید، در فرهنگ تقلید کنید، در لباس تقلید کنید، در خوراک تقلید کنید، در حرف زدن تقلید کنید. حتی کار را به جایی رساندند که یک وقتی گفتند: باید خط فارسی را تغییر بدهیم! ببینید چقدر یک ملت باید از استقلال و عزت نفس دور شده باشد که جرأت کنند کسانی بگویند خطت را تغییر باید بدهید. خط فارسی که هزار سال میراث علمی ما با آن نوشته شده است، این را عوض کنیم، تغییر بدهیم، خط اروپاییها را بیاوریم و از آنها تقلید بکنیم؛ کار را به اینجا رسانده بودند. امام آمد این روح حقارت را گرفت و در طول پانزده سال نهضت امام تا پیروزی انقلاب و از روز پیروزی انقلاب به نحو دیگری تا ده سال عمر بابرکت آن بزرگوار، دائم روح خودباوری را در این ملت دمید: شما میتوانید، ما میتوانیم، شما قادرید، شما بزرگید، شما قدرتمندید.

ثمرات برافراشته شدن پرچم خودباوری و اعتماد به نفس توسط امام

این خودباوری و اعتماد به نفس ملی یکی از دو رکن اساسی پیشرفت هر کشور است. یک رکن، امکانات مادی است، اما امکانات مادی کافی نیست. یک ملت ممکن است امکانات مادی زیادی هم داشته باشد، اما به رشد و ترقی و تعالی نرسد؛ نتواند یک ملت عزیز و قدرتمند بشود. خوب، ما در دوران قبل از انقلاب همین نفت را داشتیم، همین گاز را داشتیم، همین معادن عظیم فلزات ذی‌قیمت را داشتیم، همین استعدادهای درخشان و نیروی انسانی با استعداد را داشتیم؛ اما در عین حال یک ملت دست‌سوم، گمنام در دنیا، توسری‌خور قدرتهای بزرگ، زیر یوغ یک حکومتی که فاسد بود، دست‌نشانده بود، متصل به دشمنان ملت بود، زندگی میکردیم. پس امکانات مادی کافی نیست، مؤلفه‌های دیگری لازم است؛ مؤلفه‌های معنوی. یکی از مهمترین این مؤلفه‌ها، همین خودباوری است، اعتماد به نفس است و اینکه یک ملت باور کند که میتواند. امام

ملت ما را به این باور رساند که میتواند بایستد؛ میتواند مقاومت کند؛ میتواند کشور خود را آزاد کند؛ میتواند نظامی را که خود به وجود آورده است، با کمال قدرت این نظام را حفظ کند؛ میتواند در دنیا، در سیاستهای بین‌الملل اثر بگذارد، که همین‌جور هم شد.

تنها راه ملت ایران برای پیشرفت و موفقیت

راه این ملت بزرگ ما که پرورده‌ی بیانات امام و هدایت‌های امام است، برای رسیدن به اوج اعتلا و پیشرفت عبارت است از اینکه این عزت‌مآلی را در همه‌ی عرصه‌ها حفظ کند. این ملت میتواند به اوج اعتلا برسد، که وقتی یک ملت قوی شد، اعتلا مادی و معنوی پیدا کرد، امنیت او هم کامل خواهد شد. یعنی آسیب‌پذیری او از بین خواهد رفت؛ دشمنان دیگر طمع نمیکنند. اگر ملت ما میخواهد به امنیت کامل برسد، اگر میخواهد دشمنان دیگر جرأت تهدید او را پیدا نکنند، باید همین راه را برود. اگر پیشرفت و عدالت را میخواهد، همین راه را باید برود. خطر بزرگ برای کشور ما جدا شدن از مردم است؛ جدا شدن از ارزشهای اسلامی است؛ جدا شدن از خط مبارک امام است؛ اینها برای کشور ما خطر است. اگر این استخوان‌بندی محکم که انقلاب به وجود آورد حفظ بشود، خیلی از مشکلات را در گوشه و کنار در طول زمان میشود ترمیم کرد. نگذارید این استخوان‌بندی محکم شکسته بشود، که اگر شکسته شد، هیچ زخمی هم دیگر درمان پیدا نخواهد کرد، هیچ گوشه‌ی خرابی هم دیگر ترمیم نخواهد شد. استخوان‌بندی مستحکم نظام اسلامی‌ای را که امام آن را به ما یاد داده است، باید حفظ کنیم. من خدا را شکر میکنم که در طول این سی سال، ملت ایران و مسئولین کشور توانستند بقدر وسع خودشان این راه را دنبال کنند، تعقیب بکنند. البته کم و زیاد داشته است، افت و خیز بوده است؛ در یک دوره بهتر، در یک دوره کمتر، اما این حرکت بطور مستمر ادامه پیدا کرده است تا امروز، و به توفیق الهی به همت شما مردم، بخصوص به همت شما جوانها، این راه همچنان تا پیروزی نهایی ادامه پیدا خواهد کرد.

نسخه الکترونیکی

۸۶۲ / ره، رهرو، رهبر هرگونه بهره‌برداری بصورت چاپ و تکثیر ممنوع می‌باشد.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸/۳/۲۹

جنبش عمومی و مردمی برای تجدید پیمان با امام و شهدا

این انتخابات، عزیزان من! برای دشمنان شما یک زلزله‌ی سیاسی بود؛ برای دوستان شما در اکناف عالم یک جشن واقعی بود؛ یک جشن تاریخی بود. در سی سالگی انقلاب این جور مردم بیایند نسبت به این نظام و این انقلاب و آن امام بزرگوار اظهار وفاداری کنند! این یک جنبش عمومی و مردمی بود برای تجدید پیمان با امام و با شهدا؛ و برای نظام جمهوری اسلامی یک نفس تازه کردن، یک حرکت از نو، یک فرصت بزرگ.

توجه به آخرین وصایای امام در مورد اهمیت قانون

من به این برادران عرض میکنم، به مسئولیت پیش خدای متعال فکر کنید: پیش خدا مسئولید، از شما سؤال خواهد شد. آخرین وصایای امام را به یاد بیاورید؛ قانون، فصل الخطاب است؛ قانون را فصل الخطاب بدانید. انتخابات اصلاً برای چیست؟ انتخابات برای این است که همه‌ی اختلافها سر صندوق رأی حل و فصل بشود. باید در صندوقهای رأی معلوم بشود که مردم چی میخواهند، چی نمیخواهند؛ نه در کف خیابانها.

در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸/۰۴/۰۳

وصیتنامه‌ی امام(ره)؛ اصول و مبانی انقلاب اسلامی

حالا مثلاً فرمودید که به سیاستهای ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی توجه است. ببینید، این خودش یک شاخص است. اگر سیاستهای اصل ۴۴ را قبول داریم، فرض کنید قانونی بگذرانیم که با این سیاستها نخواند، چطور این مردود است از نظر شما؟ عین همین مسئله در شکل کلان مربوط به اصل ارزشهای انقلاب است، اصل مبانی انقلاب است. مبانی انقلاب را باید مرور کرد؛ فراموش نکنید. اینی که گفته بشود ما در نظرات امام-فرض بفرمایید حالا تعبیر «تردید» نمیکنند، اما حرفهایی میزنند که معنایش همان تردید است- تردید کنیم، این درست نیست. وصیتنامه‌ی امام، جمع‌بندی شده‌ی فرمایشات

ره، رهرو، رهبر / ۸۶۳

امام (رضوان الله تعالی علیه) مبانی انقلاب ماست، اصول انقلاب ماست. امام مرد بزرگی بود، آگاه بود. اینها را دائماً در نظر داشته باشید. قانون، موضعگیری و حرکت بر این اساس باشد. ممکن است یک نفر یک جور بفهمد، یک نفر یک جور دیگر بفهمد- این اشکالی ندارد- اما باید هدف این باشد، محور این باشد.



توجه امام به سختی کار اجرایی

کار اجرایی سخت است. من یادم هست افراد خدمت امام میرفتند، میگفتند که آقا فلان جا اشکال دارد، بازرگانی چنین شده. خوب، هر بخشی از کشور نابسامانیها زیاد است و همیشه هم هست؛ آن روز هم بود، خیلی هم بود. میرفتند به امام شکایت میکردند. بنده دیده بودم یا از بعضیها شنیده بودم که امام حرفها را گوش میکردند و بعد میگفتند آقا کار سخت است. واقعش هم همین است. کار در برنامه ریزی و روی کاغذ و چارت و نمودارهای گوناگون و فلان یک معنا دارد، اما کار در میدان عمل یک معنای دیگری دارد. همانی که انسان روی کاغذ خیلی راحت میکشد، در عمل خیلی سخت است.

در مراسم تنفیذ حکم دهمین دوره ریاست جمهوری، ۱۳۸۸/۵/۱۲

پیروی از امام؛ مانع از فریب ملت

عظمت این انقلاب و عظمت این نظام و ریشه داری نظام جمهوری اسلامی در حوادث این یکی دو ماه اخیر، بیشتر برای دشمنان جمهوری اسلامی آشکار شد. این ملت، ملت باایمانی است؛ ملت هوشیاری است؛ ملت بااستعدادی است. با مسجد ضرار نمیشود این ملت را شکست داد. ما در تاریخ خودمان نمونه هایی را از این داریم: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ»^۲. با تقلید از رهبر عزیز و عظیم الشان انقلاب، امام بزرگوار ما، که از دل، از جان، با همه وجود غرق در قرآن بود، نمیشود این مردم را فریب داد.

۱ فتنه‌ی بعد از انتخابات سال ۸۸.

۲ سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۰۷. و آنهایی که مسجدی اختیار کردند که مایه زیان و کفر و پراکندگی میان مؤمنان است، و [نیز] کمینگاهی است برای کسی که قبلاً با خدا و پیامبر او به جنگ برخاسته بود.

اعتقاد کامل امام به وعده‌ی نصرت الهی

ما به یک قول متعارف معمولی از سوی آدمی که کار بدی از او ندیده‌ایم، اعتماد میکنیم؛ قرضی از او میخواهیم، کاری دست او داریم، او به ما وعده میکند که بسیار خوب، من این کار را برای شما انجام میدهم. ما معمولاً اعتماد میکنیم، راه می‌افتیم مقدمات کار را فراهم میکنیم، در حالی که او یک انسانی بیش نیست؛ ممکن است پشیمان بشود، ممکن است کسی بیاید رأی او را بزند، ممکن است فراموش کند، ممکن است آن امکانی که به وسیله‌ی او میخواست به ما کمک بکند، از دستش برود؛ ده جور یا دهها جور احتمال تخلف این وعده هست، لیکن ما اعتماد میکنیم. خوب، خدای متعال چقدر وعده کرده است به مؤمنین؛ وعده‌ی نصرت، وعده‌ی هدایت، وعده‌ی تعلیم؛ «وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ»، وعده‌ی حفظ و صیانت، وعده‌ی کمک در امور دنیا؛ این همه خدای متعال به ما وعده کرده. البته این وعده‌ها مطلق نیست؛ شروطی دارد، شروطش هم خیلی شروط دشواری نیست، از دست ماها برمی‌آید. دلیلش هم این است که جاهایی که به این شروط عمل کردیم، خدای متعال به ما کمک کرد؛ نمونه‌اش جنگ تحمیلی. شما جوانهایی که دوران جنگ تحمیلی را درک نکردید، بدانید؛ آن روزی که جنگ تحمیلی شروع شد، همه‌ی صاحب‌نظران، همه‌ی تحلیل‌گران، همه‌ی نخبگان بطور قاطع میگفتند صدام در این جنگ پیروز است و ایران شکست خورده است؛ جز یک عده‌ی معدودی، آن کسانی که به نگاه اسلامی و ایمانی اعتقاد داشتند - نگاه امام به حوادث - آنها نه، آنها در دلشان امیدی بود؛ حالا کم یا زیاد؛ بعضی کورسوی امیدی بود، بعضی نه، دلشان روشن بود.

خاطره‌ای درباره‌ی ایمان امام به وعده‌ی نصرت الهی

من این خاطره را بارها نقل کرده‌ام: در روزهای سوم، چهارم جنگ بود، در اتاق جنگ ستاد مشترک، همه جمع بودیم؛ بنده هم بودم، مسئولین کشور؛ رئیس‌جمهور،

نخست‌وزیر - آن وقت رئیس‌جمهور بنی‌صدر بود، نخست‌وزیر هم مرحوم رجایی بود - چند نفری از نمایندگان مجلس و غیره، همه آنجا جمع بودیم، داشتیم بحث میکردیم، مشورت میکردیم. نظامیها هم بودند. بعد یکی از نظامیها آمد کنار من، گفت: این دوستان درون اتاق دیگر، یک کار خصوصی با شما دارند. من پا شدم رفتم پیش آنها. مرحوم فکوری بود، مرحوم فلاحتی بود - اینهایی که یادم است - دو، سه نفر دیگر هم بودند. نشستیم، گفتیم: کارتان چیست؟ گفتند: ببینید آقا! - یک کاغذی درآوردند. این کاغذ را من عیناً الآن دارم توی یادداشتهایم نگه داشته‌ام که خط آن برادران عزیز ما بود - هواپیماهای ما اینهاست؛ مثلاً اف ۵، اف ۴، نمیدانم سی ۱۳۰، چپی، چپی، انواع هواپیماهای نظامی ترابری و جنگی؛ هفت، هشت، ده نوع نوشته بودند. بعد نوشته بودند از این نوع هواپیما، مثلاً ما ده تا آماده به کار داریم که تا فلان روز آمادگی‌اش تمام میشود. اینها قطعه‌های زودتعیوض دارند - در هواپیماها قطعه‌هایی هست که در هر بار پرواز یا دو بار پرواز باید عوض بشود - میگفتند ما این قطعه‌ها را نداریم. بنابراین مثلاً تا ظرف پنج روز یا ده روز این نوع هواپیما پایان میپذیرد؛ دیگر کانه نداریم. تا دوازده روز این نوع دیگر تمام میشود؛ تا چهارده، پانزده روز، این نوع دیگر تمام میشود. بیشترین سی ۱۳۰ بود. همین سی ۱۳۰ هایی که حالا هم هست که حدود سی روز یا سی و یک روز گفتند که برای اینها امکان پرواز وجود دارد. یعنی جمهوری اسلامی بعد از سی و یک روز، مطلقاً وسیله‌ی پرندگی هوایی نظامی - چه نظامی جنگی، چه نظامی پشتیبانی و ترابری - دیگر نخواهد داشت؛ خلاص! گفتند: آقا! وضع جنگ ما این است؛ شما بروید به امام بگویید. من هم از شما چه پنهان، توی دلم یک قدری حقیقتاً خالی شد! گفتیم عجب، واقعاً هواپیما نباشد، چکار کنیم! او دارد با هواپیماهای روسی مرتباً می‌آید. حالا خلبانهایش عرضه‌ی خلبانهای ما را نداشتند، اما حجم کار زیاد بود. همینطور پشت سر هم می‌آمدند؛ انواع کلاسهای گوناگون میگ داشتند.

گفتم خیلی خوب. کاغذ را گرفتم، بردم خدمت امام، جماران؛ گفتم: آقا! این آقایان فرماندهان ما هستند و ما دار و ندار نظامیمان دست اینهاست. اینها اینجوری میگویند؛ میگویند ما هواپیماهای جنگیمان تا حداکثر مثلاً پانزده، شانزده روز دیگر دوام دارد و آخرین هواپیمایمان که هواپیمای سی ۱۳۰ است و ترابری است، تا سی روز و سی و سه

روز دیگر بیشتر دوام ندارد. بعدش، دیگر ما مطلقاً هواپیما نداریم. امام نگاهی کردند، گفتند- حالا نقل به مضمون میکنم، عین عبارت ایشان یادم نیست؛ احتمالاً جایی عین عبارات ایشان را نوشته باشم- این حرفها چیست! شما بگویید بروند بجنگند، خدا میرساند، درست میکند، هیچ‌طور نمیشود. منطقاً حرف امام برای من قانع‌کننده نبود؛ چون امام که متخصص هواپیما نبود؛ اما به حقانیت امام و روشنایی دل او و حمایت خدا از او اعتقاد داشتم، میدانستم که خدای متعال این مرد را برای یک کار بزرگ برانگیخته و او را وا نخواهد گذاشت. این را عقیده داشتم. لذا دلم قرص شد، آمدم به اینها- حالا همان روز یا فردایش، یادم نیست- گفتم امام فرمودند که بروید همینها را هر چی میتوانید تعمیر کنید، درست کنید و اقدام کنید.

همان هواپیماهای اف ۵ و اف ۴ و اف ۱۴ و اینهایی که قرار بود بعد از پنج، شش روز بکلی از کار بیفتند، هنوز دارد در نیروی هوایی ما کار میکند! بیست و نه سال از سال ۵۹ میگذرد، هنوز دارند کار میکنند! البته تعدادی از آنها در جنگ آسیب دیدند، ساقط شدند، تیر خوردند، بعضیشان از رده خارج شدند، اما از این طرف هم در قبال این ریزش، ریشی وجود داشت؛ مهندسین ما در دستگاههای ذی‌ربط توانستند قطعات درست کنند، خلأها را پر کنند و بعضی از قطعات را علی‌رغم تحریم، به کوری چشم آن تحریم‌کننده‌ها، از راههایی وارد کنند و هواپیماها را سرپا نگه دارند. علاوه بر اینها، از آنها یاد بگیرند و دو نوع هواپیمای جنگی خودشان بسازند. الان شما میدانید که در نیروی هوایی ما، دو نوع هواپیمای جنگی- البته عین آن هواپیماهای قبلی خود ما نیست، اما بالاخره از آنها استفاده کردند. مهندس است دیگر، نگاه میکند به کاری، تجربه می‌اندوزد، خودش طراحی میکند- هواپیمای دو کابینه‌ی برای آموزش و یک کابینه‌ی برای تهاجم نظامی، ساخته شده است. علاوه بر اینکه همانهایی هم که داشتیم، هنوز داریم و توی دستگاههای ما هست.

این، توکل به خداست؛ این، صدق وعده‌ی خداست. وقتی خدای متعال با تأکید فراوان و چندجانبه میفرماید: «وَلِيُنصِرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ»؛^۱ بی‌گمان، بی‌تردید، حتماً و یقیناً خدای متعال نصرت میکند، یاری میکند کسانی را که او را، یعنی دین او را یاری کنند-

ره، رهرو، رهبر / ۸۶۷

وقتی خدا این را میگوید- من و شما هم میدانیم که داریم از دین خدا حمایت میکنیم، یاری دین خدا میکنیم. بنابراین، خاطر جمع باشید که خدا نصرت خواهد کرد.

در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۸/۶/۱۳۸۸

شعارهای نامزدهای انتخابات؛ نشانه‌ی دل‌بستگی مردم به خط امام

ملاحظه کردید که در اظهارات نامزدهای محترمی که وارد این میدان شدند، غالباً دم از پیروی خط امام و گرایش به ارزشها، دل‌بستگی به ارزشها در بیاناتشان بود؛ اگرچه حالا در بعضی از موارد حرفی زده میشد که منطبق با این کلی نبود، اما همه‌ی آنچه که میگفتند و آنچه که مطرح میکردند، میخواستند این را نشان بدهند که دل‌بستگی به راه امام، به خط امام، به انقلاب، به پایه‌های انقلاب وجود دارد. این خیلی حرف مهمی است. این نشان‌دهنده‌ی این است که همه احساس کردند که ملت ایران به این سمت گرایش دارد. این جهت کلی حرکت ملت ایران را نشان میداد؛ یعنی جهت اسلامیت، جهت هضم بودن و مطیع بودن در مقابل امر الهی‌ای که امام بزرگوار ما مظهرش بود. بنابراین، آن جمهوریت نظام و این اسلامیت نظام، با این انتخابات هر دوی اینها تثبیت شد؛ تأیید شد. اینها پیامهای مهمی است؛ اینها را باید درک کرد و باید این پیامها را فهم کرد.



لزوم شکرگزاری دل‌بستگان به اسلام و امام، از حضور مردم در صحنه‌های انقلاب

خوب، بحمدالله این، صفحه‌ی تازه‌ای را در انقلاب ما، در نظام ما باز کرد. حالا بعضی واکنشی که به این حرکت عظیم مردم دادند، حقاً و انصافاً واکنش اخلاقی‌ای نبود؛ نجیبانه و جوانمردانه نبود، لکن اینها «فَأَمَّا الرَّبْدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ»^۲ است. این حرکت اصیل مردم، این جریان عظیم انقلاب، اینهاست که برای این کشور و برای این ملت و برای این تاریخ ماندنی است. باید همه شاکر باشیم. هر کسی

۱ انتخابات سال ۸۸.

۲ سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۱۷. اما کف، بیرون افتاده از میان می‌رود، ولی آنچه به مردم سود میرساند در زمین [باقی] میماند.

که به این کشور علاقه‌مند است، هرکس به اسلام و عظمت اسلام علاقه‌مند است، هرکس دلبسته‌ی امام بزرگوارمان هست، باید شکرگزار باشد این نعمت بزرگی را که خدای متعال به ما داد.



نسخه‌ی امام؛ درمان درد غرور از پیروزیها

ببینید، خرمشهر وقتی آزاد شد، خوب، خیلی پیروزی بزرگی بود- آنهایی که درست یادشان هست، سال ۶۱- خیلی کار عظیمی بود؛ هم از لحاظ سیاسی مهم بود، هم از لحاظ نظامی بسیار پیچیده و مهم بود، هم از لحاظ اجتماعی و نگاه عمومی و دل مردم، چقدر مهم بود و تأثیر داشت. از همه جهت کار عظیمی بود. همه، از جاهای مختلف آمدند. من آن وقت رئیس‌جمهور بودم. آقایان رؤسای جمهور چندین کشور- پنج، شش تا، هفت تا کشور- آمدند اینجا با ما ملاقات کردند و صریحاً به ما گفتند که الان دیگر وضع شما با گذشته فرق میکند؛ بعد از این فتح بزرگی که انجام گرفت. یعنی اینقدر ابعاد داخلی و خارجی این حادثه عظیم بود. امام واقعاً یک معلّم بود. امام یک معلّم اخلاق بود. تا این حادثه‌ی عظیم، با این عظمت، با این حجم پیدا شد، از همان ساعت اول تو خیابان اثرش در روحیه‌ی مردم فهمیده شد، امام فوراً درد را احساس کرد، درمانش را بلافاصله داد: «خرمشهر را خدا آزاد کرد». این معنایش این بود که فرماندهان مسلّحی که این همه سختی کشیده بودند، این همه رنج برده بودند، آن خون دلها را خورده بودند، چقدر شهیدهای خوب و بزرگ ما در همین فتح بیت‌المقدّس دادیم، بر اثر این همه مجاهدت، حالا این کار بزرگ انجام گرفته، اینها مغرور نشوند. سیاسیونی که در مساند قدرت نشسته‌اند، از این پیروزی بزرگی که در عرصه‌ی سیاسی برایشان پیدا شد، بر اثر این حادثه مغرور نشوند: «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى»^۱.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۸/۶/۲۰

روشهای مختلف امام در برخورد با اختلافات؛ به اقتضای شرایط

از اول انقلاب در بین همین گروههایی که در دوران پیش از انقلاب و در حوادث سالهای مبارزات، همه در کنار هم بودیم، اختلافهایی به وجود آمد. امام (رضوان‌الله تعالی علیه) با

۱ سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۱۷. و چون [ریگ به سوی آنان] افکندی، تو نیفکندی، بلکه خدا افکند.

همه‌ی این اختلافات یک جور برخورد نکرد. همینطور که در روش امیرالمؤمنین عرض کردیم، روش امام(رضوان‌الله‌علیه) هم همینجور بود؛ یعنی اول با مدارا، با نصیحت؛ لیکن آن وقتی که اقتضای کرد، برخورد کرد. یک گروه مربوط به دولت موقت بودند و مشکلات آنها بود، یک گروه آن کسانی بودند که علیه لایحه‌ی قصاص آن حرکت را انجام دادند، یک گروه حتی کار را به ترور و درگیری‌های خیابانی کشیدند؛ با هر کدام از اینها امام یک نحوی برخورد کرد. در سطوح بالایی حکومت هم بود؛ نخست‌وزیر بود، رئیس‌جمهور بود، حتی بعدها در اواخر عمر امام(رضوان‌الله‌علیه) در سطوح بالاتر از رئیس‌جمهور هم بود. امام با کسانی که احساس کردند نمیشود با اینها بیش از آن مدارا کرد، برخورد کردند. همه هم سوابق انقلابی داشتند، سوابق مذهبی داشتند، خیلی‌شان هم در سطوح بالا بودند؛ لیکن خوب، اینجور شد دیگر؛ این انشعابها پیش آمد. بعضی واقعاً با امام درافتادند؛ بعضی نه، اختلاف نظری هم بود، اما به درگیری و دعوا و انشعاب و انشقاق نینجامید. بعضی با امام درافتادند و مدارای امام را ندیده گرفتند. امام به همین گروهک منافقین که خواسته بودند بیایند با ایشان ملاقات کنند، پیغام دادند که اگر شما به حق عمل کنید، من می‌آیم سراغ شما؛ اگر دست از این کارهای خلاف بردارید، خود من می‌آیم سراغ شما. یعنی امام تا این حد با اینها مدارا کردند و حرف زدند. خوب، وقتی احساس خطر شد؛ بخصوص آن وقتی که مسئله، مسئله‌ی رسوخ دادن مبانی غلط در کالبد نظام و انقلاب است، این دیگر مثل سم مهلک است. آن وقت امام رعایت نکردند، مدارا نکردند؛ برخورد کردند. این در مورد آن چیزهایی است که در اختلافات بنیانی است.

رهنمودها و وصیتنامه‌ی امام؛ از اصول انقلاب

اصول انقلاب امور سلیقه‌ای نیست که هر که از یک گوشه‌ای در بیاید، سنگ اصول را به سینه بزند؛ بعد که سراغ این اصول می‌رویم، میبینیم بیگانه از انقلاب است. اصول انقلاب، اسلام است؛ قانون اساسی است؛ رهنمودهای امام است؛ وصیتنامه‌ی امام است؛ سیاستهای کلی نظام است که در قانون اساسی معین شده است که این سیاستهای کلی بایست تدوین بشود.

جمهوری اسلامی واقعی، همان جمهوری اسلامی امام

جمهوری اسلامی آن وقتی واقعاً جمهوری اسلامی است که با همان مبانی مستحکم امام، همان چیزهایی که در دوران حیات مبارک امام مطرح بود، شعار بود، به جد دنبال میشد، با همان شعارها پیش برود. هر جا ما با آن شعارها پیش رفتیم - من با بصیرت عرض میکنم، بنده اوضاع این سی سال را از نزدیک آزمایش کردم - پیشرفت با ما بوده است، پیروزی با ما بوده است، عزت با ما بوده است، منفعت دنیایی هم با ما بوده است؛ هر جا از آن شعارها عقب نشینی کردیم و کوتاه آمدیم، به دشمن میدان دادیم، ضعف پیدا کردیم، عقبگرد پیدا کردیم، عزت بدست نیامده است، دشمن جری تر شده است، پیشتر آمده است؛ از لحاظ مادی هم ضرر کردیم.

■
جمهوری اسلامی به معنای حقیقی - یعنی همان جمهوری اسلامی که امام (رضوان الله تعالی علیه) برای ما پایه گذاری کرد و به کشور ما هدیه داد - میتواند همین خصوصیات را تأمین کند؛ اقتدار بین المللی را، اقتدار سیاسی را، عزت را، رفاه دنیا و آبادی معنوی آخرت را. اما مراقب باشید یک نظام جمهوری اسلامی تقلبی نخواهند برای ما درست کنند؛ کاری که در ده سال گذشته هم بعضاً حرکاتی انجام گرفت، اما خدای متعال مهار کرد؛ مردم بیدار بودند، هشیار بودند، اجازه ندادند. میخواستند کارهایی بکنند، شعارهای امام را به موزه بسپرنند؛ صریحاً میگفتند که اینها کهنه شده! نه، شعارهای انقلاب کهنه شدنی نیست؛ همیشه تازه است، همیشه برای آحاد مردم جذاب است. شعاری که به نفع مستضعفین است، شعاری که به نفع عزت ملی است، شعاری که در آن مقاومت و ایستادگی است، این شعارها هیچ وقت کهنه نمیشود؛ برای هیچ ملتی کهنه نمیشود، برای نظام ما هم کهنه نخواهد شد.

در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۲/۷/۱۳۸۸

نگاه اسلام ناب امام به ولایت ولی

جمهور ما اسلام را میخواهند و این دین الهی را بحمدالله خدای متعال به ما داده است. بنابراین «جمهوری اسلامی» است؛ یک منظومه است، یک مجموعه است، یا

ره، رهرو، رهبر / ۸۷۱

بگوییم واحد دارای ابعاد است که این ابعاد باید با همدیگر مورد ملاحظه قرار بگیرد و با هم باشد؛ این درهم‌تنیدگی باید حفظ بشود. هر کدام از این جهات تضعیف بشود، کل و مجموعه تضعیف شده است.

مسئله‌ی ولایت هم پایبندی به همین مجموعه است؛ چه ولایت معصومین (علیهم‌السلام)، چه ولایت فقیه که دنباله‌ی ولایت معصومین و ادامه‌ی او هست. مسئله‌ی پایبندی به این مجموعه و رعایت حفظ این مجموعه در کشور و در نظام است، که زاویه‌ای پیدا نکند، مشکلی برایش به وجود نیاید، در او تنقیمی و تبعیضی حاصل نشود، با همین جامعیت حرکت کند و پیش برود. و این اسلام ناب هم که در فرمایش امام بود، ناظر به همین است؛ چون امام اسلام ناب فرمودند، در مقابل اسلام امریکایی. اسلام امریکایی فقط آن نیست که امریکایی‌سند باشد؛ هر چیزی که خارج از این اسلام ناب است؛ اسلام سلطنتی هم همینجور است، اسلام التقاطی هم همینجور است، اسلام سرمایه‌داری هم همینجور است، اسلام سوسیالیستی هم همینجور است، اسلام‌هایی که با شکلها و رنگهای مختلفی عرضه بشود و آن عناصر اصلی در او وجود نداشته باشد، همه‌اش مقابل اسلام ناب است؛ در واقع اسلام امریکایی است.

شجاعت؛ منشأ فتوحات گوناگون امام

به نظر من یکی از چیزهایی که فتوحات گوناگون امام را ارزانی آن بزرگوار داشت، همین شجاعت او بود، که فتوحات علمی، فتوحات معنوی، فتوحات سیاسی، فتوحات اجتماعی، این مجذوب شدن دلها به آن بزرگوار را - که واقعاً چیز عجیبی بود - به وجود آورد. و شجاعت آن بزرگوار این بود که ملاحظه‌ی هیچ چیزی را نمیکرد.

انتصاب حجت‌الاسلام والمسلمین قربانعلی دری به امامت جمعه اراک و نمایندگی ولی فقیه، ۱۳۸۸/۷/۹

نخستین پایگاه پرورش علمی امام و وفاداران به او

شهر اراک نخستین پایگاه پرورش علمی امام راحل بزرگوار ما. آن استان یادآور نام بلند بزرگان و مشاهیر علم و فرهنگ و جهاد در طول تاریخ است. مردم مؤمن آن شهر و آن استان در دوران پس از انقلاب خدمات بزرگی به کشور کرده و بارها در مقاطع گوناگون وفاداری خود را به انقلاب اسلامی و آرمانهای بلند را به اثبات رسانیده‌اند.

مبنای روایی امام در توصیه به شرکت در نمازهای حج

اینقدر ما در روایات در ثواب شرکت در نماز جماعت اهل سنت در زمان ائمه (علیهم‌السلام) داریم که روایت دارد که در مسجدالحرام پشت سر اینها نماز بخوانید، مثل اینکه پشت سر پیغمبر نماز خوانده‌اید. این معنایش چیست؟ معلوم است که امام صادق نماز آن امام جماعت را با نماز پیامبر مقایسه نمی‌کند. مقایسه با نماز یک پیرو خودش هم نمی‌کند، اما می‌گوید پشت سر او نماز بخوانید. این یعنی چه؟ این نمایش وحدت است. عملاً وحدت را نشان بدهید. روی همین فکر بود که امام بزرگوار مآکه رضوان خدا بر او باد) - آن مرد بیدار، آگاه - به همه‌ی ماها، همه‌ی حاجیه‌های ایرانی، توصیه کرد که در نماز جماعتها در مسجدالحرام، در مسجدالنبی شرکت کنید؛ در این اجتماعات حضور داشته باشید، که یکی از مصادیقش این است.

موضعگیری امام در مقابل توطئه‌های دشمن

یکی از وزرای دفاع امریکا در برهه‌ای، حرف دل امریکاییها را زد؛ گفت: ما باید ریشه‌ی ملت ایران را بکنیم. ملاحظه می‌کنید؛ ریشه‌ی ملت ایران، نه دولت ایران، نه جمهوری اسلامی. درست می‌فهمید؛ می‌فهمید که جمهوری اسلامی یعنی ملت؛ مسئولین جمهوری اسلامی یعنی همه‌ی ملت ایران؛ لذا می‌گفت باید ریشه‌ی ملت ایران را بزنینیم. این روش امریکاییها بود. هر کار هم از دستشان برمی‌آمد، کردند. امام بزرگوار ما، آن مرد استثنایی تاریخ که حَقاً استثنایی بود، در مقابل همه‌ی اینها گفت: هرچه توطئه کنید، به ضرر خودتان هست و جمهوری اسلامی عقب‌نشینی نخواهد کرد؛ امریکا هم هیچ غلطی نمیتواند بکند. این استکبار است.

**تصویر امام از رابطه‌ی ایران و امریکا**

صورت قضیه این است که بیایید مذاکره کنیم؛ اما در کنار مذاکره، تهدید؛ که اگر

ره، رهرو، رهبر / ۸۷۳

مذاکره به این نتیجه‌ی مطلوب نرسد، پس چنین و چنان! این شد مذاکره؟! این همان رابطه‌ی گرگ و میش است که امام گفت: رابطه‌ی گرگ و میش را ما نمیخواهیم.

در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور، ۱۳۸۸/۹/۴

مظلوم، اما مقتدر

مظلومیت، مطلقاً به معنای ضعف نیست. قویترین انسانهای دنیا هم مظلوم واقع شدند. امیرالمؤمنین نیرومندترین انسان دورانهای گوناگون است و مظلومترین انسانها هم هست. انقلاب ما و نظام جمهوری اسلامی جزو مقتدرترین و نافذترین پدیده‌های دوران معاصر است، اما مظلوم هم هست. شخص امام بزرگوارمان - یک انسان مقتدر و قوی که میتواند دنیا را تکان بدهد و تکان داد - جزو مظلومترین انسانهای زمان خودش بود. بنابراین مظلومیت منافات ندارد با اقتدار. بسیج مظلوم است، ولی مقتدر است، نافذ است، اثرگذار است.

پیام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به کنگره‌ی عظیم حج سال ۱۴۳۰، ۱۳۸۸/۰۹/۰۵

مقاومت موفق ایران؛ نتیجه‌ی پیروی از درسهای امام خمینی (ره)

مسلمانان با همکاری و تکیه بر مبانی مشترکی که قرآن و سنت بدان ناطق است قدرت خواهند یافت که در برابر این اهریمن چند چهره بایستند و آن را مغلوب اراده و ایمان خود سازند. ایران اسلامی با پیروی از درسهای امام خمینی کبیر، نمونه‌ی بارز این مقاومت موفق است. آنان در ایران اسلامی شکست خورده‌اند.

در دیدار مردم به مناسبت عید غدیر، ۱۳۸۸/۹/۱۵

ادامه‌ی راه امام توسط ملت ایران برای رسیدن به پیروزی نهایی

این ملت همین راه را، همین راهی که انگشت اشاره‌ی امام بزرگوار ما، امام راحل ما، به ما نشان داد، با همه‌ی وجود، به کمک الهی، با همّت این جوانها طی خواهد کرد و ان‌شاءالله به آن قلّه‌ی نهایی هم خواهد رسید.

معنای وحدت حوزه و دانشگاه در نظر امام

ارتباط مجموعه‌ی عظیم دانشجویی کشور با علمای دین، با جوانان شاغل در راه معرفت دینی و تبلیغ دینی، چیزی است که مطلوب در این مناسبت است؛ یعنی این مناسبت برای آن هست. وحدت حوزه و دانشگاه یعنی این. و آلا مراد وحدت عینی و خارجی که نبود. اینکه معنا ندارد. حوزه، حوزه است، دانشگاه، دانشگاه است؛ یعنی این پیوند حقیقی بین دو مجموعه‌ی اثرگذار و مهمی که تا آن روز که از سوی امام عزیز بیان شد و ابراز شد، سیاستها بر این بود که این دو را از هم دور نگه دارند و جدا نگه دارند؛ دانشگاه از اسلام دور بماند، حوزه از تحولات جهانی و پیشرفتهای علمی فاصله بگیرد؛ اینها از هم دور بشوند؛ یعنی این دو بال با هم تلاش نکنند، هماهنگ نباشند.

تبیین عمق و ژرفای فرمایش امام در مورد عزاداری سنتی

اینی که امام راحل (رضوان الله علیه) فرمودند عزاداری به سبک سنتی، این یک حرف از روی عادت نبود؛ حرف بسیار عمیقی است؛ ژرفنگرانه است. ببینید در قرآن نسبت به اولیاء الهی سه تعبیر وجود دارد:

یک تعبیر، تعبیر ولایت است؛ «وَالَّذَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»^۱؛ بحث ولایت. معلوم است که پیوند، ارتباط، معرفت، اینها داخل در زیرمجموعه‌ی ولایت است.

یک بحث، بحث اطاعت است؛ «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^۲؛ اطاعت رسول و اطاعت اولی الامر. این، در عمل است. در میدان عمل باید اطاعت کرد، پیروی کرد.

اما یک بحث سومی وجود دارد و آن، بحث مودت است. «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا

۱ سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۵۵. و میان دل‌هایشان الفت انداخت، که اگر آنچه در روی زمین است همه را خرج می‌کردی نمیتوانستی میان دل‌هایشان الفت برقرار کنی، ولی خدا بود که میان آنان الفت انداخت، چرا که او توانای حکیم است.

۲ سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۵۹.

المَوَدَّةِ فِي الْقُرْبَى»^۱. این مودت چیست دیگر؟ ولایتِ اینها را داشته باشید، اطاعت هم از اینها بکنید؛ مودت برای چیست؟ این مودت، پشتوانه است. اگر این مودت نباشد، همان بلایی بر سر امت اسلامی خواهد آمد که در دورانهای اول بر سر یک عده‌ای آمد که همین مودت را کنار گذاشتند، بتدریج اطاعت و ولایت هم کنار گذاشته شد. بحث مودت خیلی مهم است. این مودت، با این ارتباطات عاطفی حاصل میشود؛ ماجرای مصیبت‌های اینها را گفتن، یک جور ایجاد ارتباط عاطفی است؛ ماجرای مناقب اینها و فضایل اینها را گفتن، یک جور دیگر پیوند عاطفی است.

توهین به امام؛ از نتایج اقدامات فتنه‌گران

در عرصه‌ی داخلی هم همین‌جور. شما ملاحظه کنید یک عده‌ای قانون‌شکنی کردند، ایجاد اغتشاش کردند، مردم را به ایستادگی در مقابل نظام تا آنجایی که میتوانند تشویق کردند - حالا تیغشان نبرید؛ آن کاری که میخواستند نشد، او بحث دیگری است؛ آنها تلاش خودشان را کردند - زبان دشمنان انقلاب را و دشمنان اسلام را دراز کردند، جرأت به آنها دادند؛ کاری کردند که دشمنان امام - آن کسانی که بغض امام را در دل داشتند - جرأت پیدا کنند بیایند توی دانشگاه، به عکس امام اهانت بکنند؛ کاری کردند که دشمن مایوس و نومید، جان بگیرد، تشویق بشود بیاید در مقابل چشم انبوه دانشجویانی که مطمئناً اینها علاقه‌مند به امامند، علاقه‌مند به انقلابند، عاشق کار برای کشور و میهنشان و جمهوری اسلامی هستند، یک چنین اهانتی، یک چنین کار بزرگی انجام بدهند. آن قانون‌شکنی‌شان، آن اغتشاش‌جویی‌شان - تشویقشان به اغتشاش و کشاندن مردم به عرصه‌ی اغتشاشگری - این هم نتایجش.

خب، اینها ایجاد فتنه میکنند؛ یعنی فضا را فضای غبارآلود میکنند. شعار طرفداری از قانون میدهند، عمل صریحاً برخلاف قانون انجام میدهند. شعار طرفداری از امام میدهند، بعد کاری میکنند که در عرصه‌ی طرفداران آنها، یک چنین گناه بزرگی انجام بگیرد؛ به

۱ سوره‌ی شوری، آیه‌ی ۲۳. بگو: «به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره‌ی خویشاوندان.»

امام اهانت بشود، به عکس امام اهانت بشود. این، کار کمی نیست؛ کار کوچکی نیست. دشمنان از این کار خیلی خوشحال شدند. فقط خوشحالی نیست، تحلیل هم میکنند. بر اساس آن تحلیل، تصمیم میگیرند؛ بر اساس آن تصمیم، عمل میکنند؛ تشویق میشوند علیه مصالح ملی، علیه ملت ایران.



لزوم تنبّه فوری مدعیان خط امام؛ با رویت سوءاستفاده از کلام آنان علیه امام

آن کسی که برای انقلاب، برای امام، برای اسلام کار میکند، بمجردی که ببیند حرف او، حرکت او موجب شده است که یک جهتگیری ای علیه این اصول به وجود بیاید، فوراً متنبّه میشود. چرا متنبّه نمیشوند؟ وقتی شنفتند که از اصلترین شعار جمهوری اسلامی - «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» - اسلامش حذف میشود، باید به خود بیایند؛ باید بفهمند که دارند راه را غلط میروند، اشتباه میکنند؛ باید تبری کنند. وقتی میبینند در روز قدس که برای دفاع از فلسطین و علیه رژیم غاصب صهیونیست است، به نفع رژیم غاصب صهیونیست و علیه فلسطین شعار داده میشود، باید متنبّه بشوند، باید خودشان را بکشند کنار، بگویند نه نه، ما با این جریان نیستیم. وقتی میبینند سران ظلم و استکبار عالم از اینها حمایت میکنند، رؤسای امریکا و فرانسه و انگلیس و اینهایی که مظهر ظلمند - هم در زمان کنونی، هم در دوره تاریخی صد سال و دویست ساله تا حالا - دارند از اینها حمایت میکنند، باید بفهمند یک جای کارشان عیب دارد؛ باید متنبّه بشوند. وقتی میبینند همه ی آدمهای فاسد، سلطنت طلب، از اینها حمایت میکنند، توده ای از اینها حمایت میکند، رقااص و مطرب فراری از کشور از اینها حمایت میکنند، باید متنبّه بشوند، باید چشمشان باز بشود، باید بفهمند؛ بفهمند که کارشان یک عیبی دارد؛ بلافاصله برگردند بگویند نه، ما نمیخواهیم حمایت شما را. چرا رودربایستی میکنند؟ آیا میشود با بهانه ی عقلانیت، این حقایق روشن را ندیده گرفت، که ما عقلانیت به خرج میدهیم! این عقلانیت است که دشمنان این ملت و دشمنان این کشور و دشمنان اسلام و دشمنان انقلاب، شما را از خود بدانند و برای شما کف و سوت بزنند، شما هم همینطور خوشتان بیاید، دل خوش کنید؛ این عقلانیت است؟! این نقطه ی مقابل عقل است.

توهین به امام؛ آشکارکننده‌ی حقیقتِ فتنه

عقل این است که بمجردی که دیدید برخلاف آن مبانی‌ای که شما ادعایش را میکنید، چیزی ظاهر شد، فوراً خودتان را بکشید کنار، بگویید نه نه نه، ما نیستیم؛ بمجردی که دیدید به عکس امام اهانت شد، به جای اینکه اصل قضیه را انکار کنید، کار را محکوم کنید؛ بالاتر از محکوم کردن کار، حقیقت کار را بفهمید، عمق کار را بفهمید؛ بفهمید که دشمن چه جوری دارد برنامه‌ریزی میکند، چه میخواهد، دنبال چیست؛ این را باید این آقایان بفهمند. من تعجب میکنم! کسانی که اسم و رسم خودشان را از انقلاب دارند - بعضی از این آقایان یک سیلی برای انقلاب نخوردند در دوران اختناق و طاغوت - و به برکت انقلاب اسم و رسمی پیدا کردند و همه چیزشان از انقلاب است، میبینید که دشمنان انقلاب چطور بُراق شدند، آماده شدند، صف کشیدند، خوشحالند، میخندند؛ اینها را که میبینید؟ به خود بیایید، متوجه بشوید.



هوای نفس؛ علت قرار گرفتن علاقه‌مندان سابق امام، مقابل امام

شما برادران سابق ما هستید. اینها کسانی هستند که بعضی از اینها، یک وقتی بخاطر طرفداری از امام مورد اهانت هم قرار میگرفتند. حالا ببینند که کسانی که به نام اینها شعار میدهند، عکس اینها را روی دستشان میگیرند، اسم اینها را با تجلیل می‌آورند، درست نقطه‌ی مقابل، علیه امام و علیه انقلاب و علیه اسلام شعار میدهند و روزه‌خوری علنی در روز قدس، در ماه رمضان، میکنند؛ اینها را میبینید، خب، بکشید کنار. انتخابات تمام شد. انتخاباتی بود، عمومی هم بود، درست هم بود، اشکالی هم نتوانستند بر انتخابات بگیرند و ثابت کنند؛ حالا هی ادعا کردند، فرصت هم داده شد؛ گفتیم بیایید، نشان بدهید، ثابت کنید؛ نتوانستند، نیامدند؛ تمام شد. پابندی به قانون اقتضا میکند که انسان ولو این رئیس‌جمهوری را که انتخاب شده است قبول هم نداشته باشد، وقتی برای قانون احترام قائل بود، بایستی در مقابل قانون، خضوع کند. خب، معلوم است هیچ‌کسی نمیتواند بگوید این کسی که انتخاب شده، صددرصد حُسن محض است، آن طرفی که انتخاب نشده است، صددرصد قبح محض است؛ نه، همه حُسنی دارند، قبحی دارند؛ این طرف هم حُسنی دارد، قبحی دارد؛ آن طرف هم حُسنی دارد، قبحی دارد. قانون، ملاک

است، معیار است. چرا اینجوری میشود؟ چرا؟ این، هوای نفس است.

عبرت از منحرفین دیروز از خط امام

اینها مال امروز هم نیست. کسانی که از اوایل انقلاب یادشان هست، میدانند؛ بعضی بودند از یاران امام، از نزدیکان امام در دهه‌ی اول انقلاب و در حال حیات امام، که کارشان به مقابله‌ی با امام کشید؛ کارشان به معارضه‌ی با امام کشید؛ ایستادند پای اینکه امام را به زانو در بیاورند و خطای حرکت امام (رضوان‌الله تعالی علیه) را - آن مرد بزرگ را، آن مرد الهی را - اثبات کنند؛ اما بعد زاویه پیدا کردند. خب، انقلاب اینها را مطرود کرد. کسانی که از نزدیکان امام بودند، از یاران امام بودند، کارشان کشید به یا پناه بردن به دشمن، یا مواجه شدن با انقلاب، یا ضربه زدن به انقلاب. اینها باید عبرت باشد برای همه‌ی ما؛ باید عبرت باشد؛ باید بفهمیم.

عکس‌العملهای مناسب در قضایای توهین به حضرت امام (ره)

ما البته درخواستمان از مردم این است: در این قضایای اهانت به امام راحل (رضوان‌الله علیه)، مردم ما عصبانی شدند، خشمگین شدند؛ حق هم دارند. اعلام براءت کردند، جا هم داشت، خوب هم بود؛ لکن آرامش‌شان را حفظ کنند.

امید به استواری بنایی با هندسه‌ی الهی و معماری الهی

بدانید جوانان عزیز! طلب عزیز! فضلالی جوان! بدانید که این آیه‌ی مبارکه: «فَأَمَّا الرَّبِّدُ فَيَذَهُبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ»،^۱ امروز مصداق تام و تمامی در زمان شما دارد و این را شما خواهید دید. به فضل الهی خواهید دید که «وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ»،^۲ این بنای استوار که هندسه‌ی آن الهی است، بنای آن هم با دست یک

۱ سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۱۷. اما کف، بیرون افتاده از میان می‌رود، ولی آنچه به مردم سود میرساند در زمین [باقی] میماند.

۲ همان.

ره، رهرو، رهبر / ۸۷۹

مرد الهی است، بقای آن هم با اراده‌ی این ملت عظیم و با ایمان این ملت عظیم است، استوار خواهد ماند و إن شاء الله این درخت روزبه‌روز ریشه‌دارتر خواهد شد و خواهید دید که این مخالفان، این کسانی که با این بنا، با این حق و حقیقت مخالفت میکنند، «فَيَذُهَبُ جُفَاءً»؛ اینها در مقابل چشم شما إن شاء الله نابود خواهند بود.

در دیدار مردم قم در سالگرد قیام ۱۹ دی، ۱۳۸۸/۱۰/۱۹

نمونه‌ای از دستهای قدرت الهی مورد اعتقاد امام

مطمئن باشید که روز نهم دی امسال هم در تاریخ ماند؛ این هم یک روز متمایزی شد. شاید به یک معنا بشود گفت که در شرایط کنونی - که شرایط غبارآلودگی فضا است - این حرکت مردم اهمیت مضاعفی داشت؛ کار بزرگی بود. هرچه انسان در اطراف این قضایا فکر میکند، دست خدای متعال را، دست قدرت را، روح ولایت را، روح حسین بن علی (ع) را میبیند. این کارها کارهایی نیست که با اراده‌ی امثال ما انجام بگیرد؛ این کار خداست، این دست قدرت الهی است؛ همانطور که امام در یک موقعیت حساسی - که من بارها این را نقل کرده‌ام - به بنده فرمودند: «من در تمام این مدت، دست قدرت الهی را در پشت این قضایا دیدم». درست دید آن مرد نافذِ بابصیرت، آن مرد خدا.

شباهت مخالفین امروز امام و انقلاب، با مخالفین دیروز

از اول انقلاب و در طول سالهای متمادی، کی‌ها زیر پرچم مبارزه‌ی با امام و انقلاب ایستادند؟ امریکا در زیر آن پرچم قرار داشت، انگلیس در زیر آن پرچم قرار داشت، مستکبرین در زیر آن پرچم قرار داشتند، مرتجعین وابسته‌ی به نظام استکبار و سلطه، همه در زیر آن پرچم مجتمع بودند؛ الآن هم همین‌جور است. الآن هم شما نگاه کنید از قبل از انتخابات سال ۸۸، در این هفت هشت ماه تا امروز امریکا کجا ایستاده است؟ انگلیس کجا ایستاده است؟ خبرگزاریهای صهیونیستی کجا ایستاده‌اند؟ در داخل، جناحهای ضدّ دین، از توده‌ای بگیر تا سلطنت‌طلب، تا بقیه‌ی اقسام و انواع بی‌دینها کجا ایستاده‌اند؟ یعنی همان کسانی که از اول انقلاب با انقلاب و با امام دشمنی کردند، سنگ

زدند، گلوله خالی کردند، تروریسم راه انداختند. سه روز از پیروزی انقلاب در بیست و دوی بهمن گذشته بود، همین آدمها با همین اسمها آمدند جلوی اقامتگاه امام در خیابان ایران، بنا کردند شعار دادن؛ همانها الآن می‌آیند توی خیابان، علیه نظام و علیه انقلاب شعار میدهند! چیزی عوض نشده. اسمشان چپ بود، پشت سرشان امریکا بود؛ اسمشان سوسیالیست بود، لیبرال بود، آزادی‌طلب بود، پشت سرشان همه‌ی دستگاههای ارتجاع و استکبار و استبداد کوچک و بزرگ دنیا صف کشیده بودند! امروز هم همین است. اینها علامت است، اینها شاخص است؛ و مهم این است که ملت این شاخصها را میفهمد؛ این چیزی است که انسان اگر صدها بار شکر خدا را بکند، حقش را بجا نیاورده است؛ سجده‌ی شکر کنیم.



علت استفاده‌ی امام از تعبیر «امت اسلام» در مقابل برنامه‌های استکبار

تحلیل حوادث جاری کشورمان تحلیلی نیست که از حوادث عالم جدا باشد. حوادث عالم، حوادث منطقه، اینها به هم متصل است. بخشی هم مربوط به کشور ماست، که البته آن بخش اصلی و اساسی است. علت هم این است که استکبار لنگی کار خود را از اینجا میبیند؛ و این نشان میدهد که یک ملت و یک مجموعه‌ی انسانی چه نقشی میتواند ایفا کند. اینی که امام بزرگوار ما هی خطاب میکرد به امت اسلام، با توجه به این حقیقت است. یک ملت وقتی بیدار میشود، اینجور میتواند همه‌ی محاسبات استکبار را بهم بریزد. کارخانه‌ای که آنها درست کردند، خط تولیدی که برای به ثمر رساندن اهداف استکباری خودشان به وجود آوردند، این خط تولید را بیداری یک ملت اینجور کند یا متوقف میکند. اگر همه‌ی ملتهای مسلمان بیایند توی میدان، چه میشود! اگر همه‌ی ملتهای مسلمان همین بصیرت را، همین آمادگی را، همین حضور را پیدا کنند، چه اتفاقی در دنیا می‌افتد! از این میترسند. میخواهند صدای من و شما خاموش بشود و به گوش ملتهای دیگر نرسد. میخواهند کاری کنند که ملتهای دیگر نفهمند تأثیر بیداری و بصیرت یک ملت در حوادث عالم چقدر است.

تفسیری دیگر از «شهر هزار سنگر» در تعبیر امام

«شهر هزار سنگر»^۱؛ این تعبیر کمی است؟ حرف کوچکی است؟ قضیه‌ی ششم بهمن آنقدر اهمیت داشت که امام بزرگوار ما آن را در وصیتنامه‌ی تاریخی خود هم مندرج کردند، آن را یادگار گذاشتند؛ یعنی فراموش نشود. حالا چرا فراموش نشود؟ برای اینکه حوادث تاریخی، هم درس است، هم عبرت است. قضایای جاری بر یک ملت، قضایایی است که در برهه‌های مختلف غالباً تکرار میشود. امروز بیست و هشت سال از آن زمان میگذرد، اما راه جمهوری اسلامی که عوض نشده است؛ دشمنان جمهوری اسلامی هم عوض نشدند. پس آنچه که آنجا اتفاق افتاد، میتواند برای امروز و برای آینده تا هر وقتی که ملت ایران به حول و قوه‌ی الهی دلبسته‌ی این اصول و این انقلابند، عبرت باشد، درس باشد؛ لذا نباید فراموش بشود.

خوب، حالا در فضایل ششم بهمنِ آمل یک جمله‌ی دیگر هم عرض کنیم. «هزار سنگر» یعنی چه؟ ظاهر قضیه این است که در درون شهر، مردم در مقابل گروههای اشراک و متجاوز سنگر درست کردند- حالا یا هزار تا، یا بیشتر یا کمتر- اما من یک تفسیر دیگری دارم: این سنگرها سنگرهای درون خیابانها نیست، این سنگر دلهاست؛ هزار تا هم نیست، هزاران سنگر است؛ به عدد هر مؤمنی، هر انسان با انگیزه‌ی باشرفی، یک سنگر در مقابل تهاجم دشمن وجود دارد. اگر یک ملت وقتی به دنبال یک هدفی حرکت میکند، نداند سر راه او چه خطراتی است، چه کمین‌کرده‌هایی هستند، چه باید کرد در مقابل اینها، خود را رها کند، قید و بندهای خود را رها کند، بیخیال باشد، ضربه خواهد خورد. همه‌ی ملت‌هایی که در جهت یک هدف بزرگی حرکت کردند و وسط راه ضربه خوردند و گاهی آنچنان افتادند که دیگر قرن‌ها بلند نشدند، مشکلشان از همین جا آغاز شد: ندانستند چی در انتظار آنهاست و خود را برای مواجهه‌ی با آن آماده نکردند. درسهای گذشته این کمک را به ما میکند که راهمان را بفهمیم، بشناسیم، کمینها را بشناسیم، کمین‌کرده‌ها را بشناسیم.

شیوهی عملکرد و عاقبت مخالفین امام و مبانی امام در دهه‌ی اول انقلاب

انقلاب اسلامی با آن عظمت پیروز شد. مردم آمدند با تنهای خودشان، با جسمهای بی‌پناه و بی‌زره خودشان در مقابل سلاح عوامل رژیم جبار ایستادند و انقلاب را پیروز کردند؛ بعد همین مردم آمدند به جمهوری اسلامی رأی دادند و جمهوری اسلامی را انتخاب کردند. خوب، یک انسان باانصاف و باشرف، در مقابل این خواست مردم چه میکند؟ بعضیها آمدند وسط میدان، ادعای طرفداری از مردم کردند، خودشان را دموکراتیک خواندند، خودشان را طرفدار خلق معرفی کردند؛ آن وقت با همین خلقی که این نظام را با این بهای سنگین سر کار آورده بودند، شروع کردند به مقابله کردن. توشان منافق بود، کافر صریح بود، طرفدار غرب بود، متظاهر به دین هم بود؛ همه‌ی اینها با هم شدند یک جبهه، یک حرکت، در مقابل نظام اسلامی، در مقابل ملت ایران. ادعای طرفداری از مردم کردند، با مردم درافتادند؛ ادعای طرفداری از دموکراسی و آرای مردم کردند، با آراء مردم و نتیجه‌ی آراء مردم درافتادند؛ ادعای روشنفکری و آزاداندیشی و آزادفکری کردند، بطور متحجرانه چهارچوبهای القایی متفکرین غربی را - که آمیخته‌ی به بدخواهی و بددلی بود - قبول کردند؛ آمدند مقابل ملت ایران. اول با حرفهای روشنفکرانه یا شبه‌روشنفکرانه شروع کردند به امام و به جمهوری اسلامی و به مبانی امام اعتراض کردن، انتقاد کردن، حرف زدن؛ بعد یواش یواش رودربایستی را کنار گذاشتند، آمدند توی میدان، مبارزه‌ی فکری را، مبارزه‌ی سیاسی را تبدیل کردند به مبارزه‌ی مسلحانه یا اغتشاشگری - اینها توی کشور ما اتفاق افتاد؛ مال تاریخ نیست، مال همین دهه‌ی اول انقلاب است - شروع کردند مزاحمت کردن.

خط امام در مقابل باج‌خواهی دشمن

گاهی اینجور است که دشمنان بین‌المللی ما این جنجالها را راه می‌اندازند، برای اینکه جمهوری اسلامی را وادار کنند به باج‌دهی؛ مثل خیلی از دولتهایی که بمجردی که یک خطری احساس میکنند، میروند در مقابل ارباب بزرگتر، حاضر میشوند باج بدهند؛ باج پولی بدهند، باج سیاسی بدهند. امام باج نداد - این را همه بدانند - ما هم به هیچ‌کس از طرف ملت ایران و از طرف خودمان باج نخواهیم داد.

علت ماندگاری بیعت جوانان نیروهای هوایی با امام

در آن حادثه‌ی بزرگی که اکثر شما جوانها شنیده‌اید و ما آن را به چشم دیدیم، هیچ انگیزه‌ای جز انگیزه‌ی خدایی و اخلاص وجود نداشت؛ به همین جهت هم این حادثه در وقت خود بسیار اثرگذار شد و در تاریخ هم ماندگار گردید. این خصوصیت کار خدایی و مخلصانه است؛ میماند، اثر میگذارد؛ این اثر هم مخصوص همان زمانی که این پدیده واقع شد، نخواهد بود؛ یک اثر مستمر و دائمی است. کار خدایی اینجوری است. آن روزی که جوانهای نیروی هوایی آمدند مدرسه‌ی علوی و با امام بیعت کردند و یک سدی را شکستند، یک خط‌شکنی بزرگ سیاسی کردند، نه پستی در انتظار آنها بود، نه مقامی، نه پولی، نه حتی تحسینی؛ آنچه احتمالاً در انتظار آنها وجود داشت، تهدید بود و خطر. پس هیچ انگیزه‌ای جز انگیزه‌ی خدایی وجود نداشت. آن روز این حادثه‌ی خدایی اثرگذار شد، امروز هم بعد از گذشت سی و یک سال همچنان اثرگذار است.

پیام تشکر و قدردانی از حضور دهها میلیونی ملت شگفتی‌آفرین ایران در راهپیمایی ۲۲ بهمن، ۱۳۸۸ / ۱۱ / ۲۲

خواست واقعی مردم؛ صراط مستقیم اسلام ناب امام

آیا حضور دهها میلیون انسان بصیر و پُرانگیزه در جشن سی و یک سالگی انقلاب کافی نیست که معاندان و فریب‌خوردگان داخلی را که گاه ریاکارانه دم از «مردم» میزنند، به خود آورد و راه و خواست مردم را که همان صراط مستقیم اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و راه امام بزرگوار است، به آنان نشان دهد؟

در دیدار جمعی از مردم آذربایجان، ۱۳۸۸/۱۱/۲۸

شناخت صحیح امام از مردم تبریز

امام بزرگوار ما با اینکه با تبریز آشنایی نزدیکی نداشتند، اما مردم تبریز را خوب شناخته بودند. در آن قضایای فتنه‌ی اول انقلاب که در جاهای مختلف فتنه‌انگیزی شد، از جمله در تبریز، امام فرمودند که خود مردم تبریز جواب فتنه‌گران را خواهند داد، و دادند؛ همینجور شد. جز نیروی ایمان و غیرت و همت و آگاهی و بصیرت، چیز دیگری

نمی‌توانست آن فتنه‌ها و آن آتشها را خاموش کند.

علت ماندگاری و تقویت خط امام(ره)

امروز حرکت انقلاب، هدفهای انقلاب، همان چیزهایی است که در روز اول ترسیم شد و امام بزرگوار و حکیم ما آنها را ترسیم کرد. این هدفها با فطرت مردم هماهنگ بود، لذا مردم آن را گرفتند؛ والا دل میلیونها مردم را به یک سمتی متوجه کردن، کار عادی‌ای نیست. وقتی کسی با فطرت سخن میگوید، از خدا حرف میزند، فطرتها به او متوجه میشود؛ «وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ»^۱. دست قدرت خداست که دلها را به یک سمتی هدایت میکند؛ لذا نتیجه این میشود. در بیست و دوم بهمن، جمعیتی که در سی و یکمین سال ولادت انقلاب اسلامی در خیابانها حضور پیدا میکنند، از جمعیت سالهای قبل بیشتر است؛ نه فقط کم نشده است، کمرنگ نشده است، بلکه پُررنگتر شده است، قویتر شده است؛ برخلاف آن چیزی که در طبیعت عالم وجود دارد. شما یک سنگی را داخل آب بیندازید، یک موجی ایجاد میکند؛ اما هرچه میگذرد، لحظه‌لحظه این موج کوچکتر، کمتر و نامحسوستر میشود، تا تمام میشود. گذشت زمان، امواج اجتماعی را خاموش میکند. این چه حقیقتی است که گذشت زمان آن را خاموش نمیکند، بلکه روزبه‌روز برجسته‌تر میکند؟ مثل حادثه‌ی کربلا. آن روز در آن بیابان خالی و بدون حضور دوستان و پُر از دشمنان، حسین بن علی(ع) و یارانش به شهادت میرسند، خانواده‌اش اسیر میشوند و آنها را میبرند و تمام. امروز بعد از گذشت قرن‌ها، همان حادثه‌ای که باید در ظرف ده روز، پانزده روز اثری از آن نمیماند و یادی از آن نمیشد، ببینید چقدر برجسته است؛ نه فقط در بین میلیونها شیعه در کشورهای مختلف، در بین مسلمانان، بلکه در بین غیرمسلمانان، نام حسین بن علی مثل خورشیدی میتابد؛ دلها را روشن میکند، راهنمایی میکند. انقلاب اینجوری است. این انقلاب هرچه زمان گذشته است، حقایق بیشتری را روشن کرده است.

۱ سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۶۳. اگر آنچه در روی زمین است همه را خرج میکردی نمیتوانستی میان دل‌هایشان الفت برقرار کنی، ولی خدا بود که میان آنان الفت انداخت.

باور محاسبه‌ی غلط دشمن نسبت به جدایی مردم از امام و انقلاب توسط برخی در داخل

یک عده هم در داخل، بعضی از روی غفلت، بعضی از روی بی‌عقلی، بعضی از روی عناد و دشمنی، هی علیه نظام جمهوری اسلامی، علیه این حرکت کلی نظام حرف زدند؛ هی گفتند: مردم، مردم، مردم! خوب، این مردم. بیست و دوی بهمن نشان داد که مردم کجایند، چه میخواهند، چه میگویند. غره شدند به توهمهایی که به آنها القا شد. خیال کردند یا خودشان را به نادانی زدند که مردم از انقلاب دست شستند، مردم از امام دست شستند. روز بیست و دوی بهمن، آگاهی و بصیرت مردم، همت مردم، ایمان مردم و توفیق الهی که شامل حال مردم شد، پاسخ کوبنده‌ای به آنها داد.

در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۱۲/۶

تهدید بودن علیه نظامهای مادی؛ دلیل اصلی مخالفت با نظام جمهوری اسلامی

ما یک شباهتهایی به دیگران داریم، مشترکاتی داریم؛ لیکن آن چیزی که هویت اصلی این نظام را تشکیل میدهد- که آن، اطاعت از خدای متعال و سیر بر مسیر الهی است- بایستی محفوظ بماند. چالش واقعی و اصلی نظام ما از اول هم همین بوده است؛ یعنی مخالفان، نظام را، این حرکت بر اساس حکم الهی و دین الهی را برنمیتابند. چرا برنمیتابند؟ حالا بعضی با یک نگاه عمیق و نافذشان میفهمند که این یک تحدی علیه نظامهای مادی است، لذا از این جهت با آن مواجهه میکنند؛ بعضی هم نگاه میکنند، آثار مترتب بر این نظام را در دنیا میبینند: همانطور که امام فرمودند هسته‌های حزب‌الله باید در همه‌ی دنیای اسلام تشکیل شود، میبینند تشکیل شده است. میبینند دلها به سمت اسلام گرایش پیدا کرده است. میبینند احساس هویت اسلامی در تک‌تک مسلمانها در بسیاری از نقاط جهان اسلام به وجود آمده است؛ و این، منافع مادی آنها را تهدید میکند. به هر حال میفهمند منشأ، اینجاست؛ لذا مقابله میکنند، معارضه میکنند. واقعاً ما هیچ نظامی را سراغ نداریم که تا این حد معارضه‌ها با او شدید و جبهه‌ی استکبار در مقابل او همدست و متحد باشد. از اول انقلاب تا حالا این معنا وجود دارد.



حساس بودن؛ یکی از اطراف مهم شخصیتی امام خمینی(ره)

امام(رضوان الله تعالی علیه) که جامع الاطراف بود، یکی از اطراف شخصیت ایشان همین بود؛ حساس بود. مثلاً بمجرد اینکه نسبت به قانون قصاص یک حرکتی انجام گرفت- که خوب، یک قانون بود- فوراً حساسیت امام مطلب را درک کرد؛ فهمید که معارضه‌ی با قانون قصاص اسلامی، معنایش چیست؛ و آن برخورد عجیب و قاطع را که یادتان هست، انجام داد. ما باید اینجور باشیم؛ باید حساس باشیم.

در دیدار شرکت‌کنندگان در افتتاحیه‌ی همایش غزه، ۱۳۸۸/۱۲/۸

رهبری امام؛ عامل اساسی پیروزی انقلاب بر طاغوت

من به شما عرض کنم: پیروزی ملت فلسطین در بازگرداندن حق خود، دشوارتر نیست از پیروزی‌ای که ملت ایران در ایجاد جمهوری اسلامی در ایران داشت. آن روز- روزی که طاغوت بر این کشور حکومت میکرد- اگر کسی نگاه میکرد به صحنه‌ی عالم و به صحنه‌ی منطقه، جزو محالات قطعی بود که رژیم طاغوت در اینجا تغییر پیدا کند، آن هم اینکه تبدیل بشود به یک نظام اسلامی. این، جزو محالات بنظر می‌آمد و به حسب موازین طبیعی، به حسب موازین عادی، چنین چیزی ممکن نبود؛ مقدور نبود. قدرت بی‌کلام امریکا در این منطقه و حمایت بی‌قید و شرطش از رژیم شاه، نداشتن هیچگونه امکانی برای مبارزین در اینجا- یعنی امکانات ما آن روز در حال مبارزه، بسیار کمتر بود از امکاناتی که امروز مردم شما در غزه دارند یا در ساحل غربی دارند- در عین حال این اتفاق افتاد، این محال ممکن شد و واقع شد؛ به برکت تداوم مبارزه، به برکت توکل به خدا، به برکت رهبری عازم و جازم و قاطع امام بزرگوارمان. من می‌گویم این اتفاق در مورد فلسطین ممکن است پیش بیاید.

در دیدار به مناسبت ولادت حضرت رسول اعظم(ص)، ۱۳۸۸/۱۲/۱۳

اتحاد و مسئله‌ی فلسطین؛ دو نقطه‌ی روشن خط امام و انقلاب

ما باید بیدار باشیم؛ حرف جمهوری اسلامی این است. جمهوری اسلامی از اول تشکیل، جزو سطور اول اصلی اهداف خودش، یکی این را قرار داد: اتحاد مسلمانان و

نزدیک کردن دل‌های آنها به یکدیگر، و یکی هم مسئله‌ی فلسطین را. در بیانات امام راحل (رضوان‌الله تعالی‌علیه) این دو نقطه، دو نقطه‌ی بسیار روشن و واضحی است: یکی مسئله‌ی اتحاد مسلمین در همه‌ی موضوعات و کم کردن اختلافات و کمرنگ کردن اختلافات، و مانع شدن از اینکه اختلافات فکری و فقهی و کلامی و امثال اینها دو طرف را به عداوت بکشد و با هم دشمنی کنند، یکی هم مسئله‌ی فلسطین.

در دیدار کارگران نمونه‌ی سراسر کشور، ۱۳۸۹/۰۲/۰۸

امام؛ عامل اصلی پیشرفت ملت ایران

رحمت خدا و سلام خداوند بر امام بزرگوار ما که این راه را او به ما نشان داد؛ او ما را توی این راه انداخت؛ او دست ما را گرفت؛ او با آن جوهر الهی خود ما را بیدار کرد و به این وادی کشاند. هرچه این ملت پیشرفت کند، خدای متعال بر حسنات آن بزرگوار خواهد افزود.

در جمع دانش‌آموختگان دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۸۹/۳/۳

معنای جمله‌ی معروف امام در مورد آزادی خرمشهر

این جمله‌ای که از امام بزرگوار ما نقل شده است و شما شنیدید که فرمود «خرمشهر را خدا آزاد کرد»، دقیقترین و حکیمانه‌ترین سخنی است که در این باب گفته شده است؛ عیناً همان «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى». ^۱ قدرت خدای متعال در دل رزمندگان، در اراده و عزم پولادین رزمندگان، در صبر رزمندگان، در بازوی توانای رزمندگان، در قدرت ابتکار رزمندگان تجلی پیدا کرد. دشمن متکی به ماده بود. معلوم است که قدرت مادی توان ایستادگی و رویارویی با یک چنین هفت جوش معنویت و انسانیت را ندارد. همیشه همینجور است، امروز هم همینجور است عزیزان من! امروز هم قدرتهای مادی با همه‌ی توانشان - با پولشان، با صنعتشان، با فناوری پیشرفته‌شان، با پیشرفتهای علمی‌شان - قدرت مقابله و رویارویی با آن مجموعه‌ی انسانی که ایمان را، عزم را، همت را، فداکاری را شاخص و معیار کار خود گرفته، ندارند.

۱ سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۱۷. و چون [ریگ به سوی آنان] افکندی، تو نیفکندی، بلکه خدا افکند.

افتخار جوانان به امام

ما احتیاج داریم که جوان ما امروز افتخار کند به اینکه متعلق به ایران اسلامی است؛ افتخار کند به وجود امام؛ افتخار کند به جمهوری اسلامی؛ افتخار کند به دین خود و به مذهب خود و به پیروی اهل بیت.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی(ره) در بیست و یکمین

سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)، ۱۴/۰۳/۱۳۸۹

ضرورت حفظ همیشگی نام و یاد امام به بهترین وجه

این روزها ایام عید ولادت صدیقہ‌ی کبری و فاطمه‌ی زهرا، بانوی دو عالم، سیدہ‌ی نساء عالمین(سلام‌الله‌علیہا) است. از روح ملکوتی این بنده‌ی خالص الهی مدد بگیریم و ان شاء الله این نماز جمعه را که به مناسبت بیست و یکمین سالگرد رحلت امام راحل(رضوان‌الله‌تعالی‌علیہ) است، با احترام و تکریم به مقام این آیت عظمای پروردگار برگزار کنیم و یاد و نام مبارک و ماندگار امام بزرگوارمان را همچنان که در این بیست و یک سال، ملت ما به بهترین وجهی در دل و جان خود، در زبان خود، در فضای زندگی خود حفظ کرده‌اند، باز هم حفظ کنیم و به پیش ببریم.

دو دلیل برای اهمیت نگاه به امام؛ از منظر یک شاخص

امروز درباره‌ی امام بزرگوار در خطبه‌ی اول عرایضی را عرض میکنم؛ نگاه به امام از منظر یک شاخص. این نگاه از این جهت اهمیت پیدا میکند که چالش اصلی همه‌ی تحولات بزرگ اجتماعی - از جمله انقلابها - صیانت از جهتگیریهای اصلی این انقلاب یا این تحول است. این مهمترین چالش هر تحول عظیم اجتماعی است که هدفهایی دارد و به سمت آن هدفها حرکت و دعوت میکند. این جهتگیری باید حفظ شود.

دلیل اول؛ حفظ جهت‌گیری به سمت هدفها

اگر جهت‌گیری به سمت هدفها در یک انقلاب، در یک حرکت اجتماعی صیانت نشود

و محفوظ نماند، آن انقلاب به ضدّ خود تبدیل خواهد شد؛ در جهت عکس اهداف خود عمل خواهد کرد. لذا شما در قرآن ملاحظه میکنید که در سوره‌ی مبارکه‌ی هود، خدای متعال به پیغمبرش میفرماید: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»^۱. پیغمبر را امر میفرماید به استقامت. استقامت، یعنی پایداری؛ راه را مستقیم ادامه دادن؛ در جهت درست حرکت کردن. نقطه‌ی مقابل این حرکت مستقیم در این آیه‌ی شریفه، طغیان قرار داده شده است؛ «وَلَا تَطْغَوْا». طغیان، یعنی سرکشی؛ منحرف شدن. به پیغمبر میفرماید: هم تو - شخصاً - هم کسانی که همراه تو و با تو هستند، این راه را درست ادامه بدهید و منحرف نشوید؛ «إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ». مرحوم علامه‌ی طباطبایی بزرگوار در تفسیر المیزان میفرماید: لحن این آیه، لحن تشدد است؛ هیچ نشانه‌ی رحمت در این آیه نیست. خطاب به خود پیغمبر است؛ «مَنْ أفرَادَ النَّبِيِّ بِالذِّكْرِ». در درجه‌ی اول، خود پیغمبر را مخاطب قرار میدهد: «فَاسْتَقِمْ». لذا این آیه به نحوی است که پیغمبر اکرم درباره‌ی سوره‌ی هود فرمودند: «شَيْبَتِي سَوْرَةُ هُودٍ»^۲؛ سوره‌ی هود مرا پیر کرد. این بخاطر همین آیه است. در روایت است که آن بخشی از سوره‌ی هود که پیغمبر میفرماید «مَنْ رَا پیر کرد»، همین آیه‌ی مبارکه است؛ بخاطر تشدید که در این آیه هست. در حالی که در یک جای دیگر قرآن هم دارد: «فَلذَلِكَ فَادِعْ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ»، اما عنوان «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا» - منحرف نشوید، از راه برنگردید - خطاب سختی است که به خود پیغمبر است. این خطاب، دل پیغمبر را می‌لرزاند. این بخاطر همین است که تغییر جهتگیریها و منحرف شدن از راه اصلی - که هویت اصلی هر انقلابی به آن جهتگیریهاست و در واقع، سیرت انقلابها همین جهتگیریهای اصلی است - بکلی راه را عوض میکند و این انقلاب به هدفهای خود نمیرسد. اهمیت این قضیه از این باب است که تغییر جهتگیریها تدریجی است، نامحسوس است؛ اینجور نیست که از اول کار، این تغییر جهتگیری با ۱۸۰ درجه اتفاق بیفتد؛ اول با زاویه‌های خیلی کوچکتر، این تغییر شروع میشود؛ هرچه ادامه پیدا میکند، فاصله‌ی راه اصلی - که صراط مستقیم است - با این انحراف، روزبه‌روز بیشتر میشود. این یک جهت است.

۱ سوره‌ی هود، آیه‌ی ۱۱۲.

۲ بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۱۹۲.

دلیل دیگر؛ دشمن شناسی

جهت دیگر این است که آن کسانی که در پی تغییر هویت انقلاب برمی آیند، معمولاً با پرچم رسمی و با تابلو جلو نمی آیند؛ آنچنانی حرکت نمیکنند که معلوم بشود اینها دارند با این حرکت مخالفت میکنند؛ حتی گاهی بعنوان طرفداری از حرکت انقلاب، یک اقدامی میکنند، یک اظهاری میکنند، کاری میکنند، زاویه ایجاد میکنند؛ انقلاب از جهتگیری خود بکلی دور می افتد، برکنار میشود.



لزوم معرفی و تعیین بهترین شاخصها، برای جلوگیری از انحراف

برای اینکه این جهتگیری غلط و این انحراف اتفاق نیفتد، احتیاج به شاخصهای معینی هست. باید سر راه، شاخصهایی وجود داشته باشد. اگر این شاخصها بود، روشن بود، واضح بود، در معرض دید مردم بود، انحراف اتفاق نمی افتد؛ اگر کسی هم در جهت انحراف کار کند، از نظر توده‌ی مردم شناخته میشود؛ اما اگر شاخصی وجود نداشت، آن وقت خطر جدی خواهد شد.

خوب، شاخص در انقلاب ما چیست؟ این خیلی مهم است. سی سال است که ما در جهت این انقلاب حرکت میکنیم. ملت ما بصیرت به خرج دادند، شجاعت به خرج دادند، حقاً و انصافاً لیاقت به خرج دادند. این انقلاب را سی سال است شما دارید جلو میبرید؛ اما خطر وجود دارد. دشمن انقلاب، دشمن امام بیکار نمینشیند؛ سعی میکند این انقلاب را از پا در بیاورد. چه جور؟ با منحرف کردن راه انقلاب. بنابراین لازم است ما شاخص داشته باشیم.

امام و خط امام؛ بهترین شاخصها

من عرض میکنم بهترین شاخصها، خود امام و خط امام است. امام بهترین شاخص برای ماست. اگر این تشبیه با همه‌ی فاصله‌ای که وجود دارد، بنظر برسد، عیبی ندارد که تشبیه کنیم به وجود مقدس پیغمبر که قرآن میفرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ»^۱. خود پیغمبر اسوه است؛ رفتار او، کردار او،

۱ سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۲۱. قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست: برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد میکند.

ره، رهرو، رهبر / ۸۹۱

اخلاق او. یا در یک آیه‌ی شریفه‌ی دیگر میفرماید: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ»^۱ ابراهیم و یاران ابراهیم اسوه‌اند. در اینجا یاران ابراهیم پیغمبر هم ذکر شده‌اند تا کسی نگوید که پیغمبر معصوم بود یا ابراهیم معصوم بود، ما نمیتوانیم از آنها تبعیت کنیم؛ نه، «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ»^۲ تا آخر آیه‌ی شریفه.

در مورد امام بزرگوار که شاگرد این مکتب و دنباله‌رو راه این انبیای عظام است، همین معنا صدق میکند. خود امام برجسته‌ترین شاخصهاست؛ رفتار امام، گفتار امام. خوشبختانه بیانات امام در دسترس است، تدوین شده است. وصیتنامه‌ی امام آشکارا همه‌ی مافی‌الضمیر امام را برای آینده‌ی انقلاب تبیین میکند. نباید اجازه داد این شاخصها غلط تبیین شوند، یا پنهان بمانند، یا فراموش بشوند. اگر این شاخصها را ما بد تبیین کردیم، غلط ارائه دادیم، مثل این است که یک قطب‌نما را در یک راه از دست بدهیم، یا قطب‌نما از کار بیفتد. فرض کنید در یک مسیر دریایی یا در یک بیابان که جاده‌ای هم وجود ندارد، قطب‌نمای انسان آسیب ببیند و از کار بیفتد؛ انسان متحیر میماند. اگر نظرات امام، بد بیان شد، بد تبیین شد، مثل این است که قطب‌نما از کار بیفتد، راه گم میشود؛ هر کسی به سلیقه‌ی خود، به میل خود حرفی میزند. بدخواهان هم در این میان از فرصت استفاده میکنند، راه را جوری تبیین میکنند که ملت به اشتباه بیفتد.

ضرورت تبیین صریح مواضع امام و ابعاد آن

مواضع امام بایستی بطور روشن و واضح - همانطور که خود او گفت، همانطور که خود او نوشت - تبیین شود؛ این ملاک راه امام و خط امام و صراط مستقیم انقلاب است. یک نفر صریح میگوید من امام را قبول ندارم - این بحث دیگری است - خیلی خوب، پیروان امام و طرفداران امام با کسی که صریح بگوید من امام را قبول ندارم، راه او را غلط میدانم، حسابشان روشن است؛ اما اگر قرار است در خط امام، با اشاره‌ی انگشت

۱ سوره‌ی ممتحنه، آیه‌ی ۴.

۲ سوره‌ی ممتحنه، آیه‌ی ۴. قطعاً برای شما در [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی نیکوست: آنگاه که به قوم خود گفتند: «ما از شما و از آنچه به جای خدا میپرستید بیزاریم. به شما کفر میورزیم.

امام، این انقلاب پیش برود، باید معلوم باشد، روشن باشد و مواضع امام بزرگوارمان بدرستی تبیین شود.

روش غلط جمع‌آوری طرفدار برای امام

نباید برای خوشامد این و آن، برخی از مواضع حقیقی امام را یا انکار کرد، یا مخفی نگه داشت. بعضی اینجور فکر میکنند- و این فکر غلطی است- که برای اینکه امام پیروان بیشتری پیدا کند، کسانی که مخالف امام هستند، آنها هم به امام علاقه‌مند شوند، بایستی ما بعضی از مواضع صریح امام را یا پنهان کنیم یا نگوئیم یا کمرنگ کنیم؛ نه، امام هویتش، شخصیتش به همین مواضعی است که خود او با صریحترین بیانه‌ها، روشترین الفاظ و کلمات، آنها را بیان کرد. همینها بود که دنیا را تکان داد. همین مواضع صریح بود که توده‌های عظیم را مشتاق ملت ایران و بسیاری را پیرو ملت ایران کرد. این نهضت عظیم جهانی که شما امروز در گوشه و کنار دنیای اسلام نشانه‌های آن را میبینید، از این طریق به راه افتاد.

ضرورت بیان صریح مواضع امام

امام را صریح باید آورد وسط میدان. مواضعش بر علیه استکبار، مواضعش بر علیه ارتجاع، مواضعش بر علیه لیبرال دموکراسی غرب، مواضعش بر علیه منافقان و دورویان را باید صریح گذاشت. کسانی که تحت تأثیر آن شخصیت عظیم قرار گرفتند، این مواضع را دیدند و تسلیم شدند. نمیشود بخاطر اینکه زید و عمرو از امام خوششان بیاید، ما مواضع امام را پنهان کنیم یا پوشیده کنیم یا آن چیزهایی که به نظرمان تند می‌آید، کمرنگ کنیم. عده‌ای در یک دورانی- که ما آن دوران را به یاد داریم؛ دوران جوانیهای ما- برای اینکه اسلام علاقه‌مندان و طرفدارانی پیدا کند، بعضی از احکام اسلام را کمرنگ میکردند، ندیده میگرفتند؛ حکم قصاص را، حکم جهاد را، حکم حجاب را انکار و پنهان میکردند، میگفتند اینها از اسلام نیست، قصاص از اسلام نیست، جهاد از اسلام نیست، برای اینکه فلان مستشرق یا فلان دشمن مبانی اسلامی از اسلام خوشش بیاید! این غلط است. اسلام را با کلیتش بایستی بیان کرد.

خیانت سلب هویت و خطّ امام، از امام

امام منهای خطّ امام، آن امامی نیست که ملت ایران به نفس او، به هدایت او جانانشان را کف دست گرفتند، فرزندانانشان را به کام مرگ فرستادند، از جان و مالشان دریغ نکردند و بزرگترین حرکت قرن معاصر را در این نقطه‌ی عالم به وجود آوردند. امام منهای خطّ امام، امام بی هویت است. سلب هویت از امام، خدمت به امام نیست. مبانی امام، مبانی روشنی بود. این مبانی - اگر کسی نخواهد مجامله کند، تعارف کند - در کلمات امام، در بیانات امام، در نامه‌های امام، و بخصوص در وصیتنامه‌ی امام - که کوتاه شده‌ی همه‌ی آن مواضع است - منعکس است.

نتایج مبانی روشن امام بر منفوریت مستکبرین

این مبانی فکری همان چیزی است که آن موج عظیم و سهمگین را علیه غارتگریهای غرب و یکه‌تازیهای امریکا در دنیا به وجود آورد. شما خیال میکنید اینکه رئیس‌جمهورهای گوناگون امریکا به هر کشوری از این کشورهای آسیا و خاورمیانه سفر کردند، حتی در بعضی از کشورهای اروپایی مردم جمع شدند و علیه آنها شعار دادند، همیشه اینجور بود؟ نه، این حرکت امام بود، افشاگری امام بود، موضعگیری امام بود که استکبار را رسوا کرد، صهیونیسم را رسوا کرد، و روح مقاومت را در ملتها و بخصوص در جوامع اسلامی زنده کرد.

کج‌اندیشی در انکار مواضع امام

این کج‌اندیشی است که ما مواضع امام را انکار کنیم. این کج‌اندیشی را هم متأسفانه بعضاً کسانی انجام میدهند که یک وقتی خودشان جزو مروّجان افکار امام بودند یا جزو پیروان امام بودند. حالا به هر دلیلی راهها کج میشود، هدفها گم میشود، یک عده‌ای برمیگردند؛ بعد از آنکه سالهای متمادی برای امام و برای این هدفها حرف زدند و حرکت کردند، در مقابل این اهداف و این مبانی می‌ایستند و آن حرفها را میزنند!

مهمترین اجزای خطّ امام

خوب، خط امام اجزایی دارد. مهمترین آنچه که در مورد خطّ امام و راه امام میشود

گفت، چند نکته است که من عرض میکنم. و بخصوص به جوانها عرض میکنم: بروید وصیتنامه‌ی امام را بخوانید. امامی که دنیا را تکان داد، امامی است که در این وصیتنامه منعکس است، در این آثار و گفتار منعکس است.

اولین و اصلی‌ترین جزء خط امام؛ مسئله‌ی اسلام ناب محمدی(ص)

اولین و اصلیت‌ترین نقطه در مبانی امام و نظرات امام، مسئله‌ی اسلام ناب محمدی است؛ یعنی اسلام ظلم‌ستیز، اسلام عدالتخواه، اسلام مجاهد، اسلام طرفدار محرومان، اسلام مدافع حقوق پابرهنگان و رنجدیدگان و مستضعفان. در مقابل این اسلام، امام اصطلاح «اسلام امریکایی» را در فرهنگ سیاسی ما وارد کرد. اسلام امریکایی یعنی اسلام تشریفاتی، اسلام بی‌تفاوت در مقابل ظلم، در مقابل زیاده‌خواهی، اسلام بی‌تفاوت در مقابل دست‌اندازی به حقوق مظلومان، اسلام کمک به زورگویان، اسلام کمک به اقویا، اسلامی که با همه‌ی اینها میسازد. این اسلام را امام نامگذاری کرد: اسلام امریکایی.

فکر اسلام ناب، فکر همیشگی امام بزرگوار ما بود؛ مخصوص دوران جمهوری اسلامی نبود؛ منتها تحقق اسلام ناب، جز با حاکمیت اسلام و تشکیل نظام اسلامی امکانپذیر نبود. اگر نظام سیاسی کشور بر پایه‌ی شریعت اسلامی و تفکر اسلامی نباشد، امکان ندارد که اسلام بتواند با ستمگران عالم، با زورگویان عالم، با زورگویان یک جامعه، مبارزه‌ی واقعی و حقیقی بکند. لذا امام حراست و صیانت از جمهوری اسلامی را اوجب واجبات میدانست. اوجب واجبات، نه از اوجب واجبات. واجبت‌ترین واجبتها، صیانت از جمهوری اسلامی است؛ چون صیانت اسلام - به معنای حقیقی کلمه - وابسته به صیانت از نظام سیاسی اسلامی است. بدون نظام سیاسی، امکان ندارد.

جمهوری اسلامی؛ مظهر حاکمیت اسلام در نظر امام

امام، جمهوری اسلامی را مظهر حاکمیت اسلام میدانست. برای همین، امام جمهوری اسلامی را دنبال کرد، در راهش آن همه تلاش کرد و با آن شدت و حدت و اقتدار پای جمهوری اسلامی ایستاد. امام که دنبال قدرت شخصی نبود؛ امام دنبال این نبود که خودش بتواند قدرتی پیدا کند. مسئله‌ی امام، مسئله‌ی اسلام بود؛ لذا پای جمهوری اسلامی ایستاد. این مدل نو را امام به دنیا عرضه کرد؛ یعنی مدل جمهوری اسلامی.

اساسیترین مسئله در جمهوری اسلامی، مبارزه با حاکمیت‌های زورگویانه و اقتدارطلب دنیاست که در شکل‌های مختلف خودش را نشان می‌دهد. حکومت دیکتاتوری و اقتدارطلب، فقط حکومت پادشاهان نیست؛ این یکی از انواع حکومت دیکتاتوری است. آن زمان دیکتاتورهای چپ وجود داشت، که دیکتاتوری یک‌حزبی در کشورها بود؛ هر کار میخواستند، با آحاد ملت میکردند؛ کسی هم به ملت پاسخگو نبود. در واقع ملت دست یک اقلیت محدودی زندانی بود. این هم یک نوع دیکتاتوری بود. یک نوع دیکتاتوری هم دیکتاتوری سرمایه‌داران است که در نظام‌های بظاهر مردم‌سالار-نظام‌های لیبرال دموکراسی- تجلی پیدا میکند. این هم نوعی دیکتاتوری است، متنها دیکتاتوری بسیار هوشمندانه و غیرمستقیم؛ در واقع دیکتاتوری سرمایه‌دارها و صاحبان ثروت‌های بزرگ است.

امام، جمهوری اسلامی را در مقابل این طاغوت‌های بشری به وجود آورد؛ اسلام را- که در دل اسلامیت، تکیه‌ی به مردم و رأی مردم و خواست مردم وجود دارد- معیار اصلی این نظام قرار داد. بنابراین جمهوری اسلامی، هم جمهوری است، یعنی متکی به آرای مردم است؛ هم اسلامی است، یعنی متکی به شریعت الهی است. این یک مدل نو است؛ این یکی از شاخص‌های عمده‌ی در خط امام است. هر کسی درباره‌ی حاکمیت نظام جمهوری اسلامی برخلاف این فکر کند، برخلاف فکر امام است؛ مدعی نشود که او دنباله‌رو امام است، در عین حال این فکر را دارد؛ نه، فکر امام این است. این واضحترین خط از خطوط اندیشه‌ی امام است.

شاخص دوم از خط امام؛ جاذبه و دافعه‌ی امام بر مبنای اسلام

یک شاخص دیگر در برنامه‌ی امام و خط امام و راه مستقیم امام، مسئله‌ی جاذبه و دافعه‌ی امام بود. انسان‌های بزرگ، جاذبه و دافعه‌شان هم میدان وسیع و گسترده‌ای دارد. همه جاذبه و دافعه دارند. شما با رفتار خودتان، یکی را به خودتان علاقه‌مند و متمایل میکنید، یکی هم از شما میرنجد؛ این جاذبه و دافعه است. اما انسان‌های بزرگ، جاذبه‌شان یک طیف وسیعی را به وجود می‌آورد؛ دافعه‌ی آنها هم همینطور، یک طیف عظیمی را به وجود می‌آورد. جاذبه و دافعه‌ی امام تماشایی است.

آنچه که مبنا و معیار جاذبه‌ی امام و دافعه‌ی امام بود، باز مکتب بود، اسلام بود؛ درست همانطوری که امام سجاده (علیه‌السلام) در دعای صحیفه‌ی سجاده‌ی - دعای ورود در ماه رمضان - به خداوند متعال عرض میکند. مکرر عرض کرده‌ایم که دعا‌های امام سجاده واقعاً جزو برترین گنجینه‌های معارف اسلامی است. در این دعاها معارفی وجود دارد که انسان اینها را از روایات و آثار روایی نمیتواند بدست بیاورد؛ در دعاها صریح اینها بیان شده است. در دعای چهل و چهارم صحیفه‌ی سجاده‌ی - که دعای ورود در ماه رمضان است و امام سجاده آن را میخواندند - حضرت چیزهایی را از خدای متعال برای ماه رمضان درخواست میکنند؛ از جمله‌ی چیزهایی که درخواست میکنند، این است: «وإن نسألهم من عادانا»؛ پروردگارا! از تو میخواهیم که با همه‌ی دشمنان خودمان صلح کنیم، سلم و مدارا پیشه کنیم. بعد بلافاصله میفرمایند: «حاشی من عودی فیک و لك فأنه العدو الذی لانوالیه و الحرب الذی لانصافیه»؛ مگر آن دشمنی که من بخاطر تو با او دشمنی کردم، در راه تو با او دشمنی کردم. این دشمنی است که ما هرگز با او دم از آشتی نخواهیم زد و دل ما با او صاف نخواهد شد.

امام اینجوری بود؛ دشمنی شخصی با کسی نداشت. اگر کدورت‌های شخصی‌ای هم بود، امام زیر پا میگذاشت؛ اما دشمنی بخاطر مکتب، برای امام بسیار جدی بود. همان امامی که از اول شروع نهضت در سال ۱۳۴۱ روی توده‌ی مردم، انواع و اقسام افکار گوناگون در میان مردم، اینجور آغوش باز کرده بود، مردم را از اهل هر قومی، از اهل هر گروه و مذهبی، با آغوش باز میپذیرفت، همین امام در اول انقلاب یک مجموعه‌هایی را از خود طرد کرد. کمونیستها را صریح طرد کرد. آن روز برای خیلی از ماها که در اول انقلاب دست‌اندرکار مبارزه بودیم، این کار امام عجیب بود. در همان اوایل انقلاب، امام صریح در مقابل کمونیستها موضعگیری کرد و اینها را از خودش جدا کرد. در مقابل لیبرال‌مسلكها و دلباختگان به نظامهای غربی و فرهنگ غربی، امام قاطعیت نشان داد؛ اینها را از خود دور کرد، از خود جدا کرد؛ هیچ رودربایستی و ملاحظه‌ای نکرد. مرتجعین را - کسانی که حاضر نبودند حقایق الهی و روح قرآنی احکام اسلامی را قبول کنند و تحوّل

عظیم را بپذیرند- از خودش طرد کرد. امام بارها مرتجعین را با تعبیرات سخت و تلخ محکوم کرد، از خود دور کرد. در تبری از افرادی که در دایره‌ی فکری و مبانی اسلامی او قرار نمیگرفتند، امام تأمل نکرد؛ در حالی که با آنها هم دشمنی شخصی نداشت.

شما ملاحظه کنید به وصیتنامه‌ی امام؛ امام در همین وصیتنامه خطاب میکند به کمونیستهایی که در داخل جنایت کرده بودند و به خارج کشور گریخته بودند. لحن امام را ملاحظه کنید. به اینها میگوید: شما داخل کشور بیایید و مجازاتی را که قانون و عدالت برای شما میگذارد، تحمل کنید و مجازات شوید. یعنی بیایید اعدام را یا حبس را یا سایر مجازاتها را تحمل کنید، برای اینکه خودتان را از عذاب الهی و نعمت الهی نجات دهید. با اینها دلسوزانه حرف میزند. میفرماید: اگر شهامت این را هم ندارید که بیایید مجازات خودتان را قبول کنید، لااقل آنجا که هستید، راهتان را عوض کنید، توبه کنید؛ با ملت ایران، با نظام اسلامی، با حرکت اسلامی مقابله نکنید؛ برای قدرتمندان و زورگویان، پیاده‌نظام نباشید.

امام دعوای شخصی ندارد؛ اما در دایره‌ی مکتب، با قاطعیت کامل، جاذبه و دافعه‌ی خود را اعمال میکند. این یک شاخص عمده از زندگی امام و مکتب امام است. توکی و تبری در عرصه‌ی سیاست هم باید تابع تفکر و فکر و مبانی اسلامی و مذهبی باشد؛ اینجا هم باید انسان ملاک و معیار را این قرار بدهد؛ ببیند خدای متعال از او چه میخواهد.

ادعای خطّ امام و بلند کردن پرچم تعارض با اسلام و امام!

با این روشی که امام در پیش گرفته بود و در گفتار و کردار او منعکس بود، نمیشود انسان خود را در خطّ امام بداند، دنباله‌رو امام بداند، اما با کسانی که صریحاً پرچم معارضه‌ی با امام و اسلام را بلند میکنند، خودش را در یک جبهه تعریف کند. نمیشود قبول کرد که امریکا و انگلیس و سیا و موساد و سلطنت‌طلب و منافق بر روی یک محوری توافق کنند، حول یک محوری جمع بشوند، بعد آن محور باز ادعا کند که من خطّ امامم! این نمیشود، این قابل قبول نیست.

نمیشود با هرکس و ناکسی ائتلاف کرد. باید ببینیم دشمنان دیروز امام در برابر ما چه موضعی میگیرند. اگر دیدیم مواضع ما جوری است که امریکای مستکبر، صهیونیست

غاصب، مزدوران قدرتهای گوناگون، مخالفین و معاندین امام و اسلام و انقلاب از ما تجلیل میکنند، احترام میکنند، بایستی در مواضعمان شک کنیم؛ باید بدانیم که راه درست و مستقیم را نمیرویم. این معیار است، این یک ملاک است. امام هم بارها بر همین تکیه میکرد. امام میفرمود- در نوشته‌جات امام وجود دارد، در اسناد قطعی فرمایشات امام این هست- که اگر از ما تعریف کردند، بدانیم که خیانتکاریم. این خیلی مهم است.

کسانی بیایند درست در خط مقابل امام حرکت کنند، درباره‌ی مسئله‌ی قدس در روز قدس آنجور موضعگیری کنند، در روز عاشورا آن فصاحت را به بار بیاورند، بعد ما با کسانی که با اساس مبنای امام و حرکت امام صریحاً مخالفند، اظهار همراهی کنیم، خودمان را در کنار اینها قرار بدهیم و تعریف کنیم، یا در مقابل اینها سکوت کنیم؛ در عین حال بگوییم ما دنباله‌رو امامیم! این امکان ندارد، این قابل قبول نیست. ملت هم این را خوب فهمیدند. ملت این را میبیند، میداند، میشناسد، میفهمد.

شاخص سوم از خط امام؛ محاسبات معنوی و الهی در تصمیم‌گیریها

یک شاخص دیگر در مشی امام و خط امام که خیلی مهم است، مسئله‌ی محاسبات معنوی و الهی است. امام در تصمیم‌گیریهای خود، در تدابیر خود، محاسبات معنوی را در درجه‌ی اول قرار میداد. یعنی چه؟ یعنی انسان برای هر کاری که میخواهد بکند، در درجه‌ی اول هدفش کسب رضای الهی باشد؛ کسب پیروزی نباشد، بدست گرفتن قدرت نباشد، کسب جاهت پیش زید و عمرو نباشد. هدف اول، رضای الهی باشد. این یک. بعد هم به وعده‌ی الهی اطمینان و اعتماد داشته باشد. وقتی انسان هدفش رضای خدا بود، به وعده‌ی الهی هم اعتماد و اطمینان داشت، آن وقت دیگر یأس معنا ندارد، ترس معنا ندارد، غفلت معنا ندارد، غرور معنا ندارد.

امام آن وقتی که تنها بود، مبتلای به ترس نشد، مبتلا به یأس نشد؛ آن وقتی هم که همه‌ی ملت ایران یکصدا نام او را فریاد زدند، بلکه ملت‌های دیگر هم به او عشق ورزیدند و این را ابراز کردند، دچار غرور نشد. آن وقتی که خرمشهر به وسیله‌ی متجاوزین عراقی از دست رفت، امام مأیوس نشد؛ آن وقتی هم که خرمشهر را رزمندگان ما با دلاوری و فداکاری خود گرفتند، امام مغرور نشد؛ فرمود «خرمشهر را خدا آزاد کرد»؛ یعنی ما

هیچکاره‌ایم. در همه‌ی حوادث گوناگون دوران زعامت آن بزرگوار، امام همینجور بود. آن وقتی که تنها بود، وحشت نکرد؛ آن وقتی که غلبه و قدرت با او بود، مغرور نشد؛ غفلت هم نکرد. این اعتماد به خداست. وقتی رضای خدا بود، قضیه این است.

به وعده‌ی الهی باید اعتماد کرد. خدای متعال در سوره‌ی «أنا فتحنا» میفرماید: «وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ»؛^۱ خصوصیت منافق و مشرک از جمله این است که به خدا سوءظن دارند، وعده‌ی الهی را قبول ندارند، باور ندارند. اینکه خدا میگوید: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»^۲، این را آدم مؤمن با همه‌ی وجود قبول دارد؛ منافق این را قبول ندارد. خداوند میفرماید: «عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا»^۳. کسانی که به خدا سوءظن دارند، وضعیتشان اینجور است.

اطمینان امام به وعده‌ی الهی

امام به وعده‌ی الهی اطمینان داشت. ما برای خدا مجاهدت میکنیم، قدم برای خدا برمیداریم، همه‌ی تلاش خودمان را به میدان می‌آوریم؛ نتیجه را خدای متعال - آنچنان که وعده فرموده است - تحقق خواهد داد. ما برای تکلیف کار میکنیم؛ اما خدای متعال بر همین عمل برای تکلیف، بهترین نتیجه را به ما خواهد داد. این یکی از خصوصیات مشی امام و خط امام است. راه انقلاب، صراط مستقیم انقلاب این است.

یکی از چیزهایی که در همین زمینه وجود داشت، رعایت تقوای عجیب امام در همه‌ی امور بود. تقوا در مسائل شخصی یک حرف است؛ تقوا در مسائل اجتماعی و مسائل سیاسی و عمومی خیلی مشکلتر است، خیلی مهمتر است، خیلی اثرگذارتر است. ما نسبت به دوستانمان، نسبت به دشمنانمان چه میگوییم؟ اینجا تقوا اثر میگذارد. ممکن است ما با یکی مخالف باشیم، دشمن باشیم؛ درباره‌ی او چگونه قضاوت میکنید؟ اگر

۱ سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۶. و [تا] مردان و زنان نفاق‌پیشه و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد برده‌اند، عذاب کند.

۲ سوره‌ی حج، آیه‌ی ۴۰. و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری میکند، یاری میدهد.

۳ سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۶. بد زمانه بر آنان باد. و خدا بر ایشان خشم نموده و لعنتشان کرده و جهنم را برای آنان آماده گردانیده و [چه] بد سرانجامی است!

قضایات شما درباره‌ی آن کسی که با او مخالفید و با او دشمنید، غیر از آن چیزی باشد که در واقع وجود دارد، این تعدی از جاده‌ی تقواست. آیه‌ی شریفه‌ای که اول عرض کردم، تکرار میکنم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا». قول سدید، یعنی استوار و درست؛ اینجوری حرف بزنیم. من میخواهم عرض بکنم به جوانان عزیزمان، جوانهای انقلابی و مؤمن و عاشق امام، که حرف میزنند، مینویسند، اقدام میکنند؛ کاملاً رعایت کنید. اینجور نباشد که مخالفت با یک کسی، ما را وادار کند که نسبت به آن کس از جاده‌ی حق تعدی کنیم، تجاوز کنیم، ظلم کنیم؛ نه، ظلم نباید کرد. به هیچ کس نباید ظلم کرد.

خاطره‌ای از رعایت تقوای امام

من یک خاطره از امام نقل کنم. ما یک شب در خدمت امام بودیم. من از ایشان پرسیدم نظر شما نسبت به فلان کس چیست - نمیخواهم اسم بیاورم؛ یکی از چهره‌های معروف دنیای اسلام در دوران نزدیک به ما، که همه نام او را شنیدند، همه میشناسند - امام یک تأملی کردند، گفتند: نمیشناسم. بعد هم یک جمله‌ی مذمت‌آمیزی راجع به آن شخص گفتند. این تمام شد. من فردای آن روز یا پس‌فردا - درست یادم نیست - صبح با امام کاری داشتم، رفتم خدمت ایشان. بمجردی که وارد اتاق شدم و نشستم، قبل از اینکه من کاری را که داشتم، مطرح کنم، ایشان گفتند که راجع به آن کسی که شما دیشب یا پریشب سؤال کردید، «همین، نمیشناسم». یعنی آن جمله‌ی مذمت‌آمیزی را که بعد از «نمیشناسم» گفته بودند، پاک کردند. ببینید، این خیلی مهم است. آن جمله‌ی مذمت‌آمیز نه فحش بود، نه دشنام بود، نه تهمت بود؛ خوشبختانه من هم بکلی از یادم رفته که آن جمله چه بود؛ یعنی یا تصرف معنوی ایشان بود، یا کم‌حافظگی من بود؛ میدانم چه بود، اما اینقدر یادم هست که یک جمله‌ی مذمت‌آمیزی بود. همین را ایشان آن شب گفتند، دو روز بعدش یا یک روز بعدش آن را پاک کردند؛ گفتند: نه، همان نمیشناسم. ببینید، اینها اسوه است؛ «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»^۱.

۱ سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۷۰. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا دارید و سخنی استوار گویند.

۲ سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۲۱. قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست.

ره، رهرو، رهبر / ۹۰۱

درباره‌ی زیدی که شما او را قبول ندارید، دو جور میشود حرف زد: یک جور آنچنانی که درست منطبق با حق است، یک جور هم آنچنانی که در آن آمیزه‌ای از ظلم وجود دارد. این دومی بد است، باید از آن پرهیز کرد. درست همانی که حق است، صدق است و شما در دادگاه عدل الهی میتوانید راجع به آن توضیح دهید، بگویید، نه بیشتر. این یکی از خطوط اصلی حرکت امام و خطّ امام است که ماها باید به یاد داشته باشیم.

شاخص چهارم از خط امام؛ نقش مردم در عرصه‌های مختلف

یکی دیگر از خطوط اصلی خطّ امام، نقش مردم است؛ هم در انتخابات که امام در این کار واقعاً یک حرکت عظیمی انجام داد، هم در غیر انتخابات، در مسائل گوناگون اجتماعی. در هیچ انقلابی در دوران انقلابها- که نیمه‌ی اول قرن بیستم، دوران انقلابهای گوناگون است؛ در شرق و غرب دنیا انقلابهای مختلفی با شکلهای مختلف به وجود آمد- سابقه ندارد که دو ماه بعد از پیروزی انقلاب، یک فراندوم عمومی برای انتخاب شیوه‌ی حکومت و نظام حکومتی انجام بگیرد؛ اما به همت امام در ایران این اتفاق افتاد. هنوز یک سال از انقلاب نگذشته بود که قانون اساسی تدوین و تصویب شد. در آن ماههای اول که تدوین قانون اساسی هنوز انجام نشده بود و تأخیر افتاده بود، یادم هست یک روز امام ماها را خواستند، رفتیم قم- آن وقت ایشان هنوز قم بودند- با اوقات تلخی گفتند که قانون اساسی را زودتر تدوین کنید. آن وقت انتخابات مجلس خبرگان راه افتاد و مردم خبرگان را برای تدوین قانون اساسی انتخاب کردند؛ بعد هم که قانون اساسی تدوین شد، آن را به رأی عمومی گذاشتند؛ فراندوم شد، مردم قانون اساسی را انتخاب کردند. بعد هم انتخابات ریاست جمهوری و مجلس برگزار شد. در سخت‌ترین دوران جنگ که تهران زیر بمباران دشمن بود، انتخابات تعطیل نشد؛ حتی تا امروز یک روز انتخابات در ایران تأخیر نیفتاده است. کدام دموکراسی را در دنیا شما سراغ دارید؟ انقلابها که هیچ؛ در هیچ دموکراسی‌ای، با این دقت، سر موقع، آرای مردم به صندوقها ریخته نمیشود. این خطّ امام است.

در غیر مسائل انتخابات هم بارها مردم مورد توجه امام قرار گرفتند و امام به نقش آنها اشاره‌ی روشن کردند، گاهی تصریح کردند؛ در یک جاهایی گفتند: اگر مسئولین

فلان کار را که باید انجام بدهند، انجام ندهند، مردم خودشان وارد میشوند و انجام میدهند.

شاخص پنجم از خط امام: جهانی بودن نهضت

یک نقطه‌ی دیگر از نقاط روشن خط امام، جهانی بودن نهضت است. امام نهضت را جهانی میدانست و این انقلاب را متعلق به همه‌ی ملت‌های مسلمان، بلکه غیرمسلمان معرفی میکرد. امام از این ابایی نداشت. این غیر از دخالت در امور کشورهاست، که ما نمیکنیم؛ این غیر از صادر کردن انقلاب به سبک استعمارگران دیروز است، که ما این کار را نمیکنیم، اهلش نیستیم؛ این معنایش این است که بوی خوش این پدیده‌ی رحمانی باید در دنیا پراکنده شود، ملتها بفهمند که وظیفه‌شان چیست، ملت‌های مسلمان بدانند که هویتشان چگونه است و کجاست. یک نمونه‌ی این نگاه جهانی، موضعگیری امام در باب فلسطین است. امام صریحاً فرمود: اسرائیل یک غده‌ی سرطانی است. خوب، غده‌ی سرطانی را چکار میکنند؟ غیر از قطع غده، چه علاجی میتوان برای آن کرد؟ امام ملاحظه‌ی کسی را نکرد. منطق امام این بود. این حرف شعاری نیست؛ این منطقی است. فلسطین یک کشور تاریخی است. در طول تاریخ، کشوری وجود داشته است به نام فلسطین. یک عده‌ای با پشتیبانی قدرتهای ستمگر عالم آمده‌اند با عنیفترین و شدیدترین وجهی این ملت را از این کشور بیرون کرده‌اند؛ کشتند، تبعید کردند، شکنجه کردند، اهانت کردند، این ملت را بیرون کردند - که امروز چند میلیون آواره‌ی فلسطینی در کشورهای همجوار فلسطین اشغالی و در کشورهای دیگر زندگی میکنند؛ اغلب هم توی اردوگاهها - در واقع آمدند کشور را از صحنه‌ی جغرافیا حذف کردند، ملت را بکلی از هستی ساقط کردند، یک واحد جغرافیایی جعلی و جدیدی به جای آن تحمیل کردند و اسمش را گذاشتند اسرائیل. ببینید منطق چه اقتضا میکند؟ حرفی که ما در مورد مسئله‌ی فلسطین داریم، یک حرف شعاری نیست؛ یک حرف صددرصد منطقی است.

یک عده قدرتمند که در رأس آنها اول انگلیس بود، بعد هم امریکا ملحق شد، دنباله‌رو آنها هم کشورهای غربی، آمده‌اند میگویند کشور فلسطین و ملت فلسطین باید حذف بشوند تا به جای آن، کشوری به نام اسرائیل و ملت جعلی‌ای به نام ملت اسرائیل

ره، رهرو، رهبر / ۹۰۳

به وجود بیاید. این یک حرف؛ یک حرف دیگر هم در مقابلش هست که حرف امام است؛ میگوید: نه، این واحد جعلی و تحمیلی باید حذف شود؛ به جای آن، ملت اصلی و کشور اصلی و واحد جغرافیایی اصلی سر کار بیاید. از این دو حرف، کدام منطقی است؟ آن حرفی که متکی به سرنیزه و سرکوب است و میخواهد یک نظام سیاسی را، یک واحد جغرافیایی تاریخی را با چند هزار سال سابقه، بکلی از صحنه جغرافیا حذف کند، این منطقی است یا آن حرفی که میگوید نه، این واحد اصلی جغرافیایی باید بماند، آن واحد جعلی و تحمیلی باید از بین برود؟ امام این را میگفت. این منطقیترین حرفی است که در باب اسرائیل غاصب و در باب مسئله فلسطین میشود گفت. امام این را گفت؛ صریح هم این را بیان کرد. حالا اگر کسی این حرف را به اشاره هم بیان کند، یک عده‌ای که مدعی خط امام اند، میگویند آقا چرا این حرف گفته شد؟! خوب، این حرف امام است؛ این منطق امام است؛ این منطق صحیح است؛ همه‌ی مسلمانان عالم، همه‌ی آزادگان عالم، ملتهای بیطرف باید این حرف را قبول کنند و بپذیرند. این، درست است. این، موضع امام است.

شاخص ششم از خط امام؛ معیار قضاوت در مورد اشخاص

یک نکته‌ی اساسی دیگر در مورد خط امام و راه امام این است که امام بارها فرمود قضاوت در مورد اشخاص باید با معیار حال کنونی اشخاص باشد. گذشته‌ی اشخاص، مورد توجه نیست. گذشته مال آن وقتی است که حال فعلی معلوم نباشد. انسان به آن گذشته تمسک کند و بگوید: خوب، قبلاً اینجوری بوده، حالا هم لابد همانجور است. اگر حال فعلی اشخاص در نقطه‌ی مقابل آن گذشته بود، آن گذشته دیگر کارایی ندارد. این همان قضاوتی بود که امام امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) با جناب طلحه و جناب زبیر کرد. شما باید بدانید طلحه و زبیر مردمان کوچکی نبودند. جناب زبیر سوابقی درخشان دارد که نظیر آن را کمتر کسی از اصحاب امیرالمؤمنین داشت. بعد از به خلافت رسیدن جناب ابی‌بکر، در همان روزهای اول، پای منبر ابی‌بکر چند نفر از صحابه بلند شدند، اظهار مخالفت کردند، گفتند: حق با شما نیست؛ حق با علی بن ابی‌طالب است. اسم این اشخاص در تاریخ ثبت است. اینها چیزهایی نیست که شیعه نقل کرده باشد؛ نه، این در همه‌ی کتب تواریخ ذکر شده است. یکی از آن اشخاصی که پای منبر جناب ابی‌بکر بلند شد و از حق امیرالمؤمنین دفاع کرد، زبیر است. این سابقه‌ی زبیر است. مابین آن روز و

روزی که زبیر روی امیرالمؤمنین شمشیر کشید، فاصله بیست و پنج سال است. حالا برادران اهل سنت از طرف طلحه و زبیر اعتذار میکنند، میگویند آنها اجتهادشان به اینجا منتهی شد؛ خیلی خوب، حالا هر چی. ما راجع به اینکه آنها در مقابل خدای متعال چه وضعی دارند، الآن در مقام آن نیستیم؛ اما امیرالمؤمنین با اینها چه کرد؟ جنگید. امیرالمؤمنین از مدینه لشکر کشید، رفت طرف کوفه و بصره، برای جنگ با طلحه و زبیر. یعنی آن سوابق محو شد، تمام شد. امام ملاکش این بود، معیارش این بود. بعضیها با امام از پاریس تو هواپیما بودند و آمدند ایران؛ اما در زمان امام بنخاطر خیانت اعدام شدند! بعضیها از دورانی که امام در نجف بود و بعد که به پاریس رفت، با ایشان ارتباط داشتند، در اول انقلاب هم مورد توجه امام قرار گرفتند؛ اما بعد رفتار اینها، موضعگیریهای اینها موجب شد که امام اینها را طرد کرد، از خودش دور کرد. میزان، وضعی است که امروز بنده دارم. اگر خدای نکرده نفس اماره و شیطان، راه را در مقابل من منحرف کردند، قضاوت چیز دیگری خواهد بود. مبنای نظام اسلامی این است و امام اینجوری عمل کرد.



ضرورت تحقیق و کار برای استنباط ابعاد دیگر خط امام

خطوط دیگری را هم در زمینه‌ی راه امام و خط امام میشود بیان کرد. آنچه که عرض شد، مهمترین و مؤثرترینها بود. خوب است برادران، جوانان، اهل فکر و تحقیق، طلباب، دانشجویان، روی این مبانی فکر کنند، روی اینها کار کنند. فقط متن باقی نماند؛ این متنها درست توضیح داده شود، تبیین شود.



دعایی برای خط امام و شخصیت امام

پروردگارا! محور خط امام و شخصیت امام و هویت واقعی این انقلاب را روزبه‌روز در میان ملت ما برجسته‌تر کن.^۱

۱ مضمون این مطلب در «مراسم بیعت جمع کثیری از دانشجویان و دانشگاهیان، ۲۳/۰۳/۱۳۶۸» و «در مراسم بیعت اقشار مختلف مردم استانهای ایلام و فارس و گروهی از طلباب پاکستانی، ۱۲/۰۴/۱۳۶۸» و «در اجتماع بزرگ عزاداران در صحن مطهر امام خمینی(ره)، ۱۴/۰۳/۱۳۷۹» نیز تکرار شده است.

حضور در مراسم سالگرد؛ از نشانه‌های علاقه‌مندی مردم به امام(ره)

خوشبختانه مردم کشور برخلاف انتظاری که مخالفین نظام و دشمنان نظام داشتند، حقاً و انصافاً خوب حالتی از خودشان نشان دادند. مردم نشان دادند به امام علاقه‌مندند. طبق همین آمارهایی که همیشه و در همه‌ی سالها به ما میدهند، امسال آمار حضور مردم از سال قبل و سال قبلتر بیشتر است. خوب، این معنایش چیست؟ این همه جمعیت از تهران و از شهرستانها جمع بشوند بیایند توی هوای گرم آن روز، چند ساعت در زیر آفتاب بمانند- حالا آنجایی که ما بودیم، باز یک نیمه‌سقفی، سایبانی، نیمه‌سایبانی بود- در این صحنهای وسیع، توی این مسیر، توی این خیابانها، این جمعیت متراکم در بهشت زهرا، زنها، مردها، کودکان؛ شنیدم بعضیها هفت ساعت، هشت ساعت زیر آفتاب آنجا تحمل کردند، که واقعاً جای تقدیر و تشکر از مردم دارد. من همینجا لازم میدانم از ملت عزیزمان و از حضار این اجتماع عظیم، بخاطر این همه وفاداری، صمیمانه تشکر کنم و از ته دل قدردانی کنم.



دلبستگی مردم به امام؛ دلبستگی به انقلاب، دین و آرمانهای دینی

اینها خیلی مهم است. با گذشت بیست و یک سال از رحلت امام، مردم اینجور به امام دلبسته‌اند. خوب، امام مظهر انقلاب است، مظهر دین است، مظهر آن آرمانهایی است که او به آنها دعوت میکرد و اول بار چشم ما را به روی این آرمانها باز کرد و ما را به سمت این آرمانها هدایت کرد؛ کسی که منادی توانایی این ملت برای پیمودن مدارج اعتلا و کمال بود. وقتی مردم به انسانی با این خصوصیات احترام میگذارند، معنایش این است که به این آرمانها احترام میگذارند. این آرمانها هم همان چیزهایی است که سعادت یک ملت را تأمین میکند.



موفقیت ملت در عرصه‌های پیوند معنوی و عملی با امام

ملتی که بانشاط باشد، ملتی که باایمان باشد، ملتی که اسلام را از بن دندان قبول

داشته باشد، ملتی که خود را باور داشته باشد، به خدای خود اعتماد داشته باشد، هیچ مانعی نمیتواند از پیمودن راه کمال در برابر او جلوگیری کند. خوب، اینها خیلی اهمیت دارد. شما نماینده‌ی یک چنین ملتی هستید. این در عرصه‌ی حضور عاطفی و عقلانی و احساساتی و پیوند معنوی با امام، آن هم حضور در انتخابات چهل میلیونی سال گذشته؛ اینها خیلی ارزش دارد، اینها خیلی معنا دارد.

در دیدار اعضای بسیجی هیأت علمی دانشگاهها، ۱۳۸۹/۴/۲

تأثیر پیام امام در روحیه‌ی رزمندگان اسلام

لابد قضیه‌ی پاوه را شماها میدانید که در پاوه بر روی بلندبها، بعد از چند روز جنگیدن، مرحوم چمران با چند نفر معدود همراهش، محاصره شده بودند؛ ضد انقلاب اینها را از اطراف محاصره کرده بود و نزدیک بود به اینها برسند که امام اینجا از قضیه مطلع شدند، و یک پیام رادیویی از امام پخش شد که همه بروند طرف پاوه؛ دوی بعدازظهر این پیام پخش شد؛ ساعت چهار بعدازظهر من توی این خیابانهای تهران شاهد بودم که همینطور کامیون و وانت و اینها بودند که از مردم عادی و نظامی و غیرنظامی از تهران و همینطور از همه‌ی شهرستانهای دیگر، راه افتادند بروند طرف پاوه. بعد از قضیه‌ی پاوه که مرحوم شهید چمران آمده بود تهران، توی جلسه‌ای که ما بودیم به نخست‌وزیر وقت گزارش میداد که بین اینها هم از قدیم یک رابطه‌ی عاطفی‌ای وجود داشت. مرحوم چمران توی آن جلسه اینجوری گفت: وقتی ساعت دو پیام امام پخش شد، بمجرد پخش پیام امام و قبل از آنی که هنوز هیچ خبری از حرکت مردم به آنجا برسد، ما احساس کردیم که کأنه محاصره باز شد. میگفت: حضور امام و تصمیم امام و پیام امام آنقدر مؤثر بود که بصورت برق‌آسا و بمجرد اینکه پیام امام رسید، کأنه برای ما همه‌ی آن فشارها به پایان رسید؛ ضد انقلاب روحیه‌ی خودش را از دست داد و ما نشاط پیدا کردیم و حمله کردیم و حلقه‌ی محاصره را شکستیم و توانستیم بیاییم بیرون. آنجا نخست‌وزیر وقت خشمگین شد و به مرحوم چمران توپید که ما این همه کار کردیم، این همه تلاش کردیم، تو چرا همه‌ی این را به امام مستند میکنی؟! ■

بسیج؛ نشأت گرفته از حکمت امام و منشأ دیگر سازمانهای مفید

بسیج یک حرکت عجیب و بی نظیر بود که در انقلاب اتفاق افتاد. این هم برخاسته و سرچشمه گرفته‌ی از آن سرچشمه‌ی حکمت الهی‌ای بود که خدای متعال در دل آن مرد بزرگ - آن امام بزرگوار - به ودیعه گذاشته بود. امام حکیم بود؛ حکیم به معنای واقعی. ما گاهی تعبیر حکیم را برای آدمهای کوچک به کار می‌بریم؛ لکن او به معنای واقعی کلمه حکیم بود. «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا»؛ خدای متعال به او حکمت داده بود. از دل او یک حقایق سرریز میشد و سرازیر میشد؛ از جمله، همین مسئله‌ی بسیج بود؛ که امام از روز اول پیروزی یا حتی قبیل پیروزی با کشاندن مردم به عرصه، با گذاشتن بار حرکت به دوش مردم، با اعتماد به مردم، پایه‌ی بسیج را گذاشت. به مردم اعتماد کرد؛ مردم هم به خودشان اعتماد پیدا کردند؛ اعتماد به نفس پیدا کردند؛ اگر امام به مردم اعتماد نمی‌کرد، مردم هم به خودشان اعتماد نمی‌کردند. پایه‌ی بسیج همانجا گذاشته شد. در واقع سپاه پاسداران از بسیج روید؛ جهاد سازندگی از بسیج روید؛ ولو سازمان بسیج یک سازمان مدوئی مثل سالهای بعد نبود، اما فرهنگ بسیج، حرکت بسیج و حقیقت بسیج، منشأ خیرات عظیمی در کشور، در جامعه‌ی ما و در نظام اسلامی شد. بسیج یک چنین حقیقتی است. بسیج در واقع یک ارتش بیرنگ بی‌ادعای همه‌گیر در سطح کشور است؛ و این ارتش برای مبارزه در همه‌ی عرصه‌هاست؛ نه فقط در عرصه‌ی نظامی. عرصه‌ی نظامی یک گوشه‌ی محدود گاهگاهی است. همیشه که جنگ پیش نمی‌آید.



اساتید بسیجی؛ مجموعه‌ای بی نظیر برای نظام اسلامی به برکت امام بزرگوار

وجود این مجموعه^۱ برای نظام اسلامی یک نعمت است؛ یک نعمت بزرگ. این همه استاد مؤمن، در هیچ کشوری از کشورهای اسلامی - به طریق اولی غیراسلامی - وجود ندارد که در کشور ما هست. استاد دانشگاه، دانشمند، متخصص، حرفه‌ای در رشته‌ی خود و مؤمن به خدا و مؤمن به جهاد و مؤمن به راه خدا و اهداف الهی؛ آن هم با این

۱ سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۶۹. و به هرکس حکمت داده شود، به یقین، خیری فراوان داده شده است.

۲ بسیج هیأت علمی دانشگاهها.

تعداد کثیر و این کمیّت. این دیگر در دنیا بی‌نظیر است. این هم از برکات امام بزرگوار است. این را قدر بدانید؛ این را دودستی نگه دارید. این را سامان بدهید؛ اهدافش را مشخص کنید؛ دقیق کنید؛ فعالیت‌هایی را که استاد بسیجی باید انجام بدهد را شفاف کنید و روشن کنید؛ به معنای واقعی کلمه، فرماندهان این عرصه‌ی عظیم جهاد فی سبیل‌الله باشید. کار بسیار مهمی است.

در دیدار رئیس و مسئولان قوه‌ی قضائیه با حضور خانواده‌های شهدای هفتم تیر، ۱۳۸۹/۴/۷

تأثیر فوری حادثه‌ی هفت تیر بر تثبیت منطق نظام و امام بزرگوار

و اثر نقد و فوری این شهادت^۱ این بود که نظام اسلامی در آن واحد، هم خلوص بیشتری پیدا کرد، هم حقانیت او ثابت شد، هم واقعیت او در جامعه استقرار پیدا کرد. خاصیت این شهادت، این بود. نقابها از چهره‌ها افتاد، منطق مستحکم جمهوری اسلامی و منطق امام بزرگوار تثبیت شد و نظام نوپای جمهوری اسلامی، آن روز استحکام پیدا کرد؛ توانست حرکت کند.

در دیدار هنرمندان و دست‌اندرکاران صدا و سیما با حضور رئیس و گروهی از کارگردانان، نویسندگان، هنرمندان و دست‌اندرکاران مجموعه‌های نمایشی سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹/۴/۱۲

تعبیر واقعی و بدون تعارف امام از صدا و سیما به دانشگاه بزرگ

امروز صدا و سیما نقش بسیار مهم و همچنین تکلیف بزرگی دارد. شما دوستان عزیز هم که یکی از حساسترین بخشهای صدا و سیما در دست شماست، نقش بسیار مهمی در حال و آینده‌ی کشورتان دارید. ما صدا و سیما را عمده‌ترین مرکز هدایت فکری میدانیم. اینکه امام گفتند دانشگاه بزرگ کشور است، نخواستند تعارف کنند؛ حقیقتاً همین‌جور است؛ یک دانشگاه بزرگ است. ما می‌خواهیم از این قلّه، از این سرچشمه‌ی زلال معارف درست الهی و انسانی و سیاسی و درسهای گوناگون زندگی به سمت مردم سرازیر شود؛ این آن انتظار ماست از صدا و سیما.

۱ حادثه‌ی هفت تیر.

معنای صحیح فرمایش امام در مورد خصوصی‌سازی اقتصاد

در آن سالهای دهه‌ی ۶۰ که آقایان همین‌طور به سمت روزه‌روز غلیظ‌تر کردن اقتصاد دولتی می‌رفتند، من مثال می‌زدم و میگفتم فرض کنید یک موتور است که میتواند این بار سنگین را برساند و شما هم در کنار موتور راه می‌روید، یا خودتان پشت فرمان مینشینید و هدایتش میکنید. شما این موتور را کنار گذاشتید و همه‌ی باری را که توی این وانت است، خودتان روی دوش گرفتید، هِن و هِن دارید جلو می‌روید؛ هم نمیرسید، هم خسته میشوید، هم همه‌ی بار حمل نمیشود، هم این موتور اینجا بیکار میماند. این موتور، بخش خصوصی است. این را آن زمان به آنها میگفتیم، اثر هم نمیکرد. امام هم هرچه میگفتند به مردم بدهید، اینها میگفتند مراد از مردم، بخش خصوصی نیست - مراد نظر امام را توجیه میکردند! - مردم یعنی توده‌ی مردم. به توده‌ی مردم چه جوری میشود کمک کرد؟ دولت اقتصاد را در دست بگیرد، به توده‌ی مردم کمک کند. فرمایش امام را اینجوری معنا میکردند! خوب، این توجیه، غلط بود.

الآن فضا، فضای دیگری است. همان کسانی که آن زمان آنجور حرف می‌زدند، حالا صد و هشتاد درجه برگشته‌اند؛ یعنی باز هم در حد تعادل قرار ندارند، خط وسط نیستند. آن افراط بود، این طرف هم همانها دارند تفریط میکنند. بالاخره یک خط متعادلی وجود دارد. خط متعادل همین است: سرمایه‌ی مردم و مدیریت مردم، اقتصاد را بر دوش بگیرد و کنترل و هدایت به عهده‌ی دولت باشد.

راه امام در اتحاد امت اسلامی

ان‌شاءالله نزدیک میشویم به اتحاد امت اسلامی. و ملت عزیز ما خوشبختانه یک الگوست در این جهت؛ یک نمونه است. ملت ما بیدار است؛ ملت ما متحد است؛ ملت ما مسائل جهانی را با علاقه و دلسوزی دنبال میکند؛ به مسائل دنیای اسلام می‌پردازد؛ درباره‌ی آنها موضع می‌گیرد، که یک نمونه‌ی از آن، همین راهپیمایی عظیم روز قدس است که در سرتاسر کشور - در همه‌ی شهرها، در بسیاری از روستاها حتی - مردم

اجتماع کردند، راه افتادند، شعار دادند به نفع برادران مسلمانشان که هرگز آنها را نه دیده‌اند و نه از نزدیک می‌شناسند؛ لکن مسئله‌ی آنها را مسئله‌ی خودشان به حساب می‌آورند. این به برکت ایمان است؛ به برکت بیداری اسلامی است. و این، آن راهی است که امام بزرگوار ما- که رحمت و رضوان خدا بر او باد- پیش پای ما گذاشت و ما این راه را طی می‌کنیم و تهدیدها و مخالفتها و خصومتها و غرض‌ورزیها و نانجیبانه عمل‌کردنهایی که انسان مشاهده می‌کند در بخشهای مختلف آن جبهه‌ی گسترده، نخواهد توانست این ملت را از این راه باز بدارد.

در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۹/۶/۲۵

علت و معنای دفاع همیشگی امام از کارگزاران نظام

همیشه و در همه‌ی دوره‌ها یکی از کارهای دشمن، جدا کردن و بی‌اعتماد کردن مردم به مدیران و کارگزاران بوده. در همه‌ی این دوره‌ی بیست ساله، بیست و یکی دو ساله‌ی بعد از رحلت امام و در دوره‌ی حیات مبارک امام (رضوان‌الله تعالی‌علیه)، این یکی از کارها بوده. لذا بود که در آن زمان، امام بزرگوار با وجود اعتراضهایی که به بعضی از عملکردهای مسئولین و کارگزاران کشور داشتند، همیشه در موضع مدافع آنها قرار می‌گرفتند. این معنایش این نبود که امام از جزئیات کارها دفاع می‌کند؛ نه. اما امام سینه سپر میکرد. در مقابل کارگزاران و مسئولین نظام اگر کسی سنگ‌اندازی میکرد، موجب بی‌اعتمادی مردم به اینها میشد، امام می‌ایستادند. بنده هم همین‌جور. بنده هم از همه‌ی دولت‌ها به این حیث، دفاع کردم، باز هم دفاع می‌کنم. ■

جایگاه امروز و دیروز سخنان امام در بین ملت و مسئولین

این خصوصیت مردم ماست. این خیلی اهمیت دارد. سی و یکی دو سال دائم علیه انقلاب کار شده، در عین حال مردم ایستاده‌اند و شعارهای انقلاب، امروز زنده است. حرفهای امام، امروز حرفهای رایج است؛ سکه‌ی رایج است. کسانی که میخواهند در بین مردم سری بلند کنند، حرفهای امام را تکرار میکنند؛ خودشان را مستند به امام نشان میدهند. یک روز خلاف این بود؛ یک روزی که چندان دور نیست از ما، کسانی بودند که

تظاهر میکردند به مخالفت با امام؛ رفتند گفتند انقلاب دهن شد! صریحاً اعلام کردند. عده‌ای گفتند که بایستی مردم را از خدا جدا کرد! اینها را صریح پشت بلندگو آن روز میگفتند. امروز جرأت نمیکند اینها را بگویند. امروز آن کسانی که با مردم میتوانند حرف بزنند، تریبون دارند- یا از هر وسیله‌ای استفاده میکنند- دم از امام و دم از انقلاب و دم از شعارهای امام میزنند؛ حالا با شیوه‌های خاص. این خیلی مهم است. این نشان‌دهنده‌ی این است که سکه‌ی رایج در کشور و روش مقبول، روش امام است و راه انقلاب است. این خیلی چیز بزرگی است.

بیداری روحیه‌ی خودباوری؛ تحقق خواسته‌ی امام

این جلسات ماه رمضان ما، یکی از برکاتش برای خود من همین بود؛ دانشجو بود، استاد بود، فرزنانگان و نخبگان بودند، مسئولین و کارگزاران بودند، صنعتگران بودند، فعالان گوناگون کشور بودند و کسی هم به اینها نمیگفت که شما چه بگویید؛ میگفتند بیاید حرفتان را بزنید. حرفهایی که میزدند، نشان‌دهنده‌ی روحیه‌ی خودباوری، اتکابه‌نفس، اعتماد به اینکه میتوانند آنچه را که تا حالا انجام دادند، چندین برابر او را انجام بدهند، بود. این خیلی چیز مهمی است. این همان روحیه‌ای است که امام (رضوان‌الله تعالی‌علیه) میخواست آن را در ماها بیدار کند. این روحیه در مردم بیدار شده. جوانها می‌آیند حرف میزنند. یک جوانی آمد صحبت کرد، گفت من یک نقشه‌ی جامع علمی نوشتم که این را میدهم به شما؛ آن نقشه‌ی جامع علمی که در شورای عالی انقلاب فرهنگی تهیه شده، ایراد دارد. این خیلی روحیه‌ی خودباوری بزرگی است. خیلی من لذت بردم. ممکن است آنچه که او تهیه کرده، آنچنان که خودش خیال میکند، صددرصد مورد قبول نباشد، اما این روحیه که یک جوان دانشجو با دو، سه نفر همکار دانشجو بنشینند نقشه‌ی جامع علمی کشور را تنظیم کنند، بعد هم نه اینکه یک گوشه‌ای بگذارند، در ملاءعام بیاید به من بدهد، بگوید این را من میدهم به شما، بسیار مهم است. اینچنین روحیه‌هایی وجود دارد؛ هم در دانشجویهای ما، در جوانهای ما، هم در اساتید خوب ما، مؤمن ما، این چیزها وجود دارد. اینها مهم است.

پایبندی به اهداف و خطوط امام؛ از ملاکهای شناخت موافق و مخالف

مسائل اصلی را باید شناخت و مسائل فرعی را اصلی نکرد؛ نه اینکه مطرح نکرد؛ نه، مسائل فرعی هم باید طرح شود؛ همه‌ی جزئیات باید طرح شود؛ اما اصلی نشود و ملاک مخالفت و موافقت قرار نگیرد. ملاک موافقت و مخالفت، صراط مستقیم حق است، اسلام است، تشرع است، تدین است، پایبندی به مبانی انقلاب است، پایبندی به آرزوهای امام و اهدافی است که امام ترسیم کردند؛ مقابله‌ی با مستکبرین است، بدبین بودن به مستکبرین است. یعنی بدانیم که دشمن ما کیست. اینجور نباشد که ما با رفیق و برادر خودمان که مثلاً اینجا نشسته، بنا کنیم مخالفت، اما دلمان با آن مستکبر، با آن بی‌حیای مخالف همراه باشد، از او کمک بخواهیم، به او اعتماد کنیم؛ اینجوری نباشد.

توجه به فرهنگ زنده نگه داشتن اندیشه‌های امام و انقلاب

درستکاری، زنده نگه داشتن اندیشه‌های امام و انقلاب، روحیه‌ی انسجام و اتحاد اسلامی - آن چیزی که قرآن هم ما را به او امر میکند، تفکرات ما هم به او امر میکند، انقلاب هم ما را به او حمل میکند و امر میکند - با برادران مسلمان، با هم‌میهنان، حالت اتحاد و انسجام داشتن، تعصب متقابل مثبت نسبت به یکدیگر داشتن، که در عرض گستره‌ی امت اسلامی هم همینجور است. اینها فرهنگ است.

در دیدار جهادگران بسیج سازندگی، ۱۳۸۹/۶/۳۱

حرکت خودجوش مردمی؛ عامل تشویق امام به فرمان جهاد سازندگی

یک جمله عرض کنیم در مورد این حرکت عظیم بسیج سازندگی و اردوهای هجرت که بطور رسمی، ده سال است آغاز شده. البته این را من باید اقرار کنم که این کار، اول از خود جوانها شروع شد؛ خود جوانهای دانشجو و دانش‌آموز در بخشهای مختلف، این حرکت را شروع کردند؛ در سال ۷۹ گزارش این حرکت زیبا و پرشکوه به ما رسید و منجر شد به اینکه پیام بسیج سازندگی به قاطبه‌ی جوانان کشور داده شود. یعنی این یک حرکت خودجوش مردمی است؛ درست مثل جهاد سازندگی در آغاز انقلاب. جهاد سازندگی هم همینجور بود؛ اول، خود جوانها شروع کردند، خودشان رفتند توی روستاها

ره، رهرو، رهبر / ۹۱۳

مشغول خدمتگزاری شدند در آن اوضاع بسیار دشوار و پیچیده. این حرکت، امام بزرگوار را به فرمان جهاد سازندگی تشویق کرد. کار مردم، الهامبخش اقدام مدیران و مسئولان است.



ستونهای اصلی شجره‌ی طیبه‌ی امام بزرگوار

عشق و ایمان، بصیرت و همت؛ اینها ستونهای اصلی است. عشق و ایمان. انسانی که ایمان ندارد، محوری برای حرکت خود نمیتواند تصویر کند. انسانی که از احساس عاشقانه و عمیق قلبی برخوردار نیست، نمیتواند این حرکت را ادامه دهد و استمرار بخشد. انسانی که همت ندارد، به کارهای کوچک، به فرازهای محدود اکتفا میکند؛ چشم به برترین قلّه‌ها نمیدوزد. انسانی که بصیرت ندارد، راه را عوضی میرود؛ اگر عشق و ایمانی هم در او هست، آن را در راه غلط مصرف میکند، کجراهه میرود. عشق و ایمان، همت و بصیرت؛ اینها را انقلاب به مردم ما و جامعه‌ی ما داد؛ لذا انقلاب شد همان شجره‌ی طیبه‌ای که در قرآن از آن نام برده شده است: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ»^۱. کلمه‌ی طیب مثل درخت نیکونهاد و سالم و طیب است. «أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ»^۲؛ ریشه‌دار، دارای ریشه‌ی عمیق و مستحکم و دارای شاخ و برگ فراگیر. «تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا»^۳؛ میوه‌ی مطابق فصل، میوه‌ی مطابق نیاز در اختیار و در دسترس جامعه قرار میدهد. این کلمه‌ی طیبه است؛ انقلاب یک چنین چیزی است. حرکت انقلابی‌ای که امام بزرگوار ما- آن رهرو حقیقی راه طیبین و اولیا و شهدا و معصومین و صدیقین - در مقابل پای ما گذاشت، همان کلمه‌ی طیبه است.



عواقب تفکر اشتباه فراموش شدن امام

در یک مسیر وقتی که ما در پی آن هستیم که به محلی، به هدفی برسیم، اگر در راه

۱ سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۲۴.

۲ سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۲۴.

۳ سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۲۵.

سبزه‌زاری، یک چشمه‌ای، قهوه‌خانه‌ی خوبی پیدا شد و پامان سست شد و آنجا را هدف فرض کردیم، دلمان خوش شد به اینکه این لحظه را خوش بگذرانیم، هدف از یاد خواهد رفت؛ از راه خواهیم ماند. این بلایی بود که سر بعضی آمد، دیگران را هم به خودشان قیاس کردند، گفتند انقلاب تمام شد، گفتند امام فراموش شد؛ اشتباه می‌کردند. انقلاب یک حقیقت خدایی است، متکی به ایمانهاست، متکی به احساسات عاشقانه است، متکی به بصیرت است. مگر تمام میشود؟ لذا من بارها گفته‌ام، الآن هم می‌گویم: نسل جوان امروز ما که نسل سوم انقلاب است، از جوانان نسل اول اگر ایمانشان قویتر نباشد، پرشورتر نباشد، بصیرتشان روشتر نباشد، یقیناً عقبتر نیستند.

نتایج معکوس تبلیغات قدرتهای دنیا علیه امام و انقلاب

هرچه از دستشان برمی‌آمد^۱ علیه انقلاب، علیه امام، علیه نظام، دروغ و شایعه و تبلیغات می‌ساختند و پخش می‌کردند. همه‌ی این کارها را کردند. نتیجه چه شد؟ امروز صدام کجاست؟ صدامی که آنها برای مقابله‌ی با ملت عزیز ایران و با انقلاب اسلامی و با امام بزرگوار پیش کرده بودند، اول بشدت ذلیل شد، بعد هم با نکبت مرد و از دنیا رفت؛ اما امام زنده است، انقلاب زنده است، فرزندان امام زنده‌اند، ملت امام زنده است. این یک تجربه است.

همه‌ی کسانی که سینه سپر میکنند و پیشکرده‌های جبهه‌ی جهانی استکبارند که در مقابل ایران اسلامی قرار می‌گیرند، به همین سرنوشت دچار خواهند شد. این، تجربه است و در آینده هم همین‌جور خواهد بود. امام زنده خواهد ماند، انقلاب زنده خواهد ماند، شما زنده خواهید ماند؛ دشمنان شما منکوب و نکبت‌زده از سر راه خواهند رفت.

در اجتماع بزرگ مردم قم، ۱۳۸۹/۷/۲۷

دو مقطع مهم در همراهی قمیها با امام خمینی(ره)

من دو مقطع مهم را یادآوری میکنم، که در این دو مقطع مهم قمیها حقیقتاً نقش ایفا کردند؛ نقشهای مؤثر و ماندگاری را مردم قم در این دو مقطع به وجود آوردند: یکی

۱ در جنگ تحمیلی.

ره، رهرو، رهبر / ۹۱۵

مقطع عاشورای سال ۴۲ و پانزده خرداد که دو روز بعد از عاشورا بود. روز عاشورا در همین مدرسه‌ی فیضیه مردم قم جمع شدند، فریاد و غریو امام را شنیدند، جانهاشان را لبریز کردند و دو روز بعد که خبر دستگیری امام بزرگوار را شنیدند، در صحن مطهر اجتماع کردند. این حرکت عظیم آنها موجب شد که نهضت روحانیت به رهبری امام بزرگوارمان در حصار حوزه محبوس و محصور نماند؛ بیاید وارد جامعه شود. پیشرو این کار، قمیها بودند و این کار بزرگ را انجام دادند.

مقطع دیگر، مقطع سال ۵۶ است که عمق توطئه‌ی دشمن را در اهانت به امام بزرگوار درک کردند؛ فهمیدند مسئله چیست؛ صرفاً این نیست که خواسته‌اند به امام بزرگوار اهانتی بکنند. در شهر قم، اولین تظاهرات مردمی گسترده علیه آن حرکت خائنانه به وجود آمد. خون جوانان قمی در این خیابانها، در همین خیابان ارم، در خیابان چهارمردان بر روی زمین ریخته شد؛ جان دادند؛ با خون خودشان صدق سخن خودشان را اثبات کردند.



خاستگاه امام خمینی (ره)

و این همان شهری است که بخاطر برخاستن آن مرد بزرگ دوران، حضرت امام خمینی، پایگاه و امید انقلاب است.



درس بزرگ امام به ملت و مسئولین

اگر عنصر دین در این انقلاب نبود، ممکن بود مسئولین انقلاب و سرکردگان انقلاب با گرفتن یک امتیازی در مقابل دشمن کوتاه بیایند و راه را برای سلطه‌ی دوباره‌ی دشمن باز کنند؛ اما چون دین ستون فقرات این انقلاب است، چنین چیزی تاکنون پیش نیامده است و بعد از این هم پیش نخواهد آمد.

درس بزرگ امام عزیز ما به ما و به همه‌ی ملت همین بود؛ به نیروی خودتان ایمان داشته باشید، در افزایش این نیرو بصورت روزافزون تلاش کنید و به خدای متعال و وعده‌ی الهی اطمینان داشته باشید؛ اگر ایستادگی کردید و با تدبیر حرکت کردید، مطمئن باشید که نصرت الهی با شما همراه است. این، خصوصیت دیندار بودن مردم و دینی بودن این انقلاب و نظام اسلامی است.

امام خمینی (ره) بهترین استفاده‌کننده از دشمنیها

اگر حضور در صحنه موجب تحریک دشمنیهاست، این دشمنیها در یک جمع‌بندی نهایی مایه‌ی خیر است. آن دشمنیهاست که غیرتها و انگیزه‌ها را تحریک میکند و فرصتهایی برای موجود زنده می‌آفریند. هر جا به مجموعه‌ی روحانیت یا به دین یک خصومت‌ورزی و کین‌ورزی‌ای انجام گرفت، در مقابل، حرکتی سازنده از سوی بیداران و آگاهان انجام گرفت. یک وقتی در جمعی گفتم که نوشتن یک کتاب به وسیله‌ی یک نویسنده‌ی متعصب ضد شیعه، موجب به وجود آمدن چندین کتاب منبع بزرگ شیعی شد. در همین شهر قم اگر کتاب «اسرار هزار ساله» از سوی یک فرد منحرف که ترکیبی از تفکرات سکولاریستی و گرایشهای وهابیگری داشت، منتشر نمیشد، امام بزرگوار ما نمیرفت درس خود را مدتی تعطیل کند و کتاب «کشف‌الاسرار» را بنویسد؛ که در این کتاب، اهمیت حکومت اسلامی و ولایت فقیه، نخستین جوانه‌هایش مشاهده میشود. بازتولید این تفکر مهم فقهی و شیعی در کتاب «کشف‌الاسرار» امام بزرگوار محسوس است.

فکر پردازش بسیج مستضعفین؛ عطیه‌ای الهی به امام خمینی (ره)

بسیج یکی از آیات قدرت الهی است که خدای متعال به آن بنده‌ی صالح، به آن مرد بزرگ، به آن شخصیت کم‌نظیر یا بی‌نظیر تاریخ اسلام بعد از ائمه (علیهم‌السلام) عطا کرد. فکر پردازش بسیج عمومی، بسیج مستضعفین که امام بزرگوار آن را مطرح کرد و عمل کرد و با همه‌ی توان پشت سر این فکر ایستاد، این نهال را آبیاری کرد تا تبدیل شد به شجره‌ی طیبه‌ای که «تُوْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِأُذُنِ رَبِّهَا»،^۱ یکی از الطاف الهی نسبت به آن مرد بزرگ و آن بنده‌ی صالح و آن عبد خاشع پروردگار بود. چشم بابصیرت امام این نشانه‌های قدرت و اعانت الهی را میدید. عیب ماها این است که گاهی کمکهای الهی را لمس

میکنیم، اما آنها را درست نمیبینیم؛ تشخیص نمیدهیم که این چه کمک بزرگی است که خدا دارد به ما میکند؛ اما او میدید.

در یک قضیه‌ای که من مکرر این را نقل کردم، ایشان به من فرمود که از اول انقلاب تا امروز - آن روز حدود سال ۱۳۶۵ بود - همه جا دست قدرتی را مشاهده میکنیم که دارد ما را کمک میکند و جلو میبرد. او این دست قدرت را میدید. نگاه امام به ملت ایران با نگاه دیگران فرق داشت. همان روز اگر میخواستیم قضاوت بسیاری از نخبگان علمی دینی و غیردینی و سیاسی و غیره را درباره‌ی ملت ایران مشاهده کنیم، میدیدم قضاوتها قضاوتهای عجیب و غریبی است. بعضی این ملت را بایمان نمیدانستند، بعضی دارای صداقت نمیدانستند، بعضی به نیرو و به وفای آنها شک میکردند - که ما اینها را شنیدیم، از خیلها شنیدیم - اما امام در سال ۱۳۴۱ در همین شهر قم، آن وقتی که هنوز هیچ خبری از این اجتماعات عظیم نبود، در همین مسجد اعظم گفت اگر ما به مردم فراخوان بدهیم، این صحرای قم را از جمعیت پر میکنند؛ لئیک میگویند. نگاه او به مردم، یک چنین نگاهی بود؛ مردم را شناخت. آن عنصر باارزش اکسیرگونه‌ای که مسها را طلا میکند، این را در جان و دل مردم کشف کرد و آن را به کار گرفت. لذا با این موانع بزرگی که در سر راه وجود داشت، انقلاب پیروز شد. هیچ تحلیلگری باور نمیکرد که این اتفاق در اینجا بیفتد. او تکیه به خدا کرد، توکل به خدا کرد، وارد عمل شد، با دل مردم تماس برقرار کرد و مردم به صحنه آمدند و این حرکت عظیم اتفاق افتاد؛ بعد هم مسئله‌ی بسیج را مطرح کرد.

شما میوه‌های شیرین و کامبخش آن درخت طیب و طاهری هستید که امام بزرگوار با دست خود در این زمین غرس کرد. این ثمردهی همچنان ادامه خواهد داشت؛ همچنان که فرمود: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ. تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا»^۱. وقتی سرزمین مستعد و آماده است، بذر پاکیزه است، آن گیاه و رویدنی تمام‌شدنی نیست؛ یعنی هیچ عاملی نمیتواند به آن صدمه بزند. بسیج، یک چنین درخت طیب و طاهری است.



شاخص حق و باطل از زبان امام

امام - کسی که پدر همه‌ی این جریان بود، حق حیات به گردن جامعه و این حرکت عظیم داشت - فرمودند اگر من از اسلام جدا شوم، مردم از من رو نخواهند گرداند. شاخص، اسلام است؛ شاخص، اشخاص نیستند؛ این حرف امام (رضوان‌الله‌علیه) است. او به ما یاد داد که راه را تشخیص بدهیم، حرکت صحیح را تشخیص بدهیم، نقشه‌ی دشمن را بفهمیم و بخوانیم تا بتوانیم بفهمیم کدام کار در جهت دشمن و در خط دشمن است و کدام کار در ضد اوست.



وضعیت امروز خط امام نزد مسئولین

دشمن در همه‌ی دوران سی ساله، این تلاش را^۱ داشت؛ البته امروز بیشتر است. امروز چون مسئولین کشور و دولتی که بر سر کار است، شعارهای انقلاب را پررنگتر و جدیتر مطرح میکند؛ خط امام، خط انقلاب، خط کار برای مردم، امروز کاملاً برجسته و پررنگ است؛ مسئولین احساس میکنند با مردمند، از جنس مردمند، مردم هم این را احساس میکنند، بنابراین تبلیغات بیشتر است.

در دیدار طلاب خارجی حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۳۸۹/۸/۳

آموزش امام در نوع نگاه به انقلاب اسلامی

اولین درسی که انقلاب اسلامی و نظام مبارک جمهوری اسلامی به ما داد، این بود که ما نگاهمان را از حصار و چهاردیواری ملت ایران منعطف کنیم به عرصه‌ی وسیع امت اسلامی. امام بزرگوار ما به ما تعلیم کرد که نگاه ما باید به ساحت عظیم امت باشد. درست است که کشور ایران در دوران طاغوت در زیر فشار استبداد و استعمار به جان آمده بود و له میشد و باید نجات داده میشد، اما فشار اساسی و تهاجم اساسی، تهاجم تاریخی به امت اسلام بود. امت بزرگ اسلامی که در یکی از حساسترین نقاط جغرافیایی عالم استقرار داشته است، بر اثر دخالت قدرتهای بزرگ، طمع‌ورزی دولتهای بزرگ و

^۱ در عرصه‌ی رو به زوال نشان دادن وضعیت کشور.

مقتدر، تجاوز و تعدی استکبار در طول چند قرن، دچار ضعف، انکسار، عقب‌ماندگی، استعمارزدگی، فقر - هم فقر مادی، هم فقر علمی - شده بود. انقلاب اسلامی نگاهش به دنیای اسلام بود؛ نگاهش به برداشتن دست ظالم و متجاوز استکبار از روی سر امت اسلامی و از زندگی امت اسلامی بود. لذا وقتی انقلاب در ایران پیروز شد، ملت‌های مسلمان در شرق و غرب عالم احساس کردند که در زندگی آنها نسیم تازه‌ای وزید، هوا عوض شد؛ احساس کردند گشایشی در کارهاشان پیدا شد؛ لذا در آفریقا، در آسیا، در همه‌ی مناطقی که مسلمانها زندگی میکردند، مسلمانان احساس کردند که با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی، راه تازه‌ای در مقابل آنها گشوده شد. این را ما از امام آموختیم و این خط روشن نظام جمهوری اسلامی از آغاز تا امروز بوده است.

مفهوم و اقتضانات صبر؛ یکی از درسهای عملی امام بزرگوار

باید صبر کرد. صبر یعنی پایداری، یعنی خسته نشدن، یعنی مغلوب مشکلات نشدن. مشکلات گوناگون بر سر راه همه‌ی ما هست؛ باید مغلوب نشویم. این درس را هم امام بزرگوار ما در عمل به ما تعلیم کرد؛ صبر کرد. آن روزی که در این شهر قم فریاد امام بلند شد، جز جمع طلبه‌ای در پیرامون او، کسی یاور او نبود؛ غریب بود. امام در وطن خود غریب بود، در شهر خود غریب بود؛ اما ایستادگی کرد. انواع و اقسام فشارها - فشارهای مادی و معنوی - بر آن مرد بزرگ وارد آمد، اما ایستاد - «المؤمن كالجبل الراسخ لا تُحرّكه العواصف»^۱ - هیچ‌کدام از این تندبادها نتوانست آن اراده‌ی پولادین، آن عزم راسخ را تکان دهد؛ ایستاد. وقتی در قلّه چشمه‌ای می‌جوشد، دامنه‌ها هم سیراب میشوند. صبر او از او سرریز شد، دیگران هم صبر کردن را یاد گرفتند؛ لذا دیگران هم صبر کردند. ملت بزرگ ایران هم با این صبر توانست بر این همه توطئه فائق بیاید.

معنویت؛ از علل تأثیرات شگفت‌آور کلام امام

یک علت اینکه امام بزرگوار ما یک کلمه‌اش در این فضای عظیم عمومی کشور، در

شدت و محنت، در همه‌ی حالات اثر شگفت‌آوری می‌گذاشت، معنویت او بود، صفای باطن او بود، ارتباط و اتصال او به خدا بود، اشکهای نیمه‌شب او بود. فرزند امام - مرحوم حاج سیداحمد - همان وقت در زمان حیات امام به من گفت: نیمه‌شب که امام بلند میشود، از بس گریه میکند، این دستمالهای معمولی برای پاک کردن اشکش کفاف نمیدهد؛ مجبور است اشک چشمش را با حوله پاک کند؛ اینقدر اشک میریزد. آن مرد پولادین، آن مردی که حوادث و لطماتی به سمت او سرازیر میشد که یک ملت را تکان میداد و او را تکان نمیداد، آن مردی که عظمت و هیمنه‌ی قدرتهای جهانی در نظر او هیچ و پوچ بود، آن مرد در مقابل عظمت الهی، در حال دعا و استغاثه، آنجور اشک میریخت. اینها خیلی قیمت دارد. این فرصتها را قدر بدانید.

در دیدار دانش‌آموزان در آستانه‌ی ۱۳ آبان، ۱۳۸۹/۸/۱۲

بررسی جایگاه مبارزات و عملکردهای امام در مناسبتهای مختلف ۱۳ آبان

اولین مناسبت این روز این است که در سال ۱۳۴۳ در مثل یک چنین روزی، امام بزرگوار ما را تبعید کردند. چرا تبعید کردند؟ چون امام چند روز قبل از آن، در یک سخنرانی پرشور که در قم ایراد شد و بعد بلافاصله به وسیله‌ی نوار و نوشته در سراسر کشور پخش شد، یک حق ملی را مطالبه کردند. آن حق ملی، شکستن قانون ظالمانه‌ی کاپیتولاسیون بود. خوب است نسل جوان ما اینها را بروشنی بداند؛ بداند که ما از چه گذرگاههایی عبور کرده‌ایم که حالا به اینجا رسیده‌ایم.

امریکاییها چند ده‌هزار مأمور در ایران داشتند - حالا رقم دقیقش مهم نیست؛ پنجاه‌هزار، شصت‌هزار، بیشتر - اینها مأمورین سیاسی بودند، امنیتی بودند، نظامی بودند؛ در داخل مجموعه‌ی مدیریت ایران - چه در ارتش، چه در سازمانهای اطلاعاتی، چه در بخشهای برنامه‌ریزی، چه در بخشهای گوناگون دیگر - نشسته بودند، پول و مزد خودشان را به اضعاف مضاعف از دولت ایران میگرفتند، اما برای امریکا کار میکردند. این کار بدی بود که در کشور ما اتفاق افتاده بود. رژیم طاغوت پهلوی بخاطر وابستگی‌اش به امریکا، بخاطر مزدوری‌اش برای امریکا، بتدریج در طول چند سال اینها را داخل کشور آورده بود. تا اینجای کار، بد بود؛ اما آنچه که اتفاق افتاد، یک چیز بد

مضاعف بود، بد به توان چند بود. آن کار بد مضاعف این بود که آمدند در مجلس شورای ملی و مجلس سنای آن روز تصویب کردند که مأمورین امریکایی از دادگاههای ایران و امکانات قضایی و امنیتی ایران معافند. یعنی اگر فرض کنید یکی از این مأمورین جرم بزرگی در ایران مرتکب شود، دادگاههای ما حق ندارند او را به دادگاه بطلبند و محاکمه کنند و محکوم کنند؛ این اسمش کاپیتولاسیون است. این نهایت ضعف و وابستگی یک ملت است که بیگانگان بیایند در این کشور، هر کاری دلشان میخواهد، بکنند؛ دادگاههای کشور و پلیس کشور اجازه نداشته باشند اندک تعرضی به اینها بکنند. امریکاییها این را از رژیم طاغوت خواستند، رژیم طاغوت هم دودستی تقدیمشان کرد: قانون کاپیتولاسیون.

اطلاع امام از قضیه‌ی کاپیتولاسیون و فریاد افشاگر ایشان در سخنرانیها

البته بی‌سر و صدا این کارها را میکردند، نمیگذاشتند در مطبوعات انعکاس پیدا کند؛ ولی امام اطلاع پیدا کردند. امام در سخنرانی قبل از سیزده آبان در جمع طلاب و مردم قم فریاد کشیدند که این چه قانونی است. تعبیر امام این بود که اگر یک مأمور دون‌پایه‌ی امریکایی در کشور، یک مرجع تقلید را مورد اهانت قرار بدهد، با ماشین زیر بگیرد و هر جنایتی انجام بدهد، قوانین ایران نسبت به این مأمور کاملاً خنثی هستند؛ هیچ‌کسی حق تعرض به او را ندارد؛ خود امریکاییها میدانند با او چکار کنند؛ که خوب، معلوم است چکار میکردند. امام در مقابل این قانون ظالمانه فریاد کشید. امام آن وقت تازه هم از زندان آزاد شده بودند. حبس چند ماهه‌ی امام چند ماهی بود که تمام شده بود. امام ایستاد و فریاد خفته‌ی ملت ایران را به گوش همگان رساند. البته خیلی از آحاد مردم اطلاع هم نداشتند که ملت ایران اینجور دارد تحقیر میشود، اما امام اطلاع داشت. دیده‌بان حقیقی منافع و مصالح یک کشور اینجور است؛ وقتی اطلاع پیدا میکنند که چه بلایی دارند سر ملت می‌آورند، چطور دارند ملت را تحقیر میکنند، چطور دارند شرف یک ملت را پامال میکنند، ساکت نمی‌مانند؛ فریاد می‌زنند. آن روز، فریاد هم خطرناک بود؛ لذا بلافاصله امام را دستگیر کردند و به تهران آوردند. امام را در ایران هم نگه نداشتند؛ ایشان را به ترکیه تبعید کردند. این، حادثه‌ی اول.

طمع‌ورزی امریکایی‌ها؛ اولین نماد حقیقت برخاسته از حادثه‌ی ۱۳ آبان

پس سیزده آبان، اینجا شد نماد دو حقیقت بزرگ، دو حقیقت بسیار حساس و خطیر: یکی طمع‌ورزی امریکاییها؛ که اگر یک ملت از حق خود، از شرف خود دفاع نکند، استبداد و استکبار تا اینجا پیش می‌آیند که یک قانون ظالمانه‌ای مثل کاپیتولاسیون را بر این ملت تحمیل میکنند.



فریاد رسای امام؛ دومین نماد حقیقت برخاسته از حادثه‌ی ۱۳ آبان

دومین مطلبی که سیزده آبان نماد آن محسوب میشود، فریاد رسای امام بزرگوار ماست. آن فریاد، سالمترین و پاکیزه‌ترین فریادها بود که از پاکترین حلقومها بیرون آمد. خلیها ممکن است گوشه و کنار یک حرفی بزنند، یک چیزی بگویند، یک اعتراضی بکنند؛ لیکن حلقومی که فریاد سیزده آبان را در سال ۴۳ در عالم منتشر کرد، پاکیزه‌ترین حلقومها بود. اولاً این فریاد، برخاسته‌ی از حس دین بود؛ ثانیاً برخاسته‌ی از آن عرق پاکیزه‌ی مسلمانی و ملی بود- نمیتوانست تسلط دشمن را بر این ملت تحمل کند- ثالثاً فریادی متکی به حمایت عمومی مردم بود. گفتم؛ با اینکه مردم اول اطلاع نداشتند، اما وقتی فریاد امام بلند شد، مردم حمایت کردند. همان حمایتها بود که چهارده سال بعد به پیروزی انقلاب اسلامی انجامید. آن فریاد پاکیزه مثل فریاد رسایی بود که پیامبران الهی در میان مردم سر دادند و مردم و دلهای مردم را جذب کردند. امام یک چنین حرکت عظیمی را در کشور انجام داد، بعد هم متحمل هزینه‌اش شد؛ امام را از خانه و زندگی و خانواده و دوستان و نزدیکانش جدا کردند و به یک گوشه‌ی دنیا تبعید کردند. پس مطلب دوم هم این بود که سیزده آبان نماد یک چنین فریادی است.

تأثیرات بی‌نظیر حرکت امام در سال ۴۲، بر ۱۳ آبان ۵۷

مطلب بسیار مهم سومی که پشت سر این نماد قرار دارد، قضیه‌ی دانش‌آموزان سال ۵۷ است. چهارده سال از آن حادثه که گذشت، در سال ۵۷ جوانهای ما، نوجوانهای ما، دانش‌آموزان دبیرستانی ما بعنوان پاکترین و بی‌آلایشترین قشرها توی میدان آمدند و کشته شدند. سیزده آبان روز کشتار دانش‌آموزان است توی همین خیابانهای تهران. وقتی این

ره، رهرو، رهبر / ۹۲۳

نوجوانها و جوانها توی میدان آمدند و فریاد چهارده سال قبل امام را در فضا انعکاس دادند، جلادان مزدور امریکا از اینها انتقام گرفتند؛ روی اینها آتش گشودند، خون اینها روی اسفالت خیابانهای تهران ریخت و آن را رنگین کرد. این هم مطلب مهمی است؛ نه فقط بخاطر اینکه تعدادی جوان و نوجوان به شهادت رسیدند- البته این مهم است- بلکه بخاطر این نکته‌ی مهمتر که حرکت عظیمی که امام در سال ۴۲ و ۴۳ آغاز کرد، آنقدر زنده و باطراوت و بانشاط است که یک عده جوان پاکیزه‌ی دانش‌آموز را توی میدان می‌آورد، احساس مسئولیت میکنند، احساس تعهد میکنند و در مقابل سرنیزه‌ی دستگاه جبار و طاغوت می‌ایستند. در دنیا اینجور چیزی کم‌نظیر است.

ملاطفت و محبت امام به امریکاییها در سال ۵۸

آخرین قضیه‌ای که در سیزده آبان پیدا شد، تسخیر لانه‌ی جاسوسی بود. در سال ۵۸ به مناسبت سالروز تبعید امام و شهادت دانش‌آموزان، باز هم جوانها آمدند کاری کردند که دنیا را خیره کرد و امریکا را به زانو درآورد. این واقع قضیه است؛ اینها شعار نیست. شما بدانید؛ آن روزی که لانه‌ی جاسوسی تسخیر شد، دولت امریکا آبرو و اعتبار و هیمنه‌اش چندین برابر امروز بود. شما امروز را نگاه نکنید که امریکا در چشمها سبک شده، کوچک شده، ملتها علناً علیه امریکا دشنام میدهند و آنها را نفرین میکنند. آن روز اینجور نبود؛ آن روز امریکا در دنیا یک هیمنه‌ی ابرقدرتی درجه‌ی یک داشت. جوان دانشجوی ما با شجاعت، با شهامت، بعنوان لبه‌ی اصلی جبهه‌ی مقاومت ملت ایران، سفارتخانه‌ی آنچنان امریکایی را تسخیر کرد؛ کسانی را که آنجا بودند، زندانی کرد. البته امام محبت کردند، ملاطفت کردند و بعد از اندکی گفتند عناصری از آنها- مثل زنهایشان- برگردند بروند امریکا؛ لیکن آن عناصر اصلی تا مدتی طولانی در اینجا ماندند.

سیزده آبان نماد حقایقی دیگر

سیزده آبان نماد است؛ در دل خود، در عقبه‌ی خود معانی فراوانی دارد؛ که این معانی، همه برای ما درس است؛ باید اینها را به یاد داشته باشیم: طمع‌ورزی امریکا،

وابستگی رژیم طاغوت به امریکا و فساد آن دستگاه، ایستادگی ایمان متکی به بصیرت امام بزرگوار و مردم، حضور نسل جوان، شجاعت و جسارت نسل جوان انقلابی در مقابل هیمنه و چهره‌ی آرایش کرده و بزک‌کرده‌ی امریکا؛ اینها همه در دل کلمه‌ی سیزده آبان است. پس سیزده آبان یک حرف کوچکی نیست.^۱

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در سالروز شهادت حضرت علی بن موسی الرضا (ع)
+ ترجمه‌ی خطبه‌ی عربی، ۱۳۸۹/۱۱/۱۵

ظهور امام با همراهی مردم؛ پایان موفقیت‌های مستکبران

فاتحان جنگ بین‌الملل اول و دوم که عمدتاً چند کشور اروپایی و امریکا بودند، اینها برای این منطقه‌ی مهم خاورمیانه یک سیاست تثبیت‌شده‌ای داشتند؛ چون این منطقه، هم از لحاظ موقعیت سوق‌الجیشی مهم است، منطقه‌ی اتصال آسیا و اروپا و آفریقا است، هم یکی از بزرگترین انبارهای نفت عالم است - که نفت، شریان حیاتی همه‌ی قدرتهای صنعتی است که بر دنیا مسلط‌اند - هم از لحاظ ملت‌ها، اینجا دارای ملت‌های کهن، ریشه‌دار و با سوابق تاریخی است؛ لذا برای این منطقه یک سیاستی را اتخاذ کردند. آن سیاست عبارت بود از اینکه در این منطقه باید کشورهایی، واحدهای سیاسی‌ای وجود داشته باشند که این خصوصیات را داشته باشند: اولاً ضعیف باشند؛ ثانیاً با یکدیگر دشمن باشند، مخالف باشند، با هم کنار نیایند، نتوانند اتحاد بکنند - لذا دیدید سیاست تقویت ناسیونالیسم عربی، ناسیونالیسم ترکی، ناسیونالیسم ایرانی در طول سالهای متمادی دنبال شد - ثالثاً حکامشان از لحاظ سیاسی، دست‌نشانده باشند، مطیع باشند، زیر بار قدرتهای غربی بروند، حرف گوش‌کن باشند؛ رابعاً از لحاظ اقتصادی مصرف‌کننده باشند؛ یعنی نفتی را که تقریباً مفت از چنگ اینها خارج میکنند، پول همان نفت را باز خرج واردات کنند، خرج مصرف کنند تا کارخانه‌های غربی رونق بگیرد؛ خامساً از لحاظ علمی عقب‌افتاده باشند، اجازه‌ی پیشرفت علمی به آنها داده نشود. اینهایی که من عرض میکنم،

۱ مضمون این مطلب در «دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه (روز ملی مبارزه با استکبار)، ۱۰ / ۰۸ / ۱۳۶۸» و «در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان بسیجی، ۹ / ۰۸ / ۱۳۸۶» و «پیام به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی، ۱۳ / ۰۸ / ۱۳۶۹» نیز تکرار شده است.

سرفصل است. هر کدام از اینها حقیقتاً یک کتاب شرح و تفصیل دارد. چطور در ایران ما، در بعضی کشورهای دیگر، از توسعه‌ی علم، تعمیق علم جلوگیری میکردند. ملتهای این منطقه، از لحاظ فرهنگی، مقلد محض اروپاییها باشند؛ از لحاظ نظامی، ذلیل و آسیب‌پذیر و ضعیف باشند؛ از لحاظ اخلاقی، فاسد باشند، دچار انحطاطهای گوناگون اخلاقی باشند؛ از لحاظ مذهبی هم کاملاً سطحی و قانع به مذهب فردی و احياناً مذهب تشریفاتی باشند. این تصویری بود که آنها از این منطقه برای خودشان درست کرده بودند، برای این سیاستگذاری کردند؛ شاید استراتژیستهای غربی هزارها ساعت نشستند درباره‌ی این مسائل مطالعه کردند، فکر کردند، برنامه‌ریزی کردند، آدم‌هایشان را اینجا در کشورهای این منطقه معین کردند و به وسیله‌ی آنها کارها را انجام دادند. با این تحلیل میشود رفتار رضاخان را درست فهمید، رفتار محمدرضا را فهمید، رفتار مصطفی کمال ترکیه و دیگران و دیگران را فهمید. این، برنامه‌ی اینها بود.

موفق هم شدند. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، جز در برهه‌های کوتاهی از زمان، آن هم در بخشی از این مسائل، موفق شدند. فقط در یک برهه‌های کوتاهی، حالا در مصر مثلاً در یک چند سالی یک حکومت ملی سر کار آمد، در ایران یک جور دیگر، در جاهای دیگر یک جور دیگر؛ لیکن عموماً بطور مطلق که نگاه میکنیم، در همه‌ی این بخشها اینها پیشرفت کردند، تا قبل از انقلاب. اما ناگهان حادثه‌ی بزرگی، انفجار عظیمی رخ داد که همه‌ی اوضاع اینها را به هم ریخت. یک مرد عالم، برجسته، حکیم، فقیه، مجاهد، شجاع، خطرپذیر و نافذالکلمه به نام امام خمینی در ملت ایران ظهور کرد که حقیقتاً ظهور این مرد، حضور این مرد، تربیت این انسان بزرگ، کار خدا بود. این تقدیر الهی بود که یک چنین اتفاقی بیفتد. مردم ایران هم آماده بودند، استقبال کردند، پذیرفتند، خطرها را به جان خریدند، وارد میدان شدند، جانشان را دادند، مالشان را دادند، امتحان خوبی پس دادند؛ لذا انقلاب اسلامی به وجود آمد. همه‌ی این حسابها به هم ریخت، این محاسبات خراب شد، دچار اختلال شد. انقلاب اسلامی در ایران، قوی ظاهر شد و قوی ادامه پیدا کرد. یعنی اینجور نبود که سال اول و دوم و سوم یک هیجانی به وجود بیاید، بعد مسائل تمام بشود؛ نه، ادامه پیدا کرد.



ایستادگی و مقاومت؛ رمز پیروزی امام و ملت

امام مثل کوه ایستاد، ملت هم پشت سر امام مثل کوه استواری ایستادند؛ جبهه‌ی دشمن هم - یک دشمن نبود، یک جبهه بودند - هر چه توانستند، تلاش کردند؛ هر کاری از دستشان برمی‌آمد، کردند؛ از جنگهای خیابانی، تا جنگهای قومی، تا کودتای نظامی، تا تحمیل جنگ هشت ساله، تا تحریم اقتصادی، تا به راه انداختن ماشین عظیم جنگ روانی در طول سی و دو سال. سی و دو سال است که علیه ملت ایران و علیه انقلاب و علیه امام جنگ روانی وجود دارد: دروغ گفتند، تهمت زدند، شایعه پخش کردند، سعی کردند ایجاد اختلاف کنند، سعی کردند راهها را در داخل منحرف کنند.

الگوسازی انقلاب در ملتهای مسلمان؛ با استقامت امام بر اصول اسلامی

در هر پدیده‌ای اگر بخواهیم اهمیت آن را تشخیص دهیم و همچنین موفقیت این کار را تشخیص دهیم، باید نگاه کنیم ببینیم این پدیده چقدر توانسته است الگوسازی کند و سرمشق واقع بشود و چقدر استقامت به خرج داده است، ثبات به خرج داده است، پای حرف خود ایستاده است. انقلابها هم همینجور است. یک انقلاب اگر بخواهد بر روی ذهن و عمل دیگران تأثیر بگذارد و الگو واقع بشود، باید خصوصیات داشته باشد. مهمترین این خصوصیات، همین ثبات و استقامت و ایستادگی است. اگر این شد، انقلاب برای دیگران الگو واقع خواهد شد؛ و آلا برقهایی که یک جایی بزند و خاموش شود، خیلی نمیتوانند الگوسازی کنند، خیلی نمیتوانند دیگران را به دنباله‌روی خود تشویق کنند. انقلاب ما اینجوری بوده است. انقلاب ما توانسته است الهامبخش باشد، الگوساز باشد؛ و این بر اثر ثبات و استقامت و ایستادگی بر اصول و پایه‌های اصلی است که این انقلاب به وسیله‌ی امام اعلام کرد.

نمونه‌های ایستادگی امام و انقلاب بر روی شاخصها

این انقلاب ایستادگی کرد. من در این مورد هم چند نمونه را عرض بکنم.

ایستادگی و پافشاری امام بر اسلامی بودن انقلاب

یک نمونه، اسلامی بودن است. امام از اول گفت انقلاب ما اسلامی است، مبتنی بر اسلام است. در دنیا هو و جنجال زیاد شد؛ گفتند اسلامی بودن با دموکراسی نمیسازد، اسلامی بودن ارتجاع است، اسلامی بودن عقبگرد است، احکام اسلام قابل پیاده شدن نیست و چه و چه و چه. یک عده‌ای هم صداها را در داخل کشور منعکس کردند؛ کتاب نوشتند، مقاله نوشتند، شایعه پخش کردند، برای اینکه جمهوری اسلامی را از پایبندی به اسلام وادار به عقب‌نشینی کنند. جمهوری اسلامی ایستاد و تسلیم‌هوجیگریها نشد. بله، ما اسلامی هستیم؛ به این افتخار میکنیم و ثابت میکنیم که راه نجات بشر این است. جمهوری اسلامی این را با صدای بلند به همه‌ی دنیا اعلام کرد.

امروز بعد از سی و دو سال، شما نگاه کنید به جامعه‌ی ما؛ رفتارها از روز اول اگر اسلامی‌تر نباشد، حداقل مثل روز اول پیروزی این انقلاب است. جوانهایی که امام را ندیدند، دوران جنگ را ندیدند، از انقلاب چیزی به یادشان نیست، اما پایبندی و التزامشان به مبانی اسلام، از بعضی ما پیرمردها بهتر است؛ قویترند. مسئولین کشور افتخار میکنند به اسلامی بودن. البته در طول این سی و دو سال خیلی تلاش شد؛ حتی در داخل تشکیلات حکومتی کسانی بودند که تلاش کردند شاید بتوانند راهها را بصورت زیگزگی دریاورند و تدریجاً دور کنند، زاویه بدهند؛ اما نتوانستند. جمهوری اسلامی بر سر مبانی خود، مبنای اسلامی بودن ایستاد. این یک نمونه.

ایستادگی امام در مسئله‌ی مردم سالاری

یک نمونه‌ی دیگر، مسئله‌ی مردم‌سالاری است. امام از اول اعلام کرد که مردم باید نظر بدهند؛ چه در اصل انتخاب جمهوری اسلامی، چه در تدوین قانون اساسی، چه در پذیرش آن قانونی که در مجلس خبرگان تصویب شده بود، چه در انتخاب رئیس‌جمهور، چه در انتخاب مجلس. امام ایستاد. ببینید، سی و دو سال از انقلاب میگذرد، با محاسبه‌ی فرآیندهایی که شده است، ما سی و دو تا حضور مردم داشتیم - یعنی بطور متوسط سالی یکی - مردم رفتند رأی دادند، انتخاب کردند. انتخاب مردم خیلی مهم است. در دوران جنگ، این تهران زیر بمباران بود، اما انتخابات تعطیل نشد. دوران جنگ، در شهرهایی که موشکباران رژیم صدام بود، انتخابات تعطیل نشد. در یکی از دوره‌های

مجلس فشار آوردند شاید بتوانند به دلایل سیاسی خودشان انتخابات را تأخیر بیندازند، اما موفق نشدند. تا امروز در انتخابات جمهوری اسلامی و حضور مردم، یک روز تأخیر شده است؛ این مردمسالاری است. روز اول امام گفت و جمهوری اسلامی بر سر این مردمسالاری ایستاد؛ قبول نکرد که از مردمسالاری عبور کند. امروز مسئولین کشور، از خبرگان رهبری که رهبر را نصب میکنند و عزل میکنند، گرفته، تا ریاست جمهوری، تا مجلس، تا شوراها، منتخبین مردمند. جریانهای گوناگون هم سر کار آمدند. اینجور هم نبوده است که ما بگوییم یک جریان؛ نه، از اول تا امروز، این چند رئیس جمهوری که سر کار آمدند، هر کدام به یک شکل، یک جهتگیری و گرایش سیاسی داشتند؛ اما همه با انتخاب مردم بر سر کار آمدند.

نمونه‌ی سوم از ایستادگی امام؛ مسئله‌ی عدالت اجتماعی

نمونه‌ی بعدی، نمونه‌ی عدالت اجتماعی است. امام از اول اعلام عدالت کردند. خب، عدالت اجتماعی از همه‌ی این کارها سخت‌تر است؛ من به شما عرض بکنم. از حفظ مردمسالاری و بقیه‌ی کارهایی که در جمهوری اسلامی شده است، استقرار عدالت اجتماعی کار سخت‌تری است؛ بسیار کار دشواری است. نمیگویم هم که ما تا امروز توانستیم بطور کامل عدالت اجتماعی را مستقر کنیم؛ نه، هنوز خیلی فاصله داریم. آن عدالتی که اسلام از ما خواسته است، با آنچه که امروز در جامعه‌ی ماست، فاصله‌ی زیادی دارد؛ اما حرکت به سمت عدالت اجتماعی متوقف نشد و ادامه پیدا کرد و روزه‌روز شدیدتر شده است.

در دیدار دست‌اندرکاران کنگره‌ی آیت‌الله مرعشی، ۱۳۸۹/۱۱/۱۸

همراهی آیت‌الله مرعشی با امام و انقلاب

ایشان نسبت به امام و انقلاب نیز، از ابتدا همراهی داشتند، مرحوم حاج آقا مصطفی یکی از بیوتی که بعد از زندانی شدن امام با آنجا ارتباط داشتند، بیت مرحوم آقای مرعشی بود که با ایشان ارتباط نزدیکی داشتند و میرفتند و می‌آمدند.



کمکهای امام به کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی

در بین کتابخانه‌های که شخصی بود و مال اشخاص بود و از مال شخصی فراهم شده بود، تنها این کتابخانه مرحوم بزرگوار هست که الحمدلله نشانه‌ای است از اهمیت و عظمت میراث مکتوب ما و امیدواریم ان‌شاءالله روزبه‌روز این کتابخانه بهتر بشود. امام کمک کردند یعنی واقعاً توجه امام و عنایت امام به این کتابخانه بنظر من، این کتابخانه را نجات داد و کمک کرد به بازماندگان محترم که اینجا را بتوانند ترتیب بدهند.

در دیدار فرماندهان و خلبانان نیروی هوایی ارتش، ۱۳۸۹/۱۱/۱۹

علت تأکید امام بر روی کلمه‌ی «جمهوری اسلامی»

من بارها گفته‌ام، روز جمعه هم تکرار کردم؛ امروز مهمترین مسئله در باب انقلاب ما، وقتی به این سی و دو سال نگاه میکنیم، عبارت است از ثبات و استقامت. یعنی ما سر حرف خودمان ایستاده‌ایم. ایستادن بر سر اصول، برای یک ملت، برای یک مجموعه، افتخار است. اصول، چیزهایی است که باید بر سر آن ایستاد. ارزشها را بایستی نگاهبانی کرد، پاسداری کرد. مهمترین ارزشی هم که برای ملت ما وجود داشت و امروز هم وجود دارد و تا آخر هم همین خواهد بود، عبارت است از اسلام. استقلال در اسلام است، آزادی در اسلام است، پیشرفت مادی در اسلام است، وحدت ملی در اسلام است، شکوفایی استعدادها در اسلام است؛ همه‌ی اینها در اسلام مندمج و مندرج است. علت اینکه امام روی کلمه‌ی «جمهوری اسلامی» تکیه کردند، همین است. تأکید بر جمهوری، بخاطر این است که نکته‌ی مهم، اتکا به مردم است. اگر اسلام باید در جامعه حاکمیت پیدا کند، بدون ایمان عمومی امکان‌پذیر نیست. پس حضور مردم، رأی مردم، خواست مردم، دخالت مردم، شد یک نقطه‌ی اساسی؛ پس شد جمهوری اسلامی. این را باید حفظ کنیم، این را باید زنده نگه داریم، این پرچم بایستی برافراشته بماند. اگر توانستیم خودمان را به عمق و ژرفای این کلمه‌ی پرمغز - جمهوری اسلامی - هرچه بیشتر نزدیک کنیم، موفقیتها روزبه‌روز افزایش خواهد یافت؛ و این احتیاج دارد به همّت بلند، همّت مضاعف و کار مضاعف، که خوشبختانه امسال اثر همّت مضاعف و کار مضاعف را انسان در دستگاههای مختلف کشور مشاهده میکند. اگر این شد، ملت ایران خواهد شد الگو؛ جمهوری اسلامی خواهد شد الگو. لزومی ندارد ملتها بگویند ایران الگوی ماست - گفتن

۹۳۰ / رهرو، رهبر

مهم نیست؛ بگویند یا نگویند - مهم این است که این نسیم جانبخش در محیط‌های دیگر بوزد، آنها را متوجه کند و به حرکت دریاورد؛ و این کار شده است.

در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۹/۱۲/۱۹

وعده‌ی امام بر پیروزی خون بر شمشیر

حضور مردمی معنایش این است که ملتها با تن خودشان، با حضور شخصی خودشان در میدانهای مبارزه حاضر شوند و خطرات را تحمل کنند؛ مثل آن چیزی که در ایران اتفاق افتاد. وقتی این شد، هیچ قدرتی در مقابل این نمیتواند بایستد؛ حالا امریکا و اینها که سهلند. اگر همه‌ی قدرتهای عالم هم دست به یکی شوند، در مقابل ملتی که با همه‌ی وجود وارد میدان شده است، نمیتوانند مقاومت کنند، ایستادگی کنند. البته میزنند، میکشند، خونریزی میکنند، اما مغلوب میشوند. همانطور که امام در آن سالها فرمودند، خون بر شمشیر فائق خواهد آمد، پیروز خواهد شد. این اتفاق افتاده است.

فرمایش امام در مورد توجه به گوناگونی دشمنان

البته از نفوذها، از اغواهای شیطانی دشمنان، از دخالتهای دشمنان هم نباید غفلت کرد. همانطور که امام بارها میفرمودند، گاهی اینجور افراد وارد اجتماعات پرشور و مؤمن و مخلص میشوند و آنها را به یک سمتی و یک حرکتی میکشانند؛ از این هم نباید غفلت کرد؛ هم غفلتهای ناشی از احساساتی شدن، هم ناشی از ندیدن دستهای دشمن. بنابراین من بخصوص از جوانها میخواهم که نگذارند این فضای غیبت و تهمت و فحاشی و هتاک و شکستن حرمتها ادامه پیدا کند. وقتی که ادامه پیدا کرد، طبعاً همانطور سرایت هم میکند - مثل بیماری مسری - ناگهان میبینید.

در حرم مطهر رضوی در آغاز سال ۱۳۹۰/۱/۱

الگوگیری جریانات بیداری اسلامی از هنر بزرگ امام

دو خصوصیت در این تحولات^۱ وجود دارد: یکی عبارت است از حضور مردم، و دیگری عبارت است از سمت و سوی دینی در این حرکتها. این، دو عنصر اساسی است.

۱ بیداری اسلامی در کشورهای منطقه.

ره، رهرو، رهبر / ۹۳۱

حضور مردم با جسم خودشان؛ همان اتّفاقی که در انقلاب اسلامی افتاد. احزاب و پشت‌میزنشینها و برج‌عاج‌نشینها و تحلیلگرهای ذهنی هیچ کاری نتوانستند انجام دهند. هنر بزرگ امام بزرگوار ما این بود که توانست مردم را وارد صحنه کند. وقتی مردم به عرصه آمدند، جسم خودشان را، دل خودشان را، نیت و همت خودشان را وارد عرصه کردند، گره‌های کور باز شد، راه‌های بن‌بست گشوده شد. امروز همین اتّفاق دارد در کشورهای دیگر می‌افتد.

بیانات پس از اقامه‌ی نماز در جمع برخی از شخصیت‌های فرهنگی سیاسی، ۱۳۹۰/۱/۲۳

توجه امام به «باطن قلب»

در قلب انسان و در روح و وجدان انسان یک باطنی وجود دارد که او معمولاً با خود ما صادق است. ولو ظواهر قلب، ما را فریب میدهد، اما باطن قلب با ما صادق است. امام (رضوان‌الله‌علیه) یک وقتی فرمودند: من در فلان قضیه، در باطن قلبم هم ناراحت نمیشوم. واقعاً همین‌جور است؛ قلب یک باطنی دارد که ما کمتر به آنجا سر میکشیم. اگر انسان به آنجا سر بکشد، خودش را در مقابل خود افشاء شده مشاهده میکند.

در دیدار جمعی از شاعران و ذاکرین اهل بیت(ع)، ۱۳۹۰/۳/۳

خصوصیات همسوی امام با حضرت زهرا(س)

تقارن^۱ با ولادت امام بزرگوار هم - که روز بیستم جمادی‌الثانی است - برای ما یک پدیده‌ی بسیار شیرینی است. این بزرگوار هم که ما در طول سالیان متمادی محضرش را درک کردیم، حقیقتاً یک نمونه و مستوره‌ای بود از همان حقیقت عظیم و درخشنده‌ای که ما از ائمه‌ی بزرگوارمان شنیده‌ایم و در آثار دانسته‌ایم و از ام‌الائمۃ النجباء (علیهم‌السلام) در خاطره‌های ما هست. البته نباید مقایسه کرد و نمیشود مقایسه کرد؛ ولی خوب، همان راه، همان نشانه در این بزرگوار هم بود؛ همان ایمان، همان اخلاص، همان عبادت، همان غیرت، همان ایستادگی در راه خدا. چیزهایی که امام ما را در زمین و آسمان و نزد بندگان شایسته‌ی خدا عزیز کرد، این خصوصیات بود. این هم عید مضاعفی است.

۱ تقارن ولادت حضرت زهرا(سلام‌الله‌علیها) با ولادت امام خمینی.

نتایج پابرجایی نظام در خط امام

یکی از مهمترین خصوصیات انقلاب اسلامی ایران این است که در طول این سی و دو سال، با وجود راهی دشوار و طولانی، با این همه مزاحمت، با این همه معارضه، با این همه سیاستهای برخورد گوناگون، با شکلهای مختلف و از جوانب مختلف، این خط مستقیم در انقلاب مطلقاً زاویه پیدا نکرده است؛ شعارها همان شعارهاست، اهداف همان اهداف است، خط همان خط است، راه همان راه است. به برکت بیان روشن و رسای امام بزرگوارمان - که خوشبختانه مضبوط هم هست - تفسیر و تأویلی وجود ندارد؛ راه، راه مستقیمی است؛ این راه را انقلاب پیش رفته است. و من به شما عرض بکنم؛ تا آن وقتی که من و شما قدمهامان را محکم بر میداریم، چشممان را از هدف برنمیداریم، با امید حرکت میکنیم، هیچ قدرتی در دنیا نمیتواند راه ما را سد کند؛ و همین در رویاندن شکوفه‌های امید در دل مسلمانان و ملت‌های اسلامی بیشترین اثر را داشته است.

در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰/۳/۸

توجه و توصیه‌ی امام به رعایت تقوای جمعی

هر کاری که میکنیم - کار سیاسی میکنیم، کار فکری میکنیم، کار اقتصادی میکنیم، کارهای مدیریتی میکنیم - همه باید با این نگاه باشد. اگر فارغ از این نگاه کار کردیم، بیم آن هست که کار ما در جهت خلاف این اهداف به کار بیفتد؛ آن وقت مؤاخذه‌ی الهی است. خدای متعال از اینگونه گناهان بزرگ نمیگذرد. امام (رضوان‌الله تعالی علیه) در چند مورد از مسائل اجتماعی و گناهان اجتماعی و تخلفات سیاسی و اینجوری، همین تعبیر را داشتند: این گناهی است که خدای متعال از آن نخواهد گذشت، چون توبه‌اش آسان نیست. خب، انسان از هر گناهی توبه کند، خدا میگذرد؛ اما وقتی انسان یک حرکتی کرد، یک ضربه‌ای به یک ملت وارد شد، چطور میشود این را توبه کرد؟ چطور میشود جبران کرد؟ چطور میشود از تک‌تک کسانی که آسیب دیده‌اند، انسان استحلال و طلب عفو کند؟ لذا خدا از این گناهان نمیگذرد. حساسیت موضع من و شما از این جهت است.

البته من این را عرض بکنم؛ اینجا جای تقوای جمعی است. ما یک تقوای فردی داریم، که هر کسی خود را تحت مراقبت دائم داشته باشد.

ره، رهرو، رهبر / ۹۳۳

یک تقوای جمعی هم داریم. تقوای جمعی این است که جمعها مراقب خودشان باشند. جمع به حیث جمع، مراقب خودشان باشند. بی مراقبتی جمعها نسبت به مجموعه‌ی خودشان، موجب میشود که حتی آدمهایی هم که در بین آن جمعها تقوای فردی دارند، با حرکت عمومی آن جمعها بغلتند و به جایی بروند که نمیخواهند. در طول این سی سال، ما از این ناحیه ضربه خورده‌ایم. یکی از جاهایی که ضعف نشان داده‌ایم، همین بوده.

در دهه‌های قبل، یک جریانی در کشور وجود داشت به نام جریان چپ. آنها شعارهای خوبی هم میدادند، اما خودشان را مراقبت نکردند و تقوای جمعی به خرج ندادند. در میانشان آدمهایی بودند که تقوای فردی هم داشتند، اما نداشتن تقوای جمعی، کار آنها را به جایی رساند که فتنه‌گر ضد امام حسین و ضد اسلام و ضد امام و ضد انقلاب توانست به آنها تکیه کند! آنها نیامدند شعار ضد امام و ضد انقلاب بدهند، اما شعاردهنده‌ی ضد امام و ضد انقلاب توانست به آنها تکیه کند؛ این خیلی خطر بزرگی است. آنها غلتیدند. بنابراین تقوای جمعی لازم است.

من پارسال به شما عرض کردم که در داخل مجلس شورای اسلامی، خودنظارتی بگذارید. این، همان تقوای جمعی است. مجموعه، خود را بپاید. حالا حرفهایی گوشه کنار زدند که نماینده باید آزاد باشد، چه باشد. کسی با آزادی نماینده مخالف نیست؛ با کجرفتاری نماینده مخالف است. یک نماینده‌ی کجرفتار ممکن است مجلس شورای اسلامی را بدنام کند، متهم کند؛ حیف نیست؟ مجلس به این عظمت، این نهاد قانونی اساسی در کشور.

خودنظارتی؛ روش حفظ جایگاه مجلس مدّ نظر امام

اول انقلاب خدمت امام رفتیم، برای اینکه یکی از بزرگان بین خودمان را بعنوان رئیس‌جمهور به امام معرفی کنیم تا امام ایشان را قبول کنند و ما بیاییم ایشان را در حزب جمهوری اسلامی بعنوان رئیس‌جمهور مطرح کنیم. امام به دلیلی قبول نکردند. بعد به ما گفتند که بروید سراغ مجلس؛ مجلس مهم است. از نگاه رهبر انقلاب و بنیانگذار این نظام و پدیدآورنده‌ی این مجموعه، مجلس یک چنین جایگاهی دارد. خب، این را باید

نگه داشت، باید آبرویش را حفظ کرد، باید چهره‌اش را حفظ کرد؛ این، خودنظارتی لازم دارد. اگر این خودنظارتی نباشد، اشکال به وجود می‌آید؛ خود شما هم دارید میبینید. من پارسال در این خصوص سفارش کردم. البته اخیراً در مجلس نسبت به این قضیه کارکی انجام گرفت، اما اهمیت این قضیه درست بدست نیامد. این خودنظارتی، تقوای جمعی است.



ضرورت توجه همیشگی احزاب به دشمنان امام و انقلاب

اختلاف سلیقه منتهی نشود به کشمکش و دعوا و چالش و دشمن خونی همدیگر شدن و فراموش کردن امریکا. متأسفانه بعضی از جناحهای ما اینجوری‌اند. وقتی با طرف مقابل مخالف میشوند، دیگر امریکا فراموش میشود، اسرائیل فراموش میشود، مخالفین انقلاب و دشمنان امام فراموش میشوند؛ تضاد اصلی، میشود همینی که در مقابلش قرار دارد! خب، این غلط است.

در بیست و دومین سالگرد امام خمینی(ره)، ۱۳۹۰/۳/۱۴

فرصتی برای مطرح شدن بخشی از شخصیت و خطوط امام

سلام و رحمت خدا بر روح مطهر امام بزرگوار و شهدای انقلاب اسلامی. امروز بار دیگر ملت ایران سالگرد امام بزرگوارمان را با این تجدید یاد و خاطره، در جهت مکتب امام و راه امام پی میگیرند. هر سال روز چهاردهم خرداد فرصتی است برای مطرح شدن بخشی و بُعدی از ابعاد زندگی مطهر امام و خط مبارک و روشن آن بزرگوار.



تحقق پیش‌بینی امام از حادثه‌ی بیداری ملت‌ها

امسال سالگرد امام با یک حادثه‌ی مهم دیگر نیز همراه و همزمان است و آن، بیداری اسلامی است؛ حادثه و حماسه‌ای که امام بزرگوار ما انتظار آن را میکشیدند، آرزوی آن را داشتند و از آن خبر هم داده بودند. امام بزرگوار حرکت بیداری ملت‌های مسلمان را پیش‌بینی میکرد و خداوند متعال تفضل فرمود، این پیش‌بینی به وقوع پیوست؛ همچنان

که سقوط حکومت شوروی را پیش‌بینی کرد و خدای متعال آن را تحقق بخشید.

درس و مکتب ماندگار امام خمینی(ره)؛ سرمایه‌ی ملت ایران

امروز عرایض من در دو بخش است، که امیدوارم بتوانم در مدت کوتاهی این دو بخش را عرض کنم. یک بخش، مروری است بر درس بزرگ امام بزرگوار ما؛ مروری بر مکتب ماندگار امام عزیز ما که ذخیره‌ی ملت ایران است؛ سرمایه‌ای است که ملت ایران با تکیه‌ی بر آن، با در دست داشتن این سرمایه، توانسته است گذرگاههای دشواری را که بطور معمول و متعارف در سر راه ملتی با چنین آرمانهایی قرار دارد، طی کند. یک بخش هم نگاه به مسائل منطقه است.

معنای ارادت و محبت مردم به امام و راه امام؛ پذیرش مکتب امام

در باب مکتب امام، این نکته را ملت عزیز ایران کاملاً میدانند که ارادت و محبت مردم به امام بزرگوار، صرفاً از نوع یک علقه‌ی قلبی و احساسی و عاطفی نیست. اگرچه از لحاظ احساسات و عواطف، محبت امام در دلها موج میزند، اما این همه‌ی مسئله نیست؛ بلکه ارادت مردم به امام بزرگوار، به معنی پذیرش مکتب امام بعنوان راه روشن و خط روشن حرکت عمومی و همگانی ملت ایران است؛ یک راهنمای نظری و عملی است که کشور و ملت را به عزت و پیشرفت و عدالت میرساند. در طول این سی و دو سال گذشته، عملاً هم همین بوده است. یعنی هر جا ما توفیق پیدا کردیم که به توصیه‌های امام جامه‌ی عمل بپوشانیم، هر جا توانستیم خط انگشت اشاره‌ی امام را دنبال کنیم، توفیقات فراوانی نصیب ما شد. مردم با این چشم، به راه امام و خط امام و میراث ماندگار امام نگاه میکنند. در این سی سال، ملت ما توانسته است در مقابل سنگینترین توطئه‌ها ایستادگی کند. علیه ملت ایران توطئه‌ی نظامی بود، توطئه‌ی امنیتی بود، توطئه‌ی اقتصادی بود- این تحریمهای گسترده در طول این سی سال وجود داشته است- توطئه‌ی تبلیغاتی بود- امپراتوری گسترده‌ی رسانه‌ای و تبلیغات، علیه ملت ایران بطور کامل مشغول کار و تحریک بوده است- توطئه‌ی سیاسی بود. ملت ایران به برکت مکتب امام

و راه امام، در مقابل این توطئه‌ها ایستادگی کرد.



معنویت، عقلانیت و عدالت؛ سه بُعد اصلی مکتب امام

مکتب امام یک بسته‌ی کامل است، یک مجموعه است، دارای ابعاد است؛ این ابعاد را باید با هم دید، با هم ملاحظه کرد. دو بُعد اصلی در مکتب امام بزرگوار ما، بُعد معنویت و بُعد عقلانیت است.

بُعد معنویت است؛ یعنی امام بزرگوار ما صرفاً با تکیه بر عوامل مادی و ظواهر مادی، راه خود را پی نمیگرفت؛ اهل ارتباط با خدا، اهل سلوک معنوی، اهل توجه و تذکر و خشوع و ذکر بود؛ به کمک الهی باور داشت؛ امید او به خدای متعال، امید پایان‌ناپذیری بود.

و در بُعد عقلانیت، به کار گرفتن خرد و تدبیر و فکر و محاسبات، در مکتب امام مورد ملاحظه بوده است. من نسبت به هر کدام، چند جمله‌ای عرض خواهم کرد. بُعد سوم هم وجود دارد، که آن هم مانند معنویت و عقلانیت، از اسلام گرفته شده است. عقلانیت امام هم از اسلام است، معنویت هم معنویت اسلامی و قرآنی است، این بُعد هم از متن قرآن و متن دین گرفته شده است؛ و آن، بُعد عدالت است.

ضرورت نگاه جامع به ابعاد مکتب امام

اینها را باید با هم دید. تکیه بر روی یکی از این ابعاد، بی‌توجه به ابعاد دیگر، جامعه را به راه خطا میکشاند، به انحراف میبرد. این مجموعه، این بسته‌ی کامل، میراث فکری و معنوی امام است. خود امام بزرگوار هم در رفتارش، هم مراقب عقلانیت بود، هم مراقب معنویت بود، هم با همه‌ی وجود متوجه به بُعد عدالت بود.

مظهر اول عقلانیت امام؛ گزینش نظام مردم‌سالاری برای کشور

من چند نمونه از مظهر عقلانیت امام عرض میکنم. اولین نمونه، همین گزینش مردم‌سالاری برای نظام سیاسی کشور بود؛ یعنی تکیه‌ی به آرا مردم. انتخاب مردم‌سالاری، یکی از مظاهر روشن عقلانیت امام در مکتب حیاتبخش و نجاتبخش او بود. قرنهای

ره، رهرو، رهبر / ۹۳۷

متممادی حکومت‌های فردی بر کشور ما حکومت کرده بودند و حتی در دورانی که در ایران جریان مشروطه به وجود آمد و بظاهر جریان قانون در کشور رسمی شد، عملاً استبداد و دیکتاتوری دوران پهلوی از استبداد گذشتگان نشان‌گزنه‌تر و سخت‌تر و مصیبت‌بارتر بود. در کشوری با این سابقه، امام بزرگوار ما این امکان را پیدا کرد، این توفیق را یافت که مسئله‌ی حضور مردم و انتخابات مردمی را به یک حقیقت نهادینه شده تبدیل کند. مردم ما هرگز مزه‌ی انتخابات آزاد را، جز در برهه‌های بسیار کوتاه در صدر مشروطه، تجربه نکرده بودند. در یک چنین کشوری، در یک چنین فضایی، امام بزرگوار ما از اولین قدم، انتخابات را در کشور نهادینه کرد. بارها شنیدید که در طول این سی و دو سالی که از پیروزی انقلاب اسلامی میگذرد، در حدود سی و دو یا سی و سه انتخابات در کشور اتفاق افتاده است، که مردم آزادانه پای صندوقهای رأی آمدند و رأی خودشان را به صندوق انداختند و منشأ تشکیل مجلس و دولت و خبرگان و شوراهای شهر و امثال اینها شدند. این، بارزترین نمونه‌ی عقلانیت امام بزرگوار ما بود.

نمونه‌ی دوم از عقلانیت امام؛ عدم اعتماد و سرسختی در مقابل دشمن

یک نمونه‌ی دیگر از عقلانیت امام و تکیه‌ی او به خرد و هوشمندی، عبارت است از سرسختی و عدم انعطاف او در مقابله‌ی با دشمن مهاجم. امام به دشمن اعتماد نکرد. بعد از آنکه دشمن ملت ایران و دشمن این انقلاب را درست شناخت، در مقابل او مثل کوه ایستاد. آن کسانی که خیال کردند و خیال میکنند عقل اقتضا میکند که انسان گاهی در مقابل دشمن کوتاه بیاید، امام درست نقطه‌ی مقابل این تصور حرکت کرد. عقلانیت امام و آن خرد پخته‌ی قوام‌یافته‌ی این مرد الهی، او را به این نتیجه رساند که در مقابل دشمن، کمترین انعطاف و کمترین عقب‌نشینی و کمترین نرمش، به پیشروی دشمن می‌انجامد. در میدان رویارویی، دشمن از عقب‌نشینی طرف مقابل، دلش به رحم نمی‌آید. هر یک قدم عقب‌نشینی ملت مبارز در مقابل دشمنان، به معنای یک قدم جلو آمدن دشمن و مسلط شدن اوست. این، یکی از مظاهر عقلانیت امام بزرگوار بود.

نمونه‌ی سوم از عقلانیت امام؛ تزریق روح اعتماد به نفس و خودانکایی در ملت

یک مظهر دیگر عقلانیت امام، تزریق روح اعتمادبه‌نفس و خوداتکایی در ملت بود.

در طول سالهای متمادی، از آغاز تسلط و ورود غربیها در این کشور- یعنی از اول قرن ۱۹ میلادی که پای غربیها به ایران باز شد- دائماً به وسیله‌ی عوامل و دستیاران خودشان، با تحلیلهای گوناگون، توی سر ملت ایران میزدند؛ ملت ایران را تحقیر میکردند، به ملت ایران می‌باوراندند که نمیتواند، غرضه‌ی اقدام علمی و پیشرفت علمی ندارد، توانایی کار کردن و روی پای خود ایستادن را ندارد. سردمداران رژیم پهلوی و قبل از او، مکرر ملت ایران را تحقیر میکردند. اینجور وانمود میکردند که اگر پیشرفتی متصور است، اگر کار بزرگی باید بشود، باید به وسیله‌ی غربیها بشود؛ ملت ایران توانایی ندارد. امام بزرگوار به یک چنین ملتی روح اعتمادبه‌نفس را تزریق کرد، و این نقطه‌ی تحول ملت ایران شد. پیشرفتهای ما در زمینه‌ی علمی، در زمینه‌ی صنعتی، در انواع و اقسام عرصه‌های زندگی، معلول همین اعتمادبه‌نفس است. امروز جوان ایرانی ما، صنعتگر ایرانی ما، دانشمند ایرانی ما، سیاستمدار ایرانی ما، مبلغ ایرانی ما احساس توانایی میکند. این شعار «ما میتوانیم» را امام بزرگوار در اعماق جان این ملت قرار داد. این، یکی از مظاهر مهم عقلانیت امام بزرگوار بود.

نمونه‌ی چهارم از عقلانیت امام: تدوین قانون اساسی

یک مظهر دیگر، تدوین قانون اساسی بود. امام خبرگان ملت را از طریق انتخابات مأمور کرد که قانون اساسی را تدوین کنند. آن تدوین‌کنندگان قانون اساسی، با انتخاب ملت این کار را انجام دادند. اینجور نبود که امام یک جمع خاصی را بگذارد که قانون اساسی بنویسند؛ به عهده‌ی ملت گذاشته شد. ملت خبرگانی را با شناسایی خود، با معرفت خود انتخاب کردند و آنها قانون اساسی را تدوین کردند. بعد امام همین قانون اساسی را مجدداً در معرض آراء مردم قرار داد و رفراندوم قانون اساسی در کشور تشکیل شد. این، یکی از مظاهر عقلانیت امام است. ببینید، پایه‌های نظام را امام اینجور مستحکم کرد. هم از لحاظ حقوقی، هم از لحاظ سیاسی، هم از لحاظ فعالیت اجتماعی، هم از لحاظ پیشرفتهای علمی، امام یک قاعده‌ی محکم و مستحکمی را به وجود آورد که بر اساس این قاعده میشود تمدن عظیم اسلامی را بنا نهاد.

نمونه‌ی پنجم از عقلانیت امام؛ تفهیم تعلق مملکت به خود مردم

از جمله‌ی مسائلی که مظهر عقلانیت امام بزرگوار بود، این بود که ایشان به مردم تفهیم کرد که آنها صاحب و مالک این کشورند. مملکت صاحب دارد. این حرف را در دوران حکومت‌های استبدادی بر زبان جاری میکردند که آقا مملکت صاحب دارد. مرادشان از صاحب مملکت، دیکتاتورها و مستبدینی بودند که بر کشور حکمرانی میکردند. امام به مردم تفهیم کرد که مملکت صاحب دارد و صاحب مملکت، خود مردم هستند.

مظاهر معنویت امام؛ اخلاص، توکل، پرهیز از غرور و ...

مظهر معنویت در امام بزرگوار، در درجه‌ی اول، اخلاص خود او بود. امام کار را برای خدا انجام داد. از اول، هرچه که احساس میکرد تکلیف الهی اوست، آن را انجام میداد. از فداکاری در این راه، امام ابا نکرد. از شروع مبارزات در سال ۱۳۴۱، امام اینجور عمل کرد؛ با تکلیف پیش رفت. به مردم و مسئولین هم این درس را بارها گفت و تکرار کرد که آنچه مهم است، تکلیف است. ما تکلیف را انجام میدهیم، ترتب نتیجه بر کار ما دست خداست. بنابراین مظهر مهم معنویت در رفتار امام، اخلاص او بود. برای خاطر تعریف و تمجید این و آن، حرفی نزد، کاری نکرد، اقدامی نکرد. آنچه که برای خدا انجام داد، به وسیله‌ی خدای متعال به آن برکت داده شد؛ ماندگار شد. خاصیت اخلاص این است. امام همین توصیه را به مسئولین هم تکرار میکردند.

امام ماها را امر میکردند به اینکه اهل توکل باشیم، اهل اعتماد به خدا باشیم، اهل حسن ظن به پروردگار باشیم، برای خدا کار کنیم. خود او اهل توکل بود، اهل تضرع بود، اهل توسل بود، اهل استمداد از خدا بود، اهل عبادت بود. بعد از پایان ماه رمضان، انسان وقتی امام را میدید، بطور محسوسی در او احساس نورانیت میکرد. از فرصتهای زندگی برای تقرّب به خدای متعال، برای پاکیزه کردن دل و جان مطهر خودش استفاده میکرد. دیگران را هم امر میکرد و میگفت: ما در محضر خدا هستیم. عالم، محضر خداست. عالم، محل حضور جلوه‌های الهی است. همه را به این راه سوق میداد. خود او اهل رعایت اخلاق بود، دیگران را هم به اخلاق سوق میداد. بخش مهمی از معنویت در اسلام عبارت است از اخلاق، دوری از گناه، دوری از تهمت، دوری از سوءظن، دوری

از غیبت، دوری از بددلی، دوری از جداسازی دلها از یکدیگر. خود امام بزرگوار این چیزها را رعایت میکرد، به مردم هم سفارش میکرد، به مسئولین هم سفارش میکرد. امام ماها را توصیه میکردند به اینکه مغرور نشویم، خودمان را بالاتر از مردم ندانیم، خودمان را بالاتر از انتقاد ندانیم، بی‌عیب ندانیم. همه‌ی مسئولین تراز اول کشور این را از امام شنیده بودند که بایستی آماده باشیم؛ اگر چنانچه از ما عیب گرفتند، نگوئیم ما بالاتر از اینیم که عیب داشته باشیم، بالاتر از اینیم که به ما انتقادی وارد باشد. خود امام هم همین‌جور بود. ایشان، هم در نوشته‌های خود- بخصوص در اواخر عمر شریفش- هم در اظهارات خود، بارها گفت من در فلان قضیه اشتباه کردم. اقرار کرد به اینکه در فلان قضیه خطا کرده است؛ این خیلی عظمت لازم دارد. روح یک انسانی باید بزرگ باشد که بتواند یک چنین حرکتی را انجام دهد؛ خودش را منسوب کند به اشتباه و خطا. این معنویت امام بود، این اخلاق امام بود؛ این یکی از ابعاد مهم درس امام به ماست.

مظاهر عدالت امام

بُعد عدالت هم در مکتب امام بسیار برجسته است. اگرچه به یک معنا عدالت هم از همان عقلانیت و نیز از معنویت برمیخیزد، اما برجستگی بُعد عدالت در منظر امام بزرگوار، آن را بطور مشخصتری در مقابل ما قرار میدهد. از اول پیروزی انقلاب، امام تکیه‌ی بر طبقات ضعفا را اصرار کردند، تکرار کردند، توصیه کردند. تعبیر «پابرهنگان» و «کوخ‌نشینان» جزو تعبیراتی بود که در کلام امام بارها و بارها تکرار شد. به مسئولین اصرار داشتند که به طبقات محروم برسید. به مسئولین اصرار داشتند که از اشرافیگری پرهیز کنند. این، یکی از توصیه‌های مهم امام بزرگوار بود. ما نباید اینها را فراموش کنیم. آفت مسئولیت در یک نظامی که متکی به آرای مردم و متکی به ایمان مردم است، این است که مسئولین به فکر رفاه شخصی بیفتند؛ به فکر جمع‌آوری برای خودشان بیفتند؛ در هوس زندگی اشرافیگری، به این در و آن در بزنند؛ این آفت بسیار بزرگی است. امام خودش از این آفت بکلی برکنار ماند و مسئولین کشور را هم بارها توصیه میکرد که به کاخ‌نشینی و به اشرافیگری تمایل پیدا نکنند، سرگرم مال‌اندوزی نشوند، با مردم ارتباط نزدیک داشته باشند. ماها که آن روز جزو مسئولین بودیم، امام دوست میداشت که با

ره، رهرو، رهبر / ۹۴۱

مردم ارتباط داشته باشیم، مانوس باشیم؛ اصرار داشت که خدمات به اقصی نقاط کشور برده شود؛ مردم نقاط دور، از خدمات عمومی کشور بهره‌مند شوند. اینها ناظر به آن بُعد عدالت امام بزرگوار بود. امام اصرار داشت که مسئولین از میان مردم انتخاب شوند، از خود مردم باشند، وابستگیها ملاک قبول مسئولیتها نباشد. وابستگی به شخصیتها، به فامیلها، بلای هزار فامیلی که در دوران قاجار و دوران پهلوی بر سر این کشور آمد، امام بزرگوار ما را نسبت به این قضیه حساس کرده بود. گاهی در مقام تعریف از یک مسئولی میگفتند: این از دل مردم برخاسته است. ملاک را این میدانستند. از نظر امام بزرگوار، تکیه به ثروت و تکیه به قدرت برای گرفتن مسئولیت، جزو خطرهای بزرگ برای کشور و برای انقلاب بود. خب، اینها ابعاد خط امام است. ■

ثمرات تمسک و پابندی توأمان به همه‌ی ابعاد مکتب امام

برادران و خواهران من! ملت عزیز ایران! این مکتب، ما را در طول این سی و دو سال از گردنه‌های خطرناکی عبور داده است؛ سطح عزت ملی و شرافت بین‌المللی ما را بالا آورده است. کشور به برکت پیمودن این راه، در همان حدی که رعایت کرده است، پیشرفت کرده است؛ به سمت آرمانهای خود پیش رفته است.

پرهیز از تمسک به عقل‌گرایی بدون تمسک به ارزشها

ما باید رعایت کنیم، متنها همه‌ی جوانب را با هم. اگر کسی یا جریانی بخواهد به نام عقل‌گرایی، از ارزشهای اسلامی و انقلابی عدول کند، این انحراف است. اگر کسی بخواهد به وسیله‌ی عقل‌گرایی، در مقابل دشمن بی‌تقوایی به خرج بدهد، وابستگی به وجود بیاورد، این انحراف است، این خیانت است. آن عقلانیتی که در مکتب امام بزرگوار ما هست، اقتضا نمیکند که ما از خدعه‌ی دشمن غافل شویم، از کید او غافل شویم، از نقشه‌ی عمیق او غافل شویم، به او اعتماد کنیم، در مقابل او کوتاه بیاییم. هرچه که انسان در مقابل دشمن کوتاه بیاید، پشتوانه‌ی عظیم معنوی در درون کشور و درون ملت را از دست خواهد داد.

پرهیز از عدالت‌خواهی بدون تمسک به اخلاق و تقوا

همینطور در نقطه‌ی دیگر: اگر به نام عدالت‌خواهی و به نام انقلابیگری، اخلاق را زیر پا بگذاریم، ضرر کرده‌ایم؛ از خط‌ایم امام منحرف شده‌ایم. اگر به نام انقلابیگری، به نام عدالت‌خواهی، به برادران خودمان، به مردم مؤمن، به کسانی که از لحاظ فکری با ما مخالفند، اما میدانیم که به اصل نظام اعتقاد دارند، به اسلام اعتقاد دارند، اهانت کردیم، آنها را مورد ایذا و آزار قرار دادیم، از خط‌ایم امام منحرف شده‌ایم. اگر بخواهیم به نام انقلابیگری و رفتار انقلابی، امنیت را از بخشی از مردم جامعه و کشورمان سلب کنیم، از خط‌ایم امام منحرف شده‌ایم. در کشور آرا و عقاید مختلفی وجود دارد. اگر چنانچه یک عنوان مجرمانه‌ای بر یک حرکتی، بر یک حرفی منطبق شود، این عنوان مجرمانه البته قابل تعقیب است؛ دستگاه‌های موظف باید تعقیب کنند و میکنند؛ اما اگر عنوان مجرمانه‌ای نباشد، کسی است که نمیخواهد براندازی کند، نمیخواهد خیانت کند، نمیخواهد دستور دشمن را در کشور اجرا کند، اما با سلیقه‌ی سیاسی ما، با مذاق سیاسی ما مخالف است، ما نمیتوانیم امنیت را از او دریغ بداریم، عدالت را دریغ بداریم؛ «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا»^۱. قرآن به ما دستور میدهد و میگوید: مخالفت شما با یک قومی، موجب عدالت به خرج دهید. «هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ»^۲ این عدالت، نزدیکتر به تقواست. مبدا خیال کنید تقوا این است که انسان مخالف خودش را زیر پا له کند؛ نه، عدالت ورزیدن با تقوا موافق است. همه هوشیار باشیم، همه بیدار باشیم. این بُعد هم نباید ابعاد دیگر را در سایه قرار بدهد.

بُعد معنویت هم همینجور. ما اهل معنویتیم، اهل توسلیم، اهل توجهیم، اهل ذکریم؛ خدا را شکر. فضای جامعه‌ی ما، مالا مال از توجه به خداست.

این معنویت به هیچ‌وجه نباید ما را از مسئولیت عظیم انقلابی خودمان جدا کند، بلکه کمک به حرکت انقلابی است. آن کسانی که با تکیه به دینداری و با عنوان کردن دینداری، سعی میکنند جامعه را سیاست‌زدایی کنند، جوانان را سیاست‌زدایی کنند،

۱ سوره‌ی مائده‌ی آیه‌ی ۸.

۲ همان.

ره، رهرو، رهبر / ۹۴۳

جوانان را از حضور در عرصه‌های کشور دور نگه دارند، اشتباه میکنند، راه خطا میروند، دچار انحرافند؛ این ابعاد با همدیگر است.

نسخه الکترونیکی

هرگونه بهره‌برداری بصورت چاپ و تکثیر ممنوع می‌باشد.

شهادتی از صمیم قلب بر حفظ راه امام

من در اینجا، در جوار مرقد مطهر امام، در جوار ارواح طیبه‌ی شهادتی که در این گلزار معنوی - بهشت زهرا - به خاک سپرده شده‌اند، شهادت می‌دهم که ملت ما این راه را خوب حرکت کرده است، راه امام را حفظ کرده است. من به چشم میبینم و میتوانم گواهی بدهم که جوانان انقلابی امروز ما، از جوانان انقلابی آغاز انقلاب، اگر از لحاظ ایمان و تقوا و استحکام عقیده بهتر نباشند، عقبتر نیستند. من از صمیم قلب و از بن دندان گواهی می‌دهم و اعتقاد دارم که بهترین نقش را مردم ایفا کرده‌اند؛ ارزشها را نگه داشته‌اند، حفظ کرده‌اند و پای آن ایستاده‌اند؛ مردم بودند که نقشه‌های دشمنان ما را ختی کردند.

نمیخواهم به تفصیل در این باره صحبت کنم؛ هم وقت نیست، هم شاید الآن وقت این صحبت نیست؛ اما به اجمال و اشاره عرض میکنم که دشمنان ما تصور میکردند با رحلت امام، آغاز فروپاشی این نظام مقدس کلید زده خواهد شد. آنها خیال میکردند امام که رفت، بتدریج این شعله خاموش خواهد شد، این چراغ خاموش خواهد شد. بعد، مراسم تشییع جنازه‌ی امام، آن احساسات مردم، آن حرکت عظیم مردم در حمایت از کاری که خبرگان کردند، اینها را مایوس کرد. یک برنامه‌ریزی ده ساله کردند - این تحلیل من است، این به معنای اطلاع نیست؛ تحلیلی است که قرائن آن را برای ما اثبات میکند - ده سال بعد امیدوار بودند که نتیجه بدهد. سال ۷۸ که آن حوادث پیش آمد، آن کسی که این حوادث را ختی کرد، مردم بودند. روز بیست و سوم تیر سال ۷۸ مردم آمدند در خیابانها، توطئه‌ی دشمن را که سالها برایش برنامه‌ریزی کرده بودند، در یک روز باطل کردند. آن روز گذشت. موج دوم، باز یک برنامه‌ریزی ده ساله بود تا سال ۸۸. به نظرشان فرصتی بدست می‌آمد. به خیال خودشان زمینه‌ها را آماده کرده بودند. مطالباتی هم مردم داشتند - مردمی که وابسته‌ی به نظامند، وفادار به نظامند - فکر کردند از این مطالبات بتوانند استفاده کنند؛ لذا آن قضایای سال ۸۸ به وجود آمد. دو، سه ماه تهران را متلاطم

کردند- البته فقط تهران را- دو، سه ماه توانستند دلها و ذهنها را به خودشان مشغول کنند. اینجا هم مردم آمدند توی میدان. بعد از آنکه باطنها ظاهر شد، در روز قدس مردم دیدند که اینها حرف دلشان چیست، در روز عاشورا فهمیدند که اینها عمق خواسته‌هاشان تا کجاست، مردم عزیز ما به میدان آمدند و حماسه‌ی نُه دی را به راه انداختند. نه فقط در تهران، بلکه در سراسر کشور، میلیونها نفر در روز نهم دی، بعد هم بلافاصله در بیست و دوی بهمن آمدند توی میدان، غائله را ختم کردند. این، هنر مردم است. درود به مردم ایران. درود به ملت مؤمن و مبارز و بصیر و آگاه ایران. انشاءالله به توفیق الهی، مردم همین راه را و همین خط را و همین آرمان را و همین عزم و همت را تا آخر ادامه خواهند داد.



ادامه‌ی برکات خط امام

خوشبختانه این حرکت عظیم مردم ثمرات خودش را هم بخشیده است. به برکت اعتمادی که مردم به مسئولان کشور از خودشان نشان دادند، به برکت امنیتی که با حضور مردم در سرتاسر کشور برقرار است، مسئولین توانسته‌اند خدمت‌رسانی را گسترش بدهند و کارهای بزرگی انجام دهند؛ کارهای زیربنایی عظیمی در کشور انجام بگیرد، که شرط لازم برای پیشرفت هر کشوری، همین کارهای زیربنایی است که امروز دارد یکی پس از دیگری انجام میگیرد؛ مردم دارند این را میبینند و انشاءالله ثمراتش را در کوتاه‌مدت و بلندمدت خواهند دید. به برکت همین امنیتی که با حضور مردم به وجود آمده است، توطئه‌های امنیتی دشمنان خنثی میشود، توطئه‌های تبلیغاتی دشمنان خنثی میشود. به برکت همین حضور مردم است که پیشرفت علمی و فناوری کشور در سطح عالی است. امروز طبق آمارهای بین‌المللی - نه آمارهای ما - طبق محاسبات بین‌المللی که اعلام رسمی هم میکنند، سرعت پیشرفت علمی کشور ما، یازده برابر یا دوازده برابر متوسط دنیاست؛ این چیز کمی نیست. این را مخالفین ما میگویند، دشمنان ما آن را اعلام میکنند. امروز جوانان دانشمند شما در بیش از ده رشته‌ی مهم درجه‌ی اول علمی و فناوری کشور آنچنان پیشرفتی کرده‌اند که در ردیفهای اول دنیا - یعنی در ردیفهای کمتر از دهم دنیا - قرار گرفته‌اند؛ اینها به برکت حضور مردم است. این حضور، این اعتماد متقابل، این

ره، رهرو، رهبر / ۹۴۵

احساس مسئولیت عمومی هرچه ادامه پیدا کند، کشور پیشرفت بیشتری پیدا خواهد کرد. خطّ امام، این است.

در دیدار رئیس و مسئولان قوه‌ی قضائیه، ۱۳۹۰/۴/۶

نقش امام در بصیرت‌افزایی ملت در حوادث سنگین

مردم ما در قضیه‌ی هفت تیر این هنر را به خرج دادند: به جای اینکه ناامید شوند، به جای اینکه اعتماد به نفس خودشان را از دست بدهند، به جای اینکه از دشمن بترسند و در مقابل دشمن زانو بزنند، به جای ضعف و انکسار و انهزام، ملت ما بخاطر بصیرتی که داشتند و بطور دائم به وسیله‌ی امام بزرگوار در آنها تزریق میشد و در میان مردم دامن زده میشد، صبر کردند، ایستادگی کردند و موج را علیه دشمن برگرداندند.

در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث، ۱۳۹۰/۴/۹

تحقق بخشی به مؤلفه‌های جامعه‌ی اسلامی در ایران، به برکت امام بزرگوار

ایمانمان را در دل‌های خود و در عمل خود تقویت کنیم؛ از خرد انسانی، که هدیه‌ی بزرگ الهی به بشر است، استفاده کنیم؛ جهاد فی سبیل‌الله را چه در میدان‌های نبرد نظامی، آن وقتی که لازم باشد؛ چه در میدان‌های دیگر، میدان سیاست، میدان اقتصاد و دیگر میدانها- دنبال کنیم و حس عزّت و کرامت انسانی و اسلامی را برای خودمان مغتنم بشماریم.

اینها وقتی در یک جامعه‌ای زنده بشود، این جامعه همان حرکت اسلامی را، همان خط نبی معظّم اسلام را یقیناً دنبال خواهد کرد. به برکت پیام اسلام، به برکت ندای امام بزرگوار، ما ملت ایران توانستیم بخشی از آن را در زندگی خودمان تحقّق ببخشیم؛ آثار و ثمراتش را داریم مشاهده میکنیم.

در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران، ۱۳۹۰/۴/۱۳

تشبه و افتقار عملی امام به امام حسین (علیه‌السلام) در انواع صبر آسان و صبر سخت

البته به زبان هم گفتن اینها آسان است. کاری که امام حسین (علیه‌السلام) کردند، یک کار فوق‌العاده‌ای است. یعنی ابعاد آن از آنچه که ما امروز محاسبه میکنیم، خیلی بالاتر است.

ما جوانبش را، ریزه‌کاریهایش را غالباً ندیده میگیریم. من یکبار در یک صحبتی، صبر امام حسین (علیه‌السلام) را تشریح کردم. صبرش فقط این نبود که بر تشنگی صبر کند، بر کشته شدن یاران صبر کند؛ اینها صبر آسان است. صبر سخت‌تر این است که دیگران، افراد صاحب نفوذ، افراد آگاه، افراد محترم هی بگویند آقا نکنید، این کار غلط است، این کار خطرناک است. هی ایجاد تردید کنند. کیهان؟ افرادی مثل عبدالله جعفر، عبدالله زبیر، عبدالله عباس؛ این شخصیت‌های برجسته‌ی بزرگ آن روز دنیا، آقازاده‌های مهم اسلام، اینها هی بگویند نکن این کار را. هر که باشد، اگر چنانچه آن عزم و آن اراده و آن ثبات در او نباشد، با خودش فکر میکند که من دیگر تکلیفی ندارم، اینها که دارند اینجوری میگویند، دنیا هم که دارد آنجوری حرکت میکند، بگوییم و بگذریم. آن که در مقابل این اظهارات، در واقع وسوسه‌ها، تردیدافکنیها، راه شرعی درست‌کردنها بایستد و دلش نلرزد و قدم در این راه بگذارد، او همان کسی است که میتواند این تحوّل عظیم را به وجود بیاورد. و امام بزرگوار ما در این جهت تشبّه کردند و افتخا کردند به سید و سالار شهیدان، که من یک وقتی گفتم و حالا نمیخواهیم وارد این مقوله بشویم؛ شرحش مفصل است. این پاسداری امام حسین است.

در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۰/۵/۱۹

ریشه داشتن اهداف امام و انقلاب، در متون اصیل اسلامی

انقلاب اسلامی یک استثناء است. انقلاب اسلامی حرکتی بود که با اهداف مشخصی - ولو آن اهداف که مشخص هم بود، در یک جاهایی کلی بود؛ بتدریج خرد شد، روشن شد، مصادیقش معلوم شد؛ اما اهداف، اهداف روشنی بود- به وجود آمد. هدف اسلامخواهی، هدف استکبارستیزی، هدف حفظ استقلال کشور، هدف کرامت‌بخشی به انسان، هدف دفاع از مظلوم، هدف پیشرفت و اعتلای علمی و فنی و اقتصادی کشور؛ اینها اهداف انقلاب بوده. انسان وقتی در فرمایشات امام (رضوان‌الله علیه) و در اسناد اصلی انقلاب اینها را نگاه میکند، میبیند که همه‌ی اینها در متون اسلامی هم ریشه دارد. مردمی بودن، متکی به ایمان مردم، عقاید مردم و انگیزه‌های مردمی و عواطف مردمی، جزو پایه‌های اصلی انقلاب است. این خط ادامه پیدا کرده؛ این خط انحراف پیدا نکرده، این

ره، رهرو، رهبر / ۹۴۷

خط زاویه نخورده. امروز سی و دو سال از انقلاب میگذرد؛ این خیلی حادثه‌ی مهمی است.

ثباتِ خطوط و اهدافِ انقلاب، از زمان امام تاکنون

این ثبات انقلاب و استقرار انقلاب که ما میگوییم، یعنی این. ما یک حرفی را زده‌ایم: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا»^۱. ملت ایران «رَبُّنَا اللَّهُ» را گفت، پیش ایستاد. این ایستادن پای این سخن، از نسلی به نسل دیگر منتقل شد. امروز شما جوانهایی که این بیانات پر نشاط و شاداب و صادقانه و پرتپش را اینجا مطرح کردید، احتمالاً هیچ کدامتان در آغاز انقلاب در این دنیا نبودید، دوره‌ی انقلاب را ندیدید، دوره‌ی جنگ را ندیدید، زمان امام را درک نکردید؛ اما خط، همان خط است؛ راه، همان راه است؛ هدف، همان هدفهاست؛ مطالبی که گفته میشود، درست همان مطالبی است که آن روز اگر میخواستیم بگوییم، میگفتیم. من هفته‌ای یکبار دانشگاه تهران می‌آمدم و آنجا با دانشجویها جلسه داشتیم و نماز میخواندیم؛ بعد از نماز هم پاسخ به سؤالات و سخنرانی بود که مدتها ادامه داشت. همان حرفهایی که آن وقت ما آنجا میگفتیم و دانشجویها میگفتند، همان حرفهاست؛ البته امروز پخته‌تر است، سنجیده‌تر است، کارشناسانه‌تر است. احساسات به همان اندازه وجود دارد، اما در مطالبی که امروز توی محیط دانشجویی گفته میشود، عقلانیت، بیشتر از آن زمان است؛ این خیلی باارزش است.

وظیفه‌ی جوانان نسبت به خطِ ثابت انقلاب و امام

خب، این تا حالا تحقق پیدا کرده؛ از حالا به بعد چی؟ آنچه که من می‌خواهم بگویم، همین یک جمله است: از حالا به بعد تکلیف نسل جوان کنونی و عمدتاً دانشجویی همین است که این خط را در همان جهتگیری، به سوی تکامل بیشتر ادامه بدهد و پیش ببرد. این مشخص میکند که در محیط دانشجویی تکلیف ما چیست. کار مال شماست.

۱ سوره‌ی فصلت، آیه‌ی ۳۰. در حقیقت، کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست» سپس ایستادگی کردند.

مطرح کردن شعارهای امام؛ عامل موفقیت دولت نهم و دهم

شعارهای دولت نهم و دهم شعارهایی بود و هست که این شعارها برای مردم مؤمن ما جاذبه دارد؛ مثلاً عدالتخواهی، یا استکبارستیزی، یا ساده‌زیستی و مقابله‌ی با منش اشرافیگری، یا مقابله‌ی با ویژه‌خواری و سوءاستفاده‌ی از ارتباطات در مسائل اقتصادی و غیراقتصادی، یا خدمت‌رسانی صادقانه. و من عرض بکنم، شما هم این را میدانید؛ علت اقبال مردم به دولت و به رئیس‌جمهور - چه در سال ۸۴، چه در سال ۸۸ - این شعارها بود. یعنی مردم به این شعارها دل بسته‌اند و نیاز به آنها و ضرورت آنها را احساس میکنند. از این شعارها دست برندارید. از جمله‌ی اساسی‌ترین شعارها، پایبندی به اصول و ارزشهایی بود که امام بزرگوار ما اینها را وارد جامعه کرد و مطرح کرد؛ که اتفاقاً در دنیا هم عامل رشد علاقه‌مندی به انقلاب اسلامی، همین شعارها بود. یعنی بدون اینکه ماها ابزار تبلیغاتی‌ای داشته باشیم، یا شیوه‌های تبلیغاتی کافی را بلد باشیم و به کار بگیریم، عنوان و محبوبیت امام بزرگوار ما در بین ملتها و در سراسر دنیا ساری و جاری شد؛ این بخاطر همین شعارها و بخاطر همین رویکردها و جهتگیریها بود.

رهبری پیامبرگونه‌ی امام؛ از عوامل مهم در جلوگیری از مصادره‌ی انقلاب

بعد از آنکه صحنه‌ی انقلاب، با آن عظمت و شکوه، از حالت انقلابی خودش خارج شد و حکومت و دولتی بر سر کار آمد، فوراً راه افتادند، برای اینکه بیایند؛ شاید بتوانند با شیوه‌های خودشان و ترفندهای خودشان امور را قبضه کنند؛ بر روی موج سوار شوند؛ از موقعیت پیش‌آمده باز سوءاستفاده کنند. هوشیاری ملت و رهبری پیامبرگونه‌ی امام بزرگوار ما نگذاشت. ملتهای مسلمان، چه در مصر، چه در لیبی، چه در تونس، چه در یمن و چه در بقیه‌ی کشورها، امروز این هوشیاری را احتیاج دارند. باید نگذارند پیروزیهایی که بدستشان آمده است، به وسیله‌ی دشمنان مصادره شود. فراموش نکنند؛ آنهایی که امروز در صحنه‌ی لیبی حضور پیدا کردند و خودشان را صاحب قضیه میدانند، همان کسانی هستند که تا چند صباح قبل با همان کسانی که بر ملت لیبی ستم میکردند،

ره، رهرو، رهبر / ۹۴۹

مینشستند و هم‌پیاله میشدند. امروز آنها آمده‌اند و میخواهند از موقعیت استفاده کنند؛ ملتها باید هوشیار باشند، بیدار باشند.

در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۰/۶/۹

حقیقت کار جدید امام بزرگوار بر مبنای «فقه سیاسی»

بنابراین سابقه‌ی فقه سیاسی در شیعه، سابقه‌ی عریقی است؛ لیکن یک چیز جدید است و آن، نظام‌سازی براساس این فقه است؛ که این را امام بزرگوار ما انجام داد. قبل از ایشان کس دیگری از این ملتقطات فقهی در ابواب مختلف، یک نظام به وجود نیاورده بود. اول کسی که در مقام نظر و در مقام عمل - توأماً - یک نظام ایجاد کرد، امام بزرگوار ما بود؛ که مردمسالاری دینی را مطرح کرد، مسئله‌ی ولایت فقیه را مطرح کرد. براساس این مبنای نظام اسلامی بر سر پا شد. این، اولین تجربه هم هست. چنین تجربه‌ای را ما در تاریخ نداریم؛ نه در دوران صفویه داریم، نه در دوره‌های دیگر. اگرچه در دوران صفویه کسانی مثل «محقق کرکی»ها وارد میدان بودند، اما از این نظام اسلامی و نظام فقهی در آنجا خبری نیست؛ حداکثر این است که قضاوت به عهده‌ی یک ملّایی، آن هم در حد محقق کرکی با آن عظمت بوده است؛ ایشان میشود رئیس قضات، تا مثلاً قضات را معین کند؛ بیش از اینها نیست؛ نظام حکومت و نظام سیاسی جامعه بر مبنای فقه نیست. ایجاد نظام، کاری است که امام بزرگوار ما انجام داد. همانطوری که جناب آقای مهدوی در نطقشان اشاره کردند - که من اجمالاً اطلاع پیدا کردم - امام مسئله‌ی ولایت فقیه را در نجف استدلالی کردند و بحث کردند؛ بعد هم در مقام عمل، این را پیاده کردند و آوردند، شد یک نظام اسلامی.

خب، اینجا دو تا مطلب وجود دارد که ما باید به این دو مطلب توجه کنیم:

تسلیم نشدن و صبر امام در برابر چالشهای سهمگین

یک مطلب این است که یک چالش بزرگی همواره بر سر راه حفظ هویت این نظام وجود داشته است؛ الآن هم وجود دارد، بعد از این هم خواهد بود. آن چالش عبارت است از چالش بین وفاداری و حفظ خطوط اصلی - یعنی اصول و مبانی نظام - از یک

طرف، و دستاوردهای پیشرفت مادی و معنوی برای نظام از طرف دیگر. این فکر گاهی اوقات پیش می‌آید؛ البته دلیل هم دارد که این فکر پیش می‌آید؛ چون آن هدفهای مترتب بر آن مبانی، اینجور نیست که هدفهای زودرسی باشد، که حالا در ظرف ده سال و بیست سال حتماً این هدفها تأمین شود؛ گاهی اوقات باید نسلها بگذرد تا این اهدافی که بر مبنای آن اصول ترسیم شده است، تحقق پیدا کند. وقتی که این اهداف در میان‌مدت یا در کوتاه‌مدت تحقق پیدا نکرد، این وسوسه به سراغ نخبگان و زبندگان و مسئولان می‌آید که نکند پایبندی ما به این اصول است که مانع میشود ما به این اهداف دست پیدا کنیم. این یک چالش بسیار مهمی است.

من مدتها قبل در یک صحبتی اشاره کردم که یکی از مظاهر عظمت امام بزرگوار عبارت بود از صبر در این قضیه. البته دوران ایشان، دوران کوتاهی بود- ده سال بیشتر طول نکشید- اما در همین دوران، ایشان پایه‌ها را محکم چید. یکی از کارهای امام این بود که بخاطر مشکلاتی که احیاناً پیش می‌آمد- چه در زمینه‌ی مسائل داخلی، چه در زمینه‌ی چالشهای بین‌المللی- ایشان از مبانی و اصول کوتاه نیامد؛ یعنی صبر کرد. من تعبیر کردم به صبر امام. صبر ایشان به این معنا بود که تحمل کرد. در برابر فشارهایی که می‌آمد، که آقا اگر چنانچه این حکم را نکنید، اگر قضیه‌ی سلمان رشدی را مطرح نکنید، اگر چه نشود، اگر چه نشود، ممکن است ما به این موفقیتها دست پیدا کنیم، ایشان تسلیم نشد؛ ایشان پافشاری کرد. این چالش تا امروز هم وجود دارد.

ولایت مطلقه‌ی فقیه؛ نشانه‌ی توجه امام به نظام‌سازی بر مبنای فقه

نکته‌ی دومی که در این زمینه عرض میکنیم، این است که نظام‌سازی- که گفتیم امام بزرگوار ما براساس مبانی فقهی، نظام‌سازی کرد- یک امر دفعی و یکباره نیست؛ معنایش این نیست که ما یک نظامی را براساس فقه کشف کردیم و استدلال کردیم و این را گذاشتیم وسط، و این تمام شد؛ نه، اینجوری نیست. نظام‌سازی یک امر جاری است؛ روزه‌روز بایستی تکمیل شود، متمم شود. ممکن است یک جایی اشتباه کرده باشیم اما مهم این است که ما براساس این اشتباه، خودمان را تصحیح کنیم، خودمان را اصلاح کنیم؛ این جزو متمم نظام‌سازی است. نه اینکه گذشته را خراب کنیم. اینکه ما می‌گوییم

نظام‌سازی جریان دارد، معنایش این نیست که هرچه را ساختیم و بنا کردیم، خراب کنیم؛ قانون اساسی‌مان را خراب کنیم، نظام حکومتی و دولتی‌مان را ضایع کنیم؛ نه، آنچه را که ساختیم، حفظ کنیم، نواقصش را برطرف کنیم، آن را تکمیل کنیم. این کار، یک کار لازمی است.

من تصورم این است که بعد مهمی از قید اطلاق که امام منضم کردند به ولایت فقیه - که در قانون اساسی اول قید «مطلقه» نبود؛ این را امام اضافه کردند - ناظر به همین است؛ یعنی انعطاف‌پذیری. دستگاه ولایت - که دستگاه عظیم ولایت، یعنی در واقع مجموعه‌ی آن دستگاه‌های تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر که در رأس رهبری قرار دارد؛ اما مجموعه، یک مجموعه است - باید بتواند بطور دائم خودش را پیش ببرد، متحوّل کند؛ چون تحوّل جزو سنتهای زندگی انسان و تاریخ بشری است. ما اگر چنانچه خودمان تحوّل ایجاد نکنیم و پیش نرویم، تحوّل بر ما تحمیل خواهد شد. تحوّل یعنی تکمیل، پیش رفتن به سمت آنچه که درست‌تر است، آنچه که کاملتر است. یعنی آنچه را که ساختیم، ببینیم نقصهایش کجاست، آن را برطرف کنیم؛ ببینیم کجا کم داریم، آن را اضافه کنیم. این جریان بایستی ادامه پیدا کند.

معانی صحیح و غلط «ولایت مطلقه‌ی فقیه»

البته دشمنان، «ولایت مطلقه» را به معنای «استبداد» گرفته‌اند؛ یعنی میل فقیه عادل بصورت دل‌بخواه. این معنا در دل خودش یک تناقض دارد: اگر عادل است، نمیتواند مستبد باشد؛ اگر مستبد است و براساس دلخواه عمل میکند، پس عادل نیست. دشمنان، این را ملتفت نمیشوند و این معنا را نمیفهمند. این نیست مسئله‌ی «ولایت مطلقه» که فقیه هر کار دلش خواست، بکند؛ یک وقت یک چیزی بنظرش رسید که باید این کار انجام بگیرد، فوراً انجام دهد؛ قضیه این نیست. قضیه این است که یک حالت انعطافی در دست کلیددار اصلی نظام وجود دارد که میتواند در آنجایی که لازم است، مسیر را تصحیح و اصلاح کند، بنا را ترمیم کند.

ابتکار امام خمینی(ره)؛ نسخه‌ی جایگزین نظامهای کشورهای انقلابی

الآن شما ملاحظه کنید؛ تقریباً در مدت هشت ماه، در یکی از آرامترین و ساکت‌ترین نقاط عالم - یعنی شمال آفریقا و حول و حوش شمال آفریقا و جزیره‌العرب - چهار تا نظام سرنگون شده؛ یعنی چهار تا دیکتاتور چسبیده به صندلی متکی به غرب و متکی به امریکا، زیر و رو شدند: مصر، تونس، لیبی و یمن. خب، این خیلی حادثه‌ی مهمی است. من عرض کرده‌ام، باز هم عرض میکنم؛ ما واقعاً نمیتوانیم الآن ابعاد عظمت این حادثه را درست ترسیم کنیم. خیلی کار بزرگی انجام گرفته است. خب، اینجا ملتها در معرض حوادثی هستند. یکی از این حوادث - که ان شاء الله این پیش بیاید - این است که نخبگان دینی ملتها بتوانند زمام امور این ملتها را در دست بگیرند و راه درست را که برخاسته‌ی از اسلام و برخاسته‌ی از شریعت و برخاسته‌ی از نیازهای بومی و اقلیمی باشد، برای مردم ترسیم کنند؛ این بهترین راه است. اما چقدر احتمال دارد که این راه پیش بیاید؟ انسان دلش می‌لرزد.

■
آن چیزی که اینجا میتواند به این کشورها کمک کند، تفکر مردمسالاری دینی است. مردمسالاری دینی که ابتکار امام بزرگوار ماست، میتواند نسخه‌ای برای همه‌ی این کشورها باشد؛ هم مردمسالاری است، هم از متن دین برخاسته است.

در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۶/۲۶

تعبیر امام از انقلاب کبیر اسلامی؛ پیروزی خون بر شمشیر

ماجرای انقلاب کبیر اسلامی در ایران که در آن به تعبیر امام خمینی عظیم، خون بر شمشیر پیروز شد و تشکیل نظام ماندگار و مقتدر و شجاع و پیش‌رونده‌ی جمهوری اسلامی و تأثیر آن در بیداری اسلامی امروز، نیز خود داستان مفصل و درخور بحث و تحقیقی است که یقیناً فصل مشبعی در تحلیل و تاریخ‌نگاری وضعیت کنونی دنیای اسلام را به خود اختصاص خواهد داد.



ره، رهرو، رهبر / ۹۵۳

رهبری امام خمینی(ره)، از ارکان غلبه بر مشکلات و توطئه‌ها

ما با این خطرها پس از پیروزی انقلاب اسلامی روبه‌رو شدیم و آنها را شناختیم و تجربه کردیم و به خواست خدا و رهبری امام خمینی و بصیرت و فداکاری مردمان، از بیشتر آنها به سلامت گذشتیم. البته توطئه‌ها از سوی دشمن و عزم راسخ از سوی ملت ما همچنان ادامه دارد.

در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری کنگره‌ی بزرگداشت یکصدمین سالگرد
رحلت آیت‌الله العظمی آقاجفی اصفهانی، ۱۳۹۰/۷/۴

معرفی یکی از اساتید امام و تعریف امام از ایشان

پسر حاج شیخ محمدحسین که مرحوم حاج شیخ محمدرضای اصفهانی است - معروف به آقا رضای اصفهانی - که امام و دیگران در قم توانستند یک مدت کوتاهی از درس او استفاده کنند و همین برای اینها یک نکته‌ای است، امام در بحث مکاسب محرّمه مطلب مرحوم آقا رضای اصفهانی را حدود دو، سه صفحه تلخیص میکنند و نقل میکنند، ایشان از لحاظ ادبی شخصیت معروفی است.

در دیدار جمعی از جانبازان قطع نخاعی، ۹۰/۷/۶

هزینه‌های سنگین انقلاب ملت ایران به رهبری امام

این کار بزرگی که ملت ایران در انقلاب به رهبری امام بزرگوار - آن مرد الهی و آسمانی - انجام داد، برای این ملت هزینه دارد. کار بزرگی بود، هزینه‌اش هم سنگین است؛ اینها جزو هزینه‌هایش است. ملت بزرگ ما تعدادی را از دست داد - که شهید شدند - تعدادی مثل شماها شدند، تعدادی یک درجه از شماها پایتتر هستند؛ اینها جزو آن هزینه‌هایی است که برای آن کار بزرگ، این ملت دارد می‌دهد.

کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین، ۱۳۹۰/۷/۹

ثمرات موضعگیری امام در قبال مسئله‌ی فلسطین

امام بزرگوار ما اعلام کردند که یکی از هدفهای این انقلاب، آزادی سرزمین فلسطین

۱ جانباز شدند.

و قطع غده‌ی سرطانی اسرائیل است. امواج پرقدرت این انقلاب، که آن روز همه‌ی دنیا را فراگرفت، هر جا رفت - با این پیام رفت که «فلسطین باید آزاد شود». گرفتاریهای پیایی و بزرگی که دشمنان انقلاب بر نظام جمهوری اسلامی ایران تحمیل کردند - که یک قلم آن، جنگ هشت ساله‌ی رژیم صدام حسین به تحریک امریکا و انگلیس و پشتیبانی رژیمهای مرتجع عرب بود - نیز نتوانست انگیزه‌ی دفاع از فلسطین را از جمهوری اسلامی بگیرد.

بدینگونه خون تازه‌ای در رگهای فلسطین دمیده شد. گروههای مجاهد فلسطینی مسلمان سر بر آوردند. مقاومت لبنان، جبهه‌ی نیرومند و تازه‌ای در برابر دشمن و حامیانش گشود. فلسطین به جای تکیه به دولتهای عربی و بدون دست دراز کردن به سوی مجامع جهانی، از قبیل سازمان ملل - که شریک جرم دولتهای استکباری بودند - به خود، به جوانان خود، به ایمان عمیق اسلامی خود و به مردان و زنان فداکار خود تکیه کرد. این، کلید همه‌ی فتوحات و موفقیتهاست.

در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۰

حکمت امام در مردمی نگه داشتن انقلاب اسلامی

در طول تاریخ ما، هیچ حادثه‌ای مثل حادثه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی و حوادث بعد از آن نبوده است که مردم در آن، نقش مستقیم داشته باشند. در انقلاب اسلامی مردم آمدند؛ همه‌ی مردم، همه‌ی قشرهای مردم، از شهری و روستایی، از زن و مرد، از پیر و جوان، از تحصیلکرده و بیسواد، همه و همه در کنار هم حضور پیدا کردند. با اینکه متکی به قدرت و زور هم نبودند، سلاح هم نداشتند، اگر هم داشتند، به کار نمیبردند، اما در عین حال توانستند یک رژیم تا دندان مسلح متکی به قدرتهای استکباری را بکلی از پا دریاورند و انقلاب را پیروز کنند. منتها نکته‌ی اساسی در انقلاب ما این بود که نقش مردم با پیروزی انقلاب تمام نشد؛ و این از حکمت امام بزرگوار ما و ژرفنگری آن مرد حکیم و معنوی و الهی بود. او ملت ایران را بدرستی شناخته بود، ملت ایران را باور کرده بود، به سلامت و صداقت و عزم راسخ و تواناییهای ملت ایران ایمان داشت.

ایستادگی محکم امام در مقابل مخالفان دخالت ملت در امور

همان روزها بعضیها بودند که میگفتند خیلی خوب، انقلاب پیروز شد، مردم برگردند بروند خانه‌هاشان. امام محکم ایستاد و کارها را به مردم سپرد.

مصدق و معنای اصرار امام بر نقش مستقیم مردم در امور مهمه‌ی انقلاب

یعنی پنجاه روز بعد از پیروزی انقلاب، نظام سیاسی کشور به وسیله‌ی فرماندوم مردم تعیین شد. شما به انقلابهای گوناگون نگاه کنید تا معلوم شود که اهمیت این حرف چقدر است. پنجاه روز بعد از پیروزی انقلاب، مردم فهمیدند چه نظامی را میخواهند. خودشان پای صندوقهای رأی آمدند و با آن رأی عجیب و تاریخی مشخص کردند که نظام جمهوری اسلامی را میخواهند. در این دو‌یست سال اخیر - که سالهای انقلابهای بزرگ است - در هیچ انقلابی چنین اتفافی نیفتاده است که با این فاصله‌ی کم، نظام جدید به وسیله‌ی خود مردم، نه به وسیله‌ی یک عامل دیگر، تعیین شود.

بعد، بلافاصله امام بزرگوار دنبال قانون اساسی بود. من فراموش نمیکنم؛ در ماههای اردیبهشت یا خرداد سال ۵۸ - یعنی سه ماه، چهار ماه بعد از پیروزی انقلاب - امام شورای انقلاب را که ماها بودیم، برای یک کار مهمی به قم خواستند. ما خدمت امام رفتیم. من از یاد نمیبرم چهره‌ی خشمگین امام را که نظیر آن را من در امام کم دیدم. حرفشان این بود که چرا برای قانون اساسی فکری نمیکنید. این در حالی بود که هنوز سه ماه از پیروزی انقلاب بیشتر نگذشته بود. همان جلسه تصمیم‌گیری شد که انتخابات مجلس خبرگان برگزار شود. مسئولین کشور - که دولت موقت بود - آمدند انتخابات را برگزار کردند. مردم در یک انتخابات سراسری شرکت کردند، نمایندگان خود را - که خبرگان قانون اساسی بودند - معین کردند. خبرگان هم در ظرف چند ماه قانون اساسی را تدوین کردند. بعد امام باز دوباره فرمودند که این قانون اساسی‌ای که تدوین شده است، باید به رأی مردم برسد. با اینکه نمایندگان مردم آن را تدوین کرده بودند، اما امام فرمود باز هم بایستی رأی مردم باشد. لذا آمدند فرماندوم قانون اساسی کردند، مردم هم با رأی بالایی قانون اساسی را تصویب کردند.

استمرار اصرار امام بر نقش مردم

بنابراین نقش مردم بعد از پیروزی انقلاب تمام نشد. در خصوصیات اداره‌ی کشور، این نقش ادامه پیدا کرد. هنوز یک سال از پیروزی انقلاب نگذشته بود که رئیس‌جمهور بر طبق قانون اساسی انتخاب شد. بعد از چند ماه، مجلس شورای اسلامی انتخاب شد. از آن تاریخ تا امروز، در طول این سی و دو سال، مرتباً خبرگان رهبری، رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان شوراها، به وسیله‌ی مردم انتخاب شدند. مردم خودشان هستند که تصمیم میگیرند، شرکت میکنند، انتخاب میکنند؛ کار دست مردم است. حضور مردم، یک چنین حضور برجسته‌ای است.

در طول این سالهای متمادی، دولتهای گوناگون و ذائقه‌های سیاسی گوناگون بر سر کار آمدند- چه در مجلس با سلائق سیاسی مختلف، چه در قوه‌ی مجریه- بعضیها حتی با اصول نظام زاویه هم داشتند؛ لیکن ظرفیت عظیم نظام، بدون اینکه ناشکیبایی نشان بدهد، توانسته است همه‌ی این مسائل را از سر بگذراند؛ توانسته است همه‌ی این مشکلات را در خود حل و هضم کند؛ بخاطر حضور مردم، بخاطر ایمان مردم، بخاطر پابندی مردم به نظام اسلامی؛ یعنی خودشان را صاحب کشور دانستن. در گذشته همیشه میگفتند کشور صاحب دارد؛ منظورشان این بود که فلان امیر و فلان حاکم و فلان سلطان صاحب کشور است! مردم نقشی نداشتند، کاره‌ای نبودند. امروز به برکت انقلاب اسلامی، مردم میدانند کشور صاحب دارد؛ صاحب کشور هم خود مردمند.

تدبیر امام در قرار گرفتن مردم بعنوان نیروی نگهبان انقلاب

ما وقتی تجربه‌ی سی و دو ساله‌ی انقلاب را بازخوانی میکنیم، ژرف‌ ژرفایی حکمت امام و تدبیر امام را درمی‌یابیم؛ چرا؟ چون هر نظامی مثل نظام جمهوری اسلامی، با این آرمانهای بلند، با این ضدیت و مخالفتی که با استکبار و بی‌عدالتی بین‌المللی دارد، با ایستادگی‌ای که در مقابل شیاطین قدرت در سرتاسر جهان دارد، دشمنهای گردن‌کلفتی دارد. چالش ایجاد میکنند، مشکل به وجود می‌آورند. اگر اینچنین نظامی بخواهد بماند، باید یک نیرو و ظرفیت عظیمی از او نگهبانی کند، تا بتواند ایستادگی کند، تا بتواند پیشرفت کند و متوقف نماند. در انقلاب اسلامی، با تدبیر امام- که از متن اسلام گرفته

ره، رهرو، رهبر / ۹۵۷

شده بود- این نیروی نگهبان عبارت است از اراده‌ی مردم، عزم مردم، حضور مردم. لذا نظام اسلامی چالشها را درنوردید و بر چالشها پیروز شد. به اطمینان کامل میشود گفت که جمهوری اسلامی تا امروز بر همه‌ی چالشهای سخت و نرم که در مقابل او قرار گرفت، پیروز شده است و به عون الهی، به فضل الهی، به هدایت الهی، بر هر چالش دیگری هم در آینده پیروز خواهد شد.

تنها ماجرای قابل مقایسه با تشییع جنازه‌ی امام خمینی(ره)

در فتنه‌ی ۸۸، دو روز بعد از حوادث عاشورا، آن قضیه‌ی عظیم نهم دی به راه افتاد. همان وقت بعضی از ناظران خارجی که از نزدیک دیده بودند، در مطبوعات غربی نوشتند و ما دیدیم، که گفته بودند آنچه در نهم دی در ایران پیش آمد، جز در تشییع جنازه‌ی امام، چنین اجتماعی، چنین شوری دیده نشده بود. این را مردم کردند. حضور مردم اینجوری است.

در جمع روحانیون شیعه و اهل سنت کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۰

نوع حرفهای امام از دیدگاه آیت الله طالقانی

مرحوم آقای طالقانی به خود من گفت که امام میگوید «شاه باید برود»؛ خوب، معلوم است که شاه نمیشود برود. باورش نمی‌آمد که ممکن است شاه برود. مرحوم آقای طالقانی به خود من گفت این مرد حرفهایش عجیب است؛ چیزهایی که نشدنی است، او میگوید و میشود؛ یکی اش رفتن شاه بود. این را بعد گفت. امام گفت شاه میرود، هیچ کس باور نمیکرد؛ اما رفت. نه فقط شاه رفت، امریکا رفت، غرب رفت، استعمار و استکبار رفت. هیچ کس باور نمیکرد، اما شد.

تأثیر عظمت امام و انقلاب بر نظام سلطه‌ی غرب و بر افکار حقیقت‌جو

انقلاب اسلامی که پیروز شد، اسلام در دنیا یک رونق تازه‌ای پیدا کرد. خیلیها در دنیا به فکر افتادند که این چه بود؟ این کدام موتور پر قدرت بود که توانست یک چنین

حادثه‌ی عظیمی را به وجود بیاورد که غرب را تکان داد؟ پیروزی انقلاب اسلامی و عظمت امام، غرب را تکان داد، نظام سلطه را تکان داد. خیلها به فکر افتادند بروند ببینند این چیست. به قرآن مراجعه کردند، حقایقی از اسلام دستشان آمد؛ لذا مشتاق اسلام شدند، گرایش به اسلام پیدا کردند. در آن برهه، یک فصل، یک حمله، یک موج به سمت اسلام به وجود آمد، که ادامه هم پیدا کرد.

در جمع خانواده‌های شهدا و ایثارگران کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۱

تأثیرات عمل مهم امام خمینی (ره) و افراد بصیر

یک روزی بود که وقتی کسانی به صحنه نگاه میکردند، بظاهر هیچ چیز امیدبخشی در صحنه به چشم نمی‌آمد؛ اما مردمان بصیر- در رأس همه، امام بزرگوار- به ما امید میدادند، نوید میدادند. گاهی ما تعبداً گوش میکردیم، اما قادر به تحلیل نبودیم. تعبداً قبول میکردیم، بعد میدیدیم همین‌جور شد؛ بعد میدیدیم همین امید الهی، همین نوید آسمانی تحقق پیدا کرد. و امروز وقتی به تجربه‌ی سی و دو ساله‌ی انقلاب نگاه میکنیم، پی‌درپی موفقیت‌های نظام جمهوری اسلامی را میبینیم.

در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۲

تحول نظام موجود و ایجاد نظام جدید؛ هنر بزرگ امام در انقلاب

وقتی یک انقلاب و یک حرکت تحقق پیدا میکند، بایستی دستگاه‌های مجری خود را- آن مجموعه‌هایی که آن هدفها را باید دنبال کنند- به وجود بیاورد. یکی از کارها این است که دستگاه‌های موجود جامعه را متحول کند، یکی دیگر این است که دستگاه متناسب با خواست خود را به وجود بیاورد. هر دو سخت است، هر دو جزو کارهای دشوار است. انقلاب اسلامی هر دو را انجام داد. فرض کنید در مقوله‌ی نظامی، ارتش که ساخته و پرداخته‌ی فرهنگ دیگری و نظام دیگری و کسان دیگری بود، تبدیل شد به یک ارتش انقلابی، به یک ارتش متدین و مؤمن؛ ساختهایش هم تغییر پیدا کرد، روشهایش هم تغییر پیدا کرد، شعارهایش هم تغییر پیدا کرد؛ در آن، تحول به وجود آمد. در کنار این، نهاد نوپا و تازه‌ای از خود انقلاب روید و آن، سپاه پاسداران انقلاب

ره، رهرو، رهبر / ۹۵۹

اسلامی بود؛ که اگر این دومی نمیشد، اولی هم امکان‌پذیر نبود. اینها هنرهای انقلاب است که امام بزرگوار ما مظهر اعمال این هنرها و فهم دقیق از نیاز جامعه و نیاز آینده بود و این را با قدرت، با قاطعیت و با پیگیری انجام داد.

بسیج؛ از کارهای معجزآسای امام در انقلاب و فلسفه‌ی آن

این حرکت عظیم بسیج، این اقدامی که امام در سازماندهی بسیج کرد- مطالبه‌ی سازماندهی بسیج را امام کرد، ارتش بیست میلیونی را امام مطرح کرد- یکی از همان کارهای معجزآسای انقلاب بود که امام انجام داد.

من آن روز عرض کردم؛ وقتی یک نظامی، یک کشوری، یک ملتی با این آرمانهای والا و بظاهر دست‌نیافتنی- مقابله‌ی با ظلم جهانی، مقابله‌ی با سلطه‌ی بین‌المللی قدرتها، مقابله‌ی با نظام سلطه، مقابله‌ی با استضعاف و استکبار، هر دو- سر کار می‌آید، طبعاً دشمنان گردن‌کلفتی دارد، دشمنان بزرگی دارد، قدرتهای بزرگی به میدان او می‌آیند برای مقابله‌ی با او؛ لذا باید آمادگیهای لازم را در خود به وجود بیاورد. یکی از ارکان این آمادگیها، همین مسئله‌ی بسیج بود.^۱

علل و زمینه‌های فرمان ابتکاری امام مبنی بر تشکیل بسیج

امام با این مضمون فرمودند که وقتی بیست میلیون انسان آماده‌ی مبارزه‌ی با سلاح در یک جامعه‌ای باشد، هیچ قدرتی در دنیا طمع نمیورزد؛ میفهمد هزینه‌ی تهاجم به این مجموعه، هزینه‌ی زیادی است. «ارتش بیست میلیونی» را امام مطرح کردند؛ البته بیست میلیون در مقایسه‌ی با جمعیت آن روز کشور که حدود چهل میلیون بود؛ بعد ما عرض

۱ مضمون این مطلب در «پیام به ملت شریف ایران، در پایان چهلمین روز ارتحال حضرت امام خمینی(ره)، ۲۳/۰۴/۱۳۶۸» و «در جمع دانشجویان دانشگاه تهران، ۲۲/۲/۱۳۷۷» و «در میدان صبحگاه ستاد نیروی مقاومت بسیج، ۰۲/۰۶/۱۳۸۴» و «در جمع ۱۱۰ هزار بسیجی در روز عید غدیر در آستانه‌ی روز بسیج مستضعفین، ۰۴/۰۹/۱۳۸۹» و «در دیدار جمع‌کنیری از بسیجیان کشور، ۰۴/۰۹/۱۳۸۸» و «در دیدار اقشار نمونه‌ی بسیج سراسر کشور، ۰۶/۰۹/۹۰» و «انتصاب معاون ستاد کل نیروهای مسلح در امور بسیج، ۲۰/۰۹/۱۳۸۶» و «در دیدار جمعی از مسئولان در سالروز ولادت حضرت رسول اعظم(ص)، ۲۵/۱۲/۱۳۸۷» نیز تکرار شده است.

کردیم «ارتش دهها میلیونی». واقع قضیه هم همین است. البته این معنایش این نیست که همه‌ی جامعه نظامی میشوند، همه تفنگ دست میگیرند؛ معنایش این است که همه آماده‌ی دفاع میشوند، آماده‌ی مبارزه‌اند. ملتی که همه آماده‌ی مبارزه‌اند، این ملت دیگر شکست نخواهد خورد. هر توطئه‌ای در مقابل این ملت اینچینی، اینجور با این سطح از آمادگی، نقش بر آب خواهد شد. امام یک چنین ابتکاری را کرد. لذا در آذر ۵۸ امام بسیج را اعلان کردند، تشکیل دادند؛ تا آخر عمر هم امام نسبت به بسیج، همین نگاه اهتمام‌ورزانه را داشتند. «بسیج مدرسه‌ی عشق است»، «مکتب شاهدان و شهیدان گمنام است»، «بسیج لشکر مخلص خداست»؛ اینها تعبیرات امام بزرگوار است. این نشانه‌ی درست شناختن نیاز این کشور و این ملت و این نظام است در حال و آینده؛ این یک چیزی است که همیشه به آن احتیاج است؛ پنجاه سال دیگر هم همین نیاز وجود دارد.

ابعاد و اهداف هنر امام در تشکیل بسیج

البته بسیجی که در سال ۵۸ تشکیل شد، نیازهای آن روز را تأمین میکرد- این یک نیاز بود- امروز بسیج نوع نیازهای دیگری را برآورده میکند. مسائلی که امروز مطرح است، آن روز مطرح نبود. امروز بسیج ما در زمینه‌ی علم، در زمینه‌ی ابتکار، در زمینه‌ی نوآوری، پیشرو است. این هم هنر امام بود. امام در همین نوشته‌ای که در آذر ۶۷ مرقوم کردند- یعنی آخر عمرشان، تقریباً ده سال بعد از آن نوشته‌ی اول- از دانشجویان و طلبا میخواهند که بسیج تشکیل بدهند؛ بسیج دانشجو و بسیج طلبه. این نشان‌دهنده‌ی این است که نیازی که کشور به روحیه‌ی بسیجی دارد، مربوط میشود به همه‌ی زمینه‌ها، از جمله زمینه‌هایی که در قلمرو حوزه‌های علمیه است و زمینه‌هایی که در قلمرو دانشگاههاست.

افتخار امام به بسیجی بودن

امروز در حوزه‌ی علمیه هم فضلالی بسیجی ما، علمای بزرگ بسیجی ما حضور دارند، افتخار هم میکنند. امام هم افتخار میکرد. امام با آن عظمت، میگفت من افتخارم

ره، رهرو، رهبر / ۹۶۱

این است که یک بسیجی‌ام. در دانشگاه هم همین‌جور است. در دانشگاه هم بسیج دانشجوی، بسیج استاد، یک پدیده‌ی پیشرونده و پیشرو محسوب می‌شود.

اخلاص و گمنامی؛ از پایه‌های اصلی کار بسیج به تعبیر حضرت امام (ره)

پایه‌ی اصلی کار بسیجی، اخلاص است. «گمنام»، از جمله‌ی تعبیرات امام است: «مکتب شاهدان و شهیدان گمنام». گمنام یعنی دنبال نام و نشان نبودن. گفت: «در کیش ما مجرد عنقا تمام نیست / در قید نام ماند اگر از نشان گذشت». برای خدا کار کردند، که این ناشی است از روحیه‌ی اعتماد به خدا؛ میدانیم که پیش خدای متعال ضایع نمی‌شود. شما در خلوت عبادت می‌کنید، با خدا حرف می‌زنید، کسی هم نمی‌فهمد؛ خاطرتان هم جمع است که خدا دارد میبیند، این عبادت را محسوب می‌کند؛ کرام‌الکاتبین الهی نمی‌گذارند این عبادت شما مثل عملی که انجام نشده، بماند؛ نه، تحقق پیدا کرده، این را یادداشت می‌کنند؛ آن وقت «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ»؛ همین را میبیند.

توجه به ابعاد غیرنظامی بسیج؛ در عین توجه به مطالبه‌ی بیست میلیونی امام

وقتی ما می‌گوییم همه جا بسیج هست، معنایش این نیست که از بسیج بیست میلیونی‌ای که امام گفت - یا ده‌میلیونی بعد از امام - غفلت کنیم؛ نه، نه؛ آن لازم است. با آرزوها و آمال و نگاه‌های بلندنظرانه‌ای که ملت ما دارد، آمادگی دفاعی لازم است و همیشه باید وجود داشته باشد؛ همراه با ابتکار، همراه با نوآوری. لذاست که ما از سازماندهی‌های بسیج کاملاً حمایت می‌کنیم. عمق فکر و بصیرت هم در این سازماندهی‌ها باید مورد ملاحظه قرار بگیرد. یعنی جوانان عزیز ما بدانند، آگاهانه حرکت کنند؛ بدانند دنبال چه هستند.

نقش فرادوره‌ای بسیج در دفاع از اصول مسلم اسلامی، در بیان امام

از جمله‌ی اساسی‌ترین کارهایی که بر عهده‌ی بسیج است و در بافت درونی هویت

بسیج دخالت دارد، عبارت است از حمایت و دفاع از اصول مسلم اسلامی. این هم در بیانات امام هست؛ اصول تغییرناپذیر اسلامی. اینجا بسیج، یک نقش فرادوره‌ای پیدا میکند.

در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۴

درس امام مبنی بر امکان تغییر ساختار، برای حصول آرمانهای تغییرناپذیر

اگر نظامی دنبال آن آرمانهاست، آن آرمانها کهنه‌بشو نیست؛ اما سازوکارها، چینش این نهادهایی که میخواهد ما را به آن آرمانها برساند، قابل نو شدن است.

فرض بفرمایید ما یک روزی در قانون اساسی نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور داشتیم، با یک شکل خاصی؛ بعد تجربه به ما نشان داد که این درست نیست. امام دستور دادند گروهی از خبرگان ملت، از دانشگاهیان، از روحانیون، از مجلس شورای اسلامی، از برجستگان و نخبگان بنشینند و آنچنان که بر طبق نیاز است، آن را تغییر بدهند. همین کار را هم کردند. یا در زمینه‌ی قضا همینجور. در آینده هم اینها قابل تغییر است.

معنای «ولایت مطلقه‌ی فقیه» امام و نمونه‌ای از کارکردهای آن

یک مسئله، مسئله‌ی رهبری است؛ چیزی که در دنیا معمول نیست، در جمهوری اسلامی هست. ولایت فقیه‌ی که امام بزرگوار ما معنا کردند، تعریف کردند، مطرح کردند و بعد پیاده کردند و بعد خود آن بزرگوار مظهر تام و تمام و کاملش بود- که هرکس ایشان را از نزدیک میشناخت، هرچه که میگذشت، خصوصیات برجسته و ممتاز این مرد بیشتر برای او آشکار میشد- یعنی یک مدیریت زنده و بالنده و پیشرونده. یک جمله‌ای را امام بیان کردند: ولایت مطلقه‌ی فقیه. یک عده‌ای با مغالطه خواستند این قضیه را به نحوی مشوب کنند و یک معنای غلط و تفسیر غلطی بدهند. گفتند معنای ولایت مطلقه این است که رهبری در نظام جمهوری اسلامی، مطلق از همه‌ی قوانین است؛ مثل یک اسب مهارکنده‌شده‌ای، هر جا بخواهد، هر کار بخواهد، میتواند بکند. مسئله این نبود، این نیست. امام بزرگوار خودش از همه بیشتر به رعایت قوانین، به رعایت اصول، به رعایت

ره، رهرو، رهبر / ۹۶۳

مبانی، به رعایت جزئیات احکام شرعی مقید بود؛ و این وظیفه‌ی رهبری است. در نظام جمهوری اسلامی، رهبری فقط تابع این نیست که کسی او را بخاطر اینکه شرایط را از دست داده، عزل کند؛ اگر این شرایط در او وجود نداشته باشد، خودش به خودی خود عزل شده است؛ این خیلی چیز مهمی است. رهبری یک مدیریت است؛ البته مدیریت اجرایی نیست. این اشکال و اشتباه هم در طول زمان، از اول انقلاب تا امروز، در بعضی از تبلیغات ادامه دارد. اینجور تلقی کنند که رهبری یک مدیریت اجرایی است؛ نه، مدیریت اجرایی، مشخص است. مدیریت اجرایی در بخش قوه‌ی مجریه ضوابط مشخصی دارد، معلوم است، مسئولین معینی دارد؛ در قوه‌ی قضائیه هم - که آن هم مدیریت اجرایی است - همینطور، هر کدام مسئولیتهایی دارند؛ قوه‌ی مقننه هم که معلوم است. رهبری، ناظر بر اینهاست. به چه معنا؟ به این معنا که از حرکت کلی نظام مراقبت کند.

ولی فقیه؛ مدیر کلان‌ارزشی

در واقع رهبری، یک مدیریت کلان‌ارزشی است. همینطور که اشاره کردم، گاهی اوقات فشارها، مضیقه‌ها و ضرورتها، مدیریتهای گوناگون را به بعضی از انعطافهای غیرلازم یا غیرجایز وادار میکند؛ رهبری بایستی مراقب باشد، نگذارد چنین اتفاقی بیفتد. این مسئولیت بسیار سنگینی است. این مسئولیت، مسئولیت اجرایی نیست؛ دخالت در کارها هم نیست. حالا بعضیها دوست میدارند همینطور بگویند؛ فلان تصمیمها بدون نظر رهبری گرفته نمیشود. نه، اینطور نیست. مسئولین در بخشهای مختلف، مسئولیتهای مشخصی دارند. در بخش اقتصادی، در بخش سیاسی، در بخش دیپلماسی، نمایندگان مجلس در بخشهای خودشان، مسئولان قوه‌ی قضائیه در بخش خودشان، مسئولیتهای مشخصی دارند. در همه‌ی اینها رهبری نه میتواند دخالت کند، نه حق دارد دخالت کند، نه قادر است دخالت کند؛ اصلاً امکان ندارد. خیلی از تصمیمهای اقتصادی ممکن است گرفته شود، رهبری قبول هم نداشته باشد، اما دخالت نمیکند؛ مسئولینی دارد، مسئولینش باید عمل کنند. بله، آنجایی که اتخاذ یک سیاستی منتهی خواهد شد به کج شدن راه انقلاب، رهبری مسئولیت پیدا میکند. در تصمیم و عمل رهبری باید عقلانیت در خدمت اصول قرار بگیرد، واقع‌بینی در خدمت آرمانگراییها قرار بگیرد.

از مصادیق ورود ولیّ فقیه در مسائل

در قضیه‌ی هسته‌ای، در آن دوره‌ی اول که تلاطم‌هایی بود، بعضاً اقدام‌هایی انجام میگرفت که شاید مطلوب نبود. من آنجا در سخنرانی عمومی گفتم اگر چنانچه این کارها انجام نگیرد، خودم وارد میشوم. و همین هم شد. این معنای رهبری است؛ این یک چیزی است که از اسلام گرفته شده است؛ یک نکته‌ی مثبتی است در نظام اسلامی. دستگاه‌های گوناگون - قوه‌ی قضائیه، قوه‌ی مجریه، قوه‌ی مقننه - مثل همه‌ی دنیا، کارهای موظف قانونی خودشان را دارند انجام میدهند، با اختیارات کاملی که در قانون اساسی معین شده؛ اما حرکت کلان و کلی نظام اسلامی به سمت آن آرمانها باید منحرف نشود؛ اگر منحرف شد، باید گریبان رهبری را گرفت، او را بایستی مسئول دانست؛ او مسئول است که نگذارد. البته این مسئله، مثالهای زیادی دارد؛ چون وقت کم است، به یکی از آنها اشاره‌ی مختصری میکنم.

مسئله‌ی روابط با امریکا، که در این چند سال چه کارها کردند، چه تلاشها کردند، در دوره‌های مختلف دولتهای گوناگون، تحت تأثیر عوامل مختلف. خب، این به حرکت عمومی نظام ضرر میزد، فایده‌ای هم برای وضع معیشت و زندگی مردم نداشت. اینجا ممانعت شد. و مسائل گوناگونی از این قبیل هست.



عدم مخالفت مطلق امام و رهبری با حزب و تحزب؛ البته با رویکرد هدایت جامعه

یک مسئله‌ی دیگر هم در ذهنم بود که مطرح کنم - مسئله‌ی حزب و تحزب - گمان میکنم وقت کم است؛ لذا مختصر عرض میکنم. در کشورهایی که ملاحظه میکنید انقلاب شده، احزاب وسط میدانند. این سؤال پیش می‌آید که نگاه ما به تحزب و حزب چیست. الآن وقت کم است و من نمیتوانم تفصیلاً بگویم؛ ان شاء الله یک وقتی در این باره به تفصیل صحبت میکنم. بطور اجمال بگویم ما با تحزب مطلقاً مخالف نیستیم. اینکه خیال کنند ما با حزب و تحزب مخالفیم، نه، اینطور نیست. قبل از پیروزی انقلاب، پایه‌های یک حزب بزرگ و فعال را خود ما ریختیم؛ اول انقلاب هم این حزب را تشکیل دادیم، امام هم تأیید کردند، چند سال هم با جدیت مشغول بودیم؛ البته بعد به جهاتی تعطیل شد. همان وقت به ما اشکال میکردند که تحزب با وحدت عمومی جامعه مخالف است.

ره، رهرو، رهبر / ۹۶۵

من آن وقت یک سخنرانی مفصلی کردم، که بعد هم پیاده شد و چاپ شد و پخش شد؛ تحت عنوان «وحدت و تحزب». تحزب میتواند در جامعه انجام بگیرد، در عین حال وحدت هم صدمه‌ای نبیند؛ اینها با هم منافاتی ندارد. منتها آن حزبی که مورد نظر ماست، عبارت است از یک تشکیلاتی که نقش راهنمایی و هدایت آحاد مردم را به سمت یک آرمانهایی ایفا میکند.

در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۰/۸/۱۱

رهبری امام؛ از ارکان برچیده شدن طاغوت ۲۵۰۰ ساله

این یک عبرت است. یعنی یک ملت وقتی در راه درست، با هدایت صحیح و با بصیرت، ایستادگی و استقامت میکند، هیچ قدرتی در مقابل او تاب مقاومت ندارد. همه‌ی مانعها برداشته شد. این مسئله، محال به نظر می‌آمد. حکومت سلطنتی دوهزار و پانصد ساله، آن هم با پشتیبانی همه‌ی قدرتهای مادی دنیا، از ایران برچیده شود؟ باورکردنی بود؟ اما اراده‌ی اسلامی و ایمانی ملت ایران به رهبری امام، این امر محال را ممکن کرد؛ این امر نشدنی، واقع شد.

امام خمینی؛ رهرو و رهبر راه انقلاب

و رحمت خدا بر امام بزرگوار ما، که این راه را او باز کرد، او جلو افتاد، او ایستاد تا همه‌ی ما دلگرم شدیم و به دنبال او حرکت کردیم و این راه طولانی را طی کردیم.

در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت حماسه‌ی ۹ دی، ۱۳۹۰/۹/۲۱

حماسه‌ی ۹ دی؛ تکرار هنر بزرگ امام در به صحنه آوردن توده‌ی مردم

در قضیه‌ی ۹ دی سال ۸۸ یک نکته اساسی است و آن نکته برمیگردد به هویت انقلاب و ماهیت انقلاب. یعنی همان روحی که حاکم بود بر اصل انقلاب ما و آن حضور عظیم بی‌نظیر تاریخی در سال ۵۷، همان روح در ماجرای ۹ دی نشان داده شد؛ کما اینکه در قضایای گوناگون دیگر هم نشان داده شده، لیکن در ۹ دی به شکل بارزی نشان داده شد؛ بطوری که جای انکار و تردید و تأمل برای هیچ‌کس از بدخواهان و دوستان و

دشمنان و دیگران باقی نگذارد. آن روح چه بود؟ روح دیانتِ حاکم بر دل‌های مردم بود. پس اینجا ما دو تا عنصر در کنار هم داریم:

یک عنصر، عنصر مردم است؛ که مردم در هر کشوری، در هر جامعه‌ای، اگر چنانچه همّت کنند، بصیرت به خرج بدهند، عمل کنند و وارد میدان بشوند، میتوانند همه‌ی مشکلات را حل کنند. یعنی بزرگترین کوهها در مقابل حضور مردم از بین می‌رود؛ میتوانند کوههای بزرگ را جابه‌جا کنند. این یک حقیقت آشکاری است که بسیاری از تحلیلگران اجتماعی در کشورهای اسلامی و دیگر کشورها آن را درست لمس نکردند، درک نکردند؛ ما این را لمس کردیم. هنر بزرگ امام بزرگوار ما هم همین بود.

من یک وقتی، پانزده سال، بیست سال پیش، به یکی از فعالان عرصه‌ی مبارزات ضداستعماری - که خب، آدم معروفی است؛ نمیخواهم اسم بیاورم - این را گفتم؛ او رفت بلافاصله این نسخه را عمل کرد. ما این را حس کردیم. گفتم هنر امام بزرگوار ما این بود که مردم را وارد صحنه کرد. مردم با جسمشان، با حضورشان آمدند و آنچه را که میخواستند، آنچه را که بر آن همّت گماشته بودند، با حضور خودشان تثبیت کردند. همه‌ی موانع سیاسی و غیرسیاسی و استعمار و قدرتهای عظیم جهانی که بر امور ملتها مسلطاند، در مقابل این حادثه مجبورند عقب‌نشینی کنند. الآن هم همین‌جور است. الآن هم در هر نقطه‌ای از دنیا اگر ملتها وارد میدان بشوند با یک هدف مشخص، با شعارهای مشخص، و اگر آن ایمان راسخ در دل و همچنین عمل صالح در کنار این ایمان راسخ وارد میدان شود، هیچ مانعی در مقابل آنها قادر بر مقاومت نیست. این یک نسخه است؛ این نسخه را امام بزرگوار ما در انقلاب ما عمل کرد. خدای متعال به امام کمک کرد و در بیان او این نفوذ و تأثیر را قرار داد که در دل‌های مردم اثر گذاشت؛ مردم، مؤمن به آن راه و به آن هدف شدند و به دنبال این ایمان، عمل خودشان را انجام دادند.

■
 عنصر دوم هم عنصر ایمان دینی مردم است.
 ■

ردّپای نکته‌ی عظیم مورد توجه امام در حوادث تاریخ ساز ایران اسلامی

ضمناً توجه داشته باشید؛ یکی از خصوصیات دیگری که در حادثه‌ی ۹ دی هست، که

باز آن را کاملاً به حوادث انقلاب نزدیک میکنند، مسئله‌ی عاشورا است. یعنی در حوادث اول انقلاب هم محرم پیش آمد و امام آن نکته‌ی عظیم عجیب تاریخی را بیان کردند: «ماهی که خون بر شمشیر پیروز است». این حرف کوچکی نیست: پیروزی خون بر شمشیر. ماها عادت کرده‌ایم، این حرفها را هی تکرار میکنیم؛ کأنه عمقش گاهی از یادمان می‌رود. خون بر شمشیر پیروز میشود، مظلوم بر ظالم فائق می‌آید، کشته بر کُشنده فائق می‌آید؛ این همان چیزی است که در عاشورا پیش آمد. امام این را در محرم سال ۵۷ مطرح کردند، در قضیه‌ی ۹ دی هم باز پای امام حسین در میان بود، پای عاشورا در میان بود. اگر آن حرکات سخیف و در واقع گریه‌آور از سوی این گروههای ایضاً سخیف، در عاشورا پیش نمی‌آمد، این حرکت عظیم و این تحرک عمومی مردم معلوم نبود به این شکل به وجود بیاید. اینجا هم پای عاشورا در میان بود.

در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴

اولین درک‌کننده‌ی نقش بانوان در پیروزی انقلاب و دفاع مقدّس

اگر این مادرها آن وقتی که جنازه‌ی بچه‌هاشان می‌آمد یا حتی نمی‌آمد، آه و ناله میکردند، گله میکردند، یقه چاک میزدند، اعتراض به امام و اعتراض به جنگ میکردند، مطمئناً جنگ در همان سالهای اول و در همان مراحل اول زمینگیر میشد. نقش مادران شهدا این است.

همسران صبور شهدا، زنهای جوان، شوهران جوان خودشان را در آغاز زندگی شیرین خانوادگی مورد آرزو از دست بدهند. اولاً راضی بشوند این شوهر جوان بلند شود برود جایی که ممکن است برنگردد؛ بعد هم شهادت او را تحمل کنند؛ بعد هم افتخار کنند، سرشان را بالا بگیرند. اینها آن نقشهای بی‌بدیل است. بعد آنچه که تا امروز ادامه دارد، همسری با جانبازان است. خانمهایی رفتند همسر جانبازان شدند. یک مرد ناقص معیوب احیاناً بداخلاق بخاطر وضع جسمی یا اختلالات ناشی از موج‌گرفتگی و غیره را انسان بعنوان یک متعهد و یک مسئول، داوطلبانه و بدون هیچ اجباری برود پذیرایی‌اش را به عهده بگیرد، خیلی فداکاری کرده است. یک وقت شما می‌گویید من می‌آیم روزی دو ساعت از شما پذیرایی میکنم. خب، هر روزی که شما می‌روید، او از شما تشکر میکند.

یک وقت هست که نخیر، شما خودتان را بعنوان همسر او توی خانه‌ی او میگذارید؛ شدید بدهکارا! یعنی طبیعت کار این است که باید شما این کار را بکنید. اینها این فداکاری را کردند. اصلاً نمیشود نقش زنان را محاسبه کرد.

و من اقرار کنم، اعتراف کنم؛ اول کسی که این نقش را فهمید، امام بزرگوار ما بود- مثل خیلی چیزهای دیگری که اول او فهمید، در حالی که هیچ‌کدام از ماها نمیفهمیدیم- همچنان که امام نقش مردم را فهمید.

امام تأثیر حضور مردم را درک کرد، آن وقتی که هیچ‌کس درک نمی‌کرد. بزرگانی با یک تعبیرات زشتی به ما میگفتند که شما فکر میکنید با همین مردم میشود کار بزرگی انجام داد؟! آنچنان با تحقیر حرف میزدند، کأنه اصلاً انسان نیست آن کسی که به او اشاره میکنند! امام نه؛ امام قدر مردم را دانست، مردم را شناخت، تواناییهای آنها را درک کرد، کشف کرد، فراخوان داد.

علت تأثیرگذاری امام بر قلوب توده‌ی مردم

امام چون صادق بود، چون سخن از آن دل پاکِ بزرگِ نورانی بیرون می‌آمد، اثر گذاشت؛ لذا همه آمدند توی میدان. آن روزی که روز تشکیل کمیته بود، از همه‌ی قشرها آمدند توی کمیته؛ دانشجو آمد، استاد آمد، طلبه آمد، عالم تراز بالا آمد، مردم کوچه و بازار آمدند؛ آمدند عضو کمیته شدند. آن روزی که نوبت جنگ شد، همه به دستور امام رفتند داخل میدان جنگ شدند. آن روزی که امام در اواخر عمرش فرمود باید بروید، بسازید، درست کنید- استغناء- آمدند وارد میدان سازندگی شدند. آن راهگشاییها تا امروز هم ادامه دارد. بنظر من الآن هم هرچه ما داریم پیش می‌رویم، ضرب دست امام است. ایشان آنچنان این گوی را محکم پرتاب کرده، که حالا حالاها امثال بنده باید دنبالش بدویم. این مردم حرکت کردند. نسل به نسل هم دارد دست بدست میشود.

امام در زمینه‌ی زن هم همینجور بود. امام نقش زنان را فهمید؛ و آلاً بودند بزرگانی از علما که ما با اینها بگومگو داشتیم، که اصلاً زنها در تظاهرات شرکت نکنند یا نکنند! آنها میگفتند زنها در تظاهرات شرکت نکنند. آن حصار محکمی که انسان به او تکیه میداد، خاطر جمع میشد، تا بتواند در مقابل اینجور نظراتی که از مراکز مهمی هم ارائه میشد،

ره، رهرو، رهبر / ۹۶۹

بایستد، حصار رأی امام و فکر امام و عزم امام بود. رحمت خدای متعال تا ابدالابدین بر این مرد بزرگ باد.

خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

رهبری امام بزرگوار، از ارکان پیروزی انقلاب اسلامی

با کمال خشوع، با کمال تواضع، جبهه‌ی شکر بر درگاه الهی میساییم که این توفیق را نصیب ملت ایران کرد؛ این حرکت عظیم، این کار بزرگ، این نهضت تاریخ‌ساز، بدست ملت ایران و با رهبری امام بزرگوار انجام گرفت؛ نظام اسلامی تشکیل شد؛ حرکت ملت ایران به سمت خدا، به سمت اهداف الهی، به سمت ارزشهای الهی آغاز شد. هیچ نعمتی از این بالاتر نیست و شکر الهی بر این نعمت بزرگ همیشه لازم است.

در سالروز میلاد نبی اکرم، ۱۳۹۰/۱۱/۲۱

راه انبیاء؛ راه برگزیده‌ی امام در تاریخ انقلاب

واقعاً روزبه‌روز تاریخ انقلاب ما عبرت است؛ روزبه‌روز این سالهای پرتحرک و پرتلاش که انقلاب اسلامی در ایران شروع شد، میتواند بصورت یک نشانه‌ای، یک تابلویی، در مقابل چشم ملتها قرار بگیرد و مایه‌ی عبرت باشد. آن همه توطئه، آن همه فشار به شکل‌های گوناگون و ایستادگی ملت ایران با رهبری آن مرد عظیمی که بلاشک لمعه‌ای و لمحهای از انوار طیبیه‌ی نبوتها در وجود او خدای متعال قرار داده بود. امام بزرگوار ما، این مرد بزرگ، دنباله‌ی همان راه را، همان کیفیت را، همان حرکت را به کار گرفت، ملت ایران هم وفاداری نشان دادند، صدق نشان دادند، در صحنه ماندند، فشارها را تحمل کردند، عزم و اراده‌ی خودشان را فائق کردند بر توطئه‌ی دشمن. لذا این شجره‌ی طیبیه ماند، ریشه دواند، رشد کرد و انشاءالله روزبه‌روز بر رشد و بر استحکام و قوت و قدرت این بنای مستحکم افزوده خواهد شد. اینها همه از برکت اسلام است، همه از برکت ولادت امروز است.

علت اصلی نفوذ کلمه‌ی امام خمینی(ره)

واقعاً آن چیزی که اساس قضیه است، اخلاص است. جناب آقای مهدوی در بیاناتشان اشاره کردند که نفوذ کلمه‌ی امام و رؤ شدن آن چیزی که امام طراحی کرده بودند، بیشتر بخاطر اخلاص امام بود. واقعاً همین‌جور بود؛ مرد با اخلاصی بود، وجودش سر تا پا اخلاص بود. ما اگر اخلاص داشته باشیم، کارهامان پیش می‌رود.

خاطره‌ی اعلام روز ارتش توسط امام خمینی(ره)

من از نزدیک ناظر این حرکت طولانی سی و چند ساله‌ی ارتش هستم. در اولین مراسم ۲۹ فروردین، بنده حضور داشتم. آن وقتی که امام در سال ۵۸ در بیمارستان بستری بودند، همان جا جلوی بیمارستان جایگاه درست کردند و دسته‌هایی از ارتش آمدند آنجا رژه رفتند و روز ارتش به وسیله‌ی امام اعلام شد.

ویژگی و معنای روز زن در کلام امام خمینی(ره)

امام(رضوان‌الله‌علیه) در یک بیانی خطاب به زنها می‌فرمودند: اینکه شما قبول کردید روز ولادت فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله‌علیها) روز زن باشد، این برای شما مسئولیت و تکلیف به وجود می‌آورد. روز شما، روز زن، روز مادر، روز فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله‌علیها) است؛ معنای این چیست؟ این یک حرکت نمادین است؛ این کار، سمبلیک است. معنایش این است که زن باید در این صراط حرکت کند؛ عظمت و جلالت و علو مقام و مقدار برای زنان در این راه است؛ راهی که در آن تقوا هست، عفاف هست، دانش هست، نطق هست، ایستادگی در میدانهای گوناگون محتاج ایستادگی هست، تربیت فرزند هست، زندگی خانوادگی هست؛ همه‌ی زینتها و فضیلت‌های معنوی در آن هست؛ زنان باید در این جهت حرکت کنند.

قال الله الحكيم في كتابه: بسم الله الرحمن الرحيم. و توکل علی العزیز الرحیم. الذی یریک
حين تقوم. و تقلبک فی الساجدين. انه هو السميع العليم.

علت گردهمایی ۱۴ خرداد هر سال

خداوند را سپاسگزاریم که فرصتی دیگر به ما عنایت کرد تا در کنار مرقد امام و
پیشوا و رهبر و مرشد بزرگ این ملت، یکبار دیگر گرد هم جمع شویم، برای تجدید
عهد و تجدید بیعت با این امام بزرگوار، و بازخوانی سیره و درسهای امام- که درسهای
انقلاب است- و برای روشن کردن راه آینده‌مان و تصحیح مسیرمان.

پدر ملت و جنبش اسلامی امروز دنیای اسلام

این روزها مصادف است با عید مبارک ولادت امیر مؤمنان(علیه‌السلام) که پدر امت بود.
مردم ما روز سیزدهم رجب را «روز پدر» نامیده‌اند. امام بزرگوار ما در حق این ملت و در
حق این کشور پدری کرد. پدر امت، یعنی مظهر مهربانی و رحمت و مظهر اقتدار و
صلابت و شخصیت؛ استحکام شخصیت پدرانه، در کنار محبت و مهربانی پدرانه. علاوه
بر اینها، امام پدر جنبش اسلامی امروز در دنیای اسلام است.

«دمیدن روح عزت ملی در کالبد کشور»؛ از خطوط اصلی در سیره‌ی امام خمینی(ره)

یکی از خطوط اصلی در سیره‌ی امام و منش امام که امروز به آن می‌پردازیم و درباره‌ی
آن قدری بحث میکنیم، «دمیدن روح عزت ملی» در کالبد کشور است. بحث درباره‌ی
این حرکت عظیم امام که عزت ملی را در کشور ما و ملت ما زنده کرد، یک بحث متکی
به واقعیات جامعه است؛ یک بحث صرفاً ذهنی نیست. عزت یعنی چه؟ عزت به معنای
ساخت مستحکم درونی یک فرد یا یک جامعه است که او را در مقابله‌ی با دشمن، در
مقابله با موانع، دارای اقتدار میکند و بر چالشها غلبه میبخشد.

تعلق عزت واقعی به خداوند و حاضرین در جبهه‌ی خدایی

در ابتدا یک بحث قرآنی کوتاهی را عرض کنم. در منطق قرآن، عزت واقعی و کامل متعلق به خداوند و متعلق به هر کسی است که در جبهه‌ی خدایی قرار میگیرد. در مصاف بین حق و باطل، بین جبهه‌ی خدا و جبهه‌ی شیطان، عزت متعلق به کسانی است که در جبهه‌ی خدایی قرار میگیرند. این، منطق قرآن است. در سوره‌ی فاطر میفرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا»^۱ در سوره‌ی منافقون میفرماید: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ»^۲ عزت متعلق به خداست، عزت متعلق به پیامبر و به مؤمنین است؛ اگرچه منافقان و کافردلان این را درک نمیکنند؛ نمیفهمند که عزت کجاست، مرکز عزت واقعی کجاست. در سوره‌ی نساء، درباره‌ی کسانی که خود را متصل به مراکز قدرتهای شیطانی میکنند، برای اینکه حیثیتی بدست بیاورند، قدرتی بدست بیاورند، میفرماید: «أَبْتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»^۳ آیا دنبال عزتند این کسانی که به رقبای خدا، به دشمنان خدا، به قدرتهای مادی پناه میبرند؟ عزت در نزد خداست. در سوره‌ی مبارکه‌ی شعراء، گزارشی از مجموعه‌ی چالشهای پیامبران بزرگ را مطرح میفرماید- درباره‌ی حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت هود، حضرت صالح، حضرت شعیب، حضرت موسی- مفصل درباره‌ی چالشهای این پیامبران بزرگ بحث میکند و گزارش الهی و وحی را به گوش مردم میرساند. در هر مقطعی که میخواهد غلبه‌ی جبهه‌ی نبوت را بر جبهه‌ی کفر بیان بفرماید، میفرماید: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ. وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ»^۴ یعنی با اینکه طرف مقابل اکثریت داشتند، قدرت دست آنها بود، پول دست آنها بود، سلاح دست آنها بود، اما جبهه‌ی توحید بر آنها پیروز شد؛ در این یک آیتی است از آیات الهی، و خدای تو عزیز و رحیم است. بعد از آنکه قرآن این گزارش را در طول سوره‌ی مبارکه‌ی شعراء هی تکرار میکند، تکرار میکند، در آخر سوره خطاب به پیغمبر میفرماید: «وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ»^۵؛ به این خدای

۱ سوره‌ی فاطر، آیه‌ی ۱۰. هرکس سربلندی میخواهد، سربلندی یکسره از آن خداست.

۲ سوره‌ی منافقون، آیه‌ی ۸.

۳ سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۳۹.

۴ سوره‌ی شعراء، آیات ۸ و ۹.

۵ سوره‌ی شعراء، آیه‌ی ۲۱۷.

ره، رهرو، رهبر / ۹۷۳

عزیز و رحیم که تضمین‌کننده‌ی غلبه‌ی حق بر باطل است، توکل و تکیه کن. «الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ وَتَقْلُبُكَ فِي السَّاجِدِينَ»^۱؛ او ناظر به حال توست؛ در حال قیام، در حال سجده، در حال عبادت، در حال حرکت، در حال تلاش؛ او حاضر و ناظر است، تو را ببیند؛ «إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»^۲. پس در منطق قرآن، عزت را باید از خداوند طلب کرد.

کاربردِ حصارگونه‌ی عزت در یک فرد یا یک جامعه

وقتی که عزت شامل حال یک انسان، یک فرد یا یک جامعه میشود، مثل یک حصار عمل میکند، مثل یک باروی مستحکم عمل میکند؛ نفوذ در او، محاصره‌ی او، نابود کردن او برای دشمنان دشوار میشود؛ انسان را از نفوذ و غلبه‌ی دشمن محفوظ نگه میدارد. آن وقت هرچه این عزت را در لایه‌های عمیقتر وجود فرد و جامعه مشاهده کنیم، تأثیرات این نفوذناپذیری بیشتر میشود؛ کار به جایی میرسد که همچنان که انسان از نفوذ و غلبه‌ی دشمن سیاسی و دشمن اقتصادی محفوظ میماند، از غلبه و نفوذ دشمن بزرگ و اصلی، یعنی شیطان هم محفوظ باقی میماند. آن کسانی که عزت ظاهری دارند، این عزت در دل آنها، در درون آنها، در لایه‌های عمیق وجود آنها نیست؛ لذا در مقابل شیطان بی‌دفاعند، نفوذپذیرند.

معروف است که میگویند اسکندر مقدونی در یک راهی میگذشت، مردم به او کرنش میکردند. یک مرد پارسای مؤمنی در یک گوشه‌ای نشسته بود، کرنش نکرد، احترام نکرد، بلند نشد. اسکندر تعجب کرد، گفت: او را بیاورید. او را آوردند. گفت: تو چرا در مقابل من کرنش نکردی؟ گفت: زیرا تو غلامِ غلامان منی؛ چرا در مقابل تو کرنش کنم؟ گفت: چطور؟ گفت: زیرا تو غلام شهوت و غضب خود هستی، و شهوت و غضب غلامان منند، در اختیار منند، من بر آنها غالبم.

بنابراین اگر عزت نفس در درون لایه‌های عمیق وجود انسان نفوذ کرد، آن وقت شیطان بر انسان اثر نمیگذارد؛ هواهای نفس در انسان اثر نمیگذارد؛ شهوت و غضب، انسان را بازیچه‌ی خود قرار نمیدهد.

۱ سوره‌ی شعراء آیات ۲۱۸ و ۲۱۹.

۲ سوره‌ی شعراء، آیه‌ی ۲۲۰.

عزت نفس امام و انتقال این روحیه به ملت

ما امام را اینجور شناختیم. امام در طول حیات، چه در حوزه‌ی علم و تدریس، چه در دوران مبارزه‌ی دشوار، و چه در حوزه‌ی مدیریت و حاکمیت - آن وقتی که در رأس کشور قرار گرفت و مدیریت جامعه را در قبضه گرفت - در همه‌ی اینها مصداق «وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ»^۱ بود. برای همین بود که کارهای بزرگی که همه میگفتند نشدنی است، با طلوع امام، این کارها شدنی شد؛ همه‌ی سدهایی که گفته میشد شکستی نیست، با حضور امام، این سدها شکستی شد. او علاوه بر اینکه خود، مظهر عزت نفس و اقتدار معنوی بود، روح عزت را در ملت هم زنده کرد. این، کار بزرگ امام بزرگوار بود؛ که من دوباره برمیگردم، درباره‌ی این نکته توضیح خواهم داد.

ثمرات عزت حاصل از درس‌های انقلاب و امام در ملت ایران

ملت ما با احساس عزتی که از درس‌های انقلاب و امام آموخت، توانست خود را کشف کند. ملت، خود را کشف کرد، تواناییهای خود را کشف کرد؛ و چنین شد که ما در این چند دهه، بسیاری از تحقق وعده‌های الهی را با چشم خود دیدیم؛ چیزهایی را که در تاریخ میخواندیم، در کتابها میدیدیم، در مقابل چشم خودمان مشاهده کردیم؛ غلبه‌ی مستضعفین را بر مستکبرین، بی‌بنیادی قصرهای بظاهر باشکوه مستکبران و بسیاری از حوادث دیگر را در این سالها دیدیم.

من می‌خواهم بر روی این مسئله‌ی «عزت ملی» تکیه کنم تا به یک نقطه‌ی مورد نظر برسیم. امروز روز بزرگی است؛ سالگرد رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران است. امروز یاد امام بزرگوارمان از همیشه زنده‌تر است. میراث بابرکت او امروز در این کشور و در دنیای اسلام در مقابل چشم همگان است. روی برخی از ابعاد وجودی این حرکت تکیه کنیم.

تاریخ نذلت‌بار ایران در دو قرن اخیر

ما ایرانیها در طول تاریخ طولانی خودمان دورانهای متفاوتی را گذرانده‌ایم؛ عزت هم داشتیم، ذلت هم داشتیم؛ اما در این دوران طولانی دویست ساله‌ی منتهی به انقلاب، ما

۱ سوره‌ی شعراء، آیه‌ی ۲۱۷. و بر [خدای] عزیز مهربان توکل کن.

ره، رهرو، رهبر / ۹۷۵

یک دوران سخت تاریکِ ذلت را گذراندیم. خیلها از تاریخ بیخبرند، و خیلها تاریخ را سرسری نگاه میکنند. باید در تاریخ تعمق کرد، از تاریخ درس گرفت. ما در این دو‌یست سال، یک دوران تاریکِ ذلت را از سر گذراندیم. نشانه‌های این ذلت، زیاد است.

ذلت سیاسی ملت ایران در دو قرن اخیر

ما در تمام این دوران، در حوزه‌ی سیاست، یک ملت منزوی بودیم؛ در فعل و انفعالات منطقه‌ی خودمان - چه برسد به فعل و انفعالات جهان - هیچ تأثیری نداشتیم. در این دوران دو‌یست ساله، استعمار به وجود آمد. دولتهای مستعمر از اقصی نقاط عالم به منطقه‌ی ما آمدند؛ کشورهایی را گرفتند، ملت‌هایی را اسیر کردند، منابع ثروت ملت‌ها را غارت کردند. در این دو‌یست سال، دولت ایران و ملت ایران، بیخبر و غافل، به حوادث نگاه میکردند؛ حتی شاید از حوادث مطلع هم نمیشدند، چه برسد به اینکه بخواهند در آن حوادث دخالت کنند و تأثیر بگذارند.

ذلت‌های اقتصادی و علمی ملت ایران در دو قرن اخیر

در حوزه‌ی اقتصاد، وضع ما روزه‌روز به طرف انحطاط بیشتر حرکت میکرد. در حوزه‌ی علم و فناوری، بکلی عقب مانده بودیم؛ هیچ دستاورد علمی‌ای که قابل توجه و قابل عرضه باشد، در مقابله با حرکت عظیم علمی در دنیا نداشتیم. در سیاست داخلی خودمان، دستخوش سیاست‌های بیگانگان بودیم. استعمارگرها، قدرتهای مسلط دنیا، بر روی حکومت‌های ما اثر می‌گذاشتند؛ آنها را به این طرف و آن طرف میکشاندند، به آنها تحمیل میکردند، از آنها کار میکشیدند؛ و دولتهای ما، پادشاهان ما، قدرتهای مسلط ما، هیچ عکس‌العمل شایسته‌ی انسانی افتخارآمیزی از خودشان نشان نمیدادند.

ذلت ایران در عرصه‌ی حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت در دو قرن اخیر

حتی در زمینه‌ی حفظ تمامیت ارضی کشور، حفظ حاکمیت دولتها، ضعف خجالت‌آوری را در این دوران دو‌یست ساله مشاهده و تجربه کردیم. در همین دوران دو‌یست ساله است که معاهده‌ی ذلت‌بار ترکمانچای و قبل از آن، معاهده‌ی گلستان اتفاق

افتاد؛ هفده شهر قفقاز را از ایران جدا کردند. در همین دوران دویست ساله بود که آمدند بوشهر ما را اشغال کردند، بدون کمترین مقاومتی از سوی دولت و دولتیها. در همین دوران بود که یک دولت بیگانه آمد در قزوین اردوی نظامی زد و دولت مرکزی تهران را تهدید کرد که باید فلان کار را بکنید، فلان اقدام را بکنید، فلان کس را بیرون کنید، و آلا به تهران حمله میکنند. یعنی تا قزوین جلو آمدند، تهران را تهدید کردند، دولت مرکزی در تهران به خود میلرزیدند. اگر شخصیت‌های نادری در این میان نبودند، قطعاً تسلیم اولتیماتوم آن دولت بیگانه میشدند. در همین دوران بود که دولت انگلیس آمد حکومت پهلویها را در ایران به وجود آورد؛ رضاخان را انتخاب کردند، از یک مرکز فرودستی او را بالا کشیدند، به سلطنت کشور رساندند و سلطنت او را در کشور بصورت یک قانون درآوردند و همه‌ی امور را بدست او دادند و او هم در مشت خودشان و در اختیار خودشان بود. در همین دوران بود که قرارداد ننگین ۱۲۹۹-۱۹۱۹ میلادی- اتفاق افتاد؛ که بر طبق این قرارداد، اقتصاد کشور بدست بیگانه می‌افتاد و سیاست کشور و اقتصاد کشور یکباره در اختیار دشمنان ایران قرار میگرفت. در همین دوران بود که رئیس سه کشور- که متحدین جنگ بودند- به تهران آمدند و بدون اینکه از دولت اجازه بگیرند، بدون اینکه به دولت مرکزی کمترین اعتنایی بکنند، در اینجا جلسه تشکیل دادند. روزولت، چرچیل و استالین به میل خودشان به تهران آمدند و جلسه تشکیل دادند؛ نه از کسی اجازه گرفتند، نه گذرنامه‌ای نشان دادند. محمدرضا که آن روز پادشاه ایران بود، مورد اعتنای اینها قرار نگرفت؛ آنها به دیدن او نرفتند، او به دیدن آنها رفت؛ وارد اتاق شد، برایش بلند نشدند، اعتنا نکردند! ببینید ذلت یک دولت مرکزی که سرریز میشود بر روی مردم، تا کجاها منتهی میشود؟ این، حسیض ذلت یک حکومت و یک ملت است. این، مال دوران دویست ساله‌ی ماست.

البته در این میان، استثناهایی وجود داشت: مثلاً یک امیرکبیری سه سال بر سر کار آمد. یا فتوای میرزای بزرگ شیرازی توانست قضیه‌ی تنباکو را فیصله بدهد. یا علما در قضیه‌ی مشروطیت دخالت کردند. یا نهضت ملی شدن نفت در یک دوره‌ای به راه افتاد. همه‌ی اینها کارهای کوتاه‌مدت، موقت و بعضاً بکلی ناکام بود؛ اما روال کلی، حرکت کلی، حرکت ذلت بود که بر این ملت بزرگ، بر این ملت تاریخ‌ساز، بر این ملت دارای موارث عظیم تاریخی تحمیل شده بود.

دمیدن روح عزت ملی در مردم؛ همت اصلی امام

انقلاب کبیر اسلامی بکلی جهت را عوض کرد و ورق را برگرداند. همت امام- که رهبر این انقلاب و زمامدار این انقلاب و پیشوای این انقلاب بود- بر این گماشته شد که روح عزت ملی را در این مردم احیا کند؛ عزت آنها را به آنها برگرداند. امام بزرگوار فرهنگ «ما میتوانیم» را به دهان مردم انداخت و در دل آنها جایگزین کرد؛ این همان فرهنگ قرآنی است که فرمود: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». خود ایمان به معنای علو است. ایمان وسیله‌ی علو مادی است، اما فقط این نیست؛ نفس ایمان علوآور است، عزت‌آور است، یک ملت را رشد میدهد. خود امام جلو افتاد، رهبری کرد، آن وقت انگیزه‌ها در مردم بیدار شد، همتها در مردم بیدار شد، استعدادها جوشیدن گرفت؛ و عمل مردم، حضور مردم در صحنه، زمینه‌ی جلب رحمت الهی شد. این نکته‌ی بسیار عظیمی است. رحمت الهی گسترده است؛ اما تا انسان ظرف خود را آماده نکند، این باران رحمت گیر او نمی‌آید. ملت ما به صحنه آمد، خود را در وسط میدان قرار داد، این شد زمینه‌ی رحمت الهی و هدایت الهی؛ هدایت الهی شامل حال او شد، رحمت الهی شامل حال او شد، حرکت بی‌وقفه آغاز شد؛ حرکت به سمت عزت، حرکت رو به جلو، حرکت عزت‌آفرین؛ البته گاهی کند، گاهی تند، اما بدون وقفه و تعطیل. وقتی ادبیات انقلابی امام را ملاحظه میکنید، مبینید تکیه‌ی اصلی بر روی ساخت درونی ملت است؛ احیای روح عزت، نه با تفاخر، نه با غرور، نه با به‌خودبستن، بلکه با استحکام ساخت درونی.

خصوصیت ویژه‌ی «احیای روح عزت ملی» و وظیفه‌ی ما

آنچه ما باید به آن توجه کنیم، این است که این یک کار مقطعی نیست؛ این یک کار مستمر است، یک کار ادامه‌دار است. ملت باید با عوامل رکود و ایستایی مقابله کند. عواملی وجود دارد که یک انسان پیشرو را، یک ملت پیشرو را متوقف میکند. بعضی از این عوامل در درون خود ماست؛ بعضی از این عوامل، تمهیدات دشمن است. اگر بخواهیم دچار رکود نشویم، دچار ذلت نشویم، دچار عقبگرد نشویم، دچار همان

۱ سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۳۹. و اگر مؤمنید، سستی نکنید و غمگین مشوید، که شما برترید.

وضعیت دوزخی قبل از انقلاب نشویم، باید حرکتیمان متوقف نشود. اینجاست که با یک مفهومی به نام «پیشرفت» روبه‌رو میشویم. باید دائم پیشرفت کنیم. این عزت ملی، این استحکام درونی، این ساخت مستحکم، بایستی دائم در حال جلو رفتن باشد و ما را به پیشرفت برساند. این دهه به «دهه‌ی پیشرفت و عدالت» نامگذاری شده است. عدالت هم در دل پیشرفت است.

قرار گرفتن ملت ایران در جاده‌ی پیشرفت توسط امام خمینی

پیشرفت، فقط پیشرفت در مظاهر مادی نیست؛ در همه‌ی ابعاد وجودی انسان است؛ که درونش آزادی هم هست، عدالت هم هست، اعتلای اخلاقی و معنوی هم هست؛ اینها همه در مفهوم پیشرفت هست. البته در آن، پیشرفت مادی، پیشرفت مظاهر زندگی، پیشرفت علمی هم وجود دارد. امام با آن حرکت خود، ما را در جاده‌ای قرار داد که باید در این جاده پیش برویم. هرگونه توقف در این جاده، ما را به عقبگرد میرساند. ملتی که از حقیقت عزت برخوردار شده است و در جاده‌ی پیشرفت قرار گرفته است، اگر این نعمت را کفران کند، آن وقت مصداق این آیه‌ی شریفه میشود که «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ»؛ دنیا دوباره دوزخ خواهد شد، زندگی دوباره تلخ خواهد شد. ملتها اگر ایستادگی نکنند و پیش نروند، دوباره همان سختی و سیاهی دوران ذلت بر سر آنها سایه‌افکن خواهد شد.

الگوی زنده‌ی «عزت ملی»

ما امروز در مسئله‌ی عزت ملی و پیشرفت ناشی از آن با یک الگوی زنده مواجه‌ایم. عرض کردم؛ بحث ما یک بحث ذهنی محض نیست. یک الگوی زنده در مقابل ماست و آن، خود این ملت و این جامعه است؛ یک مدل تجربه شده و امتحان داده. ملت ایران با این مدل، با این الگو وارد میدان شده. من نمونه‌هایی از پیشرفت ملت ایران را عرض میکنم؛ هر کدام از اینها یک شرح مفصل و مصداقهای متعدد دارد.



۱ سوره‌ی ابراهیم، آیات ۲۸ و ۲۹. آیا به کسانی که [شکر] نعمت خدا را به کفر تبدیل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت درآوردند ننگریستی؟ [در آن سرای هلاکت که] جهنم است [و] در آن وارد میشوند، و چه بد قرارگاهی است.

شاخصها و نمونه‌های پیشرفت حاصل از رهبری امام بزرگوار

شاخص و نمونه‌ی اول پیشرفت؛ غلبه بر همه‌ی چالشها

یک نمونه از پیشرفت ملت ایران، غلبه‌ی بر همه‌ی چالشهای سیاسی و نظامی و امنیتی و اقتصادی در طول این سی و سه سال است. هدف آنها از این چالشها، از بین بردن موجودیت نظام بود؛ موجودیت نظام را آماج قرار داده بودند. ملت بر همه‌ی این چالشها پیروز شد. در این میدان، یک روز که دنیا دست شرق و غرب بود، ملت ایران بر شرق و غرب پیروز شد؛ امروز که به حسب ظاهر، دنیا در دست غرب گمراه است، ملت ایران توانسته است بر این غرب گمراه پیروز شود.

شاخص و نمونه‌ی دوم پیشرفت: تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای

نمونه‌ی دیگر از پیشرفت ملت ایران این است که ما ملت ایران، امروز از لحاظ قدرت سیاسی، از لحاظ قدرت تأثیرگذاری بر تحولات دنیا و حضور در فعل و انفعالات منطقه‌ی خودمان، بلکه دیگر مناطق جهان، از اول انقلاب بمراتب قویتریم. این مسئله، نمونه‌هایی دارد، شواهدی دارد؛ این را دشمنان ما میگویند. یکی از رؤسای رژیم جعلی صهیونیستی، که دشمن شماره‌ی یک ملت ایران و انقلاب ایران است، اعتراف میکند و میگوید - اینها عین عبارت اوست - امروز یک نیروی قدرتمندی وجود دارد که در خلاف جهت هدفهای ما پیش میرود و ایران رهبری این قدرت را بدست گرفته است. این سیاستمدار در مانده و حیرت زده اعتراف میکند و میگوید امروز پشت مرزهای ما خمینی خیمه زده است! یک سیاستمدار کهنه‌کار شناخته‌شده‌ی امریکایی هم که ما با وضع او کاملاً آشنا هستیم، در یک جلسه‌ی مقایسه می‌کند امریکای ۲۰۰۱ میلادی را با امریکای ۲۰۱۱، میگوید - که این حرفها همه مال همین دو، سه ماه اخیر است - کدام دیوانه‌ای وضعیت امریکای ابرقدرت اول هزاره را به شرایط رقتبار امریکا در سال ۲۰۱۱ - سال گذشته‌ی میلادی - تبدیل کرده است؟ بعد میگوید: این تحولاتی که اتفاق افتاده و به این وضع منتهی شده است، دامن‌زننده به این تغییر، ایران است. معنای این جملات این است که امروز ملت ایران توانسته است با حضور خود، با استقامت خود، با عزت خود، با صلابت خود، بر روی حوادث مهم جهان و حوادث مهم منطقه، این تأثیرات ژرف را

باقی بگذارد. این هم یک شاخص از شاخصهای پیشرفت، که عرض کردم عینی و جلوی چشم ماست.

شاخص و نمونه‌ی سوم پیشرفت حاصل از رهبری امام؛ عمران و آبادانی کشور

یک شاخص دیگر، حجم خدمات عمرانی و آبادانی در این کشور پهناور است. امروز شما میتوانید در همه‌ی گوشه و کنارهای این کشور، خدمات عمرانی را، خدمات آبادانی را، سازندگی را به معنای وسیع کلمه مشاهده کنید؛ که سال به سال هم افزایش پیدا میکند. این از جمله‌ی شاخصهای مهم پیشرفت یک ملت است. از جمله‌ی شاخصهای پیشرفت این است که پیچیده‌ترین طرحها، پیچیده‌ترین دستگاههای صنعتی، سازه‌های مهندسی، کارخانه‌های فولاد، نیروگاهها و کارهای بزرگ که در این کشور انجام میگیرد، تماماً بدست متخصصان ایرانی و جوانهای ساخته‌شده‌ی انقلاب است. ما امروز در بسیاری از کارهای مهمی که در این کشور انجام میگیرد، هیچ احتیاجی به حضور متخصصان خارجی نداریم. این کشوری که یک آسفالت میخواستند بکنند، یک پل میخواستند در خیابان بزنند، بایستی از بیرون اشخاصی را می‌آوردند، امروز کارهای بزرگ، سازه‌های عظیم مهندسی، کارهای پیچیده انجام میدهد. انجام‌دهنده، همین جوانهایی هستند که در محیط انقلاب پرورش پیدا کردند، بارور شدند، بالنده شدند، بارها را بر دوش گرفتند.

شاخص و نمونه‌ی چهارم: شتاب درخشان علمی کشور

یک شاخص دیگر، شتاب علمی کشور است - که بارها اعلام شده، تکرار شده - تولیدات نمایه شده، رتبه‌ی علمی کشور در سال ۲۰۱۱ میلادی؛ که اینها همه‌اش افتخارآفرین است. این هم قضاوت ما نیست؛ قضاوت مراکز علمی رسمی دنیاست که آنها دارند میگویند. میگویند رشد علمی کشور، یازده برابر متوسط رشد دنیاست؛ و سال ۲۰۱۱ نسبت به سال قبل، بیست درصد هم افزایش پیدا کرده؛ این را آنها دارند میگویند. در بعضی از حوزه‌ها، مثل حوزه‌ی هسته‌ای، حوزه‌ی نانو، حوزه‌ی سلولهای بنیادی، حوزه‌ی هوافضا، حوزه‌ی زیست‌فناوری، وضع ما درخشان است. کارهایی که دارد انجام میگیرد، کارهای درخشانی است که در دنیا به شکل معدودی وجود دارد. در بین این همه کشور دنیا - کشورهای به اصطلاح پیشرفته و غیرپیشرفته - بعضی از این کارها فقط

در پنج کشور یا در ده کشور یا در پانزده کشور، بیشتر وجود ندارد. به ما هم که هیچ کمک علمی نکردند. در مراکز علمی پیشرفته‌ی دنیا به روی دانشجویهای ما بسته است؛ اینها از درون جوشیده است. و البته همینجا در حاشیه عرض بکنم؛ این تحریمهایی که انجام گرفت، بزرگترین کمک را به ما در این زمینه کرد.

شاخص و نمونه‌ی پنجم: مردم‌سالاری اسلامی

یکی از مظاهر و نمونه‌ها و شاخصهای پیشرفت، مردم‌سالاری اسلامی است، که باید به اینها توجه کرد؛ بسیار مهم است. ما انتخابات شورانگیزی در این کشور داشتیم: انتخابات ریاست جمهوری در دوره‌های مختلف؛ که از همه پرشورتر، دوره‌ی دهم در سه سال گذشته بوده است. همچنین انتخاباتهای مجلس. ما نه دوره‌ی قانونگذاری در کشور داشتیم؛ که همه‌ی این‌ها در روز هفتم خرداد، بدون یک روز تأخیر، افتتاح شده است؛ این چیز کوچکی است؟ در طول سی و سه سال، نه دوره انتخابات مجلس برگزار شده است، نه تا مجلس شورای اسلامی تشکیل شده است، بدون یک روز تأخیر. هیچ حادثه‌ی سیاسی، حادثه‌ی امنیتی، حادثه‌ی اقتصادی، تهدیدهای دشمن نتوانسته است انتخابات را یک روز عقب بیندازد. در همه‌ی دوره‌ها، هفتم خرداد، روز تشکیل مجلس جدید است.

شاخص و نمونه‌ی ششم: تقویت انگیزه‌ها و شعارهای انقلابی

مورد دیگر، انگیزه‌ها و شعارهای انقلابی مردم است. شما نگاه کنید جشنهای یادبود انقلابهای دنیا در کشورها چگونه انجام میگیرد. یک مراسم رسمی‌ای درست میکنند، یک عده‌ای از رجال یک جایی جمع میشوند، احیاناً نیروهای مسلحی هم رژه میروند. در ایران، سالروز پیروزی انقلاب - یعنی بیست و دوی بهمن - به وسیله‌ی میلیونها مردم در سرتاسر کشور با شوق و ذوق فراوان انجام میگیرد؛ هر سال هم از سال قبل شورانگیزتر و مهمتر و بزرگتر؛ این نشان‌دهنده‌ی زنده بودن این ملت و پیشرفت این ملت در اهداف انقلابی است.

شاخص و نمونه‌ی هفتم: توجه به معنویت

در تهذیب و تطهیر روحیه هم همین‌چور. بعضیها نگاه میکنند به یک مظاهری، میبینند یک چند تا جوان، یک چند تا زن یا مرد، یک عمل خلافی انجام دادند، فوراً رویش یک قضاوت کلی میگذارند؛ این غلط است. مردم به معنویات توجه دارند. شما همین روزها به مساجد دانشگاهها بروید، ببینید در این روزهای اعتکاف چه خبر است. از فردا جوانهای ما میروند در مساجد اعتکاف میکنند. یکی از شلوغترین، گرمترین و پرشورترین مراکز اعتکاف، مساجد دانشگاههای ماست؛ غیر از مساجد عمومی و مساجد بزرگ، که همه در آن شرکت میکنند. این نشان‌دهنده‌ی حرکت مردم به سمت معنویت است.



حضرت امام(ره)؛ بازکننده‌ی راه پیشرفت همه جانبه کشور، زیر پرچم اسلام

با اینهاست که ما میتوانیم تشخیص بدهیم، قضاوت کنیم، حکم کنیم به این که کشور ما، ملت ما، در حال پیشرفت است. در همه‌ی ابعاد، کشور دارد پیشرفت میکند؛ و همه در زیر پرچم اسلام و در سایه‌ی دعوت الهی این مرد بزرگ، این انسان والا، این جانشین بحق پیامبران و اولیای الهی. این مرد بزرگ راه را در مقابل ملت ما باز کرد.



لزوم خویشتنداری مسئولین از خودشگفتی و تمتعات دنیوی، به تبعیت از امام

خب، حالا من حرف آخر را در این زمینه عرض بکنم. عزیزان من، جوانهای عزیز، مردم مؤمن! بله، ما رکورد زدیم، ما پیشرفت کردیم؛ اما اگر دلمان را به آنچه که تاکنون بدست آوردیم، خوش کنیم، شکست خواهیم خورد؛ اگر توقف کنیم، به عقب پرتاب خواهیم شد؛ اگر دچار غرور شویم، دچار عجب و خودشگفتی شویم، به زمین خواهیم خورد؛ اگر ما مسئولان کشور- بخصوص این دیگر مربوط به ما مسئولان است- دچار خودمحوری شویم، دچار تکبر شویم، دچار خودشگفتی شویم، تودهنی خواهیم خورد. دنیا اینجور است، سنت الهی این است. در پی کسب محبوبیت نباشیم، دنبال تمتعات دنیوی نباشیم، دنبال پرداختن به اشرافیگری و تجملات نباشیم. ما مسئولین، خودمان را حفظ کنیم؛ همچنان که این مرد بزرگ خود را حفظ کرد. اگر ما اینجا دچار اشتباه شویم،

ره، رهرو، رهبر / ۹۸۳

مصدق همان آیهی شریفه خواهیم شد که: «وَأَحْلُوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ»^۱.

در دیدار نمایندگان مجلس نهم، ۱۳۹۱/۳/۲۴

اخلاص؛ راز پیروزی امام، انقلاب و دفاع مقدس

یک نکته‌ی اساسی در اینجا وجود دارد که همه‌ی ما باید به آن توجه کنیم- بنده بیشتر از شما به توجه به این نکته احتیاج دارم؛ همه‌ی شما هم به اقتضای مسئولیت، احتیاج دارید- و آن، احساس تکلیف است؛ اخلاص نیت و عمل برای خداست. این اگر شد، همه‌ی مشکلات حل خواهد شد، همه‌ی راهها گشاده خواهد شد؛ این اگر شد، رحمت الهی و کمک الهی شامل حال خواهد شد؛ «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا»^۲- همین آیه‌ی که الان تلاوت کردند- این اگر شد، توهم غلط انهمام در مقابل دشمن و تسلط دشمن از بین خواهد رفت. توکل به خدا، ارتباط با خدا- که ناشی از این نیت خالص است- همه‌ی مشکلات را حل میکند. انقلاب هم همینجور پیروز شد. اگر امام بزرگوار ما- که حقیقتاً رهبر به تمام معنی‌الکلمه بود- این توکل را، این اخلاص را نداشت، قطعاً این انقلاب پیروز نمیشد. اگر مردمی که آمدند توی میدان، نخبگانی که مردم را کشاندند وسط میدان، این اخلاص را، این کار برای خدا را نمیداشتند، کار پیش نمیرفت. در دوران دفاع مقدس هم همینجور بود.

در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳

مجاهدت همراه با تدبیر؛ درس امام در ترکیب دو مقوله‌ی «آرمانگرایی» با «واقع بینی»

چیزی که در این حرکت سی و سه ساله انسان مشاهده میکند، درسی که انقلاب داد و امام بزرگوار باقی گذاشت، این است که در این حرکت سی و سه ساله، آرمانها و آرزوهای عظیمی که اسلام آنها را به ما القا میکند و تعلیم میدهد، از نظر دور نماند؛ در

۱ سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۲۹. [در آن سرای هلاکت که] جهنم است [و] در آن وارد میشوند، و چه بد قرارگاهی است.

۲ سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۲۹. اگر از خدا پروا دارید، برای شما [نیروی] تشخیص [حَقَّ از باطل] قرار میدهد.

عین حال واقعیت‌های موجود جامعه و جهان هم مورد توجه قرار گرفت؛ این کمک کرد به اینکه این حرکت بتواند ادامه پیدا کند؛ یعنی ترکیب آرمانخواهی و آرمانگرایی با واقع‌بینی. یک حرفی را سر زبانها انداختند، درباره‌اش نوشتند و گفتند؛ الآن هم انسان در گوشه و کنار میشوند که ملاحظه‌ی واقعیت‌های جامعه و جهان، با آرمانگرایی نمیسازد. آرمانگرایی را اشتباه کردند با رؤیابگرایی. آنچه که ما میخواهیم دنبال کنیم و اصرار بر آن داریم، این است که واقع‌بینی، مشاهده‌ی واقعیات جامعه و جهان، با آرمانگرایی و تعقیب آرمانها و آرزوهای بزرگ ملت ایران هیچگونه تنافی و تعارضی ندارد. اگر ما توانستیم آرمانگرایی را با واقع‌بینی و واقعگرایی همراه کنیم، ترجمه‌ی عملیاتی‌اش میشود اینکه ما تدبیر را با مجاهدت ترکیب کنیم؛ هم مجاهدت کنیم و مجاهدانه حرکت کنیم، هم این حرکت مجاهدانه در یک چهارچوب تدبیرشده‌ای قرار بگیرد؛ که این، آگاهی عمومی، آگاهی دست‌اندرکاران، همراهی دلها و زبانها در همه‌ی عرصه‌ها را میطلبد.

در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۱/۵/۱۷

تکرار احساس امام نسبت به بسیجیها در رهبری، نسبت به جوانان دانشجوی

من پارسال یا پیرارسال بود که در همین جلسه به دانشجویها خطاب کردم، گفتم چرا در مسائل اجتماعی موضع نمیگیرید و وارد نمیشوید؟ من خوشبختانه میبینم در این دو، سه سال اخیر موضعگیری در مسائل گوناگون، در محیطهای دانشجویی و جوانهای دانشجوی، خیلی بارز است؛ خوب، این خوب است؛ این را من تقدیر میکنم و تشکر میکنم؛ منتها یک وقت مثلاً فرض کنید قضیه‌ی غزه پیش می‌آید، یک مشت جوان دانشجوی میگویند این فلان شده‌ها، این صهیونیستهای خبیث سر بچه‌های غزه دارند بمب میریزند، فلان میکنند؛ برویم پدرشان را دریاوریم؛ راه می‌افتند، میروند فرودگاه! خوب، این احساسات، احساسات مقدس و پاکی است. امثال من که یک کنار نشستیم و داریم نگاه میکنیم، آدم میخواهد جانش را فدای یک چنین احساساتی بکند؛ این واقعاً ارزش دارد. اینکه امام فرمودند من دست و بازوی بسیجیها را میبوسم، جایش همینجاست. آدم وقتی میبیند که یک جوانی اینجا توی خانه، در گرمای تابستان کولر و یخچال دارد، در سرمای زمستان وسیله‌ی گرمایی دارد، دانشگاه می‌رود، درس میخواهد، موفقیت دارد، بعد

یکهو مسئله‌ی غزه می‌خواهد او را به حالت انفجار برساند، می‌گوید می‌خواهم بروم آنجا؛ خوب، این احساس، احساس باارزشی است؛ اما رفتن، غلط است.

در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲

خرسندی از برجستگی توصیه‌های امام در دولت نهم و دهم

یک بخش دیگر از این نقاط قوتی که به نظر من روی آن باید تکیه کرد، مسئله‌ی برجسته شدن ارزشهای انقلاب است. در این سالهایی که دولت نهم و دولت دهم بر سر کار بودند تا امروز، گفتمان انقلاب و ارزشهای انقلاب و چیزهایی که امام به آن توصیه میکردند و ما آنها را از انقلاب آموختیم، خوشبختانه کاملاً برجسته شده: مسئله‌ی ساده‌زیستی مسئولان، استکبارستیزی، افتخار به انقلابیگری.

یک دوره‌ای بر ما گذشت که اسم انقلاب و انقلابیگری و اینها به انزوا افتاده بود؛ سعی میکردند بعنوان یک ارزش منفی یا ضد ارزش، از این چیزها یاد کنند؛ مقاله مینوشتند، حرف میزدند، گفته میشد. امروز خوشبختانه این‌چنین نیست، درست به عکس است؛ گرایش عمومی مردم و مسئولان کشور به حرکت انقلابی، جهتگیری انقلابی، ارزشهای انقلابی و مبانی انقلاب است. این را توجه داشته باشید که یکی از عوامل گرایش مردم به دولت، همین‌هاست؛ یعنی مردم به این ارزشها اهمیت میدهند. مسئله‌ی دعوت به عدالت، مسئله‌ی ساده‌زیستی، دور بودن مسئولان از تجمل؛ اینها خیلی چیزهای مهمی است.



طبیعی بودن دشمنیها با مواضع قاطع انقلابی؛ مثل زمان امام

حالا البته بعضیها در روزنامه، در سایت، در تریبونهای گوناگون مطالبی منتشر میکنند؛ اینکه چرا ما در دنیا دشمن تراشی کردیم که اینقدر با ما دشمنی کنند! به نظر من اینها حرفبافی است. آنچه که گفته میشود، متکی به یک تحلیل درست نیست. نه، دشمنیها خیلی طبیعی است. وقتی که امام بزرگوار بود، دشمنیها زیاد بود؛ برای خاطر مواضع قاطع امام. هرچه مواضع ما ضعیفتر شود و عقب‌نشینی کنیم، آنها طبعاً چهره‌شان بظاهر متبسم‌تر میشود. البته جلو می‌آیند. یعنی چهره را متبسم میکنند، برای اینکه بتوانند جلو

بیابند، مناطق را تصرف کنند و ما را از پیشرفت هدفهامان باز بدارند. هرچه ما در حرکت خودمان جدّیتر و مصمّمتر باشیم، آنها ناراحت میشوند و چهره‌شان عبوس میشود.

در دیدار نیروهای مسلّح منطقه‌ی شمال کشور و خانواده‌های آنان، ۱۳۹۱/۶/۲۸

وجود آماده‌ی امام؛ زمینه‌ساز کمک الهی برای پیروزی انقلاب اسلامی

دوران مبارزات، دوران دشواری بود؛ امید به اینکه این مبارزات به پیروزی برسد، پیش بعضیها صفر بود، پیش بعضی اندکی بالاتر از صفر؛ امید زیادی وجود نداشت. امام بزرگوار ما با شخصیت خداداده‌ی نسبت به زمان ما استثنایی، توانست این راه را ادامه بدهد. با نفس گرم خود، با حکمت او، با اخلاص و دینداری او، با خداباوری او، این راه ادامه پیدا کرد. صدها بار کسانی که تو آن راه بودند، دچار تردید میشدند، دچار تزلزل میشدند، اما وقتی نفس گرم آن مرد خدایی به آنها میرسید، دوباره همه چیز از نو شکوفا میشد. خدا به او کمک میکرد، زمینه‌ی آماده‌ی در وجود او، شخصیت او بود، و خدای متعال هم به او پاداش میداد، به او الهام میکرد، او را هدایت میکرد، دست او را میگرفت و به او کمک میکرد، تا رسید به مقطع انقلاب اسلامی، و با ناباوری همه‌ی عالم، این انقلاب پیروز شد.

پیروزی کشورهای دیگر بر مستکبران با الهام از امام

من وقتی برای آن رهبر آفریقایی پیروزی انقلاب اسلامی را تشریح کردم، برایش خیلی جالب بود، خیلی تازه بود. رفت، بعد از اندکی دیدم در داخل کشور خودش همین حرکت مردمی راه افتاد، احساس کردم الهام گرفته از رفتار امام بزرگوار ماست، رفتار ملت ایران است و پیروز هم شد. او بر یکی از قدرتهای بزرگ زورگوی مسلط خبیث عالم توانست پیروز بشود و کشورش را نجات داد.

تأثیر نفس گرم امام بر استحکام انقلاب

یکی از پیشرفتهای یک نظام این است که هرچه زمان میگذرد، ریشه‌ی او مستحکمتر

بشود، شاخ و برگ او گسترده‌تر بشود، بدنه‌ی آن استحکام بیشتری پیدا کند. امروز بدنه‌ی نظام جمهوری اسلامی، استحکامش از سال ۵۹ و ۶۰ و ۶۱ و آن سالهای اولیه بیشتر است. آن روز دشمنان ما احتمال بیشتری میدادند که بتوانند نظام را سرنگون کنند. امروز امیدهای آنها بمراتب ضعیف شده است و در موارد بسیاری این امیدها تبدیل به یأس شده. این استحکام نظام را نشان میدهد. خب، این یک بحث دیگری است که این استحکام از کجا می‌آید، ناشی از چیست؟ این استحکام روزافزون، این ریشه‌دار شدن پی‌درپی، ناشی از چیست؟ ناشی از ایمانهای عمیق است؟ ناشی از معرفت عمیق است؟ ناشی از نفوذ ایمان در دلهاست؟ ناشی از سلامت شعارهاست؟ ناشی از نفس گرم آن بنیانگذار بزرگ و به معنای حقیقی کلمه عظیم، امام بزرگوار است؟ ناشی از چیست؟

در دیدار شرکت‌کنندگان در ششمین همایش ملی نخبگان جوان، ۱۳۹۱/۷/۱۲

رزمندگان دیروز و نخبگان متعهد امروز؛ مصداق فتح الفتوح مدنظر امام

امام بزرگوار ما در یک حادثه‌ی مهم جنگی - که خیلی از شماها آن وقت شاید متولد هم نشده بودید- در قضیه‌ی یکی از عملیات [ها] که پیروزی‌ای بدست رزمندگان آمده بود، یک پیامی دادند. در آن پیام این نکته وجود داشت که فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی، تربیت این جوانهاست. همه توقع داشتند که امام بگوید این پیروزی‌ای که شما بدست آوردید، فتح‌الفتوح است؛ از آن پیروزی ستایش کند؛ امام نه، از رزمندگان تشکر کردند. اما گفتند فتح‌الفتوح انقلاب ما تربیت این جوانهاست؛ که در آن شرایط دشواری که همه‌ی دنیا در مقابل ما با چهره‌ی دژم و سلاح آماده‌ی شلیک ایستاده بودند، اینها توانستند یک چنین پیروزی بزرگی را بدست آورند؛ عملیات طریق‌القدس بود. من همین را تکرار میکنم: فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی اینهاست. پیشرفت واقعی این است که جوانهای ما، نخبگان ما نسبت به آینده احساس مسئولیت کنند؛ برای خودشان دیدگاه تعریف کنند؛ برای کشور آینده‌ای را تصویر کنند و مجسم کنند و احساس کنند و این احساس را اظهار کنند؛ که آماده‌اند برای رسیدن به این آینده، تلاش کنند. این چیزی است که امروز وجود دارد؛ این را باید تقویت کرد، این را باید پیش برد. این احساس و روحیه‌ی نشاط را باید روزبه‌روز در جامعه‌ی ما تشدید کرد. اگر این شد، آن وقت این

دارایی شخصی شما- این استعداد و این نخبگی که یک دارایی شخصی است- تبدیل خواهد شد به دارایی ملی؛ ببینید چقدر خوب است.^۱

در اجتماع مردم بجنورد، ۱۳۹۱/۷/۱۹

بیانات امام؛ منبع اصلی تعیین اهداف انقلاب اسلامی

من اصرار دارم که بالخصوص جوانهای عزیز ما و نخبگان کشور به مسائل اصلی امروز توجه داشته باشند؛ ما امروز اینها را لازم داریم. هدفهای این حرکت، از اول انقلاب ترسیم شد؛ هم در شعارهای مردم، هم در بیانات امام (رضوان الله تعالی علیه) نقشه‌ی راه بطور اجمالی معلوم شد؛ بعد هم در طول زمان، در این سی سال، نقشه‌ی راه تدوین شد، پخته شد، تکمیل شد؛ امروز ملت ایران میداند که چه میخواهد و دنبال چیست.

در دیدار علما و روحانیون خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۱۹

خاطره‌ای از امام در وصف شخصیت امیرزا حسن بجنوردی

علمایی که ما شناختیم که از این منطقه برخاستند، بسیاریشان جزو برجستگان استعداد بودند. حالا یک نفری که من خودم ایشان را زیارت کردم و در درسشان شرکت کردم، مرحوم آقای امیرزا حسن بجنوردی هستند. وقتی ایشان در سال ۴۰ یا ۴۱ برای زیارت مشهد و قم از نجف به ایران آمدند، امام بزرگوار (رضوان الله تعالی علیه) اصرار کردند که شما باید در قم بمانید. یعنی شخصیت علمی او جوری بود که امام بزرگوار با آن روحیه‌ی سختگیری که در زمینه‌ی علم و علمیات و همراهی علمیات با معنویات و اخلاق داشتند، به این مرد اصرار کردند که شما باید در قم بمانید. ایشان هم قبول کردند، قرار درس هم گذاشته شد، ولی متأسفانه همان روزی که قرار بود ایشان بیانند مدرسه‌ی فیضیه درس بگویند، سکتہ کردند، بیمار شدند؛ لذا مجبور شدند نمانند و برگردند نجف.



۱ مضمون این مطلب در «مانور عظیم عاشورا توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴/۳/۲۵» نیز تکرار شده است.

عامل مؤثر در رسیدن طلاب به جایگاه بزرگ امام

این که یک آقای در یک گوشه‌ای عبایش را بکشد به کول خودش، بگوید من به کارهای کشور کار ندارم، من به نظام کار ندارم، افتخار نیست؛ این ننگ است. روحانی باید از وجود یک چنین نظامی که پرچمش اسلام است، قانونش فقه اسلامی است، با همه‌ی وجود استقبال کند. مراجع تقلید کنونی، مکرر متعددی‌شان به بنده گفتند که ما تضعیف این نظام را به هر کیفیتی حرام قطعی میدانیم.

معنای حرف من این نیست که حالا همه باید از روز اول بیایند در مشاغل نظام کار کنند؛ نخیر، باید درس بخوانید. بنده از دوران مبارزات، خودم درگیر مبارزات بودم. در مشهد درس مکاسب و کفایه میدادم. خیلی از شاگردهای ما درگیر مبارزات بودند. از بس گرم کارهای مبارزاتی میشدند، به نظرشان می‌آمد که این حرفهای مکاسب و استدلالهای کفایه فایده‌اش چیست. مکرر بنده به آنها میگفتم: آقا جان! بی‌مایه فطیر است؛ باید مایه پیدا کنید. اگر مایه پیدا کردید، آن وقت میتوانید در منصب و جایگاهی مثل جایگاه امام بزرگ عالی‌مقام، این حرکت عظیم را انجام دهید.

جایگاه معارف حاصل از بیانات امام، بین جوانهای طلبه

بنده یک وقتی در اوایل انقلاب، این آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی نحل را خواندم: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ. ثُمَّ كُلِّي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ».

گفتم بله، این جوانهای طلبه مثل زنبورهای عسل رفتند بر روی گلهای معرفتی که از بیان امام روئیده بود، نشستند تغذیه شدند، بعد راه افتادند به سرتاسر کشور، به مردم عسل دادند، به دشمنان نیش زدند؛ هم عسل، هم نیش؛ نیش و نوش با هم.

۱ سوره‌ی نحل، آیات ۶۸ و ۶۹. و پروردگار تو به زنبور عسل وحی [الهام غریزی] کرد که از پاره‌ای کوهها و از برخی درختان و از آنچه داربست [و چفته‌سازی] میکنند، خانه‌هایی برای خود درست کن، سپس از همه‌ی میوه‌ها بخور، و راههای پروردگارت را فرمانبردارانه، بیوی. [آنگاه] از درون [شکم] آن، شهدی که به رنگهای گوناگون است بیرون می‌آید. در آن، برای مردم درمانی است.

همکاری و همدلی؛ وصیت فراموش‌نشده‌ی امام به ملت‌های مبارز منطقه

ملت‌های شجاع و به‌پاخاسته در مصر و تونس و لیبی و دیگر ملت‌های بیدار و مبارز بدانند، نجات آنان از ظلم و کید امریکا و دیگر مستکبران غربی، تنها و تنها در آن است که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار شود. مسلمانان برای اینکه بتوانند مسائل خود را بصورت جدی با جهان‌خواران حل کنند، باید خود را به مرز قدرت بزرگ جهانی برسانند؛ و این جز با همکاری و همدلی و اتحاد کشورهای اسلامی بدست نخواهد آمد. این، وصیت فراموش‌نشده‌ی امام خمینی عظیم است.

فهرست موضوعی

فصل اول: شخصیت امام

بخش اول: ضرورت، اهمیت و شیوه‌ی صحیح شناخت و شناساندن امام

تأثیر شناخت امام خمینی(ره) در شناخت عظمت معصومین(ع).....	۵
عبد صالح؛ بهترین تعبیر برای معرفی امام(ره).....	۱۳
ناتوانی تحلیلگران جهانی در شناخت صحیح شخصیت امام.....	۱۱۲
ناممکن بودن توصیف حقیقی شخصیت امام.....	۱۲۳
ترس دشمن از گسترش یاد و عشق امام.....	۱۶۷
نگاه صحیح و غلط در تشخیص هویت حضرت امام(ره).....	۱۹۸
چهره‌ی مطلوب سفرای ایرانی.....	۲۴۳
ضرورت الگوگیری از چند خصلت ناب حضرت امام(ره).....	۲۴۹
ضرورت حفظ یاد و خاطره‌ی امام و عواقب فراموشی آن.....	۳۷۷
نیاز همگانی و همیشگی به فرمایشهای امام.....	۳۴۸
وظیفه‌ی شرعی زنده نگه داشتن نام و یاد امام خمینی(ره).....	۳۸۷
ضرورت طرح حاکمیت «انسانی چون امام» بر یک نظام سیاسی؛ برای مردم دنیا.....	۴۲۴
نقش سالگردها در تبیین حقیقت امام.....	۴۲۴
علت صحبت دقیق راجع به امام.....	۴۲۵
پرهیز از تعابیر مبالغه‌آمیز راجع به امام.....	۴۲۵
ثمرات زنده نگه داشتن یاد امام(ره).....	۴۸۸
آثار زنده نگه داشتن نام و یاد امام خمینی(ره).....	۴۹۱
اهداف نامگذاری سال امام خمینی(ره).....	۵۸۴
اهداف نامگذاری سال ۷۸ به سال امام خمینی.....	۵۸۵
ضرورت توجه به زیباییها و درخشندگیهای شخصیت امام.....	۶۱۵
معنای واقعی سیره‌ی امام.....	۶۷۵

۷۰۸.....	چگونگی برخورد صحیح با ابعاد زمانی فرمایشهای امام
۸۳۸.....	آثار و فواید یاد امام و راه او
۸۲۶.....	ضرورت شناخت عظمت فکر پایه‌گذار نظام مقدس اسلامی
۱۹۲.....	وظیفه شعرا در تعمیق نکات برجسته زندگی امام در ذهنیت جامعه
۵۸۷.....	اشاعه‌ی نور امام در کشور و عالم اسلام توسط مبلغان و طلبه‌های گمنام
۵۰۸.....	فراموش‌ناپذیری امام و یاد و خاطره‌ی ایشان
۴۵۰.....	ضرورت انتقال ابعاد شخصیت امام و تفهیم آنها به مردم با زیباترین کلمات
۴۱۵.....	ضرورت شناخت امام و فراگیری تعالیم ایشان در مسائل مسلمین
۵۴۱.....	حضرت امام(ره)؛ الگویی برای زمان کنونی
۵۸۹.....	شناخت امام؛ یکی از نیازهای فرهنگی نسل جوان امروز
۶۴۸.....	امید به نزدیکی مردم به امام خودشان در سال امام خمینی
۶۱۴.....	اعتراف به عدم استفاده‌ی کامل از شخصیت بی‌نظیر امام
۸۸۸.....	ضرورت حفظ همیشگی نام و یاد امام به بهترین وجه
۵۸۲.....	ضرورت شناخت صحیح شخصیت امام و پیاده کردن آن خصوصیات در کشور

بخش دوم: علل، عوامل و سرچشمه‌های شخصیتی امام

۳۳.....	اخلاص؛ علت اصلی سازندگی شخصیت امام، در عصر حاکمیت مادی
۴۰.....	علت عظمت امام خمینی
۱۳۷.....	منشأ عظمت امام مجاهد
۱۸۴.....	مقایسه‌ی حضرت امام(ره) با سایر آدمهای بزرگ
۱۸۴.....	ارتباط و انس فردی با خدا؛ راه امام برای کسب هدایت الهی
۱۸۵.....	انس امام با دعای کمیل و مناجات شعبانیه
۱۹۶.....	تفضلات الهی؛ تنها توجیه ابعاد عجیب شخصیت امام
۲۵۳.....	پیروزیهای حضرت امام در ورای محاسبات معمولی
۲۸۰.....	دست قدرت الهی، هادی حکمت امام
۳۱۴.....	ذخیره‌ی هزارساله آبروی علمای شیعه؛ منشأ آبروی امام خمینی(ره)
۳۴۱.....	منشأ شخصیت امام، جوهری فراتر از کتب درسی
۳۴۲.....	استقامت؛ منشأ ایجاد شخصیتی مثل حضرت امام
۳۵۵.....	بُروز آثار عمل به تکلیف الهی در امام
۴۴۵.....	تأثیر ارتباط امام با خدا در پیروزی بر دشمن
۴۵۶.....	حافظ امام در صراط مستقیم الهی از جوانی تا پیری
۴۷۷.....	عناصر شخصیت امام، گرت‌برداری شده از عناصر حسینی
۴۷۹.....	استقامت؛ ویژگی بارز مشترک هر دو حرکت حسینی(ع) و خمینی
۴۸۰.....	مصادیق استقامت امام در حوادث مختلف

نمایه‌ها / ۹۹۳

۴۸۱	توجه به چند مقطع برای تبیین اهمیت ایستادگی امام
۴۸۱	حمله‌ی سیاسی؛ مقطع اول ایستادگی
۴۸۲	مقطع دیگر؛ ایستادگی در برابر حمله‌ی نظامی
۵۲۳	تقوا؛ عامل پیروزی و حفظ امام
۵۶۱	سه خصوصیت حسینی(ع) ترفیع‌دهنده‌ی امام راحل
۶۰۶	هضم شدن در اراده‌ی الهی؛ منشأ ابعاد مختلف شخصیت امام
۶۲۴	سه خصوصیت به‌هم تنیده‌ی مؤثر در ایجاد شخصیت امام
۶۲۴	خصوصیت اول؛ خردمندی و دانایی
۶۲۴	خصوصیت دوم؛ دین‌داری و ایمان‌روشن‌بینانه
۶۲۵	خصوصیت سوم؛ شجاعت و دلیری و جان‌نثاری
۷۸۷	عامل اصلی پیشرفت امام خمینی(ره)؛ نصرت خدا
۷۸۸	معنای واقعی نصرت خدای متعال
۹۴۵	تشبه و اقتفاء عملی امام به امام حسین(علیه‌السلام) در انواع صبر آسان و صبر سخت
۴۶۲	سرمایه و ذخیره‌ی عظیم معنوی امام در دوران جوانی
۱۷۶	قیام‌الله، محور دید حکیمانه‌ی امام در طول زندگی
۵۰۰	علت عظمت امام و تواضع قدرتمندان عالم در برابر ایشان
۵۴۲	امام و همه‌ی بزرگان، رهین منت معلم
۴۹۶	حرکت برای خدا؛ راز نفوذ کلمه‌ی امام در جهان

بخش سوم: بزرگی شخصیت امام و توصیف آن

۳	انتخاب و تحقق اهداف بزرگ؛ نشانه عظمت شخصیت امام
۸	مردی از جنس انبیاء؛ نه رهبران سیاسی
۱۰	امام؛ مجمع ویژگیهای ممتاز بشری
۱۵	شخصیت بی‌نظیر و چهره‌ی استثنایی دوران معاصر
۱۶	جامع فضایل انسانی و الگوی یک رهبر اسلامی
۱۷	توصیف شخصیت عظیم امام و وظیفه‌ی ما
۲۱	اعتراف دشمنان به شخصیت والای امام
۲۱	استثنایی‌ترین مسئله‌ی بعد از انقلاب
۲۴	تنها «فرمانده کل قوا»ی عارف، حکیم و الهی؛ پس از پیامبران
۷۲	افتخار به قرار گرفتن یکی از گوهرهای الهی، بین مردم ایران
۷۶	اثبات‌کننده‌ی قدرت نظام اسلامی
۱۰۶	تبیین قرآنی شخصیت والای امام راحل(ره)
۱۰۶	مصدق آیات جهاد و هجرت فی سبیل‌الله
۱۰۷	مصدق آیات مخلصین و متقین و صالحین

۱۰۷	ید بیضای موسوی، فُرقان مصطفوی
۱۰۸	بذریاش شجره‌ی طیبه
۱۲۳	ریشه‌ی شجره‌ی طیبه و احیاگر ارزشهای اسلامی
۱۷۵	بزرگمردِ برگزیده‌ی خدا برای نجات بشریت
۱۸۱	دست‌نیافتنی بودن شخصیت امام
۱۹۰	بهترین مرجع برای اخلاق و عمق تفکر انقلابی
۱۹۳	مشاهده‌ی رشحه‌ای از عبادات معصومین در امام خمینی(ره)
۳۱۴	شخصیت عجیب و ناشناخته‌ی امام بزرگوار
۴۱۶	ابعاد گوناگون امام و اجتماع عجیب این همه خصوصیت
۴۱۶	بُعد فقهی امام
۴۱۶	بُعد فلسفی امام
۴۱۷	بُعد عرفانی امام
۴۱۸	تعجب برانگیزی اجتماع این سه خصوصیت
۴۱۸	بُعد بینش و فهم سیاسی امام
۴۲۰	ابعاد نفسانی و شخصی امام - زُهد امام
۴۲۳	حکمت امام
۴۷۴	ترکیبی بدیع و بی‌نظیر از ابعاد شخصیتی امام خمینی
۵۸۶	امام خمینی؛ نزدیکترین فرد به امام علی(علیه‌السلام)
۶۰۳	امام خمینی؛ مجمع صفات ممتاز بشری
۶۵۲	حضرت امام؛ اثبات‌کننده‌ی یک اصل الهی و حقیقتی مغفول عنه
۶۵۳	امام؛ اثبات‌کننده‌ی اصل بازگشت همه‌ی تحولات به ایمان انسانها نه به قدرت زورمداران
۶۵۵	استفاده‌ی مکرر ملت ایران از درس بزرگ امام
۶۵۵	استفاده‌ی سایر مسلمین از درس بزرگ امام خمینی(ره)
۷۰۰	معرفی ابعاد مختلف شخصیتی امام
۷۶۶	شباهت وجود امام به وجود و هویت جاودانه‌ی پیغمبران
۷۷۱	امام خمینی، نمونه‌ای زنده از مردان بزرگ خدا
۷۷۲	ولایت ظاهری مردان بزرگ، ناشی از ولایت باطنی ایشان
۸۰۴	نشانه‌های عظمت شخصیتی امام بزرگوار
۸۱۶	شباهت برخی خصوصیات امام به خصوصیات امیرالمؤمنین(ع)
۳۷۶	امام خمینی؛ باطل‌کننده‌ی اسطوره‌ها و افسانه‌ها
۱۸۹	امام؛ اسوه‌ای در همه‌ی ابعاد
۵۸۹	امام خمینی؛ یگانه‌ی دین، فلسفه و سیاست
۴۱۰	حادثه‌ی عظیم و عجیب انقلاب، نشان‌دهنده‌ی عظمت شخصیت امام خمینی
۷۱۹	توصیف بزرگی و عظمت شخصیت امام راحل
۴۰۹	حضور شخصیت امام در بین ملت؛ افتخاری تاریخی

نمایه‌ها / ۹۹۵

- دهه‌ی فجر؛ تجسّم اراده و عظمت امام بزرگوار ۶۹۵
- درخشش همیشگی امام در آسمان دنیای اسلام ۷۶۰
- فاصله‌ی معنوی دست‌نیافتنی بین امام و سایر علماء ۳۸۶
- امام خمینی(ره) شخصیتی جامع در تمام عرصه‌ها ۷۶۵
- درس ماندگار از ابعاد شخصیتی امام راحل ۷۶۵
- بسیاری از موفقیت‌ها، محصول شخصیت یگانه‌ی امام ۶۹۵
- اعتراف دوست و دشمن به ویژگی‌های عظیم شخصیتی امام ۶۹۱
- نصاب بالای بهره‌مندی امام از همه‌ی ویژگی‌های رهبران بزرگ ۶۱۸
- سختی ایجاد شخصیتی مثل امام در حاکمیت طاغوت ۳۲۳
- بزرگترین و برجسته‌ترین انسان زمان ما ۴۶۳

بخش چهارم: برخی خصوصیات معنوی و ویژگی‌های شخصیتی امام خمینی(ره)

الف: تقوی

- تقوا؛ اصلیتین ویژگی حاکم بر زندگی امام ۱۱۹
- امام؛ مظهر تقوا ۱۲۱
- ارتباط امام با عالم غیب و ملکوت و راه رسیدن به آن ۲۵۲
- مَثَلِ اعلاّی تقوا ۲۵۹
- پایه و قاعده‌ی انقلاب و مظهر آن ۴۱۱
- بزرگترین خصوصیات امام ۳۹۰
- تقوی؛ خصوصیت مهم و بارز امام بزرگوار ۵۹۵

ب: ایمان، اخلاص و معنویت

- اخلاص و صفا؛ دو خصوصیت مهم در کلام امام خمینی(ره) ۸۵
- حساسیت فوق‌العاده‌ی امام نسبت به مدح ائمه(ع) و پیوند با ایشان ۱۷۳
- اشتیاق امام بر زیارت امام رضا(ع) ۱۸۸
- انتقال نور و گرمای معارف به بشریت، با استفاده از نسیم جانبخش امام ۲۷۶
- پولادین در برابر ابرقدرتها؛ خاضع و گریان در پیشگاه معبود ۴۱۰
- تطبیق آیات مبارکه‌ی سوره‌ی طه با سه خصوصیت امام خمینی(ره) ۴۲۷
- جریان توحید در سراسر وجود حضرت امام خمینی(ره) ۴۴۸
- امام؛ نمونه‌ی بارز روی‌آوردگان به خداوند ۵۰۲
- آثار شکوهمند انس امام با قرآن ۵۱۲
- افزایش عبادت و تضرّع امام علی‌رغم افزایش سن ۵۲۱
- تجلی ایمان امام و القای روحیه خودباوری به سربازان خویش ۵۷۳
- مقامات معنوی و عرفانی امام؛ در عین صلابت در برابر دشمنان ۶۰۶

۸۰۲ مظهر قداست و شرف
۳۱۶ سپاه؛ سیراب از سرچشمه‌ی معنویت و روحیه‌ی انقلابی امام
۲۸۹ تجسم آیات قرآن در امام و در میان امت
۲۷۴ مهمترین خصلت امام بزرگوار
۱۲۷ امام مروّجان قرآن
۵۰۱ علاقه‌ی امام به دو دعای صادر شده از امیرالمؤمنین(علیه السلام)
۳۸۱ بروز مرتبه‌ی عالی اخلاص در کردار امام

ج: زُهد و بی‌اعتنایی به دنیا

۳۵۶ بی‌توجهی واقعی امام به مقامات اسمی دنیوی
۴۷۲ زندگی امام؛ مظهر صفا و سادگی
۶۰۵ حضرت امام؛ حاکمی مقتدر اما منقطع از دنیای بد
۶۰۲ مهمترین بُعد وجودی امام؛ ترکیبی از زمامداری و زُهد
۷۹۴ امام؛ مقتدای پاک مسئولان کشور در بی‌اعتنایی به دنیا
۵۰۶ مظهر پاکدامنی، پارسایی و بی‌اعتنایی به دنیا
۵۸۰ بی‌ارزشی مسائل دنیوی در نظر امام

د: شجاعت، قدرت، صراحت

۳۳۹ برخورد صریح و بدون رودربایستی امام در کارهای مهم
۵۰۰ شجاعت مواجهه با دنیا؛ وجه شبه حرکت امام خمینی با امام حسین
۵۹۸ قدرت رهبری، شجاعت سیاسی و دشمن‌شناسی امام(ره)
۵۹۹ فداکاری و خطرپذیری حضرت امام
۶۹۴ شجاعت؛ عاملی مهم در پیروزی حرکت عظیم امام
۸۷۱ شجاعت؛ منشأ فتوحات گوناگون امام
۸۷۳ مظلوم اما مقتدر
۴۵۳ به جان خریدن خطرها؛ در عمل به تکالیف
۲۹۰ تصویر زندگی علوی در زندگی امام بزرگوار

ه: تمسک به اسلام

۵۵ مظهر اعلا‌ی احترام واقعی به انسان در سایه‌ی اسلام
۳۰۹ تکیه‌ی همیشگی امام بر سربندهای اساسی واجبات اسلام
۴۵۴ عمل امام خمینی؛ نسخه‌ی کوچک عمل امام حسین
۶۷۶ اسلام‌گرایی و تکیه بر مبانی مستحکم اسلامی و قرآنی

نمایه‌ها / ۹۹۷

- ایستادگی امام مقابل مخالفان اسلام‌گرایی ۶۷۷
تکیه‌ی واقعی امام بر روی اسلام ۶۷۹
تمسک امام به اسلام بعنوان هدف، نه وسیله ۵۱۷

و: صبر و بردباری

- بردباری و سعه‌ی صدر حضرت امام ۱۱
آشکار شدن بُعد عظمت روحی و استقامت کم‌نظیر امام ۶۰۱
دو خصوصیت ممتاز امام راحل؛ مصداق آیه‌ی ۶۷ سوره‌ی سجده ۷۲۷
نتیجه‌ی توأم شدن صبر و یقین در امام ۷۲۸
تلاش خستگی‌ناپذیر و انجام بزرگترین کارها تا آخرین لحظه ۳۷۰

ز: علم و حکمت

- بینش حکیمانه‌ی امام نسبت به همدلی ملت‌ها با ایران ۲۹۱
بصیرت و حکمت امام به معنای واقعی کلمه ۲۷۰
شبهات امام با دو عالم برجسته‌ی تاریخ تشیع؛ در روح تطوّر علمی و نوآوری ۴۳۶
چگونگی بروز بُعد علمی امام(ره) ۵۹۶
آشکار شدن یکی از جلوه‌های حکمت امام در شجره‌ی طیبه‌ی بسیج ۴۹۸
اهمیت ویژه به مسائل اطلاعات؛ نشانه‌ی بلوغ فکری و حکمت الهی امام ۹۴
امام؛ حکیمی به معنای واقعی و قرآنی ۲۵۱

ح: بهترین استفاده‌کننده از موجودیها

- استفاده‌ی پیامبرگونه‌ی امام از حوادث در جهت تکامل ملت ۵۰
بهترین استفاده‌کننده از ذخیره‌ی عظیم تاریخ روحانیت ۲۸۸
استفاده‌ی بهینه‌ی امام از مشورت‌ها بدون اثرپذیری از احساسات و تلقینات ۴۶۷
چهار عنصر حیاتی یکی از ابعاد بزرگ شخصیتی امام ۶۷۶
دمنده‌ی روح به همه‌ی تلاشهای گذشتگان ۴۰۱
استفاده‌ی امام از نورانیت دوران دفاع مقدّس ۵۵۶

ط: تواضع

- تواضع منحصر به فرد امام بزرگ ۷۲
تواضع امام در استنکاف از قبول مرجعیت ۴۴۲
بروز بُعد اخلاقی عملی امام ۵۹۷
زندگی الهی و متواضعانه امام در چند جمله ۸۴

ی: دشمن شناسی و دشمن ستیزی

- دشمن شناسی و دوست شناسی حضرت امام(ره) ۱۱۸
حضرت امام؛ فاقد احساس شکست، خستگی و ناکامی در دوران مبارزات ۴۶۳
دشمن ستیزی و سلطه ستیزی؛ عنصر چهارم مورد توجه امام در «مهندسی نظام اسلامی» ۶۸۵
سلام بر لرزاننده‌ی ارکان سلطه‌ی مستکبران ۱۴۷

ک: مردم‌داری

- روش پیامبرگونه‌ی امام در دعوت مردم به آزادی و اسلام ۳۱۸
خدمتگزار؛ بهترین تعبیر برای امام و همه‌ی مسئولین ۳۱۱
گزینش امام در گفتن برخی حرفها به مردم ۵۳۰
عنصر دوم مورد توجه امام در «مهندسی نظام» ۶۷۹
عرصه‌ی اول از عنصر دوم؛ تکیه‌ی نظام به آراء مردم ۶۸۰
عرصه‌ی دوم از عنصر دوم؛ تکلیف مسئولان در قبال مردم ۶۸۱
عرصه‌ی سوم از عنصر دوم؛ بهره‌برداری از فکر و عمل مردم ۶۸۲
عرصه‌ی چهارم از عنصر دوم؛ لزوم آگاه‌سازی دائمی مردم ۶۸۲
حساسیت و اهتمام امام به شهدا و خانواده‌های شهدا ۲۸۱

ل: خصوصیت هنری

- آشکار شدن هویت هنری امام بعد از رحلت ایشان ۱۵۷
چگونگی جمع‌آوری اشعار حضرت امام(ره) ۳۲۱
شباهت شعر امام به حافظ؛ از حیث اشاره به واقعیت ۳۴۷

م: سایر خصوصیات شخصیت ذوابعاد امام خمینی

- تبیین برخی از خصلتهای انسانی و والای امام خمینی ۲۰
شادی امام از گزارش وحدت مسلمین ۸۱
تأثیر خوبی امام(ره) بر اطراف و اطرافیان ۱۸۰
کفایت شهادت امام بر عدالت افراد ۲۵۶
موفقیت امام خمینی(ره) در گرو عمل به یک کلمه ۲۸۵
معرفی برخی از ابعاد شخصیتی امام و نحوه‌ی بُروز تدریجی هر یک ۵۹۵
نحوه‌ی بُروز بُعد هشیاری و تیزفهمی امام ۵۹۷
نظم و قانون؛ عنصر سوم مورد توجه امام در «مهندسی نظام اسلامی» ۶۸۳
حساس بودن؛ یکی از اطراف مهم شخصیتی امام خمینی(ره) ۸۸۶
خصوصیات همسوی امام با حضرت زهرا ۹۳۱

۶۳۷.....	تکلیف‌محوری و گذشتن از خود؛ مهمترین نکته در موفقیت‌های امام
۳۳۷.....	تأثیر جاذبه‌ی سخنان امام در فراگیری زبان فارسی
۶۷۵.....	بروز خصوصیات امام هدایت در بررسی سیره‌ی امام خمینی
۲۷۱.....	بعد فرهنگی؛ بعد غالب شخصیت امام
۶۳۵.....	امام خمینی(ره)؛ مظهر خط ظریف میان چند خصوصیت خوب
۷۷۹.....	ابعاد مختلف منطق امام بزرگوار
۹۵۷.....	نوع حرف‌های امام از دیدگاه آیت‌الله طالقانی
۷۷۷.....	امام؛ تجسم مثال قرآنی الهی
۹۳۱.....	توجه امام به «باطن قلب»
۷۶۰.....	خصوصیات مهم رهبر انقلاب اسلامی
۵۷۴.....	خصوصیات شخصیتی امام در رهبری نهضت اسلامی
۲۶۶.....	محشور شدن با بسیجیان؛ آرزوی امام و رهبری
۱۹۸.....	از خصوصیات مهم آن رهبر استثنایی

بخش پنجم: نتایج تحلی امام به این ویژگی‌های شخصیتی

۲.....	تأثیر عظمت شخصیت امام در هویت بخشی به مسلمانان جهان
۳.....	عمل به تکلیف؛ رمز رسیدن امام به قلّه‌ها
۴.....	جزای حسنی؛ بهترین پاداش حضرت امام
۱۰.....	نقش شخصیت الهی امام در پیروزی انقلاب؛ علاوه بر خصوصیات ممتاز بشری
۱۱.....	آثار وجود عوامل معنوی در امام راحل(ره)
۳۰.....	دعا و توسل؛ از علل موفقیت امام خمینی(ره)
۳۴.....	مهمترین و تعیین‌کننده‌ترین راز موفقیت امام و وظیفه‌ی ما
۴۹.....	علت اصلی تفضلات الهی به امام
۶۸.....	عمل به تکلیف الهی؛ نقطه‌ی عطف موفقیت امام
۱۱۷.....	علت توفیقات امام؛ بالاتر از خصوصیات فردی ایشان
۱۱۷.....	اخلاص و توکل؛ دو منشأ توفیقات خاص امام
۱۱۸.....	پیروزی در نظر امام
۱۳۲.....	گره‌گشایی امام با ایمان و توکل بی‌نظیر خود
۱۷۲.....	تأثیر شجاعت امام در پیروزی‌های ملت
۱۸۴.....	تأثیر تضرع و مناجات در توفیقات امام
۱۸۷.....	نتیجه ارتباط با خدا؛ کم‌خطا بودن و نورانیت امام(ره)
۲۸۲.....	توکل به خدا و اتکا به مردم؛ رمز پیروزی امام در مقابل تمام نیروهای عالم
۳۵۸.....	رمز اساسی پیشرفت و موفقیت‌های الهی امام
۳۷۴.....	جایگاه دعای امام خمینی(ره) در جنگ

۴۱۲ سرنوشت مشابه بیدارکنندگان مردم؛ از حضرت ابراهیم(ع) تا امام خمینی
۴۴۴ تأثیر شخصیت امام در پیروزی انقلاب
۴۸۶ ثمرات استقامت امام در مقابل توقعات دشمن
۵۰۰ مشاهده‌ی برکات اِتکال امام و امت به خدا در جنگ
۵۲۷ معنا و نتایج تجهیز امام به اخلاص
۵۸۳ حضرت امام؛ انعکاس‌دهنده‌ی آرزوهای مردم
۷۹۰ نتایج ایجاد ایمان چهارگانه‌ی امام در دل مردم
۸۰۳ تأثیر جهانی صلابت امام راحل و شهدا
۸۰۵ رمز تبدیل امام به شجره‌ی طیّبه
۳۲ عبودیت و اخلاص؛ اصلیت‌ترین عنصر موفقیت و جاودانگی امام(ره)
۳۲۰ خصوصیات معنوی امام؛ از عناصر مؤثر در پیروزی دفاع مقدّس
۴۵۷ آسان شدن کارها بر امام با قدرت ایمان
۴۵۰ نتیجه‌ی «صدق» امام و وفای مردم در عمل به پیام عاشورا
۴۳۵ نتیجه‌ی تفاوت اساسی آن مرد الهی با دیگران
۳۹۴ آثار حاکمیت اخلاص بر تمام وجود امام
۳۴ مهمترین و تعیین‌کننده‌ترین راز موفقیت امام و وظیفه‌ی ما
۳۷۴ جایگاه دعای امام خمینی(ره) در جنگ
۳۸۳ اثرات نیّت خدایی و خالص امام بزرگوار
۹۸۳ اخلاص؛ راز پیروزی امام، انقلاب و دفاع مقدّس
۳۴۲ آثار شخصیت امام و راه امام در ملت ایران
۲۲۵ نتایج معنویت امام و اتصال او به خدا و دوری وی از هوای نفس
۷۸۰ برکت خدا به کار مخلصانه‌ی امام و عمل ایشان به تکلیف
۶۳۷ تکلیف‌محوری و گذشتن از خود؛ مهمترین نکته در موفقیت‌های امام
۶۸۷ عظمت و شخصیت امام؛ زمینه‌ساز لطف و رحمت الهی
۲۸۹ اخلاص امام و نتایج آن
۳۲۸ میزان ایمان مذهبی امام و نتایج آن
۴۱۵ نتیجه‌ی دعا و ارتباط امام با خدا
۳۳۶ سرّ توفیقات پیوسته و محیرالعقول امام
۸۴۱ نتایج عمل امام و اطرافیان وی در اثبات حقّانیت اسلام و تشیع
۸۲۰ تأثیر ویژه‌ی شخصیت امام در ایجاد اعتمادبه‌نفس ملی

بخش ششم: ابعاد محبوبیت امام بزرگوار در داخل و خارج و علل آن

۸۲ نقش ایمان به اسلام در نفوذ امام در دلها و تحوّل عظیم دنیا
۹۰ موطن زندگی جاودانه‌ی امام خمینی(ره)

نمایه‌ها / ۱۰۰۱

۱۰۲	علت محبوبیت امام در داخل و خارج
۱۸۰	معرفی یکی دیگر از شخصیت‌های خارجی ارادتمند امام
۱۹۹	علت شیفتگی دوست و دشمن نسبت به امام
۲۷۵	عشق و خضوع عجیب خارجیها در برابر امام
۳۴۷	علت اثرگذاری سخنان امام خمینی
۳۹۳	کار برای خدا؛ علت اشتیاق مشتاقان به امام خمینی
۴۹۷	عکس‌العمل مردم جهان نسبت به نام امام و جمهوری اسلامی
۵۳۰	علت درخشندگی و تأثیر نفس امام
۵۹۶	خصوصیات ذو ابعاد امام؛ منشأ محبت به ایشان
۸۰۶	سر نفوذ عجیب و پیامبرگونه‌ی امام بر دلها و آثار آن
۹۱۹	معنویت؛ از علل تأثیرات شگفت‌آور کلام امام
۹۷۰	علت اصلی نفوذ کلمه‌ی امام خمینی
۴۵۸	ارادت سرشار جوانان مبارز فلسطینی به امام عظیم‌الشان
۷۳۸	علاقه‌مندی و دلبستگی به امام و انقلاب؛ از پیامهای حرکت ۲۲ بهمن

بخش هفتم: پیش‌بینیها و پیش‌گوئیهای امام

۷۶	پیش‌بینیهای امام نسبت به راه مبارزه
۷۳۶	منفور شدن روزافزون امریکا؛ طبق گفته امام
۷۵۳	پیشگویی امام مبنی بر تحقق وعده‌ی الهی
۸۳۱	پیش‌بینی امام مبنی بر گسترش انقلاب و بیداری اسلامی
۹۳۴	تحقق پیش‌بینی امام از حادثه‌ی بیداری ملت‌ها
۳۱۳	تحقق پیشگویی امام مبنی بر متلاشی شدن شوروی سابق
۳۵۴	پیش‌بینی و انتظار پیروزی افغانستان توسط امام

فصل دوم: خط امام

بخش اول: معنا، مبانی و منابع استنباط خط امام

۱۷۶	امام خمینی(ره)؛ ترسیم گر راه آزاد و کمال
۶۶۵	معنای واقعی خط امام و منشأ اهمیت آن
۶۶۶	تبیین خط امام در فرمایشات ایشان
۷۲۹	اسلام و مردم؛ دو محور همه‌ی اصول امام خمینی
۷۴۱	دروغ بودن تمسک به نام امام؛ بدون مکتب امام
۷۷۰	تفاوت تحجّر با ثبات قدم بر خط امام
۷۷۲	مطالبی در خصوص منطق انقلابی و اسلامی امام
۷۷۳	رابطه‌ی دین و دنیا؛ جوهر اصلی مکتب امام بزرگوار

۷۷۳ معنای دنیا با نگاه مکتب امام
۷۷۴ توصیه‌ی امام به پرهیز از دنیای با معنای مذموم
۷۷۵ ضرورت تفکیک بین دو معنای از دنیا در توصیه‌ی امام
۹۶۵ امام خمینی؛ رهرو و رهبر راه انقلاب
۶۶۷ خط‌آ امام امری واقعی، نه ذهنی
۶۶۴ مناظره‌ای در سال ۵۸ جهت بررسی خط‌آ امام
۹۶۹ راه انبیاء؛ راه برگزیده‌ی امام در تاریخ انقلاب
۹۸۸ بیانات امام؛ منبع اصلی تعیین اهداف انقلاب اسلامی

بخش دوم: ماهیت و ویژگیهای راه امام

۷۴ خط‌آ امام؛ راه ادای تکلیفی سنگین و همگانی
۱۱۰ خط‌آ امام؛ جبل‌الله
۱۳۱ ویژگیها و اهداف خط‌آ ترسیمی امام(ره) برای انقلاب اسلامی
۱۴۱ این‌همانی راه شهدا با راه امام(ره)
۲۳۰ عمل به خصوصیات دوران امام خمینی؛ غیرقابل تحمل برای عوامل استکبار
۲۳۹ راه امام، راهی هموار و پیمودنی
۴۸۶ استقامت؛ منظور اصلی از خط‌آ امام و راه امام
۷۴۰ تبیین مکتب سیاسی امام
۷۴۳ ویژگیهای مکتب سیاسی امام
۷۶۹ معرفی ابعاد خط‌آ امام
۷۹۶ امام؛ مظهر خطوطی که تعلیم داد
۱۳۱ ویژگیها و اهداف خط‌آ ترسیمی امام(ره) برای انقلاب اسلامی
۵۶۵ راه امام؛ راه افاقه‌ی مسلمین بر مشکلات
۵۰۵ راه امام؛ محور اساسی وحدت
۴۷۶ راه امام؛ راه خدا، شهدا و اینارگران
۲۵۸ خط‌آ امام؛ تعیین‌کننده جهت تقارب شیعه با محوریت انقلاب

بخش سوم: ضرورت شناخت و شناساندن آرمانها

۳۶۰ معرفی راه امام و آثار آن به همه‌ی ملتها
۳۵۹ وظیفه‌ی همه‌ی مسلمین در مورد خط‌آ امام
۶۴۴ اهمیت و ضرورت بیان دقیق نظرات حضرت امام حتی در احکام ثانوی
۷۴۲ تأثیر مراسم سالگرد بر روشنتر شدن رهنمودهای امام
۷۶۹ زنده نگه داشتن واقعی خط‌آ امام و نتایج آن
۸۸۸ دو دلیل برای اهمیت نگاه به امام؛ از منظر یک شاخص

نمایه‌ها / ۱۰۰۳

۸۸۸.....	دلیل اول؛ حفظ جهت‌گیری به سمت هدفها
۸۹۰.....	دلیل دیگر؛ دشمن شناسی
۸۹۰.....	لزوم معرفی و تعیین بهترین شاخصها، برای جلوگیری از انحراف
۸۹۰.....	امام و خط امام؛ بهترین شاخص‌ها
۸۹۱.....	ضرورت تبیین صریح مواضع امام و ابعاد آن
۸۹۲.....	روش غلط جمع‌آوری طرفدار برای امام
۸۹۲.....	ضرورت بیان صریح مواضع امام
۸۹۳.....	خیانت سلب هویت و خط امام، از امام
۸۹۳.....	نتایج مبانی روشن امام بر منفوریت مستکبرین
۸۹۳.....	کج‌اندیشی در انکار مواضع امام
۹۱۲.....	پایبندی به اهداف و خطوط امام؛ از ملاکهای شناخت موافق و مخالف
۹۰۴.....	ضرورت تحقیق و کار برای استنباط ابعاد دیگر خط امام
۳۸۹.....	علت و معنای زنده کردن یاد امام
۷۶۹.....	زنده نگه داشتن واقعی خط امام و نتایج آن
۷۴۲.....	تأثیر مراسم سالگرد بر روشنتر شدن رهنمودهای امام
۳۲۱.....	ضرورت عرضه‌ی هنری افکار انقلابی امام
۳۸۷.....	وظیفه‌ی شرعی زنده نگه داشتن نام و یاد امام خمینی(ره)
۵۸۹.....	توجه به معرفی امام و اندیشه‌های ایشان در سیاستهای کلی برنامه‌ی سوم توسعه
۸۳۸.....	آثار و فواید یاد امام و راه او

بخش چهارم: علت انتخاب آرمانهای امام راحل

۲۴.....	علت‌گزینش و ادامه‌ی آرمانهای امام(ره)
۲۹.....	امید به تداوم انقلاب براساس رهنمودهای امام
۵۲.....	تنها راه نجات و جلب رضای الهی در وصیت امام
۶۹.....	علت حرکت به سمت هدفهای تعیین‌شده از سوی امام
۷۱.....	اصلیترین راه رسیدن به آینده‌ای روشن
۱۰۲.....	حرکت در خط امام؛ ضامن آسیب‌ناپذیری انقلاب
۱۰۵.....	آینده‌ای روشن با ادامه‌ی راه امام خمینی(ره)
۲۵۳.....	تبعیت از دستورات حضرت امام(ره)؛ نشانه‌ی تقوای عمومی
۳۶۴.....	ایستادگی در عمل به فرموده‌های امام؛ راه رسیدن به پیروزی نهایی
۴۳۱.....	تنها راه خوشبختی ملت ایران، طبق آموزه‌های امام بزرگوار
۴۸۵.....	راه عزت و پیشرفت ملت ایران؛ ادامه‌ی خط امام در استقامت و ایستادگی
۴۹۲.....	سعادت دنیوی و اخروی ملت؛ در گرو‌گزینش راه و روش امام
۵۴۰.....	امام و خط امام؛ احیاگر ملت ایران

۵۸۲	خطّ امام؛ ضامن نزدیکی به اهداف بزرگ نظام اسلامی
۷۶۷	راه امام؛ تنها راه ملتها در مقابل قدرتهای مستکبر
۸۳۸	علت ضرورت عمل همگانی به وصیتنامه‌ی امام
۸۶۱	تنها راه ملت ایران برای پیشرفت و موفقیت
۸۸۴	علت ماندگاری و تقویت خط امام(ره)
۶۱۵	تنها راه رسیدن به هر هدف و هر فکری در این کشور
۶۶۳	راه سعادت ملت و آینده‌ی کشور
۸۴۲	امیدبخشترین نیروی ملت در رسیدن به آرزوهای بزرگ
۷۹۶	اتفاقی نبودن حیات همیشگی امام و خط امام در بین ملت ایران
۸۷۳	ادامه‌ی راه امام توسط ملت ایران برای رسیدن به پیروزی نهایی
۵۳۹	گزینش راه امام؛ از عوامل سربلندی ملت در انتخابات

بخش پنجم: وضعیت دیروز و امروز خط امام

۹	احساس مشترک مسلمانان پس از پیامبر اسلام(ص) و پس از امام خمینی(ره) در ادامه‌ی راه
۳۳	تلاش مصمم رهبری در جهت استقرار کامل آرزو و راه امام
۴۷	عدم تأثیر مشکلات در ایمان مردم به خطّ امام
۸۹	تداوم موضعگیری مسلمانان در برابر استکبار، در پاسخ به ندای امام امت
۱۲۱	راه مورد نظر ما در برنامه‌های داخلی و خارجی
۱۳۰	عدم امکان وقوع «دوران جدید»؛ به معنای انصراف از خط امام
۲۰۱	تصمیم ما در نظام پدید آمده توسط امام
۲۳۲	راه برگزیده‌ی ملت ایران
۲۴۲	جایگاه مؤلفه‌های گوناگون خط امام در جامعه‌ی امروز ما
۲۵۸	تصمیم قاطع ملت ایران به تبعیت از اهداف امام
۲۶۶	میزان پایبندی و علاقه‌ی مردم نسبت به امام و خط امام
۲۷۰	تفکیک خطوط به خط دشمنان انقلاب و خط امام با وجود اختلاف سلیقه
۲۹۷	یک نشان بارز بر تداوم راه امام در ایران
۳۰۲	دوران امروز؛ دوران امام خمینی(ره)
۳۰۷	معرفی الگو و منش کلی امروز انقلاب
۳۱۷	استمرار حرکت دوران حضور امام، پس از رحلت ایشان
۳۶۰	موفقیت استثنایی ملت در امتحان تداوم راه و خط امام
۳۶۵	قدردانی از پایبندی همه‌ی ارگانها به خطّ امام
۳۸۹	راه امام؛ اصول همیشه زنده‌ی جمهوری اسلامی
۳۹۳	حضور قاطع در انتخابات؛ نشانه اثبات پایبندی ملت به وصیت امام(ره)
۳۹۹	اجرای فرمان امام خمینی(ره) از همان لحظه‌ی صدور

۴۲۶	تحقق آرزوی امام در مورد مجلس
۴۴۲	امثال امر امام در یک مسئله‌ی سیاسی
۴۷۱	انطباق مواضع حاج احمد آقا بعد از رحلت امام با چهره‌ی حقیقی خط امام
۴۸۴	پیشرفت روزافزون ملت ایران؛ در پرتو استقامت در راه امام و علیرغم فشارها و تهدیدها
۴۸۴	فشار استکبار با هدف مایوس شدن ملت و برگشتن از خط امام
۴۸۷	وضعیت امروز پیام و راه امام در سرتاسر جهان؛ علی‌رغم تبلیغات دشمن
۵۲۴	اتحاد و همدلی مردم با مسئولین معتقد به خط امام
۵۲۴	خط امام؛ صراط مستقیم همیشگی انقلاب
۵۹۴	حرکت ملت و مسئولین در راه امام و پیروی از توصیه‌های وی
۶۱۲	راه خدا و راه امام؛ تنها ملاک و مناط رهبری
۶۳۳	عزم راسخ همگانی در ادامه‌ی خط امام
۶۴۱	راه امام؛ راه همه‌ی حرکتها و جناحهای مسئول کشور
۶۴۱	جایگاه امروز راه امام و انقلاب در بین قشرهای مختلف مردم
۶۶۸	گوش به فرمان امام در انجام کارها بطور کامل
۶۷۲	وجود افراد منحرف از خط امام در بین ملت مقاوم در برابر دشمن
۶۹۰	جایگاه آرمان امام نزد مسئولین تراز اول و رؤسای سه قوه
۷۱۱	اعلام جایگاه پرچم امام خمینی(ره) و شهیدان، نزد ملت ایران
۷۱۵	دانشجویان «خط امام»؛ مظهر شجاعت و سرعت عمل ملت ایران
۷۳۲	جایگاه امروز خط امام در میان ملت و مسئولین
۷۳۳	منشأ تحولات دنیای اسلام در خط و راه امام خمینی(ره)
۷۳۶	اندیشه‌های امام خمینی(ره) در سند چشم انداز
۷۶۳	نحوه‌ی برخورد امام و امت با هدفهای الهی انقلاب
۷۸۱	شعار خط امام؛ محور رأی ملت
۹۱۰	جایگاه امروز و دیروز سخنان امام در بین ملت و مسئولین
۹۱۸	وضعیت امروز خط امام نزد مسئولین
۹۲۶	نمونه‌های ایستادگی امام و انقلاب بر روی شاخصها
۹۲۷	ایستادگی و پافشاری امام بر اسلامی بودن انقلاب
۹۲۷	ایستادگی امام در مسئله‌ی مردم سالاری
۹۲۸	نمونه‌ی سوم از ایستادگی امام؛ مسئله‌ی عدالت اجتماعی
۹۳۵	معنای ارادت و محبت مردم به امام و راه امام؛ پذیرش مکتب امام
۹۴۳	شهادتی از صمیم قلب بر حفظ راه امام
۶۶۲	تلاش برخی برای فراموشی راه امام، راه استوار الهی
۸۱۷	حاکم شدن فضای وفاداری به میانی امام و انقلاب در جامعه
۸۴۱	از خصوصیات بارزش دولت نهم نسبت به گفتمان امام
۷۶۳	اقدام شجاعانه‌ی مردم رفسنجان در راه امام در زمان طاغوت

نسخه الکترونیکی

هرگونه بهره‌برداری بصورت چاپ و تکثیر ممنوع می‌باشد.

۷۳۴.....	حیات امام و راه امام در میان ملت
۳۹۵.....	مصمم بر ادامه‌ی راه امام.....
۵۳۵.....	فریاد خط نورانی امام در گلوی ملت و دولت
۵۱۸.....	حرکت ملت در راه امام و محبوبیت وی نزد ملت
۴۳۲.....	فراگیر شدن تصمیم بر ادامه‌ی راه امام علی‌رغم انتظار دشمنان
۳۱۵.....	پافشاری مردم لرستان بر خط انقلابی امام.....
۲۶۷.....	نظر نهایی نظام در قضیه‌ی فلسطین
۶۴۸.....	حرکت امروز جمهوری اسلامی به سمت اهداف امام
۸۴۰.....	خود امام؛ اولین مؤمن به خط امام و ایستادگی در این راه.....
۷۹۵.....	وضعیت استثنایی امروز نسبت به مبانی امام.....
۹۴۸.....	مطرح کردن شعارهای امام؛ عامل موفقیت دولت نهم و دهم.....
۸۴۴.....	دانشجویان پیرو خط امام؛ باطل کننده‌ی ترفند استکبار.....
۱۵۷.....	خط امام؛ خط دانشجویان تسخیرکننده‌ی لانه‌ی جاسوسی
۸۶۷.....	شعارهای نامزدهای انتخابات؛ نشانه‌ی دلبستگی مردم به خط امام.....
۵۴۰.....	تأکید همیشگی مسئولین بر پابندی به خط امام در مورد امریکا.....
۷۷۹.....	پیشوایی خط و راه امام در تصویر جدید نظام جمهوری اسلامی
۵۴۹.....	قرار گرفتن همه‌ی مسئولین کشور در جناح واحد خط امام
۵۴۷.....	ماندگاری راه امام و ادامه‌ی جریان چشمه‌ی نهضت اسلامی امام.....
۱۵۶.....	قدمی مؤثر در راستای تحقق خواسته‌های امام، مبنی بر ارتباط سپاه و ارتش.....
۸۸۳.....	خواست واقعی مردم؛ صراط مستقیم اسلام ناب امام.....
۸۱۷.....	وضعیت بهتر امروز ملت نسبت به حاکمیت مبانی امام.....
۸۵۰.....	جایگاه اصیل اندیشه‌ی امام در قسمت فرهنگ برنامه‌ی پنجم توسعه
۴۷۸.....	تشکر از مردم بخاطر شناخت و پیمودن راه عزت خود، در پرتو نصایح امام
۷۱۷.....	نشانه‌های عزم جوانان بر ادامه‌ی راه امام بزرگوار.....
۲۹۱.....	استثنایی بودن پیشرفت تفکر امام در جهان
۷۳۷.....	عزمی راسخ برای ادامه‌ی خط امام

بخش ششم: ضرورت ادامه‌ی مسیر در خط امام

۹.....	راهکار عملی برای اثبات عشق و محبت حقیقی به امام
۲۸.....	ضرورت ادامه دادن خط امام، با توکل به خدا و تکیه بر مردم
۴۶.....	وظیفه‌ی دلسوزان خط امام؛ کور کردن نقاط امید دشمن
۴۷.....	ضرورت حفظ وحدت؛ مهمترین رهنمود امام پس از انقلاب
۴۸.....	لزوم برنامه‌ریزی برای ادامه‌ی «خط امام»؛ علی‌رغم فقدان «شخص امام»
۴۹.....	نخستین وظیفه‌ی همگانی نسبت به حرکت عظیم امام

نمایه‌ها / ۱۰۰۷

- ۵۳..... وظیفه مردم در سربازی انقلاب و تلاش در جهت اهداف و راه امام
- ۵۸..... امید به تحقق هرچه بیشتر آرزوهای بزرگ امام توسط مردم
- ۶۲..... دو وظیفه‌ی سنگین ملت ایران نسبت به وصیت و راه امام(ره)
- ۷۰..... انتظار اصلی امام از فرزندان خویش
- ۸۵..... ضرورت پاسخ به ندای توحید و وحدت امام
- ۱۲۲..... راه آینده‌ی ملت و نحوه‌ی طی کردن آن
- ۱۳۶..... ضرورت عمل به دستورات امام به عنوان تکلیف
- ۱۳۷..... پیشفرض لازم برای ترسیم اهداف آینده
- ۱۵۹..... تلاش برای تحقق خواسته‌های امام نسبت به سپاه
- ۱۸۱..... لزوم تداوم راه امام در نظام جمهوری اسلامی
- ۱۹۶..... ضرورت حفظ هویت، فکر و راه امام در جامعه
- ۲۰۷..... اهمیت حرکت جمهوری اسلامی در خط امام، نزد مسلمین جهان
- ۲۲۴..... اعلانی عمومی مبنی بر تداوم همیشگی دوران امام خمینی
- ۲۲۹..... وظیفه‌ی امروز پیروان و شاگردان مکتب امام
- ۲۳۵..... ضرورت تداوم راه امام در مقابله با توطئه‌ی تضعیف روحیه‌ی مسلمین
- ۲۳۶..... مواظبت بر علاقه‌های امام و پرهیز از موارد رنجش امام
- ۲۴۷..... ضرورت حضور در صحنه و تداوم راه امام توسط ملت
- ۳۱۱..... به امید توفیق حرکت در خط امام
- ۳۱۲..... لزوم بازگشت به خط امام در تعاملات سیاسی
- ۳۲۴..... وظیفه‌ی جوانان انقلابی در پیگیری اهداف انقلاب و امام(ره)
- ۳۵۷..... مأموریت ویژه به مجلس در اعلان پایبندی به خط امام
- ۳۶۴..... راه آینده‌ی ملت ایران؛ راه امام و انقلاب اسلامی
- ۴۳۲..... ضرورت پایبندی ملت به راه امام و اسلام
- ۴۶۱..... ضرورت عمل به فرمان امام در سازماندهی و آمادگی بسیج
- ۴۸۶..... ضرورت الگو شدن راه امام در ایستادگی مقابل دشمن
- ۴۹۲..... وظیفه‌ی مردم در قبال تعالیم امام و خط امام
- ۵۳۹..... ضرورت تداوم حرکت ملت در راه امام
- ۵۵۳..... وظیفه‌ی سنگینتر مدعیان خط امام در انتخابات
- ۵۶۲..... وظیفه‌ی همه‌ی نیروهای مؤمن در دنبال کردن راه امام
- ۵۶۵..... ضرورت پاسداشت راه خدا و راه امام
- ۵۸۵..... تمسک به امام، راه امام و معنویت او از اوجب واجبات
- ۶۳۳..... ضرورت قرار گرفتن در خط امام و نتایج آن
- ۶۰۷..... ضرورت ادامه‌ی راه امام و علت آن
- ۶۹۱..... کلیدی بودن حفظ خط امام و قانون

۶۶۱	دعوت به وحدت کلمه بر اساس راه امام و اسلام
۶۴۰	ضرورت دفاع از خط امام در مقابل همه‌ی گروه‌های فشار
۷۰۷	وظیفه‌ی بزرگ مسئولان نسبت به اصول و خطوط امام و انقلاب
۷۴۰	لزوم تمسک به مکتب امام؛ همزمان با تمسک به نام امام
۷۶۹	جایگاه امروز و فردای خط امام
۹۴۷	وظیفه‌ی جوانان نسبت به خط ثابت انقلاب و امام
۷۷۰	۱۴ خرداد؛ تجدید عهد با اهداف تعریف‌شده‌ی امام
۲۴۱	ضرورت الهام از خط امام در دستگاه‌های دولتی
۶۱۴	ضرورت ادامه‌ی مسئولیت‌های مسئولین با شاخصه‌های امام
۶۵۲	ضرورت دفاع قاطع و آشکار نمایندگان از راه امام و انقلاب
۷۶۴	مسئولیت سنگین مدعیان ادامه‌دهنده‌ی خط امام
۷۶۱	اعتقاد به آرمان‌های امام از معیارهای ریاست جمهوری
۳۲۹	لزوم ادامه راه امام و شهیدان توسط جوانان
۱۲۰	ضرورت توجه به راه امام علی‌رغم فقدان امام
۶۴۲	ضرورت انتخاب معتقدین به خط امام در انتخابات
۴۷۳	ضرورت انتخاب نمایندگان معتقد به خط امام توسط مردم
۸۰۰	وظیفه‌ی همیشگی مسئولان در پیگیری مسیر اسلام متجلی در امام
۶۸۹	حرمت شرعی قبول مسئولیت، بدون قبول خط امام
۱۵۷	ضرورت هدفگذاری هنر بر مبنای حفظ خط امام و انقلاب
۲۳۹	ضرورت همه گیر شدن شعار «محو غده سرطانی اسرائیل» در حج
۶۸۹	ضرورت حرکت ملت و مسئولان در راه اسلام؛ با شاخصه‌های موجود در وصیتنامه امام

بخش هفتم: اسباب لازم برای حرکت در خط امام

۵	عناصر مؤثر در ادامه‌ی راه امام(ره)
۱۴	اسباب لازم برای حرکت در خط امام
۴۴	نقش تعیین کننده و تکلیف سنگین مجلس در تداوم راه امام
۵۹	صبر و استقامت و تکیه بر خدا؛ دو شرط اصلی ادامه‌ی راه امام
۵۹	اولین لازمه ادامه راه امام؛ شناخت عناصر حرکت امام
۸۴	راه پیاده کردن اهداف الهی مد نظر امام
۱۰۹	کار و تلاش در راستای اهداف امام علی‌رغم تسلانپذیری غم امام
۱۱۲	تحمل مصیبت امام و استفاده از آن در راستای اهداف امام
۱۲۰	ضرورت توجه به دشمنان، در تداوم راه امام
۱۳۳	عبرت‌گیری از تاریخ رحلت حضرت رسول(ص) در تداوم خط امام
۲۶۴	دو میدان اصلی برای تشکیل ارتش بیست میلیونی امام

نمایه‌ها / ۱۰۰۹

۵۲۳.....	اثر رعایت انواع تقوا در عمل دقیق به برنامه‌های ترسیمی امام
۵۴۶.....	ضرورت تبیین دکترین امام
۶۴۹.....	امید به تفضل الهی در ادامه‌ی راه امام
۸۵۵.....	آگاهی ملت در انتخاب افراد در راه امام
۸۷۶.....	لزوم تنبّه فوری مدعیان خط امام؛ با رویت سوءاستفاده از کلام آنان علیه امام
۹۳۳.....	خودنظارتی؛ روش حفظ جایگاه مجلس مدّ نظر امام
۹۰۴.....	دعایی برای خطّ امام و شخصیت امام
۷۱۸.....	اتخاذ تاکتیکهای موقتی و به ظاهر خلاف جهت؛ برای رسیدن به هدف نهایی امام و انقلاب
۴۹۱.....	آثار زنده نگه‌داشتن نام و یاد امام خمینی(ره)
۳۳۵.....	مقتضای سخن حکیمانه‌ی امام در مورد ارتش و سپاه
۳۰۳.....	دعایی برای امام و تحقق حجّ مدّ نظر ایشان

بخش هشتم: دستاوردهای حرکت در خط امام

۱.....	دستاوردهای اتخاذ سیاست امام خمینی(ره) مبنی بر «پیروزی خون بر شمشیر»
۲۳.....	آرمانهای امام؛ تنها راه تربیت انسانهایی با جهانی بینی و عمل برتر
۲۲.....	تأثیر جهانی بینی و آرمانها در شکل گیری شخصیت امام
۵۸.....	حفظ امیدواری مسلمانان دنیا به انقلاب؛ با ادامه خط امام
۲۶۱.....	شکرگزاری بخاطر دولتمردان مسلمان پرورش یافته در مکتب امام
۳۰۵.....	تأثیر خط امام در پشتیبانی خدای متعال از انقلاب
۳۳۰.....	برتری شهدای زمان ما از شهدای صدر اسلام بخاطر برتری معصومین
۳۳۵.....	از نتایج پایبندی عملی به فرمایشات امام
۳۴۰.....	وفاداری به خط امام؛ از عناصر تحقق اهداف انقلاب
۳۶۴.....	پاداش باقی ماندن در خط امام
۴۵۴.....	ارزش لبیک گفتن به فرمایشات حضرت امام(ره)
۴۸۳.....	ثمرات انتخاب خط حسینی توسط امام خمینی
۴۹۰.....	میزان فایده‌ی نسخه‌ی شفاف‌بخش امام به ملت‌های مسلمان
۵۷۵.....	دستاوردهای ارائه‌ی مکتب سیاسی اسلام توسط امام در مقابل دو مکتب سیاسی عالم
۵۹۲.....	قوت روزافزون انقلاب؛ از برکات تمسک به راه امام
۶۱۱.....	برکات پیروی مسئولین از راه امام
۷۴۳.....	موفقیت‌های مکتب سیاسی امام
۹۳۲.....	نتایج پابرجایی نظام در خطّ امام
۹۴۴.....	ادامه‌ی برکات خطّ امام
۹۴۱.....	ثمرات تمسک و پایبندی «توأمان» به «همه‌ی» ابعاد مکتب امام
۹۴۱.....	پرهیز از تمسک به عقل‌گرایی بدون تمسک به ارزشها

۹۴۲	پرهیز از عدالت‌خواهی بدون تمسک به اخلاق و تقوی
۴۹۵	اثبات حاکمیت سیاسی اسلام در راه امام و انقلاب
۷۳۹	تأثیرپذیری دنیای اسلام از مکتب امام
۲۵۹	الهام از فرمان امام در تسخیر لانه‌ی جاسوسی
۲۴۹	آثار هدایت امام بزرگوار و تمسک به راه ایشان
۳۵۶	وظیفه‌ی مجلس در قبال خط امام و نتایج تمسک به آن

بخش نهم: برخی آرمانها و مؤلفه‌های مکتب امام (خط امام)

الف: کلیات

۴	آرمانهای بزرگ امام راحل
۹۲	تبیین برخی مؤلفه‌های راه امام (ره)
۳۶۱	معرفی رئوس مطالب در مورد خط امام
۳۶۱	معنای خط امام
۶۰۷	معرفی چند مشخصه‌ی مهم از مجموعه‌ی راه امام
۶۰۷	مشخصه‌ی اول خط امام؛ اسلام در درجه‌ی اول اهمیت
۶۰۸	مشخصه‌ی دوم خط امام؛ تکیه به مردم
۶۰۹	مشخصه‌ی سوم از خط امام؛ عدالت اجتماعی
۶۱۰	عنصر چهارم از خط امام؛ دشمن‌شناسی و فریب نخوردن از دشمن
۶۱۰	خصوصیت پنجم از خط امام؛ حساس به سرنوشت مسلمین عالم
۷۰۵	معرفی برخی اصول اساسی و ثابت از خط امام
۷۴۴	معرفی برخی از خطوط برجسته‌ی مکتب امام
۷۴۴	خط اول مکتب امام؛ درهم تنیدگی معنویت با سیاست
۷۴۵	معنای صحیح جمله‌ی معروف امام مبنی بر «عمل به تکلیف؛ نه برای پیروزی»
۷۴۵	نقطه‌ی مقابل سیاست «تفکیک دین از سیاست» غرب
۷۴۶	شاخص دوم مکتب سیاسی امام؛ اعتقاد راسخ و صادقانه به نقش مردم
۷۴۹	شاخص سوم مکتب سیاسی امام؛ نگاه جهانی مکتب
۷۵۰	شاخص چهارم مکتب سیاسی امام؛ پاسداری از ارزشها
۷۵۰	مفهوم مترقی ولایت فقیه؛ پاسداری از جهتگیری نظام، نه حکومت مطلقه‌ی فردی
۷۵۱	ضابطه‌های ولایت فقیه در مکتب سیاسی امام
۷۵۲	علت حملات دشمنان امام؛ به امام و اصل ولایت فقیه
۷۵۲	شاخص پنجم مکتب سیاسی امام؛ عدالت اجتماعی
۸۰۱	شاخصه‌های اصلی راه امام و اسلام
۸۰۹	خطوط اصلی شجره‌ی طیبه‌ی انقلاب اسلامی و ابعاد هر یک از آنها

نمایه‌ها / ۱۰۱۱

- ۸۰۹..... سه اصل برجسته‌ی انقلاب اسلامی
- ۸۰۹..... بُد اول از اصل «اسلامی بودن انقلاب»؛ تعلق به همه‌ی مسلمین با هر مذهبی
- ۸۱۰..... بُد دوم از اصل «اسلامی بودن انقلاب»؛ تعبد به کتاب و سنت
- ۸۱۱..... بُد سوم از اصل «اسلامی بودن انقلاب»؛ استفاده از اجتهاد اسلامی
- ۸۱۱..... خط اصلی دوم؛ مردمی بودن نظام جمهوری اسلامی
- ۸۱۱..... ابعاد مختلف اصل «مردمی بودن انقلاب اسلامی»
- ۸۱۲..... اصل سوم نظام جمهوری اسلامی؛ «نو بودن انقلاب»
- ۸۹۳..... مهمترین اجزای خط امام
- ۸۹۴..... اولین و اصلی‌ترین جزء خط امام؛ مسئله‌ی اسلام ناب محمدی(ص)
- ۸۹۴..... جمهوری اسلامی؛ مظهر حاکمیت اسلام در نظر امام
- ۸۹۵..... شاخص دوم از خط امام؛ جاذبه و دافعه‌ی امام بر مبنای اسلام
- ۸۹۷..... ادعای خط امام و بلند کردن پرچم تعارض با اسلام و امام!
- ۸۹۸..... شاخص سوم از خط امام؛ محاسبات معنوی و الهی در تصمیم‌گیریها
- ۸۹۹..... اطمینان امام به وعده‌ی الهی
- ۹۰۰..... خاطره ای از رعایت تقوای امام
- ۹۰۱..... شاخص چهارم از خط امام؛ نقش مردم در عرصه‌های مختلف
- ۹۰۲..... شاخص پنجم از خط امام؛ جهانی بودن نهضت
- ۹۰۳..... شاخص ششم از خط امام؛ معیار قضاوت در مورد اشخاص
- ۹۳۶..... معنویت، عقلانیت و عدالت؛ سه بُد اصلی مکتب امام
- ۹۳۶..... ضرورت نگاه جامع به ابعاد مکتب امام
- ۹۳۶..... مظهر اول عقلانیت امام؛ گزینش نظام مردم‌سالاری برای کشور
- ۹۳۷..... نمونه‌ی دوم از عقلانیت امام؛ عدم اعتماد و سرسختی در مقابل دشمن
- ۹۳۷..... نمونه‌ی سوم از عقلانیت امام؛ تزریق روح اعتماد به نفس و خوداتکائی در ملت
- ۹۳۸..... نمونه‌ی چهارم از عقلانیت امام؛ تدوین قانون اساسی
- ۹۳۹..... نمونه‌ی پنجم از عقلانیت امام؛ تفهیم تعلق مملکت به خود مردم
- ۹۳۹..... مظاهر معنویت امام؛ اخلاص، توکل، پرهیز از غرور و ...
- ۹۴۰..... مظاهر عدالت امام
- ۱۶۸..... برخی از اصول انقلاب اسلامی مورد تأکید امام

ب: اسلام ناب

- ۸۷..... اسلام مدّ نظر امام خمینی(ره) در مقابل اسلام امریکایی
- ۱۸۹..... اسلام مورد دعوت امام(ره)
- ۴۰۲..... راه امام در قیام برای فضیلت و معنویت
- ۷۲۴..... معرفی اسلام ناب محمدی توسط امام در مقابل دو نوع اسلام امریکایی

شاخص حق و باطل از زبان امام ۹۱۸
 نظر امام در مورد نظام اقتصادی اسلامی در مقابل سوسیالیسم و کاپیتالیسم ۳۹۵
 راهنمایی امام در جهتگیری صحیح نظام اسلامی ۶۸۶

ج: مردم

یکی از آرزوهای امام(ره) ۶۱
 نگاه پیامبرگونه و دلدادگی امام به مردم ۶۵
 حرکت در راستای رفاه مادی مردم؛ از آرمانهای اسلام و امام ۱۴۱
 نحوه‌ی رابطه‌ی با مردم در نظر امام ۲۶۸
 امیدوار نگاه داشتن مردم؛ بیشترین همت امام خمینی(ره) ۴۶۴
 بیداری روحیه‌ی خودباوری؛ تحقق خواسته‌ی امام ۹۱۱
 «دمیدن روح عزت ملی در کالبد کشور»؛ از خطوط اصلی در سیره‌ی امام خمینی ۹۷۱
 تعلق عزت واقعی به خداوند و حاضرین در جبهه‌ی خدایی ۹۷۲
 کاربرد حصارگونه‌ی عزت در یک فرد یا یک جامعه ۹۷۳
 عزت نفس امام و انتقال این روحیه به ملت ۹۷۴
 ثمرات عزت حاصل از درس‌های انقلاب و امام در ملت ایران ۹۷۴
 تاریخ دلت‌بار ایران در دو قرن اخیر ۹۷۴
 دلت سیاسی ملت ایران در دو قرن اخیر ۹۷۵
 دلت‌های اقتصادی و علمی ملت ایران در دو قرن اخیر ۹۷۵
 دلت ایران در عرصه‌ی حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت در دو قرن اخیر ۹۷۵
 دمیدن روح عزت ملی در مردم؛ همت اصلی امام ۹۷۷
 خصوصیت ویژه‌ی «احیای روح عزت ملی» و وظیفه‌ی ما ۹۷۷
 قرار گرفتن ملت ایران در جاده‌ی پیشرفت توسط امام خمینی ۹۷۸
 الگوی زنده‌ی «عزت ملی» ۹۷۸

د: دولت و سازمانهای مسئول

تعریف مسئول و مسئولیت در نگاه امام ۵
 ادامه‌ی خط امام در حمایت از شورای نگهبان ۳۵
 نظر امام در مورد دستگاه قضایی ۷۱
 تأکید امام بر حمایت مردم از مسئولین ۱۲۲
 خط امام در سیاست بین‌الملل ۱۴۵
 وظیفه‌ی مردم در حمایت و پشتیبانی از دولت و مسئولان نظام ۱۵۱
 راه امام در مخالفت با تضعیف دستگاههای مسئول کشور ۱۶۸
 اجازه‌ی امام مبنی بر ارتباط با دولتهای اروپایی ۱۹۵

نمایه‌ها / ۱۰۱۳

۲۰۳	تأکید مکرر امام بر گزارش‌دهی کارها به مردم
۲۹۸	تأسی به روش امام در دفاع از همه‌ی نهادهای قانونی کشور
۲۷۱	عمل و توصیه‌ی همیشگی امام به حمایت از کارگزاران نظام
۲۴۴	تقیّد امام به دفاع از دولتهای وقت
۲۳۶	تأکید امام بر پشتیبانی و حمایت از دولتها
۳۵۱	خطّ امام در برخورد با دولتهای هر دوره و علت این برخورد
۵۳۴	جایگاه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی از نظر امام و رهبری
۴۷۳	ملاکهای برای انتخاب نماینده
۴۱۲	صدا و سیمای مطلوب امام(ره)
۷۳۳	معرفی راه صحیح امام در مورد اصلاحات
۱۳۸	خط مورد رضایت امام در دستگاه سیاسی
۱۴۱	تعبیر ویژه‌ی حضرت امام از صدا و سیما
۶۳۷	تبعیت از خط اسلام و امام؛ معیار حمایت از مسئولین
۷۷۷	دأب امام بزرگوار در مقابل رئیس‌جمهور و دولت
۴۷۱	فرمایش امام در باب اهمیت مجلس شورای اسلامی

ه: امت اسلامی

۵۱	از محکّمات و ضروریات انقلاب و خطّ امام
۶۰	سیره‌ی حضرت امام در مواجهه با امت اسلامی
۸۹	جایگاه مسئله‌ی فلسطین نزد امام
۱۶۲	راه امام در عرصه‌ی دفاع از ملت‌های مظلوم
۳۲۰	فریاد امام مبنی بر اسلامی بودن انقلاب بر اساس وحدت
۴۰۰	بیان موضع جمهوری اسلامی با زبان امام در قضیه‌ی فلسطین
۹۰۹	راه امام در اتحاد امت اسلامی
۸۸۶	اتحاد و مسئله‌ی فلسطین؛ دو نقطه‌ی روشن خطّ امام و انقلاب
۳۴۳	اعتنای امام به مسائل همه‌ی مسلمین از روز اول انقلاب
۱۹۱	اعلان موضع امام و امت در قبال مسائل فلسطین در روز قدس

و: نیروهای مسلّح

۷	پایبندی بر نگاه امام به سپاه
۵۵	ضرورت برآوردن خواسته‌های امام در سازمان‌های مختلف
۱۴۸	فرمان امام به حفظ آثار جنگ
۱۵۸	مأموریت‌های عمده‌ی سپاه با توجه به فرمایشات امام

۱۵۸.....	مأموریت اول سپاه؛ دفاع مسلحانه از انقلاب
۱۵۸.....	مأموریت دوم سپاه؛ سازماندهی ارتش بیست میلیونی
۱۵۹.....	مأموریت سوم سپاه؛ تشکیل هسته های مردمی حزب الله در سراسر جهان
۳۳۳.....	دستور امام به حفظ آثار جنگ؛ نه فقط در آثار ساختمانی
۴۷۸.....	آرزوی امام نسبت به ارتش
۱۴۸.....	اصرار و تأکید امام بر ماندگاری توأمان سپاه و ارتش

ز: مستکبرین و دشمنان

۵۶.....	ضرورت حفظ موضع قاطع امام در برابر قدرتهای زورگوی عالم
۱۳۸.....	تاریخ انقضاء عدم مذاکره با امریکا در نظر امام
۱۵۰.....	ملاک حق و باطل در نظر امام(ره)
۳۳۴.....	عکس العمل کوبندهی امام در مقابل توطئهی پیچیدهی استکبار در ماجرای سلمان رشدی
۳۱۸.....	راه امام در مقابلهی جناح حق با جناح باطل
۳۳۹.....	معنای تعریف دشمن از افراد، در نظر امام خمینی(ره)
۵۳۲.....	عدم قبول مذاکره با امریکا؛ مبنای مکرر حضرت امام
۶۶۳.....	ترسیم خط جمهوری اسلامی توسط امام در مورد اسرائیل
۶۶۱.....	قاعدهی مؤکد امام در مورد حمایتهای دشمن
۶۷۱.....	قاعدهی امام در مقابل ترفند دشمن در تعریف از برخی افراد
۶۹۷.....	پرهیز از خوی استکباری؛ شرط امام برای ارتباط با امریکا
۸۸۲.....	خط امام در مقابل باجخواهی دشمن
۵۳۹.....	خط روشن امام در قضیهی امریکا
۵۳۷.....	راه امام در مبارزه با استکبار؛ تسلیم خواست آنها نشدن
۲۰۰.....	ایستادگی همیشگی امام و امت در مقابل مستکبران
۴۷۶.....	جمعبندی نظرات امام و مردم نسبت به روحیهی ایستادگی ملت
۷۶۴.....	معیار عمل کردنها در نظر امام
۶۹۷.....	منطق امام در شرایط پذیرش مذاکره

ح: سایر شاخصها و ابعاد مکتب امام

۴۱.....	ویژگیهای دانشگاه مورد نظر امام
۲۵۵.....	راه امام در گشوده شدن تمام گرهها و مشکلات
۲۶۹.....	میزان اهمیت وحدت کلمه در دیدگاه امام خمینی(ره)
۴۳۴.....	شیوهی عزاداری صحیح در فرمایشات امام و نتایج آن
۴۳۷.....	تقیّد امام و مراجع دیگر در حضور اول وقت در رأی گیری
۵۷۱.....	شاخص مدنظر امام در موسیقی

نمایه‌ها / ۱۰۱۵

۹۶۴.....	عدم مخالفت مطلق امام و رهبری با حزب و تحزب؛ البته با رویکرد هدایت جامعه
۳۴۷.....	جهت درست موسیقی در فتوای امام
۸۶۸.....	روشهای مختلف امام در برخورد با اختلافات؛ به اقتضاء شرایط
۲۶۳.....	نحوه‌ی برخورد امام و دیگر مسئولان نظام با بسیج
۳۹۹.....	آرزوی بزرگ امام نسبت به حوزه و دانشگاه
۴۱۲.....	توجه به نظرات امام در استفاده از موسیقی
۲۶۸.....	ضرورت حفظ وحدت کلمه و اهمیت آن نزد امام
۵۰۴.....	اتحاد؛ نصیحت دائمی امام برای علاج مشکلات بزرگ

فصل سوم: امام و انقلاب اسلامی

بخش اول: پیروزی امام، ایجاد انقلاب اسلامی و علل آن

۱.....	نقش سخنان امام خمینی(ره) در تشکیل دولت انقلاب
۱۰.....	نقش شخصیت الهی امام در پیروزی انقلاب؛ علاوه بر خصوصیات ممتاز بشری
۷۶.....	علت اصلی موفقیت‌های امام و ملت
۱۰۳.....	وحدت کلمه؛ اکسیر اعظم امام برای پیروزی ملت ایران
۲۰۰.....	منشأ همه‌ی موفقیت‌های انقلاب
۲۰۲.....	استثنایی بودن امام برای انقلاب از زبان خارجیها
۲۱۲.....	پیروزی و تداوم انقلاب امام؛ با تأیید و هدایت الهی
۲۶۸.....	ذخیره‌ی الهی برای این نقطه از تاریخ
۲۸۵.....	اعطای کوثری الهی به امام خمینی(ره)
۲۹۲.....	کاروان سالار مراحل حساس و سخت انقلاب
۲۹۹.....	حقایقی مهم راجع به امام و انقلاب
۲۹۹.....	حقیقت اول: امام؛ احیاگر اسلام و عزت‌بخش مسلمین
۳۰۰.....	حقیقت دوم: بصیرت و صبر؛ عامل موفقیت امام و ملت در انقلاب
۳۰۱.....	حقیقت سوم: محوریت ایران در حرکت جهان اسلام به سمت آرمانها
۳۳۲.....	افقی روشن در نگاه امام؛ به پشتوانه‌ی دست قدرت الهی
۳۵۴.....	محوریت امام؛ از مهمترین عوامل پیروزی و مقاومت انقلاب اسلامی
۳۵۶.....	امام خمینی؛ رهبر انقلاب اسلام ناب محمدی(ره)
۳۹۵.....	اثربخشی خون شهدا و تلاشهای امام
۳۹۸.....	تشخیص درست و دستور حکیمانه‌ی امام در شکستن حصر خرمشهر
۴۰۷.....	محوریت نورانی امام از ابتدای انقلاب
۴۲۸.....	امام؛ انجام‌دهنده‌ی کاری نشدنی
۴۴۴.....	نقش محبوبیت امام در قطع سریع امتیازات خارجی از سوی انقلاب
۴۴۴.....	تأثیر شخصیت امام در پیروزی انقلاب

۴۶۵.....	صدق امام؛ عامل جلب ایمان مردم و پیروزی نهضت
۵۰۲.....	ورود قدرتمندانه‌ی امام؛ تثبیت شکست طاغوت
۵۰۴.....	ارتباطی این همانی بین پیروزی امام و پیروزی مردم
۵۲۶.....	امام؛ افشاگر تحقیر ملت ایران توسط عناصر امریکایی
۵۳۸.....	تأثیر ویژه‌ی معنویت امام در پیروزی انقلاب
۵۴۷.....	اسلام؛ هدف امام و مستضعفان و پابرهنگان؛ سربازان امام
۵۵۰.....	رهبری امام در گذر از همه‌ی موانع انقلاب
۵۵۵.....	رهبری امام و همت مردم؛ دو رکن پیروزی انقلاب اسلامی
۵۶۷.....	عامل موفقیت امام در مبارزه با رژیم پهلوی
۵۶۷.....	تکیه بر اسلام؛ اصلی‌ترین عامل موفقیت امام در کشاندن مبارزات به سطح مردم
۵۶۸.....	مردمی بودن امام؛ علت دیگر موفقیت امام در مبارزه
۵۶۸.....	سایر علل موفقیت امام؛ ایمان، اراده، صدق، آینده‌نگری، خستگی‌ناپذیری، هوشمندی و ...
۵۷۴.....	شبکه‌ی بی‌نظیر مبارزاتی متصل به رهبری امام؛ عامل پیروزی انقلاب
۵۷۷.....	موفقیت‌های امام، مرهون صبر انقلابی و حضور مردم در صحنه
۵۸۲.....	نقش رهبری امام خمینی(ره) در شکست دشمن درونی ملت
۵۸۳.....	حضرت امام؛ مظهر تجدید حیات تاریخی ملت ایران
۵۹۱.....	سلسله‌جنبان حرکت عظیم انقلاب اسلامی و مایه‌ی اصلی او در این حرکت
۶۰۰.....	طراحیهای فکری امام و رهبری ایشان از راه دور
۶۱۹.....	شناخت دقیق امام خمینی از ایران و ملت بزرگ آن
۶۲۰.....	شروع و پیروزی نهضت امام با قشرهای مردم؛ نه احزاب و گروههای مدعی
۶۲۲.....	معنای تبدیل امام خمینی(ره) به کوثر روح الهی
۶۸۷.....	توجه امام به اصناف و بازار بعنوان بازوی قدرتمند نظام اسلامی
۶۸۹.....	جایگاه ریشه‌ای امام عزیز در انقلاب اسلامی ایران
۶۹۴.....	شجاعت؛ عاملی مهم در پیروزی حرکت عظیم امام
۷۲۱.....	امید به ادامه‌ی مدرسانی «دست قدرت الهی»
۷۲۶.....	وجود زمینه برای انقلاب مردمی در لائیکترین دولتها؛ در صورت وجود رهبری مثل امام
۷۲۸.....	تفاوت امام با دیگر مصلحان تاریخ اسلام
۷۶۳.....	نقش امام خمینی در حرکت انقلاب
۸۳۹.....	فریاد رسای امام خمینی(ره) در دنیای پر شده از ظلم و جور
۹۶۵.....	امام خمینی؛ رهرو و رهبر راه انقلاب
۹۷۱.....	پدر ملت و جنبش اسلامی امروز دنیای اسلام
۸۸۶.....	رهبری امام؛ عامل اساسی پیروزی انقلاب بر طاغوت
۲۸۳.....	نقش تقوای امام در پیروزی انقلاب
۳۳۶.....	پیمودن مناسب ابتدای راه جامعه‌ی اسلامی توسط امام و مردم

نمایه‌ها / ۱۰۱۷

- تأثیر رهبری دینی امام در پیروزی و استمرار انقلاب..... ۳۷۵
- نقش رهبری امام بزرگوار در بطلان تاریخ ضعیف اخیر ایران..... ۳۷۱
- پدر انقلاب و ارزشهای انقلابی..... ۲۸۴
- نقش شخصیت امام در تحقق انقلاب اسلامی ایران..... ۵۰۵
- پیام اصلی انقلاب و مددکار امام در پیروز کردن انقلاب..... ۴۴۹
- تأثیر امام بر افزایش هیجانات انقلابی مردم..... ۵۴۱
- سلسله‌جنبان و رهبر حقیقی انقلاب اسلامی..... ۶۱۱
- تأثیر رهبری الهی امام در شکوفا شدن استعدادها..... ۵۰۱
- برتری همیشگی امام نسبت به همه‌ی انقلاب..... ۶۴۹
- پشتوانه‌ی آبرویی امام در حرکت عظیم انقلاب اسلامی..... ۷۹۸
- تأثیر رهبری امام در ادوار مختلف انقلاب اسلامی..... ۸۳۹
- رهبری امام بزرگوار، از ارکان پیروزی انقلاب اسلامی..... ۹۶۹
- هزینه‌های سنگین انقلاب ملت ایران به رهبری امام..... ۹۵۳
- امام خمینی(ره)؛ بیدارکننده و محرک مردم در انقلاب..... ۷۸۴
- اخلاص؛ راز پیروزی امام، انقلاب و دفاع مقدس..... ۹۸۳
- وجود آماده‌ی امام؛ زمینه‌ساز کمک الهی برای پیروزی انقلاب اسلامی..... ۹۸۶
- امام و امت؛ عناصر نقش اول در شکل‌گیری انقلاب اسلامی..... ۸۱۷
- نعمت رهبری امام خمینی در تغییر وضعیت ملت مجاهد ایران..... ۱۳۹
- امام؛ بیدارکننده‌ی ملت ایران..... ۸۲۱
- فرمایش امام مبنی بر کمک الهی پشت سر انقلاب..... ۱۷۴
- امام خمینی(ره)؛ اسلام انقلابی مجسم..... ۲۲۵
- قمیها، اولین سربازان امام در نهضت..... ۳۴۵
- هدفگذاری استقرار نظام اسلامی توسط امام؛ عامل فداکاری مردم..... ۳۳۷
- حسینیهای جماران؛ مبدأ، مدرسه و پناهگاه انقلاب اسلامی..... ۱۳۰
- ایجاد حکومت اسلامی؛ بیت‌الغزل کار امام خمینی..... ۶۴۲
- رهبری امام؛ از ارکان برچیده شدن طاغوت ۲۵۰۰ ساله..... ۹۶۵
- طلوع صبحی روشن در تاریخ ملتهای مسلمان؛ به برکت وجود امام..... ۲۸۸
- حضرت امام؛ ناجی انقلاب از خطر معتقدان به اسلام، اما بی اعتقاد به حاکمیت اسلامی..... ۶۵۰
- ایستادگی امام و انقلاب اسلامی در مقابل مصیبت بزرگ وابستگی..... ۸۵۲
- رهبری امام بزرگوار، از ارکان پیروزی انقلاب اسلامی..... ۹۶۹
- بیداری امام از عوامل بالادستی انقلاب اسلامی..... ۸۲۴
- تأثیر خصوصیات امام در ایجاد جایگاه رفیع انقلاب..... ۳۳۵
- دستاوردهای اتخاذ سیاست امام خمینی(ره) مبنی بر «پیروزی خون بر شمشیر»..... ۱
- تنها نجات‌دهنده‌ی ملتی مظلوم، اسیر و خشمگین..... ۳۷۳

۵۳۱.....	اولین مدافعان امام در مقابل وابستگان به استکبار.....
۷۳۸.....	امام خمینی؛ راهنمای ملت ایران.....
۴۷۶.....	دارنده‌ی بیشترین افتخارات راه انقلاب اسلامی.....
۵۷۳.....	حرکت نوزده بهمن نیروی هوایی؛ سرافرازکننده‌ی امام و انقلاب.....
۴۴۳.....	دهه‌ی فجر، عید امام و ایران.....
۹۳۰.....	وعده‌ی امام بر پیروزی خون بر شمشیر.....
۴۷۲.....	تعلق دهه‌ی فجر به امام.....

بخش دوم: اصول و مبانی انقلاب امام

۴۳.....	هنر بزرگ امام در حذف دیوارها و مرزهای اجتماعی.....
۱۲۷.....	دو فصل گره‌خوردگی مسئله‌ی نهضت با عاشورا توسط امام خمینی(ره).....
۱۲۷.....	فصل اول گره‌خوردگی انقلاب با نهضت عاشورا.....
۱۲۹.....	فصل دوم گره‌خوردگی انقلاب با نهضت عاشورا.....
۱۷۲.....	تحقق حیات طیبه‌ی اسلامی؛ هدف ملت ایران از حرکت و فداکاری در راه امام.....
۲۰۹.....	تمسک امام و امت به اسلام، در مقدمات، پیدایش و استمرار نظام.....
۲۱۳.....	کلمات امام؛ منبع اصول اساسی انقلاب اسلامی.....
۲۱۴.....	معرفی اساسی‌ترین اصول و معارف انقلاب برگرفته از راه و درس امام.....
۲۱۴.....	اصل اول؛ زنده نگهداشتن راه امام.....
۲۱۴.....	اصل دوم؛ حرکت در جهت حاکمیت اسلام.....
۲۱۵.....	راه تکمیل حرکت امام در تشکیل جامعه اسلامی.....
۲۱۵.....	اصل سوم؛ عدالت اجتماعی.....
۲۱۷.....	اصل چهارم؛ وحدت کلمه.....
۲۱۸.....	اصل پنجم؛ حفظ عزت و کرامت بین المللی.....
۲۱۸.....	تحقق پیشگوئیهای امام در مناسبات بین المللی.....
۲۲۰.....	اصل ششم؛ تکیه بر اراده مردم.....
۲۲۰.....	مقایسه زندگی امام با قشر متوسط مردم.....
۲۲۱.....	اصل هفتم؛ پیوند و همکاری مردم و مسئولان.....
۲۲۱.....	اصل هشتم؛ سازندگی و آبادسازی کشور.....
۲۲۱.....	اصل نهم؛ گسترش علم و آگاهی عمومی.....
۲۲۲.....	زندگی افتخارانگیز در نظامی بر پایه معرفت و رهبری امام.....
۲۲۲.....	اصل دهم؛ محوریت روحانیت.....
۲۲۳.....	اشکارشدن حقایق مورد تأکید امام درباره روحانیت.....
۲۲۴.....	اصل یازدهم؛ بزرگداشت وفاداران فداکار انقلاب.....
۲۲۴.....	اصل دوازدهم؛ الگو و اصل بودن خط امام در ادامه راه انقلاب.....

نمایه‌ها / ۱۰۱۹

۲۵۹.....	علم؛ مایه‌ی اصلی انقلاب عظیم امام خمینی
۳۷۴.....	مبنای حرکت امام در جمهوری اسلامی
۴۱۳.....	استقلال؛ شعار ملت ایران در حرکت عظیم انقلاب
۴۲۵.....	تمسک نظام اسلامی به ولایت علوی با تدبیر امام خمینی(ره).....
۴۲۸.....	«ماده» و «صورت» نظام بنا شده توسط امام خمینی
۴۴۳.....	دقت در فرمایشات امام خمینی(ره) در مورد انقلاب
۶۳۰.....	اهتمام امام بر دو اولویت برای ساختن حکومتی آرمانی
۶۳۰.....	احیای روحیه‌ی خودباوری در مردم؛ اولویت اول امام برای ایجاد حکومت اسلامی
۶۳۱.....	احیای روحیه‌ی دینی؛ اولویت دوم امام برای حکومت اسلامی
۶۴۳.....	ولایت فقیه؛ صیغه‌ی خاص امام برای حکومت اسلامی
۶۹۶.....	شباهتها و تفاوت‌های حرکت امام خمینی(ره) با حرکت امام حسین(ع)
۷۰۲.....	تشریح اصول جمهوری اسلامی توسط امام در قبل از انقلاب
۷۰۶.....	ترسیم دقیق و روشن چارچوب‌های انقلاب اسلامی توسط امام و آثار آن
۷۲۵.....	ریشه‌ی ۱۵۰ ساله‌ی حرکت امام خمینی(ره)
۷۸۲.....	استفاده امام خمینی از عناصر حرکت امام حسین(علیه‌السلام)
۷۸۲.....	منطق و عقل؛ عنصر اول حرکت حسینی(ع)
۷۸۲.....	استفاده‌ی امام از عنصر منطق و عقل
۷۸۳.....	مجاهدت توأم با عزت؛ عنصر دوم حرکت حسینی(ع)
۷۸۳.....	استفاده‌ی امام از عنصر مجاهدت توأم با عزت حسینی(ع)
۷۸۴.....	عاطفه؛ عنصر سوم حرکت حسینی(ع)
۸۰۰.....	مبنای امام و انقلاب در دفاع از مسلمانان
۸۰۹.....	خطوط اصلی شجره‌ی طیبه‌ی انقلاب اسلامی و ابعاد هر یک از آنها
۸۰۹.....	سه اصل برجسته‌ی انقلاب اسلامی
۸۰۹.....	بُعد اول از اصل «اسلامی بودن انقلاب»؛ تعلق به همه‌ی مسلمین با هر مذهبی
۸۱۰.....	بُعد دوم از اصل «اسلامی بودن انقلاب»؛ تعبد به کتاب و سنت
۸۱۱.....	بُعد سوم از اصل «اسلامی بودن انقلاب»؛ استفاده از اجتهاد اسلامی
۸۱۱.....	خط اصلی دوم؛ مردمی بودن نظام جمهوری اسلامی
۸۱۱.....	ابعاد مختلف اصل «مردمی بودن انقلاب اسلامی»
۸۱۲.....	اصل سوم نظام جمهوری اسلامی؛ «نو بودن انقلاب»
۸۴۸.....	عمل امام خمینی به نسخه‌ی حسینی
۸۴۹.....	اشکال آدم‌های ظاهرنگر و سطحی‌بین به امام خمینی
۸۶۲.....	وصیتنامه‌ی امام(ره)؛ اصول و مبانی انقلاب اسلامی
۸۶۹.....	رهنمودها و وصیتنامه‌ی امام؛ از اصول انقلاب
۸۷۰.....	جمهوری اسلامی واقعی، همان جمهوری اسلامی امام
۹۱۳.....	ستون‌های اصلی شجره‌ی طیبه‌ی امام بزرگوار

۹۵۰	ولایت مطلقه‌ی فقیه؛ نشانه‌ی توجه امام به نظام‌سازی بر مبنای فقه
۹۵۱	معانی صحیح و غلط «ولایت مطلقه‌ی فقیه»
۹۴۹	حقیقت کار جدید امام بزرگوار بر مبنای «فقه سیاسی»
۹۸۸	بیانات امام؛ از منابع اساسی تعیین اهداف انقلاب اسلامی
۲۸۲	اصول رهبری امام در پیروزی انقلاب
۳۹۴	اسوه‌گیری امام از محرم در ایجاد انقلاب اسلامی
۵۴۸	تشکیل حکومتی بر پایه‌ی قرآن به برکت امام
۹۴۶	ریشه داشتن اهداف امام و انقلاب، در متون اصیل اسلامی
۱۰۳	وحدت و دشمن‌ستیزی؛ از مسائل اساسی نهضت اسلامی امام
۹۸	پایه‌ی اصلی تفکر حکومت اسلامی نزد امام

بخش سوم: ابعاد و ویژگیهای نظام اسلامی امام خمینی

۶	میراث امام خمینی؛ «جمهوری اسلامی» و ارزشهای مبنایی آن
۳۳	کار پیامبرگونه امام؛ ایجاد یک رنسانس معنوی جهانی
۵۴	مشخصه‌های عصر جدید امام
۵۴	ضرورت حفظ میراث بزرگ امام(ره)
۲۱۰	شیوه‌ی امام در ایجاد نهضت اسلامی ایران
۲۱۱	خصوصیات انقلاب اسلامی امام؛ منطبق بر انقلاب صدر اسلام
۲۲۷	تأثیرات و خصوصیات تفکیک‌ناپذیر دوران امام خمینی(ره)
۲۲۷	خصوصیت اول دوران امام خمینی
۲۲۸	معنا بخشیدن و اصالت دادن به توده‌های مردم
۲۲۸	اصل آزادی از سلطه و نفوذ قدرتهای بزرگ
۲۲۹	اولین ملت وارد شونده به دوران امام خمینی
۳۳۳	هندسه‌ی مرکزگریز جمهوری اسلامی؛ برخاسته از تفکرات حضرت امام(ره)
۴۲۹	ویژگیها و اهداف حکومت تشکیل‌یافته توسط امام
۴۲۹	خصوصیات دستگاه سیاسی نظام اسلامی امام
۴۳۰	برنامه استثنایی نظام امام خمینی؛ آبادسازی توأم دنیا و آخرت
۴۵۲	توجه به دو وجهه‌ی داخلی و خارجی انقلاب امام
۵۰۳	شباهت انقلاب امام با حرکت انبیاء
۵۱۱	طراحی نظام بر اساس هدفهای اسلامی و با ابعاد جهانی و بین‌المللی توسط امام
۵۱۲	تبری امام از دو آفت «تحجر» و «انفعال» و گزینش راهی میانه
۵۱۲	منظور از تحجر مورد تبری امام
۵۱۴	فقه حکومتی و پویای امام؛ نقطه‌ی مقابل تحجر
۵۱۴	منظور از انفعال مورد تبری امام

نمایه‌ها / ۱۰۲۱

۵۱۵.....	قاطعیت و استقامت امام؛ نقطه‌ی مقابل انفعال.....
۵۱۷.....	راه امام؛ راه میانه‌ی تحجّر و خود باختگی.....
۵۷۱.....	اعتماد و اعتقاد امام به جوانان و شرایط اول انقلاب از لحاظ جوانگرایی.....
۶۳۳.....	طرح جمهوری اسلامی امام؛ جامع تمام خصوصیت‌های مثبت.....
۶۹۰.....	وضوح روش‌های اداره‌ی نظام در وصیتنامه‌ی امام.....
۷۱۴.....	از شباهت‌های نهضت امام با نهضت نبوی(ص).....
۷۲۶.....	دیدگاه امام درباره منشأ مشروعیت نظام در اسلام، نه اشخاص.....
۷۴۱.....	خصوصیات نظام ارائه‌شده به وسیله‌ی امام.....
۸۲۸.....	شباهت ابعاد مختلف انقلاب امام با ابعاد مختلف اسلام.....
۸۷۹.....	شباهت مخالفین امروز امام و انقلاب، با مخالفین دیروز.....
۹۵۲.....	ابتکار امام خمینی(ره)؛ نسخه‌ی جایگزین نظام‌های کشورهای انقلابی.....
۷۳۶.....	نظام جمهوری اسلامی؛ تداوم نظام علوی.....
۸۸۵.....	تهدید بودن علیه نظام‌های مادی؛ دلیل اصلی مخالفت با نظام جمهوری اسلامی.....

بخش چهارم: نشانه‌های عظمت انقلاب امام

۱۷۷.....	شواهدی برای ارزیابی کار امام.....
۱۷۸.....	آثار معجزه‌ی انقلاب امام خمینی.....
۳۴۷.....	تحقق یک معجزه توسط ملتی شجاع پشت سر امام خمینی(ره).....
۳۸۷.....	امام خمینی؛ نام دیگر شخصیت باوقار و باعظمت جمهوری اسلامی.....
۳۹۶.....	عزت و اقتدار جمهوری اسلامی؛ منقش به نام امام خمینی(ره).....
۴۳۸.....	حرکت افسانه‌وار امام در پیشبرد انقلاب.....
۵۰۹.....	هنر بزرگ امام در جایگزینی نظامی فاسد با نظامی الهی.....
۵۰۹.....	مقابله‌ی امام با نظام فاسد.....
۵۱۰.....	جایگزینی نظام الهی توسط امام.....
۶۲۵.....	نگاهی مختصر به تاریخ دویست سال اخیر ایران؛ برای درک بهتر عظمت کار امام.....
۶۲۶.....	ایجاد نوعی از استعمار انگلیسی در ایران.....
۶۲۷.....	کشور مدّ نظر امام؛ وابسته‌ی کامل، در تمام عرصه‌ها.....
۶۲۷.....	کشور مدّ نظر امام؛ دارای وضعیت بد اقتصادی.....
۶۲۸.....	کشور مدّ نظر امام؛ کشوری با ثروت ملی غارتزده.....
۶۲۸.....	کشور مدّ نظر امام؛ دارای فساد و بی‌بند و باری.....
۶۲۸.....	کشور مدّ نظر امام؛ دارای مردمی بی‌حال و بی‌حوصله.....
۶۲۹.....	کشور مدّ نظر امام؛ عقب‌مانده در علم و تمدن.....
۶۲۹.....	نقطه‌ی قوت کشور مدّ نظر امام.....
۶۳۰.....	آشکار شدن هویت و شخصیت عظیم امام با توجه به وضعیت مذکور.....

۷۰۳	امام و انقلاب؛ تنها نقطه‌ی امید خروج از سلطه‌ی امریکا و پهلوی
۷۰۳	درک عظمت کار امام با توجه به وضعیت استبداد در ایران
۸۱۳	ناباوری دنیا در مقابل هویت جدید ایجادشده توسط حضرت امام
۸۴۵	توجه به تاریخ سلطه‌گری در ایران؛ نشان‌دهنده‌ی عظمت کار امام خمینی(ره)
۷۸۰	علت اقتدار جمهوری اسلامی در کلام امام
۴۰۱	مقایسه‌ی جوامع مادی با ایران اسلامی به رهبری یک عارف الهی محض
۳۵۲	انقلاب امام؛ افشاگر ترس دشمنان اسلام از اسلام
۹۵۸	تحول نظام موجود و ایجاد نظام جدید؛ هنر بزرگ امام در انقلاب

بخش پنجم: ضرورت حفظ نظام الهی امام

۱۸	وجوب حفظ ارزنده‌ترین میراث رهبر کبیر انقلاب
۳۱	وظیفه‌ی مضاعف ما در فقدان چشم بینی انقلاب
۵۲	ضرورت حفاظت همگانی از ارزنده‌ترین میراث امام عزیز
۵۳	بزرگترین وظیفه‌ی ما در عصر جدید امام
۶۳	معرفی میراث امام و ضرورت حفظ آن
۷۱	جایگاه حفظ نظام اسلامی در نظر امام
۱۲۴	ضرورت حفظ ریشه‌ی نظام علی‌رغم جدایی جسم امام از ما
۲۰۷	پاسداری از نظام و جهتگیری صحیح آن؛ دو مسئله‌ی مورد اهتمام حضرت امام خمینی(ره)
۳۶۷	عبرت از جامعه‌ی پیامبر(ص) برای مراقبت از جامعه‌ی شاگرد پیامبر(ص)
۴۹۷	نظر امام در مورد عدم وابستگی نظام به افراد
۵۴۳	لزوم عبرتگیری جامعه‌ی امام از سرانجام عاشورایی جامعه‌ی پیامبر
۵۸۴	لزوم توجه به خصوصیات ممتاز امام در ادامه‌ی مسیر انقلاب
۵۸۰	تضمین سعادت کشور؛ با شعارها و ارزشهای امام و انقلاب
۷۹۰	ضرورت محافظت از سرمایه‌های حیاتی ذخیره شده توسط امام
۷۹۱	خودی بودن حافظان شجره‌ی طیبه‌ی امام و غریبه بودن مخالفین آن
۸۲۵	ضرورت حفظ بیعت با امام و انقلاب اسلامی
۸۷۸	امید به استواری بنایی با هندسه‌ی الهی و معماری الهی
۹۱۲	توجه به فرهنگ زنده نگه داشتن اندیشه‌های امام و انقلاب
۶۵۸	حفظ نظام اسلامی از منظر امام؛ اوجب واجبات
۶۵۷	ارزش حفظ انقلاب اسلامی نزد امام
۳۲۱	ضرورت عرضه‌ی هنری افکار انقلابی امام

بخش ششم: ماندگاری و اقتدار انقلابِ امام، علل و عوامل آن

۱۸.....	رمز پیروزی، بقا و تداوم انقلاب در وصیت امام
۷۷.....	تأثیر امام در پیشبرد حیات طیبه‌ی اسلامی
۷۸.....	توجه امام به تأثیر تربیون نماز جمعه
۷۸.....	موافقت امام با تشکیل سمینار ائمه‌ی جمعه بعنوان حصار ایمانی کشور
۹۹.....	عامل پیروزی و تداوم انقلاب در کلام امام
۱۴۷.....	تأثیر رهبری ولی الهی در دفاع از مهین اسلامی
۱۶۷.....	حجت شدن انقلاب برای مردم دنیا توسط امام
۲۴۸.....	نتایج ایستادگی ملت ایران پشت سر امام خمینی
۳۰۲.....	محوریت ایران امام در حرکت عظیم جهانی مسلمانان
۴۷۲.....	تشکیل حکومتی مقتدر با رهبر عظیمی مثل امام
۴۹۵.....	مشارکت مردم در سازندگی؛ اصل مورد تأکید حضرت امام(ره)
۵۳۱.....	تأثیر حضور، بصیرت و مراقبت امام در رعایت احکام الهی بر حفظ انقلاب
۵۷۶.....	عبور با صلابت انقلاب از گردنه‌ها، با الهام از هدایتهای روشنگر امام
۵۹۲.....	دانشگاه؛ رکن مهم آینده‌ی انقلاب در نگاه امام خمینی
۶۱۷.....	نیاز همیشگی به امام بعنوان روح نظام و کشور
۶۵۶.....	اراده و ایمان ملت؛ عامل تثبیت دستاوردهای حرکت در راه امام
۷۰۷.....	مقایسه‌ی نحوه‌ی حمایت مردم از اصول امام؛ با حمایت ملتهای دیگر از اصولشان
۷۱۱.....	ایمان و وحدت مردم؛ عنصر جاودانه‌کننده‌ی نام امام
۷۶۳.....	علت جاذبه‌ی نام انقلاب امام ما در بین ملل مسلمان جهان
۷۷۸.....	منجر شدن «نهضت اسلامی» به «نظام اسلامی» با تدبیر امام خمینی
۷۸۹.....	قوانین نشأت گرفته از مکتب امام؛ منشأ تداوم جمهوری اسلامی
۸۰۷.....	اعتماد عمومی مردم؛ هزینه‌ی امام در پیروزی جنگ تحمیلی
۸۲۱.....	علت تکیه‌ی تام انقلاب و امام روی موضوع امام حسین
۸۲۲.....	علت افتخارآفرینی امام و انقلاب در دنیای اسلام
۹۴۷.....	ثبات خطوط و اهداف انقلاب، از زمان امام تاکنون
۹۵۶.....	تدبیر امام در قرار گرفتن مردم بعنوان نیروی نگهبان انقلاب
۹۸۶.....	تأثیر نفس گرم امام بر استحکام انقلاب
۴۰۹.....	امام، مظهر خلوص و مایه‌ی ماندگاری انقلاب
۶۶۷.....	ایستادگی امام در برابر انحراف مسیر انقلاب همچون انقلابهای دیگر
۹۵۴.....	حکمت امام در مردمی نگه داشتن انقلاب اسلامی
۹۶۲.....	درس امام مبنی بر امکان تغییر ساختار، برای حصول آرمانهای تغییرناپذیر
۷۱۳.....	علت اصلی جاذبه‌ی امروز نام امام و جمهوری اسلامی در دنیا
۸۱۵.....	اهمیت ایستادگی امام در حمایت از شورای نگهبان

۸۷۹.....	نمونه‌ای از دست‌های قدرت الهی مورد اعتقاد امام.....
۲۰۱.....	تأکید مکرر امام بر اهمیت نماز جمعه در حراست از انقلاب.....
۸۲۴.....	پیش‌برد کشور با همدلی مردم؛ نکته‌ی مؤکد امام بزرگوار.....
۷۱۴.....	شهدا؛ محافظ پرچم امام و امت.....
۷۹۸.....	زنده ماندن آرمان‌های انقلاب و امام مرهون خون شهیدان.....
۱۹۰.....	رهبری امام؛ از عوامل اصلی موفقیت‌ها.....
۶۹۵.....	دهه‌ی فجر، یادآور انقلاب و عظمت امام بزرگوار.....
۷۳۸.....	علاقه‌مندی و دلبستگی به امام و انقلاب؛ از پیام‌های حرکت ۲۲ بهمن.....
۹۰۸.....	تأثیر فوری حادثه‌ی هفت تیر بر تثبیت منطق نظام و امام بزرگوار.....

بخش هفتم: انواع دستاوردهای انقلاب امام

۶.....	«فتح‌الفتوح» واقعی از دیدگاه امام عزیز(ره).....
۱۰۴.....	تأثیرات انقلاب امام در روحیه‌ی مسلمین.....
۱۸۷.....	تأثیر رهبری امام در تشجیع مردم دنیا علیه استکبار.....
۲۲۶.....	تأثیر فراگیر دوران جدید «امام خمینی» بر تاریخ بشریت.....
۲۲۶.....	تأثیرات متفاوت انقلاب امام خمینی(ره) بر ملت‌های ضعیف و قوی جهان.....
۲۸۳.....	تأثیر حرکت انقلابی امام در روحیه‌ی مسلمین.....
۳۸۷.....	خمينيت نظام؛ معيار هبیت سیاسی نظام در دنیا.....
۳۸۸.....	گسترش موج دعوت انقلابی امام در سراسر دنیای اسلام.....
۳۹۰.....	دو جریان جهانی در ارتباط با انقلاب و شخص امام.....
۴۴۱.....	تأثیر بین‌المللی حضور امام در صحنه‌ی انقلاب.....
۴۴۵.....	تأثیر امام و انقلاب اسلامی در مسلمانان دنیا.....
۴۵۲.....	معنویت و عدالت؛ دو پیام بزرگ امام و انقلاب به ملت‌های دنیا.....
۵۲۹.....	امام و انقلاب اسلامی؛ الگویی برای جهانیان.....
۶۳۳.....	تأثیر حرکت امام در تبدیل فضای فرهنگی کشور به جریانی دوسویه.....
۷۰۰.....	تأثیر نهضت امام خمینی(ره) در کالبد قضیه‌ی فلسطین.....
۷۸۶.....	ثمرات داخلی و بین‌المللی شجره‌ی طیبه‌ی غرس شده به دست امام.....
۷۸۶.....	ثمرات داخلی شجره‌ی طیبه‌ی انقلاب امام خمینی.....
۷۸۷.....	ثمرات بین‌المللی شجره‌ی طیبه‌ی انقلاب امام خمینی.....
۸۰۲.....	شکسته شدن میله‌های زندان ملت با رهبری امام خمینی(ره).....
۸۰۸.....	ایجاد هویتی جدید در منطقه توسط امام خمینی.....
۸۰۸.....	غافلگیری شدید غرب از پیروزی نهضت امام خمینی.....
۸۳۹.....	نفوذ فریاد امام در عمق دل بشریت.....
۸۴۵.....	علت دل‌باختگی ملت‌های مسلمان به نظام اسلامی و رهبری امام.....

نمایه‌ها / ۱۰۲۵

۹۲۶.....	الگوسازی انقلاب در ملت‌های مسلمان؛ با استقامت امام بر اصول اسلامی.....
۹۵۷.....	تأثیر عظمت امام و انقلاب بر نظام سلطه‌ی غرب و بر افکار حقیقت‌جو.....
۹۵۸.....	تأثیرات عملی مهم امام خمینی(ره) و افراد بصیر.....
۹۸۶.....	پیروزی کشورهای دیگر بر مستکبران با الهام از امام.....
۲۷۸.....	گرمای شعله‌ی انقلابی امام در قلوب مسلمین.....
۱۸۲.....	فرازمانی بودن تأثیر انقلاب امام و شهیدان.....
۸۵۳.....	تأثیر بزرگ انقلاب امام در توجه قلوب دنیای اسلام به اسلام.....
۶۳۸.....	انقلاب عظیم امام؛ افتخار مسلمین جهان.....
۶۷۴.....	ظهور حرکت امام خمینی؛ آغازگر بیداری‌های اسلامی منطقه.....
۷۱۰.....	امام و انقلاب؛ بزرگترین اصلاحگر تاریخ ایران.....
۷۸۵.....	بیداری دنیای اسلام؛ از برکات حرکت امام بزرگوار.....
۸۵۴.....	استفاده‌ی برخی از کشورهای استقلال‌یافته از روش امام.....
۸۱.....	حل مسئله‌ی مهم قومیتها و فرقه‌ها به برکت امام و انقلاب.....
۴۷۷.....	بزرگترین حق امام راحل بر گردن امت اسلامی.....
۳۴۰.....	تعبیر امام مبنی بر درست بودن جهت خطوط کلی نظام.....
۲۵۷.....	انقلاب اسلامی امام؛ زاینده‌ی تردید در امکان حاکمیت اسلام.....

بخش هشتم: امام؛ مبین نقش بانوان در انقلاب

۱۱۱.....	توجه امام به نقش حساس بانوان در مسائل انقلاب.....
۱۵۵.....	لوازم بزرگداشت نقش زن در انقلاب؛ از منظر امام خمینی(ره).....
۵۲۵.....	آثار بینش امام(ره) در مورد تجلیل از زن.....
۶۵۹.....	تأثیر زنان در پیروزی انقلاب در دیدگاه امام خمینی.....
۹۶۷.....	اولین درک‌کننده‌ی نقش بانوان در پیروزی انقلاب و دفاع مقدس.....
۹۳.....	انتظار امام از بانوان در حفظ انقلاب.....

فصل چهارم: انحرافات و دشمنیهای با امام و خط امام

بخش اول: معرفی و شناخت دشمن (دشمن شناسی)

۸۵	جایگاه ظلم‌ستیزی در نظر امام خمینی(ره).....
۱۱۰	لزوم اعراض از خائنین به امام و اسلام.....
۱۱۶	معرفی مخالفان روسیاه و ناچیز حضرت امام.....
۲۶۵	معنای فرمایش امام در مورد بسیج بیست میلیونی.....
۲۶۷	تبیین و تشخیص خطوط نفوذ دشمن توسط امام خمینی(ره).....
۳۰۴	مزدوری متحجران؛ مصیبتی تلخ در نظر امام خمینی(ره).....
۳۲۹	تشبیه دشمن‌شناسی زمان امام به دشمن‌شناسی زمان اهل‌بیت(ره).....
۳۴۶	ضرورت تفکیک برخی اختلاف‌نظرها، از صدیت با ولایت فقیه.....
۳۷۷	شناخت دشمن از وضعیت نفوذ امام و رهبری در ایران و تأثیر آن در پیشرفت ملت.....
۳۷۸	نحوه‌ی دشمنی با امام و راه امام.....
۴۰۶	مخدوش‌کننده‌ی چهره‌ی امام؛ دشمن.....
۵۴۰	حل یک‌شبه مشکلات؛ خیالِ باطلِ روی‌گرداندن از خط امام.....
۵۵۲	عملکرد غربگرایان داخلی در میدان دادن به دشمنان بیست ساله‌ی امام و انقلاب.....
۵۶۰	مشابهت مشکلات و دشمنیهای دوران امام با دوران پیامبر(ص).....
۵۶۳	ماهیت اختلافات مسئولان سیاسی در کلام امام.....
۶۱۳	تشخیص خودی و غیرخودی با معیار ارادت به امام و امت.....
۶۳۴	تعریف غریبه با مبنای خط امام.....
۶۴۹	تلاش منافقانه‌ی امروز برخی مخالفین واقعی امام.....
۷۳۸	نگرانی امام از تعاریف آشکار دشمن.....
۸۰۷	شناخت صحیح امام از ابرقدرتها.....
۸۲۶	سپردن امام به موزه‌ی تاریخ؛ خیالِ باطلِ برخی بی‌عقلها.....
۸۷۲	تصویر امام از رابطه‌ی ایران و امریکا.....
۹۳۰	فرمایش امام در مورد توجه به گوناگونی دشمنان.....
۹۳۴	ضرورت توجه همیشگی احزاب به دشمنان امام و انقلاب.....
۳۱۳	ضرورت توجه به دشمن‌شناسی امام در وصایا.....
۳۸۴	چگونگی آشکار شدن دشمنی امریکا با امام و انقلاب.....
۴۵۶	تبیین نقشه‌ی دشمن توسط امام و ایجاد حماسه‌ی مردمی.....
۸۵۰	نقشه‌ی بلندمدت دشمنان علیه ابعاد شخصیتی و ارزشهای راه امام.....
۷۳۵	معرفی عده‌ای از مطرودان امام و انقلاب.....
۶۱۱	مهمترین مسئله در جبهه‌ی امام و انقلاب در مقابل دشمن.....
۳۷۶	ناراحتی جوانان اینارگر از به خطر افتادن آرمانهای امام و انقلاب.....
۵۵۷	معنای تعریف یا بدگویی دشمن از ما در نظر امام.....

نمایه‌ها / ۱۰۲۷

۵۳۸.....	افشای چهره‌ی حقیقی «شیطان بزرگ» مطابق فرمایش امام.....
۷۲۳.....	اثبات حقانیت امام در نامگذاری امریکا به «شیطان بزرگ».....
۵۶۴.....	هدف امریکا از طرح مسئله رابطه؛ برگشتن به موضع قدرت از بین رفته توسط امام.....
۶۴۱.....	معرفی دشمن اصلی امام و راه امام.....
۶۱۲.....	هشدار به دشمنان راه و نام امام.....

بخش دوم: برخی انحرافات و دشمنیها با امام و خط امام

۱۸.....	هشدارهای مکرر امام در خنثی‌سازی یکی از توطئه‌های دشمن.....
۷۳.....	نگرانی امام از منجر شدن اختلاف سلیقه‌ها به جناح بندی و تفرقه.....
۱۰۲.....	هزینه‌های قرار گرفتن پشت سر علمدار اسلام ناب محمدی.....
۱۴۲.....	علت ناراحتی امام از کج‌اندیشی‌ها و صدا‌های غیرمسئولانه.....
۱۶۲.....	خاموش کردن نور امید در دل ملت از اهداف همیشگی دشمنان.....
۱۹۰.....	رفتار استکبار در برابر آخوند خوب الهی.....
۲۳۵.....	تبلیغات سوء دشمن مبنی بر اتمام دوران امام خمینی.....
۲۴۰.....	اختلاف و تضعیف مسئولان نظام؛ حرکتی برخلاف خواست اسلام و امام.....
۲۴۱.....	تبلیغات منفی مستکبران علیه خط امام و همراهیهای ساده‌لوحانه.....
۲۴۳.....	تبلیغات منفی استکبار علیه جایگاه خط امام در ایران.....
۲۹۲.....	نقشه‌های همیشگی و متنوع زخم‌خوردگان از امام و امت.....
۲۹۳.....	اشاره‌ی امام به عملیات روانی دشمن.....
۲۹۶.....	نقشه‌های تبلیغاتی دشمن در مایوس کردن مسلمانان از خط امام.....
۳۰۲.....	عدم اعتماد همیشگی دنیای استکبار به امام و مرتب‌تین امام.....
۳۰۴.....	همیشگی بودن تبلیغات دشمن مبنی بر رویگردانی انقلاب از خط امام.....
۳۰۷.....	دشمنیهای داخلی و خارجی در مسیر اجرای خط امام.....
۳۲۲.....	نکاتی ریز و دقیق در استفاده‌ی منفی از زبان ساده‌ی امام(ره).....
۳۶۳.....	تهمت و دروغ بزرگ دشمن مبنی بر دوری ملت و دولت از خط امام.....
۴۰۳.....	طرح موضوع «مذاکره»: نقشه‌ی دشمن برای مخدوش کردن چهره‌ی امام و راه امام.....
۴۰۴.....	هدف دشمن از تصرف در صریح نظرات امام خمینی(ره).....
۴۴۰.....	قدرشناسی امریکا از کرامت و بزرگواری امام.....
۴۴۹.....	تبلیغات و شایعات دشمن درباره فرمایشات امام راجع به سپاه و ارتش.....
۴۵۸.....	مجازات پیروی از امام خمینی(ره) در نگاه صهیونیستها و مزدورانشان.....
۴۷۳.....	رحلت امام؛ تنها نقطه‌ی دلخوشی دشمنان به اختلال در نظام اسلامی.....
۵۰۳.....	زمان آغاز دشمنی مستکبران با انقلاب امام.....
۵۵۱.....	برخورد بد مطبوعات جهانی در معرفی امام بزرگوار.....
۵۶۰.....	سعی دشمنان در نفی دوران مشعشع حیات امام.....

۶۳۶.....	دو موضع متضاد در کشور نسبت به تخطئه کاپیتولاسیون توسط امام
۶۶۲.....	تلاش رادیوهای بیگانه بر ایجاد اختلاف بین متمسکین به راه امام
۶۶۸.....	اتهام خشونت به امام مظهر عطف و رحمت، توسط صهیونیسم
۷۰۴.....	اتهام دوری امام از مردمسالاری؛ از بزرگترین بی‌انصافیها
۸۹۲.....	روش غلط جمع‌آوری طرفدار برای امام
۴۹۴.....	برنامه‌ی استکبار برای جدا کردن مسلمانان عالم از امام حکیم و ملت ایران
۵۲۱.....	نقشه‌ی دشمن؛ در مقابل هم قرار دادن متمسکین به خط امام
۴۷۷.....	توطئه‌های دشمن در متوقف کردن امتداد محبوبیت امام
۸۴۵.....	تحریف محبت مسلمین جهان به امام و انقلاب، توسط غرب
۵۰۱.....	منافقین؛ قاتل انسانهای طرفدار امام و انقلاب
۱۴۶.....	ناآگاهیهای ساده‌دلان؛ دلیل برآشفتن و افشاگریهای امام
۶۳۹.....	آثار بد تضعیف روحیه‌ی جوانان معتقد به امام
۵۷۷.....	نقشه‌ی شوم دشمن برای خلع سلاح ملت ایران از سرمایه‌های معنوی خود
۷۷۹.....	عاقبت اتهام به جدایی شهید بهشتی از انقلاب و خط امام
۴۳۵.....	انتشار افکار امام؛ تنها خط قرمز پول پرستان امریکایی
۷۲۰.....	نمونه‌ی ای از آزادی بیان در آمریکا؛ هزینه‌ی فراوان و ناموفق چاپ پیام امام
۵۱۸.....	توطئه مجدد و خطرناک تفرقه بین مذاهب؛ پس از خنثی شدن توطئه قبلی توسط امام

بخش سوم: علل انحرافات و دشمنیها با امام، خط امام و انقلاب

۶۴.....	علت اصلی دشمنی استکبار با امام و انقلاب
۹۱.....	علت مخالفت برخی سران کشورهای اسلامی با امام
۳۵۱.....	محسوس بودن فرمایش امام در مورد علت مخالفت امریکا با جمهوری اسلامی
۳۸۵.....	ناراحتی شدید غرب از موضع امام در «عدم جدایی دین از سیاست»
۳۹۱.....	علل موضعگیری استکبار در مقابل ندهای امام راحل
۳۹۱.....	علت اول: عدم تفکیک دین از سیاست
۳۹۱.....	علت دوم: مسئله‌ی دولت غاصب صهیونیست
۳۹۲.....	علت سوم: حمایت از همه‌ی نهضت‌های اسلامی
۴۴۹.....	علت مخالفت غرب با انتشار افکار امام؛ حتی در مقابل پول فراوان
۴۴۱.....	علت دشمنی ابدی استکبار با امام
۵۳۵.....	عدم شناخت استعمارگران از پایگاه و خط امام
۶۳۸.....	علت مخالفت دشمن با اسلام امام خمینی(ره)
۶۶۹.....	علت اتهام خشونت به امام
۶۷۰.....	علت واقعی دشمنیها با فرزند حضرت امام
۶۹۲.....	دو علت مبارزه با خط امام
۷۱۰.....	علت طرد برخی از اطراف امام

نمایه‌ها / ۱۰۲۹

- ۷۱۲..... علت رواج نام امام خمینی(ره) در جهان و دشمنی مستکبران با انقلاب
- ۷۱۲..... معرفت سیاسی انقلاب اسلامی، حاوی مفاهیم جوشیده از دل اسلام
- ۷۵۶..... علت دشمنی استکبار با «امام خمینی»های بالقوه
- ۷۶۷..... علل دشمنی دشمنان و دوستی دوستان با امام خمینی
- ۷۷۵..... تعلیمات امام؛ علت خصومت کور ابرقدرتها با نظام
- ۸۲۲..... فراموش شدن امام؛ محاسبه‌ی اشتباه مخالفین
- ۸۲۷..... علت اصلی دشمنیها؛ شعارهای نظام و امام
- ۸۴۲..... کینه‌ورزی نسبت به امام؛ یکی از انگیزه‌های خط تخریب داخلی
- ۸۷۵..... توهین به امام؛ از نتایج اقدامات فتنه‌گران
- ۸۷۷..... هوای نفس؛ علت قرار گرفتن علاقه‌مندان سابق امام، مقابل امام
- ۸۸۵..... باور محاسبه‌ی غلط دشمن نسبت به جدایی مردم از امام و انقلاب توسط برخی در داخل
- ۹۱۳..... عواقب تفکر اشتباه فراموش شدن امام
- ۹۸۵..... طبیعی بودن دشمنیها با مواضع قاطع انقلابی؛ مثل زمان امام
- ۱۴۹..... علت فشارهای وارده از سوی امریکا در کلام امام
- ۴۳۵..... سخن همیشگی امام در باطن دشمنیهای با نظام
- ۵۴۳..... علت کثرت زندانیان مربوط به نهضت امام
- ۵۴۹..... علت به میدان آمدن مخالفان امام و انقلاب بعد از دوم خرداد
- ۷۰۹..... انتقام‌جویی دشمنان از امام و انقلاب؛ با استفاده از غفلت دوستان
- ۷۱۵..... علت تبعید امام در سال چهل و سه
- ۷۱۶..... علت تلاش عده ای برای بازگرداندن تفرقه‌ی قبل از دوران امام به جامعه
- ۷۲۳..... علت دشمنیهای مستکبران با امام و مردم انقلابی
- ۷۹۱..... علت سانسور اعلامیه‌ی امام در نشریات امریکایی
- ۷۴۲..... علت تبلیغات خشم‌آلود و همیشگی دشمنان علیه امام بزرگوار
- ۷۶۲..... ترس استکبار از جایگاه امام و انقلاب در بین مسلمین جهان
- ۶۱۲..... محاسبه‌ی غلط دشمن درباره‌ی بریدن ملت از امام

بخش جهان: راههای غلبه بر مشکلات و دشمنیها و انحرافات

- ۷۷..... ضرورت تلاش حداکثری و همگانی برای عبور از پیچ بسیار مهم تاریخی
- ۸۳..... وظیفه‌ی اصناف مطیع امام در مقابل ناآرامیها
- ۸۶..... هشدار امام نسبت به قبول ذلت در برابر کفر و شرک؛ حتی یکه و تنها
- ۸۷..... پایداری همیشگی در مبارزه با ظلم
- ۹۰..... عوامل یأس دشمن از برنامه‌ریزی نسبت به حوادث پس از رحلت
- ۲۹۰..... پیرایش نفوذیهای انقلاب توسط امام و مردم
- ۳۱۶..... تعبیر امام از تنها سنگر باقیمانده در مقابل استکبار

۳۵۹	میراث امام برای مسلمانان عالم برای مصونیت از سلطه
۴۳۴	مقابله‌ی قطعی و بدون ملاحظه‌ی امام با انحرافات
۵۴۵	لزوم هشیاری مردم در برابر اقدامات دشمنان امام
۵۶۱	گرامی داشتن راه امام و تمسک به آن؛ راه حل تمام مشکلات
۵۸۸	مرعوب نشدن در مقابل ابرقدرتها؛ درس ماندگار امام
۵۹۱	زنده شدن «نام امام» در هر مکان، باعث ضعف دشمن
۷۹۶	ضرورت بهانه ندادن به دشمنان امام و انقلاب
۸۰۲	ممانعت از طلبکار شدن دشمنان بزدل امام و انقلاب
۸۲۳	سفارش امام؛ نترسیدن از بدگویی دشمن و ترسیدن از تعریف او
۸۷۷	توهین به امام؛ آشکارکننده‌ی حقیقتِ فتنه
۸۷۸	عبرت از منحرفینِ دیروز از خطّ امام
۸۸۲	خطّ امام در مقابل باج‌خواهی دشمن
۹۲۰	بررسی جایگاه مبارزات و عملکردهای امام در مناسبت‌های مختلف ۱۳ آبان
۹۲۱	اطلاع امام از قضیه‌ی کاپیتولاسیون و فریاد افشاگر ایشان در سخنرانیها
۹۲۲	طمع‌ورزی امریکایی‌ها؛ اولین نماد حقیقت برخاسته از حادثه‌ی ۱۳ آبان
۹۲۲	فریاد رسای امام؛ دومین نماد حقیقت برخاسته از حادثه‌ی ۱۳ آبان
۹۲۲	تأثیرات بی‌نظیر حرکت امام در سال ۴۲، بر ۱۳ آبان ۵۷
۹۲۳	ملاطفت و محبت امام به امریکاییها در سال ۵۸
۹۲۳	سیزده آبان نماد حقایقی دیگر
۹۲۶	ایستادگی و مقاومت؛ رمز پیروزی امام و ملت
۹۴۹	تسلیم نشدن و صبر امام در برابر چالشهای سهمگین
۷۳۵	مقاومت؛ تنها راه علاج دفع ضرر دشمن مستکبر
۳۵۷	حرکت در خط امام تنها راه نجات و رستگاری جهان اسلام
۵۳۷	راه امام در مبارزه با استکبار؛ تسلیم خواست آنها نشدن
۷۲۱	ممانعت از ورود مطرودین امام در صحنه‌ی سیاست
۸۱۴	آگاهی کامل امام راحل از نقشه‌های تفرقه‌انگیز دشمنان بین مسلمین
۴۴۱	راهکار امام در مقابل دروغهای رسانه‌های بیگانه
۴۹۶	نتیجه‌ی نهایی مخالفت همیشگی امام با استکبار
۱۵۳	تأثیر روح و نفس گرم امام در ناکامی برنامه‌های دشمن
۱۵۲	نصیحت به تهمت‌زنان به امام و انقلاب
۸۷۲	موضعگیری امام در مقابل توطئه‌های دشمن

بخش پنجم: برخی موارد غلبه بر موانع و دشمنی‌ها

۷۴.....	تجیر دشمنان و امیدواری دوستان از موضع ملت ایران در ایام رحلت امام(ره)
۸۶.....	تحقق خواست امام مبنی بر ظلم‌ستیزی مظلومین
۸۹.....	بقاء حکم امام نسبت به نویسنده‌ی مرتدّ آیات شیطانی
۱۲۹.....	شکست دشمن در برنامه‌ریزی‌ها برای ایام رحلت
۱۵۴.....	محبت امام در قلوب مردم؛ علی‌رغم تبلیغات منفی دشمن
۲۴۷.....	ناتوانی دشمنان در ایجاد شکاف بین امت با امام و مسئولین
۳۰۶.....	شکست استکبار در سیاست تخطئه‌ی دوران امام
۳۵۳.....	زمان ابطال حرفهای استکبار علیه ارتباط امام با امت
۳۷۱.....	ایستادگی امام در مقابل همه‌ی دنیا
۳۷۹.....	فتوای امام به «حد شرعی» سلمان رشدی و توقف توطئه‌ی مستکبران در اهانت به اسلام
۳۸۰.....	اعتراض به مستکبران برای جلوگیری از اجرای حکم امام
۴۰۷.....	دفع توطئه‌ی دشمن از دانشگاه؛ با شعار «وحدت حوزه و دانشگاه»
۴۴۴.....	قدرت اشاره‌ی دست امام در انحلال رژیم ستمشاهی
۴۸۸.....	نتیجه‌ی حرکت امام خمینی؛ خنثی شدن مؤثرترین شگردهای دشمنان در قبال اسلام
۴۸۹.....	امام؛ دعوت‌کننده ملت ایران به عمل حقیقی به اسلام در عرصه‌های گوناگون
۴۹۹.....	اثبات فرمایش امام مبنی بر عدم توانایی امریکا در برابر ایران
۵۳۲.....	سیلی ملت بر تخطئه‌گران دوران امام خمینی(ره)
۵۴۲.....	خوف دستگاه استکبار از عظمت امام و انقلاب اسلامی
۵۵۰.....	قطع دست منافقین از سفره‌ی انقلاب؛ توسط امام و به پشتیبانی ملت
۵۵۸.....	هنر مجلس خبرگان در دفع نقشه‌ی چند ساله‌ی مستکبرین برای رحلت حضرت امام(ره)
۶۶۰.....	امام؛ مانع گفتگو با امریکاییها
۶۶۹.....	برخورد امام با خشونت؛ حتی از طرف نیروهای انقلاب
۶۷۴.....	تشکیل مقاومت اسلامی لبنان به توصیه و حمایت امام راحل
۶۹۶.....	نتایج شیرین ایستادگی امام در مقابل فشارها
۶۹۹.....	اراده‌ی قوی امام در مقابل فشارهای بهانه‌گیران علیه انقلاب
۷۳۲.....	شکست دشمن و دستگاههای تبلیغاتی آنها در مبارزه با اصول امام و انقلاب
۷۸۱.....	علت اظهار خوشوقتی امام از تحریمها
۷۹۴.....	خط بطلان امام بر توهّم مستکبران
۸۴۴.....	عظمت کار سیزده آبان از نگاه امام، علیرغم پشیمانی عده‌ای
۸۴۷.....	درک سریع و صحیح قمیها از پشت پرده‌ی اهانت به امام خمینی(ره)
۸۷۸.....	عکس‌العملهای مناسب در قضایای توهین به حضرت امام
۹۱۴.....	نتایج معکوس تبلیغات قدرتهای دنیا علیه امام و انقلاب
۹۵۳.....	رهبری امام خمینی(ره) از ارکان غلبه بر مشکلات و توطئه‌ها
۹۵۵.....	ایستادگی محکم امام در مقابل مخالفان دخالت‌ملت در امور

نسخه الکترونیکی

هرگونه بهره‌برداری بصورت چاپ و تکثیر ممنوع می‌باشد. رهبر / ره، رهرو، رهبر

۴۴۷.....	پشتوانه‌ی مردمی امام در مقابله با دشمنیهای امریکا.....
۴۴۸.....	اصلاح برخی انتصابات ناشایست در ارتش؛ با رساندن خبر به امام
۵۹۰.....	حضرت امام؛ برهم‌زننده‌ی نقشه‌های دشمن.....
۱۵۲.....	امام(ره)؛ در خط مقدّم مبارزه باتهاجم فرهنگی.....
۱۷۵.....	بزرگداشت دهه‌ی فجر؛ خنثی‌سازی نقشه‌ی مخدوش‌سازی سیمای منور امام خمینی(ره).....
۵۴۵.....	فتح مبین ملت ایران؛ با رهبری امام و دعای حضرت ولی عصر(ارواحنا فداه).....
۶۴۷.....	روز شکست دشمن در جداسازی مردم از راه و یاد امام
۶۵۰.....	حضرت امام؛ ناجی انقلاب از خطر معتقدان به اسلام، اما بی اعتقاد به حاکمیت اسلامی
۶۵۹.....	نقش امام و ملت در اراده‌ی الهی بر پیروزی در جنگ.....
۶۷۳.....	قیام هشیارانه امام، مقابل توطئه علیه سرمایه‌های کشور.....
۶۹۴.....	رهبری قاطع حضرت امام، مانع موفقیت استعمارگران در استعمار مجدد
۹۱۶.....	امام خمینی(ره) بهترین استفاده‌کننده از دشمنیها.....
۹۲۴.....	ظهور امام با همراهی مردم؛ پایان موفقیت‌های مستکبران.....
۹۴۸.....	رهبری پیامبرگونه‌ی امام؛ از عوامل مهم در جلوگیری از مصادره‌ی انقلاب.....
۳۴۵.....	تأثیر حضور امام در دفع برخی دشمنی‌ها
۳۱۱.....	نقش اراده‌ی امام در فائق آمدن بر مزاحمتها.....

فصل پنجم: خدمات، برکات و آثار وجودی

بخش اول: عظمت خدمات و آثار الهی مترتب بر وجود و اقدامات امام

۲.....	نقش استثنایی حضرت امام در حوادث عظیم عصر حاضر
۱۶.....	دستاوردهای باورنکردنی امام خمینی؛ در جایگاه رهبری نظام
۲۰.....	یکی از درخشانترین یادگارهای عظمت امام و امت
۲۶.....	امام خمینی(ره)؛ باطل‌کننده‌ی تبلیغات غربی علیه دین
۳۴.....	نقش رهبری امام در اهتزاز پرچم معنویت در سراسر جهان
۳۹.....	از برکات عمیق قیام امام(ره)
۵۵.....	میزان قدرت عطیه‌های الهی امام خمینی(ره)
۶۷.....	معجزه‌ای که امام نشان داد
۶۹.....	هموارشدن راه دشوار آینده؛ به برکت رهبری پیامبرگونه امام
۷۵.....	امام(ره) تسهیلگر سخت‌ترین مسیرها
۸۴.....	حیات و ممات با برکت حضرت امام
۸۸.....	تأثیر فتوای امام در انسجام مسلمین علیه توهین‌کنندگان به اسلام
۹۷.....	خدمت امام در احیاء و هدایت ملت
۱۰۰.....	وحدت و عزت ملت؛ از برکات حیات و ممات امام
۱۰۱.....	دیروز نعمت وجود امام؛ امروز نعمت کلمات ایشان
۱۲۷.....	استفاده امام از ماجرای عاشورا در عرصه عمل
۱۵۵.....	برکات استفاده‌ی دائمی از هدایت امام
۱۶۵.....	حضرت امام(ره)؛ ریشه‌ی اصلی برکات نازل بر کشور
۱۷۵.....	از برکات امام بر حق و وارث واقعی پیامبران
۲۴۵.....	تأثیر عظمت امام بر عزت و عظمت ملت ایران
۲۴۶.....	نفسی ملکوتی و عزت بخش برای ملت ایران
۳۰۹.....	استفاده‌های بزرگ امام خمینی(ره) از حوادث کوچک
۳۲۰.....	وجود امیدبخش امام در حوادث سخت
۳۵۴.....	تأثیر حضرت امام(ره) و رهبری او در توفیقات ملت ایران
۳۶۸.....	احیاء دوباره‌ی اسلام؛ معنای واقعی بر سر کار آمدن امام الهی
۴۱۳.....	راه روشن انقلاب؛ از برکات رهنمودهای امام
۴۳۳.....	استفاده‌ی امام خمینی(ره) از حادثه‌ی عاشورا در پیشبرد اهداف امام حسین(ع)
۵۰۸.....	علت همه‌ی برکات کنونی در نظام اسلامی
۶۲۱.....	توصیف برکات ذو ابعاد دوران حیات مبارک امام پس از پیروزی انقلاب اسلامی
۷۲۰.....	جایگاه پرچم برافراشته‌ی امام در دنیای اسلام
۷۲۹.....	اسلام و مردم؛ دو محور همه‌ی اصول امام خمینی(ره)؛ با آثاری جهانی
۷۲۹.....	مهمترین کار امام در دنیای اسلام؛ احیای ابعاد سیاسی و اجتماعی اسلام
۷۳۰.....	معنای واضح «اسلام ناب محمدی» مد نظر امام
۷۳۱.....	مهمترین کار امام در عرصه‌ی مردمسالاری
۷۸۸.....	ترتیب میلیونها اثر از سوی خداوند، بر «قیام لله» امام خمینی

۸۵۲ امام؛ خالق و مظهر عزت ملی
۸۵۶ دو پرچم برافراشته در راه و روش امام
۸۵۷ پرچم اول: پرچم احیاء اسلام
۸۵۷ احساس هویت و شخصیت مسلمانان جهان؛ در اثر احیاء اسلام توسط امام
۸۵۹ پرچم دوم: زدودن احساس حقارت از ملت ایران
۸۶۰ ثمرات برافراشته شدن پرچم خودباوری و اعتماد بنفس توسط امام
۹۶۶ ردپای نکته‌ی عظیم مورد توجه امام در حوادث تاریخ‌ساز ایران اسلامی
۹۷۹ شاخصها و نمونه‌های پیشرفت حاصل از رهبری امام بزرگوار
۹۷۹ شاخص و نمونه‌ی اول پیشرفت؛ غلبه بر همه‌ی چالشها
۹۷۹ شاخص و نمونه‌ی دوم پیشرفت: تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای
۹۸۰ شاخص و نمونه‌ی سوم پیشرفت حاصل از رهبری امام؛ عمران و آبادانی کشور
۹۸۰ شاخص و نمونه‌ی چهارم: شتاب درخشان علمی کشور
۹۸۱ شاخص و نمونه‌ی پنجم: مردم‌سالاری اسلامی
۹۸۱ شاخص و نمونه‌ی ششم: تقویت انگیزه‌ها و شعارهای انقلابی
۹۸۲ شاخص و نمونه‌ی هفتم: توجه به معنویت
۲۳۴ امام خمینی(ره) و پاشیدن بذر قیام مسلمین جهان در برابر استکبار
۳۱۱ ترسیمگر چهره‌ی اسلام در ذهن جوانان جهان
۴۰۵ رهبری امام؛ عامل پیروزیهای بزرگ ملت ایران تا امروز
۷۲۳ حرکت بیداری اسلامی؛ الگوگیری از امام در بازگرداندن عزت ملت ایران
۹۴۵ تحقق بخشی از مؤلفه‌های جامعه‌ی اسلامی در ایران، به برکت امام بزرگوار
۱۳۶ تجدیدنابذیری برکات حضور امام
۱۳۷ احیای انگیزه‌ی فداکاری؛ خدمت بزرگ انقلاب و امام به ملت و اسلام
۵۰۴ امام؛ آموزنده‌ی معارف شهادت به خانواده‌ها و جوانان
۱۴۹ دم عیسوی امام و نهضت عظیم ملت؛ مانع خلط حق و باطل
۱۴۴ از برکات و ثمرات ارزشمند نفس روح‌اللهی
۱۵۳ روحیات شخصی امام؛ منشأ بخش مهمی از پیروزیهای ما
۱۸۵ نعمت وجود امام و تأثیر او در احیای حاکمیت الله
۳۲۱ تأثیر کلمات قرآنی امام بر تبدیل ملت به الگویی جهانی
۲۵۰ آثار وجودی جسم و روح امام؛ الهام بخش ملتها و وجدانهای بیدار
۳۹۷ امام؛ بازکننده‌ی راه خدمت به مردم
۴۹۳ زنده شدن «فرهنگ رزمندگی و جهاد» به وسیله‌ی نهضت امام
۵۳۸ بازگشت ملت ایران از ضررها به برکت نفس گرم امام
۷۵۹ آثار ولایت امام خمینی؛ بعنوان پرتوی از چشمه‌ی فروزنده‌ی غدیر
۸۸۷ امام؛ عامل اصلی پیشرفت ملت ایران
۹۸۲ حضرت امام(ره)؛ بازکننده‌ی راه پیشرفت همه جانبه کشور، زیر پرچم اسلام
۸۵۱ تأثیر رهنمودهای پیامبرگونه‌ی امام در پیشرفت ملت
۱۶۹ نمونه‌ای دیگر از برکات اسلام و رهبری امام

نمایه‌ها / ۱۰۳۵

۲۰۴ دو روز استثنایی متعلق به امام
۴۹۹ حرکت رو به جلوی ملت ایران با رهبری امام بزرگوار
۴۴۶ امام خمینی؛ سلسله‌جنبان شهیدان
۷۳۴ اولین فریادگر اسلامخواهی و آثار آن فریاد
۴۷۲ امام رهگشای شهادت و رهنمای شهیدان
۳۰۳ خروج مسلمین از غربت، خدمت بی‌بدیل امام به اسلام
۴۴۲ تبدیل جامعه‌ی ما به جامعه‌ی اسلامی با رهبری امام
۷۳۹ رأس مجاهدان آزادی ملت

بخش دوم: شمارش برخی مصادیق خدمات و برکات وجودی امام

۲۴ حق فراوان حضرت امام بر گردن ارتش
۳۰ آینده‌نگری امام در تشکیل جهادسازندگی
۴۷ آخرین کار بزرگ امام در زمان حیات
۱۱۲ برخی کارهای بزرگ متناسب با بزرگی امام
۱۱۲ اولین کار امام: احیای اسلام
۱۱۳ دومین کار امام: اعاده‌ی روح عزت به مسلمین
۱۱۳ سومین کار امام: القاء احساس درک امت اسلام، به مسلمین
۱۱۴ چهارمین کار امام: ازاله‌ی یکی از پلیدترین رژیم‌های جهان
۱۱۴ پنجمین کار امام: ایجاد حکومتی بر مبنای اسلام
۱۱۴ ششمین کار امام: ایجاد نهضت اسلامی در عالم
۱۱۴ هفتمین کار امام: نگرشی جدید در فقه شیعه
۱۱۵ هشتمین کار امام: ابطال باورهای غلط در باب اخلاق فردی حکام
۱۱۵ کار نهم امام: احیای روحیه‌ی غرور و خودباوری ملت ایران
۱۱۶ دهمین کار امام: اثبات امکان عمل به اصل «نه شرقی، نه غربی»
۱۲۶ بیان محتوای یکی از آخرین یادگارهای امام
۱۶۱ خلاصه‌ای از خداجوییها و ظلم‌ستیزیهای رهبر بسیجی ایران اسلامی
۲۶۵ فتح‌الفتوح امام؛ ساختن و تربیت جوانان
۲۶۶ هشیاری در دشمن‌شناسی؛ از ثمرات استادی امام و شاگردی مسئولان و ملت
۳۲۷ خاطرات جامانده از حضرت امام؛ از عناصر بیداری جهان اسلام
۳۰۸ اعلان شروع دوران بازسازی توسط امام
۴۲۸ مصادق عمل صالح امام خمینی(ره)
۴۷۴ طرح بحث نقش زمان و مکان در اجتهاد؛ از برکات شخصیت عظیم و بی‌بدیل امام
۴۷۶ زیرکی و تجربه امام در به کار بردن نام «اسلام» در مجلس
۴۹۶ آثار توصیه‌های قرآنی امام بر همدلی و وحدت
۴۹۹ دفاع مقدس؛ بزرگترین تجربه‌ی موفق دوران رهبری امام بزرگوار
۵۴۴ جایگاه حضور رهبری در حادثه‌ی جنگ
۵۵۱ جایگاه امام و پیروان ایشان در احیای آزادی بیان

۶۴۳	اهمیت کار امام در ایجاد حکومت اسلامی
۶۹۷	میدان دادن به مردم؛ مهمترین کار امام
۷۷۶	تحقق حکومت واقعی اسلام به روش انتخابات مردمی؛ تعلیم بزرگ امام به ملت
۷۶۸	تأکید امام بر عدم تفکیک دین از سیاست
۷۳۸	خودباوری؛ ارمغانی دیگر از سوی امام و نظام اسلامی
۹۲۹	کمکهای امام به کتابخانهی آیتالله مرعشی
۹۱۶	فکر پردازش بسیج مستضعفین؛ عطیهای الهی به امام خمینی
۳۰۴	توجه امام به نهادهای انقلابی و جهادی
۲۷۶	امام خمینی(ره)؛ تغییردهندهی نوع ارتباط مسئولین با مردم
۲۷۹	تصمیم حکیمانهی امام در مورد نیروهای مسلح
۳۵۹	تلاش امام در ارائهی تصویری روشن از حج ابراهیمی
۳۸۲	مانع اصلی درگیریهای قومی و قبیلهای
۳۹۸	تشخیص درست و دستور حکیمانهی امام در شکستن حصر خرمشهر
۴۱۵	همت امام در احیای روحیهی خودباوری ملت ایران
۵۴۴	تأثیر امام و فرمایشات ایشان در گسترش زبان فارسی
۷۱۱	هشیاری امام در تبدیل نماز جمعه به یک سنت پایدار
۷۱۷	نقش امام در خودآگاهی مسلمانان جهان
۷۵۷	تأثیر امام در خودآگاهی مردم در حادثهی نوزده دی
۹۴۵	نقش امام در بصیرت‌افزایی ملت در حوادث سنگین
۲۵۶	استجابت دعای امام مبنی بر گسترش دین در دنیا
۶۹۳	هشیاری امام در جلوگیری از تکرار جدایی روحانیت از سیاست
۸۲۶	نفس گرم امام؛ قویترین محرک جوانان در دفاع مقدس
۱۸۶	امام خمینی؛ ایجادکنندهی نوروز بیست و دوم بهمن
۹۵۳	ثمرات موضعگیری امام در قبال مسئلهی فلسطین
۱۴۳	قانون راه میانبر برای حاکم شرع، از نظر امام و رهبری
۶۹۳	رویش بسیج؛ کار عظیم امام در مقابل نیاز حقیقی ملت ایران
۵۳۱	نشاط سازندگی؛ از برکات تعلیم «خودباوری» توسط امام راحل
۳۸۸	امام؛ بزرگترین احیاگر حج ابراهیمی در عصر حاضر
۲۹۳	امام خمینی(ره)، تجدیدکنندهی حج مورد رضای الهی
۳۵۶	دعوت امام به همکاری برای بازسازی خرابیها
۳۱۴	رأس مراجع دعوت‌کنندهی مردم برای عمل به اسلام
۳۱۵	تلاشهای امام برای اصلاح دانشگاه
۳۲۶	تفهیم‌گر معنای «ما میتوانیم» به ملت ایران
۳۴۰	منشأ آگاهی ملت ایران
۳۵۰	متحدکنندهی قلوب جهان اسلام

بخش سوم: ابتکارات و نوآوریهای امام

۱۴۷.....	نتایج ابتکار امام در پذیرش قطعنامه
۲۰۴.....	نماز جمعه؛ از بزرگترین کارهای امام(ره)
۲۶۲.....	از ثمرات دادگاه ویژه روحانیت
۳۷۴.....	چگونگی جاودانگی یادگار عزیز امام
۴۵۵.....	هفته وحدت؛ صدقه‌ی جاریه‌ای ناشی از ذهن بیدار امام خمینی(ره)
۴۶۰.....	ریشه‌کن کردن دو آفت موجود در جهان اسلام، با ابزار بسیج
۵۰۶.....	ابداع بزرگترین فصل نظام سیاسی اسلام توسط امام خمینی
۵۵۹.....	حضرت امام؛ احیاگر نماز جمعه
۵۷۰.....	یک نمونه‌ی استقبال جامعه‌ی ما از نوآوری
۵۷۸.....	فلسفه‌ی دادگاه ویژه روحانیت؛ بعنوان حسنه‌ی ماندگار امام راحل
۶۰۱.....	تدوین و استحکام فکر «ولایت فقیه» توسط امام خمینی
۶۴۵.....	نوآوری امام در حکومت و ولایت فقیه
۶۵۰.....	ابتکار امام برای ارضای سالم هیجان طلبی جوانان
۶۹۹.....	از اولین آگاهان به خطر اسرائیل در سال ۴۱
۷۶۰.....	تأثیر بسیج امام بر آیدیدگی جوانان
۹۰۷.....	بسیج؛ نشأت گرفته از حکمت امام و منشأ دیگر سازمانهای مفید
۹۰۷.....	اساتید بسیجی؛ مجموعه‌ای بی‌نظیر برای نظام اسلامی به برکت امام بزرگوار
۹۵۹.....	بسیج؛ از کارهای معجز‌آسای امام در انقلاب و فلسفه‌ی آن
۹۶۱.....	اخلاص و گمنامی؛ از پایه‌های اصلی کار بسیج به تعبیر حضرت امام
۹۶۱.....	توجه به ابعاد غیرنظامی بسیج؛ در عین توجه به مطالبه‌ی بیست میلیونی امام
۹۶۲.....	معنای «ولایت مطلقه‌ی فقیه» امام و نمونه‌ای از کارکردهای آن
۹۶۳.....	ولی فقیه؛ مدیر کلان‌ارزشی
۹۶۴.....	از مصادیق ورود ولی فقیه در مسائل
۸۲۷.....	از ابتکارات ماندگار و بزرگ امام راحل
۲۶۴.....	تشکیل بسیج؛ از افتخارات امام راحل
۵۲۷.....	یادگار معنوی و حکیمانه‌ی امام
۵۵۳.....	نمود روشن‌بینی امام در شاکله‌ی بسیج دانشجویی و بسیج طلاب
۳۷۳.....	بسیج؛ عظیمترین و ماندگارترین یادگار امام
۴۶۰.....	بسیج؛ از محصولات فکر و درایت امام بزرگوار
۵۰۵.....	منشأ ابتکار امام در ایجاد مجمع تشخیص مصلحت نظام
۹۴۹.....	حقیقت کار جدید امام بزرگوار بر مبنای «فقه سیاسی»
۳۷۳.....	امام و اختیارات ولایت فقیه
۲۰۴.....	نماز جمعه؛ اثر پربرکت امام راحل بزرگوار
۸۱۴.....	امام خمینی؛ نقطه‌ی عطفی در نگاه به مبانی اسلامی در مقوله‌ی زن
۱۷۲.....	امام؛ احیاگر ارزشها و شخصیت زن
۶۶۳.....	اجماع مسلمین بر حمایت از روز قدس امام

۵۲۶.....	امام؛ افشاگر تحقیر ملت ایران توسط عناصر امریکایی.....
۷۹۲.....	افکار نو و نوآوری امام در همه‌ی بخشها؛ علت جهانی شدن اسلام امام.....
۵۵۴.....	جهاد سازندگی؛ نمونه‌ای از تدبیرهای برجسته‌ی امام برای اداره‌ی نظام اسلامی.....
۴۱۴.....	روز ارتش؛ از یادگارهای بارزش امام.....
۷۱۱.....	درایت و دورنگری امام بزرگوار در پایه‌گذاری انجمن اسلامی دانشگاهها.....
۷۵۹.....	یکی دیگر از الهامات الهی بر امام بزرگوار.....
۶۸۸.....	جامعه‌الزهراء؛ از تدابیر امام خمینی(ره).....
۲۷۲.....	روز وحدت حوزه و دانشگاه؛ یادگار ارزشمند امام بزرگوار.....

بخش چهارم: هنرها و قدرتهای اجتماعی امام

۳۲۵.....	آموزش نظامی روحانیون؛ از هنرهای بزرگ امام خمینی(ره).....
۹۶۰.....	ابعاد و اهداف هنر امام در تشکیل بسیج.....
۵۲۰.....	بزرگترین هنر امام در گزینش لشکر خویش.....
۷۹۲.....	هنر امام در مورد نیروهای مردمی و نتایج آن.....
۷۸۵.....	هنر بزرگ امام در اتخاذ و پیگیری اهداف.....
۹۶۵.....	حماسه‌ی ۹ دی؛ تکرار هنر بزرگ امام در به صحنه آوردن توده‌ی مردم.....
۵۰۹.....	هنر بزرگ امام در جایگزینی نظامی الهی با نظامی فاسد.....
۴۳.....	هنر بزرگ امام در حذف دیوارها و مرزهای اجتماعی.....
۴۴۴.....	قدرت اشاره‌ی دست امام در انحلال رژیم ستمشاهی.....
۶۵۲.....	حضرت امام؛ اثبات‌کننده‌ی یک اصل الهی و حقیقتی مغفول عنه.....
۷۵۶.....	اولین کاشف خصوصیات برجسته‌ی مردم ایران و تکیه‌کننده به آنها.....

بخش پنجم: ضرورت و روش قدرشناسی و استفاده‌ی صحیح از زحمات امام

۲۰.....	تفاوت تعظیم و تکریم امام با سایر شخصیت‌های مورد اکرام و اعظام.....
۲۵.....	نحوه‌ی قدرشناسی از زحمات امام خمینی(ره).....
۲۹.....	ضرورت استفاده‌ی صحیح از برکت وجودی امام.....
۷۷.....	نحوه‌ی ممانعت از به هدر رفتن زحمات طولانی امام خمینی(ره).....
۵۳۵.....	بهترین روش گرامیداشت و زنده کردن یاد امام.....
۶۵۱.....	بازگشت منافع تجلیل از امام به خودمان.....
۸۲۳.....	شکرگزاری بر نعمت امام عظیم‌الشان(ره).....
۲۸۴.....	قدردانی مردم از زحمات امام؛ در روز ۲۲ بهمن.....
۵۹۴.....	معنای واقعی تجلیل از امام خمینی.....
۷۹۰.....	ضرورت محافظت از سرمایه‌های حیاتی ذخیره شده توسط امام.....
۲۹۸.....	سلامی متفاوت به آن روح مطهر ملکوتی.....

فصل ششم: دروس و وصایا

بخش اول: اهمیت و ضرورت توجه به دروس و وصایای امام

۹.....	وظیفه‌ی ما در قبال لحظه‌لحظه‌ی آن ده سال استثنایی
۱۷.....	پیوستگی درسهای گوناگون امام بر معدودی از یاران
۹۷.....	لزوم همّت در جهت تعلیمات امام؛ به دور از ترس و تردید
۱۱۹.....	هدف اصلی از تکرار حقایق در مورد امام
۳۴۸.....	نیاز روزانه‌ی ما به فرمایشهای امام خمینی
۳۶۶.....	شادکننده‌ی روح مطهر امام
۳۹۶.....	لزوم عمل به وصیت امام در عرصه‌ی انتخابات
۵۴۸.....	ضرورت فهم و تدبّر در کلمات و وصایای امام برای جلوگیری از اشتباه
۶۷۵.....	ضرورت آشنایی همگان با راه و رسم و تعالیم امام
۸۲۸.....	وصیتنامه‌ی امام؛ یکی از قویترین و بهترین موارث معنوی امام
۸۳۸.....	علت ضرورت عمل همگانی به وصیتنامه‌ی امام
۹۲.....	تدبّر در درسهای امام؛ بزرگترین وظیفه‌ی ملت ایران
۳۷۵.....	ضرورت درس‌آموزی از منش و گفتار امام
۸۴۳.....	ضرورت استنباط نظرات امام از بیانات امام
۴۱۵.....	ضرورت شناخت امام و فراگیری تعالیم ایشان در مسائل مسلمین

بخش دوم: جایگاه درسا و وصایای امام

۴۱.....	هدایت‌های امام؛ رهنمود همیشگی امت اسلامی
۳۷۸.....	ارزش و اهمیت مجموعه‌ی گفتار امام در حرکت به سمت فرج
۵۰۸.....	نمایشی از فرمانبرداری ملت ایران از وصایای امام
۶۹۷.....	شکرگزاری برای زنده ماندن درسهای امام راحل
۷۱۷.....	منشور معنوی انقلاب؛ وصیتنامه‌ی امام و شهدا
۹۳۵.....	درس و مکتب ماندگار امام خمینی(ره)؛ سرمایه‌ی ملت ایران
۱۳۴.....	عمل امت به وصیت امام در نخستین امتحان
۱۶۵.....	تلاش برای تحقّق فرمایشات امام مبنی بر حاکمیت اسلام
۹۸۵.....	خرسندی از برجستگی توصیه‌های امام در دولت نهم و دهم
۸۶۹.....	رهنمودها و وصیتنامه‌ی امام از اصول انقلاب
۱۲۶.....	حق‌شناسی مردم از امام؛ با شرکت چشمگیر در انتخابات
۵۰۷.....	پیروی از وصایای امام، از شعارهای رئیس‌جمهور منتخب
۶۴۸.....	شکرگزاری بخاطر پاسداشت مردم از سفارش همیشگی امام
۶۹۵.....	قدردانی و دفاع ملت ایران از درسهای ماندگار امام خمینی

بخش سوم: درسها و توصیه‌های گوناگون امام به امت

۸۵	زندگی جاودانه‌ی ندهای ملکوتی امام در قلوب مسلمین جهان
۸۵	جایگاه ظلم‌ستیزی در نظر امام خمینی(ره)
۸۶	هشدار امام نسبت به قبول ذلت در برابر کفر و شرک؛ حتی یکه و تنها
۸۷	پایداری همیشگی در مبارزه با ظلم
۱۰۴	ایستادگی ملت در برابر دشمن با استفاده از درسهای امام
۱۸۳	درس مهم امام خمینی در تمسک به اسلام
۲۱۳	وصیت امام؛ حراست از اصول انقلاب و ضدیت با استکبار
۲۶۵	توصیه‌ی امام به آمادگی همیشگی و همگانی
۳۲۶	عامل تبدیل دانشگاه به مورد هشدار امام
۳۲۸	تأکید امام بر حضور مردم در انتخابات
۳۳۶	آموزش راه پیروزی در همه‌ی مسائل توسط امام خمینی(ره)
۳۴۴	تأکید بر ارتباط حوزه و دانشگاه
۴۶۴	درس ایستادگی امام در مقابل تحمیل‌های امریکا و آثار آن
۴۹۵	جایگاه جوانان اینارگر از منظر حضرت امام
۵۲۹	درس امام در هوشیاری نسبت به طراحیهای پیچیده دشمن
۶۲۱	جهاد علمی؛ از معروفترین توصیه‌های امام خمینی(ره)
۷۱۰	درسهای امام در قابل بخشش نبودن جفای به ملت و نظام
۷۲۲	گسترش فرهنگ انقلاب در دنیای اسلام؛ با تعالیم امام راحل
۸۰۳	تذکر امام به پرهیز از نفوذیها
۸۲۹	نکاتی مهم از وصیتنامه‌ی امام
۸۲۹	تأکید امام بر تعلق انقلاب به مردم
۸۳۰	نسبت مساوی همه‌ی نسل‌های انقلاب با انقلاب اسلامی
۸۳۱	پیش‌بینی امام مبنی بر گسترش انقلاب و بیداری اسلامی
۸۳۲	روح انقلابی و پیشرفت؛ راه میانه‌ی عقب‌ماندگی و غرب‌زدگی در وصیتنامه امام
۸۳۳	حرکت در مسیر ترسیمی امام؛ از علل دشمنی مستکبرین
۸۳۴	جنگ سرد و عملیات روانی دشمن
۸۳۵	هشدار به توطئه‌های اختصاصی علیه جوانان
۸۳۶	روش مواجهه با زورگویان عالم
۸۴۷	راه انداختن دشمنی شیعه و ضدشیعه؛ دفاع از امریکا، نه دفاع از تشیع!
۸۷۳	مقاومت موفق ایران؛ نتیجه‌ی پیروی از درسهای امام خمینی(ره)
۹۱۵	درس بزرگ امام به ملت و مسئولین
۹۱۹	مفهوم و اقتضائات صبر؛ یکی از درسهای عملی امام بزرگوار
۹۶۰	افتخار امام به بسیجی بودن
۹۶۱	نقش فرادوره‌های بسیج در دفاع از اصول مسلم اسلامی، در بیان امام

نمایه‌ها / ۱۰۴۱

۳۱۷.....	قواعد حکمت‌آموز امام برای پیروزیها و اهمیت آن.....
۷۱۴.....	اثر تعالیم اسلام امام به مردم و تقای امید و شجاعت به ایشان.....
۷۲۱.....	استفاده از تعالیم اسلام و امام راحل، در مبارزه با فساد در جامعه.....
۷۸۱.....	ضرورت علم‌آموزی در دیدگاه امام.....
۹۱۸.....	آموزش امام در نوع نگاه به انقلاب اسلامی.....
۲۶۳.....	درس امام به ملت‌ها در مقابل ارباب قدرتهای بزرگ.....
۵۱۹.....	تلاش و کوشش؛ بزرگترین افتخار و درس امام.....
۸۲۵.....	جایگاه پیامبرگونه‌ی معلّمی در فکر امام حکیم.....
۶۲۱.....	جهاد علمی؛ از معروفترین توصیه‌های امام خمینی(ره).....
۹۹۰.....	همکاری و همدلی؛ وصیت فراموش‌نشده‌ی امام به ملت‌های مبارز منطقه.....
۸۰۱.....	ارزش تعلیم و تربیت از نظر امام.....
۴۱.....	جایگاه تراز اول مسئله‌ی دانشگاهها در نظر امام.....
۳۰۸.....	درس کوتاه اما پرمغز امام به زوجهای جوان.....
۷۶۱.....	درس بزرگ امام به ملت ایران.....
۹۸۳.....	مجاهدت همراه با تدبیر؛ درس امام در ترکیب دو مقوله‌ی «آرمانگرایی» با «واقعینی».....

بخش چهارم: درسها و توصیه‌های به خواص و مسئولین

۴۷.....	توصیه‌ی همیشگی امام به مسئولین.....
۸۰.....	خلاصه‌ی وصیتنامه‌ی امام حکیم.....
۱۴۰.....	توصیه‌ی مکرر امام به مجلس برای رسیدن به کمال کارایی.....
۱۷۹.....	مبارزه‌ی امام با تفکر غلط جدایی مردم از مکتب.....
۲۰۴.....	توصیه‌ی امام به نحوه‌ی برخورد با اختلافات سیاسی.....
۲۴۶.....	توصیه‌ی دائم امام به گروهها و جناحها.....
۲۵۴.....	توصیه‌ی امام به اجتناب از سیاستبازی و تفسیر صحیح آن.....
۲۷۰.....	درسی جاودانه از امام راجع به مجلس.....
۲۸۲.....	جهت‌گیری نظام بر اساس منافع قشر مستضعف؛ درس امام از امیرالمؤمنین(ع).....
۳۴۱.....	تأکید امام بر ارائه‌ی گزارش کارها به مردم.....
۴۹۳.....	تصمیم لازم در لحظه‌ی لازم؛ درس بزرگ امام به خواص.....
۵۰۷.....	توصیه‌ی دقیق امام در مورد تبلیغ «عدم جدایی دین از سیاست».....
۵۲۰.....	فتوای امام بر «منع حیل ربا»؛ الگویی برای جلوگیری از قانون‌گریزی.....
۶۳۴.....	امام و وصیت ایشان؛ مبنای وظیفه‌ی گروههای خودی.....
۶۴۷.....	مدرس؛ نماینده‌ی مطلوب امام در مجلس.....
۶۵۶.....	تذکرات علوی امام خمینی به خواص و مسئولین.....
۷۵۵.....	توصیه‌ی مکرر امام به نحوه‌ی مباحثات در مجلس.....

۸۶۲	توجه به آخرین وصایای امام در مورد اهمیت قانون
۸۶۳	توجه امام به سختی کار اجرایی
۸۰۳	تذکر امام به پرهیز از نفوذیها
۴۲۶	اذعان امام، به سختی اداره‌ی کشور
۱۵۲	توصیه‌های مکرر امام در اهمیت دانشگاه
۲۸۴	وصیت دائمی امام به همکاری و همدلی سازمانهای نظامی

بخش پنجم: معرفی اسلام نابِ محمدی

۱۰۲	حرکت در خط امام؛ ضامن آسیب‌ناپذیری انقلاب
۲۰۰	تعبیر امام از اسلام ناب و اسلام امریکایی
۲۱۲	ارائه‌ی اسلام ناب توسط امام در مدرسه‌ی انقلاب
۷۲۴	معرفی اسلام ناب محمدی توسط امام در مقابل دو نوع اسلام امریکایی
۸۷	اسلام مدّ نظر امام خمینی(ره) در مقابل اسلام امریکایی
۱۸۹	اسلام مورد دعوت امام(ره)
۱۰۲	هزینه‌های قرار گرفتن پشت سر علمدار اسلام ناب محمدی
۶۳۸	علت مخالفت دشمن با اسلام امام خمینی(ره)
۸۷۰	نگاه اسلام ناب امام به ولایت ولی
۱۶۰	تبیین تعبیر امام از اسلام امریکایی
۲۲۵	امام خمینی(ره)؛ اسلام انقلابی مجسم
۷۳۰	معنای واضح «اسلام ناب محمدی» مدّ نظر امام

بخش ششم: وحدت

۶۳	وحدت؛ وصیت دائمی و مؤکد امام بزرگوار
۷۷	وصیت امام در مورد پیوند با مسلمانان جهان
۹۳	وحدت و انسجام ملی؛ درس بزرگ امام برای شرایط کنونی
۹۳	دو درس کلیدی از امام؛ وحدت کلمه و حضور در صحنه
۱۰۰	رمز همه‌ی پیروزیها در کلام امام
۲۵۱	بیشترین توصیه‌ی امام در دوران حیات
۵۴۹	دو نقطه‌ی درخشان وصیتنامه‌ی امام(ره)
۷۷۶	ضرورت لبیک مسلمین جهان به دعوت امام خمینی(ره) بر «وحدت»
۴۷	ضرورت حفظ وحدت؛ مهمترین رهنمود امام پس از انقلاب
۲۸۷	ضرورت روزافزون وحدت پس از حضرت امام
۶۸۸	مسئله‌ی اتحاد، از سفارشات مکرر امام
۷۳۴	حفظ وحدت؛ توصیه‌ی مهم و مکرر قرآنی امام به ما

نمایه‌ها / ۱۰۴۳

- ۵۰۴..... اتحاد؛ نصیحت دائمی امام برای علاج مشکلات بزرگ
۱۹۱..... انگیزه‌ی اصلی از تکرار شعار استراتژیکِ وحدت توسط امام
۷۳۹..... توصیه‌ی حکیمانه‌ی امام تا انتهای عمر شریفشان
۳۸۳..... درس بزرگ امام به وحدت در الگو قرار ندادن برخی مخاصماتِ ناشی از مظلومیت شیعه

بخش هفتم: عمل به وظیفه

- ۱۳۵..... کار برای تکلیف نه نتیجه؛ درس قولی و فعلی حضرت امام خمینی
۳۴۳..... درس‌هایی برگرفته از منش الهی حضرت امام(ره)
۳۶۸..... شناخت سلطه کفر و استکبار جهانی؛ بزرگترین تکلیف مسلمین از نظر امام
۴۱۴..... درس امام مبنی بر انجام تکلیف در هر شرایطی
۱۸۳..... اهمیت ادای تکلیف در کلمات امام
۳۶۶..... درس مکرر امام در انجام تکلیف و کار برای خدا

بخش هشتم: نکات اخلاقی و توصیه‌های معنوی امام

- ۱۴..... درسی همیشگی برای پیروان امام(ره)
۱۴..... وصیت امام بر حفظ دل‌های پاک جوانی
۴۳..... درس امام در برخورد با سختیها و حوادث تلخ و سنگین
۵۲..... تنها راه نجات و جلب رضای الهی در وصیت امام
۱۸۷..... توصیه‌ی مکرر امام در راستای عروج معنوی
۲۸۰..... معنای فرمایش امام مبنی بر حفظ «سلسله مراتب»
۲۸۷..... علت توصیه‌ی امام به مطالعه‌ی وصیتنامه‌ی شهدا
۳۶۷..... فرمایش امام مبنی بر دست‌نیافتنی بودن امام علی(ع)
۴۱۴..... درس تواضع امام
۷۷۵..... ضرورت تفکیک بین دو معنای از دنیا در توصیه‌ی امام
۷۷۴..... توصیه‌ی امام به پرهیز از دنیای با معنای مذموم
۲۵۸..... اخلاص و عمل به اسلام از اعماق وجود
۹۳۲..... توجه و توصیه‌ی امام به رعایت تقوای جمعی
۶۷۲..... وجود شاخصه‌های علوی در جای‌جای تعالیم امام
۲۹۰..... دنیای مورد اعتقاد امام و امت
۱۴۲..... تکیه‌ی امام بر قدرت ایمان ملت ایران؛ در حوادث مهم
۶۴۲..... معرفی کتابی بسیار خوب از امام خمینی
۴۱۴..... درس تواضع امام
۶۸۸..... حضرت امام؛ معلّم بزرگ شهادت

بخش نهم: نتایج عمل به وصیتهای یا تخطی از آنها

۲۶۱ آثار عمل به درسهای امام خمینی و پشتیبانی از وی
۳۱۹ نتایج عمل به توصیه‌ی امام در مورد خواندن وصیتنامه‌ی شهدا
۵۵۹ فرجام بدبی‌توجهی به توصیه‌های امام
۵۹۳ گسترش کمی و کیفی عرصه‌ی دانش و تحقیق؛ محصول درسهای جاودان امام
۶۳۸ تأیید و حمایت اسلام مدنظر امام خمینی؛ خدمتی به ملت و تاریخ ایران
۵۰۶ درسهای بزرگ از امام و آثار عمل به آنها
۵۵۹ فرجام بدبی‌توجهی به توصیه‌های امام

فصل هفتم: علت و تفسیر برخی مواضع و بیانات

بخش اول: علت و معنای برخی مواضع نسبت به ابعاد مختلف نظام و مبارزات

۱۹۳ علت اعتقاد امام به شکست‌ناپذیری ملت
۲۷۴ مبانی اسلامی و مستحکم امام در بیان فتح‌الفتوح انقلاب
۳۳۸ نمونه‌ای از مصادیق فهم صحیح امام از وضعیت دانشگاه‌های قبل از انقلاب
۵۹۳ اثبات درستی نگاه امام راحل به دانشگاهیان
۶۹۸ معنای جمله‌ی امام در مورد آزادی خرمشهر توسط خدا
۹۲۹ علت تأکید امام بر روی کلمه‌ی «جمهوری اسلامی»
۸۸۱ تفسیری دیگر از «شهر هزار سنگر» در تعبیر امام
۹۸۷ رزمندگان دیروز و نخبگان متعهد امروز؛ مصادیق فتح‌الفتوح مدنظر امام
۲۷۹ معنای فرمایش امام در مورد حفظ اسلام توسط عاشورا
۷۶۰ تعبیر امام در مورد خودباوری ملت ایران
۸۵۵ علت توجه ویژه‌ی امام به منطقه‌ی کردستان
۹۵۲ تعبیر امام از انقلاب کبیر اسلامی؛ پیروزی خون بر شمشیر

بخش دوم: علت و معنای برخی تأکیدات و توصیه‌های امام

۱۶۸ راه امام در مخالفت با تضعیف دستگاههای مسئول کشور
۱۶۹ علت تأکید امام بر وحدت همه جانبه
۱۷۰ حمایت امام از دولت و توصیه‌ی این کار به دیگران
۱۷۰ مجلس در تعبیر امام حکیم
۳۵۵ فرمان امام به شرکت در نمازهای جماعت مسجدالحرام در راستای حفظ وحدت
۳۹۹ احساسی نبودن مسئله‌ی وحدت در نظر امام خمینی
۵۶۳ علت تأکید امام بر اسلام ناب و حقیقی
۵۹۳ علت تأکید امام بر اسلامی شدن دانشگاه
۷۴۲ معنای فرمایش مکرر امام در «عمل برای تکلیف؛ نه نتیجه»

نمایه‌ها / ۱۰۴۵

۸۷۴.....	تبیین عمق و ژرفای فرمایش امام در مورد عزاداری سنتی
۹۵۵.....	مصدق و معنای اصرار امام بر نقش مستقیم مردم در امور مهمه‌ی انقلاب
۹۵۶.....	استمرار اصرار امام بر نقش مردم
۹۷۰.....	ویژگی و معنای روز زن در کلام امام خمینی
۵۲۲.....	علت توصیه‌ی امام به خواندن وصیتنامه‌ی شهدا.....
۸۷۲.....	مبنای روایی امام در توصیه به شرکت در نمازهای حج
۳۸۲.....	تفاهم و همدلی؛ معنای صحیح اتحاد مسلمین در نظر امام.....
۷۹۹.....	علت اصرار امام و دیگر علمای مبارز بر قضیه‌ی وحدت اسلامی
۵۵۲.....	علت توصیه‌ی مؤکد امام به مردم برای شرکت در انتخابات.....
۲۰۰.....	تعبیر امام از اسلام ناب و اسلام آمریکایی
۷۱۷.....	علت تأکید امام بر تحقق اسلام در عرصه‌های مختلف
۸۵۶.....	علت تکیه امام بر اسلام در همه‌ی گفته‌ها.....
۸۴۶.....	علت تأکید امام و فقهای دیگر بر وحدت دین و سیاست
۸۷۰.....	نگاه اسلام ناب امام به ولایت ولی
۲۴۵.....	مصدق فرمایش امام مبنی بر دنیاخواهی سیری‌ناپذیر.....
۱۶۶.....	علت تأکید امام بر حضور مردم در صحنه‌های سیاسی
۱۶۹.....	معرفی برخی الزامات و بایسته‌های مدنظر امام خمینی و علل آنها.....
۵۹۱.....	علت توصیه‌ی امام به رعایت تقوا.....

بخش سوم: علت و معنای برخی مواضع و حمایتها از نهادهای دولتی و مسئولین

۲۵.....	علت اشاره‌ی امام به خودکفایی ارتش در وصیتنامه
۵۶.....	علت اهتمام امام عزیز به نیروهای اطلاعاتی
۹۴.....	سربازان گمنام؛ تعبیر امام از عناصر اطلاعاتی
۱۳۸.....	علت رضایت امام از دستگاه دیپلماسی وقت
۱۵۴.....	علت تأکید امام بر حمایت مردم از مسئولین؛ علی‌رغم آگاهی از ضعفها
۱۵۹.....	معنای صحیح کلام امام مبنی بر «عدم دخالت نیروهای مسلح در دسته‌بندیهای سیاسی»
۲۴۴.....	بیانی تمثیلی در علت حمایت امام از دولت
۲۸۶.....	معنا و نتیجه‌ی رعایت سلسله مراتب از منظر امام
۳۱۹.....	تفسیر غلط از مبنای امام در «عدم دخالت نیروهای مسلح در دسته‌بندیهای سیاسی»
۴۴۸.....	علت اظهار علاقه‌ی امام به ارتش
۴۶۹.....	علت حضور فرزند امام در جلسه‌ی شورای مصلحت
۹۱۰.....	علت و معنای دفاع همیشگی امام از کارگزاران نظام
۲۴۴.....	بیانی تمثیلی در علت حمایت امام از دولت
۲۴۰.....	معنای مسئولیتهای بالای نظام از منظر امام.....

- ۹۰۸.....تبيين تعبير واقعى و بدون تعارف امام از صدا و سيما به دانشگاه بزرگ.
- ۲۴۳.....تبيين فرمايش امام در مورد دانشگاه بودن صدا و سيما.
- ۲۸۰.....معناى فرمايش امام مبنى بر حفظ «سلسله مراتب».
- ۳۲۴.....نگاهى حکيمانه به مشکلات و اعتراضات وارد بر رئيس جمهور وقت.
- ۴۳۷.....جاىگاه پاسدارى با توجه به معناى کلام امام.
- ۵۸۵.....علت توصيهى امام به گزارش دهى مسئولين.
- ۹۰۹.....معناى صحيح فرمايش امام در مورد خصوصى سازى اقتصاد.
- ۵۳۴.....نظر امام در لزوم وجود شوراي عالى انقلاب فرهنگى.

بخش چهارم: علت و معناى برخى ابتکارات امام

- ۲۶۴.....هدف امام از تشكيل بسيج؛ ايجاد فرهنگ صدر اسلام در کشور.
- ۲۶۴.....منشأ تکيهى فراوان امام بر مسئلهى بسيج.
- ۲۷۲.....تبيين نظر امام در مورد وحدت حوزه و دانشگاه.
- ۴۶۱.....معناى فرمان تشكيل ارتش بيست ميليونى از سوى امام.
- ۴۷۴.....تشریح مبنای امام راحل مبنی بر «نقش زمان و مکان در استنباط فقهی».
- ۵۵۷.....کاربرد اصطلاح نظامی «فتح الفتوح» در یک حادثه‌ی انسانی توسط امام.
- ۵۶۲.....معناى حقيقى ارتش بيست ميليونى امام.
- ۹۵۹.....علل و زمينه‌هاى فرمان ابتكارى امام مبنى بر تشكيل بسيج.
- ۱۹۲.....توجه به معناى واقعى ابتكار امام در موضوع روز قدس.
- ۲۶۵.....معناى فرمايش امام در مورد بسيج بيست ميليونى.
- ۴۰۷.....معناى ناصحيح «وحدت حوزه و دانشگاه» در نظر امام.
- ۸۷۴.....معناى وحدت حوزه و دانشگاه در نظر امام.
- ۳۳۶.....علت تأييد امام بر نامگذاري روز پاسدار.
- ۴۱۴.....معناى سخن امام در مورد بى فايده گى حج بى برائت.
- ۹۵۱.....معناى صحيح و غلط «ولايت مطلقه‌ى فقيه».
- ۹۶۲.....معناى «ولايت مطلقه‌ى فقيه» امام و نمونه‌اى از کارکردهاى آن.
- ۲۳۹.....علت اهتمام امام به مسأله‌ى ولايت فقيه.
- ۹۸۴.....تکرار احساس امام نسبت به بسيجیها در رهبرى، نسبت به جوانان دانشجو.
- ۱۸۲.....علت عنايت حضرت امام به جهادسازندگى.

بخش پنجم: علت و معناى برخى مواضع و بیانات امام درمقابله با انحرافات و دشمنی‌ها

- ۱۹۴.....تبيين جمله تاريخى امام: امريكا هيچ غلطى نمى تواند بکند.
- ۲۸۱.....آشکار شدن مجدد حقيقت جارى بر زبان امام بزرگوار مبنى بر ناتوانى امريكا.
- ۳۰۵.....شرایط استمرار فرمايش امام مبنى بر ناتوانى امريكا در برابر ملت.

۶۴۶	علت منع امام از به زبان آوردن کلمات اساسی بیگانه
۸۸۰	علت استفاده‌ی امام از تعبیر «امت اسلام» در مقابل برنامه‌های استکبار
۲۵۴	توجه امام به اصلیت‌ترین نکات در فرمان به شکست حصر آبادان
۴۰۲	علت و حقیقت تجلیل امام حکیم از حرکت ضد استکباری ۱۳ آبان
۴۶۵	علت منع امام از به زبان آوردن کلمات اساسی بیگانه
۳۷۰	تعبیر امام از افراد فرصت‌طلب و دورو
۷۹۵	دو منشأ تصمیم امام در موضوع جنگ
۵۷۸	توجه به سوءاستفاده از نظرات و بیانات امام

فصل هشتم: روابط متقابل امام با دیگران

بخش اول: خانواده‌ی امام

۲	عزیزترین اشخاص نزد حضرت امام
۱۹	تقدیر از زحمات فرزند امام نسبت به امام
۱۳۴	تقدیر از حاج سیداحمد خمینی(ره) بعنوان یادگار و یاور امام
۲۹۹	خصوصیات ارزشمند فرزند امام در مسائل مربوط به امام
۳۶۵	ارائه‌ی مواضع مورد پسند امام، توسط خانواده‌ی امام
۴۶۶	میزان عشق حاج احمد آقا به امام خمینی(ره)
۴۶۶	تشویق امام به طلبه شدن فرزندان
۴۶۷	حاج احمد آقا؛ عنصری لازم و بی‌بدیل در کنار امام(ره)
۴۷۰	جایگاه بی‌بدیل حاج سیداحمد بخاطر ارتباط خاص با امام
۴۸۷	نقش بارز حاج احمد آقا در حرکت و راه امام بزرگوارمان
۶۶۹	اهمیت تجلیل از حاج احمد آقا فرزند حضرت امام
۴۴۶	خدمات حاج سیداحمد نزد حضرت امام و ابعاد نقش استثنایی ایشان
۴۶۵	نحوه‌ی آشنایی با حاج احمد آقا
۴۹۷	ارتباطات گوناگون آیت‌الله پسندیده با امام در ادوار مختلف
۸۵۰	دهها سال همراهی صبورانه همسر امام با ایشان
۸۵۱	همسر امام؛ مایه‌ی آرامش امام در مراحل دشوار

بخش دوم: ارادت جوانان و توده‌ی مردم به امام

۴۲	احساس مصیبت فقدان امام بین مردم کشورهای بیگانه
۱۰۹	تمجید از وفاداری ملت نسبت به امام
۱۲۰	تشکر از وفاداری ملت ایران و همدردی دیگر مسلمانان در ایام رحلت
۱۲۲	چگونگی پاسخ ملت ایران به امام
۱۴۵	ضرورت حفظ سرمایه‌ی محبت امام به جوانان مجاهد و مخلص

۱۶۰	لیک عاشقانه‌ی مردم به ندای امام خمینی
۱۵۰	اثبات عشق مردم به امام و معرفی عاشقترین عشاق
۲۳۱	سربلندی ملت ایران در امتحانات دوران حیات امام و ایام بعد از رحلت
۲۳۲	معنای واقعی علاقه به امام
۴۳۱	علقه و ارتباط منحصر به فرد مردم با امام و مسئولین
۴۴۳	نشانه‌های ایمان و اعتقاد همیشگی مردم به اسلام و امام
۵۴۳	جایگاه نام امام در ایران اسلامی
۵۵۰	جایگاه امام در قلوب جوانان
۵۵۴	دانشجوی بسیجی؛ فرزند همیشگی خمینی کبیر
۶۶۰	لیک مردم قم به امام؛ از روز اول نهضت
۷۵۹	محتوای نوزدهم بهمن؛ فراتر از بیعت یک گروه با امام خمینی
۷۹۸	تأثیر سریع و عمیق فرامین امام بر قلوب ملت
۸۴۳	ارزش حفظ شعارهای امام و انقلاب توسط جوانان امروزی
۸۶۷	لزوم شکرگزاری دل‌بستگان به اسلام و امام، از حضور مردم در صحنه‌های انقلاب
۹۰۵	دل‌بستگی مردم به امام؛ دل‌بستگی به انقلاب، دین و آرمانهای دینی
۹۰۵	موفقیت ملت در عرصه‌های پیوند معنوی و عملی با امام
۹۱۴	دو مقطع مهم در همراهی قمیها با امام خمینی
۹۹	وفادارترین امت تاریخ نسبت به امام خود
۷۰۷	مقایسه‌ی نحوه‌ی حمایت مردم از اصول امام با حمایت ملت‌های دیگر از اصولشان
۱۴۳	صحنه‌هایی از پشتیبانی مردم از امام علی‌رغم مخالفت برخی خواص با ایشان
۲۰۱	جای گرفتن امام در اعماق دل مسلمین عالم
۲۳۳	حرکت ناباورانه‌ی ملت ایران پشت سر بزرگترین عطیه‌ی الهی
۵۵۰	جوانان حزب الله و بسیجیان حامی انقلاب و امام؛ قدرت ملی واقعی
۶۸۷	اهتمام ملت نسبت به فرمایشات امام بزرگوار
۱۸۳	انتخاب حضرت امام به رهبری به خاطر عشق مردم به امام و اطاعت از ایشان
۹۵	استفاده‌ی حداکثری مردم از سالهای رهبری امام
۸۶۲	جنبش عمومی و مردمی برای تجدید پیمان با امام و شهدا
۵۲۵	همکاری جوانان در انتشار افکار امام در سه مقطع از تاریخ انقلاب
۵۶۴	دفاع شجاعانه‌ی مردم قم از امام در ۱۹ دی
۸۲۰	نوزده دی؛ پاسخ به موقع ملت به ندای امام خمینی (ره)
۱۲۲	جهادگران و بسیجیان؛ صاحب عزای حقیقی در فقدان امام
۲۸۳	یاران مجاهد و عارف امام، یادآور یاران امام حسین (علیه السلام)
۳۷۷	زمان آشکار شدن ابعاد مختلف پیوند اسلامی میان مردم و امام
۲۷۸	یاران صمیمی امام بزرگوار
۸۸۸	افتخار جوانان به امام

بخش سوم: رضایت امام از مردم و تکیه به ایشان

۱۹.....	قدردانی از معالجین و مراقبین امام خمینی(ره)
۲۶.....	عمق اعتقاد و شور ایمان مردم امروز در نظر امام(ره)
۲۷.....	اطمینان به رضایت امام از امت خود
۶۷.....	شناخت متقابل امام و مردم از یکدیگر
۶۷.....	رابطه‌ی عمیق امام با قشر کارگر
۶۹.....	ارتباط عاطفی بین امام و بسیجیان
۷۴.....	عشایر در نظر امام؛ ذخایر انقلاب
۸۱.....	نظر امام نسبت به همراهی مردم با انقلاب
۱۴۴.....	پابرنه‌ها؛ سربازان وفادار واقعی انقلاب از نظر امام
۱۴۶.....	ولی‌نعمتهای حقیقی از نظر امام
۱۹۴.....	تجربه‌ی مکرر جمله‌ی معروف امام در مورد پابرنه‌گان
۳۳۱.....	حساسیت امام نسبت به شهدا و خانواده‌ی ایشان
۳۶۶.....	محوریت محرومین و پابرنه‌گان در تمام فعالیتهای نظام
۳۷۲.....	تکیه‌ی مکرر امام بر هوشیاری و آگاهی ملت
۴۰۰.....	نوع نگاه امام خمینی(ره)، به جوانان امت
۴۵۳.....	روح امام؛ ناظر بر اوضاع ملت و راضی از ایشان
۵۱۸.....	مردم‌مداری حضرت امام
۵۵۶.....	جوانان پاک و نورانی؛ الگوهای دوست‌داشتنی امام
۵۶۹.....	نیروها و یاران اصلی امام برای تشکیل حکومت اسلامی
۶۰۳.....	نشانه‌های اعتماد واقعی امام به مردم
۸۳۷.....	امام؛ مدافع همیشگی حقوق مظلومین
۶۵.....	نگاه پیامبرگونه و دلدادگی امام به مردم
۷۹۲.....	هنر امام در اعتماد به نیروهای مردمی و نتایج آن
۸۴۳.....	نمونه‌ی ظریف اعتقاد امام به مردم
۹۵۴.....	حکمت امام در مردمی نگه داشتن انقلاب اسلامی
۷۵۶.....	اولین کاشف خصوصیات برجسته‌ی مردم ایران و تکیه کننده به آنها
۳۲۴.....	علاقه‌ی امام به جوانان بسیجی
۲۴۶.....	رابطه‌ی عاطفی عمیق بین امام و اسرا
۳۰۸.....	خشنودی روح امام از الطاف الهی به مردم
۳۹۷.....	امام؛ بازکننده‌ی راه خدمت به مردم
۸۸۳.....	شناخت صحیح امام از مردم تبریز
۵۵۱.....	دلخوشی امام به روح ایمانی جوانان
۲۷۳.....	خشنودی امام از دیدار جوانان مؤمن و مجاهد

۶۸۷.....	توجه امام به اصناف بعنوان بازوی قدرتمند نظام اسلامی
۸۳.....	نظر امام در مورد اصناف و بازاریان
۶۹۰.....	امام عزیز؛ مظهر مطالبات مردم بر محور اسلام
۶۶۱.....	امام قدردان نیروهای خودجوش مردمی
۱۰۱.....	رضایت امام؛ بالاترین افتخار برای ملت ایران
۶۴۹.....	اعتماد امام به جوانان و مسئولیت‌دهی به ایشان

بخش چهارم: امام و مسئولین

۵۳.....	جایگاه خدمتگزاران نزد امام خمینی(ره)
۵۶.....	افتخار از جلب رضایت امام خمینی(ره)
۶۱.....	محبت طرفینی بین امام(ره) و خدمتگزاران نظام
۱۵۱.....	دو سازمان مورد تأیید همیشگی امام راحل
۲۰۰.....	توجه خاص امام به نیروهای مسلح
۴۵۵.....	هفته‌ی تجدید پیمان دولت‌ها با امام راحل
۷۳۷.....	جایگاه مجلس در نظر امام
۹۴.....	رضایت امام از کارشناسان اطلاعاتی

بخش پنجم: علل و عوامل همدلی موجود بین امام و دیگران

۵۲.....	علت علاقه‌ی امام خمینی(ره) به مردم
۹۶.....	دلایل رضایت امام از مردم
۲۵۱.....	نصرت الهی در محبوبیت امام و اطاعت مردم از ایشان
۳۸۴.....	نفوذ امام و کلام امام در قلب مردم سراسر جهان به برکت بیان حقایق
۳۹۳.....	کار برای خدا؛ علت اشتیاق مشتاقان به امام خمینی
۷۰۳.....	علت لبیک مردم به ندای امام
۷۱۶.....	علت قرار گرفتن مردم پشت سر امام خمینی(ره)
۷۵۵.....	علت توصیه‌ی شهید صدر به ذوب در امام شدن
۸۵۵.....	ایستادگی امام و پشتیبانی ملت از امام به برکت آگاهی
۹۶۸.....	علت تأثیرگذاری امام بر قلوب توده‌ی مردم
۵۶۵.....	علل نفوذ امام و پیام امام در قلوب مردم و نتایج آن
۳۶۹.....	اسلام؛ علت اصلی عشق مردم به امام خمینی(ره)
۸۲۷.....	دو عامل بزرگ ارادت همگانی به امام
۲۶۱.....	علت اهتمام مردم به حرف امام و روحانیت
۸۸۳.....	علت ماندگاری بیعت جوانان نیروهای هوایی با امام

بخش ششم: آثار و نتایج این همدلی‌ها

تأثیر پیوند مستحکم مردم با امام و راه امام در کسب موفقیت‌های بزرگ	۶۶
عزت جهانی؛ نتیجه مقاومت و وفاداری مردم نسبت به امام	۷۱
آثار ابراز ارادت ملت ایران به امام	۱۰۱
انطباق عظمت امام بر عظمت ملت	۱۹۹
تأثیر عشق مردم به امام	۲۹۰
حج ایرانیها؛ مایه‌ی آبروی امام و انقلاب	۲۹۴
بازگشت آزادگان؛ محصول پایداری ملت و رهبری امام	۲۹۸
تأثیر لبیک مردم به امام در فتح قله‌ی عظمت اسلام توسط امام خمینی(ره)	۳۳۰
رضایت الهی از پاسخ صادقانه‌ی ملت به ندای امام	۳۷۱
ثمره‌ی لبیک جوانان لبنانی به ندای امام	۷۳۱
ثمره‌ی عشق صادقانه‌ی کارگران به امام راحل	۱۹۳
از ثمرات پیوند دینی مردم با امام	۲۸۷
نتایج استقامت امام و لبیک ملت به او	۷۸۴
تأثیر اعتماد متقابل مردم و امام در پیروزی انقلاب	۷۹۳
اجر شهیدان؛ حفظ آبروی امام و امت	۷۶۲
برتری شهدای زمان ما از شهدای صدر اسلام بخاطر برتری معصومین(ع) از امام	۳۳۰

فصل نهم: امام و حوزه

بخش اول: نظرات حضرت امام نسبت به ابعاد مختلف حوزه

امام و دمیدن روح حیات بخش «حرکت برای اقامه دین» در حوزه‌های علمیه	۳۵
قاعده‌ی نظام جمهوری اسلامی در نظر امام خمینی(ره)	۳۶
سه عنصر مورد نیاز استحکام حوزه‌ی علمیه با تعالیمی از حضرت امام(ره)	۳۶
عنصر اول: فقه ممتاز مد نظر امام	۳۷
عنصر دوم: تهذیب و اخلاق	۳۸
ثمره‌ی اخلاص و معنویت امام(ره)	۳۸
علت عظمت امام خمینی	۴۰
عنصر سوم استحکام حوزه: آگاهی سیاسی	۴۰
معنای تعبیر امام از فقه جواهری	۹۸
گستره‌ی مطلوب اجتهاد ترسیمی امام	۱۱۱
لزوم استخراج اهداف حوزه از پیام امام و برنامه ریزی برای تحقق آنها	۱۶۳
تفکر امام در تعیین جهت حرکت عمومی حوزه	۱۶۴
ضرورت استفاده از نظرات امام در مسائل حوزه	۳۳۸

- ۱۶۳..... ضرورت پیشبرد فعالیت‌های حوزوی در چارچوب پیام امام
 ۱۶۷..... وحدت حوزه و دانشگاه؛ تعبیری از قلب حکیم امام

بخش دوم: امام و علما

- ۱۶۴..... نقش و جایگاه مراجع در پیام امام به حوزه
 ۲۹۲..... حاصل عمر امام خمینی(ره)
 ۳۴۹..... نمونه‌های دیگر حضور علما در صحنه‌ی سیاست
 ۴۰۷..... ارتباطات آیت‌الله گلپایگانی با امام خمینی
 ۵۷۲..... معرفی مقام معظم رهبری به دانشجویان از سوی امام
 ۵۸۸..... حضرت امام، در رأس افراد مؤثر در شخصیت شهید مطهری
 ۶۸۸..... امام؛ مؤید نظر مدرّس در مورد عینیت سیاست و دیانت ما
 ۳۴۹..... معنای واقعی فرمایش امام در مورد پیشوایی علماء در مقابل ظلم
 ۵۹۰..... علت تکریم امام از علامه سید موسی صدر
 ۴۶۱..... اطاعت علمای اعلام از امام راحل در انقلاب اسلامی
 ۸۲۰..... خاطره‌ای از مخالفین امام، در راستای افزایش تحمل مخالفین در حوزه
 ۳۷۹..... حضرت امام؛ قوتبخش آبروی هزار ساله‌ی روحانیت
 ۹۲۸..... همراهی آیت‌الله مرعشی با امام و انقلاب
 ۷۵۶..... تأثیر امام بر گرایش سلوکی و معنوی مرحوم شهید مطهری
 ۵۸۷..... نظر امام در مورد کتب شهید مطهری

بخش سوم: امام، طلاب و روحانیون

- ۳۵..... اصلیت‌ترین صاحبان عزای امام(ره)
 ۶۳..... امام، وارث انبیاء؛ روحانیان، وارثان امام
 ۶۵..... توصیه‌ی امام به روحانیت؛ ترویج اخلاق و معنویت با زبان و عمل
 ۶۵..... ارتباط بین آبروی روحانیت، آبروی اسلام و آبروی امام
 ۱۳۰..... توصیه‌های امام در حفظ زیّ طلبگی
 ۱۸۹..... اولین نصیحت امام به طلباب
 ۳۷۸..... روحانیون؛ پیام‌رسانان امام در دوران طاغوت
 ۹۸۹..... عامل مؤثر در رسیدن طلباب به جایگاه بزرگ امام
 ۹۸۹..... جایگاه معارف حاصل از بیانات امام، بین جوانهای طلبه
 ۳۳۴..... طلاب جوان و مدرسین بزرگ حوزوی، بازوان امام در دورانهای مختلف انقلاب
 ۵۶۳..... جایگاه تبلیغ در نظر امام و دیگر علماء
 ۳۷۲..... تکیه‌ی مکرر بر هوشیاری و آگاهی ملت

نمایه‌ها / ۱۰۵۳

۲۸۱..... استفاده‌ی حوزه از فرصت بدست آمده به رهبری حضرت امام.....
۵۴۱..... توجه به نعمت انقلاب امام از جمله نکات تبلیغی.....

بخش چهارم: طلبگی امام

۲۷۱..... حضرت امام؛ طلبه‌ای واقعی.....
۷۱۸..... مثالی از تقریرات و دروس امام خمینی(ره) در آزاداندیشی در حوزه.....
۷۵۴..... ثمرات وجود شخصیت‌های فراوان مثل امام خمینی.....
۲۷۹..... حضرت امام(ره)؛ اولین نشانه‌ی برکات جهانگیر حوزه‌ی قم.....
۴۵۹..... امام خمینی(ره)؛ محصول تفکر ضدّ روحانیت رضاخانی.....
۷۵۳..... ظهور امام در زیر فشار اقتصادی، حیثیتی و سیاسی رژیم سابق بر روحانیت.....
۱۷۱..... علمدار مبارزه‌ی اسلامی؛ محصول حوزه‌ی علمیه‌ی قم.....
۷۱۸..... مثالی از تقریرات و دروس امام خمینی(ره) در آزاداندیشی در حوزه.....
۷۵۴..... ثمرات وجود شخصیت‌های فراوان مثل امام خمینی(ره).....

بخش پنجم: دشمنیها و انحرافات

۶۴..... نفرت امام از آخوندهای وابسته به ستمگران.....
۲۶۲..... ضرورت برخورد دادگاه ویژه روحانیت، با روحانیون معاند با خط امام.....
۲۷۶..... علت ملامت آخوندهای درباری در لسان امام(ره).....
۴۵۹..... ماهیت عناصر ناباب در روحانیت.....
۴۵۹..... انتقاد امام از روحانیون غیرمتعهد.....
۱۹۰..... رفتار استکبار در برابر آخوندِ خوب الهی.....
۶۹۳..... هشجاری امام در جلوگیری از تکرار جدایی روحانیت از سیاست.....

فصل دهم: خاطرات و نکات تاریخی مربوط به اثر حضور امام

بخش اول: خاطراتی از شخص و شخصیت امام خمینی

۱۲	اذعان امام به هدایت و یاری غیبی خداوند در پیشبرد انقلاب
۱۳	رقت قلب امام در برابر معنویت و فداکاری مردم
۷۹	خاطره‌ای تلخ از بیماری امام
۱۹۷	رقت قلب و صلابت امام؛ هر کدام به جای خود
۳۲۱	چگونگی جمع‌آوری اشعار حضرت امام
۴۶۶	تشویق امام به طلبه شدن فرزندان
۴۶۹	مسائلی ناگفته از شخصیت عاطفی امام
۵۴۲	تأثیرگذاری فراوان امام بر شخصیت مقام معظم رهبری
۶۶۰	پرورشگاه تاریخی امام خمینی(ره)
۹۱۵	خاستگاه امام خمینی(ره)
۶۶۱	تشکیل استخوان‌بندی علمی امام در اراک
۶۶۶	امام؛ محصول پایتخت فکری و علمی دنیای اسلام
۸۷۱	نخستین پایگاه پرورش علمی امام و وفاداران به او
۹۵۳	معرفی یکی از اساتید امام و تعریف امام از ایشان
۹۸۸	خاطره‌ای از امام در وصف شخصیت امیرزا حسن بجنوردی
۲۹۳	افتخاری برای بیمارستان شهید رجایی
۶۲۲	تمجید تقارن روز میلاد کوثر فاطمی با کوثر روح‌اللهی

بخش دوم: خاطرات انقلاب و مبارزات امام

۴۳۹	تاریخ آغاز مبارزات امام خمینی(ره)
۵۳۳	دستور بزرگوارانه‌ی امام نسبت به اسرای سفارت امریکا
۵۷۳	تجلی ایمان امام و القای روحیه خودباوری به سربازان خویش
۶۸۶	فرمایش امام نسبت به «مظلومیت شهید بهشتی»
۹۷۰	خاطره‌ی اعلام روز ارتش توسط امام خمینی
۱۳۵	نمونه‌ای از آمادگی برای انجام تکلیف؛ خاطره‌ی استقبال امام
۱۸۱	برجسته‌تر شدن خاطره‌ی امام در دهه فجر
۱۸۲	اولین اعلام فرماندهی امام در ارتش انقلاب
۳۹۷	تدبیر امام در انتصاب نمایندگان خود در جنگ
۵۳۵	خاطره‌ی ورود امام به میهن اسلامی
۵۴۰	نوروزی به رنگ امام...
۵۵۹	نهایت مدارای امام و ملت با امریکایی‌ها
۶۳۶	دو موضع متضاد در کشور نسبت به تخطئه کاپیتولاسیون توسط امام

نمایه‌ها / ۱۰۵۵

۹۰۶.....	تأثیر پیام امام در روحیه‌ی رزمندگان اسلام.....
۳۴۴.....	خانه‌ای با خاطراتی جاودان از امام و امتحانات ایشان
۶۳۵.....	دستگیری و تبعید امام؛ قسمتی از آثار دوستی با امریکا
۷۲۰.....	سفر به استانی محروم؛ اولین حکم مأموریتی امام
۳۴۶.....	روحیه‌ی صحیح در اطاعت از ولی فقیه زمان

بخش سوم: سایر خاطرات از امام

۷۸.....	بیانی متواضعانه در محضر امام(ره)
۲۵۶.....	تقید فراوان امام به قانون؛ برخلاف تصور برخی از بیخبران
۲۷۷.....	تبعیت از فرمان امام(ره)؛ مصداق بهترین خاطره‌ی انقلاب
۲۹۱.....	بینش حکیمانه‌ی امام نسبت به همدلی ملتها با ایران
۳۲۲.....	جذابیت هنر مطابق با واقع، برای امام
۳۴۸.....	عدم اهانت امام به مقدّسات مسلمین؛ در راستای حفظ وحدت
۴۶۹.....	حضور امام در برخی جلسات رؤسای سه قوه
۶۵۷.....	تشخیص حکیمانه‌ی امام از تعریف اشتباه اصلاحات
۸۶۴.....	خاطره‌ای نسبت به ایمان امام به وعده‌ی نصرت الهی
۸۶۸.....	نسخه‌ی امام؛ درمان دردِ غرور از پیروزیها
۲۴۷.....	تشکر امام از فعالیتهای ریاست جمهوری وقت
۷۵۵.....	تفاخر امام به مجلس شورای اسلامی
۸۰۳.....	بسیجی واقعی؛ گوش به فرمان رهبر
۹۱۲.....	حرکت خودجوش مردمی؛ عامل تشویق امام به فرمان جهاد سازندگی

فصل یازدهم: رحلت امام و ابعاد مختلف مراسم سالگرد

بخش اول: بیان عظمت مصیبت و تسلیتِ رحلتِ امام

۶.....	لحظات سخت دنیای بدون «خمینی»
۷.....	دلهره‌ای ده ساله از تصوّر فقدان امام عزیز
۸.....	شباهت رهبری و رحلت امام با ایام حاکمیت رسول خدا(ص)
۱۸.....	تسلیت فقدان پدری مهربان و رهبری بزرگ به اقشار مختلف ملتِ فداکار ایران
۲۲.....	یتیم شدن همه‌ی نهضت‌های اسلامی دنیا
۲۸.....	ضایعه‌ای بسیار سنگین و غیر قابل باور
۳۱.....	مصیبت عظیم فقدان خورشید وجودی امام و دنیای تاریک پس از او
۱۰۵.....	ترسیم چهره‌ی مصیبت‌بار امت اسلامی در ایام اربعین امام(ره)
۱۰۶.....	حضرت بقیةالله(أرواحنا فداه)؛ تنها ملجأ تسلا بخش در مصیبت حضرت امام
۲۰۵.....	توصیف و تصویر زمینی چهارده خرداد

۲۰۶	توصیف و تصویر ملکوتی چهارده خرداد
۲۰۶	و سرانجام سوگواری امام زمان
۲۸۹	تشبیه ساعات بیماری امام به ساعات ضربت خوردن حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)
۳۵۰	تشبیه اوقات رحلت امام خمینی (ره) به شهادت امیرالمؤمنین (ع)
۹۵۷	تنها ماجرای قابل مقایسه با تشییع جنازه‌ی امام خمینی (ره)
۱۹۵	غم بی‌تسلای فقدان حضرت امام
۱۱۱	تصویر چهل روز مصیبت حضرت امام
۲۴۸	تلخی رحلت امام و توصیف وضعیت وی در ملکوت اعلیٰ
۳۰۳	مصیبتی فراتر از مرزهای ایران
۲۴۷	جای خالی امام در بازگشت اُسرا
۳۲۷	جای خالی امام در پیروزیهای حاصل از استواری خویش
۹۶	رحلت امام؛ سنگین و باورناپذیر

بخش دوم: آنسوی حادثه‌ی رحلت امام

۲۷	ایام بُروز اعتقاد، شور و وفاداری مردم به امام و انقلاب
۱۱۰	تأثیر رحلت امام بر وحدت عمومی ملت
۱۳۰	آغاز مقطعی مهم با الهام از درسهای امام
۱۸۶	رحلت حضرت امام؛ امتحان سخت الهی برای ملت ایران
۱۸۸	تأثیر رحلت امام بر تقویت آبروی امام و انقلاب اسلامی
۲۹۵	آن سوی حادثه‌ی رحلت
۲۹۵	آغاز ابعاد تازه‌ی معرفت نسبت به امام
۲۹۵	همت و یکدلی همه در خط امام
۲۹۶	ادامه‌ی پرتوافشانی امام در جامعه و ادامه‌ی خط امام
۲۹۶	واقعی‌ی شیرین در کنار حادثه‌ای تلخ
۲۴۸	تلخی رحلت امام و توصیف وضعیت وی در ملکوت اعلیٰ

بخش سوم: دشمنیها و مشکلات مربوط به رحلت امام و پیروزی ملت ایران درمقابل آنها

۲۹	ماهیت پیش‌بینیهای جبهه‌ی استکبار در روز رحلت امام
۴۲	تداوم خصومت دشمن علی‌رغم تودهنی سخت مردم به آنها در ایام رحلت
۴۴	سه نقطه‌ی امید نافرجام دشمن نسبت به مسائل پس از رحلت
۴۵	اولین نقطه‌ی امید دشمن؛ اختلافات و جنگ قدرت!
۴۶	دومین نقطه‌ی امید دشمن؛ آشفتگی سیاسی کشور
۴۶	سومین نقطه‌ی امید دشمن؛ مشکلات اقتصادی مردم
۵۰	پیروزی ملت ایران در آزمایش بزرگ رحلت امام عزیز

نمایه‌ها / ۱۰۵۷

- ۵۷..... سربلندی مردم آذربایجان در امتحان فقدان امام، همچون امتحانهای گذشته
- ۵۷..... اثبات رشد و هوشیاری ملت ایران در ایام پس از رحلت امام
- ۶۰..... نمایش روحیه‌ی امت در امتحان بزرگ فقدان امام(ره)
- ۶۱..... یأس دشمنان و امیدواری دوستان؛ نتیجه‌ی ابراز احساسات نسبت به امام فقید
- ۶۸..... تحلیل غلط دشمن از وضعیت مردم در ایام بدون امام خمینی(ره)
- ۹۵..... نتیجه‌ی عکس انتظار دشمن از حادثه‌ی رحلت امام
- ۱۳۱..... وضعیت سخت خانواده‌ی بزرگ ملت ایران بدون پشتیبانی امام
- ۱۴۰..... نگاه خاص جهان به مجلس دوره‌ی بعد از رحلت امام
- ۱۴۲..... استفاده‌ی مناسب ملت از رحلت امام در اثبات قوت و حیات
- ۲۰۸..... اراده‌ی الهی در حل مشکلات طبیعی حاصل از رحلت امام
- ۲۰۸..... نمایش قهرمانانه‌ی مردم در سنگینترین آزمون انقلاب
- ۲۰۸..... امیدها و نقشه‌های دشمنان در رحلت امام عزیز
- ۳۳۲..... موفقیت ملت در موقعیت توفانی رحلت امام
- ۷۹۴..... خیال باطل دوری مردم از ارزشها، بعد از رحلت حضرت امام(ره)
- ۴۷۳..... رحلت امام؛ تنها مقطع دلخوشی دشمنان به اختلال در نظام اسلامی

بخش چهارم: نحوه‌ی استفاده‌ی بهینه از حادثه‌ی تلخ رحلت حضرت امام(ره)

- ۱۵..... وظیفه‌ی مسئولین پس از خلأ وجود حضرت امام(ره)
- ۴۹..... استفاده از تلخترین مصیبت تاریخ انقلاب، در راه تعالی و تکامل جامعه
- ۳۰۳..... وظیفه‌ی میهمانان خارجی در ابلاغ پیام حضرت امام
- ۳۷۳..... وظیفه‌ی جوانان در ایام پس از رحلت امام
- ۸۵۶..... توشه‌گیری از خاطره‌ی امام خمینی(ره) برای حرکت ملت ایران و امت اسلامی

بخش پنجم: جبران خلأ امام

- ۲۸..... عناصر لازم برای جبران خلأ عظیم فقدان امام
- ۲۹..... وحدت؛ عنصری ضروری برای جبران خلأ عظیم
- ۳۰..... تلاش مضاعف؛ راه تعظیم و شادی روح امام خمینی(ره)
- ۴۲..... روش پُر کردن جای خالی امام
- ۴۸..... ضرورت تلاش برای پر کردن خلأ وجودی امام
- ۸۳..... تلاش برای جبران خلأ وجود امام عزیز
- ۹۷..... پیشقدمترین افراد در جبران خلأ امام
- ۱۳۹..... تعجب نگاههای جهانی از عدم وقوع انتظاراتشان بعد از خلأ وجود امام
- ۱۳۲..... تلاش و همکاری مسئولان، برای جبران خلأ امام خمینی(ره)
- ۲۸۶..... نحوه‌ی جبران کمبود انفاس قدسیه‌ی امام

بخش ششم: مراسم سالگرد و ابعاد مختلف آن

۱۹۶	گرداننده‌ی اصلی کارهای مربوط به سالگرد امام
۱۹۹	ابعاد مختلف اهمیت ایام سالگرد امام
۲۹۹	تسلیمت سالگرد رحلت امام بویژه به خانواده و یادگار امام
۴۷۸	معنای برگزاری پرشور مراسم سالگرد رحلت امام(ره)
۹۷۱	علت گردهمایی ۱۴ خرداد هر سال
۹۰۵	حضور در مراسم سالگرد؛ از نشانه‌های علاقه‌مندی مردم به امام
۷۰۰	مقاصد برگزاری سالگرد امام
۴۵۱	اهمیت مضاعف ششمین سالگرد رحلت امام بزرگوار
۵۴۶	بزرگداشت امام؛ از بزرگترین عبادات

بخش هفتم: مرقد و بارگاه امام

۱۲۳	مزار امام؛ قبه‌ی دل‌های همه
۱۲۵	معنای واقعی همّت در ساخت گنبد و مرقد امام
۱۲۶	علت ارزش احداث مرقد امام

فهرست آیات قرآن کریم

۳۹، ۳۴	۱	حمد	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.
۳۴	۵	حمد	إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ.
۴۵۷	۷	حمد	صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ ...
۲۳۱	۱۵۷	بقره	أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ ...
۱۰۶	۲۰۷	بقره	وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي ...
۹۰۷، ۴۲۳	۲۶۹	بقره	يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَن يَشَاءُ ...
۴۸۸	۲۷۹	بقره	فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا ...
۸۴۰، ۵۶۸، ۲۱۱	۲۸۵	بقره	أَمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ ...
۱۰۳، ۴۳	۱۰۳	آل عمران	وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ ...
۷۳۵	۱۲۰	آل عمران	إِن تَمَسَسْكُمُ حَسَنَةٌ ...
۹۷۷	۱۳۹	آل عمران	وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ ...
۸۰۱	۱۶۴	آل عمران	لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ...
۵۶۳	۵۸	نساء	إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا ...
۸۷۴	۵۹	نساء	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا ...
۸۹	۷۶	نساء	الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي ...

١٠٧	١٣٥	نساء	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا ...
٩٧٢	١٣٩	نساء	الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ ...
٧٢٥	١٤١	نساء	الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ ...
١٢٦	٣	مائده	حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةُ ...
٨٤٢، ١٠٧	٨	مائده	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا ...
٥٩١، ٥٠٣	٢٣	مائده	قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ ...
٨٧٤	٥٥	مائده	إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ ...
٤١٤	١٠٥	مائده	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ ...
٧٢٥، ٤٩٣	٩٦	اعراف	وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا ...
٥٢٣، ٥٩	١٢٨	اعراف	قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا ...
٨٨٧، ٨٦٨، ٧٩٢	١٧	انفال	فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ ...
٧٤٧، ٤٦٠، ٢١١	٦٢	انفال	وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ ...
٨٨٤، ١٢٩، ٩٦	٦٣	انفال	وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ ...
١٠٦	٧٢	انفال	إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا ...
٢١٠	٣٣	توبه	هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ ...
٣٩٦	٦١	توبه	وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ ...
٨٦٣	١٠٧	توبه	وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ...
٨٨٩	١١٢	هود	فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ ...
٨١٧	١١	رعد	لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ ...
٨٧٩، ٨٧٨، ٨٦٧	١٧	رعد	أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً ...
٢٩٤، ١٠٨، ٧٦، ٣٧	٢٤	ابراهيم	أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ ...
٨٠٤، ٧٨٠، ٧٧٧، ٤٩٨			
٩١٣			

، ۲۹۴ ۱۰۸ ، ۷۶ ، ۳۷	۲۵	ابراهیم	تُوْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ ...
، ۸۰۵ ، ۸۰۴ ، ۷۷۷			
۹۱۷ ، ۹۱۶ ، ۹۱۳			
۱۲۴	۲۶	ابراهیم	وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ ...
۸۰۵	۲۷	ابراهیم	يُؤَيِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا ...
۹۸۳ ، ۹۷۸	۲۹ ۲۸	ابراهیم	أَلَمْ تَر إِلَى الَّذِينَ بَدَلُوا ...
۹۸۹ ، ۳۵	۶۹ ۶۸	نحل	وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ ...
۸۲۵	۳۹	اسراء	ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ ...
۱۰۷	۷۹	اسراء	وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ ...
۵۹۱	۸۱	اسراء	وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَرَهَقَ ...
۴	۸۸	كهف	وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ ...
۵۶۱	۵۷	مریم	وَرَفَعْنَا مَكَانًا عَلِيًّا .
۳۲ ، ۳۰	۱۵	مریم	وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ ...
۳۰	۳۱	مریم	وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا ...
۸۰۵	۹۶	مریم	إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا ...
۷۱۹	۴۱	طه	وَاضْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي
۴۲۷	۷۵	طه	وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ ...
۴۲۷	۷۶	طه	جَنَاتٍ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ ...
۳۶۷	۱۳۰	طه	فَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ...
۴۸	۳۴	انبیاء	وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ ...
۴۰۰	۳۶	انبیاء	وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ ...
۴۱۳ ، ۴۱۲	۶۸	انبیاء	قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا ...
۶۷۵	۷۳	انبیاء	وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ ...
۲۳۰	۲۵	حج	إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ ...
۳۸۸ ، ۲۵۱ ، ۲۳۸	۲۷	حج	وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ ...
، ۸۶۶ ، ۲۹۸ ، ۲۵۱ ، ۹۸	۴۰	حج	الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ ...
۸۹۹			

٢٠٤	٣٩- ٣٨	نور	لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا ...
٩٧٢	٩٨	شعراء	إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ ...
٩٧٤، ٩٧١، ٩٧٢	٢١٧	شعراء	وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ
٩٧٣، ٩٧١	٢٢٠-٢١٨	شعراء	الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ
٩٢	٤٢	قصص	وَأَتَّبِعَنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا ...
٦٩٢	٨٣	قصص	تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا ...
٧٥٤، ٤٢٢، ١٠٠، ٩٨	٦٩	عنكبوت	وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا ...
٧٦١			
٢٧٠	١٢	لقمان	وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ ...
٧٢٧	٢٤	سجده	وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ ...
٨٠٢	١٩	احزاب	أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ ...
٩٠٠، ٨٩٠	٢١	احزاب	لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ ...
١٠٢	٢٢	احزاب	وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ ...
٤٥١، ١٦١	٢٣	احزاب	مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا ...
٩٠٠	٧٠	احزاب	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا ...
١٧٧، ١٧٦	٤٦	سبأ	قُلْ إِنَّمَا أُعْطِكُمْ بِوَاحِدَةٍ ...
٩٧٢	١٠	فاطر	مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ ...
٣١٨	١٣	يس	وَأَضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا ...
٣١٨	١٤	يس	إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ ...
٢٥١	٢٠	ص	وَسَدَدْنَا مَلَكَهُ وَآتَيْنَاهُ ...
٦	٣٠	زمر	إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ
٩٤٧	٣٠	فصلت	إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ...
٨٧٥	٢٣	شورى	ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ ...
٧٤٧	٣٨	شورى	وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ ...
٧٨٧	٧	محمد	أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ ...
٨٩٩	٦	فتح	وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ ...
٨٤٠، ٧٤٤	٧	فتح	وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَ ...

نمایه‌ها / ۱۰۶۳

۸۳۰، ۸۲۵، ۸۲۱	۱۰	فتح	إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا...
۶۵۳	۲۳- ۲۲	فتح	وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا...
۱۰۷، ۸۰	۲۹	فتح	مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ...
۳۶۸	۱۳	حجرات	يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ...
۵۱۹	۳۹	نجم	وَأَنْ لَيْسَ لِلإِنْسَانِ إِلَّا...
۲۲۵	۲۱	مجادله	كَتَبَ اللَّهُ لَأَعْلَبَنَّ أَنَا وَ...
۱۰۷، ۱۰۵	۲۲	مجادله	لَا تَحِدْ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...
۸۹۱	۴	ممتحنه	قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ...
۹۱	۸	صف	يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ...
۹۷۲، ۷۸۳	۸	منافقون	يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى...
۴۸	۳	طلاق	وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا...
۱۲۹	۱۶- ۱۵	طارق	إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا
۷۵	۴	ضحى	وَلِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْأُولَى
۸۰۱	۵	علق	عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ
۹۶۱	۷	زلزال	فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ...
۶۲۲، ۲۸۵	۱	كوثر	إِنَّا أَنْعَمْنَا بِكَ الْكَوْتَرِ

فهرست احاديث

، ٢٧٥، ٧٦١، ١٠٠، ٩٨، ٩٦، ٤٨	رسول اکرم (ص)	من كان لله كان الله له
٨٠٧		
٦٣	رسول اکرم (ص)	إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ ...
١٦٣	رسول اکرم (ص)	مَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً ...
١٩٧	رسول اکرم (ص)	العلماء باقون ما بقي الدهر ...
٣٢٥	رسول اکرم (ص)	إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ ذَهْرِكُمْ ...
٣٨١	رسول اکرم (ص)	إِنَّ لِكُلِّ حَقٍّ حَقِيقَةً
٨٨٩	رسول اکرم (ص)	شَيَّبَتْنِي سُورَةُ هُودٍ
٨٤٨، ٦٢٢	رسول اکرم (ص)	حسين منى وانا من حسين
٦٢٢	رسول اکرم (ص)	ان الحسين مصباح الهدى ...
٧٢٥	رسول اکرم (ص)	الاسلام يعلو ولا يعلى عليه
٥١٦	امام على (ع)	المؤمن كالجبل الراسخ لا ...
٦٦	امام على (ع)	... فلو رخص الله في الكبر ...
١٠٨	امام على (ع)	إِلَهِي لَمْ يَزَلْ بِرُكِّ عَلِيٍّ أَيَّامَ ...
١٣٢	امام على (ع)	إذا اشتد بنا الحراق التجينا ...
١٨١	امام على (ع)	أَلَا وَاتَّكُمُ لَا تَقْدِرُونَ عَلَيَّ ...

۱۸۷	امام علی (ع)	ان الراحل الیک قریب ...
۳۰۰	امام علی (ع)	لا یخیمَل هَذَا الْعَلَمَ إِلَّا...
۴۳۹	امام علی (ع)	من نامَ لَمْ یَنُومَ عَنْهُ
۴۶۳، ۴۶۲	امام علی (ع)	فَقُمْتُ بِالْأَمْرِ حِينَ فَسَلُوا وَ...
۴۶۵	امام علی (ع) يَتَخَالَسَانِ أَنْفُسَهُمَا...
۵۸۶	امام علی (ع)	أَلَا وَاتَّكُمُ لَا تَقْدِرُونَ عَلَيَّ...
۴۹۳	امام علی (ع)	الدنيا متجرا ولياء الله
۷۸۸	امام علی (ع)	ليثيروا لهم دفائن العقول
۸۱۶	امام علی (ع)	يا ايها الناس لاتستوحشوا...
۶۵، ۶۴	امام سجاده (ع)	میبینم گردن خودت را...
۸۹۶	امام سجاده (ع)	وَأَنْ تُسَالِمَ مَنْ عَادَانَا...
۲۷۵	امام صادق (ع)	مَنْ أَصْلَحَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ...
۴۶۲	امام صادق (ع)	يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ...
۲۸۶، ۳۷	امام كاظم (ع)	مَنْ اسْتَوَى يَوْمَهُ فَهُوَ...
۷۶۹	امام جواد (ع)	وان كان الناطق ينطق عن...

فهرست اشعار

۲۳۳	-	حافظ	آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند
۶۲۳	۱	انوری	باش تا صبح دولتت بدمد
۶۲۵	۲	-	بسا باشد که مردی آسمانی
۱۲	۱	سعدی	به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل
۹۶۱	۱	کلیم کاشانی	در کیش ما تجرد عنقا تمام نیست
۱۱۹	۱	-	گر نماز آن بود کان مظلوم کرد
۶۱۷	-	مولوی	مادح خورشید مداح خودست
۴۵۹	-	حافظ	ای بسا خرجه که مستوجب آتش باشد
۶۲۴	۱	نظامی	هرکه در او جوهر دانایی است

فهرست اسامی اشخاص

- ابراهیم(ع) / ۶۹، ۸۶، ۸۷، ۳۷۹، ۴۱۲، ۴۱۳، ۵۰۳، ۷۷۱، ۸۹۱، ۹۷۲
- ابن عباس، عبد الله بن عباس / ۹۴۶
- ابو جهل، عمرو بن هشام / ۹۱
- ابوالقاسم علی بن حسین بن موسی، سید مرتضی / ۳۱۴
- ابوبکر، عبدالله بن ابی قحافه عثمان بن کعب تیمی قرشی / ۹۰۳
- ابولهب، عبدالعزی بن عبدالمطلب / ۹۱
- احمدی نژاد، محمود / ۷۷۷، ۷۷۸، ۹۴۸
- استالین، ژوزف / ۳۲۲، ۹۷۶
- اسدآبادی، سید جمال الدین / ۷۶۵، ۷۹۹
- اشرفی اصفهانی، عطاء الله / ۵۰۱
- خمینی، سید روح الله مصطفوی / اکثر صفحات
- انصاری، مرتضی بن محمد امین / ۱۸۹، ۴۱۸
- آتاتورک، مصطفی کمال پاشا / ۹۲۵
- آخوندخراسانی، محمدکاظم بن حسین / ۲۰۴، ۴۱۸
- آذری قمی، احمد / ۳۲۵، ۵۶۷
- باهنر، محمدجواد / ۱۳۵، ۱۴۱، ۳۹۷
- بلعم باغورا / ۹۲
- بنی صدر، ابوالحسن / ۱۱، ۳۲۴، ۳۲۵، ۴۱۹، ۸۶۵، ۶۶۷، ۶۶۴
- بوش، جرج دبلیو / ۷۱۰، ۷۳۶، ۷۷۴
- بوش، جرج هربرت واکر / ۷۹۲
- بهشتی، محمد / ۱۳۵، ۲۶۹، ۶۸۶، ۷۷۹
- پسنیدیه، سید مرتضی / ۴۹۷
- پهلوی، رضا / ۴۵۹، ۵۶۷، ۶۲۹، ۷۰۳، ۷۴۸، ۸۴۵، ۹۲۵، ۹۷۶
- پهلوی، محمدرضا / ۱، ۱۸۹، ۳۶۸، ۴۲۲، ۴۴۴، ۴۹۰، ۴۹۳، ۶۸۵، ۷۰۳، ۷۴۷، ۷۵۳، ۷۷۴، ۷۹۳، ۸۵۲، ۸۵۹، ۹۲۵، ۹۵۷، ۹۷۶
- تندگویان، محمدجواد / ۳۲۷
- تهرانی، میرزا جوادآقا / ۴۶۲، ۸۲۰، ۹۲۸
- جعفر بن محمد، امام صادق / ۵، ۶۲۳، ۸۷۲
- جمشیدی(ناطق نوری)، علی اکبر / ۵۳۶
- چرچیل، وینستون لئونارد اسپنسر / ۹۷۶
- چمران، مصطفی / ۳۹۷، ۷۹۸، ۹۰۶
- حافظ شیرازی، شمس الدین محمد بن بهاء الدین / ۳۴۷
- حائری یزدی، عبدالکریم / ۱۷۱، ۲۷۹، ۴۰۱، ۵۹۸، ۶۶۶، ۷۵۳
- حسین بن علی، سیدالشهداء(ع) / ۵، ۱۲۵

۱۰۶۸ / ره، رهرو، رهبر

- ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۸۹، ۲۴۸، ۲۷۹، ۲۸۳، ۴۰۹،
۴۳۳، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۴، ۴۷۷-۴۸۳، ۴۹۴، ۵۰۰،
۵۸۷، ۶۲۲، ۶۹۶، ۷۱۴، ۷۸۲، ۷۸۳، ۸۲۱،
۸۴۸، ۸۴۹، ۸۷۹، ۸۸۴، ۹۳۳، ۹۶۵-۹۶۷
حسینی خامنه‌ای، سید علی / ۶۵۷
حسینی شیرازی، سید محمدحسن / ۸۲۴،
۹۷۶
حیدری نهاوندی، محمدعلی / ۳۰۹
خاتمی، سید محمد / ۶۱۴، ۶۴۱، ۷۶۰
خمینی، سید احمد / ۲، ۱۲، ۱۴، ۱۹، ۷۹، ۱۰۸،
۱۳۴، ۲۹۹، ۳۲۲، ۳۶۰، ۳۶۵، ۴۲۱، ۴۴۶،
۴۴۷، ۴۴۹، ۴۵۱، ۴۶۲، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹-۴۷۱،
۴۸۷، ۵۳۶، ۶۰۱، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۴۶، ۶۶۹،
۶۷۰، ۷۲۰، ۷۹۱، ۷۹۱
خمینی، سید حسن / ۸۵۱
خمینی، سید مصطفی / ۴۴۷، ۴۶۹، ۶۰۲
داود (ع) / ۶۰۲
دستغیب شیرازی، سید عبدالحسین / ۸۲۶
راجی، پرویز کامران / ۳۳۸
ربانی رانکوهی (املشی)، محمد مهدی / ۱۳۵
ربانی شیرازی، عبدالرحیم / ۱۳۵
رجایی، محمد علی / ۱۴۱، ۳۵۱، ۳۹۷، ۵۷۲،
۸۶۵
روزولت، فرانکلین دلانو / ۹۷۶
زبیر بن عوام / ۹۰۳، ۹۰۴
زینب بنت علی (س) / ۸۴۹
سرجان ملکوم / ۶۲۶
سلمان رشدی، احمد / ۸۸، ۸۹، ۲۳۴، ۲۳۵،
۹۵۰
سلیمان (ع) / ۴۲۱، ۴۲۲، ۶۰۲
سید ابن طاووس، ابوالقاسم رضی‌الدین علی
بن موسی / ۳۸۶
- سید قطب / ۸۵۳
سیکوتوری، احمد / ۱۸۰
شارون، آریل ساموئل مردخای شرایبر / ۷۴۸
شرف‌الدین عاملی، سید عبدالحسین / ۷۹۹
شریعتمداری، حسین / ۳۲۲
شریعتمداری، سید محمد کاظم / ۵۷۹
شیرازی، محمدتقی بن محبعلی / ۳۵۰
شیرازی، میرزا علی آقا / ۵۸۸
صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر / ۳۷،
۹۹، ۴۳۶، ۴۳۷
صانعی، یوسف / ۸۰
صدر، سید محمد باقر / ۷۵۶
طالقانی، محمود / ۱۰۶، ۴۳۸، ۴۳۹، ۵۷۱،
۸۴۳، ۹۵۷
طباطبایی بروجردی، سید حسین / ۱۸۹،
۳۴۳، ۴۰۱، ۴۳۷، ۴۴۲، ۵۹۶، ۵۹۷، ۶۶۶
طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم (صاحب
عروة) / ۳۴۹
طباطبایی، سید محمد حسین / ۴۱۶، ۵۸۸،
۵۸۹، ۵۸۹
طلیحة بن خویلد اسدی / ۹۰۳، ۹۰۴
طوسی، محمد بن حسن / ۱۲۹، ۳۱۴
عبدالله ابن ابی / ۶۴۹، ۶۵۰
عبدالله بن جعفر بن ابوطالب / ۹۴۶
عبدالمجید تکریتی، صدام حسین / ۲۴۵،
۲۹۳، ۴۲۲، ۷۲۲، ۷۷۴، ۸۵۰، ۹۱۴، ۹۲۷،
۹۵۴
عبده، محمد / ۷۹۹
عثمان بن حنیف / ۱۸۱
عراقی، مهدی / ۱۴۱
علامه حلی، حسن بن یوسف / ۳۱۴
علی بن ابیطالب، امیرالمؤمنین (ع) / ۵، ۹

۱۰۷۰ / ره، رهرو، رهبر

میرزای شیرازی ، محمد حسن بن محمود / ۳۴۹، ۳۱۴	۶۸۸ مروارید، میرزا حسنعلی / ۸۲۰ مطهری، مرتضی / ۴۱۶، ۲۹۲، ۱۳۵، ۱۰۶
میلانی، سید محمد هادی / ۵۹۶ ناصرالدین شاه قاجار / ۸۴۵	۷۵۶، ۵۸۷ مظفردین شاه قاجار / ۸۴۵
نجفی اصفهانی، محمدحسین / ۹۵۳ نجفی اصفهانی، محمدرضا / ۹۵۳	معاویة ابن ابی سفیان / ۳۴۸ مفید ، محمد بن محمد / ۶۴۲، ۳۷۹، ۳۱۴
نجفی مرعشی ، شهاب الدین / ۹۲۸، ۴۳۷ ۹۲۹	مکارم شیرازی ، ناصر / ۳۲۵ موسوی اردبیلی ، عبد الکریم / ۴۶۸، ۴۲۱
نجفی، محمدحسن / ۶۴۴ نمود / ۷۷۴	موسوی بجنوردی، میرزا حسن / ۹۸۸ موسوی خامنه، میرحسین / ۵۷۲، ۴۶۸
نوح(ع) / ۹۷۲، ۵۰۳، ۶۹ وزیری، سید علی محمد / ۱۷۶	موسوی نجفی لاری، سید عبدالحسین / ۳۴۹ موسی(ع) / ۷۷۳، ۵۹۱، ۵۰۳، ۳۷۹، ۱۲۴
هاشمی رفسنجانی، اکبر / ۱۳۵، ۸۰، ۱۲ ۴۶۹_۴۶۷، ۳۴۶، ۲۴۷	۹۷۲ موگابه، رابرت گابریل کاریگامومبه / ۲۰۲
هاشمی، سید مهدی / ۵۴۵ هویدا، امیرعباس / ۳۳۸	مهدوی کنی، محمدرضا / ۹۷۰، ۹۴۹ میرزاده، حمید / ۱۹۶
یوشع بن نون / ۵۹۱	

دیگر نمایه‌ها

تنالگان

- ارتش جمهوری اسلامی ایران / ۲۵، ۲۶،
 ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۵۶، ۱۸۲، ۲۶۵، ۲۶۷، ۲۷۹،
 ۲۸۰، ۳۲۰، ۳۳۵، ۳۹۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۷۸،
 ۹۷۰، ۴۹۴، ۴۹۸، ۵۴۴، ۵۷۳، ۶۶۰، ۶۷۳
- انجمن اسلامی دانشجویان (دفتر تحکیم
 وحدت) / ۶۶۴، ۷۱۱، ۷۱۲
- آژانس اطلاعات مرکزی ایالات متحده
 آمریکا، سیا / ۸۹۷
- آستان قدس رضوی / ۷۲۲
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران / ۴۲۰
- بسیج / ۴۹۴، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۲۷، ۵۴۴،
 ۵۵۳، ۵۶۲، ۶۵۰، ۶۹۳، ۸۲۷، ۸۵۱
- بسیج دانشجویی / ۵۵۳
- بنیاد پانزده خرداد / ۶۰۴، ۶۰۹
- بنیاد شهید انقلاب اسلامی / ۲۸۱
- بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی (بنیاد
 جانبازان) / ۶۰۴، ۶۰۹
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۲۱ فروردین
 ۱۳۵۸) / ۶۰۴، ۶۰۹
- پلیس قضایی / ۵۵
- جامعه الزهراء قم / ۶۸۸
- جامعه روحانیت مبارز / ۶۳، ۶۵
- جامعه مدرسین حوزه علمیه قم / ۱۶۴، ۱۶۵
- حزب الله لبنان / ۸۱۵
- حزب جمهوری اسلامی / ۳۰۹
- حوزه علمیه قم / ۱۷۱، ۴۰۷
- حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی / ۳۳۳
- دولت عربستان سعودی / ۲۳۰، ۲۳۱
- رادیو آمریکا / ۲۰۳
- رادیو بی.بی.سی / ۲۰۳
- رژیم اشغالگر صهیونیسم / ۹۱، ۱۱۶، ۱۳۹،
 ۱۶۲، ۱۹۲، ۲۰۳، ۲۱۹، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۱،
 ۲۳۳، ۲۳۸، ۲۶۷، ۲۶۸، ۳۰۴، ۳۶۲، ۳۹۱،
 ۳۹۲، ۳۹۳، ۴۰۵، ۴۱۳، ۴۱۹، ۴۵۸، ۴۷۷،
 ۴۸۲، ۴۸۵، ۵۰۶، ۵۱۵، ۵۵۳، ۵۷۷، ۵۹۰،
 ۶۵۵، ۶۶۳، ۶۷۴، ۶۸۵، ۷۰۹، ۷۳۱، ۷۳۶،
 ۷۴۹، ۷۹۲، ۸۰۰، ۸۰۸، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۳۱،
 ۸۳۲، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۷۶، ۸۹۳، ۸۹۷، ۹۰۲،
 ۹۳۴، ۹۷۹
- رژیم پهلوی / ۱۱۶، ۱۱۸، ۲۱۲، ۲۱۶، ۲۲۸،
 ۲۶۱، ۲۶۹، ۳۳۷، ۳۷۸، ۴۳۳، ۴۴۴، ۴۵۴،
 ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۴، ۴۸۹، ۴۹۲، ۴۹۳، ۵۰۲،
 ۵۱۰، ۵۲۱، ۵۴۴، ۵۵۴، ۵۶۷، ۵۷۴، ۵۷۶،
 ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۱۹، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۵۰، ۶۵۴،
 ۶۷۶، ۶۸۷، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۱۴، ۷۱۶، ۷۲۱،
 ۷۵۷، ۷۸۴، ۷۹۳، ۸۱۸، ۸۲۸، ۸۴۶

۱۰۷۲ / ره، رهرو، رهبر

- شورای عالی رادیو و تلویزیون / ۳۴۶
شورای مدیریت حوزه علمیه قم / ۱۶۵
شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران / ۳۵
۲۵۴، ۲۵۷، ۳۴۵، ۴۷۳، ۶۰۸، ۶۳۲، ۶۴۰،
۸۱۵، ۸۰۴
شهربانی / ۵۵
صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران / ۲۴۳
۲۴۴، ۹۰۸
طالبان / ۷۲۲
قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران / ۷۱
۱۴۳، ۱۵۱، ۱۵۵، ۲۱۶، ۲۵۰، ۲۹۸، ۳۴۶،
۳۶۵، ۳۲۹، ۴۳۲، ۴۶۳، ۴۹۴، ۴۸۷، ۵۴۸،
۵۶۱، ۵۷۸، ۶۰۸، ۶۱۱، ۶۳۲، ۶۴۲، ۶۸۰،
۶۸۶، ۶۸۹، ۷۰۶، ۷۰۸
قوه مجریه (دولت) جمهوری اسلامی ایران /
۱۵۱، ۱۷۰، ۱۸۳، ۲۱۶، ۲۳۶، ۲۵۰، ۲۹۸،
۳۳۹، ۳۶۳، ۴۲۰، ۴۳۲، ۴۷۳، ۵۳۴، ۵۴۸،
۵۴۹، ۵۶۱، ۶۰۸، ۶۱۱، ۶۳۲، ۶۴۰، ۶۸۰،
۶۸۴، ۷۰۶، ۷۰۸، ۷۶۱، ۷۷۷، ۸۰۳، ۸۴۲،
۹۳۷، ۹۵۶، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۸۱، ۹۸۵
کمیته امداد امام خمینی / ۱۵۱، ۶۰۴، ۶۰۹
کمیته انقلاب اسلامی / ۲۸۴، ۲۸۵، ۳۳۷
مجلس خبرگان رهبری / ۴۵، ۴۹، ۱۲۰، ۱۸۳،
۲۴۰، ۲۸۷، ۴۷۳، ۵۵۸، ۶۰۴، ۶۷۸، ۶۸۰،
۶۸۴، ۷۰۴، ۷۵۱، ۷۷۷، ۹۰۱، ۹۲۷، ۹۲۸،
۹۳۷، ۹۳۸، ۹۴۳، ۹۵۵، ۹۵۶
مجلس سنای ایالات متحده آمریکا / ۳۸۴
مجلس شورای اسلامی / ۴۴، ۴۵، ۴۸، ۱۱۰،
۱۳۹، ۱۶۹، ۱۷۰، ۲۱۷، ۲۲۰، ۲۴۰، ۲۵۰، ۲۷۰،
۲۷۱، ۲۹۸، ۳۱۱، ۳۲۸، ۳۴۶، ۳۵۱، ۳۵۲،
۳۵۶، ۳۵۷، ۳۶۵، ۳۸۶، ۴۲۶، ۴۲۹، ۴۳۲،
۴۷۱، ۴۷۳، ۴۷۶، ۵۳۴، ۴۷۷، ۵۴۸، ۵۶۱
- ۸۴۸، ۸۵۲، ۸۵۹، ۸۸۲، ۸۸۶، ۹۲۰، ۹۲۱،
۹۳۸، ۹۲۴
رژیم حزب بعث عراق / ۱۴۷، ۳۹۳، ۴۹۹،
۵۶۴، ۵۷۷، ۶۹۹، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۸۴، ۸۱۹،
۸۵۴، ۹۵۴
سازمان اطلاعات و وظایف ویژه اسرائیل،
موساد / ۸۹۷
سازمان بسیج مستضعفین / ۶۹، ۷۰، ۱۲۳،
۱۴۶، ۲۶۳-۲۶۵، ۲۶۷، ۳۱۶، ۳۲۰، ۳۷۳،
۳۷۴، ۴۰۶، ۴۶۰، ۴۶۱، ۸۷۳، ۹۰۷، ۹۱۲،
۹۱۶، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲
سازمان بهزیستی جمهوری اسلامی ایران /
۱۵۱
سازمان ژاندارمری ایران / ۵۵
سازمان ملل متحد / ۹۵۴
ساواک، سازمان اطلاعات و امنیت کشور /
۴۲۲، ۸۵۹
سپاه پاسداران انقلاب اسلامی / ۷، ۱۲۳،
۱۴۴، ۱۴۸، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۵۹، ۲۶۵، ۲۶۷،
۲۸۰، ۲۸۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۳۵،
۳۳۷، ۳۹۷، ۳۹۹، ۴۳۷، ۴۴۹، ۴۹۴، ۴۹۸،
۵۴۴، ۵۵۶، ۵۷۲، ۸۵۱، ۹۰۷، ۹۵۸
شرکت امریکایی بلک واتر / ۸۱۸
شورای اسلامی شهر / ۷۰۴، ۷۷۷، ۹۳۷
شورای امنیت سازمان ملل متحد / ۱۴۵
شورای انقلاب اسلامی ایران / ۱۳۵، ۱۳۶،
۱۷۸، ۳۳۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۶۸۴، ۹۵۵
شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری
اسلامی ایران / ۶
شورای عالی انقلاب فرهنگی / ۶۴۰، ۹۱۱
شورای عالی بازسازی کشور / ۳۰۸
شورای عالی دفاع ملی / ۶۶۰

نمایه‌ها / ۱۰۷۳

۱۴۶، ۱۵۹، ۱۶۰، ۲۰۰، ۲۵۰، ۲۶۷، ۲۷۹، ۳۱۱، ۴۴۰، ۴۴۹، ۴۸۷، ۴۹۵، ۴۹۸، ۵۸۶، ۶۰۴، ۷۰۶، ۷۵۹، ۸۱۹	۵۷۸، ۶۰۴، ۶۰۸، ۶۱۱، ۶۳۲، ۶۴۷، ۶۵۲، ۶۸۰، ۶۸۴، ۶۸۹، ۷۰۴، ۷۰۶، ۷۰۸، ۷۲۶، ۷۳۳، ۷۳۷، ۷۵۵، ۷۶۴، ۷۷۷، ۸۰۴، ۸۲۳، ۹۰۱، ۹۲۷، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۷، ۹۵۶، ۹۶۲-۹۶۴، ۹۸۱
نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۵۹ /	مجلس شورای ملی / ۴۷۷، ۵۹۸، ۶۳۶، ۹۲۱، مجمع تشخیص مصلحت نظام / ۲۵۷، ۴۶۹، ۵۰۵، ۶۰۸
نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران / ۱۸۲، ۸۸۳	موسسه ۱۲ فروردین (موسسه قم به دستور امام خمینی) / ۱۷۳
وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران / ۵۶، ۹۴	ناتو (سازمان پیمان آتلانتیک شمالی) / ۴۸۲، ۸۵۰،
وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران / ۱۳۸، ۱۶۸، ۲۴۱	نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران / ۲۴،
وزارت جهاد سازندگی / ۳۰، ۵۵۴، ۵۵۵، ۶۰۴، ۶۰۸، ۹۰۷، ۹۱۲، ۹۱۳	

نسخه الکترونیکی

رویدادها هرگونه بهره‌برداری بصورت چاپ و تکثیر ممنوع می‌باشد.

وقایع تاریخ اسلام:

۱۱هـ.ق / ۲۷۹	اربعین (۲۰ صفر ۶۲هـ.ق، ورود خاندان سیدالشهداء به کربلا در راه بازگشت از شام به مدینه) / ۱۴۶
صلح حدیبیه / ۶۵۲، عاشورا (شهادت امام حسین(ع) و یارانش)، ۱۰ محرم ۶۱هـ.ق / ۱۲۷، ۱۲۸، ۲۷۹، ۳۱۰، ۳۹۴، ۴۱۰، ۴۳۳، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۷۸، ۴۸۳، ۵۳۰، ۷۸۳، ۷۸۴، ۸۹۸، ۹۱۵، ۹۶۷	بعثت حضرت محمد(ص)، ۲۷ رجب ۴۰ عام الفیل / ۱۵۳
عید فطر / ۶۶۳	رحلت حضرت محمد(ص)، ۲۸ صفر ۱۱هـ.ق / ۸، ۲۶، ۱۱۲، ۱۳۳، ۱۵۳، ۲۷۹
عید قربان، ۹ ذی الحجه / ۱۰۹	روز قدس (آخرین جمعه ماه رمضان) / ۱۹۱، ۱۹۲، ۳۵۴، ۶۶۳، ۷۱۷، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۹۸، ۹۰۹، ۹۴۴
غدیر خم، ۱۸ ذی الحجه ۱۰ق / ۸۴۷	شهادت امام علی(ع)، ۲۱ رمضان ۴۰هـ.ق / ۱۱۲، ۲۸۹، ۳۶۷
غزوه احد، ۲هـ.ق / ۵۰	شهادت حجاج در مکه، ۹/۵/۱۳۶۶ / ۸۴
غزوه احزاب، غزوه خندق، ۱۷ شوال ۵هـ.ق / ۱۰۲	شهادت حضرت زهرا(س)، ۳ جمادی الثانی
ولادت امام علی(ع)، ۱۳ رجب ۳۰ عام الفیل / ۹۷۱	

۱۰۷۴ / ره، رهرو، رهبر

ولادت حضرت محمد(ص)، ۱۷ ربیع الاول
۳۰ عام الفیل / ۲۷۹، ۴۵۵

وقایع تاریخی داخلی و خارجی ایران:

ارسال نامه امام خمینی به گورباچف ۱۱ دی
۱۳۶۷ / ۱۶۱، ۳۱۳

اعلام حکومت نظامی، ۱۸ بهمن ۱۳۵۷ /
۴۹۳

انفجار در دفتر حزب جمهوری اسلامی
۱۳۶۰ / ۴ / ۷ / ۱۰۶، ۱۴۲، ۹۰۸، ۹۴۵

انفجار در دفتر نخست‌وزیری جمهوری اسلامی
ایران ۱۳۶۰ / ۶ / ۸ / ۱۰۶، ۱۴۲

انقلاب روسیه ۱۹۱۷ / ۶۰۹
بیعت همافران با امام خمینی، (روز نیروی

هوایی ارتش)، ۱۹ بهمن ۱۳۵۷ / ۵۷۳، ۷۵۹
پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ۲۲ بهمن

۱۳۵۷ / ۱۸، ۲۱، ۲۶، ۳۹، ۵۰، ۷۱، ۸۹، ۱۰۴،
۱۲۸، ۱۵۴، ۱۶۶، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۶،

۲۰۹، ۲۱۲، ۲۱۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۳، ۲۷۸،
۲۸۴، ۲۸۷، ۳۱۱، ۳۱۷، ۳۱۵، ۳۳۰، ۳۳۳، ۳۳۴،

۳۳۷، ۳۴۵، ۳۵۴، ۳۶۲، ۳۶۸، ۳۷۵،
۳۷۶، ۳۷۷، ۳۸۹، ۴۰۷، ۴۲۹، ۴۳۹، ۴۴۰،

۴۴۷، ۴۴۸، ۴۸۳، ۴۹۳، ۵۲۵، ۵۳۱، ۵۳۳،
۵۴۲، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۲، ۵۹۳،

۶۲۵، ۶۴۷، ۶۶۰، ۶۷۴، ۶۷۷، ۶۸۱، ۶۸۴،
۶۸۷، ۶۸۹، ۷۰۲، ۷۰۴، ۷۴۲، ۷۴۷، ۷۹۲، ۸۳۹،

۸۶۰، ۸۸۰، ۸۸۵، ۹۰۱، ۹۲۲، ۹۲۵، ۹۲۷،
۹۳۷، ۹۴۰، ۹۴۴، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۸، ۹۶۴،

۹۸۱، ۹۸۶
تبعید امام از ایران به ترکیه، ۱۳ آبان ۱۳۴۳ /

۵۲۶، ۶۳۴، ۹۲۱، ۹۲۲
تسخیر سفارت امریکا، ۱۳ آبان ۱۳۵۸ / ۲۵۹

۲۶۰، ۴۰۲، ۴۹۶، ۴۹۷، ۵۲۷، ۷۱۵، ۸۱۸،
۹۲۳

تشکیل بسیج مستضعفان به فرمان امام
خمینی، ۱۳۵۸ / ۹ / ۵ / ۱۶۰، ۸۱۹، ۹۶۰

تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، ۱۶ مهر
۱۳۴۱ / ۳۰۹، ۶۶۰

تظاهرات مردم قم، ۱۹ دی ۱۳۵۶ / ۵۶۴،
۸۲۱، ۸۴۷، ۸۴۸

جنگ اسرائیل و لبنان (۳۳ روزه)، ۲۰۰۶ م /
۸۵۷

جنگ ایران و روس (جنگ‌های ایران و روسیه
در زمان فتحعلی شاه قاجار) / ۳۷۱

جنگ جهانی دوم، ۱۹۳۹-۱۹۴۵ / ۲۲۸،
۲۳۳، ۴۰۲، ۴۱۵، ۷۴۶

جنگ خلیج فارس، ۱۹۹۱ / ۷۹۲
حادثه مدرسه فیضیه قم (حمله به مدرسه

فیضیه)، ۱۳۴۲ / ۱ / ۲ / ۱۲، ۵۰، ۳۰۹، ۳۱۰،
۹۱۵

حماسه ۹ دی ۱۳۸۸، راهپیمایی بزرگ مردم /
۹۴۴، ۹۵۷، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷

حمله به کوی دانشگاه تهران، ۱۸ تیر ۱۳۷۸ /
۶۱۲، ۹۴۳

درگذشت آیت‌الله طالقانی، ۱۹ / ۶ / ۱۳۵۸ /
۱۰۶

دهه فجر انقلاب اسلامی ایران، ۱۲-۲۲ بهمن
/ ۱۷۵، ۲۷۷، ۲۷۸، ۴۴۳، ۴۷۲، ۶۹۵،

۷۳۷، ۷۳۸، ۷۵۹
رحلت امام خمینی، ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ / ۲، ۳،

۶، ۷، ۸، ۹، ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۲۶، ۲۷، ۲۹، ۳۵،
۴۰، ۴۲، ۴۵، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۷، ۶۲، ۶۳،

۶۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۹، ۸۲، ۸۵، ۸۹، ۹۵،
۹۶، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۱۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۳۶،

نمایه‌ها / ۱۰۷۵

- عید باستانی نوروز، ۱ فروردین / ۱۸۶
فتح الفتوح (جنگ نهاوند و جولای) / ۵۵۷
فتنه سال ۱۳۸۸ (اغتشاشات بعد از
انتخابات ریاست جمهوری) / ۹۴۳، ۹۴۴،
۹۵۷
قرارداد ۱۹۱۹ / ۹۷۶
قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ / ۱۲، ۵۰، ۱۰۶، ۳۱۰،
۴۵۰، ۴۸۰، ۵۴۴، ۵۶۶، ۵۶۸، ۵۹۹، ۶۱۶،
۷۲۸، ۷۸۲، ۹۱۵
قیام آمل، ۶ بهمن ۱۳۶۰ / ۸۸۱
کاپیتولاسیون (حق قضاوت کنسولی)، ۲۱ مهر
۱۳۴۳ / ۴۹۷، ۵۲۵، ۶۳۵، ۶۳۶، ۸۱۸،
۹۲۰-۹۲۲
کشتار دانش آموزان توسط رژیم پهلوی، ۱۳
آبان ۱۳۵۷ / ۵۲۶، ۹۲۲، ۹۲۳
کشتار مردم (جمعه سیاه) ۱۷/۶/۱۳۵۷ /
۱۰۶، ۵۲۱
کودتای نقاب (شهید نوژه)، ۱۸ تیر ۱۳۵۹ /
۶۱۳
نبرد اسرائیل و حماس در غزه (جنگ ۲۲ روزه)،
۲۰۰۸-۲۰۰۹ / ۸۵۷
نهضت تحریم تنباکو، ۱۳۰۸ / ۸۲۴، ۹۷۶
نهضت مشروطه، ۱۲۸۳ شمسی / ۵۸، ۴۷۷،
۶۹۳، ۷۲۵، ۸۲۴، ۸۵۹، ۹۳۷، ۹۷۶
نهضت ملی شدن نفت، ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ /
۶۹۳، ۸۲۴، ۸۵۹، ۹۷۶
ورود امام خمینی به ایران، ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ /
۱۶، ۱۰۰، ۱۷۴، ۲۰۵، ۵۰۲، ۵۳۵، ۵۳۷، ۵۶۹،
۶۰۲
هشت سال جنگ تحمیلی ایران، ۱۳۵۹-
۱۳۶۷ / ۲۱، ۴۰، ۴۷، ۹۶، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۳۸،
۱۴۲، ۱۴۴-۱۴۶، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۷،
۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷،
۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۲۵، ۲۳۱، ۲۳۲،
۲۶۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۹۴، ۲۹۶، ۳۰۲، ۳۰۳،
۳۰۶، ۳۰۹، ۳۱۳، ۳۱۷، ۳۲۸، ۳۳۲،
۳۴۶، ۳۵۱، ۳۵۴، ۳۶۰، ۳۶۳، ۳۹۰، ۳۹۱،
۳۹۲، ۳۹۳، ۴۰۴، ۴۷۱، ۴۸۷، ۴۸۸، ۵۰۸،
۵۳۱، ۵۵۸، ۵۹۶، ۶۰۷، ۶۱۱، ۶۴۸، ۷۰۰،
۷۲۷، ۷۴۲، ۷۷۰، ۸۴۳، ۸۵۶، ۸۸۸، ۹۰۵،
۹۱۰، ۹۳۴، ۹۴۳
روز ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۲۹ فروردین
/ ۹۷۰
روز پاسدار، سالروز ولادت امام حسین (۳)
شعبان / ۳۳۶
سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۴ خرداد / ۱۹۵،
۱۹۶، ۱۹۹، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۸۹،
۳۹۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۷۸، ۹۳۴، ۹۷۴
شهادت آیت الله مرتضی مطهری،
۱۲/۲/۱۳۵۸ / ۱۰۶
صدور قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان
ملل متحد، ۲۹/۴/۱۳۶۶ / ۱۴۷، ۴۸۲،
۷۹۶
طرح عملیات نجات یا کورتاژ، ۲۱ بهمن
۱۳۵۷ / ۶۱۳
عملیات ارتش امریکا در طبس، ۵/۲/۱۳۵۹ /
۱۹۴، ۴۶۳
عملیات بیت المقدس، ۳ خرداد ۱۳۶۱ /
۸۵۶، ۸۶۸
عملیات ثامن الائمه، ۵ مهر ۱۳۶۰ / ۳۹۸
عملیات طریق القدس، ۱۳۶۰ / ۹۸۷
عملیات مرصاد، مرداد ۱۳۶۷ / ۶۶۹
عهدنامه ترکمانچای، ۱ اسفند ۱۲۰۶ / ۳۷۱،
۹۷۵، ۹۷۶

نمایه‌ها / ۱۰۷۷

پاناما / ۴۳۸، ۱۹۴	۸۳۸ - ۸۳۶، ۸۳۳، ۸۳۲، ۸۱۵، ۸۱۱
پاوه / ۹۰۶، ۷۹۹، ۵۲۰	۸۷۱، ۸۵۹، ۸۵۵، ۸۵۳، ۸۵۲، ۸۵۰، ۸۴۵
تاجیکستان / ۳۹۲	۸۷۲، ۸۷۶، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۶، ۸۹۳
تبریز / ۸۸۳، ۱۹۷	۸۹۷، ۹۰۲، ۹۲۰، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۳۰، ۹۳۴
ترکیه / ۹۲۵، ۹۲۱، ۸۱۵، ۶۳۶، ۵۹۹، ۵۵۵	۹۵۴، ۹۵۷، ۹۶۴، ۹۷۹، ۹۹۰
تونس / ۹۹۰، ۹۵۲، ۹۴۸، ۲۷۵	ایتالیا / ۳۸۰
تهران / ۱۳۵، ۸۱، ۷۹، ۷۸، ۷۳، ۱۲، ۷، ۱۸۰	ایلام / ۲۷۸
۳۲۵، ۲۹۸، ۲۹۰، ۲۲۹، ۲۰۳، ۱۹۲، ۱۸۰	آبادان / ۳۹۸، ۲۵۵، ۲۵۴
۴۴۰، ۴۳۲، ۴۱۱، ۳۹۰، ۳۵۶، ۳۴۵، ۳۲۶	آذربایجان (غربی و شرقی) / ۸۱، ۵۸، ۵۷
۴۵۰، ۵۲۶، ۵۲۱، ۵۰۳، ۵۰۲، ۴۵۹، ۴۹۳، ۴۵۰	آستان قدس رضوی / ۴۶۲، ۱۸۸
۵۶۸، ۵۶۶، ۵۵۸، ۵۴۴، ۵۳۶، ۵۳۵، ۵۲۸	آسیا / ۳۱۱، ۲۳۳، ۲۱۸، ۱۱۳، ۹۱، ۶۰، ۵۸
۵۷۰، ۷۲۸، ۶۶۵، ۶۴۷، ۶۲۹، ۶۲۸، ۵۷۴، ۵۷۰	۳۶۲، ۳۲۲، ۴۸۹، ۴۸۸، ۴۰۳، ۴۰۲، ۳۸۴
۷۹۳، ۹۲۷، ۹۲۳ - ۹۲۱، ۹۰۶، ۹۰۵، ۹۰۱، ۷۹۳	۴۹۷، ۷۲۹، ۶۹۴، ۶۱۰، ۵۵۵، ۵۱۶، ۴۹۷
۹۷۶، ۹۴۴، ۹۴۳	۸۵۸، ۹۲۴، ۹۱۹، ۸۹۳
الجزایر / ۷۷۸، ۷۶۰، ۳۹۲	آفریقا / ۲۱۸، ۲۰۳، ۲۰۲، ۱۱۳، ۹۱، ۶۰، ۵۸
جمهوری اسلامی افغانستان / ۱۶۲، ۲۲	۲۷۵، ۲۸۸، ۳۰۰، ۳۱۱، ۳۳۷، ۳۸۴، ۴۰۲
۷۴۸، ۷۴۶، ۷۲۲، ۳۸۲، ۳۵۳، ۳۴۸	۴۰۳، ۵۷۵، ۵۵۵، ۵۱۶، ۴۹۷، ۴۸۹، ۴۸۸
۸۳۷، ۸۰۰، ۷۷۶	۶۱۰، ۶۹۴، ۷۱۳، ۷۲۹، ۷۴۹، ۷۸۷، ۸۰۳
جمهوری اسلامی ایران / اکثر صفحات	۸۴۵، ۸۵۴، ۸۵۸، ۸۵۹، ۹۱۹، ۹۲۴، ۹۵۲
جمهوری اسلامی موریتانی / ۴۹۵	امریکای لاتین / ۱۱۷، ۳۲۳، ۵۲۴، ۶۹۴
جمهوری عربی سوریه / ۸۰۸، ۵۶۴	۷۴۹، ۸۰۳
جیرفت / ۵۲۲	آمل / ۸۸۱
حجاز / ۲۳۰	بجین / ۸۱۰
حرم امام خمینی / ۹۷۱، ۹۴۳	بصره / ۹۰۴
حرم امام علی، نجف / ۳۶۷	بغداد / ۸۱۸
حسینیه جماران / ۸۶۵، ۵۲۰، ۱۳۴، ۱۳۰	بنگلادش / ۳۴۸
خاورمیانه / ۳۵۳، ۳۱۱، ۲۳۳، ۱۱۴، ۱۱۳	بوشهر / ۳۴۹، ۹۷۶
۳۸۳، ۴۰۵، ۴۸۹، ۷۴۹، ۸۰۳، ۸۵۹، ۸۹۳	بهشت زهرا / ۹۴۳، ۹۰۵، ۵۳۶، ۳۵۶
خراسان / ۲۳۳	بیروت / ۶۵۵، ۶۷۴، ۷۳۱
خرمشهر / ۸۶۸، ۸۵۶، ۶۹۹، ۶۰۷، ۳۹۸	پاریس / ۹۰۴، ۱۱
۸۸۷، ۸۹۸	پاکستان / ۴۹۵، ۳۴۸، ۳۳۷، ۱۴۹، ۶۰
خلیج فارس / ۶۵۹، ۳۸۳، ۲۳۳، ۱۱۴	۵۵۵، ۷۷۶، ۸۱۰، ۸۱۵

۱۰۷۸ / ره، رهرو، رهبر

فلسطین / ۲۲، ۸۹، ۱۶۲، ۱۶۷، ۱۹۱، ۱۹۲، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۸، ۲۴۳، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۷۵، ۳۰۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۴۰۰، ۴۴۵، ۴۵۸، ۴۸۶، ۴۹۰، ۴۹۱، ۵۰۳، ۵۰۶، ۵۱۵، ۶۱۹، ۶۵۵، ۶۷۴، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۴۱، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۸۴، ۷۸۷، ۸۰۰، ۸۱۰، ۸۱۲، ۸۱۴، ۸۱۳، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۸۶، ۸۸۷، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۵۳، ۹۵۴	خوزستان / ۳۹۸ خیابان ارم، قم / ۷۵۳ خیابان ایران، تهران / ۵۳۷، ۵۳۶ خیابان ولی عصر، تهران / ۵۳۶ دانشگاه تهران / ۱۳۵، ۹۴۷ دریای عمان / ۲۳۳ دزفول / ۳۹۸ دشت عباس / ۳۹۸ روسیه / ۳۲۲، ۵۵۹، ۶۰۹، ۶۲۶، ۷۲۴، ۷۸۶ روم / ۳۱۸، ۶۴۹ زابل / ۴۲۱، ۳۴۶ زندان ابو غریب (بغداد) / ۷۴۱، ۷۴۶، ۷۴۸ زندان گوانتانامو / ۷۴۸ زیمباوه / ۲۰۲، ۷۱۳ ژاپن / ۳۴۹ سد کرخه / ۶۸۷ سفارت ایالات متحده امریکا در ایران / ۱۵۷، ۴۰۲، ۴۴۰، ۵۳۳، ۷۱۵، ۸۴۴، ۹۲۳ سنندج / ۸۱ سیستان و بلوچستان / ۳۳۳، ۳۴۸، ۷۲۰ شبه قاره‌ی هند / ۲۹۰، ۳۳۷، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۹۲، ۴۸۸، ۶۲۶، ۶۶۷، ۸۱۵ عراق / ۱۱۷، ۱۴۷، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۹۳، ۳۵۰، ۳۵۸، ۳۷۱، ۳۹۲، ۴۸۲، ۳۹۸، ۵۹۹، ۶۰۲، ۶۵۹، ۶۶۷، ۶۹۸، ۷۴۱، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۸۷، ۸۰۸، ۸۱۱، ۸۱۵، ۸۳۷ عربستان سعودی / ۳۳۷، ۴۲۲ عرفات / ۲۳۸ غزه / ۸۲۳، ۸۵۸، ۸۸۶، ۹۸۴، ۹۸۵ فرانسه / ۳۸۰، ۴۸۲، ۶۰۲، ۷۰۷، ۸۷۶
قزوین / ۹۷۶ قفقاز / ۹۷۶ قله دماوند / ۵۸۱ قله سبلان / ۶۵۸ قم / ۷، ۳۸، ۷۹، ۱۶۴، ۱۷۲، ۱۸۹، ۲۷۹، ۳۳۲، ۳۳۴، ۳۴۴، ۳۴۵، ۴۰۷، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۴۵، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۵، ۴۸۰، ۴۶۶، ۵۲۲، ۵۲۵، ۵۲۹، ۵۳۱، ۵۴۲، ۵۴۴، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۸، ۵۷۴، ۵۸۹، ۵۹۶، ۵۹۸، ۶۱۹، ۶۳۶، ۶۶۰، ۶۶۲، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۹۳، ۷۱۹، ۷۲۸، ۷۵۳، ۷۵۴، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۴۷، ۸۴۸، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۵۳، ۹۵۵، ۹۸۸ قیطریه، تهران / ۳۱۰ کارون / ۳۹۹ کربلا / ۳۹۴، ۴۱۰، ۴۵۰ کرخه / ۳۹۸ کردستان / ۸۱، ۸۵۵ کعبه / ۸۷، ۲۳۰، ۲۳۸ کوبا / ۱۹۴ کوفه / ۲۸۹، ۳۶۷، ۵۰۲، ۷۸۳، ۸۴۸ کویت / ۲۶۶، ۲۶۷، ۴۲۲، ۴۳۸، ۶۰۲ گینه کوناکری / ۱۸۰ لبنان (جمهوری پارلمانی) / ۲۲، ۱۶۳، ۴۹۰	

نمایه‌ها / ۱۰۷۹

مسجد ضرار / ۸۶۳	۸۰۸، ۷۸۷، ۷۳۱، ۶۷۴، ۶۵۶، ۶۵۵، ۵۹۰
مسجد الحرام / ۸۷۲، ۳۵۵، ۲۳۸	۹۵۵، ۸۲۳، ۸۱۴، ۸۱۰
مسجد النبی / ۸۷۲، ۳۵۵، ۲۳۰	لرستان / ۳۱۵
مسکو / ۶۰۹	لهستان / ۱۷۹، ۱۷۸
مشعر / ۲۳۸	لیبی / ۳۴۹، ۹۴۸، ۹۵۲، ۹۹۰
مشهد / ۵۶۷، ۴۵۹، ۴۱۹، ۲۹۰، ۲۳۳، ۱۸۸	مدرسه دارالشفاء / ۴۱۷
۹۸۸، ۸۲۰، ۵۹۶، ۵۷۰	مدرسه فیضیه قم / ۷۹، ۳۴۲، ۵۶۸، ۵۹۹
مصر / ۹۹۰، ۹۵۲، ۹۴۸، ۸۰۸، ۶۶۷، ۳۹۲	۹۸۸، ۹۱۵، ۷۸۳، ۷۵۳
مکه / ۴۴۸، ۸۷، ۸	مدرسه‌ی رفاه / ۴۴۰، ۴۹۳، ۵۳۶، ۵۳۷
منا / ۲۳۸	۵۵۹
مهاباد / ۸۱	مدرسه‌ی علوی / ۸۸۳، ۵۵۹، ۵۳۷، ۴۴۰
نجف / ۹۰۴، ۶۱۶، ۶۰۱، ۴۶۶، ۴۱۷، ۳۴۹	مدینه / ۸، ۲۶، ۸۷، ۶۴۹، ۶۵۰، ۷۸۲
۹۸۸	۷۸۳
نجف آباد / ۵۴۶، ۵۴۵	مراکش / ۲۷۵
ورامین / ۵۷۴، ۴۵۰	مرقد امام خمینی / ۱۲۶
هیروشیما / ۷۴۹	مرکزی / ۶۶۲
یمن / ۹۵۲، ۹۴۸	مسجد اعظم قم / ۹۱۷، ۶۶۰
	مسجد سلماسی / ۳۸

منابع مکتوب:

چهل حدیث (کتاب امام) / ۶۴۲	قرآن کریم / ۱۶، ۸۲، ۸۶، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۲۴
دعای کمیل / ۵۰۲، ۵۰۱	۱۲۷، ۱۴۱، ۲۱۶، ۲۲۶، ۲۳۶، ۲۵۲، ۲۸۰
سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی	۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۷، ۳۰۳
جمهوری اسلامی ایران / ۸۶۲	۳۱۳، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۲۱، ۳۶۰، ۳۶۴، ۳۶۷
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران / ۱۲۶	۳۷۰، ۳۸۱، ۳۹۲، ۳۹۶، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۲۳
۱۴۰، ۳۴۶، ۵۰۵، ۵۳۴، ۵۷۸، ۶۰۳، ۶۰۴	۴۲۸، ۴۳۱، ۴۳۵، ۴۳۹، ۴۴۳، ۴۶۰، ۴۸۵
۶۲۹، ۶۴۰، ۶۴۵، ۶۶۱، ۶۷۸، ۶۸۰، ۶۸۴	۵۰۱، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۷، ۵۴۳، ۵۴۸، ۵۶۰
۶۸۵، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۸	۵۶۱، ۵۶۵، ۵۶۸، ۵۹۱، ۵۹۵، ۵۹۸، ۶۵۲
۷۱۷، ۷۵۶، ۷۷۷، ۸۰۴، ۸۱۵، ۸۴۷، ۸۶۲	۶۶۴، ۶۷۵، ۷۲۷، ۷۳۴، ۷۵۰، ۷۷۴
۸۶۹، ۹۰۱، ۹۲۷، ۹۳۸، ۹۵۱، ۹۵۵، ۹۵۶	۷۷۶، ۷۹۰، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۸۹، ۹۱۲، ۹۱۳
۹۶۲	۹۴۲، ۹۵۸، ۹۷۲، ۹۷۳

۱۰۸۰ / ره، رهرو، رهبر

مناجات شعبانیّه / ۵۰۱، ۵۰۲

نهج البلاغه / ۱۲۴، ۵۰۱، ۷۸۸

وصیتنامه سیاسی-الهی امام خمینی / ۱۱، ۱۸،

۲۵، ۴۰، ۸۰، ۸۹، ۹۲، ۹۹، ۱۲۸، ۲۱۳، ۲۷۰،

۴۶۶، ۵۴۶، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۳، ۵۷۸، ۵۹۴،

۶۳۴، ۶۴۸، ۶۷۳، ۶۸۰، ۶۹۰، ۷۰۹، ۷۱۷،

۷۹۱، ۸۰۶، ۸۲۹، ۸۳۱-۸۳۶، ۸۳۸، ۸۶۲،

۸۶۹، ۸۸۱، ۸۹۱، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۷،

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغة للصبحى صالح، شريف الرضى محمد بن حسين، ناشر: هجرت. قم - چاپ اول - ۱۴۱۴ هـ.ق.
۳. الصحيفة السجادية، ادعية الامام السجاد(ع)، ناشر: نشر الهدى، قم، ۱۳۷۶ هـ.ش.
۴. بحار الأنوار، العلامة المجلسي، ناشر: اسلاميه، تهران. (نسخه ى موجود در نرم افزار نور)
۵. المناقب، محمد بن شهر آشوب مازندراني، ناشر: مؤسسه انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ هـ.ق.
۶. عوالي اللآلى، ابن ابى جمهور احسائي، ناشر: سيدالشهداء، قم، ۱۴۰۵ هـ.ق.
۷. مسند الامام الرضا(ع)، عزيزالله عطاردى، ناشر: آستان قدس، مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۶ هـ.ق.
۸. مصباح الشريعة، ترجمه ى عبدالرزاق گيلانى، ناشر: پيام حق، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ هـ.ش.
۹. تحف العقول، ابن شعبة الحراني، ناشر: مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين، قم، المشرفة، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۱۰. كامل الزيارات، ابن قولويه قمى، ناشر: انتشارات مرتضويه، نجف، ۱۳۵۶ هـ.ق.
۱۱. كشف الغمة، على بن عيسى إربلى، ناشر: مكتبة ى بنى هاشمى، تبريز، ۱۳۸۱ هـ.ق.
۱۲. الكافي، الشيخ الكليني، ناشر: دار الكتب الإسلامية، طهران، ۱۳۶۲ ش، طبعة الثانية.
۱۳. المصباح الشريعة، المنسوب للإمام الصادق(ع)، ناشر: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، بيروت، ۱۴۰۰ هـ.ق.
۱۴. شرح منظومه: محقق سبزواری، ناشر: نشر ناب، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۹.
۱۵. ربيع الأبرار و نصوص الأخيار، جارالله زمخشري، ناشر: مؤسسة اعلمى، بيروت، چاپ اول ۱۴۱۲ هـ.ق.

۱۰۸۲ / ره، رهرو، رهبر

۱۶. منهج البراعه في شرح النهج البلاغی، میرزا حبیب‌الله هاشمی خوئی، ناشر: مکتبه الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۰ ه.ق.
۱۷. شرح نهج البلاغه، ابن ابي الحديد، ناشر: کتابخانه آیة الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ ه.ق.
۱۸. وسائل الشیعه، الحر العاملي، ناشر: مؤسسه آل البيت : لإحياء التراث، قم، ۱۴۰۹ ه.ق.

منابع الکترونیکی:

۱. نرم افزار حدیث ولایت / مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی / نور.
۲. نرم افزار گنجینه نور / مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی / نور.
۳. نرم افزار جامع الاحادیث / مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی / نور.
۴. نرم افزار جامع التفاسیر / مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی / نور.
۵. نرم افزار بحار الانوار / مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی / نور.
۶. نرم افزار حکمت اسلامی / مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی / نور.
۷. نرم افزار تراث / مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی / نور.
۸. پایگاه اینترنتی به نشانی www.khamenei.ir.